

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهر و نند مسئول امر به معروف و نهی از منکر

گردآوری و تنظیم



ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
نشانی: اصفهان، خیابان جی، صندوق پستی: ۸۱۵۹۵-۱۵۸
تلفن: ۹-۰۳۱-۳۵۳۵۴۰۰۱، فاکس: ۰۳۱-۳۵۳۵۴۰۶۰، *Email: info@khuisf.ac.ir*

مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهروند مسئول
امر به معروف و نهی از منکر

- مدیر تولید: فاطمه دادرس
- طراح جلد:
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴
- شماره‌گان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: تومان

© حق چاپ محفوظ است.

ISBN:

شابک:

پیام مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مظاهری «نظراً عالی»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»

همایش بین المللی شهروند مسئول که در تبیین دو فریضه و فضیلت بزرگ الهی امر به معروف و نهی از منکر تشکیل گردیده است، اقدامی شایسته‌ی تحسین است. به ویژه آنکه این نشست بین المللی در زمانی برگزار می‌گردد که ماه محرم الحرام، آن را به نام و یاد بلند بزرگ احیاء گرامر به معروف و نهی از منکر، یعنی سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین «علیه افضل الصلوات والتحيات»، معطر و منور ساخته است. امام همامی که اساس و بنیاد قیام حق گرایانه و عدالت طلبانه و آزادی خواهانه‌ی او، امر به معروف و نهی از منکر بوده است و آن بزرگوار در جریان این قیام بزرگ، بارها بر این معنای اساسی و با اهمیت، پای فشرده است.

در این که این فریضه‌ی انسان ساز و جامعه ساز یکی از مهم ترین و تأثیر گذارترین موضوعات سترگ دینی، اخلاقی، اجتماعی، فقهی و حقوقی است، کم ترین تردیدی وجود ندارد و از این رو این موضوع کلان، به غیر از متن کتاب و سنت، در علوم اسلامی گوناگون نیز همانند تفسیر، کلام، فقه، اخلاق و عرفان از جایگاه بحث و بررسی های نظری و عملی ویژه و شایان توجه برخوردار گردیده است.

در عین حال، اما باید سوگمنده گفت که امر به معروف و نهی از منکر از مظلوم ترین موضوعات دینی ماست، چرا که از یک سو، چه بسیار کسانی که با بی تفاوتی و مسئولیت ناشناسی از کنار این امر حیاتی می‌گذرند و در به پا داشتن و اقامه‌ی آن کوتاهی می‌کنند و به تعبیر شیوای امام باقر «سلام الله علیه»: «لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لَأَنْفُسِهِمُ الرِّخَصَ وَالْمَعَاذِيرَ» با دست و پا کردن توجیحات غیر قابل قبول، دست از وجوب و اجراء این واجب بزرگ بر می‌دارند و بدین صورت با گناه کاران، مداهنه و همراهی می‌کنند و از سوی دیگر، چه بسیار کسانی هم که به جای فهم و آگاهی صحیح و اجرای درست این فریضه با سرسری نگری و ژرف ناندیشی و عمل کردهای شعاری تهی از شعور و عقلانیت، گزندها و تلخی های فراوان و جبران ناشدنی برای این فریضه‌ی مظلوم به بار می‌آورند و عملاً چهره‌ی منور این واجب انسان ساز و حیات بخش را در نظر عمومی و بین المللی مشوه و تیره می‌سازند و با سفاهت خود، آفت و آسیب حقایق می‌شوند و به تعبیر بلند امام هادی «سلام الله علیه»: «إِنَّ الْمُحَقَّ السَّقِيَّةَ يَكَادُ أَنْ يُطْفِئَ نُورَ حَقِّهِ بِسَفْهَةِ» کسی که حق با اوست ولی سفیهانه و ناآگاهانه اقدام می‌کند، نزدیک است که نور حقیقش را به عمل نابخردانه اش خاموش سازد.

این نمایی از قصه‌ی پر غصه‌ی مظلومیت امر به معروف و نهی از منکر است که زیر بنا و بنیاد همه‌ی فرایض الهی بر شمرده شده است و در توصیف آن در قرآن و روایات چنان سخنانی بیان گردیده که برای هیچ فریضه‌ی دیگری بیان نشده است. قرآن کریم اساساً برتری امت اسلامی را مرهون این فریضه‌ی برمی‌شمارد و می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و فلسفه‌ی حکومت اسلامی را نیز برقراری این فریضه در کنار دو فریضه‌ی عبودیت و عدالت می‌داند: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ».

در روایات اهل بیت عصمت و طهارت (نیز امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه‌ی صالحان دانسته شده و تأمین دیانت دینداران و حلیت اقتصاد و تجارت آنان و آبادانی و توسعه‌ی ظاهری و طبیعی مردمان و رخت بر بستن و دفع ظلم ظالمان و خلاصه، اقامه و پایداری امر دین و دنیای ملت اسلامی، مرهون و وابسته به امر به معروف و نهی از منکر تلقی گردیده است.

اینک ماییم و این فریضه‌ی بزرگ الهی با این توصیفات ویژه و آن آفت‌ها و آسیب‌های با اهمیّت که باید با سرانگشت تدبیر و اهتمام، مرتفع گردد.

در این مجال لازم است به چند نکته‌ی اساسی توجّه شود:

نخست: آنکه امر به معروف و نهی از منکر، واجبی بسیار فراتر از چند پند و تذکر خصوصى و محدود به موارد جزئی است. دامنه‌ی معروف‌ها و منکرها در تمامی شئون فردی و اجتماعی و حکومتی گسترش داشته و شامل همه‌ی ابعاد زندگی فرد و جامعه و حکومت می‌شود. باید این شایسته‌ها و ناشایسته‌ها در ابعاد و زوایای گوناگون به دقت و درستی شناسایی شود و بدین صورت، شرط اول امر به معروف و نهی از منکر که علم و تشخیص معروف‌ها و منکرهاست، فراهم گردد.

دوم: این دو فریضه‌ی الهی اگرچه در یک بافت فقهی و حقوقی و اخلاقی در کنار یکدیگر و همتای همدیگرند ولی در عین حال دو اصل دینی مترقی جداگانه به شمار می‌روند. امر به معروف، فرمان به خوبی‌ها و شایسته‌ها و بایسته‌هاست، چنان که نهی از منکر، بازداشتن از بدی‌ها و ناشایسته‌ها و نابایسته‌هاست. ولی نکته‌ی قابل توجّه و تأمل آن است که در فرهنگ والای اسلامی در نوع آموزه‌های قرآن و عترت ابتدا سخن از امر به معروف و سپس نهی از منکر است و این بدان معناست که اهتمام و فرمان به معروف‌ها یک اصل مقدم به شمار می‌رود و همواره کارایی فزون‌تر و ابعاد مثبت روان‌شناختی و اخلاقی بیشتری داشته و خواهد داشت.

سوم: امر به معروف و نهی از منکر، چه از دیدگاه فقهی و چه از منظر اخلاقی، دارای مراتب چندگانه‌ای است که مرتبه‌ی نخست و برترین مراتب آن، امر به معروف و نهی از منکر عملی است به گونه‌ای که دیگران از رفتار و سیره‌ی عملی یک انسان دین‌دار، متعظ گردیده و تأثیر مثبت بپذیرند.

التزام به این مرتبه، سبب خودسازی و تهذیب نفس و تزکیه‌ی باطن انسان خواهد بود و روح احساس مسئولیت و تعهد را در آدمی زنده خواهد کرد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر بر اساس دستور قرآن و روایات باید با جدیت هرچه تمام‌تر بکوشد تا خود در مسیر عمل به معروف‌ها و پرهیز از منکرات، پیشاهنگ و پیشتاز باشد و ندای وحی الهی را به گوش جان پذیرا گردد که: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» و نیز «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مُقْتَنًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ». چنان که شیوه‌ی مرضیه‌ی انبیاء الهی نیز بر همین روال بوده است: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَ رَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُحَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَأَكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ». پیامبران صریحاً اعلام کردند که همواره به تعالیمی که بیان می‌کنند، خود پیش از دیگران، پای‌بند و ملتزمند و در رسالت خود جز به صلاح و سداد بشریت نمی‌اندیشند.

بنابراین برای احیاء و اقامه و همگانی کردن امر به معروف و نهی از منکر، باید شرایط و زمینه‌هایی فراهم شود که اخلاق و تهذیب نفس در جامعه‌ی اسلامی به امری همگانی و رایج مبدل شود تا توان و ظرفیت روحی و روان‌شناختی مردمان، رشد و ارتقاء یابد و بدین وسیله با شخصیت کمال یافته‌ی خود در دیگران تأثیر گذارند. از یک جامعه‌ی غریبه‌ی با

اخلاق و از یک ملت دورافتاده از تهذیب روحی نمی توان انتظار امر به معروف و نهی از منکر داشت و توقّع زنده بودن امر به معروف و نهی از منکر در چنین جامعه ای توقّعی بی جا و بیهوده است.

دقیقاً در این جاست که نقش برجسته و پررنگ مبلغان دینی و مصلحان جامعه اسلامی از یک سو و نقش با اهمیت و تأثیرگذار مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی از سوی دیگر، در پدید آوردن ریشه ها و بارور ساختن نهال امر به معروف و نهی از منکر در صحنه اجتماع، روشن شده و خود را نمایان می سازد. عالمان و حاکمان باید از سر آگاهی و مسئولیت، پیشتازان صدر اول این فریضه باشند و به عهد و پیمانی که خداوند سبحان از آنان به ویژه در امور اجتماعی اخذ کرده است، کمال توجه و التزام را داشته باشند.

هر سه نکته ای که به اختصار بیان گردید، عوامل بسیار اساسی و نقش آفرین در احیاء فریضه ای امر به معروف و نهی از منکر به شمار می روند و البته نکات دیگری نیز وجود دارد که در این مجال کوتاه نمی گنجد.

امید است این همایش بین المللی که با حضور و اهتمام شما اندیشمندان و فرهیختگان داخلی و خارجی برگزار گردیده است، پنجره ای نو به بحث امر به معروف و نهی از منکر بگشاید و فراتر از بحث های نظری صرف، با رویکرد کاربردی، گره های شناخته و ناشناخته ی مظلومیت را از ساحت این فریضه ی الهی انسان ساز و جامعه ساز باز گشاید و در این صورت به امید خداوند متعال به هدف و آرمان خود دست خواهد یافت. ان شاء الله.

از همه ی مسئولان محترم برگزاری این همایش به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی که با تدبیر و جدیت خود به یکی از اساسی ترین نیازهای معنوی و اخلاقی جامعه ی اسلامی پرداخته اند و نیز از تمامی اندیشورانی که با مشارکت علمی خود، به این نشست، رونق بخشیده اند، تقدیر و تشکر می نمایم و توفیقات همگان را در احیاء و اقامه ی فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر، از خداوند قادر متعال مسألت می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حسین المظاهری

۲۸/آذر ماه/۱۳۹۰

۲۳ محرم الحرام/۱۴۳۳

قسمتی از متن پیام تصویری حضرت آیت الله علامه جوادی آملی (خطبه الله)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على جميع الانبياء والائمة الهداه المهديين سيما خاتم الانبياء وخاتم الاوصياء عليهما الالف التحية والثناء بهم نتولى ومن اعداهم نتبرالى الله

مقدم شما مهمانان ارجمند را گرامی می‌دارم و از برگزارکنندگان این همایش و زین بین‌المللی شهروند مسئول حق‌شناسی می‌کنیم و از همه‌ی کسانی که با ارائه‌ی مقالاتی به این همایش وزین کمک کرده‌اند تشکر می‌کنیم. سعی بلیغ همه آقایان انشاءالله مشکور خدای سبحان باشد و توفیق بهره‌وری از این همایش وزین را هم برای همگان از خدای سبحان مسالت می‌کنیم. جریان امر به معروف و نهی از منکر به چهار عنصر اصلی وابسته است عنصر اول آن است که جامعه به معروف موفق بشود: باور کند، عمل کند و تبلیغ، منکر را بشناسد، باور کند که زشت است پرهیز کند و تبلیغ، اگر این دو کار انجام شد آنگاه نسبت به دیگران وظیفه و رسالت جامعه این است که امر به معروف کند، چون خودش موتمر به معروف و نهی‌کننده چون خودش منتهی است، این چهار عنصر محوری را در کتاب‌های فقهی کنار هم می‌بینیم این چنین نیست که امر به معروف باشد و فعل معروف نباشد آنچنان نیست که نهی از منکر باشد ولی پرهیز از منکر نباشد و...

فیلم کامل پیام در نرم افزار چند رسانه‌ای همایش موجود می‌باشد.

پیام مرصع‌التیقدیر حضرت آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی «نظراً علی»

قال الله تعالى: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ.
قال مولانا امیرالمؤمنین علیہ السلام: مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي.
السلام علیکم ورحمة الله و بركاته؛

با مسألت توفیق برای اساتید، محققان، دانش پژوهان، حوزویان، دانشگاهیان، مؤسسات و سازمان‌های اسلامی و سایر شرکت کنندگان در این همایش بین‌المللی که برای ترغیب و تشویق همگانی امت اسلامی به انجام فریضه‌ی بزرگ امر به معروف و نهی از منکر برگزار می‌شود، امید است این حرکت، سرآغازی نوین برای بسیج ملت‌های مسلمان به سوی تجدید هویت اسلامی و احیاء معالم دین مبین و سنن عالیہ و حیاتی قرآنی باشد.

آنچه تفهیم و درک آن ضرورت دارد، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و اعتبار و ارزشی که در اسلام؛ در آیات قرآن مجید، در سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و مکتب و معارف اهل بیت علیهم‌السلام برای آن بیان شده است.

در اسلام، این حق بلکه مسئولیت برای همه ثابت است که در حفظ مصالح عالیہ جامعه و سیر آن به سوی کمال بیشتر و رفع و دفع نقاط ضعف و سقوط در هاویه‌های گوناگون انحطاط و ابتذال مشارکت و نظارت داشته باشند و از همه کس و هر نهادی عمل به وظایف و تکالیف را مطالبه نمایند.

جامعه در اسلام، یک واحد بزرگ است که همه باید از آن نگهداری نمایند تا ارکان قدرت و استقلال آن همواره پابرجا و برقرار بماند و هیچ کس حق بی‌تفاوتی و کناره‌گیری از این وظیفه را ندارد.

حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، جامعه و افراد آن را مانند یک کشتی معرفی می‌نمایند که همه با هم روی آن سوار می‌شوند و برای هر کدام جایی و مکانی معین می‌شود. در این بین یک تن از آنها که می‌خواهد محل خود را تخریب و سوراخ نماید، وقتی به او اعتراض می‌نمایند، می‌گوید: هذا مکانی أصنعُ فيه ما شئت؛ این نقطه جای خود من است و در آن آزادم هر کاری انجام بدهم. حضرت فرمود: اگر او را از آن عمل تخریبی و سوراخ کردن کشتی باز بدارند، هم خود او و هم سایرین نجات می‌یابند و اگر او را رها نمایند، همگی هلاک می‌گردند.

اگر در جامعه امر به معروف و نهی از منکر نشود، مفاسد و معاصی و ملامهی و مناهی و موجبات انقراض جامعه و ضعف و فقر و جهل فراگیر می‌شود و همه آسیب می‌بینند و اگر نقش پایه‌ای این وظیفه‌ی بزرگ در هر ملتی بیشتر رعایت شود، تمدن آن ملت و امنیت و خیر و سعادت بیشتر تأمین می‌گردد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام با این اعلام بزرگ و شیوا و بسیار بلند و رسا و اساسی، مسلمانان را به آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر این چنین توجه داده است: همه کارها و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مثل اندکی آب در برابر دریاها و پهناور و بی‌ساحل است.

حیات جامعه در همه شعب حیاتی بشر و ارزش‌های والا در گرو انجام این فریضه است. افتخار و ارزش و هویتی که به حکم قرآن مجید، این امت به وسیله آن بهترین امم می‌باشد - در کنار ایمان -، امر به معروف و نهی از منکر است.

دنیای اسلام در حال حاضر به هیچ چیز مثل امر به معروف و نهی از منکر احتیاج ندارد. داروی همه بیماری‌ها و فقر اقتصادی و سیاسی و علمی، این فریضه شرعی است.

امر به معروف و نهی از منکر، فرهنگ و مکتب است و رشته‌ها و شعب آن که در خانواده، در مدرسه، در دانشگاه، در دولت، در مطبوعات، در سخنرانی‌ها و در مشاغل در همه جا و نسبت به همه کس باید اجرا شود. امر به معروف و نهی از منکر، کار الهی و کار انبیا و اولیاء است؛ کیفیت‌های آن باید آموخته شود. در معاشرت‌ها، انتخاب‌ها، تشویق‌ها و تجارت‌ها و برنامه‌های دیگر، اصل امر به معروف و حب فی الله و بغض فی الله باید رعایت شود. منکرستیزی و معروف‌گرایی باید برنامه باشد و خلاصه، مفاهیمی مثل *أزجر المسیئ بئواب المحسن* از شعب این فریضه الهی است.

باید با دل، با زبان و با دست، حسب موارد امر به معروف و نهی از منکر نمود؛ *مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ*؛ کسی که تمام اقسام آن را ترک کند همانند مرده‌ای است که در میان زنده‌ها راه می‌رود. در خاتمه با عرض تشکر و قدردانی از برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در این همایش، امیدوارم که آثار و برکات این نشست بین‌المللی، افتخار آفرین و موجب خشنودی و رضایت حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفدا گردد.

بجول الله وقوته وآخردعوانا الحمد لله رب العالمین.

لطف الله صافی

۲۲/ محرم الحرام ۱۴۳۳

پیام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی «مظلّم العالی»

بسم الله الرحمن الرحيم

در پیام آیت الله العظمی مکارم شیرازی به همایش شهروند مسئول آمده است: قبل از هر چیز تشکیل این همایش با شکوه را که به منظور تأکید نهادن بر دو وظیفه بسیار مهم اسلامی یعنی امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شده را به همه شما عزیزان و همه پایه گذاران و دست اندرکاران تبریک عرض می کنم و مطمئنم که به عنوان حسنه برجسته ای در نامه اعمال همه شما نوشته می شود و ذخیره یوم المعاد خواهد بود.

حقیقت این است که امر به معروف تفاوت روشنی با تمام احکام اسلامی دارد و همین ویژگی به اهمیت آن فوق العاده افزوده است و آن اینکه امر به معروف هم ردیف و در عرض احکام دیگر مانند نمازه و روزه و حج و جهاد نیست، بلکه در طول آنها قرار دارد یعنی ناظر به مرحله اجرای احکام است امر به معروف سبب می شود که مردم نماز بخوانند، روزه بگیرند، حج بروند، ظلم نکنند، ربا نخورند، معاملات صحیح انجام دهند؛ بنابراین هر گاه این وظیفه ترک شود تمام احکام الهی سست می گردد به همین دلیل امام باقر (ع) در حدیث معروف و پرمعناي خود، اشاره به مسئله امر به معروف و نهی از منکر کرده و می فرماید: «فريضة بهما تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب؛ به وسیله این دو فريضة خيمه واجبات برپا می شود و جاده ها امن می گردد و کسب ها حلال خواهد شد.

و اگر امروز می بینیم مفاسد زیاد و گسترده شده هم از نظر اخلاقی و هم از نظر سوء استفاده های کلان مالی در سطح جامعه، یکی از دلایل مهم آن این است که این دو وظیفه مهم اسلامی متروک شده است، نه تنها متروک شده، بلکه اگر کسانی هم بخواهند اقدام به آن کنند بعضی از آن جلوگیری می نمایند.

ترک این دو وظیفه اسلامی سبب می شود که تدریجاً منکرات در نظرها معروف بلکه گاهی به عنوان ضرورت جلوه کند و معروف ها منکر شود و اعمال ضد ارزشی محسوب شود.

در حالی که اگر این دو وظیفه با شناخت تمام شرایط آن اجرا گردد جامعه رو به پاکی و طهارت خواهد رفت و از حجم مفاسد بسیار کاسته می شود.

به امید روزی که همه ی مسئولان و همه جامعه به اهمیت و فلسفه این دو فريضة پی ببرند و طرحی نو در جامعه ما بریزند و همه از برکات آن بهره مند شوند.

بار دیگر از همه عزیزان و بنیان گذاران همایش تشکر کرده و موفقیت همگان در احیای این دو وظیفه بزرگ را از خداوند متعال خواهانم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر
مسئولان و دست اندر کاران محترم همایش بین المللی شهروند مسئول در تبیین امر به معروف و نهی از منکر

سلام علیکم

ابتدا جا دارد از حسن توجه و اهتمام شایسته شخصیت‌ها و نهادهای محترم دست‌اندر کار این همایش به تبیین و احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر صمیمانه تشکر کنم. امیداست این اقدام شایسته اما دیر هنگام شما نقطه عزیمتی باشد برای توجه جدی فرهیختگان جامعه و مسئولان نظام به توانمندی‌های بی‌بدلیل این فرضیه متأسفانه مجهور افتاده که بی‌شک مهمترین اصل از اصول تعالم اجتماعی اسلام عزیز است.

لازم می‌دانم به مصداق «و ذکر فان الذکری تنفع المومنین» نکته مهمی را به اختصار خدمت مسئولان و شرکت‌کنندگان محترم و دلسوز و دانشور این همایش ارزشمند یادآوری کنم:

امربه معروف و نهی از منکر سازوکار بی‌بدیل اسلام در جهت تحقق اصل نظارت همگانی و مسئولیت عمومی در جامعه و جلوگیری از فاسد و ترغیب جامعه به سمت تعالی مادی و معنوی است که نه در شرایع سالفه بدین وسعت و اهمیت بدان پرداخته شده و نه در نظام‌های عرفی برآمده از تمدن پر ادعای جدید جایگزینی برای آن دیده می‌شود و دریغ که اصلی چنین گرانمایه و تاثیرگذار در جوامع اسلامی تقریباً متروک مانده و نه تنها از محوریت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی خارج شده بلکه حتی در اعداد یکی از عوامل و مؤلفه‌ها در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی نیز بدان توجه نمی‌شود اگرچه در اصل هشتم قانون اساسی پر برکت جمهوری اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی و متقابل مردم نسبت به یکدیگر و دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شمرده شده است که شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند اما مع‌الاسف تاکنون ساختار اجرایی این اصل، طراحی و تعریف نشده و قوانین عادی مربوط به آن تدوین و تصویب نشده است.

اصل مسئولیت همگانی در اسلام که در آیات فراوان مربوط به امر به معروف و نهی از منکر یا با تعبیری چون «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة» از زبان پیامبر صلوات‌علیه‌وآله بیان شده است از باب نصیحت و موعظه نیست بلکه ازان دسته از خطاب‌های شرعی است که سیاست‌های کلی اسلام را در تنظیم روابط اجتماعی و اداره امور جامعه بیان می‌کند و نهادینه کردن و طراحی و سازمان‌دهی آن، وظیفه حاکمیت به عنوان متولی اجرای احکام اسلام در جامعه و اجرای آن وظیفه آحاد مردم است و البته در این میان، وظیفه مضاعف علما و اندیشمندان اسلامی و متخصصان امور اجتماعی تبیین روش‌مندان و قابل اجرای این اصل مهم از تعالیم اجتماعی اسلام به تناسب اقتضائات و نهادها و نیازهای هر عصر است.

باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر همواره به معنای امر و نهی تکلیفی نیست بلکه در گستره‌ای وسیع‌تر دعوت به معروف، ترویج معروف، تربیت کردن جامعه براساس معروف، شناساندن منافع و مصالح معروف بلکه جهاد با دشمنان و مجاهدت در مقابل منکرات کلان نیز از مصادیق امر به معروف به معنای عام آن و دعوت به اجتناب از پلیدی و کژی‌ها و تعدی به حقوق یکدیگر و شناساندن مضار و مفسدات منکر نیز از مصادیق نهی از منکر است که توضیح و شرح ابعاد گسترده آن نیاز به مجال دیگری دارد.

در خاتمه با آرزوی توفیق برای مسئولان محترم همایش، انتظار می‌رود که مقالات و مباحثات این همایش و اقدامات متعاقب آن فراتر از طرح مباحث نظری، شروع مبارکی برای احیای عملی اصل نظارت همگانی و مسئولیت عمومی و تبیین راه کارهای اجرایی فرضیه الهی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سید محمود هاشمی شاهرودی

قم المقدسه - ۲۰ محرم الحرام ۱۴۳۳

فهرست

ارائه مدل نظری برای تبیین رابطه‌ی بین دین‌داری و سرمایه‌ی اجتماعی با تأکید بر فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر.	۲۱
امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر	۳۳
مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و سنت	۴۲
بررسی نقش شهروند مسوول در ارتقای سرمایه اجتماعی	۵۹
امر به معروف و نهی از منکر؛ گمشده دیروز و امروز، نیاز فردا	۶۰
ضرورت امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقه شیعه و شافعیه	۶۸
امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن کریم	۷۴
مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر در اسلام	۸۰
استراتژی امر به معروف و نهی از منکر، راهکاری عملی	۹۵
شهروندی و نقش آن در تعالی جامعه با رویکرد اسلامی	۱۰۲
شناخت امر به معروف و نهی از منکر و ارائه راهکارهای گسترش آن در محیط دانشگاه	۱۰۹
مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر در اسلام	۱۲۰
نقش پرستشگاه‌ها در گسترش امر به معروف و نهی از منکر	۱۳۳
مطالعه تجربی آگاهی از حقوق شهروندی	۱۴۲
امر به معروف و نهی از منکر	۱۵۶
مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد امنیت اجتماعی از منظر آیات و احادیث	۱۶۷
نقش امر به معروف و نهی از منکر و ضمانت اجرایی آن در حقوق شهروندی	۱۷۶
بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای در تربیت شهروند خوب از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد	
در سال تحصیلی ۹۰-۸۹	۱۸۸
مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و سنت	۲۱۰
آموزش حقوق شهروندی از طریق نظام آموزشی	۲۱۹
نقش شهروندی در ارتقاء سرمایه اجتماعی	۲۳۱

۲۴۹	شناخت و معرفی امام، مهم ترین معروف
۲۵۹	راهکارهای اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها
۲۷۶	بررسی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در توسعه گردشگری
۲۸۶	نقش گردشگری اسلامی در تبیین امر به معروف و نهی از منکر
۲۹۲	مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و سنت
۳۱۳	امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه علم کلام، قرآن و نهج البلاغه
۳۲۵	بررسی عوامل مؤثر برت حول ارزش‌های اجتماعی از دیدگاه شهروند مسئول در شهر پارس آباد مغان
۳۳۸	شهروند مسئول، ضرورت‌ها و راهکارهای احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر
۳۴۹	امر به معروف و نهی از منکر و انحرافات اجتماعی
۳۵۵	آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر
۳۶۹	بررسی مفهوم شهروند مسئول با استفاده از عبارت «شجاعت مدنی» در جامعه و فلسفه سیاسی غرب
۳۷۵	سبب‌شناسی و آسیب‌شناسی خشونت شهری (وندالیسم)، چالش پیش‌رو در تربیت شهروند مسئول
۳۸۷	طرح شهرک آموزشی شهروند مسئول ایرانی-اسلامی برای کودکان و نوجوانان
۳۹۷	جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی و حقوق بین‌الملل
۴۱۵	امر به معروف و نهی از منکر و حقوق شهروندی
۴۲۲	مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات
۴۴۳	امر به معروف و نهی از منکر جلوه‌ی اخلاق اجتماعی در اسلام
۴۸۳	امر به معروف و نهی از منکر در فرازهایی از سخنان مقام معظم رهبری
۴۹۳	امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام
۵۰۵	نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم
۵۱۰	شیوه‌های عملی امر به معروف و نهی از منکر
۵۲۲	نقش نظام آموزشی در تبیین و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر
۵۳۱	شهروند مسئول و رابطه آن با بهداشت روانی
۵۴۴	مفهوم‌پردازی امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد وظایف یک شهروند مسئول
۵۵۶	بررسی نقش سرمایه‌های روان‌شناختی در امر به معروف و نهی از منکر
۵۶۷	مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر
۵۷۳	مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر و نظارت در قوانین کشورهای اسلامی
۵۸۲	شهروند مسئول در «توسعه انسانی پایدار» شهر اسلامی و ایرانی
۵۹۵	نقش امر به معروف و نهی از منکر در توسعه و پیشرفت جامعه از منظر آیات و روایات

۶۰۹.....	نقش دین در زندگی انسان معاصر با تأکید بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر	
۶۲۷.....	امر به معروف و نهی از منکر و حریم خصوصی	
۶۲۸.....	وجوب نظارت همگانی در زندگی شهری	
۶۲۹.....	بررسی جامعه‌شناختی تأثیر گروه‌های مرجع بر میزان پذیرش امر به معروف و نهی از منکر	
۶۴۰.....	امر به معروف و نهی از منکر چیست و آیا می‌توان در دنیای امروز آن را به اجرا درآورد؟	
۶۵۱.....	تبیین نقش امر به معروف و نهی از منکر در شیوه‌های مدیریت چند فرهنگی با تأکید بر مدیریت فراملیتی	
	An introduction to responsible citizen in a religious system.....	658
	The Responsible Man: Some Limits	661
	Literacy for Empowerment: Socio-economic and Health promotion programs among Islam rural women in India.....	664
	The Mutual Rights Between People and Statesmen From Imam Ali's Viewpoint.....	667

مقدمه

پیامبر خدا در بیان اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «اتمم همواره در خیر و نیکی خواهند بود، مادامی که امر به معروف و نهی از منکر و تعاون بر نیکی کنند؛ ولی اگر چنین نکنند، برکات از آن‌ها گرفته، بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر مسلط می‌شوند؛ در حالی که نه در زمین و نه در آسمان یار و یابوری ندارند.»

یکی از راه‌هایی که ضامن اجرای احکام دینی است، عمومی شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. در فرهنگ اسلام، افراد جامعه همانند سرنشینان یک کشتی هستند چنانچه یکی از آن‌ها بخواهد دیواره کشتی را سوراخ کند، همگی وظیفه دارند که مانع او شوند و گرنه همه آن‌ها غرق خواهند شد. امام باقر علیه‌السلام این فریضه الهی را ضامن اجرای واجبات می‌داند و می‌فرماید: «به وسیله امر به معروف و نهی از منکر، واجبات به پا داشته می‌شود و راه‌ها امن و کسب‌ها حلال و ظلم‌ها دفع و زمین آباد می‌شود. دین اسلام که سعادت بشر را عهده‌دار است، احکام زندگی اجتماعی او را نیز در نظر گرفته است، اسلام بر این نکته نیز تأکید دارد که سلامت فرد از سلامت جامعه جدا نیست. بنابراین، با طرح نظارت عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر، امید به آینده‌ای درخشان و به دور از فساد را در دل‌ها می‌پروراند و ترک این دو امر مهم را موجب گرفتاری مردم می‌داند لذا با توجه موارد ذکر شده با هدف توسعه و ترویج فریضه امر به معروف و نهی از منکر همایش بین‌المللی شهروند مسئول در این واحد دانشگاهی برگزار شد و اکنون مجموعه مقالات گردآوری شده همایش برای استفاده عموم اقشار مختلف جامعه چاپ گردید.

در خاتمه از معاونت محترم فرهنگی سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشگرده مطالعات میان فرهنگی و دیگر مسئولین محترم سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی استان‌های اصفهان و تهران، ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور، معاونت محترم پژوهشی حوزه علمیه اصفهان، استانداری و شهرداری اصفهان، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران، سازمان صداوسیما، مجمع جهانی اهل بیت^(ع)، مسئول محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان، ریاست محترم منطقه چهار، دبیر محترم منطقه چهار، رئیس محترم شورای پژوهشی منطقه چهار، دبیر محترم شورای فرهنگی منطقه چهار دانشگاه آزاد اسلامی و دیگر واحدهای دانشگاهی همکار و همچنین از معاونین ارجمند و همکاران گرامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) به‌ویژه ریاست محترم دانشگاه و معاونین محترم فرهنگی و پژوهشی که در زمینه برگزاری همایش ما را یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

دبیرخانه همایش بین‌المللی شهروند مسئول

کمیته علمی همایش شهروند مسئول:

- دکتړ حسنعلی احمدي
- دکتړ رضا اسماعیلی
- دکتړ محمدرضا اقارب پرست
- حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر بیگی
- دکتړ عبدالرضا باقی
- دکتړ سهیلا پرستگاری
- دکتړ مسعود حیدری
- حجت الاسلام والمسلمین دکتړ مسعود راعی
- دکتړ علی رشید پور
- دکتړ پیام نجفی
- دکتړ مجید نیلی احمدآبادی
- مهندس امید خواجه

ارائه مدل نظری برای تبیین رابطه‌ی بین دین‌داری و سرمایه‌ی اجتماعی با تأکید بر فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

احمد فتح الهی^۱

چکیده

یکی از نمادهای مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به یکدیگر و در قبال جامعه‌ی خویش در یک نظام اسلامی مردم‌سالار، عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. معروف چیزهایی است که هم شرع و هم عقل آن‌ها را پسندیده و خوب می‌داند و منکر اعمالی است که در نظر شرع و عقل، ناپسند و زشت است. امر به معروف و نهی از منکر از جمله آثار و پیامدهای دین‌داری و هویت دینی مسلمانان است که باعث افزایش مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی (مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی) در راستای عمل به فرایض و واجبات دینی و نهی از مکروهات و محرمات دینی می‌شود. حال با توجه به ارتباط بین هویت دینی و دین‌داری با سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی)، در این مقاله ابتدا کلیاتی در زمینه فریضه امر به معروف و نهی از منکر عرضه شده است و در ادامه ضمن توصیف و تشریح دین و هویت دینی و همچنین سرمایه‌ی اجتماعی، مدل و الگوی نظری و مفهومی ارتباط بین هویت دینی با سرمایه اجتماعی با تأکید و توجه بر احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر ارائه شده است.

واژگان کلیدی: احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، هویت دینی، سرمایه‌ی اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

مقدمه

یکی از نمادها و سمبل‌های دین‌داری و هویت دینی در جامعه اسلامی، احساس مسئولیت در قبال احیای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. معروف چیزهایی است که هم شرع و هم عقل آن‌ها را پسندیده و خوب می‌داند و منکر اعمالی است که در نظر شرع و عقل ناپسند و زشت است. نام دیگر معروف‌ها واجبات یا مستحبات است و از منکرها هم می‌توان بانام محرمات و مکروهات یاد کرد. (گنجی، ۱۳۸۹)

اقتضای عمل به فریضه احیاء امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از اینکه در معیار معاشرت «هر آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز پسند». انسان باید در انجام امر به معروف و عمل به آن خودخواه و خودبین نباشد و فضایل را تنها برای خود نخواهد و دوری و پرهیز از زشتی‌ها را اختصاصی نکند؛ بلکه بکوشد خوبی‌ها را در سطح جامعه و جهان گسترش دهد (ربانی و طاهری، ۱۳۸۷). امر به معروف و نهی از منکر بهترین و زیباترین نشانه‌ی اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است. امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن، یعنی دغدغه هدایت و ارشاد دیگران را داشتن (کمالی اردکانی، ۱۳۸۳).

سؤال اینجاست که چگونه باید به این امر راه یافت؛ به گونه‌ای که موجب آزرده‌گی خاطر دیگران نباشد و کسی را از خود نرنجاند تا زمینه‌ی توسعه‌ی معروف در جامعه فراهم شود و برخوردهای نیک اجتماعی تبدیل به برخوردهای نامناسب نشود. باید توجه داشت قاطعیت برای اجرا شدن خوبی‌ها به معنای تندى و خشونت نیست؛ بلکه باید با نرمی و مهربانی و با تسلط کامل بر اعصاب با منکرات برخورد و به معروف امر کرد.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، آدرس پست الکترونیک: ahmadfattolahi@yahoo.com

اصولاً امر ونهی هنگامی تأثیرگذار است که همراه با همدلی و مدارا با مرتکب منکر و تارک معروف باشد. نکته‌ای که از آن نباید غافل شد این است که بیزاری و نفرت از منکر نباید به بیزاری و نفرت از مرتکب منکر تبدیل شود، زیرا مرتکب منکر به هر جهت انسان است و انسان نیز معصوم از خطا نیست. خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد: «اگر تو را نافرمانی کنند، بگو من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم» (شعرا ۲۱۶)

امربه معروف و نهی از منکر باید این تلخی (تلخی منکر) و ناگواری را با شیرینی بیان رفق و مدارا و حسن خلق جبران کند تا تلاش او اثر کند و دل سخت معصیت کار را نرم نماید.

ملاحظه می‌شود که لزوم اجرائی شدن امر به معروف و نهی از منکر، بستگی به ایجاد و توسعه شبکه روابط اجتماعی، پیوندها و ارتباطات عمیق میان اعضای یک گروه یا جامعه دارد که از طریق ایجاد هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. چنین مفهومی امروزه در دانش جامعه‌شناسی نوین تعبیر به سرمایه اجتماعی می‌شود. سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی که ممکن است افراد، گروه‌ها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب آن را بکار گیرند، قلمداد می‌شود و آن مفهومی است که در بسیاری موارد توسط تحلیلگران اجتماعی برای توصیف طیف وسیعی از فرآیندهای اجتماعی به کار برده می‌شود و کمک می‌کند تا به درک این پرسش که چرا برخی افراد، گروه‌ها و طبقات مردم به نتایج سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی مثبت تری نسبت به دیگران نائل می‌شوند، منجر شود (خواجه پور، ۱۳۸۰).

حال با توجه به نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در ایجاد بستر و زمینه برای ترویج و نشر ارزش‌ها و سمبل‌های دینی و به‌خصوص وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در بین آحاد و اقشار مختلف مردم، در این مقاله ابتدا به توصیف و تشریح فریضه امر به معروف و نهی از منکر، دین و هویت دینی و سرمایه اجتماعی خواهیم پرداخت و در ادامه مدل و الگوی نظری ارتباط بین دین و هویت دینی با سرمایه اجتماعی را با تأکید بر احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر ارائه خواهیم کرد.

الف- فریضه امر به معروف و نهی از منکر

فریضه امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین نمادها و سمبل‌های دین و هویت دینی در جوامع اسلامی است. معروف به معنای شناخته‌شده، مرسوم و متداول است و عمل معروف، عملی است که توسط عقل و دین شناخته‌شده و مورد تأیید بوده و با فطرت و ذات پاک انسان سازگار باشد. منکر نیز به معنای ناشناخته، ناپسند، ناروا و زشت و عمل منکر، عملی است که زشت باشد و توسط عقل و دین تأیید نشود و با فطرت پاک انسانی مخالفت داشته باشد.

معروف و منکر را از سه راه می‌توان شناخت:

۱. شروع دین مبین اسلام است؛ یعنی شناخت واجبات و محرماتی که در قرآن کریم و سنت رسول گرامی پروردگار و همین‌طور در احادیث اهل بیت (ع) ذکر شده است.
۲. راه عقل؛ با این بیان که از طریق عقل می‌توان معروفات و منکرات را شناخت، البته باید توجه داشت که عقل سلیم مدنظر است.
۳. راه فطرت؛ نهادی که دائماً متوجه ذات باری تعالی است و انسان را از وسوسه‌های شیطانی دور می‌سازد. به بیان دیگر باید گفت تشخیص فطری معروف و منکر، یک تشخیص کاملاً پاک و صحیح است و از این طریق می‌توان متوجه شد که معروف کدام است و منکر چیست؟ (هاشمی، ۱۳۸۱)

در جامعه‌ای که سرنوشت اعضایش به هم پیوسته است تنها با سلامت اعضای آن، جامعه سالم می‌ماند و امر به معروف و نهی از منکر بزرگ‌ترین ضامن سلامت جامعه است. همچنین علاوه بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه فردی است، یک وظیفه اجتماعی نیز هست؛ چراکه دین اسلام بهترین و کامل‌ترین قوانین را برای زندگی اجتماعی و فردی انسان

و برای دنیا و آخرتش دارد که در صورت انجام آن قوانین، انسانیت از گزند انحراف و آلودگی گناه و معصیت به دور خواهد بود.

معمولاً فقها چهار شرط را بر این فریضه ذکر می‌کنند:

۱. علم و معرفت؛
۲. احتمال اثر و نتیجه؛ یعنی باید این احتمال وجود داشته باشد که امر به معروف یا نهی از منکر کردن، تأثیرگذار خواهد بود؛
۳. نبودن ضرر و به تعبیر بعضی فقها، مترتب نشدن مفسده یا عدم ترتب مفسده بالاتر؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر برای این است که معروف رواج گیرد و منکر محو شود؛ پس باید درجایی امر به معروف و نهی از منکر کرد که احتمالاً این کار اثر داشته باشد و اگر می‌دانیم که قطعاً بی‌اثر است واجب نیست. پس باید درجایی صورت بگیرد که مفسده بالاتری بر آن مترتب نشود و لازمه این شرط بصیرت در عمل است. آدمی که در عمل بصیرت ندارد نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آیا اثری بر این کار مترتب است یا نه. آیا مفسده بالاتری هست یا نه. این است که امر به معروف‌های جاهلانه افسادش بیش از اصلاحش است، هم مفسده بیشتری ایجاد می‌کند و هم این فریضه در نظر مردم بد تعبیر می‌شود و مردم دچار بدبینی می‌شوند. خوارج، منکر بصیرت در عمل در باب امر به معروف و نهی از منکر بودند و در عمل بصیرت نداشتند؛ از این رو بود که قیام می‌کردند، ترور می‌کردند، شکم پاره می‌کردند بدون آنکه اثر داشته باشد و از این راه مصیبتی بزرگ برای عالم اسلام به وجود آوردند.
۴. ادامه و اصرار متخلف؛ یعنی اگر احتمال آن وجود داشته باشد که شخص متخلف (آن کسی که معروف را ترک یا مرتکب منکر شده است) پشیمان و نادم شده و از انجام و تکرار کارهایش منصرف شود، دیگر لزومی به تذکر و اجرای این فریضه نیست. در واقع هدف اصلی این فریضه که همانا رواج معروف و زوال منکر است برآورده خواهد شد (دردا، ۱۳۸۵) (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۸).

مراتب امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله قلب، زبان و دست است:

۱. در درجه اول مسلمان باید در قلب خود نسبت به خلافکاری، ترک واجبات الهی و ارتکاب و شیوع منہیات دینی احساس انزجار و نفرت داشته باشد و این تنفر قلبی خود را با یک عمل منفی بروز دهد؛ مثلاً با اظهار تأسف و تکدر با قیافه و سر و ...
۲. در مرتبه زبان باید ابتدا از طریق پند و نصیحت و نرمی وارد عمل شد و اگر فایده نداشت سخنان درشت به کاربرد. اسلام تا بدان جا به نرمی کردن با دیگران بخصوص با کسانی که می‌خواهیم امر به معروف یا نهی از منکر کنیم اهمیت داده است که حتی وقتی قرار است که حضرت موسی و هارون (علیهم‌السلام) به سراغ طاغوتی مانند فرعون بروند، خدا به آن‌ها دستور می‌دهد که با فرعون به نرمی صحبت کنند، بدزبانی و پرخاش نکنند، در قدم اول برخوردشان تند و خشن نباشد؛ زیرا همیشه در گفتار نرم و دل‌نشین امید تأثیر بیشتری هست: «... فقولا له قولا لینا یتذکر او یخشی: و با او به نرمی سخن بگوئید، شاید پندپذیر شود یا بترسد». (طه/۴۴)
۳. برای مرتبه ید و عمل نیز مراتبی ذکر شده و غالباً متوجه این قضیه شده‌اند که گاهی احتیاج می‌افتد به اینکه اعمال زور شود یا متضمن صدمه و جراحتی یا قتل کسی شود و در اینجاست که فقها به اصطلاح توقف می‌کنند و می‌گویند این دیگر وظیفه عام نیست و عامه حق ندارند از پیش خود دست به این کارها بزنند.

این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حاکم شرعی و یا کسی است که از طرف حاکم شرع اجازه و دستور این کار را دارد و اگر به عموم مردم اجازه این کار داده شود مستلزم هرج و مرج در اجتماع می‌شود و جامعه بیشتر به تباهی کشیده می‌شود و دیگر این فریضه از محور و رویه اصلی خود خارج شده و محور و علت اصلی آن خصومت‌های شخصی یا گروهی و جناحی خواهد شد (خدابند طی، ۱۳۸۵) (اکبری، ۱۳۸۳).

ب- هویت دینی

هویت

هویت یک واژه عربی است و از ضمیر مفرد مذکر "هو" که به معنی او می‌باشد، مشتق شده است (رضا دوست و میرزائی، ۱۳۸۷: ۱۴۵) در لغت‌نامه دهخدا هویت تشخیص معنا شده که میان حکما و متکلمان مشهور است. (محرمی، ۱۳۸۳، ۶۶). در فرهنگ آکسفورد هویت به معنای چیستی و کیستی افراد معنی شده است. در جامعه‌شناسی واژه‌ی هویت به معنای چه کسی بودن و حس شناساندن خود است که یک سلسله عناصر فرهنگی و تاریخی را در فرد یا گروه انسانی تحریک می‌کند و مجموعه خصوصیات، مشخصات فردی و اجتماعی، احساسات و اندیشه‌های مربوطه که فرد آن‌ها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب سؤال من کیستم ارائه می‌دهد، هویت اطلاق می‌شود. (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۲۵) بنابراین هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند و یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مجموعه معانی‌ای را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی او را تشکیل می‌دهند. هنگامی که از هویت به‌عنوان یک پدیده‌ی جمعی یاد می‌شود، ویژگی‌هایی جمعی نیز از قبیل احساس همبستگی، احساس تعلق به یک جامعه و علاوه بر آن فداکاری و وفاداری نسبت به آن احساس می‌شود (خانیکی، ۱۳۸۳، ۷).

انواع ابعاد هویت

"تاجفل" هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر ارزشی (فرض‌هایی در مورد پیامدهای ارزشی مثبت و منفی عضویت گروهی و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). بر این اساس هویت اجتماعی از نظر تاجفل عبارت است از آن بخش از برداشت‌های یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی، همراه با اهمیت ارزشی آن عضویت سرچشمه می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۶، ۲۲۳).

از نظر جامعه‌شناسان، هویت دو ویژگی مهم دارد: یکی آنکه هویت وجه تمایز "ما" و "من" با "دیگر" و "دیگران" است و دوم آنکه هویت مهم‌ترین منبع شناخت عواطف، احساسات و سازمان‌دهی رفتارهای جمعی و فردی، در درون جامعه اطراف محسوب می‌شود که می‌تواند دارای ابعاد متعدد باشد و برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: (قادری، ۱۳۸۴، ۴۴)

- هویت اجتماعی: هویت اجتماعی هر فرد بر اساس جایگاه فرد در اجتماع تعریف می‌شود و چون جامعه از نهادها و گروه‌های مختلفی اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... تشکیل شده است، بنابراین هویت اجتماعی شخص بر اساس این که به کدام یک از نهادها تعلق دارد چندگانه است.
- هویت فردی: هویت فردی در مجموع به‌نوعی آگاهی اطلاق می‌شود که هر فرد در فرآیند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره خود کسب می‌کند.

- هويت خانوادگي: هرچند كه تعريف هويت خانوادگي دشوار است اما مي‌توان آن را تعيين نسبت ميان فرد و خانواده دانست. به اين معني كه چه پيوندهايي ميان آنها موجود است.
- هويت قومي: باور مشترك و احساس يك قوم بر اساس وابستگي خوني، نژادي، زبان، سرزمين و روابط خويشاوندي است.
- هويت ديني: هويت ديني متضمن سطحي از دين‌داري است كه با ماي جمعي يا همان اجتماعي ديني مقارنه دارد. در واقع هويت ديني نشان‌دهنده احساس تعلق به دين و جامعه ديني همچنين تعهد به دين و جامعه ديني است. هويت ديني در واقع همان آثار و عوارض ناشي از حمل دين بر فرد دين‌دار است. به تعبير بهتر با پذيرش دين به عنوان اصل اعتقادي و تعهد و احساس تعلق به آن، در زندگي و وجوه مختلف حيات فرد مؤمن تغييرات و نتايج مهمي حاصل مي‌شود كه همان هويت ديني است (چيت‌ساز قمي، ۱۹۶، ۱۳۸۳).
- بنابراين برخورداري از دين و تعاليم مذهبي مشترك، پايبندى و وفادارى به آن، اعتقاد و تمايل به مناسك و آيين‌هاي مذهبي فراگير، در فرايند شكل‌دهي هويت بسيار مؤثر است. با توجه به اينكه يكي از ويژگي‌هاي هويت چندبعدي و مركب بودن آن است، براي هويت ديني نيز ابعادي در نظر گرفته شده است كه عبارت‌اند از:
 ۱. بعد دين‌داري و نگرش به نفس دين: «دينى بودن» عنوان عامي است كه به هر فرد يا پديده‌اي كه ارزش‌ها و نشانه‌هاي دين در آن متجلي باشد، اطلاق مي‌شود. تجلي نشانه‌هاي ديني بودن فرد را در نگرش، گرايش و كنش‌هاي آشكار و پنهان او مي‌توان جست و شناسايي كرد. فرد متدين از يك سو، خود را ملزم به رعايت فرمان‌ها ديني مي‌داند و از سوي ديگر اهتمام و ممارست‌هاي ديني، او را به انساني متفاوت با ديگران بدل مي‌سازد. بدين طريق با دو نشانه مي‌توان او را از ديگران بازشناخت يكي از طريق پايبندى و التزام ديني‌اش و ديگري پيامد دين‌داري و آثار تدوين در فكر و جان و عمل فردي و اجتماعي او. پس دين‌داري به بيان كلي يعني داشتن اهتمام ديني به نحوي كه نگرش گرايش و كنش‌هاي فرد را متأثر كند (شجاعى زند، ۱۳۸۴، ۳۶).
 - "گلارك" و "استارك" ساختارهاي ديني متعددي را تحت عناوين باور، عمل (مراسم مذهبي و عبادت) تجربه، معارف و نتايج و پيامدهاي ديني و تأثيرات روزانه آن نام برده‌اند. آنها ويژگي‌هاي مرتبط با دين‌داري را حول پنج بعد زير جمع‌بندي كرده‌اند كه راهنماي ما در اين بررسي بوده است:
 - بعد اعتقادي كه دربرگيرنده باورهايي است كه انتظار مي‌رود فرد با توجه به دين خاص خود به آنها اعتقاد داشته باشد.
 - بعد مناسكي كه عبارت است از آداب و رسوم و مراسمي كه هر دين از پيروان خود انتظار دارد كه آنها را به‌جا آورند.
 - بعد عاطفي يا تجربي كه ناظر به عواطف، تصورات و احساسات پيروان يك دين به وجودي ربوبي همچون خدا يا واقعي غايبي و اقتداري متعالي است.
 - بعد فكري يا دانش ديني كه مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌هاي بنيادي در مورد معتقدات هر دين است.
 - بعد پيامدي يا آثار ديني كه ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش ديني بر زندگي روزانه است و به عبارت ديگر تأثير و انعكاس ديني در رفتارهاي روزمره است (كتابي و ديگران، ۱۳۸۳، ۱۷۷).
- ۲. بعد فرهنگي (تعهدی): "سالانسيك" تعهد را عبارت از پيوند دادن فرد به اعمال و اقدامات فردي وي مي‌داند و منظور كلي از اين تعريف آن است كه تعهد زماني واقعي مي‌يابد كه فرد نسبت به رفتار و اقدامات خود

احساس مسئولیت و وابستگی کند؛ به عبارت دیگر، در این مفهوم صرف حرف زدن کافی نیست و به دنبال آن باید عمل همراه با مسئولیت نیز باشد. پس به طور کلی می‌توان تعهد را احساس وفاداری و احساس مسئولیت فردی تعریف کرد (احمدپور و شائمی، ۱۳۷۸، ۳۵). بنابراین می‌توان تعهد دینی را مجموعه‌ای از عناصر شناختی نمادین و عملی دانست که میراث سنتی خاص را تشکیل می‌دهد مثل: آموزه‌ها، کتاب‌ها، رفتارها و آیین‌ها، تاریخ اندیشه‌ها و شیوه‌های اندیشه‌ورزی که ریشه در فعالیت‌های اجتماعی اجتماعات دارند، عادات غذا خوردن، لباس پوشیدن، امور بهداشتی و نظایر آن که با نظام اعتقادات مرتبط‌اند، هنر و آموزه‌های زیباشناختی که به طور عملی توسعه یافته است و با این اعتقادات ارتباط دارد و نظایر آن شامل بعد فرهنگی هویت است. در واقع بعد فرهنگی، نگرش مثبت به میراث فرهنگی - مذهبی مسلمانان و تلاش برای حفظ و نگهداری آن است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳، ۱۹۶).

۳. بعد تاریخی (تعقلی): منظور از آن آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی دین و احساس تعلق خاطر و دل‌بستگی بدان دانست. این بعد دربرگیرنده دو مؤلفه است: یکی دانش تاریخی، به معنای آگاهی از مهم‌ترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی و دیگری تعلق خاطر تاریخی، به معنای وجود احساسات و عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث، وقایع و شخصیت‌های مثبت و منفی که نتیجه آن برخورد مثبت و افتخارآمیز با آن‌ها یا موافق دانستن فعالیت‌ها و شخصیت‌های مؤثر و مثبت در تاریخ کشور و احساس غرور یا ناراحتی و سرافکنندگی و تحقیر شدن است (همان: ۱۹۵) بنابراین این بعد به آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی دین خود و احساس دل‌بستگی به آن و اهتمام به حفظ و زنده نگه‌داشتن آن دلالت می‌کند.

ج - سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به صورت ذاتی و نهفته در روابط اجتماعی گروه‌های نخستین، ثانوی و در سازمان اجتماعی جامعه (نهادی‌های رسمی و غیررسمی) وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزشمند که گاه از آن به عنوان ارزش‌های اجتماعی یاد می‌شود عبارت‌اند از: صداقت، حسن تفاهم، همدردی، دوستی، دلسوزی، همبستگی و ... به عبارتی دیگر سرمایه اجتماعی مجموعه منابع مادی یا معنوی است که به یک جزء یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (بورديو و ککوانت، ۱۹۹۲: ۲۱۹ نقل از جان، فیلد، ترجمه غفاری، رضانی، ۱۳۸۶، ۳۱) بنابراین می‌توان سرمایه اجتماعی را مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی دانست که موجب ارتقای همکاری اعضای آن جامعه شده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادل و ارتباطات می‌شود.

دیدگاه‌های نظری درباره سرمایه اجتماعی

"پی‌یر بورديو" سرمایه اجتماعی را از سایر سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می‌کند و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملی قائل است. وی سرمایه اجتماعی را شبکه‌ای نسبتاً بادوامی از روابط کم‌ابیش نهادینه‌شده‌ی توأم با شناخت و تعهدات از جمله اعتماد متقابل می‌داند که به عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه، موجبات لازم را برای تحصیل کنش‌های فردی یا جمعی کنش‌گران فراهم می‌سازد. بنابراین از نظر بورديو ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیاء و نهادها بنیان

نهاد‌اند. این روابط ممکن است از طریق کاربرد یک نام مشترک (خانواده، ملت، انجمن، حزب، دین) و مجموعه‌ای کامل از کنش‌ها برای نهادینه کردن، نظیر مبادلات مادی و نهادی تضمین شود (عبدلهی، موسوی، ۱۳۸۶، ۹). "کلمن" سرمایه اجتماعی را انرژی‌های نهفته در جامعه می‌داند که سبب فعال شدن ارتباطات در میان مردم می‌شود. وی این منابع را اعتماد، همدلی، تفاهم و ارزش‌های مشترکی می‌داند که شبکه انسانی و اجتماعی را به هم متصل می‌سازد. او از اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات و هنجارها به عنوان عناصر سرمایه اجتماعی یاد می‌کند (وحید و دیگران، ۱۳۸۳، ۲۰).

"رابرت پاتنام" نیز به تبع کلمن و بورديو سرمایه اجتماعی را از دیگر انواع سرمایه‌ها متمایز می‌کند و آن را به عنوان سازمانی اجتماعی می‌داند که مشتمل بر شبکه‌هایی از روابط و تعاملات توأم با آگاهی و اعتماد اجتماعی است و با تسهیل کنش‌ها در ارتقاء کارایی سازمان و توسعه اقتصادی مؤثر واقع می‌شود (سعادت، ۱۳۸۵، ۲۰۳). وی سرمایه اجتماعی را اساس اعتبار جامعه می‌داند که از طریق اعتماد سازی، مردم را به تعاملات و تعلقات اجتماعی برای رسیدن به اهداف مشخص ترغیب می‌کند. وی عناصر اساسی سرمایه اجتماعی را تعهد و اعتماد متقابل، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، احساس تعلق، صداقت و تعاملات اجتماعی می‌داند. از نظر وی سرمایه اجتماعی از سه مؤلفه اساسی برخوردار است که عبارت‌اند از:

- شبکه‌ها: او با تفکیک شبکه‌های افقی (مساوات طلب) از شبکه‌های عمومی (انحصار طلب)، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌کند. از نظر او شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، احزاب و ...) به دلیل ارائه چارچوب فرهنگی برای همکاری، مواد هنجارهای اعتماد همیاری هستند.
 - هنجارهای همیاری: پاتنام در تعریف هنجارهای همیاری به دو نوع متوازن و تعمیم یافته اشاره می‌کند. در نوع متوازن با مبادله هم زمان چیزهایی با ارزش برابر، مانند موقعی که همکارها روزهای تعطیلشان را با هم عوض می‌کنند، مواجه هستیم. اما در نوع تعمیم یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است؛ اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده باید در آینده بازپرداخت شود.
 - اعتماد: از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود. اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد. وی در بحث اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع شخصی و اجتماعی اشاره می‌کند و نوع دوم یعنی اعتماد اجتماعی را که بعضاً اعتماد تعمیم یافته نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند (توسلی، موسوی، ۱۳۸۴، ۱۷-۱۵).
- "فوکویاما" نیز از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌کند. به عبارت دیگر از نظر او اعتماد انتظاری است که از یک اجتماعی برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط دوستانه و مبتنی بر تعاون و مشارکت بر می‌خیزد (کارکنان، ۱۳۸۸، ۲۱۵-۲۱۶).

سپس فوکویاما به منابع سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند و آن‌ها را چنین برمی‌شمارد:

- منابعی که به صورت نهادی ساخته می‌شود؛ از طریق قوانین و نظام‌های قانونی.

- منابع خود جوش؛ که از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آید.
- منابع برون‌زا: که منظور آن است که سرچشمه‌ی هنجارها، غیر از همان اجتماعی است که در آن به کار می‌روند. در این میان نقش دین و ایدئولوژی در فرهنگ بسیار برجسته است.
- منابع طبیعی: که از طریق نظام خویشاوندی و یا قومیت و نژاد ساخته می‌شود (کتابی و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۷۵).

جمع‌بندی چارچوب نظری

مذهب علاوه بر آنکه از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، نشاط و اشتیاق عمومی است، ضمن آنکه در بسیاری مواقع مذهب در مفهوم جامعه شناختی، با تأکید بر بعد عینی و خارجی آن، با سایر مضامین ملی از جمله دولت، تاریخ و میراث فرهنگی در آمیخته است. مذهب از گذشته تا کنون عامل بوجود آورنده‌ی هویت مشخص برای معتقدان خود و تمایز میان آن‌هایی بوده که اعتقادی به آن نداشته‌اند و به عبارتی بخش مهمی از هویت انسان‌ها با مذهب و دین آن‌ها شناخته می‌شود. «مسلمان»، «مسیحی» و «یهودی» بودن، هویت فرهنگی انسان‌های مختلف را به نمایش می‌گذارد. به این ترتیب دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل: اجتماعی کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه سازی جامعه، حفظ ثبات اجتماعی و تقویت نظارت اجتماعی را برعهده داشته‌اند. حبیب زاده در تحقیقی با عنوان بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی بیان می‌کند که برای بالابردن میزان مشارکت سیاسی اجتماعی جوانان باید هویت ملی - دینی جوانان تقویت شود (منصور نژاد، ۱۳۸۵، ۱۷۷).

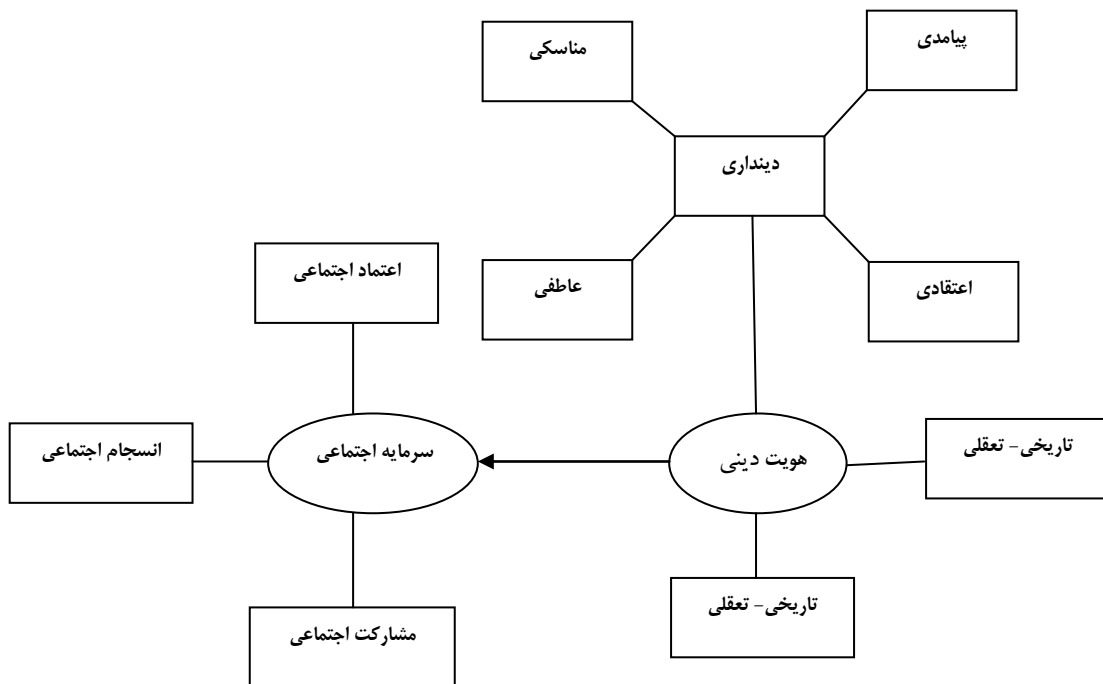
"برندا اونیل" در مطالعه خود تحت عنوان جنسیت، مذهب، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بر تعهدگرایی مذهبی به عنوان یک عنصر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی میان زنان آمریکایی تأکید می‌کند. وی همچنین به بررسی رابطه میان مشارکت زنان در سازمان‌های مذهبی و ایجاد سرمایه اجتماعی پرداخته است و در نهایت نشان می‌دهد که تعهد مذهبی زنان می‌تواند بر توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند (موحد و دیگران، ۱۳۸۷، ۱۶۷).

همچنین مذهب در ایجاد فروبستگی^۱ در روابط اجتماعی از طریق متصل کردن دوستان و اعضای خانواده در یک گروه اجتماعی نقش مهمی را ایفا کند. به نظر می‌رسد اعضای خانواده‌هایی که در نهادهای مذهبی همانندی شرکت می‌کنند، احتمالاً یک سری روابط اجتماعی با سایر اعضای آن نهاد مذهبی پیدا می‌کنند. "کلمن" عنوان می‌کند که دین، فروبستگی اجتماعی روابط والدین و فرزندان را تقویت می‌کند به طوری که آن روابط اجتماعی را افزایش داده و روابط خویشاوندی مثبت‌تری را نیز بهبود می‌دهد. این مکانیسم به نظر می‌رسد با حضور در مراکز مذهبی آغاز می‌شوند. در واقع، حضور، افراد را در معرض فعالیت‌های اجتماعی قرار داده و آن‌ها را در یک سری روابط اجتماعی وارد می‌کند. علاوه بر حضور فرایند دیگری نیز در این زمینه مشاهده می‌گردد که به نظر می‌رسد اهمیت بیشتری از حضور، در مسیر تقویت روابط افراد، ایفا می‌کند و آن «اهمیت» شخصی افراد به مذهب و عناصر مذهبی است که در نزد برخی اندیشمندان به «هویت-نقش» تعبیر می‌شود. بر اساس نظریه "ویمبلی"^۲ هر چه نقش مذهبی بودن شخص در سلسله مراتب هویت - نقش او بالاتر باشد، نقش مذهبی نفوذ بیشتری بر سایر نقش‌های وی دارد. برای آن‌هایی که مذهب بخش عمده‌ای از هویت‌شان را تشکیل می‌دهد، عناصر مذهبی می‌توانند به عنوان یک نظام معنی‌دار در زندگی روزانه آن‌ها

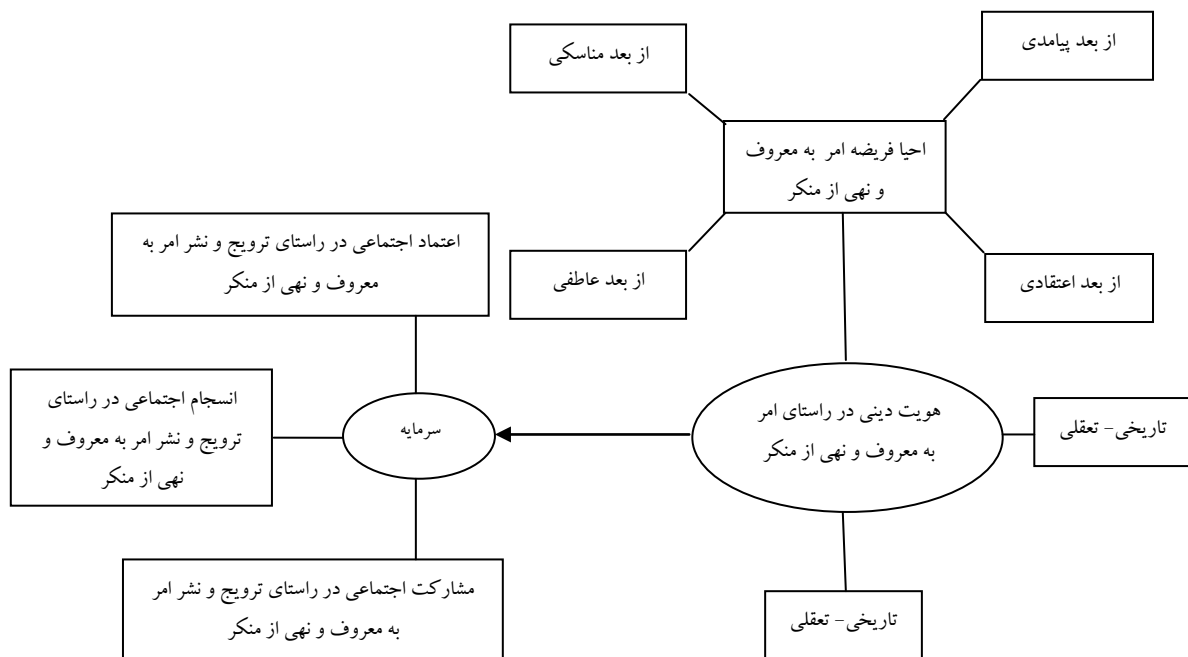
1. Closure
2. Wimberley

نقش بازی کنند و پیام‌هایی که از سوی آن عناصر صادر می‌گردد به عنوان راهنمایی در جهت روابط اجتماعی افراد قلمداد می‌شود. به عنوان مثال "مورگان"^۱ دریافت که میزان بالای اهمیت شخصی مذهب، کنش متقابل دوستانه توأم با حس تعاون و همکاری در افراد ایجاد می‌کند و آن کیفیت روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به هر حال به نظر می‌رسد مذهب چه از طریق «حضور» و چه از طریق «اهمیت» می‌تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و تعاون و ... (که از مظاهر سرمایه اجتماعی است) را در افراد جامعه ایجاد بکند. شکل شماره (۱) بیانگر این مطلب است (گنجی، ۱۳۸۳، ۱۲۵).

با توجه به ارتباط بین هویت دینی و دین‌داری با سرمایه اجتماعی، به نظر می‌رسد که اعتقاد نظری و عملی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز که به عنوان یکی از مصادیق هویت دینی و دین‌داری به شمار می‌رود، ارتباط معنی‌داری با سرمایه اجتماعی از نظر همکاری، مشارکت و تعاون در جهت احیاء و نشر این فریضه در جامعه داشته باشد. لذا می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان اعتقاد نظری و عملی افراد نسبت به این فریضه بیشتر باشد، آن‌ها با اعتماد، انسجام و مشارکت بیشتری در عرصه اجتماعی در مسیر احیاء این فریضه و عمل به آن اقدام می‌کنند و با روحیه همکاری و تعاون افزون‌تری اقدام به تبلیغ، نشر و ترویج این فریضه در صحنه اجتماعی می‌کنند. این ارتباط را می‌توان به صورت مفهومی و شماتیک در شکل (۲) ملاحظه کرد.



شکل (۱) مدل نظری ارتباط بین هویت دینی و سرمایه اجتماعی



شکل (۲) مدل نظری ارتباط بین هویت دینی و سرمايه اجتماعي با تأکید بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر

نتیجه گیری

هدف از نگارش این مقاله تبیین و تشریح ارتباط نظری و مفهومی بین هویت دینی و سرمايه اجتماعي با تأکید بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. ملاحظه کرد که یکی از سمبل‌ها و نمادهای دین داری و هویت دینی التزام نظری و عملی نسبت به فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در ادبیات جامعه‌شناسی نوین انجام این فریضه و تعهد نسبت بدان، از جمله شاخصه‌های یک شهروند مسئول در قبال ارزش‌های جامعه به شمار می‌رود. از طرف دیگر ملاحظه کردیم که دین داری و هویت دینی موجب تحکیم پیوندها و انسجام و مشارکت اجتماعی (مؤلفه‌های سرمايه اجتماعي) نسبت به انجام وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی در جامعه اسلامی می‌شود (شکل ۱). با این پیش فرض و ضمن توضیح دیدگاه‌ها و نظریه‌های سرمايه اجتماعي، مدل و الگوی نظری ارتباط مفهومی بین هویت دینی و سرمايه اجتماعي را با تمرکز بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر ارائه کردیم (شکل ۲).

منابع

۱. قرآن کریم، سوره شعراء آیه ۲۱۶
۲. احمدپور، علی و شائمی (۱۳۷۸) رابطه تعهد و وجدان کاری با تعهد سازمانی، مجله توسعه مدیریت، شماره یازدهم و دوازدهم
۳. اکبری، امین (۱۳۸۳) بررسی تأثیر سرمايه اجتماعي بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۴. توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) مفهوم سرمايه از نظریات کلاسیک و جدید، نامه علوم اجتماعی، شماره بیست و ششم
۵. خانیکی، هادی (۱۳۸۳) هویت در ایران: رویکرد سیاسی اجتماعی فرهنگی و ادبی به هویت و بحران در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی

۶. چیت سازقی، محمدجواد (۱۳۸۳)، هویت دینی جوانان در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی
۷. ربانی، علی و محمدگنجی (۱۳۸۷)، تحلیلی بر رابطه دین‌داری و سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی
۸. رضادوست، کریم و ابراهیم میرزایی (۱۳۸۷)، فصلنامه توسعه انسانی، دوره سوم، شماره اول
۹. سعادت، رحمان (۱۳۸۵)، تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم
۱۰. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دین‌داری، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره یک
۱۱. عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و پنج.
۱۲. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم، مترجم غلامعباس توسلی، تهران، چاپ اطلس.
۱۳. فیلد، جان (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران، انتشارات کویر.
۱۴. قادری، مهدی (۱۳۸۴) آثار و پیامدهای جامعه شبکه‌های بر روی هویت اجتماعی جوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
۱۵. کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۸) تبیین جامعه‌شناختی نقش سرمایه اجتماعی در هویت ملی، مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ و توسعه در منطقه یمرکزی ایران، دانشگاه کاشان، اردیبهشت.
۱۶. کتابی، محمود، محمدگنجی، یعقوب احمدی و رضامعصومی (۱۳۸۳) دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد هفدهم، شماره دوم.
۱۷. کلاتری، عبدالحسین، جلیل عزیزی و سعید زاهدانی (۱۳۸۸)، هویت دینی و جوانان (نمونه آماری جوانان شهر شیراز)، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دوم، شماره دوم.
۱۸. کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۳) هویت در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی.
۱۹. گل محمدی، احمد (۱۳۸۶) جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی.
۲۰. گنجی، محمد (۱۳۸۳)، تبیین وضعیت دین‌داری دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۲۱. محرمی، توحید (۱۳۸۳) هویت در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی ۱۴۴ جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۴۰، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۹.
۲۲. موحد، م؛ عنایت، ح و پورنعمت، ا (۱۳۸۷)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان، ویژه‌نامه «پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی» پژوهش‌های اجتماعی.
۲۳. منصور نژاد، محمد (۱۳۸۵) دین و هویت، تهران، موسسه مطالعات ملی.
۲۴. وحید فریدون، صمد کلاتری و ابوالقاسم فاتحی (۱۳۸۳) رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی، دانشجویان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد هفدهم، شماره دوم.
۲۵. گنجی محمد و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم کاشان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره ۴.
۲۶. ربانی رسول و زهرا طاهری (۱۳۸۷) تبیین جامعه‌شناختی میزان دین‌داری و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی در بین ساکنان شهر جدید بهارستان اصفهان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان، صص ۹۱-۱۲۹.
۲۷. کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۳) هویت در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی.

۲۸. اکبری، امین (۱۳۸۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۹. کلاتری، عبدالحسین، جلیل عزیزی و سعیدزاهدانی (۱۳۸۸)، هویت دینی و جوانان (نمونه آماری جوانان شهر شیراز)، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دوم، شماره دوم.
۳۰. خدا بند طی ربابه (۱۳۸۵) بررسی چگونگی نگرش اقشار گوناگون مردم نسبت به فرضیه امر به معروف و نهی از منکر، پایان نامه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی.
۳۱. دردا مرضیه (۱۳۸۵) بررسی علل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی محجوریت امر به معروف و نهی از منکر و چگونگی رفع آن، آزاد اسلامی (تهران مرکزی). دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی.
۳۲. هاشمی احمد (۱۳۸۱) بررسی کارآیی امر به معروف و نهی از منکر در ساخت‌های مختلف، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۳۳. قدیر خواجه پور (۱۳۸۰) تاثیر فعالیتهای نهادهای غیر رسمی مذهبی بر شناخت فرضیه امر به معروف و نهی از منکر در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم تربیتی.

امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر

لیلا رئیسی^۱

پویان بیگری^۲

مقدمه

حقوق بشر و رعایت آن صلح و تحقق آن همواره از آرمان‌های مقدس و آرزوهای دیرینه بشر بوده است. عدالت در معنای واقعی را نیز باید محصول و نتیجه این دو عامل اساسی دانست. برای تحقق عدالت باید حقوق بشر به طور کامل رعایت شود و صلح نیز در تمام پهنه جهان برقرار شود. پس صلح و حقوق بشر هم باالاصاله برای بشر ارزشمند می‌باشند و هم به واسطه اینکه عوامل اصلی تحقق عدالت می‌باشند. در عین حال ارتباط و پیوستگی صلح و حقوق بشر صرفاً به جهت این نمی‌باشد که هر دو از شرایط لازم برای تحقق عدالت می‌باشند، بلکه صرف نظر از این ویژگی مشترک میان صلح و حقوق بشر وابستگی و ارتباط متقابل وجود دارد. بدین معنا که حقوق بشر بدون استقرار صلح هرگز در واقعیت و عمل معنا و مفهوم نخواهد یافت و صلح نیز بدون رعایت حقوق بشر هرگز تحقق نیافته و مستقر نخواهد شد. به دلیل اهمیت و نقش اساسی صلح و حقوق بشر بر یکدیگر و در نهایت سعادت و کمال انسان، تقریباً در تمام جوامع بشری در هر دو مقوله، زمینه نظارت همگانی با درجات مختلف وجود داشته و هم در بعد ملی و هم بین‌المللی مکانیزم‌های در این ارتباط پیش‌بینی شده است. در این تحقیق سعی می‌شود در حد امکان به بررسی نقش نظارت همگانی در ارتباط با صلح و حقوق بشر، بویژه در بعد بین‌المللی پرداخته شود. فرضیه نگارنده در این تحقیق این است که امر به معروف و نهی از منکر مختص جوامع ملی نبوده و نظارت همگانی چه در قالب مکانیزم‌های سازمان‌بندی شده‌ای همانند مکانیزم‌های سازمان ملل و برخی سازمان‌های منطقه‌ای و چه در قالب پذیرش حق نظارت و حتی بعضاً انجام اقدامات عملی در فراتر از حوزه حاکمیتی کشورها، همانند گزارش دهی ارتکاب جنایت‌های مهم بین‌المللی به مراجع صلاحیت‌دار بین‌المللی و فراتر از آن در مواردی اعمال صلاحیت کیفری نسبت به مرتکبین جرائم مذکور، همگی نوعی از امر به معروف و نهی از منکر است که البته باید در زمینه خاص خود یعنی در سطح جامعه بین‌المللی با شرایط و ویژگی‌های خاص آن مورد تحلیل قرار گیرد.

مباحث تحقیق تحت چهار عنوان: مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، تأثیر صلح و امنیت بین‌المللی بر حقوق بشر، مکانیزم‌های نظارت همگانی در حقوق بشر و مکانیزم‌های نظارت همگانی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی.

۱- مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

بدون تردید نبود جنگ و درگیری معنای واقعی صلح نیست. صلح در معنای واقعی بدین معناست که در یک جامعه حقوق افراد و گروه‌های مختلف رعایت شده، به نحوی که دلیلی برای ناراحتی و نارضایتی آن‌ها وجود نداشته باشد. عدم وجود صلح ممکن است یا به صورت جنگ و درگیری بروز نماید یا به صورت سکوت توأم با خفقان که همان حالت برقراری استبداد است، لذا فقدان درگیری هرگز به معنای برقراری صلح نمی‌باشد، مهم‌تر از همه آن که چون صلح فرآیندی است که بدون توسل به زور جریان می‌یابد و هدف آن تنها جلوگیری از خشونت و اعمال زور نیست، بلکه ایجاد شرایط واقعی همزیستی گروه‌ها و اقوام مختلف در محیطی آرام و فارغ از تنش است، استقرار صلح نباید به گونه‌ای باشد که به موجودیت فردی و جمعی و همچنین به شأن و منزلت انسان‌ها لطمه زند یا منافع حیاتی جامعه و عدالت را به مخاطره

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و نایب رئیس کانون وکلای دادگستری منطقه اصفهان

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌المللی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

بیندازد. مسلم است که این هدف آنگاه تحقق می‌یابد که علل و اسباب تعرض از میان برود و هر اختلاف، با اتخاذ سیاستی دموکراتیک فیصله یابد (فلسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

پس از جنگ جهانی سرد و اتمام تقسیم‌بندی ایدئولوژیک جهان و فروپاشی بلوک شرق، جهان با کثرت مخاصمات مسلحانه داخلی و منطقه‌ای رو به رو شد و آثار مخربی را بر صلح و امنیت بین‌الملل وارد کرد. بر اثر این ناآرامی‌های نظامی و سیاسی در دهه نود، فعالیت‌های شورای امنیت گسترش بی‌سابقه‌ای یافت.

فعالیت‌های شورای امنیت در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که مهم‌ترین مسئله حال حاضر حقوق بین‌الملل و سازمان ملل متحد است، به دو دسته تقسیم می‌شود که یکی تحریم اقتصادی و دیگری اقدامات نظامی است. البته اقدامات نظامی باید تحت ماده ۴۷ منشور تحت نظارت کمیته ستاد نظامی شروع به فعالیت نماید که این امر تا به حال محقق نشده است. سوالی که مطرح است این است که اهمیت صلح و امنیت بین‌المللی بر چه اساسی به طور روز افزون پررنگ می‌شود و چرا از پایان جنگ سرد تا به حال این عبارت دستخوش یک تفسیر موسع و گسترده شده است. برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید تعریفی از عبارت صلح و امنیت جهانی (بین‌المللی) را در اسناد بین‌المللی جستجو کنیم. در سال ۱۹۴۵ که نقطه عطفی بزرگ در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، در منشور سازمان ملل متحد از این سازمان به عنوان ابزار صلح برای نجات نسل‌های آینده از بلای جنگ یاد شده است. یکی از بزرگ‌ترین اهداف منشور جلوگیری از جنگ یا حفظ صلح در مفهوم سلبی آن می‌باشد که به وضوح در منشور ملل متحد دیده می‌شود. اقدامات جمعی در مقابل تهدیدات علیه صلح و یا نقض صلح، علیه دولتی که به دنبال تغییر وضع موجود به وسیله زور می‌باشد به عهده شورای امنیت سازمان ملل متحد گذاشته شده است. (Bert V.A Roling ۱۹۷۸)

در هر حال این عبارت باعث این نخواهد شد که در درون نظام ملل متحد تغییر نفی شود، بلکه در بندهای ۲ و ۳ ماده ۱ و ماده ۵۵ منشور تغییر و تحول وضع جهان به حالتی بهتر و آرمانی از طریق توسعه روابط دوستانه مابین کشورها مشروع و پسندیده قلمداد شده است.

امنیت نیز باید در پیوستگی با مفهوم صلح تفسیر شود، به گونه‌ای که امنیت در قالب کاهش علل و زمینه‌های وقوع جنگ یا تحکیم صلح جهانی تعریف شده و مورد بحث قرار گرفته است. در این معنا امنیت با ابعاد مثبت صلح که از آن به نام صلح مثبت یاد می‌شود، ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی دارد (فریده، شایگان، ۱۳۸۰، صفحه ۵).

همیشه در اکثر اصطلاحات به کار گرفته شده صلح و امنیت در کنار هم به کار رفته است، ولی در قطعنامه‌های شورای امنیت این شورا به طور کاملاً هوشمندانه‌ای در بعضی از اسناد این کلمات را از یکدیگر جدا نموده است. به طور مثال شورای امنیت در وضعیت مخاصمه داخلی در سومالی در طی قطعنامه ۷۳۳ این تلفات سنگین را برای صلح خطرناک دانست و اذعان داشت که آثار این مخاصمات علیه صلح است و تهدید علیه صلح تلقی می‌شود (SC. Res. ۷۳۳/۱۹۹۲)، اما شورای امنیت در وضعیت هائیتی، آن وضعیت را تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه اعلام نمود و برخلاف مثال قبلی توأمان از کلمات صلح و امنیت در کنار هم استفاده نموده است. (SC. Res. ۸۴۱/۱۹۹۳)

به نظر می‌رسد که در دو قطعنامه بالا به طور عمدی از کلمه امنیت استفاده شده و یا از استفاده از آن خودداری شده است. زیرا این مسئله دو بعد متفاوت از یک اصطلاح ذکر شده در منشور می‌باشد که شاید قابل انفکاک باشند. برای توضیح بیشتر این مسئله می‌توان از دو قطعنامه دیگر نام برد که محل اتصال یک مفهوم جدید با مفاهیم صلح و امنیت می‌باشد.

قطعنامه ۸۲۷ (S/Res/۸۲۷/۱۹۹۳) در مورد دادگاه یوگسلاوی و قطعنامه ۹۵۵ (S/Res/۹۵۵/۱۹۹۴) در مورد دادگاه روندا که در این دو قطعنامه از حفظ صلح صحبت به میان آمده است. یعنی تشکیل دو دادگاه کیفری ویژه را منجر به حفظ صلح دانسته است و علاوه بر آن از امنیت سخنی به میان نیاورده است. در نهایت از این دو قطعنامه می‌توان به این نتیجه رسید که صلح دارای یک تعریف گسترده‌ای می‌باشد که در زیر مجموعه آن امنیت قرار دارد و می‌تواند گاهی در کنار کلمه صلح مورد استفاده قرار گیرد و گاهی بر اساس شرایط و تشخیص شورای امنیت کلمه امنیت حذف شده و تنها صلح مورد استفاده قرار گیرد. در قطعنامه‌های ۸۲۷ و ۹۵۵ در مورد تشکیل دو دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه، نیز با اشاره غیر مستقیم به عدالت، عدالت را راهی برای حفظ صلح دانسته است.

از براینده تمام این سطور می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که اکثر مفاهیم به کار گرفته شده در حقوق بین‌الملل، در شورای امنیت برای تحقق صلح به کار می‌رود، یعنی اینکه در تعریف عدالت یا امنیت مهم‌ترین نکته قابل توجه صلح است. به گونه‌ای که شورای امنیت به مرور متوجه این امر شده که حفظ حالتی که به عدم جنگ منجر شود بدون تأمین حدودی از عدالت امکان‌پذیر نیست (Bevt.V.A Roling. ۱۹۷۸). حتی این دیدگاه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز رسوخ کرد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر اساس اعلامیه‌ای با نام حق مردم نسبت به صلح^۱ پیشبرد صلح بین‌المللی را مستلزم اقدامات مثبت دولت‌ها در زمینه پیشگیری از جنگ و رفع هر گونه تهدید علیه صلح، فیصله مشخصات از طریق مسالمت‌آمیز، اقدام به توسعه اقتصادی، ترویج حقوق و آزادی‌های بشر، ارتقاء سطح زندگی دانسته است (۱۹۸۴ و GA.Res. Nov ۳۹/۱۲، ۱۱).

بنابراین هدف اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح است و این هدف از طریق توجه به مسائل کاملاً مربوط به آن مثل امنیت، جلوگیری از جنگ و جلوگیری از نقض حقوق بشر و حمایت از اصل حق ملل در تعیین سرنوشت و اجرای عدالت محقق می‌شود. بنابراین ریشه‌های حفظ صلح بین‌الملل به مسائلی چون حقوق بشر و مسائل داخلی کشورها برمی‌گردد که در صورت تأمین شدن آن اهداف می‌تواند به حفظ صلح انجامد. در ممالکی که مابین شهروندان آن کشور عدالت برقرار است و تشنج و جنگ رفع شده باشد و حقوق بشر به اعتلاء خودش رسیده است، دیگر دلیلی برای برهم خوردن نظم و بی‌ثباتی صلح از درون یک کشور وجود نخواهد داشت و اگر فرض کنیم که تمام کشورها به این حالت برسند، دیگر کشورها هم به طور تحریک‌آمیز و تشنج‌زا در عرصه بین‌الملل با هم برخورد نخواهند کرد و در نهایت صلح و امنیت بین‌المللی به گونه‌ای با ثبات حفظ خواهد شد.

در سطور بالا از ریشه‌های صلح پایدار و امنیت سخن به میان آمد و مشخص گردید که ریشه آن در درون هر اجتماع واقع شده است و تجلی آن توسط رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی صورت خواهد گرفت. زیرا جوامع بشری که گرفتار خشونت و نقض حقوق و آزادی‌های اساسی بشری باشند، نمی‌توانند صلح و امنیت بین‌المللی را به عنوان جزئی از جامعه بین‌الملل رقم بزنند. لذا بدون تردید میان صلح و حقوق بشر ارتباط ناگسستنی وجود دارد. تا زمانی که صلح به معنای واقعی برقرار نباشد، جامعه دارای وضعیتی عادی نیست و به زبان دیگر چرخ امور جامعه از مدار درست خارج شده و در نتیجه نمی‌توان انتظار رعایت حقوق افراد را داشت. در چنین جامعه‌ای یا اساساً حقوق افراد لباس قانون به تن نپوشیده و به عبارت دیگر در قالب ضوابط و قواعد قابل اجرا در نیامده است و یا اگر این مرحله را پشت سر گذاشته است، اکنون به دلیل بروز وضعیت غیر عادی، قواعد مذکور بطور کامل قابل اجرا نمی‌باشند (رئیس، ۱۳۹۰، ص ۵۵). در گذشته جوامع بشری چندان به مسئله حقوق بشر و رعایت آن توجه ای نداشتند و نقض حقوق بشر نقض صلح محسوب نمی‌گردید و به

1. Declaration on the Right of People to peace.

همین علت در سال‌های ابتدای تشکیل سازمان ملل متحد مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی تا این حد گسترده نبود. اما امروزه مسلماً قلمرو مسائل صلح و امنیت بین‌المللی طبعاً به موازات تحولات اجتماعی تغییر کرده و بنابراین مصادیق تهدید بر صلح و نقض صلح نیز تغییر نموده است. امروزه از مهم‌ترین عوامل تهدید و نقض صلح و امنیت در تمام جوامع بشری، بی‌توجهی به حقوق شهروندی افراد و نقض این حقوق است که در قسمت بعدی به آن پرداخته می‌شود.

۲- تأثیر صلح و امنیت بین‌المللی بر حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ بر حق صلح تأکید نموده است و در مواد ۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۵، ۲۸ این اعلامیه به طور ضمنی از حق صلح^۱ یاد شده است. همچنین میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی^۲ نیز در مواد ۱۲، ۱۵، ۲۵۰ نیز به حق صلح اشاراتی داشته است.

یونسکو با ترسیم مثالی که سه ضلع آن را دموکراسی، توسعه و صلح قرار داده است بر وابستگی زنجیروار این اهداف با یکدیگر تأکید می‌کند (امیرساعد، وکیل، ۱۳۸۳، ص ۵۸). از این همه تأکید سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در مورد صلح باید دید که در نهایت صلح به چه نتیجه‌ای منتج خواهد شد. امروزه برداشتی که از نتایج صلح می‌شود این است که ایجاد یک صلح پایدار و جهانی از جانب جوامعی رخ خواهد داد که آن جوامع در درون خود نیز اینگونه باشند به گونه‌ای که این مثلث طرح شده توسط یونسکو اشاره‌ای به مسائلی می‌کند که لازم و ملزوم یکدیگر است. دموکراسی و توسعه بدون وجود صلح در یک جامعه نمی‌تواند شکل بگیرند و تا زمانی که جنگ و یا حتی تهدیدات عمده نظامی وجود داشته باشد نمی‌توان در یک جامعه توسعه اقتصادی فرهنگی و دموکراسی را انتظار داشت. شاید هدف کلی نظام بین‌الملل رسیدن به صلح جهانی و زندگی در صلح است و حقوق بشر هم بر این امر اصرار می‌ورزد که این حق انسان‌ها می‌باشد تا در فضای آکنده از صلح و آرامش زندگی کنند و در این فضا استعداد‌های خود را در زمینه‌های مختلف پروراند و بدون هراس از هر نوع خشونت جامعه‌ای را بسازند که در آن نه تنها حق حیات و ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها رعایت شود، بلکه حقوق شهروندی در حد عالی آن نیز رعایت شود (امیرساعد، وکیل، ۱۳۸۳) بدون اجرای صلح، نائل شدن به آزادی‌های اساسی بشر برای شهروندان هر کشور میسر نخواهد شد. اصولاً رد خشونت یا نبود جنگ به بالندگی جامعه و حفظ حقوق شهروندی منجر خواهد شد.

ملکو^۳ با توجه به گستردگی مفهوم صلح پیشنهاد می‌دهد که بهتر است به جای واژه صلح از عبارت طرد خشونت^۴ استفاده کنیم (امیرساعد، وکیل، ۱۳۸۳). اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق صلح را در مواد مختلف یاد کرده و اساس برخوردار از دیگر حقوق می‌داند. در مقدمه اعلامیه اصول همکاری فرهنگی بین‌الملل مصوب ۱۹۹۶ قید شده است، تا وقتی که در ذهن انسان‌ها جنگ‌ها شروع می‌شوند در ذهن آن‌ها اشکال مختلف دفاع از صلح نیز بوجود می‌آید و صلح باید بر مبنای همبستگی اخلاقی و معنویت بشریت پایه‌ریزی شود (امیر ساعد، وکیل، ۱۳۸۳).

کمیته توسعه پایدار در یکی از جلسه‌ها خود ابراز می‌دارد، علی‌الرغم انعقاد تعدادی موافقت‌نامه کنترل تسلیحات در دهه اخیر گامی اساسی در توقف افزایش رقابت جهانی در مورد تسلیحات خواه تسلیحات هسته‌ای یا تسلیحات متعارف برداشته نشده است. فروش تسلیحات هسته‌ای یا تسلیحات متعارف هر ساله سیصد و پنجاه میلیارد دلار را به خود اختصاص می‌دهد. در حالی که می‌توانیم این مبلغ را به منظور تسکین فقر، گرسنگی و بیماری در سطح جهان به کار گیریم. فروش

1. the Right to peace.
2. International conventions on civil and political Rights.
3. Mathew Nelco.
4. Remission of violence.

تسلیحات کشورهای غربی به جهان سوم فی نفسه تجاوز به حق صلح محسوب می شود. چرا که با فراهم آوردن این ابزار، احتمال تجاوز کشورها به یکدیگر افزایش می یابد (www.solidarityrights.com/1.html).

به هر روی در صورت عدم فروش تسلیحات و متقابل آن عدم هزینه خرید این تسلیحات توسط کشورهای جهان سوم و هزینه این مبالغ در آن کشورها برای کاهش فقر گرسنگی و بیماری و افزایش سطح آموزش و امنیت داخلی می توان به حقوق شهروندی به راحتی دست یافت و از شرایط وخیم زندگی در کشورهای جهان سوم کاست. بنابراین گسترش صلح و امنیت بین المللی و جلوگیری از ایجاد حالات تهدیدآمیز جنگ که منجر به خرید تسلیحات نظامی و هزینه های سنگین نظامی می شود، می توان با صرف این هزینه ها در راه تحقق حقوق شهروندی در بستری از صلح و امنیت و کاهش فقر و کاهش گرسنگی و رفع نابرابری های اقتصادی زمینه تعالی انسان ها و برخورداری از حقوق شهروندی را بهتر و بیشتر از گذشته ایجاد نمود.

همچنین در سند نهایی کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ در وین اشاره شده است، که توسعه دموکراسی و صلح هر یک عاملی برای به اجرا درآمدن دیگری است و بدون دموکراسی، توسعه پایدار به وجود نخواهد آمد. (امیرساعد، وکیل، ۱۳۸۳).

حق توسعه^۱ که از مصادیق حقوق جمعی و جزء نسل سوم حقوق بشر محسوب می گردد، در قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی مصوب ۴ دسامبر ۱۹۸۶ مورد شناسایی واقع شده که اشعار می دارد (انسان موضوع اصلی توسعه است و بنابراین باید شرکت کننده ی فعال و ذینفع اصلی از حقوق توسعه باشد). اجلاس جهانی توسعه اجتماعی نیز جامعه ی جهانی را برای اولین بار، متعهد به ریشه کن کردن فقر مطلق ساخته و در این راه، ضمن اینکه تقویت جامعه ی مدنی برای سلامت توسعه اجتماعی یک شرط ضروری اعلام می شود، حق توسعه بیش از پیش شفاف می گردد. در مقدمه این بیانیه بر رابطه میان توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی از یک سو و امنیت بین المللی از سوی دیگر تأکید شده است (مولایی، یوسف، ۱۳۸۱، صفحه ۴۹ تا ۸۴). حق توسعه و این شرایط متعاقب آن فقط در حالتی رخ خواهد داد که صلح بر اوضاع و احوال بین المللی حاکم باشد.

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود که در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۹۴ به مجمع عمومی ارائه داد عنوان دستور کار برای توسعه را برای آن برگزید و در آن پیامدهای منفی ناشی از جهانی شدن مثل نابودی محیط زیست، فقر فزاینده، رشد جمعیت، تروریسم و قاچاق مواد مخدر را مانعی، بر سر راه توسعه دانسته است.

به نظر بعضی از حقوقدانان مبنای حق توسعه را باید در حق حیات یافت و از همین رو باید آن را در زمره قواعد امره حقوق بین الملل^۲ محسوب نمود. آقای قاضی محمد بیجاوی، ایده همبستگی بین المللی را ناشی از وابستگی متقابل ملت ها دانسته و همبستگی بین المللی را به عنوان مبنای حق توسعه در سه مرحله مورد شناسایی قرار می دهد.

وابستگی متقابل که حاصل یکپارچگی اقتصاد جهانی است. تکلیف همه جانبه دولت ها در توسعه اقتصاد جهانی و تلقی توسعه به عنوان یک مشکل جهانی در سطح عالی خود. حفاظت از محیط زیست انسانی به عنوان مبنای حق توسعه، که البته در مقابل گروهی هم مبنای حق توسعه را حق صلح اعلام می کنند. (Mohammad, Bedjaoui, P. 1252) بنابراین حق بر توسعه به نوعی زائیده ی صلح می باشد و بدون وجود صلح و امنیت بین المللی نمی توان توسعه ای مؤثر و پایدار را متصور شد.

1. The Right to Development

2. Jus Cogens- The Right to Development.

یونسکو در دهه ۸۰، اقدامات و ابتکارات جدیدی را با هدف ارتقاء فرهنگ صلح به کار گرفته است. در کنگره بین‌المللی صلح که در جولای ۱۹۸۹ برگزار شد، یونسکو به طرح مسئله‌ای در ارتباط با ساختار دموکراسی و صلح پرداخت. در این پیشنهاد تقویت ساختار دموکراسی به عنوان کلید حل و فصل مسالمت‌آمیز و عادلانه اختلافات و تلاش برای آن نوع توسعه انسانی که بر پایه مشارکت فعال همه افراد جامعه و بر ارزش‌ها و قابلیت‌های اجتماعی استقرار یافته، محسوب گردیده است (Adrian, Nastase, P/294). بنابراین یونسکو دموکراسی را به نوعی در تشکیل پایه‌های صلح موثر می‌داند و از طرف دیگر همان‌طور که در قسمت‌های قبل گفته شد برای رسیدن به دموکراسی هم باید بستری از حداقل صلح برقرار باشد. در این صورت دموکراسی و صلح می‌توانند در تقویت یکدیگر تأثیر شگرفی داشته باشند. یونسکو در ادامه این مسیر در بیست و هشتمین اجلاس خود در سال ۱۹۹۵ آموزش صلح و حقوق بشر و دموکراسی و تفاهم بین‌المللی و تسامح را بیان می‌کند و از آن‌ها به عنوان مطالب اساسی مرتبط با صلح یاد می‌کند (Adrian, Nastase, p.۱۲۹۴).

یونسکو و حقوق‌دانان مرتبط با این اندیشه صلح پایدار را صرفاً مترادف فقدان جنگ و خشونت نمی‌دانند و از اینرو استقرار صلح را منوط به تحقق کلیه حقوق انسانی و به ویژه تحقق حق بر توسعه می‌دانند (ZanuszSymonides, 1996, P.11). بدین ترتیب تحقق حقوق فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ انسان‌ها مشروط به تحقق صلح در جهان می‌باشد.

۳- مکانیزم‌های نظارت جهانی در راستای اجرا و تضمین حقوق بشر

در مقوله حقوق بشر، پس از به رسمیت شناخته شدن حقوق شهروندی به وسیله اسناد مختلف بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، تلاش گسترده‌ای صورت گرفت تا این حقوق بوسیله نظام‌های ملی پذیرفته و اجرایی شود. در سطح نظام‌های ملی با توجه به اینکه اجزاء و ارکان مختلف دستگاه حاکمه با حقوق شهروندی در ارتباط مستقیم است، قانون اساسی در جوامع دموکراتیک سعی کرده است، با وضع اصول و قواعد مختلف صلاحیت‌ها و وظایف هر یک از این اجزاء و ارکان را در ارتباط با حقوق شهروندی مشخص کند، بنحوی که هر گونه زمینه لوث مسئولیت و فرار از بار تعهد و تکلیف در مقابل شهروندان و اجرای حقوق آن‌ها از بین برود.

در کشور ایران نیز قانون اساسی سعی کرده است، طی اصول مختلف حقوق شهروندی را بیان کند و وظایف ارکان مختلف دستگاه حاکمه را مشخص کند.

اما بدون تردید باید اذعان کرد که برای اجرا و تضمین هر چه گسترده تر حقوق شهروندی، نباید صرفاً به پیش‌بینی و تعبیه مکانیزم‌های مختلف اکتفا کرد؛ زیرا یک پایه اصلی پذیرش و اجرای حقوق شهروندی خود شهروندان یک جامعه می‌باشند و تا زمانی که شهروندان خود مطالبه‌گر حقوق‌شان نباشند، نمی‌توان از دولت‌ها بعنوان مکلفین حقوق شهروندی انتظار داشت به تکالیف خود در این ارتباط، در مقابل شهروندان‌شان عمل کنند. بنابراین باید با آموزش حقوق شهروندی به تمام شهروندان، فرهنگ حقوق شهروندی را در جامعه ایجاد و توسعه داد، تا جایی که به معنای واقعی روحیه شهروند مطالبه‌گر و دولت‌خدمت‌گزار در جامعه ایجاد شود. در این صورت در کنار مکانیزم‌های کارآمد و مؤثر، افکار عمومی شهروندان خود بهترین ضامن برای اجرای حقوق شهروندی خواهد بود (رئیس، ۱۳۸۹، ص ۷۸) و به همین علت است که در قانون اساسی به صراحت اصل امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در واقع از منظر قانون اساسی نظارت همگانی یک شرط لازم و ضروری در جهت تحقق حقوق شهروندی افراد محسوب می‌شود. در حوزه جهانی نیز امر به معروف و نهی از منکر در موضوع‌های مربوط به حقوق بشر نقشی مؤثر و کاربردی دارد. در بیشتر اسناد

حقوق بشری نوعی حق نظارت همگانی جهت جلوگیری از نقض حقوق بشر و الزام کشورها به رعایت حقوق مذکور پیش بینی شده است.

سازمان ملل در جهت اجرای هر چه گسترده تر حقوق شهروندی اقدام به ایجاد نهادهای کرد است که این نهادها به دو دسته قابل تقسیم هستند؛ نهادهای ایجاد شده در سازمان ملل متحد و نهادهای که به موجب معاهدات حقوق بشری ایجاد شده اند. بزرگ ترین دستاورد اینگونه نهادها این است که آنها همانند چشمان ریزینی هستند که بر اجرای حقوق شهروندی در قلمروی کشورهای عضو نظاره کرده و موارد نقض حقوق شهروندی را افشاگری می نمایند. بدین وسیله کشورها نمی توانند موارد نقض را از دید افکار جامعه جهانی پنهان کنند. اما مهم ترین نقص این نهادها این است که ابزارهای اجرایی مؤثر و کارآمد چندانی در اختیار ندارند. موثرترین ابزاری که از آنها کمک می گیرند، ابزار افشاگری و اطلاع رسانی است و سعی می کنند تا بوسیله این ابزار با تحت فشار قراردادن کشورهای ناقض، آنها را مجبور به تن دادن به این تعهدات کنند.

۴- نظارت جهانی در راستای استقرار و حفظ صلح و امنیت بین المللی

در حقوق بین الملل عمومی همیشه از صلح و امنیت جهانی به همراه شورای امنیت نام برده شده است و قدرت لازم الاجرای شورای امنیت به عنوان پشتیبان صلح و امنیت جهانی معرفی شده است. اما این نهاد با تمام ساز و کارش در همه موارد در حفظ صلح و امنیت بین المللی موفق نبوده است. لذا همواره در کنار این مکانیزم نهادینه شده سازمان ملل متحد، جامعه بین الملل سعی نموده است با روش های مختلف همانند توسل به قاعده عرف عام و نیز قواعد آمره و ارائه توصیه ها و نظریات مشورتی، به نوعی حق نظارت همگانی و جهانی را برای کشورها در حوزه صلح و امنیت بین المللی به رسمیت بشناسد. به عنوان نمونه، امر به معروف و نهی از منکر با شکل توصیه ای و مشورتی امروزه در حقوق بین الملل دارای ابعاد اجرایی و مؤثری است. یکی از ابعاد امر به معروف و نهی از منکر صدور نظر مشورتی از جانب دیوان بین المللی دادگستری است که هر چند لازم الاجراء نیست، اما دارای اثراتی مشهود و عینی بسیار مؤثری در روابط بین المللی است، که در مواردی از برخی تصمیمات لازم الاجرای دیگر ارکان سازمان ملل متحد کارآمدتر است. نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در مورد دیوار حائل نمونه کاملی از این ادعا است. این نظر مشورتی که در مورد دیوار حائل در سرزمین های اشغالی است و در نهم جولای ۲۰۰۴ صادر گردید، توانست برخلاف وصف توصیه ای نظر مشورتی به صورت عملی از ادامه ساخت دیوار حائل جلوگیری کند. مثال دیگری در این زمینه ماده ۹ کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ است که در آن با توجه به خواص عام الشمول (Erga omnes) و آمرهای (Jus Cogens) جرم نسل کشی، کشورهای عضو کنوانسیون می توانند علیه عضو دیگر کنوانسیون، که به تعهداتش عمل نکرده، در دیوان بین المللی دادگستری طرح دعوا کنند.

این گونه دعاوی به علت وقوع نسل کشی در قلمرو یک کشور عضو کنوانسیون علیه آن کشور طرح شده و می تواند مسئولیت بین المللی کشور مربوطه را بدنبال داشته باشد.

در حالت گسترده تر، بر اساس تعهد عام الشمول و تعهد آمرهای که تمام اعضاء کنوانسیون منع نسل کشی برای جلوگیری و مجازات جنایت نسل کشی دارند، یک عضو که ارتباطی با وقوع جنایت نسل کشی ندارد و سعی در جلوگیری از وقوع جنایت نسل کشی کرده است، می تواند علیه تمام کشورهایایی که علی الرغم دخیل نبودن در ارتکاب جنایت نسل کشی به علت سکوت و عدم موضع گیری چشم بر وقوع چنین جنایتی بسته اند، در دیوان بین المللی دادگستری طرح دعوا کند. زیرا تمام کشورهای عضو کنوانسیون منع نسل کشی تعهد عام الشمول و آمرهای را برای منع نسل کشی و مجازات

آن پذیرفته‌اند. یعنی حتی دخیل نبودن و دور بودن از محل ارتکاب جرم باعث نمی‌شود که کشورهای عضو کنوانسیون بی تفاوت باشند، بلکه آن‌ها باید موضع‌گیری مناسب بنمایند. یعنی حتی اگر توانایی انجام یک فعالیت عملی مناسب را ندارند باید در قالب فعالیت‌های توصیه‌ای (امربه‌معروف و نهی از منکر) موضع مناسبی را در مقابل این جنایت اتخاذ کنند.

نتیجه‌گیری

بدون شک امروزه اصل امر به امر به معروف و نهی از منکر در سطح بین‌المللی نیز نه تنها پذیرفته شده است، بلکه از آن باید به عنوان یک وظیفه جهانی که بر عهده تک تک کشورهای است نام برد. چرا که در حوزه حقوق بین‌الملل زمانی که یک اصل حقوقی به یک تعهد عام‌الشمول^۱ تبدیل می‌شود، در واقع باید پذیرفت که آن اصل به یک وظیفه‌ای تبدیل شده است که باید از جانب همه دولت‌ها رعایت شود و این وظیفه به انجام برسد. بدون تردید امر به رعایت صلح و نهی از عوامل و رفتاری که صلح را به خطر بیندازد و تأکید بر اجرای حقوق بشر و نهی کشورها از نقض حقوق شهروندی تابعانشان، امروزه دیگر در حیطه اختیار یک یا چند کشور یا نهاد بین‌المللی نمی‌باشد و یک تعهد برای تمام دولت‌ها محسوب می‌شود. یک تعهد عام‌الشمول که یک دولت در مقابل تمام جامعه بین‌المللی به دوش دارد و نباید از این تعهدات تخطی کند.

لذا رعایت اصول انسانی و اساسی حقوق بشر، نوعی مسئولیت در قبال کل جامعه بین‌المللی ایجاد می‌کند. با توجه به رویه قضایی بین‌المللی، تمامی دولت‌ها و اشخاص بین‌المللی در رعایت برخی از تعهدات و تکالیف بین‌المللی به دلیل نقش مؤثر آن‌ها در حفظ و استمرار صلح و امنیت بین‌المللی، ذی‌نفع تلقی شده، لذا در صورت نقض و تخلف از آن‌ها، مسئولیت بین‌المللی تنها بین دولت خاطی و قربانی مطرح نیست. بلکه از نظر رژیم حقوقی نوین، مسئولیت دولت‌ها به تناسب نوع و ماهیت تعهد در برابر همه دولت‌ها مورد توجه قرار خواهد گرفت. در این نوع از تعهدات، هر یک از اعضاء این امکان را داراست که در صورت نقض و تخلف از تعهدهای مزبور، واکنش نشان دهد. واکنشی که می‌تواند به صورت فردی و جمعی صورت پذیرد (شریفی طراز کوهی، حسین، ۱۳۷۵، ص ۲۰۲).

در همین راستا تصویب قطعنامه‌های ۴۳/۱۳۱ و ۴۵/۱۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت ۶۸۸ و ۷۰۶ (عراق)، ۷۳۳ و ۷۴۶ و ۷۹۴ (سومالی) و ۷۵۲، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۸۷، ۷۹۸ (بوسنی و هرزگوین) به نفع قربانیان وضعیت‌های فاجعه‌آمیز در واقع به نوعی از محتوای عام‌الشمول ناشی می‌شود که به تعبیر دیگر، قواعد بنیادین حقوق بشر هستند. (ذاکریان، مهدی، ۱۳۸۱، ص ۷۸) لذا باید بدون تردید اذعان نمود که امروزه در سطح جامعه بین‌المللی در برخی از موضوع‌های مهم و اساسی از آن جمله صلح و امنیت جهانی و حقوق بشر، نظارت همگانی یا به عبارتی همان امر به معروف و نهی از منکر قاعده‌ای پذیرفته شده و کاربردی می‌باشد.

منابع

۱. حق توسعه و جهانشمولی حقوق بشر، مولایی، یوسف، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۶، ۱۳۸۱، ص ۴۹ تا ۸۴.
۲. نسل سوم حقوق بشر، وکیل، امیر ساعد، ۱۳۸۳، انتشارات مجد.
۳. حقوق بشر در هزاره جدید، مهدی ذاکریان، ۱۳۸۱، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۴. قواعد آمره و نظم حقوقی بین‌المللی، حسین شریفی طراز کوهی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۵. مکانیزم‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی حقوق شهروندی، لیلا رئیسی، شهرکرد، همایش حقوق شهروندی، ۱۳۸۹.
۶. رابطه متقابل حقوق بشر و صلح، لیلا رئیسی، مجله حقوقی دانشگاه شهرکرد، ۱۳۹۰.
7. Le Droit au development in, droit international bilanet perspective Mohammad Bedjaoui, P. 1252.
8. Adrian, Nastase, Le droit a Lapaix, Mohammad Bedgazi, P. 1294
9. ZanuszSymonides and Kishauresingh, Constracting a culture of Peace: Challenges and Perspectives an introductory note in frem a culture of molnce to a culture of peace and conflict issues series 1996, UNSCO, Pulishing, P. 11.
10. William A. Schabas, Dimensions JurisdigaesetJudicaires des droit de L’homme.
11. Bert V. A. Roling. Peace Research and peace – keeping, in: Antonio Cassese, united Nations Peace- keeping, Legalessags (1978)
12. Adrian, Nastase, Le droit a lapaix, Mohammad bedgazi.
13. ZanuszSymonides and singh, Constructing a culture of peace: chauenges and perspectives – an introductory note in frem a culture of molnce to a culture of peace and conflict issues series 1996, UNSCO, Pulilishing.

اسناد بین‌المللی

1. (SC. Res. 733 (1992))
2. (SC. Res. 841 (1993))
3. (S/Res/1955(1994))
4. (S/Res/817 (1993))
5. (GA. Res. 39/11, 12 Nov, 1984)

سایت‌ها

(www.solidarityrights.com/1.html)

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و سنت

فاطمه آریا نژاد

داوود ستارزاده

امیر اسدی

چکیده

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود؛ چنان که از مهم‌ترین فرایضی است که وجوب کفایی آن ضروری دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است. امر به معروف و نهی از منکر به نظر شیعیان یکی از فروع دین اسلام است. امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آن چه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می‌شود و نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آن چه به از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته می‌شود. در این مقاله سعی شده اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را در قرآن کریم و سنت جستجو کرد و به بعضی از مهم‌ترین موارد اشاره شود.

واژگان کلیدی: دین اسلام، قرآن کریم، امر به معروف، نهی از منکر، مسلمان.

مقدمه

به راستی که خداوند متعال قرآن را به عنوان کتاب راهنما بر محمد (ص) نازل فرمود و در آن شایسته و ناشایسته خیر و شر حق و ناحق زیبا و زشت و بهشت و جهنم را خوب دید و آشکارا بیان فرمود بنابراین شما بندگان خدا راه خیر را پیشه کنید تا هدایت شوید و از راه شر و زشتی‌ها و ناپاکی‌ها دوری کنید تا بتوانید در راه راست ثابت قدم بمانید واجب‌ها را برای رضای خدا انجام دهید که انجام آن‌ها شما را به سوی بهشت هدایت می‌کند آنچه خدا حرام کرده، زشتی انجام آن بر کسی پوشیده نیست و آنچه خدا حلال کرده از عیب و نقص عاری است. اگر کاری خیر سراغ داشتید به انجام آن همت کنید و اگر شری پیش روی شما قرار گرفت از آن دوری کنید.^۱

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجباتی است که در آموزه‌های قرآنی در حوزه علمی اجتماعی از جایگاه بسیار بالا و پرارزش برخوردار است و بنیاد دین و شریعت فروع دین (نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر تولی و تبری) است چرا؟ چون در صورت نبود آن بهترین اعمال نیک به فراموشی سپرده شده و بقیه احکام الهی نیز عملی نخواهد شد.

با این حال باید توجه داشت که فقط کار فرهنگی و یا فرهنگ سازی امر به معروف و نهی از منکر بلکه مسائل دینی و پیاده سازی ارزش‌ها و فضائل دینی بصورت یک سیستم است که اجزای آن انفکاک ناپذیر است و همه‌ی اجزای آن باید هماهنگ کار کنند تا نتیجه مطلوب به دست آید بنابراین نهادهای ارشاد، آموزش و پرورش، علوم، فن آوری و تحقیقات مجلس، قوه قضائیه شورای انقلاب فرهنگی صدا و سیما، سازمان تبلیغات کشور و همه‌ی مراکز و محافل دینی و فرهنگی اجزای مؤثر این سیستم به حساب می‌آید که باید هماهنگ عمل کند تا به نتیجه‌ی خوبی برسد.

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۶۷

آیه قرآن

باید از شماها گروهی وجود داشته باشد که مردم را به نیکویی و خیرخواهی و به معروف امر کننده و از منکر بازدارنده، آنان رستگارانند.

این پیوستگی «امر به معروف و نهی از منکر» در هفت آیه دیگر از قرآن (آیات ۱۱۰ و ۱۱۴ آل عمران، آیه ۱۵۷ اعراف، آیات ۷۱ و ۱۱۲ توبه، آیه ۴۱ حج و آیه ۱۷ لقمان) دیده می‌شود. این دو جمله به ندرت جدا از یکدیگر آمده است روشن است که جمله امر به معروف و نهی از منکر کاملاً ریشه در قرآن دارد. اما بر اساس این مطلب قرآنی، درباره ویژگی‌های واقعی این وظیفه چه می‌توان گفت چه کسی آن را ایفا می‌کند؟ مخاطب آن کیست؟ مضمون آن درباره چیست؟

که این آیه ۱۰۴ آل عمران^۱ منطقی روشن می‌کند که چه کسی آن را انجام می‌دهد متن آیه درخواست از جماعت مومنان به استادانند و برابر اشاره امت‌های پیشین.

بر اساس این آیه، مومنان باید دست کم باید شامل امتی باشد که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. دقت و خلوصی که ممکن است این آیات برای استنباط ما از این وظیفه پدید آورد با شک و تردید در این اشاره به چه مطلبی دارد محدود می‌شود. خلاصه‌ی کلام اینکه، قرآن بدعت‌هایی مصائب اندکی درباره‌ی وظیفه‌ی نهی از منکر جدای از نام آن برای ما بیان می‌کند.

تعریف لغوی

قرآن کریم و احادیث ائمه‌ی اطهار و علمای بزرگ و روشنفکران اسلامی در جهت به وجود آمدن آسایش همگانی دو نوع قانون در این زمینه وضع کردند:

۱. امر به معروف

۲. نهی از منکر

۱- معروف:

معروف در لغت به معنای «شناخته شدن، شایسته right» است و از منظر وحی تمام اعمال و رفتاری که در آن مصلحتی برای فرد یا اجتماع وجود داشته باشد مانند نماز و زکات، صدقه، وفای به عهد، جهاد، هدیه، مهربانی و ...

۲- منکر:

منکر در لغت به معنای «ناشناس، ناشایسته wrong» است و در اموری که زیانی برای فرد و جامعه داشته باشد مانند زنا، قمار، حرام خوری، نظر به نامحرم، دروغ، غیبت و امثال این‌ها که حرام‌اند.

معرفی امر به معروف و نهی از منکر

وقتی حرفی از امر به معروف و نهی از منکر به میان می‌آید ناخودآگاه ذهن انسان واقعه‌ی کربلا و قیام امام حسین (ع) را به یاد می‌آورد رسالت بزرگی که امام حسین (ع) در آغاز و قیام خویش به آن پای فشرد و هستی خود و خانواده‌اش را در راه تحقق آن فدا کرد به همین علت دهه‌ی اول محرم را دهه‌ی امر به معروف و نهی از منکر نام‌گذاری کردند.

امر به معروف و نهی از منکر در حکم قوانین اجرائی است و بدون رعایت این نوع قوانین نظم و انضباط اجتماعی برقرار نمی‌شود.

۱. ولتکم منکم ائمه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون آل عمران ۱۰۴

اسلام چنین نیست اسلام دارای نظام و قوانین خاصی است و با هر گونه بی‌نظمی مخالف است تا درستی راه و جامعه و مسیر رسیدن به اهداف والای آن را تضمین کند.

اسلام برای اجرای احکام و نظام خود سه شرط دارد:

۱. نیروی بازدارنده‌ی درونی انسان یعنی تقوای خدای تبارک و تعالی که فرد مسلمان خود مسئول تزکیه نفس و انتقاد آن است که در بردارنده این آیه از قرآن کریم است: «قد الفلح من زکها و قد خاب من دسها»؛ هر کس نفس خود را تزکیه گرداند رستگار و هر کس آن را به گناه آلوده گرداند زیانکار خواهد بود.^۱
۲. قدرت حکومت عادل در جامعه‌ی اسلامی که وظایف خود را تنها به آنچه رژیم‌ها دیگر آن را جزء وظایف اساسی خود می‌شمارند که مهم‌ترین آن‌ها حفظ امنیت داخلی و خارجی است محدود نمی‌داند بلکه برای خود وظایف اجتماعی، تربیتی و فرهنگی نیز قائل است.
۳. قدرت و نیروی اجتماعی که امر به معروف و نهی از منکر از آن نشأت می‌گیرد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

آفریدگار جهان هستی نخستین کسی است که امر به معروف و نهی از منکر کرده است او در قرآن می‌فرماید: «ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایشاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البقی یعظکم العلکم تذکرون». (سوره‌ی نحل آیه‌ی ۹۰)

«همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز به حقوق دیگران نهی می‌کند و شما موعظه می‌کند باشد که پند گیرید.»

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن از ویژگی‌های پیامبران الهی شمرده شده.

پیامبران، بر اساس اینکه بار سنگین رسالت و هدایت را بر دوش داشتند به طور مستمر و پیگیر به امر به معروف و نهی از منکر می‌پرداختند و لحظه‌ای در این راه کوتاهی نکرده و تأخیر را روا نمی‌دانستند روزی نبود که مردم را از شرک و بت پرستی ظلم و ستم، قتل و غارت و ... نهی نکنند و به توحید و یکتاپرستی، عدل و انصاف، احسان و نیکی و ... دعوت نکرده باشند. بنابراین، انسان‌های مؤمن و صالح، گذشته از آن که همواره مراقب احوال و اعمال خود هستند از روی خیرخواهی و دلسوزی به پندواندروز دیگران نیز همت گماشته و آنان را به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها برحذر می‌دارند.

یکی از یاوران بزرگ اسلام عثمان بن مظنون می‌فرماید: وقتی این آیه بر پیامبر نازل شد من حقانیت اسلام را به درستی باور کردم و اعتقاد به این آیین در دلم جای گرفت (وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۷۱).

شما فکر می‌کنید آیا کسانی که به سعادت و تکامل انسان می‌اندیشند می‌توانند برای سعادت و به‌ورزی انسان سختی بهتر و ارزنده‌تر از این کلام ارائه دهند. بخاطر همین است که در میان احکام اسلامی و واجبات الهی امر به معروف و نهی از منکر جایگاه ویژه‌ای دارد هر محقق آگاه و تیزبین در بررسی تاریخ زندگی معصومین این نکته را به درستی مشاهده می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر از کودکی گرفته تا پایان ارتباط ناگسستنی با تمام مقاطع زندگی آنان داشته است و آنان در طول زندگی گهربارشان که با انسان از کودکی گرفته تا پایان عمر، پیوسته پای‌بند این فرضیه‌ی بزرگ بوده‌اند.

۱. قد افلح من زکها و قد خاب من دسها (شمس ۹ و ۱۰)

اثمه‌ی اظهار در ادای این رسالت الهی از هیچ تلاشی فروگذاری نکردند و حتی فراتر از محدوده رسالت خویش بر این کار اصرار ورزیدند، تلاش و اصرار آنان به سبب اهمیت این فرضیه‌ی الهی بود که آن‌ها به دلیل قلب سرشار از رأفت و رحمت حاضر نبودند هیچ کس به منکرات آلوده شده به خشم خدا گرفتار آیند تا آنجا که خداوند آنان را از این همه تلاش و دلسوزی باز می‌داشت:

«فلعلک باع نفسک علی آثارهم ان لم یومنوا بهذا الحدیث السفا» (وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۵)

گویا می‌خواهی از شدت تأسف به اعمال ایشان خویش را تباه گردانی که چرا به این حدیث ایمان نمی‌آورند.

امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و برنامه‌ی صالحان

امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و برنامه‌ی صالحان است. فریضه‌ی بزرگی است که فرایض دیگر به وسیله‌ی آن اقامه شود و راه و روشی را مصون از خطا و کسب و کار او حلال می‌کند ستم‌ها را جبران و زمین را آباد می‌سازد به وسیله‌ی این فریضه از دشمنان عدالت و انصاف خواسته می‌شود و همه‌ی امور استوار و در مسیر درست قرار دارد.^۱ امر به معروف و نهی از منکر همانند نماز و روزه خمس و زکات واجب است و از گردن مسلمین ساقط شود مگر آنکه هدف اسلام از آن تحقق یابد و در آن اقامه‌ی معروف و از میان برداشتن منکر است استفاده از هر دو روش فردی و جمعی که ما را به این هدف می‌رساند واجب است.

ضعیف و بی‌دین چه کسی است؟

حضرت محمد (ص) فرمودند آن کس که امر به معروف و نهی از منکر نکند عمل به این مسئولیت الهی انسانی به همه کسی واجب است و در صورت کوتاهی باید انتظار خواری در این جهان و کیفر دردناک در سرای دیگر بود.

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر

چنانکه تاکنون گفته‌ایم، تمام انبیای الهی برای اصلاح جامعه بشری آمده‌اند. این هدف بعثت پیامبران بوده است و موثرترین ابزار برای رسیدن به آن هدف بزرگ، امر به معروف و نهی از منکر به شمار رفته است. یک جامعه را در نظر بگیرید، از این دو حال خارج نیست:

۱. یا جامعه‌ای که حرکت عمومی و غالبی به سوی خداوند و ارزش‌های الهی است و اکثر مردم را از انسان‌های خداپرست و وظیفه‌شناس در تمام ابعاد زندگی (بعد فردی و اجتماعی، در زندگی شخصی، خانواده‌ای، قومی، اجتماعی و ...) تشکیل می‌دهند این را به طور غالب، جامعه‌ای سالم که سلامت اجتماعی به آن حاکم است می‌خوانیم حال برای حفظ «سلامت اجتماعی» همین جامعه باید از امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرد یعنی تا فرد یا افرادی خواستند میکروب خطرناک «گناه و فساد» را به پیکره این جامعه وارد کنند و به گسترش آن همت کنند. با امر به معروف و نهی از منکر می‌توان از رشد و گسترش آن بیماری خطرناک پیشگیری کرد و حتی با برخورد مقتضی آن را ریشه کن ساخت.

۲. یا جامعه‌ای است که حرکت عمومی و جوّ حاکم بر آن به سمت هواهای نفسانی و اشباع خواسته‌های شیطانی است اگر بخواهیم این جامعه بیمار را سالم کنیم و تندرستی اجتماعی و روحی را به او ببخشیم باز بهترین کار، امر به معروف و نهی از منکر در شکل وسیع و گسترده و مناسب آن است.

۱. امام محمد باقر (ع)

با توضیحی که گذشت، روشن است که فلسفه وجود و وجوب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ امر به معروف و نهی از منکر یعنی حفظ و پاسداری از سلامت اجتماعی و روانی جامعه، و احیاء سلامتی عمومی یعنی اهدای تندرستی اجتماعی و اگر بخواهیم بیشتر با فلسفه وجودی آن آشنا شویم باید نخست با آثار آن آشنا شویم چه اینکه فلسفه وجودی آن در ظهور و بروز آثار آن نهفته است.

پیامبر اسلام در یک مثال ساده فلسفه امر به معروف و نهی از منکر و عدم منافات آن با آزادی را این طور ترسیم می‌فرماید:

یک گنهکار در میان مردم مانند کسی است که با گروهی سوار کشتی شده و هنگامی که در وسط دریا قرار می‌گیرند به سوراخ کردن جایگاه خویش می‌پردازد اگر دیگران او را از این کار خطرناک باز ندارند آب به کشتی نفوذ می‌کند و یک باره همگی غرق می‌شوند.

پیامبر با این تعبیر زیبا منطقی بودن و لزوم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به همگان مجسم و حق نظارت بر اجتماع راحتی طبیعی که ناشی از پیوند سرنوشت‌هاست می‌داند آری، جامعه نیز مانند کشتی است سرنشینان کشتی تنها تا حدی آزادند که موجب هلاک دیگران شوند هر گاه مسافری از این آزادی استفاده نادرست کند و بخواهد با میخ یا وسیله‌ای دیگر بدنه کشتی را سوراخ کند همه مسافران بنا بر گزینه دفاعی خود بشدت با او مبارزه می‌کنند و عمل او را حرکتی از روی نادانی و محدودنگری می‌پندارند. بی‌شک سستی و بی‌توجهی آنان خطر غرق شدن و نابودی همگان را به دنبال خواهد داشت و همه‌ی مومنان با برخورد با افراد مرتکب گناه و افرادی که ارزش‌های الهی را زیر پا نهاده است متعهد و مسئول‌اند.

امر به معروف و نهی از منکر از نگاه رهبر کبیر انقلاب

در اینجا به تناسب بحث به سه فراز از سخنان حکیمانه‌ی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) توجه کنید.

۱. رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) امر به معروف و نهی از منکر را از بالاترین و گرانقدرترین فرایض اسلامی می‌شمارند و می‌فرماید: (امر به معروف و نهی از منکر که فرایض دیگر را به پا داشته و دین مبین اسلام را نظم بخشیده است و زندگی در دنیای اسلام را رونق می‌دهد. وجود این فرضیه از ضرورت دین است هر کس آن را انکار کند و بداند انکار آن لازمه‌اش انکار اصلی اصول دین است و به دین الزام هم ایمان داشته باشد کافر است.

۲. کوشش کنید که احکام اسلامی را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند، همانطور که هر شخص و فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند، اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند. بیانات امام (ره) در ۵۰/۷/۲۰ صحیفه‌ی نور ج ۱ ص ۱

۳. هر مقداری که می‌شود خودتان و هر کس را با او آشنا هستید، هر مجلسی که پیدا می‌شود، ببینید که یک کسی از این پوشش اسلامی می‌خواهد یک قدری کنار برود، دعوتش کنید امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد و بر دیگری نه ... همانطور که مکلفیم خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت چه نور، مکلف هستیم دیگران را همین طور دعوت کنیم. هر مقداری که می‌توانیم، شما نباید بگویید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل

محراب نیستیم، شما اهل این هستید که در خانواده‌تان با آن پسران و با دخترتان و با اولیائشان، با آن کسی که رفیق شما هست، می‌توانید حرف بزنید، همین مقدار شما مکلفید. اگر انسان دید معصیت خدا می‌شود باید جلوی او را بگیرید و نگذارید معصیت خدا بشود. بیانات امام (ره) در ۵۸/۱۰/۲ صحیفه‌ی نور ج ۱۱ ص ۸۴

مراحل امر به معروف و نهی از منکر:

معصومان درباره امر به معروف و نهی از منکر بسیار سخن گفته‌اند و فقیهان براساس این روایات برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجاتی بر شمرده‌اند این مراحل عبارت‌اند از:

۱- اظهار خشم و نفرت

اولین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر تنها اظهار ناخرسندی و نفرت از منکر است گاه برخی افراد بدون توجه و آگاهی مرتکب منکر می‌شوند و تنها اظهار خشم و ناخشنودی موجب اصلاح آنان می‌شود در این مرحله به هیچ اقدامی حتی گفتار هم نیاز نیست تنها رو ترش کردن اخم به چهره کافی است امام علی (ع) می‌فرماید: «امرنا رسول الله ان تلقی اهل المعاصی بوجوه مکفهرة».

رسول خدا (ص) ما را فرمان داد تا با صورت‌های درهم کشیده و عبوس با گناهکاران روبرو شویم. (وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۱۳).

۲- قطع رابطه

دومین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر قطع رابطه است گاه برای وادار کردن و انجام وظیفه و بازداشتن از منکرات تنها اظهار نفرت و ناخشنودی کافی نیست باید برای مدتی از شخص روی گرداند تا زشتی کارش را دریابد و به مسیر درست باز گردد.

۳- گفتار

سومین مرحله، مرحله‌ی گفتار است چه بسا افرادی به سبب نادانی تحت تأثیر تبلیغات قرار می‌گیرند و دچار منکر می‌شوند این گروه به مربی و راهنما نیاز دارند در این موقعیت باید امر به معروف و نهی از منکر در کمال مهربانی و عطف آن‌ها را نصیحت و راهنمایی کند.

۴- عمل

چهارمین مرحله عمل است که گهگاهی شخص در درجه‌ی است که روی برگرداندن و صحبت کردن با منطق تذکر دادن بر او تأثر نمی‌گذارد و در اینجا باید با عمل وارد شویم و شروع به کار کنیم.

خودسازی در امر به معروف و نهی از منکر

در اینجا سوالی مطرح می‌شود که چرا برای امر به معروف و نهی از منکر کردن باید اول خود را امر به معروف و نهی از منکر کنیم یعنی اول خودسازی کنیم بعد به ساختن دیگران پردازیم؟

جواب این سؤال را با یک داستان از پیامبر اکرم (ص) در می‌یابیم:

روزی مردی از شهر و دیار دور، خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت: یا رسول الله، پزشک، فرزندم را از خوردن خرما منع کرده است ولی پسرم به حرفمان گوش نمی‌دهد شما لطفی کنید و او را نصیحت کنید تا از خوردن خرما صرف نظر کند پیامبر در جواب گفت: برو فردا بیا تا خواسته‌ات را انجام بدهم.

مرد با ناراحتی از پیش پیامبر رفت و فردا دوباره برگشت پیامبر خواسته‌ای او را انجام داد و مرد غریبه عرضه داشت یا رسول الله چرا همان دیروز درخواستم را انجام ندادید. پیامبر فرمودند: بخاطر اینکه دیروز من خودم خرما خوردم نمی‌توانستم به او بگویم که ای پسر تو خرما نخور.

از این روایت می‌فهمیم که فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را هر انسان باید از وجود خود آغاز کند تا بتواند در راستای اصلاح جامعه و حرکت به سوی نو شدنی مطلوب دیگری را نیز با خود همراه و هدایت کند. شاید در آغاز چنان به نظر آید که مراد از اقدام‌های عملی، زدن، بستن، گشتن، و اقداماتی نظیر آن ولی در حقیقت این است که گسترده اقدام‌های عملی فراتر از این امور است و شیوه‌های بسیار مختلفی را در بر می‌گیرد امام علی (ع) درباره پیامبر (ص) تعبیر جالبی دارد: ایشان، (پیامبر ص) پزشکی بود که بیمارها را معالجه می‌کرد هم جراح بود و هم مرحم گذار، یعنی اول مهربانی و لطف بود و اگر مهربانی سودمند نبود به جراحی می‌پرداخت بنابراین باید به این فریضه الهی اهمیت بسیار داد زیرا پیام اصلی عاشورا است و این عزاداری‌ها باید این فریضه را در میان مردم زنده کند.

تبعات ترک امر به معروف و نهی از منکر

میزان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تنها در بعد آثار سازنده و مثبت آن خلاصه نمی‌شود بلکه آیات و روایات به تبیین آثار ترک آن نیز پرداخته است. تأکیدهای که خداوند، پیامبر، ائمه اطهار و بزرگان دین کرده‌اند اگر این فریضه بزرگ انجام نشود و مسلمانان نسبت به آن بی‌تفاوت باشند چه عواقبی در انتظار آنان خواهد بود، به خوبی و تفصیل در روایات مشاهده می‌گردد.

اینک اهم عناوین و تعبیر بکاررفته در روایات را یکایک مطرح می‌کنیم.

۱. سلب برکات الهی
۲. تسلط اشرار
۳. عذاب و هلاکت
۴. لعن و نفرین پروردگار
۵. شرکت در گناه دیگر
۶. دگرگونی ارزش‌ها

جامعه ساکت مرده است «و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الاباب»

اگر در برابر قاتل ایستاده‌اید و او را به قصاص رساندید زنده‌اید (وگرنه مرده‌اید)

البته زنده و مرده بودن فرد برای همه روشن است اما زنده یا مرده بودن جامعه نیاز به درکی بالا و شعور اجتماعی دارد به همین دلیل در آیه می‌فرماید (یا اولی الاباب) یعنی اگر شما اهل فهم و درایت بالا باشید این قسمت را درک می‌کنید جامعه‌ای که هر کس اشتباهی انجام دهد احدی معترض او نمی‌شود جامعه مرده است کسی که در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها به عبارت دیگر امر به معروف و نهی از منکر بی‌تفاوت است مرده‌ای است که در میان زنده‌ها نفس می‌کشد!

سکوت در برابر گناه نشانه‌ی ضعف، ترس، یاس نداشتن تعهد نسبت به دین و جامعه و اصلاحات است السکوت عندالضروره بدعه (بحار النوار ج ۷۷ ص ۱۶۵) سکوت در برابر گناه نوعی بدعت است.

۱. و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الاباب (۱۷۰ بقره تفسیر المیزان)

سکوت نتیجه‌ای جز خسارت ندارد در سوره العصر آیه ۳ می‌خوانیم: کسانی که با ایمان و عمل صالح باشند ولی ساکت باشند و دیگران را به حق سفارش نکنند در خسارت قرار گرفته‌اند.^۱

خداوند در سوره بقره آیه ۲۵۱ می‌فرماید: اگر گروهی از مردم جلو فتنه و فساد دیگران را نگیرند همه زمین به فساد کشیده می‌شود.^۲

امام علی (ع) در سوره‌ی ۱۹۲ قاصعه فرمودند: خداوند امت‌های پیشین را لعنت نکرد مگر به دلیل رها کردن امر به معروف و نهی از منکر.^۳

راه‌های عملی شدن امر به معروف و نهی از منکر

راه‌های مؤثر در گسترش بخشیدن امر به معروف و نهی از منکر و تبدیل آن به یک فرهنگ ناب و استمرار بخشیدن آن در عرصه اجتماعی معلول علل و عوامل زیر است:

۱- شناخت و آموزش صحیح امر به معروف و نهی از منکر یک فرهنگ آموختنی است و باید براساس منابع اصلی اسلامی به افراد جامعه تعلیم داده شود و این منابع هم می‌تواند عقلی باشد و هم نظامی و باید از هر دو منبع بهره جست و لذا هر چیزی که در تحقق این عامل مؤثر بوده و به صورت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری کاربرد دارد باید مورد توجه قرار گیرد بنابراین آموزش صحیح مولفه‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

- الف) برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه و متناسب با زمان و سطوح فراگیران
 - ب) انتخاب افراد جامع‌الشرایط به عنوان دست‌اندرکاران امر تبلیغ و آموزش‌های دینی
 - ج) توجه به حالات و روحیات و ویژگی‌های فردی و اجتماعی و ذوق فراگیران معارف الهی.
- ۲- تبلیغات: یکی از مهم‌ترین ابزار تحقیق اهداف، تبلیغات مؤثر است که راه‌های و روش‌های متعددی دارد که آمترین به معروف و ناهین از منکر باید حدالمقدور آن را بشناسند.
- ۳- عامل روانی و اجتماعی: هر عاملی که سبب می‌شود تا انگیزه انسان در گرایش تقویت شود و انگیزه تحقق یابد.
 - ۴- عامل سیاسی و اقتصادی: این امر باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.
 - ۵- عامل کنترل و نظارت: بدون کنترل و نظارت هیچ ارزش و هنجاری در جامعه تحقق نیافته و ناهنجاری برچیده نمی‌شود.
 - ۶- عامل بازدارنده:
- زندگی و وجود خود آدم نیز مثل یک جامعه، صحنه‌ای امر به معروف و نهی از منکر است. (کتاب‌نامه‌ها ص ۱۵۹ دکتر شهید علی شریعتی).

راه‌های شناخت معروف و منکر

از سه طریق می‌توان «معروف و منکر» را شناخت:

- ۱. فطرت
- ۲. عقل

۱. الا‌الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر (۳ والعصر)

۲. ... ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض... ۲۵۱ بقره

۳. امام علی (ع) خطبه‌ی ۱۹۲ قاصعه

اکنون به بیان مختصر هر یک می‌پردازیم:

۱) فطرت

سرشت و خلقت انسان‌ها به گونه‌ای است که ذاتاً طالب معنویات، جوای کمالات و زیبایی‌ها هستند و از پستی‌ها و زشتی‌ها متنفر می‌باشند، بنابراین آنچه را که فطرت سلیم انسانی، خوب، کمال و زیبایی می‌داند از نظر فطرت «معروف» و آن چه را از آن نفرت دارد و گریزان است، می‌توان «منکر فطری» نام نهاد.

اصولاً پیامبران الهی برای بیدار کردن همین فطرت الهی و پاکسازی آن از گردوغبار تأثیر محیط و سنت‌های نادرست مبعوث گشته‌اند و ادیان الهی نیز براساس همین فطرت، مطابق و همگون و هماهنگ با آن، پس ریزی شده است، زیرا یکی از ابعاد نهفته در فطرت انسانی، خداجویی، و خداخواهی است «دین خواهی» و نیاز به دین یک امر فطری می‌باشد. فطرت انسان، خواهان کمالات و زیبایی‌ها و چیزهایی است که خود را اشباع کند اما، کیفیت و چگونگی بدست آوردن و رسیدن به هدف و حدّ و حدود آن را غالباً نمی‌داند و تعیین این حد و مرزها، مقداری با عقل و بیشتر آن با شرع است.

۲) عقل

یکی از بهترین و بالاترین نعمت‌هایی که خداوند متعال بر انسان‌ها ارزانی داشته است، به ودیعه نهادن این گوهر گرانبها، چراغ زندگی، وسیله سعادت و خوشبختی، ابزار معرفت و شناخت خداوند و حقایق هستی و سبب نجات و رستگاری جاودانی در انسان است.

عقل سلیم انسانی به طور یقین اموری مانند کمک به افتادگان، دفاع از شرافت و حیثیت، تلاش و کوشش، شکر و سپاسگذاری از نعمت دهنده، مهربانی نسبت به دیگران و ... را کارهایی خوب (و معروف) می‌شمارد و کارهایی مانند تجاوز به حقوق دیگران، تندی و خشونت، تنبلی و بیکاری، جهل و بی‌سوادی خیانت، دروغ، و ... را بدن منکر مردانده اگر عقل در این حدّ که گفته شده نباشد معنا ندارد که محبتی از خدا به مردم باشد، و معنا ندارد که بواسطه وجود عقل، مورد مواخذه و بازخواست قرار گیرد.

۳) دین

سومین راه شناخت و معیار تشخیص (معروف) و (منکر) کامل‌ترین و جامع‌ترین معیارها، دین می‌باشد. از آنجا که هدف از خلقت انسان وصول به کمال نهایی است، و از آنجا که عقل به تمام زوایای ابتدا تا انتهای این راه، برای وصول به آن هدف، نمی‌تواند شناختی داشته باشد و اگر هم داشته باشد، ناقص و نارسا خواهد بود. لذا پیامبران مبعوث شده‌اند و راهنمایی از سوی خداوند و کمال مطلق، فرستاده شدند، تا هم «راه» را نشان دهند، و هم موانع موجود بر سر راه رشد و کمال انسانی را به گونه‌ای کامل، تبیین سازند و هم چگونگی مبارزه با این موانع، و نیز راه خیزش به سمت کمال و جهش به سوی تعالی را روشن کنند.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

۱) جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در مکتب اسلام (بعد ارزش)

ارزش و اهمیتی که در مکتب مقدس اسلام به امر به معروف و نهی از منکر داده شده است و انسان را مسئول یک دیگر و نیز مسئول دین خویش دانسته است، در دیگر ادیان و مکاتب، یا وجود ندارند و یا چنان اهمیتی برایش قائل نشده‌اند.

۲) جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی اسلامی (بعد تاریخی)

در جامعه‌ی اسلامی، در صدر اسلام، پیامبر گرامی اسلام (ص) و یاران و اصحاب ایشان و نیز پیشوایان معصوم (ع) او امر به معروف و نهی از منکر، در جهت پاسداری از اصول مکتب، به مثابه موثرترین ابزار و نیز یک تکلیف الهی، بهره گرفته‌اند، مسلمانان آن را وظیفه‌ی الهی خود دانسته و به اجرای این فریضه‌ی بزرگ پای‌بند بوده و اهمیت خاصی برای آن قائل‌اند.

آثار امر به معروف و نهی از منکر

درباره‌ی اینکه امر به معروف و نهی از منکر چه آثاری در زندگی فرد و اجتماع به جا گذاشته و چه دگرگونی‌های ارزشمندی را پدید می‌آورد روایات بسیاری وجود دارد که بنا بر مقتضای حال سیزده عدد از آن را فقط نام می‌بریم:

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱. اقامه واجبات | ۸. عمران و آبادی زمین |
| ۲. دعوت به اسلام | ۹. انتقام از دشمنان |
| ۳. ردّ مظالم | ۱۰. اصلاح امور دین و دنیا |
| ۴. مخالفت با ستمگران | ۱۱. دلگرمی مومنان و خوارکننده دشمنان |
| ۵. گرفتن صدقات و مصرف آن در محل خود | ۱۲. شرکت در ثواب اعمال شایسته دیگران |
| ۶. اهمیت اعتقادی و اجتماعی | ۱۳. دنیا و آخرتی سودمند |
| ۷. حلال شدن درآمدها | |

۱- اقامه واجبات:

استقامه الفرائض یعنی بپا بودن و انجام شدن واجبات، این یکی از آثار ارزشمند انجام امر به معروف و نهی از منکر است. با امر به معروف و نهی از منکر نه تنها از کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی می‌توان جلوگیری کرده بلکه در جهت توسعه و گسترش آن می‌توان حرکت کرد.

در انجام اعمال شایسته خواه واجب خواه مستحب از یکدیگر پیشی گرفته و برای رسیدن به رضوان الهی شتاب و سرعت می‌گیرند: «فریضه عظیمه بها تقام الفرائض»

۲- دعوت به اسلام:

امر به معروف و نهی از منکر مردم را به اسلام و ارزش‌های آن می‌خواند و به «حیات طیبه» و پاکیزه‌ای که در پرتو درخشش اسلام و عمل به فرامین و دستورات آن حاصل می‌شود دعوت می‌کند. آنچه اسلام برای انسان می‌خواهد چیزی جز سعادت در دنیا و آخرت رضوان الهی نیست.

امام علی (ع) می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آنگاه که خداوند و پیامبر (ص) شما را به چیزی می‌خواند که احیاگر شماست بدان تن در دهید و آن را بپذیرید).

از آثار امر به معروف و نهی از منکر «دعوت به اسلام» «احیاء تبلیغ اسلامی» و «تقویت اسلام» است.

۳- رد مظالم «پرداخت حقوق دیگران»

مظالم جمع مظلومه است. یعنی آنچه بظلم و ستم از کسی گرفته شده باشد، که معمولاً در حقوق مالی متصور است. یا ظلم و ستمی که به کسی وارد کرده باشد که هم در حقوق مالی و هم غیر آن مطرح است. اگر کسی مالی را از کسی به

زور گرفته باشند یا حقوق واجب شرعی که بر عهده اوست مانند خمس، زکات، خرج زن و فرزند همه‌ی این موارد مظلّمه به شمار می‌آید. حال اگر کسی چنین حقوقی به عهده‌اش باشد باید آن را رد کند یا درخواست بخشش کند و چنانچه نسبت به وظیفه‌اش بی‌توجه است. از سر جهل و ناآگاهی یا قلدری و خودسری با امر به معروف و نهی از منکر می‌توان او را نسبت به وظیفه‌ی مسئولیت سنگینی که در دنیا و آخرت در برابر حق الناس دارد متوجه کرد و او را وادار به پرداخت و ادای حقوق دیگران ساخت.

۴- مخالفت با ستمگران:

با امر به معروف و نهی از منکر می‌توان به ستیز با ستم و ستمگران برخاست. برخی از حکما گفته‌اند: ظلم سه گونه: نخست ظلم بین انسان و خداوند متعال (ظلمی که انسان بر پروردگار هستی بخش خود روا دارد) که بالاترین این ستم کفر ورزیدن و روی آوردن به شرک و نفاق است. خداوند می‌فرماید: (همانا شرک ستم بزرگی است).

دوم: ستمی که بین انسان و مردم باشد و مقصود پروردگار از این قبیل آیات همین قسم است. که می‌فرماید: پاداش یک بدی بمانند آن است و خداوند ستمگران را دوست ندارد. (که بیش از مقدار حق خویش و قصاص کرده یا ضربه زند) یا فرموده: هر کس به ظلم کشته شده است برای ولی او حق قصاص قرار دادیم. سوم: ظلم بین انسان و خودش (به خودش ستم کند) و مقصود از این آیه همین معنی است که فرموده است برخی از اینان بر خویش ستم کننده‌اند.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مناسب‌ترین راه‌های جلوگیری از بسیاری ستم‌ها و سرکشی ستمگران می‌باشد.

۵- گرفتن (صدقات) از منابع آن و مصرف در موارد تعیین شده.

با امر به معروف می‌توان زکات را از منابع آن جمع کرده و در موارد مربوطه به مصرف رساند ابتدا باید این زکات را به مردم شناساند. موارد مصرف زکات:

۱. فقراء
۲. مساکین
۳. کسانی که برای جمع‌آوری زکات مأمور می‌شوند.
۴. کسانی که مسلمان نیستند ولی می‌شود با محبت دل‌هایشان را به اسلام متمایل کرد.
۵. با زکات می‌شود بردگان را خرید و آزاد کرد.
۶. کسانی که بدهکارند و از اداء دین خویش عاجز و ناتوان‌اند.
۷. هزینه کارهای خیر و عالمنفعه مانند مدرسه سازی، بیمارستان و ...
۸. انسانی که در دیار غربت مال خویش را گم کرده و درمانده شده است.

۶- امنیت اعتقادی و اجتماعی:

با اجرای امر به معروف و نهی از منکر عظمت و ابهت خویش را باز یافته و منکر همواره امری قبیح و ناپسند جلوه می‌کند در چنین شرایطی عملاً گرایش به معروف زیاد و روی آوردن به منکر اندک خواهد شد.

۷- حلال شدن درآمدها:

در اسلام به مسأله (آکل از راه حلال) سفارش و توصیه شده است. برای حرام خوری، اثرات ذهنی منفی در نطفه و بعد روانی انسان قائل شده و در مقابل برای امرار معاش از طریق حلال اثرات فراوانی ذکر شده است.

۸- عمران و آبادی زمین

یکی از اثرات معنوی امر به معروف و نهی از منکر آباد شدن زمین و ازدیاد برکات الهی بر مردم خواهد بود. و امر به معروف تبلیغ کارهای خوب و پسندیده است و یکی از آن کارها، احیای صنعت کشاورزی و آباد کردن زمین از این طریق است.

۹- انتقال از دشمنان اسلام:

دشمنان اسلام ۲ گروه هستند: منافقین و کفار تشکیل می‌یابند. اینان در هر زمانی در پی فرصتی مناسب برای ضربه زدن به اسلام و مسلمین بوده‌اند و در زمان‌های مختلف کینه و عداوت عمیق خویش را نسبت به اسلام به نمایش گذارده‌اند. دشمنان اسلام برای رسیدن به اهداف پلید خود از راه‌های مختلف به میدان می‌آیند که بهترین آن تهاجم فرهنگی همه جانبه و در ابعادی وسیع با استفاده از امکانات تبلیغاتی گسترده و پیشرفته است.

۱۰- اصلاح امور دین و دنیا:

با امر به معروف و نهی از منکر می‌توان کارها را اصلاح نموده و در مسیر صحیحی قرار داد. و اگر چنین شد عموم مردم اصلاح می‌شوند و یک اصلاح عمومی صورت می‌پذیرد که این هم از آثار پربرکت اجراء این فریضه بزرگ الهی است. حضرت فاطمه الزهرا(س) در یکی از خطبه‌هایش فرموده:

خداوند ایمان آوردن را برای پاک نمودن انسان از شرک، نماز را برای دور جستن و پاکی از کبر و غرور، زکات را برای فراوان شدن رزق و روزی، روزه را برای ثابت ساختن اخلاص، حج را برای استحکام دین، جهاد را بخاطر عزت اسلام و امر به معروف و نهی از منکر را برای اصلاح عموم مردم، واجب نموده است.

۱۱- دلگرمی مومنان، فراری دشمنان:

حضرت علی(ع) می‌فرماید: جهاد بر چهار پایه قرار دارد: ۱- امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳- پایداری در جبهه‌ها ۴- دشمنی با فاسقین. هر کس امر به معروف کند پشت مؤمن را محکم ساخته است و هر کس نهی از منکر نماید بینی کافر را به خاک مالیده است.

وقتی انسان مؤمن ببیند که در راستای اعتقادات مذهبی در اجتماع تبلیغ می‌شود و عمل به ارزش‌ها سفارش و توصیه می‌شود، نسبت به اعتقادات خویش راسخ‌تر و با دلگرمی بیشتر به انجام کارهای شایسته اقدام می‌کند و در نقطه مقابل آنکس که در پی منکرات و آلودگی‌ها است زمانی که مشاهده کند که هر جا گامی برخلاف می‌خواهد بردارد مراقب او هستند و او را از آن عمل ناپسند بازداشته سرزنش و ملامت می‌کنند از پیگیری کارهای ناشایست دلسرد می‌شود.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر مؤمن را در راهی که دارد راسخ‌تر و محکم‌تر می‌کند و دشمنان را در رسیدن به نقشه‌های پلید خویش که به فساد کشاننده مسلمانان و بویژه نسل جوان است ناکام می‌کند.

۱۲- شرکت در ثواب اعمال:

اگر فرد یا افرادی به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به کارهای خوب و شایسته روی آورند و بدان گردن نهند، شخص امر به معروف در ثواب آن اعمال شایسته شریک می‌باشد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: رسول خدا (ع) فرمودند: هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند یا به کار خیری راهنمایی کند پس او در ثواب آن عمل شریک است و هر کس به کار بد یا بدی‌ها امر کند او نیز در گناه آن عمل شریک است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر کسب و تحصیل رضوان الهی که بالاترین هدف برای انسان مؤمن و خداپرست است می‌توان توشه و پس‌اندازی برای سرای جاودان و حیات ابدی اندوخت.

۱۳- دنیا و آخرتی سودمند:

حضرت علی (ع) می‌فرماید: هر کس سه خصلت و ویژگی را داشته باشد دنیا و آخرتش خوب و سودمند خواهد بود.

۱. کسی که امر به معروف کند و خودش نیز به آن گردن نهد.

۲. و کسی که نهی از منکر کند و خود نیز بدان روی نیاورد.

۳. و کسی که حدود الهی را محافظت و پاسداری کند.

دنایای سالم یعنی دنیایی که در آن زمینه رشد و تعالی به سوی کمال مطلق فراهم است و یکی از این زمینه‌ها وجود محیطی پاک و دور از گناه است که زمینه را برای رشد انسان‌ها و انسانیت خیلی بهتر آماده‌تر و سریع‌تر می‌کند و همچنین در آخرت به فریاد انسان می‌رسد و این عمل (امر به معروف و نهی از منکر) او سبب خلاصی و نجات او خواهد شد.

پیش‌نیازهای امر به معروف و نهی از منکر

مقصود از آنچه در این بخش مورد بحث قرار گرفته است این نیست که این موارد شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است بلکه منظور آن است که با انجام این موارد چه بسا نیازی به امر به معروف و نهی از منکر به معنای خاص آن نباشد و بسیاری از معروف‌ها انجام و لااقل برخی از منکرات ترک شود.

(۱) شناساندن «معروف‌ها و منکرها»

پیش از آنکه نوبت به امر به معروف و نهی از منکر برسد لازم است در جهت شناساندن «معروف‌ها و منکرها» اقدام مناسب به عمل آید زیرا امکان دارد افرادی ندانند فلان عمل از نظر اسلام خوب و معروف (واجب یا مستحب) است یا کار دیگر، بدو منکر (حرام) است اولین مرحله از مسأله تبلیغ اسلام را همین شناساندن معروف و منکر تشکیل می‌دهد. امری که از ابتدا تا انتهای دعوت پیامبر اکرم (ص) به روشنی مشاهده می‌شود.

(۲) تبیین حد و مرز هر یک از «معروف‌ها و منکرها»

واقعیت این است که هنوز بسیاری از افراد تصویر روشن و دقیقی، از حد و مرز حلال‌ها و حرام‌ها ندارند و تعریف مشخص و جامعه از هر یک از معروف‌ها و منکرها نمی‌توانند ارائه دهند.

به هر حال لازم است حد و مرز معروف‌ها و منکرها، برای جامعه تبیین گردد و در سطحی از مردم با شیوه خاصی، و در هر قشر و صنفی از مردم بیشتر آنچه را که از نظر شغلی با آن سروکار دارند و به دانستن آن نیازمندند تا به حرام نیفتند و به منکرات آلوده نگردند، بیان می‌شود.

برخی از معروف‌ها و منکرها نیز وجود دارند که دانستن آن برای صنف خاصی ضرورت بیشتری از سایر مردم دارد مثلاً مسائل مربوط به حفظ امنیت و آبرو و اموال مردم و چگونگی برخورد مناسب با آن‌ها حفظ احترام و شخصیت افراد یا

مطالب مربوط به تجسس و کار «کاراگاهی کردن» و اینکه حد و حدود مشروع و نامشروع آن چیست برای نیروی‌های انتظامی دقت بیشتری را جلب می‌کند.

۳) تبیین «اهمیت» هر یک از معروف‌ها و منکرها

برخی از افراد، اگر گاهی نسبت به مواردی از «معروف‌ها» سستی و اهمال از خود نشان می‌دهند و یا اگر گاهی مرتکب برخی منکرات، می‌شوند به سبب این است که نسبت به اهمیت آن معروف یا ناپسند بودن آن منکر، در مکتب اسلام و نزد خداوند متعال، آشنایی ندارند و خود، اعتراف می‌کنند که اگر ما پی به «اهمیت آن» می‌بردیم به آن «معروف» اشتیاق بیشتری را نشان می‌دادیم و از آن منکر، دوری می‌کردیم.

۴) تبیین آثار و «نتایج» عمل به هر یک از «معروف‌ها و منکرها»

بیان آثار و عواقب کار یا کارهایی نقش مهمی در تشویق به آن کار یا در اعراض از آن داشته است این روش، یعنی شیوه تشویق به کاری، از راه تبیین آثار مثبت و نتایج خوب خوب آن و شیوه بازدارندگی از عمل از راه تبیین آثار منفی آن، در قرآن کریم و روایات بسیار مورد استفاده گردیده است و این نشانگر آن است که این گونه بدی‌ها امری فطری با طبیعت و نهاد انسان‌ها است.

۵) شناخت وضعیت‌ها «شرایط»

امرکننده‌گان به معروف و نهی کنندگان از منکر، پیش از آنکه به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند، نیازمند شناخت و درک «موقعیت‌ها» و شرایط خود و مخاطبین هستند از طرف خود، باید بدانند آیا از «شرایط» امر کردن به معروف و نهی کردن از منکر، برخوردار هستند یا نه؟ آیا در «موقعیتی» قرار دارند که امر و نهی آنان موثرتر واقع گردیده یا اینکه ممکن است نتیجه معکوس بدهد؟

الف) موقعیت زمانی:

آیا امر و نهی شما در زمان مناسبی که مخاطب قرار دارد صورت می‌گیرد و یا در هر زمان نامناسب به پند و اندرز و امر و نهی او بپردازید، این کار نه تنها اثری نخواهد بخشید بلکه ممکن است بر اصرار و عناد او بیفزاید یا حتی مفسده‌ای بیار آورد.

ب) موقعیت مکانی:

اینکه در کجا به وظیفه خود اقدام کنید، در کوچه و خیابان یا منزل و محل کار یا در مسجد و بازار و ... نکته‌ای که برخی از مخاطبین شما نسبت به آن حساسیت دارند.

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم به نظر می‌رسد این است که «شناخت مقام و موقعیت عمل» مخاطب نیز اثر زیادی در چگونگی انتخاب امر به معروف و نهی از منکر دارد.

ج) موقعیت روحی و روانی:

باید سعی شود، امر به معروف و نهی از منکر در حالی انجام پذیرد که از نظر روحی، مخاطب شما توان پذیرش این اوامر را داشته باشد.

د) موقعیت «اجتماعی»:

مقام و موقعیت اجتماعی مخاطب، چنان برخی از آثار را تحت تأثیر قرار می‌دهد که به نظر آنان، کوچک‌ترین خدشه‌ای به آن وارد آید، تاب و تحمل آن را ندارند، لذا با توجه به مقام و موقعیت اجتماعی مخاطب، شیوه عمل از حیث اثربخشی، تفاوت می‌کند.

شناخت «چگونگی»، امر و نهی و اینکه کدام شیوه آن تأثیر دارد، از دیگر پیشنیازها در امر به معروف و نهی از منکر است به عنوان مثال بدانند که از کدام مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر باید استفاده کند چگونه شروع کند؟ با زبان قلم یا با واسطه یا تلفن و یا ... چه حالتی داشته باشد، موثر است؟ حالت دلسوزانه، مهربانانه و متواضعانه یا حالت آمرانه و ...

۶) زمینه‌های «پذیرش»:

چنانچه زمینه‌هایی پدید آید که، وجدان و فطرت مردم را شکوفا سازد و آنان را با استعدادهای درون خود، متوجه سازد، و عقل را رشد بخشد، در این صورت «پذیرش معروف‌ها و ارزش‌های» الهی که هماهنگ و همسو و منطبق با فطرت و عقل انسان‌هاست، به راحتی ممکن خواهد بود و در آن هنگام امر به معروف و نهی از منکر اثربخش شمرده خواهد شد. بنابراین باید «نیروی درونی» که همان وجدان و فطرت الهی است، شکوفا شود، تا ظرفی برای جا دادن معارف الهی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

میزان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تنها در بعد آثار سازنده و مثبت آن خلاصه نمی‌شود بلکه آیات و روایات به تبیین آثار منفی ترک آن نیز پرداخته است.

یکی از آثار وضعی اهمیت ندادن به امر به معروف و نهی از منکر این است که برکت و خیر رحمت پروردگار از مردم گرفته می‌شود.

پیامبر (ص) فرمود: تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نموده و یکدیگر را به نیکی یاری کنند همواره در خیر و سعادت بسر خواهند برد. در غیر این صورت برکت‌ها و خیر الهی از آنان گرفته خواهد شد و برخی (اشرار) بر دیگران مسلط خواهند شد و یآوری نه در زمین و نه در آسمان نخواهند داشت.

اساساً رواج و شیوع گناهان در جامعه مساوی است با رخت بر بستن برکات الهی که یکی از امور گناهان ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

حاکمیت اشرار زمینه می‌خواهد و بی تفاوتی و ترک امر به معروف و نهی از منکر بیشتری نقش را در تحقق این زمینه ایفاء می‌کند. اشرار و مفسدین با تعارفات اصلاح طلبانه مثل حقوق بشر - آزادی و ... قدم به میدان نهاده و با تعریف مفاهیم اینگونه واژه ما در پی بدست گرفتن قدرت در جوامع اسلامی خواهد بود.

حضرت علی (ع): امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در نتیجه پروردگار امور شما را به اشرار تان بسپارد. آنگاه که در تنگنایی ظلم و ستم و فساد واقع شدید لب به دعا می‌کشاید ولی دعایتان مستجاب نمی‌شود. پس می‌توان گفت؛ یکی از آثار منفی که بر ترک امر به معروف و نهی از منکر مترتب می‌شود سلطه اشرار بر مردم است و هر کس در انجام این فریضه بزرگ کوتاهی کند سهمی و نقش در به قدرت رسیدن مفسدین خواهد داشت.

یکی از آثاری که در آیات و روایات مکرر یادآوری شده است مساله عذاب و هلاکت بر امتی است که امر به معروف و نهی از منکر آر ترک گفته است.

امام زین العابدین (ع) فرمود: گناہانی که سبب فرود آمدن بلا و مصیبت بر مردم می‌شود عبارت است از به فریاد ستم‌دیده و دلسوخته نرسیدن و به یاری مظلوم نشتافتن و پایمال ساختن امر به معروف و نهی از منکر.

یا امام رضا (ع) از قول پیامبر فرمود:

زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذارند آن را ترک گویند باید آماده پذیرفتن عذاب و هلاکت خداوند باشند.

بنابراین با ترک امر به معروف و نهی از منکر باید منتظر عذاب و هلاکت الهی باشیم. و نباید نسبت به اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد، بی تفاوت باشیم و این مسئولیت بزرگ را به گردن علما بیاندازیم.

ترک کننده امر به معروف و نهی از منکر گرفتار لعن و نفرین خداوند و انبیاء و اولیاء می‌شود. لعن به معنی طرد و دوری از رحمت و واسعہ پروردگار است. کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک گویند از رحمت خداوندی دور و از الطاف او محروم می‌شوند و این یکی از ضربه‌های بزرگی است که به آنان وارد می‌آید. پس می‌توان گفت به آنان که مرتکب گناه می‌گردند ملعون و مطرود هستند و به آنان که توانایی بازداشتن نهی را دارند ولی نهی نمی‌کنند.

چنانچه شخص عمل منکر و زشتی را مشاهده کند که از فرد یا افرادی سر می‌زند و یا اینکه می‌تواند جلوی آن منکر را بگیرد ولی بی تفاوت از آن بگذرد در گناه آن گنهکار شریک خواهد بود و فرق نمی‌کند که این بی تفاوتی در برابر معصیت‌ها و منکرات به خاطر بی اهمیت جلوه دادن موضوع باشد یا به جهت راضی بودن و همسو بودن با مفسدین.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: ای مردم همانا خشنودی و ناخشنودی مرد را گرد هم می‌آورد. ناچه نمود را فقط یک نفر پی کرد ولی عذاب الهی همه را فراگرفت چون همه بدین عمل راضی بودند. خداوند فرمود: آن را پی کردند و آنگاه که پی بردند عذاب الهی نازل می‌شود پشیمان گشتند.

از خطرناک‌ترین آثار و تحرک امر به معروف و نهی از منکر، تضعیف، نابودی و دگرگونی ارزش‌های اسلامی است یعنی اینکه آنچه را مکتب و دین خوب و ارزش می‌شمرد. در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر را کنار گذارده‌اند بد و زشت به حساب می‌آید و از آن طرف آنچه را اسلام بد و قبیح شمرده خوب و با ارزش تلقی می‌شود به مانند تهاجم فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای شیخون فرهنگی دارای رابطه تنگاتنگی است. چه اینکه این تهاجم و شیخون با هدف ضربه زدن به ارزش‌ها و در نهایت دگرگونی آن و در نتیجه نفوذ دشمنان و حاکمیت اشرار صورت می‌گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. وسایل الشيعه
۴. بحار الانوار
۵. امر به معروف و نهی از منکر والاترین فرضیه اسلامی / علی کورانی
۶. امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی / مایکل کوک ترجمه احمد نیایی
۷. چهل حدیث از چهارده معصوم درباره امر به معروف و نهی از منکر / یدالله بهتاش
۸. نشریه قدس تبعات ترک امر به معروف و نهی از منکر / محسن قرائن
۹. ماهنامه کوثر / پیکار با منکر پیام عاشورا / محمد سعیدی مهر
۱۰. نشریه شمیم یاس / اهمیت و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر / امین اسحاقی
۱۱. پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات مسعودی، محمد اسحاق، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و نشریه بین الملل ۱۳۷۸

بررسی نقش شهروند مسوول در ارتقای سرمایه اجتماعی

فرشاد نادری نیا^۱

عباسعلی قیومی^۲

چکیده

مسوولیت‌پذیری و مسوولیت اجتماعی از دیرباز جایگاه ویژه و مهمی در فرهنگ جوامع داشته است و اندیشمندان بسیاری در این باره آثار ارزشمندی خلق کرده‌اند. میزان توجه به این مهم بسته به فرهنگ حاکم بر جوامع و ارزش‌ها، هنجارهای مسلط و میزان اهمیتی که مسئولین یک کشور و جامعه به آن می‌دهند، دارد. این مسوولیت‌ها تا آنجا اهمیت داشته و پیش می‌روند که شهروندان ضمن آنکه خود را ملزم و مکلف به رعایت ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و... جامعه می‌دانند، نسبت به پیرامون و اطرافیان و دیگران نیز احساس مسوولیت نمایند و بتوانند به شیوه‌های درست جامعه را به وضع مطلوب دعوت نمایند و در اینجاست که حضور بسیاری از نیروهای پیشگیری‌کننده و یا قهری و اجباری حذف خواهند شد.

در این پژوهش با استفاده از روش اکتشافی و در پاره‌ای موارد انجام مصاحبه‌های ساختمند و با کمک دیدگاه‌های نظریه پردازان در زمینه‌های شبکه اجتماعی، شبکه تعاملات، سرمایه اجتماعی، تعهد اجتماعی و مسوولیت اجتماعی مانند نظریه پوتنام، فوکویاما، کلمن و... از یک طرف و نظریه‌های مهم فرهنگی مانند نظریه ادگار شاین و... از طرف دیگر زوایای مختلف شهروند مسوول و مسوولیت شهروندی از جمله در بحث امر به معروف و نهی از منکر تبیین و تشریح و اهمیت و نقش و جایگاه شهروند مسوول در حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی تبیین گردیده است. و آنگاه این مسوولیت در زمینه‌ی فرهنگ خودی مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفته و الزامات و ضروریات فرهنگی آن بیان شده است.

واژگان کلیدی: شهروند مسوول - مسوولیت شهروندی - امر به معروف و نهی از منکر - اعتماد اجتماعی - فرهنگ - سرمایه اجتماعی

۱. عضو هیات علمی گروه مدیریت فرهنگی هنری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

۲. عضو هیات علمی گروه مدیریت فرهنگی هنری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

امر به معروف و نهی از منکر؛ گمشده دیروز و امروز، نیاز فردا

زهره اسماعیلیان نوقابی^۱

دکتر حسین مختاریان دلوائی^۲

چکیده

بر اهل بصیرت و سالکان راه حقیقت روشن است که قرآن کریم کامل‌ترین و جامع‌ترین دستورهای هدایتی را داراست و شامل انواع برهان‌ها و دلایل عقلی و منطقی در جهت هدایت بشر به سوی حق است. از اینرو، در آیات فراوانی انسان‌ها را به معروف امر کرده و از منکر نهی کرده و نمونه‌های بارز و آشکاری را برای الگو و سرمشق قرار دادن به بشر شناسانده است که با گوش جان دادن به قصص آن، می‌توان صفات آمران و ناهیان و شیوه‌های دعوت آنان را شناخت و با پیروی از ایشان در جهت هدایت جامعه، گام‌های بلندی برداشت از آنجایی که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان پشتوانه‌ای همگانی برای رشد و گسترش نیکی‌ها و زدودن زشتی‌ها بوده و ضامن اجرایی قوی و نیرومند برای همه‌ی مقررات از ناحیه توده ملت است در این مقاله بر آن هستیم تا این مهم را از دیدگاه قرآن و روایات بررسی کنیم.

روش کار: مطالعه مذکور یک پژوهش توصیفی بوده که با بررسی آیات قرآنی و روایات به فواید این مهم پرداخته است. یکی از مهم‌ترین عوامل بدبختی جوامع بشری عدم معرفت و جهالت آن‌هاست. جامعه‌ای که خوبی‌ها را از بدی‌ها تمیز نمی‌دهد و معروف را از منکر باز نمی‌دارد به جای غذایی سالم، غذایی آلوده و مسموم می‌خورد. امر به معروف و نهی از منکر یک راهکار عملی در جهت سوق انسان به سوی کمال بوده این پیام که برگرفته از قرآن مجید بوده بعنوان یک الگو راه را برای ترقی کلیه افراد بشر هموار کرده و همواره راه گشای مشکل‌های همه افراد بشر خواهد بود.

واژگان کلیدی: قرآن- امر به معروف- نهی از منکر

مقدمه

بر اهل بصیرت و سالکان راه حقیقت روشن است که قرآن کریم کامل‌ترین و جامع‌ترین دستورهای هدایتی را داراست و شامل انواع براهین و دلایل عقلی و منطقی در جهت هدایت بشر به سوی حق می‌باشد. از اینرو، در آیات فراوانی انسان‌ها را به معروف امر نموده و از منکر نهی کرده و نمونه‌های بارز و آشکاری را برای الگو و سرمشق قرار دادن به بشر شناسانده است که با گوش جان دادن به قصص آن، می‌توان صفات آمران و ناهیان و شیوه‌های دعوت آنان را شناخت و با پیروی از ایشان در جهت هدایت جامعه، گام‌های بلندی برداشت.^۳

این دو عقلا و نقلا از واجبات کفائی هستند. امر به معروف و نهی از منکر زمانی واجب است که معروف و منکر شناخته شده باشد و فاعل (منکر) و تارک (معروف) به کار خود اصرار ورزند و از ضرر مصون باشد و امکان تأثیر نیز وجود داشته باشد پس در اینصورت امر به معروف و ناهی از منکر بایستی به تدریج و در آغاز اظهار ندامت کند و سپس با سخن نرم و در مرحله بعد با سخن درشت و تند و در نهایت با زدن عمل کند.^۴ وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر چیز دو شرط اساسی دارد: یکی بصیرت در دین و دیگری بصیرت در عمل «بصیرت در دین» همچنان که در روایت آمده

۱. مدرس و کارشناس پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

۲. مربی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

۳. مجله معرفت، شماره ۵۹، ملیحه السادات، سیدرضا

۴. شهید اول، ترجمه لمعه دمشقیه، ج ۱، ص ۱۶۶

است اگر نباشد، زیان این کار از سودش بیشتر است و اما «بصیرت در عمل» لازمه دو شرطی است که در فقه از آن‌ها به احتمال تأثیر و عدم ترتب مفسده تعبیر شده است.^۱

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

این دو از والاترین و شریف‌ترین واجبات هستند، و به وسیله این دو واجب، دیگر واجبات بر پا می‌شود. وجوب آن دو از ضروریات دین و منکر وجوب آن در صورت توجه به لوازم انکار خود و پذیرش آن، کافر خواهد بود.

در اهمیت امر به معروف همین بس که علما به دلیل ارتباط قلبی انسان با آن (یعنی تنفر قلبی از منکر) آن را در اصول دین و به دلیل برخوردهای عملی و اینکه یکی از واجبات است آن را در ردیف فروغ دین مطرح کرده‌اند.^۲

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است، به اصطلاح علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است. امام حسین (ع) در راه اساسی‌ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد، در راه آن اصلی که اگر نباشد دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرق است قران کریم بعضی از جوامع گذشته را یاد می‌کند و می‌گوید این‌ها متلاشی و هلاک شدند، تباہ و منقرض شدند می‌فرماید: به موجب اینکه در آن‌ها نیروی اصلاح نبود حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود.^۳ فریضه امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین فرائض دینی است که بر اساس آیات شریفه قران و همچنین دستورات ائمه طاهرین (ع) مورد تأکید جدی بوده و از ضروریات دین به شمار می‌آیند.^۴ انسان‌ها از ابتدای خلقت تا کنون بر اساس فطرتی که خداوند در جانشان نهاده همواره برای ایجاد مدینه فاضله تلاش کرده‌اند و خداوند نیز برای برآورده شدن آن تمام نیروهای جهان هستی را در خدمت او گمارده است بطوریکه در کتاب جاویدش می‌فرماید:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس...^۵

همانا فرستادگان مان را با نشانه‌هایی روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان را نازل کردیم تا آدمیان به اقامه قسط برخیزند و آهن را فرود آوردیم که دارای نیرویی شدید و منافی برای مردم است....

اما برای تشکیل این جامعه برتر (مدینه فاضله) اولین چیزی که نیاز است قانون صحیحی است که اجرای آن از طرف تمامی افراد موجب برآورده شدن آرزو دیرینه بشر می‌شود «قانون مثل نسخه شفا بخشی می‌ماند که تنها وجود آن دردی را دوا نمی‌کند بلکه بدست آوردن دارو و مصرف دقیق آن، بشارت دهنده سلامتی و تضمین زندگی و شادابی است»^۶ اما در کنار قانون و اجرای آن نیاز به یک نیروی قوی دارد که در حقیقت ضامن اجرای قانون است در تمامی نظام‌های سیاسی دنیا گروهی خاص مأمور اجرای قوانین هستند، اما در نظام سیاسی اسلام همه افراد نسبت به اجرای قوانین، حق نظارت و دخالت را دارند. این حق نظارت عمومی در جامعه اسلامی که ضامن اجرای عدالت و رسیدن به کمال و سعادت است

۱. امر به معروف و نهی از منکر در منظر متفکران و اندیشمندان، امر به معروف و نهی از منکر در آثار شهید مطهری، خوارج و امر به معروف و نهی از منکر

۲. محسن قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر

۳. حماسه حسینی ص ۲۲۰

۴. الامام الخميني، تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۴۳۹

۵. سوره مبارکه حدید: ۲۶

۶. سید محمود مدنی بجستانی، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه برتر در سیره معصومین (ع): خلاصه ص ۷-۸-۹-۱۰

«امر به معروف و نهی از منکر» نامیده می‌شود. بدیهی است این فریضه همانند سایر دستورات اسلامی دارای شرایط و مراتب خاص خود می‌باشد که آمران به معروف و ناهیان از منکر باید بطور کامل از این خصوصیات آگاه باشند.

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن کریم

مسئله امر به معروف از همان روزهای اول بعثت در مکه مورد عنایت اسلام بوده است. به عنوان مثال در سوره والعصر که شعار مسلمانان به هنگام جدایی از یکدیگر بود و در اوائل بعثت در مکه نازل شده است در جمله: «تواصو بالحق و تواصو بالصبر» اشاره به امر معروف می‌کند.^۱ در قرآن بر این دو فریضه تحریض و ترغیب فراوانی با تعابیر مختلف شده است، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «و باید از شما امتی باشد که دعوت به خیر کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینان رستگارند»^۲ و در جای دیگر می‌فرماید: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم خلق شدید تا آنان را امر به معروف و نهی از منکر کنید و به خدا ایمان آورید».^۳ قرآن کریم اولین وظیفه همه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: "ما در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه آن‌ها دو چیز بود یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست."^۴

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در سیره معصومین (ع)

امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای مقررات اسلامی و عامل جاودانگی دین و عزت اسلام و مسلمین است به علاوه این تکلیف صرف نظر از اینکه وظیفه اسلامی است بر تک تک افراد جامعه نیز واجب است از این رو در کتاب و سنت از آن با اهمیت ویژه یاد شده است

امر به معروف و نهی از منکر در میان دستورات اسلامی جایگاه ویژه ای دارد همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا در زمین و جانشین پیامبر و کتاب اوست^۵ و هنگامی که فردی از رسول خدا پرسید: از همه مردم بهتر کیست؟ فرمودند: آن کس که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و آن کس که از همه پرهیزکارتر باشد و در راه خوشنودی خدا از همه بیشتر گام بردارد.^۶ حضرت علی (ع) در نهج البلاغه همه کارهای نیک را در برابر آن‌ها به منزله یک قطره آب دهان در برابر آب دریا دانسته است. تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای است - آب دهان - در مقابل یک دریای پهناور^۷ همچنین امام باقر (ع) می‌فرماید: همانا امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و شیوه صالحان است فریضه بزرگی است که به واسطه آن واجبات دیگر به پا داشته می‌شود و به وسیله آن پیشه‌ها روا و حلال، ستم‌ها برطرف و زمین آباد می‌شود. دشمنان به واسطه این فریضه مجبور به انصاف شده و امر (دنیا و دین) استوار می‌شود.^۸ به فرموده روایات، امر به معروف حتی از جهاد در راه خدا مهم‌تر است زیرا جهاد در تمام عمر یکی دوبار صورت می‌گیرد ولی این واجب الهی هر شب و روز در

۱. محسن قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۳

۲. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۰۴

۳. سوره آل عمران آیه ۱۱۰

۴. سوره اعراف آیه ۱۵۷

۵. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۵

۶. مجمع البیان، ذیل آیه ۱۰۴ بقره، ج ۲، ص ۳۵۷

۷. نهج البلاغه: حکمت ۳۷۴

۸. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵

برابر چشم مردم جلوه‌گری می‌کند.^۱ امام صادق (ع) فرمودند: کسی که بتواند جلوی مفساد را بگیرد ولی نگیرد، دوست دارد که در پیشگاه خداوند متعال معصیت شود. چنین کسی اعلام دشمنی با خدا کرده است.^۲

امام علی (ع) می‌فرمایند: امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (انگیزه آنان را نسبت به کار خیر زیاد می‌کند) و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است وسیله کنترل قوی است.^۳

عشق انسانی، حیات است و زندگی، اطاعت امور است و پیرو ساز. این عشق است که عاشق را مشاغل با معشوق قرار می‌دهد. و وی می‌کوشد تا جلوه‌ای از معشوق باشد، همچنانکه خواجه نصیرالدین طوسی در شرح اشارات بوعلی می‌گوید: عشق نفسانی آن است که مبداش همرنگی ذاتی عاشق و معشوق است بیشتر اهتمام عاشق به روش‌های معشوق و آثاری است که از نفس وی صادر می‌گردد. این عشق است که نفس را نرم و پرشوق و وجد قرار می‌دهد. رقتی ایجاد می‌کند که عاشق را از آلودگی‌های دنیایی بیزار می‌گرداند.^۴ محبت به سوی مشابهت و مشاکلت می‌راند و قدرت آن سبب می‌شود که محب به شکل محبوب درآید. محبت مانند سیم برقی است که از وجود محبوب به محب وصل گردد و صفات محبوب را به وی منتقل سازد و اینجاست که انتخاب محبوب اهمیت اساسی دارد. برای این اسلام در موضوع دوستیابی و اتخاذ صدیق بسیار اهتمام ورزیده و در این زمینه آیات و روایات بسیار وارد شده است زیرا دوستی همرنگ ساز است و زیاساز و غفلت‌آور.^۵ از امام باقر ع روایت شده است که فرمودند: وای بر گروهی که خداوند را از طریق امر به معروف و نهی از منکر اطاعت نمی‌کنند.^۶ حضرت علی (ع) ضمن وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید زیرا اگر چنین کنید اشرار بر شما مسلط خواهند شد و آنگاه هر چه خدا را بخوانید، دعائتان مستجاب نخواهد شد.^۷

یکی از اهداف امام حسین (ع) از قیام علیه یزید امر به معروف و نهی از منکر بود و در موارد متعددی به این انگیزه اشاره کرده و مردم را در جهت اقامه امر به معروف و نهی از منکر با قیام و مبارزه مسلحانه تشویق می‌کردند.

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) که به حق باید ایشان را احیاگران این دو واجب الهی در سده معاصر دانست، در عمل و قول به احیای آن همت گماشتند، دستنویس سال ۱۳۶۳ ه. ق و کتاب کشف الاسرار ایشان در سال ۱۳۲۳ شمسی نمونه‌های بارزی از عمل ایشان به این واجب الهی در سال‌های دور محسوب می‌شود، حرکت عظیم انقلاب اسلامی نیز مصداق روشنی از اقدام ایشان به این فریضه الهی می‌باشد. بی‌شک مهم‌ترین اثر ایشان در امر به معروف و نهی از منکر، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، تحریر الوسیله است که در سال ۱۳۸۴ ه. ق به نگارش در آمده است.

۱. محسن قرائتی، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۲۶

۲. مستدرک، ج ۲، ص ۳۵۷

۳. کلمات قصار، شماره ۲۵۲

۴. شرح اشارات، طبع جدید، ج ۳، ص ۳۸۳

۵. شهید مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶

۷. جامع الحدیث، ج ۱۴، ص ۳۸۹

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، بر خلاف آنچه در اذهان تصور می‌شود تنها شامل موارد کوچک و محدود و منحصر به پندها و تذکرات خصوصی و فردی نمی‌شود، بلکه گستره‌ای است که قیام امام حسین (ع) و شهادت و اسارت خاندان پیامبر اکرم (ص) را برای برپایی حکومت حق و رسوایی ستمگران و غاضبان حکومت الهی در بر می‌گیرد.^۱

امام حسین (ع) شان امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد و به نهضت حسینی ارزش داد، فلسفه قیام عاشورای حسینی هم به امر به معروف و نهی از منکر ارزش داد. امر به معروف و نهی از منکر، نهضت حسینی را بالا برد ولی امام حسین (ع) این اصل را به نحوی اجرا کرد که نه تنها شأن این اصل را بالا برد بلکه، یک تاج افتخار به سر اصل امر به معروف و نهی از منکر نهاد. اسلام هم همینطور است. اسلام برای هر مسلمانی افتخار است.^۲

سید الشهداء (سلام الله علیه) از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان اقامه عدل بود فرمودند که می‌بینید به معروف عمل نمی‌شود و به منکر عمل می‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد، انحراف‌ها همه از منکرها است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، این‌ها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهداء هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه حکومت جور، حکومت جور باید از بین برود.^۳ بعثت پیامبران و دعوت اولیای خدا و شهادت مردان حق مقدمه گسترش توحید و تحصیل معرفت صحیح از خدا و عالم است.^۴ تمامی تعالیم انبیاء و تهذیب‌ها برای نجات بشر از تاریکی‌ها و ورود انسان به نور است و نور چیزی جز حق تعالی نیست.^۵ امام راحل می‌فرمود: کسی که در صدد عمل به وظیفه است کسی که خالصانه، جهت جلب رضای حق گام بر می‌دارد، از شکست‌های مقطعی، یاسی به خود خود راه نمی‌دهد. این روحیه بود که ملت ما را پیروز کرد و همچنان در صحنه نگه می‌دارد.^۶ درس‌های آموزنده و دستاوردهای شور آفرین و حیات بخش حماسه عاشورا چه در زمان قیام و چه بعد از آن و چه در دوران‌های بعد تا به امروز قابل شمارش نیستند کسی که برای رضای خدا کار می‌کند شکست در آن نیست و لو کشته شویم، شکست نداریم. حضرت سیدالشهداء هم که کشته شد، لکن شکست خورد؟ الان بیرق او بلند است و یزیدی در کار نیست.^۷ امام خمینی (ره) فرمود: کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همانطور که هر شخص و هر فردی موظف است خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند.^۸

حکومت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر

علو همت به معنای بلند همتی از کمالاتی است که مستقیم به فطرت آدمی باز می‌گردد، زیرا انسان به فطرتش عاشق کمال مطلق است و از این رو بلند پرواز است و افق‌های دور را دوست می‌دارد و خواهان امور والا و رسیدن به مراتب

۱. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره)، تبیان

۲. شهید مرتضی مطهری، حماسه حسینی ص ۱۴۰

۳. صحیفه نور، ج ۲۰، پیام امام به مناسبت سال نو، ص ۱۸۹

۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷۱

۵. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۳

۶. درس‌هایی از وصیت نامه امام خمینی (ره) ص ۴۶

۷. تبیان، دفتر سوم ص ۵۳

۸. صحیفه نور، ج ۹، بیانات امام در جمع اعضای انجمن خیریه اصفهان، ص ۲۸۵

بالاست و از پستی و زبونی و خواری و امور دون و مراتب پایین بیزار است. این والا طلبی و بیزاری از پستی، انسان را به تلاش و کوشش در جهت معالی امور و مقاصد والا بر می‌انگیزد و هر چه فطرت آدمی بیدارتر و شکوفاتر باشد علو همت در انسان پر رنگ‌تر و قوی‌تر است. علو همت، امور حقیر و پست را از چشم آدمی می‌اندازد و نگاه انسان را باز و دل را وسیع و نظر را بلند می‌سازد و آدمی را از فرو رفتن در گنداب پستی‌ها و حقارت‌ها نجات می‌دهد. در منظر امام علی (ع) ارزش آدمی به میزان والا همتی اوست چنانکه فرموده است: «قدر الرجل علی قدر همته» ارزش انسان به اندازه همت اوست.^۱ در نگاه علی (ع) انسانیت انسان به همتش است و الایی همت او نشانه والایی مرتبه انسانی آدمی است و هر چه همت انسان بالاتر و مقاصد او در زندگی والاتر و بزرگواری او بیشتر باشد بهره او از انسانیت بیشتر است.^۲ یکی از خصلت‌هایی که حاکم اسلامی باید از آن برخوردار باشد بهره مندی از روحیه تواضع و ظرفیتی است که بتواند نفس خود را از اسارت ظاهری بر مردم و جلوه‌های حکومت رها ساخته و همشین مردمش باشد تا بتواند از نزدیک گوش به سخن حق داده و در حقیقت با رعیت خویش درد دل کند. به یقین همین صفت است که زمامدار را مورد علاقه مردم می‌کند به گونه‌ای که توده مردم بین خود و حکومت، انس و الفتی احساس می‌کند که آن را از خود و خود را همراه حکومت تلقی می‌نمایند.^۳

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برای توسعه و بسط احکام الهی و جامعه عمل پوشاندن به دستورات دینی در جامعه اسلامی و پرهیز از عمل به زشتی‌ها واجب شده است. بنابراین، اقدام به آن مثمر ثمر بوده و در عمل مفید فایده است، به عبارت دیگر باید فرد آمر و ناهی احتمال تأثیر بدهد و گرنه اگر علم و یا اطمینان به عدم تأثیر داشته باشد عمل به فریضه واجب نخواهد بود. البته سقوط این فریضه تنها به صورتی منحصر است که علم یا اطمینان به عدم تأثیر باشد و با ظن و گمان به عدم تأثیر، هر چند قوی باشد و خوب فریضه ساقط نخواهد شد.^۴ اساسی‌ترین شرط اصلاح و سعادت جامعه آگاهی به حدود و وظایف است و اگر جامعه‌ای از بهترین قوانین و مقررات، هر چند کامل و پیشرفته، برخوردار باشد ولی افراد جامعه نسبت به آن آگاهی نداشته و به باید و نبایدهای اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و معرفت نداشته باشند نمی‌توانند شاهد خوشبختی و سعادت باشند و به عبارت دیگر صرف داشتن قوانین کافی نیست بلکه در مرحله اول، همه افراد جامعه باید به آن آگاهی داشته باشند و در مرحله دوم باید آن آگاهی و آشنایی به عمل بیانجامد و در رفتار همگان مشهود شود در غیر این صورت بی نتیجه و فاقد اثر مطلوب است.^۵

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۷

۲- مصطفی دلشاد تهرانی، طایر فرخ پی، کمالات انسانی در نهج البلاغه، ص ۲۸۰

۳- مهدی بخت آور، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۲۷

۴- الامام الخمينی، تحرير الوسيله، جلد ۱، مساله ۱، ص ۴۴۴

۵- فوائد و ثمرات امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر از عوامل پیشرفت، پاسدار اسلام، آذر ۱۳۸۵،

شماره ۳۰۰

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر عاملی است که شامل هدایت، دعوت، ارشاد و نصیحت می‌شود و همواره بزرگ‌ترین عامل پیشرفت و قوام و توسعه آیین الهی و پشتوانه همگانی برای رشد و گسترش نیکی‌ها و زدودن زشتی‌ها بوده و هست. وقتی اسلام ثواب یک فرد را برابر آنچه که آفتاب بر آن می‌تابد می‌داند و تکلیف امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه الهی و ادامه کار انبیاء و پیامبران معرفی کرده پس این امر مسلمین را وادار می‌کند که در این راه از هیچ کوششی فروگذار نباشند. امر به معروف و نهی از منکر یک راهکار عملی در جهت سوق انسان به سوی کمال بوده این پیام که برگرفته از قرآن مجید بوده بعنوان یک الگو راه را برای ترقی کلیه افراد بشر هموار کرده و همواره راه‌گشای مشکلات بیشتر افراد بشر خواهد بود.

منابع

۱. مجله معرفت، شماره ۵۹، ملیحه السادات، سیدرضا
۲. شهید اول، ترجمه لمعه دمشقیه، ج ۱، چاپ: هشتم: ۱۳۷۷، قم
۳. امر به معروف و نهی از منکر در منظر متفکران و اندیشمندان، امر به معروف و نهی از منکر در آثار شهید مطهری، خوارج و امر به معروف و نهی از منکر
۴. قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر، چاپ نهم: زمستان ۱۳۷۸، چاپخانه مهر، قم
۵. الامام الخمينی، تحرير الوسیله، ج ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، تهران
۶. مدنی بجستانی، سید محمود، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه برتر در سیره معصومین (ع)، نشر معروف، چاپ سوم: اردیبهشت ۱۳۷۷، قم
۷. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ابواب الامر و النهی، باب ۱، ج ۶، ناشر دارالاحیاء التراث
۸. مستدرک، ج ۲، ص ۳۵۷
۹. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۵۲
۱۰. شرح اشارات، ج ۳، طبع جدید
۱۱. شهید مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، صدرا، چاپ: ۴۲، آذر ۱۳۸۱، تهران
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵
۱۳. جامع الحدیث، ج ۱۴
۱۴. حماسه حسینی ص ۱۴۰
۱۵. صحیفه نور، ج ۲۰، پیام امام بمناسبت سال نو
۱۶. صحیفه نور، ج ۱۹
۱۷. صحیفه نور، ج ۹، بیانات امام در جمع اعضای انجمن خیریه اصفهان، ص ۲۸۵
۱۸. صالحی، محمد، زندگانی چهارده معصوم، سیری در زندگانی امام حسین (ع)، معیار علم، ۱۳۸۴، تهران
۱۹. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹
۲۰. کریمی، حسین، نسیم ولایت، چاپ دوم: تابستان ۱۳۷۵
۲۱. نصیری رضی، محمد، تاریخ تحلیلی اسلام، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ویرایش ۲، معاونت امور اساتید و معارف اسلامی، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱، قم
۲۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، طایر فرخ پی، کمالات انسانی در نهج البلاغه، دفتر نشر معارف، چاپ سوم: پائیز ۱۳۸۵، قم

۲۳. بخت آور، مهدی، امر به معروف و نهی از منکر، چاپ و نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول: ۱۳۸۷
۲۴. فوائد و ثمرات امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر از عوامل پیشرفت، پاسدار اسلام، آذر ۱۳۸۵، شماره ۳۰۰
۲۵. درس هایی از وصیت نامه امام خمینی (ره)، سید محمد شفیعی مازندرانی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۸، قم
۲۶. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره)، تبیان، دفتر بیست و یکم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷
۲۷. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۲، ص ۱۷۵، مؤسسه آل البیت و کنز العمال، خیر ۵۵۶۴
۲۸. مجمع البیان، ذیل آیه ۱۰۴ بقره، ج ۲

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقه شیعه و شافعیه

محمد مهدی صمیمی^۱

حکیمه منصوری^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، در عرصه‌ی علوم انسانی، تربیت انسان است؛ زیرا هدف اصلی رسالت انبیا را تربیت و تزکیه تشکیل می‌دهد و انسان، یگانه موجودی است که بیش‌ترین نیاز را به تربیت و رسیدن به کمال دارد زیرا اگر دست‌حمایت‌مربیان از سر او برداشته شود، نه تنها به کمال دست نمی‌یابد، بلکه از همان آغاز، راه فنا را در پیش می‌گیرد. اگر انسان تربیت شود و در مسیر کمال قرار گیرد، روحش اوج می‌گیرد و به سعادت می‌رسد و بر قله‌های پیروزی و کمال یکی پس از دیگری سیطره می‌یابد. امر به معروف و نهی از منکر از ارکان مهم دین اسلام است به طوری که می‌توان آن را از مهم‌ترین اهداف پیامبران و رسولان خداوند متعال شمرد. بطوریکه اگر این فریضه عمل نشود ادامه راه انبیا و دیانت تعطیل و ضلالت و گمراهی عالم گیر می‌شود و نابسامانی و فساد جامعه را فرا می‌گیرد. ارزش‌های اصیل اسلامی در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده‌اند از بین می‌رود و لذا عذاب الهی بر آنان نازل می‌شود. اما جامعه‌ای که در راه امر به معروف و نهی از منکر تلاش کند و آستین‌های همت را بالا بزند تا این سنت بزرگ را زنده نگه دارد خوشه‌های خرمن این دو فریضه الهی را هم در دنیا و هم در آخرت می‌چینند. غزالی که یکی از مقلدین امام شافعی است امر به معروف و نهی از منکر را در کتاب احیاء علوم الدین از دیدگاه امام شافعی به طور مفصل بیان کرده است.

واژگان کلیدی: امر به معروف و نهی از منکر، غزالی، تربیت و تزکیه.

مقدمه

الف: ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امام غزالی دلایل امر به معروف و نهی از منکر را اجماع مجتهدین، عقل، قرآن و حدیث ذکر کرده است. آیات قرآن درباره این دو فریضه بزرگ بسیارند، ولی با تدبیر در آن‌ها چنین استنباط می‌شود که شارع مقدس در تشریح و بیان این دو فریضه بزرگ راه خاصی را پیموده است.

الف- گاهی اشاره و تشویق به آن کرده است مانند: آیه ۱۷ در سوره لقمان که می‌فرماید: یا بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور. حضرت لقمان (ع) در وصیت خود به پسرش می‌گوید: پسر نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد استقامت کن که این کاری مهم و اساسی است. از این آیه استنباط می‌شود اسلام مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر ترغیب و تشویق نموده است. این دو فریضه دارای ارزش و جایگاه خاصی هستند.

ب- در بعضی از آیات خداوند این دو فریضه را بر واجدین شرایط الزام نموده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون. باید جمعی در میان شما دعوت به کار نیک و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها از رستگارانند (۱).

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده

این آیه از دو جهت دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد، یکی کلمه (ولتکن) که لفظ امر است و دیگری انحصار رستگاری در این عمل می‌باشد.

غزالی می‌فرماید: این آیه اشاره به فرض کنایه بودن امر به معروف و نهی از منکر دارد یعنی امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است و نه عینی، چون اگر گروهی بدان قیام کنند، این وجوب از گردن دیگران ساقط می‌شود و اگر هیچ کس آنرا انجام ندهد، مسلمانان واجد شرایط گناهکار محسوب می‌شوند، مگر اینکه یک نفر و یا گروهی تصدی این امر مهم الهی را به عهده بگیرند (۵).

ج- احادیث حضرت رسول (ص) و امامان معصوم در رابطه با وجوب امر به معروف و نهی از منکر بسیارند.

قال رسول اله (ص): لنا من المعروف ولتنهون عن المنکر اولسطن الله علیکم شرارکم ثم یدعون خیارکم فلا یتستجاب لهم امر" امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهید و اگر چنین نکنید خداوند ستمکاران و یا اشرار را بر شما مسلط می‌کند و دعای نیکوکاران شما مستجاب نمی‌شود.

امام شافعی و مجتهدین فی المذهب او مانند نوری، رافعی و مجتهدین فی المسئله او نیز مانند غزالی و غیره برای فرض کفایه بودن امر به معروف و نهی از منکر، به این حدیث استدلال کرده‌اند. امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمودند: لا تترك الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم ثم تدعون فلا یتستجاب لکم. هم چنین حضرت پیامبر (ص) می‌فرمایند: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در صورت ترک، اشرار بر شما مسلط می‌شوند. سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌گردد.

از آیات و احادیث ذکر شده چنین نتیجه می‌گیریم که:

۱. ترک این دو فریضه موجب نزول عذاب و کیفرهای سخت الهی و استحقاق هلاکت و مانع اجابت دعاها و تسلط اشرار بر امت اسلامی، طمع استعمار و استثمار دشمنان نسبت به مسلمین و تقویت آن‌ها بر ضد اسلام و نیز کمبود ارزاق و بهره‌های مادی و معنوی مسلمانان می‌شود.

۲. ترک این دو فریضه عظیم باعث می‌شود که بدی‌ها، نیکی به شمار آید و این از بلاهای بسیار بزرگ و فاجعه‌های دردناک است و برآستی چه بلا و فاجعه‌ای بالاتر از اینکه، بدی‌ها نیک و نیکی‌ها بدی محسوب شوند.

د- هرچند بسیاری از فقها و مجتهدین اهل تشیع و تسنن باب مستقلی درباره امر به معروف و نهی از منکر در کتاب‌های فقهی خود عنوان نکرده‌اند اما روح کلام و نظرات اخلاقی آن‌ها حاکی و بیانگر وجوب این دو فریضه الهی است و هیچ فقیهی اعم از شیعه و سنی نبوده و نیست که امر به معروف و نهی از منکر را رکنی مهم از ارکان دین نداند؛ زیرا فقها به خوبی واقف بوده و هستند که سایر فرائض الهی به وسیله امر به معروف و نهی از منکر برپا می‌شوند؛ و در پرتو آن راه‌ها امن می‌شود و کسب و کار مردم حلال می‌شود و حقوق افراد تأمین می‌شود، زمین‌ها آباد می‌گردد و از ملحدین و دشمنان اسلام و مسلمین انتقام گرفته می‌شود.

در اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر تمام مذاهب اتفاق نظر دارند. اما اختلافی که هست این است که آیا امر به معروف و نهی از منکر از واجبات عینی است یا از واجبات کفایی است؟ فقها و علمای اهل تشیع در این مورد اختلاف نظر دارند؛ گروهی از فقها مانند: سید مرتضی، صلاح الدین حلبی، قاضی، محقق، علامه حلی، شهید اول، دوم و محقق طوسی و محقق اردبیلی امر به معروف و نهی از منکر را واجب کفایی می‌دانند. جمع دیگری مانند شیخ طوسی، ابن حمزه، فخر الاسلام می‌فرمایند: این دو فریضه واجب عینی است. محقق حلی در کتاب شرایع می‌فرماید: بل یجب علی الاعیان و هو الاشبیه. بلکه واجب عینی است و مناسب‌تر همین است.

امام شافعی و مجتهدین فی المذهب و فی المسئله ایشان، همان رأی و نظر گروه اول از فقها و مجتهدین اهل تشیع را دارند، که همانا فرض کفایی بودن است.

هـ - عقل سلیم، فقها و علمایی که معتقد به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر هستند می گویند: عقل بر اساس قاعده لطف در این باره استقلال دارد و حکم می کند بر این که امر به نیکی ها و نهی از بدی ها واجب و لازم است. پس وجوب این دو فریضه وجوب عقلی است. یعنی خداوند از روی قاعده لطف در وجود انسان نیرویی به نام عقل قرار داده است و همان عقل حکم می کند که انسان ها باید یکدیگر را به انجام نیکی ها و اجتناب از بدی ها وادار و الزام کنند.

ب: مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که پس از حصول مراتب پایینی، باید به مراتب بعدی عمل کرد. همچنین دارای سه مرحله است: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود چنانچه مخالفت قلبی سودی نبخشید باید با زبان به انجام آن پرداخت و چنانچه با زبان مؤثر واقع نشد، عملاً باید شخص را از کار ناشایست بازداشت و به نیکی ترغیب نمود. اما اگر انسان برای اصلاح فرد و جامعه از تمام مراتب این دو وظیفه اجتماعی گذر کرد، ولی اثری عایدش نشد چه باید بکند؟ آیا وظیفه و تکلیف انجام شده است و دیگر هیچ مسئولیتی برای فرد نیست و یا آنکه راهی بهتر از سکوت و بی‌اعتنایی وجود دارد. هر چند در این صورت راهی است بس دشوار و سخت، ولی هرگز لاینحل نیست و نخواهد بود بلکه، به شرط صداقت در عمل و طهارت در انگیزه‌ها و انتخاب آگاهانه روش‌های نوین ولی زنده و مطابق با موقعیت فرهنگی و اجتماعی راه‌هایی وجود دارد که در ذیل اشاره می‌شود:

الف: در اینکه باید اندیشید و به هر طریق ممکن از ترک واجب و ارتکاب معصیت جلوگیری کرد. خصوصاً در جایی که علامت و نشانه گناه و معصیت دامان پاک دیگران را نیز در معرض آلودگی قرار می‌دهد و شکی در آن نیست.

ب: در اینکه تمامی افراد جامعه در ساختار فرهنگی و محیط اجتماع خویش شک کند، در خوب و بد آن، مورد سؤال و بازخواست الهی قرار می‌گیرند هم هیچ گونه شبهه ای وجود ندارد.

ج: نیز در اینکه باید در مقام مبارزه با مفسد اجتماعی و ترغیب نیروهای جامعه به رشد و صلاح و هدایت در چهار چوب قوانین و اصول اخلاقی عمل نمود، شکی نیست (۱).

د: اما آنچه که حائز اهمیت است این است که باید به تناسب وضعیت طرف مقابل و از طریق شیوه‌های مختلف مبارزه با منکر و شناخت موقعیت روحی و روانی مزوجین فساد در جامعه راه‌های مقابله و مبارزه با آن‌ها را جستجو کرد؛ و آنگاه با الهام از مسائل دینی و همتی والا به مبارزه با زمینه‌های مفسد اجتماعی پرداخت. به طور مثال اگر دشمنان اقدام به کم رنگ جلوه دادن و تضعیف معروفات و اشاعه منکرات کردند؛ باید با درک این موقعیت و به نمایش گذاردن بهترین جلوه مبارزه فرهنگی ارزش‌های اسلامی را به طرق مختلف تبلیغ و در سطح وسیعی ترویج داد و ضمن آگاهی دادن به اقشار مختلف اجتماع به وسیله برنامه‌های سالم فرهنگی، هنری و تربیتی ورزشی، اوقات فراغت آن‌ها را پر کرد و افکار و ذهن‌هایشان را متوجه هویت و شخصیت واقعیشان نمود. چه بسا در این راستا، ساختن یک تئاتر و فیلم جذاب و آموزشی تربیتی و یا رونق بخشیدن به جلسات دینی و مجامع مذهبی و یا با ایجاد جاذبه در مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی زیباترین شکل عملی امر به معروف و نهی از منکر را به نمایش گذاشت و از این طریق عملاً دشمنان را مأیوس کرد و به جنگ عملی با آنان پرداخت.

هـ- از جمله طرق مبارزه با مفسد اجتماعی که مستلزم حرکتی هماهنگ و عمومی از ناحیه اقشار مختلف جامعه خصوصاً والدین و بزرگان اجتماع است؛ این است که در برخورد با پلیدی‌ها و زشتی‌ها احساس مسئولیت نمایند و به

گونه‌ای تحت تأثیر قرار گیرند، که خشم و غضب و نارضایتی آن‌ها بر چهره نمایان گردد تا بدین وسیله فرد مرتکب منکر بفهمد که مبعوض و مطرود مردم واقع شده است. اگر چنین شد افراد گنهکار در جامعه جایگاهی نخواهند داشت، و فرد معصیت کار جای پای برای خود در بین مردم نمی‌بیند بنابراین طولی نمی‌کشد که اثری از بدی‌ها در جامعه نمی‌ماند. پس از اثبات اصل و جوب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن، احادیث، عقل و اجماع علما لازم است؛ درباره شرایط آن نیز بحث شود علامه حلی، شهید اول و فقهای شافعی بخصوص امام غزالی فرموده‌اند شرایط امر به معروف و نهی از منکر چهار چیز است:

۱. امر به معروف و ناهی از منکر باید بر دیدگاه شرع مقدس آگاهی داشته باشند، نیکی و بدی را از نظر اسلام بدانند، تا در امر و نهی خود اشتباه و خطا نکنند.

۲. فریضه امر به معروف و نهی از منکر آن است که: احتمال بدهند امر و نهی آن‌ها تأثیر دارد. در بین فقها اعم از شیعی و شافعی هیچگونه خلافی در این شرط نیست، بدون تردید این دو فریضه به خاطر هدف مخصوص تشریح شده است و آن هدف عبارت است از: سوق دادن انسان‌ها به سوی نیکی و بازداشتن آن‌ها از بدی. از حضرت علی (ع) نقل شده است که می‌فرمایند: فرض الله الامر بالمعروف مصلحه للعوام و النهی عن المنکر ردئی للسفها. خداوند امر به معروف را به خاطر اصلاح توده مردم و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان تشریح و واجب کرده است. بنابراین اگر دانسته شود در موردی امر به معروف و نهی از منکر هیچگونه اثری ندارد و در نتیجه اهداف مورد نظر حاصل نمی‌شود در این صورت امر به معروف و نهی از منکر واجب نخواهد بود.

۳. وجوب امر به معروف و نهی از منکر آن است که گنهکار اصرار بر ادامه گناه داشته باشد، یعنی آثار پشیمانی و ندامت در بین نباشد. بنابراین معنی بر ادله اولی حکومت ندارد و حکم ثانوی به پیش می‌آید این قول را محقق خراسانی در کفایه اختیار کرده است.

۴. معنی این قاعده (نفی حکم ضروری) است با این توضیح که: هر حکمی که از شارع مقدس صادر شده است، اگر مستلزم ضرر شد و یا از ناحیه تشریح آن حکم، ضرری متوجه گردید، خواه ضرر متوجه خود مکلف شود یا دیگری مانند وجوب وضو که موجب ضرر مالی یا بدنی بر مکلف شود، انجام چنین وضویی بر اساس (قاعده لا ضرر) واجب نیست.

۵. معنی این قاعده، نفی ضرر بدون جبران است. به این معنی که شارع مقدس از ایجاد ضرری که دارای جبران نیست نهی کرده است و این قاعده کنایه از وجوب جبران ضرر است (۱).

نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر به دلیل زنده کردن حق و نابود نمودن باطل در سطح گسترده جهانی تشریح شده و هدف از آن پیکار و مبارزه با ترک کنندگان کارهای نیک و عاصیان و مفسدان است طبعاً از ضرر جدا نیستند. آیا ممکن است مردم را با زبان و عمل و ادار به انجام کارهای نیک کرد و یا از کارهای بد منع نمود بی آنکه ضرری متوجه انسان شود؟ پس همانگونه که جهاد بدون تحمل ضرر ممکن نیست امر به معروف و نهی از منکر نیز بدون تحمل ضرر ممکن نیست بلکه این دو فریضه از فروع جهاد است، پاسخ از نظر صاحب جواهر الکلام: تمسک به قاعده لا جرح برای رفع وجوب امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که حرج می‌باشد است. لازم به توضیح است اصل قاعده لا جرح گرچه از نظر مدرک از قرآن و سنت ثابت است، چه آنکه قرآن می‌فرماید: (ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولكن یرید لیطهرکم) خداوند نمی‌خواهد کار دشواری برای شما ایجاد کند بلکه می‌خواهد شمارا پاک سازد (۶).

۶. یکی از استدلال‌های صاحب‌جواهر بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر زمانی واجب است که ضرر وجود نداشته باشد. این بوده که: دین اسلام دین سهل و آسان است و خداوند آسانی را خواسته نه دشواری را، معنی سهل و آسان بودن اسلام این است که احکام دشوار در اسلام وجود ندارد.

بعضی از فقها اهل سنت به آیه ولاتلقوا بیدیکم الی التهلکة استدلال نموده و گفته‌اند اگر در امر به معروف و نهی از منکر شخص متوجه ضرر شد؛ در اینجا وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می‌شود. غزالی در کتاب احیاء برای رد این استدلال به قول ابن عباس استدلال می‌کند و می‌گوید: هیچ خلافی نیست در اینکه جایز است یک نفر مسلمان با کفار بجنگد اگرچه ممکن باشد که کشته می‌شود. ابن عباس می‌گوید تهلکه آن نیست که ضرر جانی یا مالی متوجه انسان شود بلکه تهلکه آن است که انسان در راه خدا و برای احیاء و زنده نگه داشتن دین مبین اسلام خود را در مشقت و سختی نیندازد. هر که با جان و مال در راه خدا مجاهدت نکند نفس خود را هلاک کرده است. با تفحص و تحقیق در قول جمهور علمای شیعی و شافعی به این نتیجه می‌رسیم که وجود شرط پنجم امر به معروف و نهی از منکر باعث سقوط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نمی‌شود.

شیوه‌های امر و نهی

- | | |
|------------------------------|---|
| ۱. آماده سازی | ۱۲. نمایاندن الگوها |
| ۲. تلفیق | ۱۳. تدریج |
| ۳. استفاده از هنر، شعر و طنز | ۱۴. تکرار |
| ۴. انصاف در برخورد | ۱۵. مماشات |
| ۵. امید دادن | ۱۶. حکمت، موعظه، جدال نیکو |
| ۶. تغافل | ۱۷. ریشه مفاسد را بخشکانیم |
| ۷. توجه به ظرفیت افراد | ۱۸. احترام به ارزش‌های دیگران |
| ۸. کنایه گویی | ۱۹. با انجام معروف، زمینه را بر منکر تنگ کنیم |
| ۹. ایجاد محبت | ۲۰. توجه به زمان |
| ۱۰. تحریک عواطف | ۲۱. اعراض (۷). |
| ۱۱. مخفیانه و مختصر باشد | |

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، در عرصه علوم انسانی، تربیت انسان است؛ زیرا هدف اصلی رسالت انبیا را تربیت و تزکیه تشکیل می‌دهند و انسان، یگانه موجودی است که بیش‌ترین نیاز را به تربیت و رسیدن به کمال دارد؛ زیرا جانداران دیگر بر اساس غریزه از نخستین لحظه‌های تولد، راهشان را می‌یابند و بر همین اساس از خود دفاع کرده، به زندگیشان ادامه می‌دهند. اما انسان این‌گونه نیست؛ اگر دست حمایت‌مربیان از سر او برداشته شود، نه تنها به کمال دست نمی‌یابد، بلکه از همان آغاز، راه فنا را در پیش می‌گیرد. چنانچه نوزاد انسان از هر زنده جانی ضعیف‌تر و به تعبیری، حیوان بالفعل است که هیچ قدرت دفاع و زیستن ندارد و کمالی در او مشاهده نمی‌شود ولی، همین موجود ضعیف، با تربیت و آموزش، به جایی می‌رسد که سیارات آسمانی را در اختیار می‌گیرد و با قوه اندیشه و فکر به همه اشیا مسلط می‌شود. اگر انسان تربیت شود و در مسیر کمال قرار گیرد، روحش اوج می‌گیرد و به سعادت می‌رسد و بر قله‌های پیروزی و کمال یکی پس از دیگری سیطره می‌یابد (۸).

انسانی که این همه آمادگی برای تربیت شدن دارد، شایسته است که خداوند بهترین راه‌ها را برای تربیت او در نظر گرفته باشد؛ یکی از این راه‌ها، امر به معروف و نهی از منکر است که در تربیت فرد و جامعه کاربرد فراوانی دارد. پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - نیز برای این مبعوث گشت که انسان‌ها را هدایت و تربیت کند و استعداد های نهفته آنان را شکوفا سازد؛ از طرفی امر به معروف و نهی از منکر یکی از سنت‌های مهم در اسلام است که جلوی فساد را می‌گیرد و نوعی خیزش و مشارکت همگانی، در برابر فسادها و نارسایی‌ها و شاهراهی، برای رسیدن به کمال است.

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام است، و چون اصلی است که در خود قرآن مجید با صراحت و تأکید آمده و بعد در اخبار نبوی و آثار ائمه طاهرين درباره آن بسیار سخن گفته شده و بعد هم بزرگان و علماء دین در همه قرن‌ها، دوره به دوره و طبقه به طبقه، درباره این اصل و اهمیت آن سخن‌ها گفته و مطالبی نوشته‌اند، در میان علماء اسلامی زیاد مورد بحث قرار گرفته، و بیش از هر جا در کتب فقهیه مورد بحث و گفتگو و تحقیق قرار گرفته است.

قرآن کریم می‌فرماید: و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحهم الله عزیز حکیم یعنی مردان مؤمن و زنان مؤمنه دوستان یکدیگرند و بین آن‌ها رابطه و صلّه مودت و عواطف محبت آمیز حکمفرما است، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را بپا می‌دارند، زکات را ادا می‌نمایند، خدا و پیغمبر را اطاعت می‌کنند. این‌ها هستند که البته رحمت الهی شامل حالشان می‌شود. خداوند غالب و حکیم است (۳).

در این آیه کریمه قسمت‌هایی به طور علت و معلول و سبب و مسبب مترتب بر یکدیگر ذکر شده است: لازمه ایمان حقیقی و واقعی و نه ایمان تقلیدی و تلقینی رابطه و علاقه به سرنوشت یکدیگر است و لازمه این محبت و علاقه، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمه امر به معروف و نهی از منکر، قیام بندگان است به وظیفه عبادت و خضوع نسبت به پروردگار یعنی نماز، و قیام به وظیفه کمک و دستگیری از فقرا یعنی زکات، و بالاخره لازمه امر به معروف و نهی از منکر اطاعت خدا و رسول و زنده شدن همه دستورهای دینی است. لازمه همه این‌ها این است که رحمت‌های بی پایان خداوند قادر که کارهای خود را بر سنت حکیمانه اجرا می‌کند شامل حال همه گردد.

در حدیث است که امام باقر (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: بها تقام الفرائض، و تأمن المذاهب و تحل المكاسب، و ترد المظالم، و تعمر الارض، و ینتصف من الاعداء و یستقیم الامر؛ یعنی به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می‌شود، راه‌ها امن می‌شود، کسب‌ها حلال می‌شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می‌شود، زمین آباد می‌گردد، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، کارها رو به راه می‌شود (۴).

منابع

۱. راستی، محمد امین. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقه شیعه و شافعیه
۲. سوره آل عمران آیه ۱۰۴
۳. سوره توبه، آیه ۷۱
۴. فروع کافی ج ۵ ص ۵۶.

5. www.wikipedia.com
6. www.dayereh-sorkh.mihanblog.com
7. www.isna.ir
8. www.farsnews.com

چکیده

با توجه به فلسفه خلقت انسان که طبق بیان قرآن کریم عبودیت و بندگی است و از طرفی وجه تمایز انسان با سایر موجودات به ناطق و عاقل بودن انسان و حرکت او به سوی کمال می‌باشد، اهمیت و جایگاه این دو فریضه الهی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر بیشتر تبیین و روشن می‌گردد. از آنجایی که انسان غافل است و به دلیل عارض شدن نسیان بسیاری از مواردی که مفید برای اوست فراموش می‌کند بنابراین امر به معروف و نهی از منکر جزء ضروریاتی است که در جهت نیل به کمال برای هر انسانی ضرورت پیدا می‌کند. بطور کلی می‌توان گفت که ریشه و کلیات احکام شرعی را باید در قرآن کریم و شرح و تفصیل و شاخه‌های آن را در سنت جست. قرآن کریم در آیه‌های فراوانی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است. در این مقاله به بررسی امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر، احکام شریعت

مقدمه

با توجه به فلسفه خلقت انسان که طبق بیان قرآن کریم عبودیت و بندگی است و از طرفی وجه تمایز انسان با سایر موجودات به ناطق و عاقل بودن انسان و حرکت او به سوی کمال است، اهمیت و جایگاه این دو فریضه الهی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر بیشتر تبیین و روشن می‌شود. از آنجایی که انسان غافل است و به دلیل عارض شدن نسیان بسیاری از مواردی که مفید برای اوست فراموش می‌کند بنابراین امر به معروف و نهی از منکر جزء ضروریاتی است که در جهت نیل به کمال برای هر انسانی ضرورت پیدا می‌کند؛ به این جهت است که حضرت امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه عظیمه بها تقام الفرائض...» (۱۶). یعنی امر به معروف و نهی از منکر واجب عظیم و بزرگی است که پابرجایی سایر واجبات به آن بستگی دارد. از تعبیر «بها تقام الفرائض» چنین استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر از لوازم حکومت اسلامی به شمار می‌رود.

الف - امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

به طور کلی می‌توان گفت که ریشه و کلیات احکام شرعی را باید در قرآن کریم و شرح و تفصیل و شاخه‌های آن را در سنت جست. قرآن کریم در آیه‌های فراوانی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است:

۱. «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يُنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (۴). به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند؛ و آن‌ها از صالحانند (۱۰).
۲. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يُنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۲). باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و آن‌ها همان رستگارانند (۱۱).

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده

۳. «کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» (۳). شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید (۱۰). از مجموع آیات فوق چنین بر می‌آید که امر به معروف و نهی از منکر دارای اهمیت بسیار زیادی از منظر قرآن کریم می‌باشد و همه آحاد جامعه اعم از دولتمردان و عموم مردم را شامل می‌شود و به طور کلی از آیات فوق نکات زیر را می‌توان استنتاج نمود:

۱. وجوب امر به معروف و نهی از منکر از بدیهیات است و کسی از مسلمانان در آن شک نکرده است.
۲. وجوب این دو فریضه در همه ادیان الهی بوده و امت‌های گذشته نیز بدان مکلف بوده‌اند.
۳. امر به معروف و نهی از منکر از شئون پیامبری است.
۴. ترک امر به معروف و نهی از منکر علت نابودی جوامع گذشته بوده است.
۵. امر به معروف و نهی از منکر از حقوق متقابل مسلمانان است و افراد جامعه اسلامی در برابر آن مسئول‌اند.
۶. زنان نیز مکلف به امر به معروف و نهی از منکر هستند.
۷. امر به معروف و نهی از منکر نیازمند کسب قدرت است.

ب- سیر امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن

به طور کلی اگر آیات قرآن را در مورد امر به معروف و نهی از منکر بررسی کنیم، می‌بینیم که از ذات پاک خداوند صادر شده و پیامبران، حاکمان صالح، مجموعه امت و فرد فرد جامعه موظف به اجرای آن هستند. برای شناخت این مراتب، رتبه‌بندی زیر قابل توجه است:

۱. ذات پاک خداوند متعال: «ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ینهی عن الفحشاء و المنکر و الیغی...» (۹). در اینجا به خاطر اهمیت این دو فریضه ذات خداوند متعال به عنوان امر به معروف و ناهی از منکر است.
۲. پیامبر اکرم (ص): «... یامرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر...» در این مرتبه خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) به این عنوان انتصاب داده شده است (۵).
۳. حاکمان صالح (امامان): «الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و ینهوا عن المنکر...» در مرتبه سوم کسانی که قدرت و مکت در روی زمین به آنان داده شده است موظف به برپاداشتن نماز، پرداختن زکات و امر به معروف و نهی از منکر شده‌اند (۷).
۴. هیئت‌های امر به معروف و نهی از منکر: «و لکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...» در مرتبه چهارم گروه‌هایی از مردم که این شایستگی را پیدا می‌کنند که دیگران را دعوت به خیر و صلاح می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (۴).
۵. مجموعه امت: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله...» در مرتبه پنجم نیز همه مردم موظف به انجام این فریضه الهی شده‌اند، بر این اساس تمام آحاد افراد مؤمن و متدین مأمور به انجام این دو فریضه الهی هستند (۳).

ج- امر به معروف و نهی از منکر از نگاه معصومین (ع)

اگر بررسی عمیق در مضامین آیات و روایات اسلامی و معارف دینی داشته باشیم کاملاً مبرهن است که بیانات معصومین (ع) ترجمان قرآن کریم و تفسیر آن است و هر دو از یک منبع سیراب می‌شوند. در این زمینه این دو فریضه الهی را از منظر روایات معصومین (ع) مورد بررسی قرار داده و به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر اکرم (ص) در رابطه با اهمیت امر به معروف و نهی از منکر فرمودند: آیا شما را از کسانی خبر دهم که نه انبیا و نه شهدا هستند ولی مردم (انبیا و شهدا) به مقام و مرتبت و جایگاه آنان در پیش خدا که بر منبرهایی از نور هستند غبطه می‌خورند؟ سؤال شد: ای رسول خدا (ص) آنان چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا و خدا را محبوب بندگانش می‌گردانند. سؤال شد: معنای محبوب گردانیدن خدا در پیش بندگانش معلوم است اما چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می‌گردانند؟ پیامبر (ص) در جواب فرمود: به چیزی که خداوند متعال دوست دارد دعوت می‌کنند و از چیزی که خداوند متعال بدش می‌آید نهی می‌کنند، پس هنگامی که بندگان خدا، او را اطاعت می‌کنند محبوب خدا می‌گردند و خداوند متعال آنان را دوست دارد.

۲. قال رسول الله (ص): من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی ارضه و خلیفه رسول الله و خلیفه کتابه (۱۴). رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا، پیامبر خدا (ص) و کتاب خدا در روی زمین است.

۳. قال امیر المؤمنین علی (ع): لا تتركوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیول علیکم شرارکم (۱۵). حضرت علی (ع) فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید در غیر این صورت بدترین شما بر شما حاکم می‌شوند.

۴. قال الحسین (ع): ... انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی، ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر... (۱۲). امام حسین علیه السلام در نامه معروفش به برادرش محمد حنفیه در باره فلسفه قیامش در فرازی می‌فرماید: من برای اصلاح امت جدم رسول خدا (ص) قیام کردم، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

د- شیوه‌های عملی امر به معروف و نهی از منکر

هدف عمده و اساسی در امر به معروف و نهی از منکر محقق شدن معروف و زدوده شدن منکر است. برای نیل به این هدف به نظر می‌رسد که باید به دنبال بهترین و مؤثرترین راهکارها و شیوه‌های عملی بوده باشیم که در این راستا موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. شیوه عملی: اولین و مؤثرترین شیوه در امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ عملی است. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در ترویج و گسترش مکتب، توجه به این شیوه بوده است. پیامبر اکرم (ص) در اغلب کارها از قبیل کردن خندق، ساختن مسجد و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و قبل از اینکه دیگران را تشویق به این کار کند خود پیش قدم می‌شد، همچنانکه امامان معصوم (ع) به این طریق عمل می‌کردند.

۲. احترام به شخصیت افراد: دومین اصلی که در تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در خور توجه است، احترام به شخصیت افراد است. مرتکبان منکر تا وقتی که متجاهر به گناه نشده‌اند و به طور آشکار خود را نیالوده‌اند محترم‌اند و نباید به هتک حرمت آن‌ها پرداخت.

۳. ارشاد تدریجی: معمولاً ما انتظار داریم کسانی که در گرداب منکرات غوطه ور شده‌اند یک دفعه آن‌ها را از گرداب در آوریم و یک مسلمان ایده‌آل بسازیم؛ در حالی که تربیت امری تدریجی است و فضایل و رذایل

هیچ کدام یک مرتبه در جان انسان‌ها به وجود نمی‌آیند. در حقیقت می‌توان گفت که از علل نزول تدریجی قرآن توجه به این نکته مهم است، چرا که قرآن کتاب تربیتی است و برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال مطلوب نازل شده است.

۴. نرمخویی و محبت: از شیوه‌های مهم و مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، نرمخویی و محبت است؛ خصلتی که موفقیت پیامبر(ص) بنا به تصریح قرآن کریم مرهون آن بوده است.
۵. تشویق به ارزش‌ها: یکی از امتیازات مکاتب الهی تشویق به خوبی‌ها و ارزش‌هاست. پیامبر مکرم اسلام(ص) از عامل تشویق در جهت پیشبرد اهداف استفاده‌های زیادی می‌کرد. برای کسانی که دو رکعت نماز برای خدا می‌خوانند جایزه تعیین می‌کرد(۱۳). پست‌های حساس سیاسی، فرهنگی و نظامی را به افراد لایقی می‌سپرد و به این ترتیب، امت را به نیکی و پاکی دعوت می‌فرمود. برای نمونه اسامه بن زید هجده ساله را به عنوان فرمانده لشکر منصوب کرد.
۶. ایجاد فضای امر و نهی: شکی در این مسئله نیست که محیط هر چند نقش زیربنایی ندارد ولی در پرورش فضایل و رذایل نقش اساسی دارد. رسالت انبیا نیز مبتنی بر این اصل بود که محیط را به گونه‌ای آماده سازند تا خود مردم عدالت را برپا دارند: «لیقوم الناس بالقسط» بنابراین پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»(۸).
۷. برخورد عملی با مرتکبان منکر: به طور کلی اگر در کنار شیوه‌های گذشته این شیوه را مد نظر نداشته باشیم بدون شک امر به معروف و نهی از منکر بی نتیجه خواهد ماند.

۵- مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱. مرحله انزجار قلبی: علمای اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. اولین درجه و مرتبه نهی از منکر، هجر و اعراض یا انکار قلبی است و این در مواردی است که ما با شخصی که با او صمیمیت داریم قطع رابطه کنیم و نسبت به او سردی نشان دهیم و این برخورد، برای او تنبه تلقی شود، یعنی تحت یک زجر و شکنجه روحی قرار گیرد و این عمل ما در جلوگیری از کار بد او تأثیر داشته باشد؛ در غیر این صورت چه بسا فردی که از قطع رابطه ما استقبال کرده و او هم قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهای زشت برود در چنین مواردی این کار درست نیست.
۲. مرحله زبانی: درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند، مرحله‌ی زبان است. چه بسا آن بیماری که دچار منکری است، به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم دارد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاسد را برایش تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد.
۳. مرحله عمل: مرحله سوم عمل است. گاهی طرف در درجه و حالی است که نه اعراض و هجران و نه زبان و بیان بر او تأثیر نمی‌گذارد. در اینجا باید از راه عمل وارد شد. وارد عمل شدن نه تنها به زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست، البته مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است که آن هم از شئون حکومت اسلامی است و شهروندان جامعه اسلامی از پیش خود حق اعمال این تنبیه‌ها را ندارند. امر به معروف عملی این است که نباید تنها به گفتن قناعت کند و فکر کنیم همه چیز را گفتن درست می‌شود. گفتن، شرط لازم است ولی کافی نیست. باید عمل کرد و آنچه مربوط به شهروندان است برخورد عملی غیر مستقیم است.(۱)

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر از ارکان مهم دین اسلام است به طوری که می‌توان آن را از مهم‌ترین اهداف پیامبران و رسولان خداوند متعال شمرد. به طوری که اگر این فریضه عمل نشود ادامه راه انبیا و دیانت تعطیل و ضلالت و گمراهی عالم‌گیر می‌شود و نابسامانی و فساد جامعه را فرا می‌گیرد. ارزش‌های اصیل اسلامی در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده‌اند از بین می‌رود و لذا عذاب الهی بر آنان نازل می‌شود. اما جامعه‌ای که در راه امر به معروف و نهی از منکر تلاش کند و آستین‌های همت را بالا بزند تا این سنت بزرگ را زنده نگه دارد خوشه‌های خرمن این دو فریضه الهی را هم در دنیا و هم در آخرت می‌چینند.

دو وظیفه بزرگ «امر به معروف و نهی از منکر» از نظر قرآن دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است تا جایی که این کتاب انسان‌ساز الهی، رمز برتری امت اسلامی بر امت‌های گذشته را عمل به امر به معروف و نهی از منکر دانسته است: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان آفریده شدید (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، و به خدا ایمان دارید» (۳). در منطق قرآن نه تنها وظیفه هر فرد، انجام امر به معروف و نهی از منکر است، بلکه لازم است گروهی هم به عنوان آمران به معروف مسئولیت پاک‌سازی محیط زیست را از آلودگی به گناه و فساد به عهده گیرند. در جای دیگر فرمود: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها، رستگارانند» (۲). در این آیه آمران به معروف و ناهیان از منکر به عنوان رستگاران معرفی شده‌اند، و در آیه دیگر عمل به این دو تکلیف، نشانه ایمان شمرده شده است:

هر مردان و زنان با ایمان، یا رویاروی یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (۶).
علاوه بر آیات فراوان، احادیث زیادی در منابع معتبر اسلامی درباره اهمیت این دو تکلیف بزرگ اجتماعی وارد شده است که نشان می‌دهد ترک این دو وظیفه موجب خطرات و عواقب شومی در جامعه می‌شود.
امام باقر (ع) فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر دو وظیفه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن‌ها بر پا می‌شود، و به وسیله این دو راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود؛ حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن‌ها زمین‌ها آباد می‌گردد، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن همه کارها روبه راه می‌شود» (۱۷).
از دید کتاب و سنت، امروز در جامعه اسلامی مانند همه دوران‌ها وظیفه همه است که به این تکلیف مهم عمل نمایند و نگذارند با تعطیل این نظارت عمومی، جامعه اسلامی در ورطه سقوط اخلاقی و مفساد اجتماعی قرار گیرد، زیرا که امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آن‌ها محسوب می‌شود و با تعطیل آن‌ها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهد داد.

منابع

۱. تلخیصی از جلد دوم حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ص ۱۹۳-۱۹۷.
۲. سوره مبارکه آل عمران-۱۰۴.
۳. سوره مبارکه آل عمران-۱۱۰.
۴. سوره مبارکه آل عمران-۱۱۴.
۵. سوره مبارکه اعراف-۱۵۷.
۶. سوره مبارکه توبه، آیه ۷۱.
۷. سوره مبارکه حج-۴۱.
۸. سوره مبارکه حدید-۲۵.
۹. سوره مبارکه نحل-۹۰.
۱۰. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۷۸ شمسی، ص ۶۴.
۱۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۷۸ شمسی، ص ۶۳.
۱۲. ره توشه راهیان نور ویژه محرم الحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ شمسی، ص ۱۸۵.
۱۳. ره توشه راهیان نور ویژه محرم الحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ شمسی، ص ۱۸۶.
۱۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۶.
۱۵. نهج البلاغه، نامه ۴۷.
۱۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.
۱۷. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵، حدیث ۶.

مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

اسماعیل خارستانی^۱

فاطمه سیفی^۲

چکیده

در پژوهش حاضر با روش توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر در اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری، کلیه منابع دست اول (قرآن کریم و آثار مربوط و منتسب به معصومین (ع)) و منابع دست دوم (منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات و اقوال منقول از معصومین (ع) و دیگر بزرگان) است که در نشریات و سایت‌های اینترنتی و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق موجود می‌باشد و نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس از منابع فوق‌الذکر استفاده گردیده است. ابزار پژوهش نیز فیش برداری بوده و یافته‌های حاصل از پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش معنا و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، آداب و شرایط امر به معروف و نهی از منکر، مراتب امر به معروف و نهی از منکر، آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر و زیان‌ها و پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر از نظر قرآن کریم و پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (ع) و دیگر بزرگان استخراج شده است.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، آداب و شرایط، آثار و برکات، اسلام

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر بعد از ایمان به خداوند یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسئولیت‌های دینی است، زیرا خداوند در قرآن آن را در کنار ایمان قرار داده و می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران: ۱۱۰)

«شما بهترین امتی هستید که تاکنون از میان مردم بیرون آمده‌اید، زیرا به حق و نیکی فرمان می‌دهید، و از باطل و بدی نهی می‌کنید و به خداوند ایمان می‌آورید.»

خداوند در وصف مؤمنان می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره حج، آیه ۴۱) مؤمنان کسانی هستند که هر گاه در زمین به ایشان قدرت دهیم نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند و به نیکی امر و از بدی نهی می‌کنند.

از دیدگاه اسلام، سرنوشت انسان‌ها با یکدیگر گره خورده است؛ جوامعی وجود داشته‌اند که در آن انسان‌ها گرچه خود کارهای نیک انجام می‌داده‌اند ولی چون نسبت به کارهای بد دیگران بی‌اعتنا بوده‌اند، عذاب الهی آن‌ها را نیز در خود فرو برده است. در متون اسلامی، اخبار و روایات فراوانی مبنی بر این که انسان‌ها تبعات اعمال سوء دیگران را متحمل می‌شوند، وجود دارد؛ زیرا آن‌ها با سکوت خود رفتار آنان را تأیید می‌کنند. در متون دینی برای تفهیم این مطلب از تشبیهات بسیار رسایی استفاده شده است؛ مثلاً پیامبر اکرم (ص) انسان‌های یک جامعه را به مسافران یک کشتی تشبیه

۱. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش (گرایش تعلیم و تربیت اسلامی). kharestani57@yahoo.com. همراه: ۰۹۱۷۹۹۹۴۷۶۸-

۰۲۱۷۷۶۳۴۷۰۹- تهران- میدان سپاه-خیابان سپاه- کوچه بن بست شاهین- بن بست اول جنوبی- پلاک ۳

۲. کارشناس ارشد امور فرهنگی (گرایش مدیریت فرهنگی). f.seyfi2009@yahoo.com-f. همراه: ۰۹۱۲۳۲۱۷۴۱۶- ۰۹۳۷۰۲۴۰۶۵۲-

می‌کند که سلامت آن‌ها در گرو سلامت کشتی است و هیچ کس نمی‌تواند نسبت به سلامت و ایمنی کشتی بی‌تفاوت بماند (بخاری، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۸۸۲).

با جستجویی که در تحقیقات گذشته در خصوص مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به عمل آمده‌یچ منبعی با این عنوان بدست نیامد ولی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر تحقیقاتی تحقیق یافته شده که به دلیل ارتباط بیشتر با موضوع تحقیق به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

خسروی زاد بنه (۱۳۸۶) در رساله خود با عنوان «شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در سیره معصومین (ع)» به این نتیجه رسید که کلیه روش‌های امر به معروف و نهی از منکر در سیره معصومین (ع) می‌توان به دو دسته روش‌های گفتاری و روش‌های رفتاری تقسیم نمود. در امر به معروف و نهی از منکر به صورت گفتاری، روش‌هایی چون: امر به معروف و نهی از منکر صریح، تأکیدی، اعتراضی، تعلیلی، اخطاری، انتفاعی، انذاری، نکوهشی، مشفقانه و... از نمونه‌های آن است که در سیره معصومین مورد مشاهده قرار می‌گیرد. در امر به معروف و نهی از منکر به شیوه رفتاری نیز به بیان روش‌های چون: تألیف قلوب با کمک‌های اقتصادی، تشویق و ترغیب، مهربانی و ملامت نکردن مجرمان، برخورد ملایم و آرام، برخورد تند و شدید، تنبیه بدنی، دعوت با عمل، تکریم شخصیت دیگران و... پرداخته است. و با کشف برخی از قواعد حاکم بر سیره معصومین (ع) آن‌ها را در قالب الگوهایی برای جامعه اسلامی به ویژه زمان معاصر مطرح کرده است.

"زارع خورمیزی" در تحقیق خود با عنوان «سیمای امر به معروف و نهی از منکر در قرآن» «امر به معروف» و «نهی از منکر» را دو واجب بسیار مهمی است که اگر به درستی شناسایی، و به خوبی اجرا شود، تأثیری عظیم در تأمین سلامت جامعه خواهد داشت. مراتب این دو واجب را اعم از تعلیم و ارشاد، موعظه و نصیحت، امر و نهی، و اقدام عملی بر شمرده، و علم به معروف و منکر، احتمال تأثیر، استمرار بر گناه، و ایمنی از ضرر و مفسده را شرط‌های لازم برای اقدام به این فریضه ذکر کرده است. در خاتمه نیز شبهه تعارض این دو فرضیه را با آزادی انسان و مفاد، آیه «يا ايها الذين آمنوا عليکم انفسکم لا یضرنکم من ضلّ اذا هتدیتم» (سوره مائده، آیه ۱۰۵) طرح کرده و بدان پاسخ داده است. (زارع خورمیزی، ۱۳۷۳)

"رضایی راد" (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان «بررسی فقهی روش‌های امر به معروف و نهی از منکر» به این نتیجه رسیده است که علت ناکامی عملی امر به معروف و نهی از منکر در طول تاریخ وجود نواقص و نارسایی‌هایی در روش‌های اجرایی بوده است و در اثر این نارسایی‌ها امر به معروف و نهی از منکر در مسیری خلاف هدف اصلی خود قرار گرفته و نتایج مطلوب را به بار نیاورده و به نوعی نقض غرض دچار گردیده است و لذا برای اجرایی شدن این دو فریضه باید روش‌هایی طراحی شود که ضمن داشتن نقاط قوت موجود در روش‌های قبلی، آفات و معایب آن‌ها به دور باشد.

"دردا" (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی علل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مجوریت امر به معروف و نهی از منکر و چگونگی رفع آن» به این نتیجه رسید که عدم آگاهی مردم نسبت به امر به معروف و نهی از منکر، اجرای آن به عنوان دخالت در امور افراد و عدم وجود مدافع برای آمر و ناهی از علل روان‌شناختی، خانواده، مدرسه، روحانیت، عدم آگاهی برنامه‌ریزان سیاسی و دینی از الگوهای اجتماعی، عدم شناخت فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و عدم شناخت روش‌ها از علل جامعه‌شناختی و دوری مردم از این فرضیه الهی است.

این تحقیق می‌کوشد بازتاب امر به معروف و نهی از منکر را در قرآن کریم و احادیث و روایات پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) و دیگر بزرگان دین را بیان نموده و با کلمات و رهنمودهای آن بزرگواران جلوه‌های زیبای این تکلیف الهی را نمایان سازد.

شناخت مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر (اهمیت، آداب و شرایط، آثار و برکات، زیان‌ها و پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر) با استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) مسئله این پژوهش است تا براساس آن بتوانیم زمینه بهتر و مناسب تری را برای تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر فراهم کنیم.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بوده که با استفاده و بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات معصومین (ع) مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر را شناخته و سپس با تحلیل آیات و اقوال و روایات مذکور، معنا و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، آداب و شرایط امر به معروف و نهی از منکر، مراتب امر به معروف و نهی از منکر، آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر و زیان‌ها و پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر استخراج و ارائه شده است.

جامعه و نمونه و ابزار تحقیق

جامعه تحقیق شامل کلیه منابع دست اول (قرآن کریم و آثار مربوط و منتسب به معصومین (ع)) و (منابع دست دوم از منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات و اقوال منقول از آن بزرگواران و دیگر بزرگان دینی و اسلامی) است که در نشریات و سایت‌های اینترنتی مذهبی و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق موجود است. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس ابتدا منابع دست اول انتخاب و سپس سایر منابع مرتبط با موضوع، مورد نظر قرار گرفته و از آن‌ها استفاده شده است. ابزار مورد استفاده نیز در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری است.

معنا و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

معروف در لغت به معنای نیک، خوب، شناخته شده (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۱۶) و منکر به معنای زشت، ناپسند و مردود آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۳۲). محقق حلی می‌گوید: «معروف عبارت است از هر کار نیکی که علاوه بر نیکی آن، انجام دهنده‌اش آن را به این وصف (نیکی) بشناسد یا با وجود شخص دیگری از طریق اجتهاد و تقلید، به این عنوان شناخته شود. منکر عبارت است از هر کار قبیحی که انسان قبح و بدی آن را شناخته و یا از ناحیه شرع به قبح آن پی‌ببرد» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۱ ص ۲۵۸).

علامه طباطبایی معروف را به معنای آن چه که با ذائقه افراد یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد دانسته و می‌گوید: «المعروف یتضمن هد، آیه العقل و حکم الشرع و فضیلته الخلق الحسن و سنن الادب» (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۶) در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز می‌باشد. با توجه به معانی فوق، می‌توان گفت که حدود امر به معروف و نهی از منکر محدود به امور عبادی یا اخلاقی نمی‌شود بلکه شامل کلیه برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و معنوی است. علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه ۱۵۷ سوره اعراف گوید: «دین اسلام تنها دینی است که روح زندگی و حیات را در پیکر امر به معروف و نهی از منکر دیده است. این فریضه از دعوت ساده شروع می‌شود و تا جهاد در راه خدا با مال و جان پیش می‌رود» (طباطبایی، بی تا، ج ۸، ص ۲۸۱-۲۸۰).

اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

روش انبیاء و صالحان

امام باقر(ع) با اشاره به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

«ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب، ترد المظالم، و تعمر الارض، و ینتصف من الاعداء و یتقیم الامر» (نصری، ۱۳۷۸ ه. ش)

همانا امر به معروف و نهی از منکر روش انبیاء و صالحان است. فریضه بزرگی است که به وسیله آن سایر واجبات دینی انجام می پذیرد، راهها امن می گردد، کسبها حلال می شود، اموال به ظلم گرفته شده باز گردانده می شود، زمین آباد می شود، از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور استوار می شود.

گسترده‌گی و عظمت آن

امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «ما اعمال آلبر کلها و الجهاد فی سبیل الله، عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، الا کفثه فی بحر لجمی». «همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، همانند قطره‌ای برابر دریاست (سید رضی، ۱۳۷۸، حکمت ۳۷۴، ص ۱۸۴).

برتر بودن جهاد در جنگ

امام صادق(ع) می فرماید: علمای شیعه ای که مرزهای عقیدتی را پاس می دارند و از تسلط شیطان و دشمنان بر شیعیان جلوگیری می کنند، یک میلیون بار از مجاهدان صحنه جنگ برترند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۲، ص ۵).

جاری شدن سخن عادلانه پیش روی حاکم ستمگر

امام علی(ع) در باب اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در سطح حکومت، می فرماید: «و ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لایقرآن من اجل و لاینقصان من رزق، و افضل من ذلک کله کلمه عدل عند امام جائر». «امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک و نه رزقی را کم می کند؛ اما برتر از آن همه، سخن عادلانه‌ای است که پیش روی حاکم ستمگری بر زبان جاری شود». (سید رضی، ۱۳۷۸، حکمت ۳۷۴، ص ۱۸۴)

امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که در آیات و روایات با ایمان به خدا قرین و حتی از شرایط ایمان بیان گردیده است.

آداب و شرایط امر به معروف و نهی از منکر

آشنایی با آداب امر به معروف و نهی از منکر، موجب پویایی و نوزایی و توسعه در عمل و قبول امر به معروف و نهی از منکر می شود و بستر تحقق شرایط و عوامل رشد و بالندگی انقلاب تا رسیدن به هدف‌های بزرگ و جاویدان آن را فراهم می کند.

امر به معروف و نهی از منکر دارای آداب و شرایطی است که بدون آن امر و نهی واجب نمی شود.

در اینجا به برخی از آداب شرایط امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کنیم:

اخلاص و حسن نیت

انگیزه الهی و پاکی نیت و اقدام بر اساس فرمان خدا و پیامبر و اهل بیت راز توفیق امر به معروف و نهی از منکر است. حضرت امام موسی کاظم(ع) به هشام بن حکم فرمودند: یا هشام لانجاه الا بالطاعه (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۷۸، ص

۳۰۱؛ ای هشام! نجات جز به اطاعت خداوند نیست. یا هشام من صدق لسانه زکی عمله و من حسنت نیته زید فی رزقه (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۸، ص ۳۰۳)؛ ای هشام هر کس زبانش راست گوید کارش پاک گردد و هر کس انگیزه و نیتش نیک و پاک باشد، روزی اش زیاد شود.

بلند نظری و مناعت طبع باید در افراد ناصح وجود داشته باشد. آن‌ها باید توکلشان به خدا باشد تا اجرشان را از پیشگاه ربوبی دریافت کنند.

خیرخواهی و نصیحت و نفع‌رسانی

نصیحت مؤمن بر مؤمن لازم است. امام کاظم (ع) فرموده‌اند: ملعون من لم ينصح اخاه (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۸، ص ۳۳۳)؛ کسی که برادرش را نصیحت نکند، ملعون است. نصیحت هر نوع گفت و گویی نیست. نصیحت، خیرخواهی و سخنانی است که به صلاح مخاطب بوده واقعاً به نفع او باشد با چنین سخنانی صداقت و دلسوزی گوینده آشکار می‌شود، دغدغه‌های زیبای آمر و ناهی روشن می‌شود و اثربخشی سخن افزایش می‌یابد.

توجه به خصوصیات اخلاقی هر فرد

در حدیثی از امام حسین (ع) آمده است: «کسی که امر به معروف می‌کند، باید بداند که هر کس خلق و خوئی دارد و با هر کس باید طور خاصی سخن گفت» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۹۷، ص ۸۳).

شرح صدر، صبر و حوصله

وسعت وجودی و بزرگی و عظمت روح، بهتر فهمیدن و شناختن رسالت، تحمل انسان را افزایش می‌دهد. اگر شرح صدر و تحمل کافی نباشد، ممکن است شخص ناصح با یک سخن زشت یا برخورد نادرست، از کوره در برود و از خودش واکنش نشان دهد. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، در برابر تمایلات مردم ایستاده است و به یقین از طرف بعضی مردم مورد نامهربانی قرار خواهد گرفت. او اگر صبر نداشته باشد، با یکی دو برخورد تند دست از انجام وظیفه برخواهد داشت. قرآن در نشانه بندگان خوب خداوند می‌فرماید: «آنان کسانی هستند که هر گاه با افراد ناآگاه برخورد کنند، با سلام (و مسالمت) از کنار آن‌ها گذر می‌کنند» (سوره فرقان، آیه ۶۳).

برخورد شایسته و چهره باز

داشتن چهره گشاده و جذّاب، عامل جذب دیگران است. از این رو، برخورداری از ملایمت و برخورد نرم و پرهیز از اخمو بودن، می‌تواند در موفقیت شخص امر به معروف مؤثر باشد. در حدیثی از امام حسین (ع) آمده است: «کسی که امر به معروف می‌کند، باید با مردم مهربان و رفیق باشد و تا ضرورت پیش نیاید، خشونت نکند. او باید با لطافت و محبت مردم را به کار خیر دعوت کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۹۷، ص ۸۳).

هماهنگی حرف و عمل

مردم بیش از حرف، به عمل انسان آمر و ناهی می‌نگرند و از رفتار او بیش از سخنش تأثیر می‌پذیرند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «با عمل خودتان مردم را به راه حق دعوت کنید» (حرعاملی، ۱۳۹۷ ق، ج ۱۱، ص ۱۹۴). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «لعنت خدا بر کسانی که امر به معروف می‌کنند، ولی خودشان آن معروف را انجام نمی‌دهند، و از منکر نهی می‌کنند، ولی خودشان آن را انجام می‌دهند» (فیض الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۱۲۹).

خیرخواه بودن

در حدیثی از امام حسین (ع) آمده است: «کسی که امر به معروف می کند، باید... خیرخواه مردم و انگیزه اش سوز درونی و غیرت دینی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۹۷، ص ۸۳).

انتقاد از کار، نه از شخص

اگر خلافکار احساس کند شخصیت دارد و محبوب است و تنها نقطه ضعف او کار خلافتش است، به راحتی آن را ترک می کند. در روایات می خوانیم: «چه بسا خداوند افرادی را دوست دارد؛ اگر چه از عمل آن ها ناخشنود است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳۶، ص ۲۳۳).

شخصی از امام کاظم (ع) پرسید: یکی از یاران شما شراب خورده است. آیا از او دوری جویم؟ امام فرمود: «از کارش دوری جوید، نه از خودش» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۲۷، ص ۱۳۷).

گفتار نیک

در حدیثی از امام حسین (ع) آمده است: «کسی که امر به معروف می کند، باید گفتارش نیکو باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۹۷، ص ۸۳).

برائت زبانی و قلبی از گناه

امام رضا (ع) فرمودند: ذریه ها و خاندان های قاتلان امام حسین (ع) به کارهای پدرانشان رضایت می دهند و به آن افتخار می کنند و جز این نیست که قائم (ع) وقتی خروج فرماید، آنان را می کشد، به دلیل رضایت آنان به کار پدرانشان. کسی که از عملی راضی باشد، مانند کسی است که آن کار را انجام داده است و اگر کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب به قتل او راضی باشد، آن راضی در پیشگاه خدا، شریک قاتل به حساب می آید (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۳۸۲).

عامل بودن به معروف

امام علی (ع) می فرماید: «کن أمراً بالمعروف و عاماً لا به ولا تکن ممن یأمر وینهی عنه فتبؤ بائمه وتعرض ربه» (رضی، ۱۳۷۸، حکمت ۱۲۸)

همواره امرکننده به معروف و نیکبها باش و همچنین خودت عامل به معروف باش. نکنند که تواز کسانی باشی که مردم را به نیکی دعوت کنی در حالی که خودت ترک کننده معروف باشی که در این صورت رفتار گناهی شدی که به واسطه آن مورد خشم پروردگارت قرار خواهی گرفت.

شناخت معروف و منکر

از رسول خدا (ص) نقل شده است که حضرت فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر نمی کند مگر کسی که در او سه خصلت باشد، ... یکی آنکه عالم باشد به آنچه امر نموده و از آن نهی می کند» (نوری، ۱۴۰۸ هـ. ق، ۱۲، ۱۸۶).

امام صادق (ع) در پاسخ کسی که پرسید آیا امر به معروف و نهی از منکر بر جمیع امت واجب است؟ فرمودند: هرگز این دو وظیفه، بر کسی است که از او اطاعت می کنند، کسی که معروف را از منکر تشخیص دهد...» (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۶۰).

باید معروف و منکر را بشناسیم، چگونگی امر و نهی را بدانیم. ائمه فرموده‌اند بهتر است جاهل، امر به معروف و نهی از منکر نکند؛ زیرا: «... ما یفسده اکثر ممّا یصلحه» (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۴۶) وظیفه جاهل ابتدا تحقیق و کاوش کردن است تا روشن بین بشوند و لذا یکی از ارزش‌های نهضت حسینی روشن بینی است.

احتمال تأثیر

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «همانا کسی امر به معروف و نهی از منکر می‌شود که مؤمن بوده و موعظه پذیر باشد یا جاهل است و قصد فراگیری دارد؛ ولی کسی که اهل تازیانه و شمشیر است، هرگز» (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۶۰)

اصرار کردن بر گناه

در صورتی باید نهی از منکر شود که گناهکار بر گناه خود اصرار داشته باشد و پس از عمل خلاف خود تصمیم بر ترک آن گناه نداشته باشد.

چنانچه نشانه ای بر ترک معصیت و گناه از سوی عاصی، ظاهر گردد و برای آمر و ناهی از آن نشانه قطع و یقین به ترک معصیت حاصل گردد، بدون اشکال و جوب امر و نهی در این فرض ساقط می‌گردد و همچنین است اگر بر آمر و ناهی اطمینان بر ترک گناه حاصل شود (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۱).

ایمن بودن از ضرر

امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ عَلَي مَنْ أَمْكَنَهُ ذَلِكَ وَكَمْ يَخْفَ عَلَى نَفْسِهِ وَكَمْ عَلَى أَصْحَابِهِ» (حر عاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۱۲۵): «امر به معروف و نهی از منکر بر کسی واجب است که بر او امکان داشته باشد و بر جان خود و اصحابش نترسد.»

قابل توجه است که با ملاحظه برخی از مصلح و مفساد دینی و اجتماعی مستبعد نیست که بگوییم باید درباره جوب امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که ملازم با ضرر مالی و جانی باشد باید سنجشی میان ضرر مالی و جانی و متعلق امر و نهی یعنی معروف و منکر از نظر اهمیت موضوع و مقدار مصلحت و مفسده انجام یابد و چنین نباشد که توجه کمترین ضرر مسقط امر، از مهم‌ترین معروف و نهی از بزرگ‌ترین منکر باشد و مثلاً در موردی که امر و نهی سبب تحقق فریضه یا فرایضی بزرگ و یا جلوگیری از وقوع فحشا و منکری عظیم و خاصه در مجتمعی بزرگ می‌شود به واسطه تحمل ضرر مالی یا جانی اندکی ساقط شود. (مشکینی، ۱۳۵۹، ص ۳۸).

امام حسین (ع) در وصیتنامه خود نوشته است که برای امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌کند (خوارزمی، ۱۳۸۸، ص ۱-۱۸۸). او در این راه از مال و جان خود گذشت و به اسارت اهل بیتش راضی شد و به جهانیان اعلام کرد که باید به او اقتدا کنند (خوارزمی، ۱۳۸۸). و برای امر به معروف و نهی از منکر در موارد مهم، هر گونه ضرر را به جان خود بخزند.

صالح بودن

امر به معروف و ناهی از منکر اول باید خود صالح باشد تا بتواند اصلاح کند: «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الآمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر» (سوره توبه، آیه ۱۱۲).

حضرت امام علی (ع) می‌فرمایند:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ يُعَلِّمَ نَفْسَهُ وَ مُؤَدِّبَهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (دشتی، ۱۳۸۹، حکمت ۷۰) اگر آمرین به معروف و ناهین از منکر خود آلوده باشند، به جایی نخواهند رسید.

قدرت بر اقامه آن

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«الامر بالمعروف والنهي عن المنكر واجب على من امكناه ذلك ، ولم يخف على نفسه ولا على»

اصحابه (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱ ص ۳۹۸)

امربه معروف ونهی از منکر به کسی که واجب است که قدرت بر اقامه آن داشته باشد وهمچنین بر خود (و بر اصحاب خود نترسد) یعنی خوف ضرر جانی برای خودش و نزدیکانش نداشته باشد.

در کلام امام هفتم شیعیان حضرت موسی کاظم (ع) افزون بر ارزش‌هایی که در تبیین آداب امر به معروف و نهی از منکر بررسی شد، آداب دیگری نیز آموزش داده شده است. فقه و فهم عمیق دین و احکام امر به معروف و نهی از منکر، و صراحت و یک رنگی و پرهیز از دو زبانی و دورویی، دوری از حسد و عجب و فخر، رهایی از بدزبانی و هرزه گویی و فحش، آبروداری و آبرومندی، مخالفت با هوای نفس، پویایی و پرکاری و نشاط و رهایی از تنبلی و بی‌حالی، تواضع و فروتنی و دوری از تهمت و فحش و غیبت (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۸، ص ۳۰۰-۳۳۳).

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

پيامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: برای امر به معروف سه مرتبه است اول تبدیل، یعنی کارهای خلاف به کارهای مشروع و دینی بدل شود. دوم تدبیر، یعنی با نقشه صحیح منحرفین را به راه دین برگرداندن. سوم تدمیر، یعنی اگر از اصلاح آن‌ها مایوس شدند آن‌ها را به هلاکت رسانده و اعدام کنند. (دیلمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵)

در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) است که برای امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله قائل شده‌اند: مرحله قلبی، مرحله زبانی، مرحله عملی و این سه را از مراحل جهاد بر شمرده‌اند و هشدار داده‌اند که زمانی می‌رسد که مسلمانان این سه را ترک می‌کنند و این نشانه سقوط و انحطاط است... (سید شریف رضی، ۱۳۷۸، کلمات قصار، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵).

آثار امر به معروف و نهی از منکر

امنیت

امام باقر (ع) درباره تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در امنیت اجتماعی می‌فرمایند: «به وسیله امر به معروف و نهی از منکر راه‌ها ایمن می‌گردد و... از دشمنان انتقام گرفته می‌شود.» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۵۹، ۳)

انسجام و بقای جامعه و وحدت آن

افراد انسانی در جامعه مانند سرنشینان یک کشتی، دارای سرنوشت یکسانی هستند و مسافران کشتی صرف نظر از مقرراتی که توسط مؤسسه کشتی رانی یا ناخدا به آن‌ها ابلاغ می‌شود، به طور طبیعی حق دارند و موظف‌اند از اموری که ممکن است آن‌ها را در کام دریا جای دهد شدیداً جلوگیری به عمل آورند و در جهت حفظ کشتی و مسافران از خطرات کوشش نمایند. (رازی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴، ص ۹۷۴)

رو به راه شدن کارها

امام باقر(ع) می فرماید: «بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (شیخ طوسی، ۱۳۶۴ ش.، ۶، ۱۸۰): «به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می شود، راه‌ها امن می گردد، کسب‌ها حلال می شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین آباد می گردد، از دشمنان انتقام گرفته می شود، کارها رو به راه می شود.»

ضمانت اجرای احکام و دستورات الهی

امربه معروف و نهی از منکر به عنوان اصل «نظارت عمومی» یا «ضمانت اجرایی» قوانین اسلام مطرح می‌باشد. خدا نظارت بر حسن اجرای احکام الهی را برعهده فرد فرد جامعه اسلامی از هر قشری نهاد، از این رو هر فرد و گروهی همواره چشمان بیدار امت اسلامی را مراقب خویش دانسته و تلاش می‌کند حتی الامکان قوانین اسلامی را رعایت نموده و زیر پا نگذارد. امام باقر(ع) می‌فرماید: «امربه معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که به سبب آن واجبات برپا می‌شود.» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۵۹)

برقراری عدالت اجتماعی

نظارت عمومی بر حسن اجرای احکام عدالت گستر اسلام زمینه فراگیری عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد. امام علی(ع) در این مورد می‌فرماید: «... امر به معروف و نهی از منکر با برگرداندن مظالم (به صاحبان اصلی آن) و مخالفت ستمگر همراه است. همچنین تقسیم (عادلانه) بیت المال و غنایم را در پی دارد و صدقات (مالیات‌های شرعی) از جاهای لازم گرفته شده و در جای حق و مناسب مصرف می‌شود.» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۳۰)

آبادانی و سازندگی در جامعه

عمران و آبادانی کشور ساختار امر به معروف و نهی از منکر است. امام باقر(ع) در این مورد می‌فرماید: «بوسیله امر به معروف و نهی از منکر سرزمین‌ها آباد می‌شود.» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۵۹)

رحمت بی پایان الهی و بهشت و نعمت‌های اخروی

قرآن کریم امر کنندگان به معروف و ناهیان از منکر را به رحمت الهی و بهشت وعده می‌دهد: الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ... أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. (سوره توبه، آیه ۷۱)

مردان و زنان مؤمن برخی سرپرست برخی دیگرند. یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند... خدا ایشان را رحمت کند. به راستی خداوند شکست ناپذیر و حکیم است. خداوند مردان و زنان مؤمن را به بهشت‌هایی که در آن شهرهایی جاری است وعده می‌دهد.

امام صادق(ع) نیز در این مورد می‌فرماید: «ان للجنة بابا يقول له باب المعروف فلا يدخله الاهل المعروف» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۵۲۹)

بهشت را دربی است به نام درب معروف که جزاهل معروف از آن وارد نمی‌شوند.

فلاح و رستگاری

در برخی از آیات، فلاح و رستگاری در گرو امر به معروف و نهی از منکر شمرده شده است.

(ولتكن منكم امه يدعون الى الخير و يامرون بالمروف و ينهاون عن المنكر و اولئك هم المفلحون (سوره آل عمران، آيه ۱۰۴).

باید گروهی از شما باشند که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند و ایشان رستگارانند.

نجات از عذاب الهی

قرآن همچنین آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر را به نجات از عذاب الهی وعده می دهد: (انجینا الذین ینهون عن السوء و اخذنا الذین ظلموا) (سوره اعراف، آیه ۱۶۵).
نجات دادیم آنان را که از زشتی ها نهی می کردند و آنان را که ستم می کردند، به عذاب گرفتار کردیم.

شرکت شدن در ثواب اعمال دیگران

رسول الله (ص) فرمود: «من امر بمعروف و نهی عن المنکر اودل علی خیر او اشار به فهو شریک و من امر بسوء او دل علیه او اشاره به فهو شریک.» (عروسی حویزی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۲۴)
آن که امر به معروف می کند یا از منکری باز می دارد یا راهنمایی به خیر و نیکی کند یا اشاره ای به نیکی و خیر کند، در (ثواب) آن عمل شریک است و آن که به زشتی فرمان دهد یا بدان راهنمایی کند و یا به آن اشاره کند نیز (در مجازات و آثار آن) شریک خواهد بود.

همراهی معصومان

رسول اکرم (ص) می فرماید: کسی که یک شیعه را هدایت و ارشاد کند و شریعت را به وی تعلیم دهد، با ما در جایگاه رفیع و والا همراه خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۲).

مقامی ویژه در قیامت

رسول خدا (ص) فرمود: «الا حدتکم عن اقوام لیسوا بانبیاء و لاشهداء یغبطهم یوم القیامه الانبیاء و الشهداء بمنزالهم من الله علی منابر من نور فقیل: من هم قال هم الذین یحبیبون عباد الله الی الله و یحبیبون عباد الله الی یامرونهم بما یجب الله و ینهونهم عما یکره الله فاذا اطاعوهم احبهم الله.» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۴).
آیا با شما سخن نگویم از کسانی که از پیامبران و شهدا نیستند ولی پیامبران و شهیدان از مشاهده مقام آنان مسرور می شوند که چه جایگاه والای نزد خدا دارند و بر چه جایگاه های نورانی تکیه زده اند. یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول خدا این ها چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی هستند که بندگان خدا را نزد خدا و رسول خدا محبوب می سازند. بندگان خدا را به معروف و آنچه خدا دوست دارد فرمان می دهند و آنچه خدا نمی پسندد، باز می دارند و چون بندگان خدا به امر و نهی آنان عمل کنند، خداوند آن ها را دوست خواهد داشت.

خیر و سلامتی

پیامبر گرامی (ص) در این باره می فرماید: «امت من تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند در خیر و سلامتی اند.» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۶۱، چ دوم، ص ۳۲)

گسترش اخلاق الهی در جامعه

یکی از آثار و برکات این فریضه الهی تحقق و گسترش اخلاق الهی در جامعه بشری است. لذا حضرت علی (ع) فرمودند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۱۰۰، ص ۸۹) و نیز همه ما مأموریم به این که به اخلاق الهی متخلق گردیم (تخلفوا به اخلاق الله) (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۳۸۹)

قدرتمندی مومنان

تقویت نیروهای صالح درون جامعه و تضعیف منافقان از برکات امر به معروف و نهی از منکر است. حضرت علی (ع) می فرمایند: «هر کس امر به معروف کند مومنان را قدرتمند می کند» (دشتی، ۱۳۸۹، حکمت ۱۳)

تضعیف جبهه نفاق

خداوند متعال این برنامه را بسیار زیبا در، آیه شصت و هفت سوره توبه بیان می نماید که منافقان سعی در امر به منکر و نهی از معروف دارند و مومنان باید با امر به معروف و نهی از منکر توطئه آنان را خنثی نمایند. (سوره توبه، آیه ۷۶) حضرت علی (ع) نیز تأثیر امر به معروف و نهی از منکر را در شکست خط نفاق و درمانده کردن منافقین قطعی دانسته و فرموده است: «کسی که نهی از منکر کند بینی منافقان را به خاک می مالد.» (دشتی، ۱۳۸۹، ح ۱۳)

شکوفایی اقتصاد

اقتصاد سالم منوط به امر به معروف و نهی از منکر است. با امر به معروف و نهی از منکر راه های صحیح کسب و تجارت و پیشرفت صنعت، هموار گشته و هر کسی درخور استعداد خویش به امرار معاش می پردازد و بیکاری، گرانفروشی، احتکار و سایر انحرافات اقتصادی ریشه کن می گردد. امام باقر (ع) در حدیث جابر می فرمایند: «به وسیله امر به معروف و نهی از منکر کسب ها حلال می شود.» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۵۹)

پایداری خیر و برکت

قال رسول الله (ص): «لا يزال الناس بخير ما امروا بالمعروف ونهوا عن المنكر وتعاونوا على البر والتقوى» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱ ص ۳۹۸) خیر و برکت در میان مردم از بین نمی رود تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و همدیگر را بر خوبی یاری دهند.

حفظ اسلام و احکام آن

اسلام، حقیقتی است که حفظ آن به اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان است و امر و نهی دینی، وسیله ای مقدس و مؤثر برای اجرای احکام دین به شمار می آید. امام باقر (ع) فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیا و صالحان و فریضه عظیمی است که دیگر واجبات به وسیله آن اجرا می گردد» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۳۹۵)

به دست آوردن خلافت الهی

پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، خلیفه خدا در زمین و خلیفه رسول اوست» (نوری، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱۲، ص ۱۷۹)

اصلاح اجتماع

امام خمینی (ره) در وصیت نامه الهی - سیاسی خود فرمودند: همان طور که هر شخص و هر فردی موظف است خودش را اصلاح کند، موظف است دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۱)

در آمدن در زمره نیکوکاران

امام علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: امر به معروف کن تا در زمره نیکوکاران در آیی و با دست و زبان نهی از منکر نمای و آن را که مرتکب منکر می شود، بکوش تا از ارتکاب آن دور داری. در راه خدا بکوش، (حرانی، ۱۳۷۶، ق، ص ۱۱۳)

مشمول عزت خدا شدن، مشمول رحمت خدا شدن، تأیید مؤمنان و ذلت فاسقان، نجات از عذاب عمومی، به خیر دنیا رسیدن، جانشین خدا و رسول شدن، بهترین مردم بودن، حکم شهید را داشتن، در مسیر حق قرار داشتن و ... از دیگر آثار امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

تسلط اشرار

امام رضا (ع) می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ و گرنه، اشرار بر شما چیره می شوند و خوبانتان دعا می کنند و مستجاب نمی گردد». (حرعاملی، ۱۳۹۷، ق، ج ۱۱، ص ۴۰۴)

محرومیت از برکات الهی

امام صادق (ع) می فرماید: «هر گناهکاری که در قومی گناهی انجام دهد و بر معصیتش ادب نشود، نخستین چیزی که خدا آن قوم را به آن گرفتار می سازد، محرومیت از برکات الهی است». (حرعاملی، ۱۳۹۷، ق، ج ۱۱، ص ۴۰۴)

عقوبت الهی

حضرت امام رضا (ع) نقل می کند که پیامبر فرمود: وقتی که امت من از مسئولیت دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کردند و آن را به یکدیگر واگذار کردند حتماً بدانند که با هلاکت و عذاب الهی مواجه خواهند شد (حرعاملی، ۱۳۹۷، ق، ج ۱۱ ص ۳۹۴)

شریک شدن در گناه دیگران

امام صادق (ع) می فرماید: «من کان له جار و یعمل بالمعاصی فلم ینهه فهو شریکه» (تویسرکانی، بی تا، ج ۵ ص ۲۶۳) هر کس همسایه ای دارد که اهل معصیت است و او را نهی نمی کند در گناه او شریک است.

بی اثر بودن در زندگی

حضرت امام علی (ع) می فرماید: «من ترک انکار المنکر بقلبه و یده و لسانه فهو میت بین الاحیاء» (فیض الکاشانی، بی تا، ج ۴ ص ۱۰۵)

کسی که انکار منکر را با قلب و دست و زبانش ترک کند در واقع مرده ای است در بین زندگان.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «إِذَا رَأَى الْمُتَكَبِّرَ فَلَمْ يَنْكُرْهُ وَهُوَ يَقْدُرُ عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِالْعِدَاوَةِ» (صدوق، ۱۳۸۹، ص ۲۵۲) هر گاه کسی منکر را مشاهده کند و آن را انکار نکند در حالی که قدرت بر آن دارد، در حقیقت دوست دارد که خدا معصیت گردد، و کسی که دوست داشته باشد که معصیت خدا شود با خدا به مبارزه پرداخته و دشمنی کرده است.

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) آفات مهم ترک این فریضه بزرگ الهی را چنین برمی شمارند: موجب سلطه بدان می شود (دشتی، ۱۳۸۹، نامه ۴۷)، سقوط و انحطاط اجتماعی را به همراه دارد (دشتی، ۱۳۸۹، خطبه ۱۲۹) و باعث نفی هویت و حیات انسانی می شود (دشتی، ۱۳۸۹ حکمت ۳۷۴)

نتیجه گیری

امربه معروف و نهی از منکر به عنوان یک ساز و کار برای اصلاح فرد و جامعه، برترین، مؤثرترین و جامع ترین نظام اصلاحی به شمار می رود. هر عملی که عقل یا شرع آن را پسندیده بشمارد، معروف به شمار می آید و هر کاری که عقل یا شرع آن را ناپسند بشمارد، منکر محسوب می شود. با این وصف، تمامی محتوای دین مشمول عنوان عام معروف و منکر می شود.

باید گفتار امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر سراسر کلام حق باشد حق بگوید و حق محور و حق طلب شود. پیشوایان معصوم (ع) افزون بر تحلیل علمی و تبیین جایگاه فریضه امربه معروف و نهی از منکر، در رفتار و سیره عملی خود نیز اهتمام زیادی به این فریضه داشتند.

این دو اصل مهم برای دین و زندگی سالم، از نعمت های بزرگی است که از ابعاد گوناگون مورد توجه قرآن، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص)، ائمه اطهار (ع)، بزرگان دین و دانشمندان اسلامی قرار گرفته است. این دو فریضه به دلیل نوع کارکرد و تأثیرات شگرفی که از خود بر جای می گذارند، از جایگاه ممتازی نسبت به دیگر احکام و فرایض دینی برخوردارند.

پیامبر و امامان پیشگامان و اسوه های بزرگ در امربه معروف و نهی از منکرند. اندیشه و گفتار و رفتار آنان در امربه معروف و نهی از منکر راهنمای مسلمانان در برپایی امربه معروف و نهی از منکر است. سیره نظری و عملی معصومین (ع) در اجرای امربه معروف و نهی از منکر، بهترین و کاربردی ترین راه و روش امربه معروف و نهی از منکر است. پیشوایان ما با تبیین جایگاه و اهمیت امربه معروف و نهی از منکر و نیز بیان ضوابط و شرایط آن، از خود گنجینه ای ارزشمند به جای گذاشته اند.

پیشنهادات

۱. آموزش و پرورش قسمت هایی از کتب در تمام دوره ها را به امربه معروف و نهی از منکر اختصاص دهد.
۲. صدا و سیما و نهادهای متولی امربه معروف و نهی از منکر، آداب امربه معروف و آثار مثبت و پیامدها منفی استخراج شده در این تحقیق را به اطلاع مردم برسانند.
۳. تحقیقی در خصوص بررسی میزان توجه و اهمیت مردم به امربه معروف و نهی از منکر در جامعه با آنچه در قرآن کریم و روایات آمده، انجام شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۶۴ه.ش)، النهایه فی غریب الحدیث، تحقیق طاهر احمد الزواری، محمود محمد الطنحی، قم: چاپ چهارم، نشر اسماعیلیان.
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، (۱۴۰۵ه.ق)، لسان العرب، ج ۵ و ۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره، (۱۴۱۴ه.ق)، صحیح البخاری، تصحیح: مصطفی دیب البغاء، بیروت، دار بن الکثیر.
۵. تویسرکانی، محمد نبی، بی تا، لثالی الاخبار، ج ۵، قم، مکتبه علامه.
۶. حرانی، حسن بن علی بن الحسن بن شعبه، (۱۳۷۶ه.ق)، تحف العقول، تهران، مکتب الصدوق.
۷. حرعاملی، محمد بن الحسین، (۱۳۹۷ه.ق)، وسائل الشیعه، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۸. حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۹ه.ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، تحقیق: صادق شیرازی، تهران، انتشارات استقلال.
۹. خسروی زاد بنه، مهدیه، (۱۳۸۶ه.ش)، «شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در سیره معصومین (ع)». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، قم: دانشگاه قم.
۱۰. خمینی، روح الله بی تا، تحریر الوسیله، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، قم، اسماعیلیان.
۱۱. خمینی، روح الله، (۱۳۷۶ه.ش)، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. خوارزمی، محمد بن احمد، (۱۳۸۸ه.ش)، مقتل الحسین، قم، انوار الهدی.
۱۳. دردا، مرضیه، (۱۳۸۵ه.ش)، «بررسی علل روان شناختی و جامعه شناختی مجوریت امر به معروف و نهی از منکر و چگونگی رفع آن». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۴. دشتی، محمد، (۱۳۸۹ه.ش)، نهج البلاغه، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱۵. دیلمی، محمد حسن، (۱۳۸۹ه.ش)، ارشاد القلوب، ترجمه سید عباس طباطبایی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. رازی ابوالفتح، جمال الدین، (۱۳۹۸ه.ق)، روض الجنان و روح الجنان، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیه.
۱۷. رضائی راد، عبدالحسین، (۱۳۸۳ه.ش)، «بررسی فقهی روش‌های امر به معروف و نهی از منکر». پایان نامه دکتری. مشهد، دانشگاه فردوسی.
۱۸. رضی، سید شریف، (۱۳۷۸ه.ش)، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. زارع خور میزی، حسن، (۱۳۷۳ه.ش)، «سیمای امر به معروف و نهی از منکر در قرآن». پایان نامه کارشناسی ارشد. قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۰. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۰۴ه.ق)، عیون اخبار الرضا، تحقیق شیخ حسین اعلمی، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۹ه.ش)، معانی الأخبار، محقق: علی اکبر غفاری، ۱۳۸۹، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۴ه.ش)، التهذیب، قم، دارالکتب الاسلامیه، قم.
۲۳. عروسی حویزی، علی بن جمعه، (۱۳۷۳ه.ش)، تفسیر نورالثقلین، تصحیح و تعلیقه سید محمد هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
۲۴. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، بی تا، المدعو ملاً محسن، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ ه. ش)، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، علامه محمدباقر، (۱۴۰۳ ه. ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۷. مشکینی، علی، (۱۳۵۹ ه. ش)، امر به معروف و نهی از منکر، قم، انتشارات یاسر.
۲۸. نصری، عبدالله، (۱۳۷۸ ه. ش)، انتظار بشر از دین، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه
۲۹. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ه. ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

استراتژی امر به معروف و نهی از منکر، راهکاری عملی

سمیه شاه طالبی^۱

سیدابراهیم میرشاه جعفری^۲

چکیده

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین به سالم سازی محیط اجتماعی از جهت پیشگیری توجه نموده، بنابراین اصل نظارت عمومی بر عملکرد مسلمانان در جامعه یا اصل «امر به معروف» را تأکید کرده و از جهت درمان و برای پاک سازی جامعه از فساد و گناه «نهی از منکر» را توصیه کرده است و در مجموع، قرآن و سیره نبوی اصل نظارت و مراقبت جمعی یا «امر به معروف و نهی از منکر» را با سازوکار خاصی، به عنوان فریضه ای بزرگ و زیربنایی، که قوام و برپایی سایر واجبات به واسطه این اصل تحقق می‌یابد، معرفی کرده است. ضرورت توجه به دو فریضه مهم و الهی امر به معروف و نهی از منکر و تشخیص مصادیق آن‌ها به عنوان دورکن مهم و اساسی در اسلام همواره مدنظر بوده و در واقع یکی از ضروریات اساسی برای جامعه و افرادی که در آن زندگی می‌کنند به شمار می‌رود. در این مقاله پس از مروری کوتاه بر شرایط و وجوب و شرایط اجرای عملی امر به معروف و نهی از منکر، مدلی تحت عنوان استراتژی امر به معروف و نهی از منکر ارائه شده است که در واقع این مدل را می‌توان در هر جامعه ای با توجه به شرایط و موقعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن جامعه مورد استفاده قرار داد.

مقدمه

بررسی و تحقیق علمی درباره میزان اثر بخشی و تاثیر گذاری دین و آموزه‌های دینی بر زندگی انسان با استفاده از ابزار های ساخته فرایند علمی نیز امر تازه‌ای نیست. سابقه‌ی مطالعه درباره دین و تاثیرات آن اگر چه نه به صورت علمی و رسمی ولی به عنوان یک موضوع مهم تقریباً همزمان با زندگی انسان در هستی آغاز شده و از ادیان خرافی و ساخته بشر گرفته تا ادیان الهی هر یک به نوعی مدعی تاثیرات مثبت و مفیدی در زندگی انسان بوده و دلائل و شواهدی نیز برای آن اقامه کردند (صالح صدق پور و همکاران، ۱۳۸۸).

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین به سالم سازی محیط اجتماعی از جهت پیشگیری توجه نموده، بنابراین اصل نظارت عمومی بر عملکرد مسلمانان در جامعه یا اصل «امر به معروف» را تأکید کرده و از جهت درمان و برای پاک سازی جامعه از فساد و گناه «نهی از منکر» را توصیه کرده است و در مجموع، قرآن و سیره نبوی اصل نظارت و مراقبت جمعی یا «امر به معروف و نهی از منکر» را با سازوکار خاصی، به عنوان فریضه‌ای بزرگ و زیربنایی، که قوام و برپایی سایر واجبات به واسطه این اصل تحقق می‌یابد، معرفی کرده است. ضرورت توجه به دو فریضه مهم و الهی امر به معروف و نهی از منکر و تشخیص مصادیق آن‌ها به عنوان دورکن مهم و اساسی در اسلام همواره مدنظر بوده است و در واقع یکی از ضروریات اساسی برای جامعه و افرادی که در آن زندگی می‌کنند به شمار می‌رود (ساعد، ۱۳۸۶).

در واقع تأکید قرآن و روایات بر دو واژه‌ی «معروف» و «منکر» (پسنیدیده و ناپسنیدیده)، اشاره به این است که واجبات و محرمات، اموری هستند که عقل و فطرت پاک انسان، ناشناخته و مورد تنفر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷).

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه اصفهان؛ باشگاه پژوهشگران، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان)

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان

خداوند در قرآن می‌فرماید «لقد صرفنا فی هذا القرآن»، یعنی مطالب خود را برای تأثیر در قالب‌های گوناگون بیان می‌کنیم (سوره اسراء، آیه ۴۱)، مشابه همین آیه نیز در آیات دیگر آورده شده است به طور مثال سوره اسراء آیه ۸۹، سوره کهف آیه ۵۴ و سوره زمر آیه ۲۷. برای تأثیر امر به معروف و نهی از منکر، باید از شیوه‌های مناسب و مختلفی استفاده شود، چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید؛ هر خانه‌ای را باید از راهش وارد شد (سوره بقره، آیه ۱۸۹).

امام علی (ع) در حکمت ۳۷۴ نهج البلاغه پیرامون مراتب و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید؛ برخی از مردم با دست و زبان و قلب خویش منکر را نفی می‌کنند، چنین کسانی خصلت‌های خوب را کامل کرده‌اند، برخی با زبان و قلب خویش منکر را نفی کرده اقدام عملی نمی‌کنند، اینان به دو خصلت از خصلت‌های نیک دست یافته و یک خصلت را تباہ ساخته‌اند. برخی منکر را با قلب نفی می‌کنند نه با دست و زبان، اینان دو خصلت برتر از آن سه را ضایع نموده و به یکی چنگ زده‌اند. برخی منکر را با زبان، قلب و با دست نفی نمی‌کنند، اینان مردگانی هستند در میان زنده‌ها (نهج البلاغه) در راستای اجرای امر به معروف و نهی از منکر شرایطی وجود دارد. در واقع علاوه بر شرایط عمومی بلوغ، عقل و قدرت که هر تکلیفی منوط به آن‌هاست، شرایط و وجوب این فریضه عبارت‌اند از:

۱. علم به معروف و منکر از دیدگاه شرع مقدس اسلام، تا در امر و نهی، شخصی دچار اشتباه نشود و امر به منکر و نهی از معروف صورت نگیرد. امام خمینی (ره) در «تحریر الوسیله» می‌فرماید مطابق این شرط، امر به معروف و نهی از منکر بر شخص جاهل واجب نیست (۲۰ امام خمینی، ۱۳۶۶).

۲. شخص احتمال بدهد که امر و نهی او، تأثیر دارد و جلو منکر را می‌گیرد، پس اگر شخص بداند یا اطمینان به عدم تأثیر داشته باشد، واجب نیست اما به صرف ظن به عدم تأثیر، اگرچه ظن قوی باشد این فریضه ساقط نمی‌شود.

۳. استمرار بر گناه، به این معنی که شخص گناه کار و مرتکب منکر، اصرار بر ادامه گناه داشته باشد و آثار پشیمانی و ندامت در او ظاهر نشده باشد. پس اگر بدانیم که شخص، پشیمان شده و این عمل را تکرار نمی‌کند و وجوب نهی از منکر ساقط می‌شود.

۴. امر به معروف و نهی از منکر مفسده (ضرر جانی، مالی، ناموسی و آبرویی) به دنبال نداشته باشد، بنابراین هر گاه شخص بداند یا گمان برد که انکارش موجب ضرر جانی یا ... قابل توجه بر خودش یا یکی از وابستگانش مانند نزدیکان، یاران و همراهانش می‌شود، وجوبش ساقط می‌شود (ابوی مهریزی، ۱۳۸۶).

یکی از مواردی که در باب دو فریضه مهم والهی امر به معروف و نهی از منکر مدنظر می‌باشد. جایگاه این دو فریضه است در واقع بعد ارزشی، بعد تاریخی و کارکردی آن‌ها نیز مهم است و می‌توان در جهت اصلاح جامعه به کاربرد و انسان‌ها به عنوان ارگانیسم یک موجود زنده در درون نظام اجتماعی و جامعه اسلامی هستند که در تعامل متقابل به سر می‌برند از نظری دیگر این به نوع تفهم و فهم مشترک مردم از شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی برمی‌گردد در واقع وقتی انسان‌ها به شکل گروهی زندگی می‌کنند مسلماً دارای تفاهم مشترک نیز هستند و براساس این مهم است که دست به کنش و رفتار می‌زنند و اگر این کنش براساس عقل و شرع و فطرت سه معیار عمده و اساسی در شناسایی معروفات و منکرات باشد، مسلماً جامعه به سمت و جهت سعادت و هم چنین امنیت اجتماعی پیش می‌رود و هر روز شناسایی و ترویج و گسترش معروف‌ها بیشتر و از حجم منکرات کمتر می‌گردد و این خود به نوعی اصلاح جامعه است. در واقع تأثیر دو فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر، به صورت مستقیم می‌باشد.

برای عملی شدن این دو فریضه و رابطه آن با جامعه چند نکته مهم است:

۱. اولین نکته مهم، آموزش است و این آموزش باید در بین فرزندان و افراد در طی فرایندی که به آن اجتماعی شدن می‌گویند. درونی شود که این امر از طریق نهادهایی مثل خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی، دینی و... امکان‌پذیر است.
 ۲. ترویج و گسترش دوفریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فرهنگ عمومی و به عنوان یک چتر حمایتی از مردم مدنظر است.
 ۳. بی تفاوت نبودن افراد جامعه نسبت به زشتی‌ها و ناپاکی‌ها و نگاه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عامل نظارت اجتماعی، وقتی افراد درون نظام اجتماعی یک عامل ناظر اجتماعی به اعمال و رفتار را ببینند، سعی در کاهش و کنترل و حذف منکرات داشته و سعی در رشد و گسترش معروفات می‌کنند، این خود یک اصل برای اصلاح جامعه است.
 ۴. امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند نوعی انضباط اجتماعی باشد و از منظری می‌توان عامل کنترل افراد را ابالی به حساب بیاید.
 ۵. مسلماً آن چیزی که زیربنای اصلاح جامعه را تشکیل می‌دهد اصلاح خانواده است پس باید از نهاد مقدس خانواده شروع و به سایر نهادها در جامعه رسید.
 ۶. تربیت و پرورش نسل جوان به سوی احیاء این دو فریضه مهم والهی که به عنوان آمرین به معروف و ناهیان از منکر انجام وظیفه کنند.
 ۷. شناسایی دقیق مراحل امر به معروف و نهی از منکر و اجرای آن در جهت اصلاح افراد درون جامعه.
- امر به معروف و نهی از منکر بخشی از سیاست نظارتی و کنترلی اسلام و عنصر مکمل فرایند اجتناب‌ناپذیر «جامعه‌پذیری» محسوب می‌شود و همچون همه تدابیر خرد و کلان فرهنگی و اجتماعی برای ورود یافتن به قلمرو هنجاری جامعه و تبدیل شدن به منطقی کنشی فراگیر، نیازمند تشریح، تبلیغ، بستر سازی و تمهید مقدمات و شرایط اجرایی سازی متناسب است (شرف الدین، ۱۳۸۷).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه که در مقدمه آمد، در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر می‌بایست با توجه به شرایط و مقتضیات جامعه به روز شده تلاش نمود تا این فریضه را به نحو احسن در جامعه اجرا کرد. اجرای این امر مستلزم دانش و شناخت کافی و بهره مند شدن از نظرات روان شناسان و جامعه شناسان و هم چنین متخصصان دینی است. در واقع به منظور اصلاح و تربیت جامعه می‌بایست تمامی شرایط جامعه از دیدگاه متخصصان بررسی شده و بهترین راهبرد و راهکار بدون هیچ گونه تعصب و غرض ورزی انتخاب شود. بر همین اساس در این مقاله مدل استراتژیک امر به معروف و نهی از منکر ارائه می‌شود.



مدل پیشنهادی استراتژی امر به معروف و نهی از منکر (شاه طالبی، سمیه؛ ۱۳۸۹)

بر اساس مدل پیشنهادی استراتژی امر به معروف و نهی از منکر می‌توان جهت ارائه و پیاده‌سازی عملی امر به معروف و نهی از منکر اقدام کرد. به همین منظور شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را می‌توان در دو بعد مورد بررسی قرار داد، یک بعد شناسایی این عوامل در درون جامعه مورد نظر (بررسی و شناسایی عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) و در بعد دیگر شناسایی تأثیر اجرای امر به معروف و نهی از منکر در صورت اجرای این فریضه.

بر این اساس در بعد نقاط قوت، در جامعه مورد نظر در مرحله اول باید با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، نقاط قوت درونی جامعه شناسایی شود. شناسایی این که آیا با توجه به شرایط و مقتضیات جامعه اصولاً اجرای درست امر به معروف و نهی از منکر بر اساس شرایط مطلوب و نقاط قوتی که در درون جامعه مورد نظر وجود دارد چگونه میسر است بدین معنی که مجریان و متخصصان متولی امر به این مسئله توجه داشته باشند که، جامعه دارای چه نقاط قوتی است، نقاط قوتی که در اجرای بهتر امر به معروف و نهی از منکر کارساز است، مواردی مانند فرهنگ غنی و بالای افراد جامعه، جوان بودن جامعه، تحصیلات بالا، قدرت فهم و درک و مواردی از این قبیل می‌تواند در تدوین و اجرای صحیح این امر بسیار مؤثر باشد، زیرا جامعه‌ای که دارای فرهنگ غنی و بالایی باشد هم چنان در پی ادامه روند فرهنگ خود بوده و در این راستا گام برمی‌دارد، هم چنین بر اساس دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت جوانان نسبت به افراد میانسال و سالخورده قدرت پذیرش و درک بالاتری نسبت به امور داشته و مسائلی را که عقلانی بوده و با دلیل منطقی ارائه شود راحت‌تر و زودتر می‌پذیرند.

در مرحله دوم می‌توان به شناسایی تأثیر نقاط مثبت از اجرای این فریضه در جامعه مورد نظر پرداخت، بدین معنی که با توجه به بررسی شرایط جامعه در صورت تأکید و اجرای این فریضه در موارد مورد نظر، آیا اجرا و تأکید نتایج مثبتی به دنبال خواهد داشت؟ در رابطه با نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها نیز باید به همین منوال پیش رفت. بدین معنی که باید ابتدا به شناسایی نقاط ضعف (از منظر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در جامعه پرداخت و سپس تأثیرات منفی ناشی از اجرای نادرست این فریضه را مورد بررسی قرار داد. نتایجی چون ظاهرگرایی، منفعت‌جویی، افراط و تفریط در امور و... در واقع اجرای نادرست این فریضه نتایج منفی گران‌بار و غیر قابل‌جبرانی به دنبال خواهد داشت و چه

بسا بسیاری از دین زدگی‌ها به خاطر تعصبات ناشی گرایانه افرادی است که در این زمینه دانش، تخصص و توانایی کافی برای اجرای این امر را ندارند.

در رابطه با فرصت‌ها نیز می‌توان به شناسایی فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب فراهم شده از سوی دیگر مناطق برای اجرای این فریضه پرداخت. زیرا هر منطقه، هر شهر و هر کشوری دارای نکات مثبتی بوده که این نکات مثبت در واقع فرصت‌هایی را برای جامعه مورد نظر برای اجرای این امر فراهم می‌کند. در واقع می‌توان با توجه به این نکات مثبت نتیجه عملی از اجرای این فریضه را مورد بررسی و الگو قرار داد و از راهکارهای به کار گرفته شده توسط آن‌ها استفاده کرد. بر این اساس لازم نیست که منطقه یا کشور مورد نظر حتماً کشوری مسلمان باشد، زیرا همیشه در همه جا خوب و بد، مثبت و منفی در کنار هم وجود دارد و می‌توان از مثبت‌ها استفاده کافی را به عمل آورد.

در واقع فریضه امر به معروف و نهی از منکر ریشه در مفاهیم ارزشی یا ارزش‌های محوری^۱ دارد. ارزش‌های محوری شامل آن دسته از سازه‌ها و مفاهیمی هستند که در کلیت خود دارای اهمیت بوده و برای هر انسانی صرفه نظر از ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، ملی، هویتی و... مهم شمرده می‌شوند. صداقت، عدالت، پاسخگویی، انصاف، همدلی، درک دوجانبه، ارزش قائل شدن برای انسان‌ها، تعهد، وفاداری، آزادی، از جمله ارزش‌های محوری هستند که در طول زمان از ثبات نسبی برخوردارند و ضمن آن که از محوری‌ترین، پایدارترین و متمایز کننده‌ترین ویژگی‌های هر جامعه به شمار می‌آیند، با این حال از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت نبوده و تنها مصادیق ارزشی متفاوتی می‌یابند. به عبارت دیگر نوع بشر به دلیل ویژگی منحصر به فرد خود درک مشترکی از این مفاهیم داشته و در جهت ارضای نیاز ذاتی خود می‌تواند در گذار از دیروز و امروز به فردا به صورتی ماندگار آن‌ها را حفظ نموده و موجودیت خود را با استفاده از آن‌ها به تصویب رساند. در واقع ارزش‌ها بیانگر نیروهایی هستند که برای فرد تعلق خاطر به جامعه انسانی را رقم می‌زنند و این همان وجه ممیزه انسان و حیوان است. با توجه به آن چه که مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که تمامی جوامع انسانی به نوعی با مفهوم ارزش‌ها و سازه‌های مرتبط با آن چون مفروضات بنیادین عجین بوده و بیگانه نیست. دو مفروضه امر به معروف و نهی از منکر ارتباط تنگاتنگی با مفهوم هدایت به سوی ارزش‌ها و پرهیز از رفتارهای ضد ارزشی دارد. با تبیین این مفهوم و ارتباط آن با مفروضات بنیادین می‌توان فرصتی در راستای تمرکز بر این دو فریضه و عملیاتی نمودن آن در جوامع انسانی برداشت.

در نقطه مقابل تهدیدها، به هر عامل بیرونی خارج از جامعه هدف اشاره دارد که سعی می‌نماید کارکرد سازمان‌ها و نهادهای درونی جامعه را با چالش مواجه سازد. همان گونه که مطرح شد ارزش‌های محوری مفروضات بنیادین جوامع انسانی هستند که از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت نیستند. تفاوت جوامع در این بعد تنها در مصادیق ارزشی است. از این رو مصادیق ارزشی متفاوت به عنوان یکی از راهکارهای تهدید نرم جوامع اسلامی را با خطر جدی مواجه می‌سازد. در واقع عنصر خارجی با استناد به چنین وجوه تمایزی سعی دارند به مقابله با هویت ملی و فرهنگی جوامع پرداخته و امنیت فرهنگی جوامع را با خطری جدی مواجه سازند. استناد به عدم وجود ارزش‌هایی چون آزادی مطلق یا آزادی تنظیم نشده، وجود محدودیت در سطح جامعه از جمله مطرح نمودن مسئله حجاب به عنوان یک محدودیت، فقدان تکثرگرایی در عصر تکثرها، ارجحیت هویت‌های چندگانه بر هویت‌های ملی و محلی، حرکت به سمت و سوی جامعه جهانی ضمن پذیرش ارزش‌های غالب، فقدان روحیه‌ی پرسش‌گری و فضای مثبتی بر تفکر نقاد، عدم وجود آزادی‌های سیاسی و مدنی به عنوان یکی از حقوق فردی و... از جمله ابزارهای تهدید نرم در فضای کنونی جوامع از جمله جوامع در حال توسعه است

1. Core Value

که در کشورهای اسلامی با هدف عالمانه پیگیری می‌شود. بدیهی است در چنین فضایی و در پرتو مشکلات داخلی چندگانه‌ای که کشور با آن روبروست این سازوکار از قدرت فراگیری بالایی برخوردار بوده و توان بالایی در ایجاد مسئولیت و ابهامات چالش‌برانگیز برای افشار مختلف جامعه و به خصوص قشر جوان فراهم می‌آورد. شناسایی تهدیدات فوق و ابزارهای مورد استفاده می‌توانند جامعه را از بحران هویت فرهنگی مصون داشته و امنیت فرهنگی را تضمین نمایند. بدیهی است در فضای امن فرهنگی اعمال و اقدام برای اجرای فرایضی چون امر به معروف و نهی از منکر که بیش تر از آن که در قالب عمل و کارکرد مدیریتی مطرح باشند قالبی فراگیر دارند، نمود و جلوه بیش تری می‌نماید. در چنین حالتی جوامع هدف باید به اهرم‌های مقابله از جمله رویکردهای فراشناختی، تفکر دینی، تفکر انتقادی، احیای ارزش‌های محوری، تهیه منشورهای ارزشی برگرفته از تعالیم عالیه اسلامی، تهیه مرام نامه‌های ارزشی و... مجهز بوده و تهدیدهای موجود در فضای ناامن فرهنگی را به فرصت‌های بالقوه‌ای تبدیل نمایند که ضمن حرکت در راستای جامعه جهانی و مدنی، هویت‌های فرهنگی، ملی و دینی را نیز با خطر جدی مواجه نسازند.

به طور کلی می‌توان گفت در صورت اجرای درست امر به معروف و نهی از منکر، تأثیرات این امر نه تنها به صورت نقاط مثبت در جامعه مورد نظر جلوه گر می‌شود بلکه تأثیرات این امر نیز به جوامع دیگر منتقل خواهد شد و در واقع جامعه ای که به سوی درستی پیش می‌رود خود می‌تواند فرصت‌های خوبی را برای دیگر مناطق فراهم آورد. در رابطه با تهدیدها نیز ابتدا باید به شناسایی تهدیدهای ارائه شده از سوی دیگر مناطق به جامعه‌ی مورد نظر پرداخت، زیرا جوامع با یکدیگر در ارتباط بوده و علاوه بر انتقال خوبی‌ها و نقاط مثبت، بدی‌ها و نقاط منفی نیز به جوامع منتقل می‌شود. در این راستا باید در نظر گرفت که داشتن ارتباط و تحت تأثیر قرار گرفتن و الگو قرار دادن جامعه‌ی دیگر چه تهدیدهایی را برای جامعه ما به دنبال خواهد داشت.

در آخر بایستی با در نظر گرفتن هر کدام از این جنبه‌ها به اقدام عملی و درست این امر پرداخت. ذکر این نکته ضروری است، در واقع اجرای درست این فریضه نیازمند افراد خبره ای است که دارای دانش و تخصص کافی در این زمینه بوده و می‌توانند در این راستا راه درست را پیمایند، زیرا در صورت انحراف از جاده‌ی اصلی به سختی می‌توان به مسیر اصلی برگشت و تلفات بسیار زیادی (از نظر زمان، هزینه و انرژی و...) به دنبال خواهد داشت. به طور کلی می‌توان گفت، این مدل را می‌توان در هر جامعه ای و در هر قشری به اجرا در آورد و به نتایج مثبتی در این زمینه نیز دست یافت.

منابع

۱. قرآن کریم. سوره اسراء، سوره كهف، سوره زمر، سوره بقره
۲. نهج البلاغه، امام علی(ع)
۳. ابویی مهریزی، حسین. ۱۳۸۶. نقش امر به معروف و نهی از منکر در سلامت محیط، ویژه نامه اولین همایش بهداشت در آموزه‌های پیامبر اعظم(ص)، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ششم، ۳۰-۲۳.
۴. امام خمینی، روح ا... ۱۳۶۶. تحریر الوسیله. چاپ چهارم، تهران: مکتبه اعتماد الکاظمی، جلد ۱ و ۲.
۵. ساعد، محمد جعفر. ۱۳۸۶. تأملی بر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان، ۱۰۰-۷۲.
۶. شرف‌الدین، سید حسن. ۱۳۸۷. نقش رسانه‌های جمعی در گسترش امر به معروف و نهی از منکر، ماهنامه الاهیات اجتماعی، سال اول، شماره یک، بهار و تابستان
۷. صالح صدق پور، بهرام؛ محمودیان، مجید؛ سلمانیان، حمید رضا. ۱۳۸۸. بررسی تأثیر آموزش آموزه‌های قرآنی بر بهبود پذیرش اجتماعی، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته ای قرآنی، سال اول، شماره دوم، ۲۶-۱۷.
۸. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۰. پیام قرآن. قم: مؤسسه مطبوعاتی هدف، جلد ۱۰.

شهروندی و نقش آن در تعالی جامعه با رویکرد اسلامی

مهدی جمالی نژاد^۱، جعفر کریمی^۲

چکیده

زندگی اجتماعی روابطی اجتماعی را میان افراد جامعه می‌طلبد که باید تحت نظم و قاعده ای درآیند. چه، در صورت نبود نظم و انضباط در جامعه، زور و اجحاف و تزویر بر روابط میان افراد حاکم می‌شود و این امر، جنگ و جدال و نابسامانی را به همراه خواهد آورد. شهروند فردی است در ارتباط با یک دولت که از سویی حقوق سیاسی و مدنی دارد و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی بر عهده دارد. شهروندی یک موقعیت فعال است. مبنایی عالی برای اداره امور انسان‌ها به شمار می‌رود. شهروندی با طرح این تقاضا که با همه افراد بطور برابر رفتار شود، می‌تواند ریشه‌های تنش اجتماعی را که نظم اجتماعی را تهدید می‌کند، بخشکاند. مفهوم شهروندی تعادلی را میان حقوق و مسئولیت‌ها برقرار می‌کند. اسلام نیز با اشاعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر یک سیستم نظارت و کنترل همگانی و فراگیری را به وجود آورده است تا همه افراد در جهت بهبود و رشد تعالی جامعه مشارکت داشته باشند. نظارت و کنترل (امر به معروف و نهی از منکر)، یکی از وظایف اجتناب ناپذیر یک شهروند تلقی می‌شود و نقش مهمی در توسعه منابع انسانی جامعه ایفا می‌کند و شهروند را در تصمیم‌گیری‌هایش یاری می‌بخشد و ضروری است که شهروندان جامعه اسلامی با این وظیفه خطیر بیشتر آشنا شوند و به طور مستمر بر بالا دستی‌ها و زیر دستی‌ها نظارت و کنترل داشته باشند و با مشخص کردن محاسن و معایب آن‌ها در مسیر کمال انسانی و تحقق اهداف مهم جامعه گام‌های اساسی بردارند. همچنین ضروری است که شهروندان جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر (نظارت و کنترل) از دیدگاه مدیریت اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهند. در پایان نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر که جزء شاخص‌های قطعی شهروندی خوب است، نتایجی را در پی خواهد داشت که بدان اشاره شده است.

واژگان کلیدی: شهروندی، امر به معروف و نهی از منکر، تعالی جامعه، اسلام.

مقدمه

بدون تردید زندگی در یک جامعه شهری با تمامی مؤلفه‌های آن نظیر: تنوع قومی و فرهنگی، مهاجرت، آپارتمان نشینی، ازدحام جمعیت و ... از چنان پیچیدگی برخوردار است که برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری، شهروندان را ناگزیر به فراگیری دانش و به تبع آن تغییر نگرش‌ها و نیز تمرین مهارت‌های لازم می‌کند. شهروندی را می‌توان از یک سو ایده ذهنی در مورد مسئولیت خود در مسائل اجتماعی، یک ایده ذاتاً ارتباطی در خصوص همکاری میان افراد برای اداره زندگی‌شان و در نهایت مفهوم حقوقی دانست که در برگیرنده وظایف و تعهدات اجتماعی مختلف است. از این نظر مفهوم شهروندی هم برای برنامه ریزان و هم برای مدیران و مجریان در حوزه‌های شهری واجد اهمیت خواهد بود. زیرا همه آن‌ها بر مسئولیت‌هایی تأکید دارند که زمینه بقای جامعه بشری را فراهم می‌کنند (آتش‌پور و همکاران، ۱۳۸۸، ۹). امتیاز شهروندی بر دیگر هویت‌های اجتماعی - انسانی در برابری فراگیری است که هویت‌های دیگر مانند طبقه یا قومیت آن را ندارند. شهروندی ایده ای است که بی‌عدالتی‌های درون و میان جوامع را به چالش می‌کشد. شهروندی به طور تنگاتنگی

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان mehdijamalnejad@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم Jkarimi15@yahoo.com ۰۹۱۳۹۶۶۷۹۹۳

با دموکراسی ارتباط دارد. شهروندی یک عضویت است که مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات را در بر دارد و لذا با دو مفهوم حق و مسئولیت همراه است (منوچهری، ۱۳۸۷، ۲۵).

عدالت اجتماعی، پیش‌نیازی مهم برای ارتقای سلامت است و دموکراسی و احترام به حقوق شهروندان، از خصوصیت تفکیک‌ناپذیر عدالت اجتماعی به شمار می‌رود بنابراین ایجاد محله و شهری سالم و با نشاط، بدون مشارکت شهروندان ناممکن خواهد بود اما اغلب کسانی که در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های مهم درباره سلامت و کیفیت زندگی شهروندان نقش اساسی دارند، به این نکته مهم توجه نمی‌کنند. بزرگ‌ترین چالش مدیریت جوامع شهری، شنیدن صدای شهروندان و پرهیز از دخالت در فرآیندهای مشارکتی است، مگر در مواردی که پاسخ‌گویی به اولویت‌های تعیین شده توسط شهروندان مد نظر باشد. اگر می‌خواهیم به عدالت در سلامت دست یابیم باید اتخاذ راه کارهای مشارکتی، هدف اصلی ما باشد (امیرخانی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۳). در واقع انسان نماینده‌ی خالق هستی بخش خود بر روی کره خاک است و اگر بخواهد نماینده‌ی کارآمد و درخور باشد متخلق شدن به اخلاق خالق و متصف شدن به اوصاف او، کوچک‌ترین رسالتی است که فراروی انسان است. از بی‌شمار صفت نیکوی خداوند هر کدام را بخواهیم دنبال کنیم ملتزم به پرورش مهارت‌های ریز و درشتی در خود هستیم که در نگاه اول بسیاری از آن‌ها چندان حائز اهمیت جلوه نمی‌کنند. از جانب دیگر، ذات انسان بر مدنیت او مبتنی است. ایفای نقش مدنیت نیز مستلزم آگاهی از قواعد بازی‌های اجتماعی است تا بتوان در یک تعامل مؤثر اجتماعی، هم‌منشأ اثر بود و هم اثراتی نیکو از دیگران پذیرفت. آغاز چنین فرآیندی بر بنیان برقراری ارتباط اجتماعی استوار است که در ظاهر کم‌اهمیت، ولی به واقع بسیار تأثیرگذار هستند (هیبتی، ۱۳۸۹، ۸-۷).

شهروندی

در واژه‌شناسی حقوقی، شهروند فردی است در ارتباط با یک دولت که از سویی حقوق سیاسی و مدنی دارد و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی بر عهده دارد. این رابط را شهروندی گویند. حقوق شهروندان و تکالیف آنان را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور تعیین می‌کنند. از سوی دیگر، شهروندی منزلتی است برای افراد در ارتباط با دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. دولت نیز حقوق فطری، طبیعی و قانونی شهروندان را رعایت و از آن حمایت می‌کند (شکری، ۱۳۸۷، ۱۲۹-۱۲۸). شهروندی و مسئولیت‌پذیری، از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران متعددی قرار گرفته است (Marshall, 1963, barbalet, 1988, Hall et al., 1989, Roche, 1992, Janoski, 1998, Dwyer, 2004). از دهه ۱۹۸۰ میلادی نظریه پردازی‌های نوینی درباره شهروندی انجام شدند. در این نظریه پردازی‌های نوین بیشتر به مسئولیت می‌پردازند تا به حقوق افراد جامعه، و علاوه بر این به شهروندان فقیر توجه ویژه دارند (Orton, 2006). فرهنگ شهروندی با مفهوم دیگری که بیشتر در حوزه فرهنگ سیاسی به کار می‌رود، ارتباط معنایی پیدا می‌کند. این مفهوم جامعه مدنی و فضای همگانی است. شهروندی، منزلتی است که نصیب عضو «دولت-ملت» یا همان دولت ملی می‌شود. این منزلت به فرد قدرتی می‌دهد که در زندگی سیاسی و نیز جامعه مدنی بسیاری از کارها را انجام می‌دهد. فرد در چشم دولت و قانون، به منزله یک شهروند است و در چشم اعضای جامعه مدنی به عنوان حامل حقوق باز شناخته می‌شود. بدین ترتیب، حقوق ناشی از منزلت شهروند، فرد جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند (چاندوک، ۱۳۷۷، ۱۹۰). زیست مشترک از مقوله‌های زندگی انسان، و خوب زیستن دغدغه بنیادین اوست. زندگی نیک متضمن الزامات و هنجارهاست. الزامات از ضرورت‌های زیست مشترک حاصل می‌شود و هنجارها بر اساس منابع و میراث‌های فکری و معنوی شکل می‌گیرند. محل پیوند زیست مشترک و زندگی نیک در شهروندی است. شهروندی با چگونه بودن انسان پیوند دارد، لذا امتداد مدنی - معنوی زیست انسان در عالم و از لوازم تحقق غایت وجودی او است. بدین معنا،

شهروندی برای تکوین بلوغ اخلاقی فرد لازم است. شهروندی امکان همگرایی به رغم وجود تمایلات متمایز و تشتت زارا برای جامعه فراهم می‌آورد، بنابراین تمهید گر سلامت روان و هم‌گرایی اجتماعی است. شهروندی علاوه بر اینکه شأنی انسانی است، با توزیع منابع و قدرت در جامعه ارتباط دارد. هریک از الگوهای نظری مختلف شهروندی ابعاد آن را به گونه‌ای خاص تبیین کرده‌اند (منوچهری، ۱۳۸۷، ۲۳).

عناصر هویت شهروندی

از نظر "کانت" شهروندی عبارت است از توانایی و استعداد رأی دادن. اما کسی در جامعه مستقل است که جزئی از جامعه مشترک المنافع نباشد. بلکه عضوی از آن باشد. یعنی جزئی که می‌خواهد براساس گزینش خود در جامعه عمل کند (کانت، ۱۳۸۰، ۱۷۰). شهروند به مفهوم خاص، نمودار عضویت و فعالیت مشخص در جامعه به منظور ساختن اجتماع خویش است. شهروند فقط جایی به معنی واقعی و به مفهوم فعال آن وجود دارد که در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداره شهر خویش مشارکت کند و در تعیین خط مشی سیاسی جامعه خویش از طریق انتخاب آزاد و عمومی نقش ایفا کند. بر این اساس، هویت شهروندی از سه عنصر مکمل و جدایی ناپذیر تشکیل شده است که عبارت‌اند از: حقوق، تکالیف و مشارکت مدنی (توکلی، ۱۳۸۴، ۱۳).

بنابراین، داشتن حقوق بدون تکالیف متقابل ممکن نیست. از سوی دیگر تنها داشتن حق و تکلیف و آگاهی از آن‌ها نیز کافی نیست. بلکه این حقوق اگر مطالبه نشوند و به راستی به اجرا در نیایند، هیچ معنا و سودی نخواهند داشت. از این رو تلاش برای محترم شمردن حقوق فردی از جمله وظایف هر شهروند است.

در واقع عنصر سوم شهروندی یعنی اعتقاد و اخلاق شهروندی در کنار نظام ارزش‌های خاص خود مقوم ایجاد هویت شهروندی است. زندگی در کنار دیگران و بهره‌مندی از مزایای شهروندی بدون آگاهی و اعتقاد نسبت به وظایف و تکالیف مرتب بران و بدون مشارکت در انجام مسئولیت‌های اجتماعی که از طریق حضور در نهادهای مدنی تحقق می‌یابد، نمی‌تواند به تنهایی هویت شهروندی را ایجاد کند.

هویت شهروندی به عنوان نوعی هویت اکتسابی در تعامل میان شهروندان و سازمان‌های رسمی و نهادهای مدنی شکل می‌گیرد. هر دو طرف این تعامل حقوق و تکالیفی دارند که بدون پایبندی به آن نمی‌توان تحقق جامعه‌ای دمکراتیک را داشت. شهروندی نظام ارزشی و رفتار و سلوک خاصی را می‌طلبد که احساس تعلق نسبت به جامعه مهم‌ترین ویژگی آن است. شهروند واقعی کسی است که در درجه نخست درها را به سوی کسانی که با او فرق دارند بگشاید و حضور غیر را بپذیرد. از قواعد اجتماعی تبعیت کند و در مقابل امکانات عمومی خود را مسئول بداند و در نگهداری از آن‌ها بکوشد. در برابر مسئولیت‌ها و تکالیفی که بر عهده شهروندان است، حکومت‌ها و سازمان‌های رسمی آن نیز ملزم به رعایت حقوقی هستند که بر مبنای قانون برای شهروندان در نظر گرفته شده است (بهادری، ۱۳۸۷، ۱۹۵).

شهروندی و جامعه مدنی

شهروندی و جامعه مدنی دو مفهوم حیاتی جدایی ناپذیرند و هر جا یکی از این مفاهیم حضور داشته باشد، مفهوم دیگر نیز حضور خواهد داشت. از دیدگاه اندیشمندان، جامعه مدرن را می‌توان یک جامعه مدنی دانست، زیرا مهم‌ترین ویژگی جامعه مدرن، عدم تفکیک آن از آئین‌های شهروندی است. همین آئین‌ها است که مشارکت‌های مدنی را معنا می‌کنند. از این نظر، حرکت و مشارکت مردم در روند رو به رشد حیات مدنی به سمت تکوین جامعه مدنی بوده و امکان ایجاد یک جامعه شهروند محور را مهیا می‌سازد. از دید برخی از اندیشمندان، جامعه مدنی حوزه‌ای است که در آن تصمیم‌گیری

از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه‌ی شهروندان در شرایطی آزاد و برابر صورت می‌گیرد. بنابراین قهرمان و ایفاگر اصلی جامعه مدنی، شهروند است: شهروندی که مشارکت جمله حقوق اساسی وی به شمار می‌رود (آتش پور و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۲).

زندگی شهروندان در هر جامعه‌ای با خط مشی‌های عمومی، پیوند ناگسستنی خورده است و هر لحظه از زندگی آن‌ها به گونه‌ای با خط مشی‌های عمومی ارتباط دارد. مشکلاتی چون آلودگی محیط زیست، بهداشت عمومی، آموزش، امنیت جامعه، دفع زباله ارائه خدمات عمومی، مقابله با بحران‌ها و مشکلات، همه در من خط مشی‌های عمومی قرار دارند. بر این اساس خط مشی‌های عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود. در عین حال باید ر نظر داشت که خط مشی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست بلکه فرآیندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط مشی ختم می‌شود.

شهروند خوب

یک شهروند مطلوب برای جامعه ایران باید در سه حیطه یا قلمرو صلاحیت‌های معینی داشته باشد که عبارت است از (اطهری و نصرآبادی، ۱۳۸۷، ۳۴۰):

۱. «شناخت مدنی» عبارت است از: مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی و مؤلفه‌های آن که عبارت‌اند از: آگاهی از نحوه به دست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه‌های احزاب عمده کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین‌المللی.
 ۲. «توانایی مدنی» عبارت است از مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های که هر فرد برای زندگی در جامعه به آن‌ها نیاز دارد و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.
 ۳. «نگرش مدنی» که عبارت است از: «مجموعه‌ای از تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌هایی که برای شهروند خوب ضروری است و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، انتقادپذیری، داشتن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی ملی.
- در این میان توسعه منابع انسانی و تربیت یک شهروند خوب اهمیت ویژه‌ای دارد. به طوری که می‌توان یکی از ریشه‌های اصلی مشکلات سازمان‌ها و جوامع را در ضعف مدیریت دانست. دانشمندان علم مدیریت نظارت و کنترل را یکی از کارکردهای مدیریت می‌دانند که امر به معروف و نهی از منکر از مصداق اسلامی نظارت و کنترل در سازمان‌ها و جوامع می‌باشد.

نقش شهروندی فعال در حل و فصل مسائل اجتماعی

۱. کاهش جرائم

این دیدگاه مبنای سیاستگذاری‌هایی است که عبارت‌اند از: کاهش و جلوگیری از جرائم، رفتار ضد اجتماعی، نظارت بر محله، برقراری نظم و عدالت در محلات، امکان شناخت مسائل در سطح محلی و حمایت از راهبردهای مدیریت جرائم.

۲. بازسازی و تأمین مسکن

تقاضا برای مشارکت و فعالیت مداوم و نارضایتی عمومی در مورد خدماتی که توسط مقامات محلی ارائه می‌شود، منجر به شکل‌گیری سازمان‌های اجتماعی در زمینه تهیه مسکن شده است. همچنین تجربه‌هایی در حوزه تأمین مسکن وجود دارد که هدفش جلوگیری از وقوع رفتارهای ضد اجتماعی است. نظارت‌های اجتماعی غیر رسمی می‌تواند در حفظ معیارها و هنجارهای رفتاری بهنجار نقش داشته باشد.

۳. آموزش و پرورش

در اینجا بر مشارکت والدین در تحصیلات و آموزش فرزندان تأکید می‌شود که خود دارای چندین هدف است (۱) افزایش میزان مشارکت والدین (۲) افزایش میزان پاسخگویی عمومی (۳) استفاده از متخصصان خارج از مدرسه. به نظر می‌رسد از اجرای طرح‌های فوق، مزایا و منافع بی‌شماری حاصل می‌شود که از جمله عبارت‌اند از افزایش میزان دانش و مهارت‌های اعضای جامعه، تشویق به مشارکت اجتماعی بیشتر، غلبه بر نگرش‌های تک بعدی به آموزش و پرورش، افزایش میزان دسترسی به خدمات، ارائه رویکرد جامع و کل‌گرا به آموزش و رفاه بچه‌ها و مشارکت والدین در آموزش فرزندان.

۴. بهداشت

ترغیب عموم به مشارکت و استفاده از مشاوران در زمینه اجرای برنامه‌های خدمات بهداشتی در سطح ملی به عنوان بخشی از مجموعه اصلاحات به شمار می‌رود.

۵. دولت محلی

در سطح دولت محلی تأکیدی که بر مدنیت می‌شود، ارتباط تنگاتنگی با فرآیندهای گسترده‌تر تمرکززدایی و نوسازی دارد. باید از تکنیک‌هایی استفاده شود که متناسب با وضعیت‌های گوناگون گروه‌های مختلف مردم باشد، که این امر موجب توانمندسازی بیشتر و گسترده‌تر مردم شده و سطوح عمیق‌تر و پایدارتری از مشارکت را تسهیل کرده که این سبب احیای مدنیت می‌شود (غفاری نسب، ۱۳۸۷، ۴۶۶-۴۶۳).

نظارت همگانی در اسلام

یکی از شیوه‌های نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی نظارت همگانی و عمومی مردم بر مدیران جامعه اسلامی است. اسلام مسئله نظارت تنها وظیفه دستگاه حاکمه نمی‌داند بلکه هر فرد مسلمانی را موظف به وظیفه شرعی می‌داند که به اصلاح امور دیگران و سازمان‌های جامعه قیام کند. اسلام با اشاعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر یک سیستم نظارت و کنترل همگانی و فراگیری را به وجود آورده است تا همه افراد در جهت بهبود و رشد تعالی جامعه مشارکت داشته باشند. حضرت علی^(ع) در این زمینه می‌فرماید:

امرو بالمعروف و انهو عن المنکر: امر به معروف و نهی از منکر کنید (تحف العقول، ۱۲۷).

و در جای دیگر می‌فرماید: «رحم الله رجلا اعان سلطانه علی بره» خدا رحمت کند مردی را که سلطانش را بر کار نیکش کمک نماید (وسائل الشیعه، ۵۹۲).

استاد مطهری درباره امر به معروف و نهی از منکر در بحث عوامل تعالی و انحطاط جامعه و نهادهای آن بر اساس قرآن چهار عامل عدالت و بی‌عدالتی، اتحاد و تفرقه، فساد و صلاح اخلاق و اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر را در

ترقی یا انهدام جوامع مؤثر می‌داند و از آیه ۷۹ سوره مائده استنباط می‌کند که ترک امر به معروف و نهی از منکر در هلاکت و انهدام یک ملت تأثیر دارد (مطهری، ۱۳۶۲، ۲۰۷-۲۰۶).

اجرای این شیوه حسنه در مدیریت اسلامی نیازمند دو مؤلفه اساسی است: انتقادپذیری مدیران جامعه اسلامی و پاسخ‌گویی آنان به مردم.

نتیجه‌گیری

شهروندی یکی از پویاترین مفاهیم اجتماعی جامعه مدرن تلقی شده است. مفهوم شهروندی هر دو عنصر فردگرایی و جمع‌گرایی را در بر دارد. مفهوم شهروندی علاوه بر حقوق در بر دارنده وظایف و تعهدات است. شهروندی یک موقعیت فعال است. مبنای عالی برای اداره امور انسان‌ها به شمار می‌رود. شهروندی با طرح این تقاضا که با همه افراد بطور برابر رفتار شود، می‌تواند ریشه‌های تنش اجتماعی را که نظم اجتماعی را تهدید می‌کند، بخشکاند. مفهوم شهروندی تعادلی را میان حقوق و مسئولیت‌ها برقرار می‌کند. در واقع شهروندی از مردم می‌خواهد که فقط خواستار حقوقشان نباشند، بلکه باید مسئولیت‌های شخصی و اجتماعی گسترده تری را نیز بر عهده گیرند.

از طرفی نظارت و کنترل (امر به معروف و نهی از منکر)، یکی از وظایف اجتناب‌ناپذیر یک شهروند تلقی می‌شود و نقش مهمی در توسعه منابع انسانی جامعه ایفا می‌کند و شهروند را در تصمیم‌گیری‌های یاری می‌بخشد و ضروری است که شهروندان جامعه اسلامی با این وظیفه خطیر بیشتر آشنا شوند و به طور مستمر بر بالادستی‌ها و زیر دست‌ها نظارت و کنترل داشته باشند و با مشخص کردن محاسن و معایب آن‌ها در مسیر کمال انسانی و تحقق اهداف مهم جامعه گام‌های اساسی بردارند. همچنین ضروری است که شهروندان جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر (نظارت و کنترل) از دیدگاه مدیریت اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهند.

به هر ترتیب، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر جزء شاخص‌های قطعی شهروندی خوب است و نتایجی را در پی خواهد داشت:

۱. کنترل محیط روانی ایجاد فساد
 ۲. افزایش احتمال کشف فساد
 ۳. تقویت پشتوانه افکار عمومی برای حمایت از برنامه‌ها و اقدامات برخورد با فساد.
- در ایران برای ایجاد روحیه نظارت و کنترل و مشارکت شهروندی پیشنهادهای ارائه می‌گردد:

۱. معرفی وظایف و حقوق شهروندی
 ۲. معرفی وظایف و حقوق حکومتی
 ۳. جلب مشارکت مدنی مردم.
- که رعایت و اجرای این موارد مستلزم رعایت موارد زیر می‌باشد:
۱. اطلاع‌رسانی.
 ۲. انجام اقدامات زمینه‌ای در خصوص حقوق و تکالیف شهروندی - حکومتی.
 ۳. تلاش در جهت تغییر و تصویب قوانین در حوزه مدیریت شهری با توجه به مفهوم حقوقی شهروند.
 ۴. تلاش برای حساس‌سازی، آگاه‌سازی، مقتدر سازی و در نهایت توانمند سازی شهروندان از طریق تقویت نهادهای مردمی بر اساس رویکرد دارایی - محور.

منابع

۱. آتش پور، حمید و همکاران، ۱۳۸۸، آموزش شهروندی از اصول تا عمل، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۲. اطهری، زینب السادات و حسنعلی بختیار نصر آبادی، ۱۳۸۷، تربیت شهروندی حلقه مفقوده در نظارت شهری، مجموعه مقالات دومین همایش علمی نظارت همگانی شهرداری تهران ۱۳۸۶، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۳. امیر خانی، محمد امیر، ۱۳۸۷، راهنمای توانمندسازی شهروندان و محلات شهر برای ارتقای سلامت، نشر مهرآش، چاپ دوم.
۴. بهادری، نرگس، حقوق شهروندی در مدیریت شهری شهروند مدار با نگاهی به قوانین شهرداری‌های ایران، مجموعه مقالات دومین همایش علمی نظارت همگانی شهرداری تهران ۱۳۸۶، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۵. توکلی، فرحناز، ۱۳۸۱، هویت شهروندی، حقوق و تکالیف، تهران: ماهنامه شهرداری‌ها، سال ۴، شماره ۴۴.
۶. چاندوک، نیرا، جامعه مدنی و دولت، ۱۳۷۷، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، نشر مرکز.
۷. شکری، نادر، ۱۳۸۷، شهر نشینی، حقوق و مسئولیت‌های شهروندان، مجموعه مقالات دومین همایش علمی نظارت همگانی شهرداری تهران ۱۳۸۶، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۸. غفاری نسب، اسفندیار، ۱۳۸۷، نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، مجموعه مقالات دومین همایش علمی نظارت همگانی شهرداری تهران ۱۳۸۶، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۹. کانت، ایمانوئل، ۱۳۸۰، فلسفه حقوق، منوچهر صناعی دره بیدی، انتشارات کویر.
۱۰. محمد بن الحسین الحر العاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۱.
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، جامعه و تاریخ، انتشارات صدرا.
۱۲. منوچهری، عباس، ۱۳۸۷، فلسفه شهروندی و نظارت همگانی در عرصه عمومی، مجموعه مقالات دومین همایش علمی نظارت همگانی شهرداری تهران ۱۳۸۶، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۳. هیبتی، خلیل، ۱۳۸۹، اصول شهروندی در فرهنگ ایرانی، نشر اشتیاق نور.
14. Barbalet, J. M. 1988, *Citizenship*. Open University Press. Milton Keynes.
15. Dwyer, P. 2004, *Understandings Social Citizenship: Themes and Perspectives for Social Policy*. Policy Press. Bristol
16. Hall, S. and Held, D. 1989, *Citizens and Citizenship*. New Times Lawrence and Wishart. London
17. Janoski, T. 1998, *Citizenship and civil Society*. Cambridge University Press. Cambridge.
18. Orton, M. 2006, *Wealth, Citizenship and responsibility: the views of better off citizens in the UK*, *Citizenship Studies*, vol. 10, Issue 2, pp. 251-265.

شناخت امر به معروف و نهی از منکر و ارائه راهکارهای گسترش آن در محیط دانشگاه

ناهید سرلک^۱

سید محمد حسین مهدوی^۲

چکیده

با توجه به اهمیت خاص دوفریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو رکن اساسی در اسلام و توجه به هدف آن در اصلاح جوامع بشری و وسعت دامنه آن در رابطه با فرد و جامعه می‌توان به لزوم کاربرد آن در محیط‌های اجتماعی از جمله دانشگاه پی برد. و از آنجا که دانشگاه رکن اساسی جامعه است و انحراف دانشگاه، انحراف جامعه را در بر دارد، لزوم کاربرد این دوفریضه الهی در محیط دانشگاه بیش از پیش احساس می‌شود.

در این مقاله با توجه به ضرورت استفاده از امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه در ابتدا تعریفی از امر به معروف و نهی از منکر ارائه شده و در ادامه به اهمیت موضوع پرداخته و کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر، لزوم آن اجرای آن در محیط دانشگاه و ارائه راهکارهای گسترش امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: امر به معروف- نهی از منکر- دانشگاه- دانشجو

مقدمه

در کلیه جوامع انسانی از گذشته تا به حال، همیشه قوانینی وضع شده است تا بشر در آن بتواند زندگی توأم با امنیت و آرامش داشته باشد. هر جامعه فراخور فرهنگ و سنت‌های خود قوانینی دارد که بر مبنای آن ارکان اجتماع استوار می‌شود. آنچه در قوانین تمام جوامع بشری قابل توجه است وضع قانون برای جاری شدن اخلاقیات در زندگی بشر بوده که با این وسیله بشر در سایه قانون بهر مند از آسایش و امنیت گردد. قوانین الهی در این میان با در نظر گرفتن تمام ابعاد زندگی بشر، روحیات و نیازهای مادی و معنوی انسان در جهت رسیدن به سعادت و کمال حقیقی وضع شده و "نبوت" در جهت ارائه و بیان قانون الهی در میان انسان‌ها، در مسیر تاریخ انسان جایگاهی بس رفیع دارد. در شریعت اسلام در کنار تمامی احکام و فرامین، حکمی صادر شده و تمامی افراد را در قبال هم متعهد و مسئول گردانیده که از جمله آن فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که از فروع دهگانه دین مبین اسلام و فقه جعفری می‌باشد. (صادق زاده، ۱۳۸۷)

از جمله مکان‌هایی که می‌تواند نقش اساسی در امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد مراکز دانشگاهی می‌باشد؛ جایی که جوانان در آن رشد می‌کنند. این مراکز می‌توانند این نقش مهم را از برپایی نماز جماعت، توجه به قرآن، گسترش پیشرفت‌های علمی، ابتکارات، اختراعات و ... است ایفا کنند و از این طریق با مفاسد فراوانی که جوانان را تهدید می‌کند مقابله نمایند. با توجه به این که معروف و منکرهای هر گروهی را، بزرگان گروه که مؤمن واقعی باشند بهتر می‌دانند.

سازمان رسمی، اجتماعی دانشگاه سازمانی است که از جمله رسالت‌های مهم آن به موازات تولید علم و دانش، تکمیل رسالت‌های تعلیم و تربیت در همه ابعاد به ویژه جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و رشد و شکوفایی آن است و این مهم مگر با پیاده سازی و نهادینه سازی ارزش‌های فرهنگ ملی، دینی و اخلاقی و تشکیلاتی خود جامعه دانشگاهی محقق نخواهد بود. در مقاله مذکور به مطالب زیر پرداخته شده است.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی - کارشناس فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

معنای امر به معروف و نهی از منکر - پیشینه و تاریخچه - اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر - لزوم امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه - راهکارهای گسترش امر به معروف و نهی از منکر.

ضرورت و اهداف تحقیق

قرآن کریم اولین وظیفه همه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه آنان دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست (ان اعبدوالله)، و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست» (نحل، آیه ۳۶) در سوره اعراف نیز می‌خوانیم: «پیامبر اسلام که نام و نشانش در تورات و انجیل آمده، اولین وظیفه‌اش امر به معروف و نهی از منکر است. (اعراف، آیه ۱۵۷)

هدف از این تحقیق، شناخت جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در دین است و ضرورت تحقیق به علت اهمیت این فریضه در دین مبین اسلام است.

روش تحقیق

در این مقاله برای جمع‌آوری مطالب مورد نیاز از روش مطالعه کتابخانه‌ای کتب و منابع موجود و برای طرح و از روش توصیفی استفاده شده است.

معنای امر به معروف و نهی از منکر

درباره معروف و منکر نیز معانی مختلفی ذکر شده است از جمله اینکه معروف به معنی شناخته شده و ریشه آن معرفت و عرفان است و منکر نیز عمل یا کاری است که عقل و شرع به زشتی و ناپسند بودن آن حکم کنند در واقع چنین استنباط می‌شود که معروف آن است که عقل انسان و شریعت به خوی آن اقرار داشته باشد و منکر چیزی است که عقل و شرع به زشتی آن اذعان داشته باشند و این می‌تواند هم به وسیله عقل، هم به وسیله شرع صورت پذیرد. میرشریف جرجانی در مورد معنی امر به معروف و نهی از منکر می‌نویسد:

امر به معروف، ارشاد و راهنمایی به راههای نجات بخش است و نهی از منکر بازداشتن از اموری است که با شریعت سازگاری ندارد و ... گفته‌اند: امر به معروف، امر و فرمان است به آنچه مطابق کتاب و سنت است و نهی از منکر بازداشتن از چیزهایی است که نفس و شهوت به آن تمایل دارند. (مسعودی، ۱۳۷۴)

از تعابیر احادیث و فقها می‌توان استفاده کرد که امر به معروف و نهی از منکر معنایی فراگیر دارد و می‌تواند در قالب موعظه و نصیحت نیز محقق شود، همچنان که برخی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر بدون هرگونه گفتاری محقق می‌شود، بنابراین می‌توان گفت امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح، عبارت است از هر اقدامی که به تحقق معروف کمک و از وقوع منکر جلوگیری کند؛ چه با گفتار باشد، چه با کردار و رفتار. در عین حال برخی از فقها با الهام از مفهوم کلمه «امر» و «نهی» شرط کرده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر از موضع برتر و آمرانه باشد؛ مثلاً باید گفت «نماز بخوان» و «شراب ننوش» و با خواهش و موعظه کردن امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی‌شود. (مطهری)

پیشینه و تاریخچه ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

فلسفه اصلی احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر اصلاح جامعه است. در قرآن کریم و روایات اسلامی در اهمیت این دوفریضه و نقش اصلاحی آنها و زیان‌ها و مفسدات ترک آن دو تکلیف، بسیار سخن گفته شده است و به عنوان «برترین

فریضه» به شمار آمده که فرایض و احکام الهی دیگر، در سایه امر به معروف و نهی از منکر، قوام و استواری می‌یابد. (کلینی، ۱۴۰۱)

از دیدگاه اسلام، هیچ عملی نمی‌تواند با دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برابری کند و امت اسلامی، مادامی بهترین امت‌هاست که به این دو واجب شرعی عمل کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون باللّٰه» (آل عمران، آیه ۱۱۰). در آیه شریفه، امر به معروف و نهی از منکر در کنار ایمان به خدا قرار گرفته و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی و بیانگر این است که این دو واجب، ضامن گسترش ایمان در میان جامعه بشری هستند و با به اجرا در نیامدن این دو فریضه ریشه ایمان در دل‌ها سست می‌شود و پایه‌های آن فرو می‌ریزد. (خداکرمی زنجانی، ۱۳۷۵)

شاید سیر برتری امر به معروف و نهی از منکر بر سایر عبادات و نیکی‌ها در این باشد که قوام و استواری و استمرار همه خوبی‌ها در گرو برپایی این دو فریضه بزرگ است. علاوه بر اینکه «جهاد»، مبارزه با مفسد و موانع خارجی است، فرد و جامعه وقتی می‌تواند در نبرد با دشمن خارجی به موفقیت نائل شود که موانع و مفسد داخلی را در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ریشه کن کرده باشد. (مطهری، ۱۳۵۰)

امر به معروف و نهی از منکر، نقش ارزنده‌ای در اجرای احکام و حدود الهی دارد و پشتوانه محکمی برای تثبیت ارزش‌ها (امام علی (ع)، ۱۳۳۷) و ریشه کنی مفسد اجتماعی است. تجربه نشان می‌دهد که در طول تاریخ پر نشیب و فراز اسلام، هرگاه مسلمانان نسبت به هم احساس مسئولیت می‌کردند و یکدیگر را به اعمال شایسته دعوت نموده، از بدی‌ها باز می‌داشتند، دیگر دستورات الهی نیز ارزش واقعی خود را در متن جامعه پیدا می‌کرد و گناه در جامعه کمتر رخ می‌نمود. به عکس هر گاه امر به معروف و نهی از منکر به صورت دو ارزش فراموش شده در می‌آمد و مورد غفلت یا کم توجهی قرار می‌گرفت، دیگر احکام الهی اسلام از قبیل نماز، روزه، زکات، حج نیز هر روز کم رنگ‌تر و بی‌فروغ‌تر می‌گشت.

همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات دیگر، اقامه می‌شود، راه‌ها ایمن، درآمدها حلال، مظالم به صاحبان اصلی مُسترد، زمین آباد، حق از دشمنان باز پس گرفته می‌شود و امر (حکومت) تحکیم می‌یابد. (امام باقر (ع)، ۱۴۰۱)

بر اساس این سخن ارزنده امام (ع)، به طور کلی بر پایی واجبات در گرو انجام فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است و ترک آن موجب فراگیر شدن عذاب و خشم الهی نسبت به تمامی مردم خوب و بد می‌شود و تحقق بعضی از امور و موضوعات مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر است.

اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر

در اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشبرد اهداف تربیتی اسلام، همین بس که قرآن کریم آن دو را از مهم‌ترین آرمان‌های تشکیل دهندگان حکومت اسلامی معرفی کرده، می‌فرماید: *الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور* (حج، آیه ۴۱) و نیز مؤمنان را یار و یاور یکدیگر می‌داند که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. (توبه، آیه ۷۱)

در نگاه معصومان نیز امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که خداوند انجام آن را از پیامبران خواسته است و کسی که به انجام این برنامه‌های الهی همت گمارد، در واقع همگام با انبیای الهی به اجرای رسالت عظیم آنان پرداخته و به تعبیر رسول خدا، خلیفه خدا و رسولش خواهد شد: *مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ* (نوری، ۱۴۰۷)

گذشته از آنکه شناخت معروف و منکر کار هر کس نیست و قدرت برخورد و تماس با افراد مختلف نیز روان شناسی تبلیغاتی لازم دارد. اما امر به معروف زمانی مؤثر است که آمران به معروف و ناهیان از منکر، از خلق و خوی عالی، اطلاعات کافی و آموزش های لازم برخوردار باشند. ناگفته پیداست که حساب امر به معروف و نهی از منکر از حساب نماز، روزه و حج جداست؛ زیرا آن ها ضرری به منافع و هوس های دیگران نمی زنند اما نهی از منکر، مخالفت با انحراف ها و هوس های مردم است و قطعاً گروهی در مقابل آن مقاومت می کنند. اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، جامعه اسلامی بیمه نمی شود و هر روز اگر هنر مندی مثل سامری یک گوساله طلایی درست کند، می تواند نسل ما را مورد تهاجم فرهنگی خود قرار دهد. امر به معروف و نهی از منکر از واجبات قطعی است و آن قدر اهمیت دارد که امام حسین (ع) فرمود: هدف من از رفتن به کربلا، امر به معروف و نهی از منکر است. (قرائتی، ۱۳۷۹)

کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر

از کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر را می توان کنترل اجتماعی و نظارت اجتماعی نامید. در واقع وقتی در جامعه اسلامی، ارزش های اسلامی حاکم است این دو فریضه را مسلماً می توان به عنوان یک عامل نظارتی و کنترل رفتار افراد مدنظر قرارداد که تمامی اقشار و گروه های اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می دهد. از آنجا که دانشگاه از جامعه جدا نمی باشد، بنابراین این کارکرد امر به معروف و نهی از منکر می تواند در دانشگاه نیز مورد استفاده قرار گیرد و به عنوان یک عامل نظارتی و کنترلی عمل نماید. از این طریق می توان با ترویج و اشاعه معروفات، تبلیغات صحیح برای روشن کردن افکار عمومی و مردم از واقعیتها و باید ها و نبایدها و در مقابل محو و یا کاهش منکرات موجود در جامعه و دانشگاه همّت گمارد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

این دو فریضه دارای مراتب سه گانه قلبی، زبانی و عملی است. از این مراحل به «انکار قلبی» «انکار زبانی» و «انکار با دست» تعبیر می شود. امام باقر (علیه السلام) فرمود: با دل های خود منکر را ناخوش دارید و با زبان های خود از آن باز دارید و با دست خود بر پیشانی کسانی که مرتکب آن می شوند بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچ کس بیم نداشته باشید. با حاصل شدن مقصود از هر مرتبه، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست. البته هر یک از این مراتب نیز دارای درجاتی است؛ مثلاً می توان مرحله نخست را با نگاه، اشاره، درهم کشیدن چهره، رویگردانی و دوری ادا کرد و همین طور مراتب دیگر بدون تردید در کنار وظیفه عمومی مردم در انجام دادن این دو فریضه مهم جامعه عمل پوشاندن به مرتبه سوم امر به معروف و برخی از درجات این مرتبه، نیازمند قدرت، تشکیلات و حکومت است، زیرا اگر همه آحاد جامعه بدون اذن حاکم اسلامی به این مرحله عمل کنند برخورد های اجتماعی موجب هرج و مرج شده و نظم و امنیت جامعه اسلامی خدشه دار می شود، بنابراین، جامعه نیازمند تشکیلاتی مقتدر است که صلاحیت قصاص و اجرای حدود و تعزیرات را داشته باشد. البته همچنان که آحاد جامعه وظیفه دارند به دو مرحله نخست (انکار قلبی و زبانی) قیام کنند نسبت به ایجاد چنین تشکیلات قدرتمندی نیز وظیفه دارند. در اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، از سوی حاکمان مسلمان در برخی از کشورهای اسلامی تشکیلاتی با عنوان «اداره حسبه» تأسیس کرده اند. این تشکیلات، نظارت و بازرسی و ارشاد و هدایت مردم در جامعه اسلامی را بر عهده داشته و آن ها را در امور اجتماعی به رعایت موازین اسلامی و عدل و انصاف دعوت کرده و از منکر و حرام و ستم به دیگران باز می داشته است. (مطهری، ۱۳۷۶)

شرایط امر و نهی

از جمله شرایط امر به معروف عبارت‌اند از:

۱. کسی که امر به معروف می‌کند، باید از رشد و کفایت خاصی برخوردار باشد.
۲. در امر و نهی شرط سنی وجود ندارد.
۳. در امر و نهی از نزدیکان شروع کنیم.
۴. در نهی از منکر، ابتدا از بزرگ‌ترین منکرات نهی کنیم.
۵. در امر و نهی باید مردم را به کرامت و شخصیت خودشان متوجه ساخت.
۶. در امر و نهی باید با شیوه سؤال، وجدان‌ها را بیدار کرد.
۷. در امر و نهی، باید قاطعیت و صراحت داشته باشیم.
۸. امر به معروف خود باید دارای صفات برجسته باشد.
۹. با سخنان منطقی، ساده و مختصر مفید و نرم و محبت‌آور راحت‌تر می‌توان در دل‌ها نفوذ کرد. (اکبری زادگان،

(۱۳۸۲)

آثار امر به معروف و نهی از منکر

از جمله آثار امر به معروف و نهی از منکر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. فلاح و رستگاری
آیه ۱۰۴ آل عمران آمران به معروف و ناهیان از منکر را اهل فلاح و رستگاری دانسته است؛ به بیان دیگر، در این آیه فلاح و رستگاری مؤمنان متوقف بر امر به معروف و نهی از منکر شده است.

۲. بهترین امت بودن

کسب عنوان بهترین بودن برای امت اسلامی در گرو امر به معروف و نهی از منکر است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/۳، ۱۱۰)، از همین رو از بعضی صحابه نقل شده است که هر کس می‌خواهد بهترین امت باشد به شرط خدا که ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است وفا کند. (اکبری زادگان، ۱۳۸۲)

۳. نجات از عذاب

از آیه ۱۶۵ اعراف که به داستان اصحاب سبت پرداخته برمی‌آید که در مواجهه با منکر کسانی از عذاب نجات می‌یابند که امر به معروف و نهی از منکر کنند «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» آیه ۱۱۶ هود نیز بنی اسرائیل را نکوهش کرده که چرا در نسل‌های پیشین شما خردمندانی نبودند که مردم را از فساد باز دارند و سپس از نجات یافتن گروه اندکی از بنی اسرائیل که نهی از منکر می‌کردند خبر داده است: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ»

امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای واجب و همگانی

اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام بسیار مشهود است و این اصل جایگاه والایی در شریعت دینی ما دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت و مردم نسبت به یکدیگر مسئول هستند و این موارد از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. (اصل هشتم قانون اساسی)

«منکر» در جامعه ما مصادیق بسیاری دارد، منکر تنها در مسائلی چون حجاب خلاصه نمی‌شود و مفاهیمی چون ربا، تخلفات مالی که بر جامعه حاکم است، حقوق شهروندی و جامعه، ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نامی کردن، توطئه کردن علیه نظام اسلامی، با دشمن اسلام همکاری کردن و ... را نیز شامل می‌شود. منکرات هم اخلاقی، هم سیاسی و هم اقتصادی است. (رهبر معظم، ۷۱/۹/۲۵)

حکومت مستقیم مردم بر مردم به شکل مردم سالاری دینی (ولایت مردم بر مردم) مورد تأکید است، خاطر نشان می‌کنیم: دفاع و نظارت همگانی در اسلام به وسیله امر به معروف و نهی از منکر معنی پیدا می‌کند و بر همگان واجب است که این فریضه الهی را برای سلامت جامعه ادا کنند. این افراد با ایمان هستند که بر جامعه اسلامی ولایت دارند و باید امر به معروف و نهی از منکر کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: عمل کننده به نیکی و بازدارنده از شر و بدی باش. (امام علی، ۱۳۶۵)

درباره اهمیت امر و نهی مسئولان توسط مردم همین بس که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «البته امر به معروف و نهی از منکر، حوزه‌های گوناگونی دارد که باز مهم‌ترینش حوزه مسئولان است. یعنی شما باید ما را امر به معروف و نهی از منکر کنید. مردم باید از مسئولان کار خوب بخواهند. آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا، بلکه باید از آن‌ها بخواهند. این مهم‌ترین حوزه است.» (مقام معظم رهبری، ۷۱/۹/۲۵)

لزوم امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه:

همچنان که در کلمات نورانی امام آمده است رکن اساسی ترقی و تعالی یک فرهنگ، کشور و ملت، نسل‌های حاضر و آینده و یا واپس‌گرایی و عقب ماندگی آن، دانشگاه است. زیرا فرهنگ یک جامعه وابسته به علوم و معارفی است که در آن جامعه دارای ارزش بوده و ترسیم کننده آداب و رسوم آن جامعه است که در دانشگاه تدریس می‌شود. بنابراین، درمی‌یابیم که اگر دانشگاه از مسیر اصلی خود منحرف شود به تبع آن فرهنگ، ملت و کشور به انحراف کشیده خواهد شد. (پایگاه حوزه www.hawzah.net)

با توجه به این که دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی و ارزشهای اسلامی حاکم بسیار مؤثر است و نقش مهم و اساسی در اصلاح جامعه داراست و اهمیت آن به قدری است که می‌توان از آن به عنوان یک پاسدار و حامی و نگهدارنده ارزش‌های مکتبی و اسلامی نام برد. می‌توان به اهمیت بکارگیری آن در دانشگاه نیز اشاره کرد. از آنجایی که انحراف دانشگاه انحراف جامعه را در بردارد بنابراین باید تا جای ممکن از انحراف آن جلوگیری کرد و یکی از راه‌های جلوگیری از آن استفاده از دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه می‌باشد.

راهکارهای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاهها

۱. اعتلای سطح بینش اجتماعی دانشجویان

آگاهی بخشی و بالا بردن سطح معرفت عمومی جامعه در خصوص اهمیت و اجرای این فریضه الهی، یکی از عوامل مؤثر در تحقق این دستور الهی از جایگاه والایی برخوردار است. چنان چه خداوند اجرای امر به معروف و نهی از منکر را از صفات مردان و زنان مؤمن و نیز موجب نزول رحمت خداوند و عین اطاعت حق می‌داند. (سوره توبه، آیه ۷۱) و نیز می‌فرماید: ... مردم باید امر به معروف و نهی از منکر کنند ... و آمرین به معروف و ناهیان از منکر سعادت‌مند و رستگارانند. (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴). توجه به نیازهای روانی انسان و نیازسنجی جامعه می‌تواند عامل مهمی در جهت، افزایش

آگاهی‌های اجتماعی باشد. جامعه بشری با بهره‌گیری از حس جستجوگری انسان، تمایل به خوبی‌ها و نیکی‌ها و فضایل و مسائل اخلاقی، عفت، راستی و صداقت و حس خداجویی به عنوان نیازی فطری انسان و در نهایت با تحکیم ارتباط مؤثر با خداوند، می‌تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. (مطهری، ۱۳۷۶)

۲. افزایش قدرت وجدان اجتماعی، دانشجویان

اسلام دارای نظام و قوانین خاصی است تا درستی راه جامعه و مسیر رسیدن به اهداف والای آن را تضمین نماید. اولاً نیروی بازدارنده درون انسان یعنی تقوای الهی می‌تواند نخستین ضمانت اجرایی باشد ... وجدان دینی یا عامل بازدارنده درونی، همواره مراقب انسان است و او را و او را می‌دارد تا اسلام را جامه عمل بپوشاند ... ثانیاً قدرت حکومت عادل در جامعه اسلامی دومین ضمانت است زیرا حکومت اسلامی حفظ امنیت داخلی و خارجی را جزو وظایف اساسی خود می‌داند. ثالثاً نیروی امنیت اجتماعی، ضمانت دیگری است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر از آن ناشی می‌شود و نقش مهمی در اعتلای معنوی جامعه دارد (مطهری، ۱۳۷۶).

۳. ایجاد بسترهای اجتماعی مناسب برای الگوپذیری دانشجویان

ارائه الگو و مسأله نقش‌پذیری از آن‌ها یکی از مسائل مهم در تربیت انسان است چنان‌چه قرآن کریم پیامبر اسلام (ص) را به عنوان الگویی خوب برای سعادت جامعه معرفی کند (دادسرای مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۶). معرفی الگوهای خوب و شایسته به جوانان، اثبات پوچی الگوهای نامناسب در حوزه اندیشه و رفتار اجتماعی، طرح الگوهای زنده در هدایت نسل جوان و ایجاد روحیه احساس مسئولیت و توجه به معیارهای اخلاقی و معنوی جامعه می‌تواند نقش ارزنده‌ای در هدایت جامعه به سوی آرمان‌های مطلوب انسانی باشد. به اعتراف روان‌شناسان تربیتی ویژگی نقش‌پذیری جوان از جمله امتیازاتی است که می‌تواند خیلی زود او را تحت تأثیر قرار دهد این حس والای تربیتی را امتناع نماید (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در متون و روایات اسلامی شواهد بسیاری بر پذیرش حقایق از سوی جوانان و اشتیاق و آمادگی آنان برای قبول ارزش‌های الهی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: امام علی (ع) فرمودند: *وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ*. قلب جوان مانند زمین بکر است، هر بذری که در آن بکاری، قبولش می‌کند. امام صادق (ع) فرمودند: *عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ أَسْرَعُ إِلَى خَيْرٍ بِرِئَاسَةٍ* بر تو باد که به سوی جوان‌ها بروی زیرا آن‌ها حقایق را زود می‌پذیرند (روضه کافی، صفحه ۹۳).

۴. رعایت موازین شرعی و اخلاقی در امر و نهی

امام راحل در این خصوص می‌فرمایند: باید ایران یک مملکت اسلامی و همه چیزش اسلامی باشد، و روی موازین شرعی باید امر به معروف و نهی از منکر نمود... اشاعه فحشاء از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و نقدی از ضوابط شرعی نماید و فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل کند... باب امر به معروف و نهی از منکر از وجهه رحمت رحیمیه است، پس امر به معروف و ناهی از لازم است که به قلب خود از رحمت رحیمیه بچشاند و نظرش در امر و نهی، خودنمایی و خودفروشی و تحمیل امر و نهی خود نباشد زیرا که اگر با این نظر مشی کند، منظور از امر به معروف و نهی از منکر که حصول سعادت عباد و اجرای احکام الله در بلاد است، حاصل نشود (امام خمینی، ۱۳۷۰).

۵. استفاده صحیح از ابزارها و کیفیت بخشی نقش رسانه‌های تبلیغی

بهره‌گیری مشروع از ابزار تبلیغ، وظیفه سنگینی است که به دور رکن مهم در شخصیت مبلغ دینی نیازمند است: اولاً آگاهی و اطلاع وسیعی می‌خواهد. (رکن آگاهی) ثانیاً قدرت و امکان می‌طلبد (رکن قدرت و توانایی و امکان عمل) امکان دستیابی به قدرت از نظر فقهای شیعه به عنوان شرط وجود در امر به معروف و نهی از منکر تلقی می‌شود نه شرط وجوب یعنی آن که باید امکان قدرت را به دست آورد (مطهری، ۱۳۸۵).

۶. شیوه‌شناسی و روش‌های تبلیغی مؤثر

طبیعی است که بهره‌گیری از شیوه‌های انسانی، الهی و مشروع و سازگار با اندیشه ناب اسلامی می‌تواند تأثیر بسزای در تحقق و گسترش فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. چنان که توصیه پیامبر اکرم و سایر ائمه اطهار (ع) نیز تأکید بر روش‌های اصولی بود، آنجا که «معاذین جبل» را برای هدایت و دعوت مردم یمن گسیل می‌داشت فرمودند: یا معاذ یَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ، بَشِّرْ وَلَا تُنْفِرْ، ای معاذ سهل بگیر و سخت‌گیری مکن، بشارت ده و نفرت و بیزاری از اسلام ایجاد مکن. همه امامان شیعه به ویژه امام حسین (ع) نیز پیوسته از روش‌های مهم تبلیغ در اسلام که عبارت از: تبشیر و تبتذیر و پرهیز از تنفیر است با بهترین شیوه بهره می‌گرفتند (مطهری، ۱۳۸۵). سیره ائمه معصومین (ع) در تبلیغ آن بد که به طور عمده نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی خود را از طریق ابلاغ و آموزش آموزه‌های دینی و تبیین ارزش‌های الهی و انسانی و درونی کردن آن‌ها به مرحله اجرا در آورد تا در جامعه اسلامی تحولی ساختاری ایجاد شود و در این مسیر همواره در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی، روشی آموزشی و تربیتی، هدایت‌گرانه دل‌سوزانه، آزادمنشانه و مهربانانه داشتند (اکبری زادگان، ۱۳۸۲).

الف- روش برخورد مستقیم و غیرمستقیم: امر به معروف و نهی از منکر شیوه‌شناسی قابل تصور در دو نوع شیوه است که: یکی روش مستقیم و دیگری روش غیرمستقیم و غالباً روش غیرمستقیم کارسازتر است، روش مستقیم همان تبلیغ ظاهری به وسیله گفتار و امثال آن است، روش غیرمستقیم آن است که عامل باید خود عامل به آن چه معتقد است باشد. چنان چه در حدیث آمده است: *كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ*، مردم را به غیر زبانتان به سوی حق دعوت کنید (وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۹۴). قابل توجه است که در برخوردها باید روش و متد رویارویی را شناخت، به خصوص آنکه در مسائل تربیتی و روان‌شناختی باید روان‌شناسی صحیح تربیتی را ملحوظ داشت تا تلاش‌های سازنده به نتیجه رسد.

ب- روش دادن شخصیت و جلب اعتماد: چنان چه آمر و ناهی بتواند ابتدا به شخصیت افراد احترام گذارد و با ظرافت خاص در جذب آن‌ها مهارت خود را نشان دهد، مردم به سوی او جلب خواهند شد. در همین رابطه حضرت امیر (ع) می‌فرماید: *قُلُوبُ الرِّجَالِ وَ حَشِيَّةُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ*. دل‌های مردم وحشی است، پس هر کس که آن قلوب را جذب کند به او روی خواهند آورد (نهج البلاغه: قصار الحکم، حدیث شماره ۴۷).

ج- روش‌های برخورد متناسب با ظرفیت مخاطب: یعنی با هر کس به اندازه فهم و ادراک او سخن گفت نه کمتر و نه بیشتر، چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرموده‌اند: *أَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرِنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ* (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷، حدیث شماره ۱۵).

د- روش توجه به ظرفیت‌های روانی: وضعیت مخاطب و توجه به جهات عاطفی او زمینه را برای پذیرش امر و نهی هموار می‌سازد. چنان چه امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: *إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالَهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ* (نهج البلاغه، قصار الحکم، حدیث شماره ۱۸۴). همانا قلوب، برای قبول نمودن نصیحت، روی آوردنی و پشت کردنی دارند، پس در مواقع پذیرش آن‌ها را دریابید، زیرا اگر قلوب نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد

کور بوده، چیزی را نمی بینند. یا در جای دیگری می فرمایند: انَّ لِلْقُلُوبِ اِقْبَالَ و اِدْبَارًا فَاِذَا اَقْبَلَتْ فَاحْمَلُوْهَا عَلٰى التَّوَابِلِ وَاِذَا اَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوْا بِهَا عَلٰى الْفَرَائِضِ (نهج البلاغه، قصاصالحکم، حدیث شماره ۳۰۴) همانا برای قلوب اقبال و ادیاری هست، هرگاه قلب حالت پذیرش دارد، می تواند او را به انجام مستجابات وادار کنی و لی هرگاه حالت آمادگی نداشت فقط به انجام واجبات اکتفا کنی.

ح- روش برخورد مؤدبانانه: سخن گفتن و نصیحت کردن چنان چه از دایره ادب و نزاکت خارج شود چه بسا اثرات سویی خواهد داشت ما مأموریم به برخورد صحیح و منطقی، چنان چه خدای کریم می فرماید: ادفع بالتی هی احسن... (سوره مؤمنون، آیه ۹۶) و یا در آیات ۳۴ سوره فصلت، آیه ۱۰ سوره مزمل، آیه ۶۳ سوری فرقان و ۱۸ و ۱۹ سوره نازعات نیز به همین مهم تأکید شده است. بنابراین راهنمایی مخاطب با شیوه ذکر جنبه های عقلی یا حکمت و یادآوری جنبه های عاطفی یا موعظه و استفاده از شیوه های مناظره علمی گوناگون می تواند تأثیرات به سزایی داشته باشد (اشتهاردی، ۱۳۷۲).

و- روش بهره گیری از شیوه های زیربنایی: قابل توجه است که در مبحث شیوه شناسی در مسئله نظارت عمومی جامعه در قالب امر به معروف و نهی از منکر بهره مندی از شیوه های روبنایی و بویژه، زیربنایی بسیار قابل توصیه است. در شیوه های روبنایی کنترل ظاهر جامعه و امر به معروف و نهی از منکر زبانی مورد توجه قرار می گیرد اما در شیوه های زیربنایی توجه به ساختارهای اجتماعی جامعه مدنظر است. بنابراین برنامه ریزی فرهنگی از جهتی و برنامه ریزی های اقتصادی از جهت دیگر می تواند زمینه های مناسبی را برای تحقق اهداف امر و نهی به وجود آورد. یکی: تربیت خانوادگی و تربیت صحیح فرزندان دوم: رعایت معیارهای جاذبه و دافعه یا جذب و دفع صحیح، عقلانی و مشروع سوم: کنترل گزینه جنسی با ازدواج (همان: صفحات ۲۶۶ تا ۲۷۹).

ز- شیوه تشویق و اهدای جایزه: در جذب مخاطبین نوجوان به خصوص این شیوه بسیار کار گشا و سازنده است. به عنوان مثال به خاطر ای از زندگانی شهید بزرگوار مرحوم آیت الله سعیدی اشاره می کنیم: گفته شده است که وی در پایگاه بسیج موسی بن جعفر (ع) جوانان و نوجوانان را برای امر به معروف و نهی از منکر بسیج می کرد. برنامه او در این امر الهی به این صورت بود که هر نوجوان و جوان در طول روز و یا هفته، مواردی را که به امر به معروف و نهی از منکر می پرداخت، بر صفحه کاغذ می نوشت و به نزد مرحوم سعیدی می برد تا ضمن رهنمودهای لازم، گزارش کار خود را نیز تقدیم او کند ... آن بزرگوار در بسیاری از موارد ضمن تقدیر از این نوجوانان و جوانان به آنان جایزه می داد و تکریم می کرد.

۷. اصلاح ساختارها و راه کارهای ایجابی و سلبی

دگرگون سازی و اصلاح ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه براساس آموزه های اسلامی می تواند از اساسی ترین راه کارها تحقق امر و نهی الهی به حساب آید. فقهای بزرگ اسلام معتقدند که در تحقق این فریضه الهی، آحاد مردم موظف اند که از جایگاه قدرت جلوی زشتی ها را بگیرند. لکن آن بخش های حساس اجرای این فرمان الهی مانند ضرب و جرح به دست هیأت حاکمه است و بخش های اعتراض آمیز آمرانه آن به عهده عزم ملی است ... و نیز این فریضه با حدّ و تعذیر فرق جوهری دارد، در امر به معروف به انجام کار فرمان می دهند و در نهی از منکر، جلوی کار زشت را می گیرند و به عامل می گویند این کار خوب را انجام بده یا فلان کار بد را نکن، ولی در حدّ و تعذیر، شخصی بزهکار را تیبیه می کنند که چرا فلان کار قبیح را مرتکب شدی؟ از این رو چنین کاری به عهده مسئولان قضایی شرعی است، برخلاف امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه همگان است ... لذا این کار یک عزم ملی می طلبد (جوادی آملی، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری

اسلام کاربرد علم و منطق را تشویق می‌کند. تحصیل علم برای هر زن و مرد مسلمان واجب است. در اسلام علم و فن آوری باید برای اهداف اخلاقی به کار رود و در خدمت نیازهای قانونی بشر باشد. به علاوه هر دو این‌ها به عنوان راه‌هایی برای فهم و دیدن قدرت و جلال خداوند در نظر گرفته می‌شوند. مراجع زیادی در قرآن و حدیث درباره اهمیتی که اسلام برای تعقیب دانش و فهم طبیعت و جهان قائل است، وجود دارد. اسلام همچنین مشوق روش علمی تحقیق است در عربی دانش و علم هم معنی هستند. دنیای کنونی با سرعت سرسام‌آوری، مرزهای دانش را یکی پس از دیگری در می‌نوردد تا از نتایج آن در مسیر رفاه و آسایش جسم و روح و زندگی سالم بهره‌مند گردد. در این میان، یک جنبه بودن دستاوردهای علمی و دوری از تعلیمات پیامبران در زمینه‌ی اخلاق و معنویت، موجب شده تا با وجود همه این پیشرفت‌های سریع، آسایش و سلامت بشریت در زندگی ماشینی، دستخوش تهدید جدی قرار گیرد و بیماری‌های جسمی و روحی ویرانگر و پر تلفاتی به ارمغان بیاورد، تنها راه نجات از بحران‌هایی که سلامت جوامع را به خطر افکنده است، بازگشت به تعلیمات پیامبران و ادیان، به خصوص دین اسلام است (ولایتی، ۱۳۸۵).

دانشگاه‌ها یکی از مراکز مهم تعلیم و تربیت بوده و نقش تأثیر گذار و تعیین کننده‌ای در رشد و تکامل و یا افول وضعیت حال و آینده کشور دارند. دانشگاه‌ها، کانون و منبع سرشار از ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه جوانان است و جمعیت عظیم جوانان در دانشگاه‌ها، همانند یک رودخانه موج و پرفیض و با برکت می‌باشند که بصورت مستمر جریان داشته و اگر اهمیت این رودخانه شناخته شده و به سرچشمه نیز نظارت شده و حرکت آن در مسیر صحیح هدایت شود، آنگاه هزاران مزرعه و باغستان از این نعمت الهی آباد خواهد شد و موجبات سرسبزی و خرمی و نشاط و برکت و آبادانی را فراهم نموده و بعنوان منبع عظیم انرژی کل کشور را در مسیر فعالیت و تلاش و پیشرفت و سازندگی قرار می‌دهد و در مقابل اگر این رودخانه موج، به حال خود رها شده و در مسیر صحیح کنترل نشده و تحت نظارت و هدایت قرار نگیرد، به مزارع نخواهد رسید و هدر خواهد رفت و یا به سیل مخرب و یا به باتلاق و مرکز تجمع آفت‌ها تبدیل می‌شود و لذا لازمه ایفاء نقش مثبت و سازنده دانشگاه‌ها در جامعه، برنامه ریزی و دقت و حساسیت و نظارت و هدایت در همین راستا شناخت مصادیق معروف و منکر و تقویت و گسترش معروف و نقاط قوت و کاهش منکر و نقاط ضعف از طریق اجراء اصل امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها بعنوان یک شیوه کارآمد و یک مکانیسم مؤثر برای فراهم نمودن زمینه مساعد برای تحقق آموزش همراه با پرورش و تعلیم همگام با تربیت و خلاقیت و نوآوری و شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه و سازندگی علمی و اعتلای اخلاقی و معنوی در جهت رشد و کمال و قرب الهی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۰)، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۲۷۳
۴. اشتهاردی، عبدوس، (۱۳۷۲)، فرازهایی برجسته از سیره امامان شیعه، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص ۲۷۹
۵. اکبری زادگان، نوروز، (۱۳۸۲)، عاشورا خروش بیداری، انتشارات شهید فهمیده، ص ۶۳
۶. جوادی آملی، آیه‌الله، (۱۳۸۱)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، نشر اسراء، ص ۱۱۱.
۷. حسینی خامنه ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب، (۷۱/۹/۲۵)، سخنرانی.
۸. خداکریمی زنجانی، ابوعلی، (۱۳۷۵)، نگاهی بر دواصل استوار یا امر به معروف و نهی از منکر، قم: مرکز دارالنشر اسلام.
۹. روضه کافی، صفحه ۹۳
۱۰. صادقی زاده، حمیدرضا، کوچکی، سید محسن (۱۳۸۷)، نماد مهر، گلستان ادب، چاپ یاران، قم.
۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۷۹) امر به معروف و نهی از منکر، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، قم، چاپ مهر
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۱)، فروع کافی، بیروت.
۱۳. مسعودی، محمد اسحاق، ۱۳۷۴، اصلاحات و امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر، چاپ اول، تهران.
۱۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۰)، جهاد، تهران: صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)؛ ولاءها و ولایت‌ها، قم، صدرا، چاپ یازدهم.
۱۶. مطهری، استاد شهید مرتضی. (۱۳۸۵). حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۱۹۰-۲۵۴
۱۷. نوری، محمد حسین، (۱۴۰۷) مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت (ع).
۱۸. ژپایگاه حوزه، www.howzah.net.

مبانی نظری امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

حسین باقری^۱

دکتر محمد صالحی^۲

چکیده

انسان در دستگاه خلقت الهی به گونه ای آفریده شده که اجتماعی بودن از برجسته ترین ویژگی های اوست به گونه ای که نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤلیت های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می افتد. این مسئله مهم که در فقه اسلامی تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» مطرح شده و از مهم ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می رود؛ چنان که از مهم ترین فرایضی است که وجود کفایی آن، ضروری دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است.

اسلام همانگونه که فرد فرد مسلمین را نسبت به اعمال و نیات خویش مسوول می داند و همواره به تذکر و یاد آوری این مسوولیت سنگین می پردازد، آحاد مردم را نسبت به صلاح و فساد جامعه نیز دارای مسوولیت می شمارد و همیشه از آن ها انتظار دارد، علاوه بر اینکه مراقب اعمال و رفتار خود هستند، نسبت به اعمال سایر مردم بی تفاوت نباشند و در هر حال همه را به امور پسندیده و نیکو دعوت کنند و از کارهای زشت و ناپسند باز دارند. در حقیقت اسلام یک سازمان مردمی و فراگیر از آحاد مسلمانان ایجاد کنند تا نسبت به اجرای قوانین و احکام در جامعه و پیشگیری از فساد و تباهی در همه زوایای زندگی نظارت کننده کارکنان این سازمان، یکایک مسلمین هستند و شرح وظایف و دستورالعمل هر یک از آن ها از منبع مقدس وحی ابلاغ می شود. بی شک یکی از بهترین راه های حفظ سلامتی و صلاح جوامع، نظارت عمومی و تذکر مردم نسبت به یکدیگر است.

واژگان کلیدی: معروف، منکر، مبانی نظری

مقدمه

انسان ها از ابتدای آفرینش تاکنون همواره برای ایجاد جامعه ای برتر و مدینه ای فاضله تلاش کرده اند و جان و مال بسیار بر سر این آرزو نهاده اند. این تلاش، کوششی از سر بیهودگی و سرگرمی نبوده، بلکه نیازی است فطری که خدایشان در جان نهاده و برای برآورده شدن آن، تمامی نیروهای جهان هستی را به خدمت او گمارده است. برای تشکیل این جامعه برتر و مدینه فاضله نیاز به «قانون» است. خدای بزرگ برترین قانون را، که از علم نامتناهی او سرچشمه گرفته است، به بشر ارزانی داشته و همگان را به پیروی از آن دعوت کرده است. در کنار قانون، پیاده شدن قانون و به مرحله اجرا در آمدن آن از طرف تمامی افراد جامعه ضروری است.

از این رو قانون صحیح، نیازمند ضامن اجرایی قانون قوی است، تا کسی حدود آن را زیر پای نگذارد و مرزهایش را رعایت کند و در میدان عمل روزمره آن را به فراموشی نسپارد. باید نیروی در جامعه انسانی باشد تا کسانی را که از روی نادانی و یا از سر هوس به قانون پشت پا زده، آن را پایمال می کنند و وظایف انسانی خودش را نادیده می انگارد، وادار به انجام وظیفه و تدارک خطاهای گذشته نماید.

۱. دانشجوی دکتری و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

در تمامی نظام‌های سیاسی دنیا، گروهی خاص مأمور اجرای قانون و نظارت مستقیم بر چگونگی اجرای آن هستند. اما در نظام سیاسی اسلام تنها برگزیدگان جامعه، مسئول نظارت بر اجرای قانون نمی‌باشند. بلکه هر فرد جامعه اسلامی موظف به نظارت بر اجرای قانون و پاسداری از حدود آن است و این حق نظارت و دخالت مربوط به افرادی مخصوص و یا مواردی خاص نیست، بلکه همه افراد نسبت به همه قوانین و نیز نسبت به تمامی طبقات جامعه، حق نظارت و دخالت در اجرای قوانین دارند. این حق نظارت عمومی که ضامن اجرای عدالت، قسط و تضمین کننده رسیدن جامعه به کمال و سعادت است، «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده می‌شود.

بدیهی است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر همانند سایر دستورات دارای شرایط، مراتب، شیوه‌ها، بایدها و نبایدهای بسیار است که آمران به معروف و ناهیان از منکر باید به خوبی از آن‌ها آگاه بوده و با توجه به آن‌ها وظیفه خویش را به انجام رسانند.

تعریف معروف و منکر

معروف در لغت از ماده «عرف» به معنی شناخته شده و نیک، و منکر از ماده «انکار» و «نکر» به معنی ناشناخته، زشت و پلید است که جمع آن «منکرات» و «مناکر» می‌باشد. (امر به معروف و نهی از منکر، ۱۳۷۶، ص ۳۶)

معروف در اصطلاح، نام هر کاری است که حُسن آن توسط عقل یا شرع شناخته شود و منکر نام کاری است که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارند. به «معروف» از آن جهت معروف، یعنی شناخته شده گفته شده که فطرت پاک آدمی، با آن آشنا و مأنوس است و آن را می‌پذیرد. و «منکر» چون با فطرت آدمی بیگانه ناآشنا و نامأنوس است، منکر و ناشناخته نامیده شده است.

امام خمینی (ره) در تعریف معروف و منکر می‌فرماید:

آنچه را عقل و شرع، نیکو می‌داند، معروف می‌نامند که در دایره احکام تکلیفی همان واجبات است.

آنچه را عقل و شرع، ناپسند می‌داند، منکر می‌نامند و در احکام تکلیفی حرام و مکروه می‌باشد. (امام

خمینی (ره)، ۱۳۸۷، ص ۴۶۳)

در امر به معروف و نهی از منکر صحبت از نوعی اعمال و قدرت صدور حکم و اجبار، و در انجام یا ترک عملی است و لذا شخص آمر و ناهی در حقیقت در مقام سلطه و ولایت قرار دارد.

امر به معروف واجب کفایی است

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است که اگر به قدر کفایت به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر همه کس آن را ترک کرده باشند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه ترک واجب کرده‌اند. (همان منبع)

در موارد زیر وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود:

۱. امر به معروف و نهی از منکر، نیاز به اقدام گروهی داشته باشد و عده ای اقدام کرده‌اند، ولی مقصود اصلی حاصل نشود، که در این صورت از دیگران ساقط نمی‌شود.
۲. عده‌ای به انجام آن اقدام کنند ولی کافی نباشد.
۳. فرد یا افرادی به انجام آن اقدام کنند، ولی تأثیر نکند و فرد یا افراد دیگری احتمال تأثیر بدهند، در صورتی که برای آن‌ها شرایط موجود باشد، باید اقدام کنند.

۴. احتمال و گمان به اینکه دیگری به انجام امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند، ولی می‌داند تاکنون اقدام نکرده است، کافی نیست. بنابر این چنانچه یقین ندارد که کسی امر یا نهی کرده یا نه؟ واجب است اقدام کند.
۵. اگر یقین یا گمان دارد که دیگری به انجام امر به معروف یا نهی از منکر اقدام کرده، بر او واجب نیست، ولی اگر خلاف آن معلوم شد، واجب است اقدام کند.
۶. چنانچه موضوع واجب یا منکر از بین برود، امر یا نهی واجب نیست، مثل آنکه برای حفظ جان فردی می‌بایست نهی از منکر کند، ولی آن شخص از دنیا رفت. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷، ص ۲۴۲)

اهمیت و ضرورت

دعوت به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها، راه روش اولیاء الهی است. کسانی که در هر مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر تلاش می‌کنند، ادامه‌دهندگان راه انبیاء و ائمه‌اند و باید شکرگزار این نعمت باشند که در این راه تلاش می‌کنند.

امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ» (عاملی، ۱۴۰۳ق،

ج ۱۱، ص ۳۹۵)

۱. اسلام، آئینی اجتماعی است و علاوه بر آن برنامه‌ها و دستورهای فردی، قوانین و احکامی دارد که به بُعد اجتماعی آن مربوط می‌شود و نشان می‌دهد که مکتب اسلام، تنها برای خودسازی فردی نیست، بلکه صلاح و اصلاح جامعه را هم در نظر دارد. احکامی همچون جهاد، حج، امر به معروف، نهی از منکر و مسائلی چون رهبری و امامت، ولایت، دلیل بُعد اجتماعی اسلام است.

۲. تا یک قانون و برنامه، اجرا نشود و از مرحله نوشته و سخن، به مرحله پیاده شدن در سطح جامعه نرسد، چندان سودی ندارد، هر چند بهترین قانون باشد. اسلام که بهترین برنامه‌های سعادتبخش را برای زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد، برای اجرای قوانین، سه عامل را پیش بینی کرده است که عبارت‌اند از:

الف: نیروی داخلی «تقوا» و «ایمان»

مسلمان با برخورداری از ایمان و وجدان مذهبی و ترس از خدا و قیامت، به وظایف خود عمل می‌کند و از گناهان و تخلفات پرهیز می‌کند.

ب: نیروی اجرایی «حکومت»

نظام حکومت در جامعه اسلامی وظیفه دارد که امکانات رشد اخلاقی افراد را فراهم کند و با مفساد و پدیدآوردگان فساد مقابله کرده و موانع انجام برنامه‌های الهی را از میان بردارد. مجازات مجرمین از اینگونه وظایف حکومت است.

ج: نظارت عمومی مردم

مردم در جامعه اسلامی باید احساس وظیفه کنند و از خوبی‌ها تشویق به عمل آورند و جلوی زشتی‌ها و خلاف‌ها را با حرف و عمل بگیرند و نسبت به اوضاع جامعه و رفتار دیگران، بی تفاوت نباشند. نام این نظارت و کنترل مردمی، «امر به معروف و نهی از منکر» است.

۱. غرب زدگان، با بهانه قرار دادن آزادی، ممکن است به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر اشکال بگیرند و آن را نوعی دخالت در کار دیگران و سلب آزادی از مردم وانمود کنند. ولی با توجه به آنکه شرایط اجتماع و رفتار افراد، چه خوب و چه بد، بر دیگران تأثیر می‌گذارد، آزادی انسان‌ها در محدوده‌ای است که به دیگران زیان

نرساند و حق دیگران را ضایع نکند. بنابراین، مردم حق دارند که به خاطر برخورداری از اجتماعی سالم و پاک، به عمل کسانی که محیط زندگی را آلوده و فاسد می‌کنند، اعتراض نمایند و جلوی آن‌ها را بگیرند. اگر محیط، آلوده باشد، حتی افراد سالم هم بیمار می‌شوند.

آلودگی‌های اخلاقی زیانی بیشتر از آلودگی‌های طبیعی دارد، چرا که نه تنها جسم را، بلکه فکر، اخلاق و رفتار دیگران را زشت و خراب می‌کند و اگر جامعه‌ای از نظر انسانی و اخلاقی، منحط و خراب شود، پیشرفت‌های علمی و رشد صنعتی برای آن جامعه، سعادت و خوشبختی نمی‌آورد.

۲. امر به معروف و نهی از منکر، «فروع دین» و از واجبات عبادی است و مثل نماز، روزه و حج و ... از تکالیف حتمی یک مسلمان به حساب می‌آید، البته از واجبات کفایی است، نه عینی.

انجام این دو واجب، نشان تعهد، ایمان و پایبندی به دستورهای خدا و ارزش‌های اخلاقی است. سستی در باره آن، خبر از بی‌ایمانی یا ضعف اراده و آگاهی می‌دهد. بی‌تفاوتی نسبت به خوبی‌ها و بدی‌ها خودش یکی از ویژگی‌های ناپسند اخلاقی و نشانه بی‌شخصیتی انسان است. جامعه‌ای هم که «نظارت عمومی» در آن نباشد، جامعه‌ای مرده است. (محدثی، ۱۳۷۶، صص ۱۲ و ۱۳)

نظام تاریخی امر به معروف و نهی از منکر

ریشه تاریخی «امر به معروف و نهی از منکر» به قدمت سابقه بشر است، در تمام ادیان الهی امر به معروف و نهی از منکر اهمیت داشته است و در اسلام این اصل ریشه در قرآن، و سیره عملی رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) دارد. در قرآن آیات روشن و مشخص وجود دارد که لزوم و وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» را بطور مشخص نشان می‌دهد. آیه ذیل در دلالت، روشن و صریح است:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴)

از شما امتی باید باشد که به سوی خیر دعوت کند و امر به معروف و نهی از منکر کند و آنان رستگارانند.

«شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تأسیس حسبه در قرن چهارم بوده است و علی‌الظاهر در قرن سوم پیاده شده باشد» محتسبین و به خصوص آنان که در رأس دایره حسبه بوده‌اند می‌بایست همه عالم و مطلع باشند و همه با ورع، تقوا، امانت و یک نوع احترام دینی در میان مردم داشته‌اند. محتسب ناظر و مراقب اعمال مردم بود که مرتکب منکرات نشوند.

حسبه عبارت است از امر به معروف، وقتی که ارتکاب کارهای بد در اجتماع شیوع پیدا کند، و نیز رسیدگی به اختلاف و آشتی دادن در میان مردم، این واژه از همان زمان‌هایی که دایره احتساب در حکومت اسلامی به وجود آمد به کار برده شد و الا قرآن و لسان معصومین (ع) این کلمه در مورد امر به معروف و نهی از منکر بکار نرفته، نه در اخبار شیعه و سنی - در دوره‌های بعد که این کلمه در اجتماع اسلامی برای خود جا پیدا کرد به تدریج در اصطلاح فقها و علما هم راه پیدا کرد و بعضی باب امر به معروف و نهی از منکر را «باب الحسبه» نامیدند و در میان علما شهید اول محمد بن مکی در «دروس» رسماً تحت عنوان کتاب الحسبه، از امر به معروف و نهی از منکر نام می‌برد و از محدثین مرحوم فیض کاشانی در کتاب وافی ظاهراً این واژه از لغت محاسبه به معنی مراقبت و حسابرسی فردی از دیگران است و حسیب به معنی محاسب نیز از این قبیل است و از نظر مباحث عرفانی هم «محتسب» مظهر اسم حسیب است که در قرآن کریم آمده: «و کفی بالله حسیباً» (نساء / ۶).

جایگاه امر به معروف در قرآن

مساله امر به معروف از همان روزهای اول بعثت در مکه مورد عنایت اسلام بوده است. به عنوان مثال در سوره والعصر که شعار مسلمانان به هنگام جدایی از یکدیگر بود و در اوائل بعثت در مکه نازل شده است، در جمله «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» اشاره به امر به معروف می کند.

قرآن خطاب به مسلمانان می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/ ۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که بر مردم ظاهر شده اید؛ به شرط آنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید.

امر به معروف کاری است که خداوند انجام می دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل/ ۹۰) همان طوری که امر به منکر کار شیطان است: «الشَّيْطَانُ يُعِدُّ كُمْ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ» (بقره/ ۲۶۸)

اولین وظیفه انبیا

قرآن، اولین وظیفه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می داند و می فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم ترین وظیفه آنان دو چیز بود: یکی امر به یکتا پرستی که بزرگ ترین معروف هاست. «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ» (نحل/ ۳۶) و دوم نهی از اطاعت طاغوت ها که بزرگ ترین منکر هاست. «اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/ ۳۶) انجیل آمده، اولین وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است.

در سوره اعراف نیز آمده است: پیامبر اسلام که نام و نشان در تورات و انجیل آمده، اولین وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است. (اعراف/ ۱۵۷)

رابطه امامت با امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین (ع)، هدف از قیام خود را چنین می فرماید: «آیا نمی بینید به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آید.» و در جای دیگر می فرماید: «من بنا دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم. می خواهم در دین جدم اصلاح کنم.» (قرائتی، ۱۳۷۷، ص ۱۸)

امام حسین (ع) در آخرین لحظه عمر خود، هنگامیکه دید، لشکر یزید به خیمه های اهل بیت حمله ور شدند. آخرین جمله ای که به آن ها فرمود، این بود: «اگر دین ندارید، لااقل در دنیای خود آزاده باشید.» این سخن اثر کرد و تا امام زنده بود، از هجوم به خیمه ها دست کشیدند. درس های عبرت آمیز از جمله امام حسین (ع) عبارت اند از:

۱. نهی از منکر واجب است، حتی در لحظه آخر عمر.
۲. نهی از منکر واجب است، حتی نسبت به وحشی ترین افراد.
۳. اگر همزمان چند منکر انجام می شود، اگر می توان از یکی از آن ها جلوگیری کرد، باز هم نسبت به آن یکی واجب است، اقدام شود.
۴. افراد خلافکار ممکن است، از بعضی از منکرات دست بردارند و تحت تأثیر وجدان قرار بگیرند.
۵. اگر از دین مردم نمی توان برای نهی از منکر کمک گرفت، از صفات دیگر آنان و از عوامل عاطفی استفاده کنید.
۶. حمایت از ناموس از بزرگ ترین واجبات است. (قرائتی، ۱۳۷۷، ص ۲۳)

ملاک شناخت معروف و منکر در قرآن

در ذات اعمال و افعال، حسن و قبح (خوبی و بدی) نهاده شده است. قرآن از آن گونه کارهایی که متصف به حُسن هستند با کلمه «معروف» یاد می‌کند. یعنی، کارهای خوبی که برای همه مردم قابل شناسائی اند، و از کارهای زشت به «منکر» یاد می‌کند. یعنی، بدی‌های نشان دار و همه کس شناس.

آوای فطرت سلیم در شناخت معروف و منکر، خوبی‌ها و بدی‌ها بهترین ملاک و روشن‌ترین معیار است. قرآن می‌فرماید:

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس ۷-۸) سوگند به نفس و آنکه او را چنین آفرید، پس بدی‌ها و خوبی‌ها (تقوی) را به او الهام کرد.

می‌توان بهترین ملاک‌های شناخت معروف و منکر را چنین بر شمرد:

۱. شرع مقدس
۲. عقل سلیم
۳. فطرت پاک

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، سه مرحله ذکر کرده‌اند که خلاصه آن به شرح ذیل است:

مرحله اول: انسان از اینکه معصیت خدا شود، ناراحت باشد و کار خلاف را در روح خود منکر بداند و از آن متنفر

باشد. در این مرحله احدی معاف نیست. یعنی؛ حتی افراد ناتوان، لال، نابینا و بی پول باید قلباً از گناه متنفر باشند.

مرحله دوم: امر به معروف با زبان به خلافکار هشدار دهد و به خوبی‌ها سفارش کند. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا

مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت/۳۳) کیست بهتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و کردار خودش نیکو باشد و بگوید که من از مسلمانانم.

مرحله سوم: اگر بیان اثر نکرد، با قدرت جلو خلاف گرفته شود.

اصل تأثیر

نکته مهمی این است که محور امر به معروف و نهی از منکر، تأثیر است؛ یعنی اصل این است که خلافکار از چه طریقی

از کردار خود دست بر می‌دارد؛ برای مثال:

- اگر با اشاره اثر دارد، اشاره واجب می‌شود.
- اگر فریاد اثر دارد، فریاد واجب است.
- اگر تهدید اثر دارد، تهدید واجب است.
- اگر تذکرها مکرر اثر دارد، تکرار واجب است.
- اگر ناله، طومار و تقاضای دسته جمعی اثر دارد، این قبیل کارها واجب است.
- اگر سخن ما اثر ندارد، ولی تذکر شخص دیگری اثر دارد، باید آن شخص را وادار به گفتن کنیم.
- اگر تذکر در زمان خاصی اثر دارد، در همان زمان باید تذکر داد.

راهکارهای اجرایی برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر

۱. ایمان به خدا

بهترین اهرم و وسیله امر به معروف و نهی از منکر، عقیده به مبدأ و معاد است. لذا کسی که می‌خواهد به طور ریشه‌ای مردم را به معروف وادار نماید و از منکرات باز دارد، باید روی عقائد مردم کار کند. برای مثال، به کسی که وارد منزلی می‌شود، زمانی می‌توان گفت: این کار را بکن و این کار را نکن! که عقیده داشته باشد، منزل صاحبی دارد. حسابی در کار است. از حرکات او در منزل فیلم برداری می‌شود و ...

اگر انسان معتقد شد، این جهان که خانه بزرگی است، صاحبی همچون خداوند و حسابی همچون قیامت دارد، تمام کارهای او ثبت و کنترل می‌شود، حتی بر افکار و نیات او ناظری نظارت می‌کند، همین ایمان و بینش، او را در جهان تبدیل به یک انسان وارسته و متقی می‌سازد. بر عکس انسان‌های بی‌اعتنا، همچون چاه بی آب هستند که هرگز با دو سطل آب ریختن در آن چاه، آبی در آن‌ها جمع نمی‌شود. قوانین، تبصره‌ها و جریمه‌ها برای افراد بی‌ایمان همچون ریختن سطل آب در چاه خشک است.

بنابراین مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهرم برای دعوت به خیر و نهی از گناه، ایمان به مبدأ و معاد است. ایمان در درون انسان، همچون جوشش آب در درون چاه است که خود به خود انسان را از مفاسد، باز می‌دارد.

ایمان به خدا همراه با یاد خدا

بعضی افراد ایمان دارند و حتی می‌توانند ساعت‌ها در اثبات خدا و معاد سخنرانی کنند، یا مقاله‌ای بنویسند، ولی فراموش کارند، لذا هم ایمان لازم است و هم توجه.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «نَسُوا اللَّهَ» (حشر/۱۹) خدا را فراموش می‌کنند. و یا «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۶) قیامت را به فراموشی می‌سپارند.

۲. تشکر از خداوند

دومین اهرم برای نهی از منکر آن است که خلافکار را به یاد الطاف خداوند بیندازیم، تا بداند که خداوند چقدر به انسان لطف کرد و انسان را از ذره‌ای آفرید و همه چیز را در اختیارش گذاشت، عیب او را پوشاند، خوبی او را چند برابر پاداش می‌دهد، درد او را شفا می‌بخشد، دعای او را مستجاب می‌کند، بهترین رفیق، بهترین مولی و بهترین یاری رسان او است.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «حتی اگر خداوند برای گناه، دوزخی هم قرار نمی‌داد، واجب بود که به خاطر تشکر از آن همه الطاف او، از گناه و مخالفتش دوری کرد.» (نهج البلاغه/ حکمت ۲۸۲)

۳. عرضه اعمال به پیامبر اکرم و ائمه معصومین

از جمله اهرم‌های بازدارنده از گناه و تشویق کننده به خوبی‌ها، عقیده بر عرضه اعمال بر پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) است. در اصول کافی روایات متعددی نقل شده است، مبنی بر اینکه «در هر هفته، اعمال انسان به امام زمان (عج) و پیامبر اکرم عرضه می‌شود و آن بزرگواران را خشنود و یا ناراحت می‌کند.» (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۳، ص ۳۴۹)

این عقیده که برخاسته از قرآن (قُلْ اَعْمَلُوا فَسِيرِيَ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ . توبه/۱۰۵) است، می‌تواند بهترین اهرم‌ها باشد.

۴. توجه به آثار شوم گناه

باید دقت کرد که نزول بلاها، به خاطر گناهی است که افراد مرتکب می شوند. قرآن می فرماید: «ما أصابکم من مُصیبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری/ ۳۰) هر مصیبتی که به شما می رسد، به خاطر عملکرد خودتان است. در جای دیگر می فرماید: «فَأَهْلِكُوا بِالطَّغْيَةِ» (الحاقه/ ۵) به خاطر طغیانشان هلاک شدند. در ابتدای دعای کمیل، حضرت علی (ع) می فرماید:

خداوند! گناهی که عامل پاره شدن پرده حیا است، بر من ببخش!

خداوند! گناهی که عامل تغییر پیدا کردن نعمت هاست، بر من ببخش!

خداوند! گناهی که عامل حبس شدن دعاهاست، بر من ببخش!

از این جملات معلوم می شود که هر گناهی، آثار شوم مخصوص به خود دارد. بنابراین این؛ توجه دادن به آثار شوم گناهان یکی از عوامل بازدارنده منکر است.

۵. توجه دادن به برکات معروف

همان گونه که آشنایی با آثار شوم گناه انسان را برای ترک منکر آماده می کند، آشنایی به منافع و آثار خوبی ها، انسان را برای انجام معروف آماده می سازد. امام رضا (ع) می فرماید: «اگر مردم زیبایی های سخنان ما را بدانند، حتماً پیرو ما می شوند.» (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۶۵)

نمونه هایی از برکات و اسرار معروف

- احسان ما به مردم، سبب احسان خداوند و مردم به ما می شود. (إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنَّا لِنَفْسِكُمْ؛ اسراء/ ۷)
- صدقه دفع بلا می کند. (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۰)
- زکات، مال را بیمه می کند. (همان، ج ۱۰، ص ۹۹)
- عفو از مردم، کلید عفو الهی از ماست. (نور/ ۲۲)
- روزه، وسیله سلامتی است. (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۶۲، ص ۶۷)
- کارهای نیک شما، گناهانتان را از بین می برد. (هود/ ۱۱۴)
- یاد خدا، تنها وسیله آزمایش است. (رعد/ ۲۸)

۶. دعوت از طریق اعمال

در قرآن، بارها از کسانی که مردم را به حق دعوت می کنند، ولی خود را فراموش کرده اند، انتقاد شدید شده است. «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/ ۲) کسی که اینگونه باشد، گرفتار قهر بزرگ الهی می شود. «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/ ۲)

حضرت شعیب (ع) به مردم می فرماید: «وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ» (هود/ ۸۸) من در ترک آنچه شما را نهی می کنم، پیشگام هستم.

حضرت علی (ع) می فرماید: «خدا لعنت کند کسانی را که امر به معروف می کنند، ولی خودشان به آنچه می گویند، عمل نمی کنند. مردم را نهی از منکر می کنند، ولی خودشان مرتکب آن گناه می شوند. (نهج البلاغه/ خطبه ۱۲۹)

به عنوان مثال: اگر معلم در کوچه پوست خیاری دید و با نوک پا آن را کنار زد تا کسی زمین نخورد، شاگردان با دیدن این حرکت، از آن به بعد پوست خیار در خیابان و کوچه نمی اندازند. یا اگر رئیس اداره، هنگام ورود به اداره،

چراغ‌های اضافی را خاموش کند، سایر کارمندان تکلیف خود را می‌فهمند. همچنین اگر مسئولین مملکتی در صف اول نماز جمعه و جماعات باشند، نمازخانه‌ها و مساجد پر می‌شود. و بر عکس، اگر چهره‌های سرشناس خلافی انجام دهند، راه گناه را به روی دیگران باز می‌کنند.

در روایات آمده است: حضرت علی(ع) با یک مسیحی همسفر شدند. به دو راهی رسیدند و هر یک باید از راهی می‌رفت. اما حضرت علی(ع) در مسیر مسیحی حرکت کرد. مسیحی از او پرسید: راه شما آن جاده است. امام(ع) فرمود: می‌دانم، لکن اسلام سفارش کرده است که هر گاه دو نفر همسفر شدند، نسبت به یکدیگر حقی پیدا می‌کنند و من خواستم مقداری شما را بدرقه کنم. مسیحی به خاطر این برخورد حضرت، مسلمان شدند. (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۴، ص ۱۰۳)

نکات کاربردی و اجرایی در برخورد با افراد

چند نکته کاربردی و اجرایی در برخورد با افراد، هنگام امر به معروف و نهی از منکر یادآوری می‌شود.

۱. شخصیت دادن

هرگز با توهین، تحقیر و اهانت، به خصوص در حضور دیگران، نمی‌توان کسی را به کار نیک جذب کرد، یا او را از کار زشت، بازداشت. بلکه این گونه برخورد، گاهی عامل لجاجت می‌شود و شرایط را بدتر می‌کند. شخصیت قائل شدن به طرف و برخورد احترام‌آمیز، او را بهتر جذب می‌کند.

۲. توجه دادن به کرامت انسان

خیلی‌ها از روی غفلت به مکان و جایگاه ارزشی انسان نزد خدا و در عالم خلقت، به مفاسد روی می‌آورند و از نظر سیمای انسانی مسخ می‌شوند. توجه دادن انسان به مقام و شأن او و اینکه اگر بخواهد، از فرشتگان هم برتر می‌شود و به مقام اولیای الهی می‌رسد و حیف است که انسان مسجود ملائک، هم سخن با خدا و برترین مخلوق، خود را به انحطاط اخلاقی بکشاند. در این زمینه نمونه آوردن از انسان‌های شایسته، مهذب و الگوهای متعالی سودمند است.

۳. زمینه سازی

بسیاری از تذکرها و درخواست‌ها اگر بدون زمینه چینی‌های لازم انجام شود، بی اثر است. شیوه تدریج و قدم به قدم، مؤثرتر است. ذکر نکات و مقدماتی که آمادگی فکری و روحی طرف را برای پذیرش فراهم سازد، تأثیر کلام را بیشتر می‌کند. نکاتی در مرحله مقدمه چینی و زمینه سازی باید مطرح شود که از نظر منطقی یا عاطفی، در ارتباط با نتیجه نهایی مورد نظر باشد.

۴. رعایت ادب و متانت

ادب در گفتار و رفتار، عامل جذب است. نوع گفتار و عمل شخص باید چنان باشد که طرف را تسخیر کند. در پی آن، تذکرها و امر نهی‌ها اثر خود را می‌بخشد. بد زبانی، هتاک، گفتارهای نیشدار و تندخویانه، عامل دفع است و اثر را خنثی می‌سازد.

۵. جلب اعتماد

با دیگران باید به گونه‌ای برخورد کرد که به ما اعتماد پیدا کنند و حرف‌های ما را از روی خیر خواهی بدانند و باورشان آید که خیر آنان را می‌خواهیم و هیچ غرض خاص یا عدواتی در میان نیست.

۶. هم‌زبانی

با هر کس به زبان خاص خودش باید حرف زد. راه‌های نفوذ در دل‌ها و تأثیرگذاری در مخاطبان متفاوت است. شناخت زبان و ویژگی‌های روحی خاص طرف و وارد شدن از همان در، ضامن توفیق بیشتر است. مثلاً با کودکان و نوجوانان باید به نحوی سخن گفت و با بزرگسالان و جوانان به نحوی دیگر. با افراد با سواد به نحوی و با بیسوادان به نحو دیگر. شناخت روحیات مخاطبین بسیار مهم است.

۷. تذکر خصوصی

مثل همان آینه که گفته شد: بی‌غرض است و عیب و کاستی را به خود شخص نشان می‌دهد. گاهی تذکر دوستانه و خصوصی مؤثرتر از افشاگری در ملاء عام و در حضور دیگران است. اینگونه تذکر، عامل جلب اعتماد طرف و ایجاد روحیه اطمینان و خوشبینی به تذکر دهنده است.

۸. غیرمستقیم

تذکر مستقیم به اشخاص، گاهی سبب کدورت می‌گردد. از باب «به در می‌گوید تا دیوار بشنود»، اگر غیر مستقیم تذکر داده شود، مناسب‌تر است. در قرآن کریم، گاهی خداوند خطاب به بعضی پیامبران، لحنی عتاب‌آمیز دارد، در حالی که مخاطب خدا در واقع مردم‌اند.

۹. برخورد منطقی و قانع‌کننده

عقل و منطق، نیروی کارساز در وجود انسان است. اگر تذکر و امر نهی انسان، به نحوی منطقی و قانع‌کننده باشد که طرف، راهی جز پذیرفتن نداشته باشد، مفیدتر است. برخورد تحکم‌آمیز و آمرانه، گاهی سود نمی‌بخشد. خیلی‌ها اگر از نظر عقلی و منطقی، نسبت به خوبی یا بدی کاری قانع شوند، آن را می‌پذیرند. در اینجا تسلط امر به معروف و ناهی از منکر به یک بحث و رفتار منطقی و معقول، ضروری است. اجبار، تحمیل، زورگویی و تحمیل عقیده، اثر معکوس می‌گذارد.

۱۰. ارائه راه حل و جایگزین

تنها انتقاد کردن و نهی و بازداشتن، کارساز نیست. گاهی برای رفع یک مشکل، باید راه حل ارائه داد و برای جلوگیری از یک عمل ناپسند، جایگزین فراهم ساخت، مثل اینکه برای نهی از اسراف، انفاق را طرح کرد و برای فیلم‌های مبتذل، فیلم‌های سالم معرفی کرد. صرفاً ایجاد بن بست و راه‌بندان، علاج کار نیست، راهگشایی مفیدتر است.

۱۱. از بین بردن زمینه‌ها

مفاسد، گناهان و انحرافات، هر کدام در شرایط خاصی پدید می‌آید و عواملی سبب جرائم می‌گردد. با از بین بردن زمینه‌ها می‌توان مرتکبین خلاف را خلع سلاح کرد؛ مثلاً بیکاری عامل فساد است، ایجاد اشتغال و پر کردن اوقات فراغت مفید است. اگر دوستان ناباب عامل انحراف است، باید دوستان را عوض کرد، اگر در اختیار داشتن پول، امکانات و وسیله سبب بعضی تخلفات است، آن‌ها را از دست اشخاص باید گرفت، اگر تنها ماندن و جای خلوت، سبب ارتکاب بعضی گناهان است، شخص را نباید تنها گذاشت، اگر فقر، عامل فساد است، باید زندگی افراد را تأمین کرد تا به گناه نیفتند. هر چند که با عامل درونی ایمان، باید افراد را در مقابل زمینه‌های گناه آفرین بیمه نمود.

۱۲. بهره‌گیری از تشویق

گاهی تشویق خوبان، عامل بازدارنده از بدی‌هاست. استفاده از تشویق به جای تنبیه و توبیخ، انگیزه نیکی را می‌افزاید. در برخورد با افراد هم‌اگر روی صفات خوب آنان انگشت بگذاریم و تشویقشان کنیم، آنگاه از کار ناشایستی انتقاد کنیم، آن تقدیر قبلی زمینه پذیرش انتقاد بعدی می‌شود. پس نباید تنها عیوب و خطاها را دید.

۱۳. آگاه ساختن

گاهی جهل و بی‌خبری و توجیه نبودن به عواقب سوء یک گناه یا آثار سازنده و مثبت یک معروف، عامل معصیت یا ترک واجب است. چه بسا اگر جوانان به زیان‌های خود ارضایی یا مواد مخدر یا برخی فیلم‌ها، دوستی‌ها و خوردنی‌ها پی ببرند. دست از آن کار بردارند. بالا بردن سطح فکر و فرهنگ اجتماعی مفید است. از طریق کتاب، آموزش و جلسات توجیهی می‌توان این آگاهی را به مردم داد. برای بعضی که زمینه دینی و تربیت مذهبی دارند، یاد کردن از ثواب و عقاب اعمال، نقش مهمی در جلوگیری از گناه یا تشویق به خوبی‌ها دارد.

۱۴. آسان‌گیری

سخت‌گیری عامل گریز است. امید بخشیدن، کارها را آسان گرفتن، توبه را پذیرفتنی دانستن، از اشتباهات گذشته چشم پوشیدن و گاهی تغافل کردن، از نمونه‌های آسان‌گیری است. گاهی بعضی‌ها از این جهت گریزانند که فکر می‌کنند، دین‌داری یعنی؛ محرومیت، ممنوعیت، محبوس شدن، پرهیز از تفریحات و خنده و شادی. سعه صدر، تحمل و ظرفیت نشان دادن، عامل جذب است و انعطاف نشان دادن، بعضی را بهتر به طرف پاکی و دین‌داری می‌کشاند.

۱۵. از راه دوستی

صمیمی بودن و انس گرفتن با کسی، سبب می‌شود، بهتر بتوان در او تأثیر گذاشت. محبت قوی‌ترین عامل جذب است. اگر به دیگران محبت نشان دهید و با آنان دوست شوید، از این راه بهتر می‌توانید، تأثیر بگذارید. بیگانه شمردن مخاطب و از موضع بالا حرف زدن و نصیحت کردن، کم تأثیر است. عاطفه را باید به کار گرفت و قلعه دل‌ها را تسخیر کرد.

۱۶. الگو

معرفی الگو برای جذب به خوبی‌ها، ترک بدی‌ها و منکرات، مؤثر است. هم خود فرد، با رفتار خودش باید الگوی دیگران باشد، هم با طرح، تقدیر و تشویق الگوهای شایسته، زمینه جذب دیگران را می‌توان فراهم کرد. کسی که در جایگاه، الگویی قرار گرفت، حرف‌ها و رفتارهایش برای دیگران حجت می‌شود. شایستگی گفتاری و رفتاری الگوهای جوانان را باید هرچه بیشتر مطرح نمود.

۱۷. تقویت ایمان

موثرترین عامل جلوگیری از منکرات و ارتکاب گناهان داشتن ایمان به خدا، پیامبر (ص)، قیامت، بهشت و جهنم است. گرچه گاهی فقر، بیکاری، جوانی، زیبایی، ریاست، خلوت و ... عامل گناه است و برای جلوگیری از گناه باید با تک‌تک این عوامل برخورد مناسب کرد، ولی نقش عمده از آن ایمان مذهبی است. اگر خدا ترسی در وجود اشخاص زنده و فعال باشد، بر همه عوامل یاد شده غلبه می‌کند. نتیجه اینکه باید با پند، تذکر، آموزش، کار فرهنگی و تبلیغی، عقیده و ایمان را در اشخاص تقویت کرد، تا عامل بازدارنده درونی داشته باشند. اگر ایمان باشد، محیط پر از گناه و آلودگی، تأثیر چندانی نمی‌تواند، داشته باشد.

نتیجه

از ویژگی‌های اسلام این است که این آئین جاودانه آسمانی، آئین تکروری و تک مسئولیتی نیست. بلکه آئینی است که پیوند اجتماعی و مسئولیت عمومی افراد مسلمان را نیز در تار و پود خود جای داده است. مسئولیت فردی را از مسئولیت اجتماعی در تعالیم اسلامی، نمی‌توان تفکیک کرد. اگر در مسیحیت رایج، رهبانیت، عزلت و گوشه‌گیری از اجتماع به عنوان یک اصل مطرح شده (که البته بدعتی بوده از سوی ارباب کلیسا و در شریعت حضرت عیسی (ع) وجود نداشته است) و تز «کار خدا را به خدا و کار قیصر را به قیصر واگذارید!»، در عمل الگوی پیروان این آئین می‌باشد، اما در اسلام، انزوا، رهبانیت و ترک اجتماع منسوخ است و جایگاهی ندارد. از سخنان گهربار پیامبر گرامی اسلام است که «لارهبانیه فی الاسلام» (مجمع البحرین، ماده رهب) در اسلام رهبانیت نیست.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای بزرگ است که اجرا و احیای دیگر ارزش‌ها مبتنی بر این فریضه معرفی شده است، تا آن جا که دیگر فرائض، حتی جهاد در راه اعلای کلمه حق و استخدام سلاح برای ریشه کن ساختن فساد، در راستای امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است با اهمیتی که این فریضه دارد، بدون برخورداری از قدرت لازم، اجرای آن امری ناممکن و یا عملی بی حاصل است. از این رو بایسته است پیش از اجرای این فریضه، قدرت لازم را کسب نمود. اما نباید با این بهانه که از قدرت لازم برخوردار نیستیم، از زیر بار مسئولیت این فریضه شانه خالی کرد.

یک مسلمان نباید نسبت به سرنوشت جامعه و وظیفه‌ای که در قبال انسان‌ها دارد بی‌تفاوت باشد. «اصل انسان دوستی» در اسلام ایجاب می‌کند که مؤمن نسبت به هم‌نوع خود - به ویژه مسلمانان - احساس همبستگی کند و در انجام مسئولیت اجتماعی و انسانی خود مجذانه بکوشد و حتی رنج تن را برای راحت دیگران به جان خریدار باشد.

وظیفه مقدّس هدایت و امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها، قبل از هر چیز، در شأن رسالت‌داران خدا و پیام‌آوران بوده و هر کس در این مسیر گام بردارد، قدم جای قدم انبیاء نهاده است و نباید کار خود را کوچک بیندارد و از مشقت‌های این راه بهراسد و کاسه صبرش لبریز شود؛ چرا که پیامبران خدا بیشترین رنج و مصیبت را در طریق دعوت، هدایت، ابلاغ امر و نهی الهی پذیرا شدند و خارهای راه را به جان خریدند و در این راه تا سر حد شهادت، تبعید، شکنجه، تهدید، تحمل تکذیب و تمسخر، به پیش رفتند، و چنین بودند اولیای خدا و ائمه هدی (ع) پس از پیامبر گرامی اسلام، در هر عصری که تاریخ رسالت و دعوت با شکنجه، رنج، تهدید، تمسخر، قتل و مصیبت همراه بود.

بنابراین آنان که در راه این دو وظیفه قدم برمی‌دارند، کاری پیامبرانه می‌کنند و باید به ارزش عمل خود ایمان و اطمینان داشته باشند و در آن تساهل و تسامح نکنند که این شیوه سازشکاران است و آنان در شریعت متعالی اسلام، محکوم‌اند.

چراغ داری در طریق هدایت انسان‌ها، سوختن و ساختن دارد و چنین بهایی را داعیان الی الله و آمران به معروف و ناهیان از منکر باید بپردازند؛ چنانکه انبیا، ائمه و اولیای خدا پرداخت چنین بهایی به منزلت طلایه داران توحید نمی‌توان رسید و این در طبع قضیه امر به معروف و نهی از منکر نهاده شده است! چرا که مرتکبین معاصی را سخن حق خوشایند نیست و آنجا که امر و نهی در تضاد با هواهای نفسانی است، آنان را به مخالفت و موضع‌گیری می‌کشاند.

در پایان نکات مهمی را که از آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، برداشت می‌شود، به عنوان نتیجه نهایی این

مقاله بیان می‌شود:

۱. باید بین قول و عمل امر به معروف و ناهی از منکر هماهنگی وجود داشته باشد، تا امر و نهی تأثیر داشته باشد و یکی از شرایط تأثیر امر به معروف و نهی از منکر، عمل به گفته‌های خود عمل نمی‌کنند، نمی‌باشد. بدانند.
۲. یکی از شرایط واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر می‌باشد.
۳. فرقی میان منافقین با کسانی که امر و نهی می‌کنند، اما به گفته‌های خود عمل نمی‌کنند، نمی‌باشد.
۴. امر به معروف و نهی از منکر واجب فوری می‌باشد.
۵. امر به معروف و نهی از منکر باید استمرار داشته باشد.
۶. علم داشتن به معروف و منکر از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.
۷. کسی که دیگران را ارشاد می‌کند، باید ارشادگر خود نیز باشد.
۸. امر به معروف و نهی از منکر مقطعی و مختص به افراد خاصی نیست.
۹. امر به معروف و نهی از منکر نمودن در هر حالی لازم و ضروری است.
۱۰. بیان نیکو و زبان خوش نقش بسزایی در پذیرفتن امر و نهی دارد.

منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. امر به معروف و نهی از منکر، (۱۳۷۶)، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ سوم، تهران
۴. خمینی، روح الله، (۱۳۸۷)، تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی دارالعلم، قم
۵. عاملی، شیخ حر، (۱۴۰۳ق)، وسایل الشیعه، ۲۰ جلد، کتاب فروشی اسلامی، تهران
۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۳ق)، بحار الانوار، ۱۱۱ جلد، چاپ بیروت، دارالاضواء
۷. محدثی، جواد، (۱۳۷۶)، راه رشد (امر به معروف و نهی از منکر)، ستاد احیاء امر به معروف، قم
۸. مدنی بجستانی، سید محمود، (۱۳۷۶)، دو فریضه برتر در سیره معصومین، نشر معروف، چاپ دوم، قم
۹. قرائتی، محسن، (۱۳۷۷)، امر به معروف و نهی از منکر، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ هفتم، قم

نقش پرستشگاه‌ها در گسترش امر به معروف و نهی از منکر بررسی تطبیقی آثار منتخب ادبیات انگلیسی و فارسی

دکتر محمد هادی جهان‌دیده^۱

چکیده

در شریعت اسلام از پرستشگاه‌ها به عنوان اماکن گسترش دهنده «معروف» و «منکر» در جامعه یاد شده است. از طرفی، «معروف» و «منکر» در زمره مضامین اصلی و بن‌مایه‌های اساسی ادبیات منظوم و مثنوی جهان قرار دارند. در عین حال، نوع نگرش نویسندگان منتخب و طرز تلقی آن‌ها از این مفاهیم همواره تحت تأثیر محیط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آنان قرار داشته است. هدف اصلی از این پژوهش آنست که با نقد ادبی آثار منتخب این نویسندگان، مصادیق معروف و منکر را در پهنه گسترده متون ادبیات انگلیسی و فارسی مورد واکاوی قرار دهیم. این امر، به نوبه خود، ما را از نقش مؤثر پرستشگاه‌ها در ترویج معروف و زدودن منکر از چهره جامعه آگاه می‌سازد. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی همراه با رویکرد تطبیقی است. در این مقاله، پژوهشگر با استفاده و جمع‌آوری داده‌ها از منابع موجود کتابخانه‌ای، به بررسی نگرش‌های متفاوت این نویسندگان نسبت به پدیده خلقت، معانی خیر و شر، ویژگی‌های شهروند مسئول و در نهایت، آینده بشریت می‌پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن هستند که پرستشگاه‌ها در نظر تمامی ادیبان منتخب، بیش از آنکه به پیروان آیین خاصی تعلق داشته باشند، پناهگاه‌های امن و مقدسی هستند که باید از آن‌ها در جهت گسترش معروف در جامعه، ترویج عدالت و تنویر افکار نسل جوان استفاده کرد. در واقع، مفاهیم معروف و منکر در آثار ادبی منتخب، بیش از آنکه زاینده غلیان‌های احساسی، باورهای دوگانه و بسترهای فرهنگی این نویسندگان باشند، بر پایه اصولی تعریف شده‌اند که در جای خود دلیل راه شهروندان مسوول دنیای کنونی می‌باشند.

واژگان کلیدی: پرستشگاه، خیر، شر، معروف، منکر، حقوق شهروندی، فرهنگ

مقدمه

با وجود گذشت دو سده از پیدایش «بیداری» یا «خیزش» اسلامی در اقصا نقاط جهان همچنان نقش پرستشگاه‌ها و رهبران آگاه در شکل‌گیری این حرکت‌ها و گسترش امر به معروف و نهی از منکر در جوامع، پررنگ و ملموس است. البته این نکته شایان ذکر است که در مسیر این حرکت‌ها همواره جریان‌های سیاسی و فرهنگی متعددی شکل گرفته‌اند که در جای خود شبیه به هم، متفاوت از یکدیگر و در برخی از موارد از هدف اصلی فاصله گرفته‌اند.

با این حال، آنچه در گرداب حوادث و فراز و نشیب‌های روزگار مانع از تبدیل شدن اختلاف سلیقه‌ها به انحراف شده است، عنصر حیات بخش مساجد و راهنمایی‌های مقتدرانه رهبران آزادی خواهی همچون حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) بوده است.

همواره میان پرستشگاه‌هایی همچون کلیساها، معابد و مساجد از یک سو و پهنه گسترده ادبیات جهان تفاهم و تعاملی دوسویه برقرار بوده است. این اماکن به زیبایی در تار و پود آثار تنیده شده‌اند و از نقشی محوری در شکل‌گیری پیرنگ داستان‌ها و طرح‌های اشعار برخوردار هستند.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه زبان انگلیسی، شیراز، ایران

در باطن این پرستشگاه‌ها، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌هایی نهفته‌اند که به نوبه خود عامل فرهنگی-عقیدتی شکل دهنده و جلو برنده متون ادبی محسوب می‌گردند. از طرفی، شاعران و نویسندگان نیز به فراخور اصول جهان بینی و طرز فکر خود به مخالفت یا ملازمت ارزش‌های موجود می‌پردازند و آن‌ها را نیز در آثار خود منعکس می‌سازند. در پژوهش حاضر قصد آن داریم تا با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در دیدگاه‌های ادیبان منتخب به نقش و جایگاه پرستشگاه‌ها و به ویژه مساجد در زندگی بشریت پی ببریم. نگاهی به پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، ما را از اهمیت این موضوع آگاه خواهد ساخت.

پیشینه تحقیق

با آنکه تا کنون مقالات بسیاری حول محورها و موضوعات مرتبط با مسجد و نماز نوشته شده است اما کمتر به رابطه این مفاهیم با ادبیات پرداخته شده است. از طرفی هیچ یک از نویسندگان منتخب نیز به طور همزمان و یکجا با یکدیگر مقایسه نشده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر گام موثری جهت بررسی هماهنگ جایگاه و منزلت پرستشگاه و بالخصوص مسجد در آثار این نویسندگان خواهد بود. از جمله پژوهش‌های انجام شده می‌توان به مقاله حمید قنبری (۱۳۸۴) با عنوان «مروری بر نقش مسجد در ادبیات» اشاره کرد که وی به بررسی مفهوم مسجد در اشعار چند تن از شاعران بنام ایرانی پرداخته است. پژوهش دیگر مقاله غلامرضا گلی زواره (۱۳۸۵) «مسجد کانون قیام‌های اسلامی از آغاز تا انقلاب اسلامی» است که او در آن نقش مهم مسجد در نهضت اسلامی و ابعاد مختلف این پایگاه عبادی و سیاسی را مورد مذاقه قرار داده است. پژوهش دیگر پایان نامه کارشناسی ارشد ثریا امیری (۱۳۸۰) تحت عنوان «مسجد در جامعه اسلامی از دیدگاه آیات و روایات» است که به زعم پژوهشگر امروزه نیز باید کارکردهای مختلفی را که مسجد در صدر اسلام در جامعه اسلامی داشته است دوباره احیا کنیم و نقش همه جانبه مسجد را در جامعه اسلامی بیش از پیش پرفروغ گردانیم. در بخش بعدی به محدوده پژوهش و دامنه بحث می‌پردازیم.

محدودیت‌های تحقیق

در این تحقیق، پژوهشگر بر آن است تا تنها برخی از آثار شاعران و نویسندگان منتخب را از حیث مؤلفه‌های مرتبط با پرستشگاه مورد بررسی قرار دهد. این بدان دلیل است که انجام چنین کاری مستلزم صرف زمان کافی و تحلیل محتوای تمامی آثار با رویکرد به زندگی‌نامه نویسندگان است. لذا، به دلیل محدودیت زمان و به فراخور مجال این مقاله، فقط با نگاهی گذرا و از چشم‌انداز فرهنگی به تحلیل محتوای این آثار می‌پردازیم. نخست، آثار ادیبان انگلیسی و سپس شاعران ایرانی را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

بررسی تطبیقی مفهوم «پرستشگاه» در آثار منتخب

الف) ویلیام بلیک: ترانه‌های بی‌گناهی و ترانه‌های تجربه

"ویلیام بلیک" (۱۷۵۷-۱۸۲۷) در زمره مشهورترین شاعران جنبش رومنتیک است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره می‌توان به توجه بسیار زیاد شاعران به احساسات، نمادگرایی، طبیعت و عناصر فرا طبیعی اشاره نمود. از آنجا که پیروان این مکتب به خودجوش، تخیلی، نوآور و آزاد بودن ادبیات اعتقاد داشتند. بلیک ترانه‌های بی‌گناهی و تجربه را به ترتیب در سال‌های ۱۷۸۹ و ۱۷۹۴ منتشر کرد. امرالله ابجدیان واژه‌های بی‌گناهی و تجربه را بدین صورت تشریح نموده است:

بی‌گناهی را به معنای بی‌آزاری و نداشتن گناه به کار می‌بریم، اما هدف بلیک بی‌گناهی نیست، بلکه ناآزمودگی است. بی‌گناهی سازمان نیافته و یا ناآزمودگی، دوگانه با بی‌گناهی سازمان یافته و یا

آزمودگی، در برابر تجربه ناتوان است. از آنجا که بی‌گناهی و تجربه دو حالت از چهار حالت هستی روان انسان هستند، گذر از هر دو حالت بایسته است، اگر چه بی‌گناهی و یا ناآزمودگی، ویژه تنها کودکان و تجربه، ویژگی تنها بزرگسالی نیستند. بلیک این سروده‌ها را نمایانگر دو حالت متضاد از روان انسان می‌داند. بی‌گناهی، سرزمین بوله است و تجربه، دنیای خشن اما زنده‌ی زایش و پویایی است.

(ابجدیان، ۱۳۸۷، ۱۰۰)

سروده «تمثال خداوند» در ترانه‌های بی‌گناهی، سراسر تجسم خالق عالم در وجود انسان‌ها است. به زعم بلیک، هر جا که سخن از دلسوزی، عشق و صفا باشد در آنجا محل حضور پروردگار عالم است. به بیان دیگر، پرستشگاه‌ها تنها بهانه و مستمسکی برای یافتن خدا و محل تجمع ساده دلان و گمگشتگانی هستند که آفریننده خویش را در یک مکان خاص جستجو می‌کنند:

To Mercy Pity Peace and Love,
All pray in their distress:
And to these virtues of delight
Return their thankfulness.
For Mercy Pity Peace and Love,
Is God our father dear:
And Mercy Pity Peace and Love,
Is Man his child and care.
For Mercy has a human heart
Pity, a human face:
And Love, the human form divine,
And Peace, the human dress.
Then every man of every clime,
That prays in his distress,
Prays to the human form divine
Love Mercy Pity Peace.
And all must love the human form,
In heathen, turk or jew.
Where Mercy, Love & Pity dwell
There God is dwelling too.

(همان، ۱۰۷)

به درگاه گذشت، دلسوزی، صفا و عشق
همگان در پریشانی دعا می‌کنند
و به درگاه این پارسایی‌های شادی بخش
همگان شکر گزاری می‌کنند
زیرا گذشت، دلسوزی، صفا و عشق
خداست پدر گرامی ما،
و گذشت، دلسوزی، صفا و عشق
انسان است، فرزند و مورد توجه آن پدر
زیرا گذشت قلبی انسانی دارد،
دلسوزی چهره‌ای انسانی دارد،
و عشق کالبد خدایی انسان است،
و صلح و صفا تن پوش انسان است
بنابراین، هر انسانی آر هر آب و خاکی،
که در پریشانی دعا می‌کند،
به درگاه قالب خدایی انسان دعا می‌کند،
به درگاه عشق، گذشت، دلسوزی و صفا
و همگان باید شمایل انسانی را دوست بدارند،
چه کافر، چه ترک و چه یهودی،
هر کجا گذشت، عشق و دلسوزی مسکن‌گزینند
در آنجا نیز خدا بسر می‌برد

«روز نیکوکاری»، در ترانه‌های تجربه، بیانگر بغض و کینه ریشه‌دار بلیک نسبت به زمامداران فاسد کلیساها است. وی در این سروده خود را مدافع حقوق از دست رفته ایتم معرفی می‌کند و در پی زنگارزدایی از چهره عاملان دین مسیحیت، گسترش عدالت و تنویر افکار نسل‌های پس از خود است. در دنیای تجربه، ارزش‌ها وارونه هستند و شرارت و بدکاری به مثابه نیکوکاری هستند. وظیفه آدمی نیز آنست که با گذر از پل تجربه به بی‌گناهی سازمان یافته نائل شود. در این ترانه، شاعر با هنرمندی هر چه تمام‌تر نشان می‌دهد که چگونه کلیساها و کشیشان وابسته به دولت را نماد دنیای تجربه و دغلکاری معرفی می‌کند. این کشیشان سودجو از تعالیم دینی که خود در کلیساها به دیگران می‌آموزند بهره‌ای نبرده‌اند و زیر نقاب سرپرستی از ایتم و کودکان بی‌سرپرست، آن‌ها را به استثمار می‌کشاند. بلیک در «روز نیکوکاری»، با قلبی سرشار از حزن و اندوه چنین گلایه سر می‌دهد:

Is this a holy thing to see	آیا این چیزی مقدس است که ببینیم
In a rich and fruitful land,	در سرزمینی ثروتمند و پر بار
Babes reduced to misery,	بچه‌ها به بدبختی افتاده‌اند
Fed with cold and usurous hand?	و با دست بی‌عاطفه و رباخوار تغذیه می‌شوند؟
Is that trembling cry a song?	آیا آن لرزش، صدای ترانه است؟
Can it be a song of joy?	آیا می‌تواند ترانه شادمان باشد؟
And so many children poor?	و بسیاری از کودکان تهی دست باشند؟
It is a land of poverty!	اینجا سرزمین تهی دستی است.
And their sun does never shine,	و خورشید آن‌ها هرگز نمی‌درخشد،
And their fields are bleak and bare,	و دشت‌های آن‌ها سرد و بی‌آب و علف هستند،
And their ways are filled with thorns:	و راهشان را خارها پوشانده‌اند
It is eternal winter there.	در آنجا زمستان جاودانه است
For where'er the sun does shine,	زیرا هر کجا خورشید بدرخشد،
And where'er the rain does fall,	و هر کجا باران بیارد،
Babes should never hunger there,	بچه هرگز گرسنه نمی‌ماند،
Nor poverty the mind appall	و تهی دستی، خیال انسان را هراسان نمی‌کند.

(همان، ۱۲۷)

ب) جورج اورول: به یاد کاتالونیا و روزهای برمه

نفرت از کلیسا تا چند سده‌ها بعد از بلیک ادامه پیدا می‌کند و در به یاد کاتالونیا (۱۹۳۸) اثر جورج اورول (۱۹۵۰-۱۹۰۳) هویدا می‌شود. این سفرنامه به جنگ داخلی اسپانیا میان جمهوری خواهان و ملی‌گرایان در خلال سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ می‌پردازد. "اورول" تا حدودی نفرت از کلیساها را عامل نهضت‌های انقلابیون جمهوری خواه اسپانیا می‌داند: برای اولین بار در شهری بودم که طبقه کارگران بر مرکب نشسته بود. آنان عملاً همه بناهای بزرگ را در اختیار خویش آورده و از آن‌ها پرچم‌های سرخ، یا پرچم‌های سرخ و سیاه آنارشیست‌ها را آویخته بودند. روی هر دیواری داس و چکش یا حرف اول احزاب انقلاب را کج و کوله رسم کرده بودند. تقریباً تمام

کلیساها تخلیه و تصاویرش سوزانده شده بود. گروه‌های کار اینجا و آنجا کلیساها را منظم‌اً خراب می‌کردند. (اورول، ۱۳۶۱، ۶)

زمانی که اورول هنوز درگیر جنگ با نیروهای فاشیست ملی گرا به رهبری فرانکو است از جابجایی ارزش‌های کلیسایی با آنارشیستی در حیرت فرو می‌رود:

در شرق هواسکا تا اواخر مارس اتفاقی نیفتاد- تقریباً به معنای واقعی کلمه، هیچ اتفاقی... کاملاً غیر ممکن است که جنگ اسپانیا را صرفاً از دیدگاه نظامی آن نوشت... طبقه کارگر اسپانیا بخاطر دموکراسی و حفظ موقعیت - به عکس آنچه احتمالاً انتظار می‌رفت - در مقابل فرانکو ایستاده بود. مقاومتش همراه با اعتراضی سازش ناپذیر و انقلابی بود، یا در حقیقت می‌توان گفت از آن سرچشمه می‌گرفت. دهقانان زمین‌ها را گرفته بودند، بسیاری از کارخانه‌ها و بخش اعظم سیستم حمل و نقل در اختیار اتحادیه‌ها در آمده بود. کلیساها تخریب و کشتی‌ها تار و مار شده بودند یا به قتل می‌رسیدند. روزنامه دیلی میل توانست به تشویق مراجع روحانی، فرانکو را به عنوان وطنپرستی که کشورش را از جنگ یک ایل اهریمنی «سرخ» نجات می‌داد، معرفی کند.

(همان، ۴۸)

اورول در سفرنامه به یاد کاتالونیا اساس و عصاره تفکر آنارشیستی را در سه چیز خلاصه می‌کند که یکی از آن‌ها نفرت از کلیساها و کشیشان خائن است:

تعریف بینش آنارشیستی به این سادگی نیست. واژه نا روشن «آنارشیست‌ها» در هر حال به منظور مشخص کردن تعداد کثیری از مردمی با نقطه نظرهای متفاوت بکار می‌رود. بلوک عظیم اتحادیه‌های ث.ان.ت (کنفدراسیون ملی کارگران) حدوداً دو میلیون عضو داشت و ارگان سیاسی‌اش اف.آ.ئی (فدراسیون آنارشیستی ئیریا)، سازمانی خالص آنارشیستی بود. اهداف ث.ان.ت و اف.آ.ئی به طور کلی این بود:

۱. اعمال کنترل مستقیم کارگران بر هر یک از شعبات صنعت، یعنی در بخش حمل و نقل، کارخانه‌های نساجی و غیره.
۲. حاکمیت شوراهای محلی و مقاومت در مقابل هر گونه قهر متمرکز و اقتدارگرایانه دولتی.
۳. خصومت بی‌چون و چرا علیه بورژوازی و دستگاه کلیسا.

(همان، ۵۹)

در روزهای برمه (۱۹۳۴)، معابد را هم به تیر نقد می‌سپارد و با نگاهی از سر تمسخر آن‌ها را پناهگاه‌های امنی برای آن دسته از مجرمانی معرفی می‌کند که به خیال خام خود قادر به فریب پروردگار هستند. این رمان ماجرای اهداف شیطنی اصلی‌ترین شخصیت داستان یعنی یوپو کین رئیس دادگاه فرعی بخش کیائوکتادا در ناحیه علیای برمه است. تنها آرزوی این شخصیت پلید که تا حد زیادی از عقده خود کم بینی وی سرچشمه می‌گیرد، نشست و برخاست با انگلیسی‌ها به عنوان صاحبان نژاد و فرهنگ برتر است. یوپو کین که دست خود را به جرائم مختلفی از قبیل رشوه خواری،

دزدی، فحشا و برده داری آلوده کرده است، گمان می‌کند که ثواب‌ها و کمک‌های وی به صومعه‌ها و معابد وی را عاقبت بخیر خواهند نمود. اورول می‌نویسد:

او [یوپو کین] عملاً آسیب ناپذیر بود...، انسان می‌توانست به جرات ادعا کند که وی هیچگاه مشتتس باز نخواهد شد و همیشه با موفقیت قرین خواهد بود و سرانجام دار فانی را با چنان افتخار کاملی وداع خواهد گفت که چندین لک (چند صد هزار) روپیه ارزش خواهد داشت. حتی پس از مرگ نیز موفقیت‌هایش ادامه خواهد داشت...، یوپو کین...، در نظر داشت در سال‌های آخر حیات خود آنقدر کار ثواب ذخیره نماید که کفه ترازو را به نفع خود سنگین کند. شاید کارهای نیک وی به صورت ساختن پاگوداها درآمد. چهار معبد، پنج تا، شش تا، هفت تا - کاهنان به وی خواهند گفت چند تا - با کنده کاری‌های سنگی، چترهای زراندود و تعدادی از زنگوله‌های کوچک که با وزش باد به صدا درآیند و هر جرننگ و جرننگ زنگوله‌ای داعی به حساب وی منظور شود. سپس با قالب انسانی به زمین باز خواهد گشت.

(اورول، ۱۳۶۳، ۴)

"یوپو کین" از اینکه عضویت وی در باشگاه اروپائیان تنها با حذف دکتر وراسوامی تحقق می‌یابد آگاه است و برای رسیدن به این هدف از کوباسین، متصدی دفتر قائم مقام کمیسیونر، کمک می‌گیرد. گفتگوی ذیل میان یوپو کین و کوباسین حاکی از تلاش وی در توطئه سازی علیه رقیب خود است:

[یوپو کین] می‌خواهیم به یک حمله هماهنگ شده علیه دکتر وراسوامی، که یک جراح عمومی و رئیس زندان است، دست بزنیم. می‌خواهیم به او تهمت بزنیم. شهرتش را لکه‌دار کنیم و سرانجام او را از بین ببریم. عمل حساسی خواهد بود، به طور وضوح مورد اتهام باید خیانت، ملی‌گرایی، تبلیغ به آشوبگری و عصیان باشد. باید اروپائیان را متقاعد کنیم که دکتر دارای عقیدات خیانت آمیز و ضد انگلیسی است. آن‌ها از کارمند بومی انتظار دارند که رشوه بگیرد. ولی بگذاریم حتی یک لحظه هم در وفاداری او شک کنند، کارش ساخته است.

[کوباسین]: اثبات این کار بسیار مشکل است. دکتر به اروپائیان بسیار وفادار است و وقتی که حرفی علیه آنان زده می‌شود عصبانی می‌شود آن‌ها این را می‌دانند، عقیده شما چیست؟ [یوپو کین]: مزخرف است، مزخرف است. هیچ اروپایی به فکر دلیل در این مورد نیست. اگر مردی چهره ای سیاه داشته باشد، شک، خود دلیل است.

(همان: ۹)

رمان *روزهای برمه* سرانجام با سگته مغزی یوپو کین و راهی شدن وی از زندگی نکبت بارش به سوی دوزخ خاتمه می‌یابد. گویی خداوند مکافات افراد کج اندیشی همچون یوپو کین را در همین دنیا قرار داده است. به عقیده اورول، هرگز با عوام فریبی و توسل دروغین به معابد و سایر پرستشگاه‌ها نمی‌توان راه رستگاری را پیمود.

ج) سعدی شیرازی: بوستان و غزلیات

جایگاه سعدی شیرازی (۶۹۱-۶۰۶ هجری قمری) سخن سرای نامدار ایرانی در ادبیات فارسی رفیع تر از آن است که نیازمند تذکر و تأیید باشد. در این پژوهش، تنها دو نمونه از شاهکارهای ادبی سعدی یعنی بوستان (۶۵۵-هجری قمری) و غزلیات وی را از حیث مفاهیم پرستش و پرستشگاه بررسی می‌کنیم. این مفاهیم در کنار سایر مقوله‌های بنیادی مرتبط با

رفتار بشر و با اهتمام به آموزش تربیتی و پرورش اخلاقی افراد جامعه به شیوایی هر چه تمام جلوه گر شده‌اند. سعدی در **غزلیات** خود چندین بار بر اهمیت خلوص، یکدلی در پیمودن طریقت حق پای می‌فشارد:

خرقه بر دوش و میان بسته به زنار چه سود؟	روی در مسجد و دل ساکن خمار چه سود؟
لاف ایمان زدنش بر سر بازار چه سود؟	هر که او سجده کند پیش بتان در خلوت
سر چو بی مغز بود نغری دستار چه سود؟	دل اگر پاک بود خانه ناپاک چه پاک
قوت ادویه و ناله بیمار چه سود؟	چون طبیعت نبود قابل تدبیر حکیم
عمر اگر صرف شود در سر تکرار چه سود؟	قوت حافظه گر راست نیاید در فکر
چون سعادت نبود کوشش بسیار چه سود؟	عاشقی راست نیاید به تکبر سعدی

به عقیده شیخ اجل، شرط مسلمانی و نشانه ایمان بیش از آنکه رفتن به مسجد و انجام واجبات شرعی باشد، رعایت رفتار انسانی و احترام متقابل نسبت به دیگران است. حکایت رویارویی عالمی متکبر با جوانی غیر مسلمان در کتاب **بوستان** شاهی بر همین نکته است:

به مستوری خویش مغرور گشت	فقیهی بر افتاده مستی گذشت
جوان سر بر آورد کای پیرمرد	ز نخوت بر او التفاتی نکرد
که محرومی آید ز مستکبری	تکبر مکن چون به نعمت دری
بادا که ناگه درافتی به بند	یکی را که در بند بینی مخذ
که فردا چو من باشی افتاده مست؟	نه آخر در امکان تقدیر هست
مزن طعنه بر دیگری در کنشت	تو را آسمان خط به مسجد نشست
که زنار مغ بر میانست نیست	ببند ای مسلمان به شکرانه دست
به عنفش کشان می‌برد لطف دوست	نه خود می‌رود هر که جویان اوست

از نظر استاد سخن، سعدی علیه الرحمه، انسان به شرط برخورداری از صفای باطن و نیت پاک می‌تواند جلوه حضور پروردگار را در تمامی پرستشگاه‌ها اعم از مسجد، کنیسه و کلیسا مشاهده کند. این جهانی‌بینی و طرز تفکر در اشعار شاعران معاصر همچون محمد رضا آغاسی نیز ادامه یافته است.

د) محمد رضا آغاسی: ساقی سرمست ما، نماز، روح نماز

مرحوم حاج محمد رضا آغاسی (۱۳۸۳-۱۳۳۸)، مداح و شاعر مذهبی شیعه، کلمه مسجد را در اشعار دلنشین خود با تلاش نستوه خود برای بیداری اسلامی و هدایت مردم به ویژه نسل جوان به کار می‌برد. وی همچون بیشتر شاعران متعهد پیش از خود، اخلاص در عمل، تواضع و بندگی به درگاه ایزد منان را از شرایط قبولی اعمال عنوان می‌کند. از نظر این شاعر خودساخته، تمامی ادیان مظهر نور حق و تمامی پرستشگاه‌ها جایگاه تبلور عظمت الهی هستند. وی در شعر «ساقی سرمست ما» اینگونه اندرز می‌دهد:

ساقی سرمست ما دیوانه نیست	سرگذشت انبیا افسانه نیست
آنچه در دستور کار انبیاست	جنگ با مکر و فریب اغنیاست
چیست در انجیل و تورات و زبور	آیه‌های نور و تسلیم و حضور
جمله ادیان ز یک دین بیش نیست	جز الوهیت رهی در پیش نیست

خانقاه و مسجد و دیرو و کشت
لیک در بتخانه دیدم بی عدد
یا صمد یعنی که ما را بشکنید
گر سبک گردیم در آتش چو دود

هر که را دیدم به دل بت می سرشت
هر صنم سرگرم ذکر یا صمد
پیکر ما را در آتش افکنید
می توان تا مبدأ خود برگشود
(منابع اینترنتی، ۱)

مرحوم آغاسی با شور حالی کم نظیر در شعر «نماز»، مساجد را یکی از روحبخش ترین اماکن مذهبی و خانه سرور و شادی معرفی می کند:

به آوای خروسان سحر خیز
به آب دیده دل را شستشو کن
مساجد خانه نور سرورند
زجا برخیز هنگام حضور است
مسلمان بی نمازی ناسپاسی است
تو بنگر گاه قرآن مبین را
نماز آرام جان مؤمن است
خوشا آنان که دائم در نمازند

سحر سر میزند از خواب برخیز
پس آنگه جانب معشوق رو کن
تجلی گاه آیات حضورند
اگر موسی شوی هر گوشه تورا است
نماز اول قدم در خود شناسیست
مروری کن صفات مؤمن را
ستون آسمان پیمای دین است
تمام عمر قائم بر نمازند
(همان)

اکنون، به عنوان حسن ختام این بحث، روح خود را با شعر «روح نماز» این شاعر تسلی می بخشیم:

ما را نظری به غیر الله مباد
هر چند که دست ما به جز آه مباد
امروز بشارتی عظیم دادند
وقتی که مؤذن به نماز می خواند
زان روز که تو اهل نمازم کردی
تا بر قدمت روی نیاز آوردم
یک قوم پر از سوز و گدازت خواندند
قوم دگری بریده از راه حجاز

بر در گه عشق غیر از این راه مباد
از دامن اهل بیت کوتاه مباد
راهی به صراط مستقیم دادند
سجاده ای از جنس نسیم دادند
در وادی سجده سر فرازم کردی
از منت خلق بی نیازم کردی
قومی ز نیاز بی نیازت خواندند
ای روح نماز، بی نیازت خواندند
(همان)

۵ نتیجه گیری

آنچه مایه پیوند آثار این شاعران و نویسندگان منتخب به یکدیگر می شود، حس عدالت خواهی آن‌ها نسبت به مفاهیم پرستش و پرستشگاه است. به نظر تمامی این ادیبان، پرستشگاه‌ها بیش از آنکه به پیروان دین یا مذهب خاصی تعلق داشته باشند، پناهگاه‌های امن و مقدسی هستند که باید با منش پاک و خلوص نیت در آن‌ها پای نهاد. مساجد نیز به عنوان یکی از این پرستشگاه‌ها و پایگاه‌های فرهنگی صاحب قدرتی فراوان در ترویج عدالت و تسخیر دل‌ها می‌باشند. از این رو باید از این حریم‌های امن الهی در جهت تنویر افکار نسل جوان و گسترش ارزش‌های اسلامی استفاده بهینه کرد.

منابع

۱. ابجدیان، امرالله (۱۳۸۷) تاریخ ادبیات انگلیس، جلد نهم، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.
۲. امیری، ثریا (۱۳۸۰) «مسجد در جامعه اسلامی از دیدگاه آیات و روایات». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول الدین، قم.
۳. اورول، جورج (۱۳۶۳) روزهای برمه، اول، تهران، آوا.
۴. -----، ----- (۱۳۶۱). به یاد کاتالونیا. تورج آرامش. تهران. نشر آگاه
۵. سعدی، مصلح الدین عبدالله. (۱۳۶۱). غزلیات سعدی. به تصحیح حبیب یغمایی. تهران. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. قنبری، حمید (۱۳۸۴) "مروری بر نقش مسجد در ادبیات" موجود در پایگاه اینترنتی: <http://www.ido.ir/a.aspx?a=1384053101>
۷. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵) «مسجد کانون قیام‌های اسلامی از آغاز تا انقلاب اسلامی» موجود در پایگاه اینترنتی: www.hawzah.net/fa/MagArt.html?MagazineID

منابع اینترنتی

1. See, <http://www.aghasi.blogfa.com/>
2. See, <http://fa.wikisource.org/wiki/.../>

مطالعه تجربی آگاهی از حقوق شهروندی

(بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران ۱۳۹۰)

سیده حمیده سلیم بهرامی^۱

علی جان حسینی^۲

ام کلثوم غلامحسین زاده^۳

حسین احمدی^۴

چکیده

اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت فعالیت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند. از سوی دیگر شهروندان در جامعه نه تنها حقوقی دارند بلکه دارای مسئولیت‌هایی می‌باشند. این مقاله به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران^۵ می‌پردازد. تحقیق از نوع زمینه یابی است که از مشاهده پدیده‌ها به منظور معنا دادن به جنبه‌های مختلف اطلاعات به دست می‌آید. جامعه آماری کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران است. تعداد نمونه (۲۹۷ نفر) در نظر گرفته شده است. شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای و ابزار تحقیق پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰٫۸۶۱۳ بوده است. نتایج نشان داد: بین امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، میزان دسترسی به منابع، تعهد شهروندی، طبقه اجتماعی و جنسیت اساتید با آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی رابطه وجود دارد. با بکارگیری از روش مرکزی (Enter) از رگرسیون چند متغیره به این محاسبه رسیدیم که امنیت اجتماعی به میزان ۴۰٪، مشارکت اجتماعی به میزان ۱۴٪، دسترسی به منابع به میزان ۱۷٪، بر شکل‌گیری و آگاهی از حقوق شهروندی مؤثر اند. در نهایت با توجه به میزان R2 بدست آمده می‌توان گفت این بررسی به همراه متغیرهایش تقریباً ۳۸٪ موضوع تحقیق را مورد پوشش خود قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، دانشگاه، زمینه یابی، مازندران

مقدمه و طرح مسئله

ایده شهروندی به‌طور جدی برای اولین بار با نقد شهروندی قرون وسطی و با برگشت به تجربه روم و یونان باستان، در دوره رنسانس مطرح شد و در سال ۱۷۸۹ میلادی در جریان انقلاب فرانسه اعلامیه‌ای نوشته و به‌طور رسمی از عبارت «حقوق شهروندی» نام برده شد. شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. برای این که «شهروندی» دارای مفهوم و جوهره واقعی باشد شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۲. عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان گروه علوم اجتماعی، آشتیان، ایران A.Hasani@acecr.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۴. کارشناسی ارشد مدیریت آموزش، دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۵. این مقاله بخشی از طرح پژوهشی است که با اعتبارات و حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی با نظارت اساتید دانشگاه آزاد اسلامی مازندران به انجام رسیده است.

شفاف مورد قضاوت قرار گیرند لذا «شهروندی» در ابتدا خودش یک حق است و در ادامه زاینده‌ی حقوق متعدد دیگری برای شهروند است. از این رو «شهروندی» توانائی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند و زندگی آن‌ها از پیش بوسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت و یا صرفاً از روی یکی از هویتشان تعیین نمی‌شود. به این ترتیب حق شهروندی محمل بسیار مناسبی برای ارضاء انگیزه سیاسی انسان یعنی آنچه که هگل از آن «نیاز به رسمیت شناخته شدن» نام می‌برد، می‌باشد (دلفروز، ۱۳۸۱). به طور کلی باید گفت: «شهروندی یعنی مشارکت در تعیین سرنوشت خویش و برخورداری از حقوق سیاسی، اجتماعی، فردی، قضایی از جمله این حقوق که اندیشمندان بسیاری نیز در مورد آن نظریه پردازی کرده‌اند، می‌توانیم به حق آزادی در ابعاد مختلف، حق مشارکت، حق برخورداری از تساوی قانونی و حقوق اجتماعی اشاره کنیم. البته این حقوق زمانی لازم‌الاجرا می‌شود که مردم به عنوان شهروند در جامعه مطرح شوند و برخی حقوق جدید را مطالبه کنند. البته برخی از حقوقدانان در این باره گفته‌اند: کلیه افرادی که در محدوده جغرافیایی یک کشور زندگی می‌کنند و نیز افرادی که به عنوان تبعه در خارج از مرزهای آن کشور (جامعه) زیست می‌کنند، شهروند تلقی می‌شوند، در این زمینه تابعیت، یک رابطه صرفاً سیاسی است که فردی را به دولتی مرتبط می‌سازد، به طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲)

یکی از سئوالات ضروری که هنگام تلاش برای درک شهروندی و به تبع آن حقوق شهروندی مطرح می‌شود این است که چه ترتیبات اجتماعی و سیاسی بستر اعمال شهروندی و حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهند. حقوق شهروندی با الویت و سیاست‌های بازار و نظام دولت‌ها ارتباط نزدیکی دارد. لذا بحران‌های اقتصادی ممکن است به کاهش حقوق منجر شوند. هم چنین جنگ میان دولت‌ها یا برخورداری اجتماعی داخلی درون یک دولت می‌تواند به شدت معنای شهروندی را تغییر داده و حقوق شهروندی را حداقل برای مدت کوتاه تقلیل دهند. لازمه ورود به چنین عرصه‌ای اطلاع رسانی و آگاه نمودن شهروندان به عنوان کنشگران اصلی این عرصه است و در این بین نظام مدیریت شهری موظف و مجبور به این اطلاع رسانی از طرق مختلف است تا ضمن فرهنگ سازی در بین شهروندان و بالا بردن سطح شهرنشینی آن‌ها، وظایف و تکالیف تعهد آور خویش را که جهت رفاه شهروندان باید انجام دهد، به نحو احسن انجام دهد. بطور کلی رابطه میان شهروندان و نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه دو سویه است به طوری که طرفین نسبت به هم دارای حقوق و وظایف متقابل هستند. "تی‌اچ مارشال" در ارتباط با رشد شهروندی سه نوع حق را برشمرد که شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می‌شد. حقوق مدنی امتیازاتی است که بسیاری از ما امروز آن را بدیهی می‌دانیم، اما به دست آوردن آن‌ها زمانی دراز طول کشیده است مثل آزادی افراد برای زندگی، آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت یا حق دادرسی یکسان در برابر قانون. حقوق سیاسی اما به مواردی همچون حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن مطابق قانون اشاره دارد و در ارتباط با حقوق اجتماعی می‌گویند که بهره‌مند شدن از حداقل استاندارد اقتصادی و امنیتی مثل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد حق طبیعی هر فرد است. البته مجموعه گفته‌های مارشال چیزی است که در متن قانون اساسی کشورمان نیز گنجانده شده و در قالب حقوق سیاسی اجتماعی و فرهنگی قابل شناسایی است. مطابق اصل ششم قانون اساسی، حق حاکمیت به معنای حق اعمال اراده و اختیار در پذیرش حکومت و تعیین سرنوشت از جمله حقوق شهروندی است که به ملت اعطا شده است. این در حالی است که مساوات در برخورداری از حقوق، حق مساوات در حمایت شدن از سوی قانون، حق امنیت، حق آزادی، آزادی عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، آزادی استفاده از زبان‌های محلی و قومی و تدریس ادبیات آن‌ها، حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان، حق تابعیت و اقامت، حق انتخاب شغل، حق داشتن مسکن

مناسب، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه، اصل برائت، حفظ حرمت و حیثیت اشخاص تنها بخشی از حقوق مصرح در قانون اساسی کشورمان است. البته اهمیت حقوق شهروندی به آن درجه است که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیز تأکید شده که جامعه در افق ۲۰ ساله باید به سوی جامعه‌ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی حرکت کند و همچنین بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی تأکید شده است؛ به طوری که هر فرد ایرانی در سال ۱۴۰۴ باید از رفاه ملی، امنیت ملی و تولید ملی برخوردار باشد.

در شرایطی که جامعه به صورت مدنی یا شهروندی است یعنی همه‌ی اعضای جامعه متعلق به شبکه‌ی اجتماعی، شهری (مدنی) هستند، افراد به لحاظ اخلاقی یا انسانی، عرفی، شرعی و قانونی، دارای حقوق لازم‌الاجرائی از سوی مسئولان گرداننده جامعه مدنی می‌باشند و در صورتی که حقوق خود یا سایر شهروندان را که به تصویب رسیده است رعایت نکنند، تقاضای احقاق حق نداشته و مرتکب قانون‌شکنی شده‌اند. در صورت اجرای برابر و یکسان به لحاظ حقوق مدنی، افراد متعلق به جامعه، دارای احساس هویت اجتماعی همسان و یکنواخت با دیگران و در عین حال متمایز در طول زمان و مکان به دلیل تفاوت انسان‌ها از نظر هویت فردی می‌شوند. این شرایط متعادل و منطقی، موجب احساس تعلق به جامعه، احساس امنیت روانی، سلامتی روحی و سلامت هویت فردی، اجتماعی و ملی می‌شود. تبعیض حقوق شهروندی، صدمات جبران‌ناپذیری به اعضای جامعه به عنوان شهروند وارد می‌سازد و موجب احساس دل‌سردی، ناکامی، یأس، درماندگی، احساس طرد، بیگانگی، خشم، اعتراض و حتی بزه‌کاری و تبه‌کاری می‌شود. در بین اعضای هیأت علمی باید به مفهوم حقوق شهروندی و شهروندسازی تمرکز کرد. افراد را با توجه به توانایی‌هایی که دارند در امور اجتماعی مشارکت داد و آن‌ها را تبدیل به شهروندانی فعال ساخت. شهروندانی که احساس مالکیت قدرتمند نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند داشته باشند و آن را به ظهور می‌رسانند. به هر تقدیر با توجه به مطالب یاد شده در این اثر برآنیم تا به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران بپردازیم.

تعاریف واژه‌ها

حقوق شهروندی^۱: «حقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن است.

شاهرودی رییس سابق قوه قضائیه در کتابی تحت عنوان «شهروند محوری در عرصه عدالت» که دکتترین ایشان در عرصه حقوق شهروندی است مجموعه حقوقی که برای یک شهروند باید قائل شد را بر اساس متن قانون اساسی به بخش‌های زیر تقسیم می‌کند:

- حقوق مدنی و سیاسی: این حقوق شامل آزادی مذاهب و ادیان در انجام اعمال و مناسک خود، مساوی بودن مردم از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد و زبان، مصونیت حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مگر با تجویز قانون، ممنوعیت تفتیش عقاید، آزادی نشریات و مطبوعات، ممنوعیت دخالت در حریم خصوصی

- افراد، آزادی جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و اقلیت‌های مذهبی، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، حق داشتن تابعیت ایرانی برای هر فرد ایرانی، می‌شود.
- حقوق اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی: شامل داشتن حق آزادی انتخاب شغل، برخورداری از تأمین اجتماعی، فراهم شدن وسایل آموزش و پرورش رایگان برای تمام شهروندان توسط دولت، حق داشتن مسکن متناسب با نیاز هر فرد و استواری اقتصاد ایران بر اساس تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و تأکید بر تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی.
 - حقوق قضایی: آیت الله شاهرودی حقوق قضایی را بر مبنای قانون اساسی به دسته‌های زیر تقسیم می‌کند:
 - تأمین حقوق همه جانبه افراد زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (اصل سوم).
 - تدوین کلیه مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی بر اساس موازین اسلامی (اصل چهارم).
 - حمایت قانون از همه افراد ملت اعم از مرد و زن (اصل بیستم).
 - ایجاد دادگاه صالح جهت بقای خانواده (اصل بیست و یکم).
 - ممنوعیت دستگیری و بازداشت بدون حکم قانون (اصل سی دوم).
 - ممنوعیت تبعید یا اقامت اجباری مگر به حکم قانون (اصل سی و دوم).
 - حق دسترسی همه افراد ملت به دادخواهی و دادگاه‌های صالح (اصل سی و چهارم).
 - حق دسترسی به وکیل (اصل سی و پنجم).
 - حاکمیت اصل برائت (اصل سی و هفتم).
 - ممنوعیت شکنجه و اجبار به شهادت، اقرار یا سوگند (اصل سی و هشتم).
 - ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسانی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی و یا تبعید شده‌اند (اصل سی و نهم).
 - حق شکایت از طرز کار مجلس، قوه مجریه یا قضائیه (اصل نودم).
 - علنی بودن محاکمات مگر آنان که منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشند (اصل یکصد و پنجم).
 - اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین (اصل یکصد و شصت و نهم).
 - جبران خسارت توسط قاضی در اثر تقصیر و اشتباه او و وارد شدن ضرر مالی و معنوی به دیگری (اصل یکصد و هفتاد و یکم) (فراهانی، ۱۳۸۶).
- اعضای هیأت علمی^۱: شاغلین خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه نامیده می‌شوند و مراتب خدمات آنان عبارت است از: ۱- مربی ۲- استادیاری ۳- دانشیاری ۴- استادی (سلجوقی، ۱۳۸۱).
- دانشگاه آزاد اسلامی^۲: دانشگاه آزاد اسلامی یک دانشگاه غیر دولتی و غیر انتفاعی است که در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ تأسیس شده است (جوادیان، ۱۳۸۶).

طبقه اجتماعی^۱: طبقه اجتماعی نوعی قشربندی است که در آن قشرها به وسیله مقررات قانونی یا مذهبی ایجاد نمی شوند و عضویت بر مبنای موقعیت موروثی نیست. هم چنین طبقه اجتماعی؛ گروه بندی وسیعی از افراد است که دارای منابع اقتصادی مشترکی هستند. نظام های طبقاتی انعطاف پذیرترین نظام های قشربندی هستند (رفیع پور، ۱۳۷۷).

افرادی که در یک طبقه اجتماعی خاص دسته بندی می شوند، تقریباً از نقطه نظر اجتماعی یکسان، دارای مشاغل، سبک زندگی و علایق مشابهی هستند. طبقه اجتماعی را می توان به صورت مجموعه ای از افراد با ویژگی های نسبتاً یکسان و دائمی در جامعه که از نظر مقام و موقعیت، ثروت، تحصیلات، دارایی ها و ارزش ها متفاوت از دیگران هستند تعریف کرد. طبقه اجتماعی به موقعیت نسبی افراد در یک سیستم اجتماعی حاصل از نابرابری های سیستماتیک اجتماعی اطلاق می شود (صمدی، ۱۳۸۵).

امنیت اجتماعی^۲: امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. امنیت اجتماعی و مؤلفه های آن مانند انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامت و مهارت افراد، امید به زندگی و امنیت هويت، نقش مهمی در بقاء و بالندگی ملت ها دارند (مرکز مطالعات جامعه و امنیت، ۱۳۸۷).

مشارکت اجتماعی^۳: مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن های داوطلبانه، باشگاه ها، اتحادیه ها و گروه هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیند اجتماعی مختلف در قالب سیاست های اجتماعی است (روح الله زاده اندواری، ۱۳۸۶).

به عبارتی «مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت های ارادی دلالت دارد که از طریق آن ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (تبریزی، ۱۳۶۹).

تعهد شهروندی^۴: یکی از وجوه شهروندی داشتن احساس تعهد و وفاداری نسبت به اجتماع سیاسی و دولت ملت متبوع است. این تعهد در ارتباط با دولت می تواند دفاع در برابر تهاجم بیگانه باشد و یا پرداخت مالیات در برابر ملت و همشهریان دیگر، تعهد به احترام گذاشتن به حقوق متقابل سایر شهروندان است و از همه مهم تر از آن جا که اجتماع سیاسی مبتنی بر قرارداد و قانون است، هر شهروندی موظف به اطاعت از قانون و رعایت آن است. "ژانوسکی" معتقد است که در بحث از شهروندی بیشتر بر حقوق شهروندی تکیه شده و تعهدات شهروندی مورد غفلت قرار گرفته است. به نظر او تعهدات می توانند به صورت انواع عام دیده شوند. می توان تعهدات شهروندی را نیز در انواع حمایتی، مراقبتی، خدماتی توضیح داد:

۱. تعهدات حمایتی شامل پرداخت مالیات ها، شرکت کردن در سرمایه گذاری های مبتنی بر بیمه و به طور پربار و بهره ورانه کار کردن است.

۲. تعهدات مراقبتی یا اجتماعی، که تعهدات مراقبتی نسبت به خود و دیگران است. دولت از افراد انتظار دارد به حقوق همدیگر احترام بگذارند. از بچه ها نگهداری کنند و خانواده با محبتی تشکیل دهند و در نتیجه پیگیری، آموزش یک شغل و مراقبت پزشکی کافی به خود احترام گذاشته و از خود نیز مراقبت کنند.

۳. تعهدات خدماتی یا قانونی: همکاری در خدمات است و رعایت قوانین تعیین شده توسط دولت است (رحیمی سجاسی، ۱۳۸۵).

1. Social Category
2. Social Security
3. Social Participation
4. Citizenship Commitment

ادبیات و پیشینه تحقیق

حقوق، مجموعه قواعد و مقررات لازم‌الاجرای است که بر روابط افراد یک جامعه حاکم است. آن‌جا که حقوق از روابط افراد صحبت می‌کند، حقوق فردی یا حقوق خصوصی نامیده می‌شود و آن‌جا که از روابط اجتماعی و به عبارتی روابط افراد با دولت سخن به میان می‌آید، حقوق عمومی نامیده می‌شود. در این میان، حقوق اساسی به عنوان شاخه اصلی حقوق عمومی یک سلسله اصول و قواعدی است که اساس تشکیلات عالی مملکتی مبتنی بر آن است و از روابط بنیادین میان مردم و حکومت بحث می‌کند. طبعاً افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، دارای هر دو قسم حقوق فردی و حقوق عمومی هستند که اطلاق حقوق شهروندی بر این دو دسته حقوق می‌تواند در برگیرنده مفاهیم موجود در هر دو دسته باشد. از همین‌جا مشخص می‌شود که در یک نگاه کلان، حقوق شهروندی حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حیث موضوع به دودسته اصلی قابل تقسیم است که شامل حقوقی چون حقوق اساسی، حقوق سیاسی، حقوق اداری، حقوق اقتصادی و فرهنگی و حقوق قضایی است (وردی نژاد، ۱۳۷۷).

واژه شهروند معمولاً همراه با واژه دولت مطرح شد. و ظهور آن را می‌توان مصادف با پیدایش نخستین دولت‌های ملی دانست. در هر جامعه‌ای به ضرورت حکومتی وجود دارد. در هر حکومت دو گروه عمده را می‌توان تشخیص داد. گروه حاکم، که در حکم فرماندهان جامعه هستند و در مقابل سایر افراد جامعه که محکوم به تبعیت از گروه نخست هستند (فرمانبران). که البته هر کدام از دو گروه فوق در جوامع و دوره‌های مختلف عناوین مختلفی به خود می‌گیرند. هر کدام از این عناوین حقوق و وظایف خاصی را ایجاب می‌کند. در صورتی که حاکم عناوینی چون سلطان، خاقان و امپراتور داشته باشد. رفتار فرمانبران با وی متفاوت خواهد بود تا زمانی که به او عنوان رئیس دولت، رئیس جمهور، نخست وزیر داده شود. در حالت اول، فرمانبران خود را رعیت می‌دانند که باید بی‌چون و چرا از دستورات حاکم تبعیت کنند. در این حالت معمولاً حاکمان خود را از فرمانبران خویش برتر می‌دانند. به عنوان نمونه شاهان ساسانی خود را از نژاد خدایان می‌دانستند (شجعی، ۱۳۷۲).

زمانی که به حاکمان عنوان دولت داده می‌شود. فرمانبران شهروندانی هستند که حاکمان با رأی آن‌ها انتخاب می‌شوند. و نماینده و هم‌جنس آن‌ها هستند. بنابر این فرمانبران هم‌شأن حاکمانند و حاکمان فقط از آن، جهت که نماینده جامعه و مردم‌اند لازم است از رأی آن‌ها پیروی شود (رجب زاده، ۱۳۸۰).

هر چند وجود حکومت‌ها به عنوان یکی از نهادهای اساسی جوامع پدیده جدیدی نیست و از قدمت زیادی برخوردار است به گونه‌ای که حتی در اجتماعات شکار و گردآوری خوراک و در فرهنگ‌های کشاورزی که دولت وجود نداشت مکانیسم‌های غیر رسمی حکومت وجود داشته که از طریق آن به حل و فصل منازعات پرداخته، مانع هرج و مرج می‌شد. دولت‌های ملی به شکلی که در عصر ما رایج است، پدیده‌ای نسبتاً جدید است. ولی در تاریخ نظیر نداشته است. در حقیقت تقسیم دنیا به کشورهای متعدد با دولت‌های مشخص از خصوصیات مهم دنیای کنونی است و هرگز به اندازه‌ی امروز فراگیر و جهان‌شمول نبوده است (محمدی، ۱۳۸۱).

با شکل‌گیری دولت‌های ملی موضوع شهروند و حقوق شهروندی مطرح شد. در این دولت‌ها است که بیشتر کسانی که در محدوده‌ی مرزهای نظام سیاسی زندگی می‌کنند. شهروند محسوب می‌شوند. یعنی افرادی که دارای حقوق و وظایف مشترک بوده و خودشان را جزئی از یک ملت می‌دانند. در حالی که در نظام‌های سنتی رعیت چندان علاقه‌ای به حاکمان نداشته یا نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت و بیگانه بودند. مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد و ظهور

مکاتب انسان‌گرا همچون اومانیزم^۱ و لیبرالیسم^۲ در اروپا پدید آمده است. این نظامات اجتماعی و سیاسی که بر مبنای فردگرایی^۳ بنیانگذاری شده است. اراده و خواست انسان را جایگزین هدایت و ارشاد خداوندی ساخت و بدین ترتیب، قانون بشری که بازتاب اراده و خواست انسان بود، به جای قانون الهی نشست و تئوکراسی یا حاکمیت خداوندی بر جامعه و انسان جای خود را به «دموکراسی»^۴ که عالی‌ترین نوع حکومت تلقی می‌شد داد و زمینه برای انقلابات عظیم سیاسی و اجتماعی در اروپا و امریکا فراهم شد (سادات، ۱۳۶۰).

شهروند^۵ فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است، و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد (همان). یا عضو یک اجتماع سیاسی، که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است (گیدنز، ۱۳۶۷). شهروندی^۶ منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند. که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. اساساً کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمانگزار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولاً تابع دو سنجه است: یکی زادگاه، و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز بدست می‌آید. اما این گونه شهروندی معمولاً همه حقوق شهروندی از جمله کسب مشاغل دولتی را با خود نمی‌آورد (آشوری، ۱۳۷۳).

شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیأت منصفه یا هیأت‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم‌محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن‌ها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا کنند (نژادبهرام، ۱۳۸۶).

رأی دادن: حق رأی در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌شود اما در واقع یک امتیاز نیز هست. کسانی که رأی نمی‌دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود.

قبل از هر رأی‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید بصورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد. خدمت در ارتش: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی و یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند.

در بعضی ایالات یا مناطق محلی، ممکن است به افرادی فرمان داده شود تا در دستگیری مجرمین یا برای برقراری صلح و امنیت یا اجرای یک فرمان به کلاتر کمک کنند.

1. Humanism
2. Liberalism
3. Individualism
4. Democracy
5. Citizen
6. Citizenship

احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروندی می‌بایست از قوانین اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند. هر شهروندی می‌بایست به حقوق دیگران احترام بگذارد.

پرداخت مالیات: هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی و سرموقع می‌باشد.

از جمله مسئولیت‌های دولت، خرج نمودن مالیات و عوارض دریافتی توسط بخش‌های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است:

حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان: توسط پلیس، آتش‌نشانی، امداد در حوادث و بلایای پیش‌بینی نشده، دادگاه و سامانه قضایی و نیروهای مسلح.

بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان‌ها.

آموزش: مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی.

نگهداری، تعمیر و ساخت جاده‌ها، بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و راه آهن.

حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط زیست.

حفاظت از پس‌اندازها، بازرسی از بانک‌ها و ضمانت حساب‌های بانکی.

کمک و جبران خسارات: در موارد پیش‌بینی نشده مانند سیل، زلزله و خشکسالی (بهرامی احمدی، ۱۳۸۳).

– فخری سادات احمدی (۱۳۸۳) تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر

فرآیند تحقق حقوق شهروندی (مورد کلان شهر تهران)» انجام داده است. این تحقیق به بررسی کم و کیف

آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف خود با استفاده از روش‌های پیمایشی و تکنیک پرسشنامه پرداخته است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در مجموع میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی خود، کم بوده و تعهدات

شهروندان از آن نیز کمتر است. هم‌چنین میزان درگیری و مشارکت مدنی شهروندان در سطح نازلی قرار دارد و

می‌توان آن را در قالب درگیری‌های برخوردی و ارتباطی^۱ و درگیری‌های اعتراضی^۲ طبقه‌بندی نمود. لازم به

ذکر است نوع درگیری شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی و انتخاب عقلانی آن‌ها همبستگی معناداری دارد.

– شهلا خلفی (۱۳۸۳) تحقیقی با عنوان «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پایبندی به اخلاق شهروندی در میان

شاغلین مراکز دانشگاهی شهر تهران» انجام داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌های معنی‌داری

بین مؤلفه‌های مختلف اخلاق شهروندی با درآمد، رتبه شغلی، تعلق طبقاتی، سطح تحصیلات، وضعیت اخلاقی و

فرهنگی خانواده، میزان اعتقادات مذهبی، نوع دانشگاه و دانشکده، نوع وسایل ارتباط جمعی مورد استفاده، نوع

جنسیت، موقعیت اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی خانواده، میزان دسترسی به منابع علمی، فرهنگی

وجود دارند. که با ضریب اطمینان بین ۹۲ تا ۹۵ درصد، ۶ مورد از فرضیه‌های این تحقیق در مورد مؤلفه‌های

اخلاق شهروندی (نه مجموع مؤلفه‌های آن)، مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

– ولی عیدی (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی مطالعه موردی

دانشجویان دانشگاه اصفهان» در پی شناخت مهم‌ترین عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر موضوع مورد پژوهش

می‌باشد. مهم‌ترین مسأله‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که آیا عوامل اجتماعی اقتصادی (سن،

1. Contact

2. Protest

جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، هویت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دین‌داری) می‌توانند تغییری در میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی ایجاد نمایند؟ در راستای این اهداف و سؤالات به شناسایی تاریخچه حقوق و تکالیف شهروندی در جهان و ایران و بررسی مبانی نظری موضوع تحقیق اقدام گردیده و نظرات و ایده‌های صاحب‌نظران ادوار مختلف و مکاتب سیاسی و اجتماعی بیان گردیده است. به منظور اجرای این پژوهش شش فرضیه با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه در نمونه‌ای با تعداد ۳۸۴ نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان مطرح شده است، روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری سهمیه‌ای بوده است. در تحلیل آماری پژوهش از شیوه‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) و شاخص‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، ضریب اتا) استفاده شده است. یافته‌های آماری و تجزیه و تحلیل آن‌ها حاکی از تأیید پنج فرضیه و رد یک فرضیه دیگر می‌باشد. در پایان نتایج زیر به دست آمده است: بین جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، هویت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دین‌داری با آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود داشته است و بین سن و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه وجود نداشته است. در نهایت از طریق رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته حقوق و تکالیف شهروندی محاسبه شد که مقدار آن به ترتیب ۰/۴۱ و ۰/۴۰ است.

مارشال (تی.اچ. مارشال) بر آن بود که شهروندی در رژیم‌های دموکراتیک با گذشت زمان رشد می‌یابد. چنان‌که سرانجام سه بعد مشخص پیدا می‌کند، که او آن‌ها را بعد مدنی، بعد سیاسی و بعد اجتماعی می‌نامد. او این فرایند را فرایندی تکاملی می‌دانست. این دیدگاه تکامل مرحله‌ای با دیدگاه تکاملی خود پارسونز درباره دگرگونی اجتماعی هماهنگ بود. به نظر مارشال، حقوق مدنی نخستین حقوقی بود که در دوران جدید برقرار شد. این حقوق، حقوق‌هایی مانند آزادی بیان، حق مکالمه منصفانه و دسترسی برابر به نظام قانونی را در بر می‌گیرد. حقوق مدنی ناظر است بر آزادی در انعقاد قرارداد و مالکیت اموال و بنابراین دلالت دارد بر برابری افراد در مقابل قانون و نیز آزادی تجمع، آزادی بیان و اندیشه. حقوق سیاسی ناظر است بر حق مشارکت در روندهای سیاسی (رأی دادن و نامزد شدن در انتخابات). این‌ها در قرن نوزدهم به موازات استقرار نظام پارلمانی شکل گرفتند. حقوق اجتماعی ناظر است بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی که به‌عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد. این‌ها در قرن بیستم به موازات استقرار نظام‌های رفاهی شکل گرفتند. بعد سوم با ظهور دولت جدید رفاه‌پدیدار شد. مارشال دولت رفاه بریتانیا را در نظر داشت که در دوره حکومت حزب کارگر در دهه بیست شکل گرفت. حقوق اجتماعی مفاهیمی بودند که حقوق استحقاقی افراد تعریف می‌شوند، مانند امنیت اجتماعی، مزایای بیکاری، مزایای بهداشتی و مزایای آموزشی. در واقعیت، تحول و تکامل عناصر مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندی بسی پیچیده‌تر از این‌ها بود. برای مثال، حقوق مدنی به مثابه عنصری که با خلاقیت جامعه مبتنی بر بازار تطابق داشت، از سوی طبقات متوسط در حال رشد قرن‌های هجدهم و نوزدهم پرورش یافت؛ زیرا رشد سرمایه‌داری صنعتی را تسهیل می‌کرد و منافع مستقر اشراف و مالکان بزرگ را به مبارزه می‌طلبید؛ اما به مجردی که بورژوازی به هدف‌هایش رسید، طبقات مادون جامعه نیز شروع به تقلید از شعارهایش کردند که از لحاظ حق رأی و قدرت بخشیدن به مردم، بورژوازی مطرح کرده بود. تا اواخر قرن نوزدهم، نهضت کارگری نیز شروع به برآمدن و کسب نفوذ کرد و حقوق اجتماعی، از بسیاری جهات قبل از حقوق سیاسی استقرار یافت تا تأثیر سیاسی طبقه کارگر را کاهش دهد و نهضت کارگری را از روکردن به

راهبردهای انقلابی باز دارد. بدین ترتیب، حقوق سیاسی و به خصوص حقوق اجتماعی سازگاری کمتری از حقوق مدنی با جامعه مبتنی بر بازار آزاد دارند و این امر فشاری بااهمیت بر جامعه مدرن وارد کرده است: از یک سو بازارهایی داریم که به ایجاد نابرابری‌ها معطوف‌اند. از سوی دیگر، مفاهیمی چون عناصر سیاسی و اجتماعی شهروندی داریم که متقاضی و مستلزم برابری هستند. به گفته مارشال، این موضوع باعث برآمدن «جامعه‌ای وصله‌ای» شده است که در آن عناصر سرمایه‌داری، دمکراتیک و رفاه‌گرا به شکلی ناموزون که در نهایت خلاق و مولد است، شانه به شانه عناصر تشنج‌زا وجود دارند. جامعه وصله‌ای در غایت امر بر هر دو شکل دیگر جامعه، یعنی جامعه‌ای که صرفاً بر مبنای نیروهای بازار سازمان یافته باشد یا جامعه‌ای که صرفاً بر اساس دولت و بخش عمومی اداره شود، ترجیح دارد. این سخن بدین معناست که هدف سیاست‌های اجتماعی نباید حذف نفس نابرابری باشد، بلکه باید برای حذف نابرابری غیرعادلانه بکوشد، یعنی آن نابرابری‌هایی که از امتیازات ناموجه و محرومیت‌ها سرچشمه می‌گیرد. چنین سیاست‌هایی احتمالاً می‌تواند نوعی خط پایه برای برابری مثلاً برابری فرصت‌های آموزشی تجویز کند. هدف دولت رفاه ایجاد یک جامعه بی طبقه نیست، بلکه جامعه‌ای است که در آن شایستگی و تحرک اجتماعی اهمیت بیشتری از تقسیم‌بندی‌های درآمدی داشته باشد.

پارسونز با تبیین نظری گسترش مفهوم شهروندی در دولت دمکراتیک، به قضیه آمریکاییان آفریقایی تبار در دوره اوج جنبش حقوق مدنی پرداخت. وی دو موضوع مرتبط با یکدیگر را مطرح کرد: عوامل تاریخی که مانع اعطای شهروندی کامل به اروپاییان آفریقایی تبار می‌شد و نیروهایی که ظاهراً موافق در نظر گرفتن آن‌ها در حکم شهروند کامل بودند. او در مورد موضوع اول این پرسش‌ها را مطرح کرد: چه چیزی مانع از بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟ چرا آن‌ها به موقعیت شهروندان درجه دوم تنزل یافته‌اند؟ چه توضیحی می‌توان برای تبیین این واقعیت داد که چندین قرن است این گروه به گونه‌ای نظام یافته از مزایای مشارکت کامل در آنچه پارسونز هیأت اجتماع می‌نامد محروم شده است؟ از آن‌جا که پارسونز به نقش اندیشه‌ها در پیش‌برد یا جلوگیری از دگرگونی‌های اجتماعی اولویت می‌داد و برای آن اهمیت قائل می‌شد، پاسخ او بر موضوع ارزش‌های فرهنگی تکیه داشت و بدین سان تبیین‌هایی را که بر عوامل مشخصاً اقتصادی یا سیاسی تکیه می‌کردند نادیده می‌گرفت. وی استدلال می‌کرد که سیاهان از اجتماع طرد شده‌اند؛ زیرا مانند یهودیان و کاتولیک‌ها در گذشته، ارزش‌های متضاد با ارزش‌های اساسی آمریکایی دارند، بنابراین آن‌ها را سزاوار پذیرفته شدن در جامعه آمریکا نمی‌دانستند. این واقعیت که تا قرن بیستم بیشتر سیاهان در جنوب زندگی می‌کردند، بخش مهمی از این استدلال بود که چرا آن‌ها زمانی چنین دراز از جامعه طرد شده بودند؛ زیرا به عقیده پارسونز، جنوب، منطقه‌ای جدا افتاده بود که ارزش‌های کهنه را همچنان نگاه داشته بود. از همه مهم‌تر، ارزش‌های جنوبی‌ها با گرایش‌های کل جامعه با دید فراگیرتر، درباره شهروندی مغایرت داشت. (امامی، ۱۳۸۷).

مواد و روش تحقیق

تحقیق و پژوهش حاضر، توصیفی از نوع زمینه‌یابی می‌باشد. روش تحقیق فوق توصیفی از نوع زمینه‌یابی می‌باشد. تحقیق زمینه‌یابی عبارت است از مشاهده‌ی پدیده‌ها به منظور معنا دادن به جنبه‌های مختلف اطلاعات جمع‌آوری شده. زمینه‌یابی یک فرآیند پژوهشی است که به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره این موضوع‌ها که گروهی از مردم چه می‌دانند، چه فکر می‌کنند یا چه کاری انجام می‌دهند اجرا می‌شود (حسن زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲). جامعه آماری کلیه اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران می‌باشد. برای نمونه‌گیری و شیوه‌ی نمونه‌گیری از جدول کرجسی

مورگان استفاده شده است. بر مبنای آن برای جامعه مورد نظر تعداد اعضای هیأت علمی (۱۳۴۱ نفر) و تعداد نمونه (۲۹۷ نفر) در نظر گرفته شده است. شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای خواهد بود.

فرضیات تحقیق

۱. بین طبقه اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی رابطه وجود دارد.
۲. بین امنیت اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان مشارکت اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان دسترسی به منابع با میزان آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی رابطه وجود دارد.
۵. بین تعهد شهروندی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی رابطه وجود دارد.

یافته‌ها

جدول ۱- آزمون فرضیات تحقیق

Sig.	F	درجه آزادی	مجموع مجزورات	طبقه اجتماعی - آگاهی از حقوق شهروندی
۰,۰۰۰	۳,۹۲۰	۴۵	۳۱۵۳,۸۳۲	بین گروه‌ها
		۲۵۲	۴۳۶۲,۲۲۳	درون گروه‌ها
		۲۹۷	7516.055	کل
Sig.	F	درجه آزادی	مجموع مجزورات	امنیت اجتماعی - آگاهی از حقوق شهروندی
۰,۰۰۰	۷,۴۳۴	۴۵	۱۰۶۹۵,۰۲۳	بین گروه‌ها
		۲۵۲	۷۸۰۱,۰۴۶	درون گروه‌ها
		۲۹۷	۱۸۴۹۶,۰۶۹	کل
Sig.	F	درجه آزادی	مجموع مجزورات	مشارکت اجتماعی - آگاهی از حقوق شهروندی
۰,۰۰۰	۱۱,۶۵۱	۴۵	۱۷۱۹۲,۵۰۵	بین گروه‌ها
		۲۵۲	۸۰۰۱,۵۰۸	درون گروه‌ها
		۲۹۷	۲۵۱۹۴,۰۱۴	کل
Sig.	F	درجه آزادی	مجموع مجزورات	دسترسی به منابع - آگاهی از حقوق شهروندی
۰,۰۰۰	۶,۷۴۳	۴۵	۹۳۰۴,۴۶۷	بین گروه‌ها
		۲۵۲	۷۴۸۲,۰۱۶	درون گروه‌ها
		۲۹۷	۱۶۷۸۶,۴۸۳	کل
Sig.	F	درجه آزادی	مجموع مجزورات	تعهد اجتماعی - آگاهی از حقوق شهروندی
۰,۰۰۰	۴,۰۲۴	۴۵	۱۲۲۱۴,۶۶۳	بین گروه‌ها
		۲۵۲	۱۶۴۵۹,۰۲۳	درون گروه‌ها
		۲۹۷	۲۸۶۷۳,۶۸۶	کل

تحلیل فرضیات

جدول استنباطی آزمون مورد نظر نشان می‌دهد آزمون این فرضیه با توجه به سطوح ترتیبی و فاصله‌ای از آزمون آماری تحلیل واریانس ANOVA (F) استفاده شده است با عنایت به مختصات عددی و احتمال خطای ۵٪ و قابلیت

اطمینان ۹۵٪ و سطح معنی داری ($P\text{-value}=0,000$) می‌توان گفت که فرضیات تحقیق در جدول فوق بطور کامل پذیرفته شد و وجود رابطه بین امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، میزان دسترسی به منابع، تعهد شهروندی و طبقه اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی اعضای هیأت علمی مورد تأیید است.

جدول ۲- رگرسیون چند متغیره

متغیرها	ضریب بتا	T	سطح معنی داری Sig.	R2
(Constant)	-----	-۵۱,۳۱۱	۰,۰۰۰	
طبقه اجتماعی	-۰,۳۳	-۰,۴۲۹	۰,۶۶۸	۰,۳۸۱
امنیت اجتماعی	۰,۴۰۵	۵,۴۰۲	۰,۰۰۰	
مشارکت اجتماعی	۰,۱۴۰	۲,۰۰۰	۰,۰۴۶	
دسترسی به منابع	۰,۱۷۰	۲,۱۲۶	۰,۰۳۴	
تعهد اجتماعی	-۰,۰۹۰	-۱,۸۹۰	۰,۰۶۰	

تحلیل

تحلیل رگرسیونی جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب تعیین و تأثیر گذاری هر یک از عوامل چه اندازه می‌باشد. با بکار گیری از روش مرکزی (Enter) از رگرسیون چند متغیره به این محاسبه رسیدیم که: امنیت اجتماعی به میزان ۴۰٪، مشارکت اجتماعی به میزان ۱۴٪، دسترسی به منابع به میزان ۱۷٪، بر شکل گیری و آگاهی از حقوق شهروندی مؤثر اند. اما بقیه موارد که تأثیر کمی بر متغیر وابسته داشته‌اند توسط نرم افزار از دور خارج (حذف شده است) شده‌اند. در نتیجه بیشترین میزان را در میان متغیرهای یاد شده را امنیت اجتماعی و کمترینشان طبقه یا پایگاه اجتماعی افراد بوده است. در نهایت با توجه به میزان R^2 بدست آمده می‌توان گفت این بررسی به همراه متغیرهایش تقریباً ۳۸٪ موضوع تحقیق را مورد پوشش خود قرار می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری

زندگی مسالمت آمیز افراد در یک جامعه، تنها در صورت رعایت قواعد مشترک ممکن است. اما این قواعد مشترک باید واجد ویژگی‌هایی باشند که بتوانند به این هدف برسند. قانون و قوانین مناسب، بستر شکل گیری ساختاری اجتماعی است که می‌تواند، تأمین کننده امنیت اجتماعی در هر جامعه ای باشد. این موضوع از جهات مختلف قابل بررسی است. نخستین موضوع، تناسب قوانین با نیازهای اجتماعی هر جامعه است. قانون باید انعکاس مناسبات و روابط اجتماعی در هر جامعه باشد و برای تنظیم روابط اجتماعی همان جامعه مورد استفاده قرار گیرد. برای یک جامعه سنتی مانند ایران، نمی‌توان قانونی تصویب کرد که در یک جامعه مدرن کارایی دارد. چرا که واپسماندگی در عناصری از فرهنگ موجب تعدیل شکل گیری مدنیت خواهد شد.

بطور کلی رابطه میان شهروندان و نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه دو سویه می‌باشد بطوری که طرفین نسبت به هم دارای حقوق و وظایف متقابل هستند. در این بین مهم‌ترین وظیفه مقامات محلی و حکومت‌های محلی (مدیریت شهری) که در راستای تقویت و بهبود اجتماع محلی و حکومت‌های کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد شهروندسازی است. شهروندسازی یعنی فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای شهروندان تا آن‌ها از حقوق شهروندی خویش بهره مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندیشان را در قبال جامعه

محلی و شهری که در آن زندگی می‌کنند انجام دهند. در نتیجه باید گفت وظیفه حکومت‌های محلی فراهم سازی زمینه لازم برای برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی خویش (حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی) می‌باشد. در قبال وظایف مصرح در قانون برای مدیریت شهری که در برگیرنده حقوق شهروندی نیز می‌باشد، متقابلاً شهروندان در ارتباط با شهر و مدیریت شهری دارای وظایف و تکالیفی هستند که عمل به این وظایف و تکالیف در ارتباط دو سویه با حقوق آن‌ها از مدیریت شهری باعث ارتقاء فضیلت جامعه شهری، تأمین سعادت و ایمنی اجتماع شهری می‌گردد. البته نکته قابل توجه در کشورمان اینست که مسئله خود حقوق شهروندی و آگاهی بدان است چرا که اگرچه آنرا حقی طبیعی دانسته‌ایم باید جست محدودده این حق کجاست از آنجائیکه این بررسی بر نمونه متعارفی از جامعه به آزمون کشیده شده می‌توان گفت هنوز بسترهای مدنی و قانونی در میان اقشار خاص نیز ناشناخته و مبهم می‌نماید حال انتظار می‌رود این مطالبه از سوی عموم نیز پیگیری شود!

منابع

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: مروارید.
۲. احمدی، شاهین. (۱۳۸۸). حقوق و وظایف شهروندی. قابل دسترسی از سایت [Http://shahin-ahmadi.blogfa.com/post.aspx16](http://shahin-ahmadi.blogfa.com/post.aspx16)
۳. احمدی، فخری سادات. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرآیند تحقق حقوق شهروندی (مورد کلان شهر تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
۴. امامی، سیدحسین. (۱۳۸۷). حقوق شهروندی از دیدگاه تالکوت پارسونز. قابل دسترسی از سایت [47953.aspx](http://hamshahrionline.ir/news-47953.aspx)
۵. انصاری، محمد اسماعیل. (۱۳۷۹). مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی. قابل دسترسی از سایت [Http://www.iranpress.ir/farhang/](http://www.iranpress.ir/farhang/)
۶. بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۸۳). تاریخچه تدوین قانون مدنی. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق. شماره ۲۴.
۷. پورهایمی، عباس. (۱۳۸۵). احساس امنیت و حقوق شهروندی. قابل دسترسی از سایت [Http://hoghough85.blogfa.com/post-462.aspx](http://hoghough85.blogfa.com/post-462.aspx)
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۲). ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۹. جلالی فراهانی، احمد. (۱۳۸۶). فقط یک تعریف از حقوق شهروندی. روزنامه ایران. شماره ۳۶۸۲.
۱۰. جوادیان، مهستا. (۱۳۸۶). بررسی و ارزیابی شایستگی‌های رؤسای دانشگاه‌های آزاد استان مازندران از دیدگاه‌های اعضای هیأت علمی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۱۱. حسنی فر، عبدالرحمن. (۱۳۸۸). دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترسی از سایت [Http://hoghough85.blogfa.com/post-1878.aspx](http://hoghough85.blogfa.com/post-1878.aspx)
۱۲. حسنی فر، عبدالرحمن. (۱۳۸۳). حقوق و وظایف شهروندی. قابل دسترسی از سایت [Http://www.cityofkaraj.com/shahrvandi.aspx](http://www.cityofkaraj.com/shahrvandi.aspx)
۱۳. حسینی‌فر، محمد ابراهیم. (۱۳۸۸). مبانی حقوق شهروندی در اسلام و غرب. قابل دسترسی از سایت [Http://shahrebehesht.ir/tabid/61/View/Detail/id/1483/Default.aspx](http://shahrebehesht.ir/tabid/61/View/Detail/id/1483/Default.aspx)
۱۴. حقیقی، ابراهیم. (۱۳۸۷). تاریخچه حقوق شهروندی. قابل دسترسی از سایت hagh406@gmail.com
۱۵. خالدی، سمانه. (۱۳۸۷). طبقه اجتماعی. قابل دسترسی از سایت [Http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=30547](http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=30547)
۱۶. خباز، مریم. (۱۳۸۸). چالش‌های رعایت حقوق شهروندی در ایران. قابل دسترسی از سایت www.aftab.ir
۱۷. رجب زاده، احمد. (۱۳۸۰). جامعه شناسی. سال دوم آموزش متوسطه نظری رشته: ادبیات و علوم انسانی.

۱۸. رحیمی سجاسی، مریم. (۱۳۸۵). پیامدهای جهانی شدن و تعهدات فرهنگی شهروندان. روزنامه سرمایه. شماره ۱۷۸.
۱۹. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷). آناتومی جامعه یا سنه الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات کاوه.
۲۰. روح الله زاده اندواری، قاسم. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. قابل دسترسی از سایت [Http://andevary.parsiblog.com](http://andevary.parsiblog.com)
۲۱. زکایی، محمد سعید. (۱۳۸۵). شاخص‌های شهروندی. قابل دسترسی از سایت [Http://citizenship.blogfa.com/8505.aspx](http://citizenship.blogfa.com/8505.aspx)
۲۲. سادات، محمدعلی. (۱۳۶۰). آشنایی با مکتب‌ها و اصطلاحات سیاسی. تهران: انتشارات هدی.
۲۳. سلجوقی، خسرو و زراعتی، سعید. (۱۳۸۱). مجموعه قوانین و مقررات اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی.
۲۴. شجعی، زهرا. (۱۳۷۲). نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی. تهران: سخن
۲۵. شکری، نادر. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی». شهرداری تهران و دانشکده مدیریت.
۲۶. صالح مفتاح، محمد مبانی. (۱۳۸۸). حقوق شهروندی. قابل دسترسی از سایت [Http://www.farsnews.net](http://www.farsnews.net)
۲۷. صمدی، منصور. (۱۳۸۵). مفهوم طبقه اجتماعی. روزنامه شرق. شماره ۸۰۱
۲۸. عیدی، ولی. (۱۳۸۶). تبیین جامعه شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
۲۹. کونل، راین هارد. (۱۳۵۴). لیبرالیسم. ترجمه منوچهر فکری ارشاد. تهران: انتشارات توس.
۳۰. کیث، فالکس. (۲۰۰۰). شهروندی. ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
۳۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۶۷). جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۳۲. محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۶۹). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش. شماره ۱.
۳۳. محمدی، سید بیوک. (۱۳۸۱). جامعه شناسی سیاسی. تهران: انتشارات پیام نور.
۳۴. مرانلو، زهرا. (۱۳۸۵). حقوق شهروندی یا شهروندسازی. روزنامه شرق. شماره ۷۹۷.
۳۵. مرکز مطالعات جامعه و امنیت. (۱۳۸۷). امنیت اجتماعی؛ معنا و مفهوم. قابل دسترسی از سایت [Http://www.csss.ir](http://www.csss.ir)
۳۶. مهاجر، فیروزه. (۱۳۸۷). زنان و شهروندی. قابل دسترسی از سایت [Http://www.nashrieh-nameh.com](http://www.nashrieh-nameh.com)
۳۷. میری، حسین. (۱۳۸۸). مبانی حقوق شهروندی. قابل دسترسی از سایت [Http://hoghough85.blogfa.com](http://hoghough85.blogfa.com)
۳۸. میری، حسین. (۱۳۸۷). حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی (ره). قابل دسترسی از سایت [Http://hoghough85.blogfa.com/post-1805.aspx](http://hoghough85.blogfa.com/post-1805.aspx)
۳۹. وردی‌نژاد، فریدون. (۱۳۷۷). قانون اساسی و حقوق شهروندان، مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی.
۴۰. نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۸). جنسیت در برداشت قالی. قابل دسترسی از سایت [Http://anthropology.ir/node/2566](http://anthropology.ir/node/2566)
۴۱. نژاد بهرام، زهرا. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی». شهرداری تهران و دانشکده مدیریت.

امر به معروف و نهی از منکر

عارف زارع

چکیده

یکی از والاترین و شریف‌ترین واجبات امر به معروف و نهی از منکر است به طوری که خداوند می‌فرماید (باید از شما امتی باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینان رستگارانند). امر به معروف و نهی از منکر دارای آثار متفاوتی است از جمله آن‌ها آثار اجتماعی و فردی است که قبلاً توضیح دادیم که هر یک دارای شاخه‌های مختلف است. امر به معروف و نهی از منکر از اصول عملی اسلام و از مهم‌ترین و عظیم‌ترین فرایز دینی در اسلام و فقه اسلامی است.

کلید واژه‌ها: معروف، منکر، وحدت اجتماعی، امر، نهی

پیشگفتار

اسلام (قرآن) و روایات همانگونه که فرد فرد مسلمین را نسبت به اعمال و نیت خویش مسئول می‌داند و همواره به تذکر و یادآوری این مسئولیت سنگین می‌پردازد، آحاد مردم را نسبت به اصلاح و فساد جامعه نیز دارای مسئولیت می‌شمارد و همیشه از آن‌ها انتظار دارد علاوه بر اینکه مراقب اعمال و رفتار خود هستند، نسبت به اعمال سایر مردم نیز بی تفاوت نباشند و در هر حال همه را به اعمال پسندیده و نیکو دعوت نمایند و از کارهای زشت و ناپسند باز دارند، با یک نگاه گذرا به سوره العصر می‌فهمیم که:

بر خلاف گمان انسان که فکر می‌کند هر روز به عمرش افزوده می‌شود، هر روز که می‌گذرد از سرمایه او کاسته می‌شود. به زمان سوگند که انسان همچون یخ هر لحظه در حال آب شدن است پس در برابر هدر رفتن عمر باید چیزی بهتر از عمر بدست آوریم.

آنچه بهتر از عمر ماست، ایمان و اعمال صالح است. ایمان و کار نیک اگر توسعه پیدا نکند، زندگی ارزشی نخواهد داشت. بنابراین باید دیگران را نیز به ایمان و اعمال صالح سفارش و دعوت کنیم. البته پیمودن این راه، مشکلاتی را دربر خواهد داشت؛ ولی به هر حال باید با پشتکار این راه را بپیماییم. برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید معروف و منکر را شناخت و دانست که چه کاری در محدوده معروف قرار دارد تا امر به آن لازم باشد و چه کاری در محدوده منکر قرار دارد تا نهی از آن واجب باشد. از این رو آنانکه بدون شناخت صحیح مصادیق معروف و منکر، دیگران را امر و نهی کنند، نه تنها ممکن است خدمتی انجام ندهند، بلکه چه بسا باعث گمراهی دیگران نیز شوند. بدون شناخت مصادیق معروف و منکر آمیزین و ناهین در عمل دچار مشکل شده و خود را عاجز خواهند یافت.

مقدمه

دو واژه معروف و منکر از واژه‌های قرآنی و روایی است، آنچه شرع و عقل آن را پسندد و مورد امضاء و تأیید آن‌ها قرار گیرد، معروف است و آنچه را در دین و خرد تأیید نکنند و از آن نهی نفرت داشته باشند، منکر می‌نامند. قرآن بهترین امت و ملت خود را آن ملتی می‌داند که این دو فرضیه الهی در آن عمل شود، یعنی مردم به معروف‌ها گرایش داشته باشند و دیگران را به سوی آن فرا خوانند و فرهنگ معروف‌ها را بگسترانند و از منکرها نفرت و بیزاری جویند و دیگران را از

آن‌ها بازدارند. در فرهنگ دینی این دو واجب جایگاهی بنیادین و اساسی دارند تا آنجا که ((قوام فرائض)) دیگر به شمار آمده‌اند.

یکی از وظایف مهم مسلمانان احیاء این دو فرضیه و گسترش فرهنگ معروف و جلوگیری از منکر و روش‌های ناسالم و ناهنجار اجتماعی است.

به دلیل مهم بودن مسئله امر به معروف و نهی از منکر که یک واجب کفایی است در این مقاله سعی شده که علاوه بر معروف، منکر نیز مورد بررسی قرار گیرد چون این دو مکمل یکدیگرند و تا منکری وجود نداشته باشد معروف و کار خوب ارزش چندانی ندارد و امر به معروف راه مقابله با منکر است.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از نظر قرآن

امر به معروف و نهی از منکر مهمترین ویژگی جامعه اسلامی است: خداوند می‌فرماید: شما بهترین امتی بودید که برای ملت پدید آمدید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید آری امت اسلام به عنوان بهترین امت معرفی شده و دلیل آن دو چیز ذکر شده است ((امر به معروف و نهی از منکر)) و (ایمان به خدا) نکته جالب توجه این است که در این آیه امر به معروف و نهی از منکر را بر ایمان به خدا مقدم داشته شد، که نشانه اهمیت و عظمت آن است به تبع این ویژگی برای بهترین امت اسلامی، باید گفت که مهم‌ترین ویژگی جامعه اسلامی همین مسئله است که امر به معروف و نهی از منکر شناخته شود و وجدان‌های بیداری در جامعه پیوسته به آن اهتمام بورزند و لذا به طور خلاصه باید گفت: امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام و از مهم‌ترین و عظیم‌ترین فرائض دینی در اسلام و قرآن است.

قرآن کریم و روایات رسیده از رسول گرامی اسلام (ص) با تعبیرهای گوناگون اهمیت این دو فرضیه بزرگ اسلامی را بیان کرده‌اند. رسول خدا می‌فرماید: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خداست. این دو فرضیه از برنامه‌های خداوند و رسولش و قرآن قلمداد شده است و اگر کسی موفق به انجام آن شود به عنوان جانشین خدا و رسولش و قرآن زیر پوشش همین برنامه و در این راستا گام نهاده است. امر به معروف و نهی از منکر و نقش کلیدی آن در قرآن بسیار مورد اشاره قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید: مردان و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز به پا می‌دارند، زکات را ادا می‌کنند، خدا و پیامبر را اطاعت می‌کنند. اینان کسانی هستند که رحمت الهی شامل حالشان می‌شود. همانا خداوند غالب و حکیم است.

در این آیه موضوعاتی به طور علت و معلول و سبب و مسبب، مرتبت با یکدیگر ذکر شده است: لازمه ایمان حقیقی، رابطه و علاقه به سرنوشت یکدیگر است و لازمه این محبت و علاقه، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمه امر به معروف و نهی از منکر قیام بندگان به وظیفه عبودیت و خضوع نسبت به پروردگار یعنی نماز و قیام به وظیفه کمک و دستگیری از فقرا یعنی زکات است.

بالاخره لازمه امر به معروف و نهی از منکر اطاعت خداوند و زنده شدن همه دستورات دینی است. در آنجا (که امر به معروف و نهی از منکر) را ترک کنند خشم خداوند به مرحله کمال می‌رسد و خداوند همه را با عقابش فرا می‌گیرد. پس نیکان در خانه بدان و خرد سالان در خانه بزرگسالان ناپود می‌شوند. همانا امر به معروف و نهی از منکر شیوه پیامبران و صالحان است. فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات (دیگر) بر پا می‌شود، راه‌ها امن و تجارت‌ها حلال، حق از دشمنان گرفته می‌شود و امر حکومت تحکیم می‌یابد.

فردی که می‌خواهد این فریضه الهی را انجام دهند، باید:

۱. تمام تلاش و کوشش خود را در راه تذکیر و تهذیب نفس بکار ببرد
۲. به آنچه می‌گویند و یا قصد گفتنش را دارد عمل کند.
۳. در امر و نهی از مسائل و برداشتهای شخصی اجتناب کند.
۴. نصیحت‌گر مردم باشد، عصبانیت و درشت‌خویی به خرج ندهد.
۵. نسبت به مردم مهربان باشد. (رحیما بهم)
۶. با آنها با مدارا و رفاقت برخورد کند. (رفیقا بهم)
۷. با لطف و بیانی نیکو و پسندیده مردم را دعوت کند.
۸. با تفاوت‌های روحی و اخلاقی مردم آشنا باشد و با هر دسته‌ای طبق موقعیت و روحیه‌اش برخورد کند. این ویژگی نقش مهمی را در اثر بخشی امر و نهی ایفا می‌کند. روانشناسی جامعه یکی از لوازم امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و ناهی از منکر باید بدانند که با جوانان و ... چگونه برخوردی داشته باشد و باید بین آنان که گناه را به طور دائم انجام می‌دهند و کسانی که گاهی گناه انجام می‌دهند در امر و نهی تفاوت بگذارد و با هر گروهی براساس مقتضای وضعیت روحی‌اش صحبت کند.
۹. نسبت به نیرنگ‌های نفسانی و حیل‌های شیطان بی‌نا باشد.
۱۰. طمع و چشم‌داشتی از دیگران نداشته باشد.
۱۱. در مشکلات امر و نهی شکیبیا باشد.
۱۲. در مقابل اذیت‌های مردم مقابله به مثل نکند.
۱۳. از مردم شکایت نکند.
۱۴. در امر و نهی عصبانی نشود.
۱۵. به خاطر خودش بامر مردم درشت‌خویی نکند.
۱۶. نیتش را برای خدا خالص کند.
۱۷. در کارش از خدا مدد بخواهد.
۱۸. به دنبال خشنودی و ثواب الهی باشد.
۱۹. اگر حرف او را پذیرفتند از آنها تشکر کند.
۲۰. کارش را به خدا واگذارد.
۲۱. به عیب‌های خودش هم متوجه باشد.

امر به معروف و نهی از منکر از فرایض بزرگ اسلامی است و آثار ارزنده و گسترده‌ای را به دنبال دارد. از این رو کسانی که اقدام به انجام این فریضه الهی اقدام می‌کنند باید خود نیز دارای ویژگی‌های ارزنده‌ای باشند تا کلام و سخن آنها در دیگران اثر بخشد. در قرآن ویژگی‌های متعددی برای امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکر بیان کرده‌اند از جمله اینکه: ۱- معروف و منکر را بشناسد و خود عامل به معروف و تارک به منکر باشد. خداوند در توبیخ آمرینی که دیگران را موعظه کرده و از خطاهای خود غافلند می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی و خوبی دعوت می‌کنید و خود را فراموش می‌کنید؟ و در آیه ۲ (صف) می‌فرماید: ای مومنان! چرا آنچه را که بدان عمل نمی‌کنید، می‌گویید؟

شرایط امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن

امر به معروف و نهی از منکر مانند دیگر واجبات شرایی دارد که بدون آن شرایط امر و نهی واجب نمی‌شود. تکالیف الهی دارای دو نوع شرط‌اند:

۱. شرایط عمومی: که برای همه تکالیف وجود دارد مانند: بلوغ و عقل
 ۲. شرایط اختصاصی: که برای هر از یک تکالیف شرایط خاص و جداگانه ای وجود دارد که بدون تحقق آن شرایط تکلیف به مرحله تنجز و فعالیت نمی‌رسد، برای امر به معروف و نهی از منکر هم شرایط اختصاصی زیر لازم است:
 - شرط اول: شناخت معروف و منکر؛ یعنی شخص امر به معروف و ناهی از منکر باید معروف و منکر را بشناسد، تا در انجام وظیفه خود دچار اشتباه نشود.
 - شرط دوم: استمرار گناه؛ اگر فرد گناه کار بعد از عمل خلاف خود قصد ترک آن عمل را داشته باشد نهی اولاً لازم نیست.
 - شرط سوم: قدرت به امر و نهی و نبود ضرر؛ اگر امر به معروف و ناهی از منکر بداند و یا گمان داشته باشد که به واسطه امر و نهی ضرر جانی یا آبرویی به او یا یکی از نزدیکانش (این کلمه هم شامل اقوام... می‌شود و هم شامل دوستان و لذابهاست متوجه خواهد شد امر و نهی واجب نیست بلکه در مواردی که ضرر معتابه یا هذعه عظمی باشد حرام هم می‌شود.
 - شرط چهارم: احتمال تأثیر، اگر شخص امر یا ناهی تشخیص دهد که گفتار یا رفتار او در فرد خاطی اثر گذار نیست شرعاً امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نمی‌شود.
- از آنجا که فلسفه تشریح امر به معروف و نهی از منکر اصلاح جامعه و قطع ریشه فساد است لازم است اهمیت (منکر و ضرر) مورد توجه قرار گیرد.

امر و نهی و زمینه سازی های اجتماعی

امر به معروف و نهی از منکر به زمینه سازی های قبلی نیازمند است، یعنی اگر بخواهیم آثار امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه مشاهده کنیم، باید مقدمات و وسایل اثر بخش در وصول به آن آثار را فراهم کنیم و امکانات هدایت جامعه را فراهم نماییم. چراکه در غیر این صورت نه تنها آثار مثبت این فریضه الهی در جامعه ظاهر نمی‌شود بلکه روحیه دین گریزی و لجابت بر گناه و خطا کاری بر جامعه حاکم شده و باعث حصول آثار منفی و کاملاً برعکس در اجتماعی می‌شود.

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت شیوه ها

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که امر به معروف می‌کند، باید شیوه اش نیز معروف باشد. قرآن می‌فرماید: نیکی در این نیست که از بی راهه به خانه ها وارد شوید، نیکی در این است که از راه آن وارد شوید. آری، برای هر معروف و منکری برای هر شخصی در هر زمان و منکری شیوه ای خاص لازم است که اگر مراعات نشود امکان دارد اثر منفی دهد. و در اینجا بد نیست بعضی از معروف ترین شیوه ها و ابزاری که در مسیر امر به معروف و نهی از منکر مؤثر است را بررسی کنیم.

۱. شیوه آئینه وار

در روایات ما آمده که المؤمن بر آه المؤمن یعنی از ویژگی ها و صفات مؤمن این است که آئینه برادر مؤمن خود باشد.

از این کلام نورانی در ابعاد مختلف تربیتی می‌توان استفاده کرد و از این جمله نکات زیر را در مورد شیوه امر به معروف می‌توانیم استنباط کنیم: ۱- از روی صفا عیب را می‌گوید نه از روی غرض و کینه ۲- زمانی عیب را نشان می‌دهد که خودش گرد و غبار زده نباشد. ۳- مراعات مقام و مدال را نمی‌کند و بین افراد تفاوت قائل نمی‌شود ۴- عیب را بزرگ‌تر از آنچه که هست نشان نمی‌دهد ۵- همراه با نشان دادن عیب نقاط قوت را هم نشان می‌دهد. ۶- عیب را روبرو می‌گوید نه پشت سر ۷- عیب را بی‌سر و صدا می‌گوید ۸- عیب را در دل نگه نمی‌دارد و همین که از کنارش رد شدی، عیب از صفحه او پاک می‌شود. ۹- آئینه را اگر شکستی، خرده‌های آن هم زشت و زیبا را نشان می‌دهد، همین‌طور مومن را اگر شکستی و تحقیر کردی باز دست از حرفش بر نمی‌دارد. ۱۰- اگر آئینه عیب من را گفت، باید خودم را اصلاح کنم، نه آنکه آئینه را بشکنم. آری! اگر مسلمانی نهی از منکر کند، شما گناه را از خود دور کنید و به انتقاد کننده اعتراض نکنید.

۲. توجه دادن به کرامت و ارزش انسان

بر اساس فرموده خدا در قرآن انسان موجودی است که روح خدا در او دمیده شده است. همچنین بر اساس آیات کلام الله انسان تنها موجودی است که خدا در آفرینش او خود را ستوده است. در مورد این شاهکار خلقت می‌فرماید: در آفرینش، بهترین شکل را به او عطا کرده است و از دید کلام وحی: ارزش انسان بهشت است و نه کمتر؛ خداوند انواع فضیلت‌ها و کرامت‌ها را به او عطا کرده است. اگر انسان به این کرامت‌ها و مقامات توجه کند، هرگز خود را آلوده به کارهای زشت نخواهد کرد. راستی! چرا عمر ما چراگاه شیطان باشد؟ ما که جانشین خدایی‌ام، چرا با دشمن خدا قرین باشیم! حضرت علی فرمود: کسی که کرامت و ارزش خود را شناخت، دنیا و هوس‌ها نزد او ناچیز می‌شود. شخص آمر و ناهی با تذکر دادن این مطالب به انسان خاطی می‌تواند در مسیر موعظه و ایجاد تغییر در آن شخص موفق باشد.

۳. تلقین

چه بسیارند افرادی که از انجام معروف هراس دارند و چه بسیارند افرادی که جدا شدن از بعضی از منکرات را برای خود محال می‌پندارند، در صورتی که تلقین صحیح و بیان نمونه‌ها در این زمینه کارگشا خواهد بود و می‌تواند در بسیاری از افراد جامعه مؤثر واقع شود.

۴. استفاده از هنر، شعر و طنز

نقش هنر در دعوت مردم به فساد و انحراف، بر کسی پوشیده نیست. سامری با هنر مجسمه‌سازی توانست مردم را منحرف و بنی اسرائیل را گوساله پرست کند. زیبا گویی فصاحت و بلاغت، بهترین اهرم برای جذب مردم است؛ همانگونه که قیافه زیبا و موزون نقش مهمی در تأثیر کلام دارد. در قرآن امر شده است هنگام رفتن به مسجد زینت‌های خود را با خود بردارید. سخن زیبا و مجادله نیکو از سفارش‌های قرآن کریم است. یکی از نام‌های آن احسن القصص است. آری، قصه‌گویی یک هنر است و اگر آمرین به معروف و ناهیان از منکر از شیوه‌های شروع هنری استفاده کننده می‌توانند مبلغان خوبی برای دین بوده و باعث ترویج معروف و تقلیل منکر در جامعه گردند.

۵. انصاف در برخورد

قرآن کریم در نهی از شراب، اول از منافع مالی و مادی آن سخن گفته است و بعد می‌فرماید: (ضررش از نفعش بیشتر است) و همچنین در برخورد با کافران، منافقان و مشرکان، همواره از عبارت اکثرهم استفاده می‌کند، یعنی همه آن‌ها را نفی نمی‌کند. این خود درس بزرگی در مسیر انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است.

۶. امید دادن

گاهی انسان گناهکار می‌گوید: دیگر از ما گذشته است ما دیگر راه بازگشت نداریم. ما دیگر جهنمی شده‌ایم. اینگونه افراد هر روز به گناه بیشتری آلوده می‌شوند. برای آن‌ها از عفو الهی سخن بگوییم تا گناه آن‌ها را به یأس نکشانند.

۷. تغافل

گاهی باید انسان خود را به غفلت بزند و تظاهر کند که من متوجه گناه تو نشده‌ام تا از این طریق شخصیت افراد شکسته نشود. قرآن کریم می‌فرماید: برادران یوسف که بعد از ده‌ها سال او را دیدند و نشناختند، به او گفتند: ما قبلاً برادری داشتیم به نام یوسف که دزد بود. یوسف خود را به تغافل زد و نگفت که من آن برادر هستم و چرا به من نسبت دزدی می‌دهید.

۸. توجه به ظرفیت افراد

در قرآن آمده است که خداوند می‌فرماید: با هر کس به اندازه ظرفیت وی سخن بگوییم. و همانطور که قبلاً گفته شد این یکی از نکته‌های کلیدی و رمز موفقیت در مسیر امر و نهی است

۹- کنایه گوئی

خداوند متعال در قرآن به عیسی (ع) می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را خدا بگیرید؟! در جای دیگر خداوند پیامبر (ص) را مورد خطاب قرار داده است و می‌فرماید: اگر پدر و مادرت نزد تو به پیری رسیدند تو با آن‌ها درستی نکن. در حالی که عیسی مردم را به توحید دعوت می‌کرد و پیامبر پدر و مادرش را در کودکی از دست داده بود. و لذا معلوم می‌شود به اصطلاح عرف به درمی‌زند که دیوار بشنود که این روش هم واقعاً در بسیاری از زمان‌ها و مکان‌ها مؤثر است.

۱۰. ایجاد محبت

در بخش مهمی از قرآن خداوند نعمت‌های خود را می‌شمارد تا عشق انسان را نسبت به خود زیاد کند. چرا که (جِبَلِ الْقُلُوبِ عَلٰی عَلٰی حَبِّ مَنْ أَحْسَنَ اِلٰیهَا. (۱)) قرآن که مردم را به عبادت دعوت می‌کند می‌فرماید پروردگار کعبه را پرستش کنید؛ زیرا او شما را از گرسنگی و ترس نجات داد. و لذا در مسیر امر به معروف و نهی از منکر هم می‌توان با قدرت محبت‌های معنوی (خدا و امام زمان (عج) و...) یا بانسان دادن محبت‌های دنیوی (محبت پدر و مادر به فرزند و...) افراد را متوجه خطای خودشان کرده و آن‌ها را هدایت کنیم.

۱۱. تحریک عواطف

شخصی به مادرش تندی کرد. روز بعد، امام صادق (ع) او را دید و به او فرمود: چرا با مادرت تندی کردی؟ مگر نمی‌دانی که شکم مادرت منزلگاه تو بود؟ شیر مادرت غذای تو بود؟ سپس فرمود: پس با او خشن نباش.

۱۲. مخفیانه و مختصر باشید

در حدیث می‌خوانیم: هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را آراسته کرده، ولی هر کس آشکارا موعظه کند، او را شرمنده کرده است. در جایی دیگر می‌خوانیم: هرگاه کسی را موعظه می‌کنی خلاصه بگو!

۱۳. نمایاندن الگوها

معرفی چهره‌های برتر و موفق و تجلیل از آن‌ها، در دعوت مردم به معروف نقش موثری دارد. این که مردم هر سال در عاشورا فریاد (یا حسین) سر می‌دهند، زمینه دوری از پذیرش طاغوت‌ها و وفاداری به نظام اسلامی می‌شود. قرآن می‌فرماید: مردم دنیا از همسر فرعون درس بگیرند که چگونه جذب مال و ثروت و مقام و قدرت فرعون نشد. در جای دیگر قرآن می‌فرماید: از حضرت ابراهیم و حضرت محمد(ص) درس بگیرند؛ زیرا این دو بزرگوار اسوه و الگو هستند.

۱۴. تدریج

همان گونه که شیطان گام به گام انسان را به فساد می‌کشاند، راه اصلاح و امر به معروف نیز باید گام به گام باشد. در قرآن کریم، در مورد تحریم ربا این مراحل به چشم می‌خورد: در اول، قرآن می‌فرماید: آنچه به مال شما از طریق ربا اضافه می‌شود، نزد خدا افزایش نیست. در مرحله دوم، قرآن کریم رباخواری را از عادات زشت یهودیان می‌شمارد. در مرحله سوم، قرآن، انسان را از ربای زیاد و مضاعف نهی می‌کند. در مرحله چهارم، قرآن، ربا گرفتن را به منزله جنگ با خدا می‌داند.

۱۵. تکرار

چون برنامه اسلام آموزش نیست، بلکه تربیت هم هست، لذا اوامر و نواهی باید تکرار شود. برای هر غفلت، یک تکرار لازم است. شما در نماز ده‌ها بار جمله (الله اکبر) را در رکوع و سجود و قیام تکرار می‌کنید. یاد خدا غذای روح است و باید همچون غذای جسم تکرار شود.

۱۶. مماشات

حضرت ابراهیم(ع) برای نهی از بزرگ‌ترین فکر (شرک) از راه مماشات وارد رشد و گام به گام به انتقادات خود اضافه کرد. بار اول فرمود: خورشید غروب می‌کند و من غروب شدن را دوست ندارم. بار دوم فرمود: ماه پرستی انحراف است و خدا من را گرفتار آن نکند. بار سوم فرمود: من بیزارم از هر چیزی که شما شریک خدا می‌دانید.

۱۷. حکمت، موعظه، جدال نیکو

قرآن کریم به پیامبر عزیز می‌فرماید: از طریق حکمت و منطوق یا موعظه و نصیحت و یا جدال نیکو مردم را به راه خدا دعوت کن! در امر به معروف و نهی از منکر باید روی مسائلی تکیه کرد که قابل خدشه نباشد. به سخنان محکمی که مورد قبول همه است، حکمت گفته می‌شود. منظور از موعظه حسنه، موعظه‌ای است که براساس محبت و با بیان نیکو باشد و در مکان و زمان مناسب با شیوه‌های صحیح انجام شود. و منظور از مجادله نیکو نیز پذیرفتن نقاط قوت دیگران و استدلال و مقابله به مثل در شیوه‌هاست.

۱۸. خشکاندن ریشه مفسد

قرآن می‌فرماید: «سوء ظن نبرید و تجسس نکنید»؛ زیرا سوء ظن، سرچشمه تجسس و تجسس سرچشمه غیبت می‌شود. اگر قرآن، زنان را از پایکوبی و یا گفتار همراه با ناز و کرشمه و تحریک آمیز نهی می‌کند، به خاطر خشکاندن سرچشمه گناه است. در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز برای اصلاح دولت‌ها باید دولت‌مردان اصلاح شوند و برای اصلاح نسل نو، باید خانواده‌ها اصلاح شوند. قرآن کریم می‌فرماید: با رهبران کفر مبارزه کنید.

۱۹. احترام به ارزش‌های دیگران

قرآن کریم، به تورات و انجیل و انبیای گذشته احترام می‌گذارد و مراکز عبادت سایر ادیان را محترم می‌شمارد؛ حتی برای حفظ آن، دفاع را لازم می‌داند. در سفارش‌های اسلامی نیز آمده: (بزرگان هر قوم را احترام کنید!) و لذا در بحث امر به معروف و نهی از منکر هم از برخوردهای تند در مقابل مقدسان انسان‌های خطاکار باید پرهیز کنیم.

۲۰. تنگ کردن زمینه منکر با انجام معروف

قرآن می‌فرماید: (راه جلوگیری از فحشا و منکر انجام معروفی چون نماز است). هنگامی که خداوند می‌خواهد حضرت آدم را از خوردن غذایی منع کند ابتدا اجازه بهره‌برداری از غذاهای دیگر را به او می‌دهد و می‌فرماید: (از هر غذایی در بهشت استفاده کن، ولی از این غذا استفاده نکن). تفریح و ورزش معروف‌هایی است که جلوی بسیاری از مفسدات، امراض و منکرات را می‌گیرد. زهد و عدالت مسئولان مملکتی، از معروف‌هایی است که می‌تواند جلو بزرگ‌ترین منکرات را که بدبینی به حکومت اسلامی است بگیرد.

۲۱. توجه به زمان

در حدیث می‌خوانیم به هنگام خشم و غضب کسی را ادب نکنید زیرا در معرض افراط هستید.

۲۲. اعراض

قرآن می‌فرماید: (هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما به یأوه نشسته‌اند، پس به عنوان اعتراض، مجلس آنان را ترک کن! یا مسیر حرف را تغییر بده! و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، تا متوجه شدی جلسه را ترک کن و با ستمگران منشین).

در حدیث می‌خوانیم: (سزاوار نیست که مؤمن در مجلس گناهی که نمی‌تواند آن را تغییر دهد، بنشیند). پیامبر (ص) می‌فرماید: گناه کاران را با قیافه عبوس ملاقات کنید.

قرآن و امر به معروف

همانطور که گذشت از ارکان مهم امر به معروف و نهی از منکر شناخت معروف‌ها و منکرات است که در این زمینه هیچ ملاک و معیاری بهتر از قرآن نیست و لذا در ادامه مطالب به بعضی معروف‌ها که قرآن صراحتاً یا با اشاره آنها را بیان فرموده می‌پردازیم.

۱. اقامه نماز

چنانکه قرآن مجید در آغاز سوره بقره می‌فرماید: پرهیزکاران به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند. خداوند حضرت موسی را به انجام این معروف بزرگ فرمان می‌دهد و می‌فرماید: ای موسی! نماز را به پا دار تا یاد من در تو زنده شود. هر مسلمانی نیز وظیفه دارد علاوه بر آنکه خود نماز می‌خواند دیگران را نیز به نماز سفارش کند، دوستان، همکاران،

فرزندان و همسر خود را چرا که فرهنگ نماز و نمازگزارى خود باعث کم شدن و نابودى فساد و منكرات است (این الصلوه تنهى عن الفحشاء و المنکر)

۲. توجه به تمام خوبیها

در تمام قرآن هر جا نامى از نماز آمده است، زکات نیز ذکر شده است تا مومنان گمان نکنند با اداى نماز تکلیفشان تمام مى شود. قرآن از زبان اهل دوزخ چنین بیان مى کند که مى گویند: ما دیگران را به اطعام مستمندان تشویق نمى کردیم.

۳. احسان و نیکوکاری

مورد واجب آن، احسان به والدین است که قرآن مى فرماید به والدین خود احسان کنید.

۴. اصلاح ذات البین

خداوند مومنان را به این امر سفارش نموده و مى فرماید: البته قرآن برای پیشگیری از بروز چنین اختلاف‌هایی همواره مومنان را به عفو و گذشت از یکدیگر سفارش نموده و مى فرماید: چرا خودتان از یکدیگر نمی گذرید.

۵. عدالت ورزی

خداوند مى فرماید: نه تنها به دیگران ظلم نکنید، بلکه زیر بار ظلم دیگران هم نروید.

۶. ازدواج و تشکیل خانواده

نه تنها پدر و مادر بلکه مسئولان جامعه نیز در این امر مسئولیت دارند و هر کس بتواند در این راه قدمی بر دارد باید اقدام کند.

۷. حیا و عفت

خداوند به پیامبرش امر مى کند به دختران و زنان مؤمن بگو که ازدواج کنند و با ناز راه نروند و زینت‌های خود را برای مردان نامحرم آشکار نکنند. همچنین مردان مؤمن را فرمان مى دهد که نگاه خود را به زنان نامحرم کوتاه کنند و از چشم چرانی بپرهیزند.

۸. صبر و استقامت

در سوره و العصر، صبر و استقامت از ویژگی‌های مومنان شمرده مى شود.

آثار امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن

۱. آثار اجتماعی

امر به معروف و نهی از منکر پدیده‌ای اجتماعی می‌باشد و ارزنده‌ترین آثار آن در اجتماع نمود پیدا می‌کند از آن جمله:

الف- اجرای احکام اسلامی

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصل نظارت عمومی یا ضمانت اجرایی قوانین اسلامی مطرح می‌باشد، بدین معنی که خداوند حکیم برای پیاده شدن قوانین حیات بخش اسلام، علاوه بر همه پیش‌بینی‌هایی که نمود، نظارت بر حسن اجرای آن را به عهده فرد فرد جامعه اسلامی، از هر قشری نهاده است. بر این اساس، هر مسلمانی با امر به معروف و نهی از منکر به اجرای صحیح احکام اسلام کمک کرده و در واقع یک نیروی اجرایی و ناظر جدی آن محسوب می‌شود.

ب- عدالت اجتماعی

نظارت عمومی بر حسن اجرای احکام عدالت گستر اسلام، زمینه فراگیر عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد و ضمن تعدیل ثروت‌های جامعه، زندگی عادلانه‌ای برای اقشار مختلف مردم فراهم ساخت.

ج- سازندگی

با پیاده شدن اصل مهم «امر به معروف و نهی از منکر» هر یک از شهروندان جامعه اسلامی یکدیگر را به کار و تلاش و سازندگی ترغیب می‌نمایند و در نتیجه بندهای اسارت و وابستگی یکی پس از دیگری گسسته خواهد شد و مملکت اسلامی، علاوه بر حیات معنوی، آباد و پر نشاط خواهد شد.

د- استواری نظام اسلامی

اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رواج یابد، کمک شایانی به استحکام نظام اسلامی خواهد کرد، بدین معنی که کارگزاران و دولت مردان حکومتی در برابر اعمال مردم، احساس مسئولیت کرده تلاش خواهند کرد که آنان را به اجرای احکام الهی و ادارنموده از هرگونه سستی کجی باز دارند و باحسن اجرای قوانین و بخشنامه‌های اسلامی در حوزه مسئولیت خویش، زیردستان و ارباب رجوع را نیز بدان سمت سوق دهند. از سوی دیگر مردم نیز بر عملکرد دولت نظارتی مستمر خواهند داشت و کارهای هر یک از مسئولین را زیر ذره بین قرار خواهند داد.

ه- امنیت

هر جامعه‌ای برای پویایی خود نیاز به آرامش و امنیت از جانب دشمنان داخلی و خارجی خویش دارد. یکی از آثار امر به معروف و نهی از منکر تأمین امنیت مرزها و راه‌ها از دشمنان درونی و برونی است.

و- خیر و سلامتی

سلامتی جامعه و فراوانی خیر و برکت ششمین اثر امر به معروف و نهی از منکر است.

ز- قدرتمندی مومنان

تثبیت اصل «امر به معروف و نهی از منکر» تشکیل خود جوش هسته‌های حزب الله را در پی دارد و هر مسلمانی در هر نقطه‌ای از مملکت سعی می‌کند به آن پیوندد و روی عرق دینی خویش به نحوی در پیاده کردن قوانین روح بخش اسلام سهم گردد.

ح- تضعیف جبهه نفاق

از نخستین سال‌های تشکیل حکومت اسلامی، جریان نفاق در صدد تهی کردن جامعه اسلامی از ایمان بوده است تا از این راه به اهداف شوم و شیطانی خویش دست یابد از این رو یکی از ویژگی‌های نامیمون منافقین (امر به معروف و نهی از منکر) است که در قرآن به آن تصریح شده است. (مردان و زنان منافق) برخی از برخی دیگرند، که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و مشت‌های خویش را گره می‌زنند.

ط- پاکیزگی کسب و کار

با امر به معروف و نهی از منکر راه‌های صحیح کسب و تجارت و پیشرفت صنعت هموار گشته و هر کسی در خود استعداد خویش به امرار و معاش می‌پردازد و از طرفی گران‌فروشی و اختلاس و... کسب و درآمد مردم حلال می‌گردد.

ظ- مصلحت عمومی جامعه و طرد نااهلان از پست‌های کلیدی

خداوند امر به معروف و نهی از منکر را برای مصلحت عامه مردم و نهی از منکر را برای طرد سفیهان واجب کرده است.

آثار فردی

آنچه بیان شد قسمتی از برکات و فوایدی بود که در سایه امر به معروف و نهی از منکر نصیب جامعه اسلامی می‌شود که بدون تردید آمرین به معروف و ناهین از منکر نیز از آن بهره‌مند خواهد شد، علاوه بر آن از پاداش ویژه‌ای در دنیا و آخرت برخوردار می‌شوند.

الف- دنیوی

- سلامتی دین و دنیا: آمرین به معروف و ناهین از منکر با اقدام به چنین کاری از سلامتی دین و دنیا برخوردار می‌شوند.
- نصرت الهی: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند از ماموران الهی محسوب می‌شود که بدون تردید، خداوند نیروهای خویش را یاری می‌کند.
- کم نشدن عمر و روزی: امر به معروف و نهی از منکر باعث طول عمر می‌شود.
- نجات از بلاها: آمرین به معروف و ناهین از منکر از عذاب و بلاهایی که احیاناً گریبانگیر گناه کاران و فاسدان می‌شود در امان خواهد بود.

ب- اخروی

- خشنودی خدا: بدیهی است که هر کس چنین عبادت بزرگی را انجام دهد خداوند از او خشنود می‌شود.
- فلاح و رستگاری: بی شک امر به معروف و ناهی از منکر که خالصانه و صادقانه طالب نیکی‌هاست و از گناه و پلیدی تنفر دارد تلاش می‌کند خود نیز مانند دیگران عامل به معروف و خود دار از منکر باشد.
- ثواب فراوان: سومین پاداشی که آمرین به معروف و ناهین از منکر می‌برند ثواب زیاد و اجری عظیم است.
- رهایی از دوزخ: همه مردم به جز معصومین کم و بیش مرتکب گناه می‌شوند با این وصف در صورت جدیت در امر به معروف و نهی از منکر، خداوند آنان را از دوزخ رهایی می‌بخشد.
- بهشت برین: سرانجام امر به معروف و نهی از منکر از درب مخصوص صاحبش را وارد بهشت می‌سازد و به زندگی زیبایی آن سرا نائل خواهد کرد.

پی‌نوشت: (۱) - قلب انسان‌ها فطرتاً بر محبت نسبت به کسانی که به آن‌ها احسان و نیکی می‌کنند بنا شده است.

منابع

۱. قرارگاه مرکزی سیدالشهدا، امر به معروف و نهی از منکر.
۲. معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، مرکز پشتیبانی و فن‌آوری آموزشی، پاییز ۱۳۸۱
۳. قرائتی، محسن، ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر.
۴. مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۶
۵. مطهری، حسین، دانستی‌های انسان (۱)، استاد مطهری افق، اول ۱۳۸۶
۶. یعقوبی، ابوالقاسم، سیری در سیره اخلاقی امام حسین، انتشارات دار الفکر، قدس قم، اول زمستان ۱۳۸۵
۷. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، امر به معروف و نهی از منکر، نیروی مقاومت بسیج سپاه، دوم ۱۳۷۲
۸. خمینی، روح‌الله، امر به معروف و نهی از منکر تیان، موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ پنجم ۱۳۷۹

مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد امنیت اجتماعی از منظر آیات و احادیث

سهیلا پرستگاری^۱

الناز مشگی^۲

اکرم اکبریان^۳

چکیده

بسیاری از آیات و روایات بر این مقوله اشاره دارد که اصلاح جامعه در گرو جلوگیری از تجاوز و تعدی افراد و بازگشت آنان به طاعت خداست، تا جایی که دستور مقابله با متجاوزگر نیز صادر شده است. در روایات گهربار معصومین - علیهم السلام از جهات مختلف به وفور تبیین شده تا جایی که درباره مبانی و جوب، اهمیت، شرایط، آثار فردی و اجتماعی و... وظایفی را نیز تعیین کرده و بر پاسداری از اصول آن به عنوان روشی مؤثر برای حفظ جامعه اسلامی از سقوط تأکید شده است و همواره به عنوان تکلیف الهی که کمتر به آن توجه شده است یاد می‌گردد. از آنجا که همه واجبات، اهداف و مصالحی دارند که به واسطه آن مصلحت‌ها و اهداف واجب شده‌اند آشکارا فریضه امر به معروف و نهی از منکر را با اهدافی اجتماعی شفاف می‌سازد. اما آنچه را که به نظر می‌رسد برای روشن سازی حدود و ثغور آن باید به آن پرداخت مفهوم سازی این مقوله مهم می‌باشد. واداشتن مردم به ارزش‌های الهی و بازداشتن آن‌ها از مناهای خداوند و تهذیب جامعه از ناشایسته‌ها نیازمند تعمق بیشتر بر روی مبانی و مفاهیم است که این مقاله سعی در پرداختن به آن است.

واژه‌های کلیدی: امر به معروف و نهی از منکر، امنیت اجتماعی، روایات، قرآن، نظارت اجتماعی

مقدمه

از تشویق همدیگر به کارهای شایسته و بازداشتن از ارتکاب کار زشت خودداری نکنید و بدانید که اگر این کار را ترک کردید بدکاران بر شما مسلط می‌شوند. وقتی آن‌ها مسلط شدند هر اندازه دعا کنید دعای شما قبول نمی‌شود... این جملات پاره ای از سفارشات امیر مومنان امام علی (ع) در بستر شهادت است. واضح است که باید از فرزند بزرگوارشان امام حسین (ع) به عنوان الگوی این امر مهم یاد کرد و در اهمیت موضوع همین بس که حضرت در بستری توأم با رنج و الم لحظات پایان زندگی، فرزندان را به آن توصیه می‌نماید.

اگر چه پیش از نیز بارها و بارها امیر مومنان علی بن ابیطالب این مساله را به انحاء مختلف متذکر شده‌اند؛ به عنوان کسی که حتی قلبش به طرفداری از نیکی‌ها و مبارزه با منکرات برنخیزد، قلبش واژگون می‌شود یعنی توان تشخیص نیک و بد را از دست می‌دهد. در خطبه قاصعه ایشان هشدار می‌دهد که «خداوند سبحان را از رحمت دور نکرد مگر به خاطر دوری از امر به معروف و نهی از منکر».

همچنین از روایات معروف پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - است که:

«یک انسان گنهکار در میان مردم، همانند فرد ناآگاهی است که با گروهی سوار بر کشتی شده و آن گاه که کشتی در وسط دریا قرار می‌گیرد، تبری برداشته و به سوراخ نمودن جایگاه خود می‌پردازد، هر کسی به او اعتراض می‌کند او در

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

۲. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

۳. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

پاسخ می‌گوید: من در سهم خودم تصرف می‌کنم؛ به یقین این یک حرف احمقانه است. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی‌کشد که همگی غرق می‌شوند» (رازی، ج ۴ - ۳: ۱۴۲).

تمام انبیای الهی با هدف اصلاح جامعه‌ی بشری مبعوث شده‌اند و مؤثرترین ابزار برای رسیدن به این هدف «امر به معروف و نهی از منکر» است که پیشینه‌ی آن را می‌توان از زمان بعثت اولین پیامبر الهی بررسی نمود. اما تاریخچه‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» در جوامع اسلامی به صدر اسلام، فرامین قرآن کریم و حضرت رسول (ص) و همچنین پیشوایان معصوم (ع) باز می‌گردد.

مبرهن است که باید معنا و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر را از نگاه دین روشن نمود. بدین معنا آنچه که ضرورت می‌یابد مفهوم و دامنه‌ی معنایی امر به معروف و نهی از منکر است.

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول اساسی دین اسلام است که تأثیری عمیق و گسترده بر حوزه زندگی اجتماعی دارد. واژه معروف، اسم مفعول از ماده عَرَفَ است به معنای شناخته شده و در مقابل آن منکر یعنی مورد ناشناخته و نامعلومی که کسی آن را نمی‌شناسد و یا مواردی که نخواسته‌اند شناخته شود. (یزدی، ۱۳۷۵: ۱۴۸) معرفت و عرفان به معنای شناختن و معروف به معنای شناخته شده به افعال و صفاتی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را شناخته و مورد تأیید قرار داده باشند. ایمان به خدا، تفکر و تعقل، تقوا، عدالت، نیکوکاری، احسان، نعدوستی و وظیفه‌شناسی، امانتداری، وجدان کار، آزادی و نظایر آن را می‌توان از جمله افعال و اوصاف «معروف» دانست که هر وجدان پاک طالب آن می‌باشد. همچنین با توجه به این مراتب امر به معروف عبارت است از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و داشتن صفاتی که به حکم عقل و از طرف شارع به نیکی توصیف شده باشد. منکر نیز به همه اعمال و اوصاف ناپسند اطلاق می‌شود که شرع و عقل آن را به رسمیت نمی‌شناسد، نظیر کفر، ستمگری، بخل، خیانت در امانت، استبداد و خود رأیی، اصرار در گناه، تن دادن به ظلم و نظایر آن که هر عقل سالمی از آن بیزار است. نهی از منکر نیز بر این اساس بر حذر داشتن دیگران از انجام افعالی است که از طرف شارع و به حکم عقل به قباحت و زشتی یاد شده باشد (هاشمی، ۱۳۷۴: ۲۰۸).

تعریف و برداشتی که از امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، بر حسب نوع معنایی که از واژه «معروف» و «منکر» ارائه می‌شود و نیز بر حسب تفسیری که از امر و نهی و مصادیق و مراتب آن می‌شود و بالاخره بر حسب مرجع اعمال کننده آن یعنی آمر و ناهی، متفاوت می‌باشد.

در تبیین معنای معروف و منکر اقوال گوناگونی ارائه شده است؛ برخی معنای «معروف و منکر» را واجبات و محرمات می‌دانند؛ (تفتازانی: ۵۸۰) و برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده‌اند؛ (فاضل مقداد، ۱۳۶۸: ۵۷ و ۵۸).

معروف، در لغت به معنی «شناخته شده»، از ماده عرف و منکر، به معنی «ناشناخته» از ماده انکار است و در اصطلاح کارهایی که نیکی یا زشتی آن‌ها توسط عقل یا شرع، شناخته شده باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می‌شوند (تحریر الوسیله: ۳۹۷).

بر این اساس، کارهای نیک، اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده‌اند؛ چه اینکه فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با دسته دوم ناآشناست.

به کارگیری لفظ معروف و منکر در امور مربوط به بایدها و نبایدهای دین، بدین لحاظ است که فطرت پاک انسانی با کارهای معروف آشنا و مأنوس و با زشتی‌ها و امور ناپسند، بیگانه و نامأنوس است.

افزون بر این، تبیین نوع رابطه معنایی میان معروف و منکر با هنجارها و نابهنجارها، در تعیین قلمرو و کارکرد این آموزه ضروری می‌باشد. در توضیح باید گفت در علوم اجتماعی گرچه تعریف‌های گوناگونی از هنجار و نابهنجار ارائه شده است ولی به هر حال در معنای هنجار دو نکته مهم مد نظر قرار می‌گیرد: «مقبولیت و پذیرش اجتماعی» و «ارزش مندی بنفسه یا بالتبع یک رفتار». به بیان دیگر، هنجارها شکل پذیرفته شده و مقبولیت یافته ارزش‌های اجتماع هستند. در مقابل، امر نابهنجار، رفتاری است که از نظر همه یا بیشتر افراد اجتماع، به عنوان امری بد و ناپسند تلقی می‌شود و مغایر با ارزش‌های مورد قبول آن اجتماع است؛ از این رو هنجار و نابهنجار، معرف خوبی و بدی است و به همین لحاظ است که به «معروف و منکر» نزدیک می‌شود. با وجود این، تفاوت معنایی بسیار مهمی میان معروف و هنجار و منکر و نابهنجار وجود دارد و آن این که معروف بیانگر خوبی و نیکی و ضرورت انجام یک کار است، اما لزوماً دلالتی بر مقبولیت اجتماعی آن ندارد؛ منکر نیز گرچه حکایت از قبح و زشتی یک عمل (فعل یا ترک فعل) دارد ولی ضرورتاً به معنای عدم مقبولیت اجتماعی آن نیست. امر به معنای واداشتن و نهی به معنای بازداشتن است.

قرآن کریم به طور مفصل امر به معروف و نهی از منکر را مورد بحث قرار داده است. (آل عمران / ۱۱۴-۱۰۲ و توبه / ۶۷-۷۸ و حج / ۴۱-۳۹) توالی منطقی احکام قرآن در باره امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به ترتیب اول تشویق افراد به امر به معروف و نهی از منکر، (لقمان / ۱۷) دوم عبرت آثار نامطلوب ترک امر به معروف و نهی از منکر، (اعراف / ۲۴-۲۳) سوم وجوب امر به معروف و نهی از منکر برای مسلمانان (آل عمران / ۱۰۴ و ۱۱۰) و چهارم امر به معروف و نهی از منکر به عنوان خصلت مسلمانان (توبه / ۷۹) ملاحظه کرد.

از مجموع آیات قرآن درباره امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آید که امر به معروف و نهی از منکر از جمله قوانین اجتماعی اسلام به شمار می‌رود که به تدریج بنا بر قابلیت پذیرش و استعداد مسلمانان و با توجه به تکامل و گسترش اسلام تشریح گردیده و از قبیل واجباتی چون نماز و روزه است که اگر ترک شود مؤاخذ خواهد داشت. بنابراین همواره عده‌ای در جامعه اسلامی مسئول انجام چنین وظیفه مهمی هستند (یزدی، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤلیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود. گرچه در لغت، امر به معنای واداشتن و نهی به معنای بازداشتن است که در آن نوعی استعلائی‌آمر و ناهی وجود دارد اما تبیین مفهومی این دو واژه در مبحث امر به معروف و نهی از منکر با مراتب آن پیوند خورده است و از این رو معنای جدیدی از این دو ارائه شده است.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه شهروندان جامعه اسلامی است که به روش‌های مختلف قلبی (چهره‌ای)، لسانی (گفتاری) و یدی (عملی)، حکومت را در ترویج معروف‌ها و بازداشتن و ممانعت از منکرات کمک می‌کنند.

الف) امر و نهی قلبی (چهره‌ای)

برخی مرتبه‌ی قلبی را از لوازم ایمان دانسته‌اند؛ (نوری، ۱۳۷۵: ۲۸۳)، که قابل امر و نهی نیست؛ از این رو، غالباً آن را به اظهار این مرتبه در رخسار و چهره آدمی تفسیر کرده‌اند.

ب) امر و نهی لسانی (گفتاری)

در مرتبه لسانی، نیز صرف «دستور دادن» به انجام کاری یا «باز داشتن» از انجام کاری، تفسیر امر یا نهی دانسته نشده است، بلکه به نصیحت کردن، تشویق کردن و اموری از این دست نیز معنا شده است.

امام خمینی (قدس سره الشریف) در این زمینه می‌نویسد:

اگر بداند که از مرتبه اول امر به معروف و نهی از منکر نتیجه نمی‌گیرد، واجب است از مرتبه دوم استفاده کند، در صورتی که احتمال تأثیر بدهد و اگر احتمال دهد که با موعظه و زبان نرم، نتیجه حاصل می‌شود، نباید به مراحل بعدی تجاوز نماید. اگر بداند که مرحله قلبی اثر ندارد و بایستی با لحن آمرانه امر و نهی کند، باید همین کار را بکند در عین حال باید درجات تندی در گفتار را رعایت نماید.

ج) امر و نهی یدی (عملی)

در مرتبه یدی نیز آن چه متأسفانه به صورت یک برداشت عمومی درآمده است، تفسیر «ید» به «ضرب و جرح و حتی قتل» است، در حالی که در کلمات برخی از فقها «ید» تنها محدود به این موارد نبوده و کنایه از قدرت تلقی شده که دامنه رفتاری بسیار گسترده‌ای هم چون به ازدواج درآوردن جوانان عزب، ساختن مدارس و دیگر مکان‌های مورد نیاز، چاپ و نشر کتاب‌های سودمند، ایجاد اشتغال و ... را شامل می‌شود؛ (علی نوری: ۲۹۵ و ۲۹۶).

اگر دو مرحله قبلی کارآیی نداشته باشند؛ باید از زور و قدرت استفاده گردد، بدین معنا که با اعمال فشار جلوی انجام گناهان گرفته شود و بین شخص و گناه مورد نظرش فاصله ایجاد گردد. در این مرحله نیز باید از مراتب سبک‌تر شروع کرد؛ اما در فرضی که بازدارنده از گناه متوقف بر کتک کاری و ایجاد جراحت و امثال آن باشد، باید با اذن فقیه جامع شرایط انجام گیرد و در شرایط فعلی که نهادهای قانونی جمهوری اسلامی شکل گرفته، چنین کاری باید با اجازه نهادهای مربوط باشد.

گفتنی است آنجا که از فرد کاری ساخته نیست، باید امر به معروف و نهی از منکر به شکل جمعی و گروهی انجام گیرد. همچنین از تدابیر عملی نباید غفلت کرد یعنی باید دید چه طرح و رفتاری، مردم را نسبت به کار نیک تشویق می‌کند و یا از کار زشت باز می‌دارد و این به معنای دخالت دادن عقل و منطق، در اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر است؛ چرا که اسلام در شیوه‌های اجرایی این اصل مهم، آن را به عقل و تدبیر انسان و نهاده است تا از هر راه ممکن و مفید، ریشه منکرات را از جامعه برکنند. برخلاف واجبات عبادی همانند نماز که شکل انجام آن نیز باید با تعبد به دستور شرع صورت پذیرد.

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

رسول خدا - صلی الله علیه و اله - می‌فرمایند: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند، بدکاران شما را به شما مسلط می‌کند و از آن پس نیکان شما هر چه دعا می‌کنند مستجاب نمی‌شود. (مجمع الزوائد، ج ۷: ۲۶۶). مقصود این است که هیبت و شکوه آنان در نظر اشرار از بین می‌رود در نتیجه، اهمیتی به آن‌ها نمی‌دهند و از آن‌ها نمی‌ترسند.

حضرت علی (علیه السلام) به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی. (اصول کافی، ج ۱، باب ۱۳، حدیث ۳).

همان گونه که هر کس لباس می‌شوید، دست خودش نیز پاک می‌شود؛ کسی که مردم را به خیر دعوت می‌کند، به طور طبیعی سعی می‌کند تا خودش نیز به آن کاری عمل کند که به دیگران سفارش می‌کند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «لعن الله الامرين بالمعروف، التاركين له، و الناهين عن المنكر، العاملين به (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ج ۲: ۳۹۱). لعنت خداوند بر کسانی که مردم را به کار نیک دعوت می کنند و خود آن را انجام نمی دهند، و نفرین خدا بر افرادی که دیگران را از کارهای ناپسند دور می دارند و خود آن را به جای می آورند. در قرآن کریم آمده است: (بعضی از مردان و زنان مؤمن بر بعض دیگر ولایت دارند، امر به معروف می کنند و از زشتی باز می دارند) (توبه (۹) آیه ۷).

حضرت علی (ع) در مقایسه این دو واجب الهی با سایر برنامه های اسلام می فرماید: (همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای پهناور و پر موج) (نهج البلاغه، ص ۴۲۹، قصاص ۳۷۴).

پیامبر گرامی اسلام (ص) در تمثیلی زیبا، پیکره اجتماع را به کشتی تشبیه کرده و می فرماید: (اگر یکی از افراد سوار بر کشتی ادعا کند که من در کشتی حق دارم، لذا می توانم آن را سوراخ کنم و مسافران دیگر او را از این کار باز ندارند، موجب هلاکت همگان خواهد شد، زیرا غرق شدن کشتی، هلاکت همگان را در پی دارد و اگر دیگران بی تفاوت نباشند و او را از این عمل باز دارند، هم خود و هم او را نجات خواهند داد) (صحیح بخاری، ج ۲: ۸۸۲).

نکته قابل ذکر این که اسلام امر به معروف و نهی از منکر را تنها در مورد انسان ها مطرح نمی کند، بلکه در مورد حیوانات نیز آن را مهم می شمارد. امام صادق (ع) نقل می کند: (در میان بنی اسرائیل پیر مردی عابد در حالی که به نماز ایستاده بود، چشمانش به دو پسر بچه افتاد که پرهای خروسی را می کنند. عابد بی آن که آنان را از این کار باز دارد، به عبادت خود ادامه داد. در آن حال خداوند به زمین دستور داد که بنده ام را در خود فرو بر) (بحار الانوار، ج ۹۷: ۸۸).

در اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

(در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است همگانی و متفاوت، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می کند). حضرت علی (ع) می فرماید: (خداوند به حضرت شعیب پیام داد که من از بین قوم تو یکصد هزار نفر را به هلاکت می رسانم، چهل هزار نفر از تبهکاران و شصت هزار نفر از خوبان آنها؛ شعیب گفت: خدایا! آن چهل هزار نفر که تبهکارند، اما چرا خوبان را به هلاکت می رسانی؟ فرمود: برای این که آنان در مقابل گناه کاران بی تفاوت بودند و آن جا که من خشمگین می شدم خشمگین نشدند؛ یعنی گناهان را دیدند، لکن نهی از منکر نکردند) (بحار الانوار، ج ۹۷: ۸۱).

در روایات اسلامی نیز به مساله امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت فراوان داده شده و آن را از مهم ترین دستورهای الهی بر شمرده است. این روایات را می توان به پنج گروه تقسیم کرد:

۱. روایاتی که بیانگر وجوب و لزوم امر به معروف و نهی از منکر است و بر آن تأکید شدید نموده اند.

۲. روایاتی که حاکی از هشدار شدید بر ترک کننده آن است.

۳. روایاتی که به اهمیت فوق العاده آن اشاره می کند.

۴. روایاتی که مراحل آن را بیان می نماید

۵. روایاتی که آثار درخشان آن را تبیین می کند.

که در اینجا برای هر کدام، از این پنج گروه، در میان ده ها حدیث به ذکر یک روایت پرداخته می شود:

امام باقر (ع) فرمود: «ویل لقوم لا یدینون الله بالامر بالمعروف، والنهی عن المنکر؛ وای به حال ملتی که امر به معروف و نهی از منکر را روش دینی خود قرار نمی دهد و در اعتقاد به این دو تسلیم خدا نمی شود» (وسائل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۲).

امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «فان الله سبحانه لم يلعن القرن الماضي بين ايديكم الا لتركهم الامر بالمعروف والنهي عن المنكر؛ خداوند متعال پیشینیان را از رحمت خود دور نساخت، مگر به خاطر این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

نیز فرمود: «وان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر لخلق الله سبحانه، و انهما لا يقربان من اجل، و لا ينقصان من رزق؛ امر به معروف و نهی از منکر، دو صفت از صفات خدا هستند، این دو قطعاً، نه مرگ انسان را نزدیک می کنند و نه از رزق انسان می کاهند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

و در عبارت دیگر می فرماید: «گروهی از مردم با دست (عمل) و زبان و قلب، به مبارزه با منکرات برمی خیزند، آن‌ها همه خصلت‌های نیک را در خود جمع کرده‌اند، گروهی دیگر تنها با زبان و قلب نهی از منکر می کنند، این‌ها به دو خصلت نیک تمسک کرده‌اند، و یکی را از دست داده‌اند، گروهی دیگر تنها با قلبشان مبارزه می کنند، اما مبارزه با دست و زبان را ترک کرده‌اند، این گروه بهترین خصلت‌ها را از این سه ترک نموده و تنها یکی را گرفته‌اند، و گروهی دیگر نه به زبان و نه با دست و نه با قلب نهی از منکر می کنند: «فذلك ميت الاحياء، این‌ها در حقیقت مردگانی در میان زندگان هستند». آنگاه فرمود: «و ما اعمال آلبر کلها والجهاد في سبيل الله عند الامر بالمعروف والنهي عن المنكر الا كنفثة في بحر لجي؛ و همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره ای است (مقدار آبی است که با یک دمیدن در دهان جمع شود) در مقابل دریای پهناور» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

و در مورد آثار درخشان این دو فریضه الهی، امام باقر (ع) در ضمن گفتاری فرمود: «... بها تقام الفرائض و تamen المذاهب، و تحل المكاسب، و ترد المظالم، و تعمر الارض و ينتصف من الاعداء و يستقيم الامر؛ در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، سایر فرایض و واجبات برپا می گردد، و راه‌ها امن می شود، و تجارت و کاسبی مردم، حلال گشته، و هرگونه ظلم و جور برچیده شده، و زمین آباد می گردد، و از دشمنان، انتقام گرفته گشته، و همه کارها رو به راه می شود» (وسائل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۵).

امنیت اجتماعی

قرآن کریم در آیاتی، با جملات «بما كان يكسبون» [۱] یا «بما كانوا يصنعون» [۲] یا «بما كسبت أيدي الناس» [۳]، مصائب و مشکلات اجتماعی را به اعمال خود مردم، نسبت می دهد. از جمله می فرماید:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» [۴]

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان می رسید، پس (ساکنانش) نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به (مردم) آن چشاند.

یا رسول الله مثال بزنی و بگو: یک شهری بود که در رفاه و آسایش و امنیت ظاهری و باطنی، قرار داشت. اما اهالی آن شهر کفران نعمت کردند، یعنی گناه کردند. خداوند نعمت داد و باید نعمت را در ثواب بکار می بردند، اما در گناه به کار بردند. وقتی چنین شد، تمام آن نعمت‌ها از آنان سلب و دچار نقص شدند. گرانی، کمبود، و بدتر از آن، ناامنی دل به سراغ آنان آمد (مظاهری، ۱۳: ۶۶).

امر به معروف و نهی از منکر و امنیت اجتماعی

گاهی امر به معروف و نهی از منکر، با ارشاد و نصیحت به یک معنی می‌آید؛ ولی واقعیت آن است که نصیحت و ارشاد، بیشتر جنبه دلسوزی، اندرز، تعلیم و موعظه دارد و همراه با وفق و مداراست، ولی امر به معروف و نهی از منکر به صورت تکلیف و دستوری از سوی شرع مقدس است.

برخی به اشتباه امر به معروف و نهی از منکر را موجب سلب آزادی افراد و دخالت در امور شخصی دیگران، یا عامل ایجاد اعمال خشونت آمیز می‌دانند. حال آنکه فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، احیای احکام الهی، کنترل جامعه و جلوگیری از هرج و مرج است.

اگر امر به معروف و نهی از منکر با شرایط تعیین شده در احکام دینی به اجرا در آید، هیچ گاه با آزادی‌های فردی و سلب امنیت افراد منافات نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام نیز در اهمیت این موضوع می‌فرمایند: «تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون قطره‌ای است در مقابل دریایی پهناور». ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ زیرا در آن صورت، اشرار و ستمگران بر شما مسلط خواهند شد. آن گاه هر چه دعا کنید، دعای شما مستجاب نخواهد شد.» قال علی علیه السلام و ما اعمال البرِّ کُلُّها و الجهادُ فی سبیل الله عندَ الأمرِ بالمعروف و النهی عن المنکر أَلَّا کَنَصه فی بحر لُجیّ. همه‌ی کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر آب دهانی که در دریایی ژرف انداخته شود (میزان الحکمه، ح ۱۲۶۹۰).

از این روایت بر می‌آید که بالاترین نشانه‌های دین است. مهم‌ترین امری است که انبیاء بخاطر آن مبعوث شده‌اند، عالی‌ترین وظیفه علمای دینی، بلکه محور و اساس بقاء دین است و یکی از مصادیق بارز قیام به قسط است (نیلی پور، ۱۳۸۷: ۵۱۷).

در روایات آمده است که: (خداوند دو ملک را مأمور کرد تا شهری را سرنگون کنند. چون به آنجا رسیدند مردی را دیدند که خدا را می‌خواند و تضرع می‌کند. یکی از آن دو فرشته به دیگری گفت: این دعا کننده را نمی‌بینی؟ گفت: چرا! ولکن امر خداست، باید اجرا شود. اولی گفت: نه کاری انجام نمی‌دهم تا از خدا سؤال کنم و به خدا عرض کرد: در این شهر بنده ای تو را می‌خواند و تضرع می‌کند، آیا عذاب را نازل کنیم؟ خطاب آمد: امری که دادم انجام دهید. آن مرد هیچگاه برای امر من رنگش تغییر نکرده و از کارهای ناشایست مردم خشمگین نشده (جامع السعادات، ج ۲: ۲۳۵).

قرآن کریم یکی از دلایل نابودی تمدن‌ها را رواج منکرات و زشتی در جامعه می‌داند. در آیه ۲۱ سوره مؤمن آمده است: «آیا مردم در روی زمین سیر نمی‌کنند تا عاقبت کار پیشینیان خود را ببینند و آنان که بسیار از اینان قوی تر و اثر وجودشان بیشتر بود، سرانجام خداوند (آنان را) به کیفر گناهان بگرفت و از قهر و انتقام خداوند هیچ کس نگه دارشان نبود».

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی در یک حرکت انقلابی، بت‌ها را شکستند و تبر را بر دوش بت بزرگ گذاشتند، خواستند با این کار مردم را به تفکر وادار کنند. ایشان با این کار، منکر بودن و زشتی کار بت پرستان را به آن‌ها گوشزد نمودند و با این حرکت، تفکر غلط بت پرستی را نابود کردند.

امام حسین علیه السلام در ضمن وصیت خود به برادرش، محمد حنفیه، فرمودند: «من برای راحت طلبی و خوش گذرانی خروج نکردم و نه از روی ستم و نه به منظور فساد؛ بلکه مقصود من اصلاح و نجات دادن امت از انحراف است. من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم».

ملاحظه می‌گردد امر به معروف و نهی از منکر یا همان طرح نظارت اجتماعی مکانیسمی است لازم برای امنیت اجتماعی و این نشأت گرفته از آنجاست که اسلام سلامت فرد را از سلامت جامعه مجزا نمی‌داند و این دو را در گرو هم می‌داند و بنابراین لازمه‌ی جامعه‌ی سالم را سلامت افراد با رعایت حقوق یکدیگر و تذکر آن به همدیگر می‌داند. اهمیت آن را تا بدانجا مطرح می‌سازد که ترک آن موجب مصائبی برای مردم و جامعه می‌خواند. چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این باره می‌فرماید: «هر زمان که امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، پس منتظر بلاهای الهی باشند.»

نتیجه‌گیری

قدمت امر به معروف و نهی از منکر به زمان آفرینش حضرت آدم برمی‌گردد. نخستین انسان روی زمین، دعوت‌کننده به نیکی‌ها بود و پس از وی نیز پیام آوران وحی و پیروان با ایمان آنان در انجام این فریضه مهم کوشیدند و برای منکرزدایی، چه بها و دشواری‌هایی متحمل شدند.

۱- مرتبه قلبی (نفرت قلبی بر ارتکاب معصیت داشته باشد) ۲- تعریف و شناساندن منکر برای مرتکب شونده‌ی آن و معروف برای تارک آن ۳- اظهار ناخوشایندی خود و قهر کردن ۴- انکار لسانی به واسطه‌ی موعظه، نصیحت، ترساندن، دورباش دادن، تندی در کلام ۵- مانع شدن فیزیکی، مثل شکستن آلات لهوی، ریختن شراب، گرفتن لباس غصبی و رد آن به صاحبش و ... ۶- تهدید و ترساندن قولی ۷- تنبیه بدنی (برخورد عملی) ۸- مجروح نمودن (با اجازه‌ی حاکم شرع یا مواردی که اذن داده شده است) (نیلی پور، ۱۳۸۷: ۵۸).

اما آنچه که ضرورت دارد تدبیر در روایات و اخباری است که در مدح امر به معروف و نهی از منکر و یا در عواقب ترک این دو صفت آمده می‌باشد و رسیدن به روش‌هایی برای عملی ساختن و به جا آوردن این فریضه مهم به نحوه صحیح از جمله ۱- برخورد با اهل گناه به حسب مراتب آن ۲- اندرز اهل گناه ۳- شرکت در حرکت‌های اصلاحی جامعه.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ج ۲
۳. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، ص ۴۲۹، قصار ۳۷۴
۴. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۲، قم، شریف الرضی، ۱۴۰۹ بی تا،
۵. فاضل مقداد، ۱۳۶۸، النافع لیوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، کتابفروشی علامه، ج ۱.
۶. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، ج ۱.
۷. علی نوری، علی رضا، کلیات فقه اسلامی، قم، یاقوت
۸. مجمع الزوائد، هیشمی، ج ۷
۹. اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۱، باب ۱۳
۱۰. صحیح البخاری، تصحیح مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن الکثیر، ۱۴۱۴ ق، ج ۲.
۱۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۹۷
۱۲. وسائل الشیعه، محمدبن حسن حر عاملی، ج ۱۱
۱۳. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، ح ۱۲۶۹۰
۱۴. رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۴ - ۳

۱۵. نراقی، ملأ مهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، نشر قائم آل محمد، ج ۲
۱۶. مظاهری، حسین. ۱۳۱۲. مشق اخلاق: چهل توصیه اخلاقی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا علیه السلام.
۱۷. نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
۱۸. نیلی پور، مهدی. (۱۳۸۷). بهشت اخلاق: بررسی ۳۱۳ واژه اخلاقی، ج ۲. قم: موسسه تحقیقات حضرت ولی عصر (عج).
۱۹. هاشمی، محمد، ۱۳۷۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، اصول و مبانی کلی نظام. تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول
۲۰. یزدی، محمد، ۱۳۷۵، ولایت فقیه (یا حکومت اسلامی در عصر غیبت). تهران: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.

نقش امر به معروف و نهی از منکر و ضمانت اجرایی آن در حقوق شهروندی

سید محمد محمدزاده^۱

فاطمه نیک عهد^۲

چکیده

در این مقاله نگاه فقهی و حقوقی به اصل امر به معروف و نهی از منکر شده است. نگاهی که می‌تواند انقلابی بزرگ در مکانسیم موجود در زمینه تبلیغ نیکی و امحای پلیدی در حقوق شهروندی در چهارچوب فقهی و حقوقی به دنبال داشته باشد. در این راستا دو اصل امر به معروف نهی از منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی به عنوان علت بقا و ضامن اجرای احکام فقهی اسلامی و اجتماعی به شمار می‌رود. بنابراین احکام فقهی و حقوقی با تکیه بر این دو اصل و گسترش آن از جهت کیفی و کمی به آن عمومیتی فراگیر بخشید. به طور که همه شهروندان مسول و مکلف در راستای حفظ ارزش‌های دین دو فرضیه را بسیج می‌نماید یکی از بهترین جلوه‌های ارتقا اخلاق اجتماعی و ایجاد امنیت پایدار در مکتب پیشرو اسلام و فقه مسئله امر به معروف و نهی از منکر است چرا که این مسئله همه احکام، مسائل شرعی، فقهی، حقوقی اجتماعی، سیاسی اخلاقی و فرهنگی را شامل می‌شود. از مسائل فردی و فرعی گرفته تا مسائل اجتماعی، فقهی، حقوقی و کلی، ثانیاً این حکم و مفاهیم آن در همه زمان‌ها قابل اجرا است.

ثالثاً: نسبت به همه افراد نیز قابل اجرا می‌باشد رابعاً که از همه مهم‌تر و موثرتر این که این مسئله بر عهده همه مسلمانان و شهروندان مسول و مکلف می‌باشد و لذا به اقشار خاصی اختصاص ندارد.

کلید واژه‌ها: امر به معروف و نهی از منکر، مفهوم شناسی، دیدگاه فقهی و حقوقی، شهروند مسول

مقدمه

انسان‌ها از ابتدای آفرینش تا کنون همواره برای ایجاد جامعه‌ای برتر و مدینه فاضله تلاش کرده‌اند و جان و مال بسیار بر سر این آرزوها نهاده‌اند بنابراین شناسایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها یا به تعبیری شناسایی معروف و منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است بنابراین علاوه بر اینکه یک دستور مهم و سرنوشت ساز برای ساختار فقهی و حقوقی و همبستگی اسلامی به حساب آمده بلکه بیانگر جایگاه ولایی این فرضیه در قران مقدس به عنوان مسئله حکومتی می‌باشد بنابراین آیاتی چند در سوره‌های آل عمران ۳ و ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۴ اعراف ۷ و ۱۵۷ توبه ۹ و ۶۷ و ۷۱ و ۱۱۲ آمده است. اهمیت انتخاب این موضوع با توجه به دیدگاه فقهی و حقوقی و جایگاه فرهنگ متعالی آن در فقه و قانون در همه زمان‌ها به ویژه در زمان حاضر ضروری به نظر می‌رسد بنابراین امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی با توجه به دیدگاه فقهی و حقوقی از واجبات کفایی است که اگر به قدر کفایت به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر همه آن را ترک کرده باشند چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه ترک واجب کرده‌اند بنابراین امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک مسئولیت همگانی که همه شهروندان به نوعی مکلف به انجام این فرضیه می‌باشند و خداوند بزرگ برترین قانون را که از علم نامتناهی او سرچشمه گرفته است به بشر ارزانی داشته و همگان را به این امر خطیر و پیروی از این دو فرضیه دعوت کرده است. با این حال این فرضیه سرنوشت ساز به دست فراموشی و مورد بی‌مهری قرار گرفته است. یا اینکه به شیوه نادرستی مورد استفاده قرار گرفته به نحوی که افراد مقابل را با واکنش‌های نامتناسب روبرو می‌سازد. از این

۲. کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مسول دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه خوراسگان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

رو بایستی باتوجه به جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی حقوقی قانون صحیحی که نیازمند ضامن اجرای قانون قوی است، تا کسی آن را زیر پای نگذارد و مرزهایش را رعایت کند و در میدان عمل روزمره آنرا به فراموشی نسپارد و همه افراد در جامعه اسلامی موظف بر نظارت بر نظارت بر اجرای قانون و پاسداری از آن است این حق نظارت عمومی که ضامن اجرای عدالت، قسط، و تضمین کننده وصل جامعه به کمال و سعادت است امر به معروف و نهی از منکر نامیده می شود.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به قدری است که قرآن کریم از امتی که به دو موضوع اهمیت می دهد. به عنوان برترین امت و امت ممتاز و چنین امتی را درستکار و سعادتمند بر می شمارد. همچنین موضوع امر به معروف علاوه بر ابعاد دینی و شرعی یک امر مسلم عقلی دانسته و تصریح کرده اند عقل، فطرت، و جدان اخلاقی نوع بشر، امر به معروف و نهی از منکر را به خوبی می پذیرد، و از این جهت موضوع امر به معروف و نهی از منکر و در دین اسلام تعبدی نیست بلکه، اصرار اسلام عزیز به اهمیت این دو موضوع اساسی در حقیقت، ارشاد به حکم عقل است. قرآن کریم شیوه صحیح و مؤثر امر به معروف و نهی از منکر، موعظه همراه با لطف و مهربانی و همراه با منطق استدلال می داند. (قرآنی ۱۳۸۷). از مفهوم حقوقی و فقهی امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی گفته می شود که یکی از معروف اجتماعی و یکی از وظایف دولت تأمین حقوق همه شهروندان می باشد امر به معروف و نهی از منکر با گستره ای که دارد در پی تأمین این هدف است. مسئله حکمرانی به گفته امام علی (ع) آن است که ستم دیدگان از هر گونه ستمی ایمن باشند و حدود الهی بر زمین نمانند. عنصر امر به معروف و نهی از منکر و هم چنین تبیین صحیح و روشن و جامع از حقیقت و شناسایی امر به معروف و نهی از منکر در عرصه داخلی و جهانی به ویژه در عصر جهان شمولی مفاهیم و واژه های حوزه ای انسانی همچنین حقوق شهروندی از جمله مسئله ای است که با اندکی تأمل می توان به باطن آن پی برد (قرآنی، ۱۳۷۷).

بیان مسئله

در جامعه اسلامی ما، با اینکه قرآن و احکام در درجه اول اهمیت قرار دارد و امر به معروف و نهی از منکر یک واجب مهم اسلامی به شمار می آید که متأسفانه هم شناخت کافی در مورد آن وجود ندارد و هم به طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته است.

رهبان معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی، در این مورد بیانات مهمی ایراد فرموده و در جلسات متعددی مسئولان و تک تک افراد جامعه را نسبت به توجه به این واجب توصیه کرده اند. (سروش و مقدس نیان، ۱۳۸۳).

بررسی و تلاش مفهوم شناسایی و نمایانیدن گفتمان حقیقت مدار و عدالت گرایانه همراه با عقلانیت و مصونیت دین اسلام با محوریت امر به معروف و نهی از منکر در عرصه جهانی از دیدگاه فقهی و حقوقی و جهانی شمولی و مفاهیم و واژه های حوزه علوم انسانی همچون حقوق شهروندی که عنوان این مقاله می باشد. پژوهش و تحقیق و تفحص در مورد امر به معروف و نهی از منکر از آنجا که لازمه زندگی اجتماعی، و خصلت متکامل انسان است زیرا سرنوشت افراد جامعه چون مسافران کشتی است که سود و زیان آن ها به یکدیگر وابسته می باشد و از آنجایی که امر به معروف و نهی از منکر ضامن سلامتی زندگی اجتماعی و صلاح فردی و عامل بقای جامعه و عملی است پیامبرانه و حرکتی خداگونه می باشد و از طرفی گفته می شود که ترک امر به معروف و نهی از منکر موجب عدم استجاب دعا و چیرگی ستمکاران و همچنین عامل مرگ زودرس و کم شدن روزی و موجب زوال نعمت ها و تباهی جامعه می باشد. لذا شایان ذکر است که امر به معروف و نهی از منکر بر همگان واجب و بر عالمان و اجتر و حقوق متقابل مسلمانان می باشد. لذا از آن جهت که

امر به معروف و نهی از منکر محدود به چند مسئله نیست بلکه همه ارکان و ابعاد از دیدگاه های متفاوت فقهی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی و ... را در بر می گیرد و سنگ پایه احکام اسلامی می باشد لذا مسئله مهمی است که مورد تحقیق و پژوهش واقع گردد. و از آن جا به این مسئله مهم یعنی امر به معروف و نهی از منکر و ملاک دین داری، پابندی به امر به معروف و نهی از منکر و نظام حسب، حاصل تلاش سازمان یافته برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر می باشد. لذا توجه به این مهم حائز اهمیت فراوان می باشد. (اسلامی اردکانی، ۱۳۷۵).

توجه متکلمان به مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر و تلاش آن ها برای طرح گفتمان مهم قرآنی در عرصه جهانی زاده اهمیت آن بوده، لذا جایگاه اصلی بحث از این فرضیه در فقه است. زیرا که یک تکلیف است و هدف فقه بحث از تکالیف می باشد از آنجایی که با توجه به اهمیت این موضوع که بیان گردید در چند سده اخیر به دلایلی این فرائض مهجور شد.

و عوارض ناشی از تداوم این فرایض عبارت اند از:

برخی از دلایل محدودیت این فرضیه عبارت اند از:

(الف) طمع (ب) ترس (ج) تجربه تلخ از اجرای این فرضیه (د) برداشت نادرست از برخی از آیات قرآنی (د) سوء استفاده از مفهوم تقیه (ز) بدفهمی شرایط امر به معروف و نهی از منکر (ح) شتابزدگی برای حصول نتیجه (ط) نشناختن زمانی نشناختن قوانین و نسبت های جامعه

لذا به جهت اهمیت و هدف امر به معروف و نهی از منکر که ایجاد معروف و خشکاندن ریشه منکر است و از آنجایی که سنگ پایه احکام اسلامی و بنیاد آن می باشد بایستی به این موضوع توجه ویژه شود. و در جهت رفع موانع آن بشدت کوشید و همچنین انسان گرچه در جامعه زندگی می کند و تحت تأثیر یا فشار قوانین آن است، اما یکسره اسیر آن نیست و می توان در سخت ترین شرایط و دشوارترین وضعیت ها، راهی را که درست تر می داند برگزیند و در آن پیش رود. پیامبران خدا از میان جوامعی که سراپا شرک و ستم بود سر بر آوردند و آن ها را دگرگون کردند سراسر قرآن و تاریخ اسلام ماجرای کسانی است که از حق انتخاب خود استفاده کردند و آنچه را نادرست می دانستند کنار زدند از نظر قرآن انسان موجودی است با چشمانی برای دیدن و عقلی برای برگزیدن و انتخاب نمودن (سوره بلد، ایات ۸-۱۰) بنابراین با توجه به پیش فرض های فوق امر به معروف و نهی از منکر معنا پیدا می کند. زیرا در جامعه سرنوشت همه اعضایش به هم پیوسته است و امکان حرکتی جدایی از حرکت کلی نیست و تنها با سلامت جامعه می توان سالم ماند. پس اهمیت این موضوع امر به معروف و نهی از منکر در مفهوم و ابعاد مختلف حقوقی و فقهی از آنجا که بزرگ ترین ضامن سلامتی می باشد و ضرورت این فرضیه برای جامعه اسلامی مهم و مفید می باشد. (اسلامی اردکانی، ۱۳۷۰، فتوح و همکاران، ۱۳۸۱).

روش تحقیق

در این مقاله از روش کتابخانه ای بر اساس منابع تاریخی و حقوقی با محوریت شناخت مفاهیم و مصادیق و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی و تلاش جهت کاهش ضعف و آسیب ها و چالش های که انسان امروزی را دلیل دور شدن از دین با آن درگیر است و از طرف دیگر نزدیک کردن شهروندان با مفاهیم و مقاصد امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی و مسئول و مکلف دانستن آن ها می باشد.

سؤال اول: آیا این فرضیه امر به معروف از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی و حقوقی محدود به ادیان الهی می باشد. یا شامل ادیان دیگر (غیر الهی می گردد)؟

سؤال دوم: مفهوم شناسی امر به معروف از منکر از دیدگاه فقه اسلامی کدام است؟

سؤال سوم: شرایط فقهی و حقوقی امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی و عوامل تأثیری گذاری آن کدام است؟

اهداف: تحقیق: تبیین صحیح و جامعه از حقیقت مفهوم و شناسایی امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی در عرضه داخلی و خارجی به عنوان شهروند مسئول.

۲- تلاش در جهت کاهش نقاط ضعف و آسیب‌هایی که باعث می‌شود انسان امروزی از دین دور گردد و همچنین نزدیک نمودن و مرتبط ساختن (شهروندان مسئول با این فریضه و جایگاه و شرایط و مفاهیم و مصداق آن‌ها).

۳- یکی از مفاهیمی که با توجه به تجربیات به دست آمده از انقلاب اسلامی و تحولات مکان و زمان ما را به تأمل بیشتر در آن سوق می‌دهد مفهوم شناسی بنیادی امر به معروف و نهی از منکر است لذا از این جهت که امر به معروف و نهی از منکر نه تنها یک فریضه بلکه یک نهاد حقوقی موضوعی در پرتو اصل هشتم قانون اساسی که این اصل نظارت را به عنوان تکلیف همگانی در سه بعد مردم بر دولت، مردم بر مردم، دولت بر مردم مورد توجه قرار داده است توجه به این مهم از اهداف دیگر می‌باشد.

۴- مقابله با اعتقادات انحرافی و اندیشه‌های تسامح و تساهل، مدهانه گرایانه که در مقابل با مفاهیم ناب دینی از جمله حیا، عفت و پاکدامنی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقه و حقوق کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است که در این قسمت به چند نمونه اشاره می‌شود مقاله ای تحت عنوان نقش امر به معروف و نهی از منکر در ایجاد امنیت اجتماعی پایداری و ارتقای اخلاق اجتماعی که توسط دکتر عابدین مؤمنی (عضو هیئت علمی دانشکده تهران) و محمدرضا کیخواجه تنظیم گردیده است همچنین در مقاله ای دیگر که شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته که توسط سکینه آذری (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد) و سعیده ساکی انتظامی عضو هیئت علمی دانشگاه اسلامی واحد خرم آباد و فرانک رشید (مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد) صورت گرفته است در مقاله ای دیگر که ضرورت و اهمیت احیا و ترویج امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی را مورد بررسی قرار می‌دهد که توسط فرشاد میرزایی مطلق عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور لرستان) علی گراوند، (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان لرستان) احمد کرمی (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور لرستان) وحید یخچی عضو علمی دانشگاه پیام نور استان لرستان) فرشاد میرزایی مطلق (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد) مورد بحث قرار گرفته است.

الف) معنای لغوی

امر در لغت به معنای فرمان دادن، دستور دادن حکم فرمایش، در خواست ایجاد چیزی، شان، شی، کار و حادثه است (معین، ۱۳۷۵، ص ۳۵۱).

در قرآن کریم واژه امر در دو معنا به کار رفته است معنای اول، دستور است (مثل قل امر به معروف و نهی از منکر بالقسط) و معنای دوم کار می‌باشد. (و شاورهم فی الارض)

واژه نهی به معنای باز داشتن، منع کردن و نهایت رسیدن می‌باشد؛ زیرا نهی، بر غایت و نهایت دلالت دارد چنانچه گفته می‌شود انتهیت الیه خیر (ابن منظور، ۱۴۰۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴؛ جوهری، ۱۴۰۷).

معروف از ماده‌ی عرف، معروف از نظر لغوی به معنای مشهود، نیکی و شایستگی (بی نام، ۱۳۷۶؛ اسلامی اردکانی، ۱۳۷۵؛ حسینی بهشتی، ۱۳۷۹). جود، بخشش، کار نیک و نیکی، انصاف و همراهی با اهل خانه و مردم آمده است به عبارتی دیگر؛ یعنی شناخته، مرسوم، خوب، متداول می‌باشد.

واژه منکر از ماده نکر به معنای کار دشوار و زشت و جهل آمده است (جوهری، ۱۳۰۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹). زیرا منکر ضد معروف است به عبارتی دیگر منکر یعنی ناشناخته، ناپسند، ناروا و زشت می‌باشد (بی نام، ۱۳۷۶؛ اسلامی اردکانی، ۱۳۷۵؛ حسینی بهشتی، ۱۳۷۹). به عبارتی هر چیزی را که شریعت، قبیح و حرام بداند، منکر است. بنابراین نهی از منکر از بازداشتن انسان از کارهای زشت و نامعقول به وسیله زبان یا عمل و جلوگیری از اموری که در واقع، انسان از آن، ترس و نفرت دارد ولی به واسطه جهل و نفرت، گاه مرتکب آن می‌گردد. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹؛ و مطهری، مسعودی، ۱۳۸۰؛ ستوده، ۱۳۸۱؛ قرائتی، ۱۳۷۵؛ و اسلامی اردکانی، ۱۳۷۵).

معروف آن چیزی است که خداوند متعال انسان را به انجام دادن آن واجب نموده و عقل، انجامان را ترغیب کرده است و منکر، آن چیزی است که خداوند از آن نهی فرموده و عقل از انجام دادن آن، کناره‌گیری می‌نماید. مقصود از انجام امر به معروف و نهی از منکر دو بیان وجود دارد: یکی این است مراد از امر به معروف، یعنی وادار کردن به کار نیک و طاعت، و نهی از منکر، بازداشتن از انجام کار زشت و معصیت است.

تعریف امر به معروف و نهی از منکر دو سرچشمه برای شناخت آنها بیان شده است:

یک عقل و دیگری شرع

از نظر فقه این دو تفاوت محتوایی ندارند و تنها از نظر مرتبه متفاوت‌اند و شرع عقل بیرونی و عقل، شرع درونی است. ریشه هر حکم عقلی رامی توان در شرع یافت و نتیجه هر حکم شرعی را در عقل جست این دو همپا و همراه‌اند. راغب اصفهانی در این مورد می‌گوید: (اسم لکل فعل يعرف بالفعل او الشرع حسنه و المنکر ما ینکر بها. معروف اسم است برای هر عملی که عقلاً و شرعاً آن را خوب می‌داند و منکر چیزی است که بواسطه عقل یا شرع مورد انکار قرار گیرد. (راغب اصفهانی، مفردات الفاض قرآن ۵۶۱، الدارالشامیه، بیروت، ص ۱ و ۱۴۱۶ق.) و در توضیح منکر می‌گوید: هر فعلی که عقول صحیح به قبیح بودن آن حکم کند یا در قبیح یا حسان توقف کند، اما شریعت حکم به قبیح بودن آن نماید، را منکر می‌گویند. (همان ص ۸۲۳).

ب) معنای اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر

تعریف اصطلاحی: چکیده و ریشه معروف‌ها و منکرها در قرآن آمده است از جمله در سوره اسراء آیات ۲۱-۳۸) و لقمان (آیات ۱۳-۱۹) از این معروف‌ها یاد شده در قرآن تعریف خاصی برای آن‌ها عرضه نکرده است و چون این آیات و روایات به زبان عربی است بنابراین برای فهم این واژه باید به منابع فقهی مراجعه کرده با مراجعه به کتب فقهی چنین استنباط می‌شود که تعریف اصطلاحی این دو واژه تعریف مشابه همان تعریف لغوی می‌باشد. علامه حلی می‌فرماید: «و المعروف: کل فعل حسن اخص بوصف زائد علی حسنه اذا عرف فاعله ذلک او دل علیه. و المنکر: کل فعل قبیح عرف فاعله قبیحه او دل علیه) و سپس مراد از فعل حسن را اینگونه بیان می‌فرماید: «الحسن: ما للقادر علیه المتمکن من العلم بحاله عن یفعله» و همچنین فعل قبیح هو الذی لیس للمتمکن منه و من العلم بقبیحه ان یفعله) (علامه حلی، تحریر الاحکام، موسسه امام هادی (ع) ط ۱ و ۴۱۶ق)

عبارت «اخص بوصف زائد علی حسنه فعل مباح را خارج می‌کند، چون مراد زیادی در حسن است که فقط شامل واجب و مندوب می‌شود» (شیخ الجواهر، جواهر الکلام، ۳۵۶/۲۱).

«اذا عرف فاعله ذلك» اشاره به فردی که خودش حسن بودن و قبح بودن عمل را می‌داند مانند مجتهد و «اودل علیه» اشاره به کسی می‌کند که قدرت تشخیص را ندارد و باید متخصص و مجتهد برای او مصادیق خوب و بد را مشخص نمایند.

ایشان در پایان نیز مصادیق عام آن‌ها را بیان کرده: «الحسن شامل للواجب والندب والمباح والمكروه والقبح: هو الحرام خاصة:» (همان) اما مباح را خود ایشان «بوصف زائد علی حسنه» خارج کرد. مستحب و مکروه را نیز برخی داخل در امر به معروف و نهی از منکر نمی‌دانند: «ولا یدخلان - المندوب والمکروه - فی الامر بالمعروف والنهی عن المنکر لانها واجبان فی الجملة اجماعاً و میزان غیر واجبین» (شهدید ثانی، شرح للمعه، ۴/۴/۲).

اما بسیاری از فقها امر به معروف و نهی از منکر را به دو قسم «واجب» و «مستحب» تقسیم کرده‌اند به این معنا که امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که شرع و عقل آن را لازم می‌دانند، همین طور نهی از منکر در حرام، واجب و مکروه، مستحب است. (خوانساری، ۱۳۶۴)

آیت‌الله نوری در این مورد می‌فرماید: «معروف یعنی کار نیکی که عقل خوبی آن را درک می‌کند و یا شرع مقدس ما را به خوب بودنان راهنمایی کرده است و منکر یعنی کار بد و ناپسندی به عقل بد بودنان را درک می‌کند یا شارع مقدس فقها و علما و حقوقدانان ما را به ناپسند بودن آن آگاه نموده است (آیت اله نوری، ۱۳۷۳). بنابراین بهتر است که ما کارهای نیکی که شرع و عقل آن‌ها را لازم نمی‌دانند صرفاً حسن بودن آن اعمال مورد نظر است از آن تعبیر به «مستحب» می‌شود را از عنوان امر به معروف و نهی از منکر خارج نمائی‌ام. چرا که در مورد این اعمال فقط «دعوت» معنا دارد نه «امر».

مثلاً عقلاً می‌فرمایند: خوردن لبنیات برای انسان خوب است. حال اگر کسی لبنیات نخورد، آیا بر کسی لازم است این فرد را امر به خوردن لبنیات نماید؟ خیر. اما اگر خواست می‌تواند دعوت و ارشاد به انجام این عمل نماید. همین گونه در مورد فعلی که عقلاً و شرعاً مکروه است. یعنی الزام برتر که آن وجود ندارد.

نقش امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقه و حقوق

برای آنکه شریران حاکم نشوند جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی باید به عنوان مکانیزم ابزار نظارتی به کار گرفته شود، از نظر امام امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به قشر یا اقشار خاصی ندارد. و همه شهروندان مسئول، مشمول این حکم می‌شوند هر مسلمان مکلف است که امر به معروف و نهی از منکر کند. شهروندان مسئول منحصر به شهروندان خاصی نیست. (تقی پور، ۱۳۷۶، اسلامی اردکانی، ۱۳۷۵). بلکه همه‌ی سطوح شهروندان و حتی حاکمان را در بر می‌گیرد. گوهر این بحث‌ها آن است که هر مسلمان مجاز و بلکه موظف است که حاکمان را خالصانه امر به معروف و نهی از منکر کند و این فرضیه محدود و منحصر به محکومان نیست، بلکه از حقوق پیشین یکایک مسلمانان است امام علی علیه السلام نیز به مالک توصیه می‌کند تا از به قربان گوها بپرهیزد و آنان که زبان تلخ حق گویانه را به کار می‌گیرند به خود نزدیک سازد.

آنچه حکومت اسلامی و جامعه اسلامی را از دیگر جوامع و حکومت‌ها متمایز می‌سازند حضور گسترده شهروندان مسئول و نظارت بر کنترل این دو فرضیه می‌باشد و این فرضیه انحصار به اقشار خاصی ندارد و همه اقشار می‌توانند مسولانه از آن استفاده کنند و این نظارت را به هیچ قانونی نمی‌تواند محدود یا ممنوع کند، زیرا خود قوانین مبتنی بر این فرضیه‌اند و اگر این فرضیه رها شود، نخست بدکاران چیره و نیکان خوار می‌شوند و نهایتاً جامعه را تباهی و هلاکت در پیش می‌گیرد و آنگاه دعای کسی به اجابت نمی‌رسد و گناه این تباهی و هلاکت به گردن همگان می‌باشد نیکان و بدان با توجه به اهمیت

نظارتی این فرضیه است که تدوین کنندگان قانون اساسی، آنرا از اصول کلی یا مادر به شمار آورده‌اند (گلبایگانی، ۱۳۸۲۸).

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی چنین آمده است: در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. همگانی بودن این فرضیه به معنای بله بودن آن نیست. در جایی که اجرای آن نیازمند امکانات و تشکیلات و مسئولان خاصی نباشد، همگان مکلف به اجرای آن‌اند اما در جایی که اجرای این فرضیه نیازمند امکانات مالی و تجهیزات نظامی و... باشند، طبیعتاً سازمانی باید متولی و متکفل این کار شود، تشکیل سازمان‌هایی با نام حسبه، تعیین قضاوت و مانند آن نتیجه رویکرد اجرایی به آن است.

سؤال اول: آیا این فرضیه امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی و حقوقی محدود به ادیان الهی می‌باشد یا شامل ادیان دیگر (غیر الهی) می‌گردد؟

برای تمام انسان‌های کامل تشخیص خوبی از بدی، و به نوعی فرقان وجود دارد شاید در ادیان الهی به این امر بیشتر تأکید شده باشد ولی نمی‌توان گفت فکر وجود عنصری با همین مضمون حال یا به نوعی دیگر و یا با نامی دیگر در میان پیروان سایر ادیان بوده است بلکه می‌توان گفت که این موضوع در میان انسان‌هایی که پیرو ادیان الهی نیستند کمرنگ و شاید تا حدی مهجور است ولی به هر حال نمی‌توان منکر وجود آن شد. در ادیان الهی به دلیل حکمت و الای فرستنده‌ی آن‌ها و نیز دقت بی‌شائبه او و برنامه‌ی دقیق موجود با این ادیان این فریضه و این عنصر بیشتر به چشم می‌خورد و بیشتر بر حیاتی بودن آن تأکید شده است و این موضوع شاید به نوعی سبب شود که در نگاه اول با شنیدن واژه امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقه و حقوق به یاد ادیان الهی به خصوص اسلام بیفتیم که البته این خود نشان دهنده اهمیت بسیار زیادی است که دین مبین اسلام در جهت اصلاح امور مسلمین و جامعه مسلمین برای این فرضیه قائل شده است.

سؤال دوم: مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقه اسلامی کدام است؟

در تعاریف مختلف فقهی امر به معروف از منکر، به فرمان واجبات و باز داشت محرمات محدود می‌شود ولی در گستره معارف اسلامی و روایات امر به معروف و نهی از منکر از عناوین دیگری چون ارشاد، هدایت، و نصیحت را در بر می‌گیرد که برخی مستحب و برخی واجب‌اند. گروهی از لغت‌شناسان معروف را به آنچه شرع و عقل پسندیده و به رسمیت شناخته است، تعریف کرده‌اند (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۲۱) گروهی دیگر معروف را آن دانسته‌اند که بسیاری از مردم نیکو می‌شمارد (ابن اثیر، النهایه، ج ۳ ص ۲۱۶). برخی دیگر گفته‌اند معروف چیزی است که انسان با فطرت پاک الهی آن را می‌شناسد و می‌پسندد (لسان العرب، ص ۲۳۹) منکر در برابر معروف جای دارد و همه محققان آن را ضد معروف شمرده‌اند در مجمع البحرین چنین آمده است: «معروف اسم جاده‌ای است که در بردارنده هر کاری است که دلالت بر پیروی از خدا کند، انسان را به خدا نزدیک کند و همراه با خیر و نیکی برای مردم باشد. و منکر هر چیزی که شرع آن را زشت داشته و حرام نماید.» (مجمع البحرین).

عنوان امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی در زمره تکلیف‌های شرعی و اجتماعی است. لزوم و تکلیف بودن آن را می‌توان از منابع مختلف استنباط نمود (ناصر کاتوزیان، کتاب آزادی اندیشه و بیان مقاله اول).

در قرآن و سنت به اندازه کافی نسبت به لزوم امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است که هیچ منابعی فقهی و حقوقی در وجوب آن تردید ندارد. بررسی باب امر به معروف و نهی از منکر در کتب فقهی شیعه مثل شرایع الاسلام، جواهر

الکلام، تذکره فقهاء، مسالک الافهام و تحریره الوسيله و غيره، این معنا را اثبات می کند در اهمیت آن همین بس که قرآن مجید امر به معروف و نهی از منکر را سبب رستگاری امت اعلام می کند (آل عمران، ۱۰۴) و کسانی را که به چنین کاری اقدام می کنند بهترین امت می داند (آل عمران، ۱۱۰) که خدا را یاری می دهند و خدا نیز آنان را یاری می دهد (حج، ۴۱) در سنت هم برای این تکلیف ارزش و جایگاه والایی در نظر گرفته شده است.

به گونه ای که عدم اجرای این تکلیف مساوی با بی دینی شناخته شده است و در حدیث آمده است که پیامبر (ص) فرمود: «پروردگار بزرگ مؤمن ناتوانی را که دینی ندارد، دوست نمی دارد.» هنگامی که از او می پرسند این چگونه مؤمنی است پاسخ می دهد: «کسی که نهی از منکر نمی کند» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۳).

در مقابل اجرای این تکلیف الهی دارای پاداشی فوق العاده است. از امام باقر (ع) چنین نقل شده است: «هر کس سلطان ستمکار را به پرهیز از خدا امر کند و او را پند دهد و بترساند. پاداش او بهشت است. همانگونه که زشتی ظلم و حرمت عدم رد امانت را عقل به صورت مستقل می پذیرد به «امر به معروف و نهی از منکر» نیز فرمان می دهد (تذکر، علامه حلی، ج ۱، جهاد- تحریر الاحکام، ص ۱۵۷ - شرح المعه، ج ۲، و... به نقل از ناصر کاتوزیان، آزادی اندیشه و بیان، ص ۲۱).

سؤال سوم: شرایط فقهی و حقوقی امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی و عوامل تأثیر گذاری آن کدام است؟

غالب فقیهان و همچنین متکلمان برای این فرضیه شرایط زیر را بر شمرده اند امر و ناهی خود، معروف و منکر را بشناساند اینکه آنکس که می خواهد این فرضیه را انجام دهد باید کارهای خوب و واجب و کارهای زشت و ناپسند و حرام را ولو به طور اجمال بشناساند، بنابراین برای کسی که منکر و معروف را نمی شناسد امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

آمر و ناهی باید خود معروف و نهی از منکر را بشناسد و دیگری را به انجام معروف و اذار و یا از انجام منکر باز دارد و گرنه آنکه از شناخت معروف و نهی از منکر ناتوان است و تصویر درستی از آنها در ذهن ندارد و معروف و منکر برایش تعریف شده نیست، بی شک از شناساندن آن به دیگری و تعریف آن با دیگران ناتوان است (الروضه الهیه فی شرح المعه الدمشقیه ج ۲ ص ۴۱۵).

و محقق حلی به هنگام نقل این شرط می گوید: «تا از اشتباه در انکار ایمن باشد.» حاصل آنکه همه فقیهان به این شرط اشاره می کنند و هیچکس در ضرورت آن تردیدی ندارد. لذا امام خمینی (ره) در این باب می گوید: «آموختن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم آن واجب است.» (تحریر الوسيله ج ۱، ص ۴۶۷، مساله ۸).

دومین مورد اینکه امر و ناهی احتمال بدهد که امر به معروف و نهی از منکر تأثیر دارد. مقصود از تأثیر تنها این نیست که تارک فوق یا مرتکب منکر، تحت تأثیر قرار گیرد و به معروف روی آورد و از منکر روی گرداند، البته این مستقیم ترین نوع تأثیر است، لیکن آنچه فقیهان بزرگ در باب تأثیر گفته اند، بسیار فراتر از این محدوده است. تأثیر به معنای بازتاب سریع و مستقیم و گاه طولانی و غیر مستقیم می باشد. ما باید تفسیر بسته ای آن را رها کرد. آن را به طور موسع تفسیر کرده نباید از آن گریز گاهی برای ترک این فرضیه پدید آورد. و باید کوشید فرضیه تأثیر را فراهم کرد. (خالقی، ص ۸۰).

نکته ای که در این باب باید بدان توجه کرد آنست که فقیهان درباره شرط تأثیر، تعبیر احتمال تأثیر، و امکان تأثیر را به کار برده اند به علم به تأثیر؛ معنی کافی است که مکلف احتمال بدهد که امر به معروف و نهی از منکر اثر می کند و نیازی نیست که حتماً بداند و مطمئن باشد امر و نهی از مؤثر است. حتی اگر دلایلی بر عدم تأثیر داشته باشد، لیکن احتمال عقلایی بدهد که تأثیر دارد؟ این فرضیه، باز بر او واجب است پردازد. بنابراین همه شهروندان بایستی خود را مکلف و در پی تأثیر

امر به معروف و نهی از منکر باشد و هر جا با شکست مواجه شد، آن را ریشه یابی کند و علل آن را بشناسد و برطرف کند و از این رو به صداقت گفته‌اند: «بر ما لازم است که مقدمات تأثیر امر و نهی را فراهم کنیم.» (کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ص ۷۲). بنابراین امر و نهی بایستی نسبت به شئون و استعدادها و طبیعت‌ها و خصوصیات اخلاقی کسانی که می‌خواهد آن‌ها را به خیر و معرفت دعوت کند آشنایی داشته باشد همچنین گفته می‌شود امر و نهی بایستی شناخت دقیق از علم جغرافیا، تاریخ سیاست و روانشناسی اجتماعی، علم اخلاق و شناخت وسیع جامعه و دانستن زبان‌های دیگر و شناخت هنرها و فنون و آشنا به ادیان و مذاهب دیگر باشند. سومین شرط تارک معروف و عامل به منکر را ادامه شیوه خود اصرار داشته باشد. انسان همواره در آستانه لغزش است مگر آنکه رحمت خدای او را نگه دارد. «ان النفس بالسوء الاماره بالسوء الا ما رحم ربی» (سوره یوسف. آیه ۵۳). بنابراین حکم به عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر، در صورت علم به عدم اصرار گناه قطعی است. در صورت عدم اصرار گناه می‌کند، بر این اساس که در این صورت، امر و نهی، لغو و بیهوده خواهد بود و با این دلیل عقلی، اطلاق ادله که دلالت بر وجوب این دو فرضیه می‌کند. شرط چهارم کسی که مورد امر و نهی قرار می‌گیرد باید معروفی را که ترک کرده یا منکری را مرتکب شده و درباره او ثابت و منجر شود. بنابراین اگر وی در ارتکاب منکر یا ترک معروف معذور است. مثلاً او فکر می‌کند آنچه را انجام داده مباح است نه حرام، یا آنچه را ترک کرده واجب نبوده است، و به خاطر این شبهه موضوعی در ارتکاب محرم در صورت نخست، در ترک واجب و در صورت دوم معذور بوده و گناهی نداشته است، چه این اشتباه که برای او در موضوع حکم پیدا شده از روی اجتهاد باشد یا تقلید در هر صورت امر او به فعل واجب و نهی از ارتکاب حرام بر هیچ وجه واجب نیست.» بنابراین از اسلوب و شیوهی دلایل امر به معروف و نهی از منکر چنین بر می‌آید که: کاری نیکی که به آن امر می‌شود، کاری است که بر مأمور (آن کسی که به او امر می‌شود) واجب باشد. و همچنین کار منکری از آن نهی می‌شود که کار منکری است که بر او نهی می‌شود، حرام باشد، بر این اساس اگر بدانیم کسی که مرتکب حرام یا ترک واجب شده، شرعاً یا عقلاً معذور است، امر به معروف و نهی از منکر، واجب نیست بلکه علاوه بر عدم وجوب نیز جایز نیست، همچنان که اگر احتمال بدهیم او در حرام یا ترک واجب، معذور است، باز نهی از منکر و امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست گاهی اشکال دارد زیرا موجب آزار و بدون دلیل شرعی خواهد شد.

شرط پنجم آنست که بر امر کننده معروف و نهی کننده از حرام به جهت این امر و نهی از زیانی وارد نشود و به عبارتی دیگر امر به معروف و نهی از منکر او مستلزم ضرری بر جان او یا آبرو یا مال او یا جان و ناموس و مال سایر مسلمین نشود، بنابراین هر گاه امر به معروف و نهی از منکر ضروری بر او یا بر دیگر مسلمین گردد، بر او امر به معروف واجب نیست و ظاهراً فرق نمی‌کند که علم بر ضرر داشته باشد، یا گمان به آن پیدا کرده باشد یا حتی احتمال عقلایی بدهد احتمالی که موجب خوف او شد. از اینکه امر و نهی آن مستلزم زمان او یا زیان بعضی از مسلمین خواهد گردید و این در صورتی است که اثر داشتن امر یا نهی ثابت و محرز نباشد ولی اگر تأیید امر به معروف و نهی از منکر اثبات شود پس باید این فرضیه را رعایت کنیم و به آن اهمیت دهیم.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله آمده است نتیجه می‌گیریم:

در این مقاله تلاش شده تا ضمن تبیین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقه و حقوق و بررسی چگونگی تأثیر گذاری این دو فریضه بدان جهت که سعادت و شقاوت انسان‌ها در زندگی اجتماعی به سرنوشت یکدیگر گره خورده را و هم خواهان ارتقای جامعه فاضله و برقراری عدالت و آرامش در جامعه هستند بنابراین بدین جهت

همه شهروندان مکلف و مسئول مبارزه با هنجار شکنان و ظالمان در خیانت کاران و ترویج دادن بیشتر خوبی‌ها در میان افراد جامعه می‌باشد. بنابراین با توجه به دیدگاه فقها امر به معروف و نهی از منکر در ارتقای اخلاق اجتماعی و ایجاد امنیت پایدار جامعه نقش کلیدی داشته، به گونه‌ای که کوتاهی در انجام این وظایف و روش نادرست این انجام فرضیه موجب رخوت و سستی و بی‌تفاوتی و اضمحلال و مرگ جامعه می‌گردد بنابراین بر هر شهروند مکلف واجب است در چهارچوب قوانین و شرع و فقه عمل به معروفات را توصیه کرد و دیگران را از مبادرت به نهی جلوگیری نماید. بنابراین از دیدگاه فقهی و حکومتی امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی یکی از مهم‌ترین و عظیم‌ترین فرایض دینی در اسلام و فقه اسلامی می‌باشد. قرآن، اولین وظیفه همه انبیاء را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و در سوره نحل آیه ۳۶ می‌فرماید: «ما در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه آن دو چیز بود» یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌هاست «بزرگ‌ترین منکرهاست» دعوت به نیکی و باز داشتن از زشتی.

شهید مرتضی مطهری نیز می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت اجتماعی در افراد نسبت به سرنوشت اجتماع است. (شهید مطهری، سلسله یادداشت‌ها، ج ۱، ص ۲۴۷) اگر چه مقتضای قواعد فقهی توافق بخشیدن به ادله متعارضه می‌باشد. لیکن کیفر با این تحلیل امر به معروف و نهی از منکر از احکام ابداعی شرع نیست و در همه جوامع و نظام‌های حقوقی و فقهی ماهیتی شناخته شده و مقبول دارد، و در نظام حقوقی اسلام چون قانون دایره گسترده‌تری می‌دارد و ابعاد فردی زندگی را نیز در بر می‌گیرد.

ضمانت اجرای آن به شکل وسیع‌تری، نقش آفرینی می‌کند در فقه و شرع تأکید شده که اجرای امر به معروف و نهی از منکر همچنین ضمانت اجرای آن انحصاراً در اختیار دولت نیست بلکه چنین نقشی بر عهده عموم شهروندان نهاده شده و از منظر و اصول فقهی و حقوقی و مبانی روان‌شناسی انسان‌ها با اعمال خیر و شر چه بخواهند و چه نخواهند در زندگی و رفتار افکار دیگران تأثیر می‌گذارند بنابراین همانطور که داشتن جامعه سالم و خدا محور و رو به کمال خواست هر انسان سلیم العقل است و تحقق آن منوط به احساس مسئولیت و وظیفه شناسی آحاد جامعه می‌باشد. سلامتی و آرامش مادی و معنوی جامعه آن گونه که بتواند زمینه ساز جامعه آرمانی و مسیری به سمت کمال می‌باشد در گرو توجه به خود و دیگران میسر می‌گردد. بنابراین با توجه به آنچه در این مقاله آمده است نتیجه می‌گیریم به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی و حقوقی عمل نمایند و به این وسیله از آرزوهای اسلامی و اجتماعی پاسداری کرد حاکمیت آن را تقویت و توسعه بخشند. باید از شیوه‌های صحیحان استفاده کنند تا به هدف والای نائل گردند.

لازمه این حرکت نخست شناخت شیوه‌های صحیح و درست و اثر بخش که در این مقاله در پاسخ به سؤالات به این نتیجه می‌رسیم که ناهیان از منکر و آخرین به معروف باید بدانند در چه شرایطی و برای چه افرادی کدام شیوه مؤثر تر است و از همان بهره جویند.

پیشنهادات

در این راستا با اذعان به اینکه در وضعیت کنونی پرداخت به امر به معروف و نهی از منکر یک سنت فراموش شده است لذا بایستی در جهت احیای آن تلاش نمود بدین جهت به ارائه پیشنهادهایی پرداخته می‌شود.

۱. حمایت جدی و همه جانبه مسوولین و شهروندان مسئول از آمرین و ناهیان از طریق مشوق‌های لازم در جهت انجام هر چه بهتر و اثر بخش بودن این فریضه، آموزش همه جانبه با مسائل فقهی و حقوقی و برخورد با سوء استفاده کنندگان از نام آمر و ناهی، نشر فرهنگ نظارت و مسئول بودن همه شهروندان، بالا بردن میزان اعتماد

- مردم و تلاش برای نمایانیدن گفتمان حقیقت مدار و عدالت گرایانه همراه با عقلانیت و معنویت دین اسلام با محوریت امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی و حقوقی.
۲. تبیین و تأکید تبلیغ هر چه بیشتر بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر گروه خاصی از مردم نیست بلکه دارای مراتبی است که خداوند، پیامبران و ائمه اطهار (علیهم السلام) و مدیران و همه اقشار شهروندان را در بر می گیرد.
۳. توسعه و آموزش شیوه های عملی امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی یکی از ضرورت های می باشد که هم آحاد ملت و مسئولین، اطلاعات لازم را برای انجام این فریضه الهی داشته باشد.
۴. گسترش و تلاش و نشر احادیث در روایت فقهی و حقوقی از طریق کتب و رسانه ها در جهت گسترش جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در حقوق شهروندی.
۵. تدوین، توسعه و انتشار قوانین و مقررات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر در این جهت در اصل هشتم قانون اساسی آمده است که دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شرایط حدود و کیفیت آن راقانون مشخص می کند.
۶. هدف عمده و اساسی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه فقهی و حقوقی محقق شدن معروف و زدوده شدن منکر است برای رسیدن به چنین هدفی بایستی موثرترین راهکارها در این راستا پیش قدم شدن مسوولین، و شهروندان، احترام به شخصیت افراد، ارشاد تدریجی، نرمجویی و محبت به تشویق شهروندان دیگر در این جهت به ارزش ها، ایجاد فضای امر و نهی، برخورد عملی با مترکبین به صورت جدی.
۷. بایستی هدف آمران و ناهیان از روی خودخواهی و از روی انگیزه و امیال شخصی نباشد و هدفشان بهبود رفتار اجتماعی اشخاص در جامعه باشد. باید با توجه به اوضاع و احوال و شرایطی که فرد مخاطب دارد او را امر یا نهی کنند.
۸. نهاد و سازمان های دولتی در جهت آگاهی و اطلاع رسانی عموم شهروندان مرتبط با این فریضه در قالب شعارهای تبلیغاتی در معرض دید عموم شهروندان (از طریق تابلوهای تبلیغاتی، تراکت، بروشور، پوستر، تیزرها و انیمیشن ...) قرار دهند.
۹. اندیشمندان دینی بایستی موارد اختلاف دید فقها را در معروف و منکر شناسایی کرده و باتبیین نقاط اختلاف و اشتراک مرجع حل تعارض فناد او را روشن سازند.

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، به کوشش تورنبرگ، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۲، قمری.
۴. ابن منظور، لسان العرب الطبیعه الاولى، بیروت، دار احیا التراث العربی، بی تا.
۵. اسلامی اردکانی، سیدحسن، امر به معروف و نهی از منکر، قم، نشر خرم چاپ اول، ۱۳۷۵.
۶. اسلامی اردکانی، سید حسن، از اسلام چه می دانیم؟، قم، نشر خرم، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۷. اکبری، محمدرضا، تحلیل نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر، نشر پیام عترتف چاپ چهارم، پاییز ۱۳۷۶.
۸. امام خمینی (ره) المکاسب المحرمه، جلد اول
۹. الجواهری، اسماعیل بن جماد، الصاح تابع اللغه و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، مصر، دارالکتاب العربی، بی تا.
۱۰. الجئی العاملی، زین الدین علی، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، قم (چاپ ششم)، موسسه اسماعیلیان.
۱۱. النجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، چاپ هفتم.
۱۲. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۹هـ ق.
۱۳. تقی پور، علیرضا، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر (موضوع اصل ۸ قانون اساسی، ج ۱. ۱). در سیاست جنایی ایران، پایان کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۲-۱.
۱۴. حلی (علامه)، جمال الدین الحسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الاشیعه فی احکام الشریعه، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۵. حسینی بهشتی، سید محمد، بایدها و نبایدها، تهران، انتشارات بقعه، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، مفردات فی الفاظ القرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۱۷. روزبه، محمدحسن، نظارت همگانی امر به معروف و نهی از منکر، ناشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول اسلامی اردکانی، سیدحسن، امر به معروف و نهی از منکر، قم، نشر خرم چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۸. ستوده هدایت الله، آسیب شناسی، اجتماعی، تهران، نشر آوای نور، ۱۳۷۹.
۱۹. ستوده عبدالکریم، حکمت و معشیت، ناشر، موسسه فرهنگی صراط، چاپ پنجم.
۲۰. قرائتی، محسن، ۱۰ درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر تهران، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن چاپ پانزدهم.
۲۱. عاملی، مرحوم شیخ حر، «وسایل الشیعه» ج ۱۱، ص ۳۵۹ روایت امام باقر (علیه السلام).
۲۲. مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۲۱، دکتر هادی همایون.
۲۳. مطهری، مرتضی، تأثیر عنصر امر به معروف و نهی از منکر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۲۴. مسعودی، محمد اسحاق، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، بی تا.
۲۵. نوری، همدانی، آیت الله شیخ حسن، کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، لاهور، ۱۳۵۴.
۲۶. همایش علمی امر به معروف و نهی از منکر، دانشگاه مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۲۷. همایش ملی نظارت (امر به معروف و نهی از منکر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور و دبیرخانه دائمی وحدت حوزه و دانشگاه استان لرستان.

بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای در تربیت شهروند خوب از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

محمدتقی محمودی^۱

احمد عباسی^۲

عباس رئیسی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای در تربیت شهروند خوب از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ که به روش توصیفی پیمایشی انجام گردیده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان و دبیران دوره متوسطه شهرستان شهرکرد می‌باشد. حجم نمونه مطابق با جدول مورگان ($n=377$) برای دانش‌آموزان و ($n=274$) برای دبیران تعیین گردید و نمونه‌گیری به روش تصادفی انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که هر کدام مشتمل بر ۴۰ سؤال بود. برای تعیین روایی نظرات چند نفر از صاحب‌نظران و اهل فن استفاده و برای تعیین پایایی هر کدام از پرسشنامه‌ها بطور جداگانه بر روی یک گروه ۳۰ نفری که جزء حجم نمونه نبودند اجرا و با استفاده از فرمول الفای کرونباخ ضریب پایایی پرسشنامه دانش‌آموزان ۹۳ درصد و پرسشنامه دبیران ۹۱ درصد محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار الف) آمار توصیفی شامل میانگین، فراوانی، درصد فراوانی و ضریب همبستگی و ب) آمار استنباطی شامل آزمون t و تحلیل واریانس استفاده و نتایج حاصل حاکی از آن بود که از دیدگاه دبیران بین آموزش‌های مدرسه‌ای و آگاهی از قانون، کسب مهارت شهروندی، التزام عملی به قانون، کسب و ارتقاء هویت ملی، رعایت حقوق دیگران، کسب روحیه مشارکت جویی، کسب تفکر انتقادی، کسب روحیه مسئولیت‌پذیری، ارتقاء دانش سیاسی و حفاظت از محیط زیست در دانش‌آموزان مؤثر هستند اما از دیدگاه دانش‌آموزان آموزش‌های مدرسه‌ای فقط در شناخت و رعایت حقوق دیگران نقش دارند و در دیگر مؤلفه‌های ذکر شده نقشی ندارند. از نظر جمعیت شناختی نیز تفاوت معناداری بین مؤلفه‌های جنسیت، میزان سواد و سابقه کار در بین دبیران و جنسیت، محل مدرسه، پایه تحصیلی و رشته تحصیلی در بین دانش‌آموزان مشاهده نگردید.

واژگان کلیدی: برنامه درسی آشکار، برنامه درسی پنهان، تربیت شهروندی

مقدمه و طرح سؤال

انسان ذاتاً اجتماعی آفریده شده است و جهت رفع نیازهای خود باید با دیگران رابطه برقرار کند این اساس شکل‌گیری جوامع انسانی است. در گذشته نیازهای انسان در سطح پایینی بودند و غالباً جوامع نیز محدود و کوچک‌تر از جوامع امروزی بوده‌اند لذا مهارت‌های زیادی جهت برقراری رابطه در این جوامع مورد نیاز نبوده است و اندک مهارت مورد نیاز نیز از سوی خانواده و تربیت افراد در خانواده تأمین می‌شد. امروزه با پیشرفت علم و صنعتی شدن زندگی و گسترش نیازهای انسان به موازات آن مهارت‌های مورد نیاز زندگی نیز افزایش یافته است و خانواده به تنهایی نمی‌تواند نیازهای تربیتی افراد

۱. دکترای علوم تربیتی و عضو هیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد - mahmoudi@iaushk.ac.

۲. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

۳. کارشناسی ارشد علوم تربیتی - abbas.raisi1362@gmail.com

را تأمین کند. لذا مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی با هدف عمده تربیت افراد جامعه به وجود آمده است. این همان چیزی است که امروزه می‌توان آن را تربیت شهروندی نامید.

بی‌تردید یک از مهم‌ترین رسالت‌ها و دلایل شکل‌گیری مدارس در طول تاریخ بشری و توسعه آن به شکل کنونی، آماده‌سازی شهروندانی متعهد، فعال و خلاق بوده است. در سایه‌ی چنین برداشتی است که از نظر مریبان بزرگ‌تعلیم و تربیت، مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده‌شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه‌های عرصه‌های مختلف آن است. در راستای احراز ویژگی‌های شهروندی مدرسه باید مکانی برای تدارک فرصت‌های لازم و مناسب برای تجربه و تمرین در عرصه‌های مختلف زندگی باشد تا از این رهگذر، زمینه‌های لازم برای برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آید. مدارس به عنوان الگو و مدلی برای تمرین یک جامعه مدنی مهم‌ترین نهاد در انتقال ارزش‌های مدنی می‌باشد و باید علاوه بر وجوه آموزشی و درسی انتزاعی که تنها افزایش آگاهی‌های شناختی را به دنبال دارد، ابعاد عاطفی و به خصوص رفتاری عمل شهروندی را نیز رشد دهند. دانش‌آموزان نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی و کسب دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش ببینند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید کودکان و نوجوانان کمک‌کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند.

در واقع در دوره متوسطه هدف این است و باید این باشد که از علوم مختلف به عنوان پل و یا بستر کمک گرفته شود تا شهروندی شایسته تربیت گردد. نسل نو باید آگاهی‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هایی را فراگیرند که با استفاده از آن بتواند نقش یک شهروند فعال و مشارکت‌جو را ایفا کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

مسلماً در فرایندی که فرد در مسیر تربیت طی می‌کند، مقدمات ورود او به اجتماع فراهم می‌شود. نحوه تربیت فرد نقش مهمی در بنا و پویایی یا نابودی جامعه خواهد داشت. به عبارت دیگر، نوع تربیت افراد تضمین یا عدم تضمین بقای جامعه بشری را رقم خواهد زد. از این رو می‌توان گفت تربیت کلید جامعه و جهان است. از نگاه راسل وضعیت جهان امروز به دلیل یک تازی کاروان علم و عقب ماندن قافله خرد از این کاروان چندان رضایت‌بخش نیست و به همین دلیل به نسبت افزایش مهارت و چیره دستی با کاهش خرد مواجه هستیم. آنچه راسل در زمان کنونی به آن اعتقاد دارد نیاز نوع بشر به مشارکت به جای رقابت است. هر چند حذف کامل رقابت به عنوان فعالیت طبیعی انسان مقصود او نیست زیرا توقف رقابت بدون تخریب فردیت به دشواری امکان پذیر است.

مقوله تربیت شهروندی از اهمیت فراوانی برخوردار است چه آنکه در سایه دارا بودن شهروندانی مناسب و فرهیخته که از دانش و توانش و نگرش لازم برای زیست در یک جامعه مدنی برخوردار باشند، توان تحقق شعارهای مورد نظر در عرصه داخلی و بین‌المللی به دست خواهد آمد. امروزه هر نظام آموزشی در تلاش است تا از طریق طراحی و تدوین برنامه‌های درسی مشخص، انواع مختلف دانش و مهارت‌ها را به دانش‌آموزان انتقال داده و آن‌ها را برای بر عهده گرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان در زندگی واقعی آماده سازند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۵).

شناسایی ویژگی‌های و خصوصیات شهروند خوب و سازماندهی عناصر و مؤلفه‌های نظام آموزشی برای پرورش چنین شهروندانی، یکی از عمده‌ترین اهداف نظام آموزشی کشورهای مختلف جهان را تشکیل می‌دهد ولی متأسفانه بر خلاف روند جهانی، نظام آموزش و پرورش ایران چندان به آموزش و پرورش شهروندی خوب، متناسب با خصوصیات عصر

حاضر توجه نشان نمی‌دهد و تضادهای فرایندهای برنامه‌ریزی به ویژه در برنامه‌ریزی مدارس در خصوص پرورش و توسعه ارزش‌های شهروندی مشاهده می‌شود. برای رسیدن به این هدف باید نظام تعلیم و تربیت رسمی جامعه نیز مطابق چنین نیازمندی‌های جدید، اهداف، روش‌ها و محتوای نظام آموزشی را مورد بررسی و تجدید نظر و تدوین قرار دهد. از این رو عناصر موجود در این نظام از طراحان برنامه درسی گرفته تا مجریان و حتی فراگیران، لازم است علاوه بر آشنایی با ویژگی‌های یک شهروند مؤثر، در این راستا تربیت شده باشند، تا بتوانند فرایند این نظام آموزشی را آینده‌ی تمام‌نمای خواسته‌های اجتماعی قلمداد نمایند. با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به اینکه نیاز امروز جامعه ایران حضور انسان‌هایی آگاه، مشارکت‌جو و حساس به مسائل جامعه، علاقمند به تعامل و گفتگو است که در تمامی زمینه‌های زندگی خود داوطلبانه مشارکت داشته باشند ضروری به نظر می‌رسد.

مبانی نظری

مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی وظیفه تعلیم و تربیت افراد را برعهده دارد. دانش آموزان در مدرسه تحت تأثیر عوامل زیادی همچون گروه همسالان و همکلاسی‌ها، روابط دانش آموز و معلم، جو حاکم بر مدرسه، ساختمان فیزیکی مدرسه، برنامه درسی و ... قرار می‌گیرد و به سخن دیگر در دیوار مدرسه هم بر رفتار و نگرش دانش آموز تأثیرگذار هستند. لذا می‌تواند که در طراحی و ساخت مدرسه و طراحی برنامه درسی و انتخاب معلمان و روش‌های تدریس که همه و همه در بوجود آمدن جو مدرسه مؤثر هستند توجه در خور شود.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان عوامل مدرسه‌ای را به دو دسته کلی برنامه درسی رسمی (آشکار) و برنامه درسی غیر رسمی (پنهان) تقسیم نمود.

منظور از برنامه درسی رسمی فعالیت‌های برنامه‌های درسی هستند که نظام آموزش رسمی آنان را اعلام می‌کند و در بسیاری از موارد در قالب کتاب‌های درسی در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود (مهرمحمدی ۱۳۸۰).

آنچه دانش آموز از فرهنگ خانواده، وسایل ارتباط جمعی، ارتباط دوستان، همسالان و رفتار معلم و غیره کسب می‌کند را برنامه درسی پنهان گویند. (ملکی ۱۳۸۴) به عبارت دیگر برنامه درسی پنهان نه از قبل طراحی شده و نه در جایی نوشته شده بلکه از بطن محیط می‌آید و باعث یادگیری در افراد می‌شود. در این پژوهش برنامه درسی پنهان در سه قسمت عمده جو مدرسه، تأثیر رفتار و عملکرد معلم و تأثیر رفتار و عملکرد مدیر و سایر مسئولان مدرسه مورد ارزیابی قرار گرفته است.

اما سوی دیگر پژوهش شهروندی است. مفهوم شهروندی اگر چه دارای یک تاریخ طولانی است اما هنوز هم مبهم و مسئله‌دار است. یونگ استدلال می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمده بین مردم است که می‌خواهند از حالت طبیعی، یعنی حالتی که زندگی به صورت منزوی، فقیرانه و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزید. از این رو شهروندی، نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقاء رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. (مریفید^۱ ۱۹۹۷)

دایره المعارف انگلیسی فلسفه تعلیم و تربیت در تعریف تربیت شهروندی می‌نویسد: تربیت شهروندی به آموزش‌هایی گفته می‌شود که به توسعه شهروندی یا توانمندی‌های شهری مربوط می‌شود و اهداف آن الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت‌های خاص فهمیده می‌شود، زیرا آن‌ها دانش و طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های همراه با مشارکت

در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می‌دهند، همچنین در تعریف دیگری این دایره المعارف تربیت شهروندی را تربیتی می‌داند که به مقررات صریح جوامع جهت تلقین ارزش‌های مدنی از طریق تعلیم و تربیت رسمی اشاره دارد. (چامبلیس، ۱۹۹۶)

مهر محمدی (۱۳۷۷) اندیشه ورزی و ژرف اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه‌های مخالف، قانون‌گرایی و قانون‌پذیری، احساس خود ارزشمندی، عزت و اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگرا در حل مسائل مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرات در ابراز اندیشه از جمله ویژگی‌هایی می‌داند که در تربیت شهروندی باید مورد توجه قرار گیرد.

فتحي (۲۰۰۱) ویژگی‌های شهروند خوب را در سه سطح با عناصر خاص هر يك بيان می‌کند

الف) شناخت مدنی

۱- آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی ۲- آگاهی از حقوق شخصی ۳- آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه ۴- آگاهی از مکاتب عقیدتی و ایدئولوژیکی جامعه ۵- آگاهی از تاریخ و سیر تحولات تاریخی جامعه ۶- آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت در سطح ملی و محلی ۷- آگاهی از حقوق بین‌المللی ۸- آگاهی از عقاید و دیدگاه‌های احزاب سیاسی و عمده کشور ۸- آگاهی از وضعیت موجود جوامع در جهان معاصر

ب) توانایی مدنی

۱- مسئولیت‌پذیری ۲- احترام به حقوق متقابل ۳- التزام عملی به قانون ۴- توانایی تصمیم‌گیری منطقی و معتولانه ۵- توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب جامعه ۷- توانایی گفت‌وگو و دیالوگ ۸- توانایی نقد و ارزیابی ۹- توانایی اقدام مستقل ۱۰- توانایی بدست آوردن اطلاعات ضروری ۱۱- توانایی مشارکت با دیگران

ج) نگرش مدنی

۱- دارا بودن حس وطن دوستی ۲- داشتن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت ملی و مذهبی ۳- داشتن روحیه بردباری و تحمل ۴- علاقه و نگرانی نسبت به آسایش و رفاه خود و دیگران ۵- داشتن روحیه قانون‌مداری ۶- داشتن روحیه انتقادپذیری ۷- داشتن اعتماد و باورهای مستقل ۸- خوش بین بودن ۹- پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن فتحي و واحد (۱۳۸۵)

مؤلفه‌های تربیت شهروندی را چنین بیان می‌کنند

الف- دانایی محوری ب- وطن دوستی پ- قانون‌مداری ت- مسئولیت‌پذیری و تعهد ث- مشارکت - انتقادگری و انتقادپذیری

به طور کلی می‌توان چنین اظهار نمود که آماده سازی افراد برای زندگی در جامعه و آموزش راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی از جمله مسائل مهم مورد توجه نظام‌های آموزشی می‌باشد که تلاش‌های آموزشی و پژوهشی بسیاری را صرف شناسایی ابعاد شهروندی و پرورش ارزش‌ها در دانش‌آموزان نموده است (فتحي و ديبا، ۱۳۸۱) در این راستا نظام‌های آموزشی در تلاش‌اند تا از طریق طراحی و تدوین برنامه‌های مشخص، ابعاد مختلف تربیت شهروندی را در مدارس مورد توجه قرار داده، و دانش‌آموزان را برای بر عهده گرفتن نقش‌ها مسئولیت‌هایشان در زندگی آماده سازند (فتحي و واحد، ۱۳۸۵).

بدین منظور برنامه‌های مدارس باید به اقدامات اساسی در راستای ارزش‌ها، درخواست‌ها و انتظارات اجتماعی دست یابد. بنابراین هدف اصلی برنامه‌های درسی مدارس باید جامعه‌پذیر ساختن دانش‌آموزان و آشنا ساختن آنان با دانش، ارزش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌های ضروری جهت زندگی و ارتقا و بهبود سطح جامعه باشد. در واقع یکی از کارکردهای اصلی هر نظام آموزشی، اجتماعی کردن افراد جامعه است که در این عمر نیز عمدتاً از طریق برنامه‌های آموزشی و درسی صورت می‌گیرد.

انواع شهروندی

مدل‌های مختلفی برای تربیت شهروندی تاکنون ارائه گردیده است. "کریک" انواع شهروندی را بر حسب ماهیت رابطه با حکومت تعریف می‌نماید و گلستون ویژگی انواع شهروند خودمختار و مستقل را نام می‌برد. (محمودی و کیانی ۱۳۸۹) محمودی و کیانی در پژوهش خود با عنوان بررسی رویکرد آموزش شهروندی در متن کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی به سه نوع شهروند یعنی ۱- شهروند قانون‌مدار ۲- شهروند مشارکتی و ۳- شهروند انتقادی اشاره می‌کنند.

۱. شهروند قانون‌مدار: بارزترین ویژگی در این نوع شهروندی نظم‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و احترام به قانون است.
 ۲. شهروند مشارکتی: آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی از بارزترین ویژگی‌های این نوع شهروندی است. در این الگوی شهروندی آگاهی و مشارکت از خصوصیات بارز شهروند است.
 ۳. شهروند انتقادی: خودکاری و علاقه به عدالت اجتماعی ویژگی‌های بارز این مدل از شهروندی است به طوری که فرد با علاقه و انگیزه در اجتماع و مسائل اجتماعی شرکت می‌کند و می‌توان گفت که کامل‌ترین مدل شهروندی است.
- می‌توان گفت مدل‌های ارائه‌شده از شهروندی در بالا بر روی یک پیوستار قرار دارد که از قانونمداری شروع و در شهروندی انتقادی به بلوغ خود می‌رسد.
- مروری بر تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی:
- در زمینه تربیت شهروندی در داخل و خارج از کشور تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام شده که در ذیل به چند مورد از آن‌ها اشاره خواهد شد.

صابری (۱۳۸۱) پس از انجام مطالعات خود پیرامون «راهکارهای افزایش اثربخشی آموزش‌های شهروندی» عنوان کرد که یکی از مولفه‌های سرنوشت ساز و مهم در پیشرفت جوامع توسعه یافته، موضوع کلیدی آموزشی است. آموزش و به ویژه آموزش همگانی نقش حیاتی در روند بازسازی فرهنگ و کشور ایفا می‌کند و اینجاست که مسئله آموزش اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. وی اشاره کرد که شهروند قبل از هر چیز باید نحوه زندگی سالم در جامعه را بیاموزد تا شهروند فعال خوانده شود که در این راه می‌باید از آموزش‌های تابعی استفاده نمود. آموزش‌های تابعی دارای دو بعد اساسی است: ۱- بعد نظری، ۲- بعد عملی در بعد نظری مسائل و مشکلات شهروندان به شکل سؤالات شخص مطرح می‌شود و توجه آموزندگان به تجزیه و تحلیل و درک آن‌ها جلب می‌شود. در بعد عملی تصمیمات اتخاذ شده در شهر به مرحله اجرا در می‌آید و شهروندان برای پذیرش رفتارهای جدید آماده می‌شوند.

ابزاری نیز در سال ۱۳۸۱ طی پژوهش با عنوان ارائه راهکارهای افزایش اثربخشی آموزش‌های شهروندی و آشناسازی مردم با حقوق شهروندی به این نتیجه رسید که افزایش آموزش‌های شهروندی تدبیری نو برای آشناسازی مردم با حقوق شهروندی است و راهکارهای آن عبارت‌اند از:

- استفاده از آموزش‌هایی که مبنای دینی و مذهبی دارند
- آموزش قوانین و مقررات در مدارس رسمی
- آسیب‌شناسی دلایل عدم رعایت حقوق شهروندی
- آموزش‌های لازم جهت کارکنان دولت و دستگاه‌های دولتی

پسیانی (۱۳۸۳) پژوهش را با عنوان «بررسی شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه با حقوق شهروندی در شهرستان فریدون‌شهر» انجام و به این نتایج دست یافت که آموزش و آماده کردن شهروندان در آموزش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی-اداری برای مقابله با مشکلات، مسائل، نوآوری‌ها و تحولات سریع تکنولوژی در جوامع شهری امروز تنها راه حل کاهش معضلات است و آموزش می‌تواند نابرابری‌های طبقاتی و نژادی را کاهش دهد و شهروندان را از حقوق حقه خود آگاه سازد.

مدانلو (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «حیطه‌ها و مولفه‌های آموزش شهروندی در کتب دوره راهنمایی» به بررسی مولفه‌های شهروندی در کتب دوره راهنمایی پرداخت. برخی از مولفه‌های شناسایی شده عبارت بودند از توانایی اتخاذ تصمیمات منطقی، توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی، دارا بودند حس وطن پرستی، داشتن روحیه انتقاد پذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی، دارا بودن هویت مذهبی، ملی، پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، حساس بودن نسبت به آلودگی زیست محیطی و گوش دادن سازنده به دیگران.

فانی و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان اثر بخشی فعالیت‌های فوق برنامه در تربیت شهروندی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه نظری شهر بوشهر» بر روی یک نمونه ۳۰۰ نفری (۱۵۰ نفر شرکت‌کننده در فعالیت‌های فوق برنامه و ۱۵۰ نفر غیر شرکت‌کننده در فعالیت‌های فوق برنامه) به این نتیجه رسیدند که بین میزان قانونمداری، روحیه مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس افراد شرکت‌کننده و غیر شرکت‌کننده در فعالیت‌های فوق برنامه تفاوت معناداری وجود دارد.

قلتاش و دیگران (۱۳۸۸) طی پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر آموزشگاهی بر پرورش وظایف شهروندی دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی شهرستان مرودشت به این نتایج دست یافتند که بین متغیرهای پژوهش رابطه معناداری وجود دارد و همه سؤالات تحقیق تأیید شدند. همچنین نتایج حاکی از این است که مدرسه بیشترین امکانات را جهت گسترش آموزش شهروندی دارا است، بنابراین در پرورش شهروندانی آگاه و مسئول نقش اساسی دارد. لذا جهت دستیابی به این مهم بایستی به کار معلمان و کادر اجرایی توجه بیشتری شود و در ارتقاء سطح کمی و کیفی درسی و بهبود فضای فیزیکی مدرسه تلاش شود و تجهیزات لازم برای شرکت فعال و همه‌جانبه دانش‌آموزان در برنامه‌های گروهی-اجتماعی به عمل آورد.

باقری (۱۳۸۹) طی پژوهشی با عنوان «طرح انضباط اجتماعی و نقش آن در قانونمند کردن شهروندان از دیدگاه ساکنین شهرک افضل پور کرمان» چنین بیان داشت که بین میزان افزایش قانونگرایی و طرح انضباط اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین تسهیل زندگی اجتماعی و طرح انضباط اجتماعی رابطه معنادار وجود ندارد و بین جلوگیری از بروز

تشدید قانون‌گزیزی و طرح انضباط اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. بین رعایت حقوق شهروندی و طرح انضباط اجتماعی رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین بین نظرات آزمودنی‌ها در مورد اجرای این طرح در قانون‌مند کردن شهروندان از لحاظ جنسیت و سن تفاوت معناداری مشاهده نشده است اما بر حسب میزان تحصیلات تفاوت معناداری مشاهده گردیده است.

محمودی و کیانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی رویکرد آموزش شهروندی در متن کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی با هدف مشخص کردن نوع رویکرد شهروندی موجود در کتاب‌های درسی که از طریق برنامه درسی رسمی و پنهان به دانش آموزان انتقال می‌یابد. این پژوهش به بررسی و تحلیل محتوای متن و تصاویر کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی در سه پایه اول، دوم و سوم راهنمایی در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ کشورمان می‌پردازد. جامعه آماری کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی است و نمونه کل جامعه آماری بوده است. معیار توصیف آموزش شهروندی و واحد ثبت پاراگراف بوده است. آموزش شهروندی در این پژوهش در سه حیطه آموزش شهروند قانون‌مدار، آموزش شهروند مشارکتی و آموزش شهروند انتقادی می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که بیشتر محتوای کتاب‌های درسی یعنی ۴۵/۵ درصد به آموزش شهروند قانون‌مدار پرداخته است و آموزش شهروند مشارکتی با ۳۶/۰۶ درصد در رتبه بعد قرار دارد و نهایتاً^۱ آموزش شهروند انتقادی با ۱۸/۴۴ درصد کمترین درصد را به خود اختصاص داده است.

در حوزه مطالعات خارجی نیز تحقیقات زیادی در این خصوص انجام گرفته است سیرز (۲۰۰۲) طی پژوهش به عنوان شناسایی ویژگی‌های شهروند خوب از دیدگاه معلمان مدارس ابتدایی کشور کانادا به این نتیجه رسید که معلمان مرد در مقایسه با معلمان زن معتقدند فعالیت حل مسئله در توسعه شهروندی خیلی مفیدتر خواهد بود. همچنین معلمان دارای مدرک فوق لیسانس در مقایسه با معلمان دارای مدرک لیسانس مؤلفه وطن پرستی را خیلی با اهمیت تر تلقی می‌کنند. دلیو. لا (۲۰۰۷) در پژوهش دیگری در شانگهای چین با هدف توضیح ادراک معلمان و دانش آموزان از عناصر و ابعاد مهم تربیت شهروندی در سطح محلی، ملی و جهانی انجام و نتایج حاکی از آن است که تربیت شهروندی نیازمند یک چهارچوب چند سطحی و چند بعدی است و مفاهیم شهروندی و تربیت شهروندی مفاهیم پویایی می‌باشند که با تحولات ملی و جهانی تغییر می‌یابند.

لو وان جی^۱ (۲۰۰۹) با هدف بررسی میزان آگاهی دانش آموزان مدارس هنگ کنگ از گوناگون شهروندی در جلسه شهروندی چین، به ارزیابی دیدگاه دانش آموزان در این زمینه با توجه به جامعه جهانی، ملی و محلی پرداختند. نتایج حاصل از داده‌های جمع آوری شده از طریق مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه بیانگر آن است که دانش آموزان مدارس مذکور آگاهی بالایی در زمینه گوناگونی شهروندی داشتند.

سوالات پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای در تربیت شهروند خوب از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ انجام گرفته و به منظور تحقق هدف یاد شده ده سؤال به شرح زیر مطرح گردیده است:

- نقش عوامل مدرسه‌ای در آگاهی از قانون از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب مهارت شهروندی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در التزام عملی به قانون از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب و ارتقاء هویت ملی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در رعایت حقوق دیگران از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب روحیه مشارکت جویی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب تفکر انتقادی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب روحیه مسئولیت پذیری از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در ارتقاء اطلاعات سیاسی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
- نقش عوامل مدرسه‌ای در حفاظت از محیط زیست از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه گیری و ابزار اندازه گیری

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد است که تعداد دانش آموزان ۲۰۰۷۱ نفر و دبیران ۹۵۱ نفر می‌باشند. حجم نمونه مطابق با جدول مورگان برای دانش آموزان ۳۷۷ نفر و برای دبیران ۲۷۴ نفر تعیین گردید و نمونه گیری نیز به روش تصادفی انجام گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها دو پرسشنامه محقق ساخته هر کدام با چهل سؤال در مقیاس پنج درجه لیکرت بوده است. برای تعیین روایی نظرات چند نفر از صاحب‌نظران و اهل فن استفاده و برای تعیین پایایی هر کدام از پرسشنامه‌ها بطور جداگانه بر روی یک گروه ۳۰ نفری که جزء حجم نمونه نبودند اجرا و با استفاده از فرمول الفای کرونباخ ضریب پایایی پرسشنامه دانش آموزان ۹۳ درصد و پرسشنامه دبیران ۹۱ درصد محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده و در بخش آمار توصیفی از جدول فراوانی و از ضریب همبستگی و در بخش استنباطی و آزمون t و تحلیل واریانس استفاده شد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به منظور پاسخ به مسئله مورد نظر یعنی بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای در تربیت شهروند خوب ده سؤال طراحی گردید و با استفاده از پرسشنامه به نظر سنجی از دبیران و دانش آموزان پرداخته شد که نتایج حاکیست:

۱- نقش عوامل مدرسه‌ای در آگاهی از قانون از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟ الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل نشان می‌دهد بین عوامل مدرسه‌ای و آگاهی از قانون از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱۴) و سطح معناداری (۰/۰۲) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۳,۵	۱۱	۳۲	خیلی کم
	۱۵	۴۱	کم
	۳۹	۱۰۵	متوسط
	۱۹	۵۱	زیاد
	۱۶	۴۵	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل نشان می‌دهد بین عوامل مدرسه‌ای و آگاهی از قانون از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۱۶) و سطح معناداری (۰/۶۷) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۱,۳	۳۱	۱۱۷	خیلی کم
	۱۱	۴	کم
	۲۸	۱۰۶	متوسط
	۷	۲۸	زیاد
	۲۳	۸۵	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۲- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب مهارت شهروندی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟ الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب مهارت شهروندی از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۳۵) و سطح معناداری (۰/۰۱) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۳,۵	۱۸	۵۰	خیلی کم
	۱۴	۳۸	کم
	۲۶	۷۰	متوسط
	۲۴	۶۷	زیاد
	۱۸	۴۹	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه ای و کسب مهارت شهروندی از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۰۲) و سطح معناداری (۰/۵۸) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۱,۲	۳۲	۱۲۱	خیلی کم
	۲۹	۱۱۱	کم
	۷	۳۰	متوسط
	۸	۳۳	زیاد
	۲۴	۸۲	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۳- نقش عوامل مدرسه‌ای در التزام عملی به قانون از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و التزام عملی به قانون از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۶۹) و سطح معناداری (۰/۰۲) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۴,۵۱	۵	۱۱	خیلی کم
	۱۴	۴۰	کم
	۲۰	۵۶	متوسط
	۲۶	۷۱	زیاد
	۳۵	۹۶	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و التزام عملی به قانون از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۵۶) و سطح معناداری (۰/۶۳) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۱,۳	۳۵	۱۳۴	خیلی کم
	۱۷	۶۳	کم
	۲۶	۹۸	متوسط
	۱۶	۶۱	زیاد
	۶	۲۱	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۴- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب و ارتقاء هویت ملی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب و ارتقاء هویت ملی از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۷۶۵) و سطح معناداری (۰/۰۴) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۳,۵	۱۷	۴۸	خیلی کم
	۱۲	۳۲	کم
	۲۵	۶۸	متوسط
	۲۶	۷۱	زیاد
	۲۰	۵۵	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب و ارتقاء هویت ملی از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۸۷) و سطح معناداری (۰/۷۴) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۲,۵۱	۲۸	۱۰۶	خیلی کم
	۲۳	۸۶	کم
	۳۰	۱۱۳	متوسط
	۵	۲۰	زیاد
	۱۴	۵۲	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۵- نقش عوامل مدرسه‌ای در رعایت حقوق دیگران از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و رعایت حقوق دیگران از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۴۲) و سطح معناداری (۰/۰۲) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۱,۵	۸	۲۴	خیلی کم
	۱۹	۵۱	کم
	۲۲	۶۰	متوسط
	۱۳	۳۵	زیاد
	۳۸	۱۰۴	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش‌آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و رعایت حقوق دیگران از دیدگاه دانش‌آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۲۹) و سطح معناداری (۰/۰۲) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دانش‌آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۴,۵۱	۱۸	۷۰	خیلی کم
	۱۴	۵۱	کم
	۱۲	۴۵	متوسط
	۲۵	۹۵	زیاد
	۳۱	۱۱۶	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۶- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب روحیه مشارکت‌جویی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب روحیه مشارکت‌جویی از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۷۶۶) و سطح معناداری (۰/۰۱) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۴,۵۱	۷	۲۰	خیلی کم
	۹	۲۴	کم
	۱۹	۵۲	متوسط
	۳۰	۸۳	زیاد
	۳۵	۹۵	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش‌آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب روحیه مشارکت‌جویی از دیدگاه دانش‌آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۶۲) و سطح معناداری (۰/۷۶) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش‌آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۲,۵۱	۲۳	۸۷	خیلی کم
	۱۶	۵۶	کم
	۳۰	۱۱۴	متوسط
	۱۷	۶۶	زیاد
	۱۴	۵۴	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۷- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب تفکر انتقادی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب تفکر انتقادی از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۱۵) و سطح معناداری (۰/۰۴) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۳,۲۵	۷	۲۱	خیلی کم
	۸	۲۳	کم
	۱۹	۵۱	متوسط
	۳۶	۹۶	زیاد
	۳۰	۸۳	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب تفکر انتقادی از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۰۵) و سطح معناداری (۰/۶۱) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۲,۵۱	۱۹	۷۶	خیلی کم
	۲۳	۸۵	کم
	۳۱	۱۱۵	متوسط
	۱۳	۵۰	زیاد
	۱۴	۵۱	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۸- نقش عوامل مدرسه‌ای در کسب روحیه مسئولیت‌پذیری از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟
الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب روحیه مسئولیت‌پذیری از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۸۷۰) و سطح معناداری (۰/۰۲) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۳,۵۱	۲۱	۶۱	خیلی کم
	۲۲	۵۸	کم
	۱۴	۳۹	متوسط
	۳۱	۸۴	زیاد
	۱۲	۳۲	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و کسب روحیه مسئولیت‌پذیری از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۳۱) و سطح معناداری (۰/۸۳) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۲,۵۱	۳۲	۱۲۰	خیلی کم
	۳۸	۱۴۲	کم
	۹	۳۶	متوسط
	۱۴	۵۲	زیاد
	۷	۲۷	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۹- نقش عوامل مدرسه‌ای در ارتقاء اطلاعات سیاسی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

الف: دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و ارتقاء اطلاعات سیاسی از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۸۶۵) و سطح معناداری (۰/۰۲) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۳,۵۱	۷	۲۰	خیلی کم
	۱۲	۳۳	کم
	۲۶	۷۵	متوسط
	۳۳	۸۵	زیاد
	۲۲	۶۱	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و ارتقاء اطلاعات سیاسی از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۶۷) و سطح معناداری (۰/۵۸) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۱,۳	۴۳	۱۶۲	خیلی کم
	۲۶	۹۹	کم
	۱۳	۴۹	متوسط
	۸	۳۲	زیاد
	۱۰	۳۵	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

۱۰- نقش عوامل مدرسه‌ای در حفاظت از محیط زیست از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

الف) دیدگاه دبیران:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و حفاظت از محیط زیست از دیدگاه دبیران با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۴۳) و سطح معناداری (۰/۰۲) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دیدگاه دبیران			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۴,۵۱	۸	۲۳	خیلی کم
	۲۰	۵۴	کم
	۱۵	۴۱	متوسط
	۴۸	۱۳۱	زیاد
	۹	۲۵	خیلی زیاد
	۱۰۰	۲۷۴	جمع

ب) دیدگاه دانش آموزان:

نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین عوامل مدرسه‌ای و حفاظت از محیط زیست از دیدگاه دانش آموزان با ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۰۹) و سطح معناداری (۰/۶۷) رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

دیدگاه دانش آموزان			ارزیابی
میانگین	درصد	تعداد	
۱,۳	۳۵	۱۳۱	خیلی کم
	۷	۲۵	کم
	۲۸	۱۰۶	متوسط
	۵	۱۹	زیاد
	۲۵	۹۶	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۷۷	جمع

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل تجزیه و تحلیل ضریب همبستگی پیرسون نشان داد عوامل مدرسه ای یعنی محتوای دروس، جو مدرسه، نقش معلم و نقش مدیر و مسئولان مدرسه در پرورش ویژگی‌هایی چون آگاهی از قانون، کسب مهارت شهروندی، التزام عملی به قانون، کسب و ارتقاء هویت ملی، رعایت حقوق دیگران، کسب روحیه مشارکت جویی، کسب تفکر انتقادی، کسب روحیه مسئولیت پذیری، ارتقاء دانش سیاسی و حفاظت از محیط زیست از دیدگاه دبیران نقش موثری دارند اما از دیدگاه دانش آموزان این آموزش‌ها فقط در شناخت و رعایت حقوق دیگران نقش دارند و در دیگر مؤلفه‌های ذکر شده نقشی ندارند.

سؤال اول: نقش عوامل مدرسه ای در آگاهی از قانون از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

براساس نتایج بدست آمده از چهار سؤال اول دو پرسشنامه می‌توان گفت این سؤال از دیدگاه دبیران تأیید گردیده و از دیدگاه دانش آموزان رد شده است. یعنی دبیران بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در آگاه و آشنا کردن دانش آموزان با قوانین اجتماعی مؤثر هستند اما از نظر دانش آموزان عوامل مدرسه ای در آگاهی دانش آموزان از قوانین اجتماعی نقشی ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری مشاهده نگردید. درخصوص مقایسه نتیجه این سؤال با نتایج پژوهش‌های دیگر، پژوهشی که به صورت دقیق با این سؤال هم خوانی داشته باشد مشاهده نگردیده است اما نتیجه‌ی دیدگاه دبیران را که حکایت از وجود رابطه معنادار بین عوامل مدرسه ای و آگاهی از قانون است را می‌توان با نتیجه‌ی پژوهش محمودی و کیانی (۱۳۸۹) که به این نتیجه رسیدند بیشتر محتوای کتاب‌های درسی یعنی ۴۵/۵ درصد به آموزش شهروند قانونمدار پرداخته است مطابقت دارد.

سؤال دوم: نقش عوامل مدرسه ای در کسب مهارت شهروندی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

بر اساس نتایج بدست آمده از سؤالات پنجم تا هشتم دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و تجزیه و تحلیل آماری، می‌توان گفت این سؤال از دیدگاه دبیران تأیید گردیده و از دیدگاه دانش آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در کسب مهارت شهروندی در دانش آموزان مؤثر هستند اما از نظر خود دانش آموزان این عوامل در در پرورش مهارت شهروندی در آن‌ها تاثیری ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری مشاهده نگردید. درخصوص مقایسه نتیجه‌ی این سؤال با نتایج پژوهش‌های دیگر، پژوهشی که به صورت دقیق با این سؤال هم خوانی داشته باشد مشاهده نگردیده است اما نتیجه دیدگاه دبیران را که حکایت از وجود رابطه معنادار بین عوامل مدرسه ای و کسب مهارت شهروندی است با نتیجه پژوهش قلتاش و دیگران (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

سؤال سوم: نقش عوامل مدرسه ای در التزام عملی به قانون از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

بر اساس نتایج بدست آمده از سؤالات نهم تا دوازدهم دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و نتایج تجزیه و تحلیل آماری، می‌توان گفت این سؤال از دیدگاه دبیران تأیید گردیده است و از دیدگاه دانش آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در التزام و پرورش روحیه عمل به قانون در دانش آموزان نقش دارند اما از دیدگاه دانش آموزان عوامل مدرسه ای در التزام عملی آن‌ها به قانون نقشی ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری در این سؤال مشاهده نگردید. در خصوص مقایسه نتیجه این سؤال با نتایج پژوهش‌های دیگر،

پژوهشی که به صورت دقیق با این سؤال هم خوانی داشته باشد مشاهده نگردیده است اما نتیجه‌ی دیدگاه دبیران را که حکایت از وجود رابطه معنادار بین عوامل مدرسه ای و التزام عملی به قانون است با نتیجه پژوهش فانی و دیگران (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

سؤال چهارم: نقش عوامل مدرسه ای در کسب و ارتقاء هویت ملی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

براساس نتایج به دست آمده از سؤالات سیزدهم تا شانزدهم دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و تجزیه و تحلیل انجام شده می‌توان گفت که این سؤال از نظر دبیران تأیید گردیده و از دیدگاه دانش‌آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باورند که عوامل مدرسه ای در کسب و ارتقاء هویت ملی در دانش‌آموزان تأثیرگذار است اما خود دانش‌آموزان چنین باوری ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری در این سؤال مشاهده نگردید. دیدگاه دبیران را که حکایت از وجود رابطه معنادار بین آموزش‌های مدرسه ای و کسب و ارتقاء هویت ملی است می‌توان با نتیجه‌ی پژوهش مدانلو (۱۳۸۷) در یک راستا دانست.

سؤال پنجم: نقش عوامل مدرسه ای در رعایت حقوق دیگران از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

بر اساس نتایج بدست آمده از سؤالات هفدهم تا بیستم که در هر دو پرسشنامه به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و نتایج تجزیه و تحلیل آماری، می‌توان گفت این سؤال هم از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان تأیید شده است. بدین معنا که هم دبیران و هم دانش‌آموزان بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در آشنا کردن و رعایت حقوق دیگران در دانش‌آموزان مؤثر هستند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری در این سؤال مشاهده نگردید. نتیجه این سؤال با نتایج تحقیقات ابزاری (۱۳۸۱) و پسیانی (۱۳۸۳) مطابقت دارد.

سؤال ششم: نقش عوامل مدرسه ای در کسب روحیه مشارکت جویی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

براساس نتایج به دست آمده از سؤالات بیست و یکم تا بیست و چهارم هر دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و تجزیه و تحلیل آماری، این سؤال از دیدگاه دبیران تأیید گردیده و از نظر دانش‌آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در پرورش روحیه مشارکت جویی دانش‌آموزان مؤثر است اما خود دانش‌آموزان بر این باورند که این عوامل نقشی در کسب روحیه مشارکت جویی در آنها ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری در این سؤال مشاهده نگردید. دیدگاه دبیران که حکایت از رابطه معنادار در این سؤال است با نتایج پژوهش فانی و دیگران (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

سؤال هفتم: نقش عوامل مدرسه ای در کسب تفکر انتقادی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

براساس نتایج به دست آمده از سؤالات بیست و پنج تا بیست و هشتم دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و تجزیه و تحلیل انجام شده می‌توان گفت که این سؤال از نظر دبیران تأیید گردیده و از دیدگاه دانش‌آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باورند که عوامل مدرسه ای در کسب تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تأثیرگذار است اما خود دانش‌آموزان چنین باوری ندارند و معتقدند که عوامل مدرسه ای در پرورش تفکر انتقادی در آنها نقشی ندارند.

از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری در این سؤال مشاهده نگردید. دیدگاه دبیران که حکایت از رابطه معنادار در این سؤال است باننایج پژوهش فانی و دیگران (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

سؤال هشتم: نقش عوامل مدرسه ای در کسب روحیه مسئولیت پذیری از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

بر اساس نتایج بدست آمده از سؤالات بیست و نهم تا سی و دوم دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و تجزیه و تحلیل آماری، می‌توان گفت این سؤال از دیدگاه دبیران تأیید گردیده و از دیدگاه دانش آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در کسب روحیه مسئولیت پذیری در دانش آموزان مؤثر هستند اما از نظر خود دانش آموزان این عوامل در در پرورش روحیه مسئولیت پذیری در آن‌ها تأثیری ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری مشاهده نگردید. دیدگاه دبیران که حکایت از رابطه معنادار در این سؤال است باننایج پژوهش فانی و دیگران (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

سؤال نهم: نقش عوامل مدرسه ای در ارتقاء اطلاعات سیاسی از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

بر اساس نتایج بدست آمده از سؤالات سی و سوم تا سی و ششم هر دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و نتایج تجزیه و تحلیل آماری، می‌توان گفت این سؤال از دیدگاه دبیران تأیید گردیده است و از دیدگاه دانش آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در ارتقاء اطلاعات و دانش سیاسی در دانش آموزان نقش دارند اما از دیدگاه دانش آموزان عوامل مدرسه ای در ارتقاء اطلاعات سیاسی آن‌ها نقشی ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری در این سؤال مشاهده نگردید. دیدگاه دبیران که حکایت از رابطه معنادار در این سؤال است باننایج پژوهش محمودی و کیانی (۱۳۸۹) مطابقت دارد.

سؤال دهم: نقش عوامل مدرسه ای در حفاظت از محیط زیست از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان شهرکرد چیست؟

بر اساس نتایج بدست آمده از سؤالات سی و هفتم تا چهارم هر دو پرسشنامه که به بررسی این سؤال پرداخته‌اند و تجزیه و تحلیل آماری، ای سؤال از دیدگاه دبیران تأیید گردیده و از نظر دانش آموزان رد شده است. به عبارت دیگر دبیران بر این باور بوده‌اند که عوامل مدرسه ای در پرورش روحیه حفاظت از محیط زیست در دانش آموزان مؤثر است اما خود دانش آموزان بر این باورند که این عوامل نقشی در کسب روحیه حفاظت از محیط زیست در آن‌ها ندارند. از نظر اطلاعات جامعه شناختی نیز تفاوت معناداری در این سؤال مشاهده نگردید. دیدگاه دبیران که حکایت از رابطه معنادار در این سؤال است باننایج پژوهش فانی و دیگران (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

پیشنهادات کاربردی

اولین نکته که لازم است به آن اشاره نمود این است که مدرسه با هرنوع شیوه تربیتی، هرنوع برنامه و ماده درسی، مطمئناً در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان مؤثر است. زیرا مدرسه در واقع نوعی گروه است و قرار گرفتن در گروه خود به خود بسیاری از نیازهای انسان را ارضاء نموده و بسیاری از مهارت‌ها را به شیوه غیر رسمی به افراد آموزش می‌دهد. از طرف دیگر می‌توان با استفاده از محیط فیزیکی مدارس دانش آموزان را با فرهنگ جامعه ارزش‌ها و قوانین اجتماعی آشنا کرد. متون آموزشی نیز که برگرفته از نیازهای فراگیران و جامعه است در پرورش قوه تعقل و اجتماعی

کردن دانش آموزان بسیار مهم است. نقش معلم و مسئولین مدرسه نیز در فرایند اجتماعی کردن فراگیران برکسی پوشیده نیست. لذا با توجه به نتایج پژوهش می توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

۱. قوانین و مناسبات اجتماعی، نحوه برقراری ارتباط با دیگران و مهارت های اجتماعی در محیط اجتماعی مدرسه باید در کتب درسی گنجانده شود و جو مدرسه و فعالیت های معلم و سایر کارکنان مدرسه نیز باید به گونه ای باشد که مکمل کتب درسی باشد.
۲. جو فیزیکی و اجتماعی مدرسه باید به گونه ای باشد که باعث ایجاد روحیه انتقادپذیری و انتقاد کردن دیگران در دانش آموزان باشد و دانش آموزان را به گونه ای تربیت کند که عملی را کورکورانه و از سر تقلید انجام ندهند و به گونه ای سازنده رفتار و تفکر دیگران را نقادی کنند.
۳. جو اجتماعی مدرسه و فعالیت های معلم در حین تدریس باید به گونه ای دقیق طراحی گردد که امکان استفاده از مشارکت کلیه دانش آموزان در فعالیت های فرهنگی، علمی، ورزشی و... فراهم گردد و همه از فرصت مشارکت بهره مند گردند.
۴. یکی از وظایف مدرسه در دنیای امروزی و به خصوص در مدارس متوسطه آشنا کردن دانش آموزان با ساختار حکومت و جریانات سیاسی می باشد لذا پیشنهاد می گردد که مسئولین مدرسه در مراسم صبحگاه و سایر برنامه ها نسبت به بالا بردن اطلاعات سیاسی دانش آموزان اقدام نمایند.
۵. جو اجتماعی مدرسه باید به گونه ای باشد که حق و حقوق دانش آموزان در آن رعایت شود و از طرفی هرفردی با تکالیف اجتماعی خود آشنا شده و آن ها را انجام دهد. مدیر و معلم باید به این نکته توجه نمایند دانش آموزی که در محیط مدرسه بی انضباط است و حقوق دیگران را نادیده می گیرد در اجتماع نیز فرد منضبطی نخواهد شد.
۶. براساس سؤال چهارم پژوهش در خصوص کسب و ارتقاء هویت ملی نیز پیشنهاد می گردد که ارزش های ملی و میهنی با دقت و ظرافت خاصی در کتب درسی گنجانده شود و معلمان و مدیران نیز با برخورد صحیح و مناسب و هماهنگی با کتب درسی از بروز تضاد در آن جلوگیری و موجبات پابندی به ارزش های ملی در دانش آموزان فراهم گردد.
۷. به جهت پرورش مهارت های اجتماعی و شهروندی و ایجاد روحیه قانون گرایی پیشنهاد می گردد کارگاه آموزشی به صورت هفتگی (یعنی یک روز هفته به این کار اختصاص یابد) در مدارس اجرا گردد تا دانش آموزان را با مهارت های اجتماعی لازم برای زندگی آشنا سازد.

منابع

۱. آشتیانی، ملیحه (۱۳۸۳)، بررسی روش‌های مناسب لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی با توجه به موازین دینی در برنامه درسی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش
۲. الف لویی (۱۳۸۲)، برنامه درسی مدارس، ترجمه فریده مشایخ، تهران، انتشارات مدرسه
۳. باقری، خسرو (۱۳۷۹)، امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره اول
۴. پللد، رابرت (۱۳۷۰)، شهروند و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۵. جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره (۱۳۸۸)، فلسفه تربیتی دموکراتیک، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
۶. جمشیدیان، عبدالرسول و برخوردار، مهین (۱۳۸۷)، تربیت شهروندی، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی
۷. جی پی میلر (۱۳۸۷) نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی، تهران، انتشارات سمت
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و آراء دانشمندان ایرانی، تهران، انتشارات الهد
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۲)، لغت نامه، جلد ۲۹، نشر بی نا
۱۰. سیف، علی اکبر (۱۳۷۹)، روانشناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه
۱۱. شریعتمداری، علی (۱۳۸۸) جامعه و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۲. شهیدی، جعفر (۱۳۷۴)، ترجمه و شرح اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، تهران
۱۳. علیخانی، حسین (۱۳۸۲)، بررسی پیامدهای قصد نشده (برنامه درسی پنهان) محیط اجتماعی مدارس دوره متوسطه شهر اصفهان و ارائه راهکارهایی برای کاهش پیامدهای منفی آن، تهران، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس
۱۴. فتحی واجارگاه، کوروش و واحدچو کده، سکینه (۱۳۸۸)، آموزش شهروندی در مدارس، تهران، انتشارات آبیژ
۱۵. فرمبهنی فراهانی، محسن (۱۳۸۹)، تربیت شهروندی، تهران، انتشارات آبیژ
۱۶. قانون اساسی (۱۳۶۸)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین جهانگیر منصور، تهران، انتشارات نشر دوران
۱۷. قلتاش، عباس و فانی، حجت الله و حبیبی، عبدالخالق (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر آموزشگاهی بر پرورش وظایف شهروندی دانش آموزان از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی شهرستان مرودشت، مرودشت
۱۸. قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۳)، تحلیلی از برنامه درسی مستتر، بحثی نو در ابعاد ناشناخته نظام آموزشی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۱
۱۹. کاردان، علیمحمد (۱۳۸۸)، سیر آراء تربیتی در غرب، تهران، انتشارات سمت
۲۰. کدیور، جمیله (۱۳۸۲)، تعلیم و تربیت و جامعه جهانی، تهران
۲۱. گای، ماری (۱۳۸۸)، شهروند در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه دکتر عباس باقری، تهران، انتشارات فرزانه روز
۲۲. مجموعه مقاله‌های همایش استانی برنامه درسی پنهان (۱۳۸۶)، شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد
۲۳. محمودی محمدتقی و کیانی، نورالله (۱۳۸۹)، بررسی رویکرد آموزش شهروندی در متن کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی، مرودشت، همایش ملی رویکردها، چالش‌ها و راهبردهای برنامه درسی تربیت شهروندی
۲۴. مردیت گال، والتر بورگ، جویس گال (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه به اهتمام دکتر احمدرضا نصر، جلد اول، تهران، انتشارات سمت
۲۵. ملکی، حسن (۱۳۸۴)، مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران، انتشارات سمت
۲۶. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۰)، برنامه درسی ماهیت و قلمرو آن، تهران، انتشارات سمت
۲۷. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷)، برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها، تهران، انتشارات سمت، استان قدس رضوی

۲۸. نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۱) روش های تحقیق در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)، تهران، انتشارات بدر

۲۹. نصیری، پرویز و شقایقی، فرهاد (۱۳۸۰)، استنباط آماری در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور

۳۰. نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۶)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری

۳۱. هاشمی، سید احمد (۱۳۸۹)، بررسی میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی از دیدگاه دبیران شهرستان لامرد، فصلنامه رهبری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم، شماره ۱

32- Chambliss, J. J. (1996) *Philosophy of education An Encyclopedia*. New York: Garland Publishing, London.

33- Faulks, Keith (2000). *Citizenship*. New York: published by Routledge.

34- Keer, David (1999). *Citizenship Education: An International comparison*. www.inca.org/UK/pdf/citizenship-no-intro-pdf

35- Kubow, Patricia K. and Kinney, Mark B. (2000). *Fostering democracy in middle school classroom*. The social studies. Washington.

36- Held, D. (1995). *Democracy and the new international order*. In Achibugi D. and Held, D. (eds) *Cosmopolitan Democracy*.

37- Merrifield, H. (1997). *Citizenship Education: Parent Involvement*. BERA. Education on line.

48- Parker, Walter C. (2001). *Education democratic citizen. Theory into practice*. Columbus.

Abstract

This study investigated the role of school education in fostering features of lawful citizenship from the view of teachers and students of high school career in Shahr-e-Kord city in the 89-90 academic year, which is a descriptive survey was conducted. The study population included all students and teachers of high school in Shahr-e-Kord city. The Sample size was determined according to Morgan table ($n=377$) for students and ($n=274$) for teachers and the sampling was done randomly. The two researcher-made questionnaires comprising 40 questions were used for collecting data. To determine the validity of comments it was used of some pundits and experts and to determine the reliability of each questionnaire, each one was performed separately on a sample size of 30 persons who was not belong to sample size, reliability coefficient with use of formula of Cronbach for questionnaire of students were 93 percent and 91 percent for teachers' questionnaire. It was used for analysis of the data of two level statistics: A) descriptive statistics include mean, frequency, percentage of frequency and correlation coefficient, and inferential statistics include t-test and analysis of variance. The results indicated that from the views of teachers between school education and knowledge of the law, citizenship skills, commitment to the practice of law, business and promotion of national identity, respect the rights of others, seeking to acquire a spirit of partnership, citizenship, business attitude, business spirit of responsibility, promotion of political science and environmental protection are effective in students but from the perspective of students, only recognizing and respecting the rights of others involved in school education and have no role in other components. There was no significant difference from the view of demographic between the factors of gender, literacy level and work length between the teachers, and gender, location of school, grade of education and field of education between the students.

Key words: instruction, formal curriculum, hidden curriculum, regulated citizenship, citizenship education

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و سنت

دکتر محمد تقی محمودی^۱

الهه کریمی^۲

سمیه صائبی^۳

نجمه پورهاشمی^۴

چکیده

نظام تربیتی اسلام که مبانی و اصول آن از قرآن مجید، سیره پیامبران و ائمه معصومین (ع) گرفته شده است، نظامی است سازنده که انسان چه در جنبه‌های فردی و چه در جنبه‌های اجتماعی در سایه آن به خودسازی و درون‌سازی پرداخته و به تزکیه موفق می‌شوند. در جنبه اجتماعی افرادی را می‌پروراند که قادر به زندگی جمعی توأم با صلح و صفا، امر به معروف و نهی از منکر یکدیگر، آرامش و صمیمیت و تعاون و تکامل باشد.

تعالیم دین اسلام که مبانی آن از قرآن مجید است، به واسطه قرآن مجید جهان شمول است و برای زندگی بشر از قبل از تولد او تا مرگ و حتی برای زندگی ابدی او، برنامه دارد. یکی از برنامه‌های دین اسلام برای زندگی انسان‌ها، انجام عبادات و واجبات است.

از واجبات مهم در دین اسلام تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر یکدیگر در جوامع اسلامی است. چون با این دو فریضه در جوامع اسلامی، می‌توان مردم را به انجام فروع دین تشویق و ترغیب کرد.

در این مقاله به روش توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای به بررسی موضوع سیر تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده است.

قرآن کریم اولین وظیفه همه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و در سوره اعراف، اولین وظیفه پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) را امر به معروف و نهی از منکر نامیده است.

در روایات و احادیث آمده است، امر به معروف و نهی از منکر دو خلق از اخلاق الهی است که هر کس این دو فریضه را یاری کند و در جامعه موجب پربار شدن و رواج آن گردد، خداوند مهربان به او عزت می‌دهد. تذکر در امر به معروف و نهی از منکر به دو شکل لسانی و عملی، آثار و برکات زیادی در زندگی ما مسلمانان دارد و در متن مقاله به تفصیل آمده است و می‌توان به مواردی نظیر برکات معنوی، برکات اقتصادی، برکات اجتماعی و برکات سیاسی امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

از برکات معنوی نیز می‌توان، موارد نجات از قهر خدا، بهره‌گیری از الطاف خدا، نشانه بهتر بودن، اثر امر به معروف در خود انسان و شرکت در ثواب‌ها را نام برد؛ پس ما باید در جامعه اسلامی خود عاملان عمل به معروف و پرهیز از منکرات باشیم تا بتوانیم متریبان ظریف اندیش و متعلمین لطیف نگر را عملاً تحت تأثیر خود قرار دهیم.

واژگان کلیدی: قرآن مجید، روایات پیامبران و امامان، امر به معروف و نهی از منکر، تذکر لسانی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد mahmoudi@iaushk.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

قرآن مجید کتاب بصیرت‌هاست و با تمسک به این حبل الله می‌توان به مقاصد عالی‌ه انسانی رسید. در قرآن شفای دردهای سینه‌های ما نهفته است. قرآن کلید حل مشکلات ماست.

اعتصام به حبل الله، یعنی یافتن راه‌های درست زندگی کردن بر اساس آموزه‌های ثقلین. در عصر ما بیش از هر دوره دیگر مردم نیازمند فهم معانی بلند قرآن و ردیافت سنن الهی از این سرچشمه لایزال می‌باشند (زرهانی، ۱۳۸۶).

لازمه اقبال به قرآن، افزون بر قرائت و آشنایی با معانی، تدبیر در این کتاب سرشار از حکمت است. ماحصل این تدبیر، آگاهی از حکمت‌های الهی و شناخت راه و رسم مسلمان زیستن است.

شاکله خانواده و جامعه قرآنی مزین به مودت و رحمت است. در چنین جامعه‌ای در اثر روشنایی چراغ ذکر الهی افرادی موحد پرورش می‌یابند (همان منبع، ص ۱۸).

از جمله اصولی که قرآن کریم در کنترل رفتارهای انسان‌ها نسبت به یکدیگر به کار می‌برد، اصل امر به معروف و نهی از منکر است که در قرآن کریم ۹ بار تکرار شده است و تأکید می‌کند که در جامعه و خانواده روابط خودتان را با رفتارهای پسندیده و مورد پذیرش عرف، نیکو گردانید (حسینی، ۱۳۸۷).

زیباترین نکته در آیات قرآنی و روایات رسیده از پیامبران و ائمه اطهار (ع) آن است که در تمام مراحل زندگی دنیوی، یعنی از زمان تولد تا هنگام مرگ، چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی، آن چه مورد نظر خداوند و پیامبران و ائمه معصومین (ع) است، حفظ ارزش‌های اخلاقی، تحت عنوان معروف (آنچه نفس سالم انسان به طور عموم می‌پسندد می‌باشد و خشونت، اهانت و کم لطفی در جامعه اسلامی پسندیده نیست) همان منبع، ص ۱۸).

هدف از وضع احکام الهی، عبادات و واجبات دینی که از جمله تذکر لسانی در دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تمامی هدایت‌های الهی توسط انبیا، اولیا، بزرگان و علمای دینی، برای رعایت حدود الهی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها است.

در میان کارهایی که انسان‌ها برای خود و نسبت به یکدیگر انجام می‌دهند، طبق آیات خداوندی، روایات و احادیث رسیده از پیامبران از جمله پیامبر عظیم الشان دین اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع)، یک سلسله بازدارندگی‌ها وجود دارد که اقدام به آن کارها فوق العاده خطرناک است. قوانین و احکام الهی این کارها را مشخص می‌کند و حتی نزدیک شدن به آن کارها را نیز نهی می‌نماید. زیرا نزدیک شدن به این کارها انسان را بر لبه پرتگاه قرار می‌دهد، زندگی سالم خانوادگی و اجتماعی او را تهدید می‌کند و امکان دارد موجب نادیده گرفتن حدود الهی شود که باعث خشم خداوند گردد که آن اعمال شامل منکرات است (همان منبع، ص ۱۹).

قرآن کریم، کتاب زندگی کردن و تربیت ماست که از سوی رب العالمین فرستاده شده است. امام علی (ع) فرموده است: در این کتاب چهار خیر است. خیر شما انسان‌ها، خیر گذشتگان شما، خیر آیندگان و خیر آسمان و زمین. در حقیقت می‌توانیم، بگوییم که انسان شناسی، گذشته شناسی، آینده شناسی و جهان شناسی درس‌های سازنده این کتاب آسمانی است (بهشتی، ۱۳۸۷).

از فرازهای بسیار زیبا و سازنده این کتاب آسمانی و معجزه پیامبر اکرم (ص)، دعوت انسان‌ها به کارهای نیک و معروف‌ها و دوری از اعمال و کارهای زشت و منکرات می‌باشد و از دعاها و خواسته‌های این کتاب گرانمایه، ملزم کردن انسان‌ها به امر به معروف و نهی از منکر نمودن همدیگر از طریق لسانی و عملی و الگویی است تا از صراط مستقیم که خواسته خداوند متعال است، خارج نشوند (همان منبع، ص ۱۲).

پس خداوند متعال اولین وظیفه پیامبران را امر به معروف و نهی از منکر نامیده است و در سوره اعراف نیز اولین وظیفه پیامبر اسلام (ص) را نیز امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است (قرآنی، ۱۳۷۷).

بنابراین، فرهنگ تذکر لسانی در دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، میراث بزرگی از پیامبران و ائمه اطهار (ع) و بزرگان و علمای دینی در طول زمان است که در اختیار ما قرار گرفته است؛ ما نیز باید با تمسک به محتوای قرآن مجید و فرمایشات پیشوایان دینی یمان با فرهنگ این دو واجب دینی آشنا شویم و آن را با تذکر و زبانی و عملی در خانواده و جامعه بکار بریم تا مژمثر واقع شود تا نسل حاضر و نسل‌های بعد نیز از این فرهنگ در خانواده خود و جامعه برای هدایت و ارشاد یکدیگر استفاده کنند.

در این مقاله به بررسی سیر تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات و آثار و برکات این دو فریضه دینی پرداخته می‌شود.

بررسی سیر تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر در حوزه علوم دینی

قرآن مجید اولین وظیفه همه انبیارا امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه آنان دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست (ان عبدوالله)، و دومی نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست (اجتنبواالطاغوت)».

در سوره اعراف نیز می‌خوانیم: «پیامبر اسلام که نام و نشانش در تورات و انجیل آمده، اولین وظیفه‌اش امر به معروف و نهی از منکر است.»

قرآن کریم در آیه یکصد و ده سوره آل عمران، خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «شما بهترین امتی هستید که بر مردم ظاهر شده‌اید؛ به شرط آنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید.»

کتاب آسمانی هم چنین در آیات یکصد و دوازده و سیزده همان سوره، با آنکه بارها از اهل کتاب به خاطر تعصبات نابجا و تحریف‌های نامشروع و توقعات بیهوده انتقاد کرده، اما از گروهی از آنان به خاطر ایمان و تلاوت آیات الهی و امر به معروف و نهی از منکر ستایش کرده است.

تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است که قرآن مجید در آیه هفتاد از سوره توبه می‌فرماید: «تمام مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر حق ولایت دارند که یکدیگر را به معروف وادارند و از منکر باز دارند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند.» (قرآنی، ۱۳۷۷).

آنچه در این آیه جلب توجه می‌کند، چند نکته است:

۱. از آغاز تکلیف، همه مردم از هر سن و صنف و نژادی که باشند، بر دیگر مؤمنان حق ولایت دارند؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر بر اساس حق ولایتی است که خداوند قرار داده است و هرگز نام دخالت بی‌جا، مزاحمت و فضولی بر این کار روا نیست.

۲. مقام ایمان است که به مسلمانان این حق را می‌دهد و این حق برای سایر مردم وجود ندارد.

۳. همیشه امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر به کار رفته است تا به ما بفهماند که کارها را از راه مثبت پیگیری کنید و در جامعه، تنها انتقاد کننده نباشید.

۴. در این آیه، امر به معروف و نهی از منکر قبل از نماز و زکات مطرح شده است، زیرا اقامه نماز و ادای زکات نیاز به یک سلسله تبلیغات دارد که همان امر به معروف است، برای مثال، در مقدمه نماز وقتی با بهترین و رساترین صدا می‌گوییم: «حی علی الصلوه»، این کلام خود امر به معروف است که بر نماز مقدم شده است. قرآن کریم،

خود اقامه نماز را نهی از منکر می‌داند؛ آنجا که در آیه چهل و پنج سوره عنکبوت می‌فرماید: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» یعنی: «همانا نماز، انسان را از فحشاء (گناه) و منکر (پستی) باز می‌دارد» (همان منبع، ص ۱۵).

در آیه‌های یکصد و یازده و دوازده سوره توبه می‌خوانیم: «خدا از مؤمنان، جان‌ها و مال‌هایشان را خرید تا بهشت از آنان باشد. آنان رزمندگانی هستند که در راه خدا می‌جنگند، دشمنان خدا را می‌کشند و در راه خدا کشته می‌شوند. وعده بهشت به آنان در تورات و انجیل و قرآن آمده است و چه کسی بهتر از خدا به عهد خود وفا می‌کند. سپس می‌فرماید: «جان دادن و بهشت گرفتن برای شما مبارک باشد و خود را به این معامله بشارت دهید که رستگاری بزرگی است.»

در ادامه می‌فرماید: «این مؤمنان جان بر کف، هم از لغزش‌های خود توبه می‌کنند، هم خدا را می‌پرستند و ستایش می‌کنند و هم اهل روزه و رکوع و سجودند. این افرادند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و حدود الهی را پاس می‌دارند.» با یک نگاه سطحی به این دو آیه، سیما و صفات آمرین به معروف بر همه‌ی ما روشن می‌شود. آن‌ها افرادی جان بر کف و شجاع هستند. فریادشان در روز، با اشک و توبه و رکوع و سجودشان در شب همراه است. هشدار آنان به خلافکاران، همراه با حفاظت و پاسداری خودشان از قانون الهی است. آری، فوز بزرگی که خدا در ستایش آنان وعده کرده مخصوص این گروه از افراد است نه کسانی که خلاف کارند و مقررات و قوانین را زیر پا می‌گذارند مانند کسانی که از چراغ قرمز رد می‌شوند ولی به بی‌حجابی تذکر می‌دهند (همان منبع، ص ۱۹).

تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر در روایات

پیامبر اکرم (ص) فرمود: آمران به معروف، خلیفه‌ی خدا در زمین هستند. در حدیث دیگر می‌خوانیم: «خداوند، دشمن مؤمن بی‌دین است. پرسیدند یا رسول الله، مگر مؤمن بی‌دین می‌شود؟ فرمود: مسلمانی که امر به معروف نکند، بی‌دین است. حضرت علی (ع) فرمود: نهی از منکر، به خاک مالیدن بینی فاسقان است. امر به معروف و نهی از منکر دو خلق از اخلاق الهی است که هر کس این دو فریضه را یاری کند، خداوند به او عزت می‌دهد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (انگیزه آنان را نسبت به کار خیر زیاد می‌کند)، نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است، وسیله کنترل قوی است. امام باقر (ع) در مقام شکایت می‌فرماید: «افرادی هستند که اگر نماز ضرری به مال یا جان‌شان نزنند، آن را ترک می‌کنند؛ همان گونه که امر به معروف و نهی از منکر را که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین واجبات است، به همین خاطر رها کردند (قرائتی، ۱۳۷۷).

کسی که جلو منکر را نگیرد، همانند کسی است که مجروحی را در کنار جاده رها کند تا بمیرد. افراد ساکتی که در برابر خلافکار هیچ گونه عکس‌العملی نشان نمی‌دهند، مردگانی هستند در میان زندگان. منکر مثل آتشی است که اگر با نهی شما خاموش نشود، همه چیز را می‌سوزاند. اگر گزندی را دیدی که به سوی انسان خفته‌ای می‌رود، ولی فریاد نکشیدی، در قتل او شریکی.

امام صادق (ع) فرمود: کسی که بتواند جلوی مفساد را بگیرد، ولی نگیرد، دوست دارد که خداوند متعال معصیت شود. چنین کسی اعلام دشمنی با خدا کرده است.

آری کسی که گناه را آشکارا انجام دهد، دین خدا را ذلیل و دشمنان خدا را دلشاد کرده است. رسول خدا (ص) فرمود: گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید، ولی مردم به مقام آنان به خاطر امر به معروف و نهی از منکر دست آورده‌اند، غبطه می‌خورند

در قرآن می‌خوانیم: «قوانفسکم واهیکم نارا» خود و بستگانتان را از آتش دوزخ حفظ کنید. روایات ذیل این آیه می‌فرماید: «این حفظ باید از طرق امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد.» اگر مردم در برابر منکر سکوت کنند، قهر خدا همه را با هم خواهد گرفت: «واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة.»

هر کس به امر به معروف و نهی از منکر ایمان ندارد، دین ندارد (لا دین لمن لا یدین الله بالمعروف و النهی عن المنکر) قله‌ی دین، امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی است. پایه و اساس دین بر تذکر لسانی و عملی امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی است. خداوند راضی نیست که در زمین معصیتی شود و اولیای او همچنان ساکت بمانند.

رسول خدا (ص) فرمود: «جبرئیل آمد و گفت که اسلام ده بخش دارد و بخش هفتم آن امر به معروف و نهی از منکر است.»

در روایات، به مسلمانی که نهی از منکر نمی‌کند لقب ضعیف و بی‌دین داده شده و مورد غضب خداوند قرار گرفته است.

در قرآن می‌خوانیم: «پیامبرانی همچون داود (ع) و عیسی (ع) به کسانی که نهی از منکر نمی‌کنند لعنت فرستادند.» تذکر لسانی و عملی امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا، سیره‌ی صلحا و واجبی بزرگ است که با انجام آن جاده‌ها امن و در آمد ها حلال و حقوق مردم ادا می‌شود (همان منبع، ص ۲۲).

پس کسانی در تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر موفق ترند که خودشان صفات برجسته‌ای داشته باشند و اهل توبه و سجده و رکوع و قیام باشند، هرگز نباید از مردم توقع مادی داشته باشند، در گفتار متانت داشته باشند، سخن منطقی داشته باشند (در سراسر قرآن، کلمات برهان، بینه بارها به چشم می‌خورد؛ حتی از کفار می‌خواهد تا اگر منطقی دارند، عرضه کنند) و در بیاناتشان ساده‌گویی، پرهیز از شوخی و تحقیر، مختصر و مفیدگویی و استفاده از کلمات عاطفی، نرم و محبت‌آور موج بزند (همان منبع، ص ۱۱۵).

قرآن کریم، انبیا را برادر مردم معرفی می‌کند و این تعبیر، بهترین اهرم برای جذب مردم است. ما اگر کسی را که خلافی انجام می‌دهد، با کلمات برادریم، خواهرم صدا بزنیم، توفیق بیشتری خواهیم داشت. خدای مهربان در آیه هشتاد و سه سوره بقره به موسی و هارون علیهما السلام می‌فرماید: «هنگامی که نزد فرعون رفتید، با او به نرمی سخن بگویید.»

کسانی که در بیانشان نوعی سنگینی است، بهتر است که سخنگویی همراه خود ببرند (سوره قصص، آیه ۳۴). آری، راه نفوذ در دل‌ها، تأثیر در کلام و تذکر و آموزش و راهنمایی مردم باید از طریق رحمت و ملامت باشد. رد قرآن مجید، در این زمینه آیاتی به چشم می‌خورد نظیر: «و تواصو بالرحمه» (سوره بینه، آیه ۱۷) و «الرحمن علم القرآن» (سوره الرحمن، آیه ۲).

اگر نگاهی به آیه روزه بیندازیم، درک خواهیم کرد که چگونه برای تشویق مردم به این معروف بزرگ، به لطافت زمینه‌سازی می‌کند. فرض کنید، کودکی از آمپول زدن نگران است، پزشک یا پرستار باید او را آماده کند، لذا به او می‌گوید: من تو رادوست دارم. نگران نباش! اگر آمپولی به تو می‌زنم از روی علاقه است (همان منبع، ص ۱۱۷).

خداوند نیز برای فرمان روزه می‌فرماید: «یا ایهاالذین امنوا» یعنی: «ای کسانی که به من ایمان آورده‌اید و مرا می‌خواهید» پزشک آمپول می‌زند. خداوند نیز می‌فرماید: «کتب علیکم الصیام» پزشک به کودک می‌گوید: چند دقیقه بیشتر درد ندارد. خداوند هم می‌فرماید: «ایاماً معدودات» یعنی، روزه چند روزی بیش نیست.

پزشک می‌گوید: همه مردم آمپول زده‌اند و آمپول زدن چیز مهمی نیست. خداوند نیز می‌فرماید: «کما کتب علی الذین من قبلکم»؛ در همه ادیان آسمانی، روزه واجب بوده است.

پزشک می‌گوید: اگر آمپول به شما نمی‌سازد، به جای آمپول قرص مصرف کنید. خداوند هم می‌فرماید: «فمن كان مریضاً او علی سفرٍ فعده من ایامٍ آخر». یعنی، اگر مسافر یا مریض بودی، روزه نگیر؛ به جای رمضان، روزهای دیگری روزه بگیر (همان منبع، ص ۱۱۸).

در اخبار و احادیث رسیده متوجه می‌شویم که فرایض امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد که عبارت‌اند از: مرحله قلب، مرحله زبان و مرحله ید و عمل. ما معمولاً از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حس نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت‌های بی‌جا را می‌فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیانهای روشن‌کننده و منطقی را بفهمیم، موعظه‌ها و پندهای تحکم‌آمیز را می‌فهمیم؛ ولی قرآن کریم در سوره نحل، آیه یکصد و بیست و پنج می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحقمه و الموعظه الحسنه» یعنی، بخوان به سوی پروردگارت با حکمت (دلایل عقلی و قابل پرستش) و موعظه و پندهای نیکو. و از مرحله ید و عمل هم به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی را بفهمیم، تنها این مطلب را فهمیده‌ایم که باید اعمال زور کرد (مطهری، ۱۳۸۱).

در کنار مطالب فوق عواملی هستند که باعث تأثیر کمتر تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر در مخاطبان می‌شود که به دو شکل عوامل درونی و بیرونی می‌باشد. از عوامل مهم درونی می‌توان به جهل، تعصب (منظور تعصباتی که ریشه ملی، قومی، نژادی و شغلی و ... است و یا پافشاری بر موهومات و رسومات و پندارهای فردی و اجتماعی است)، تکبر (همان داشتن روحیه استکباری که فرعون به خاطر قدرتش نسبت به سخنان هدایتگر حضرت موسی (ع) کرد) و لقمه حرام. در مورد عامل اخیر، امام حسین (ع) در روز عاشورا به طرفداران یزید فرمود: «دلیل اینکه نهی از منکر من در شما اثر نمی‌کند، آن است که شکم‌های شما از حرام پر شده است.»

از عوامل بیرونی هم می‌توان به تبلیغات سوء و منحرف‌کننده، تعارضات، طاغوت‌ها، عملکرد و سابقه‌گوینده و حل نشدن مشکلات مهم اقتصادی، از عواملی هستند که تأثیر تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر را در مخاطبان کم‌رنگ می‌کند (قرائتی، ۱۳۷۷).

پس تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر ایمان، حسن خلق، سعه صدر و روحیه قوی داشتن، با اراده بودن، علم و قدرت و شیوه، نیاز به یک سوز و گداز و تعصب و غیرت دینی خاصی دارد. در حدیثی می‌خوانیم امام سجاد (ع) فرمود که حضرت موسی (ع) از خداوند پرسید: چه کسانی را در سایه عرش خود می‌پذیری؟ خطاب آمد: «افراد

دست و دل پاکی هستند که هرگاه دیدند حرام‌های الهی به صورت حلال درآمد، همچون بزرگ خوردن غضب می‌کنند.» (همان منبع، ص ۱۳۶).

آثار و برکات تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر

الف- برکات معنوی

۱. نجات از قهر خدا

امیر المؤمنین (ع) فرمودند: «هر کس منکر و خلافی را دید و قلباً از آن ناراحت شد همانا از قهر خدا نجات پیدا کرده و تن به سلامت برده است و هر کس با زبان از کار خلاف نهی کرد، به پاداش رسیده است (قرائتی، ۱۳۷۷).

۲. بهره از الطاف خدا

هر کس با شمشیر و قوت و قدرت برای عزت کلمه الله قیام کند، به واقعیت الطاف الهی رسیده است. هر کس بدعت‌گذاری را با نهی از منکر بترساند خداوند قلبش را از ایمان پر کند ولی اگر نسبت به او نرمش نشان دهد، قانون خدا را تحقیر کرده است.

۳. نشانه‌ی بهترین بودن

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بهترین مردم کسی است که مردم را به معروف دعوت کند.» و بر عکس اگر کسی در برابر معروف و منکر هیچ گونه احساسی نداشته باشد، انسانیت او دگرگون شده است به نحوی که دیگر حرف خیری را نمی‌پذیرد.»

۴. اثر امر به معروف در خود انسان

حضرت علی (ع) به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی. آری همان گونه که هر کس لباس می‌شوید، دست خودش نیز پاک می‌شود. کسی که مردم را به خیر دعوت می‌کند به طور طبیعی سعی می‌کند تا خودش نیز به آن کاری عمل کند که به دیگران سفارش می‌کند.

۵. شرکت در همه‌ی ثواب‌ها

در روایات متعدد می‌خوانیم: هر کس مردم را به کار خیر راهنمایی و سفارش و دعوت کند و مردم به خاطر دعوت او آن کار را انجام دهند، دعوت کننده در پاداش شریک می‌شود بدون آن که از اجر دیگری کاسته شود. هر کس دیگری را به کار خلاف و انحراف دعوت کند در کفر مفسد او شریک است. بنابراین کسی که امر به معروف می‌کند در پاداش همه‌ی کارهایی که مردم به خاطر دعوتش انجام می‌دهند شریک است (همان منبع، ص ۳۵).

ب- برکات اقتصادی امر به معروف و نهی از منکر

قرآن می‌فرماید: اگر مردم مناطق ایمان آورند و تقوا پیشه کنند به طور قطع از آسمان و زمین برکاتی خواهیم گشود. امام باقر (ع) می‌فرماید: با امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌ها حلال و زمین آباد می‌شود و در جای دیگر می‌فرماید: مقدار باران در هر سال یکسان است ولی اگر مردم گناه کردند، خداوند مسیر باران را تغییر می‌دهد. سپس ایشان برای هر گناهی آثاری را بیان فرمود:

— اگر در جامعه زنا زیاد شود، سکنه و مرگ ناگهانی زیاد می‌شود.

- اگر کم فروشی رایج شود، قحطی پیدا می‌شود.
- اگر زکات پرداخت نشود، برکات زمین کم می‌شود.
- اگر پیمان شکنی و بی وفایی زیاد شد، دشمن غالب می‌شود.
- اگر صله‌ی رحم قطع شود اموال به دست ناهلان می‌افتد.
- اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، اشرار بر مردم تسلط می‌یابند به نحوی که فریادها بی‌اثر می‌شود (همان منبع، ص ۳۶).

ج- برکات اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

قرآن، جامعه‌ای را رستگار می‌داند که گروه ویژه‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: نشانه بهترین جامعه آن است که امر به معروف و نهی از منکر در آن زنده باشد. صالحانی را که ما در هر نماز با جمله‌ی «السلام علينا و علی عبادالله الصالحین» بر آنان سلام می‌فرستیم، کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

در آیه‌ی دیگری می‌خوانیم: هنگام عذاب، تنها ناهیان از منکر نجات پیدا می‌کنند و بقیه‌ی مردم خواه گناهکار و خواه افراد ساکت و بی‌تفاوت گرفتار قهر خدا شوند.

امام باقر(ع) درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر فرمود: «هر کس آن دو را یاری کند خداوند به او عزت می‌دهد. هر کس خوارشان کند، خدا او را خوار می‌کند.» (همان منبع، ص ۳۷).

د- برکات سیاسی امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امیر(ع) فرمود: «پشتوانه‌ی مؤمنان و وسیله‌ی تحقیر کفار، امر به معروف و نهی از منکر است.» اگر امر به معروف و نهی از منکر نشود، به تدریج اشرار بر شما حاکم خواهند شد و کار به جایی خواهد رسید که خوبان شما هر چه فریاد زنند، پاسخی نشنوند.

در روایت دیگری می‌خوانیم: «اگر نهی از منکر نکنید و پیرو و اهل بیت پاک رسول خدا نباشید، خداوند، اشرار را بر شما مسلط خواهد کرد و چنان در فشار قرار خواهید گرفت که هر چه خوبان شما دعا کنند، مستجاب نشود.» (همان منبع، ص ۳۸).

نتیجه‌گیری

تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر از اصول مهم و همه‌گیر (در توسعه و گسترش تمام واجبات و فروع دین نقش دارند) دین اسلام است و از واجباتی است که در خود قرآن مجید با صراحت و تأکید فراوان آمده و هم‌چنین در اخبار نبوی و علی‌الخصوص در احادیث و روایات رسیده از پیامبر اکرم (ص) و در آثار ائمه معصومین(ع) در باره این دو فریضه مهم دینی و اسلامی سخنان بسیاری گفته شده است و در کنار پیامبران بزرگوار و ائمه طاهرین(ع)، بزرگان و علمای دینی با تأسی و الگو گرفتن از پیامبران و امامان عظیم‌الشأن(ع) در همه قرن‌ها، دوره به دوره و طبقه به طبقه، در باره این دو واجب الهی و اهمیت آن‌ها سخن‌ها گفته و مطالبی نوشته‌اند. این دو مسئله بیش از هر جا در کتب فقهیه مورد بحث و گفتگو و تحقیق قرار گرفته است.

قرآن کریم وظیفه همه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و در سوره اعراف، اولین وظیفه پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) را امر به معروف و نهی از منکر نامیده است.

در اهمیت تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر همین بس که در قرآن مجید، نام آمرین به معروف و ناهیان از منکر در کنار انبیا آمده است و کیفر قاتلان آنان همچون قتل انبیا است.

قرآن کتاب جهان شمول آسمانی و روایات رسیده از پیامبران و ائمه معصومین (ع)، یکی از شرایط مهم رستگاران را تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر دیگران می‌داند و تأکید می‌کنند که امر به معروف و نهی از منکر که رمز رستگاری و برتری و کرامت است باید بر اساس ایمان و برخاسته از انگیزه الهی باشد.

اگر چه مسئولیت علما و افراد باتقوا در جامعه در این باره بیش تر است، ولی تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مردم نسبت به همدیگر است و همه باید یکدیگر را به حق و صبر و تمام تعالیم اسلامی و خلق و خوی اسلامی سفارش دهند و دعوت کنند و در کنار امر به معروف و دعوت به درس گرفتن از تعالیم اسلامی، باید همه ما یکدیگر را از منکرات و اعمال زشت نهی کنیم. در این راه باید آماده پذیرش مشکلات نیز باشیم.

پیامبر اکرم (ص) در باره امر به معروف می‌فرماید: «آمران به معروف، خلیفه خدا در زمین هستند.» در حدیث دیگر می‌خوانیم: «خداوند، دشمن مؤمن بی دین است. پرسیدند یا رسول الله مگر مؤمن بی دین می‌شود؟ فرمود: مسلمانی که امر به معروف نکند بی دین است.»

در روایات و احادیث آمده است، امر به معروف و نهی از منکر دو خلق از اخلاق الهی است که هر کس این دو فریضه را یاری کند و در جامعه موجب پربار شدن و رواج آن گردد، خداوند مهربان به او عزت می‌دهد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (انگیزه آنان را نسبت به کار خیر زیاد می‌کند)، و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است، وسیله کنترل قوی است» تذکر در امر به معروف و نهی از منکر به دو شکل لسانی و عملی، آثار و برکات زیادی در زندگی ما مسلمانان دارد و در متن مقاله به تفصیل آمده است و می‌توان به مواردی نظیر برکات معنوی، برکات اقتصادی، برکات اجتماعی و برکات سیاسی امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

از برکات معنوی نیز می‌توان، موارد نجات از قهر خدا، بهره‌گیری از الطاف خدا، نشانه بهتر بودن، اثر امر به معروف در خود انسان و شرکت در ثواب‌ها را نام برد.

پس با توجه به قرآن کریم و روایات رسیده از پیامبران الهی و ائمه معصومین (ع)، تذکر لسانی امر به معروف و نهی از منکر همدیگر در جامعه، نقش مهمی در بهبود زندگی دنیوی و اخروی ما انسان‌ها دارد و باعث می‌شود ما در این دنیا با آسایش و راحتی زندگی کنیم و توشه ای هم برای آخرت داشته باشیم.

منابع

۱. بهشتی، سیدجواد، در اندیشه تربیت کدام نسل هستیم؟ ماهنامه تربیت، شماره ۳۴۲، فروردین ماه سال ۱۳۸۷، صفحه ۱۲.
۲. حسینی، اکرم، خانواده آرمانی در قرآن کریم، ماهنامه پیوند، شماره ۳۵۱، دیماه سال ۱۳۸۷، صفحه ۱۷.
۳. زرهانی، سیداحمد، خانواده و ترغیب فرزندان به اقامه نماز، ماهنامه پیوند، شماره ۳۳۹، دیماه سال ۱۳۸۶، صفحه ۱۸.
۴. قرائتی، محسن (۱۳۷۷). امر به معروف و نهی از منکر. قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هجدهم.

آموزش حقوق شهروندی از طریق نظام آموزشی

محمدتقی محمودی^۱

صدیقه رستمی^۲

چکیده

آموزش حقوق شهروندی به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی هر جامعه ملی و سهم اساسی آن در تحقق واقعی استانداردهای حقوق شهروندی بر همگان واضح و مبرهن است. بدیهی است که آموزش حقوق شهروندی و ساز و کارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی و تضمین آن حقوق به اشخاص و گروه‌هایی که به واقع حقوق آزادی‌های شهروندی به آن‌ها تعلق دارد مسئولیتی همگانی و یک استراژی زیربنایی و فاقد قید و بندهای زمانی و مکانی است آموزش حقوق شهروندی، به این حقوق ضمانت و پشتوانه‌ای واقعی و مؤثر می‌بخشد و زمینه ایجاد جامعه مدنی جهانی را فراهم می‌آورد. در حقیقت آموزش حقوق شهروندی اعطای شناخت به کسانی است که بالفعل یا بالقوه در معرض نقض حقوق شهروندی‌شان می‌باشد. آنچه که مشخص است نظام آموزش در جامعه شهری در اشکال رسمی و غیررسمی به دلیل ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با کودکان و نوجوانان در کنار خانواده و سایر نهادهای اجتماعی از جمله مذهب و وسایل ارتباط جمعی اثر ویژه‌ای در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی نسل آینده می‌گذارد و از طرف دیگر اصولی که دانش آموز در این محیط یاد می‌گیرد می‌تواند اساس الگوی زندگی آنان در جامعه باشد. با توجه به اهمیت نظام آموزشی در امر آموزش حقوق شهروندی مقاله حاضر سعی به بررسی و نقش نظام آموزشی در این حیطه دارد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، آموزش، شهروندی

مقدمه

آموزش و پرورش در جوامع امروزی به عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه جانبه به شمار می‌رود. چرا که در پرتو آموزش است که انسان‌ها متحول می‌شوند. بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی می‌گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند یکی از مهمترین مسائلی که در همه جوامع مطرح است آموزش شهروندی است مساله اینست که چگونه می‌توان از طریق آموزش و پرورش افراد را با حقوق شهروندی آن‌ها آشنا نماییم و چگونه افراد را در نظام آموزشی خود تربیت نماییم تا در نهایت شهروندانی آگاه و مسئول در جامعه بار بیاوریم.

در واقع ما از همان ابتدای صبح که از خانه خارج می‌شویم تا خود را به محل کار برسیم و یا مایحتاج روزانه خود را تامین کنیم. مجموعه‌ای از حقوق متقابل میان ما، شهر و شهروندان دیگر به وجود می‌آید که در زبان علم به «حقوق شهروندی» تعبیر می‌شود. حقوقی که میان شهر، شهروند و متصدیان امور برقرار است و برای پیشرفت به سوی جامعه‌ای سالم هدایت‌مان می‌کند. سؤال اینجاست چقدر ما با این حقوق آشنایم؟ به چه میزان آن را رعایت می‌کنیم؟ و اصلاً آیا به طور کامل این حقوق در گستره شهری مارعايت می‌شود یا خیر؟ پس اولین گام در ارتقای فرهنگ شهرنشینی اطلاع رسانی و آگاهی بخشیدن به شهروندان است. برای انجام این امر مهم، ارگان‌ها و نهادهای مربوطه باید با همکاری و تعاون و تعامل در تحقق آن سعی کنند و متناسب با شرایط و موقعیت اجتماعی و فردی، بهترین وسیله اطلاعاتی انتخاب و با کیفیت عالی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد mahmoudi@iaushk.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

در اختیار شهروندان قرار داده شود که در این بین آموزش و پرورش مؤثرترین و بهترین نهاد برای آموزش شهروندی است. هدف اصلی از تشکیل نظام آموزش شهروندی، آماده‌سازی شهروندان برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی است. یک جامعه پویا به شهروندان فعال متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز دارد. آموزش شهروندی عملاً به عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی مورد استفاده خواهد گرفت. آموزش شهروندان وظیفه ظرفیت‌سازی و توانمندسازی آن‌ها را میسر می‌کند آن‌ها می‌آموزند که خودشان مشکل و راه برطرف کردن آن را بیابند. در یک جمع‌بندی کلی باید گفته شود در همه کشورهای در حال توسعه، آموزش را کلید پیشرفت فردی و عامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی در نظر بگیرند. آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی در هر کشوری وظیفه خطیری در این حوزه برعهده دارد. آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف و آرمان‌های موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق پرورد و این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقاء فرهنگ شهروندی.

بیان مسئله

منظور از آموزش شهروندی عبارتست از فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر، این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر؛ آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس و وفاداری به ملت، نگرش مثبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تسامح و تساهل)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاسی عمومی و نظارت بر آنها می‌شود.

بدین ترتیب هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای، انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرایندهای آموزشی تحقق می‌یابد. در جوامع اقتدارطلب و خودکامه تعلیم و تربیت شهروندی به شدت در پی القای عقیده حاکم است و حق انتخاب چندانی برای فرد در جهت ابراز مخالفت وجود ندارد در حالی که در جوامع مردم سالار، هدف از تعلیم و تربیت شهروندی، پرورش افرادی است مسئول، خودآگاه و کارآمد و بالتبع در خدمت اهداف و آرمان‌های جامعه.

در واقع ساختار سیاسی ارتباط مستقیمی با نظام آموزشی خواهد داشت در نظام دموکراتیک جمهوری اسلامی ایران نگاه به فرد متأثر از بینش مکتب اسلام نسبت به انسان است. در ایدئولوژی اسلام، انسان برگزیده خدا و خلیفه او در زمین است. بر همین اساس انسان‌ها دارای حرمت و حقوق یکسان هستند. مبانی هفت‌گانه ارزش‌شناسی فلسفه دموکراتیک در جمهوری اسلامی ایران شامل عدالت، مشارکت، دین محوری، وحدت، صلح و دوستی، آزادی، فردیت است. هدف‌های تربیتی با توجه به مبانی انسان‌شناسی و مبانی ارزش‌شناسی نظام جمهوری اسلامی تدوین شده است بر این اساس مهم‌ترین اصول و تعلیم و تربیت دموکراتیک در جمهوری اسلامی، عبارتند از:

۱. اصل ایجاد زمینه‌های لازم به منظور پرورش قوه خرد ورزی و عقلانیت دانش‌آموزان

۲. اصل اعطای آزادی توأم با مسئولیت

۳. اصل عدالت و توزیع منصفانه فرصت‌ها و امکانات آموزشی بین دانش‌آموزان

۴. اصل تقویت میزان (گستره) و کیفیت (ژرفای) مشارکت دانش‌آموزان

۵. اصل توجه به فردیت و ارتقای آن

۶. اصل تحقق فعالیت‌های آموزشی در قالب فعالیت‌های گروهی

۷. اصل ایجاد دوستی و همبستگی بین دانش آموزان

روش های تعلیم و تربیت دموکراتیک در جمهوری اسلامی شامل:

۱. روش مناظره و گفتگو

۲. روش تفحص گروهی

۳. روش مطالعه تاریخی

۴. روش استفاده از تمثیل

۵. روش چرخه یادگیری

۶. روش تحلیل اطلاعات و اخبار

۷. روش معرفی الگو (جاویدی، ۱۳۸۷)

با توجه به مطالب ذکر شده می توان نتیجه گرفت که با توجه به نظام دموکراتیک جمهوری اسلامی و شیوه های آموزشی ذکر شده ما باید شهروندانی آگاه به نظام دموکراتیک جامعه خود بار بیاوریم و با استفاده از شیوه های آموزشی ذکر شده دانش آموزان را با مفاهیم و مبانی حقوق شهروندی و ارزش های حاکم در جامعه آشنا سازیم.

شهروند کیست؟ شهروندی یعنی چه؟

شهروند کسی است که با هم نوع خود زندگی می کند و از طریق دولت حمایت می شود. از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفه اجتماعی انجام می دهد. شهروندی راه های زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است. شهروندی توانایی افراد برای قضاوت در مورد زندگی خودشان را تصدیق می کند. بنابراین شهروندی افراد از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویتشان تعیین نمی شود. بنابراین شهروندی در نحوه ارتباط فرد با فرد و با جامعه معنا و مفهوم حقیقی خود را در می یابد. در این راستا به اعتقاداتی، اچ، مارشال: اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است. ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت هستند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند.

باید دانست که شهروندی با احساس مسئولیت همراه است و حس شهروندی در عمیق ترین معنای خود دارای دو جنبه مهم است:

الف) جنبه مهمی از مسئولیت شهروندی، داشتن شرافت کاری است که بدون آن مدنیت پیشرفته ای حاصل نمی شود.
ب) مسئولیت مدنی در جایی امکان بروز می یابد که جامعه مدنی به معنای واقعی مستقر شده باشد اما جامعه مدنی نمی تواند بدون تلاش شهروندان برخوردار از حس مسئولیت قوی برپا می گردد. (نیکفر، ۱۳۷۸).

پیشینه دقیق حقوق شهروندی در کشور ما به صدسال پیش بازمی گردد. شاید بتوان گفت رعایت حقوق بشر در ایران از زمان مشروطه آغاز شد و اگرچه بسیار کند و نه چندان بر پایه اصول اما تا به امروز دامه داشته و هیچ گاه متوقف نشده است اما این حقوق هرگز به طور کامل رعایت نشده، چراکه همانطور که می دانیم احیای حقوق شهروندی به طور کامل تنها بر روی کاغذ امکان پذیر است. تا قبل از این در ایران شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می گردید و شهرنشینی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می دیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامع تری یافت در سال ۱۳۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی های مشروع و حفظ و حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه در دستور کار واحدها قرار گرفت. در کشور چه به صورت کلی و چه به صورت خاص در طول یک صد سال گذشته هم از حقوق شهروندی بحث شده

است. اما هیچ‌گاه این حقوق به صورت کامل رعایت نشده و مردم هم به این امر واقف هستند که رعایت حقوق شهروندی در ایران در حد کامل نبوده است.

شهروندی پویا

شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و به طور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد است. شهروندی پویا یا شهروندی فعال در واقع از این نگرش برخاسته است. شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن‌ها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفت و گو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

آموزش شهروندی»

آموزش شهروندی به طور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی و یا به طور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی در مدارس ابتدایی و یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزش‌ها، پرورش یک شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. تربیت شهروندی، یکی از فروع شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فن‌آوری و سیاسی دوران معاصر از جمله دل‌مشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به شمار می‌آید. در کشورهای توسعه یافته مفاهیم شهروندی از دوران کودکی و نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد. اهداف این آموزش‌ها عبارت‌اند از:

- آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی
- بحث و بررسی درباره سرفصل‌ها و موضوعات مهم شهروندی
- فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی
- مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی

مفاهیم شهروندی

مفهوم حقوق بشر اغلب در کنار دو مفهوم «حقوق اساسی» و «حقوق شهروندی» مطرح می‌شود. این سه مفهوم، گاه مترادف و گانشین یکدیگر به کار می‌روند اما در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان این مفاهیم سه‌گانه و دلالت موضوعی وجود دارد. می‌توان گفت حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی هر کشوری شکل «ملی» به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور خاص می‌شود (مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است). بسیاری بر این عقیده‌اند که قوانین موضوعه هر کشوری تاثیر مستقیم از مفهوم حقوق شهروندی و شهروندی می‌پذیرد. بعضی شهروندی را در ابعاد اجتماعی، سیاسی و مدنی تقسیم‌بندی می‌کنند اما به نظر می‌رسد در دسته‌بندی کلی می‌توان شهروندی را در مسئولیت‌های فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین مسئولیت‌های

دولت در قبال شهروندان بررسی کرد. با نگاهی کلی در جوامع مختلف می‌توان بخشی از این مفاهیم مشترک را عنوان و تکمیل کرد.

مسئولیت‌های اجتماعی

شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیات منصفه یا هیات‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن‌ها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و باز تولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. (نژادبهرام، ۱۳۸۶)

مسئولیت‌های فردی

- رأی دادن: حق رأی دادن یکی از مسئولیت‌های شهروندی است اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد کسانی که رأی نمی‌دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود.
- خدمت در ارتش: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود و در زمان صلح به صورت خدمت اجباری سربازی و یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند.
- احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروند می‌بایست از قوانین اجتماع و ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند پیروی کند. هر شهروند می‌بایست به حقوق دیگران احترام بگذارد.
- پرداخت مالیات: هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی براساس درستکاری و راستی و سرموقع باشد.

مسئولیت‌های دولت

از جمله مسئولیت‌های دولت، خرج نمودن مالیات و عوارض دریافتی توسط بخش‌های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است:

- حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان: توسط پلیس، آتش‌نشانی و نیروهای مسلح و ...
- بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت و ...
- آموزش: مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی.
- نگهداری و تعمیر و ساخت جاده‌ها و بزرگراه‌ها و راه آهن.
- حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط زیست.
- حفاظت از پس‌اندازها، بازرسی از بانک‌ها و ضمانت حساب‌های بانکی.
- کمک و جبران خسارت: در موارد پیش‌بینی نشده مثل سیل و زلزله.

آموزش و پرورش و شهروندی

شهروندی همانگونه که بیان شد یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌هایی متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. البته این امر زمانی جامعه عمل می‌پوشد که فضای آموزشی جامعه، فضایی دموکراتیک به خود بگیرد و این امر مگر به شرط استقرار نظام سیاسی مردم سالار که در آن افراد خود را در مقابل جامعه مسئول و برای عمل به وظایف شهروندی و در نتیجه برخورداری از حقوق مترتب بر آن آزاد می‌بینند. در این فضای دموکراتیک، دانش‌آموزان نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش می‌بینند. در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزش‌ها و ویژگی‌های مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثرتری را به نمایش گذارند. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است در حقیقت مدرسه جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه‌های مختلف آن است. از این رو آنچه که می‌تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل‌گیری و توسعه مدارس کنونی را توجیه کند تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان «مدرسه‌ی زندگی» است. در راستای احراز ویژگی‌های شهروندی، مدرسه باید مکانی برای تدارک فرصت‌های لازم و مناسب برای تجربه و تمرین در عرصه‌های مختلف زندگی باشد تا از این رهگذر، زمینه‌های لازم برای برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آید. بنابراین باید مدرسه خود زندگی و نمونه و الگویی کوچک از جامعه باشد و در آن دانش‌آموزان در عرصه‌های مختلف نظیر حرفه، دین و سیاست فرهنگ، علم و فناوری، خانواده بهداشت و محیط زیست و ارتباطات و مانند آن به یادگیری بپردازد. این چگونگی مستلزم پرداختن هر چه بیشتر به تربیت شهروندی و مهارت‌های زندگی در سطح مدارس است. البته شایان ذکر است کتاب‌های درسی و همین‌طور خود رفتار معلم و محیطی که در آن یادگیری رخ می‌دهد می‌تواند به عنوان منابعی برای یادگیری آموزش رفتار شهروندی به کار گرفته شوند مدرسه می‌تواند از طریق رعایت نظم و مقررات و برگزاری اردوها و برنامه صبحگاه و برگزاری مسابقات کتاب خوانی و... حقوق شهروندی را به دانش‌آموزان این شهروندان آتی اجتماع بیاموزند و آنها را نسبت به حقوق خود آگاه و مطلع بار بیاورد و در نهایت شهروندانی مطلوب برای جامعه تربیت کنند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

به عقیده بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش تربیت شهروندانی است که بتواند برای رشد و شکوفایی جامعه‌ای مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند. نظام آموزشی مردم سالار، در صدد تربیت نسلی است که بتواند در دنیای پیچیده کنونی، هم بر سرمایه دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش‌پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می‌آورد کوشش نماید. در چنین جامعه‌ای از ما می‌خواهند که همه باهم برای درک دنیای یکدیگر تلاش نماییم و چشم انداز مشترکی بسازیم که ما را قادر می‌سازد از یکدیگر بیاموزیم و در حالی که واقعیت کثرت‌گرایی را حفظ می‌کنیم بر خود حکومت کنیم. تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی بر توسعه فرایند آموزش مردم سالاری دینی تکیه دارد. فرایند پویایی که می‌تواند او را به ارزش‌های اخلاقی و اصول اعتقادی که در جهت تکریم مقام و منزلت انسانی قرار دارد پایبند نماید.

اگر واقفیم که آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش‌آموزان به عنوان عاملان اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت، در واقع همان پشتوانه‌های راهبردی رشد فرهنگی شهروندی و توسعه سیاسی کشور به شمار می‌رود. در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارتند از:

۱. آموزش مفید و اثربخش و کاربردی.
۲. تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه.
۳. تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم.
۴. هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه مطلوب.
۵. تربیت انسان‌های قانونمند، مشارکت‌پذیر، منظم و مسئول و پرتلاش از طریق نهادینه‌سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه‌گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن.
۶. جا انداختن فرهنگ تحزب‌گرایی و تمرین مشارکت در اداره امور مدرسه و جامعه.
۷. تقویت ایمان، روحیه شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنج‌ها، عدالت‌جویی، وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار.

امروزه با توجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا ببخشد باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم آماده کند. چرا که جهانی شدن نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت‌ها صورت گیرد. فرایند جهانی شدن خصوصیات ویژه‌ای را برای شهروند قرن بیست و یکم می‌طلبد که می‌توان آنها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد:

۱. دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن
۲. دانش، مهارت و نگرش دموکراتیک
۳. توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات

این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چند جانبه‌ای دارند. فناوری اطلاعات باعث نزدیکی سریع و آسان افراد و ملت‌ها شده است. فناوری باعث شده است تا جهان در عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است. در نهایت می‌توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دموکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه عمل دموکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که با توجه به فرایند جهانی شدن آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوری اطلاعات خواهد بود. واضح است که نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه انجام گیرد. در این صورت زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش‌آموز در آن به سر می‌برد داشته باشد از چنین مسیر است که بومی کردن آموزش زندگی شهری محلی و ملی میسر می‌شود و مقدمه آموزش شهروندی جهانی را فراهم می‌آورد. با توجه به مباحث مطرح شده یک شهروند مطلوب برای جامعه ایران در سه حیطه با قلمروهای خاص و دارای صلاحیت‌های معینی می‌باشند که عبارتند از:

۱. شناخت مدنی: عبارتست از مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مؤلفه‌های آن عبارتند از آگاهی از نحوه به دست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه‌های احزاب عمده کشور، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه و ...

۲. توانایی مدنی: عبارتست از مجموعه‌ای از مهارت‌ها و قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که هر فرد برای زیست در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به آنها نیاز دارد و مؤلفه‌های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکاء به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

۳. نگرش مدنی: عبارتست از مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌هایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مؤلفه‌های آن عبارتند از: پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری، دارا بودن حس وطن‌پرستی داشتن روحیه بردباری و تحمل و ... با عطف به این ویژگی‌هاست که رسالت خطیر آموزش و پرورش در عرصه جهانی شدن معنا و مفهوم خود را در می‌یابد. بنابراین ضروری است مرحله درک و فهم عمیق و دست‌یابی به شعور تربیت شهروندی و تدارک مدرسه زندگی را وجهه همت قرار دهیم و بسترهای لازم را در نظام آموزشی فراهم نماییم.

باتوجه به اینکه هر جامعه‌ای با عنایت به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود به شهروندان خاص با خصوصیات ویژه‌ای نیاز دارد و این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه و پیشرفت کشور می‌شود. باید برنامه‌ریزی حساب شده‌ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت که می‌توان آن را از رسمی‌ترین نظام آموزشی کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. شواهد زیادی دال بر این مطلب وجود دارد که دانش‌آموزان و دانشجویان به مدرسه و دانشگاه می‌روند بدون آنکه دانش و مهارت و ارزش‌هایی را بیاموزند که پایه و اساس مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و زیننده یک شهروند خوب در آینده باشد. اگر آموزش را سرمایه‌گذاری برای آینده در نظر بگیریم آموزش شهروندی سرمایه‌گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است. زمانی می‌توان از حقوق شهروندی صحبت کرد که مفهوم آن را با تمام وجوه و مشخصات آن شناساند و بارور کرد. نمی‌توانیم از جوانان انتظار داشته باشیم تا بدون آمادگی قبلی ناگهان تبدیل به شهروندی متعهد و مسئول شوند. کودکان باید هم‌فکری، مشورت و شناختن قوانین لازم زندگی در محله و شهر از زمان پیش‌دستانی و کودکی، همراه با آموزش‌های محیطی و ملموس با مشارکت کودکان دیگر فراگیرند. پاکیزگی شهر و محیط زندگی، احترام به حقوق دیگران، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، آموزش بهداشت عمومی و... از جمله عواملی هستند که باید از همان دوران کودکی با آموزش نهادینه شوند زیرا پس از رشد و بلوغ افراد عادات در آنها تقویت و تثبیت شده و تغییر آنها به تمایلات طبیعی ناممکن و دیر است. "چامپلیس" (۱۹۹۷) می‌نویسد: در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و طرز تلقی‌ها و بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی است.

عوامل گوناگونی همچون تغییر و تحولات سیاسی، مهاجرت گسترده و وضعیت نامساعد اقتصادی و گسترش ارتباطات به عنوان عوامل محرک توجه به تربیت شهروندی در ایران نام برده شده، سبب شده است تا به تدریج اهمیت و ضرورت پرداختن به برنامه‌های آموزش شهروندی در مدارس و نیز جامعه به طور کلی مد نظر قرار گیرد. در نظام آموزشی ایران که به صورت متمرکز اداره می‌شود و کلیه تصمیمات برنامه درسی در سطح مرکزی اتخاذ می‌شود تغییرات اساسی به ویژه در کتاب درسی علوم اجتماعی مشاهده می‌شود به نحوی که محتوای این دروس برای آماده سازی شهروندان مطلوب، مدام

در حال تغییر و تجدید نظر می‌باشد. شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌هایی متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند دانش آموزان نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی، دانش و درک درست و عینی از جهان آموزش ببینند در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور اجتماعی و فرهنگی و یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. وقتی که دانش آموزان به سن نوجوانی و جوانی می‌رسند مدرسه باید به آنان بیاموزد که چگونه یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و علاوه بر مهارت‌های ضروری، مشاوره و آموزش لازم در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال یافتن از خانواده مدیریت امور مالی خود و آشنایی با قوانین و ارتباط‌گیری با ادارات و مسئولان دولتی را به آنان آموزش دهد و نوجوانان و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از شایستگی‌های فکری و رفتاری و مهارت‌های گوناگون نظری و عملی برای آغاز زندگی مستقل خود هستند و مدرسه باید نقش خود را در کمک به آنان را در این پیچیده ایفا کند تا بتوانند به زندگی اجتماعی وارد شوند و نقش مستقل خود را به عنوان یک شهروند مسئول ایفا کنند.

پیشنهادات

مفهوم شهروندی در درجه اول، دارای وجوه مشترک با مهارت‌های زندگی در سطح محلی و ملی است و در درجه دوم با مهارت‌های زندگی در جامعه جهانی ارتباط دارد. از چنین دیدگاهی است که مانع براساس رویکرد روان‌شناسی فردی و اجتماعی جوامع پیشرفته صنعتی بلکه بر پایه روش زندگی ایرانی، مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز دانش آموزان نوجوان و جوان برای زندگی سعادتمندانه ایرانی در جهان کنونی را به شرح هشت گروه از مهارت‌های زیر پیشنهاد کرده‌ایم (لطف آبادی، ۱۳۸۴). ویژگی‌های شهروندی نیز بخش جدایی‌ناپذیر از همین مهارت‌هاست و همانگونه که شاهد هستیم مهارت‌های ۱ تا ۵ در زندگی شهروندی، اهمیت بیشتری دارد و سه مهارت ۶ تا ۸ زمینه‌ساز مهارت‌های شهروندی است:

۱. شناخت زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و ملی و دینی در کشور، اولین گروه از مهارت‌هایی است که دانش آموزان ما باید فرا گیرند.
۲. دانش آموزان ما باید یاد بگیرند سلامت جسمی و بهداشت فردی و زیست محیطی را حفظ کنند و بهبود ببخشند تا رضایت از زندگی برای آنان و دیگران آسان‌تر شود.
۳. دانش آموزان ما باید یاد بگیرند نظم و قانون‌مداری و عدالت را در همه حال رعایت کنند و در همه اموری که انجام آن‌ها برعهده آنان است احساس مسئولیت داشته باشند.
۴. مناسبات سالم اجتماعی، هم دلی و همدردی و کمک‌رسانی رشد مهارت‌های زبانی و انواع دیگر ارتباط‌های مبتنی بر کرامت انسانی، توانایی برقرار کردن ارتباط مؤثر و ثمربخش با دیگران، بده بستان برابر و عادلانه، دوست داشتن هم‌زبانان و همراهان و هموطنان و سایر انسان‌ها چهارمین گروه از مهارت‌هاست.
۵. گروه پنجم از مهارت‌ها، مهارت‌های شغلی است. ما از این بابت در کشور خود مشکلات بی‌شماری داریم و جا دارد آموزش و پرورش، هم با فراهم کردن زمینه‌های مهارت‌های شغلی در ذهن و روحیه و رفتار تمام دانش آموزان مانند دقت و نظم و مسئولیت و پی‌گیری و نوآوری و شکل‌گیری درست هویت شغلی و هم در

برنامه‌ریزی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای سطوح بالاتر تحصیلی از نظر آموختن دانش و مهارت‌های تخصصی به نوجوانان و جوانان و ایفای نقش و اعمال فشار بر نهادهای مسئول تأمین فرصت‌های شغلی برای جوانان، نقش حیاتی خود را به درستی ایفا کند. استحکام هویت شغلی جایگاه بی‌همتایی در نظام شخصیت جوانان دارد و از نظر رشد و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور و تأمین عدالت اجتماعی و رفاه فردی نیز، حائز اهمیت اساسی است.

۶. دانش‌آموز در هر سنی خود را چنان که هستند و بدان گونه که می‌توانند باشند به درستی بشناسند و شیوه زندگی خود را براساس توانایی‌ها و استعدادها، هدف‌های کوتاه مدت و میان مدت و درازمدت و در راستای تحقق باورها و آرزوهایی که دارند، سازمان دهی کنند.

۷. کودکان و نوجوانان و جوانان به مهارت‌های تفکر انتقادی، تفکر واقع بینانه و منطقی، آگاهی و هوشیاری و توانایی حل مساله مجهز شوند.

۸. هشتمین مهارت برای زندگی سالم نوجوانان و جوانان آن است که سلامت و تعادل دستگاه روانی خود را از طریق مقابله با اضطراب و هیجان‌های کاذب و افراطی مقابله با افسردگی و بی‌هیجانی، مقابله با فشارهای روانی و تئیدی درهم فرو رفتگی، مقابله با حسد و کینه‌ورزی و حل تعارض‌های زیان بخش در زندگی برونی و درونی حفاظت کنند.

برخورداری نوجوانان و جوانان دانش‌آموز از ویژگی‌های مذکور قطعاً نیازمند آموزش و تربیت است و خود به خود حاصل نمی‌شود جدا از تاثیر انکارناپذیر خانواده بر چگونگی دستیابی به مهارت‌های زندگی و شهروندی و شکل‌گیری هویت و شخصیت، نهاد مسئول آموزش و پرورش دهنده این مهارت‌ها و هویت و شخصیت دانش‌آموزان، مدرسه، معلم، برنامه‌ها، روش‌ها و فضای تعلیم و تربیت رسمی کشور است. تحقیقات نشان می‌دهد که هم نهاد خانواده و هم نهاد مدرسه و جامعه معلمان اگرچه تمایل جدی برای رشد و پرورش مهارت‌های زندگی دارند اما در انجام وظایف خود در این مسائل حیاتی دچار کمبودها و کم توانایی‌های گوناگون هستند و در مجموع برنامه روشنی ندارند که چه باید کرد.

برای آنکه مهارت‌های مشارکت شهروندی متناسب با هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی در بین دانش‌آموزان شکل بگیرد، آنان باید با تمام میراث فرهنگی و هویت ملی و دینی و انسانی خود آشنا شوند و زندگی خود را متناسب با زندگی در جهان کنونی سازمان دهی کنند.

از آنجا که رسانه‌های عمومی نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر نگرش و اندیشه و رفتار شهروندان دارد و ممکن است حقوق انسانی آنها را مخدوش کنند آموزش و شناخت روش‌ها و عملکرد رسانه‌ها و چگونگی اطلاع‌رسانی درست و نادرست و قضاوت عینی در قبال رسانه‌ها ضرورت می‌یابد. در مورد دانش و هنرها نیز که در عصر کنونی تاثیر عظیمی بر بینش و نگرش و رفتار شهروندان به ویژه کودکان و نوجوانان و جوانان دارند لازم است آموزش‌های کافی به دانش‌آموز داده شود.

تربیت شهروندانی فعال و مسئول کمک بزرگی به پیشرفت فردی و اجتماعی و حفاظت از محیط زندگی و طبیعت است این آموزش‌ها می‌تواند توسط خانواده و مدرسه و رسانه‌های همگانی و نهادهای اجتماعی صورت بگیرد اما مسئولیت اصلی آن بر دوش نظام آموزشی است و از آنجا که ادراک افراد از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی متفاوت است همه افراد نیازمند آموزش شهروندی برای کنش و واکنش مسالمت‌آمیز در برخورد با تفاوت‌ها هستند این آموزش‌ها می‌تواند دربرگیرنده راهبردهای گفت و گو، مصالحه، آگاهی یافتن از فوائد تفاوت‌ها برای پیشرفت فردی و اجتماعی، رشد

ویژگی‌های درونی پذیرش تفاوت‌ها و آگاهی از خطر تعارض‌های تهدیدکننده حقوق انسانی و ضرورت مقابله با آنهاست. گروه‌های جست‌وجوگری فلسفی، با روش بحث و گفت‌وگوهای دانش‌آموز محور می‌توانند باعث تشویق دانش‌آموزان به طرح سؤالات گوناگون، تفکر گسترده و عمیق و حرمت نهادن به انواع طرز فکرهای گوناگون در مسائل مختلف بشوند که این انعطاف‌پذیری یکی از آموزش‌های مهم شهروندی است رشد جست‌وجوگری و کنکاش فکری در یک محیط مطمئن و حمایت‌کننده و احترام‌آمیز، زمینه‌های لازم برای ایفای نقش آگاهانه شهروندی فعال و مسئول را فراهم می‌آورد. معلمان دانا و باتجربه، متخصصان روان‌شناسی تربیتی، گروه‌های فهیم و علاقمند در آموزش و پرورش و نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی می‌توانند این موضوع حیاتی را مورد توجه قرار دهند و به مرحله عمل درآورند. اجرای پژوهش‌های علمی، برگزاری همایش‌های علمی، تهیه و انتشار مجلات علمی در این موضوع، کمک بزرگی به تحقق هدف مورد بحث خواهد کرد.

با چنین برنامه‌ها و اقداماتی می‌توان آموزش شهروندی از طریق نظام آموزشی را تحقق بخشید برنامه‌هایی از قبیل:

- تقویت شیوه‌های همکاری و کار گروهی
- تصمیم‌گیری به شیوه شورایی
- توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن
- تقویت مؤثر مهارت‌های ارتباطی
- مدیریت مشارکت‌ها و فعالیت‌های محلی
- درگیر شدن در کارها و فعالیت‌های محلی
- تقویت گفتگو و مهارت‌های مشارکتی

آموزش‌هایی از این قبیل زمانی نتیجه بخش خواهد بود که گرایش به تعهدات مدنی، اخلاقی و سیاسی شهروندان مورد تاکید قرار گیرد و به عنوان یک اصل نهادینه شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری:

با وجود اینکه عبارت حقوق شهروندی همواره بر سر زبان‌هاست و صحبت‌های زیادی درباره آن می‌شود ولی میزان آشنایی مردم با این حقوق بسیار کم است. آموزش شهروندی، نحوه ایجاد انگیزش در میان افراد برای پذیرش نقش شهروند و توجه به منافع جمعی است. شهروندی در سطوح متنوعی عمل می‌کند شهروندی از یک سو واجد ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر ابعاد عاطفی را در برمی‌گیرد که با فرهنگ و هویت‌های فرد ارتباط دارد. در کمترین سطح آن، شهروندان باید نسبت به مسئولیت‌ها، حقوق و هویت‌های متفاوت خود آگاهی و شناخت داشته باشند. کسب این شناخت مستلزم آموزش حقوق انسانی و فراهم شدن محیطی برای یادگیری است که در آن مجال جستجو و تقویت احساسات و انتخاب‌های افراد فراهم باشد. آموزش شهروندی از طریق نظام آموزشی به عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی برای اعضاء مورد استفاده قرار خواهد گرفت هدف اصلی از آموزش‌های شهروندی باید درگیر کردن افراد در فعالیت‌های مربوط به حوزه زندگی خود (اجتماع) باشد. آموزش حقوق شهروندی از همان ابتدا به کودکان اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی می‌آموزد. وجه دیگر این آموزش درگیر کردن افراد جامعه در مسائل مربوط به شرایط زندگی و دغدغه‌های اجتماع محل زیست آنهاست. وجه دیگر آموزش شهروندی را می‌توان انتقال دانش، مهارت و ارزش‌ها به کودکان دانست که به واسطه آن خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند. به این ترتیب هدف‌های آموزش شهروندی را باید عموماً حول سه محور آموزش

مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، آموزش فعالیت‌های اجتماعی و گرایش به چنین فعالیت‌ها و آموزش سواد سیاسی دانست. بدین ترتیب شهروند کسی است که به مسائل عمومی جامعه آگاهی دارد، واجد فضیلت‌های مدنی است و مهارت‌های لازم برای مشارکت در عرصه سیاسی را دارد کودکان باید به گونه‌ای تربیت شوند که در اجتماع و محیط خود مشارکت کنند با حقوق خود آشنا شوند و به وظایف خود در قبال جامعه عمل کنند.

بدین ترتیب آموزش شهروندی دربرگیرنده احترام متقابل در میان شهروندانی است که در هویت‌های قومی زبانی نژادی، فرهنگی، دینی و جنسیتی تفاوت نشان می‌دهند. در هر حال مفهوم شهروندی به عنوان نهاد و مبنایی برای ایجاد یک جامعه مدنی، مفهوم مهمی است که باید آن را تابع شرایط سیاسی و اجتماعی و نیز بستر و تاریخی دانست که در آن رشد می‌یابد.

منابع

۱. آشتیانی، ملیحه. فتحی واجارگاه، ک. یمنی دوزی سرخابی، م. (۱۳۸۵). لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.
۲. جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره (۱۳۸۷). فلسفه تربیتی دموکراتیک مبانی و اصول و روش‌های آموزش و پرورش به نشر.
۳. گلیار، حسین (۱۳۸۱). تاثیر آموزش و پرورش در تحقق جامعه مدنی و نظام مردم سالاری دینی، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۴. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.
۵. فتحی واجارگاه، کوروش. دیبا پژوهشگر، ط. (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه ایران و میزان انطباق برنامه‌های مدارس با این ویژگی، پژوهشنامه علوم انسانی.
۶. قانیدی، یحیی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷.
۷. نیکفر، محمدرضا (۱۳۷۸). خشونت، حقوق بشر، جامعه مدنی، انتشارات نو.
۸. مشارع پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارات سمت.
۹. علی ضیایی، مرتضی (۱۳۸۱). مشارکت و شناخت در تصمیم‌گیری‌ها، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.

نقش شهروندی در ارتقاء سرمایه اجتماعی

محمد تقی محمودی^۱

طیبه شریفی^۲

عاطفه ارفع^۳

چکیده

در عصر حاضر، «شهروندی» به عنوان یک پدیده اجتماعی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. شهروندان عموماً با سلاقی و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند. عده‌ای برای کسب و کار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و ... از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد. حس عضویت داشتن در گروه، وابستگی‌های متقابل اجتماعی و ... از مؤلفه‌هایی است که در شهروندی بررسی می‌گردد و همانطور که می‌دانیم مشارکت اجتماعی از الزامات سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای است؛ به جهت بررسی و تحلیل این نقطه مشترک که در حقیقت نقطه قوت هر دو مفهوم نیز می‌باشد در مقاله پیش رو سعی شده تا به روش کتابخانه‌ای به بررسی نقش و رابطه مؤلفه‌های شهروندی در ارتقاء و گسترش سرمایه اجتماعی بپردازیم و در ادامه خواهیم دید؛ جوامعی در دستیابی به توسعه همه جانبه موفق خواهند بود که به کمک مؤلفه‌های شهروندی سعی در ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی خود داشته باشند زیرا بدون سرمایه اجتماعی، به احتمال زیاد سایر سرمایه‌های جامعه نیز تلف می‌شوند. بنابراین اهم وظایف مدیران شهری و مسئولان جوامع بایستی بر توجه بیشتر به شهروندی بالخصوص شهروندی پویا (و نه ایستا) پایه‌ریزی شود تا ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و در نهایت توسعه یافتگی فرهنگی، به معنای واقعی را شاهد باشیم.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی^۴، شهروندی^۵

مقدمه

از منظر توسعه پایدار، سرمایه اجتماعی جزئی تفکیک ناپذیر از مجموعه ثروت هر ملتی است و یکی از عوامل توسعه جوامع به شمار می‌رود. وجود سرمایه اجتماعی به عنوان ساز و کاری برای ارتقای توسعه بوده و فقدان و فرسایش آن مانعی برای توسعه اجتماعی است. با توجه به قرار داشتن کشور ما در حالت گذار و ضرورت برنامه‌ریزی همه جانبه به منظور دستیابی به توسعه پایدار و عبور از حالت گذار و رسیدن به یک ثبات نسبی و واقعی، شناخت سرمایه اجتماعی و شهروندی و به کارگیری عواملی که سبب افزایش این متغیرها در اجتماع می‌شود لازم و ضروری است. در این مقاله سعی داریم تا در سه بخش به بررسی مفهومی مؤلفه‌های شهروندی در سرمایه اجتماعی و بیان رابطه آن‌ها در اجتماعات کنونی بپردازیم. بخش اول شامل تعاریف سرمایه اجتماعی و شهروندی خواهد بود؛ بخش دوم پیشینه و

۱. دکتری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد. ac.irmahmoodi@iaushk.

۲. دکتری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد. sharifi@iaushk.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد. ati_arfa@yahoo.com

4. Social capital

5. citizenship

ادبیات نظری تحقیق را بررسی می‌کند و در آخرین بخش به تحلیل و مقایسه و بیان ارتباط میان دو مفهوم سرمایه اجتماعی و شهوندی خواهیم پرداخت.

۱- تعاریف

۱-۱- سرمایه اجتماعی از نظر صاحب‌نظران در علوم مختلف

هرچند مرور ادبیات مرتبط با مقوله سرمایه اجتماعی حاکی از عدم اتفاق نظر پژوهشگران این عرصه در تعریف مفهومی و تجربی آن است، اما در یک برداشت کلی از انواع سرمایه می‌توان به تعریفی خاص از این مقوله رسید. انواع سرمایه عبارت‌اند از: فیزیکی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی. سرمایه فیزیکی ناظر بر پدیده‌هایی همچون منابع طبیعی، ثروت، درآمد، ماشین‌آلات، مستغلات و نظایر این‌هاست. سرمایه انسانی ناظر بر میزان تحصیلات، معلومات، سطح دانش عمومی، آموزش‌ها و مهارت‌های کاری و امثال این‌هاست، سرمایه فرهنگی، ناظر بر نوع پرورش فرهنگی فرد است و به مسایلی نظیر آینده‌نگری، انضباط شخصی، پرکاری، اهمیت قائل شدن برای تحصیلات و برنامه‌ریزی و ارج نهادن به کسب دستاوردهای اقتصادی اطلاق می‌شود. نوع چهارم سرمایه، یعنی سرمایه اجتماعی که موضوع بحث ما را تشکیل می‌دهد؛ اشاره به منابعی دارد که افراد به واسطه حضور یا تعلقشان به یک گروه اجتماعی به آن‌ها دسترسی می‌یابند. این گروه می‌تواند به بزرگی ملت (سطح ملی) و یا به کوچکی خانواده (سطح سازمانی) باشد. فرد دارای سرمایه اجتماعی زیاد، کسی است که روابط وسیع‌تری داشته باشد (یعنی با افراد بیشتری در تماس و ارتباط باشد)، این روابط از عمق، صمیمیت و اعتماد قابل توجهی برخوردار باشند و بالاخره افرادی که شخص با آن‌ها در ارتباط است دارای میزان قابل‌اعتنایی از سرمایه فیزیکی، انسانی و فرهنگی باشند. در سازمان‌ها و جوامع انسانی، سرمایه اقتصادی از نظر درجه اهمیت در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد. به دیگر سخن، بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند [۶]. اما هیچ مجموعه انسانی بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات هدفمند و مفیدی انجام دهد. در سایه آنچه آمد می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از تجمع و تعامل سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و فرهنگی زاده و بارور می‌شود و بستر حرکت جامعه را به سوی آینده می‌سازد و نکته آخر اینکه بی‌سرمایه اجتماعی، به هیچ سرمایه‌ای نخواهیم رسید.

انسان به طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل و نقش آن‌ها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیر ممکن می‌سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، وفاق، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آن‌ها را بسوی دستیابی به هدف ارزشمند هدایت می‌کند. از این رو شناخت عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند جوامع را در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نموده و موجب افزایش عملکرد و توسعه جوامع گردد.

طی جدول شماره ۱-۱-۱ خلاصه‌ای از تعاریف مختلف و سطوح تحلیل آن‌ها در بحث سرمایه اجتماعی ارائه شده است.

جدول شماره ۱-۱-۱- خلاصه‌ای از تعاریف مختلف و سطوح تحلیل آن‌ها در تعریف سرمایه اجتماعی

صاحب‌نظران / محورها	تعریف سرمایه اجتماعی	هدف (رسیدن به..)	سطح تجزیه و تحلیل
پیر بوردیو ^۱	منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند	سرمایه اقتصادی	افراد در حالت رقابت با هم (فرد با فرد)
جیمز کلمن ^۲	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند.	سرمایه انسانی	افراد در گروه‌های فAMILI و اجتماعی (فرد با گروه)
رابرت پوتنام ^۳	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که تسهیل‌کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است.	دموکراسی و توسعه اقتصادی	حکومت‌های سیاسی در سطح ملی (گروه با حکومت ملی)
فرانسیس فوکویاما ^۴	مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی که شامل ارزش‌های مثبت و منفی می‌باشد	-	-

بین اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی توافق ضمنی وجود دارد مبنی بر اینکه دیدگاه‌های فوکویاما، جیمز کلمن و رابرت پوتنام اندیشه‌های کلاسیک این حوزه هستند. ما نیز در اینجا به بیان تعاریف آن‌ها می‌پردازیم:

فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌کند.

از نظر رابرت پوتنام منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگی، کارایی جامعه را بهتر کنند. پوتنام بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود که عبارت است از: سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و سرمایه اجتماعی درون گروهی (یا انحصاری). سرمایه اجتماعی پیوندی که افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد (مانند کاربران اینترنت) و سرمایه اجتماعی درون گروهی که هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود (مانند افراد در باشگاه‌های ورزشی و یا به صورت منفی در باندهای قاچاق مواد مخدر) [۵].

جیمز کلمن از واژگان مختلفی برای سرمایه اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: ۱- همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساختار اجتماعی هستند و ۲- کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند [۱۴].

1. Pierre Bourdieu
2. James Coleman
3. Robert Putnam
4. Francis Fukuyama

شاید بهترین تعریف از سرمایه اجتماعی را بتوان در تک بیت شاعر غزل سرای ایرانی "لسان الغیب، حافظ شیرازی" یافت که می‌گوید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم دربردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود هدایت می‌کند. قابل توجه است که سرمایه اجتماعی برخلاف دیگر سرمایه‌ها (مالی، انسانی و ...) در صورت استفاده افزایش پیدا کرده و کارآتر می‌شود [۲].

۱-۲- شهروندی

همانطور که روشن است شهروندی از مشتقات شهر می‌باشد و آن را قالب پیشرفته شهرنشینی می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به شهروند^۱ ارتقاء یافته‌اند. شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده است، اگرچه امروزه با درک مفهوم دهکده جهانی بسیاری به شهروندی جهانی^۲ نیز می‌اندیشند [۷].

شهروندی از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار بوده و نیز به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه با روابط اجتماعی مناسب در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند لذا شهروندی در ابتدا خودش یک قواست و در ادامه زاینده حقوق متعدد دیگری برای شهروند می‌باشد. از این رو توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند بدین معنا که زندگی آن‌ها از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت و یا صرفاً از روی هویتشان تعیین نمی‌شود.

موقعیت شهروند به حس عضویت داشتن در یک جامعه دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد و به او استقلال می‌دهد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس پیدا می‌کند که هر چند از نظر محتوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند لیکن، همیشه بر پذیرش کارگذاری و فاعلیت دارندگان آن حقوق دخالت دارند.

لیکن، در یک تعریف ساده می‌توان گفت که شهروندی «موقعیتی است که فرد با برخورداری از آن می‌تواند در یک جامعه سیاسی، اخلاقی شده و زندگی خود را بر اساس وابستگی‌های متقابل و بر اساس موازین و تعادل حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی ساماندهی کند» [۱۲].

1. Citizen
2. Global Citizenship

۱-۲-۱- مفاهیم شهروندی

در دسته بندی کلی می توان شهروندی را در مسئولیت های فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین مسئولیت های دولت در قبال شهروندان بررسی کرد. با نگاهی کلی در جوامع مختلف می توان بخشی از این مفاهیم مشترک را عنوان و تکمیل کرد.

۱-۱-۲-۱- مسئولیت های اجتماعی

شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان ها و کمیته های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان های غیردولتی عضویت و فعالیت می کنند. شرکت در نشست ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه های عمومی، هیات منصفه یا هیات های حل اختلاف، مشارکت در پروژه های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه حل آن ها بسیار سودمند خواهد بود صاحب نظران برین عقیده اند که اجتماعات محلی، و نهادهای مردم محور می توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن ها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند.

۱-۲-۱-۲- مسئولیت های فردی

رای دادن: حق رأی در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت های شهروندی محسوب می گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می باشد. کسانی که رأی نمی دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی شود.

خدمت در ارتش: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی و یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می شوند.

احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروندی می بایست از قوانین اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می کند، پیروی کند و به حقوق دیگران احترام بگذارد.

پرداخت مالیات: هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی و سرموقع می باشد.

۱-۲-۱-۳- مسئولیت های دولت

از جمله مسئولیت های دولت، خرج نمودن مالیات و عوارض دریافتی توسط بخش های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است:

- حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان: توسط پلیس، آتش نشانی، امداد در حوادث و بلایای پیش بینی نشده، دادگاه و سامانه قضایی و نیروهای مسلح.
- بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان ها.
- آموزش: مدرسه ها و کتابخانه های عمومی.
- نگهداری، تعمیر و ساخت جاده ها، بزرگراه ها و خیابان ها و راه آهن.
- حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل ها و محیط زیست.
- حفاظت از پس اندازها، با بازرسی از بانک ها و ضمانت حساب های بانکی.
- کمک و جبران خسارات: در موارد پیش بینی نشده مانند سیل، زلزله و خشکسالی [۱۲].

۱-۲-۲- شهروندی در ایران

تا چندی قبل در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی^۱ در سال‌های اخیر در میان حقوق‌دانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامع‌تری یافت. در سال ۱۳۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستور کار واحدها گردید که رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود [۱۲].

۲- طرح مسئله

شهروندی به عنوان متغیر ملاک چگونه بر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر پیش‌بین تأثیر می‌گذارد؟ و چگونه سرمایه اجتماعی در مدیریت بهتر اجتماع‌ها و شهرها مؤثر است؟

۳- پیشینه پژوهشی

تحقیقات انجام گرفته در رابطه با شهروندی در ایران به ترتیب سال انجام به قرار زیر می‌باشد:

آقای احمد آقازاده، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی این دانشگاه در سال ۱۳۸۵ طی مقاله‌ای با عنوان: «اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن» به تحلیل مفهوم شهروندی و ابعاد گوناگون آن از دیدگاه برخی از اندیشمندان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت پرداخته و سپس با دید تطبیقی به چگونگی فرایند تربیت شهروندی و سیر تحولات آن در کشور ژاپن که یکی از ممالک صاحب تجربه در این بحث می‌باشد و بیش از هر کشور دیگر جهان در این خصوص اقدامات اصلاح طلبانه به عمل آورده است می‌پردازد [۱].

نتایج مقاله‌ای دیگر تحت عنوان: «احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران» کاری از علی یوسفی و مژگان عظیمی‌هاشمی در سال ۱۳۸۷، بدین قرار می‌باشد که شهروندی حاصل رابطه دو سویه فرد و دولت است، این رابطه از یک سو متضمن وفاداری فرد به دولت و از سوی دیگر مستلزم حمایت دولت از فرد است. و برای مفهوم شهروندی، سه وجه اساسی منظور شده است: برابری مشارکتی، برابری قانونی و هویت سیاسی. عناصر مهم در بعد برابری مشارکتی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، در بعد برابری قانونی، حقوق توزیعی و فرصتی و در بعد هویت سیاسی، هم ذات‌پنداری با اجتماع ملی (دولت-ملت) و تعهد مدنی است. نتایج تحلیل ثانویه داده‌ها نشان می‌دهد: ۱- چهار بعد تجربی شهروندی از حیث سهمی که در تشکیل این مفهوم دارند به ترتیب عبارت‌اند از: احساس برابری فرصتی، احساس برابری توزیعی، احساس هویت سیاسی و سپس احساس برابری مشارکتی. ۲- شدت احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری مشارکتی، فرصتی و توزیعی در حد متوسط و احساس هویت سیاسی در بین مردم بالاست. ۳- شدت احساسات چهارگانه شهروندی در بین رده‌های مختلف قومی، مذهبی، تحصیلی، شغلی و ... کشور نزدیک به یکدیگر بوده و تأثیر رده‌بندی‌های اجتماعی بر احساسات شهروندی به طور کلی ضعیف است. ضعف احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری فرصتی، توزیعی و مشارکتی و بالا بودن وفاداری سیاسی، از یک سو دلالت بر کسری ذخائر مشروعیت مدنی حکومت دارد و از سوی دیگر نشان از وجود دیگر ذخائر مشروعیت به ویژه ذخائر مشروعیت دینی دارد که علی‌رغم ضعف عملکردی حکومت در

تأمین حقوق شهروندی، وفاداری به حکومت را نزد شهروندان محفوظ نگه می‌دارد. در واقع ذخائر دینی مشروعیت حکومت در ایران، کسری ذخائر مشروعیت مدنی را جبران می‌کند [۱۷].

در همین راستا زیاری و همکاران در سال ۱۳۸۸ و طی مقاله «بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله دار در استان فارس، ورزنه در استان اصفهان و هیدج در استان زنجان)» با توجه به نتایج پرسشنامه، مشخص کردند که در بعد ذهنی، تمایل به مشارکت بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در این شهرها وجود دارد، در بعد عینی مشارکت که از طریق عوامل مشارکت مردم در سازمان‌ها و نهادهای شهری، شرکت در انتخابات اخیر و تعامل با آشنایان سنجیده شده است، مشارکت مردم در سطح ضعیفی قرار دارد. بر اساس نتایجی که از آزمون هم بستگی بین بعد ذهنی مشارکت به عنوان متغیر مستقل و مشارکت مردمی حاصل شد، مشخص شد که ارتباط معناداری از بعد ذهنی مشارکت در این شهرها وجود دارد و بستر مشارکت در شهرهای مورد مطالعه برای مشارکت در مدیریت شهری بسیار بالاست [۸].

خانم‌ها ترکمان و بهمن‌پور نیز در مقاله «نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دوره دبیرستان» در سال ۱۳۸۹ به کمک یافته‌های پژوهش نشان دادند که مفهوم شهروندی در کتاب‌های علوم اجتماعی به ترتیب اولویت زیر است: ۱- شهروندی سیاسی ۲- شهروندی مدنی ۳- شهروندی اجتماعی، ۴- شهروندی فرهنگی ۵- شهروندی مشارکتی. در بررسی نقش شهروندی منفعل و فعال، شهروندی منفعل (حق وجود داشتن) و شهروندی فعال (توانایی تاثیر گذاری بر سیاست‌ها) و اولویت با شهروندی منفعل می‌باشد [۴].

از کارهای انجام گرفته پیرامون سرمایه اجتماعی (در ارتباط با شهروندی) در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آقای علیرضا شیروانی در مقطع دکتری رشته مدیریت دولتی به بررسی تأثیر عملکرد سازمان‌های بخش دولتی بر سرمایه اجتماعی پرداخته است. هدف اساسی این تحقیق، مشخص نمودن عوامل عملکردی مدیران سازمان‌های دولتی می‌باشد که در ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی اثر گذار هستند. یافته‌های این تحقیق بیانگر این مطلب است که از بیست و شش سازمان دولتی مورد مطالعه، ۶۱/۵ درصد آن‌ها در سطح کم، ۲۷ درصد در سطح متوسط، ۱۱/۵ درصد در سطح زیاد، سرمایه اجتماعی ایجاد کرده‌اند. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که مقایسه بین نمرات عوامل عملکردی یازده گانه بیست و شش سازمان مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین نمره آن دسته از سازمان‌های دولتی که سرمایه اجتماعی زیاد ایجاد کرده‌اند؛ بیشتر از سازمان‌هایی بود که به میزان کم یا متوسط موفق به انجام آن شده‌اند.

تحقیق دوم در این زمینه توسط آقای مصطفی آشنا به بررسی سرمایه اجتماعی و کارآفرینی سازمانی در واگن پارس اراک می‌پردازد و به تحلیل رابطه بعد شناختی و ساختاری با کارآفرینی سازمانی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که رابطه مثبتی بین سرمایه اجتماعی (ابعاد شناختی و ساختاری) با کارآفرینی سازمانی وجود دارد و نشان داده است که بعد ساختاری از اهمیت بیشتری نسبت به بعد شناختی برخوردار است.

تحقیق سوم مربوط به رساله دکتری آقای بهروز قلیچلی در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان نقش سرمایه اجتماعی و فکری در مزیت رقابتی دو شرکت خودروسازی ایرانی (ایران خودرو و پارس خودرو) می‌باشد. این تحقیق از نوع توسعه‌ای با روش تحقیق پیمایش تحلیلی بوده است. جامعه آماری این تحقیق نیز مدیران شرکت‌های مورد مطالعه می‌باشد. به طور کلی نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر با افزایش سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری افزایش می‌یابد [۱۳].

تحقیقات انجام گرفته پیرامون سرمایه اجتماعی در سایر نقاط جهان:

همانطور که در مطالب قبل گفته شد؛ بین اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی توافق ضمنی وجود دارد مبنی بر اینکه دیدگاه‌های فوکویاما، پیر بوردیو، جیمز کلنن و رابرت پاتنام اندیشه‌های کلاسیک این حوزه هستند. ما نیز در این مجال برآنیم تا با استفاده از مطالب و دیدگاه‌های صاحب‌نظران سایر نقاط جهان، به کشف نوع رابطه میان این سرمایه و مدیریت اجتماعی نائل شویم.

در علوم سیاسی آمریکا، تحت مبحث جمع‌گرایی، متفکران قبل از قرن نوزدهم در تحلیل رابطه بین زندگی مشارکتی و دموکراسی، مکرراً عبارات مشابهی را جهت تجمیع مفاهیم همبستگی و انسجام اجتماعی استفاده می‌کردند که الهام گرفته از تلاش‌های نویسندگانی همچون جیمز مدیسون^۱ و الکسیس دو تو کویل^۲ بوده است [۶].

در بررسی سرمایه اجتماعی و جهان مدرن و پسامدرن آمده است؛ با توجه به تغییرات تکنولوژیک پرشتاب، جامعه‌ای در هم‌پیچیده و شبکه‌ای به وجود آمده است. در چنین جهانی بسیاری از همکاری‌های اجتماعی در حال تغییر هستند. اما به عقیده جان فیلد^۳ هنوز از اهمیت روابط غیررسمی کاسته نشده است. مارکس و وبر^۴ دیوان سالاری را یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن می‌دانند. مزیت دیوان سالاری آن است که امور را از حالت شخصی خارج می‌کند و امکانات برابری را در مقابل مقررات در اختیار افراد قرار می‌دهد. اما امروزه آنچه برخی آن را سرمایه‌داری بی سازمان می‌خوانند، جانشین سرمایه‌داری دیوان سالارانه شده است [۱۱].

در بررسی دیگری که در زمینه نقش ارتباطات اجتماعی و سرمایه اجتماعی توسط جان فیلد انجام شد، پژوهش درباره شبکه روابط میان کارفرمایان صوت گرفت. در استرالیا وجود شبکه‌های روابط هتل داران موجب شده است که آن‌ها بتوانند کارایی خود را بالا برند اما ادعاهای مربوط به روابط میان سرمایه اجتماعی و توسعه کشورها هنوز تأیید نشده است. یک علت، آن است که شاخص سازی‌های متفاوت، مقایسه میان کشورها را بسیار دشوار می‌کند [۱۱].

ادواردز و فولی^۵ به عنوان ویراستارهای شماره ویژه‌ای از نشریه «رفتار علمی آمریکایی»^۶ در مقاله «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی در عصر حاضر»^۷ دو مطلب کلیدی را مطرح می‌کنند: اول اینکه سرمایه اجتماعی به طور مساوی در اختیار همه نیست، همانطور که سایر انواع سرمایه نیز به طور یکسان در اختیار مردم نیستند. انزوای جغرافیایی و اجتماعی مانع دستیابی به این منبع می‌شوند. دوم اینکه ارزش یک منبع سرمایه اجتماعی به طور قابل توجهی وابسته به موقعیت اجتماعی - اقتصادی منبع نسبت به جامعه است [۶].

رابرت پاتنام با انتشار کتاب برجسته خود «بولینگ تک نفره»^۸ به مشکلی که در ساختار مدنی جامعه آمریکا وجود دارد توجه کرده است. با توجه به مفهومی که پاتنام از سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد: ارتباط میان افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای انتظار عمل متقابل و قابل اعتماد بودن؛ وی بین دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود: سرمایه اجتماعی

1. James Madison
2. Alexis de Tocqueville
3. John field
4. Marks weber
5. Edwards and Foley
6. the American Behavioural Scientist
7. Social Capital, Civil Society and Contemporary Democracy
8. Bowling Alone

پیوند دهنده^۱ که اجزای مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد و سرمایه اجتماعی محدود کننده یا درون گروهی^۲ که تنها اعضاء گروه خاصی را به هم پیوند داده و دیگران را حذف می‌کند [۳].

شاید بتوان گفت مطالعات و بررسی‌های رابرت پاتنام جامعه شناس، بیشترین ارتباط را بین سرمایه اجتماعی و بحث مدیریت اجتماعی به ما نشان می‌دهد. پاتنام در «بولینگ تک نفره» ادعا می‌کند که سرمایه اجتماعی در آمریکا در حال فرسایش است. او نگران است که افراد تمایل ندارند که در لیگهای رسمی بولینگ بازی کنند بلکه ترجیح می‌دهند تنها با آشنایان خود بازی کنند [۱۱]. این مسئله باعث خدشه دار شدن روابط اجتماعی مثبت افراد با یکدیگر و ایجاد اعتماد اجتماعی خواهد شد که در نهایت به مدیریت اجتماعی نیز آسیب می‌رساند.

در مطالعاتی که جان فیلد روی سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی سیاست اجتماعی انجام داده است؛ ادعا می‌کند که سرمایه اجتماعی از ابتدا رابطه نزدیکی با سیاست اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی داشته است. گواه این ادعا توجهی است که سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار مانند بانک جهانی و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه به آن کرده‌اند. همانطور که ذکر آن رفت؛ فولی و ادواردز معتقدند که نظام‌های سیاسی نقشی بسیار تأثیرگذار در شکل‌دهی خصوصیات جامعه مدنی و چگونگی کاربرد سرمایه اجتماعی در هر سطح و میزانی که باشد دارند ولی از دیدگاه برخی مؤلفان نباید دخالتی در ساختن سرمایه اجتماعی از طرف مدیران اجتماعی و دولت‌ها در اجتماعات صورت گیرد [۱۱]. این افراد که از جمله آن‌ها می‌توان نئولیبرالهایی چون فوکویاما را ذکر کرد اعتقاد دارند که سرمایه اجتماعی صرفاً پوششی برای علل مادی نابرابری ساختاری است و به برنامه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در اجتماعات بدبین هستند. اینان چندان روی خوشی به دخالت دولت و مدیران اجرایی و در امور مربوط به مردم ندارند [۱۸].

آ. شپرینگر^۳ ناشر آلمان غربی، یکی از اولین سازندگان سیستم روابط عمومی «رسانه‌های گروهی-انسان» بود که به اداره سلیقه‌ها و علاقمندی‌های مردم پرداخته بود. وی در سال ۱۹۴۶ در آلمان شکست خورده در جنگ جهانی دوم، به انتشار مجله خود درباره برنامه‌های رادیویی پرداخته بود. شپرینگر و اطرافیانش احساسات مردم وقت آلمان را مد نظر داشتند. تورم، بیکاری و نبودن چشم‌انداز، احساس بیچارگی به وجود می‌آوردند. در این شرایط چه چیزی ارزش دائمی دارد؟ شپرینگر جواب داد: «فقط خانواده». وی می‌گفت: «باید اغلب این واژه را تکرار کرد تا خوانندگان ما احساس اعتماد به نفس داشته و با مجله ارتباط برقرار کنند. بنابراین یک، دو سه یا چهار میلیون خواننده مجله وی به یک خانواده تبدیل می‌شوند». راهبرد ناشران مجله، ایجاد مجله خانوادگی بود که به خوانندگان احساس اعتماد به نفس و خوشبینی بدهد. این مجله از همان شماره اول خواننده خود را پیدا کرده بود. این مجله خوانندگان زیادی را به مدار نفوذ خود کشانده و به یک نوع پارلمان رادیویی تبدیل شد. این مجله به نمونه بارز فعالیت روابط عمومی در فرهنگ عمومی و رسانه‌های گروهی (یا همان مدیریت اجتماعی) تبدیل شد [۵].

1. Bridging.
2. Bonding
3. a. shepringer

۴- ارتباط سرمایه اجتماعی و شهروندی: مؤلفه‌های تأثیرگذار

۴-۱- سازمان‌های غیر دولتی (NGO)ها

سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های خصوصی هستند که توسط گروه‌هایی از مردم شکل گرفته و مدیریت می‌شوند به شکل داوطلبانه و بدون سود شخصی عمل کرده و هدفشان خیر رساندن به خودشان یا دیگران است. بر طبق نظر نویسندگان همچون والزر^۱، الساندرینی^۲، نیوتن^۳، استال و راجن^۴، فولی و ادواردز^۵ و والترز^۶، افراد از طریق جامعه مدنی می‌توانند شبکه‌های ارتباطی ایجاد کنند و آن‌ها را پایدار نگهدارند. همچنین، اینگونه انجمن‌های داوطلبانه هستند که با توسل به ساختاری غیررسمی و انعطاف‌پذیر، مردم را به هم ارتباط می‌دهند، اعتماد و عمل متقابل را گسترش می‌دهند و جامعه را با دیگر دوستی بدون اجبار استحکام می‌بخشند. چنین گستره‌ای از فعالیت‌ها، خدمات و انجمن‌های ناشی از جامعه مدنی منابعی از سرمایه اجتماعی هستند که می‌توانند با افزایش حداکثری استفاده از توانایی‌های افراد (حتی در زمان فراغت از کار، اوقاتی که افراد در گروه هستند)، تأثیر مثبت و سازنده‌ای را جهت توسعه، پیشرفت و بالطبع مدیریت اجتماعی مؤثر فراهم آورد [۶].

عضویت در نهادهای مدنی را می‌توان یکی از ابعاد شهروندی پویا دانست که خود از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی نیز هست. نهادهای مدنی نظیر انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای، شوراهای شهری و محلی، کتابخانه‌ها، انجمن‌های علمی و ورزشی، گروه‌های حامی محیط زیست، انجمن‌های تجاری، کشاورزی و موارد مشابه از این دسته هستند. سازماندهی افراد در نهادهای مدنی موجب فرهنگ‌های صنفی و حرفه‌ای خاص در این نهادها شده و ضمن ایجاد سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی، موجب می‌شود که به طور غیرمستقیم، کنترل رفتارها و تعاملات اجتماعی و اقتصادی اعضای این نهادها وابسته به هنجارهای موجود در این نهادها شده و هزینه‌های بسیاری از کنترل‌های رسمی کاهش یابد [۶].

۴-۲- ارتباطات مجازی (اینترنت)

همانند مشاهده اخبار و آگاه شدن از آخرین وقایع، استفاده از اینترنت می‌تواند بر سرمایه اجتماعی اثر مثبت داشته باشد. رشد سریع سایت‌های شبکه‌های اجتماعی همچون فیسبوک^۷ و مای اسپیس^۸ نشان دهنده این است که کاربران در حال ایجاد شبکه‌ای مجازی از هر دو نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی و پیوندی هستند. بر خلاف روابط رو در رو، به کمک اینترنت، افراد می‌توانند به صورت هدفمند با وضع پارامترهایی ویژه به صورت آنی به یکدیگر متصل شوند. این بدین معنی است که افراد به صورت انتخابی بر اساس منافع و پیشینه‌های کاملاً معین می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. امروزه با توجه به بحث دهکده جهانی و مطرح گردیدن مفهوم شهروند جهانی، ارتباطات مجازی بین افراد و گروه‌ها شکل تازه‌ای به روابط اجتماعی در جوامع به خصوص جوامع شهری داده است. از این حیث ارتباطات مجازی از

1. Walzer
2. Alessandrini
3. Newtown
4. Stolle and Rochon
5. Foley and Edwards
6. Walters
7. Facebook
8. MySpace

جمله مؤلفه‌های مهم و مشترک شهروندی و سرمایه اجتماعی است که رشد و توسعه یکی به اثربخشی و کارایی بیشتر دیگری می‌انجامد.

لازم به ذکر است؛ منتقدان اجتماعات مجازی معتقدند اینترنت پیوندهای قوی (بالاخص ارتباطات رودررو و تعاملی) ما را با "پیوندهای ضعیف آنلاین" یا ارتباطات پوشالی با تکنولوژی جایگزین کرده است (از جمله این صاحب‌نظران می‌توان از رابرت پاتنام نام برد [۳]). برخی دیگر از تحقیقات نشان می‌دهد که مروداتی که با کمک تکنولوژی شکل می‌گیرند رابطه منفی با سرمایه اجتماعی دارند زیرا که زمان صرف شده برای روابط اجتماعی فیزیکی و رو در رو را به خود اختصاص می‌دهند. با این وجود، در تحقیقات به عمل آمده توافق بر این است که هرچه مردم بیشتر آنلاین هستند، روابط فردی بیشتری داشته و این نقش مثبتی در تقویت سرمایه اجتماعی دارد [۶].

۴-۳- سلامت افراد

تحقیقات رو به رشد پیرامون سلامتی نشان می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات، حافظ سلامتی افراد است. افرادی که در شبکه‌ها یا اجتماعی غنی از حمایت، اعتماد عمومی، اطلاعات و هنجارها زندگی می‌کنند منابعی در اختیار دارند که بر سلامت آن‌ها اثر مثبت می‌گذارد به طور مثال، یک بیمار سرطانی می‌تواند بدین طریق اطلاعات، پول یا حمایت روانی را که برای درمان و بهبود نیاز دارد بدست آورد. پاتنام نیز ادعا می‌کند که عضو شدن در یک سازمان، احتمال مرگ افراد را در سال بعد کاهش می‌دهد [۶].

در بیان اهمیت ارتباط شهروندی، سرمایه اجتماعی و سلامت افراد می‌توان گفت، عضویت در گروه‌ها (و داشتن هم گروه‌های مناسب) می‌تواند افراد را از رفتارهایی همچون کشیدن سیگار و میگزاساری که برای سلامتی مضر هستند بر حذر دارند ما در جامعه‌ای مملو از انسان‌هایی سالم است که می‌توانیم جهت توسعه هرچه بهتر و بیشتر شهر و اجتماع برنامه‌ریزی و فعالیت می‌کنیم؛ در غیر اینصورت و در جامعه‌ای ناسالم، تصور بروز و ظهور شهروندی به معنای مطلوب از همان ابتدا با مشکل اساسی (شرایط مخاطبان) مواجه خواهد بود.

از طرف دیگر سرمایه اجتماعی می‌تواند مضر سلامتی هم باشد. اگرچه مطالعات معدودی در زمینه‌ی ارزیابی سرمایه اجتماعی در اجتماعات تبهکاران انجام شده است، اما از همین اطلاعات محدود چنین برداشت می‌شود که سرمایه اجتماعی اثر منفی در اجتماعات درهم شکسته دارد. همشین‌های منحرف به کمک تعاریف مطلوبشان و فرصت‌هایی برای یادگیری که هنجارهای شبکه فراهم می‌کنند، مشوق رفتارهای انحرافی هستند. اگرچه در همان اجتماع هم، اصلاح هنجارها (یعنی جایگزینی همشینیان منحرف با نمونه‌های مثبت) می‌تواند مثر ثمر باشد [۶].

۴-۴- آموزش و پرورش

همانطور که در ادبیات تحقیق مطرح گردید؛ کلمن و هافر^۱ اطلاعاتی از ۲۸۰۰۰ دانش آموز دبیرستان دولتی، کاتولیک و خصوصی در آمریکا در طول دوره هفت ساله بین ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷ جمع‌آوری کرده‌اند از این تحقیق طولی چنین نتیجه‌گیری شده است که سرمایه اجتماعی در خانواده دانش آموزان و اجتماعاتشان منجر به کاهش تعداد موارد ترک تحصیل در مدارس کاتولیک نسبت به نرخ بالای آن در مدارس دولتی شده است.

مورگان و سورنسن^۱ مستقیماً از کلمن به علت ارائه نکردن علت دقیق عملکرد بهتر مدارس کاتولیک روی آزمون‌های موفقیت استاندارد انتقاد دارند با توجه به عملکرد دانش آموزان در مدارس کاتولیک به عنوان مدارس هنجارگرا و مدارس دولتی به عنوان مدارس افق گستر، آن‌ها دو مدل برای تحلیل اثر سرمایه اجتماعی در یادگیری ریاضیات پیشنهاد کرده‌اند. آن‌ها مشاهده کرده‌اند که در حالیکه سرمایه اجتماعی می‌تواند با حفظ و پایداری یک اجتماع فراگیر و فعال منجر به آثار مثبت در مدارس هنجارگرا شود، در عین حال می‌تواند عواقب منفی نیز داشته باشد: نظارت بیش از حد، سرکوب خلاقیت و موفقیت‌های استثنایی از جمله این موارد هستند. اما از طرف دیگر، در مدارس افق گستر، محدودیت اجتماعی، عواقب منفی در یادگیری ریاضیات داشته است. این مدارس نوع متفاوتی از سرمایه اجتماعی را در قالب فرصت‌های حاصل از شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی بین والدین و سایر افراد بالغ تجربه می‌کنند. نتیجه این که یادگیری در سطح بهتری نسبت به مدارس کاتولیک هنجارگرا پیاده می‌شود. به طور خلاصه مطالعات مورگان و سورنسن نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی وابسته به محیط است. ممکن است یک نوع از سرمایه اجتماعی در یک محیط خاص نقش مثبت داشته باشد ولی لزوماً در شرایط دیگر موفق نخواهد بود.

همچنین سمپسون و همکاران^۲ در مقاله خود با عنوان «فراتر از سرمایه اجتماعی، دینامیک فضایی بازدهی جمعی برای کودکان^۳» بر ابعاد هنجارگرا یا هدف گرای سرمایه اجتماعی تأکید دارند. آن‌ها مدعی هستند که «منابع و شبکه‌ها (به طور مثال، انجمن‌های داوطلبانه، پیوندهای دوستانه، چگالی سازمانی) به تنهایی خنثی هستند. آن‌ها ممکن است برای کسب اثرات مورد نظر مفید باشند یا نباشند».

مرجورینک و کواک^۴ نیز به کمک سرمایه اجتماعی به عنوان ابزار اصلی تحقیق، مطالعاتی را در مدارس راهنمایی هنگ کنگ روی ۳۸۷ دانش آموز ۱۴ ساله با هدف بررسی اختلاف بین موفقیت تحصیلی دختران و پسران انجام داده‌اند. در این تحقیق اثبات شده است که سرمایه اجتماعی تأثیراتی متفاوت بر دو جنس مختلف دارد. هی هانگ هیس تانگ^۵ در پایان نامه خود با عنوان «دانش آموزان تازه وارد در هنگ کنگ: تطبیق و موفقیت تحصیلی^۶» می‌گوید فرایند تطبیق به معنی فعالسازی و انباشت سرمایه‌های (فرهنگی و اجتماعی) است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که شبکه‌های حمایتی عامل متمایز کننده راه‌های مختلف تطبیق هستند. شبکه‌های حمایتی، به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی، شرط لازم برای فعالسازی سرمایه فرهنگی دانش آموزان تازه وارد هستند. میزان سرمایه انباشته شده نیز بستگی به میزان پیشرفت در فرایند تطبیق دارد. پوتنام در کتاب خود «بولینگ تک نفره» متذکر شده است «رشد کودک به شدت تحت تأثیر سرمایه اجتماعی است» و ادامه می‌دهد «حضور سرمایه اجتماعی با نتایج مثبت متعددی خصوصاً در امر آموزش مرتبط دانسته شده است» بر طبق نظر وی در این کتاب، این نتایج مثبت حاصل سرمایه اجتماعی والدین در اجتماع هستند. در ایالاتی که سطح سرمایه اجتماعی بالاتر است، موفقیت تحصیلی نیز بیشتر است وجه مشترک این ایالات در این است که در آن‌ها والدین مشارکت بیشتری در امر تحصیل فرزندان خود دارند. هر جا که والدین مشارکت بیشتری در فرایند آموزش فرزندان داشته‌اند، معلمان موارد کمتری از بدرفتاری همچون حمل سلاح در مدرسه، درگیری فیزیکی، فرار از مدرسه و به طور کلی بی‌تفاوتی نسبت به

1. Morgan and Sorensen
2. Sampson et al
3. Beyond social capital: Spatial dynamics of collective efficacy for children
4. Marjoribanks and Kwok
5. Hei Hang Hayes Tang
6. "New Arrival Students in Hong Kong: Adaptation and School Performance"

تحصیل گزارش کرده‌اند با استناد به دیدگاه پوتنام و سایر مدارک، برای درک رابطه بین سرمایه اجتماعی و آموزش، باید میزان مشارکت والدین در امور آموزش و مدرسه و میزان سرمایه اجتماعی موجود در یک اجتماع را تعیین کرد. [۶].

از طرف دیگر جهت توسعه و ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌توانیم از اثرات مثبت آموزش شهروندی (برای مثال آموزش مهارت‌های اجتماعی) استفاده کنیم در این باب می‌توان روی آموزش‌های خاص مدارس در قالب محتوای آموزشی رسمی مطلوب سرمایه‌گذاری کرد. آموزش‌هایی مثل چگونگی عضویت در گروه‌های مختلف، مهارت‌های زندگی از جمله مهارت در «نه» گفتن، آموزش همکاری در گروه، اعتماد متقابل و ...

۴-۵- بزهکاری

پرواضح است که در هر اجتماعی عضویت در گروه‌های انحرافی محتمل بوده و نقش فزاینده‌ای در افزایش بزهکاری دارد این موضوع بالاخص با توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی درون گروهی (از نظر پاتنام) قابل تأمل می‌باشد.

در مقابل، عضویت در گروه‌های دوستی مناسب، باشگاه‌های ورزشی، کتابخانه‌ها و ... که از جمله عناصر سرمایه اجتماعی هستند وقوع جرم و جنایت در اجتماع را کاهش می‌دهند؛ در این خصوص نباید از نقش مهارت‌های اجتماعی (دوست‌یابی، توانایی «نه» گفتن و ...) غافل شد این مهم را می‌توان به کمک آموزش و پرورش و ارائه آموزش‌های مناسب تقویت نمود. با تمرکز بر این ایده که سرمایه اجتماعی پایین باعث افزایش بزهکاری و جرم و جنایت می‌شود؛ خواهیم فهمید که مدیریت اجتماعی جوامع نیز با کاهش سرمایه اجتماعی دچار آسیب‌های جدی از منظر افزایش بزهکاری خواهد شد [۶].

۴-۶- مشارکت زنان

زنان روش‌های منحصربفردی برای سازماندهی دارند. این تفاوت‌ها در مقابل مردان، ارتباطات اجتماعی را برای مخاطبان زن تا حد بیشتری جذاب و تأثیرگذار کرده و در نتیجه نقش زنان را در مشارکت‌ها و روابط غیررسمی پررنگ‌تر می‌کند. به عنوان مثال تعدادی از این مشخصه‌ها عبارت‌اند از:

- احتمال اینکه زنان خود را در ساختارهای بدون رده‌بندی سازماندهی کرده و وفاق ایجاد نمایند بیشتر از مردان است.
- طبیعت اغلب غیررسمی سرمایه اجتماعی زنان به آن‌ها اجازه می‌دهد تا بدون تطبیق با استانداردهای مردانه، محیط‌های غیررسمی مشارکتی را جهت برقراری ارتباطات اجتماعی، ایجاد و مدیریت نمایند [۶].

۴-۶-۱- FPI نشانگر مشارکت زنان در توسعه انسانی

نشانگر مشارکت زنان، مرکب از متغیرهایی است که میزان کنترل زنان و مردان را در تعیین سرنوشتشان در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی اندازه می‌گیرد. این متغیرها عبارت‌اند از:

- مشارکت زنان در پست‌های نمایندگی مجلس (مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی)،
- مشارکت زنان در پست‌های مدیریت عالی و فنی (مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی)،
- مشارکت زنان در مشاغل آزاد و مشارکت در درآمد حاصل از اشتغال (مشارکت در منابع اقتصادی).

با توجه به نشانگر مشارکت زنان در کشورمان که رقمی معادل ۰/۲۵۱ را نشان می‌دهد و مقایسه آن با نشانگر کشورهای پیشرفته صنعتی (۰/۵۴۹)، در حال توسعه (۴۳۶) و ضعیف (۰/۲۳۳)، درمی‌یابیم که متأسفانه این میزان، نزدیک به نشانگر کشورهای ضعیف می‌باشد. این موضوع لزوم توجه بیشتر به مشارکت زنان در توسعه کشورمان، با توجه به اینکه نیمی از

جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند و سرمایه‌گذاری جهت رشد و اعتلای این نشانگر در کشورمان را گوشزد می‌نماید [۱۵].^۱

۴-۷- مهاجرت

اگر در شهرها شاهد رابطه‌های محدود و گذرا حتی در سطوح کوچکی چون محلات و در بین همسایگان هستیم به دلیل مهاجرت‌های بی‌رویه به خصوص مهاجرت از روستا به شهر جهت به دست آوردن امکانات بیشتر و بهتر در شهر، تحصیلات، پیدا کردن کار و ... می‌باشد. مطالعات پوتنام نشان داد که مهاجرت و تنوع نژادی مانع رشد سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی مرتبط با آن می‌شود در این مطالعات گفته شد که در مناطق ناهمگون آمریکا، پاره‌ای از افراد سهمی در هیچ یک از انواع سرمایه اجتماعی درون گروهی و پیوندی ندارند. در جوامعی که مهاجرت به آن‌ها زیاد است (همچون ایالات متحده و کلان شهرهایی چون تهران) یا ناهمگونی قومی بالاست (همچون اروپای شرقی) شهروندان در هر دو نوع سرمایه اجتماعی کمبود دارند و در کل سطح اعتماد در خارج از اجتماعات همگون بسیار پایین است. عدم تجانس باعث شده است که مردم حتی از نزدیک‌ترین گروه‌ها و روابطشان دوری کنند و به جمعی از افراد شدیداً منفرد تبدیل شوند، نقطه مقابل اجتماع همبسته‌ای که قبلاً در آن بودند. این نتایج بر خلاف باورهای قبلی هستند که می‌گفتند تماس با تنوع اجتماعی، سرمایه اجتماعی را چه از طریق پیوند زدن شکافهای اجتماعی مابین اقوام و چه از طریق تحکیم پیوندهای درون گروهی تقویت می‌کند [۱۹].

مین ژو^۲ و کارل آل بنکستون^۳ نیز در بررسی جمع ویتنامی‌های مقیم نیواورلئان دریافتند که حفظ ارزش‌های سنتی، مهاجران را در برقراری پیوند و حفظ اتحاد در اجتماع قومی یاری می‌رساند. اتحاد قومی به خصوص زمانی مهم است که مهاجران به تازگی به جامعه میزبان وارد شده‌اند. ژو در مقاله خود "سرمایه اجتماعی در محله چینی‌ها"^۴ آثار روابط محسوس اجتماعی را بر فرایند تطبیق چینی-آمریکایی‌های جوان در اجتماع، در خانواده مهاجران و ما بین نسل جوان مورد بررسی قرار داده است محله چینی‌ها به عنوان مبنای سرمایه اجتماعی، اسکان کودکان مهاجر را در جهات مطلوب تسهیل می‌کند. حمایت قومی محرک موفقیت تحصیلی است. علاوه بر این، حفظ زبان مادری نیز نوعی سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند که نقش مثبتی در موفقیت تحصیلی دارد. استانتون-سالازار^۵ و دورن بوش^۶ دریافته‌اند که دانش آموزان دو زبانه شانس بیشتری برای کسب حمایت‌های نهادی مورد نیاز برای بهبود وضعیت تحصیل و زندگی دارند [۶].

در صورتی که بتوان به کمک مدیریتی کامل و جامع از تمامی پتانسیل مثبت موجود در نیروهای وارد شده و مهاجر به شهرها جهت افزایش بهره‌وری سرمایه اجتماعی استفاده کرد؛ در واقع می‌توان به کمک یک جریان دوطرفه و تعاملی در توسعه شهروندی و شهرنشینی نیز از آن بهره جست.

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت دفتر توسعه سازمان ملل (UNDP) به آدرس http://hdr.undp.org/en/media/HDR_2010_EN_Complete.pdf مراجعه نمایید.

2. Min Zhou

3. Carl L. Bankston

4. "Social Capital in Chinatown"

5. Stanton-Salazar

6. Dornbusch

۵- اثرات منفی و محدودیت‌های احتمالی سرمایه اجتماعی بر شهروندی

علاوه بر ذکر تمامی موارد فوق که نشانگر بعد مثبت سرمایه اجتماعی در ارتباط با شهروندی می‌باشد؛ نباید نسبت به پاشنه آشیل سرمایه اجتماعی که منجر به ضعف شهروندی نیز می‌گردد بی توجه بود. بارزترین مثال از سوی تاریک سرمایه اجتماعی، شبکه روابط قوی و افراطی درون گروهی است (به خصوص در میان گروه‌های مجرم و بزهکار) [۱۱]. سرمایه اجتماعی درون گروهی می‌تواند از عقاید یک گروه در گذر زمان محافظت کند و در نهایت باعث جذب افراد حول یک آرمان افراطی شود [۶]. برای مثال آ. شیرینگر آلمانی و طرفداران سرسخت و معتقد به برنامه رادیویی وی (تحت قالب خانواده) حتی دستوراتی را جهت انجام فعالیت‌های مورد نظرشان به دولت دیکته می‌کردند که این می‌تواند از جمله اثرات منفی سرمایه اجتماعی در مدیریت اجتماعی به شمار رود.

از طرف دیگر هرگونه همکاری صمیمانه میان افراد عضو یک شبکه می‌تواند برای کسانی که از عضویت در آن شبکه محروم هستند؛ زیان‌بار باشد به بیان دیگر هر شبکه روابط اجتماعی اگر بسیار بسته باشد می‌تواند برای دیگر اعضای جامعه بزرگ‌تر آسیب‌زا باشد [۱۱]؛ آسیب به هر نوع شبکه اجتماعی در نهایت باعث اختلال در شبکه اجتماعی بزرگ‌تر خواهد شد و در نهایت شهروندی را تهدید و تضعیف می‌سازد.

۹- بررسی نیاز سرمایه اجتماعی به شهروندی (تحلیل طرح مسئله)

در سطح ملی، با توجه به سیستم روابط عمومی - تبلیغات امروزه اجتماعات و جوامع سعی می‌کنند شمار اعضاء و متفقین خود را بیشتر نمایند؛ این امر بالاخص با توجه به اهمیت شرکت داوطلبانه مردم در کلیه امور (سیاسی، اقتصادی و ...) دولت‌ها من جمله انتخابات، ضرورت دارد.

با وجود سیستم سیاسی قوی در جامعه که در نتیجه روابط اجتماعی بالای آحاد مردم به پشتوانه دولت ایجاد می‌شود؛ مردم دیگر نیازی نخواهند دید که خود را درگیر فرقه‌ها و مجامع درون گروهی دیگر کنند. بنابه گفته پوتنام، سرمایه اجتماعی از دیدگاه سازمانی ممکن است عواقب منفی داشته باشد؛ اگر نهادهای سیاسی و دموکراسی در کشور به میزان کافی استحکام نداشته و بنابراین گروه‌های صاحب سرمایه اجتماعی بر آن‌ها غلبه کنند. (مثال روشن در این مورد، اتفاقی بود که زمان به قدرت رسیدن هیتلر برای آلمان بوقوع پیوست. در واقع آلمان‌ها خود را به کلوپ‌ها، انجمن‌های داوطلبانه، و سازمان‌های حرفه‌ای مشغول کردند تا از سرخوردگی ناشی از شکست‌های دولت مرکزی و احزاب سیاسی خلاص شوند. در نتیجه ستون‌های جمهوری وایمار^۱ را سست کرده و راه رسیدن هیتلر به قدرت را هموار کردند. هیتلر از آن جهت به سرعت به قدرت رسید که توانست گروه‌های جامعه را برای رسیدن به یک هدف مشترک به حرکت در آورد. اگرچه در آن زمان جامعه آلمان یک جامعه «متحد» به حساب می‌آمد، گروه‌های مردم متفرق بوده و اعضاء آن‌ها از مهارت‌هایی که در گروه کسب کرده بودند، برای پیشبرد جامعه استفاده نمی‌کردند. مردم در جمهوری وایمر به شدت درون‌گرا شده بودند. هیتلر توانست با توسل به هدف اعتلای آلمان به صدر قدرت‌های سیاسی جهان، بر این خصوصیت مردم سرمایه‌گذاری کرده و گروه‌های منفصل را با هم متحد کند [۶].

در نهایت «پیش‌گیری بهتر از درمان است». اگر شهرها در برخورد با مسائل اجتماعی تعلل کنند، زمانی فرا می‌رسد که خود را در حلقه آتش جامعه می‌بینند و در این صورت دیگر فرصتی برای انجام فعالیت‌ها و نائل شدن به اهدافشان نخواهند داشت.

در سطح سازمانی باید گفت، کسانی که امروزه با محیط‌های کار سازمانی آشنایی دارند؛ آر اهمیت مسائل سازمانی نظیر ساختار، طرح شغل و انگیزش به خوبی خبردارند؛ ولی در عین حال، می‌دانند که با توجه به ماهیت برخورد با نیروی انسانی، کار و عملکرد افراد تحت تأثیر عوامل دیگری از قبیل ماهیت روابط اجتماعی میان کارکنان و نگرش آنان نسبت به کار قرار می‌گیرد. در واقع محیط‌های کاری، زمینه‌های اجتماعی پیچیده‌ای هستند که درک و فهم رفتار در آن‌ها از طریق توجه به گرایش‌ها و نگرش‌های کارکنان، روابط اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی رسمی و سایر متغیرهای مربوط میسر است [۱۰].

کلیه فراگردهای مدیریتی از نظر هنری فایول^۱ (برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، کنترل و فرماندهی) بدون برقراری ارتباط مناسب و مؤثر (روابط اجتماعی) امکان‌پذیر نخواهد بود حال این نوع مدیریت، مدیریت در سطح سازمانی کوچک یا شهر و یا در سطح ملی باشد. همین یک جمله لزوم توجه به روابط اجتماعی در شهرها (روابط متقابل، همکاری‌ها، اعتماد بین اعضاء و گروه‌ها و ...) جهت مدیریت شهری و شهروندی مطلوب را مشخص می‌سازد. به عبارت دیگر رهبر ایده‌آل آشنا به سرمایه اجتماعی می‌کوشد تا با برقراری روابط پایدار و مؤثر (بین خود و اعضاء و اعضاء با هم) و افزایش اثربخشی شهروندان باعث توسعه و پیشرفت شده؛ کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه را نیز بالا ببرد [۱۶]. از طرف دیگر می‌دانیم که به منظور انجام اهداف سازمانی، بایستی مدیران به دفعات، برای انتقال اطلاعات ضروری، تصمیمات، ایده‌ها، پیشنهادات و ... با کارکنان ارتباط برقرار نماید. مطالعات نشان می‌دهند که بیشتر از ۷۵٪ وقت مدیران صرف ارتباط با دیگران می‌شود. این امر نشانگر اهمیت ارتباط در سازمان است. موفقیت یک سازمان تا حد زیادی به وجود ارتباطی اثربخش بستگی دارد [۹]. همچون سازمان‌ها و در سطحی وسیع‌تر، وجود این نوع ارتباط در شهرها باعث توسعه یافتگی فرهنگی و رشد و اعتلای سرمایه اجتماعی شهروندان می‌گردد.

با تکیه بر نقش دولت در جامعه با استفاده از نظریات صاحب‌نظرانی چون پوتنام، با این نگرش که معتقد باشیم، ارتباط بین روند افزایشی سرمایه اجتماعی و بهبود عملکرد در همه ابعاد، یک ارتباط مثبت است. بطور قطع شناسایی عوامل مؤثر در آموزش شهروندی به جهت گسترش سرمایه اجتماعی یکی از موارد ضروری در هر جامعه و شهر بشمار می‌رود. در پایان بدون کم انگاشتن برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و نیز همکاری سازمان‌ها با محافل اجتماعی که از جمله وظایف مهم مدیریت شهری هستند؛ بر اهمیت ویژه ایجاد انگیزه جهت انجام این فعالیت‌ها (عضو شدن در سازمان‌ها به خصوص در مورد افراد سالخورده و ...) در راستای رسیدن به اهداف و توسعه و پیشرفت تأکید می‌کنیم. به کارگیری افراد بازنشسته اجتماع در گروه‌های غیر رسمی جهت استفاده از توان و تجربه ارزشمند این افراد و نیز جلوگیری از تنهایی و دل‌مردگی ایشان به سبب عدم ارتباطات مؤثر به مدیران شهری کمک می‌کند که از حداکثر توان شهروندان استفاده کرده و راه را جهت توسعه و پیشرفت هموارتر سازند.

۱۰- پیشنهادات

با توجه به مباحث مطرح شده و بیان نقش و تأثیر متقابل شهروندی و سرمایه اجتماعی در کمک به بهبود عملکرد سازمان‌ها و مؤسسات و نیز توسعه و پیشرفت شهرها، در ذیل به ارائه پیشنهاداتی در حوزه بحث پیش‌رو می‌پردازیم:

۱. اشاعه فرهنگ عضویت در گروه‌ها و مجامع دولتی و غیردولتی (از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) و ایجاد انگیزه در افراد جهت عضویت و برقراری ارتباط مناسب و مؤثر، تا در پناه وضعیت مناسب

1. Henri Fayol

- فعلی به سوی افزایش سرمایه اجتماعی و بالطبع بهبود و پیشرفت شهرها و در سطحی ایده آل جهت توسعه یافتگی کشورمان گام برداریم.
۲. توجه بیشتر به نقش نیروی انسانی در سطوح ملی و سازمانی توسط مدیران و سرپرستان اجتماعی.
 ۳. آموزش شهروندی و مهارت‌های اجتماعی به عنوان بعد مهمی از برنامه درسی رسمی مدارس به خصوص در مقطع ابتدایی.
 ۴. جلوگیری از "فرار مغزها" و خروج دائم انسان‌های شایسته و فرهیخته از کشور به کمک سرمایه اجتماعی غنی و ارتباطات محکم و اصولی و نیز در نظر گرفتن راه کارهای خاص در این زمینه.
 ۵. عدم کنار گذاشتن افراد بازنشسته و سالخورده اجتماع و استفاده از همکاری و تجارب ارزنده این افراد از طریق حضور فعال ایشان در گروه‌ها و محافل اجتماعی.
 ۶. احترام و حفظ شأن منابع و نیروهای انسانی با پذیرش تکثرگرایی و بومی‌سازی در کشور.

۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

برطبق تعاریف و مفاهیم بیان شده در مقاله پیش‌رو، سرمایه اجتماعی دارای مفهومی بسیار گسترده می‌باشد (از بحث روابط متقابل اعضاء و افراد جامعه تا همکاری، صداقت، اعتماد و ...) به صورتی که کلیه هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه می‌تواند معیاری جهت بررسی آن باشد.

موارد مورد اشاره در بحث مؤلفه‌های تأثیرگذار شهروندی و سرمایه اجتماعی نیز بیانگر پتانسیل بسیار خوب نقش شهروندی است که می‌توان با استفاده بهینه از آن، مشارکت لازم را جهت سرمایه اجتماعی مطلوب در جوامع بروز داده و همچنین می‌تواند به عنوان یک اصل محوری توسعه قلمداد گردد.

با عنایت به اصل توجه به نیروی انسانی (به عنوان درونداد در هر نوع رابطه اجتماعی)، مشخص می‌شود که مقوله ارتباطات و حتی تبلیغات، جهت ایجاد انگیزه و فرهنگ اجتماعی شدن افراد (از منظر تمایل به عضویت و مشارکت در گروه‌ها) در جوامع، بسیار مهم و حیاتی است. این همان نقطه عطفی است که شهروندی را با سرمایه اجتماعی غنی پیوند داده و جامعه را در جهت رشد و کمال و توسعه پیش خواهد برد.

منابع

- [۱] آقازاده. احمد (۱۳۸۵)، اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، مجله نوآوری‌های آموزشی، قابل دسترسی در www.sid.ir
- [۲] الوانی، مهدی (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه میریت، شماره‌های ۳۳ و ۳۴.
- [۳] پوتنام، رابرت (۱۳۷۷)، دموکراسی و سنت‌های مدرن، ترجمه محمد دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- [۴] ترکمان. فرح، بهمن پور. سکینه (۱۳۸۹)، نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دوره دبیرستان، قابل دسترسی در www.sid.ir
- [۵] تحقیقی، امیرحسین (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی دولت و نهادها در ایران، نشریه اندیشه صادق، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
- [۶] دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (۱۳۹۰)، به آدرس: www.fa.wikipedia.org، سرمایه اجتماعی، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۰/۳/۱۸.
- [۷] دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (۱۳۹۰)، به آدرس: www.fa.wikipedia.org، شهروندی، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۰/۸/۸.
- [۸] زیاری کرامت اله، *زندوی سیدمجدالدین، آقاجانی محمد، مقدم محمد (۱۳۸۸)، بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله دار، ورزنه و هیدج)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، قابل دسترسی در www.sid.ir
- [۹] شمس مورکانی؛ غلامرضا (۱۳۸۹)، مدیریت آموزشی، تهران، نشر آذر.
- [۱۰] علاقه‌بند، علی (۱۳۸۵)، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران، نشر روان.
- [۱۱] فیلد، جان (۲۰۰۳)، سرمایه اجتماعی، ترجمه احمدرضا اصغرپور ماسوله، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- [۱۲] سایت شهرداری تهران، به آدرس www.tehran.ir بازیابی شده به تاریخ ۱۳۹۰/۸/۸.
- [۱۳] کاظمی، علی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان مؤلفه‌های نظریه سیستم اجتماعی با مرتبه سرمایه اجتماعی دبیران دوره متوسطه شهرستان شهرکرد، پایان نامه چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
- [۱۴] مبشری، محمد (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی چیست؟، روزنامه همشهری، سال شانزدهم، شماره ۴۶۷۹.
- [۱۵] مشایخ، فریده (۱۳۸۷)، دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، سمت.
- [۱۶] وین ک. هوی، سیسیل ج. میسکل (۱۳۸۷)، مدیریت آموزشی تئوری، تحقیق و عمل، ترجمه میرمحمدسیدعباس زاده، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- [۱۷] یوسفی. علی، عظیمی‌هاشمی. مژگان (۱۳۸۷)، احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، قابل دسترسی در www.sid.ir

[۱۸] Fukuyama. F (1999). F. Social capital & cici society. Conference on second generation reform.

[۱۹] Putnam. R (2001). Social capital measurment & consequences. ISUMA. Volume 2. No 1. spring printemps.. ISSN. 1492.611

شناخت و معرفی امام، مهم‌ترین معروف

مجتبی جعفری^۱

همانگونه که در همه امور، اهم و مهم وجود دارد در معروف و منکر نیز اهم و مهم وجود دارد. یافتن مهم‌ترین معروف و تلاش برای تحقق آن و نیز یافتن مهم‌ترین منکر و تلاش برای محو آن در تحقق معروف‌های دیگر و محو سایر منکرات نقش اساسی دارد. ما براساس منابع دینی، به این نتیجه رسیده‌ایم که مهم‌ترین معروف شناخت و معرفی امام زمان (عج) و مهم‌ترین منکر روی گرداندن از امام معصوم (ع) و از دست دادن این نعمت بزرگ الهی است.

روایات متعددی که از ائمه در اهمیت امامت نقل شده است مهم‌ترین دلیل ما بر این مطلب است که معرفی امام مهم‌ترین مصداق معروف می‌باشد

تحولاتی که امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور ایجاد می‌کند نیز یکی دیگر از ادله‌ای است که دلالت می‌کند که شناخت و معرفی امام زمان (عج) مهم‌ترین معروف می‌باشد. مگر نه این است که تحقق کامل عدالت مطلوب محوری ادیان و ارمان پیامبران است و مگر نه این است که تحقق این امر بر اساس قرآن و روایات در زمان امام زمان (عج) حاصل می‌شود؟ اگر چنین است بنا بر این باید گفت شناختن و شناساندن امام زمان و زمینه سازی برای ظهوران حضرت مهم‌ترین معروف و مهم‌ترین تکلیف ما می‌باشد. بالاخره حرکت امام خمینی (ره) و تأسیس جمهوری اسلامی ادامه راه انبیاء و در مسیر تحقق دولت مهدوی و امامت الهی بود لذا معرفی این انقلاب در این همایش بین‌المللی از مصادیق مهم‌ترین معروف می‌باشد.

واژگان کلیدی: معروف، منکر، امامت، هدف انبیاء

مقدمه

در هر کار و فعالیتی ملاحظه تقدم و تأخر مطالب و اولویت بندی مسائل موجب می‌شود از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و دور شدن از متن و اصل مساله محفوظ بمانیم. از همین رو در مساله بسیار مهم و حیاتی امر به معروف و نهی از منکر نیز به نظر می‌رسد اگر بنیادی‌ترین مساله شناسائی شود و جایگاه واقعی مشخص گردد و حق مطلب ادا شود خیلی زود مسائل دیگر نیز در ذیلان مساله اصلی، حل و فصل خواهد شد.

موضوعات مختلفی ممکن است به عنوان مهم‌ترین معروف به ذهن برسد. به عنوان مثال شاید کسی تصور کند نماز مهم‌ترین معروف است چرا که در روایت است که اگر نماز قبول شود بقیه اعمال نیز قبول می‌شود.^۲ طبق این روایت نماز شرط پذیرش بقیه اعمال دینی تلقی شده است. اما نباید فراموش کنیم که از امام صادق علیه السلام (ع) مروی است که: بعد از معرفت نماز برترین کار است.^۳ همچنین ممکن است هر یک از مسائل اعتقادی، اخلاقی یا هر یک از فروع دین به عنوان مهم‌ترین معروف تصور شود اما در این مقاله قصد آن داریم که مهم‌ترین معروف را از خلال روایات و آیات قرآنی استخراج کنیم. از مطالعه منابع فوق می‌توان به این نکته پی برد که مهم‌ترین معروف امامت و ولایت خاندان پیامبر و تلاش برای شناختن و شناساندن این خاندان با برکت است. آنچه در ذیل مطالعه می‌کنید ادله اینجانب در دفاع از این مدعا است.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی خمینی شهر mojtaba_jafarie@yahoo.com jafari@iaukhsh.ac.ir

۲. اَبی بَصِیْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع: أَوَّلُ مَا يَخَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا (بحار ج ۷ ص ۲۶۷)

۳. «ما أعلم شيئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة، إلا ترى إلى العبد الصالح عيسى بن مريم عليه السلام قال: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزُّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا».

(اسرار الحكم ص ۵۸۵)

ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اسلام، مهم ترین معروف

ما به چند دلیل معتقدیم ولایت اهل بیت مهم ترین معروف است. ابتدا باید به این نکته توجه کرد که راز اهمیت یافتن امر به معروف و نهی از منکر در روایات و منابع اسلامی نقش و تاثیری است که این مساله در تحقق بقیه اعمال و فرائض دارد. اگر در روایات آمده است که: همه اعمال خوب به علاوه جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همچون نمی، در برابر دریای عمیق است^۱ به خاطر همین نقش ممتاز امر به معروف و نهی از منکر در بقیه اعمال است. به این حدیث امام باقر توجه کنید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَمِنْهَا جِ الصَّلَاحُ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ، بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ، وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَتَحَلَّ الْمَكَاسِبُ، وَتَرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَتَعْمَرُ الْأَرْضُ، وَيَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (الاهلیات ج ۳ ص ۵۰۷)

در این حدیث تأکید شده است که به واسطه امر به معروف و نهی از منکر فرائض الهی اقامه می گردد و امنیت حاصل می شود و مکاسب حلال می شود و ظلم ها دفع می شود و زمین آباد می شود و حال دقت در آثار و کتب مشخص می سازد که باور به ولایت اهل بیت دقیقاً همین نقش را در تحقق همه ابعاد دین اسلام حتی خود امر به معروف و نهی از منکر دارد. امام صادق (ع) در روایتی فرمود تشویق به ولایت خیر العمل است چرا که همه اعمال به واسطه ولایت پذیرفته می شود^۲. موارد ذیل نیز تایید کننده مطلب فوق است:

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود آیا شما را خیر ندهم از عملی که خداوند هیچ عملی را از بندگان قبول نمی کند جز به واسطه آن؟ گفتم چرا. فرمود ان کار پس از شهادت بر توحید و رسالت عبارت است از اقرار به ولایت ما و برائت از دشمنان ما ...^۳

بدیهی است کاری که قبول بقیه اعمال انسان ها مشروط به آن است باید مساله ای اساسی و حتی مقدم بر بقیه آنها باشد. در روایتی دیگر: محمد ابن مسلم از امام باقر (ع) نقل کرده می گوید هر کس به واسطه عبادت برای تقرب به خدا خود را به زحمت بیندازد ولی امامی نداشته باشد زحمت او قبول نیست و او از زمره گمراهان است ...^۴

در برخی از روایات نیز شناخت امام را مساوی با ایمان و انکار امام را مساوی کفر قرار داده اند. این نکته اهمیت مساله امامت و لزوم شناخت و معرفی امام را گوشزد می کند. از جمله این روایات حدیثی است که ابوسلمه از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: ما همان کسانی هستیم که خدا اطاعت ما را واجب کرد... هر کس ما را شناخت مؤمن، و هر کسی ما را

۱. ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفه فی بحر لخی (توضیح المراد ص ۸۷۷)

۲. و قوله «حی علی خیر العمل» ای حث علی الولاية، و علة أنها خیر العمل أن الأعمال کلها بها تقبل. شاید از اینجا بتوان به یکی از اسرار ناگفته حذف حی علی خیر العمل از اذان پی برد چنانکه امام کاظم به این نکته اشاره کرده اند. (ابهی المراد ج ۲ ص ۹-۶۹۸)

۳. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْتُلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِه فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ السَّرَاةُ مِنْ أَعْدَاتِنَا بِعِنَى أُنْمَةٍ [الْأُنْمَةُ خَاصَّةٌ وَ التَّسْلِيمُ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الْاجْتِهَادُ وَ الطَّمَأِينَةُ وَ الْإِنْبِطَارُ لِلْقَائِمِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدُّوا وَ انْتَظَرُوا هَبِيئاً لَكُمْ أَيْنَهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْخُومَةُ (بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴۰)

۴. عن محمد بن مسلم: قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: كل من دان الله بعبادة يجهد فيها نفسه و لا امام له من الله، فسعيه غير مقبول و هو ضال متحير و الله شانيء لاعماله، و مثله كمثل شاة ضلت عن راعيها و قطعها، فهجمت، ذاهبة و جائية يومها، فلما جنها الليل بصرت بقطيع من غير راعيها فحننت إليها و اغترت بها، فباتت معها في ربضتها. فلما أن ساق الراعي قطعها أنكرت راعيها و قطعها، فهجمت متحيرة تطلب راعيها و قطعها، فبصرت بغنم مع راعيها فحننت إليها و اغترت بها، فصاح بها الراعي الحقى براعيك و قطعك (كافي ج ۱ ص ۱۸۳)

انکار کرد کافر است و هر کس نه ما را شناخت و نه انکار کرد گمراه است تا اینکه به هدایتی که خدا بر او واجب کرده است یعنی اطاعت از ما برگردد^۱.....

عالی ترین و کامل ترین کلام در این موضوع را امام رضا فرمود انجا که در باره امامت اینچنین ایراد سخن کرد که: کجا این جهال می توانند امام را برگزینند؟ امامت منزلت انبیاء و خلافت خدا و خلافت رسول خدا و مقام حضرت علی و امام حسن و امام حسین است. امامت زمامداری دین خدا و نظام بخشیدن به امور مسلمانان و حفظ مصلحت دین و عزت مسلمین است. امامت اصل اسلام بالنده و فرع بلند مرتبه ان است. به واسطه امام، نماز و روزه و حج و جهاد و..... تمامیت می یابد. حلال و حرام الهی به اذن امام بستگی دارد. اقامه حدود الهی و دفاع از دین خدا و فراخواندن مردم به دین خدا از طریق حکمت و موعظه حسنه توسط امام محقق می گردد^۲.....

در بسیاری از روایات اسلامی امام به عنوان مصداق عدل، قسط، احسان، میزان و.... معرفی شده است. روایات در تأویل آیات عدل و معروف و احسان و قسط و میزان به ولایت ائمه علیهم السلام، و تأویل کفر و فسوق و عصیان و فحشاء و منکر و بغي به عداوت و ترک ولایت ایشان بسیار است که به برخی اشاره می شود:

خداوند می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ**^۳

یعنی: «بدرستی که خدا امر می کند به عدالت و نیکوکاری و عطا کردن به خویشان و نهی می کند از کار زشت و ناپسندیده و ظلم، و پند می دهد خدا شما را، شاید که پند گیرید».

امام باقر(ع) فرموده است که: عدل، گواهی لا اله الا الله و محمد رسول الله است؛ و احسان، امیر المؤمنین علیه السلام... (امام شناسی ص ۴۹۰-۴۸۸)

از این دست روایات در منبع فوق متعدد ذکر شده است.

از موارد دیگر آیه ذیل است: **وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا. وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقَيْسِطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا**^۴ یعنی: «وفا کنید به عهد و پیمان، بدرستی که از عهد سؤال خواهند کرد در قیامت، و پر کنید پیمان را

۱- ابی سلمة عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سمعته يقول: نحن الذين فرض الله عز وجل طاعتنا، لا يسع الناس الا معرفتنا ولا يعذر الناس بجهالتنا، من عرفنا كان مؤمنا، و من انكرنا كان كافرا، و من لم يعرفنا و لم ينكرنا كان ضالا، حتى يرجع الى الهدى الذي افترض الله عليه من طاعتنا الواجبة، فان يمت على ضلالته يفعل الله به ما يشاء (كافي ج ۱ ص ۱۸۷)

۲- **أَيْنَ يَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجُهَالُ إِنَّ الْإِمَامَةَ مَثْرَلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِثْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ ص وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ رَأْسُ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الرِّكَاعَةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرِ الْفَقِيهِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمضَاءِ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنعِ الثُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يَجْلُ خَلَالَ اللَّهِ وَ يَحْرَمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَدْبُ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهُ الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارُ الْإِمَامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاحُ الرَّاهِرُ وَ الثُّورُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدَّجَى وَ النَّبِيَاءِ الْقَمَارِ وَ لُجَجِ الْبِحَارِ الْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمَاءِ وَ الدَّلَالُ عَلَى الْهَدَى وَ الْمُنْجَى مِنَ الرَّذَى الْإِمَامُ النَّارُ عَلَى الْبِقَاعِ الْحَارَةِ لَمَنْ اضْطَلَّى وَ الدَّلِيلُ عَلَى الْمَسَالِكِ مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكِ الْإِمَامُ السَّحَابُ الْمَطِيرُ وَ الْعَيْثُ الْهَاطِلُ وَ الشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَ الْأَرْضُ الْمُسَيِّطَةُ وَ الْعَيْنُ الْغَرِيْبَةُ وَ الْعُدَيْرُ وَ الرَّوْضَةُ الْإِمَامُ الْأَمِينُ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ مَفْرَغُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الدَّابُّ عَنِ حَرِيمِ اللَّهِ (احتجاج ج ۲ ص ۴۳۴)**

۳- نحل ۹۰

۴ اسراء ۳۵-۳۴

هنگامی که از پیمانۀ برای سنجش استفاده می‌کنید. و بسنجید با ترازوی سالم و بی‌عیب، آن بهتر و نیکوتر است از جهت تأویل و عاقبت».

حضرت کاظم(ع) از پدرش علیهما السلام نقل فرمود که: مراد به عهد، آن عهدی است که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم بر مردم گرفت در مودت ما اهل بیت و اطاعت جناب امیر علیه السلام و نیز آنکه مخالفت او نکنند و بر او پیشی نگیرند در خلافت و قطع رحم او نکنند، و خیر داد ایشان را که در قیامت سؤال خواهد کرد خدا از ایشان که با اهل بیت پیغمبر علیهم السلام و با کتاب خدا چه کردند؛ و مراد از قسطاس، امام است که به عدالت در میان مردم سلوک می‌کند، و حکم ائمه علیهم السلام میزان عدل است لهذا فرمود که «او بهتر است و تأویلش نیکوتر» یعنی او بهتر می‌داند تأویل قرآن را و او می‌داند که چگونه حکم کند در میان مردم. و مؤید این است آنچه کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است در تأویل آیه وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ یعنی: «خواهیم گذاشت ترازوهای عدالت را از برای روز قیامت» حضرت فرمود که: آن ترازوها، پیغمبران و اوصیای ایشان هستند. (امام شناسی ص ۴۹۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: ما پیشوای مسلمانانیم و حجت خدا بر جهانیان و سرور مؤمنین و رهبر سفید چهرگان و مولای مؤمنین. ما موجب امان و آسایش مردم هستیم در روی زمین همان طور که ستارگان موجب امان اهل آسمان‌اند. خداوند به واسطه ما آسمان را نگهداشته که بر زمین فرو نریزد مگر باذن و اجازه او و بوسیله ما زمین را نگهداشته که اهلش را تکان ندهد. باران بواسطه ما می‌بارد و رحمت به واسطه ما گسترش می‌یابد و زمین به واسطه ما نعمت‌های خود را خارج می‌کند. اگر نباشد راهنمایی از ما خانواده، زمین اهلش را فرو می‌برد.

از زمانی که خداوند آدم را آفرید هیچ زمانی زمین از حجت خالی نبود یا حجتی آشکار و مشهور و یا غائب و مستور و تا روز قیامت زمین از حجت خالی نخواهد بود اگر چنین نبود خدا پرستش نمی‌گردید ...

امام باقر(ع) فرمود: اگر امام یک ساعت در روی زمین نباشد زمین ساکنان خود را فرو می‌برد همان طور که دریا انسان را در امواج خروشان غرق می‌نماید.

زاره از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که آن جناب در ضمن گفتاری فرمودند اگر نباشد روی زمین حجت خدا آنچه بر روی زمین است به تپش و لرزش می‌افتند و همه را پرت می‌کند، زمین ساعتی خالی از حجت نیست.

حضرت رضا علیه السلام فرمود ما حجت خدا هستیم در روی زمین و خلیفه او در میان بندگان و امین اسرار خدا و کلمه تقوی و دستاویز محکم و گواهان خدا و نشانه‌های او در میان مردم. بواسطه ما خداوند آسمان‌ها و زمین را از ریزش نگه می‌دارد. بواسطه ما باران می‌بارد و رحمت خدا پراکنده می‌گردد. زمین خالی از رهبری از ما خانواده نخواهد بود چه ظاهر و آشکار باشد یا پنهان و ترسان؛ اگر یک روز خالی از حجت باشد اهلش را فرو می‌برد همچون دریا. نیز حسن بن زیاد گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود زمین هرگز خالی از حجتی دانا نیست، دوام و بقای زمین بهمان حجت است و مردم را جز این صلاح و چاره‌ای نیست. (امامت ص ۲۵)

روایات دیگری که بر عظمت ائمه و طبعاً بر لزوم شناخت و معرفت ایشان دلالت می‌کند روایاتی است که ائمه را اسماء الله معرفی می‌کند نظیر روایتی که در مراه العقول و برخی منابع دیگر از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود به خدا قسم اسماء الله ما هستیم.^۱

در جایی ابو حنیفه به امام صادق(ع) گفت: بفرمائید تفسیر این آیه ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ چیست؟

۱ - وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا مَرَأَةَ الْعُقُولِ ج ۲ ص : ۱۱۵

فرمود: به نظر تو نعیم چیست؟ گفت امنیت و صحت بدن و خوراک حاضر. فرمود: در این صورت اگر خدا ننگه دارد تو را یا به پا دارد تو را در روز قیامت تا از هر لقمه‌ای که خورده‌ای و هر شربت آبی که نوشیده‌ای حساب بکشد باید مدت بسیار زیادی بایستی.

گفت پس نعیم چیست؟ فرمود: نعیم ما هستیم چرا که خداوند مردم را به واسطه ما نجات بخشیده از گمراهی و از کوری به بینش رسانده و از نادانی به علم. (احتجاجات ج ۲ ص ۶-۱۹۵)

از میان روایات از همه صریح‌تر در ارتباط موضوع بحث ما این روایت است که عبد الاعلی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه: **خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ**^۱ نقل می‌کند که امام فرمود: اینکه خدا می‌فرماید امر بمعروف کن یعنی امر به ولایت. (امام شناسی فصل سی و هشتم ص ۴۹۱)

از این دست روایات که بر جایگاه رفیع ائمه تأکید دارد در منابع روایی ما فراوان است.^۲

در روایتی دیگر آمده است: روزی امام صادق (ع) پایه‌های دین را برای شاگردان خود بر می‌شمرد از جمله فرمود:

بنای اسلام روی پنج پایه است:

۱- نماز ۲- زکات ۳- حج ۴- روزه ۵- ولایت (امامت).

زراره پرسید در میان این‌ها، کدام برتر است؟

امام فرمود: ولایت (امامت) برتر است، زیرا ولایت، کلید آن‌ها است و والی (امام) راهنمای آن‌ها (نماز و...) می‌باشد.^۳

و در پایان فرمود: بالاترین درجه دین و کلید دین در همه چیز و آنچه که مایه خرسندی خدا است، شناخت امام بر حق و اطاعت از او، است، خداوند می‌فرماید: (من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا)^۴

کسی که از پیامبر (ص)، اطاعت کند، اطاعت خدا را کرده و کسی که سر باز زند، تو در برابر او مسؤول نیستی

۱. اعراف ۱۹۹

۲. برخی دیگر از این روایات از این قرارند: عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده علي بن الحسين ع قال: نحن أئمة المسلمين و حجج الله على العالمين و سادة المؤمنين و قادة الغر المحجلين و موالى المؤمنين و نحن أمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء و نحن الذين بنا يمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه و بنا يمسك الأرض أن تميد بأهلها و بنا ينزل الغيث و ينشر الرخمة و تخرج بركات الأرض و لو لا ما فى الأرض منا لساخت الأرض بأهلها ثم قال و لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجة لله فىها ظاهر مشهور أو غائب مستور و لا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجة الله و لو لا ذلك لم يعبد الله (الاحتجاج ج ۲ ص ۳۱۷) و نیز حسن المثنى العجلي عن أبي بصير عن خيمته الجعفى عن أبي جعفر ع قال سمعته يقول نحن جنب الله و نحن صفوته و نحن حوزته و نحن مستودع موارث الأنبياء و نحن أمناء الله عز و جل و نحن حجج الله و نحن أركان الإيمان و نحن دعائم الإسلام و نحن من رحمة الله على خلقه و نحن من بنا يفتح و بنا يختم و نحن أئمة الهدى و نحن مصابيح الدجى و نحن منار الهدى و نحن السابقون و نحن الآخرون و نحن العلم المرفوع للخلق من تمسك بنا لحق و من تأخر عنا عرف و نحن قادة الغر المحجلين و نحن خيرة الله و نحن الطريق الواضح و الصراط المستقيم إلى الله عز و جل و نحن من نعمة الله عز و جل على خلقه و نحن المنهاج و نحن معدن النبوة و نحن موضع الرسالة و نحن الذين إلينا تختلف الملائكة و نحن السراج لمن استضاء بنا و نحن السبيل لمن اقتدى بنا و نحن الهداة إلى الجنة و نحن عرى الإسلام و نحن الجسور و القناطر من مضى عليها لم يسبق و من تخلف عنها محق و نحن السنام الأعظم و نحن الذين بنا ينزل الله عز و جل الرخمة و بنا يسقون الغيث و نحن الذين بنا يصرف عنكم العذاب فمن عرفنا و أبصرنا و عرف حقا و أخذ بأمرنا فهو منا و إلينا (كمال الدين ج ۱ ص ۲۰۶ شيخ صدوق انتشارات اسلاميه)

۳. روایت دیگری که بر اهمیت ولایت و اولویتان نسبت به مناسک دینی دارد حدیث ذیل است

عن زرارۀ عن أبي جعفر ع قال نبى الإسلام على خمسة أشياء على الصلاة و الركاة و الصوم و الحج و الولاية قال زرارۀ فقلت و أى شىء من ذلك أفضل قال الولاية أفضل لأنها مفتاحهنّ و الوالى هو الدليل عليهن ثم قال ذروة الأمر و سنامه و مفتاحه و باب الأشياء و رضى الرحمن الطاعة للإمام بعد معرفته إن الله عز و جل يقول من يطع الرسول فقد أطاع الله و من تولى فما أرسلناك عليهم حفيظاً أما لو أن رجلاً قام ليلة و صام نهاره و تصدق بجميع ماله و حج جميع ذهره و لم يعرف ولاية ولى الله فيواليه و يكون جميع أعماله بذليله إليه ما كان له على الله حق في ثوابه و لا كان من أهل الإيمان ثم قال أولئك المخلصين منهم يدخله الله الجنة بفضل رحمته بحار الانوار ج ۶۵ ص ۳۳۳-۳۲۹

۴- نساء ۸۰

خطبه غدیر

بیانات پیامبر اکرم(ص) در روز عید غدیر خم نیز یکی دیگر از ادله ما در اهمیت معرفت و معرفی امام است. پیامبر اعظم(ص) در این روز چنین فرمود:

ای گروه مردم! از علی غافل نشوید و او را ترک نکنید، و از ولایتش خودداری نکنید، او راهنمای به حق و راستی و عامل به آن است، باطل و پوچ را نابود و از آن منع می‌کند (الاحتجاج ج ۱ ص ۱۲۹)

ای گروه مردم! علی را بزرگ و محترم شمارید که خداوند او را تفضیل و تکریم فرموده است و بدو روی آورید که خداوند او را به این مقام منصوب فرموده است.

ای گروه مردم! او از جانب خداوند امام و رهبر است، و منکر ولایت او از پذیرش و غفران الهی بدور و به طور قطع و یقین مشمول عذاب الهی و آتش سوزان است. (همان ج ۱ ص ۱۳۰)

ای گروه مردم! علی را تفضیل دهید که او پس از من افضل همه مردم است، به وسیله ما است که مردم مشمول نعمت و رحمت خداوند قرار می‌گیرند، و جبرئیل مرا خبر داده است که خداوند متعال می‌فرماید: هر که با علی مخالفت و دشمنی کند ملعون و مغضوب بوده و از رحمت من دور می‌شود. و هر کسی باید بنگرد که برای فردای قیامت چه پیش فرستاده است، و بترسید از اینکه دوباره دچار لغزش شوید که خداوند بدان چه می‌کنید آگاه است.

ای گروه مردم! بدانید که علی بن ابی طالب جنب پروردگار است، و او مصداق این آیه است: «تا کسی نگوید: دریغا بر آن کوتاهی که در جنب خدا کردم- زمر: ۵۶». (همان ج ۱ ص ۱۳۷)

ای گروه مردم! من همان صراط مستقیم و راه راستی هستم که خداوند به شما امر فرموده از آن پیروی کنید.

و بعد از من علی بن ابی طالب(ع)، سپس فرزندان من از صلب او صراط مستقیم‌اند.^۲

همان پیشوایانی که مردم را به راه حق هدایت می‌نمایند، و بدان وسیله دادگری می‌کنند. (همان ج ۱ ص ۱۴۲)

بدانید که در رأس امر به معروف و نهی از منکر این است که سخنانم را در نظر بگیرید و سفارشاتم را رعایت کنید، و به دیگران رسانده و از مخالفت با آن‌ها پرهیز کنید، زیرا آن فرمان خداوند و دستور من است، و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با حضور امام معصوم تحقق نمی‌یابد. (همان ص ۱۴۲)

مخصوصاً عبارت اخیر پیامبر اکرم تأکید دارد بر اینکه تحقق امر به معروف و ابسته به وجود امام معصوم است نکته بسیار مهمی است که این مساله را گوشزد می‌کند که دوری مردم از امام معصوم مهم‌ترین عامل عدم تأثیر امر به معروف است. با توجه به این گونه روایات است که در تفسیر الاء الرحمن آمده است:

۱. أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَ إِن كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد در باره آیه ما فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ چقدر از دست دادم در جنب خدا. فرمود جنب الله ما هستیم. از حضرت صادق مانند همین روایت نقل شده. ابو ذر در خبری از پیامبر اکرم نقل می‌کند که فرمود یا ابا ذر منکر مرا روز قیامت می‌آورند کور و لال است و سرنگون می‌شود در تاریکی‌های روز قیامت فریاد می‌زند ای وای که چقدر از دست دادم در راه خدا. حضرت صادق و باقر و سجاد علیه السلام در مورد این آیه فرمودند جنب الله علی است که حجت خدا بر خلق است در روز قیامت. حضرت رضا علیه السلام در تفسیر فی جَنْبِ اللَّهِ فرمود در ولایت علی امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: من صراط الله و جنب الله هستیم. امامت ج ۲ ص ۱۶۴

۲. در اینکه ائمه صراط هستند روایات دیگری نیز وجود دارد نظیر این روایت: عن الصادق علیه السلام أنه سئل عن الصراط، فقال: «هو الطريق إلى معرفة الله، و هما صراطان: صراط في الدنيا، و صراط في الآخرة، و أما الصراط الذي في الدنيا فهو الإمام المفترض الطاعة، من عرفه في الدنيا و اقتدى بهدها، مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ، و من لم يعرفه في الدنيا، رَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ، و تَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ (الشافعي ص

مهم‌ترین مصادق خیرات، ولایت است.^۱

لزوم امامت نزد اهل سنت

مسئله امامت و لزوم آن، امری است که بزرگان اهل سنت نیز به آن توجه کرده‌اند. آمدی از بزرگان اهل سنت در قرن ششم و هفتم می‌نویسد: از زمان صحابه و تابعین تاکنون مسئله لزوم امامت مورد توجه بوده چرا که بدهاها معلوم است که اوامر و نواهی الهی و حدود و عقود الهی و نیز شعائر الهی که فائده آن به خود مردم برمی‌گردد جز به واسطه وجود امام محقق نمی‌گردد.^۲ البته اهل سنت با شیعیان در مصادق امامت اختلاف دارند اما در اینکه تحقق فروع اسلام وابسته به وجود امام است با ما هماهنگ هستند به همین دلیل بسیاری از بزرگان ما بر این نکته تأکید کرده‌اند که امر امامت کمال دین است و شیعه و سنی در آن اتفاق نظر دارند.^۳ و این نکته کافی است بر این که گفته شود مسئله امامت مهم‌ترین معروف حتی در بین فرق مختلف اسلامی است. البته باید از این نکته نیز غفلت نکرد که حتی در مورد مصادیق امامت نیز منابع اهل سنت سخنان قابل توجهی از پیامبر نقل کرده‌اند از قبیل این کلام نورانی پیامبر که احمد ابن حنبل از ابن مسعود نقل کرده که یک روز محبت آل پیامبر بهتر است از عبادت یک سال و هر که با حب آل محمد (ص) بمیرد وارد بهشت می‌گردد.^۴ و نیز این سخن پیامبر که ستارگان مایه امنیت راه آسمانند و اهل بیت (ع) من مایه امنیت اهل زمین.^۵ از این روایات در منابع اهل سنت فراوان است که به نمونه‌های فوق بسنده می‌کنیم.^۶

عصر مهدوی

تحولاتی که امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور ایجاد می‌کند نیز یکی دیگر از ادله ای است که دلالت می‌کند که شناخت و معرفی امام زمان مهم‌ترین معروف می‌باشد. مگر نه این است که تحقق کامل عدالت مطلوب محوری ادیان و ارمان عالم هستی است و مگر نه این است که تحقق این امر بر اساس قرآن و روایات در زمان امام (عج) زمان حاصل می‌شود؟ اگر چنین است بنابر این باید گفت شناختن و شناساندن امام زمان و زمینه سازی برای ظهور آن حضرت مهم‌ترین معروف و مهم‌ترین تکلیف ما می‌باشد. اینک بخشی از تحولات عصر ظهور:

۱. اهم مصادیق الخیرات هی الولاية الاء الرحمن ج ۱ ص ۱۳۸

۲. ثم جرى التابعون على طريقتهم، و اتباع سنتهم، و لم يزل الناس على ذلك في كل عصر، و زمان إلى زمننا هذا من إقامة الأئمة، و نصب إمام متبع، في كل عصر «۴» و حکمة ذلك، أنا نعلم علما يقارب الضرورة، أن مقصود الشارع من أوامره، و نواهيه في جميع موارد، و مصادره و ما شرعه من الحدود، و المقاصات و عقود المعاملات، و المناكحات، و أحكام الجهاد، و إظهار شعائر الإسلام في أيام الجمع، و الأعياد، إنما كان لمصالح الخلق، و الأغراض عائدة إليهم، معاشا و معادا، و ذلك مما لا يتم دون إمام مطاع، و خليفة متبع، يكون من قبل الشارع بحيث يفوضون أزمته، في جميع أمورهم إليه، و يعتمدون في جميع أحوالهم عليه. فإنهم بأنفسهم مع ما هم عليه من اختلاف الأهواء، و تشتت الآراء، و ما بينهم من العداوة، و الشحنة، قلما ينقاد بعضهم لبعض، و ربما أدى ذلك إلى هلاكهم جميعاً. و يشهد بذلك وقوع الفتن، و اختلاف الأمم، عند موت ولاة الأمر، من الأئمة إلى حين نصب إمام آخر، بحيث لو «۱۱» // تمادى الحال، في إقامته لكثرت الاختلافات، و بطلت المعيشات، و عظم الفساد في العباد، و صار كل مشغولاً بحفظ نفسه، و ماله تحت قائم سيف/ و ذلك مما يفضي إلى رفع الدين، و هلاك الناس أجمعين، و منه قيل «الدين اس و السلطان حارس و الدين و السلطان توأمان»، فإذا نصب الإمام من أتم مصالح المسلمين، و أعظم مقاصد الدين، و هو حکمة الإيجاب السمعي (ابكار الافكار في اصول الدين، ج ۵، ص: ۱۲۴)

۳. أمر الإمامة من كمال الدين و تمامه و هذا متفق عليه بيننا و بين مخالفينا إلا من شد (شرح اصول کافی ج ۵ ص ۲۲۹)

۴. مسند أحمد بن حنبل عن ابن مسعود عن النبي ص قَالَ حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ مَنْ مَاتَ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۷۳)

۵. أحمد بن حنبل في مسنده، كما في الطرائف قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله: النجوم أمان لاهل السماء، فاذا ذهب النجوم ذهبوا، و اهل بيتي أمان لاهل الارض، فاذا ذهب اهل بيتي ذهب اهل الارض (الامامة ج ۱ ص ۱۱۶ مكتبة حجة الاسلام الشفتي)

امام باقر(ع) فرمود: امام زمان(عج) در اثر غلبه ترس بر دشمنانش پیروز می‌گردد و گنج‌های زمین برایش اشکار می‌گردد و فرمانروائی وی شرق و غرب جهان را فراگیرد و خدا دین خود را به وسیله او مسلط گرداند و ویرانی‌های زمین آباد می‌گردد. (عصر ظهور ص ۳۳۳)

نیز آن حضرت فرمود: در زمین هیچ ویرانه‌ای نیست مگر آنکه آباد می‌گردد و به جز خدا هیچ معبودی اعم از بت و غیره باقی نمی‌ماند.

امام امیر مومنان(ع) فرمود: زمین گنج‌هایش را برای او خارج می‌سازد و او اموال بی‌شماری بین مردم تقسیم می‌کند. (همان ص ۳۳۸)

پیامبر فرمود در جهان جز فرمانروائی اسلام وجود نخواهد داشت و زمین همچون لوح سیمین خواهد شد. (همان ص ۳۳۴)

نیز فرمود: امت من در زمان مهدی از چنان نعمتی برخوردار شوند که مانند اترا هرگز ندیده‌اند. آسمان پی در پی باران بارد و زمین با تمام توان گیاهانش را برویاند. (همان ص ۳۳۹)

امام صادق در وصف نزول رحمت الهی دران زمان فرمود: میان مکه و مدینه با درختان نخل متصل گردد. در آن زمان دانش حقیقی جهان را فرا خواهد گرفت به قول امام باقر علیه السلام: در دولت امام زمان مردم به حکمت دست خواهند یافت، به گونه‌ای که حتی یک زن در خانه‌اش بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش داوری می‌کند. (همان ص ۳۳۵)

این حدیث معروف امام صادق است که فرمود: دانش ۲۷ حرف است و آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا امروز بیش از آن دو حرف نمی‌دانند، اما چون امام زمان قیام کند ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورد و بین مردم منتشر سازد همان ص ۳۴۱

باز هم در شکوه علمیان زمان امام صادق(ع) فرمود: شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می‌برد برادر خود را در مغرب می‌بیند و بالعکس. (همان ص ۳۴۲)

و نیز فرمود: در زمان قیام قائم خداوند گوش و چشم شیعیان را چنان کند که بین آنها و امام نیازی به پیک نباشد به گونه‌ای که هر گاه امام سخن گوید آنان می‌شنوند و او را می‌بینند علیرغم اینکه با هم فاصله دارند. (همان ص ۳۴۲)

یکی از معضلات بشر در عصر غیبت بدعت‌هایی است که در طول تاریخ در اسلام ایجاد شده و سد راه تحقق خیر شده است. یکی از کارهای امام زمان مبارزه با این بدعت‌ها و از بین بردن آنها است. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند بدعت‌ها را به وسیله امام زمان نابود و گمراهی‌ها را به دست او محو و سنت‌ها را زنده خواهد کرد. (همان ص ۳۳۵)

از نظر سلطه آن حضرت نه تنها بر زمین که بر آسمان‌های هفت گانه که پنج مورد از آنها آباد و دو مورد دیگر ویران است نیز حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده است. (همان ص ۳۴۵)

انقلاب اسلامی ایران

حرکت امام خمینی و تأسیس جمهوری اسلامی ادامه راه انبیاء و در مسیر تحقق دولت مهدوی و امامت الهی بود لذا معرفی این انقلاب در این همایش بین‌المللی از مصادیق مهم‌ترین معروف می‌باشد. بیانات امام خمینی(ره) خود روشنگر این مطلب است.

ایشان می‌فرماید: اکنون که دوران غیبت امام پیش آمده و بنا است احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند تشکیل حکومت لازم می‌آید.^۱

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید حکومت اسلامی نظامی است ملهم و منبعث از وحی که در تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد.^۲

امام خمینی (ره) دائماً بر این که ما باید مقدمه ظهور امام زمان (عج) را فراهم کنیم تأکید می‌کردند از جمله فرمود: انشاء الله به زودی شما شاهد این خواهید شد که نه از این تفاله‌ها چیزی باقی مانده است و نه از آن قدرت‌های بزرگ در ایران اثری خواهد بود و ما مهیا هستیم و شما و ما مهیا هستیم که تمام این توطئه‌ها را خنثی کنیم و انشاء الله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد و زور و ظلم و جور از دنیا بر طرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر ارواحنا له الفداء (صحیفه نور ج ۱۵)

نکته نهائی و نتیجه بحث

چنانکه می‌دانیم ارسال رسل در راستای ارتقاء بشر بود و این زحمات پیامبران بود که بالاخره به ثمر نشست و دین خاتم در اختیار بشر قرار گرفت. در واقع رشد عقلی بشر او را قابل پذیرش دین خاتم ساخت اما هنوز هم عقل بشر باید رشد بیشتری بکند تا قابلیت پذیرش امام معصوم را نیز پیدا کند و برای این که این رشد برای بشر حاصل شود باید بامعرفی جایگاه امامت از نظر دین مبین اسلام، زمینه این امر در ذهن بشر فراهم گردد و به این وسیله عقل بشر رشد لازم را پیدا کند. لذا اگر در روایات آمده است امام زمان (عج) دست بر سر مردم می‌کشد و عقل آنها رشد می‌کند احتمالاً به همین معنا است که انسان‌ها قابلیت بهره‌مندی از دانش امام را پیدا می‌کنند.

با توجه به آنچه بیان شد رشد عالی بشر فقط در پرتو ولایت و رهبری امام معصوم (ع) تحقق خواهد یافت. رسیدن به این مرتبه از شناخت مستلزم یک تحول اساسی در اندیشه بشر است که پس از قرن‌ها افت و خیز بشر حاصل می‌شود. تلاش انسان‌های عارف به مقام امام می‌تواند در رشد این معرفت نقش به‌سزائی داشته باشد و این تلاش چیزی نیست جز امر به معروف، آنهم مهم‌ترین معروف که خود تسهیل‌کننده بقیه معروفات است. طبعاً همانگونه که مهم‌ترین معروف شناخت امام است مهم‌ترین منکر نیز روی گرداندن از معصومین است که باید در اصلاح این رویکرد منفی نیز تلاش کنیم. ان شاء الله

۱. خمینی روح الله ولایت فقیه ص ۳۰

۲. خمینی روح الله شئون و اختیارات ولی فقیه ص ۴

منابع

۱. قرآن کریم
۲. حسینی تهرانی سید هاشم توضیح المراد انتشارات مفید
۳. سبحانی جعفر الالهیات ج ۳ مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه
۴. ابن عطیه - جمیل حمود ابهی المراد ج ۲ موسسه الاعلمی
۵. مجلسی محمد باقر بحار الانوار ج ۵۲ و ج ۲۳ و ج ۶۵ و ج ۲۷ و ج ۷ موسسه الوفاء
۶. خسروی موسی امامت (ترجمه بحث امامت بحار الانوار) ج ۱ انتشارات اسلامیه
۷. کلینی محمد ابن یعقوب کافی ج ۱ انتشارات اسلامیه
۸. طبرسی احتجاج ج ۱ و ج ۲ نشر المرتضی
۹. خمینی روح الله ولایت فقیه
۱۰. خمینی روح الله شئون و اختیارات ولی فقیه
۱۱. خمینی روح الله صحیفه نور ج ۱۵
۱۲. تفسیر الاء الرحمن ج ۱
۱۳. حسینی تهرانی سید محمد حسین امام شناسی نشر علامه طباطبائی
۱۴. فیض کاشانی محسن الشافی فی العقائد و الاخلاق و الاحکام ناشر دار اللوح المحفوظ
۱۵. مازندرانی صالح شرح اصول کافی ج ۵ نشر دار الکتب الاسلامیه
۱۶. موسوی سید اسد الله الامامه ج ۱ مکتبه حجه الاسلام الشفتی
۱۷. سبزواری هادی اسرار الحکم نشر مطبوعات دینی
۱۸. صدوق کمال الدین ج ۱ انتشارات اسلامیه
۱۹. مجلسی محمد باقر احتجاجات ج ۲ انتشارات اسلامیه
۲۰. کورانی علی عصر ظهور نشر دار الهدی

راهکارهای اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها

محمد حسین مردانی نوکنده^۱

چکیده

یکی از اصولی که می‌تواند سعادت و سلامت دانشگاه را در همه ابعاد آن فراهم آورد، نظارت همگانی تمامی دانشجویان، نسبت به مسائل دانشگاه می‌باشد. اصولاً نظارت، تعالی و تکامل را به دنبال خواهد داشت و جوامع فاقد نظارت در سراسی سقوت و اضمحلال قرار خواهند گرفت. در حقیقت دانشگاه سالم، دانشگاهی است که در آن زمینه رشد و تعالی به سوی کمال مطلق فراهم است و یکی از این زمینه‌ها وجود محیطی پاک و عاری از آلودگی‌هاست که با نظارت درست و اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر تحقق خواهد یافت. در این نوشتار ضمن طرح مباحثی در ضرورت و چیستی «امر به معروف و نهی از منکر» راهکارهای عملی پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها که مسله اصلی تحقیق می‌باشد، مورد تبیین قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امر به معروف و نهی از منکر، دانشگاه، نظارت و دانشجو.

پیشینه تحقیق

در زمینه راهکارهای پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها کارهای پراکنده‌ای بصورت مقاله و یا طرح پژوهشی صورت گرفته ولی از انسجام و قوت لازم برخوردار نبوده‌اند، چرا که هر یک از آن‌ها از زاویه خاصی به موضوع نگریسته‌اند. در این نوشتار تلاش شده است که کاری شایسته و مطلوب پیرامون موضوع مورد نظم ارائه گردد.

روش تحقیق

ابتدا تمامی آثار منتشر شده پیرامون موضوع اعم از کتاب و مقاله و طرح‌های پژوهشی، مورد مطالعه قرار گرفتند، سپس مطالب مورد نیاز در قالب فیش‌های مطالعاتی استخراج و دسته‌بندی گردیدند و در ادامه هر مطلب در جایگاه خود، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. در حقیقت روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از کتابخانه‌ای و میدانی بوده است.

نتایج تحقیق

به طور کلی سه نتیجه عمده از کل مقاله که از طریق علمی قابل استخراج است:

۱. پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها نیازمند عزمی ملی و مشارکتی همگانی است، یقیناً یک ارگان یا اداره خاصی نمی‌تواند عهده دار این رسالت خطیر گردند، اگر همگان دست در دست یکدیگر نهند با همفکری و تعامل می‌توانند به پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر استحکام بخشند.
۲. بهره‌گیری از فرهنگ عاشورا جهت اعتلای بخشی به امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها ضرورتی اساسی است.
۳. احیاء و تقویت غیرت دینی در دانشجویان گامی بلند در تحقق امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه

نظارت و پرسشگری (امر به معروف و نهی از منکر) از مفاهیم آشنا در فرهنگ اسلامی است که به منظور جلوگیری از انحرافات فردی و اجتماعی پیش بینی شده است. نظارت در جامعه اسلامی برخاسته از مسئولیت آحاد جامعه در قبال یکدیگر است. وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت و خیرخواهی در حق یکدیگر، نوعی نظارت و مراقبت است که سلامت جامعه و دانشگاه را تضمین می‌کند. در اهمیت این فرضیه بزرگ همین بس که ملاک برتری امت اسلامی بر امت‌های دیگر است.

«کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»^۱

چنانچه ترک آن از عوامل سقوط و اضمحلال برخی از امت‌های پیشین است.

جمله معروف «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»^۲ از رسول گرامی (ص) با مقوله امر به معروف و نهی از منکر پیوندی وثیق دارد و نشانه‌ای از این پیشینه تاریخی است. پیامبر (ص) مردم را در جامعه اسلامی به گونه‌ای تربیت نمود که همواره مراقب اعمال و رفتار صاحبان قدرت و ثروت باشند.

قیام و مبارزه شخصیت‌های موجه تاریخ اسلام در برابر دولت‌های جائر نیز برخاسته از تربیت دینی آن‌ها بود.

قیام امام حسین (ع) نمونه بارزی از تلاش و مجاهدت در راه احیای این فرضیه مهم اسلامی است. نظارت در عرصه‌ی سیاست، به منظور جلوگیری از طغیان انسان‌های قدرتمند و ثروتمند است، از این رو دلتمردان جامعه بیش از شهروندان نیازمند نظارت و مراقبت‌اند. در فلسفه سیاسی اسلام در درجه نخست قدرت در اختیار شخص معصوم قرار می‌گیرد تا احتمال انحراف و لغزش به صفر برسد و حقوق مردم به طور کامل در عرصه اجتماعی تأمین گردد. در مراحل بعد و در صورت فقدان شخص معصوم، رهبری جامعه به کسانی سپرده می‌شود که از عدالت و تقوای بالایی برخوردار باشند. شخص عادل هر چند از خطا مصون نیست، اما از فساد و سوء استفاده مصون است.

لااقل این اطمینان هست که فارغ از اهرم‌های نظارتی بیرونی صاحبان قدرت از مهار درونی برخوردارند تا آن‌ها را از وسوسه قدرت و ثروت مصون بدارد. فقیه بزرگ شهید ثانی (ره)، در توضیح مفهوم امر به معروف و نهی از منکر فرموده است: «امر به معروف، وادار کردن دیگران به پیروی از اوامر پروردگار است، به زبان باشد یا به عمل، نهی از منکر، مانع شدن از انجام گناهان است، آن هم به زبان باشد یا به عمل»^۳

در تعریف دیگر می‌توان گفت: امر به معروف، یعنی برانگیختن و فرمان دادن به چیزی است که نزد عقل یا شرع (یا هر دو) خوب و مطلوب دانسته شده است و نهی از منکر، یعنی بازداشتن و منع کردن از آنچه که نزد عقل و شرع، بد و ناپسند شمرده شده است.

امر و نهی در دانشگاه‌ها از ضرورت و جایگاه مهم تری برخوردار است، چرا که دانشگاهیان آینده سازان جامعه می‌باشند و مشاغل و مناصب کشور را در دست خواهند گرفت نهادینه شدن امر و نهی در دانشگاه‌ها سلامت و سعادت آینده کشور را تضمین خواهد نمود و عدم تحکیم «امر و نهی» در دانشگاه‌ها زوال و نابودی جامعه را در بلند مدت موجب خواهد شد.

۱. آل عمران، آیه ۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۳. الروضه البیبه فی شرح اللمعه الدمشقیه، کتاب الامر بالمعروف

با توجه به جایگاه ویژه و مهم امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها و دستاوردهای گرانسنگ آن در این نوشتار پژوهشی برآیم تا این موضوع مهم را مورد ارزیابی قرار دهیم.

آثار امر به معروف و نهی از منکر

درباره اینکه امر به معروف و نهی از منکر چه آثاری در زندگی فرد و اجتماع بجا گذاشته و چه دگرگونی‌های ارزشمندی را پدید می‌آورد، روایات بسیاری وجود دارد که بنابر مقتضای حال، در برخی از آن‌ها به ذکر آثار متعددی و در دسته دیگر به بیان یک اثر از آن آثار پرداخته شده است. در این بخش به تبیین این احادیث و آثار ذکر شده در آن اقدام گردیده است و هدف، شناساندن آثار حیاتبخش و سازنده این واجب بزرگ الهی است.

از حضرت امام حسین (ع) به نقل از پدر بزرگوار خود امیرالمؤمنین (ع) چنین رسیده است که فرمود:
... انها اذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کلها هینها و صعبا و ذلک ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر دعاء الی الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم. و قسمة الفیء و الغنائم و اخذ الصدقات من مواقعها و وضعها فی حقها.^۱
هرگاه امر به معروف و نهی از منکر انجام و برپا داشته شود، همه واجب‌های الهی، از ساده و دشوار آن، بپا داشته می‌شوند و این بدان سبب است که امر به معروف و نهی از منکر مردم را به اسلام می‌خواند مظالم (و حقوق مردم) را بدانان برمی‌گرداند، با ستمگر به مخالفت برمی‌خیزد، فی و غنائم را (آنگونه که باید) تقسیم می‌کند و صدقات را از محل (و منبع) آن گرفته و در جای خودش به مصرف می‌رساند.

اینک به شرح واژه‌های فوق و توضیحی مختصر پیرامون هر یک پرداخته می‌شود:

۱. برپا شدن واجبات

استقامه الفرائض یعنی بپا بودن و انجام شدن واجبات، این یکی از آثار ارزشمند انجام امر به معروف و نهی از منکر است. با امر به معروف و نهی از منکر نه تنها از کمرنگ شدن ارزش‌های اسلامی می‌توان جلوگیری کرد، بلکه در جهت توسعه و گسترش آن می‌توان حرکت نمود. با امر به معروف دیگر واجبات الهی جامه عمل به خود می‌پوشد. زیرا این‌ها خود از بهترین مصادیق «معروف» هستند، و امر به آن‌ها، یعنی توصیه به عمل به آن واجبات.

در جامعه‌ای که یکدیگر را به انجام نماز، روزه، امانتداری، درستکاری، و ... سفارش کنند، ابتدایی‌ترین اثر مستقیم و مثبت روانی، اهمیت قائل شدن برای این واجب‌ها خواهد بود، همه واجب‌ها، چه ساده‌اش و چه دشوارش.

در چنین جامعه‌ای نه تنها برپایی واجبات الهی، عملکرد اساسی آن به شمار خواهد رفت، بلکه به مصداق «وسارعوا الی مغفره من ربکم^۲» و «سابقوا الی مغفره من ربکم^۳» در انجام اعمال شایسته، خواه واجب باشد، خواه مستحب از یکدیگر پیشی گرفته و برای رسیدن به رضوان و غفران الهی شتاب و سرعت می‌گیرند. آری یکی از آثار امر به معروف و نهی از منکر، برپایی و برجایی دیگر واجبات است، «فریضه عظیمه بها تقام الفرائض^۴»

۱. تحف العقول، ص ۲۴۱، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۳، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹.

۲. آل عمران، ۱۳۳: به سوی آمرزش پروردگارتان بشتابید.

۳. حدید، ۲۱: به سوی آمرزش پروردگارتان پیشی بگیرید.

۴. از امام صادق (ع): (امر به معروف و نهی از منکر) واجب بزرگی است که بواسطه آن واجبات دیگر (همه واجبات) ثبات می‌یابد. وسائل الشیعه، ج

۱۱، ص ۳۹۵.

۲. دعوت به اسلام

امربه معروف و نهی از منکر مردم را به اسلام و ارزش های آن می خواند و به «حیات طیبه» و پاکیزه ای که در پرتو درخشش اسلام و عمل به فرامین و دستورات آن حاصل می شود، دعوت می کند، آنچه اسلام برای انسان می خواهد، چیزی جز سعادت در دنیا و آخرت و رضوان الهی نیست.

یا ایها الذین امنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم...^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید، آنگاه که خداوند و پیامبر (ص) شما را به چیزی می خوانند که «احیاگر» شماست، بدان تن در دهید و آن را بپذیرید ...

۳. رد مظالم (پرداخت حقوق دیگران)

مظالم جمع مظلومه است، یعنی آنچه بظلم و ستم از کسی گرفته شده باشد، که معمولاً در حقوق مالی متصور است. یا ظلم و ستمی که به کسی وارد کرده باشد، که هم در حقوق مالی و هم غیر آن، مطرح است.

بطور مثال: اگر مالی را از کسی به زور ستانده باشند یا به سرقت برده باشند، یا حقوق واجب شرعی که بر عهده اوست مانند خمس، زکات، خرج زن و فرزند، پرداخت دیه و ... همه این موارد «مظلومه» به شمار می آید. و نیز در مسائل غیرمالی، مانند اینکه شخصیت و آبروی کسی را با غیبت، تهمت، فحش و دشنام و ... کم اعتبار یا بی اعتبار ساخته باشد، این نیز مظلومه به حساب می آید.

حال اگر کسی چنین حقوقی به عهده اش باشد، باید آن را رد کند یا درخواست بخشش نماید. و چنانچه نسبت به وظیفه اش بی توجه باشد. از سر جهل و ناآگاهی یا قلدری و خودسری، با امربه معروف و نهی از منکر می توان او را نسبت به وظیفه مسئولیت سنگینی که در دنیا و آخرت در برابر «حق الناس» دارد، متوجه نموده و او را وادار به پرداخت و ادای حقوق دیگران ساخت.

۴. مخالفت با ستمگران

با امربه معروف و نهی از منکر می توان به ستیز با ستم و ستمگران برخاست. از هر قسمی که باشد. زیرا ظلم و ستم را اگر نسبت به شخص ظالم بسنجیم یک تقسیم، و اگر نسبت به مظلوم سنجیده شود تقسیم دیگری دارد و نیز در امور مالی تقسیماتی و در غیر آن و کیفیت و شدت و ضعف آن نیز تقسیماتی دیگر دارد.

برخی از حکما گفته اند:^۲

الظلم ثلاثة: الاول ظلم بین الانسان و بین الله تعالی و اعظمه الکفر و الشرك و النفاق و لذلك قال: «ان الشرك لظلم عظیم» ...^۳

و الثانی ظلم بین و بین الناس و اياه قصد بقوله: «و جزاء سیئه سیئه الی قوله: انه لا یحب الظالمین»^۴

و بقوله: «و من قتل مظلوما»^۵

۱. آل عمران، ۲۴.

۲. المفردات فی غریب القرآن، در ماده ظلم، ص ۳۱۶.

۳. لقمان، ۱۳.

۴. شوری، ۴۰.

۵. اسراء، ۳۳.

و الثالث ظلم بينه و بين نفسه و اياه قصد بقوله: «فمنهم ظالم لنفسه»^۱

ظلم بر سه گونه است: نخست ظلم بين انسان و خداوند متعال (= ظلمي که انسان بر پروردگار و هستی بخش خود روا دارد). که بالاترین این ستم، کفر ورزیدن و روی آوردن به شرک و نفاق (دورویی) است. و در همین ارتباط خداوند فرمود: «همانا شرک ستم بزرگی است»

دوم- ستمی که بين انسان و مردم باشد، و مقصود پروردگار از این قبیل آیات همین قسم است، که می فرماید: پاداش یک بدی، بمانند آن است ... و خداوند ستمگران را دوست ندارد. (که بیش از این مقدار حق خویش قصاص کرده یا ضربه زند) یا مانند این فرموده خداوند: هر کس به ظلم (و ناحق) کشته شده است (برای ولی او حق قصاص قرار دادیم) سوم- ظلم بين انسان و خودش، (به خودش ستم کند) و مقصود از این آیه همین معنی است، که فرموده است: برخی از اینان بر خویش ستم کننده اند.

گمان بر این است که این حکیم، سخن خویش را از کلام مولی الحکماء امیر المؤمنین علی (ع) گرفته باشد در آنجا که فرموده اند:

«آگاه باشید که ستم بر سه گونه است: (اول)- ستمی که بخشوده نمی شود و (دوم) ستمی که (بدون مجازات) به حال خود رها نمی شود و (سوم)- ستمی که بخشیده می شود و بازخواست ندارد. اما ستمی که بخشیده نمی گردد «شرک به خداوند است» خداوند می فرماید: خداوند از شرک به خودش در نمی گذرد، اما ستمی که بخشیده می شود ظلمی است که بنده با گناهان کوچک بر خود روا داشته است. و اما ظلمی که (بدون مجازات) به حال خود رها نمی شود (و مجازات در پی دارد) ستم برخی از بندگان به برخی دیگر است»^۲

به هر حال، با امر به معروف و نهی از منکر ظلم و ستم و اقسام آن، و گناه بودن آن‌ها، شناسانده می شود. و فرد ظالم و ستمگر را وادار به دست کشیدن از ظلم و پذیرفتن حق می نماید، و وظیفه هر مسلمانی این است که به یاری مظلوم شتافته و ظالم را محکوم کند.

۵. گرفتن «صدقات» از منابع آن و مصرف در موارد تعیین شده

با امر به معروف می توان صدقات^۳ (زکات) را از منابع آن جمع نموده و در موارد مربوطه به مصرف رساند، ابتدا باید این معروف (زکات) را به مردم شناساند و آنگاه (در صورت وجود شرائط و وجوب زکات) آنان را به پرداخت زکات مال زکوی، تشویق و وادار نمود، و نیز با امر به معروف می توان پس از جمع آوری زکات، آن را در موارد شرعی آن به مصرف رساند نه در جای دیگر، موارد مصرف در آیه ذیل بیان شده است:

انما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملين علیها و المؤلفه لقلبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل، فریضه من الله، و الله علی ام حکیم.^۴

زکات مخصوص فقرا و مساکین و کسانی که برای جمع آوری آن کار می کنند، و کسانی که برای جلب قلوبشان اقدام می شود و برای (آزادی) بردگان، پرداخت قرض بدهکاران و در راه خدا (کارهای خیریه و عام المنفعه) و واماندگان در

۱. فاطر، ۳۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ - سوره نساء، ۴۸.

۳. مجمع البحرین: صدقه آن است که بدون عوض و با قصد قربت می پردازند و زکات و مندورات و کفارات و ... از مصادیق آن هستند.

۴. سوره مبارکه توبه، ۶۰.

راه، (کسانی که در غربت مال خویش را از دست داده‌اند و سرگردان مانده‌اند) است، و این یک فریضه (مهم) خداوندی است. و خداوند دانا و حکیم است.

بنابراین، مصرف زکات، در آیه شریفه، ۸ مورد ذکر شده است که عبارت‌اند از:

۱. فقراء، کسانی که درآمد سالانه آنان کفاف مخارج سالانه آن‌ها را نمی‌کند، کسر مخارج را از زکات استفاده کنند.
۲. مساکین، آن‌ها که حال اقتصادی آنان از فقیر هم بدتر است، می‌توانند از زکات استفاده کنند.
۳. کسانی که برای جمع‌آوری زکات مأمور می‌شوند، می‌توانند حق الزحمه خویش را از زکات بردارند.
۴. کسانی که مسلمان نیستند ولی می‌شود با محبت به آن‌ها قلب و دلشان را به اسلام متمایل ساخت و زمینه اسلام آوردنشان را فراهم ساخت، لذا از زکات می‌شود به آنان کمک کرد.
۵. با زکات می‌شود بردگان را خرید و آزاد کرد.
۶. کسانی که بدهکارند و از اداء دین خویش عاجز و ناتوان‌اند، می‌شود از زکات بدهی آنان را پرداخت.
۷. هزینه کارهای خیر و عام‌المنفعه مانند مدرسه‌سازی، بیمارستان، دانشگاه، نشر و تبلیغ اسلام و ... را می‌شود از زکات تأمین کرد.
۸. انسانی که در دیار غربت مال خویش را گم کرده و درمانده شود، هزینه رسیدن به محل و وطن خود را از زکات می‌تواند استفاده کند.

۶. امنیت اعتقادی و اجتماعی

در جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه باشد، ارزش‌ها تبلیغ شده از ضدا ارزش‌ها پرهیز شود و معروف و منکر به مردم شناسانده گردد، یک «امنیت اعتقادی» حاصل می‌شود، که در پرتو اندیشه‌های صحیح اسلامی، از دستبرد انحرافات و کژی‌های «منحرفین و دزدان اندیشه» مصون و محفوظ مانده و در نتیجه جایی برای نفوذ آنان باقی نخواهد بود، زیرا همه می‌دانیم هیچ نوع میکروب و ویروسی تا «زمینه» نداشته باشد، میدان فعالیت و رشد پیدا نمی‌کند، افکار و اندیشه‌های خطرناک و گمراه‌کننده، نیز تا زمانی که زمینه‌ای برای عرضه خویش نیابند، نمی‌توانند خودنمایی کنند، و تا هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر، همه جانبه، و بطور فراگیر و صحیح اجرا شود، هرگز چنین زمینه‌ای بوجود نمی‌آید و اعتقادات حقه مردم از دستبرد شیاطین در امان خواهد بود. این یک سوی قضیه.

نتیجه اینکه با امر به معروف و نهی از منکر، هم زمینه برای پدید آمدن، رشد و توسعه افکار انحرافی، (که وسیله‌ای برای ضربه زدن به افکار و اندیشه‌های اسلامی است) به وجود نمی‌آید و هم عظمت ارزش‌ها محفوظ خواهد ماند و منکرات «قیح» شمرده خواهند شد، که حداقل، گرایش غالب به سمت «منکرات» نخواهد بود، تا اعتقاد به قبح آن از میان برود و زمینه نابودی اعتقادات فراهم گردد.

۷. حلال شدن درآمدها

تردید نیست که اسلام عزیز به مسأله زندگی و خورد و خوراک از طریق حلال و مشروع اهمیت بسیاری داده است. در اسلام به مسأله «اکل از راه حلال» سفارش و توصیه فراوان شده است. برای حرام خواری، اثرات منفی در نطفه و بعد روانی انسان قائل شده و در مقابل برای «امرار معاش» از طریق حلال، اثرات مثبتی تبیین شده است.

از این گذشته اثراتی که مسأله «حرام خواری» در «عدم پذیرش طاعات» و عبادات مسلمان داشته و گرفتاری‌های دیگری که در دنیا و آخرت، گریبانگیر اوست را بیان کرده و این خود بحث مبسوطی را می‌طلبد که از موضوع، خارج است. در اینجا روایت می‌فرماید که با امر به معروف و نهی از منکر «درآمدها» حلال می‌شود.

۸. عمران و آبادی زمین

یکی دیگر از ثمرات برجسته امر به معروف و نهی از منکر، آبادی و عمران زمین عنوان شده است. مقصود از این تعبیر یکی از دو مورد ذیل یا هر دو، ممکن است باشد.

الف- امکان دارد مراد این باشد که وقتی در اجتماع امر به معروف و نهی از منکر صورت پذیرفت، ارزش‌ها تبلیغ شد و بدان عمل گشت و از ضداورزشها روی گردان شدند، بطور طبیعی، آثار آن که فراوانی برکات الهی است محقق خواهد شد. ولی اگر چنین نباشد و گناهان رواج یابد و از آن جلوگیری به عمل نیاید، آثار منفی، از جمله خشکسالی و قحطی و نابودی زمین، بدنبال خواهد آمد.

بنابراین یکی از اثرات معنوی امر به معروف و نهی از منکر آباد شدن زمین و ازدیاد برکات الهی بر مردم خواهد بود. ب- امکان دارد منظور این باشد که امر به معروف، تبلیغ کارهای خوب و پسندیده است و یکی از کارهای پسندیده و ارزشمند در اسلام احیای صنعت کشاورزی و آباد کردن زمین از این طریق است. در جامعه‌ای که به این امر پسندیده توجه شود، مسلم است که زمین آباد و احیاء خواهد شد.

۹. انتقام از دشمنان اسلام

دشمنان اسلام از دو گروه، کفار و منافقین، تشکیل می‌یابند. اینان در هر زمانی در پی فرصتی مناسب برای ضربه زدن به اسلام و مسلمین بوده‌اند و در زمانهای مختلف کینه و عداوت عمیق خویش را نسبت به اسلام به نمایش گذارده‌اند. آنان نمی‌خواهند اسلام عزیز و مسلمین قدرتمند باشند و برای تضعیف اسلام نقشه‌های پیچیده، سرمایه‌های گزاف و بودجه و امکانات ویژه در نظر گرفته‌اند.

دشمنان اسلام برای رسیدن به اهداف پلید خود از راههای مختلف به میدان می‌آیند که مهم‌ترین آن تهاجم فرهنگی همه جانبه و در ابعادی وسیع، با استفاده از امکانات تبلیغاتی گسترده و پیشرفته می‌باشد.

و بر همین اساس که هر جا توانسته‌اند، مسلمان کشی و نابودی نسل مسلمانان را در گوشه و کنار جهان! براه انداخته‌اند. که نمونه عینی آن را در حال حاضر در بوسنی و هرزگوین، تاجیکستان، فلسطین اشغالی و ... می‌توان مشاهده کرد. امر به معروف و نهی از منکر به مسلمین قوت قلب می‌دهد و آنان را برای مبارزه همه جانبه با دشمنان آماده نگه می‌دارد و بسیاری از تهاجمات فرهنگی، سیاسی و ... را خنثی می‌سازد و این چیزی جز انتقام از دشمن نمی‌تواند باشد.

۱۰. اصلاح امور دین و دنیا

با امر به معروف و نهی از منکر می‌توان کارها را اصلاح نموده و در مسیر صحیح قرار داد. و اگر چنین شود، عموم مردم اصلاح می‌شوند و یک «اصلاح عمومی» صورت می‌پذیرد که اینهم از آثار پربرکت اجراء این فریضه بزرگ الهی است. فاطمه زهرا(س)، در یکی از خطبه‌های خویش بهمین معنی توجه مسلمین را جلب کرده‌اند:

«خداوند ایمان آوردن را برای پاک نمودن انسان از شرک، نماز را برای دوری جستن و پاکی از کبر (و غرور) زکات را برای فراوان شدن رزق و روزی، روزه را برای ثابت ساختن (و محکم نمودن) اخلاص، حج را برای استحکام دین، جهاد را بخاطر عزت اسلام و امر به معروف و نهی از منکر، واجب نموده است.»^۱

روشن است، زمانی که منکرات قبح خود را از دست ندهد و اعمال خوب و شایسته، ارزش خود را حفظ نماید، جریان عمومی و غالب در بین مردم گرایش به خوبی‌ها و پرهیز از منکرات خواهد بود. لذا گوشزد کردن ارزش‌ها و عظمت آن‌ها، و بیان نمودن قبح و بدی منکرات در این گرایش نقش و تأثیر فراوانی خواهد داشت.

البته برای رسیدن به این موقعیت، باید امر به معروف و نهی از منکر، همگانی، همه جانبه، از کوچک‌ترین مراحل آن تا بالاترین، (که برخورد از موضع قدرت است) به خوبی اجرا گردد.

۱۱. دلگرمی مؤمنان، خواری دشمنان

عنوان فوق برگرفته از برخی روایات دیگر است که درباره اثرات سازنده امر به معروف و نهی از منکر وارد شده است:

علی (ع) فرمود:

«جهاد بر چهار پایه قرار دارد: ۱- امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳- پایداری در جبهه‌ها ۴- دشمنی با فاسقین (آنانکه از اطاعت خداوند خارج شده‌اند) هر کس امر به معروف کند پشت مؤمن را محکم ساخته است و هر کس نهی از منکر نماید، بینی کافر را به خاک مالانده است (او را ذلیل نموده است)

آنچه در این روایت آمده است از نقطه نظر «روانی» دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا وقتی انسان مؤمن ببیند که در راستای اعتقادات مذهبی، در اجتماعی تبلیغ می‌شود و به عمل به ارزش‌ها، سفارش و توصیه می‌گردد، نسبت به اعتقادات خویش راسخ‌تر می‌شود و با دلگرمی بیشتری به انجام کارهای شایسته اقدام می‌کند، و گاه مصمم‌تر و قوی‌تر به حرکت الهی خویش در جهت ثبات اسلام ادامه می‌دهد.

در نقطه مقابل آنکس که در پی منکرات و آلودگیها است، زمانی که مشاهده کند هر جا گامی برخلاف می‌خواهد بردارد، مراقب او هستند و او را از آن عمل ناپسند بازداشته، سرزنش و ملامتش می‌کنند، بدیهی است که گونه‌ای شکست روحی و روانی در او پدید می‌آید و از پیگیری، کارهای ناشایست دلسرد می‌گردد.

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، مؤمن را در راهی که دارد (راه خدایی) راسخ‌تر و محکم‌تر می‌نماید و دشمنان را در رسیدن به نقشه‌های پلید خویش - که به فساد کشاندن مسلمانان و بویژه نسل جوان است ناکام می‌کند.

۱۲. شرکت در ثواب اعمال

اگر فرد یا افرادی به واسطه امر به معروف و نهی از منکر، به کارهای خوب و شایسته روی آورند و بدان گردن نهند، شخص امر به معروف در ثواب آن اعمال شایسته شریک می‌باشد.

البته معنای این جمله، این نیست که از ثواب عاملین کاسته می‌شود، و ثواب عمل به دو قسم تقسیم گردیده، سهمی را به عامل و سهمی را به امر به معروف بدهند. بلکه مقصود این است که به هر مقدار که آنان برای عمل خود ثواب می‌برند، به همان اندازه هم امر به معروف از ثواب برخوردار خواهد بود. و به این مطلب در روایات متعددی تصریح شده است. در

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۴، با اندکی اختلاف از علی (ع)، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲ و نیز غرر الحکم، ج ۴، ص ۴۵۱ با این جمله که: «و النهی عن المنکر ردعا للفسهاء».

مقابل نیز، چنانچه شخصی دیگران را وادار به کارهای ناپسند کند یا آنان را به آن سمت رهنمایی نماید در گناه عمل زشت آنان شریک خواهد بود.

عن ابی عبدالله (ع) عن علی (ع) قال: قال رسول الله: من امر بمعروف و نهی عن منکر او دل علی خیرا و اشار به فہو شریک و من امر بسوء او دل علیہ او اشارہ به فہو شریک.^۱

۱۳. دنیا و آخرتی سودمند

قال علی (ع): ثلاث خصال من کن فیہ سلمت له الدنیا و الآخرہ. من امر بالمعروف و ائتمربہ، و نهی عن المنکر و انتہی عنہ، و حافظ علی حدود اللہ.^۲

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: هر کس سه خصلت و ویژگی را داشته باشد، دنیا و آخرتش سالم (و سودمند) خواهد بود:

الف- کسی که امر به معروف کند و خودش نیز به آن گردن نهد.

ب- و کسی که نهی از منکر کند و خود نیز بدان روی نیورد.

ج- و کسی که حدود الهی را محافظت و پاسداری نماید.

دنای سالم، یعنی دنیائی که در آن زمینه رشد و تعالی به سوی کمال مطلق فراهم است و یکی از این زمینه‌ها وجود محیطی پاک و دور از گناه است که زمینه را برای رشد انسان‌ها و انسانیت، خیلی بهتر، آماده‌تر و سریع‌تر می‌سازد.

راهکارهای عملی پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها

۱. تشکیل ستادی ویژه در دانشگاه‌ها جهت ترویج امر به معروف و نهی از منکر
یکی از اقدامات عملی و مؤثر در اشاعه و گسترش امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها تشکیل ستادی ویژه در تمامی مراکز آموزش عالی می‌باشد. در این ستاد، برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت ترویج امر به معروف و نهی از منکر تحلیل و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در حقیقت سیاست‌گذاری کلان امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها در این ستاد نهادینه و ترویج می‌گردد. تجربه نیز نشان داده است که دانشگاه‌هایی که در این زمینه کار نموده‌اند، موفق‌تر از سایر مراکزی بوده‌اند که فاقد چنین ستادی بوده‌اند.

۲. برگزاری مسابقات دانشجویی جهت ترویج امر به معروف و نهی از منکر
اصولاً کلمه «مسابقه» از بارروانی و تبلیغاتی بالایی برخوردار است، که می‌تواند در جذب مخاطبان بسیار مؤثر و تأثیر گذار باشد. در این زمینه می‌توان کتابی که از محتوای «امر به معروف و نهی از منکر» برخوردار است را انتخاب و با طرح سوالاتی از آن ذهن دانشجویان را به موضوع مورد نظر سوق داد.
سوالات مسابقه می‌تواند تستی یا تشریحی نیز و می‌تواند به شکل حضوری و یا غیر حضوری برگزار گردد؛ در مجموع با برگزاری این قبیل مسابقات ما به هدف اصلی خود که پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها است، خواهیم رسید.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸.

۲. آمالی مرحوم شیخ مفید (قدس الله سره)، ص ۱۳۰.

۳. برگزاری مسابقات مقاله نویسی با هدف احیای امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها

راهکار مؤثر دیگر در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها برگزاری مسابقات مقاله نویسی در بین دانشجویان می‌باشد. در فراخوان‌های مقالات، ذهن و تلاش دانشجویان را به «امر به معروف و نهی از منکر» سوق می‌دهیم و این خود حرکتی مثبت در مطالعه و تحقیق بیشتر دانشجویان می‌گردد. پس از برگزاری این فراخوان‌ها، دانشجویان برتر مورد تشویق قرار می‌گیرند و آثار برتر در مجموعه‌ای منتشر و در بین دانشجویان توزیع گردد. این عمل یکی از اقدامات مؤثر در پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۴. به خاک سپاری شهدای گمنام در تمامی دانشگاه‌های کشور

دوران با شکوه دفاع مقدس سراسر درس امر به معروف و نهی از منکر می‌دهد، بسیاری از شهدای دفاع مقدس مظلومانه به شهادت رسیدند و گمنام گردیده‌اند. جا دارد که در تمامی دانشگاه‌های کشور تعدادی از این شهداء به خاک سپرده شوند و نماد ایثاری بر مزار آنان ساخته گردد و چه قدر شایسته می‌باشد که این نماد در منطقه ورودی درب دانشگاه‌ها واقع گردد که دانشجویان موقع ورود و خروج از دانشگاه‌ها نگاهی به آن بیندازند که قطعاً تأثیر خود را در احیاء فرضیه امر به معروف و نهی از منکر دانشجویان خواهد گذاشت.

۵. تبیین فرهنگ عاشورا جهت اعتلا بخشی به فاهیم امر به معروف و نهی از منکر

«نهضت عاشورا» مکتب الهام بخش و عبرت آموزی برای همه‌ی کسانی است که در پی زندگانی آرمانی الهی‌اند. این نهضت الهی برای آنان که حیات طیبه‌ی قرآنی را می‌جویند، اسوه است. عاشورا جریان ستیز دائم حق با باطل است، ستیز دائم نور با ظلمت. نهضت عاشورا حادثه‌ی دیروز نیست، بلکه حادثه‌ی عبرت آموز امروز، فردا و فرداهاست. بی‌تردید اساسی‌ترین عاملی که می‌تواند هیجانه‌های گسترده و مخرب فناوری اطلاعات را خنثی و بی‌تأثیر نماید، نهادینه شدن فرهنگ عاشورا در بین جوانان و نوجوانان و دانشجویان می‌باشد. تبیین فرهنگ عاشورا یعنی اشاعه و گسترش امر به معروف و نهی از منکر و راهکار و اقدامی اساسی در اعتلا بخشی به امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۶. بهره‌گیری از سلاح قدرتمند نماز

نماز حلقه‌ی اتصال انسان خاکی با پروردگار هستی می‌باشد. نماز آرامش بخش و مهذب کننده‌ی جوان و نوجوان از پلیدی‌ها و ناپاکی‌هاست. جوان و دانشجوی نماز خوان دیگر سراغ گناه نمی‌رود و گناه در چنین جوانی نفوذناپذیر است. اگر دانشگاه بتواند فرهنگ عظیم نماز را در دانشجویان مستحکم و پایدار نماید، راهکار و اقدامی عملی در پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر دانشگاه‌ها برداشته خواهد شد، به واقع توسعه و گسترش فرهنگ نماز خود از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در همه ابعاد آن به شمار می‌رود.

۷. استفاده از جملات کوتاه در فضاهای پر تردد در دانشگاه‌ها

راهکار و اقدام عملی و مؤثر دیگر در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها، استفاده از جملات کوتاه و تأثیر گذار در فضاهای پر تردد محوطه داخلی دانشگاه‌ها می‌باشد. این اقدام از آن جهت مؤثر است که در ذهن دانشجویان اثر می‌گذارد و آنان را برای لحظه‌ای هر چند کوتاه به تفکر و تأمل بر می‌انگیزاند. اصولاً برای آن که ما در اشاعه و توسعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها موفق ظاهر شویم باید از تمامی ابزارها و شیوه‌ها بهره‌گیری که استفاده از جملات کوتاه در فضاهای پر تردد دانشگاه‌ها یکی از آن اقدامات مؤثر و تأثیر گذار می‌باشد.

۸. تبیین و تشریح آثار فرهنگ مخرب ابتدال

نقطه مقابل معروف، منکر قرارداد، کسانی که مخالف توسعه معروف در جامعه هستند، از موافقان منکرات به شمار می‌روند. اگر برای دانشجویان دستاوردها و ثمرات بی‌شمار اصل امر به معروف و نهی از منکر تبیین و تشریح گردد و آثار فرهنگ مخرب ابتدال برای آنان به خوبی توضیح داده شود. دیگر به هیچ عنوان حاضر به ترک این اصل وزین اسلامی نخواهند کرد.

۹. تقویت ایمان و تقوی الهی در دانشجویان

ایمان در لغت به معنای ایمنی، اطمینان و آرامش است و در فرهنگ اسلامی به نوعی تسلیم و پذیرش قلبی گفته می‌شود که از شناخت واقعیات ماورای طبیعی چون خداوند پدید می‌آید و پای بندی به تمام یا بخشی از فرمان‌های الهی را به ارمغان می‌آورد.

انسان با ایمان و تقوی، به نظام هستی خوش بین بوده، به اداره کننده‌ی آن اعتماد دارد و با آرامش، اطمینان درونی و امید زندگی می‌کند، زیرا اداره کننده‌ی جهان و انسان را حقیقتی دانا، حکیم، توانا، بخشنده، خیر خواه و ... می‌داند. نه نادان و ناتوان است تا انسان نگران شود و نه تنگ نظر و بخیل تا زمینه‌ی اضطراب انسان فراهم آید. یقیناً تقویت ایمان و تقوی الهی در دانشجویان، راهکاری عملی در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشجویان به شمار می‌رود.

۱۰. برقراری سفرهای زیارتی برای دانشجویان امر به معروف و ناهی از منکر

مسئولان دانشگاه، جهت آنکه مشارکت دانشجویان در احیاء فرضیه امر به معروف و نهی از منکر را افزایش دهند، می‌توانند از ابزارهای تشویقی بهره گیرند، یکی از این اقدامات ترتیب دادن سفرهای زیارتی برای دانشجویان امر به معروف و ناهی از منکر می‌باشد. این سفرهای زیارتی می‌تواند حج عمره، عتبات عالیات، سوریه، مشهد و سایر اماکن مذهبی دیگر باشد. این اقدام در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها بسیار مؤثر می‌باشد.

۱۱. نمایش فیلم‌هایی با مضامین احیای امر به معروف و نهی از منکر برای دانشجویان

امروزه «فیلم» یکی از ابزارهای مهم و تأثیر گذار در تبلیغات بشمار می‌رود و تجربه نشان داده است که جوانان و دانشجویان از «فیلم» تأثیر زیادی می‌برند. بنابراین بسیار مناسب و شایسته خواهد بود که بتوان از این شیوه هنری در جهت احیاء فرضیه امر به معروف و نهی از منکر بهره گرفت. نمایش رایگان این فیلم‌ها در سالن‌های نمایش و در خوابگاه‌های دانشجویی، می‌تواند گامی عملی در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار رود.

۱۲. به اجرا گذاشتن قوانینی جهت حمایت از دانشجویان امر به معروف و ناهی از منکر

اقدام مؤثر دیگر در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها، تصویب قوانینی جهت حمایت از دانشجویان امر به معروف و ناهی از منکر می‌باشد. در این پروژه، دانشجویان فعال در این قلمرو شناسایی می‌شوند و آنانی که دارای سوابق ارشادی و تبلیغاتی بهتر و مؤثرتری بوده‌اند، جهت حمایت به مراجع ذیصلاح معرفی می‌گردند.

۱۳. اولویت بهره‌گیری از اساتید دینمدار در دانشگاه‌ها

اساتید نقش بسیار مهمی در جهت دهی فکری و اعتقادی دانشجویان دارند. استاد مؤمن و معتقد به مبانی اسلام، می‌تواند دانشگاهی را اصلاح و هدایت و استاد غیرمعتقد و مغرض، دانشگاهی را گمراه و منحرف می‌کند. بسیار شایسته خواهد بود که در جذب مدرسان دانشگاه اولویت به کارگیری با اساتید دین‌مدار و مؤمن باشد، یقیناً تمامی کلاس‌های درس، اساتید

دین مدار، کلاس‌های احیاء امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود و این اقدام یعنی پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها.

۱۴. ترویج و اشاعه آثار شهدای دانشجو و دانش آموز در دانشگاه‌ها

تاریخ دفاع مقدس حکایات عجیب و تکان دهنده‌ای از عشق راستین شهدا سراغ دارد که بهره‌گیری از آن‌ها همچون چراغی هدایتگر، مسیر درست زندگی را به جوانان و دانشجویان نشان خواهد داد. پس مطالعه در تاریخ دفاع مقدس و احوالات و وصیت نامه‌های شهداء، سدی مستحکم در برابر هجوم‌های مخرب فناوری اطلاعات می‌باشد. در جهت الگوبرداری از شهداء جا دارد، سخن امام خمینی (ره) را که بعد از شهادت نوجوان شهید «حسین فهمیده» بیان نموده بود را مرور نمایم:

«رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگ‌تر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.»

بنابراین قسمتی از تحقق امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها با ترویج و اشاعه آثار شهداء صورت می‌گیرد که نباید از آن غفلت ورزید.

۱۵. پرهیز از تندى و خشونت در امر به معروف و نهی از منکر

یکی از آداب اولیه امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از تندى و خشونت در امر و نهی ما می‌باشد. اصولاً «تندى، خشونت و تحکم» نتیجه معکوس می‌دهد و با این شیوه نمی‌توان انسانی را هدایت نمود. بنابراین بهره‌گیری از شیوه‌های نرم و مهربانانه در قالب دوستی، عشق و محبت می‌تواند به نهادینه شدن امر و نهی منجر گردد. به واقع باید پذیرفت که اجرای «امر به معروف و نهی از منکر» توسط ناهلان بجز ضایع شدن این فرضیه دستاورد دیگری نخواهد داشت. مراقبت بر اجرای درست این اصل، اقدامی عملی در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۱۶. تخصیص بخشی از تحقیقات دروس معارف به امر به معروف و نهی از منکر

درس معارف از دروس مشترک تمامی رشته‌های دانشگاهی به شمار می‌رود، با برنامه‌ریزی درست، منسجم و هماهنگ پیرامون این درس می‌توان نتایج قابل توجهی در توسعه امر به معروف و نهی از منکر از آن استخراج نمود. یکی از این اقدامات اختصاص بخشی از تحقیقات دروس معارف به امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، این اقدام از آن جهت حائز اهمیت می‌باشد که ذهن و تلاش دانشجویان را به این موضوع معطوف می‌نماید که این عمل خود اشاعه و ترویج امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۱۷. فرهنگ سازی جهت تحقیق و آزمایش برای گزینش دوست

تمایل به دوست و دوست‌یابی در دوران جوانی شدت بیش‌تری می‌یابد و معمولاً جوانان و دانشجویان در این دوران تأثیر بیشتری از دوستان دارند. امام علی (ع) با توجه به نقش و اثر دوست در زندگانی ایشان، پیوسته بر لزوم آزمایش و تحقیق برای انتخاب دوست سفارش نموده‌اند. در روایتی ایشان فرمودند: «در اختیار برادران «دوستان» آزمایش را مقدم بدار و احتیاط کن و گرنه اضطراب تو را به همراهی با اشرار ناچار سازد.

در حدیث دیگر آمده است: «هرکس برادری را بعد آزمایش کامل و نیکو، برگزیند. محبت او ادامه یابد و دوستی او محکم شود در این احادیث و ده‌ها حدیث مشابه دیگر که از پیشوایان دینی نقل شده‌اند بر آزمودن، سنجیدن و تحقیق برای

انتخاب و گزینش دوست فرمان داده و از اعتماد و اطمینان بر دیگران بدون آزمایش نهی شده و پیامدهای چنین کاری آمده است.

بنابراین فرهنگ سازی جهت تحقیق و آزمایش برای گزینش دوست، راهکاری عملی در نهادینه شدن امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۱۸. تبیین و تشریح معنای حقیقی زندگی

در تبیین معنای زندگی مادی و جهان بینی را در مقابل جوانان و دانشجویان ترسیم می‌نمایم.

۱- جهان بینی و بینش مادی ۲- جهان بینی و بینش الهی

در بینش مادی، انسان خود را همانند سایر موجودات، از جماد، گیاه و حیوان، پدیده‌ای کور و تصادفی می‌داند که به حکم طبیعت می‌بایست مدتی را بر روی کره‌ی خاکی بگذراند و سپس راهی دیار فنا و نیستی گردد، این طرز فکر، به دنبال تحول بزرگ فکری در «فرهنگ غرب» رواج پیدا کرد و سبب گردید که انسان به کلی از عالم معنا روی برتافته و یک سره تمام توجه خود را به سوی طبیعت مادی گرداند.

انسان بریده از خدا در چنین بینشی، امروزه به خوبی دریافته است که هیچ یک از چیزهایی که روزی آن‌ها را کعبه‌ی آمال خود قرار داده بود، نتوانسته است او را خشنود کند و زندگی او را از پوچی و بیهودگی رها سازد اما در جهان بینی و بینش الهی که متکی بر ایمان به خدا و عالم غیب است، قیافه‌ی جهان برای ما دگرگون می‌گردد. جهان سرد و ماشینی و بی‌روح که در بینش مادی وجود دارد، برای فرد با ایمان، جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا می‌گردد. که به زندگی انسان «روح، معنی و هدف» می‌بخشد، «ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنی می‌بخشد و آدمی را از پوچی و بیهودگی و تنهایی و غربت رها می‌سازد، بلکه به آن روح و صفا نیز می‌دهد، شوق و حرکت نیز می‌آفریند، گرمی و حرارت نیز می‌بخشد و آرامش آمیخته با رضایت نیز می‌دهد.

مطمناً تبیین و تشریح معنای حقیقی زندگی برای دانشجویان خود از مصادیق عملی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۱۹. فرهنگ سازی برای استفاده‌ی درست از وسایل نوین ارتباطی و اطلاع‌رسانی

رایانه، اینترنت، ویدئو، سی‌دی‌های صوتی و تصویری، ماهواره‌ها، و ... ابزارهای اطلاع‌رسانی برای رفاه و بهره‌گیری مناسب بشر می‌باشند که خود آن‌ها، معلول تکامل و پیشرفت علوم گوناگون می‌باشند. تمامی این وسایل فی‌نفسه شر و منفی نیستند، بلکه آن‌ها ابزارهایی در خدمت بشریت هستند. واقعاً اگر تمامی جوانان و دانشجویان، فرهنگ استفاده‌ی درست و صحیح از وسایل نوین ارتباطی و اطلاع‌رسانی را بدانند و به دنبال بهره‌گیری منفی از این ابزارها نباشند، یقیناً با یک وسعت دید و نگرش واقع‌بینانه‌ای به جهان خواهند نگرست و این وسعت دید، نگرش آن‌ها را به دنیا دگرگون خواهد ساخت. در این صورت هر یک از دانشجویان خود، محوری برای اصلاحات سازنده در سیستم‌های اطلاع‌رسانی خواهند بود، فی‌المثل بهره‌گیری درست و مناسب از «اینترنت» توسط دانشجویان «انقلاب عظیم علمی» در آنان ایجاد خواهد نمود و آنان جایگاه خویش را در جهان علم بهتر ارزیابی خواهند کرد و این خود محرکی رو به جلو برای آنان در دنیای به سرعت پیش‌رونده‌ی علم و دانش خواهد بود.

بنابراین آموزش استفاده‌ی درست از وسایل نوین ارتباطی و اطلاع‌رسانی خود راهکاری عملی در پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به شمار می‌رود.

۲۰. الگو قرار دادن زندگانی پیامبران و ائمه معصومین برای دانشجویان

با توجه به این که پیامبران و ائمه کامل‌ترین و نمونه‌ترین انسان‌های خلق شده در هستی می‌باشند، الگو قرار دادن آنان در تمامی مراحل زندگانی، گامی بلند در موفقیت و سربلندی سایرین در ادامه‌ی مسیر درست حیات می‌باشد، دانشجویان الگوبردار و عامل به سخنان پیامبران و اولیای الهی، پیاده سازان امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های دانشگاهی به شمار می‌روند.

۲۱. تبیین و تشریح فرهنگ خودی، ملی و اسلامی برای دانشجویان

بسیاری از تغییر مسیرها در زندگانی به ویژه برای دانشجویان از آن جا ناشی می‌شود که جوان و دانشجو فکر می‌کند که فرهنگ غربی بهتر و برتر از فرهنگ خودی و اسلامی است، از این جهت سعی می‌کند خود را هم‌رنگ و هم‌مشکل آنان جلوه دهد تا احساس خلاء و ناتوانی نماید. دانشجویان اگر دریابند که ما چه قدر پرمحتوا، با سابقه، متمدن و عظیم هستیم، هرگز دست نیاز و تکدی به سوی فرهنگ سراسر مادی غرب دراز نخواهند کرد و یقیناً بمباران تبلیغاتی وسایل نوین ارتباطی بر روی چنین دانشجویانی کار ساز نخواهد بود.

بنابراین تشریح فرهنگ خودی، ملی و اسلامی برای دانشجویان، اقدام عملی دیگر در پیاده سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها محسوب می‌گردد.

۲۲. احیاء و تقویت روحیه و فرهنگ بسیجی

فرمان دهی معظم کل قوا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین «فرهنگ بسیجی» چنین می‌فرمایند: «فرهنگ بسیجی، فرهنگ معنویت است، فرهنگ شجاعت است، فرهنگ غیرت است، فرهنگ استقلال و آزادگی است، فرهنگ اسیر خواست‌های حقیر نشدن است. خواست‌های زندگی برای همه مهم است، اما آن چه مهم‌تر است آرمان‌هاست ارزش‌هاست، هدف است، آن‌ها را باید مقدم داشت» به واقع فلسفه‌ی وجودی بسیج، حفاظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در برابر هر نوع تهدیدی، اعم از تهدیدهای فرهنگی، امنیتی، نظامی و ... می‌باشد. حفظ و رونق این تفکر، تضمین‌کننده‌ی عزت، استقلال و حیات دینی ماست. پس احیاء و تقویت روحیه و فرهنگ بسیجی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر در محیط دانشگاه.

۲۳. احیاء و تقویت غیرت دینی در دانشجویان

غیرت و جوان مردی از ویژگی‌های هر فرزند رشد یافته در جامعه اسلامی می‌باشد. منظور از غیرت دینی آن است که دانشجویان و جوانان جامعه‌ی اسلامی نسبت به مسائل اخلاقی و دینی جامعه و ترویج احکام و معارف الهی حساسیت داشته باشند. اگر در جامعه و دانشگاه اعمالی صورت می‌گیرد که با احکام اسلامی و الهی مطابقت ندارد، در برابر آن از خود عکس‌العمل نشان دهند. نماد عینی و کلی غیرت دینی در عصر حاضر، موضع‌گیری شجاعانه‌ی حضرت امام (ره) در تألیف کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی کافر است. ایشان پس از انتشار کتاب یاد شده که در آن به وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت (ص) توهین شده بود، فتوای قتل سلمان رشدی را صادر فرمودند و هم‌چنان بر اجرای آن اصرار می‌ورزیدند. دانشجوی سرشار از غیرت دینی هرگز در برابر ناهنجاری‌های دانشگاه بی‌تفاوت نخواهد ماند، بلکه در برابر زشتی‌ها و ناپاکی‌های اخلاقی و اجتماعی، به دور از هرگونه تساهل و تسامح به تکالیف الهی خویش عمل می‌کند.

شیعه در طول حیات خویش با دو نگاه همراه بوده است، «نگاه سرخ» و «نگاه سبز» با یکی قیام می‌کند و با دیگری آن را استمرار می‌بخشد. اگر دانشگاه و جامعه بتوانند به خوبی «فرهنگ انتظار» را در جوانان و دانشجویان، تبیین، تشریح و نهادینه نمایند، نفوذ و تخریب دانشجوی منتظر مصلح کل، کاری بس دشوار و امری ناممکن می‌باشد. به واقع با تقویت و نهادینه شدن این فرهنگ، نفوذ فرهنگ ابتدالی امری ناممکن می‌باشد. پس احیاء و تقویت استراتژی انتظار در دانشجویان روش تربیتی موفقی در بسط و توسعه امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها می‌باشد.

۲۵. برگزاری مسابقات تألیف کتاب دانشجویی با موضوع « امر به معروف و نهی از منکر

اقدام عملی و مؤثر دیگر پیرامون پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها، برگزاری مسابقه تألیف کتاب دانشجویی می‌باشد. در این حرکت فرهنگی، طی فراخوانی ما دانشجویان را به تلاشی نوشتاری و قلمی می‌طلبیم. در این مسابقه، ما ذهن دانشجویان را به «امر به معروف و نهی از منکر» معطوف می‌نمائیم. آثار برتر توسط دانشگاه به چاپ برسد و از نویسندگان برگزیده تقدیر و تجلیل به عمل آید، در کنار سایر بندهای پیشنهاد شده این عمل گامی مؤثر دیگر در پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها به‌شمار می‌رود.

جمع بندی و نتیجه

آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر، کاری بس ارزشمند و عظیم می‌باشد. نهادینه شدن این اصل مهم اسلامی، سعادت و سلامت جامعه را در تمامی ابعاد آن موجب می‌گردد. نظارت همگانی در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر روشی است که می‌تواند، جلوی انحرافات را گرفته و محیطی سالم را برای دانشجویان به ارمغان آورد. امام خمینی (ره) به خاطر اینکه نشان دهند که هیچ مقامی از نظارت بی‌نیاز نیست و هیچ کس نباید از نظارت مردمی رهایی یابد می‌فرماید: «نظارت کنند، اگر من یک پام را کج گذاشتم، ملت موظف است که بگوید: پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن، مسأله، مسأله مهم است، همه ملت موظف‌اند به اینکه نظارت داشته باشند».

در حقیقت، دگرگونی ارزش‌های اسلامی و مذهبی در دانشگاه‌ها به زمینه‌هایی احتیاج دارد و آن زمینه‌ها عبارت‌اند از: الف) از بین رفتن قبح گناه در دانشجویان، ب) گرایش به فرهنگ بیگانگان و از خود بیگانگی، ج) عیب نهادن برپای بندی به ارزش‌های اسلامی

پیامبر (ص) فرمود: حالتان چگونه خواهد بود زمانی (در آینده) که زنانان فاسد و جوانان فاسق گردند و شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک گوئید.

گفته شد: ای رسول خدا، آیا چنین چیزی خواهد شد؟ فرمود: بلی و بدتر از آن (هم خواهد شد) حالتان چون خواهد بود، آن گاه که معروف را منکر بدانید و منکر را معروف؟

بدیهی است، تحقق امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها کارائی و کارآمدی هر دانشگاهی را بالا می‌برد، بلکه گسترده‌ترین نوع، نظارت دانشجویی را نیز به ارمغان خواهد آورد.

باید برنامه‌ریزی جامع، منسجم و بلند مدتی را تدوین و به اجرا گذاشت که بر اساس آن سیاست‌ها تدوین و هدفمند به اجرا گذاشته شوند. چرا که دانشگاه سالم و دانشجویان دین‌مدار در محیط‌های رشد و نمو خواهند یافت

که اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در آن اجرا شود. ضمناً دانشجوی امر به معروف و نهی از منکر خود باید عامل به این اصل باشد. اگر در جامعه و دانشگاه اسلامی، همگان نسبت به معروف و منکر احساس مسئولیت داشته باشند، در آن

موقع توطئه‌های دشمنان در قالب تهاجم فرهنگی خنثی و نقش برآب خواهد شد و دانشجویان در محیطی سالم با تمام توان به فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی مشغول خواهند شد و سربلندی و عزت همه جانبه را برای ایران به ارمغان خواهند آورد. بنابراین مسئولان و مدیران دانشگاه‌ها، اساتید، تشکل‌های دانشجویی و همه دانشجویان با همفکری و تعامل باید ضمن آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه‌ها، راهکارهای عملی پیاده‌سازی این اصل مهم را تبیین و تشریح نمایند، که ماحصل آن دانشگاهی سالم و به دور از هرگونه منکرات خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد تمیمی، شرح غرر الحکم و دررالکلم، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۶۰.
۴. امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه، به اهتمام محسن امین، بیروت، ۱۹۸۶ م.
۵. ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسین بن علی بن الحسین، تحف العقول من آل الرسول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، زیر نظر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ه. ش.
۶. بشریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، مؤسسه نگاه معاصر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۷. ترکمان، محمد، رسائل، اعلامیه‌ها و مکتوبات و ... شیخ فضل‌الله نوری، ج ۱، ۱۳۶۲.
۸. حر عاملی، شیخ، محمدبن الحسن، وسایل الشیعه، تصحیح شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ه. ش.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، حکومت حکمت، خانه اندیشه جوان، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، المكتبة المرتضویه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۱۱. رسولی محلاتی، هاشم، شرحی بر زندگی حضرت یونس (ع): قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، ج ۲، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین، عبدالرحمن، جامع الاحادیث، قاهره، نشر اوقاف و امور خیریه مصر، چاپ اول، بی تا.
۱۳. صدوق (ره)، الحضال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۱۴. صدوق (ره)، امالی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۰۰ ه. ق.
۱۵. صدوق (ره)، معانی الاخبار، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲.
۱۷. طبرسی، احمدبن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، چاپخانه سعید، مشهد.
۱۸. طبرسی، شیخ، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ ۱۴۰۳ ه. ق، افست چاپ مطبعه العرفان صیدا سنه ۱۳۳۳ ه. ش.
۱۹. طوسی، شیخ الطائفه، محمدبن حسن، امالی، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، مؤسسه اعلمی بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. قرلسفلی، محمدتقی، بازخوانی اندیشه، نشر فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۷.
۲۲. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ه. ق.
۲۳. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مکتبه التراث الاسلامی، حلب، ۱۳۹۷ ق.
۲۴. مجلسی، مولی محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، جلد ۴-۱، قم، ۱۳۷۹.

۲۶. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
۲۷. نایینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، شرکت سهامی انتشار، بی تا.
۲۸. نوری طبری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۲۹. هاناه، آرنه، توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶.

بررسی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در توسعه گردشگری

فریبا یوسفی^۱

مهری اذانی^۲

چکیده

گردشگری، یکی از پویاترین فعالیت‌های اقتصادی عصر حاضر است؛ امروزه در بسیاری از کشورها، گردشگری نیروی اصلی بهبود و رشد اقتصادی محسوب می‌شود و با فراهم آوردن فرصتی راهبردی به اقتصاد محلی تنوع بخشیده، موجب اشتغالزایی شده، ایجاد درآمد می‌کند. انسان به دلیل اجتماعی بودنش، نیاز به جمعی دارد که انیس او باشند، تا از غم‌ها و سختی‌ها رهایی یابد و استعدادهای نهفته‌اش را به فعلیت برساند، و گرنه انسانیت انسان، بی معنا خواهد بود. ایران از جمله کشورهایی است هم به مقوله توسعه گردشگری تمایل دارد و هم به دلیل اسلامی بودن خود حفاظت از شئون اسلامی یا اجرای امر به معروف و نهی از منکر را از واجبات می‌داند. از آن جایی که در تمامی علوم دینی علما و بزرگان بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده‌اند می‌توان به اهمیت این موضوع و تأثیر آن بر پیکره جامعه پی برد. نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. هدف از انجام این پژوهش بررسی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در توسعه گردشگری می‌باشد. روش تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی است از یافته‌های این پژوهش می‌توان به ارائه راهکارهایی جهت ایجاد الگوی مناسب برای رشد گردشگری به همراه موازین اسلامی اشاره نمود.

واژگان کلیدی: گردشگری، امر به معروف، نهی از منکر، الگو، توسعه

مقدمه

در حال حاضر گردشگری بزرگ‌ترین صنعت خدماتی جهان شناخته شده است به طوری که رشد آن تغییرات اجتماعی و اقتصادی شدیدی را به دنبال داشته است. توجه به گردشگری از یک سو به علت اهمیت اقتصادی آن و از سوی دیگر به دلیل اثرات فرهنگی و اجتماعی آن است. صنعت گردشگری در بسیاری از کشورها با انگیزه دستیابی به منافع اقتصادی آن رشد کرده است. طبق آمارهای منتشر شده از سوی سازمان جهانی گردشگری دریافتی همه کشورها از محل گردشگری بین‌المللی در سال ۱۹۵۰ بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال ۲۰۰۷ به ۸۵۶ میلیارد دلار رسیده است و پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۱۰ به یک تریلیون دلار برسد (سلیمانی، ۱۳۸۶، ص ۵۵). گردشگری به عنوان صنعتی نوپا در سال‌های اخیر تأثیرات زیادی بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جهان داشته است. ایجاد اشتغال، ارزآوری، تعادل منطقه‌ای، کمک به صلح جهانی، کمک به سرمایه‌گذاری در میراث فرهنگی و جلوگیری از برون کوچی جمعیت و مانند آن، از جمله مزایای این صنعت بوده است (صدر موسوی و دخیلی کهنمویی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهند که صنعت گردشگری اکنون سومین صنعت پر درآمد پس از نفت و صنعت خودروسازی است. بر اساس آمارهای ارائه شده سالانه ۳/۵ میلیارد سفر انجام می‌شود که ۷۰۰ میلیون آن بین کشوری و ۲۸۰۰ میلیون مسافرت داخلی است. از مجموع این سفرهای بین کشوری سهم ایران یک میلیون و پانصد هزار سفر یعنی حدود ۰/۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا برنامه‌ریزی توریسم دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲. عضو هیات علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، مسئول کمیته پژوهش زنان واحد نجف آباد

درصد از سهم جهانی است. (WTO, 2005, Statistics) توسعه صنعت گردشگری در کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون نرخ بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک محصولی مواجه اند از اهمیت فراوانی برخوردار است. کشورهای در حال توسعه‌ی که دارای اقتصاد تک محصولی هستند به دلیل نوسانات این محصول در طول زمان متحمل صدمات جبران ناپذیری بر اقتصاد کشورهايشان می شوند. طبق آمارهای سازمان جهانی گردشگری کشورهای در حال توسعه سهم بسیار ناچیزی از درآمدهای جهانی مربوط به صنعت گردشگری را به خود اختصاص داده اند و این امر لزوم توجه به این موضوع را روشن تر می گرداند. ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای واقع در خاورمیانه کشوری مسلمان است و از لحاظ موقعیت طبیعی و جغرافیایی کشورهای اسلامی دارای چشم اندازهای زیبا و بکر هستند. کشورهای اسلامی عموماً در منطقه ای واقع شده اند که عنوان «برخ زمین» نام گرفته و یک اکوتوریسم طبیعی از منهای بی نهایت تا مثبت بی نهایت را شامل می شود. همین ویژگی می تواند یک انگیزه مهم برای سفر گردشگران به شمار آید. در کشورهای اسلامی از جنگل های حاره بارانی در کشورهای نظیر مالزی، اندونزی و سنگاپور گرفته تا مناطق بیابانی مصر، سودان و صحرا وجود دارد. همچنین کشورهای اسلامی در حوزه تمدن قدیم قرار دارند و این پتانسیل بالا در زمینه تجربه دوره های مختلف تاریخی، آن ها را تبدیل به کشورهای جذابی کرده است. گفته می شود ۷۰ درصد مسائل مربوط به تاریخ و تمدن کره زمین در محدوده کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته است. اهرام مصر سالیان متمادی است که گردشگران بسیاری را به خود جلب کرده است (بررسی صنعت گردشگری در ایران و کشورهای اسلامی، دفتر مطالعات اسلامی ۱۳۸۸:۴).

ایران نیز به لحاظ دارا بودن ابنیه و آثار تاریخی نظیر تخت جمشید، چغازنبیل، تخت سلیمان و شهر سوخته، جزء ۹ کشور اول جهان محسوب می شود. ایران همچنین به دلیل برخورداری از تنوع حیات وحش و طبیعت زیبای خود، در ردیف کشورهای مطرح جهان قرار دارد. مناطق جنگل های هیرکانی و خط الرأس های کوهستانی و پیست های اسکی هر یک می تواند به عنوان یکی از جاذبه های توریستی ایران برای گردشگران مسلمان به حساب آید. «هانس برگر» نویسنده آلمانی در مقدمه کتاب خود پیرامون سفرش به ایران در سال ۱۹۹۱ می نویسد: «نه تنها مردم ایران، بلکه دیدنی های این سرزمین، شگفتی آفرین است. مناظر متنوع، از مناطق کویری ایران مرکزی و کوهپایه های جنگلی مجاور دریای خزر در شمال تا شهرهای حاشیه خلیج فارس در جنوب ایران، در نهایت گونه گونی هستند و این تنوع را در میان فرهنگ ها، مردمان و اقوام ایرانی نیز می توان به خوبی مشاهده کرد.» تمامی این مسائل باعث شده تا دولتمردان و تصمیم گیرندگان در رأس امور کشور به فکر بهره برداری از این پتانسیل ها و ظرفیت های بیفتند تا با استفاده از عواید اقتصادی حاصل از توسعه گردشگری کشور را تبدیل به یک قدرت منطقه نمایند زیرا در اینصورت با حفظ استقلال ملی و مذهبی قدرت اقتصادی فراوانی نیز به دست خواهد آورد. اما آنچه باعث نگرانی برخی از افراد در خصوص توسعه گردشگری شده است تأثیرپذیری جامعه محلی به شکل منفی از حضور گردشگران است. در این مقاله به جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در توسعه گردشگری اشاره شده است. محقق براین باور است که رشد و توسعه گردشگری در کنار حفظ ارزش های اسلامی باعث رشد همه جانبه این صنعت در یک کشور اسلامی خواهد شد.

پیشینه تحقیق

مقالاتی فراوانی تا کنون در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و یا در حوزه گردشگری نگاشته شده است اما هیچ محقق در زمینه گردشگری و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر فعالیتی نکرده است و این مقاله نیز تنها مقدمه ای بر تحقیقات ژرف تر در این زمینه خواهد بود.

مبانی نظری

گردشگر: کسی است که به منظوری غیر از کار و کسب درآمد برای مدتی بیش از یک شب و کمتر از یک سال به سرزمینی جز محیط متعارف خود پای می‌گذارد و در آن اقامت می‌گزیند (رنجبریان زاهدی ۱۳۸۸:۴).

گردشگری: گردشگری (توریسم) شامل کلیه فعالیت‌هایی است که گردشگران در هنگام سفر انجام می‌دهند و به ایشان مرتبط می‌شود و این می‌تواند شامل برنامه ریزی برای سفر، جابجایی میان مبدأ و مقصد، و نظایر آن باشد. (رنجبریان زاهدی ۱۳۸۸:۵)

امربه معروف: در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات معروف و به تمام محرمات و مکروهات منکر گفته می‌شود بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب امربه معروف و بازداشتن آن‌ها از کارهای حرام و مکروه نهی از منکر است (فلاح زاده، ۱۳۸۴:۲۸۱).

نهی از منکر: به تعبیر صاحب کتاب التحقیق فی کلمات قرآن الکریم: منکر آن است که عقل سلیم نه تنها آن را نیکو نمی‌شمرد بلکه حکم به قبح و زشتی آن می‌کند و به تعبیر دیگر منکر آن است که عقل و شرع آن را به رسمیت نمی‌شناسند و عامل به آن را تقبیح و سرزنش می‌نمایند. راغب اصفهانی حتی از این نیز پا فراتر نهاده و در تعریف آن چنین آورده است «والمنکر کل فعل تحکم العقول الصحیحه بقبحه او تتوقف فی استقباحه و استحسانه العقول، فتحکم بقبحه الشریعه؛ منکر هر کاری است که عقل سلیم و صحیح حکم به زشتی آن نموده و یا در زشت و زیبا بودن آن واماند و شریعت حکم به قبح بودن آن نماید.»

جایگاه امربه معروف و نهی از منکر در آموزه‌های دینی

در نظام اعتقادی اسلام، امربه معروف و نهی از منکر، جایگاه خاصی دارد که بدون فهم آن، نمی‌توان جایگاه آن را در منظومه فکری امام علی علیه السلام دریافت. بدین روی به اجمال نظرگاه قرآن کریم را درباره این فریضه، یادآور می‌شویم:

— امت اسلامی، بهترین امت است؛ چرا که امربه معروف و نهی از منکر می‌کند و همین عامل رستگاری او است.

بدین ترتیب می‌توان گفت امربه معروف و نهی از منکر، از ضروریات ایمان و رستگاری امت است (سوره آل عمران، آیه - ۱۱۰)

— دست شستن از نهی از منکر و بی‌اعتنایی به رواج منکرات، نشان بدکرداری و تباهی انسان است. (سوره مائده، آیه ۶۳ و ۷۹)

— امربه معروف و نهی از منکر، کاری خدای است و خداوند از خود به عنوان کسی که به معروف فرمان می‌دهد و از منکر بازمی‌دارد، یاد می‌کند. (سوره نحل، آیه - ۹۰) از این نکته می‌توان نتیجه گرفت که عقل آدمی پیش از حکم شرع مستقلاً به پاره‌ای معروف‌ها و منکرها شناخت پیدا می‌کند.

— امربه معروف و نهی از منکر، مکمل فریضه‌هایی چون نماز و زکات است و غالباً در قرآن در کنار آن‌ها آمده است (سوره حج، آیه - ۴۱) که نشان‌دهنده بعد اجتماعی و عملی دین مبین اسلام است.

امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی، مانند جریان خون در رگ‌های یک پیکر است و سهل‌انگاری در این باره، بی‌رنگ شدن دین و مرگ تدریجی امت اسلامی را در پی خواهد داشت. توجه به این ویژگی، بعضی از فرق مسلمان را بر آن داشت تا آن را جزئی از اصول مذهب خویش بدانند. آفریدگار جهان نخستین کسی است که «امربه معروف و نهی از منکر» کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز به حقوق دیگران نهی می‌نماید؛ خداوند در قرآن کریم، بهترین ویژگی امت اسلامی را

انجام امر به معروف و نهی از منکر دانسته است، چنان که می‌فرماید: «شما بهترین امت هستید که به سود انسان‌ها آفریده شدید (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید...» و آن دو را بر فریضه‌های دیگری چون، اقامه نماز و پرداختن زکات، مقدم داشته و فرموده است: «مردان و زنان مؤمن، اولیای یکدیگرند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند.» در نتیجه، امت اسلامی را ملزم به انجام آن دو فریضه بزرگ نموده و می‌فرماید: «باید شما امتی باشید که به اسلام می‌خوانید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.» هر بررسی کننده آگاه و تیزبین، در بررسی تاریخ زندگی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) این نکته را به درستی مشاهده می‌کند که «امر به معروف و نهی از منکر» از کودکی تا پایان عمر، ارتباط ناگستنی با تمام مقاطع زندگی آنان داشته است و آنان، در تمامی مقاطع سنی از کودکی تا پایان عمر، پیوسته برپا دارند این فریضه بزرگ بوده‌اند و در برپایی آن توصیه فراوانی نموده‌اند. ائمه معصومان (علیهم السلام) در ادای این رسالت الهی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و حتی فراتر از محدوده رسالت خویش بر این کار اصرار ورزیدند. تلاش و اصرار آنان به سبب اهمیت این فریضه الهی بود. آن‌ها، به دلیل قلب سرشار از رأفت و رحمت، حاضر نبودند هیچ کس به منکرات آلوده شده، به خشم خدا گرفتار آید. تا آنجا که خداوند آنان را از این همه تلاش و دلسوزی باز می‌داشت: «گویا می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند!»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر و کتاب او است.» این روایت بیانگر این است که این فریضه بزرگ قبل از هر چیز یک برنامه الهی است و فلسفه ارسال رسل و نزول کتب آسمانی، همه جزء این برنامه است. با توجه به اهمیت این مسئله، دانشمندان اسلامی، آن دو را اساس و قطب دین خوانده‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر، از نظر عقل و شرع مقدس، از مهم‌ترین واجب‌ها، بلکه اساس شریعت حیات بخش اسلام و از برترین عبادت‌هاست.» به عبارت دیگر، «آن دو، قطبی است از اقطاب دین که همه انبیا را برای آن فرستاده‌اند؛ هنگامی که این فریضه الهی مندرس شود و از میان خلق برخیزد، همه شعائر شرع مقدس، باطل می‌شود (www.khorasancustoms.ir).

آفریدگار جهان نخستین کسی است که امر به معروف و نهی از منکر کرده است؛ قرآن کریم می‌فرماید: همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید! . امر به معروف و نهی از منکر نه تنها در دین اسلام مورد توجه است، بلکه دیگر ادیان آسمانی نیز بیشترین برنامه‌های تربیتی خود را از این طریق به اجرا در آورده‌اند. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر، عمری به درازای تاریخ دارد. حضرت آدم (علیه السلام) یعنی نخستین انسان روی زمین، دعوت کننده به نیکی‌ها بود و پس از وی نیز پیام‌آوران وحی و پیروان مؤمنان در انجام این دو فریضه مهم کوشیده‌اند. لذا بحث پیرامون امر به معروف و نهی از منکر موضوعی است که از دیر باز مورد توجه محققان و صاحب‌نظران بوده است. اما به دلیل گستردگی موضوع و مقتضیات زمان در هر عصری ابعاد متفاوتی از این دو فریضه الهی مورد پژوهش قرار می‌گیرد (http://masir-sabz.ir).

امر به معروف و نهی از منکر در سایر کشورها

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این کشورها غالباً تک بعدی عمل شده است و یکی از دو طرف حکومت یا مردم مورد توجه قرار گرفته و دیگری به عمد یا به سهو تا حدودی رها شده است. کشورهای اسلامی را در این می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

1. کشورهایی که به جنبه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر توجه نموده و بر همین اساس برنامه‌ریزی و اقدام می‌نمایند. مانند عربستان سعودی، سودان و کویت.

۲. کشورهای که جنبه مردمی امر به معروف و نهی از منکر در آن رونق بیشتری یافته است مانند مصر، پاکستان، بحرین، اردن و بنگلادش.
۳. کشورهای که به هیچ یک از دو جنبه مذکور توجه ندارند و حد آخر اینکه موردی برخورد می شود مانند قطر، لیبی و سوریه.
- وضعیت امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای دسته اول: در صدر این کشورها، عربستان سعودی قرار دارد که دارای تشکیلاتی مستقل، قانونمند و حکومتی با وظایف مشخص و اختیارات گسترده ای است. تشکیلات امر به معروف و نهی از منکر در این کشور ویژگیهای زیر را دارد:
- هیات یا شورای امر به معروف و نهی از منکر ریگی از عالی ترین شوراها نقش آفرین و تصمیم گیرنده در کشور است.
 - رئیس هیات با رتبه وزیری توسط پادشاه منصوب می گردد.
 - آیین نامه این نهاد توسط هیات وزیران تصویب شده است.
 - دولت در چارچوب تصویب لایحه ای از آمران به معروف و ناهیان از منکر این نهاد حمایت همه جانبه می کند.
 - ارتباط تنگاتنگ و هماهنگی بین نیروهای انتظامی و امنیتی با هیات مذکور وجود دارد.
 - در همه بخش ها و مناطق کشور، شعب امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد به نحوی که این مراکز بالغ بر صدها شعبه می باشد و امیر هر منطقه بر کار آنان نظارت دقیق و فعال دارد.
 - این مراکز قش اجرایی، قضایی، قضایی، فرهنگی و ارشادی ایفاء می نماید.
 - آمران به معروف و ناهیان از منکر با نام تشکیلاتی مطوع داری قدرت و نفوذ بسیاری بوده و با گشت زنی در خیابان ها و اماکن عمومی بر رعایت مظاهر اسلامی نظارت می کنند.
 - بودجه این مراکز تماماً از سوی دولت تأمین می شود.
- در کشور کویت «سازمان توسعه اجتماعی» تشکیل یافته است که وظیفه اصلی آن امر به معروف و نهی از منکر است در سودان «سازمان احیاء فعالیت های اسلامی» تا حدودی عهده دار این وظیفه است. در کشور مصر، نیرویی به نام پلیس آداب درون تشکیلات انتظامی وجود دارد که حوزه فعالیت آن محدود است.
- وضعیت امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای دسته دوم: در برخی از این نهادها و یا جمعیت های غیر دولتی اما تا حدودی منسجم فعالیت می کنند. در مصر، مساجد، کانون تشکیل هسته ها و شبکه هایی هستند که جمعیت های دینی خودیار را سازماندهی می کنند. این شبکه های وسیع از کارآیی خوبی برخوردار بوده و همواره موجب نگرانی حکومت شده است. جمعیت الشعریه، انصارالسنه المحمدیه و جماعه الهدایه نمونه ای از این جمعیت های فعال و مؤثر می باشند. در شکل گیری این جنبش. اخوان المسلمین نقش به سزایی داشته اند. اخوان المسلمین در کشور اردن نیز نقش آفرین می باشد. مرشد عام این جماعت در اردن، عضو دفتر ارشاد عام اخوان المسلمین کل می باشد. در پاکستان به دلیل تعدد احزاب، نهادهای مستقل غیر دولتی وجود دارد که پس از ثبت در فرمان داری، از وزارت امور مذهبی مجوز اخذ می کنند. اما عملکرد این نهاد بیش از هر چیز در چارچوب سیاستهای حزبی است. گروه (شباب ملی) وابسته به جماعت اسلامی پاکستان علاوه بر تذکر زبانی از برخورد فیزیکی نیز استفاده می کنند.
- وضعیت امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای دسته سوم: در برخی از کشورهای دسته اسلامی به دلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه، حرکت های پراکنده و سازمان نیافته ای از سوی مردم عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر

اجراء می شود و یا دولت بطور موردی با برخی منکرها برخورد می کند. در کشور امارات متحده عربی برای مردی که مزاحم نوامیس مردم شود. مجازات شدیدی در نظر گرفته شده و عکس مرد مزاحم به عنوان شخصیت منکر در روزنامه ها چاپ می شود. در اردن بخشنامه تفکیک محل کار کارمندان زن و مرد صادر شده است. در کشورهای مانند تونس، قطر، لیبی و لبنان نهاد . جهت یا گروه خاص غیر دولتی در جمعیت امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد و اجرای فریضه بطور انفرادی و در برخی موارد خاص صورت می گیرد. در مواردی نیز به ارشاد امر به معروف و نهی از منکر توسط ائمه جمعه نسبت به مردم خلاصه می شود. (<http://rahebehesht.org>)

گردشگری از دیدگاه معصومین

در سخنان معصومین (ع) به فواید گوناگون مسافرت اشاره شده است که از جمله می توان به: تحصیل سلامتی و نشاط جسم و روح، دانش اندوزی و کسب علم، آشنایی با بزرگان و آداب و اخلاق اجتماعی سایر ملت ها، پندگیری و عبرت آموزی، از بین رفتن غم ها و رنج ها، تأمین معیشت و کسب شغل، تفکر در نعمات الهی، تفریحات سالم و گذراندن اوقات فراغت، اشاره کرد (رحیم پور ۱۳۷۹:۱۳).

در درباره فواید مسافرت از حضرت علی (ع) چنین روایت شده است: برای نیل به تعالی و ترقی، از وطن های خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فائده است: سفر باعث تفریح و انبساط روح است و اندوه و آزرده گی ها را بر طرف می کند، مسافرت یکی از راه های تحصیل در آمد و تأمین معاش است، مسافرت وسیله فراگرفتن علم و تجربه است، مسافرت به انسان آداب زندگی می آموزد و آدمی در سفر با افراد با فضیلت و خلیق برخورد می کند و با آنان دوست می شود. لذا در بینش اسلامی و قرآن کریم سیر و سیاحت صرفاً به معنای وقت گذرانی، استراحت و تفریح و تماشای ظاهری نیست، بلکه در امور ظاهری و دنیایی از آن ها دیدار می شود و مسائل عمیق، پیچیده و هدف دار نیز وجود دارد که باید در طی این مسافرت ها به آن ها دست یافت (تنکابنی ۱۳۷۷:۱۴۶).

نقاط قوت پتانسیل های کشورهای اسلامی

حضور هر توریستی در هر کشور موجب ایجاد مشاغل مختلفی در داخل هر کشور خواهد شد. یکی از نقاط قوت کشورهای اسلامی، جغرافیای آن ها است. بسیاری از کشورهای حوزه اسلامی مثل مصر، ایران، ترکیه به دلیل برخورداری از قدرت فراوان دارای تمدن دیرینه ای هستند و آثار و امنیت فراوانی شامل مساجد میادین شهری، شهرهای قدیمی آثار تاریخی متعدد، بناهای متعدد، عبادتگاه ها و روستاهای قدیمی و خشتی و گلی و بسیاری از جاذبه های گردشگری که این می تواند عامل جذب مهمی برای جذب توریست خوب باشد. از نظر اکوتوریست نیز محیط جغرافیایی و طبیعی بسیاری از کشورهای اسلامی مثل مالزی، اندونزی، بخصوص لبنان، ایران و برخی از کشورهای دیگر عربی و افریقایی جهان اسلام دارای موقعیت آب و هوایی و طبیعت بسیار جذابی هستند که این مسئله باز هم می تواند عاملی برای جذب توریست باشد بنابراین از هر دو منظر و به لحاظ تمدن و امنیت و ساختمان و آثار تاریخی و چه به لحاظ مسائل زیست محیطی و طبیعی و جهانگردی و طبیعت گردی دنیای اسلام موقعیت بسیار خوبی دارد و به اصطلاح می تواند از صنعت توریست به عنوان منبع درآمد قابل توجهی بخصوص در برخی از کشورهای آن استفاده کند. تنوع فرهنگ، معیشت و زندگی در کشورهای اسلامی، امکان کسب تجربه های جدید را برای گردشگران فراهم می سازد. متأسفانه علیرغم جاذبه های فراوان این کشورها، کشورهای اسلامی سهم کمی از درآمد گردشگری در جهان دارند. براساس پیش بینی های سازمان جهانی گردشگری (WTO) تا سال ۲۰۲۰ میلادی، کشورهای واقع در افریقا، خاورمیانه و جنوب آسیا که بیشتر کشورهای اسلامی در این

مناطق قرار دارند، همچنان سهم اندکی از درآمدهای این صنعت را به خود اختصاص خواهند داد. این درحالی است که عمده کشورهای اسلامی نظیر مصر، ترکیه، ایران، لبنان، مالزی، تونس، اندونزی و مراکش در ردیف سرزمین های پرجاذبه هستند و جاذبه های مورد توجه گردشگران را دارند.

فضای معنوی کشورهای اسلامی برای گردشگر مسلمان و درخواست توریسم فرهنگی

اساساً فضای معنوی کشورهای مسلمان، خود دارای جاذبه است. بسیاری از مسلمانان دوست دارند به مناطقی سفر کنند که فرهنگ و ارزش های اسلامی بر آن ها حاکم است. رعایت ارزش ها و آداب اسلامی از جمله وجود غذاهای حلال و راحتی در انجام فرایض دینی، احساس امنیت و خاطری آسوده را برای گردشگران مسلمان فراهم می کند. بسیاری از کشورهای اسلامی درخواست توریست فرهنگی دارند. توریست فرهنگی به معنی این است که توریستی که به کشورهای اسلامی می آید به فرهنگ جهان اسلام احترام گذاشته و در عین حال با فرهنگ اسلامی آشنا شود. جهان اسلام از قدیم الایام یک گردشگری داخلی خودش داشته و آن زیارت است. میلیون ها زائر از مکه به مدینه و از مدینه به مکه می روند و بدین شکل جهان اسلام گسترش پیدا کرده است. دلایل زیادی را می توان در عدم موفقیت برخی کشورهای اسلامی در جذب گردشگر برشمرد. بسیاری از این کشورها علیرغم برخورداری از جاذبه های گردشگری مذهبی، تاریخی، فرهنگی و طبیعی، فاقد زیرساخت های مناسب هستند. کم توجهی در استفاده از فن آوری های نوین اطلاعاتی، ضعف برنامه ریزی و مدیریت کارآمد در این صنعت، از جمله دلایل عدم موفقیت کشورهای اسلامی در جلب گردشگر است. منافع فراوان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این صنعت، مسئولان گردشگری کشورهای اسلامی را بر آن داشته طی بررسی های کارشناسانه، به دنبال ارائه راهکارها و تدوین سیاست ها برای توسعه صنعت گردشگری در کشورهای اسلامی باشند. اصولاً امروزه برای تبادل فرهنگی و تمدنی راه های مختلفی وجود دارد که یکی از بهترین راه ها توریست است. حضور توریست در هر کشوری به مانند یک کلاس درس یاددهنده تاریخ، فرهنگ، تمدن و شاخص های رفتاری آن ملت است که می تواند به وسیله همان توریست به کشور خودش منتقل شده و هردو کشور با هم تبادل فرهنگی داشته باشند. حضور گردشگران در کشورهای اسلامی بسیاری از تبلیغات سوئی که علیه جهان اسلام می شود را خنثی خواهد کرد و این دستاورد بسیار مهمی است برای این کشورها محسوب می شد و نشان می دهد که بسیاری از این کشورها دارای ساختاری امن بوده و این به لحاظ سیاسی می تواند حتی پرستیژ کشورهای اسلامی را در جهان را ترمیم کند. بنابراین از منظر فرهنگ تمدنی و سیاسی نیز بحث صنعت توریست به شناساندن فرهنگ و تمدن اسلامی به دیگر کشورها کمک های شایانی می کند.

سرمایه گذاری مزیت مهم گردشگری برای کشورهای اسلامی

به دلیل مزیت هایی که صنعت گردشگری در زمینه ی فرهنگی و اقتصادی دارد، سرمایه گذاری در این بخش می تواند فرصتی برای کشورهای اسلامی و ملل مسلمان برای نزدیکی به یکدیگر از یکسو و رشد اقتصادی آن ها از سوی دیگر باشد. کشورهای اسلامی دارای پتانسیل های قابل توجهی در زمینه جذب گردشگر هستند. ذخایر تاریخی و گنجینه های فرهنگی - مذهبی در نقاط مختلف سرزمین های اسلامی، به عنوان یک مزیت برای جذب گردشگر به شمار می روند. سیاست نزدیکی کشورها به یکدیگر، اطلاع رسانی دقیق، ایجاد تسهیلات ویزایی، امکانات وسیع سفر و ساماندهی گسترده برای اقشار مختلف کشورهای اسلامی، نقش مهمی در توسعه گردشگری در بین کشورهای اسلامی دارد. این امر می تواند دولت های اسلامی را جهت رسیدن به یک زبان مشترک در زمینه توسعه گردشگری در کشورهای اسلامی یاری دهد.

سرمایه گذاری کشورهای اسلامی در صنعت گردشگری، موجب بهره مندی جوامع اسلامی از مزایای اقتصادی و فرهنگی آن می شود. به علاوه این مزیت را نیز دارد که به دلیل نزدیکی فرهنگی ملی مسلمانان به یکدیگر، تأثیرات منفی ناشی از گردشگری جهانی را به حداقل می رساند.

توسعه توریسم، مهمان نوازی اسلامی ایرانی

توسعه توریسم، مهمان نوازی اسلامی را که یکی از ویژگی های بارز مردم ایران است به جهان معرفی می کند. با اطلاع رسانی و تبلیغات صحیح بایستی یک تصور درست از مردم مسلمان ایران در اذهان جهانی به وجود آورد تا آن ها اسلام را منبع قوانین سخت تصور نکنند. تنها به کار بردن واژه توریسم اسلامی کافی نیست، باید دین اسلام و مقررات آن در تمامی رفتارها نمود داشته و فرهنگ متفاوتی از اسلام به جهانیان نشان داد. باید روی رفتار دوستانه مردم ایران سرمایه گذاری شود تا این خصلت به جهانیان معرفی شود. ایران تاریخ آگاهی رسانی به مردم با استفاده از رسانه ها، نخستین اصل مهم در توسعه این صنعت است. در حال حاضر مالزی به عنوان یکی از کشورهای اسلامی موفق در جذب گردشگر، هشت دفتر بزرگ را با سرمایه گذاری کلان برای آگاهی و اطلاع رسانی در نقاط مختلف دنیا دایر کرده است. یکی از اصول مهم در صنعت توریسم، ارتقا اطلاعات دقیق در داخل و خارج کشور است. همچنین در دسترس بودن اطلاعات یکی دیگر از اصول مهم توسعه توریسم است و منظور از در دسترس بودن تنها از نظر فیزیکی نیست بلکه باید بتوان راحت ترین و ارزان ترین جا را در اختیار مردم قرار داد. در دسترس بودن اطلاعات از طریق وب سایت و آن لاین بودن و همچنین تهیه بروشور و دسترسی به دفاتر اطلاعات از جمله مسائل ریز و مهم در جلب توریست است. اطلاعات باید کامل در اختیار گردشگر قرار گیرد تا هیچ مشکلی پیش نیاید.

برنامه ریزی مطابق با مقررات اسلامی

مدیریت کیفی در توریسم از دیگر مسائل مهم توسعه صنعت گردشگری در کشور است و مدیریت خوب باید به بسیج تمامی امکانات برای جلب توریست به بهترین نحو ممکن، منجر شود. برنامه ریزی باید مطابق با مقررات اسلامی صورت گیرد. همچنین با توجه به لزوم تقویت و توسعه صنعت گردشگری اسلامی و به خدمت گرفتن آن به عنوان یکی از راه های رسیدن به انسجام و درک متقابل در این گفتار به انواع گردشگری با محوریت گردشگری اسلامی پرداخته می شود. در تفکر دینی اسلام برای جهانگردی کارکردی خاص مورد توجه قرار گرفته است، به گونه ای که حرکت در زمین برای رسیدن به درکی بالا جهت ستایش قدرت مطلق و تأمل در نظام آفرینش خداوندگار باری تعالی از سفارش های مؤکد قرآنی است. گردشگری اسلامی دارای معانی زیادی است، اما چنانچه در معجم الوسیط آمده، اصطلاح امروزی آن بر معانی ویژه ای دلالت می کند. یکی از این معانی، سیر و سفر در کشورها برای گردش، آشنایی، جستجو و کشف و نه برای کسب درآمد و اقامت گزیدن می باشد. دین مبین اسلام نسبت به مفهوم گردشگری و سیاحت دیدگاه مستقلی دارد. اسلام گردشگری را حمل بر امور والا و ارزش های اخلاقی می کند چراکه این صنعت پیش از اسلام، دارای مفهومی مرتبط با تحمل رنج و مشقت روح و روان و نیز اجبار انسان برای سیر و سفر در زمین بود و با طلوع خورشید تابناک اسلام، خط بطلانی بر این مفهوم سلبی گردشگری کشیده شد. بنابراین کشورهای اسلامی باید بر این مفاهیم غنی و بر جاذبه های بی نظیر گردشگری در درون خود تکیه کرده و از باورهای دینی و آموزه های آن در جهت معرفی و ترویج این دین الهی بهره بگیرند و از فرصت حضور گردشگران برای انتقال این تمدن غنی استفاده نمایند. این در حالی است که بسیاری از کشورهای اسلامی از این قافله عقب مانده اند و چنین شیوه ای را مطابق الگوهای روز برای گسترش فرهنگ غنی خود به

رسمیت نمی شناسند. توریسم در اسلام از دیر باز وجود داشته و در حال حاضر یکی از مهم ترین الگوها برای جذب به این دین مبین و ترویج باورهای آن به حساب می آید. <http://emodiran.com>

نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد

همانگونه که عنوان گردید دو مقوله گردشگری و امر به معروف و نهی از منکر از مؤلفه های پر اهمیت هستند و توسعه گردشگری بدون در نظر گرفتن موازین اسلامی و رعایت امر به معروف و نهی از منکر در کشوری همچون ایران امکان پذیر نخواهد بود. اما آنچه در این میان بسیار حائز اهمیت است اینکه دولتمردان و تصمیم گیرندگان در رأس امور تنها می توانند برنامه ریزی کرده و یا قوانینی را که در آن هر دو این مؤلفه ها به بهترین شکل عملی شده باشند رعایت کنند اما اجرای هر چه شایسته تر آن تنها در سایه تعهد شهروندان است در واقع اگر هر فردی در جامعه ابتدا نسبت به این مهم و درجه اهمیت آن توجیه باشد می تواند با رفتار صحیح و مناسب خود الگوی مناسبی برای دیگران باشد به طوریکه اگر در یک منطقه یا شهر و استانی گردشگری رواج دارد شهروندان با برخورد و رفتار شایسته زمینه ساز حفظ ارزش های اسلامی در کنار گذران بهترین اوقات فراغت را داشته باشند. یک شهروند مسئول خود بایستی الگوی یک ایرانی مسلمان که در واقع نمایانگر یک فرد با فرهنگ و تمدن کهن اما با ارزش های معنوی بی نظیر است. مطالعات در زمینه ی رفتارهای انسانی نشاندهنده آن است که وقتی افراد نسبت به یک موضوع توجیه باشند یعنی آگاهی لازم و کافی را داشته باشند و با تفکر، تعقل و شناخت اهمیت موضوع را دریافته باشند سعی می کنند که در آن جایگاه بهترین باشند و نقش خود را به بهترین شکل اجرایی کنند اما آنچه در ایران کمتر شاهد آن هستیم این مسئله است که مردم نسبت به آموزه های دینی خود و اهمیت آن ها کمترین میزان آگاهی را دارا می باشند و از اینرو کمتر تمایلی به اجرای آن دارند در واقع زمانی که شهروندان می توانند خود الگوی ایران اسلامی باشند سعی در دور شدن از این مقوله و تاکید بر بی حجابی دارند زیرا به دلیل عدم شناخت کافی حجاب را یک پوشش اسلامی می دانند که تنها باعث محدودیت است در حالی که با مطالعه در کتب موجود و آموزه های دینی به خوبی می توان دریافت تاریخچه حجاب به پیش از اسلام باز می گردد و تاثیرات منفی بی حجابی بسیار فراوان بوده و حتی می تواند نابود کننده نیز باشد. اما آنچه در درجه اول اهمیت دارد اطلاع رسانی و ایجاد شناخت توسط رسانه ها و ... است افزون بر اینکه آموزش نیز نقش به سزایی خواهد داشت کشور ایران یک کشور جوان است در صورتی که آموزش ها صحیح باشد این بازوهای اقتصادی را به سمت ساختن جامعه ای پیشرفته اسلامی رهنمون خواهد ساخت.

منابع

۱. سلیمانی، علی (۱۳۸۶)، "مطالعه تطبیقی صنعت گردشگری در ایران و ترکیه"، مجله بررسی‌های اقتصادی، شماره ۲۳، صص ۵۰-۶۷.
۲. رحیم پور، دکتر علی، سید داوود سید حسینی، سیمای جهانگردی اسلامی، محیا، چاپ اول، تهران ۱۳۷۹.
۳. رنجریان، بهرام و محمد زاهدی "شناخت صنعت گردشگری" انتشارات چهارباغ: ۱۳۸۸
۴. محمد حسین فلاح‌زاده. آموزش فقه. چاپ بیست و سوم. قم: انتشارات الهادی، تابستان ۸۴. صفحه ۲۸۱.
۵. فرید تنکابنی، مرتضی، الحدیث (روایات ترتیبی از مکتب اهل بیت (ع))، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ یازدهم ۱۳۷۷، جلد دوم، ص ۱۴۶.

<http://emodiran.com>

<http://rahebehesht.org>

www.khorasancustoms.ir

<http://masir-sabz.ir>

نقش گردشگری اسلامی در تبیین امر به معروف و نهی از منکر

سحر موحدی^۱

مهری اذانی^۲

اطهر نورمحمدی^۳

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ هستند که بوسیله آن دو، بقیه واجبات و احکام الهی در جامعه برپا خواهد شد و کسب و کار مردم حلال می‌شود. علت آنکه در اسلام ابتدا امر به معروف شده اینست که اگر در جامعه زمینه‌های سالم و مثبت ایجاد شود، زمینه‌های منفی اجازه بروز پیدا نخواهد کرد. یکی از معروفاتی که در اسلام در آیات قرآن و احادیث به آن تأکید شده سیروسیاحت در سرزمین‌های مختلف است که امروزه خود به صنعتی جدید تبدیل شده است. سیروسیاحت باعث شناخت فرهنگ‌ها از یکدیگر می‌شود. فرهنگ‌ها از جاذبه‌های اصلی این صنعت بحساب می‌آیند که فضای معنوی کشورهای مسلمان خود بخشی از این فرهنگ‌ها و جاذبه‌هاست. هر کشور اسلامی براساس فرهنگ سرزمین خود مظاهر متفاوتی از الگوهای اسلامی را برای جهانیان به تصویر می‌کشد و این الگوهای فرهنگی نخست بر افراد جامعه و بعد به عنوان عامل جذب گردشگر عمل می‌کنند. کشورهای اسلامی باید بکوشند جهت انتقال مفاهیم سالم و انسان دوستانه اسلام در قالب پذیرایی از مهمان از فرامین و دستورات و ارزش‌های اسلامی در ارائه خدمات گردشگری خود الهام بگیرند تا بتوانند هر چه بهتر راه رسول اکرم (ص) که از سفر حج جهت انتشار اسلام به تمام جهان استفاده کردند، ادامه دهند. گردشگری اسلامی یک مفهوم کلی است که در آن نوع خدمات اعم از تغذیه و اقامت و برخورد با میهمان بایست طبق الگوهای اسلامی صورت گیرد تا افراد در اوقات فراغت خود در عمل با الگوهای اسلامی آشنا شوند و زمینه‌های منکر در این زمان در رفتار آن‌ها کمتر دیده شود. هدف از این پژوهش نشان دادن جایگاه گردشگری اسلامی در تبیین امر به معروف در فضاهای گردشگری می‌باشد. پژوهش براساس هدف کاربردی و براساس ماهیت توصیفی - موردی است که داده‌ها براساس منابع کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده و نتایج این پژوهش استفاده از فضای گردشگری در نمود عمل الگوهای اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: گردشگری - گردشگری اسلامی - امر به معروف و نهی از منکر

مقدمه

صنعت گردشگری ابزار مهمی برای شناساندن فرهنگ و محصولات فرهنگی داخلی به جهانیان است. عاملی است که موجب انتقال این محصولات به جهانیان می‌شود. و در کنار آن به سودآوری اقتصادی منتهی می‌شود. در آستانه ورود به هزاره سوم، گردشگری به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی جهانی در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. با وجود اهمیت فزاینده گردشگری، هنوز حدود قانونی مورد توافقی در سطح بین‌المللی در این زمینه به وجود نیامده است. در حقوق بین‌الملل در مورد آزادی مسافرت و پذیرش بیگانگان به کشور دو نوع طرز تلقی متفاوت وجود دارد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد s.movahedi@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد a.noormohamadi66@yahoo.com

عده‌ای طرفدار لزوم اعمال محدودیت در پذیرش و عده‌ای دیگر نیز طرفدار آزادی بی قید و شرط بیگانگان در ورود به کشور می‌باشند. پس در مجموع در این باره دو نظریه وجود دارد:

۱. نظریه لزوم اعمال محدودیت در پذیرش بیگانگان کشور

پیروان این نظریه معتقد هستند که دولت‌ها در قبول یا عدم قبول ورود بیگانه به کشور آزادی مطلق دارند. و این آزادی را می‌توان در مفهومی گسترده و نامحدود استفاده کرد. بنا به همین دیدگاه در صورتی که میان کشورها عهدنامه خاص وجود نداشته باشد در پذیرش اتباع بیگانه به خاک خود مقید به کمترین تعهد و الزامی نخواهند بود. (نصیر، ۱۳۵۰)

۲. نظریه آزادی بی قید و شرط ورود بیگانگان به کشور

طرفداران این نظریه عقیده دارند که دولت نمی‌تواند بنا به میل خود مانع ورود و خروج یا اقامت اتباع در کشور شود. پیروان این نظریه ورود پیروان به خاک کشور دیگر را در چارچوب حقوق بین الملل، حقی برای آن کشور و یک تکلیف تلقی می‌کنند (نصیر، ۱۳۵۰).

حال با توجه به مطالب فوق باید دید که جایگاه گردشگران غیر مسلمان در کشورهای اسلامی چیست و نحوه برخورد با آن‌ها باید به چه گونه باشد تا هم بتوان به نحو احسن فرهنگ دینی ملی خود را به آن‌ها معرفی کرد و هم اینکه آن‌ها را تحت فشار برای پیروی از بعضی اصول و مقررات قرار نداد؟

یکی از بخش‌های مهم صنعت گردشگری، هتلداری و خدمات مربوط به آن است که از دیر باز به اشکال مختلف در فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون مورد توجه بوده است. امروزه هتل‌ها و متل‌ها و استراحت‌گاه‌ها به ارائه خدمات گوناگون به مسافران می‌پردازند و با ایجاد مراکز خرید، سرگرمی، کلوپ‌های بهداشتی و رستوران‌ها بسیاری از نیازهای مسافران را حین سفر ایشان فراهم می‌کنند.

بنابراین یکی از بخش‌هایی که می‌توان برای توسعه و تبلیغ فرهنگ اسلامی روی آن سرمایه‌گذاری کرد، بخش هتل و رستوران است.

پیشینه تحقیق

مهدی الوانی، ۱۳۷۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «اثر پذیری و اثر گذاری فرهنگی» به این مورد اشاره می‌کند که هم در ایجاد فرهنگ و هم در انتقال آن باید بدانیم فرهنگی باقی می‌ماند که بر خلاف فطرت و سرشت انسانی نباشد.

سیداحمد حسینی، ۱۳۷۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به حقوق گردشگران غیر مسلمان در کشورهای اسلامی» به این نتیجه می‌رسد که هدف نهایی اسلام یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها می‌باشد و هیچ‌یک از اصول مترقی و زنده اسلامی مانع روابط حسنه و انسان دوستانه با دیگر ملت‌ها نمی‌شود.

عباس مخلصی، ۱۳۷۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط فردی با توریست‌های غیر مسلمان» به نکاتی چند در باره اصول حاکم بر روابط مسلمانان با گردشگران غیر مسلمان اشاره دارد. از جمله برخورد عادلانه، پرهیز از خیانت و ...

بحث

اسلام گردشگری را از دو منظر مورد توجه قرار داده است، اولاً گردشگری زمینه مشاهده جهان خلقت و دستاوردهای بشری و ثانی گردشگری مورد آشنایی فرهنگ‌های دیگر با فرهنگ اسلامی می‌شود. چنانچه امام خمینی (ره) می‌فرماید: می‌بایست علاوه بر سفرهای رسمی، سفرهای غیر رسمی هم بنماییم تا جهان را بیدار کنیم (امام خمینی، ۱۳۶۵).

در آیات قرآنی نیز به کرات به حضور بیگانگان در کشورهای اسلامی و نحوه برخورد با آن‌ها پرداخته‌اند. پر واضح است با توجه به چنین تأکیدهایی در زمینه‌ی گردشگری در اسلام به جنبه‌های گوناگون این صنعت توجه شده است. بنابراین بر هر جامعه‌ای که یک انسان به آن پناه می‌برد واجب است که او را پناه دهد و او را به جایگاه امنی برساند (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰).

اصولاً حقوق اسلامی حافظ جان، مال و حیثیت و آزادی غیر مسلمان است. به این شرط که تبعه دولت اسلامی یا از بیگانگان مقیم و یا از سیاحان باشد (حمیدالله، ۱۳۸۶).

گروه‌های غیر مسلمانی که براساس شرایط و آیین‌های و معیارهای پیمانی که با دولت اسلامی بسته‌اند وارد کشور اسلامی می‌شوند و به تمام موارد درج شده در متن قرارداد که مورد توافق گرفته است، پایبند باشند تا زمانی که به عنوان شهروند و یا میهمان، چه بازرگان و یا گردشگر، در کشور اسلامی به سر می‌برند و مادامی که پیمان خود را نشکسته‌اند و مدت قرار داد و اقامت آنان به پایان نرسیده است در جامعه اسلامی حقوقی دارند که رعایت حقوق آنان بر دولت و شهروندان واجب است از جمله:

- مصونیت و امنیت همه جانبه از لحاظ جانی، مالی، حیثی و شغلی
 - برخورداری از آزادی در انجام وظایف مذهبی و برگزاری مراسم ملی و دینی
 - آزادی در انجام احکام و اعمال شخصی برابر آیینی که دارند
 - در داد و ستد با مسلمانان و حضور در بازار تجارت و کسب آزادند
 - توهین به آنان و دشنام و ناسزاگویی به مقدسات آنان ممنوع است
- کدهای جهانی اخلاق گردشگری از سوی سازمان ملل متحده به منظور بهبود صنعت گردشگری و ایجاد تفاهات بین‌المللی از یک سو و از سوی دیگر برای دستیابی به توسعه پایدار و حفظ میراث گردشگری تدوین گردیده و در این کدها بیش از هر چیز بر حق گردشگری به عنوان بستر توسعه صنعت گردشگری تأکید دارد (معمودی، بشیری و باقری، ۱۳۷۷).

حال می‌توان با توجه به مطالب ذکر شده به بیان ویژگی‌های محصولات صنعت گردشگری و چگونگی تنظیم آن‌ها با الگوهای اسلامی پرداخت.

گردشگری محصولاتی را عرضه می‌کند که عمدتاً از جنس خدمات و با ویژگی‌های خاص هستند. که هر گونه تلاش برای توسعه این صنعت در کشور به عنوان یک قابلیت دارای مزیت اقتصادی برای کشور و منطقه به بار می‌آورد و این امر جز با شناخت صحیح جوانب گوناگون این صنعت و از جمله ویژگی‌های محصولات آن معقول به نظر نمی‌رسد. (ویژگی‌های خاص محصولات گردشگری و الزامات ناشی از آن‌ها، محمد زاهدی و امیر هرتمنی، ۱۳۸۴)

ایران نیز با توان فرهنگی بالا می‌تواند الگوهای ایجاد هتل‌های زنجیره‌ای را بر اساس الگوهای اسلامی پایه‌ریزی کند و با عرضه خدمات مطابق با الگوهای فرهنگی، مذهبی خود در جهت جذب گردشگران، شیوه جدیدی برای کسب درآمد ارزی داشته باشد.

خدمات تغذیه‌ای بعد از خدمات مربوط به تأمین اتاق مهم‌ترین خدمت به مسافر است، صنعت خدمات تغذیه‌ای یکی از قدیمی‌ترین تجارت‌ها در گردشگری پذیرفته شده است. این گونه خدمات در زمان‌های قدیم توسط کاروان‌سراها، دیرها و رستوران‌ها ارائه می‌شد.

شرکت‌هایی که مواد غذایی را به هتل‌ها و متل‌ها، اغذیه‌فروشی‌ها کنار جاده‌ها و مکان‌هایی چون سرویس‌های غذاخوری و فرودگاه‌ها و کشتی‌ها می‌رسانند، زنجیره عظیمی از اشتغال را بوجود می‌آورند. که از دو دهه گذشته این مشاغل رشد و گسترش سریع داشته‌اند. هم‌چنین شرکت‌های تهیه و توزیع غذای آماده که به صورت زنجیره‌ای فعالیت دارند موفقیت خوبی به دست آورده‌اند (قره‌نژاد، ۱۳۸۶). از جمله این غذاهای آماده، غذاهای حلال می‌باشد که نود درصد آن توسط کشور مسلمان مالزی به سراسر جهان صادر می‌شود که این خود نمونه‌ای از توسعه محصولات گردشگران با استفاده از الگوی اسلامی می‌باشد.

غذاهای محلی و یا ناحیه‌ای با طعم، کیفیت و اشکال متفاوت که تحت گاسترونومی نام برده می‌شود در جذب گردشگران داخلی و خارجی عامل بسیار تاثیرگذار می‌باشد. این چنین غذاها در سالن‌های خاص با معماری متفاوت عرضه می‌گردد. این چنین سالن‌های خاص نه تنها برای گردشگران خارجی و داخلی با یک تعارفات متفاوت غذا را ارائه می‌دهند، بلکه برای ساکنین حوالی خود نیز به صورت (Take away) بیرون بر، غذا به فروش می‌رسانند، چرا که غذای اینگونه از سالن‌ها با سرآشپزهای تحصیل کرده و مقید به رعایت روش‌های سنتی و مذهبی ناحیه خود تهیه و آماده می‌گردد.

یکی از خصوصیات بسیار مهم این گونه از سالن‌ها آشنا شدن گردشگران خارجی و یا سایر نواحی با افراد محلی است که طرح دوستی برقرار کرده و به تعداد دوستان خود اضافه می‌نمایند و هم‌چنین بده و بستان فرهنگی و عقیدتی بین شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد. از این نظر چنین سالن‌ها با وضعیتی خاص، گردشگران را بیشتر به سمت خود جذب می‌نماید. استفاده از آداب معاشرت اسلامی و سرو غذاهای متنوع حلال می‌تواند به عنوان فرهنگ پذیرایی ویژه در کشور برای مسلمانان و دیگر افراد علاقه‌مند به فرهنگ مسلمان به عنوان الگویی واحد مورد است قرار گیرند. و در کنار سرو غذا نمونه‌هایی از این فرهنگ غنی را در قالب برنامه‌های ویژه مخصوص مسلمانان همان کشور ارائه دهند (قره‌نژاد، ۱۳۸۸).

پس توصیه می‌شود مراکز تعلیم و آموزش حرف و مشاغل از یک سو به تربیت و آموزش آشپزهای حرفه‌ای برنامه‌ریزی نمایند و از سوی دیگر سازمان‌های مسئول توسعه گردشگری، سرمایه‌گذاری‌ها و استخدام افراد آموزش دیده را در مراکز گردشگری چه بخش عمومی و چه بخش خصوصی حتمی و غیرقابل اغماض تلقی نمایند. به علاوه جا دارد مسوولین در تأسیس سالن‌های غذاخوری و مهمان‌پذیری با خصوصیات فوق از نظر مالی و تکنیکی سرمایه‌گذاران را مورد حمایت و تشویق نمایند.

در این مرحله بسته به نوع کالا، عوامل جغرافیایی، درآمد و جمعیت کشور مورد نظر و محیط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صادرکننده، ممکن است نسبت به بعضی از کشورها یا بخشی از دنیا، تمایل خاصی برای نفوذ در آن کشور داشته باشد یا اینکه از ورود به آن بازار صرفه نظر نماید. ایران نیز جهت گسترش محصولات گردشگری خود بعد از به دست آوردن فهرست کشورها باید آن‌ها را از نظر اهمیت اولویت بندی و سپس غربال نماید. کشور راه ابریشم در مقاطع طبیعی خود، یا خاستگاه پویش دینی فراگیر بوده و یا ادیان بزرگ الهی به دلیل زمینه‌های فرهنگی موجودی قلمرو این راه رواج زیادی پیدا کرده‌اند، از این رو مسیرهای راه ابریشم مجموعه کاملی از بناهای دینی، مذهبی، زیارتی ادیان مختلف وجود دارند که برخی از آن‌ها در نوع خود از شاخص‌های معماری و هنری به شمار می‌روند که می‌توانند باعث جذب گردشگر به حساب آیند مثل تاج محل، مسجد سلطانیه. برای استفاده از این آثار پیوندهای فرهنگی و تاریخی و مذهبی ملل مختلف ساکن در مسیر این راه لازم است. با شناسایی شهرهای شیعه نشین کشورهای مسیر جاده ابریشم برنامه‌ای جامع جهت

بهره‌مندی از بازارهای مصرف محصولاتی با الگوی اسلامی فراهم می‌آید و این الگو را می‌توان در پیوند این کشورها تدوین کرد و فرهنگ زیبای اسلامی - شیعه را بیش از پیش به صورت عملی احیا نمود (مروارید، ۱۳۷۷).

کشور	شیعه	سنی	مسیحی	مسیحی گریگوری	کاتولیک	زرتشتی	ارتدوکس روسی	مذاهب بومی	هندو	سیخ	بدون دین	سایر مذاهب
آذربایجان	۵۲٫۸٪	۳۴٫۲٪										۱۳٪
ارمنستان		۲٫۴٪	۷۲٫۹٪		۴٪							۲۰٫۷٪
ازبکستان		۷۶٫۲٪									۱۸٫۱٪	۵٫۷٪
افغانستان	۱۷٪	۸۲٪										۱٪
ایران	۹۹٫۴۳٪	۱۶٪				۰٫۳٪						۳۸٪
ترکمنستان		۸۷٫۲٪					۱٫۷٪					۱۱٫۱٪
چین								۲۸٫۷٪	۱۰٪		۳۹٫۲٪	۲۲٫۱٪
عربستان	۱۰٪	۸۴٪	۳٫۵٪									۲٫۵٪
مصر		۸۴٫۴٪	۱۵٫۱٪									۵٪
هندوستان		۱۲٪	۷٪						۷۲٪	۲٪		۷٪

درصد مسلمانان کشورهای مسیر جاده ابریشم

منبع: اطلس گیتاشناسی

از آنجا که در اسلام مهمان نوازی بسیار سفارش شده و آداب خاصی در برخورد با مهمان وجود دارد، از این فاکتور می‌توان به عنوان اخلاق حرفه‌ای گردشگری شیعی استفاده کرد. می‌توان زیر ساخت‌های گردشگری را با استفاده از احکام و دستورات اسلامی بنا نمود مثل فرهنگ وقف، نحوه ارائه خدمات گردشگری بر اساس احکام اسلامی در نظر گرفته شود مثل غذای حلال و هتل‌های پاک که خدمات غیر شرعی در این هتل‌ها ارائه نمی‌شود.

الگوهای مناسب فرهنگی در هتل‌های پاک:

- ایجاد فضاهای مناسب عبادت ادیان مختلف در هتل‌ها
- ایجاد فضاهای فرهنگی خلاقانه جهت آشنایی مسافران فرهنگ اسلامی
- استفاده از معماری اسلامی در فضا سازی هتل‌ها
- استفاده از فرهنگ زیبای وقف در تأسیس هتل‌ها
- مهمان نوازی و احترام به حقوق مشتری می‌بایست در اینگونه هتل‌ها شاخص باشد و خود این برخورد ملاک تشخیص این هتل‌ها باشد.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

برای ورود به بازارهای بین‌المللی راه‌های گوناگون وجود دارد که هیچ کدام بهترین راه ورود به بازار نمی‌باشند. شرکت‌ها باید به هنگام تصمیم‌گیری جهت ورود به هر بازار، همه گزینه‌های ممکن و راه‌های مناسب را بررسی نمایند. بهترین روش آن است که شرکت در موقعیت مورد نظر از سایرین مناسب‌تر بوده و مسائل رقابتی را مورد توجه قرار می‌دهد. نوع بازار یک شرکت در هر کشور، به روش ورود شرکت به بازار آن بستگی دارد. برگزیدن راه و روش ورود به بازار خارجی، تأثیر مهمی بر راهبرد اصلی شرکت دارد. ایران نیز می‌تواند با توجه به حجم بالای توریست‌های مسلمان با ایجاد الگوهای پذیرایی مناسب و توسعه این الگو در خدمات زنجیره ای مثل هتل‌های پاک که با توجه به شرع اسلام شکل پذیرفته باشند، در رضایت خاطر و جلب نظر مسلمانان و حتی افراد علاقه مند استفاده انگونه خدمات، مؤثر واقع شود. علاوه بر آن می‌توان با گسترش این گونه هتل‌ها و رستوران به کاهش بسیاری از جرائم و مسائل غیر اخلاقی در جامعه پرداخت و به همین طریق به توسعه مساله امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رونق داد.

منابع

۱. اطلس گیتا شناسی (۱۳۸۹)، پژوهش و تألیف گیتا شناسی، زیر نظر سعید بختیاری، چاپ هامون
۲. الوانی، سید مهدی (۱۳۷۳)، "سازوکارهای لازم برای توسعه جهانگردی"، خلاصه مقالات برگزیده دومین اجلاس ایرانگردی و جهانگردی، فرهنگ و توسعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳. حمید الله، محمد (۱۳۸۶) "سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تنقیح از دکتر سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران
۴. جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۷۰) "تحقیق در دو نظام حقوقی جهانی بشر"، انتشارات دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تهران
۵. زاهدی، محمد و هرتمنی، امیر (۱۳۸۴) "ویژگی‌های خاص محصولات صنعت گردشگری و الزامات ناشی از آن"، مجموعه مقالات اولین همایش علمی منطقه ای توریسم و موانع و پیامدها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان
۶. قره‌نژاد، حسن (۱۳۸۸)، "صنعت گردشگری و تحلیل‌های اقتصادی آن"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، چاپ اول
۷. مخلصی، عباس (۱۳۷۶) "آمد و شد با جهانگردان غیر مسلمان"، مجله فقه، شماره ۱۴
۸. مروارید، محمد رضا (۱۳۷۶)، "راه ابریشم"، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد
۹. معتمدی، غلامرضا، بشیری، عباس و باقری، سعید (۱۳۷۷)، "قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران"، انتشارات ققنوس
۱۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۵)، "صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۵
۱۱. نصیر، محمد (۱۳۵۰)، "حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و سنت

شهین نصری

مقدمه

در بیشتر جوامع بشری افراد اندیشمند و صاحب نظر برای خود و دیگران مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدهای رفتاری را ترسیم می‌کنند. این موضوع در علم جامعه‌شناسی بدین صورت توجیه و تبیین شده است که هر جامعه‌ای برای تداوم بقاء و ضمانت مناسبات منطقی در بین افراد خود، مجموعه‌ای از قوانین و اصول نانوشته و نوشته را در نظر می‌گیرد که عموماً از آن با عنوان «ارزش‌ها» یاد می‌شود پاسداری از ارزش‌های اجتماعی بر همه افراد جامعه است که گسترش و ترویج آن به «امر به خیر و معروف» و جلوگیری از فروپاشی آن به «نهی از منکر» تعبیر می‌گردد.

در سال‌های اخیر در جامعه ما فرضیه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای فردی و اجتماعی مطرح و نهادینه شده است. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نه تنها دگرگونی سیاسی را به دنبال داشت بلکه حاصل مجموعه گسترده‌ای از تغییرات اجتماعی و فرهنگی بود ایجاد مشکلات متعدد از سوی بعضی عوامل داخلی و خارجی در برابر انقلاب و بویژه تحمیل جنگ هشت ساله موجب شد تا اهتمام مسئولان به رفع موانع فوق‌ترکز یابد، با خاتمه جنگ و افزایش توجه به مسائل اجتماعی-اقتصادی و همچنین رشد سریع جمعیت جوان کشور به تبع شرایط جدیدی بر جامعه حکمفرما شد خصوص اینکه پیشرفت‌های فناوری رسانه‌های جمعی، چشم‌انداز جدیدی را در جلوه‌های فرهنگی فراروی جوانان نهاد در اینجا باید متذکر شد فریضه امر به معروف و نهی از منکر میدان وسیعی از حوزه‌های رفتارهای فردی و اجتماعی را شامل می‌شود. لذا طبعاً توجه بیشتر بدان نه تنها در رفع معضلات فوق‌ترکز بلکه بر بسیاری دیگر حمایت‌های فردی و اجتماعی اثر مهمی می‌گذارد. می‌توان انقلاب اسلامی ایران را یکی از ثمرات مهم اصول امر به معروف و نهی از منکر در جنبه‌های سیاسی و حکومتی دانست که برای حفظ و گسترش آن باید واقع‌بینانه بدان اصول تمسک جست.

مطالعه و تحقیق درباره آن اصول و شیوه‌های توسعه آن می‌تواند از راه‌های مختلفی ارزیابی شود. قرآن و سنت ائمه معصوم انوار درخشانی را بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر تابانید و در این میان امام علی(ع) را که از همان اوان کودکی در قلب پیامبر اسلام(ص) پرورش یافت و در تمام مراحل بعثت دوشادوش آن حضرت قرار داشت و به تعبیری قرآن ناطق است می‌توان به عنوان میزبانی بس ارزشمند در باب شناخت آن فریضه برگزید.

اسلام که راهنمائیش به وسیله نمونه‌ای عامل و تجسم عینی دین مانند امامان است تنها با گفت و شنود مردم را به دین دعوت نکرد بلکه مهم‌ترین دلیل در مقابل مخالفین را خود انسان قرار داده زیرا همین انسان است که اسوه عملی بر بکارگیری دین در دنیا و عالی‌ترین حجت از ناحیه خدا بر ابطال کفار و مشرکین در آخرت خواهد بود. اسلام در ارائه فرهنگ نه تنها عامل به قانون می‌افزاید بلکه عاشق به قانون می‌آفریند. تنها هشدار نمی‌دهد بلکه هوشیار می‌سازد فقط عقل‌ها را بیدار نمی‌کند تعقل و اندیشه را به طور جاودان زنده می‌کند در مقطعی بیداری نمی‌دهد بلکه بینایی و بینش وسیع و دائم می‌بخشد با گوش سخن نمی‌گوید بلکه با جان مکالمه می‌کند چرا که هدایت را به صورت تنوری، فرضیه ارائه قانون با گفتار صادقانه برای گوش‌های شنوا مطرح نکرد بلکه هدایت را از تجسم‌های عملی از الگوهای نمونه در قالب احساسات و عواطف پاسداران با تعهد و التزام عملی به کار گرفت تا هدایت در مرتبه‌ای بالاتر به طور گسترده و عمیق در

جان‌ها و نفس‌ها به وسیله آمرین به معروف و ناهین از منکر تدثیر گذارد. به همین خاطر دین همیشه با مجری و راهنما بوده همانطور که فرمود: «انما انت منذر و لكل قوم هاد»^۱ همانا تو ترساننده ای و برای هر قومی هدایت کننده‌ای هست.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

همانطور که یک باغ بزرگ با رعایت شرایط و رسیدگی به نیازهای اساسی مرحله «داشت» از قبیل آبیاری به موقع، تأمین کود، هرس شاخ و برگهای اضافی، مبارزه با حشرات موزی، گیاهان انگلی، علف‌های هرز و ده‌ها آفت دیگر دوام می‌یابد و ثمربخش می‌گردد، اجرا و تداوم برنامه‌های اسلام و درخشش استعدادهای انسانی و نیز رسیدن به رشد و کمال در صورتی ممکن خواهد بود که شرایط مناسب فراهم شده و موانع و آفت‌های مختلف فردی و اجتماعی نابود گردد. از این رو خدای دانا و توان در قالب دو دستور مهم اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر به هر مرد و زنی حق نظارت بر همگان را عطا کرده و آنان را موظف می‌داند با نظارت دقیق بر محیط و مراقبت از اعمال خود و هم نوعان و مبارزه با زشتی‌ها و نادرستی‌ها، روح و روان پیکره اجتماع را از گرفتار آمدن به انواع بیماری‌ها و فرورفتن به هرزگی محفوظ دارند. در قرآن کریم آمده است: «بعضی از مردان و زنان مؤمن بر بعضی دیگر ولایت دارند امر به معروف می‌کنند و از زشتی باز می‌دارند»^۲

حضرت علی (ع) در مقایسه این دو واجب الهی با سایر برنامه‌های اسلام می‌فرماید: «همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون دمیدنی است به دریای پهناور و پرموج»^۳.

پیامبر گرامی اسلام در تمثیلی زیبا پیکره اجتماع را به کشتی تشبیه کرده و می‌فرماید: «اگر یکی از افراد سوار بر کشتی ادعا کند که من در کشتی حق دارم لذا می‌توانم آن را سوراخ و مسافران دیگر او را از اینکار بازدارند موجب هلاکت همگان خواهد شد زیرا غرق شدن کشتی هلاکت همگان را در پی دارد و اگر دیگران بی تفاوت نباشند و او را از این عمل باز دارند هم خود و هم او را نجات خواهد داد»^۴.

نکته قابل ذکر این که اسلام امر به معروف و نهی از منکر را تنها در مورد انسان‌ها مطرح نمی‌کند بلکه در مورد حیوانات نیز آن را مهم می‌شمارد.

امام صادق (ع) نقل می‌کند «در میان بنی اسرائیل پیرمردی عابد در حالی که به نماز ایستاده بود چشمانش به دو پسر بچه افتاد که پره‌های خروسی را می‌کنند عابد بی آن که آنان را از این کار بازدارد به عبادت خود ادامه داد، در آن حال خداوند به زمین دستور داد که بنده‌ام را در خود فرو بر»^۵.

در اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است؛ در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متفاوت بر عهده مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند به حضرت شعیب پیام داد که نم از بین قوم تو یکصد هزار نفر را به هلاکت می‌رسانم چهل هزار نفر از تبهکاران و شصت هزار نفر از خوبان آن‌ها. شعیب گفت: خدایا! آن چهل هزار نفر که تبهکارانند

۱. رعد، آیه ۷

۲. توبه، آیه ۷۷

۳. نهج البلاغه، ص ۴۲۹، قصار ۳۷۴

۴. صحیح بخاری، جلد ۲، ص ۸۸۲

۵. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۸

اما چرا خوبان را به هلاکت می‌رسانی؟ فرمود: برای این که آنان در مقابل گناهکاران بی تفاوت بودند و آنجا که من خشمگین می‌شدم خشمگین نشدند یعنی گناهان را دیدند لکن نهی از منکر نکردند.^۱

اصل مسئولیت همگانی

دین اسلام بر مسئولیت همگانی مسلمانان تأکید دارد. این مسئولیت یکی از شاخصه‌های امت اسلامی است که براساس آن همه افراد جامعه اولاً مسئول تمام نیک و بد خویش‌اند و ثانیاً تعهدات و مسئولیت‌های متعدد را برای حفظ سلامت جامعه و اعضای آن برعهده دارند. در کنار خطابات عمومی قرآن و مسائلی که در رابطه با جامعه مطرح است آیات بسیاری نیز وجود دارد که فرد فرد انسان را مخاطب قرار داده و از او مسئولیت می‌طلبد.

پیامبر اسلام در بیان این مسئولیت‌ها خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» همچنین درباره کسی که شب را به صبح رساند ولی به امور مسلمانان اهتمام نبخشد او را مسلمان نمی‌داند. علاوه بر این براساس خیرخواهی و دلسوزی که در متون اسلامی از آن به «نصح» تعبیر شده است مردم خود را در مسئولیت دیگران سهیم می‌بینند و سرنوشت همه را از خود و سرنوشت خود را مربوط به دیگران تلقی می‌کنند. (عمید زنجانی، بی تا، ص ۱۳۵)^۲

با مروری بر وقایع زمان پیامبر و خلفای راشدین مشخص می‌شود که مسلمان تربیت یافته صدر اسلام مقابل حکومت احساس مسئولیت و در مقابل کجی‌ها و اشتباهات آن اعتراض می‌کردند. آن‌ها را به عدالت و تقوا دعوت می‌کردند و خلاصه آنکه نظارت بر اعمال حکومت را حق خود می‌دانستند. از بین روایات بی شماری که در این خصوص وجود دارد این روایت مشهور است که عمر خلیفه دوم در آغاز خلافت بر فراز منبر نشست و خطبه مفصلی خواند و گفت اگر من از صراط حق و عدالت کج شدم شما مرا راست کنید.

یک فرد مسلمان دست به شمشیر کرده فریاد زد، اگر تو راست نشدی با شمشیر کج مستقیمت سازیم. (نائینی، ۱۳۶۵، ص ۱۶)

اصل مسئولیت که یکی از پایه‌های نظام اسلامی به شمار می‌رود متوجه زمامداران نیز می‌شود. بر همین اساس حضرت علی (ع) در رد مطلقیت و القا مسئولیت زمامدار طی فرمان تاریخی خود به مالک اشتر و در تذکرات متعدد تمامی راههای استبدادی را بر روی حاکم می‌بندد و او را از خود کامگی و خود محوری بر حذر می‌دارد و آن را مایه راه یافتن فساد در دل، ضعف در دین و نزدیک شدن سلب نعمت الهی می‌داند.

با توجه به نقشی که اصل مسئولیت در اداره امور جامعه داراست تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نظامی بر پایه ایمان به آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خود دانسته و با همین نگرش اصول دیگر را نیز تدوین کرده‌اند.

اصل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول دین اسلام است که تأثیر عمیق و گسترده بر حوزه زندگی اجتماعی دارد. واژه معروف اسم مفعول از ماده عرف است و به معنای شناخته شده و در مقابل آن منکر یعنی مورد ناشناخته و نامعلومی که کسی آن را نمی‌شناسد و یا مواردی که نخواسته‌اند شناخته شود. معرفت و عرفان به معنای شناختن و معروف به معنای شناخته شده و افعال و صفاتی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را شناخته و مورد تأیید قرار داده باشند. ایمان به خدا تفکر

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۱

و تعقل، تقوا، عدالت، نیکوکاری، احسان، نועدوستی وظیفه شناسی، امانتداری، وجدان کار، آزادی و نظایر آن را می‌توان از جمله افعال و اوصاف «معروف» دانست که هر وجدان پاکی طالب آن می‌باشد. همچنین با توجه به این مراتب امر به معروف عبارت است از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و داشتن صفاتی که به حکم عقل و از طرف شارع به نیکی توصیف شده باشد. منکر نیز به همه اعمال و اوصاف ناپسند اطلاق می‌شود که شرع و عقل آن را به رسمیت نمی‌شناسد، نظیر کفر، ستمگری، بخل، خیانت در امانت، استبداد و خودرأیی، اصرار در گناه، تن دادن به ظلم و نظایر آن که هر عقل سالمی از آن بیزار است. نهی از منکر نیز بر این اساس بر حذر داشتن دیگران از انجام افعالی است که از طرف شارع و به حکم عقل به قباحت و طشتی یاد شده باشد. قرآن کریم به طور مفصل امر به معروف و نهی از منکر را مورد بحث قرار داده است. (آل عمران/ ۱۱۴-۱۰۲ و توبه/ ۷۸- حج/ ۴۱-۳۹) توالی منطقی احکام قرآن درباره امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به ترتیب اول تشویق افراد به امر به معروف و نهی از منکر، (لقمان/ ۱۷) دوم- عبرت آثار نامطلوب ترک امر به معروف و نهی از منکر، (اعراف/ ۲۴-۲۳) سوم- وجوب امر به معروف و نهی از منکر برای مسلمانان (آل عمران ۱۰۴ و ۱۱۰) و چهارم- امر به معروف و نهی از منکر به عنوان خصلت مسلمانان (توبه/ ۷۹) ملاحظه کرد.

از مجموع آیات قرآن درباره امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آید که امر به معروف و نهی از منکر از جمله قوانین اجتماعی اسلام به شمار می‌رود که به تدریج بنابر قابلیت پذیرش و استعداد مسلمانان و با توجه به تکامل و گسترش اسلام تشریح گردیده و از قبیل واجباتی چون نماز و روزه است که اگر ترک شود مؤاخذه خواهد شد. بنابراین همواره عده‌ای در جامعه اسلامی مسئول انجام چنین وظیفه مهمی هستند.

حکمت نهفته امر به معروف و نهی از منکر در مدنی الطبع بودن انسان است، زیرا انسان‌های اجتماعی را به دنبال می‌آورد، بنابراین حفظ و پاسداری جامعه در مقابل هرگونه فساد و تباهی عقلاً اجتناب ناپذیر و شرعاً واجب است.

از لحاظ سیاسی نیز اصل امر به معروف و نهی از منکر همچون ابزار ممانع از برقراری حکومت‌های ظالم و استبدادی عمل می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر در این خصوص وظیفه ای همگانی است که براساس آن مردم نسبت به دولت و یکدیگر و همچنین دولت نسبت به مردم تکلیف دارند که برای نفی منکرات و نشر معروف‌ها اقدام کنند.

امر به معروف و نهی از منکر اهم بسیار قدرتمندی است که از طریق بسیج همگانی و مستمر دولت و ملت زمینه ساز و یکی از مصادیق مهم مشارکت جمعی افراد جامعه است زیرا مردم با مشارکت جمعی در انتخاب قوای مقننه و مجریه و انتخاب مجلس خبرگان رهبری برای تعیین رهبر، ابزار لازم را برای عملی شدن امر به معروف و نهی از منکر و نهادی شدن آن فراهم می‌آورند. بنابراین شاید بتوان گفت جایگاه مشارکت جمعی در رسوم همان جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در منابع و متون اسلامی است. (مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، ص ۴۷-۲۹)^۱

در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی که براساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل تأسیس یافته در اصل هشتم امر به معروف و نهی از منکر از وظایف همگانی و متقابل مردم و دولت ذکر شده است. نظارت همگانی و حضور مردم در صحنه جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر تحقق بخش حاکمیت مردم بر سرنوشتشان است که در اصل پنجاه و ششم از سوی خدا بر آن حاکم شده‌اند.

معروف و منکر در لغت و اصطلاح

واژه معروف از ریشه «عرف» به معنای شناخته شده و مشهود و نیز نیکی و کار نیک و واژه منکر مشتق از انکار و نکر به مفهوم کارهای زشت و ناپسند است.^۱ معروف در اصطلاح به کاری اطلاق می‌شود که حسن آن را عقل و یا شرع شناخته باشد و منکر اصطلاحاً عبارت از فعلی است که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارند به اولی از آن جهت معروف یا شناخته شده گفته‌اند که فطرت پاک آدمی با آن آشنا و مأنوس است و آن را می‌پذیرد ولی دومی چون با سرشت انسان بیگانه و نامأموس است منکر و ناشناخته شده نام گرفته است.^۲

مفردات راغب درباره معروف می‌گوید: «المعروف اسم لكل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه» معروف اسمی است که برای هر عملی که خوبی آن از نظر عقل و یا شرع مسلم باشد بکار می‌رود. قاموس قرآن نیز درباره معروف می‌گوید: هر عمل یا قولی که مطابق عقل و فطرت سلیم باشد و شریعت آن را تصدیق کند معروف می‌باشد. در کتاب مجمع البحرین راجع به معروف چنین آمده است: «المعروف اسم جامع لكل ما عرف من طاعة الله و التقرب اليه و الاحسان الى الناس» معروف اسم جامعی است برای هر چیزی که بیان می‌کند کارهایی که طاعت خدا را در برداشته و انسان را به خداوند نزدیک کند و نیز برای مردم نیکی و احسان را در برداشته و در مورد منکر مفردات راغب می‌گوید: «والمنکر كل خيل تحكم العقول الصّحیحه بقبحه» و مجمع البحرین در این باره می‌گوید: «المنکر الشئ القبیح اغنی الحرام» منکر چیز زشتی است که دین آن را به حرام تعبیر می‌کند.^۳

امربه معروف و نهی از منکر در قرآن

پرسش: امربه معروف و نهی از منکر از نظر قرآن چگونه است؟ پاسخ: امربه معروف و نهی از منکر از نظر قرآن در معنی «امربه معروف و نهی از منکر» است. «امر»: به معنی انجام کاری را خواستن یا سفارش دادن، یا فرمان دادن است (و اکراه به معنی وادار نمودن به انجام کاری است). امر در معنی دوم خود بطور ضمنی از جمله به معنی زیاد شدن - مسئول نمودن، مسئولیت دادن - پسندیدن - تشویق نمودن - افتخار داشتن، بکار رفته است. در دستور و زبان، امر می‌تواند با فعل امر باشد مانند: بنشین و می‌تواند در چهارچوب جمله خبری باشد، مانند: وقتی کر تمام شد افراد می‌نشینند (یعنی بنشینند) و فعل امر در دستور و زبان علاوه بر اینکه برای «فرمان دادن و خواستار انجام کاری شدن» می‌آید به معانی و منظوره‌های دیگری از جمله؛ ارشاد - التماس - تمنی - تخییر (برگزیدن) - تأدیب - استمرار (پیوستگی)، ... نیز می‌آید. مانند «اهدنا الصراط المستقیم» فعل «اهدنا» در جمله فعل امر برای استمرار است. و معنی جمله این است که: ما را پیوسته به راه و رویه میانی رهنمون کن! یعنی خواست و گزینش ما پیوسته رهنمون شدن به راه و رویه میانی است.

«معروف»: اسم مفعول است بمعنی چیزی که برای همگان شناخته شده است و در معنی دوم خود به معانی: هر چیزی که همگان آن را خوب و نیک بشناسند یا نیکی آن در خود آن باشد (برخلاف منکر) - نیکی، اصولی، منطقی، معقول - سخن و کار بجا و به مورد - میانه روی در بخشش، بکار رفته است.

۱. لغت نامه دهخدا

۲. امر به معروف و نهی از منکر، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص ۳۶

«نهی»: به معنی سفارش به خودداری نمودن از چیزی است. (منع به معنی: جلوگیری نمودن از انجام کاری است).
«منکر»: اسم مفعول است از مصدر انکار، به معنی: ناشناس، ناآشنا، شناخته نشده - چیزی که همگان آن را ناشایست و ناپسند می‌شناسند یا بدی و ناپسندی آن در خود آن است، مانند: مشروب (برخلاف معروف). و «امر به معروف و نهی از منکر» یعنی: سفارش و تشویق و آموزش دیگران به انجام هر چیزی که خوب است و سفارش و تشویق و آموزش آن‌ها به پرهیز از هر چیزی که بد است و «امر به معروف و نهی از منکر» نمودن از فرد تا فرد فرق می‌کند. مثلاً کسی که پزشک است یا روانپزشک در چهار چوب کار و مسئولیت و تخصص خود این کار را انجام می‌دهد و کسی که پدر است یا دوست است و یا غیره است نیز در کادر مسئولیت و جایگاه خود.

لقمان خطاب به فرزندش می‌گوید: یا بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذالک من غرم الامور.^۱

«پسرم نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبا باش که این از کارهای مهم و اساسی است.»

پسرم نماز را برپا دار چرا که نماز مهم‌ترین پیوند تو با خالق است نماز قلب تو را بیدار و روح تو را مصفی و زندگی تو را روشن می‌سازد.

آثار گناه را از جانت می‌شوید، نور ایمان را در سرای قلبت پرتو افکن می‌دارد و تو را از فحشا و منکر باز می‌دارد. بعد از برنامه نماز به مهم‌ترین دستور اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته می‌گوید: مردم را به نیکی‌ها و معروف دعوت کن و از منکرات و زشتی‌ها باز دار و بعد از این سه دستور مهم عملی به مسئله صبر و استقامت که در برابر ایمان همچون سر است به تن پرداخته می‌گوید: در برابر مصائب و مشکلاتی که بر تو وارد می‌شود صابر و شکیبا باش که این از وظایف حتمی و کارهای اساسی هر انسانی است.

مسلم است که در همه کارهای اجتماعی مخصوصاً در برنامه امر به معروف و نهی از منکر مشکلات فراوانی وجود دارد و سود پرستان سلطه جو و گنهکاران آلوده و خودخواه به آسانی تسلیم نمی‌شوند و حتی در مقام اذیت و آزار و متهم ساختن آمران به معروف و ناهیان از منکر بر می‌ای‌اند که بدون صبر و استقامت و شکیبایی هرگز نمی‌توان بر این مشکلات پیروز شد.^۲

«الدین یتبعون الرسول آلتی الامی الذی یحدونه مکتوباً عندهم فی التوریه و الانجیل یامرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر»^۳

«همانا که از فرستاده خدا پیامبر پیروی می‌کنند پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد و...»

این آیه درباره صفات کسانی است که مشمول رحمت و اسعه پروردگار هستند پیامبری که صفات و علامات و نشان‌ها و دلالت حقانیت او را در تورات و انجیل مشاهده می‌کنند پیامبری که محتوی دعوت او با فرمان عقل کاملاً سازگار است به

۱. لقمان، آیه ۱۷

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۵۳

۳. سوره اعراف، آیه ۱۵۷

نیکی‌ها و آنچه فرد آن را می‌شناسد و نزدش معروف است دعوت می‌کند و از بدی‌ها و زشتی‌ها و آنچه فرد ناشناس می‌شمرد نهی می‌نماید.^۱

در سوره آل عمران آیه ۱۰۴ می‌خوانیم: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون»^۲

«باید جمعی در میان شما دعوت به اکر نیک و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگارانند».

این آیه که در سوره آل عمران در مدینه نازل شده از دو جهت دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد از یک جهت واژه «ولتکن» که لفظ امر است و از جهت دیگر انحصار رستگاری در این عمل می‌باشد «اولئک هم المفلحون».

و دعوت «خیر» در آیه عبارت از «امر به معروف و نهی از منکر» است بنابراین جمله «یدعون الی الخیر» جمله جمیل و کوتاه است که جمله بعد آن را توضیح می‌دهد.

در آیه ۱۱۰ آل عمران می‌خوانیم: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله»^۳ «شما بهترین امتی بودید که پدید آمدید (از این رو که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.» در این آیه امت اسلام به عنوان بهترین امت معرفی شده‌اند به دلیل اینکه این دو وظیفه از وظایف واجب آن‌ها است. این آیه از سوره آل عمران است که این سوره در مدینه نازل شده است و این آیه به روشنی دلالت دارد بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اینکه این دو فریضه از فرائض واجب الهی در ردیف ایمان به خدا است.

در تفسیر نمونه در تفسیر آیه ۱۰۴ آمده است که امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد یکی مرحله فردی که هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته جمعی که امتی موظف‌اند برای پایان دادن به نابسامانی‌های اجتماعی دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند قسمت اول وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعاً شعاع آن محدود به توانایی فرد است اما قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می‌گیرد و چون جنبه دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می‌گردد و مسأله تقسیم کار را در سازمان حکومت اسلامی و لزوم تشکیل یک گروه نظارت بر وضع اجتماعی و سازمان‌های حکومت مشخص می‌سازد.^۴

«کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله»

در آیه فوق به دو نکته باید توجه نمود نخست اینکه «کنتم» «بودید» به صورت فعل ماضی ذکر شده یعنی شما در گذشته بهترین امت بودید درباره مفهوم این جمله گرچه مفسران احتمالات زیادی داده‌اند ولی بیشتر به نظر می‌رسد که تعبیر به فعل ماضی برای تأکید است و نظیر آن در قرآن مجید فراوان است که موضوعات مسلم در شکل فعل ماضی ذکر می‌شود و آن را یک واقعیت انجام یافته معرفی می‌کند. دیگر اینکه در اینجا امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم داشته شده و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی است به علاوه انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد و ضمان اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است.

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۰۳

۲. آل عمران، آیه ۱۰۴

۳. آل عمران، آیه ۱۱۰

۴. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۹

از هم گذشته اگر این دو وظیفه اجرا نگردد ریشه‌های ایمان در دل‌ها نیز سست می‌گردد و پایه‌های آن رو می‌ریزد و به همین جهات بر ایمان مقدم داشته شده است. از این بیان نیز روشن می‌شود مسلمانان تا زمانی یک امت ممتاز محسوب می‌گردند که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و آن روز که این دو وظیفه فراموش شدند مهم‌ترین امت‌اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود.

ضمناً باید توجه داشت که مخاطب در این آیه عموم مسلمانان هستند همانطور که سایر خطابات قرآن چنین است و اینکه بعضی احتمال داده‌اند که مخصوص مهاجران یا مسلمانان نخستین باشد هیچ گونه دلیلی ندارد.^۱

در آیه ۱۱۴ همین سوره می‌خوانیم: «یومنون بالله و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین»^۲

«به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند و آن‌ها از صالحانند»

این آیه دلالت دارد بر این که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه واجب مسلم در امت اسلامی است آنجا که خداوند عمل به آن را از نشانه‌های قیام به وظیفه و حق و صلاح دانسته است.

در سوره حج آیه ۴۱ می‌خوانیم: «الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور»^۳

«یاران خدا کسی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها در دست خدا است.»

در مورد یاران خدا چنین می‌گوید: آن‌ها که هرگز پس از پیروزی همچون خود کامگان و جباران به عیش و نوش و لهو و لعب نمی‌پردازند و در غرور و مستی فرو نمی‌روند بلکه پیروزی‌ها و موفقیت‌ها را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می‌دهند آن‌ها پس از قدرت یافتن تبدیل به یک طاغوت جدید نمی‌شوند ارتباطشان با خدا محکم و با خلق خدا نیز مستحکم است چرا که صلوه سمبل پیوند با خالق است و زکات رمزی برای پیوند با خالق و امر به معروف و نهی از منکر پایه‌های اساسی ساختن یک جامعه سالم محسوب می‌شود و همین چهار صفت برای معرفی افراد کافی است و در سایه آن سایر عبادات و اعمال صالح و ویژگی‌های یک جامعه با ایمان و پیشرفته فراهم است.

باید توجه داشت که مکننا از ماده تمکین به معنی فراهم ساختن وسائل و ابزار کار است اعم از آلات و ادوات لازم یا علم و آگاهی کافی و توان و نیروی جسمی و فکری.

«معروف به معنی کارهای خوب و حق است و منکر به معنی زشت و باطل چرا که اولی برای هر انسان پاک سرشتی شناخته شده و دومی ناشناس است و به تعبیر دیگر اولی هماهنگ با فطرت انسانی است و دومی ناهماهنگ.»^۴

در سوره عصر می‌خوانیم: «والعصران الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»^۵

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۶۵

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۴

۳. حج، آیه ۴۱

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۱۷

۵. عصر

سوگند به زمانه که انسان جداً در یک نوع زیان و خسران است مگر آنانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را وصیت و سفارش به حق و یکدیگر را وصیت و سفارش به صبر کردند.

تواصی به حق بنابر بهترین تفسیرها همان امر به معروف و نهی از منکر است چنانکه طبرسی در مجمع البیان گفته است: «فی وجوب التواصی بالحق و الصبر اشاره الی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر» در سوره توبه می‌خوانیم:

«والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمیون الصلوه و یتون الزکوه یتبعون الله و رسول اولئک سیرحهم الله عزیز حکیم»^۱

«مردان و زنان باایمان ولی یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌نمایند خداوند به زودی آنها را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد خداوند توانا و حکیم است.»

در آیه مورد بحث علائم و نشانه‌های مردان و زنان با ایمان بیان شده است که آن هم در پنج قسمت خلاصه می‌شود و درست نقطه مقابل یکایک صفات منافقان است. آن‌ها مردم را به نیکی‌ها دعوت می‌کنند مردم را از زشتی‌ها و بدی‌ها و منکرات باز می‌دارند، آن‌ها به عکس منافقان که خدا را فراموش کرده بودند نماز را برپا می‌دارند و به یاد خدا هستند و برخلاف منافقان که افرادی ممسک بخیل هستند بخشی از اموال خود را در راه خدا و حمایت خلق خدا به بازسازی جامعه انفاق می‌نمایند.

منافقان فاسق‌اند و سرکش و خارج از تحت فرمان حق اما مومنان اطاعت فرمان خدا و پیامبر او می‌کنند. این آیه قیام به امر به معروف و نهی از منکر را از اوصاف لازم مؤمنین قرار داده علاوه بر این که این موضوع از شئون ولایت بعضی از مؤمنین به بعضی دیگر است.

در سوره توبه آیه ۱۱۲ می‌خوانیم: «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المومنین»^۲

«مومنان کسانی هستند که توبه کنندگان و عبادت کنندگان و سپاسگزاران و سیاحت کنندگان و رکوع و سجود کنندگان و آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود و مرزهای الهی هستند و مژده بده به مومنان» این آیه فریضه امر به معروف و نهی از منکر را از اوصاف لازم مومنان شمرده است مومنانی که دارای کمال ایمان هستند و در راه خدا پیکار می‌کنند می‌کشند و کشته می‌شوند.

در قرآن در آیه ۶۴ سوره مائده می‌خوانیم: «لولا ینهاهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم التحت لبئس ما کانوا یصنعون»^۳

«چرا دانشمندان مسیحی و علمای یهود مردم را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی‌کنند چه زشت است عملی که انجام می‌دهند.»

در تفسیر صافی ذیل همین آیه از امام علی (ع) نقل شده فرمود: قبل از شما جمعیت‌هایی به هلاکت رسیدند از این رو که نافرمانی از خدا می‌کردند ولی دانشمندان آن‌ها را نهی از منکر نمودند.

۱. توبه، آیه ۷۱

۲. توبه، آیه ۱۱۲

۳. مائده، آیه ۶۴

و پیامبر فرمود: «اذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علم و من لم يفعل فعليه لعنة الله»
«وقتی بدعت‌ها آشکار شد بر دانشمند لازم است که علم خود را آشکار سازد و اگر چنین نکند لعنت خدا بر او است»^۱
و روشن است که غالب آشکار کردن علم به صورت امر به معروف و نهی از منکر است محمد عبده مؤلف تفسیر المنار
در اینجا گفتاری دارد که نقل آن جالب به نظر می‌رسد خلاصه آن چنین است:

«و از آنجا که برای هر جامعه و هر مجموعه واحد نگهبانان و پاسدارانی برای حفظ آن لازم است خداوند متعال ما را به
ایجاد ارگانی که حافظ و نگهبان جامعه ما محور وحدت و همگانی ما باشد اراد نموده است که در قرآن سوره آل عمران
آیه ۱۰۳ ما را به تمسک و چنگ زدن به رشته‌های محکم خدا (قرآن و اسلام) دعوت کرده است و در آیه ۱۰۴ همین
سوره فرموده است «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير...» و نیز در آیه ۱۱۰ فرموده است «كنتم خير امة اخرجت للناس...»
سپس مؤلف می‌گوید: قیام به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ناگزیر باید در سه مرحله و در سه سطح اجرا گردد:

۱. در سطح عموم امت اسلامی به گونه‌ای که هر فردی از مسلمین در حد توان خود دیگری را امر به معروف و نهی
از منکر نماید.

۲. در سطح همین امت اسلامی باشد ولی گروهی از افراد مخصوص خود را مجهز و آماده برای اجرای این دو
فریضه مهم نمایند و در این راه مقدمات لازم مانند علم و تجربه و تجهیزات مناسب و شرایط دیگر را فراگیرند.

۳. در سطح جهانی به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند و این کار نیز نیاز به گروه و جمعیت مخصوص از امت
اسلامی دارای تجهیزات لازم دارد که خود را برای دعوت جهانی آماده سازند و مردم جهان را با امر به معروف و
نهی از منکر خود به سوی سعادت و رستگاری دعوت کنند چنانکه اسلام مردم را به تمام شئون و ابعاد سعادت و
تکامل دعوت نموده است و لازم است که امت اسلام برای اقدام به این عمل مهم در سطح جهان مجهز و آماده
باشد و این آمادگی و مجهز شدن به طور کامل انجام نمی‌گیرد مگر در پرتو امور بسیار مانند:

۱. آگاهی کافی به محتوای دعوت اسلامی
۲. آگاهی به وضع مردم جهان از نظر روحیه و شئون زندگی و استعداد و شرایط محیط و فرهنگ و اخلاقیات
و حالات اجتماعی آنها.
۳. آگاهی به عوامل و ریشه‌های علم تاریخ عمومی داشتن تا در پرتو آن آلودگی‌های اخلاقی و عقیدتی و
فرهنگی اقوام به خوبی شناخته شود.
۴. جغرافیای عمومی کشورها و شهرها را بدانند تا خود را با شرایط هر شهر و نقطه‌ای آماده سازند.
۵. اطلاع بلکه مهارت کامل در روانشناسی چرا که بدون آن به هدف نمی‌رسند و روانشناسی نقش به‌سزایی
در نفوذ در دل‌ها دارد و گفتار انسان با بکارگیری از موازین روانشناسی در قلوب می‌نشیند.
۶. فراگیری علم اخلاق و آن علمی است که در آن از فضایل انسانی و چگونگی پرورش انسان‌ها و ضمناً
تهذیب آنها از آلودگی‌های اخلاقی و راههای پاکسازی از آن بحث و بررسی می‌شود.
۷. جامعه‌شناسی زیرا بدون شناخت جوامع در این امر مهم توفیق کامل حاصل نمی‌شود.
۸. آگاهی به علوم سیاسی و منظور از این علم آگاهی به وضع و سیستم دولت‌های زمان و ارتباطات آنها با
همدیگر از نظر حقوقی و قراردادهای و امور دیگر که با استقلال و عدم استقلال همه جانبه آنها مرتبط
می‌گردد.

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۱۰

۹. دانستن زبانهای مختلف ملت‌هایی که می‌خواهند آن‌ها را به سوی اسلام دعوت کنند و در کتاب صحیح بخاری آمده: پیامبر (ص) به بعضی از اصحاب امر کرد که زبان عبرانی را به خاطر برخورد با یهودیانی که در مدینه و اطراف مدینه بودند بیاموزند.

۱۰. فراگیری دانش‌های متداول و معمول ملت‌های معاصر که تصمیم بر دعوت آن‌ها به سوی اسلام در تمام ابعادش گرفته می‌شود.

۱۱. آگاهی به ادیان مکتب‌ها و ایسم‌های گوناگون ملت‌ها تا بیان بطلان آن مذاهب برای دعوت کنندگان آسان باشد.^۱

در سوره مائده می‌خوانیم: «یا ای‌ها الذین امنوا علی‌ام انفسکم لایضركم من ضل اذا اهدیتم الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعملون»^۲

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مراقب خود باشید هنگامی که شما هدایت یافته‌اید گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند به شما زبانی نمی‌رساند بازگشت همه شما به سوی خداست و شارا از آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌سازد.»
آیه فوق اشاره به موضوع رستخیز و حساب و رسیدگی به اعمال هر کس کرده و می‌گوید: بازگشت همه شما به سوی خداست و به حساب هر یک از شما جداگانه رسیدگی می‌کند و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد.
بعضی چنین پنداشته‌اند که میان این آیه و دستور امر به معروف و نهی از منکر که از دستورات قاطع و مسلم اسلامی است یک نوع تضاد وجود دارد، زیرا این آیه می‌گوید شما مراقب حال خویشان باشید انحراف دیگران اثری در وضع شما نمی‌گذارد.

اتفاقاً از روایات چنین برمی‌آید که این نوع سوء تفاهم و اشتباه حتی در عصر نزول آیه برای بعضی از افراد کم اطلاع وجود داشته است.

جیربن نفیل می‌گوید: در حلقه جمعی از یاران پیامبر نشسته بودم و از هم کم سن تر بودم آن‌ها سخن از امر به معروف و نهی از منکر به میان آوردند من به میان سخن آنان پریدم و گفتم مگر خداوند در قرآن نمی‌گوید: «یا ایها الذین امنوا علی‌ام انفسکم لایضركم من ضل اذا اهدیتم» بنابراین امر به معروف و نهی از منکر چه لزومی دارد! ناگاهی همگی یک زبان مرا مورد سرزنش و اعتراض قرار دادند و گفتند آیه ای از قرآن را جدا می‌کنی بدون اینکه معنی و تفسیر آن را بدانی؟ من از گفتار خود سخت پشیمان شدم و آن‌ها به بحث در میان خود ادامه دادند هنگامی که می‌خواستند برخیزند و مجلس را ترک گویند رو به من کرده و گفتند: تو جوان کم سن و سالی هستی آیه ای از قرآن را بدون اینکه معنی آن را بدانی از بقیه جدا کرده ای ولی شاید به چنین زمانی که می‌گوییم بررسی که بینی بخل مردم را فرا گرفته و بر آن‌ها حکومت می‌کند، هوی و هوس پیشوای مردم است و هر کس تنها رأی خود را می‌پسندد در چنان زمانی مراقب خویش باش گمراهی دیگران به تو زبانی نمی‌رساند (یعنی آیه مربوط به چنان زمانی است) بعضی از راحت طلبان عصر ما نیز هنگامی که سخن از انجام دو فریضه بزرگ الهی امر به معروف و نهی از منکر به میان می‌آید برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت به این آیه می‌چسبند و معنی آن را تحریف می‌کنند در حالی که با کمی دقت می‌توان دریافت که تضادی در میان این دو دستور نیست زیرا اولاً آیه مورد بحث می‌گوید حساب هر کس جداست و گمراهی دیگران مانند نیاکان و غیر نیاکان لطمه‌ای به

۱. امر به معروف و نهی از منکر، ص ۴۴-۴۵

۲. سوره مائده، آیه ۱۰۵

هدایت افراد هدایت یافته نمی‌زند حتی اگر برادر هم باشند و یا پدر و فرزند بنابراین شما از آن‌ها پیروی نکنید و خود را نجات دهید.^۱

ثانیاً این آیه اشاره به موقعی می‌کند امر به معروف و نهی از منکر کارگر نمی‌شود و یا شرایط تأثیر آن جمع نیست گاهی بعضی از افراد در چنین موقعی ناراحت می‌شوند که با این حال تکلیف ما چیست؟ قرآن به آن‌ها پاسخ می‌دهد که برای شما هیچ جای نگرانی وجود ندارد زیرا وظیفه خود را انجام داده‌اید و آن‌ها نپذیرفته‌اند و یا زمینه پذیرشی در آن‌ها وجود نداشته است بنابراین زبانی از این ناحیه به شما نخواهد رسید.

از پیامبر درباره این آیه سؤال کردند فرمود: «ایتمروا بالمعروف و تنهوا عن المنکر فاذا رأیت دنیا مؤثره و شحاً مطعماً و هوی متبعاً و اعجاب کل ذی رأی برایه فعلیک نجویسه نفسک و ذرعوامهم»

امر به معروف کنید و نهی از منکر اما هنگامی که ببینید مردم دنیا را مقدم داشته و بخل و هوی بر آنها حکومت می‌کند و هر کس تنها رأی خود را می‌پسندد و گوشش بدهکار سخن دیگری نیست به خویشتن پردازید و عوام را رها کنید. در هر حال شک نیست که مسأله امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین ارکان اسلام است که به هیچ وجه نمی‌توان شانه از زیر بار مسئولیت آن خالی کرد تنها در موردی این دو وظیفه ساقط می‌شود که امیدی به تأثیر آن نباشد و شرایط لازم در آن جمع نگردد.^۲

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

نخست باید این نکته مهم را گوشزد کرد که نباید از کلمه شرایط این توهم رخ دهد که امر به معروف و نهی از منکر با اهمیت کم نظیری که دارد دارای قید و شرط بوده و به اصطلاح واجب مشروط است مانند وجوب حج و زیارت خانه خدا در مکه بلکه آن در اساس و به طور اصولی واجب بی قید و شرط بوده و به اصطلاح واجب مطلق است مانند نماز که اصل وجوبش برای مکلف هیچ قید و شرطی ندارد. به هر حال مشهورترین این شرایط به قرار ذیل است:

۱. علم و دانش تا در سایه آن معروف و منکر را بشناسد و از غلط و خطا مصون باشد.

۲. احتمال تأثیر

۳. اطمینان از نبودن مفسده و ضرر مالی و جانی این سه شرط عمده را می‌توان در یک شرط جامع خلاصه کرد و

آن عبارت است از قدرت داشتن اعم از مادی و معنوی چنانکه در آیات قرآن و روایات می‌بینیم دعوت به خیر و

صلاح و اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر کار سهل و آسانی نبوده و با شهوات و هوی و هوس‌های

هوسبازان تصادم دارد.^۳

در رساله در رابطه با شرط اول شناختن معروف و منکر می‌خوانیم: کسی که می‌خواهد امر و نهی کند بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد واجب است به جا آورد و آنچه به جا می‌آورد باید ترک کند و بر کسی که معروف و منکر را نمی‌داند واجب نیست.^۴

بدیهی است که هر موضوعی باید ابتداء معلوم باشد تا بشود درباره آن حکم کرد و اگر معلوم نباشد حکم درباره آن

مفهوم ندارد.

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۰۴

۲. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۱۱

۳. تقیه / سید احمد شبستری، ص ۱۲۳

۴. رساله علمیه امام خمینی، مسأله ۲۷۹۱

قرآن کریم انسان را از موضوعی که علم بر آن ندارد بر حذر داشته چنانچه می‌فرماید: «ولاتقف ما لیس لک به علم»^۱ از آنچه به آن آگاهی نداری پیروی مکن.

نیز همراه با تعجب و تقبیح کسانی که درباره خدا چیزی را می‌گویند که علم به آن ندارند می‌فرماید: «ام تقولون علی الله ما لاتعلمون»^۲ یا اینکه خبری را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید.

همچنین در جای دیگر چنین کاری را از افعال شیطان قلمداد کرده می‌فرماید: «وان تقولوا علی الله حالا تعلمون»^۳ شیطان فرمان می‌دهد و آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.

علی(ع) از رسول خدا(ص) نقل می‌کند، فرمود: «لایامر بالمعروف و لاینهی عن المنکر الا من کان فیه ثلاث، عالما بما یامر به، عالما بما ینهی عنه» امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند مگر کسی که دارای سه خصلت باشد: (سوم آن که) به آنچه امر می‌کند دانا یا نهی می‌نماید عالم باشد.

از امام صادق(ع) نقل شده فرمود: «انما یامر بالمعروف و ینهی عن المنکر من کان فیه ثلاث خصال: عالم لما یامر به...» تنها کسی امر به معروف و نهی از منکر می‌کند که دارای سه خصلت باشد به آنچه امر می‌کند عالم باشد...

از علی(ع) نقل شده فرمود: امر به معروف کنید و نهی از منکر نمایید و ممکن نیست برای کسی امر به معروف و نهی از منکر نماید مگر اینکه سه خصلت داشته باشد که از جمله آن‌ها این است: «عالم بما یامر به، عالم بما ینهی عنه» به آنچه امر می‌کند عالم و از آنچه نهی می‌کند دانا باشد.

مسئله بن صدقه می‌گوید: از امام صادق(ع) سؤال از امر به معروف و نهی از منکر شد که آیا بر همه امت واجب است؟ فرمود: نه. سؤال شد برای چه؟ فرمود: «و انما هو علی القوی المطاع العالم بالمعروف لاعلی الضعفه الذین لایهتدون سیلا الی ای من ای» امر به معروف و نهی از منکر بر فردی واجب است که قوی بوده و دیگران سخن او را توجه کرده و عالم به معروف از منکر باشد نه بر افراد ضعیف که راه و چاه را نمی‌شناسند که چگونه کما و کیف انجام می‌شود. در رابطه با شرط دوم احتمال تأثیر در شنونده:

مسئله ۲۸۹۱: دوم آنکه احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می‌کند پس اگر بدانند اثر نمی‌کند واجب نیست.^۴ طبیعی است که هر سبب و علتی وقتی مؤثر می‌باشد که اثرش در چیزی آشکار گردد و دین اسلام با مجموعه معارفش نظامی به حق است یعنی لغو و بیهودگی در آن یافت نمی‌شود بلکه بهترین سبب از اسباب هر امت است در نتیجه مجموعه دستورات آن تأثیر به سزا و آثار فراوانی را به دنبال دارد و اگر در اجرای بعضی از معارف آن تأثیری یافت نشد حقیقت آن شناخته نشده.^۵

قرآن در جایی می‌فرماید: «فانک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرین»^۶ تو نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند و سپس به دنبال آن می‌فرماید: «و مانت یهد العمی عن ضللتهم ان تسمع الا من یومن باتینا فهم مسلمون»^۷

۱. اسراء، آیه ۳۶

۲. بقره، آیه ۸۰

۳. بقره، آیه ۱۶۹

۴. رساله علمیه امام خمینی.

۵. امر به معروف و نهی از منکر، سید مرتضی حسینی اصفهانی، ص ۸۲

۶. روم، آیه ۵۲

۷. روم، آیه ۵۳

و تو نمی توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی تو تنها سخنت را به گوش کسانی می رسانی که ایمان به آیات ما می آورند و در برابر حق تسلیم اند.

امیرالمؤمنین (ع) چنین افرادی را به میت بین زندگان توصیف کرده می فرماید: «من ترک انکار المنکر بقلبه و یده و لسانه فهو میت بین الاحیاء»

کسی که زشتی (منکر) را به وسیله قلب و دست و زبان خود ترک کند او مرده ای بین زنده هاست. از امام صادق (ع) نقل شده فرمود: «انما یومر بالمعروف و ینهی عن المنکر مؤمن فیتعظ او جاهل فیتعلم فاما صاحب سوط او سیف فلا»

تنها کسی که به معروف امر می شود و از منکر نهی می گردد مؤمن پندپذیر یا ناآگاهی است که در جستجوی دانستن باشد پس فردی که قلدر است و چه بسا تازیانه یا شمشیری به دست دارد امر و نهی نمی شود. نیز از امام صادق (ع) نقل شده فرمود: «یا مفضل! من تعرض لسلطان جائر فاصابته بلیه لم یوجر علیها و لم یرزق الصبر علیها»

ای مفضل کسی که (با امر و نهی خود) معترض سلطان ستمگر شود و پس از آن بلایی دست و پاگیر او شود پاداشی به او داده نمی شود و بر تحمل بر بلا او را فرد صابر نمی گویند. علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده فرمود: امر به معروف و نهی از منکر نمی کند مگر کسی که در او سه خصلت باشد.. از جمله آنها این است که فرمود: «عدلا فیما یأمر به عدلا فیما ینهی عنه...» در آنچه امر می کند و از آنچه نهی می نماید منصفانه باشد. یکی دیگر از شرایط این است که شخص امر به معروف و ناهی از منکر بداند که ان فرد گنهکار اصرار بر گناه و تکرار آن دارد که در این صورت واجب است امر به معروف و نهی از منکر نماید ولی اگر چنین نباشد یا عالم باشد که اصرار بر گناه نمی ورزد اداء این فریضه واجب نیست.

امام در رساله فرموده اند: سوم: آنکه بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند واجب نیست.^۱

بدیهی است که اقامه این فریضه الهی برای تأدیب و پرورش کسانی است که حقیقتاً تارک «معروف» بوده و یا فاعل «منکر» هستند یعنی طوری «معروف» را ترک کرده و می کنند تا حدی که برای آنها به صورت عادت در آمده و چنان به کار زشت روی می آورند که برای آنها به صورت عادت در آمده که بر انجام آن اصرار دارند اینجا با وجود دیگر شرایط جای امر به معروف و نهی از منکر هست.^۲

خداوند در قرآن درباره آنها می فرماید: «ویل لكل افاک اثم یسمع آیت الله تتلی علیه ثم یصر مستکبراً کان لم یسمعها»^۳

وای بر هر دروغگوی گنه کار که پیوسته آیات خدا را می شنود که بر او تلاوت می شود اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد گویی اصلاً آن را هیچ نشنیده است.

۱. رساله علمیه امام خمینی (ره)، مسأله ۲۸۹۱

۲. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، سید مرتضی حسینی اصفهانی، ص ۸۶

۳. جائیه، آیه ۷ و ۸

در مورد شرط چهارم در رساله امام می‌خوانیم: چهارم: آنکه در امر و نهی مفسده نباشد پس اگر بداند یا گمان کند اگر امر یا نهی کننده ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد واجب نیست بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعض مؤمنین واجب نمی‌شود بلکه در بسیاری موارد حرام است.^۱

اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می‌دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریه باید ملاحظه اهمیت می‌شود و مجرد ضرر موجب واجب نبودن نمی‌شود پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام بر بذل جان و مال واجب است بذل آن. اگر احتمال صحیح داده شود که سکومت موجب آن می‌شود که منکری معروف شود یا معروفی منکر شود واجب است خصوصاً بر علماء اعلام اظهار حق و اعلام آو جایز نیست سکوت (مسأله ۲۷۹۴).

اگر سکوت علماء اعلام باعث می‌شود که مردم به آن‌ها بدگمان شوند و آن‌ها را متهم کنند به سازش با دستگاه ظلم واجب است اظهار حق و انکار باطل اگرچه بدانند جلوگیری از محرم نمی‌شود و اظهار آن‌ها اثری برای رفع ظلم ندارد (مسأله ۲۷۹۶).

حضرت امام در ضمن این مسائل روی چند نکته مهم تکیه کردند:

۱. اظهار حق و امر به معروف و نهی از منکر را بیشتر بر علماء واجب دانسته‌اند.
۲. هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر گردد در صورتی که خطر جانی و مالی و یا آبرویی بر خود و یا دیگران پیش آید در بعضی از مسائل امر و نهی را حرام دانسته‌اند چرا که لازمه آن اجرای آن «عسر و حرجی» است که در قرآن کریم بر عدم آن تکیه شده است یعنی حکمی که حرج و سختی را به همراه داشته باشد حکم الهی نیست چنانکه می‌فرماید:

«ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج»^۲ خداوند نمی‌خواهد تکلیف طاقت فرسایی بر دوش شما گذارد.

همچنین می‌فرماید: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج»^۳ و در دین اسلام کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.

روایات در باب امر به معروف و نهی از منکر

۱. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «قوام الشریعه الامر بالمعروف و النهی عن المنکر» قوام و جوهره وجودی شریعت، امر به معروف و نهی از منکر است.
۲. امام باقر (ع): امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که در پرتو آن سایر فرایض برپا داشته می‌شود در آنجا غضب خدای عزوجل به مرحله کمال می‌رسد و خداوند همه را با عقابش فرا می‌گیرد پس نیکان در خانه بدان و خردسالان در خانه بزرگسالان نابود می‌شوند همانا امر به معروف و نهی از منکر را پیامبران و شیوه صالحان است فریضه بزرگی است که در پرتو آن واجبات دیگر برپا می‌گردد. راه‌ها امن، تجارت و کسب‌ها حلال، مظالم به صاحبان اصلی‌اش بازگردانده، زمین آباد، حق از دشمنان گرفته می‌شود و امر (حکومت) تحکیم می‌یابد.

۱. رساله علمیه امام خمینی (ره)، مسأله ۲۷۹۱

۲. مائده، آیه ۶

۳. حج، آیه ۷۸

۳. از امام صادق (ع) سؤال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام صادق (ع) فرمودند: بر همه واجب نیست زیرا این تکلیف بر عهده کسی است که توانمند، مورد اطاعت و عالم به معروف و منکر باشد نه فرد ضعیفی که خود راه به جایی نمی‌برد.
۴. امام صادق (ع) فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید سه خصلت در او باشد: اول و دوم آن که به آنچه که امر می‌کند خودش عامل باشد و آنچه را که نهی می‌کند خود ترک کند.
۵. عده‌ای به پیامبر عرض کردند: ما امر به معروف نمی‌کنیم مگر این که به تمام خوبی‌ها عمل کنیم و نهی از منکر نمی‌کنیم مگر اینکه از همه بدی‌ها اجتناب کنیم. پیامبر فرمود: «لا بل أیروا بالمعروف و ان لم تعملوا به کله و انهوا عن المنکر و ان لم تنتهوا عنه کله» نه (اینچنین نباشید) بلکه امر به معروف نمایید اگرچه به تمام خوبی‌ها عمل نمی‌کند و نهی از منکر کنید اگرچه از همه بدی‌ها اجتناب نمی‌کنید.
۶. امام صادق (ع) می‌فرماید: «صاحب الامر بالمعروف یحتاج الیان یكون عالماً بالحلال و الحرام» امر به معروف در کار خود به شناخت حلال و حرام نیازمند است.
۷. حضرت علی (ع) فرمود: «فرض الله الامر بالمعروف مصلحه للعوام و النهی عن المنکر روعاً للسفها»^۱ خداوند امر به معروف را برای اصلاح مردم و نهی از منکر را برای جلوگیری از سفیهان و بی‌خردان از ارتکاب حرام واجب فرموده است.
۸. حضرت علی (ع): «ایاکم و التدابیر و التقاطع و ترک الامر بالمعروف و النهی عن المنکر» بر شما باد دوری از هم‌روی بر تافتن و پیوند بین خود را بریدن و ترک کردن امر به معروف و نهی از منکر.
۹. رسول اکرم (ص) فرمود: «الجهاد اربع: الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و الصدق فی مواطن الصبر و شان الفاسق»^۲ جهاد چهار قسم است: امر به معروف و نهی از منکر و راستی در جاهایی که بایستی صبر نمود و تنفر از بدکاران.
- خداوند دو ملک را به سوی شهری فرستاد تا آن شهر را زیرورو کنند وقتی آن دو ملک به شهر رسیدند مردی را در حال دعا و تضرع دیدند که یکی از آن دو به دیگری گفت آیا این شخص دعا کننده را نمی‌بینی؟ جواب داد: دیدم ولیکن آنچه پروردگارم دستور داد انجام می‌دهم او گفت نه من کاری انجام نمی‌دهم تا به درگاه ربوبی بازگردم. پس برگشت و عرضه داشت: پروردگارا من به آن شهر رسیدم و بندهات فلان شخص را در حال مناجات و تضرع به درگاه تو دیدم.
- خداوند فرمود: انجام ده آنچه را امر کرده‌ام زیرا این مرد هرگز به خاطر من چهره‌اش رنگ غضب به خود نگرفته است.
۱۰. رسول اکرم (ص) فرمود: هر کس از شما منکر و ناشایسته‌ای را ببیند پس باید با دست خویش مانع آن شود و اگر نتواند به زبان و اگر نتواند به دل مانع شود که حداقل ایمان همین است.^۳

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار

۲. نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۳۸

۳. نهج الفصاحه، حدیث ۳۰۱۰

۱۱. حضرت علی(ع) فرمود: «أما يجمع الناس الرضا والسخط فمن رضى امرأ فقد دخل فيه و من سخطه خرج منه» همانا مردم را خشنودی و خشم آنان جمع می کند پس کسی که راضی به امری باشد در آن کار وارد می شود و کسی که ناخرسند از امری باشد از آن دور می شود.
۱۲. امام صادق(ع) فرمود: همانا امر به معروف و نهی از منکر نماید کسی که سه خصلت دارد: داناست به آنچه امر یا از آن نهی می کند، در آنچه امر یا نهی می کند عادل است، با نرمش امر یا نهی می نماید.
۱۳. علی(ع) در یکی از خطبه هایش می فرماید: «و ما أعمال البرّ کلّها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کفئته فی بحر»^۱ تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مانند آب اندک دهان در برابر دریای ژرف و عمیق است.
۱۴. حضرت باقر(ع) می فرماید: «انّ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و ینهاج الصلحاء فریضه عظیمه بها تقام الفرائض» امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و روش صالحان است فریضه بزرگی است که به سبب آن واجبات اسلامی برپا می شود.^۲
۱۵. حضرت علی(ع) می فرماید: «مع ردّ المظالم و مخالفه الظالم و قشمة الفیء و الغنائم و اخذ» امر به معروف و نهی از منکر با برگرداندن مظالم به صاحبان اصلی آن و مخالفت با ستمگر همراه است. همچنین تقسیم عادلانه بیت المال و غنائم را در پی دارد و صدقات (مالیات های شرعی) از جاهای لازم گرفته شده و در جای حق و مناسب مصرف می شود.
۱۶. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «لاتزال امتی نجیز ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر» امت من تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند در خیر و سلامتی اند.^۳
۱۷. امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید: «فمن امر بالمعروف لشدّ ظهور المومنین من نهی عن المنکر ارغم انوف المنافقین» هر کس امر به معروف کند مؤمنان را قدرتمند می کند کسی که نهی از منکر کند بینی منافقین را به خاک می مالد.
۱۸. حضرت امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید: «من کانت فیہ ثلاث سلمت له الدنیا و الاخره یامر بالمعروف و یاتمر به و ینهی عن المنکر و ینتهی عنه و یحافظ علی حدود الله جلّ و علا» هر کس سه خصلت در او باشد دنیا و آخرتش سالم می شود: ۱- امر به معروف کند و خود نیز بدان عمل نماید. ۲- نهی از منکر کند و خود هم گرد آن نگردد. ۳- نگهبان حدود خداوند بزرگ باشد.
۱۹. امام باقر(ع) می فرماید: «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر خلقان من خلق الله فمن نصرهما نصره الله و من خذلهم خذله الله» امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده الهی هستند که هر کس آن ها را یاری کند خدا یاریش می کند و هر کس آن دو را تنها گذارد خدا تنهایش می گذارد.
۲۰. حضرت علی(ع) می فرماید: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لا یقرّبان من اجل و لا ینقضان من رزق» امر به معروف و نهی از منکر مرگ را نزدیک نمی کند و از روزی نمی کاهد.
۲۱. امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید: «فمن امر بالمعروف شدّ ظهور المومنین» هر کس امر به معروف کند پشت مؤمنین را محکم گرداند.

۱. نهج البلاغه، ص ۳۶۳

۲. وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۳۹۵

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸

۲۲. امام علی (ع) می‌فرماید: «لکن یضاعفان الثواب و یعظمان الاجر» امر به معروف و نهی از منکر ثواب را دو چندان و اجر را بزرگ می‌کند.
۲۳. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: شبی در خواب دیدم که شعله‌های آتش (دوزخ) مردی را در بر گرفته‌اند ولی امر به معروف و نهی از منکر آمدند و او را از آتش نجات داده با فرشتگان قرارش دادند.
۲۴. امام علی (ع) می‌فرماید: گروهی منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود گرد آورده‌اند گروهی دیگر منکر را با زبان و قلب انکار کرده اما دست به کاری نمی‌برند پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند. پس دو خصلت را که شریف تر است تباه ساخته و یک خصلت را به دست آورده‌اند و بعضی دیگر منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان مرده ای میان زندگان است و تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ای بر دریای موج و پهناور است و همانا امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می‌کند و نه از مقدار روزی می‌کاهد و از همه این‌ها برتر سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است.^۱
۲۵. پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خداست.
۲۶. امام باقر (ع) می‌فرماید: بد گروهی هستند مردمی که امر به معروف و نهی از منکر را عیب می‌دانند.
۲۷. حضرت علی (ع) می‌فرماید: خدا لعنت کند کسانی را که به معروف امر می‌کنند و خود آن را به جانمی‌آورند و منکر را نهی می‌نمایند و خود مرتکب آن می‌شوند.
۲۸. امیرمؤمنان حضرت علی (ع) می‌فرماید: ای مردم به درستی که خداوند عامه مردم را به جهت گناه عده ای خاص عذاب نمی‌کند در صورتی که آن عده گناه را مخفیانه و بدون اطلاع عامه مردم انجام دهند اما اگر افراد، اعمال زشت را آشکار انجام دهند و اکثریت مردم به آن‌ها اعتراض نکنند هم آنان گناهکار و هم اکثریت ساکت مستحق عقوبت الهی می‌گردند.
۲۹. امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که منکری را مشاهده کند و قدرت جلوگیری از آن را دارد ولی مانع آن نمی‌شود به درستی که دوست دارد خدا نافرمانی شود.
- و هر کس که دوست دارد خدا نافرمانی شود به درستی که دشمنی خود را با خداوند آشکار کرده است. و هر کس که بقاء ستمگران را دوست داشته باشد به درستی که دوست دارد خداوند معصیت شود. به راستی که خداوند متعال خود را به هلاکت ستمکاران سفارش کرده است.
۳۰. پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که به معروفی امر کند یا از منکری نهی کند یا بر کار خوبی راهنمایی کند یا به آن اشاره کند شریک در آن نیکی است. و کسی که به بدی امر کند یا به آن راهنمایی کند یا به آن اشاره کند در آن بدی شریک است.
۳۱. امام رضا (ع) فرمود: امر به معروف و نهی از منکر با زبان واجب است.
۳۲. امام علی (ع) می‌فرماید: کسی که انکار منکر را با قلب و دست و زبانش ترک کند مرده‌ای میان زندگان است.

۱. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، حکمت ۳۷۴.

۳۳. امیر مؤمنان (ع) فرمود: هر کس با قلبش معروف را نپذیرد و منکر را انکار نکند قلبش واژگون می‌گردد پس برترها را پایین و پست‌ها را بالا قرار می‌دهد.
۳۴. پیامبر (ص) فرمود: هر کس منکری را مشاهده کند و عملاً از آن جلوگیری نکند بی‌گناه است و هر کس که قدرت جلوگیری عملی را ندارد و با زبان آن را انکار کند بیگناه است و هر کس که نمی‌تواند با زبانش انکار کند و با قلبش آن را انکار کند بی‌گناه است و این ضعیف‌ترین درجه ایمان است.
۳۵. امام صادق (ع) می‌فرماید: وای بر کسانی که با امر به معروف و نهی از منکر خود را به خدا نزدیک نمی‌کنند.
۳۶. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: این مردم انسان‌ها را رضایت و خشمشان گرد هم جمع می‌کند (یعنی وقتی عده‌ای به چیزی راضی بودند همه باهم یک گروه محسوب می‌شوند) به درستی که شتر قوم نمود را یک نفر سر برید اما خداوند همه آن‌ها را عذاب کرد زیرا همگی به آن رضایت داده بودند.
۳۷. پیامبر (ص) فرمود: امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه عذاب خدا شامل همه شما خواهد شد.
۳۸. امام صادق (ع) می‌فرماید: هر گناهی که در جامعه رواج پیدا کند و بر آن معصیت اعتراضی صورت نگیرد اولین چیزی که خداوند آن‌ها را به آن عقاب می‌کند این است که ارزاق آن‌ها را کم می‌کند.
۳۹. پیامبر اکرم (ص) فرمود: مردم همیشه در خیر هستند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و همدیگر را بر خوبی یاری دهند و هرگاه این امور را انجام ندهند برکات از آن‌ها گرفته می‌شود بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر سلطه پیدا می‌کنند و هیچ یآوری در زمین و آسمان برای آن‌ها نخواهد بود.
۴۰. پیامبر اکرم (ص) فرمود: در شب معراج به گروهی برخورد کردم که لباسشان را با قیچی می‌بریدند گفتم ای جبرئیل این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت سخنوران و دانشمندان از امت تو که قدرت ابلاغ کلام و دستورات الهی را داشتند اما در این کار مسامحه کردند.
۴۱. امام باقر (ع) فرمود: وای به حال امتی که با امر به معروف و نهی از منکر تسلیم خدا نمی‌گردند (دین خدا را با امر به معروف و نهی از منکر اختیار نکردند).
۴۲. امام باقر (ع) فرمود: بدقومی هستند، قومی که به امر به معروف و نهی از منکر عیب می‌گیرند و آن را بی‌ارزش می‌پندارند.
۴۳. امیر مؤمنان (ع) در فرازی از خطبه قاصعه می‌فرماید: خداوند متعال، پیشینیان را از رحمت خود دور نساخت جز به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند خداوند افراد سفیه را به خاطر گناه و افراد عاقل و دانا را به خاطر ترک نهی از منکر از رحمتش دور ساخت.

نتیجه‌گیری

«الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر...»^۱
 «همانا که اگر آنان را در روی زمین تسلط و توان دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند...»

بدون تردید هر نهضت در جهت حفظ مسیر حرکت خود به سوی اهداف از پیش تعیین شده نیازمند طراحی و تدوین فرآیند آسیب‌شناسی و اصلاح طلبی مستمر با شیوه‌های روشمند و درونی برای کاهش آستانه آسیب‌پذیری می‌باشد. در

۱. سوره حج، آیه ۴۱

همین چارچوب دو اصل گراندقدر و مترقی امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین راهبرد آسیب‌شناسی و فرآیند اصلاح طلبی اسلام در جهت صیانت از نظام اسلامی می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر با استناد به آیات قرآنی و گفتار معصومین (ع) خصوصاً رهنمودهای سرور آزاد اندی‌شان جهان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در بیان استراتژی نهضت کربلا، برترین و کارآمدترین روش اصلاح نظام‌های اجتماعی برخوردار از ریشه و منشأ دینی و نگاه توحیدی می‌باشد.

یکی از آرمان‌های انبیاء الهی ایجاد و تحقق جامعه نمونه بوده که قرآن مجید درباره آن و شیوه‌های رسیدن به چنین جامعه‌ای در آیات خود اشاراتی داشته است (از قبیل آیات ۱۴۳ سوره بقره و ۲۵ سوره حدید) که یکی از راههای رسیدن به «جامعه نمونه» را موضوع امر به معروف و نهی از منکر یا به عبارتی «نظارت همگانی و مردمی» دانسته و در آیه ۱۷ سوره لقمان و آیه ۷۱ سوره توبه نیز علاوه بر تشویق مردم، عمل به آن را یکی از نشانه‌های مؤمنین توصیف کرده‌اند.

سرگذشت انسان‌هایی که به رغم دوری از گناه و تنها به علت بی توجهی به اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در طول تاریخ مورد عذاب حضرت باری تعالی قرار گرفته‌اند، ارزش و اهمیت نظارت همگانی در جامعه را دو چندان می‌کند چرا که بر مبنای احادیث و روایات فراوان از بزرگان عرصه دین و دانش، آبادانی سرزمین‌ها، اقامه فرایض و ایجاد امنیت اجتماعی منوط به انجام این فریضه اعلام شده است. دعوت به خیر و اعمال پسندیده و بازداشتن از اعمال ناپسند و نادرست از جمله تعاملات گوناگون میان اجزای زندگی جمعی بشر می‌باشد که ناظر بر بقای فرد و جامعه است و آن گونه که در حدیث نبوی (ص) بالاترین جایگاه این فریضه را مشخص می‌کند و می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند جانشین خدا و من در روی زمین است، ضامن حفظ و بقای جامعه و عدم غرق و هلاک است.

تأکید فراوان دین مبین اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر که طی آن تحت عنوان یکی از فرایض طرح و بر ترک آن تبعات بسیاری مترتب گشته، حکایت از اهمیت و جایگاه والای آن در اندیشه نظام اسلامی می‌نماید. امروز و از دیدگاه صرف بشری نیز جوهره امر به معروف و نهی از منکر بویژه در شکل «مردم نسبت به حکومت» مورد پذیرش اجتماعی است چه آنکه در بطن آن اشاعه فضائل و نیکی‌های مورد اقبال جامعه و دعوت به ترک زشتی‌های مورد نفرت اجتماعی نهفته است و حاکمیت امور پسندیده و طرد و محو امور ناپسند خواست غائی آدمی است.

تحقق واقعی اصل امر به معروف و نهی از منکر مستلزم آن است که شرایط، حدود و کیفیت آن متناسب با زندگی نوین بشری و با بهره‌گیری از دستاوردهای مفهومی و روشی جامعه انسانی همراه باشد تا ضمن حفظ این آل از آن بهره‌ای مطلوب اخذ شود. بدیهی است که عدم توجه به این مسأله می‌تواند دوری و حذف این اندیشه والا را در جامعه اسلامی در پی داشته باشد. از سوی دیگر یک فرد به تنهایی قادر نیست که این وظیفه خطیر را انجام دهد، پس باید در سطح مدیریت و حاکمیت اسلامی هم یک دستگاه امر به معروف و ناهی از منکر با بودجه و تشکیلات و امکانات تشکیل و جزیی از حاکمیت محسوب شود و در این راستا باید از تکنولوژی‌های جدید و به روز برای پیشگیری از فساد و تبلیغ معروف استفاده شود.

بر همین اساس در اصل هشتم قانون اساسی نظام جمهوری ایران آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.»

فرمایشات مقام معظم رهبری در طلیعه سال جدید مبنی بر پاسخگویی صاحب منصبان و مسئولان دستگاه‌های گوناگون، اندیشه نوینی است که ما را به دوباره نگری در عرصه تئوری و اجرا به مقوله امر به معروف و نهی از منکر فرا

می‌خواند تا ضمن شکستن قالب‌های کهنه به تعریف تازه ای برای بیان راهبرد مترقی امر به معروف و نهی از منکر دست یابیم که بخشی از تعاریف زیر می‌تواند ما را در دستیابی به این نگرش نوین یاری دهد:

۱. امر به معروف و نهی از منکر را نباید راهکار مقابله با حکومت‌های فاسد دانست، بلکه سیستم و فرایند نقد فراگیری است که حاکمیت دینی را از غلطیدن در جاده انحراف و خطا ننگه می‌دارد.
۲. امر به معروف و نهی از منکر عامل بازدارندگی فعال و روزآمد در راستای کاهش میل حاکمیت به بی تفاوتی و بی مسئولیتی نسبت به پرسشگران و کنشگران عرصه سیاست و اجتماع می‌باشد.
۳. امر به معروف و نهی از منکر عامل تنظیم‌کننده و گرانگه حرکت اصلاح طلبانه درون حاکمیت دینی و تبدیل‌کننده شتاب اصلاحات از پیمایش پاندولی و نامنظم به شتابی بالانسی و برخوردار از تعادل و پایداری.
۴. فرایند مطمئن توزیع قدرت از رهگذر مشارکت توده‌ها در روند اصلاح و تعدیل نظام حاکم جهت کاهش آستانه فزون‌خواهی حاکمان و دستگاه‌های مجری نسبت به حقوق شهروندان.^۱

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. امر به معروف و نهی از منکر، نویسنده: آیت الله حسین نوری، ترجمه: محمد محمدی اشتهاردی، ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرداد ۱۳۷۱.
۳. امر به معروف و نهی از منکر، تهیه‌کننده: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ناشر: نمایندگی ولی فقیه در سپاه، پاییز ۱۳۷۶.
۴. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، مؤلف: سید مرتضی حسینی اصفهانی، ناشر: انتشارات فرهنگ قرآن، زمستان ۱۳۷۹.
۵. امر به معروف و نهی از منکر، نویسنده: سید احمد صلیبی شبستری، مؤسسه انتشارات اسلامی تهرانی.
۶. بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۷. ترجمه نهج البلاغه، مرحوم محمد دشتی، ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۸. تفسیر نمونه، مؤلف: استاد ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ناشر: دارالکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۸۱.
۹. حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ناشر: صدرا، ۱۳۷۳.
۱۰. شیوه‌های صحیح امر به معروف و نهی از منکر، تدوین دادسرای مبارزه با مواد مخدر و منکرات، ناشر: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۶۹.
۱۱. عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری، چاپ دوم، ناشر: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران، اردیبهشت ۱۳۶۱.
۱۲. مجله عقیدتی - آموزشی معارف اسلامی، سال بیست و سوم، مرداد و شهریور و مهر و آبان ۱۳۸۳.
۱۳. نهج الفصاحه، کلمات نغز حضرت محمد (ص)، ناشر: شرکت حاج محمد حسین اقبال و شرکاء.
۱۴. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، نشر: قم، سال ۱۳۸۰.

15. www.sahcirpublication/Research

16. Koran.shenasi.com/porsesh www.

۱۷. صحیح بخاری

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه علم کلام، قرآن و نهج البلاغه

دکتر اصغر پورشمس^۱

مجید پورباقرانی^۲

چکیده

در این مقاله امر به معروف و نهی از منکر در کلام اسلامی و آیات و روایات بررسی شده و ابتدا سیر تاریخی (تاریخچه) این بحث و در ادامه پیشینه‌ی تاریخی بحث در کلام شیعی و سنی و ضرورت بحث و معنی لغوی و اصطلاحی واژه‌های امر، نهی، معروف و منکر بررسی و بیان شده است. همچنین قلمرو و معیارهای شناخت امر به معروف و نهی از منکر و جایگاه آن در قرآن و روایات و نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به بررسی شرایط و مراحل و مصادیق آن پرداخته‌ایم و نیز برخی از نظرات فقهی بیان شده است و در پایان آثار و نتایج امر به معروف و نهی از منکر از نظر قرآن و نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته و آثار تربیتی و اجتماعی آن به اختصار ذکر شده است و در پایان نتیجه‌گیری از مطالب آمده است.

واژگان کلیدی: امر، نهی، معروف، منکر.

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی که مانند سایر موجودات براساس هدایت تکوینی که خداوند در نهاد او قرار داده است به سوی کمال خویش در حال حرکت است و علاوه بر این از یک هدایت دیگری به نام هدایت تشریحی برخوردار است که با داشتن آن می‌تواند به سعادت و کمال خود نائل شود و به هدف خلقت خویش برسد.

هر مکتبی که بخواهد بشر را به سعادت برساند باید هم به جنبه‌ی فردی و عالم درونی او توجه داشته باشد و هم به جنبه‌ی اجتماعی و روابط او با دیگران، از این رو خداوند تبارک و تعالی برنامه کامل و جامعی را برای زندگی انسان ارائه داده تا با عمل به آن سعادت و رستگاری او تضمین شود.

یکی از جلوه‌های درخشانده معارف اجتماعی اسلام، دستور «امر به معروف و نهی از منکر» است. اسلام به ما می‌آموزد که در جامعه سرنوشت هر مسلمانی با مسلمانان دیگر ارتباط دارد و مردم نباید در برابر زشتی‌ها و زشتکاری‌ها بی‌اعتنا بمانند. اسلام دین خردگرا و واقعگرا است. تکیه بر عقل و تأیید وجهه‌ی عقلانی از ویژگی‌های تربیت اسلامی است و هر مسلمانی باید اصول و مبانی اعتقادات خود را از طریق تعقل بپذیرد.

از این رو در این مقاله سعی شده است که اصل عبادی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر از جنبه عقلانی و استدلالی مورد بحث قرار گیرد و همچنین گوشه‌ای از مباحث شرعی و دینی بحث و بیان شود.

بیان مسأله

امر به معروف و نهی از منکر شرعاً و عقلاً از مهم‌ترین و شریف‌ترین واجبات اسلامی است.

«از برترین عبارات و کامل‌ترین طاعات و دری از درهای جهاد، دعوت به سوی حق و راهی برای هدایت و مقاومت

در برابر گمراهی و باطل است.» (کاشف الغطاء ۱۳۷۷ ش ص ۹)

۱. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲. دبیر آموزش و پرورش اصفهان

هر چند که مقوله‌ی امر به معروف و نهی از منکر در میان فروع دین در مرتبه مشخصی قرار گرفته اما وجود این دو در کنار فرایض دیگر، تنها به قصد جمع و ذکر آنهاست نه رتبه خاص آنها.

در عظمت و اهمیت این فریضه همین بس که خدای تبارک و تعالی خود را، امر کننده به معروف و نهی کننده‌ی از فحشا و منکر معرفی نموده است آن جا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ...» (النحل/ ۹۰) «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشان فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ستم باز می‌دارد.»

یا «أمرهم بالمعروف و ينههم عن المنكر» (الاعراف/ ۱۵۷)

«او (پیامبر) آنان را به کارهای پسندیده فرمان می‌دهد و از کارهای ناپسند باز می‌دارد.»

از امام علی (ع) و پیامبر (ص) نقل شده که: «و ما اعمال البرّ كلّها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الاً کفئته فی بحر لُجّی»

«تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون آب دهان در برابر دریای پهناوری است.» (کاشانی، بی تا، ج ۴، ص ۹۹/صبحی صالح حکمت ۳۷۴) و روایات بسیار دیگر.

آن چه از روایات استفاده می‌شود این است که «امر به معروف و نهی از منکر» از اهم فرائض است، ضامن اجرای تمام واجبات و ترک همه محرمات است.

نظام امر به معروف و نهی از منکر یک نوع بسیج فکری و عملی، در جهت هر چه کامل‌تر پیاده کردن مسئولیت‌ها و عملکردهای شایسته و پاکسازی جامعه از قانون‌شکنی‌ها و انحرافات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و در حقیقت زمینه ساز جهاد فی سبیل الله و تضمین کننده پیروزی آن است.

بسیاری از متکلمان از این بحث یا با اشاره رد شده‌اند یا اصلاً آن را ذکر نکرده‌اند. تنها عده‌ی کمی از آنان به طور اجمال و اختصار سخن از امر به معروف و نهی از منکر را به میان آورده‌اند که ما مختصراً به پیشینه تاریخی و نظرات و عقاید برخی متکلمان و برخی آیات و روایات در این مورد می‌پردازیم. همچنین تأثیر انجام یا عدم انجام این فریضه را در جامعه اسلامی خود که البته نتیجه گیری اصلی را به عهده خوانندگان عزیز می‌گذاریم.

فرضیه‌ها

۱. امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین واجبات شرعی است که از جنبه‌ی اعتقادی و فقهی مورد توجه علمای اسلام قرار گرفته است.

۲. احیای امر به معروف و نهی از منکر با حفظ شرایط آن فواید بسیاری برای مسلمانان دارد.

متن

با نگاهی به تاریخ درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر، از پیشینه‌ای به قدمت انسان برخوردار است. اولین انسان روی زمین، فرزندان خود را به نیکی و احسان دعوت می‌کرد و پس از وی نیز، پیام آوران وحی چون نوح، ابراهیم ... و پیروان آنان در انجام این وظیفه مهم تلاش کردند. بالاخره تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آخرین پیام آور وحی، حضرت محمد (ص) در اصلاح و هدایت جامعه به نتیجه رسید و جامعه‌ای نیرومند در مدینه شکل گرفت که نمونه کامل حاکمیت ارزش‌های الهی به شمار می‌آمد.

این که بررسی و تدوین امر به معروف و نهی از منکر از چه علمی آغاز شده معلوم نیست. اما شاید راه یابی امر به معروف و نهی از منکر در علم کلام از متکلمان معتزلی شروع شده باشد.

سید حسن اسلامی مدعی شده که نخستین دانشی که به این فریضه پرداخت کلام بود. او می گوید: «از حساس ترین مباحث کلامی در سده اول هجری تعریف و تعیین محدوده ایمان بود. گروهی از متکلمان ایمان را تنها اعتقاد قلبی می دانستند و عمل بر مقتضای آن را جزء ایمان به شمار نمی آوردند که به «مرجئه» معروف اند.

در برابر این گروه، گروه دیگری پدیدار شدند که ایمان را جز عمل نمی دانستند و تأیید کردار را ایمان می گفتند که به خوارج معروف بودند.

در مقابل این گروه معتزله ظاهر شدند که کوشیدند از افراط و تفریطها بپرهیزند و این فریضه را یکی از اصول پنجگانه اعتقادی خود اعلام کردند. (اسلامی حسن، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۹)

خوارج امر به معروف و نهی از منکر را مشروط به هیچ شرطی نمی دانستند و قیام به سیف را تنها راه می دانستند. (شهید مطهری، ۱۳۷۲ ش ج ۳، ص ۷۷)

اهل حدیث از جمله احمد بن حنبل، امر به معروف و نهی از منکر را صرفاً قلبی و زبانی می دانستند و قیام خونین را جایز نمی دانستند (شهید مطهری، ۱۳۷۲ ش ج ۳، ص ۸۰)

معتزله امر به معروف و نهی از منکر را به قلب و زبان محدود نکرده و قیام به سیف را در مقابل حاکم ستمگر جایز می دانند (همان)

متکلمان معتزلی درباره این فریضه و شرایط و مراتب و نوع و وجوب آن بحث نموده اند از جمله قاضی عبدالجبار (متوفی ۴۱۵ ه.ق) در المغنی.

اشاعره در اصول و فروع دین نامی از امر به معروف و نهی از منکر نبرده اند، اما در اصل وجوب آن اختلافی با دیگران ندارند.

متکلمان شیعه نیز پس از پذیرفتن وجوب امر به معروف و نهی از منکر، در کیفیت وجوب و شرایط آن بحث کرده اند.

از جمله بزرگانی که در کتاب های کلامی خود در این زمینه بحث کرده اند: شیخ طوسی در تمهید الاصول، سید مرتضی در مفتاح الباب، خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الاعتقاد، علامه حلی در کشف المراد و باب حادی عشر و علامه عبدالرزاق لاهیجی در سرمایه ایمان.

امر به معروف و نهی از منکر در کتاب های اخلاق و عرفان عملی نیز مورد توجه قرار گرفته است مانند: احیاء علوم الدین از امام محمد غزالی، جامع السعادات از ملا محمد نراقی، معراج السعاده از ملا احمد نراقی و محجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء از ملا محسن فیض کاشانی.

اما علم فقه مهم ترین جایگاه بحث امر به معروف و نهی از منکر بوده است. بسیاری از فقها مانند مرحوم صدوق در کتاب مقنع، شیخ طوسی در کتاب مبسوط، سید مرتضی در کتاب های انتصار و ناصریات، ابن زهره حلبی در کتاب الغنیة النزوع.

در بیشتر کتاب های فقهی، مبحث فوق به عنوان بابی از کتاب الجهاد آمده است مانند: قواعد الاحکام، مختلف الشیعه، تذکره الفقها، تحریر الاحکام، المختصر النافع و ...

برخی آن را به عنوان کتاب مستقل آورده اند مانند المذهب، شرایع الاسلام، جامع الشتات.

اما بیشتر فقهای اهل تسنن، باب مستقلی درباره امر به معروف و نهی از منکر در کتاب های فقهی خود عنوان نکرده اند.

امربه معروف و نهی از منکر از اموری است که با عقل و فطرت انسان هماهنگ است. عقل سلیم بر آن حکم می‌کند، فطرت بشری با آن آشنا و مأنوس است و شرع مقدس اسلام آن را تأیید و تقویت می‌کند. انسان مدنی بالطبع است، در اجتماع زندگی می‌کند و در بسیاری موارد سرنوشت او با دیگران گره می‌خورد، آثار و برکات اجرای امر به معروف و نهی از منکر و پیامدها و عواقب ترک این فریضه، او را نیز در بر می‌گیرد. فروع دین در مکتب تشیع ده تاست که دو مورد آن امر به معروف و نهی از منکر است و در فرق اهل تسنن، اختلاف‌های زیادی در باب فروع دین وجود دارد که از بحث درباره‌ی آن صرف نظر می‌کنیم. از تفاوت‌های مهم میان اصول دین و فروع دین این است که اصول دین نظری است و احتیاج به تأمل و تعمل عقل دارد و تقلید در آن جایز نیست اما در فروع دین باید تقلید کرد.

در کلم الطیب آمده است: «تقلید در فروع دین به اتفاق علما بر نوع مردم، لازم است زیرا استنباط احکام شرعیه احتیاج به مقدمات زیادی دارد که اگر عموم مردم بخواهند آن مقدمات را تحصیل و حکم خدا را به دست آورند امور زندگی جامعه مختل می‌شود...» (طیب، بی تا، چاپ سوم ص ۹)

با تمام این سخنان چه زیبا سخن گفته علامه طباطبایی که: «در آئین اسلام ارتباط و اتصال میان اصول و فروع به نحوی است که هر حکم فرعی از هر باب باشد اگر تجزیه و تحلیل شود به همان کلمه توحید برمی‌گردد و کلمه توحید نیز با ترکیب همان احکام و مقررات فرعی می‌شود». (طباطبایی، ۱۳۵۱، ص ۹۶)

در معنای وجوب امر به معروف و نهی از منکر ابتدا از لغات آن آغاز می‌کنیم: وجوب از لغت «وج ب» به معنی لزوم و ثبوت است. وجوب را وجوب می‌نامند زیرا حکمی است که بر عهده انسان ثابت شده و لازم می‌باشد. (ابن منظور، بی تا، ج ۱ ص ۷۹۳)

در لغت «امر» دارای دو معنی است. اول به معنی «کار» «چیز» و «حادثه» که جمع آن امور است (ابن منظور، بی تا، ج ۴ ص ۲۷) آیات: «الیه يرجع الامر کله» (هود/۱۲۳) «الا الی الله تصیر الامور» (الشوری/۵۳) دوم به معنی دستور و فرمان که جمع آن اوامر است. آیه: قل امر ربی بالقسط (الاعراف/۲۹) اما لغت «نهی» به معنی بازداشتن و منع کردن از چیزی می‌باشد.

در مفردات راغب آمده است «النهی الزجر عن الشی» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ هـ، ص ۵۰۷) نهی یعنی بازداشتن از چیزی.

در قرآن می‌فرماید: «ارایت الذی ینهی عبداً اذا صلی» (العلق/۹-۱۰) معروف در لغت از ماده «عرف» به معنای شناخته شده و خوب است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ هـ، ص ۳۳۲) مفردات راغب می‌گوید: «معروف اسمی است برای هر عملی که خوبی آن از نظر عقل یا شرع شناخته شده باشد».

در تفسیر المیزان ذیل آیه «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» آمده: معروف به معنای هر علمی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند و با آن مأنوس باشد و با ذائقه‌ی او که اهل هر اجتماعی از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد سازگار باشد و به ذوق نزنند... بنابراین کلمه معروف هم متضمن هدایت عقل است و هم حکم شرع و هم فضیلت اخلاقی (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۸)

مفهوم منکر

در لغت به معنای «ناشناخته»، «زشت و بد» است. (ابن منظور، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۳)

در مجمع البحرین آمده: «هر چیزی را که شارع قبیح بداند و حرام کند، آن منکر است» (الطریحی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۷۱) در باب حادی عشر منکر به قبیح معنا شده است (حلی، ۱۴۱۶ه، ص ۷۱) پس می توان گفت: منکر کاری است که شرع یا عقل آن را ناپسند شمارند و با فطرت پاک آدمی نامأنوس و بیگانه باشد.

شهید ثانی در توضیح امر به معروف و نهی از منکر می گوید: امر به معروف و اداری کردن دیگران به اطاعت است به زبان باشد یا عمل و نهی از منکر بازداشتن از انجام گناهان است به زبان باشد یا عمل. (زین الدین عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۹) امام خمینی (ره) می فرماید: آنچه عقلاً یا شرعاً واجب است، امر به معروف آن واجب است و آنچه که عقلاً زشت است و شرعاً حرام است، نهی از آن واجب است و آنچه مستحب است امر به آن مستحب است و آنچه مکروه است نهی از آن مکروه می باشد. (خمینی، بی تا، چاپ دوم، ص ۴۶۳)

آیت الله نوری همدانی فرمودند: کلمه معروف یعنی شناخته شده و کلمه منکر یعنی ناشناس، چرا که فطرت پاک انسانی با اولی آشناست و با دومی ناآشنا (کتاب امر به معروف و نهی از منکر آیت الله نوری همدانی ۱۳۷۷) آیت الله مصباح امر به معروف و نهی از منکر را به خاص و عام تقسیم می کند و می فرماید: «امر به معروف دو معنا دارد که یکی از آن ها معنای خاص و دیگری عام است. معنای خاص امر به معروف و نهی از منکر همان معنای مصطلح است که در رساله های علمیه مطرح گردیده و برای آن نیز شرایطی ذکر می شود. امر به معروف و نهی از منکر به معنای عام آن یعنی هر گونه تلاشی که شخص به منظور اثر گذاردن در دیگری انجام دهد به گونه ای که او را وادار به انجام کار واجب کند یا از حرام باز دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۸۹) از آنچه گفته شد فهمیده می شود که معروف و منکر دامنه وسیعی دارد و در محدوده ی مسائل فردی و عبادی باقی نمی ماند و منحصر به شرع نمی باشد.

در کتاب های فقهی و کتاب های کلامی معروف به هر کاری که علاوه بر نیکی آن، انجام دهنده اش نیز آن را به وصف نیکی بشناسد یا توسط دیگری شناسانده شود و منکر به کاری که انجام دهنده آن خودش آن را به این وصف زشتی بشناسد یا توسط دیگری شناسانده شود.

پس معروف در مقابل منکر است که علاوه بر واجبات شامل مباح و مستحب نیز می شود همچنان که منکر علاوه بر حرام شامل مکروه نیز می شود.

آنچه مشهور بین فقها و متکلمین می باشد، امر به معروف دو گونه است: واجب و مستحب. اما در نهی از منکر بعضی مانند شیخ طوسی در مختلف الشیعه و علامه مجلسی در مناہج الیقین و قاضی عبدالجبار در شرح اصول خمسسه آن را مطلقاً واجب می دانند و به نهی واجب و نهی مستحب تقسیم نمی کنند.

علامه حلی می گوید: «اما منکر چون همه آن ها قبیح می باشند، نهی از آن ها به طور کلی واجب است» (حلی، بی تا، مناہج الیقین، ص ۳۷۵)

پس می توان گفت: آنچه از نظر عقل و شرع پسندیده است به طوری که حسن آن عمل، از نظر عقلی در حد ضرورت و الزام، باشد و از نظر شرعی نیز به حد وجوب رسیده باشد، در این صورت امر به آن واجب است و در غیر این صورت، امر به آن مستحب است نه واجب.

در باب معیار شناخت امر به معروف و نهی از منکر می توان از دو طریق عقل و دین (وحی) عمل کرد.

عقل از دیدگاه قرآن و حدیث، نور روشنی است که خدای متعال، به ارواح انسان‌ها افاضه می‌کند. ذاتاً ظاهر و مظهر است و حجت الهی بر بندگان است و عصمت ذاتی دارد و خطا نسبت به آن ممتنع است. عقل در وجود آدمی قاضی شریف و منزهی است که قدرت و توانایی درک و تمیز خوبی‌ها و بدی‌ها را دارد. پیامبر فرمودند: «پس در قلب همین انسان، نوری واقع می‌شود که به وسیله آن فریضه و سنت و نیک و بد را می‌فهمد» آگاه باش که عقل در قلب چون چراغی است در وسط اتاق. (ملکی میانجی، بی تا، ص ۳۱)

به نظر ما عقل و شرع تفاوت محتوایی ندارد و تنها از نظر مرتبه متفاوت‌اند. ریشه هر حکم عقلی را می‌توان در شرع یافت و نتیجه هر حکم شرعی را در عقل جست.

البته از نظر شیعه، عقل به تنهایی قادر به تحصیل سعادت انسان نیست. عقل با هدایت وحی می‌تواند در تشخیص مصالح و مفاسد زندگی به کار گرفته شود.

کامل‌ترین و جامع‌ترین معیارها در شناخت معروف و منکر «دین» می‌باشد. چون عقل و استعدادها بشری به تنهایی کافی برای هدایت انسان در عرصه زندگی نیست. مطابق اصل هدایت عامه خداوند حکیم از افقی مافوق عقل انسان خطوط اصلی این راه را مشخص کرده است و کار عقل و علم را حرکت در درون این خطوط اصلی قرار داده است که این افق برتر همان «وحی» است.

امر به معروف و نهی از منکر از جمله احکامی هستند که در قرآن کریم، یک مرحله تکاملی را طی کرده است و به طور تدریجی تشریح شده تا به صورت کنونی واجب گشته است که اساساً دو مرحله اساسی دارد. اول دوره مکی قبل از هجرت. دوم دوره مدنی بعد از هجرت. سوره‌های مکی معمولاً درباره مسائل و اصول انسانی دعوت و دین اسلام و برعکس در سوره‌های مدنی وظایف فردی و اجتماعی از جمله امر به معروف و نهی از منکر مورد تأکید قرار گرفته است. «امر به معروف و نهی از منکر در دوره مکی زمینه سازی شده و در توصیف و تمجید آن به صورت غیر مستقیم، سخن رفته و در دوره مدنی که حکومت و جامعه اسلامی شکل گرفته بود به صورت دو حکم و فریضه الهی به تصویب نهایی رسیده و همه مسلمانان مکلف به انجام آن شده‌اند» (قزائنی، ۱۳۷۷ ش، چاپ هفتم)

در اینجا به بررسی چند آیه مکی می‌پردازیم: از اولین آیاتی که در مکه نازل شد و دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر دارد سوره عصر است «والعصران الانسان لفی...» (العصر ۱-۳). علامه طبرسی در ذیل این آیه می‌فرماید (طبرسی ۱۳۷۹ ه، ج ۱، ص ۵۳۶): «در وجوب توصیه به حق و صبر، اشاره به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به توحید و عدل و اداء واجبات و دوری از محرمات است». علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «توصیه به حق، وسیع‌تر از امر به معروف و نهی از منکر است چون شامل امور اعتقادی و مطلق ترغیب و تحریک بر عمل صالح است» (علامه طباطبایی، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۵۷)

در آیه‌ای دیگر خطاب لقمان به فرزندش در اوایل بعثت پیامبر می‌فرماید: «یا بنی اقم الصلوة و امر بالمعروف و نهی عن المنکر و...» (لقمان/۱۷)

در روایت آمده که علی(ع) در ذیل آیه فرمود: «صبر کن در برابر دشواری‌ها و رنج‌هایی که بر اثر امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد» (فیض کاشانی ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۳۱۲)

در سوره اعراف از ویژگی‌های پیامبر (ص) امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است: «... یا مرهم بالمعروف و نهی عن المنکر» (الاعراف/۱۵۷) «او (پیامبر) آنان را به معروف و امری دارد و از منکر باز می‌دارد».

در جای دیگر این فریضه را وظیفه پیامبر(ص) مطرح می‌کند: «خذ العفو و أمر بالمعروف و اعرض عن الجاهلین» (الاعراف/۱۹۹) «ای پیامبر! عفو و مدارا کن و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان».

آیات مذکور دلالت بر وجوب و لزوم امر به معروف و نهی از منکر بر مسلمانان ندارد. در آیه ۱۹۹ سوره اعراف تنها به پیامبر(ص) دستور امر به معروف می‌دهد.

آیات دیگری نیز در مکه نازل شده که اشاره به سرنوشت شوم ترک کنندگان امر به معروف و نهی از منکر دارد و دلالت بر وجوب این فریضه ندارد از جمله سوره اعراف ۱۶۳ تا ۱۶۶ که داستان قوم یهود است، آن دسته که از حکم روز شنبه سرپیچی کردند هلاک شدند و آن دسته که امر به معروف و نهی از منکر نمودند نجات یافتند.

اما در سوره‌های مدنی که پس از تشکیل حکومت اسلامی نازل شده است الزام و وجوب این فریضه بر مسلمانان تشریح شده است از جمله: سوره آل عمران آیه ۱۰۴ که می‌فرماید:

«ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان همان رستگارانند»

اکثر مفسرین «من» در منکم را «من تبعیضیه» گرفته‌اند. بنابراین که امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است و گروهی از جمله «قطب الدین راوندی» من را «من بیانیه» گرفته‌اند و امر به معروف و نهی از منکر را واجب عینی دانسته‌اند (راوندی، بی تا، ج ۱ ص ۳۵۶)

در برخی آیات مانند آیه ۱۱۰ سوره آل عمران از نشانه‌های بهترین امت معرفی می‌کند:

«کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و ...» «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند، چه این که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر در ردیف ایمان به خدا ذکر شده که شاید نمایانگر این موضوع است که اگر ایمان به خدا نداشته باشید از عهده این مسئولیت مهم و خطیر بر نمی‌آید.

در آیه ۱۱۳ و ۱۱۴ سوره آل عمران خداوند مهم‌ترین اعمال صالحه را که عبارت از «ایمان» و «امر به معروف و نهی از منکر» و «سبقت گرفتن در هر خیر» می‌باشد برای گروهی از اهل کتاب ثابت دانسته است، آنان در صورتی جز صالحان می‌باشند که علاوه بر ایمان به خدا و روز رستاخیز، امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای خیر پیشی گیرند.

در آیه ۴۱ سوره حج «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و ...» که در اواخر هجرت پیامبر نازل شده است و امر به معروف و نهی از منکر در کنار دو فریضه مهم دیگر یعنی نماز و زکات قرار گرفته است.

در آیه ۷۱ سوره توبه «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض ، یأمرون بالمعروف و ...» که در اواخر هجرت نازل شده و صفات مؤمنین را بیان می‌کند، زنان و مردان مؤمن بر یکدیگر حق ولایت و امر و نهی دارند.

همچنین در سوره توبه آیه ۱۱۱ و ۱۱۲، امر به معروف و نهی از منکر یکی از صفات مومنان ذکر شده است.

و در آخر آیه ۱۱۰ سوره آل عمران که می‌خوانیم «شما بهترین امتی بودید که پدید آمده‌اید از این رو که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید»

البته در قرآن بطور صریح فقط این آیات وجود دارد.

در باب امر به معروف و نهی از منکر اخبار و روایات بسیاری به ما رسیده که به قول شهید ثانی کمرها را می‌شکند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

از پیامبر (ص) نقل شده که فرمودند: «ما من قوم عملوا بالمعاصی و فیهم من یقدر ان ینکر علیهم فلم یفعل الا یوشک ان یعمهم الله بعذاب من عنده» (محججه البیضاء، کاشانی، ج ۴، ص ۹۸)

«گروهی که معصیت کنند و در میان ایشان کسی قادر بر نهی آنان باشد و نهی نکند، نزدیک است که خداوند همه‌ی آنان را دچار عذاب گرداند».

از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده: «ویلٌ لقومٍ لا یدینون الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر» (طبرسی، علی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۲)

«وای بر مردمی که متدین و متعبد به امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشند».

علی (ع) در نامه ۴۷ نهج البلاغه به حسنین علیهما السلام پس از نصیحت‌ها و پندهای فراوان می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر را وا مگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را بدست گیرند.

علی (ع) در خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات خدا هستند. این دو قطعاً نه مرگ انسان را نزدیک می‌کنند و نه از رزق و روزی می‌کاهند.

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر خلقان من خلق الله عزوجل فمن نصرها اعزه الله و من خذلها خذله الله عزوجل» (طبرسی، علی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۰)

«امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده‌های خدای عزوجل است هر کس این دو را یاری نماید خداوند وی را عزیز کند و هر کس این دو را ترک کند خداوند خوارش گرداند».

پیامبر (ص) فرمودند: «من امر بالمعروف و نهی عن المنکر هو خلیفة الله فی الارض و خلیفة کتابه و خلیفة رسوله» (کلینی رازی، بی تا، ج ۱، باب ۱۳)

«هر کس امر به معروف و نهی از منکر نماید خلیفه خدا در روی زمین و خلیفه کتاب خدا و رسول خدا است»

در وجوب شرعی امر به معروف و نهی از منکر میان فقیهان و متکلمان اعم از شیعه و سنی هیچ گونه اختلافی نیست. آیات و روایات و سیره معصومین (ع) و اجماع، دال بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر است و از ضروریات دین شمرده می‌شود.

اما دلیل بر وجوب عقلی اینکه معتزله و امامیه که قائل به حسن و قبح ذاتی و عقلی افعال می‌باشند می‌گویند: عقل بر اساس قاعده لطف، حکم می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر حسن و واجب است. زیرا لطف، مقرب الی اطاعة و مبعده عن المعصیة است و امر به معروف و نهی از منکر غایت و هدف را محقق می‌کند (مطهری، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۰)

امر به معروف و نهی از منکر مانند سایر فرائض اسلامی دارای شرایط خاصی است که علاوه بر شرایط عمومی تکلیف (عقل، بلوغ) به چند شرط اختصاصی آن اشاره می‌کنیم.

اول: این که آمر و ناهی به معروف و از منکر علم و آگاهی داشته باشند.

دوم: آمر و ناهی در امر و نهی خود احتمال اثر بدهد.

سوم: تارک معروف و عامل به منکر بر گناه خود اصرار داشته باشد.

چهارم: امر به معروف و نهی از منکر موجب مفسده (جانی و مالی و عرضی) نباشد.

درباره این چهار مورد باید گفت: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید معروف و منکر را بشناسد تا در انجام وظیفه خود دچار اشتباه نگردد.

امام صادق (ع) فرمود: کسی که امر به معروف می‌کند، در کار خود به شناخت حلال و حرام نیازمند است. (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش)

پیامبر (ص) فرمودند: امر به معروف نکن و نهی از منکر ننما مگر این که عالم باشی و آن چه را بدان امر می‌کنی آگاه باشی. (المتقی الهندی، علی، ۱۴۰۵ه، ج ۳، ص ۴۷)

علما و فقها این شرط را مثل شرط استطاعت نسبت به حج، شرط وجوب گرفته‌اند. در شرط دوم که احتمال تأثیر بود انسان باید در امر و نهی خود احتمال تأثیر در مخاطب را بدهد و اگر اطمینان داشته باشد که تأثیر ندارد تکلیف از او ساقط می‌شود این شرط میان علما مشهور است و اختلافی در آن نیست. در مورد شرط سوم این که گنهکار استمرار بر گناه داشته باشد. چنان چه تصمیم بر ترک آن داشته باشد، وجوب نهی ساقط می‌شود. علما بر وجوب این شرط اتفاق رأی ندارند. محقق اردبیلی در شرح تجرید العقائد و محقق طوسی در تجرید و علامه حلی در کشف المراد و تحریر الاحکام این شرط را ذکر نکرده‌اند.

اما در مورد شرط چهارم که عدم مفسده باشد این که از امر و نهی، ضرر مالی و جانی و عرضی متوجه او یا یکی از مسلمانان نشود. در جواهر الکلام آمده است: «شرط چهارم آن است که در نهی از منکر مفسده‌ای نباشد پس اگر بدانند یا گمان کنند ضرری متوجه او یا مالش یا آبرویش یا یکی از مسلمانان در حال یا آینده باشد، وجوب آن ساقط می‌شود.

صاحب جواهر می‌گوید در این شرط میان فقها اختلافی نیافتم» (نجفی، بی تا، ج ۲۱، ص ۳۷۱) امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرتبه است اول انکار قلبی دوم انکار زبانی سوم اقدام عملی، به توضیح مختصر: اولین مرتبه انکار قلبی است یعنی هر کسی در جامعه، منکر و فساد را مشاهده نمود تنفر و انزجار قلبی خود را از آن آشکار کند و اظهار کراهت و نارضایتی نماید.

علی (ع) فرمودند: «پایین‌ترین درجه نهی از منکر آن است که انسان با گنهکاران باچهره گرفته و عبوس برخورد کند.» (عاملی حر، ۱۳۸۷ه، ج ۱۱، ص ۴۱۳)

در صورت نتیجه نگرفتن از مرتبه اول، نوبت به «امر و نهی گفتاری» می‌رسد مانند سر بسته سخن گفتن، پند دادن، سخن ملایم گفتن، با تندی و شدت سخن گفتن و... (مطهری، ۱۳۷۲، مجموعه آثار) در (النحل / ۱۲۵) می‌فرماید: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن»

در مرحله آخر (انکار بدی) با دست منکر و بدی ریشه دار شده است و نیازمند برخورد شدیدتری است که در مواردی به ضرب و قتل نیز منجر می‌شود که در اسلام احکام حد و تعزیر بیان شده است.

متکلمان و فقیهان رعایت ترتیب در مراحل امر به معروف و نهی از منکر را واجب دانسته‌اند. و همچنین در درجات هر مرحله قاعده «الایسر فالایسر» باید رعایت شود. حتی با احتمال رسیدن به هدف در مرتبه و یا درجه ای تجاوز از آن، حرام شمرده شده است.

شهید مطهری در این باب می‌فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر از کارهایی است که ساختمان و کیفیت ترتیب آن و این که در کجا مفید است و به چه شکل مفید و مؤثر است و بهتر ثمر می‌دهد و بار می‌دهد و نتیجه می‌دهد، همه را شارع در اختیار عقل و فکر و منطق ما گذاشته است.»

در نتیجه آمر و ناهی می‌بایست مراتب و حالات افراد را در نظر بگیرد و حقوق شخص گنهکار را محترم شمارد و راهی را که آسان تر و مؤثرتر است، انتخاب نماید.

در مورد مصادیق امر به معروف و نهی از منکر باید گفت افراد هر گروه و جامعه ای برای خود یک نظام ارزشی دارند، مجموعه‌ای از کارها را خوب و با ارزش می‌دانند و مجموعه ای را بد و ناروا می‌شمارند.

پاره‌ای از آن‌ها اموری قرار دادی هستند که هر جامعه ای برای خود چیزهایی را وضع می‌کند و بعضی چیزها را پسندیده و نیکو می‌شمارد و بعضی دیگر را ناپسند و قبیح.

از جمله معروف‌های شرعی، چنگ زدن و پناه بردن به خدای تعالی که در آیه ۱۰۱ سوره آل عمران به آن اشاره شده «هر کس به خدا تمسک جوید به راهی راست هدایت شده است.»

دیگر، توکل به خدای متعال مانند آیه ۳ سوره الطلاق که «هر کس به خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند.» همچنین حسن ظن و خوشبینی به خدای متعال و صبر در هنگام بلا و مصیبت و صبر از محرمات الهی و حلم و خویشتر داری و عفت و پاکدامنی و انصاف و عدل با مردم و اصلاح نفس هنگام میل به بدی و شر.

از جمله منکرهای شرعی، خشم و غضب که به فرموده پیامبر (ص) «خشم و غضب ایمان را فاسد می‌کند همانطور که سرکه عسل را فاسد می‌کند.» (طیب، بی تا، چاپ سوم)

دیگر، ظلم و ستم و حسد که پیامبر (ص) فرمودند: «بدترین مردم نزد خدا در روز رستاخیز کسانی هستند که به خاطر ترس از شرشان، اکرام و احترام می‌شوند» یا «حسد ایمان را می‌خورد چنان که آتش، هیزم را می‌خورد.»

از مهم‌ترین صفات امر به معروف و ناهی از منکر این که بصیرت و آگاهی داشته باشد و همچنین خود عامل به معروف و تارک منکر باشد و مهم‌تر از همه اینکه در عمل اخلاص داشته باشد.

همان طور که پیامبر (ص) فرمودند: «کارهایتان را برای خدا خالص گردانید، زیرا خدا فقط کارهایی را می‌پذیرد که از روی اخلاص برای او انجام گرفته باشد» (پاینده، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۷۴، ش ۱۱۱)

حسن خلق و خوش رویی و صبر و بردباری و عفو و گذشت نیز از صفات دیگر است که فقط به گفتن آن‌ها اکتفا می‌کنیم.

امر به منکر و نهی از معروف در قرآن و روایات از صفات منافقان ذکر شده است که در آیه ۶۷ و ۶۸ سوره توبه به آن اشاره شده است.

انسان هر نوع تکاملی چه در جنبه‌های فکری و عملی و اخلاقی و چه در قسمت‌های مادی و صنعتی پیدا کرده مدیون اجتماع است و بدون اجتماع مدنیت و انسانیت و مانند این‌ها ابداً مفهومی نخواهد داشت.

از امور اجتماعی که قرآن بر آن تأکید ورزیده «امر به معروف و نهی از منکر» است که به عنوان یک امر اجتماعی وقتی به عنوان یک وظیفه تلقی شد، هم به صورت انگیزه فردی در می‌آید و هم آثار اجتماعی دارد. یک فرد مسلمان می‌بایست علاوه بر تهذیب نفس و خودسازی در راه بهسازی محیط اجتماعی خویش غفلت نرزد که اگر جامعه به سرایشب سقوط افتد نیک و بد را باهم به سقوط و هلاکت می‌کشاند.

تأکید اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر و مسئولیت متقابل افراد یک امت در هر سمت و مقامی باشند نمایانگر این مطلب است که نظام عقیده و عمل اسلامی بر پایه اصل «آمیختگی فرد و جامعه» نهاده شده است.

امر به معروف و نهی از منکر به خاطر نقش عظیمی که در سعادت و اصلاح فرد و جامعه دارد آثار مهمی دارد که پاره‌ای را فهرست وار بیان می‌کنیم اول بهترین امت (آل عمران/۱۱۰) دوم فلاح و رستگاری (آل عمران/۱۰۴) سوم بهره‌وری

کامل از سرمایه‌ها و عدم خسران (العصر ۲ و ۳) چهارم نجات از عذاب‌های دنیوی (اعراف/۱۶۵) پنجم اجر و پاداش عظیم (النساء/۱۱۴) و در آخر یاری از خدا (الحج ۴۰ و ۴۱)

زیان‌های ترک امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه را مختصراً بیان می‌نماییم: اول عذاب عمومی و نزول بلاها، پیامبر (ص) فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه عذاب خدا شامل همه شما خواهد شد. (حر عاملی، ۱۳۸۷ه، ج ۱۱، ص ۴۰۷)

دوم تسلط اشرار و عدم استجابت دعا. در نامه ۴۷ نهج البلاغه داریم: امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که برترین شما حکمرانی شما را بر دست گیرند! آنگاه دعا کنید و از شما نپذیرند.

سوم تضعیف ایمان، امام صادق (ع) فرمودند: هر کس همسایه ای دارد که اهل معصیت است و او را نهی نمی‌کند، در گناه او شریک است. (عاملی، بی تا، ج ۵، ص ۲۶۳)

چهارم قطع شدن برکات الهی، پنجم، خمود، بی تحرکی و موارد بسیار دیگر.

از مسائل عمده نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه چگونگی تربیت و پرورش افراد بر اساس نیازهای آن جامعه می‌باشد. نقش اساسی پدر و مادر در آن است که برای رشد و پرورش کودک احساس استقلال و شایستگی را در او فراهم آورند. در محیط مدرسه نیز معلمی که به صفات نیکو و مثبت اهمیت خاصی می‌دهد و در مورد کارهای ناپسند شاگردان تذکرات ملایم و دوستانه می‌دهد و در اکتساب فضائل و اخلاق نیکو به آنان کمک می‌کند. در امر به فضائل و اخلاق نیکو به شخصیت و شرایط روحی و سنی کودک باید توجه داشت.

در منع و بازداشتن از کارهای زشت و ناپسند، درک کودک بسیار اهمیت دارد.

علی (ع) در حکمت ۷۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «پیش از آن که بخواهید فرزندان خود را به سخن موعظه و تأدیب کنید با روش و کردارتان آنان را تأدیب و تربیت کنید».

امر به معروف و نهی از منکر یکی از روش‌های تربیتی اسلام است. پیامبران و ائمه اطهار (ع) همه برای ارشاد و تربیت مردم آمده‌اند و انسان طبیعتاً ارشاد را بهتر از دستور دادن تحمل می‌کند.

کار مربی یا پدر و مادر نیز اگر جنبه‌ی ارشادی داشته باشد مؤثرتر از روش‌های دیگر است. از کارهای پسندیده کودکان و نوجوانان باید قدردانی کنند و در برابر کارهای زشت آنان از کتک زدن و اهانت کردن جداً اجتناب کنند.

نتیجه‌گیری

۱. امر به معروف یعنی فرمان به نیکی و نهی از منکر یعنی بازداشتن از بدی.
۲. امر به معروف و نهی از منکر از اصول عملی اسلام و از مهم‌ترین و عظیم‌ترین فرائض دینی و عبادی است.
۳. معروف و منکر قلمرو وسیعی دارند و فقط در محدوده‌ی عبادات خلاصه نمی‌گردند.
۴. معیارهای شناخت معروف و منکر «عقل» و «دین» است که بهترین ملاک «دین» است.
۵. اصل وجود این فریضه به حکم عقل است و آیات و روایات مؤید آن است.
۶. حدود و شرایط امر به معروف و نهی از منکر به تعیین و تبیین شرع مقدس می‌باشد.
۷. شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است.
۸. رعایت ترتیب در مراتب امر به معروف و نهی از منکر لازم و واجب است.
۹. امر به معروف و نهی از منکر از حقوق متقابل مسلمانان است و فرد و اجتماع در مقابل یکدیگر مسئول هستند.
۱۰. یکی از روش‌های تربیتی در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است.

۱۱. امریه معروف و نهی از منکر در موارد گوناگون جنبه ارشادی دارد.
۱۲. در امر و نهی کودکان چه در منزل چه در مدرسه از افراط و تفریط باید اجتناب کرد و به روایات لطیف آنان احترام گذاشت.

«الحمد لله أولاً و آخراً»

آبان ۱۳۹۰

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور الافريقي المصري، جمال الدين محمد بن مكرم - لسان العرب - بيروت، دارالفکر، چاپ اول، بی تا
۴. اسلامی اردکانی، سید حسن - امریه معروف و نهی از منکر - قم، نشر خرم، ۱۳۷۵ ش
۵. پاینده، ابوالقاسم - ترجمه نهج البلاغه - انتشارات جاویدان چاپ اول، ۱۳۷۴ ش
۶. حلی - مناهج اليقين في اصول الدين - انتشارات یاران چاپ اول
۷. خمینی - تحریر الوسیله - قم، موسسه مطبوعات دارالعلم چاپ دوم
۸. راغب اصفهانی - المفردات في غريب القرآن - دفتر نشر کتاب چاپ دوم، ۱۴۰۶ ه
۹. راوندی، قطب الدين - فقه القرآن - انتشارات کتابخانه، آیه الله مرعشی نجفی
۱۰. طباطبائی، محمد حسین - تفسیر المیزان - ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
۱۱. طبرسی، علی - مشکاه الانوار في غرر الاخبار - مشهد، ترجمه سید عبدالحسین رضایی نیشابوری - انتشارات طوس
۱۲. طیب، سید عبدالحسین - کلم الطیب در تقرير عقاید اسلام - انتشارات اسلام چاپ سوم، بی تا
۱۳. عاملی، حرّ، محمد بن حسن - وسائل الشیعه - تهران، منشورات مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۷ ه
۱۴. عاملی، زین الدین علی بن احمد - حقائق الايمان - قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
۱۵. فیض کاشانی - تفسیر الصافی - تهران، منشورات مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم ۱۳۶۲ ش
۱۶. قرائتی، محسن - امریه معروف و نهی از منکر - قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ هفتم ۱۳۷۷ ش
۱۷. کاشانی، مولی محسن - المحجّة البيضاء في تهذيب الاحياء - قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۸. کاشف الغطاء، محمد حسین - اصل الشیعه و اصولها - قاهره، مکتبه النجاح چاپ دهم ۱۳۷۷ ش
۱۹. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق - اصول کافی - ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات اسلامی چاپ هفتم
۲۰. المتقی الهندی، علی - کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال - بیروت، موسسه الرساله ۱۴۰۵ ه
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی - آذرخش دیگر از آسمان کربلا - قم موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۷۹ .
۲۲. مصطفوی، حسن - مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه - تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران ۱۳۶۰ ش
۲۳. مطهری، مرتضی - مجموعه آثار (۳) - انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۲۴. نجفی، محمد حسن - جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام - بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. نوری همدانی، حسین - امریه معروف و نهی از منکر - قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۹ ش.

بررسی عوامل مؤثر برت حول ارزش‌های اجتماعی از دیدگاه شهروند مسئول در شهر پارس آباد مغان

عظیم قاسم زاده^۱

بهنام پناهی^۲

چکیده

ارزش‌های اجتماعی عناصر کلیدی نضام فرهنگی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و بررسی و مطالعه آنها نقش فوق‌العاده مهمی در شناخت بیشتر عناصر نظام فرهنگی دارد. ارزش‌ها ریشه در اعتقادات باورها و مناسبات اجتماعی دارد و براساس همین باورهاست که اعضای جامعه دست به قضاوت و داوری امور می‌زنند. تغییر ارزش‌ها به تغییر مناسبات اجتماعی و تغییر نظام اجتماعی منجر می‌شود از این روست که موضوع تغییر ارزش‌های اجتماعی از جمله حوزه‌های مورد توجه علمای اجتماعی است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل تاثیرگذار بر ارزش‌های اجتماعی در بین افراد ۶۵-۱۵ ساله در شهر پارس آباد مغان می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی می‌باشد و اطلاعات لازم با استفاده از یک پرسشنامه ساخت یافته شامل ۳۲ گویه به دست آمده است. حجم نمونه به تعداد (N = ۳۸۱) که با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده است. شیوه نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای طبقه‌ای و تصادفی ساده صورت گرفته است. متغیر وابسته ما در این تحقیق ارزش‌های اجتماعی بوده و متغیرهای مستقل این تحقیق عبارت بودند از رسانه‌ها، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و رضایت از زندگی و شهرگرایی. نتایج بررسی‌ها وجود رابطه معنی‌داری بین متغیرها مستقل و وابسته را نشان می‌دهد، تنها بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

واژگان کلیدی: ارزش‌های اجتماعی، رسانه‌ها، شهرگرایی، امر به معروف و نهی از منکر.

مقدمه

هر جامعه‌ای براساس دیدگاه‌های خود نسبت به جهان دارای نوع نظام ارزشی است که این نظام ارزشی تعیین‌کننده اخلاق و رفتار اعضاء جامعه می‌باشد. ولی با نظر اجمالی به جهان متوجه می‌شویم که این جهان دارای نظام‌های ارزشی متفاوتی می‌باشد که در واقع می‌توان گفت متفاوت بودن ارزش‌ها ناشی از دیدگاه‌های متفاوت و تفاوت داشتن هر جوامع و مکاتب فکری با دیگر جوامع و مکاتب می‌باشد.

در کشور ما امروزه می‌بینیم که پدیده‌های مضر از طریق هنجار در جامعه گسترش می‌یابند و به ارزش‌ها تبدیل می‌شوند. در این فرآیند ابزار و وسایل جدید ارتباطی نظیر ویدئو و فیلم و برنامه‌های ماهواره‌ای و ... و نیز در همان مسیر مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نتیجه میزان انحرافات با توجه به زمینه‌های مناسب اقتصادی به اتباعتی به طور تصاعدی در حال افزایش می‌باشد.

تغییر ارزش‌ها برای جوامع یک مسئله اساسی است تبدیل یک پدیده به ارزش از طریق تبدیل آن به هنجار انجام می‌گیرد بنابراین فرآیند تغییر ارزش در حادترین شکل خود، آن است چگونه می‌توان یک ارزش اجتماعی را از حالت اجتماعی و جمعی یعنی از هنجاری بیرون آورد و به جای آن یک ارزش دیگر را به هنجار تبدیل نمود. در این صورت ما با فرآیند هنجارآوری سروکار خواهیم داشت.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی: هیئت علمی و مدرس دانشگاه آزاد

۲. کارشناس ارشد پژوهشگری: Email: bpanahi80@yahoo.com

در هر جامعه‌ای با توجه به ویژگی‌های فرهنگی آن، مقولات، معیارها و مفاهیمی با ارزش قلمداد می‌شوند. ارزش‌های اجتماعی هم جنبه مادی (اقتصادی) دارند و هم جنبه معنوی. در جوامع شرقی بر ارزش‌های معنوی تکیه بیشتر است و در جوامع صنعتی غرب ارزش‌های مادی مانند (مقام و...) از اهمیت بیشتری برخوردارند. در جوامع اسلامی در حالی که جنبه‌های مهم‌تری فرهنگ از اعتبار روایندی برخوردارند. جنبه‌های مادی و اقتصادی فرهنگ نیز ارزش خاص خود را دارند. بنابراین فرهنگ‌های متفاوت جوامع، ارزش‌های اجتماعی مختلفی را در کشورها به وجود می‌آورند امروزه به دلیل گسترش علوم و فناوری و افزایش نقش فرهنگ‌های مختلف جوامع بشری در یکدیگر، پایه‌های مشترک فرهنگ جهانی در شرف تکوین می‌باشد. انواع ارزش‌های اجتماعی که در مطالعه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند در مقوله‌هایی ارزش مانند: درستکاری، صداقت، مال و ثروت، همکاری و تعاون، علم و دانش و... مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند که این عناصر برخی از عناصر ده گانه مثل ارزش‌های اجتماعی فلوید آلپورت هستند که این ارزش‌ها از عناصر اساسی فرهنگ عمومی مورد توجه قرار دارند.

طرح مسئله

در حوزه‌های علوم انسانی و جامعه‌شناسی اندیشمندانی هستند که درباره ارزش نظریه‌هایی ارائه داده‌اند از این افراد می‌توان به دورکیم، ویر، پارسونز، هابرماس، مانهایم و... اشاره کرد. از حوزه‌های دیگر علوم انسانی مثل فلسفه و علوم الهی و غیره نیز در مورد ارزش نظرات متفاوتی ارائه شده است که همگی نشانگر اهمیت این مقوله در حوزه‌های علوم اجتماعی می‌باشد.

دانشمند ارزش‌های اجتماعی را به لحاظ اهمیتی که در ساختار اجزای فرهنگ دارد جزء ساختار چهار ده گانه فرهنگ عمومی قرار می‌دهند.

علت وجودی موضوع ارزش‌های اجتماعی به لحاظ اهمیتی است که در ساختار اجزای چهارده گانه فرهنگ عمومی قرار دارد. در شرایط فعلی جامعه ایران که در حال گذر از مرحله سنتی به صنعتی است و دگرگونی ارزش‌های اجتماعی در فرآیند تغییرات اقتصادی - اجتماعی و صنعتی شدن برجسته است. بنابراین مطالعه ارزش‌های اجتماعی برای پی بردن به فرهنگ عمومی جزء مهم‌ترین مساله در شرایط فعلی است.

قرآن کریم در بیان صفات ممتاز مؤمنان می‌فرماید:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (توبه؛ ۷۱)

مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند

به موجب این آیه، افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکر می‌باشند. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در کل جامعه تأثیر بگذارد؛ چنان که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد.

ارزش‌های اجتماعی در حقیقت مفاهیمی هستند که برای افراد یک جامعه معین با ارزش و مقبول می‌باشند (گلابی، ۱۳۷۱: ۹۵). ارزش‌ها در حقیقت مفاهیمی جمعی هستند از آنچه که از نظر فرهنگی خوب، مطلوب و مناسب و یا این که بد، غیر مطلوب و نامناسب تلقی می‌شود. این ارزش‌های اجتماعی هستند که تعیین می‌کنند برای مردم یک جامعه چه چیزی خوب یا از نظر اخلاقی درست است (محسنی، ۱۳۷۰: ۳۸۰).

مارگارتمید با تأکید به فشار ماهیت تاریخی و نقش تحولات سریع و عمیق توانایی نسل‌های قبل را در ارائه الگوی نسل‌ها جدید را ممکن نمی‌دانست و اطلاعات فرهنگی و رسانه‌ای مدرن را عمل اصلی کناره‌گذاری ارزش‌ها و هنجارهای قدیمی می‌شمرد (توسلی: ۱۳۸۲).

معروف و منکر که دو مفهوم متقابل‌اند، در لغت به معنای شناخته شده و ناشناخته می‌باشند؛ و در اصطلاح کارهایی که نیکی یا زشتی آن‌ها توسط عقل یا شرع، شناخته شده باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می‌شوند. به کارگیری لفظ معروف و منکر در امور مربوط به باید‌ها و نبایدهای دین، بدین لحاظ است که فطرت پاک انسانی با کارهای معروف آشنا و مأنوس و با زشتی‌ها و امور ناپسند، بیگانه و نامأنوس است. بنابراین معروف و منکر قلمرو وسیعی دارد و در محدوده عبادات یا یک سری از گناهان کبیره نمی‌گنجند. معروف شامل امور اعتقادی، اخلاقی، عبادی، حقوقی، اقتصادی، نظامی (همانند مزداری و پیکار در راه خدا) سیاسی (مثل حضور در صحنه‌های انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن) و امور فرهنگی می‌شود و منکر نیز شامل منکرات اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اقتصادی (مانند کم‌فروشی و احتکار)، سیاسی (همانند جاسوسی و کمک به ضدانقلاب)، نظامی (نظیر فرار از جبهه و جنگ، عدم رعایت سلسله مراتب فرماندهی) و... می‌شود در مجموع می‌توان از معروف و منکر، به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها تعبیر نمود.

بنابراین درک درست و صحیح این مسائل اهمیت خاص خود را دارد و یکی از این راه‌ها تحقیق و تفحص در این زمینه می‌باشد. با توجه به مسائل مطرح شده سؤال اساسی ما این می‌باشد که عوامل مؤثر با توجه به نگرش مردم نسبت به ارزش‌های اجتماعی کدام موارد می‌باشند؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

تحقیقات اجتماعی همانند تحقیقات در سایر عرصه‌های زندگی بشر اصولاً درصدد پاسخگویی به سؤال و سئوالاتی است که در برش زمانی و مکانی جوامع براساس مقتضیات حاکم بر زندگی اجتماعی انسان هموار ذهن او را به خود مشغول داشته است. لذا با توجه به گستره بسیار محدود آگاهی بشر نسبت به زمینه نامحدود شناخت، هر تحقیق از آن حیث که به پاسخگویی به بخشی از مجهولات ذهن بشر منجر می‌شود و خلأی را در دایره بسیار محدود شناخت او پر می‌کند ضرورت می‌یابد. به ویژه آنکه اعتقاد داشته باشیم که هر تحقیق در ضمن روش نمودن بخشی از زوایای مجهول یک موضوع یا زمینه سرانجام به طرح سئوالات و مجهولات دیگری ختم می‌شود. از اینروست که برای تحقیقات اجتماعی در هر حیطه موضوعی، مرز و نقطه پایانی متصور نیست. آنچه از دیر باز سهمی از تلاش‌های فکری اندیشمندان و فیلسوفان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را به خود اختصاص داده تحقیق و تفحص در مقوله ارزش‌هاست.

از طرف دیگر چون ارزش‌های حاکم بر هر جامعه‌ای برای آن جامعه مهم و ضروری می‌باشد و می‌توان گفت از دیر باز و طی قرون و سالیان دراز شکل گرفته و به عنوان یک الگوی پذیرفته شده در جامعه تثبیت شده است و الگوی و هنجارهای رفتاری و کرداری و گفتاری جامعه را تعیین و هدایت کرده و بنابراین تغییر و تحول در چنین مقوله‌هایی به آسانی از طرف اعضا جامعه پذیرفته نشده و می‌شود گفت به عنوان یک مسئله درآمده است و از آنجایی که آینده و سرنوشت هر جامعه و تثبیت شخصیت انسان‌ها بر مبنای ارزش‌های حاکم بر آن جامعه می‌باشد. اهمیت و ضرورت ارزش‌های اجتماعی به مراتب بیش از پیش نمایان می‌گردد. اهمیت این موضوع برای هر کشوری و به خصوص کشورهای نظیر ما بسیار خطیر و حیاتی می‌باشد. بنابراین شناخت و درک ارزش‌های جامعه به عنوان موضوعی که می‌تواند باعث بالندگی و شکوفایی کشوری گردد از اهمیت خاصی برخوردار است از این رو می‌توان گفت که تأمین سلامت جسمی و روانی و اخلاقی و

فرهنگی و اعتلای علمی شکوفایی شخصیتی و رشد زمینه‌ای خلاقیت انسان‌ها را در صدر برنامه‌های تحقیقی و پژوهش قرار می‌دهد. لذا با توجه به این موضوعات مطرح شده اهمیت و ضرورت چنین تحقیقاتی خود به خود معلوم و مشخص می‌باشد و در این تحقیق سعی شده است گوشه‌های از این ارزش‌ها همچون ارزش‌های اجتماعی بررسی گردد.

از آنجا که می‌دانیم قوام و بنیان جامعه به فرهنگ است. حال باید بدانیم که ارزش‌ها در فرهنگ یک ملت چه جایگاهی دارد و دیگر بخش‌ها را چگونه تحت الشعاع قرار می‌دهند. فیلسوفان علوم اجتماعی قوام فرهنگ را به ارزش‌ها می‌دانند و معتقدند این ارزش‌ها هستند که جامعه را دارای هویت و قوانین ویژه می‌سازند. یعنی اگر می‌گویند هویت هر جامعه‌ای به فرهنگ آن است منظورشان بخش شناختی فرهنگ می‌باشد که همان ارزش‌هاست و این بدان جهت است که قوام فرهنگ‌ها به ارزش‌هاست. زیرا جنبه مادی و قواعد سازمانی فرهنگ، مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر جنبه شناختی به ویژه ارزش‌ها هستند. ارزش‌ها در حقیقت چراغ هدایت رفتار و سازمان دهنده دیگر عناصر فرهنگی هستند (شمی اله مریجی، ۱۳۸۷).

اهداف تحقیق

در تحقیق حاضر یک هدف اصلی و سه هدف فرعی به شرح زیر استفاده شده است.

هدف اصلی

مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر ارزش‌های اجتماعی در شهر پارس آباد مغان از دیدگاه شهروندان مسئول.

اهداف فرعی

۱. شناخت رابطه بین رسانه‌ها و ارزش‌های اجتماعی در شهر پارس آباد مغان.
۲. شناخت رابطه بین امر به معروف و نهی از منکر و رعایت ارزش‌های اجتماعی در شهر پارس آباد مغان.
۳. شناخت رابطه بین شهرگرایی و ارزش‌های اجتماعی در شهر پارس آباد مغان.

پیشینه تحقیق

۱. بررسی جایگاه دین در نظام ارزشی جوانان این تحقیق توسط "حمیرا ندیمی" جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در سال ۱۳۷۷ صورت گرفته است. محقق در صدد سنجش گرایش جوانان به دین و نیز تعیین عوامل مؤثر بر آن می‌باشد و به بررسی عوامل فردی، شرایط خانوادگی و عمدتاً ارزش‌های جوانان در گرایش جوانان به دین پرداخته است. محقق برای سنجش متغیر وابسته تحقیق یعنی گرایش به دین، با استفاده از تئوری فیش بائن و آنبون (ارزیابی فایده دین) (انتظارفایده دین) را از نظر جوانان مورد بررسی قرار داده است. روش تحقیق پیمایشی و ابزاری گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای مشتمل بر سئوالات باز و بسته و تعدادی از گویه‌ها برش قطبیب بوده است. جامعه آماری این تحقیق را دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی که حداکثر ۳۰ سال داشته‌اند، روش نمونه‌گیری اتفاقی ساده و حجم نمونه ۲۰۹ نفر بوده است.
۲. بررسی وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی. این تحقیق را آقای دکتر فرامرزر فیح پور انجام داده است که به چگونگی دگرگونی ارزش از دریچه رسانه‌ها پرداخته است. ایشان اعتقاد دارند که دگرگونی ارزش‌ها از راه‌های گوناگون به وجود می‌آید و باز هم ادامه خواهد داشت که وسایل ارتباط جمعی یکی از آن راه‌هاست. در این تحقیق آقای رفیع پور به برنامه‌های ارائه‌شده از تلویزیون و

رسانه‌های جمعی پرداخته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: الف- فیلم سینمایی ب- سریال‌ها ج- برنامه‌های تبلیغاتی د- بررسی تأثیر ویدئو و تحلیل روزنامه‌ها.

در پایان آقای رفیع‌پور، نتیجه‌گیری می‌کنند که بعد از انقلاب یک فرایند در تغییر ارزش در جهت کاهش نابرابری، تجملات و مصرف‌گرایی را طی کرد که این خود پایه اصل رضایت‌انسجام و اعتماد اجتماعی را به وجود آورد. از سال ۱۳۶۸ با تغییر حکومت، جهت سیاست به کلی دگرگون شد و توسعه اقتصادی هدف قالب قرار گرفت که همه عوامل و عناصر دیگر از جمله ساختار اجتماعی را تحت تأثیر و تحت الشعاع قرار داد. در این مسیر وسائل ارتباط جمعی نقش جدید را فعلا نه به عهده گرفت و در تغییر ارزش‌ها که در زمان جنگ به وجود آمده بود و با جایگزین کردن با نیازهای دیگر و ارزش‌های طبقاتی مؤثر واقع شدند و نتیجه این کار تخریب ساختار اجتماعی، افزایش آشفته‌گی اجتماعی، انحرافات اجتماعی و غیره و کاهش اعتماد اجتماعی و بسیاری دیگر از بیماری‌های اجتماعی گردید (رفیع‌پور ۱۳۶۸).

مبانی نظری

از دید جامعه‌شناسی از ارزش تعاریف متعددی شده است. پارسونز اعتقاد دارد (ارزش‌عنصری است که از یک سیستم نمادین و در برگیرنده معیار و ملاکی برای گزینش استاندارد از جهت‌گیری‌های باز و بی‌پهنه به موقعیت‌ها. لاندربریگ اعتقاد دارد «چیزی ارزش دارد یا ارزش است که مردم برای ابقا افزایش آن کوشش کنند» (ریترز، ۱۳۷۴). الف) دیدگاه ساختاری:

جان کلام این دیدگاه این است که هرگاه بین عناصر و اجزا تشکیل دهنده یک مجموعه رابطه‌ای نسبتاً ثابت و محکم و استوار به وجود آید، به معنی اخص کلمه ما به مفهومی بنام ساخت دست می‌یابیم. از منظر این رهیافت در درون یک نظام اجتماعی برای برقراری مناسبات اجتماعی متعادل و متوازن وجود اصل تعادل و توازن یک امر بدیهی به نظر می‌آید. پارسونز به عنوان یکی از نظریه پردازان مهم این نحله‌ی فکری معتقد است که هر نظام برای پویایی و حیات خود ناگزیر به استفاده از ادوات و ابزارهایی مثل، انطباق، هدف‌یابی، وحدت، هم‌گرایی، در کلیت یک سیستم است. با این وجود یکی از مهم‌ترین الزام یکی نظام اجتماعی وجود سیستمی از ارزش‌های فرهنگی است که وفاق و همدلی ارزشی و اجتماعی بر اساس آن تبلور یابد. (پهلوان، ۱۳۸۶).

ب) کارکرد گرایی:

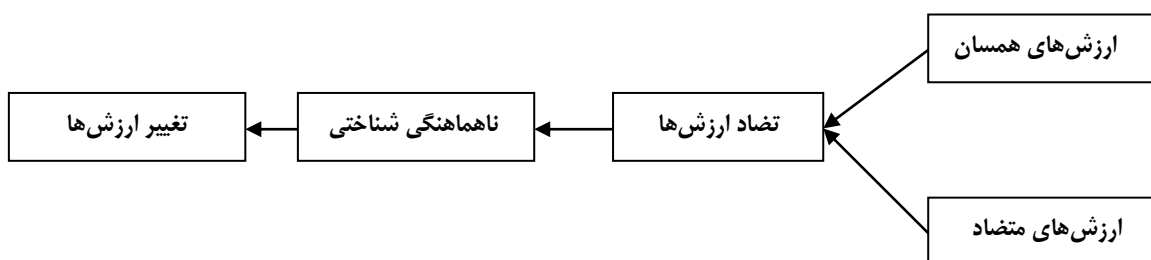
در این نحله فکری عناصر متشکله نظام اجتماعی از جمله فرهنگی و ارزش‌های آن به عنوان جزئی از نظام کلی تر دارای کارکردها و وظایف مثبت و سازنده برای حفظ و بقای کلی جامعه می‌باشد. بنابراین کارکرد و نقش هر کدام از ابزار و ارتباط آن با یکدیگر و انسجام وفاق ارزش‌ها برای دوام و قوام جامعه و مشارکت هر یک از عناصر در بقا یا امحای جامعه تأکید می‌شود. بر مبنای چنین چارچوب فکری تغییرات ارزشی مغایر با کلیت نظام اجتماعی، انسجام و همبستگی درونی آن است. نکته قابل فهم و درک دیگری که از نحله فکری کارکرد گرایی به دست می‌آید، بحث همبستگی عناصر و وفاق ارزشی در تحلیل کارکردی است و این امر بقا، دوام و قوام نظام کل جامعه را سبب می‌شود. به موجب این رهیافت بقای هر نظامی مستلزم مشارکت آگاهانه‌ی همه عناصر و جریان‌های فرهنگی در راستای تقویت و توسعه پایدار جامعه است، نه صرفاً یک طبقه، نسل یا بخشی خاص جامعه. لذا بدون مشارکت همه عناصر ارزشی، کارکرد جامعه مختل می‌شود و آن جامعه به قول دورکیم به سوی آنومی و ناهنجاری میل می‌کند. (همان منبع)

رابرت مرتن در نظریات خود موضوعاتی همچون بی‌سازمانی اجتماعی، نظام گسیختگی اجتماعی و چگونگی سازگاری فرد با محیط می‌پردازد. مرتن بی‌سازمانی اجتماعی را مطرح می‌کند که ساختار اجتماعی آرزوهای را بر می‌انگیزد. اما شیوه‌های مقبول دستیابی بدان را محدود می‌سازد. حاصل این وضعیت ستیز هنجارها با واقعیت‌هاست. این ستیز به پدید آمدن حالت مبهمی بین فرد و جامعه می‌انجامد که در آن افراد و ارزش‌ها و اهداف مشترک، رهنمودهای رفتاری و خطوط راهنمای اخلاقی و روشنی را برای خویش نمی‌یابند (محسنی، ۱۳۶۸).

مرتن در رابطه به سازگاری فرد با محیط اجتماعی به یک سنخ‌بندی دست زده که رابطه سازگاری فرد با جامعه می‌باشد.

این سنخ‌بندی‌ها عبارتند از: ۱- هم‌نوایی: یعنی پذیرش اهداف و ابزارها، ۲- نوآوری: یعنی پذیرش اهداف و ابزارها ۳- مناسک‌گرایی: پذیرش ابزارها و اهداف ۴- انزوا طلبی: رد اهداف و ابزارها بدون جایگزین کردن اهداف و ابزار جدید ۵- شورش: رد اهداف و ابزار و جایگزین کردن اهداف و ابزار جدید (همان منبع).

مطابق با نظر شوارتز، نظام ارزش شامل ارزش‌های همسان و ارزش متضاد است که به طور کلی موجب تضاد ارزش‌هاست. تضاد ارزش‌ها براساس نظریات فستینگر ناهماهنگی شناختی را در پی دارد. از آنجائی که تضاد ارزش‌ها باعث تغییر ارزش‌ها می‌شود از دیدگاه‌های فوق نمودار زیر ترسیم کرد.



دکتر چلبی نیز عقیده دارد قطبی شدن هنجاری می‌تواند زمینه ساز تضاد هنجاری و تضاد ارزش باشد. بالعکس تضاد ارزش خود می‌تواند شرایط را برای قطبی شدن و تضاد هنجاری فراهم می‌کند. مثلاً در مورد پوشش زن یک هنجار بگوید «باید چادر پوشید» و هنجار دیگر بگوید «نباید چادر پوشید» در این صورت با یک نمونه تضاد هنجاری مواجه هستیم (چلبی، ۱۳۷۵).

شلر و مانهایم هم جزو افرادی هستند که به جامعه نخبه‌گرا اعتقاد دارند. شلر در مورد گروه نخبه می‌گوید عامل مثبتی که به محتوی ناب فرهنگی تحقق می‌بخشد همواره عمل اختیاری و اراده آزاد تعداد کمی از اشخاص است این اشخاص به طور عمدۀ عبارتند از: رهبران الگوها، پیش‌گامان که به نوبت و به موجب قانون معرف انتشار فیزیکی، چه با تقلید آزادانه یا غیر آزادانه مورد پیروی تعداد بسیار یعنی اکثریت افراد جامعه واقع می‌شود از این طریق است که یک فرهنگ اشاعه می‌یابد (کیا، ۱۳۷۸).

اخلاق شهروندی

برای فهم اخلاق شهروندی باید بین دو نوع فردگرایی که دورکیم تمایز گذارده اشاره کرد. وی از نوع فردگرایی نام می‌برد. «فردگرایی اخلاقی» و «فردگرایی خودخواهانه» و در کتاب تقسیم کار این دو مفهوم را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. فردگرایی اخلاقی با نوعی نظم اخلاقی - اجتماعی همبسته است. در این فردگرایی، فرد در رابطه با نظام اجتماعی و نظم اخلاقی آن شناخته می‌شود و فردگرایی اخلاقی به معنای مسوول بودن فرد در قبال افراد دیگر جامعه و اخلاق مدنی

(تنوری‌ها) و هم به لحاظ تجربی (تحقیقات پیشین) قبلاً اثبات شده‌اند و در این تحقیق با یک جامعه آماری جدید و با استدلال قیاسی (از تنوری به مشاهده رسیدن) سعی داریم این فرضیات را که از دل تنوری‌ها بدست آمده‌اند به بوته آزمون بگذاریم تا در صورت تأیید با روش علمی به نتایج علمی و به تبع آن به پیشنهادات علمی دست یازیم.

گفتنی است آنجا که از فرد کاری ساخته نیست، باید امر به معروف و نهی از منکر به شکل جمعی و گروهی انجام گیرد. همچنین از تدابیر عملی نباید غفلت کرد یعنی باید دید چه طرح و رفتاری، مردم را نسبت به کار نیک تشویق می‌کند و یا از کار زشت باز می‌دارد و این به معنای دخالت دادن عقل و منطق، در اجرای قانون امر به معروف و نهی از منکر است؛ چرا که اسلام در شیوه‌های اجرایی این اصل مهم، آن را به عقل و تدبیر انسان و نهاده است تا از هر راه ممکن و مفید، ریشه منکرات را از جامعه برکنند. برخلاف واجبات عبادی همانند نماز که شکل انجام آن نیز باید با تعبد به دستور شرع صورت پذیرد.

نتیجه این که امر به معروف و نهی از منکر همچون خون در پیکره دین جریان دارد و ضامن حیات اسلام است. خیزش و قیام مصلحان در جامعه اسلامی نیز، بازتابی از عمل به این فریضه می‌باشد و اگر مصلحان بزرگی همچون امام حسین - علیه السلام - نمی‌بودند، ارزش‌های انسانی و الهی از بین رفته و اسلام قرن‌ها پیش توسط تبهکاران دفن شده بود، انقلاب اسلامی ایران، خود یکی از ثمرات و نتایج با ارزش این اصل در جنبه‌های سیاسی و حکومتی است که توسط مصلح بزرگ، امام خمینی (رحمة الله علیه) رهبری شده و به پیروزی رسید و هم اکنون به زعامت رهبر معظم انقلاب اسلامی به راه خود ادامه می‌دهد.

قرآن کریم برای تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی پیروان خود، اصلی را به عنوان «توکی و تبری» مشخص کرده و از آنان خواسته تا آن را پایه و محور تلاش‌ها و روابط خود با دیگران قرار دهند. به موجب این اصل هر فرد مسلمان باید در برابر صالحان و تبهکاران و در مقابل جریان‌های سیاسی، موضع‌گیری مناسبی اتخاذ نماید.

مردی به حضور امام باقر علیه السلام رسید و عرض کرد: «شما اهل بیت رحمت هستید. خداوند رحمت را مخصوص شما قرار داده است.»

امام علیه السلام فرمود: «همین گونه است. خدا را سپاس که ما هیچ کس را به گمراهی نمی‌افکنیم و از راه هدایت خارج نمی‌کنیم. دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که خداوند، مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدا عمل می‌کند و از همه‌ی امور منکر نهی می‌نماید»

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین رسانه‌ها و ارزش‌های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین شهرگرایی و ارزش‌های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین امر به معروف و نهی از منکر و رعایت ارزش‌های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق: در این تحقیق از روش پیمایش^۱ استفاده شده است. از تکنیک فیش برداری برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به موضوع تحقیق استفاده شده است. واحد مشاهده و تحلیل در این مطالعه فرد است. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه حضوری بوده است که پیش از آزمون و مطالعه مقدماتی و بررسی اعتبار و روایی آن در جامعه آماری حوزه

1. survey

تحقیق بکار گرفته شده است. پس از تکمیل پرسشنامه‌های تحقیق داده‌ها به نرم افزار (spss) انتقال داده شده و پس از پردازش با استفاده از آزمون‌ها و فنون آماری تعبیه شده در این نرم افزار مورد تحلیل آمار قرار گرفته‌اند. جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق: جامعه آماری پژوهش حاضر را تعداد افراد ۶۵-۱۵ ساله افرادی ساکن در شهر پارس آباد مغان بود که به روش نمونه گیری اتفاقی ضمنی به مقدار مناسبی انتخاب شدند و در مجموع با استفاده از فرمول کوکران به قرار زیر نمونه‌ای به حجم ۳۸۲ نفر انتخاب شد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

N = حجم جمعیت مورد مطالعه

P = وجود صفت در حجم نمونه

q = ۱ - p = عدم وجود صفت در حجم نمونه

d = درجه‌ی اطمینان

t = ضریب اطمینان

n = حجم جمعیت نمونه.

(ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۲۱؛ دواس، ۱۳۸۳: ۷۸-۸۱؛ رفیع‌پور، ۳۷۱-۱۳۸۲-۳۸۳؛ سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۱:

۱۸۶-۱۹۱).

ابزار اندازه‌گیری: در این تحقیق با توجه به مفروضات تحقیق زمینه‌یابی، از پرسشنامه به عنوان مناسب‌ترین ابزار استفاده گردیده و با استناد به متغیرهای مرتبط با متغیر وابسته و مستقل گویه‌ها طراحی گردید و از طریق بررسی روایی و اعتبار صوری ابزار اندازه‌گیری بدست آمده است. هم‌چنین از روش آلفای کرونباخ برای همسانی درونی گویه‌ها استفاده گردید و ضریب اعتبار پرسشنامه تا رقم ۰/۷۲ بدست آمد. با تأکید بر اینکه رقم فوق برای اعتبار پرسشنامه مناسب می‌باشد ابزار اندازه‌گیری قابل قبول بوده و از ویژگی‌های تجانس درونی و همسانی برخوردار است.

آماره‌های تحقیق: آماره‌های استفاده شده در تحقیق حاضر در دو قسمت آمار توصیفی و آمار استنباطی می‌باشد. یعنی با انجام محاسبات آمار توصیفی ارائه جدال و نمودارهای آماری، تلاش گردیده تا با استفاده از سازگارترین مدل‌های آماری به عنوان به گونه‌ای دقیق و جامع به سؤالات پژوهشی پاسخ داد. از این رو با استناد به سؤالات پژوهشی از شیوه آمار استنباطی از آزمون آمای غیر پارامتریک اسپیرمن، روابط بین متغیرها سنجیده شده است.

یافته‌های تحقیق

خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه ارزش‌های اجتماعی با متغیرهای پژوهش

جدول شماره ۱

آزمون‌های آماری (متغیرها در سطح فاصله ای)			متغیرهای مستقل	ردیف
آزمون اسپیر من (PS)				
رابطه یا عدم رابطه	سطح معنی داری	ضریب همبستگی		
رابطه متوسط و مستقیم وجود دارد	۰/۰۰	۰/۲۰۱	رسانه‌ها	۱
رابطه متوسط و مستقیم وجود دارد	۰/۰۲	۰/۱۹۳	شهر گرایی	۲
رابطه قوی و مستقیم وجود دارد	۰/۰۰	۰/۵۲۶	امربه معروف و..	۳

همان گونه که در جدول دیده می‌شود متغیرهای مستقل در این تحقیق در سطح سنجش فاصله ای مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. بین متغیر رسانه‌ها و ارزش‌های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد با توجه به نتایج آزمون اسپیر من، این آزمون در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سنجش شده است سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که نشان‌دهنده رابطه معنی داری بین رسانه‌ها و ارزش‌های اجتماعی می‌باشد و همچنین میزان همبستگی اسپیر من برابر ۰/۲۰۱ است که نشان‌دهنده شدت رابطه متوسط و مستقیم بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تأیید می‌شود. یعنی رسانه‌های جمعی بر ارزش‌های اجتماعی و در تحول این ارزش‌ها و در واقع رعایت این ارزش‌ها توسط مردم تأثیر می‌گذارد.

بین شهرگرایی و ارزش‌های اجتماعی نیز رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون مقدار $\text{Sig} = ۰/۰۲$ که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کوچک‌تر است. نشان‌دهنده رابطه معنی داری بین دو متغیر است و میزان همبستگی ۰/۱۹۳ که نشان‌دهنده شدت رابطه متوسط و مستقیم بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تأیید می‌شود. به عبارتی شهرگرایی بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار در تحول ارزش‌ها نیز شهرگرایی می‌باشد.

بین امربه معروف و نهی از منکر و رعایت ارزش‌های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد نتایج آزمون نشان می‌دهد سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰$ است که از سطح مورد نظر یعنی ۰/۰۵ پایین است نشان‌دهنده رابطه معنی داری بین ارزش‌های امربه معروف و نهی از منکر می‌باشد در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_1 قبول و فرضیه H_0 ابطال می‌شود یعنی شهروندان هرچقدر امربه معروف و نهی از منکر را در جامعه سرلوحه رفتار خود قرار دهند رعایت ارزش‌های اجتماعی به همان نسبت بالا می‌رود.

بحث و نتیجه‌گیری

اولین ضرورت برقراری رابطه از هر نوع، وجود نوعی نمادها و اطلاعات مشترک است. حداقل نوعی اطلاعات ارزشی و هنجاری مشترک نیز لازم است، بنابراین بدون حداقل مجموعه‌ای از نهادها، اطلاعات و ارزش‌های مشترک، پایداری نسبی تعاملات ما قابل تصور نیست.

لذا یکی از مقتضیات نظم خرد، فراهم کردن حداقل هم‌فکری، درک مشترک و ارزش‌یابی مشترک نسبی است. در غیر این صورت، در صورتی هم‌فکری مشترک نباشد در سه عنصر یعنی «فرد»، «تعامل» و «ما» اختلال ایجاد می‌شود. قابلیت

یادگیری فرد کاهش می‌یابد، از ظرفیت اجراء فرد به طور مؤثر استفاده نمی‌شود، نقشه‌های شناختی فرد اصلاح و تعمیم نمی‌پذیرند و به تبع این‌ها فرد حداقل قدرت کنترل و انطباق خود را نسبت به محیط به طور مؤثر از دست می‌دهد.

نظم اجتماعی نوعی سازش بیرونی را طلب می‌نماید. افراد در فرآیند یادگیری و جامعه‌پذیری در ارتباط با محیط‌های مختلف تجربیات منحصر به فرد کسب می‌کنند، بنابراین قابل تصور است که افراد ضمن این که نفع مشترک دارند، هم‌زمان به طور نسبی و بالقوه حائز منافع متضاد بوده و برای بالفعل شدن تضاد منافع و حاد شدن آن لازم است راه‌حلی پیدا شود به طوری که از طریق سازش بیرونی، عملاً به نوعی وحدت عمل و همگانی مشترک نائل آیند.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان عنوان نمود که ارزش‌های اجتماعی تحت تأثیر عوامل‌هایی مانند رسانه‌ها و امر به معروف و نهی از منکر و شهرگرایی قرار دارند. با توجه به اطلاعات و جداول آمار توصیفی و استنباطی این متغیرها تأثیر مثبت بر ارزش‌های اجتماعی داشته‌اند.

در سطح نظری، نظریات اندیشمندان نیز حاکی از تأثیر عواملی چون رسانه‌ها، شهرگرایی و رضایت از زندگی بر ارزش‌های اجتماعی و تحت تأثیر قرار دادن آن بود. رسانه‌های به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی و به تبع آن یکی از ابزارهای انتقال معانی و پیام‌ها و بهتر بگوییم یکی از ابزارهای اجتماعی کردن، افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تأثیر گذاری عمدتاً در جهت هم‌نوایی فرد و پذیرش ارزش‌ها می‌باشد.

با گذر زمان و به دنبال آن با گذر جوامع از حالت سنتی به مدرن ارزش‌های جامعه نیز دست‌خوش تغییرات و تحول می‌شود. شهرگرایی به عنوان یکی از مظاهر جوامع مدرن ارزش‌های خاصی را به وجود آورده است. در واقع شهرگرایی به عنوان یک بستر و از دید جامعه‌شناسی به عنوان یک ساختار و کلیت پدیده‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد که یکی از این پدیده‌ها ارزش‌ها می‌باشند.

پیشنهادات

۱. به نظر می‌رسد نظام آموزشی باید در این زمینه فعال تر عمل کند تا ارزش‌های جامعه را از طریق تعلیم و تربیت در مدرسه‌ها که همراه با اجتماعی شدن کودکان است به آن‌ها به درستی آموزش و تفهیم نماید. نظام آموزشی به عنوان ناقل ارزش‌ها در بستر جامعه مطرح می‌باشد.
۲. رسانه‌ها باید در این زمینه کوشش و تلاش‌های زیادی بکنند. چون انسان‌های امروزی وقت زیادی را صرف تماشا و تلویزیون می‌کنند بخصوص کودکان و نوجوانان که سرمایه‌های خوبی هستند رسانه‌ها با ارائه برنامه‌های مناسب از تلویزیون می‌توانند ارزش‌های مناسب را در جامعه اشاعه دهند. در واقع امروزه جامعه‌پذیری افراد تنها به واسطه خانواده نیست بلکه رسانه‌ها و نظام آموزشی نیز به عنوان ابزارهای قدرتمند اجتماعی کردن و ترویج هنجارها و ارزش‌ها می‌باشند که توجه به آن ضرورت دارد. دولت مردان هم باید با ارائه برنامه‌های فرهنگی و اخلاقی مناسب و با برنامه‌ریزی‌های درست فرهنگی و اجتماعی، بتوانند جلوی گرایش نوجوانان و جوانان را به برنامه‌های رسانه‌های بیگانگان بگیرند یا به حداقل برسانند.
۳. شهروندان در این میان مسئولیت خطیری دارند و باید در هر مکان و جایی که مشاهده کردند رفتاری خلاف ارزش‌های رایج جامعه صورت می‌گیرد با امر به معروف و نهی از منکر افراد را هدایت و راهنمایی کنند.
۴. شهرگرایی نیز یکی از متغیرهای مؤثر بر ارزش‌های اجتماعی بود که البته این شهرگرایی می‌تواند به صورت معکوس نیز عمل کند. چرا که هرچه اجتماعات بزرگ‌تر شوند از میزان همبستگی کاسته می‌شود. می‌توان با ترویج و اشاعه قواعد و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و فرهنگ شهرنشینی و فرهنگ شهروندی، در زمینه‌ی بالا

بردن میانگین و میزان ارزش‌ها و رعایت آن‌ها توسط مردم در جامعه تأثیر مثبتی داشت که این هم لزوم توجه دست‌اندرکاران دولتی را می‌طلبد.

منابع

۱. اینگلهارت، رونالد، (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه، مریم وتر، تهران: نشر کویر.
۲. ادیسی، افسانه (۱۳۸۶) جزوه آمار پیشرفته، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.
۳. بیرو، آلن (۱۳۸۰) فرهنگ علوم اجتماعی - ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۴. پهلوان، منوچهر (۱۳۸۶) فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، سال سوم، شماره پانزدهم، زمستان، دانشگاه آزاد واحد خلیخال
۵. پورجعفر، محمد رضا (۱۳۸۶)، نشریه راه و ساختمان.
۶. توسلی، ناهید (۱۳۷۸) پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۷) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. سلیمی، علی و داوری محمد (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی کجروی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۱) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگاه.
۱۰. جلالی پور، محمد رضا (۱۳۸۱) نشریه توسعه، سال ۸۱.
۱۱. چرانی، عیسی (۱۳۸۲) نشریه اطلاعات، سال ۸۲.
۱۲. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، ج ۱، تهران: نشر نی.
۱۳. چلبی، مسعود (۱۳۸۵) تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
۱۴. دواس، دی. ای (۱۳۸۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایی، تهران: نشر نی
۱۵. رتیزر، جرج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۶. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲) کندوکاوها و پنداشت‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار
۱۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۸) وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌ها، تهران: نشر کتاب فردا.
۱۸. رجبلو، موسی (۱۳۸۵) بررسی میزان اعتماد اجتماعی بر حسب پایگاه اجتماعی، اقتصادی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ارشد پژوهش، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی.
۱۹. شارون، جوئل (۱۳۸۲) ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۰. کلاتری، خلیل (۱۳۸۵) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی، تهران: شریف.
۲۱. کوئن، بروس (۱۳۷۸) مبانی جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران.
۲۲. کیا، علی اصغر (۱۳۸۱) تغییرات اجتماعی، تهران: چاپ: آثار.
۲۳. گلابی، فاطمه (۱۳۸۳) نقش اعتماد در امر توسعه با تأکید بر عملکرد و نقش شوراهای اسلامی، ارشد پژوهش دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.
۲۴. محسنی، منوچهر (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی عمومی تهران: نشر طهوری.
۲۵. نوروزی، سجاد (۱۳۸۳) نشریه شرق، سال ۸۳.

Abstract

social values is considered as key components of cultural system of each society and study on further recognition of cultural system componts have an extremely important role.

Values base is in beliefs, trusts and social ties and according to this beliefs society members judge the affaires.thevaluse Th values change lead to social ties change and social system change. There fore, the subjest of social values change is noted by social scientists.

The main purpose of this study is considering individual attitude, against the effective factor on social values, among 15-65 year of residents of Parsabad in Moghan City. Research method is an evaluative one. Necessary information was attained by a questionnaire including 32 items. Volume sample (n=381) was considered, on the one basis of Cochran formula. Sampling way has been performed as a clustering- assorting one, including a simple random. Our dependent variable was social values; and independent ones were media, value contrast, elites and civilism. Results indicate a meaningful relationship between independent and dependent variables.

Key Words: Social values, Media, Civilism, famous and prohibited from denying.

شهروند مسئول، ضرورت‌ها و راهکارهای احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر اندیشه‌های استاد شهید مطهری

حسن سراج‌زاده^۱

چکیده

در این پژوهش با توجه به مسئولیتی که یکایک شهروندان نسبت به همدیگر دارند و آن را به شکل نظارت عمومی و در قالب امر به معروف و نهی از منکر متجلی می‌کنند و همینطور با دقت در آثار و نتایجی که این اصل در فراهم کردن جامعه‌ای سالم و متعالی که در آن همه افراد بتوانند به یکسان و به دور از ظلم و فساد و تباهی زندگی شایسته‌ای را در سایه ارزش‌های الهی و انسانی تجربه کنند، در ابتدا به ضرورت توجه به این اصل و احیای آن از دیدگاه اسلام به ویژه قرآن پرداخته شده و سپس به علت اینکه برخی از افراد در انجام این مسئولیت کوتاهی و یا اگر به وظیفه خود عمل کرده تأثیرات آن اندک می‌باشد، راهکارهای سه‌گانه‌ای را با عنوان راهکار معرفتی، راهکار عاطفی و راهکار رفتاری و عملی پیشنهاد کرده که در راهکار معرفتی به درس آموزی از تاریخ و فهم صحیح از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، اشاره شده و در راهکار عاطفی تقویت دوستی و محبت بین آحاد جامعه، مورد تأکید واقع شده و در راهکار رفتاری، امر به معروف و نهی از منکر عملی (نه زبانی فقط) و در عین حال اجتماعی (نه انفرادی) و در عین حال منطقی، همراه با شرایط واقعی آن و با انتخاب وسایل مناسب، از منظر استاد مطهری (ره) پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: ضرورت احیای امر به معروف و نهی از منکر، راهکار معرفتی اجرای امر به معروف و نهی از منکر، راهکار عاطفی اجرای امر به معروف و نهی از منکر و راهکار رفتاری اجرای امر به معروف و نهی از منکر.

مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در اثر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند. نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه زندگی انسانی، انسان‌ها را آنچنان به یکدیگر پیوند زده و زندگی را آنچنان وحدت بخشیده که افراد را در حکم مسافرانی قرار می‌دهد که در یک اتومبیل یا یک هواپیما یا یک کشتی سوارند و به سوی مقصدی در حرکت‌اند و همه، یا با هم به منزل می‌رسند و یا با هم از رفتن می‌مانند و همه با هم دچار خطر می‌گردند و سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند. چه زیبا مثلی آورد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنجا که فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را بیان کرد: گروهی از مردم در یک کشتی سوار شدند و کشتی سینه دریا را می‌شکافت و می‌رفت. هریک از مسافران در جایگاه مخصوص خود نشستند. یکی از مسافران به عذر اینکه اینجا که نشسته‌ام جایگاه خودم است و تنها به خودم تعلق دارد، با وسیله‌ای که در اختیار داشت به سوراخ کردن همان نقطه پرداخت. اگر سایر مسافران همان‌جا دست او را گرفته و مانع می‌شدند، غرق نمی‌شدند و مانع غرق شدن آن بیچاره نیز می‌شدند.^۲

از این روست که ضرورت بحث مسئولیت آحاد جامعه به عنوان شهروندانی مسئول، نسبت به سرنوشت خود و سایر شهروندان مطرح می‌شود. هر عضو جامعه باید در حفظ و نگهداری از ارزش‌ها و دستاوردهای به دست آمده از تلاش گذشتگان و انتقال آن‌ها به نسل‌های بعد، خود را متعهد و مسئول بداند و با نظارت آگاهانه، مراقبت کند مبادا خطرات

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (دفتر تبلیغات اسلامی) - شعبه اصفهان

۲. ر.ک: مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص: ۳۳۲

وفسادها کیان جامعه را از بین نبرد. در هر جامعه ای بویژه پس از آنکه نهضت و انقلابی موفق و پیروز شد، خطراتی آن را تهدید خواهد کرد که در صورت بی توجهی به آنها، جامعه از درون دچار فساد و انحطاط می گردد و سپس رو به فنا و نابودی خواهد گرایید. و در اینجا است که نظارت عمومی و اصلاحات داخلی در قالب امر به معروف و نهی از منکر باید مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

اصل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام اصلی است که مسلمان مسئول را در حال یک انقلاب فکری مداوم و اصلاح جویی جاودان و مبارزه پیگیر و نا آرام با فسادها و تباهی ها نگاه می دارد: **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ** (آل عمران/۱۱۰). شما به این دلیل با ارزش ترین جامعه ها هستید که امر به معروف و نهی از منکر می کنید. رسول اکرم فرمود: **لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يَسْلُطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيُدْعُوْكُمْ حِيَارَكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ** (کافی، ج ۵، ص ۵۶) باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خداوند بدان شما را بر شما مسلط می گرداند؛ آنگاه نیکانتان دست به دعا برمی دارند برای شما و مستجاب نمی شود.

مسأله محیط مساعد اخلاقی و اجتماعی که هماهنگ با مفاهیم متعالی معنوی باشد، از نظر اسلام کمال اهمیت را دارد. محیط مساعد - که از نظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر برای چنین منظوری است - گذشته از سایر جهات از جنبه ایجاد زمینه برای رشد مفاهیم عالی معنوی فوق العاده ضروری است. بر این اساس قرآن، از سویی در سوره حج آیه ۴۱، وظیفه کسانی را که خدا در زمین به آنها، قدرت و امکانات می دهد، فراهم کردن زمینه های رشد مادی و معنوی انسان ها معرفی می کند و می فرماید: **الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ**. آنان که چون قدرت آنها را در زمین مستقر سازیم، نماز را (که مظهر و آینه پیوند آنها با خداست) به پا می دارند و زکات را (که مظهر و سمبل و وسیله کمک به خلق خداست) ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند (یعنی در اشاعه خوبی ها و ازاله بدی ها کوشش می کنند)، و البته عاقبت و سرانجام به دست خداست. (یعنی آنها به هر حال در انجام وظیفه خود کوشا می باشند، اما به نتیجه رسیدن و نرسیدن به طور قطع، امری است که تابع یک سلسله شرایط و مصالح است که به دست خداست). و از سوی دیگر، کسانی را که در مبارزه با فساد کوتاهی کردند و وظیفه نظارتی خود را به شایستگی انجام ندادند و بدین وسیله زمینه ساز گسترش بدی ها و محیط نامساعد شدند را مورد مذمت و ارزشدآوری منفی قرار می دهد و به مسلمانان و شهروندان، احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر را فرمان می دهد. **فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةِ يَهُوْنَ عَنِ الْفَسَادِ** (هود/۱۱۶) پس چرا از نسل های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟ تا در نتیجه این ملت ها در اثر فسادها تباہ نشوند، منقرض و هلاک نشوند؟ و درباره قوم دیگر می فرماید: **كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ** (مائده/۷۹) از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند، یکدیگر را باز نمی داشتند. راستی، چه بد بود آنچه می کردند. و این گونه است که قرآن خطاب به مسلمانان می فرماید: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (آل عمران/۱۰۴) و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند!

از آنچه گذشت با توجه به نقش بی بدلیل عنصر امر به معروف و نهی از منکر در فراهم ساختن محیط مناسب برای رشد و ارتقای ارزش های الهی و انسانی و جلوگیری از انحطاط و اضمحلال انسان ها و جامعه، به ضرورت احیا و اجرای این

۱. ر.ک: مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص: ۵۷۶ و ص: ۵۸۴ و ج ۱۷، ص: ۲۱۷ و ج ۲۴، ص: ۵۱۴

اصل مهم و حیات بخش توسط آحاد امت اسلامی و شهروندان مسئول پی بردیم. اما از آنجا که تحقق و انجام این اصل در جامعه، به دلیل ظرافت‌ها و حساسیت‌هایی که به همراه دارد گاه از ناحیه برخی از شهروندان مورد غفلت واقع شده و از مسئولیت خود سر باز می‌زنند و برخی نیز که به مسئولیت خویش عمل می‌کنند آثار و نتایج مطلوبی را از آن مشاهده نمی‌کنند و در نتیجه این وظیفه در مقام عمل، کارکرد واقعی خود را از دست می‌دهد و ما را به هدف و فلسفه امر به معروف و نهی از منکر نمی‌رساند، بر آن شدیم تا برخی از راهکارهای احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر را با تأکید بر اندیشه‌های استاد شهید مطهری (ره) مورد بررسی قرار دهیم، باشد که بدین وسیله، شاهد گسترش و رویش تاثیرات مثبت از اجرای صحیح این مسئولیت اجتماعی باشیم.

راهکارهای احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر

راهکارهایی که در اینجا به آن اشاره می‌شود به سه بخش تقسیم شده است که با عناوین: راهکار معرفتی، راهکار عاطفی و راهکار رفتاری به آن‌ها می‌پردازیم.

الف) راهکار معرفتی

۱. عبرت‌گیری و درس‌آموزی از تاریخ

یکی از راه‌هایی که می‌تواند انسان را در انجام مسئولیت خود نسبت به اجتماع کمک کرده و او را به امر به معروف و نهی از منکر تشویق کند و این اصل مهم را در عرصه عمل مشاهده نماید، مطالعه عوامل بقا و فنای امت‌های گذشته و عبرت‌گیری از آن است. لذا باید بررسی کرد از نظر قرآن مجید چه چیزهایی عامل فنا یا بقای اقوام و به تعبیر قرآن امت‌ها است؟ علل انحطاط، فنا و اضمحلال و همین‌طور علل بقا و اعتلای امت‌ها چیست؟ و قهراً بعد هم بینیم آیا این نشانه‌ها در جامعه اسلامی، در دانشگاه‌ها، ادارات و مراکز مختلف کشور وجود دارد یا نه؟ آنچنان که از قرآن مجید استنباط می‌شود چهار عامل: ظلم، فساد اخلاق، تفرقه و ترک امر به معروف و نهی از منکر موجب فناء اقوام است و در نقطه مقابل آن‌ها، چهار عامل: عدالت، اخلاق، اتحاد و اجرای امر به معروف و نهی از منکر نیز باعث بقا و اعتلای امت‌ها می‌باشد.

ظلم و عدل: یکی از آن عامل‌ها عامل عدل و ظلم است یعنی یک امت آنگاه قابل بقاست که روابط افراد و گروه‌ها با یکدیگر رابطه‌ای بر اساس عدالت و رعایت حقوق واقعی انسان‌ها و گروه‌ها باشد؛ قانون، قانون عادلانه باشد و قانون عادلانه، عادلانه در میان مردم اجرا بشود. نقطه مقابل عدالت ظلم است. ظلم در منطق قرآن به باد دهنده امت‌هاست. در این زمینه آیات زیادی در قرآن مجید می‌باشد. چند آیه در سوره مبارکه هود هست، از آیه ۱۰۰ تا آیه ۱۱۹، البته به طور متفرق. شاید آنجا از هر جای دیگر این مطلب بیشتر بیان شده و توضیح داده شده باشد. در یکی از همان آیات است: **وَ كَذَلِكَ اخذُ رَبِّكَ إِذَا اخذَ الْقُرَىٰ وَ هِيَ ظَالِمَةٌ وَ اینچنین خدای متعال تو، مردم را، قریه‌ها را، اجتماع‌ها را در وقتی که ظالم و ستمگر باشند می‌گیرد [یعنی] فانی می‌کند. آیه دیگر می‌فرماید: وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَ اهل‌ها مُصْلِحُونَ چنین نیست، محال است چنین چیزی که پروردگار تو جمعیت‌هایی را به موجب ظلم هلاک کند. اگر مردمی مصلح باشند و قهراً صالح باشند (وقتی مصلح بودند صالح هم هستند)، اگر مردمی صالح و مصلح باشند محال است که خدای تو آن‌ها را بدون تقصیر و ظالمانه هلاک کند. علی‌علیه السلام در عهدنامه‌ای که به مالک اشتر نوشته است به، فرماندار خودش، چنین خطاب می‌کند: **وَ لَيْسَ شَيْءٌ ادْعَىٰ اِلَىٰ تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللّٰهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ اِقَامَةِ عَلِيٍّ ظُلْمٍ. مالک! هیچ چیزی برای این که نعمتی را که در قومی هست از آن‌ها سلب کند و نعمت الهی را به قومی جلب کند مانند ظلم نیست. پس یکی از اموری که در قرآن به عنوان عامل بقای یک امت ذکر شده است عدالت است و عامل فنا و اضمحلال یک امت ظلم است.****

۲. فساد و صلاح اخلاق

اصل دوم صلاح و فساد اخلاق فردی است. جامعه از افراد تشکیل می‌شود. شخصیت افراد به اخلاق و خُلقیات و ملکات و فضائلشان است. جامعه‌ای قابل بقاست که افرادش دچار فساد اخلاق نباشند. افرادی که به «راحتی» خو گرفته‌اند، به عیاشی و هرزگی خو گرفته‌اند، به قمار و شراب خو گرفته‌اند، به رشوه خو گرفته‌اند، به قساوت نسبت به یکدیگر خو گرفته‌اند افراد فاسدی هستند. وَ إِذَا ارْتَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (اسرا/۱۶).

از ناحیه مترفین فسق و فجور و فساد اخلاق در جامعه راه پیدا می‌کند، پشت سرش هم به تعبیر قرآن تدمیر، هلاکت، از بین رفتن است. جامعه از افراد ساخته می‌شود. یک مرکب اگر بخواهد در طبیعت به وجود بیاید، باید هم اجزای تشکیل دهنده آن سالم و صحیح باشد و فاسد نباشد و هم وقتی که ترکیب می‌شوند، به نسبت معینی ترکیب شوند. ساختمانی را که با آهن‌های زنگ‌زده، آجرهای پوسیده، گچهای مرده و سیمان‌های فاسد شده بسازند، این مرکب ساخته می‌شود ولی استحکام ندارد چون اجزای تشکیل دهنده‌اش فاسد است. همچنین اگر اجزای تشکیل دهنده یک ساختمان درست باشد اما آن ملاطی که می‌خواهد این‌ها را به یکدیگر مربوط کند فاسد باشد باز هم این ساختمان فاسد است. پس قرآن مجید خطری دیگری را که برای بقای یک قوم و یک امت می‌داند فساد اخلاق است. از نظر قرآن محال است قومی روی سعادت را ببیند و افرادش فساد اخلاق باشند. دولت‌هایی که می‌خواهند ملت‌های دیگر را ضعیف و ناتوان کنند و استعمار نمایند از راه فساد اخلاق وارد می‌شوند؛ کتاب‌ها و مجلات فاسد کننده برای این‌ها می‌سازند، فیلم‌های فاسد کننده برای این‌ها صادر می‌کنند، تشویق به مشروب‌خواری می‌کنند و در حد اعلا، کلپ‌های قمار ایجاد می‌کنند، فحشاء، زنا و امثال این‌ها را رواج می‌دهند، تا اینکه دیگر شرف در روح این مردم باقی نماند، چون هرچه انسان از این فسادها بیشتر مرتکب بشود آن احساس شرافت و عزت و انسانیت در او می‌میرد. وقتی که این امور در میان آن‌ها بود، انسان‌هایی پوک و پوچ می‌شوند، انسان‌هایی که جز برای شکم و دامنشان و جز برای زندگی روزمره فکر نمی‌کنند؛ علاوه بر اخلاق حتی فکرشان نیز فاسد می‌شود. اندلس اسلامی (اسپانیای امروز) یک تجربه بسیار روشن در این زمینه است. اندلس اسلامی یک مهد بزرگ تمدن اسلامی بود. دنیای مسیحیت خودش را در مقابل این مهد تمدن ناتوان دید و چون نمی‌توانست کاری از پیش ببرد- زیرا انسان‌هایش انسان‌های درستی بودند، نقشه فساد اخلاق جوانانشان را کشید. و از راه زن و شراب وارد شدند و تدریجاً جوانان اسلامی به شراب و قمار و مجالس عیاشی و دختربازی و امثال این‌ها عادت کردند. و سپس با یک حمله مسلمانان را شکست دادند.

۳. تفرقه و اتحاد

دسته دسته شدن، فرقه فرقه شدن، دو قبیله شدن، هر دسته‌ای یک فکری، عقیده‌ای، مسلکی داشتن؛ هر دسته‌ای در گوشه‌ای یک کشور تشکیل دادن. تفرق و تشتت و نقطه مقابلش اتحاد و وحدت از مسائلی است که قرآن روی آن خیلی تکیه می‌کند. اسلام دین وحدت و اتفاق است. قرآن می‌فرماید: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَا لَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ (آل عمران/۱۰۴). آیه دیگر: وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (آل عمران/۱۰۵).. آیه دیگر: وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال/۴۶). مسلمین! با یکدیگر تنازع و اختلاف نداشته باشید که فُشَل و سست می‌شوید، نیروی شما گرفته می‌شود، بعد بو و خاصیت از شما گرفته می‌شود. یک جمعیتی که وحدت نداشته باشد و اختلاف داشته باشد سست است، دیگر آن بو و رایحه خوشی که از یک جامعه واقعی اسلامی بلند می‌شود از آن جامعه بلند نمی‌شود. علی علیه السلام نیز در آن لحظات آخر عمرشان وصیتی کرده‌اند که مجموعاً بیست ماده است، یکی از آن‌ها درباره وحدت و اتفاق است.

۴. ترک و اجرای امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر عامل اصلاح است و متروک شدن آن، عامل فنا و اضمحلال و تباهی آن جامعه است. در آیات سوره مبارکه هود که هود می‌خوانیم: **فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ (هود/۱۱۶)** چرا در میان این امت‌های هلاک شده یک عده امر به معروف و نهی از منکر نبودند که با فسادها مبارزه کنند و کار به اینجا نکشد؟

از این عوامل چهارگانه‌ای که ذکر شد، عامل اخلاق عاملی است که استحکام افراد را بیان می‌کند. فساد اخلاق یعنی فاسد شدن اجزای تشکیل دهنده جامعه. عامل عدالت عاملی است که در واقع یک جامعه وقتی می‌خواهد ترکیب بشود یک فرمول خاص می‌خواهد، فرمولش همان عدالت است یعنی هر فردی در هر حدی که هست، به مقتضای کاری که می‌کند و زحمتی که می‌کشد و ابتکاری که می‌کند استحقاق و حقی دارد، حق هر فرد و حق هر گروه همین طوری که هست به آن‌ها داده شود. اگر چنین نباشد و ترکیبی از فرمول خودش خارج و کم و زیاد شود امیدی به بقایش نیست. و چون اجتماع و اتحاد مربوط است به جامعه انسانی و جامعه انسانی بالاخره یک جامعه فکری و جامعه‌ای است که ایده و ایدئولوژی و فکر می‌خواهد، مردم باید از نظر ایمان هم وحدت داشته باشند. ایمان اسلامی احتیاج است که مردم در حدود ایمان خودشان با یکدیگر اتفاق داشته باشند و مسائلی که میان آن‌ها شکاف می‌اندازد و اختلاف ایجاد می‌کند به وجود نیاید. عامل امر به معروف و نهی از منکر عاملی است که در هر حال هر مقدار هم پیشگیری بشود بالاخره ممکن است افراد به فساد گرایش پیدا کنند یا جامعه از مسیر عدالت منحرف شود. همچنین ممکن است تفرق و تشتت به عللی در جامعه اسلامی رخ بدهد. پس یک جریانی لازم است که بیاید اصلاح کند. اگر اخلاق فاسد شد، امر به معروف و نهی از منکر بشتابد برای اصلاح اخلاق. عدالت و مساوات از بین رفت، امر به معروف و نهی از منکر بشتابد برای اصلاح مفاسدی که از این راه پیدا شده. تفرق و تشتت پیدا شد، باز امر به معروف و نهی از منکر بشتابد و به جای تفرقه از نو وحدت را ایجاد کند. اتفاقاً آیه‌ای که می‌فرماید: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران/۱۰۴)** در میان دو آیه قرار گرفته است، یکی آیه **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا (آل عمران/۱۰۳)** و یکی آیه **وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا (آل عمران/۱۰۵)** که هر دو آیه مربوط به اتحاد و اتفاق و نقطه مقابلش تفرقه و تشتت است. قرآن در وسط دو آیه‌ای که هر دو مربوط به اتحاد و اتفاق و نقطه مقابلشان تفرق و تشتت است یک آیه امر به معروف و نهی از منکر گنجانده است: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ**. گویی قرآن اینجا خیر را در درجه اول همان وحدت و اتفاق و اتحاد می‌داند. مصداق مهم و منظور از «معروف» در اینجا همان وحدت و اتفاق است. و اینکه نهی از منکر بکنند و از زشتی باز بدارند. «منکر» در اینجا همان تفرق و تشتت است.

پس، عوامل فانی کننده و مضمحل کننده‌ای که قرآن با درسی که از تاریخ‌ها به ما می‌دهد و به ما می‌آموزد چهار چیز است. و این درسی است که امت‌ها به عنوان یک امت، باید از امت‌های گذشته بگیرند، و آن‌ها را آینه خودشان قرار بدهند، سرنوشت خودشان را در سرگذشت آن‌ها ببینند: چرا خدای متعال فلان قوم را به هلاکت رساند؟ با اینکه خدا دشمن کسی نیست. اما در عین حال خدا سنی دارد: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد/۱۱)** ببینند علتش چه بود؟ آیا ظلمشان زیاد بود؟ آیا فساد اخلاق داشتند؟ آیا تفرق و تشتت داشتند؟ آیا ترک امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند؟^۱

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۵، ص: ۳۰۱ تا ص: ۳۱۱ و مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص: ۴۹۰ تا ۴۹۲، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، جامعه و تاریخ.

فهم صحیح داشتن از مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان، مرحله ید و عمل. منظور واقعی از مرحله قلب، اخلاص و حسن نیت داشتن و از مرحله زبان، بیانهای روشن کننده و منطقی و از مرحله عمل، تبلیغ عملی و حسن عمل داشتن است اما برخی از ما، از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت های بیجا می فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیانهای روشن کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می فرماید: اذْعُ اِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (نحل-۱۲۵)، موعظه ها و پندهای تحکم آمیز می فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم به جای آنکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب را فهمیده ایم که باید اعمال زور کرد و به همین دلیل است که این مسئولیت در جامعه جذابیت و تأثیر خود را از دست داده است و برداشت نادرست از آن می شود^۱.

ب) راهکار عاطفی

تقویت دوستی و محبت میان آحاد مردم بر اساس ایمان

اگر انسان نسبت به افرادی بی علاقه باشد، در مقابل اعمال و رفتار آن ها بی تفاوت است، اما آنجا که علاقه مند است، محبتها و مودت ها او را آرام نمی گذارند. علاقه به سرنوشت اشخاص از علاقه به خود آن ها سرچشمه می گیرد. پدری که به فرزندان خویش علاقه دارد قهراً نسبت به سرنوشت و رفتار آنان نیز احساس علاقه می کند؛ اما ممکن است نسبت به فرزندان دیگران در خود احساسی نکند، چون نسبت به خود آن ها علاقه ای ندارد تا به سرنوشتشان نیز علاقه مند باشد و کار نیکشان در او احساس اثباتی به وجود آورد و کار بدشان احساس نفی ای.

امر به معروف در اثر همان احساس اثباتی است و نهی از منکر در اثر احساس نفی، و تا دوستی و محبت نباشد این احساس ها در نهاد انسانی جوشش نمی کند. و این دوستی و محبت هنگامی حاصل خواهد شد که بر اساس ایمان باشد. ایمان، اساس دوستی و و داد و و لاء مؤمنان است. قرآن کریم می فرماید: وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يَطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ اُولٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ اِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه/۷۱). مؤمنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب اینکه با یکدیگر نزدیک اند، حامی و دوست و ناصر یکدیگرند و به سرنوشت هم علاقه مندند و در حقیقت به سرنوشت خود که یک واحد را تشکیل می دهند علاقه می ورزند و لذا امر به معروف می کنند و یکدیگر را از منکر و زشتی ها باز می دارند. این دو عمل (امر به معروف و نهی از منکر) ناشی از و داد ایمانی است و لذا این دو جمله - يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ - بلافاصله به دنبال بیان و لاء ایمانی مسلمانان واقع شده است. و سپس به عنوان ثمرات امر به معروف و نهی از منکر، دو مطلب را ذکر کرده است: يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ. نماز را با می دارند و زکات را می دهند. نماز نمونه ای است از رابطه خلق و خالق، و زکات نمونه ای است از حسن روابط مسلمانان با یکدیگر که در اثر تعاطف و تراحم اسلامی از یکدیگر حمایت می کنند و به هم تعاون و کمک می کنند. و سپس بر آن متفرع کرده است: اُولٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ اِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ آن وقت است که انواع رحمت های الهی و سعادت ها بر این جامعه فرود می آید و خداوند عزیز و حکیم است^۲.

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص: ۲۰۱

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۳، ص: ۲۶۵

ج) راهکارهای رفتاری

۱. اجرا امر به معروف و نهی از منکر با شرایط واقعی:

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از نظر اجرایی شرایطی دارد. اولین شرطش حسن نیت و اخلاص است. ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آن‌ها تجاهر می‌شود حق تعرض داریم. در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است حق تجسس و مداخله نداریم. مع الاسف دیده شده برخی افراد، این اصل مقدس را دستاویز قرار داده، و با ورود به حریم خصوصی اشخاص به مقاصد و منافع خود دست می‌یابند. می‌گویند در زمان ریاست مرحوم آقا نجفی اصفهانی یک روز عده‌ای که نام طلبه روی خود گذاشته بودند ولی طلبه واقعی نبودند (طلاب واقعی همیشه از این گونه اعمال و ماجراها خود را دور نگه می‌داشتند) در حالی که نفس می‌زدند و یک دایره شکسته و یک دمبک شکسته در دست داشتند به منزل مرحوم آقا نجفی آمدند. ایشان پرسیدند چه خبر است؟ از کجا می‌آید؟ این‌ها چیست در دست شما؟ گفتند در مدرسه بودیم که به ما اطلاع دادند در چندین خانه آن طرف مدرسه، مجلس عروسی است و در آنجا دایره و دمبک می‌زنند. از پشت بام مدرسه از روی بام‌های خانه‌ها از این پشت بام به آن پشت بام رفتیم تا به آن خانه رسیدیم. داخل آن خانه شدیم و مردم را زدیم و دایره و دمبک آن‌ها را شکستیم. یکی از آن‌ها جلو آمد و گفت: من خودم رفتم جلو سیلی محکمی به گوش عروس زدم. مرحوم آقا نجفی گفت: حقیقتاً نهی از منکر هم همین است که شما کردید! چندین منکر به نام نهی از منکر مرتکب شدید: اولاً مجلس عروسی بوده. ثانیاً شما حق تجسس نداشته‌اید. ثالثاً شما چه حق داشته‌اید از پشت بام‌های مردم بروید. رابعاً کی به شما اجازه داده که بروید و زدوخورد کنید؟

۲. استفاده بیشتر از ابزار کردار بجای گفتار (دخالت دادن عمل بجای حرف)

در میان ما، در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، آن چیزی که بیشتر مورد توجه بوده دو وسیله بوده است. الان هم می‌بینیم مردم در اجرای این اصل توجهشان فقط به همین دو چیز است. آن دو چیز یکی گفتن است و دیگری اعمال زور؛ یعنی اول بگویم بعد هم اگر از گفتن نتیجه نگرفتیم اعمال زور بکنیم. و به تعبیر دیگر - که تعبیر سعدی است - ما به «پند» معتقد هستیم و «بند»؛ اول پند می‌دهیم و اگر اثر نکند و قدرت داشته باشیم، به زدن و بستن متوسل می‌شویم. این دو تا را خوب شناخته‌ایم و به این دو تا آشنایی داریم.

البته شک نیست که گفتن و پند دادن وسیله‌ای است از وسائل. اعمال زور هم به سهم خود در مواردی وسیله دیگری است از وسائل. ولی آیا وسیله امر به معروف و نهی از منکر منحصر است به همین دو؟ وسیله دیگر و راه دیگری نیست؟ روی هم رفته ما برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله زیاده از حد، اعجاز قائل هستیم؛ خیال می‌کنیم با گفتن و زبان، کار درست می‌شود، ما بیش از اندازه از این گوش و زبان انتظار داریم، گاهی هم - بلکه بیشتر اوقات - باید از راه عمل و چشم استفاده کنیم، ما با دست خود و عمل خود خوب رفتار کنیم تا آن‌ها با چشم خودشان ببینند؛ و یک مقداری به این گوش و زبان استراحت بدهیم.

سعدیاگر چه سخندان و مصالح گویی به عمل کار برآید به سخندانی نیست. در حدیث است: *كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ* (اصول کافی ج ۲ ص ۷۸ باب ورع) مردم را به دین حق و صلاح دعوت کنید اما با ابزاری غیر از ابزار زبان یعنی با ابزار عمل. در حدیث دیگری است که: *مَا جَعَلَ اللّٰهُ بَسَطَ اللِّسَانِ وَ كَفَّ اَلْيَدِ وَ اَنَّمَا جَعَلَهُمَا يَسْطَانِ مَعَا وَ يَكْفَانِ مَعَا* (فروع کافی ج ۳ ص ۵۵) یعنی چنین نیست که خدا اجازه داده باشد که تنها زبان باز باشد ولی دست بسته باشد، بلکه اگر باز است هر دو باید باز باشد و اگر می‌خواهد بسته باشد هر دو بسته باشد، یعنی اگر عمل در کار نباشد خوب است زبان هم بسته باشد. علی علیه السلام می‌فرماید: *مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ اِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيْبُهُ بِسِرَّتِهِ قَبْلَ تَأْدِيْبِهِ*

بِلِسَانِهِ، وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبٌهَا أَحَقُّ بِالْأَجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (حکمت ۷۳) آن کس که می‌خواهد پیشوای مردم باشد و مردم را به دنبال خود به راهی دعوت کند، پیش از آنکه می‌خواهد به دیگران یاد بدهد خود را مخاطب کند و به خودش تعلیم و تلقین نماید؛ پیش از آنکه می‌خواهد مردم را با زبان خود تربیت کند، با عمل و روش اخلاقی خوب و اخلاق صحیح، خود را تربیت کند. آن کس که خودش را تعلیم و تلقین می‌کند و خودش را تربیت و تأدیب می‌کند، برای احترام و تکریم شایسته‌تر است از آنکه معلم و مربی دیگران است.^۱

۳. اجرای جمعی و گروهی بجای اجرای فردی

گذشته از اینکه ما در اجرای امر به معروف و نهی از منکر بجای حرف باید عمل را دخالت دهیم، به این نکته باید توجه داشت که عمل هم اگر فردی باشد چندان فایده‌ای ندارد. مشکل این است که در زندگی اجتماعی ما آن‌هایی هم که اهل عمل می‌باشند توجهی به عمل اجتماعی ندارند و به اصطلاح «تک رو» می‌باشند. از عمل فردی کاری ساخته نیست، از فکر فرد کاری ساخته نیست، از تصمیم فرد کاری ساخته نیست؛ همکاری و همفکری و مشارکت لازم است تا به فلسفه و هدف از امر به معروف و نهی از منکر رسید.^۲

۴. دخالت دادن منطق به جای تعبّد

مطلب مهم دیگر این است که ما در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، منطق را دخالت نمی‌دهیم، در صورتی که هر کاری، منطق مخصوص به خود دارد که کلید آن کار است. مقصود این است که در کار معروف و منکر باید تدابیر عملی اندیشید و باید دید چه طرز عملی، مردم را نسبت به فلان کار نیک تشویق می‌کند و مردم را از فلان عمل زشت باز می‌دارد. برای مثال: چندین سال پیش در یکی از شهرهای کوچک واقع در ایالات فیلادلفیا (امریکا) زن‌ها مبتلا به قماربازی شده بودند. ابتدا کشیش‌ها و روزنامه نویسه‌ها و خطبا و فصحا تا می‌توانستند راجع به بدی قمار خصوصاً برای زن‌ها گفتند و نوشتند، ولی به جایی نرسید، تا آنکه شهردار محل به فکر افتاد یکی دوتا باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر کند و سرگرمی‌های مناسب در آنجا فراهم نماید، از قبیل نمایش بچه‌های چاق و تندرست و جایزه دادن به مادران کاردان، و از قبیل کارهای دستی و غیره، که هر کدام برنامه و ترتیبات خاصی داشت و مردم را سر ذوق می‌آورد. دو سه سالی از این جریان گذشت که زن‌های آن شهر بکلی قمار را فراموش کردند. این را می‌گویند چاره عملی و تدبیر عملی. این، معنای دخالت دادن منطق و تدبیر است در مبارزه با منکرات. یا از قدیم در میان ما معروف است که زن‌ها زیاد غیبت می‌کنند. الان هم برخی از زن‌های قدیمی و محجبه در عین اینکه اهل نماز و روزه و مسجد و عبادت هستند زیاد غیبت می‌کنند، چرا؟ زیرا محیط خانوادگی قدیمی ما با آن سبکی که بود طوری است که زن بیچاره اگر غیبت نکند حرف دیگر و کار دیگر ندارد. اهل علم و معرفت و کتاب که نیست. اهل هنر و کاردستی و صنعت که نیست. در حال فراغت از زحمات خانه، سرگرمی دیگری ندارد جز اینکه دور هم جمع شوند و غیبت کنند. روح بالاخره غذا می‌خواهد. وقتی غذای صحیح نرسید، از گوشت مرده تغذیه می‌کند: اِجِبُّ احَدَكُمْ اِنْ يَأْكُلُ لَحْمَ اَخِيهِ مَيْتًا (حجرات/۱۲). ما تاکنون هر چه خواسته‌ایم جلوی این عمل را بگیریم از راه موعظه و زبان بوده، در فکر چاره عملی و تدبیر منطقی نبوده ایم، قهراً بلااثر مانده، بعد به جای آنکه خودمان و طرز عمل خودمان را متهم نماییم زن‌های بیچاره را متهم کرده‌ایم که جنس آن‌ها چنین و چنان است. همچنین

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص: ۲۰۰

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص: ۲۰۵

امروز در محیط جامعه می‌بینیم که جوانان و زنان در خیابان‌ها پرسه می‌زنند و یا بدنبال پیروی مفرط از مدرستی و اسراف و تجمل هستند به طوری که در اخبار روزنامه‌ها می‌خوانیم که اروپاییان اعتراف دارند که در این امور زن‌های ایرانی در جهان درجه اول‌اند. این را هم می‌خواهیم با زبان و موعظه و یا ملامت و طعنه علاج کنیم و البته با این وسائل چاره‌پذیر نیست. اگر روزی توفیق پیدا کنیم که عملاً در فکر چاره‌جویی بیفتیم و منطقی را در امر به معروف و نهی از منکر دخالت دهیم همه این مشکلات به خوبی و آسانی حل می‌شود!

۵. استفاده از بهترین وسیله مناسب در امر به معروف و نهی از منکر

بر پایه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، مسلمانان مسئول هدایت یکدیگرند. هر نسلی مسئول هدایت نسل بعدی است. بالاخص کسانی که سمت رسمی رهبری دارند مسئولیت بیشتری دارند. برای رسیدن به این هدایت باید از بهترین وسیله استفاده شود، ولی وسیله هدایت برای همیشه و همه جا تعیین نشده و قابل تعیین و اندازه‌گیری هم نیست. در اسلام برای هدایت و رهبری، یک شکل صد درصد معین ترسیم نشده که همه اجزاء و مقدمات و مقارنات و شرایط و موانع در نظر گرفته شده باشد، و اساساً قابل تعیین و ترسیم و اندازه‌گیری نیست چون متفاوت است. یک چیز در یک جا وسیله هدایت است و بسا هست همان چیز در جای دیگر وسیله گمراهی و ضلالت باشد. منطقی که یک پیرزن را مؤمن می‌کند اگر در مورد یک آدم تحصیل کرده به کار برده شود او را گمراه می‌کند. یک کتاب در یک زمان، متناسب ذوق عصر و ذوق زمان و سطح فکر زمان بوده و وسیله هدایت مردم بوده است و همان کتاب در زمان دیگر اسباب گمراهی است. ما کتاب‌ها داریم که در گذشته وظیفه خود را انجام داده‌اند و صدها و هزارها نفر را هدایت کرده‌اند ولی همان کتاب‌ها در زمان ما کسی را هدایت نمی‌کند، سهل است، اسباب گمراهی و شک و حیرت مردم می‌باشد و از کتب ضلال باید شمرده شود. بجز کتاب آسمانی و گفتار واقعی معصومین، هر کتاب دیگر را که در نظر بگیریم یک رسالتی دارد برای یک مدت موقت و محدود؛ آن مدت که گذشت آن رسالت تمام می‌شود. از این رو است که در قرآن آمده است: *ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ* (نحل/۱۲۵) این آیه کریمه به اتفاق مفسرین، سه وسیله مختلف برای دعوت و هدایت مردم ذکر کرده و هر یک از این سه وسیله برای یک مورد مخصوص است. می‌فرماید: مردم را به راه پروردگارت بخوان. با چه وسیله؟ به وسیله حکمت. حکمت یعنی سخن متقن و محکم که قابل خدشه و تشکیک نیست؛ به اصطلاح منطقیین و حکما یعنی سخنی که مقدماتش صد درصد یقینی است. یعنی مردم را به راه پروردگارت بخوان با برهان و حکمت و علم صد درصد خالص و عقل خالص. مفسرین گفته‌اند دعوت کردن به وسیله حکمت و برهان و دلیل عقلی و علمی برای یک دسته خاص است که استعداد آن را دارند. *وَ الْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ* یعنی مردم را به راه پروردگارت بخوان به وسیله موعظه خوب و پند و اندرزهای دلپسند. بعضی از مردم استعداد بیان عقلی و علمی ندارند، اگر مسائل علمی برای آن‌ها طرح شود گیج می‌شوند. راه هدایت آن‌ها پند و اندرز است. با تمثیل و قصه و حکایت و هر چیزی که دل آنان را نرم کند باید آن‌ها را هدایت کرد. سر و کار موعظه و اندرز با دل است، و اما سر و کار حکمت و برهان با مغز و عقل و فکر است. اکثریت مردم در مرحله دل و احساسات‌اند نه در مرحله مغز و عقل و فکر. *وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ*. اگر با کسی روبرو شدید که غرضش کشف حقیقت نیست، غرضش این نیست که حقیقتی را بفهمد، آمده برای مجادله و حرف زدن و ایراد گرفتن، در کمین است یک کلمه‌ای بشنود آن را مستمسک قرار دهد و هو کند و مجادله نماید، تو هم با

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص: ۲۰۵

اینچنین شخصی مجادله کن. اما تو به نحو احسن مجادله کن، در مجادله از راه حق و حقیقت خارج نشو، در مجادله بی انصافی نکن، حق کشی نکن، دروغ به کار نبر و امثال این ها.

این آیه طرق مختلفی برای هدایت ذکر می کند و هر طریقی برای موردی خاص است. پس معلوم می شود وسیله ای که باید در مقام هدایت در امر به معروف و نهی از منکر به کار برد یکسان و یکنواخت نیست^۱.

در همین رابطه نسبت به هدایت نسل جدید باید دانست که نمی توان با همان متدها و روش های قدیمی او را رهبری کرد. اولاً باید نسل جوان را بشناسیم و بفهمیم دارای چه مشخصات و ممیزاتی است. درباره این نسل دو طرز تفکر شایع است و معمولاً دو جور قضاوت می شود. از نظر یک طبقه این ها یک عده مردمی هستند خام، مغرور، گرفتار هوا و هوس، شهوت پرست، دارای هزار عیب. این طبقه همیشه به این نسل دهن کجی می کنند و ناسزا می گویند. اما از نظر خود نسل جوان، درست بعکس است. آن ها در خودشان عیب نمی بینند؛ خودشان را مجسمه هوش، مجسمه فطانت، مجسمه آرمان های عالی می دانند. نسل کهن این ها را تکفیر و تفسیق می کند و این ها آن ها را تحمیق و تجهیل. آن ها به این ها می گویند شما کافرید، شما شهوت پرستید؛ این ها به آن ها می گویند شما نادانید، شما نمی فهمید.

در عین حال، نسل جوان ما مزایایی دارد و عیب هایی. زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساساتی دارد که در گذشته نبود و از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی دارد و باید آن ها را چاره کرد. چاره کردن این انحرافات بدون در نظر گرفتن مزایا یعنی ادراکات و احساسات و آرمان های عالی که دارد و بدون احترام گذاشتن به این ادراکات و احساسات میسر نیست. باید به این جهات احترام گذاشت. در نسل گذشته فکرها این اندازه باز نبود، این احساسات با این آرمان های عالی نبود. باید به این آرمان ها احترام گذاشت. اسلام به این امور احترام گذاشته است. اگر ما بخواهیم به این امور بی اعتنا باشیم محال است که بتوانیم جلو انحراف های فکری و اخلاقی نسل آینده را بگیریم. روشی که فعلاً ما در مقابل این نسل پیش گرفته ایم که روش دهان کجی و انتقاد صرف و مذمت است و دائماً فریاد ما بلند است که دانشگاه ها، مدارس این طور خیابان ها این طور، و...، و دائماً وای وای می کنیم درست نیست. باید فکر اساسی برای این انحراف ها کرد. درد این نسل را باید درک کرد فکر اساسی به این است که اول ما درد این نسل را بشناسیم، درد عقلی و فکری، دردی که نشانه بیداری است، یعنی آن چیزی را که احساس می کند و نسل گذشته احساس نمی کرد. در گذشته درها به روی مردم بسته بود. درها که بسته بود سهل است، پنجره ها هم بسته بود. کسی از بیرون خبر نداشت، در شهر خود که بود از شهر دیگر خبر نداشت، در مملکت خود که بود از مملکت دیگر خبر نداشت. امروز این درها و پنجره ها باز شده، دنیا را می بینند که رو به پیشرفت است، علم های دنیا را می بینند، جوان است، احساسش عالی است، و حق هم دارد، می گوید ما چرا باید اینگونه نباشیم؟ نسل قدیم این چیزها را نمی فهمید و درک نمی کرد. در قدیم سطح فکر مردم پایین بود، کمتر در مردم شک و تردید و سؤال پیدا می شد، حالا بیشتر پیدا می شود. طبیعی است وقتی که فکر، کمی بالا آمد سؤالاتی برایش طرح می شود که قبلاً مطرح نبود. باید شک و تردیدش را رفع کرد و به سؤالات و احتیاجات فکری اش پاسخ گفت. نمی شود به او گفت برگرد به حالت عوام، بلکه این خود زمینه مناسبی است برای آشنا شدن مردم با حقایق و معارف اسلامی. با یک جاهل بی سواد که نمی شود حقیقتی را در میان گذاشت. بنابراین در هدایت و رهبری نسل قدیم که سطح فکرش پایین تر بود ما احتیاج داشتیم به یک طرز خاص بیان و تبلیغ و یک جور کتاب ها. اما امروز آن طرز بیان و آن طرز کتاب ها به درد نمی خورد، باید و لازم است اصلاح عمیقی در این قسمت ها به عمل آید، باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت. به هر حال نسل جوان افکار و ادراکات و

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص: ۵۱۶

احساساتی دارد و انحراف هایی. تا به دردش یعنی به افکار و ادراکات و احساساتش رسیدگی نشود، نمی شود جلو انحرافاتش را گرفت!

نتیجه

با توجه به اینکه از نظر اسلام همه افراد جامعه و شهروندان دارای مسئولیت مشترک می باشند و از این رو به کمک امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارند تا زمینه و فضای مساعد را برای رشد و تعالی آحاد جامعه فراهم نمایند و با آنچه زمینه ساز فساد و تباهی و عقب افتادگی است مبارزه کنند نتیجه می گیریم باید به این اصل مهم بیش از پیش اهمیت بدهیم و هر یک از ما سهم خود را در احیا و اجرای آن مورد ارزیابی قرار دهیم و چنانچه در انجام این رسالت کوتاهی و سستی داشته ایم با راهکارهای معرفتی، عاطفی و رفتاری که بدان اشاره شد ضمن آسیب شناسی این اصل، با درس آموزی از تاریخ و فهم صحیح از مراحل امر به معروف و نهی از منکر، تقویت دوستی، روش و مکتبی را به وجود آوریم که این وظیفه به طور عملی (نه زبانی فقط) و در عین حال اجتماعی (نه انفرادی) و در عین حال منطقی و مبتنی بر اصول علمی و با انتخاب وسایل مناسب، انجام گیرد تا با احیا و اجرای درست آن، شاهد تاثیرات عملی و مثبت بیشتری در میان در جامعه و شهروندان باشیم.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند
۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۸. جلدهای: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵

امربه معروف ونهی از منکرو انحرافات اجتماعی

محمد امیری^۱

محمد رضا محمد شفيعی^۲

چکیده

جامعه سالم است که از امنیت جانی، مالی، منزلتی، عاطفی و ارزشی برخوردار باشد. در مقابل جامعه‌ای نابهنجار است که فاقد این معیار باشد. مهم‌ترین هنجارهای جامعه اسلامی هنجارهای مربوط به امنیت ارزشی و اخلاقی است و هر آنچه امنیت ارزشی و اخلاقی را به طور خاص به خطر می‌اندازد، انحراف ارزشی محسوب می‌شود و اگر نقص این ارزش‌ها و هنجارها گسترده گردد انحراف اجتماعی پدیدار می‌شود که بایستی در مهار آن و از گسترش دامنه‌اش اقدامات جدی صورت پذیرد. یکی از اهداف اساسی امنیت در هر کشور، حفاظت از ارزش‌های محوری و حیاتی نظام فرهنگی آن می‌باشد و در مقابل، از جمله کارکردهای عمده هر نظام فرهنگی نیز، امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم آن، تکوین هویت اجتماعی و ایجاد حفظ همبستگی است.

توصیه‌های رفتاری دین برای اینکه افراد یکدیگر را از انحراف باز دارند «امربه معروف و نهی از منکر» می‌باشد. این رفتار، راهکارهای عملی است که در دین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بر آن تأکید فراوان شده به طوری که از آن به عنوان بلند مرتبه ترین و شریف‌ترین فرائض دین نام برده شده است. این نوشتار در مقام اثبات کارکردهای «امربه معروف و نهی از منکر» در انحرافات اجتماعی برآمده و نقش این فریضه دینی را در ایجاد و برقراری امنیت اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد.

تعاریف

امربه معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آنچه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته شده و نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آن چه از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته شده است.

واژه معروف یعنی شناخته شده و مقابل منکر است. واژه نهی به معنای بازداشتن و منع کردن و منکر به معنای کار زشت و از روی جهل است. بنابراین نهی از منکر به بازداشتن انسان از انجام کارهای زشت و نامعقول و جلوگیری از اموری که در واقع انسان از آن ترس و نفرت دارد، ولی بواسطه جهل و غفلت گاه مرتکب آن می‌شود. (عاطفه قرشی ۱۳۸۷)

پدیده، انحراف اجتماعی به مفهوم جامعه‌شناسی آن یعنی کجروی و تخطی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و رفتار انحرافی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات مشترک رفتاری جامعه سازگاری نداشته و اعضای جامعه آن را ناپسند و نادرست بدانند.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، عبارتست از فقدان ترس و تهدید نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه

۱. هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

۲. هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

نقش انحراف اجتماعی در امنیت جامعه

هر جامعه‌ای دارای افکار، عقاید و باورهای خاص است که با توجه به آن، هم احساسات و علائق ویژه‌ای مورد پسند قرار می‌گیرد و هم رفتارهای خاصی مقبول شناخته می‌شود. در این قواعد و معیارها که افکار و احساسات درست و قابل قبول و نیز رفتارهای مناسب و مورد انتظار را در هر شخصی تعیین می‌کنند، "هنجارهای اجتماعی"^۱ می‌توان نامید و تخلف از آن را هنجارها را "انحراف اجتماعی"^۲ می‌توان نامید.

دین نیز به عنوان نظامی که از سوی خداوند متعال در قالب کتاب و سنت نازل گردیده است، معیارها و هنجارهایی را برای اندیشه، احساس و عمل دارد (هاشمی ۱۳۸۱).

امنیت اجتماعی نیز در واقع فرایند حفظ الگوها و هنجارهای جامعه با توجه به نقش تعیین کننده گروه‌ها و نهادهای اجتماعی از قبیل، سازمان‌های مذهبی و غیره است.

هدفی که این مقوله دنبال می‌کند حفظ ارزش‌های اجتماعی توسط گروه‌های اجتماعی است. به این ترتیب اصل موضوع امنیت اجتماعی معطوف به حفظ و بقای ویژگی‌های بنیادی و اساسی گروه‌های اجتماعی است که تحت عنوان «هویت» از آن یاد می‌شود.

از سوی دیگر هر جامعه‌ای برای پویایی خویش نیازمند آرامش و ایت از جانب خارج و داخل است. الگوها و هنجارهای موجود در جامعه از قبیل الگوهای زبان، فرهنگ، مذهب و عرف ملی اجزاء تفکیک شده ویژگی‌های بنیادین جامعه هستند. تفاوت ساختاری این اجزاء در اجتماعات مختلف باعث شکل‌گیری جوامع متعدد با هویت جمعی متفاوت از هم جدا شده است.

پایه و مایه هر اجتماع انسانی، این ویژگی‌های بنیادی است و ایجاد هرگونه اختلال و تغییر ناهماهنگ در هریک از اجزاء مذکور، جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد و دچار ناامنی می‌نماید.

بنابراین می‌توان مؤلفه‌های امنیت اجتماعی را چنین برشمرد: زمان، فرهنگ، مذهب و عرف ملی. البته در مورد تعریف امنیت اجتماعی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که تعاریف گوناگونی نیز ارا نه می‌دهند، از جمله "مولار" خاطر نشان می‌سازد، امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جامعه تهدیدی در باب مؤلفه‌های هویتی خود احساس می‌کند. "ویور" امنیت اجتماعی را توانایی‌های جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تحولات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. وی خاطر نشان می‌سازد که اعضای جامعه می‌توانند نسبت به چیزهایی که هویتشان را تهدید می‌کند، احساس مسئولیت نکنند و آنها را به دولت واگذارند. "بوزان" امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند.

"تونیس" در این مورد معتقد است که امنیت اجتماعی عدم ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی‌های مشترک گروه اجتماعی چون مذاهب، زبان و سبک زندگی است. (قرشی ۱۳۸۷)

امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها دو اصل پذیرفته شده است همه اقوام و ملل در طول تاریخ زندگی انسان بوده است. زیرا این دو اصل دوبردارنده منافع انسان‌ها و منطقی با عقل و فطرت‌اند.

از آن جا که افراد یک جامعه سالم مانند اعضای بدن، در راه زندگی و ایجاد حیات صحیح انسانی سهم و شریک می‌باشند و هیچ یک از آنها نمی‌توانند در برابر قوت‌ها و کاستی‌های جامعه بی تفاوت باشند.

مساله نظارت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از فساد و سوق دادن جامعه به سوی اصلاح ضرورت می‌یابد.

از سوی دیگر در این اصل تردیدی نیست که جوانان نیازمند حفظ و هویت یابی و بازگشت به خویشتن هستند. نسل جوان باید به عنوان نیرویی باید به عنوان نیرویی که می‌تواند طلایه دار ارزش‌های اسلامی و انسانی باشد خود را باور کند، و در این مسیر وی نیازمند هدایت دینی دارد. (روشن چراغ ۱۳۷۷)

کارکردهای دین در انحرافات اجتماعی

با پذیرش هدایتگری دین، باید پذیرفت که دین نمی‌تواند دغدغه رعایت هنجارهای دینی را از سوی مردم نداشته باشد و در صدد مقابله با تخلف از آن هنجارها برنیاید. در واقع بی‌تفاوتی قائل شدن برای دین در مبارزه با انحرافات، به منزله در نظر نگرفتنشان هدایتگری دینی است. (هاشمی ۱۳۸۱)

نقش هر مسلمان نیز در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود. دین از یک سو با ارائه علوم و معارف خاص و از سوی دیگر با توصیه بر اعمال و رفتارهای ویژه نقش موثری را در بازداشتن افراد از انحرافات اجتماعی ایفا می‌نماید. که اولی شامل «راهکارهای شناختی» یا «نظری» و دومی راهکار عملی افراد است. راهکار شناختی یا نظری در مورد سازوکار پاداش و عقوبت به مردم آگاهی می‌دهد. درباره خوبی و بدی و روش‌های آن توضیح می‌دهد. و اطلاعات مربوط به معارف بنیادین را ارائه می‌نماید.

راهکارهای عملی افراد از طریق دو توصیه انجام می‌گیرد:

۱. توصیه فردی یعنی رفتاری که هر کسی با عمل به آن می‌تواند خودش را از انحرافات دور نماید.
 ۲. توصیه اجتماعی یعنی رفتاری که افراد برای بازداشتن یکدیگر از انحراف باید به کار گیرند که در این خصوص می‌توان از ارشاد و تبلیغ و همچنین امر به معروف و نهی از منکر نام برد.
- در ارشاد و تبلیغ درونی شدن شناخت‌های سه گانه ای که در راهکار شناختی ذکر گردید (پاداش و عقوبت - خوبی و بدی - معارف بنیادین) باعث دور شدن افراد از انحرافات اجتماعی می‌شود.

بنابراین در ارشاد و تبلیغ که دعوت به معارف سه گانه است اگر دعوت کننده بتواند آن را برای افراد درونی نماید آنان را از طریق ساز و کارهای خاص به دوری از انحراف سوق دهد. امر به معروف و نهی از منکر نیز راهکار عملی است که در دین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بر آن تأکید فراوانی شده است به طوری که از آن به عنوان بلند مرتبه‌ترین و شریف‌ترین فرایض و نیز فریضه بزرگی که همه فرائض دیگر به وسیله آن اقامه می‌شوند نام برده شده است. (هاشمی ۱۳۸۱)

نقش امر به معروف و نهی از منکر در انحرافات اجتماعی

انسان بر طبق طبیعت و فطرت خود و همچنین بر اساس آموزه‌های اجتماعی چیزهایی را خوشایند و زیبا و چیزهایی را ناخوشایند و نامطلوب می‌ابد. به گونه‌ای که درک این زیبایی و زشتی در انسان‌ها نهادینه شده است. امور خوب و بد دینی نیز به همین ترتیب شکل می‌گیرد. (هاشمی ۱۳۸۱)

در شرایط حاضر در این اصل تردیدی نیست که جوانان نیازمند حفظ هویت و فرهنگ خویشتن هستند و نسل جوان باید به عنوان نیرویی که می‌تواند طلایه دار کاروان ارزش‌های انسانی و اسلامی باشد، خود را باور کند. اما آیا تلاش جوانان و خویشتن داری آن‌ها به تنهایی برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی کافی است؟

به وضوح می دانیم که اگرچه اسلام بر ارزش های اخلاقی به عنوان مهم ترین عامل درونی برای پرهیز از انحراف تأکید می ورزد، اما در مقابل جامعه نیز باید حتی المقدور از عوامل تحریک تهی می شود. نمی توان از یک طرف توصیه به خویشتن داری کرد و از طرف دیگر زمینه را برای تحریک افراد فراهم ساخت. توصیه به خویشتن داری معمولاً زمانی مؤثر خواهد بود که محیط خارج نیز تا حدی از عوامل محرک منزّه باشد. علاوه بر آن درجه ایمان و تقوای افراد جامعه متفاوت است همه مردم از ایمان و تقوای کافی برخوردار نیستند. افراد بسیاری وجود دارند که یا رأی مقاومت در برابر وسوسه ها را ندارند و با اندک تحریکی به سمت انحرافات سوق داده می شوند.

بر اساس نتایج آماری که از تحقیقی تحت عنوان «برسی نگرش ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران» مربوط به سال ۱۳۸۲ بدست آمده ویژگی های ارزشی و اخلاقی از شرایط مطلوبی برخوردار نیستند. این آمار نشان می دهد که ۶۶٪ از پاسخ دهندگان معتقدند که مردم زیاد و تا حدودی دورو هستند. ۴۳٪ نظر داده اند که هموطنان به اندازه زیادی متقلب هستند. ۳۷٪ می گویند که هموطنان راستگو نیستند. ۴۳٪ پاسخ دهندگان هموطنان خود را تا حدودی پایبند به اخلاق می دانند. ۱۶٪ مردم را اصلاً پایبند به اخلاق نمی دانند. ۵۶٪ از پاسخ دهندگان مردم را تنبل و تکرو می دانند.

بنابراین تا زمانی که ناهنجاری و رفتار غلط در نظر جامعه، امری زشت و غیر منطقی جلوه نکند، میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از ناهنجاری های اجتماعی کاهش نخواهد یافت و آنچه مسلم است در شرایط بی قاعدگی و بی هنجاری افراد قادر نیستند بر اساس یک نظام ارزشی، از قواعد مشترک پیروی می کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند. اما به صورت افراد مؤمن، به سرنوشت یکدیگر علاقه مند بوده و به منزله یک پیکر می باشند. پیوند سرنوشت ها موجب می شود که تخلف و انحراف یک فرد، در کل جامعه تأثیر بگذارد و لذا نهاد دین که در همه ابعاد زندگی بشر و بالاخص زندگی اجتماعی او رسوخ دارد توسط کسانی که احساس مسؤلیت و تعهد نسبت به جامعه دارند نقش خود را ایفا می نماید که «امربه معروف و نهی از منکر» نیز در اینجا بصورت جدی مطرح و کارکردهای آن در ممانعت از انحرافات اجتماعی می تواند مورد توجه این کارکردها می تواند با روش های زیر باشد:

۱. برخورد قلبی که در قالب های مختلف می تواند به کار رود مانند اخم کردن، قطع دوستی، دریغ کردن احترام و محبت که موجب به مخاطره افتادن عزت نفس فرد می گردد، محدود کردن مراد و ارتباط
۲. برخورد زبانی، استفاده از گفتار نرم، موعظه و ارشاد و یا در صورت لزوم تهدید آمیز و تند مبین پیامدهای سوء اخروی یا دنیوی عمل فرد منحرف، تهدید فرد منحرف در رابطه با بعضی خواسته ها و نیازهای او، توبیخ و و تحقیر فرد منحرف از طریق زبان و کلام
۳. برخوردهای یدی که می تواند به بازداشتن فرد متخلف از انحراف اجتماعی بیانجامد.

به طور خلاصه شکل های گوناگون امر به معروف و نهی از منکر، از طریق پاداش یا عقوبت بیرونی یا درونی واقعی یا مورد انتظار در جهت کنترل انحرافات اجتماعی عمل می شود. (هاشمی ۱۳۸۱)

در جوامع امروزی، به طور کلی به سبب فقدان ارتباط گسترده و همه جانبه بین افراد ویژگی^۱، دخالت ندادن احساسات و عواطف (بی طرفی عاطفی^۲)، توجه نداشتن به ماهیت یکدیگر (دستاوردها^۳) و عدم دخالت معیارهای خاص (عام گرایی^۴)، روابط افراد با یکدیگر از عمق و شدت چندانی برخوردار نبوده و آگاهی یافتن از جنبه های مختلف ماهیت افراد و زیر و بم زندگی آنان، چندان ممکن نمی باشد و به اعتقاد دورکیم، اساساً انگیزه ای مهم برای شناخت و آگاهی یافتن افراد از جنبه های مختلف ماهیت یکدیگر وجود ندارد.

لذا توجه به محدودیت‌هایی که جوامع امروزی از طریق ساخت روابط اجتماعی برای امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد می‌نماید، این نتیجه را بدست می‌دهد که بایستی از یک سو با برنامه‌هایی امکان تحقق و کارکرد تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر را از طریق نظام‌هایی از جمله رسانه‌های جمعی فراهم ساخت. و از سوی دیگر در حد امکان گسترش ساخت روابط از نوع دخالت دادن عاطفه، توجه به یکدیگر توجه به دستاوردها و دخالت دادن معیارهای خاص، را که مقتضی روابط گسترده عمیق و همه‌جانبه بین کنشگران و در نتیجه تسهیل کننده امر به معروف و نهی از منکر است فراهم آورد.

راه‌های گسترش امر به معروف و نهی از منکر

- اعتلای سطح پیش اجتماعی
- افزایش قدرت وجدان اجتماعی و قدرت جامعه
- ایجاد بسترهای اجتماعی مناسب برای الگوپذیری نسل جوان
- رعایت موازین شرعی و اخلاقی در امر و نهی
- استفاده صحیح از ابزارها و کیفیت بخشی نقش رسانه‌های تبلیغی
- شیوه‌شناسی و روش تبلیغی مناسب
- تدابیر علمی برای افزایش نقش خانواده
- افزایش نقش نهادهای آموزشی و مراکز علمی
- توجه به نقش نهادهای اقتصادی
- توجه به نقش سیاستگذاران امور فرهنگی
- انجام طرح‌های پژوهشی و کاربردی

نتیجه‌گیری

انحرافات اجتماعی به مفهوم رفتاری ناهمگون با ارزش‌های اجتماعی، مانع تحقق یکی از اهداف امنیت ملی یعنی حفاظت از ارزش‌های اخلاقی و دینی نظام فرهنگی هر جامعه است. زیرا انحرافات اجتماعی به عنوان تحدید و آسیب برای امنیت هر جامعه تلقی می‌گردد.

هرچند ایجاد جامعه‌ای عاری از انحراف و بزه تقریباً ناممکن است مع الوصف، تعهد و مسئولیت اعضاء یک جامعه نسبت به رفتارهای خلاف اخلاق و ارزش‌های دینی دیگران، می‌تواند انحرافات اجتماعی را کنترل و مهار کند. وجود چنین جامعه‌ای مستلزم توجه به اهمیت فریضه دینی «امر به معروف و نهی از منکر» است که به عنوان راهکاری عملی در دین و جامعه دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بران تأکید فراوانی شده است.

منابع

۱. محسنی، منوچهر، ۱۳۸۱، بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهی و آموزشی
۲. محبوبی منش، حسین، ۱۳۸۱، امنیت و انحرافات اجتماعی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان. شماره ۱۸
۳. محمدی، مجید، ۱۳۸۲، دین و ارتباطات
۴. قرشی، عاطفه، ۱۳۸۷، کیهان شماره ۶۶، ۱۹۰، ۸۷/۲/۲۳
۵. حجت الاسلام و المسلمین سیداحمد هاشمی، ۱۳۸۱، دین جامعه و انحرافات اجتماعی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۱۸
۶. سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران، حوزه نظارت آستان قدس رضوی
۷. روشن چراغ، حسین، ۱۳۷۷، مجموعه تعادلات دانشجو و عفاف، سلسله همایش‌های سالانه فرهنگی، سیاسی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر

سیما نصیری^۱

سحر میرقباد خدارحمی^۲

چکیده

نوشته‌ی پیش رو با عنوان «آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر» تحقیقی است، توصیفی - تحلیلی که با بررسی معانی آن، اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، در قرآن و روایات و ذکر انواع آسیب‌های اختصاصی و عمومی و در پایان راهکارهای پیشنهادی این دو فریضه‌ی مهم الهی، سعی دارد خواننده را با این مسئله‌ی مهم، بیشتر و بهتر آشنا سازد. شناخت ابعاد و زوایای امر به معروف و نهی از منکر یک اصل بنیادین است که تفکر مسلمانان را زلال و ناخالصی‌های آن را جدا می‌کند و آنان که این اصل را به خوبی شناخته‌اند در دام چنین لغزشگاه‌های خطرناکی قرار نمی‌گیرند.

بنابراین، لازمه‌ی شناخت این آسیب‌ها، کسب آگاهی دقیق و روشن از آن‌هاست. این پژوهش در نهایت به این نتیجه می‌رسد که همان‌طور که امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد، شناخت آسیب‌ها و آفت‌های آن هم مهم است و توسل به شیوه‌های فرهنگی و استفاده از استدلال‌های مستند، بهترین راه برای این امر است. چه بسا عدم آگاهی از این آسیب‌ها، عواقب و اثرات نامطلوبی برجای می‌گذارد که حتی منجر به نابودی یک ملت می‌گردد. درمان این عواقب تنها از طریق رفع علت‌هاست که آن هم رواج امر به معروف و نهی از منکر با جذب نیروهای آگاه همراه با برنامه‌ریزی دراز مدت می‌باشد.

واژگان کلیدی: آسیب، امر به معروف و نهی از منکر، بحران‌های اجتماعی.

مقدمه

داشتن جامعه سالم و خدا محور و رو به کمال، خواست هر انسان سلیم‌العقل است و تحقق آن مشروط به احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی آحاد جامعه است. سلامتی و آرامش مادی و معنوی جامعه، آن‌گونه که بتواند زمینه‌ساز جامعه‌ای آرمانی و رو به کمال باشد، در گرو توجه به خود و دیگران است. همواره انسان‌هایی بوده و هستند که به هر دلیلی قانع به حق خویش و پایبند به حدود و مرزها نبوده و با شیوه‌های گوناگون آرامش جامعه را بر هم می‌زنند. از این‌رو، لازم است برای نیل به سعادت، به جنبه‌های فردی و اجتماعی توجه شود؛ چراکه زندگی بشر نیازمند نظم و قانون است.

دین اسلام به حکم جامع و کامل بودنش، برای تحقق جامعه سالم انسانی، الهی و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های رشد، تعالی و به سامان رسیدن جامعه‌ای سالم و برپایی قسط در جامعه انسانی، احکام و دستوراتی دارد که موجب سعادت و تعالی جامعه است. در مجموع، برخی از این قوانین به منظور پیش‌گیری از بیماری، برخی به منظور درمان اجتماع مریض، برخی جنبه سلبی داشته و از بین برنده زشتی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است و برخی جنبه ثبوتی دارند و محقق‌کننده صفات عالی انسانی در حیات معقول بشری محسوب می‌گردند. در نظام اسلامی ایران و قانون اساسی مبتنی بر شرع مبین اسلام، نظارت همگانی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر یکی از راه‌کارهای ایجاد آرامش روانی، اخلاقی، مادی و معنوی جامعه است که در نظام جمهوری اسلامی تجلی یافته است.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی، مشاور و مدرس دانشگاه، فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲. مسئول مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

این دو، اصطلاحی است که در قرآن و روایات اسلامی از آن یاد شده است. معروف نام هر کار نیکی را گویند که به وسیله عقل و شرع، حسن و نیکی آن روشن شده باشد. منکر از کلمه انکار در اصل به این معناست که چیزی بر دل و قلب انسان وارد شود که تصور آن را نمی‌کرد، بلکه از آن تنفر داشته و آن را انکار می‌نماید.

پس، امر به معروف عبارت از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و کسب صفاتی است که سعادت دنیا و آخرت فرد را تأمین و تضمین می‌کند؛ مانند ایمان، تفکر، تقوا، احسان، خوش خلقی، نیکوکاری، عبادات، نظم در امور، کار کردن، دفاع از ناموس و خاک و جان، تحصیل علم و کمالات روحی و روانی و جسمی و نظایر آنها.

نهی از منکر نیز عبارت از بازداشتن و نهی دیگران از انجام افعال یا داشتن صفاتی است که از جانب خداوند، عقل و شرع زشتی آن‌ها معلوم شده است؛ مانند شرک، نفاق، دنیامداری، غفلت، جهالت، فسق و فجور، ظلم، عهدشکنی، بی‌تقوایی، بی‌نظمی، بی‌کاری، بی‌حیایی، بی‌سوادی، و نظایر آن‌ها. (۱)

اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات دین بوده که آیات و احادیث و روایات فراوانی در این باب وارد شده است از جمله:

- خداوند متان، عامل رستگاری مسلمان‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و به همین دلیل، آنان را بهترین امت معرفی می‌کند. (۲)
- رستگاری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر است و باید کسانی باشند که اقدام به انجام این فرایض نمایند. (۳)
- خداوند جان‌ها و مال‌های آمرین به معروف و نهی کنندگان از منکر را در عوض بهشت خریداری کرده است. (۴)
- همه انسان‌ها در ضرر و زیان‌اند، مگر کسانی که دارای ایمان هستند، کار نیکو می‌کنند و سفارش به حق و صبر می‌نمایند. (۵)
- اسلام همه پیروان خود را موظف ساخته که اگر دیدند به یکی از قوانین عمل نمی‌شود آرام نشینند و متخلف را به فرمانبرداری وادار کنند و از نافرمانی بازدارند. (۶)
- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، جامعه را به کشتی و افراد را به مسافران آن تشبیه نموده و می‌فرماید: «اگر در میان مسافران کسی به ادعای آن که به اندازه خودش در کشتی سهم دارد و کشتی را سوراخ کند، سرانجام کشتی و مسافران آن غرق خواهد شد، ولی اگر دیگران از این عمل ناپسند او جلوگیری کنند خود و او را از هلاکت رهایی بخشیده‌اند» (۷)
- خداوند در سوره اعراف، داستان قومی را به نام "اصحاب سبت" نقل می‌کند که در کنار دریا زندگی می‌کردند و از طرف خداوند به عنوان آزمایش دستوری به آن‌ها داده شد و آن این که صید ماهی را در روز شنبه، تعطیل کنند. گروهی از آنان، آن قوانین شرعی را رعایت نکردند و گروه دیگر آن‌ها را پند داده و نهی از منکر نمودند، اما آنان نپذیرفتند و لذا، خداوند گروهی را که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند نجات داد و بر گناهکاران عذاب دردناکی نازل کرد. (۸)
- علی (علیه السلام) فرمودند: پایداری دین به امر به معروف و نهی از منکر و اقامه‌ی حدود است (۹) «و هما من أسمى الفرائض و أشرفها و بهما تقام الفرائض، و وجوبها من ضروریات الدین و منکره مع الائتفاوت بلازمه و الالتزام به من الکافرین» این دو امر به معروف و نهی از منکر از شریف‌ترین واجبات می‌باشند و به وسیله‌ی این‌ها واجبات برپا

می‌شود. و وجوب این‌ها از ضروریات دین است که منکر آن در صورت توجه به لازمه‌ی انکار و ملزم شدن به آن، از کفار می‌باشد (۱۰)

قرآن می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» از میان شما مسلمین گروهی ویژه باید مسئول امر به معروف و نهی از منکر شوند. (۱۱) همان‌طور که در پیام این آیه آمده دعوت کننده‌ی به خیر و معروف باید اسلام‌شناس، مردم‌شناس و شیوه‌شناس باشد، لذا بعضی از امت، این وظیفه را به عهده دارند. (۱۲)

«يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» می‌خوانیم: پیامبر اسلام که نام و نشانش در تورات و انجیل آمده، اولین وظیفه‌اش امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر، سیره‌ی انبیاست، گرچه دیگران گوش ندهند. (۱۳)

به فرموده امام باقر (علیه السلام): همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و شیوه‌ی صالحان است (۱۴).
امام حسین (علیه السلام) در برابر سخنان برادرش محمد حنفیه که می‌گفت: به طرف عراق نروید! فرمود: «می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم تا به روش جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل کرده باشم. (۱۵)

پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «مَا مِنْ قَوْمٍ عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَ فِيهِمْ مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَنْكَرَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَفْعَلْ إِلَّا يَوْشِكُ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ...» قومی که گناه کنند، در حالی که میان آن‌ها کسانی باشند که می‌توانند بر اعمال آن‌ها اعتراض کرده، انکارشان کنند و بیزاری جویند و نکنند، نزدیک باشد که خداوند همه آن‌ها را به عذاب معذب فرماید. (۱۶)

قرآن می‌فرماید: «خود و اهل خود را از آتش دوزخی که آتش گیران آن انسان و سنگ است، حفظ کنید» (۱۷).
امام صادق (علیه السلام) در نامه‌ای به یاران خود نوشت: حتماً بزرگان و پیرمردان و قدرتمندان شما نسبت به جاهلان ریاست طلب، از خود عطفی نشان دهند و دست کسانی را که تجربه‌ای ندارند، بگیرند و گرنه نفرین و لعنت به همه آنان خواهد رسید (۱۸).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین فرستاده خدا و جانشین کتاب اوست. (۱۹)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای در برابر دریای پهناور است. (۲۰)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آن‌ها برپا می‌شود و به وسیله این دو، راه‌ها امن و آباد می‌گردد. درآمدها حلال می‌شود، حقوق و اموال به زور گرفته شده به صاحبانش برمی‌گردد و زمین آباد می‌شود، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و همه کارها راست و درست و رو به راه می‌گردد. (۲۱)

و در اتمام به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌نماییم: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گرنه خداوند ستمگری را بر شما مسلط می‌کند که نه به پیران احترام می‌گذارد و نه به خردسالان رحم می‌کند. نیکان و صالحان شما دعا می‌کنند، ولی مستجاب نمی‌شود و از خداوند یاری می‌طلبند، اما خدا به آن‌ها کمک نمی‌کند و حتی توبه می‌کنند و خدا از گناهشان در نمی‌گذرد. (۲۲)

آسیب‌های اجتماعی و فردی ناشی از عدم اجرای امر به معروف و نهی از منکر

بیان این نکته ضروری است که عوامل بازدارنده از اجرای امر به معروف و نهی از منکر، گاه طبیعی، زمانی فرهنگی-اجتماعی، گاهی سیاسی و گاهی نیز مربوط به حالات شخصی و درونی افراد است. به هر حال، عوامل متعددی ممکن است در این مورد سهم و مؤثر باشند. اما به نظر می‌رسد عوامل ذیل از همه مهم‌تر است:

موانع فردی

۱) **بحران هویت:** هویت به معنای نگرش و ادراک و برداشتی است که شخص از خود دارد و شامل درک جسمانی، عاطفی، اجتماعی و کیفیت نگرش فرد است و جنبه‌های متنوع هویت روانشناختی، اجتماعی جنسی، خانوادگی و تطابقی فرد را در بر می‌گیرد. اگر فردی نتواند انتظارات اجتماعی را برآورده کند دچار پراکندگی شخصیت خواهد شد که به عنوان بحران هویت نام برده می‌شود، در صورتی که فرد و جامعه شخصیت و خود واقعی خویش را نشناسند و به آن دست نیابند دچار عدم تعادل و نوعی اختلال روحی روانی می‌شوند. بحران هویت که آثار آن را در گفتار و رفتار، گرایش‌ها و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. انسانی که خود را نشناسد، محور وجودی خود را فراموش یا گم کند. به دنبال خود کاذب می‌رود و برای خود کاذب برنامه ریزی و سرمایه‌گذاری می‌کند. و روشن است چنین انسانی در پایان، خود را شکست خورده و زندگی و سرمایه عمر را بر باد رفته خواهد دید. اسلام عزیز انسان‌ها را به خود حقیقی و گوهر ناب وجودشان فرا می‌خواند.

پیامبر اکرم (ص) با جمله: شناخت خود حقیقی، را زمینه و بستر خداشناسی دانسته‌اند. نه تنها شناخت خود حقیقی و هویت انسانی، از شناخت خداوند متعال جدا نیست، بلکه راهگشایی برای انسان‌های حقیقت جو است. قرآن کریم نیز صریحاً خدا فراموشی را عامل خود فراموشی دانسته است و می‌فرماید: مانند کسانی نباشید که خدا را از یاد برده‌اند و در نتیجه خداوند نیز حقیقت خودشان را از یادشان برد اینان از راه بندگی خداوند خارج شده‌اند. بنابراین در قاموس فرد یا جامعه ای که با آموزه‌های دینی آشنایی کافی داشته باشد واژه ای به نام بحران هویت یافت نمی‌شود زیرا افراد معتقد و متدین الگوی زندگی خود را پیامبران (ص) و امامان (ع) قرار می‌دهند و زندگی اجتماعی خویش را بر مبنای آموزه‌های آن‌ها بنا می‌نهند و از تقلید کور کورانه از بیگانگان پرهیز می‌کنند. اصولاً اگر ریشه‌های بحران هویت فردی یا اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد به چند نکته مهم می‌رسیم:

۱. افرادی که به بحران هویت می‌رسند دیگران را به دیده عظمت و بزرگی به دلیل پیشرفت‌های علمی و صنعتی آن‌ها، نگاه می‌کنند.
۲. در درون خود احساس حقارت و کوچکی دارند.
۳. تنها راه موفقیت را پیروی بی‌چون و چرا از آنان می‌دانند و بر این اساس سعی در هم‌رنگی و همانندی با آن‌ها را دارند.
۴. از سابقه علمی و تمدنی خود آگاهی و شناخت ندارند.
۵. نسبت به استعدادها و توانمندی‌های خود و مردم خود آگاهی یا باور ندارند.

این گونه افراد مجذوب پیشرفت‌های علمی و صنعتی شده‌اند اما فقط در ظاهر، گفتار، رفتار، پوشش، بی‌بندوباری فرهنگی و... با آن‌ها هم‌رنگ شده‌اند، روابط اجتماعی، روابط خانواده و... را بر مبنای همان فرهنگ بنیان گذاشته‌اند. از این رو به همان آسیمی مبتلا می‌شوند که فرهنگ بیگانه از پیش دچار شده بود یعنی بحران هویت. که این مساله صرفاً

مخصوص کشورهای غیر پیشرفته نیست، در کشورهای پیشرفته هم به مثابه یکی از معضلات مهم و گسترده‌ی اجتماعی به آن می‌پردازند. زیرا چنان که گفته شد فرد یا جامعه‌ای که از هویت اصلی خود دور شده و آموزه‌های حیات بخش او را نادیده گرفت، گرفتار این مشکل می‌شود. غربی باشد یا شرقی، تفاوتی نمی‌کند.

از این رو قرآن در هشدارهای خود به این واقعیت مهم ما را توجه می‌دهد:
هر کس از یاد و دستورات من روی برگرداند قطعاً زندگی تنگ و دشواری خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم.

یکی از دانشمندان به نام "مارسیا" می‌گوید:

در جوامعی که مذهب وجود ندارد، نوجوانان بحران هویت شدیدتری را تجربه می‌کنند، چرا که مذهب به مهم‌ترین سؤالات نوجوانان یعنی از کجا آمده‌ام؟ چه کسی هستم؟ به کجا خواهم رفت؟ و چه باید بکنم! پاسخ داده است. نتیجه این که: اگر در جامعه با ابزار امر به معروف و نهی از منکر، ارزش‌ها شناسانده شود و مردم به گرایش و انجام آن‌ها ترغیب و تشویق شوند و اگر نسبت به بدی‌ها و منکرات آگاهی لازم پدید آید و از رفتارهای زشت و ناهنجار پیشگیری شود چیزی به نام بحران هویت وجود نخواهد داشت.

(۲) ناامنی اجتماعی: یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی که گاه به حد بحران اجتماعی می‌رسد و کیان جامعه را تهدید می‌کند، ناامنی‌های اجتماعی است. یکی از عوامل مهم پدید آمدن آن‌ها نیز دوری از آموزه‌های دینی و الهی و عدم تربیت آحاد جامعه به تعلیمات پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) است. یقیناً اگر روح ایمان در جامعه ای بیدار باشد و در دل و جان مردم، عشق و محبت به خداوند و به انسان‌ها وجود داشته باشد و همه در برابر کاستی‌ها و نا برابری‌های موجود در جامعه احساس مسئولیت کنند، چیزی به نام سرقت یا قتل و آشوب و ... معنی نخواهد داشت.

(۳) طلاق: یکی از آسیب‌های اجتماعی در جامعه است باید همه مردم با مسئولین همکاری و همفکری نمایند تا از وقوع این آسیب اجتماعی پیشگیری شود و راه چاره تقویت اعتقادات دینی و مذهبی و آشنایی خانواده با وظائف و آئین همسررداری و توجه به ارزش‌های والای انسانی و تحکیم بنیادی خانواده‌ها و اتخاذ معیارها و ملاک‌های ارزشی در انتخاب همسر می‌باشد.

طلاق به عنوان یک معضل جدی در جامعه می‌تواند باعث از بین رفتن یکپارچگی در خانواده، کاهش اعتماد به نفس در بین اعضا خانواده، پدید آمدن روابط اجتماعی ناسالم، احساس تلخ شکست در زندگی، ایجاد روحیه یأس و نا امید، فرزندان که غالباً رها، سر خورده، کم عاطفه و دور از تربیت والدین در جامعه رشد می‌کنند و ... زمینه‌هایی که منجر به طلاق می‌شود برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- عدم آگاهی نسبت به آموزه‌های دینی درباره ازدواج، شرایط و آداب آن.
- عدم پابندی به آموزه‌های الهی.
- تقلید کور کورانه از یکدیگر و سنت‌های غلط و سنگین.
- هزینه‌ها و مخارج غیر معقول.
- انتظارات و توقعات نا بجای زن و مرد از یکدیگر خصوصاً در آغاز زندگی مشترک.
-

(۴) اعتیاد: بعضی از شواهد گویای آن هستند جوانانی که به پوچی، بی هدفی و بی اعتقادی می‌رسند سراغ اعتیاد می‌روند، آسیب خانمان سوزی که اکثر جوانان را مورد هدف قرار می‌دهد. لذا خانواده‌ها با هوشیاری و شناخت از آثار

پدیده شوم اعتیاد می‌تواند فرزندان خود را از این بلای خانمان سوز نجات دهند. سرقت، اهانت و هتک حرمت یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه می‌باشد.

۵) ترویج فساد و ابتدال فرهنگی در جامعه: مانند قاچاق مشروبات الکلی، عدم رعایت پوشش اسلامی، فساد اخلاقی، اخلال در هنجارهای اجتماعی، انحرافات جنسی، بزهکاری‌ها می‌تواند بقای یک کشور را به خطر بیندازد.

۶) تبعیض و ناعدالتی در جامعه و دستگاه‌های دولتی: یکی دیگر از علتهای وقوع آسیب‌های اجتماعی است.

۷) عدم توجه به تکریم ارباب رجوع و عدم احترام به مردم: از علل دیگر و نشانه آسیب‌های اجتماعی است زیرا برخورد غیر منطقی و غیر اسلامی با افراد، مردم را از دستگاه مسئول بیزار می‌کند و در نتیجه مردم از نظام خود فاصله می‌گیرند.

۸) کمرنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه: یکی از دلایل اصلی آسیب‌های اجتماعی است راه چاره، انس بیشتر با آیات قرآن است که بعنوان یک مسلمان بدانیم چند آیه از آیات قرآن به امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد.

مواع روائی

۱) ترس: افراد بسیاری از ترس سرزنش دیگران، از بین رفتن شغل و موقعیت، از دست دادن جان یا مال خود مایل به اجرای این فرایض نمی‌باشند. ترس، موجب حق پوشی و پنهان کاری می‌شود و گاه افراد را به وادی کمک به زشت کاران می‌کشاند.

ترس از فرا رسیدن مرگ زود هنگام، از دست دادن موقعیت اجتماعی یا شغلی و کم شدن روزی به عنوان عوامل مهم ترک فرایض مذکور آن قدر شدید و فراگیر بوده، که در احادیث نیز به آن اشاره شده است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: اگر می‌ترسید با امر به معروف و نهی از منکر، گرفتار مرگ زودرس شوید، این چنین نیست؛ چون امر به معروف و نهی از منکر نه رزق را کم می‌کند، نه عمر انسان را. (۲۳)

۲) طمع: دنیامداری و تمایل به قدرت، ثروت و شهرت موجب می‌شود برخی چشم خود را بر زشتی‌ها ببندند و دم از گفتار صالح فرو گیرند و حتی خود نیز عامل به منکر و ناهی از معروف شوند.

۳) وابستگی: روابط گسترده و مناسبات عدیده بشر در دنیای نوین موجب شده است که انسان‌ها به دلایل گوناگون و با اهداف مشترک، تحت عناوین گوناگون از قبیل سازمان، گروه، حزب، هیأت، اتحادیه و یا هر نام دیگری، سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی عقیدتی خود را به یکدیگر پیوند بزنند. به عبارت دیگر، آنچه موجب یک عمل می‌شود، تصمیم جمعی بر مبنای منافع گروهی است. در این حالت، رسیدن به موفقیت فوری تر و قوی تر از نوع و شکل عمل خواهد بود. به بیان دیگر، ارزش‌های دینی در رتبه مؤخر از ارزش‌های تعریف شده گروه قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، در موارد بسیاری، منافع گروه ایجاب می‌کند که اعضا بر گناهان و رفتارهای غیر اخلاقی و غیردینی یکدیگر سرپوش گذارند؛ چراکه تضعیف یک فرد از گروه و یا افشای منکرات او موجب تضعیف سازمان و گروه شده و منافع جمع را با خطر مواجه می‌سازد.

۴) ناآگاهی: با وجود اینکه جامعه ما یک جامعه دینی است و معرفت اشخاص در مورد اجزا و آموزه‌های دینی باید همپا و هم‌وزن ادعای آنان باشد، اما متأسفانه بسیاری افراد تصوّر دقیق و درستی از این دو فریضه ندارند و چندان که باید نسبت به آن آگاهی ندارند و از کم و کیف مراحل، مراتب، شرایط و نتایج و شیوه‌های اجرای آن باخبر نیستند. (۲۴)

مواع عمومی

(۱) **جهل و نادانی:** اساس و پایه‌ی دین مبین اسلام، معرفت و آگاهی است. چرا که تحت سایه‌ی علم و دانایی زندگی دنیوی و اخروی بشر از ارزش واقعی برخوردار می‌شود، لذا اولین وظیفه‌ی ای که در اعتقادات اسلامی متوجه انسان می‌گردد، شناخت و آگاهی از حقیقت اصول اعتقادی است نباید غفلت کرد که در منابع اسلامی، یکی از علل تباهی، جهل و نادانی معرفی شده است. این بزرگ‌ترین آفت رشد بشری می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مفاسد فردی و اجتماعی شود و راه را بر روی ارزش‌های انسانی و اسلامی سد نماید. (۲۵)

(۲) **سستی و بی‌حوصلگی:** از جمله آفات بازدارنده امر به معروف و نهی از منکر، سستی و بی‌حوصلگی است که گاهی ناشی از بی‌اعتنایی در جامعه می‌باشد این حالت نه تنها انسان را از انجام وظایف اخلاقی، اجتماعی باز می‌دارد. بلکه روحیه‌ی تنبلی در کار و بی‌حالی در تلاش‌های روزمره‌ی زندگی را در فرد ایجاد می‌کند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در مورد مذمت این صفت آمده که:

قال الصادق (علیه السلام): اياك وَالْكَسَلُ وَالضَّجْرَ فَإِنَّهُمَا يُمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ از كسالت و بی‌حوصلگی دوری کن، زیرا این دو، تو را از بهرات در دنیا و آخرت باز می‌دارد. (۲۶)

(۳) **مبارزه با معلول:** در تعالیم اسلام سخن از خشکانیدن ریشه‌ی فساد است، اگر ریشه‌ی فساد موجود باشد و بخواهیم با معلول یعنی یک نفر، مبارزه کنیم، نتیجه‌ای نخواهیم گرفت، در مبارزه با مواد مخدر باید با تولید گران آن مبارزه کرد. در پیشگیری از مفاسد جنسی باید از نگاه آلوده و خلوت با نامحرم جلوگیری کرد. اسلام می‌گوید: امرا و سلاطین اگر اصلاح شوند، جامعه، اصلاح خواهد شد.

البته این به آن معنا نیست، پس اگر نتوانیم، با علت مبارزه کنیم، امر به معروف را ترک کنیم، بلکه سفارش شده به سراغ ریشه‌های بالاتر فساد برویم و به جای مبارزه با یک نفر گناهکار به سراغ آن جمع و آن باند برویم و این‌ها مبارزه با علت است نه معلول. (۲۷)

(۴) **عامل نبودن گوینده:** دستور اسلام این است که با کردارتان، مردم را به خوبی‌ها دعوت کنید، اگر با زبان امر به معروف کنید ولی خود به معروف عمل نکنیم، چنین امر به معروفی در کسی اثر نخواهد گذاشت. قرآن با سرزنش می‌فرماید: (لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ) چرا می‌گوئید چیزی را که خود به آن عمل نمی‌نمایید. در این زمینه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: (كونوا دُعَاءَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ) دعوت کننده‌ی مردم باشید با اعمالتان. (۲۹)

(۵) **مأیوس کردن گناهکار:** اگر امر به معروف با دیدن اهل منکری او را مأیوس کند، چنین کسی در کارش کاربردی نخواهد دید، چون شاید کسی گناهی انجام بدهد ولی قبح آن گناه را نمی‌دانسته یا تمایل قلبی به آن نداشته باشد یا در گیر و دار دوستان اهل معصیت گرفتار شده که اگر چنین باشد ما به جای هدایت او، به گناهکاری او کمک کرده‌ایم. امر به معروف یکی از وظایف‌اش این است که به شخص ناامید، امید بدهد.

امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) در مورد برخورد با اهل گناه فرموده است: يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمُصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ عَنِ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ سزاوار است برای افراد صالح و پاکدامن که نسبت به اهل گناه رحم کنند. (۳۰)

(۶) **قضاوت عجولانه:** امر به معروف اگر از روی قضاوت عجولانه و احساسی باشد، مکان و زمان در نظر گرفته نشود، گاهی اثر معکوس می‌گذارد که در نهایت هم، پشیمانی به بار می‌آورد.

اگر به فردی که مرتکب جرمی شده ولی توجیه نیست، انسان تذکری بدهد، این تذکر، یا بی اثر و یا کم اثر خواهد بود. (۳۱)

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: الصَّبْرُ ظَفْرٌ، الْعَجَلُ خَطْرٌ صبر، موجب پیروزی و عجله، خطر آفرین است. (۳۲)

۷) ترس از جو سازی: از آن جا که اهل منکر کار خویش را توجیه می‌کنند و زمینه را از کسی که می‌خواهد امر به معروف کند می‌گیرد و امر به معروف، از ترس جو زدگی، مسخره و ملامت، دست از این فریضه‌ی الهی کشیده و از ترس جو سازی آن را ترک کنند که البته درمان آن در کلمات گهربار حضرت علی (علیه السلام) آمده است در آن جا که می‌فرماید: (وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ) مبدا در این راه از جو سازی و ملامت گران تأثیر پذیر باشی. (۳۳)

۸) تجسس های بی جا: آنچه در نظام اسلامی به آن توجه شده تکریم و شان افراد است (۳۴) در اجرای امر به معروف و نهی از منکر حریم شخصی افراد محترم شمرده می‌شود. (۳۵)

۹) منفی بافی: در امر به معروف نباید فقط عیب‌ها و نقاط منفی را گفت، خوب است ابتدا انسان از خوبی‌ها و صفات پسندیده بگوید. چرا که در هر کسی نقاط منفی و مثبت هست و ما مأموریم که نقاط مثبت را هم گوشزد کنیم. قرآن مجید، حتی وقتی می‌خواهد مذمت شراب را بگوید از منافع آن می‌گوید و سپس ضررهایش را گوشزد می‌کند.

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ فَلَيْكِنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ هَر كَس كِه اَمْرِبِه مَعْرُوف مِي كِنْد بَايْد شِيوَه اش نيز مَعْرُوف و پَسِنْدِيْدِه باشد (۳۶)

۱۰) کارهای غیر ریشه‌ای: ما، در نهی از منکر باید به سراغ ریشه‌های فساد برویم. قرآن می‌گوید: (فَقَاتِلُوا أِتْمَةَ كُفْرٍ) پیشوایان کفر را بکشید. (۳۷).

۱۱) طمع کاری: گاهی شخص به طمع مال، گرفتن جایزه و هدیه، جذب مشتری، خوشایندی دیگران و امثال آن ... در برابر منکرات سکوت می‌کنند (۳۸)

طمع، زبان امر به معروف و نهی از منکر را به زبان تملق و چاپلوسی تبدیل می‌کند. وقتی انسان به دام طمع، گرفتار شود و برای رسیدن به سود بیشتر، چشم خیره داشته باشد، قدرت امر نسبت به کار پسندیده و جرأت نهی نسبت به قبایح را از دست می‌دهد و همیشه در اندیشه‌ی آن است که با چه الفاظی سخن بگوید که بهتر مورد توجه قدرتمندان و حکومت مداران قرار گیرد. بنابراین کسی می‌تواند امر و نهی کند که دل از بند طمع رها کرده باشد و این مقام والای انسان‌هایی چون ابوذر است (۳۹)

۱۲) حفظ آبروی خود: برخی به توهم این که اگر امر به معروف و نهی از منکر کنند از چشم دیگران می‌افتند و چه بسا مثل گذشته مورد احترام آن‌ها قرار نگیرند، بدین جهت از انجام این فریضه‌ی بزرگ، خودداری می‌کنند، این گروه در روابط اجتماعی و خانوادگی خود، همه چیز را نادیده می‌گیرند تا مبدا کدورتی پیدا شود و کسی از آن‌ها رنجیده خاطر شود.

۱۳) اصلاح خود: از نظر تفکر اسلامی فرد و جامعه دارای تأثیر متقابل و ارتباط دو جانبه‌اند که اصلاح هر یک در اصلاح دیگری تأثیر دارد. بنابراین هر کس با اصلاح خویش می‌تواند به اصلاح جامعه کمک کند و حتی آنان که در صدد رفع تباهی از دیگران هستند، در جهت رشد خود نیز تلاش کرده‌اند.

مواع حکومتی

۱. نبودن ساز و کارهای مناسب

در یک نظام دینی ابتدا باید نهادهایی همچون وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه‌های علمیه، شورای عالی انقلاب فرهنگی، رسانه‌های ملی صدا و سیما در چارچوب اهداف نظام اسلامی این وظیفه را بر عهده بگیرد که فرهنگ عامه را به سوی تربیت و پرورش انسان مسئول رهنمون سازد. و همچنین نهادهای مردم ساز مثل کانون‌های فرهنگی کار تبیین معروف‌ها و منکرات را انجام دهند. چرا که در باب امر و نهی واقعیت مطلب این است که این فرایض باید پس از دعوت به خیر صورت پذیرند. ابتدا باید مردم نسبت به معروف‌ها و منکرات آشنایی پیدا کنند و آن‌ها را بشناسند، پس از آن نوبت به مرحله امر و نهی برسد. این دعوت به خیر، هم سلامت جامعه را تضمین می‌کند و هم به رشد و تعالی آن یاری می‌رساند و هم به عنوان پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را که وظیفه دوم است کم می‌کند.

۲. داشتن امکانات کافی

ایفای وظیفه‌ی امر به معروف در بسیاری از مهم‌ترین مصادیق آن، نیازمند اطلاعات و امکانات و افراد زیادی است و بدون امکانات کافی میسر نیست و چون در روش دولتی بیشترین امکانات و افراد فراهم است، این روش برای تحقق بخشیدن به اهداف این وظیفه‌ی بزرگ، بر دیگر روش‌ها برتری دارد.

۳. هماهنگی اخلاق و سیاست

از آن جا که تشخیص مصادیق مصلحت و مفسده، بسیار دشوار و متأثر از فرهنگ‌ها و تربیت‌های مختلف است، احتمال لغزش بسیار می‌شود ممکن است بر اثر پدید آمدن اختلاف نظرها، میان آمران به معروف و مردم در تشخیص مصلحت و مفسده، امر به معروف به تعطیلی کشیده شود، اما اگر همه‌ی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اخلاقی و سیاسی، به گونه‌ای هماهنگ و به وسیله‌ی یک نهاد تنظیم شود، جایی برای تعارض، میان اخلاق و سیاست باقی نمی‌ماند، زیرا هم وظیفه‌ی امر به معروف و هم وظیفه‌ی اداره‌ی امور در یک جامعه، تعریف و سازمان دهی می‌شوند و حفظ موازین اخلاقی، با نظامی برنامه‌ریزی شده پیش می‌رود و هر نهاد در این زمینه به دیگری کمک می‌کند. (۴۰)

۴. بی‌اعتنایی و عدم احساس مسئولیت

احساس مسئولیت و دغدغه داشتن مسئولین و دولت‌مردان و ثبات در برنامه‌های فرهنگی از عوامل مهم اجرا یا عدم اجرای اصل فوق‌الذکر است. به نظر می‌رسد، متأسفانه حداقل در بخشی از نیروها و مسئولان جامعه کمبودی از این ناحیه وجود دارد.

۵. تبلیغات مسموم

تبلیغات مسموم و مغرضانه علیه یک ملت باعث آلوده کردن ذهن افراد نسبت به آنان می‌شود، در این زمینه باید با آگاهی لازم و آشنا به تکنولوژی‌های روز با برنامه‌های پیشگیرانه جامعه را از آسیب‌پذیری مصون ساخت.

اجرای غلط

همیشه نمی‌توان همه‌ی تقصیرها را به گردن افراد اهل خلاف یا جامعه و یا تبلیغات مسموم انداخت، بلکه گاهی باید به خودمان و بیندیشیم و ببینیم آیا ما در نوع امر به معروفمان همان روش اولیای خدا را داریم.

قالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ (۴۱). درسخن گفتن نیکو، خطاب کنید تا جواب نیکو بشنوید.

باید بدانیم که آمرین به معروف باید روانشناس، کارشناس، عالم و هنرمند باشند، زیرا، هم خلاف‌ها گوناگون است و هم روش نهی از منکر باید گوناگون باشد هرکس، کاری را از راه خودش وارد شود، دچار لغزش نخواهد شد. از عوامل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، غیر مردمی شدن و تحمیلی بودن، افراط و تفریط در امور، کم رنگ شدن بعد مردمی و ...

مواع علمی

۱. ابهام علمی در باب حق و تکلیف

عدم تبیین حق و تکلیف در زندگی افراد، مانعی برای انجام فرایض مذکور است. اینکه هر انسانی دارای تکالیفی است که از حقوق او ناشی می‌شود و لازمه برخورداری از حقوق، انجام تکالیف فردی و اجتماعی است، نیازمند تبیین و توضیح برای افراد و جوامع است.

۲. ابهام علمی در باب آزادی

امربه معروف و نهی از منکر با آزادی افراد، همواره یکی از اصلی‌ترین عواملی بوده است که موجب مسکوت ماندن این‌گونه فرایض می‌شود. از یک سو، انسان‌ها بر اساس حقوق اساسی خود که مورد تأیید عقل و عرف و نیز قوانین هر جامعه‌ای از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هست، در کلیه امور مربوط به خود آزاد هستند و از سوی دیگر، امر و نهی نیز از امور پذیرفته شده و عقلانی است که البته با آزادی اشخاص در تعامل می‌باشد. آزادی اجتماعی، یعنی اینکه در اجتماع از سوی سایر افراد و اجتماع، آزادی داشته باشد و دیگران مانع در راه رشد و تکامل او نباشند و جلوی فعالیت سازنده او را نگیرند. نه مورد استثمار قرار گیرد و نه به دیده تحقیر و نه صاحبان قدرت و مقام و طالبان شهرت او را وسیله و ابزاری برای رسیدن به مطامع خود کنند. این حقیقت در آیات بسیاری از قرآن مجید به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. از آن جمله اینکه خداوند متعال ارزش انسان‌ها را در قدرت و ثروت و نژاد و پست و مقام و موقعیت آن‌ها نمی‌داند، بلکه آنچه موجب ارزش بیشتر انسان‌ها می‌شود و کرامت آنان را تضمین می‌نماید، تقوای آن‌هاست. همچنین یکی از اهداف انبیا، اعطای آزادی اجتماعی به بشر است؛ یعنی افراد را از اسارت، بندگی و بردگی نجات دهند. از قید اوهام، خرافات، جاهلیت و تعصبات و خرافه‌پرستی‌ها برهانند و راه زندگی انسانی و الهی را به ایشان بنمایانند. این موضوع آن‌قدر مهم است که بردگی و اطاعت بی چون و چرای از انسان‌ها شرک محسوب می‌شود. در اصول و فروع و احکام دین نکات بسیاری وجود دارد که ضامن و حافظ آزادی اجتماعی و فردی انسان است.

۳. عدم تبیین درست از زندگی جمعی

عدم تبیین درست واقعیت زندگی جمعی و تشکیل اجتماع و حکومت از عوامل دیگری است که موجب اخلال در اجرای فرایض دینی است. فهم درست فلسفه حکومت، اجتماع و حقوق عاملی اساسی در انجام تکالیف شرعی و اجتماعی، همچون خمس، زکات، مالیات و امر به معروف و نهی از منکر است. شکی نیست که برای رسیدن به سعادت، نیازمند توجه به جنبه‌های فردی و اجتماعی هستیم. زندگی بشر نیازمند نظم و قانون است. انسانی که در یک جامعه فاسد زندگی می‌کند، دچار بدبختی و هلاکت می‌شود؛ یعنی سعادت فرد و جامعه از هم جدا نیست و دین اسلام همان‌گونه که برای سعادت فرد

دستور و برنامه دارد، برای سعادت جامعه نیز طرح و برنامه خاصی دارد. از جمله، امر به معروف و نهی از منکر، سرنوشت هر مسلمانی را با مسلمان دیگر پیوند می‌دهد.

راهکارهای پیشنهادی

در جامعه اسلامی، یکی از ابزارهای مهم کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری، اصل امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. که به صورت یک وظیفه شرعی، از کارآیی مؤثری برخوردار است. به گونه‌ای که مردم با احساس تکلیف شرعی، حضور و شرکت فعال در مقابله با انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی را وظیفه دینی خود می‌دانند.

- از جمله راهکارهای کاربردی در زمینه‌ی اجرای امر به معروف و نهی از منکر، عبارت‌اند از: به کارگیری شیوه‌های مناسب برای انجام امر به معروف و نهی از منکر: سعی کنیم حداقل در مراحل اولیه، روشی به کار بگیریم که جاذبه داشته باشیم نه دافعه.

- عدم به کارگیری از افرادی که عملکرد نامناسب دارند که نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه باعث جبهه گرفتن مخاطب یا مخاطبین خواهد شد.

- دلسوزی برای مخاطب: فردی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید واقعاً از سر دلسوزی نسبت به طرف مقابل این کار را انجام بدهد نه اینکه همیشه از موضع بالا امر و نهی کند.

- توجه به امر به معروف و نهی از منکر عملی: بهترین راه برای امر به معروف و نهی از منکر این هست که با عمل صحیح خودمان فرد مقابل را متوجه اشتباهش بکنیم و یا اینکه به انجام معروف دعوتش کنیم.

- عدم تأیید و همراهی با منکر: حداقل نهی از منکر این هست که فرد در حال ارتکاب منکر را با عمل خودمان تأیید نکنیم. همراهی نکردن در رفتار و عمل، با کسی که در حال ارتکاب گناه هست و نشان دادن این اکراه به او، می‌تواند اثر مثبتی در رفتار وی داشته باشد.

- آمادگی اذهان جامعه برای پذیرش این امر و نهی‌ها: که این امر باید از سوی متولیان فرهنگ سازی شود.

- آگاهی کافی و کسانی که اقدام به امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند: که عدم رعایت این امر، آسیب بسیار جدی هم به این دو واجب مهم، و هم به متولیان واقعی آن وارد می‌کند. برخی افراد هستند که اصلاً معروف و منکر را نمی‌شناسند و وارد این حوزه می‌شوند، برخی نیز بطور سطحی می‌شناسند و برخی هم در عین حالی که شناخت درستی از موضوع دارند، اما به طور غلط وارد عمل می‌شوند. همه این‌ها در جای خود نه تنها باعث اصلاح نمی‌شود، بلکه چه بسا ضربه‌هایی وارد می‌کند که گاهی به این راحتی جبران‌پذیر نیست.

- انسجام و هماهنگی افراد آگاه و دین مدار در باب احیاء این امر: ناهماهنگی، هم موجب پراکنده شدن قوای خود این افراد می‌شود و هم موجب دوگانگی و ضعف در عمل و در نتیجه کم‌ثمر یا بی‌ثمر شدن عمل!

- عدم افراط و تفریط در تئوری و عمل: که در هر کاری ضربه می‌زند.

- وارد کردن تعصبات نابجا و عقاید شخصی در تشخیص و رفتار: که سبب می‌شود شناخت صحیحی از معروف و منکر و راه‌های اجرای صحیح آن صورت نگیرد.

- پذیرش واکنش‌های نامطلوب کسانی که مورد امر به معروف و نهی از منکر واقع می‌شوند: که بخشی از آن به عدم فرهنگ سازی برمی‌گردد و بخشی هم به عملکرد نامناسب فرد آمر یا ناهی و البته در مواردی علت برخی از این واکنش‌های نامطلوب نیز عناد و دشمنی فرد هست که بحث جدایی دارد.

- جلوگیری از الگو سازی نادرست: که به نوعی به همان فرهنگ سازی غلط هم می شود تعبیر کرد. هر کدام از این ها در جای خود نیاز به بحث مفصل و دقیق و بلکه در برخی موارد نیاز به تحقیق میدانی دارد تا اولاً موجب شناسایی دقیق آسیب بشود، و ثانیاً بتوان راهکار مناسبی ارائه داد.

نتیجه گیری

از آن چه گفته شد، می توان به دست آورد که شناخت ابعاد و زوایای امر به معروف و نهی از منکر از مسائل مهمی است که در مکتب همه ی پیامبران نیز به آن توجه خاص شده و در تمام ادیان الهی وجود داشته و از اصول اساسی دین، محسوب می شود. چه بسا افرادی به انجام این دو فریضه ی مهم معتقد بوده اند و حتی جان خود را فدای آن کرده اند. اصل کلام این است که تمامی تفاسیر قرآن، اخبار و روایات اسلامی، یک حرف مشترک را می زدند و آن این است که امر به معروف و نهی از منکر، واجب و امری ضروری و اساسی است که مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، ما به درجه اهمیت این مسئله، جایگاه آن در قرآن و روایات، بررسی آسیب ها و موانع، همچنین راهکارهای برخی از آن ها اشاره کردیم، ترک امر به معروف و نهی از منکر آثاری را در بر دارد که از جمله:

- موجب ضعیف شدن ایمان می گردد.
- در صورت مشاهده ی خلاف، اگر شخص را نهی از آن کار نکنیم، شریک جرم شخص گناهکار محسوب می شویم.
- کسی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کند مبعوض الهی است و خداوند، غضبش را شامل او می کند.
- در صورت ترک امر به معروف، بدی ها در میان ملت ها رایج خواهند شد.
- لعنت ابدی را در پی دارد.
- موجب محرومیت از سعادت و حیات راستین می گردد.
- موجب می شود که اهل گناه و اشرار جامعه، بر امور مسلط گردیده و افراد مؤمن در جامعه، خوار و منزوی گردند.
- عده ای که این دو فریضه ی مهم را ترک کرده باشند، از اهل عذاب الهی در آخرت اند و موجب پشیمانی آن ها در قیامت می گردد.

بنابراین، از آن چه پیرامون پژوهش آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر گفته شد، می توان نتیجه گرفت، که آیات و روایات فراوانی در این زمینه مطرح شده که این نشأت گرفته از ضرورت و اهمیت این موضوع است و همان طور که این دو فریضه اهمیت دارند، شناخت آسیب ها و آفت های آن مهم است و توسل به شیوه های فرهنگی و استفاده از استدلال های متین، بهترین راه برای امر به معروف و نهی از منکر است و موجب امر به معروف و نهی از منکر که بر همه ی مکاتب سفارش شده و علاوه بر این که یک دستور دینی است، یک رفتار اجتماعی هم شمرده شده است، همچنین قابل ذکر است که برای انجام این دو فریضه ی الهی، سزاوار است با موعظه و ارشاد و به وفق و نرمی اما با قاطعیت و صلابت انجام گیرد. در پایان به این نکته اشاره می کنیم که نهادها، سازمان ها، خطبا و مبلغین هم، در مؤثر واقع شدن این امر مهم در جامعه نقش زیادی را باید ایفا کنند و تنها راه جلوگیری از حوادث شوم، در اثر عواقب ترک این دو فریضه، درمان از طریق رفع علت هاست که آن هم رواج امر به معروف و نهی از منکر با جذب نیروهای آگاه و زبده در جامعه ی اسلامی همراه با برنامه ریزی دراز مدت می باشد.

منابع

۱. ر.ک. احمدرضا بسیج و دیگران، نظارت نخبگان، ۱۳۸۶، ص ۲۸۸.
۲. آل عمران: ۱۱۰.
۳. آل عمران: ۱۰۴.
۴. توبه: ۱۱۲.
۵. عصر: ۳-۱.
۶. محمد حسین طباطبایی، اسلام و اجتماع، (قم، جهان آرا)، بی تا، ص ۳۰
۷. بی تا، معاونت امریه معروف و نهی از منکر نمسا، امریه معروف و نهی از منکر (ناصحین)، ج ۲، (تهران، پرتو واقعه، ۱۳۸۲)، ص ۵-۶
۸. ناصر مکارم شیرازی، تدوین: حسین حسینی، قصه‌های قرآن، ج ۷، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰)، ص ۳۳۲
۹. محمدرضا اکبری، تحلیلی نو و عملی از (امریه معروف و نهی از منکر) در عصر حاضر، ج ۳، (اصفهان، پیام عترت، ۱۳۷۶)، ص ۱۶، و غررالحکم، عبد الواحد بن محمد آمدی، به قلم: هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، (تهران، فرهنگ اسلامی)، بی تا، ص ۱۰۰
۱۰. روح‌الله خمینی، مترجم: علی اسلامی، ترجمه‌ی تحریر الوسیله، ج ۲، بی تا، ص ۲۸۴ - ۲۸۵
۱۱. آل عمران: ۱۰۴
۱۲. بی تا، گروه نویسندگان، آشنایی با بسیج، ج ۲، (تهران، معاونت آموزش نمسا، ۱۳۸۱)، ص ۱۲۰
۱۳. محسن قرائتی، عباس بابائیان، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، (مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷)، ص ۱۵۵
۱۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱، (دار الحیاء التراث، ۱۴ ه.ق)، ص ۳۹۵
۱۵. وحید نوری، «امریه معروف و نهی از منکر در قرآن و لزوم تشکیلات برای آن»، نقل از: نمایه، نشریه رسالت، شماره ۵۰، (۱۳۸۵/۵/۱۱)، ص ۱.
۱۶. امریه معروف و نهی از منکر در روایات»، بحث: عذاب الهی، نقل از www.ehya.ir
۱۷. حج؛ ۴۱
۱۸. وحید نوری، همان ۴۰
۱۹. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۸.
۲۰. نهج البلاغه، ح ۳۷۴.
۲۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۳۸۴، ص ۳۷۰۵.
۲۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران.
۲۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۴، به نقل از: عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ۱۳۸۱، ص
۲۴. احمدرضا بسیج، «آسیب شناسی عدم اجرای اصل هشتم قانون اساسی»، ص ۱۲
۲۵. ابوالقاسم علیزاده حسن آبادی، همان، ص ۶۰-۶۱
۲۶. همان، ص ۹۵
۲۷. حسن موسوی خراسانی، همان، ص ۱۲۱-۱۲۳
۲۸. سوره صف؛ ۲
۲۹. حسن موسوی خراسانی، ص ۱۴۷-۱۴۶، نقل از: بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹۸
۳۰. خراسانی، ص ۱۴۸-۱۴۷، نقل از شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۵

۳۱. خراسانی، ص ۱۵۵، نقل از شرح نهج البلاغه، ج
۳۲. امریه معروف و نهی از منکر در روایات، (تاریخ: ۱۳۸۶/۶/۷)
۳۳. www.ehya.ir حسن موسوی خراسانی، همان، ص ۱۲۷، نقل از: شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۶۴
۳۴. میکل آلن کوک، ترجمه: احمد نمایی، امریه معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ج ۲، چ ۳، (مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۵)، ص ۷۶۱
۳۵. حسن موسوی خراسانی، همان، ص ۱۴۸، نقل از: مستدرک سفینه، ص ۸۱
۳۶. همان، ص ۱۵۸-۱۵۰، نقل از: کنز العمال، حدیث ۵۵۲
۳۷. سوره توبه؛ ۱
۳۸. محسن قرائتی، «ترک امریه معروف و نهی از منکر»، فصل دوم www.Marofyavan.com
۳۹. بی نا، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، امریه معروف و نهی از منکر، چ ۴، (نماینده گوی ولی فقیه در سپاه، پاییز ۱۳۷۱)، ص ۱۴
۴۰. عبدالحسین رضایی راد، امریه معروف در ترازوی تاریخ، همان، ص ۱۵۴، نقل از ابن اخوه، معالم التریه، باب ثالث، ص ۳۲؛ (نیآوردی، احکام السلطانیه، ص ۲۹۵)؛ محمد غزالی، کیمیای سعادت، ص ۲۳۴؛ (همو، احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۸۶)
۴۱. حسن موسوی خراسانی، نقل از: غرر الحکم، ص ۴۳۶، شماره ۹۹۷۹

بررسی مفهوم شهروند مسئول با استفاده از عبارت «شجاعت مدنی» در جامعه و فلسفه سیاسی غرب دکتر حسن ملانکه^۱

چکیده

مقاله در صدد بررسی مفهوم شهروند مسئول در جامعه و فلسفه سیاسی غرب (با تأکید بر فلسفه سیاسی هانا آرنست) و با بهره از واژه «شجاعت مدنی» (Civil courage) است. شجاعت مدنی عبارت از یک نوع مشخص رفتار اجتماعی مسولانه است و نه یک ویژگی شخصی. رفتار شجاعانه مدنی در موقعیت هائی رخ می‌دهد که ارزش‌های پذیرفته شده مدنی و هنجارهای اجتماعی (مانند ارزش‌های انسانی، عدالت، حقوق شهروندان) و سلامت روانی و بدنی افراد آسیب ببینند. کسی رفتار شجاعانه مدنی دارد که علیرغم احتمال پیامد منفی برای خویش، بنفع حمایت و حفاظت از ارزش‌های انسانی، حقوق مردم، همبستگی و انسجام اجتماعی، و نه برای منافع مادی، بنفع دیگران وارد عمل می‌شود. می‌توان سه نوع رفتار مبتنی بر شجاعت مدنی تشخیص داد: **مداخله**: اقدام به کنش بنفع دیگران آنهم در موقعیتی نامطمئن و در شرایطی که انسان می‌بایست سریع تصمیم بگیرد که چه بکند. **تعهد داشتن**: اقدام به کنش به جهت احقاق حق یا منافع دیگران بویژه در نهادهائی مانند مدارس یا اماکنی مانند محل کار یا اماکن عمومی. **حراست**: دفاع از خود در مواقعی که مورد هجوم دیگران واقع می‌شویم یا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیریم. مقاومت کردن، حراست از خود، ایستادگی در برابر تمایلات ناحق دیگران، قدرت نه گفتن، امتناع ورزیدن از انجام کاری بنا به دلایل پسندیده و مقبول و مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی. همچنین عمل کسانی که اعمال غیر قانونی دیگران، مثلاً معاملات نامشروع، ضرر رسانی یا خیانت به منافع عمومی توسط افراد در سازمان‌ها یا نهادهای اجتماعی را افشا می‌کنند بعنوان عمل شجاعت مدنی محسوب می‌شود. انجام این اعمال البته جرئت می‌طلبند. کسی که شجاعت مدنی ابراز می‌دارد می‌بایست احتمالاً مورد تحریم قرار گرفتن توسط محیط اجتماعی اطراف خود مثلاً گروه اجتماعی که عضو آن است را بحساب آورد.

هانا آرنست فیلسوف سیاسی در کتاب معروفش «زندگی پویا» (Vita activa) مفهوم سیاسی را پردازاند که مطابق آن «عمل» توانائی واقعی سیاسی انسان بحساب می‌آید. اهمیت عمل در فلسفه سیاسی آرنست تا جائی است که وی سیاست را آن نمی‌داند که به انسان‌ها بگوید که چه کار باید بکنند بلکه سیاست از نظر وی آن چیزی است که عملاً بین انسان‌ها رخ می‌دهد. بدون دیگران یا به تعبیری در نبود دیگران انسان حتی ویژگی خاص انسان بودنش را از دست می‌دهد و در رده حیوانات قرار می‌گیرد.

مقدمه

سعی من بر آن بوده است که آیا می‌توان در جوامع غربی هم آنچه که در فرهنگ دینی ما به آن امر به معروف و نهی از منکر گفته می‌شود که از فروع دین مبین اسلام است و در شرع به آن تأکید فراوان شده و دارای جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی است در جوامع دیگر با عبارتی متفاوت اما معنایی مشابه یافت؟ خوشبختانه عبارت شهروند مسئول در عنوان همایش امر را احتر ساخت، چرا که در واقع مسولیت متقابل اجتماعی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر نهفته است. این مقاله بر آن است که عبارت «مسولیت اجتماعی متقابل» را با استفاده از مفهوم «سیویل کوراژ» در جامعه و فلسفه سیاسی غرب با تأکید بر فلسفه سیاسی هانا آرنست توضیح دهد.

ریشه لغوی

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

ریشه‌های لغات شناسی عبارت سیویل کوراژ^۱ که در اصل واژه ای فرانسوی است و به زبان‌های انگلیسی و آلمانی وارد شده است به دو واژه تشکیل دهنده‌اش یعنی سیویل و کوراژ برمی گردد که در زبان آلمانی به معنی بورگر موت^۲ یا شجاعت مدنی است. خود واژه بورگر^۳ یا شهروند معادل بوده است با معانی مانند باصفا،^۴ مؤدب،^۵ سازگار،^۶ مقبول^۷ و موجه^۸.

عبارت شجاعت مدنی در ادبیات سیاسی و اجتماعی آلمان برای اولین بار بوسیله بیسمارک^۹، بنیانگذار و اولین صدراعظم امپراطوری آلمان به کار گرفته شد. او در اشاره به جایگاه سربازان که در جبهه‌های جنگ نبرد می کنند و از آنان انتظار بی باکی و تهور می رود، گفت که از شهروندان عادی نیز انتظار می رود که در زندگی اجتماعی «شجاعت مدنی» داشته باشند.^{۱۰}

معنا و کاربردی اجتماعی شجاعت مدنی

بنا به تعریف گرد مایر شجاعت مدنی یا به تعبیر دیگر تهور اجتماعی عبارت از یک نوع مشخص رفتار اجتماعی مسولانه است و نه یک ویژگی شخصی. رفتار شجاعانه مدنی در موقعیت هائی رخ می دهد که ارزش های پذیرفته شده مدنی و هنجارهای اجتماعی (مانند ارزش های انسانی، عدالت، حقوق شهروندان) و سلامت روانی و بدنی افراد آسیب ببیند. کسی رفتار شجاعانه مدنی دارد که علیرغم احتمال پیامد منفی برای خویش، بنفع حمایت و حفاظت از ارزش های انسانی، حقوق مردم و مردم سالاری، همبستگی و انسجام اجتماعی، و نه برای منافع مادی، بنفع دیگران وارد عمل می شود. بعضاً کمک کردن با شجاعت مدنی یکسان پنداشته می شود البته درکنش شجاعت مدنی کمک کردن نهفته است اما صرف کمک کردن نمی تواند معنای عمل شجاعت مدنی را برساند. چهار نشانه اصلی، شجاعت مدنی را از کلمات دیگر مانند کمک، ابراز همبستگی، تهور یا جسارت و عیاری^{۱۱} متمایز می کند: ۱. وجود تفاوتی آشکار یا پنهان میان کسانی که ارزش ها یا هنجارهای اجتماعی را آسیب می رسانند و آنانی که برای حفاظت از آنها وارد عمل می شوند. ۲. موفقیت عمل مبتنی بر شجاعت مدنی نامطمئن است و کنشگر آماده است که پیامدهای منفی آنرا برای خود بپذیرد. ۳. اعمال مبتنی بر شجاعت مدنی در محیط اجتماعی رخ می دهند بنابراین آشکار هستند و نه مخفی و حداقل دو طرف حضور دارند. ۴. کنشگر عمل شجاعانه درکی واقعی یا تصویری از وجود یک برتری ارزشی نسبت به فرد یا افرادی که با آنها به کنش می پردازد دارد به عبارت دیگر او بر اساس باور به یک ارزش برتر با دیگران به تعامل می پردازد. گرد مایر میان سه نوع کنش شجاعت مدنی تفاوت می گذارد.

۱. Zivilcourage آلمانی و به انگلیسی civil courage.

2. Bürgermut

3. Bürger

4. Verfeinert

5. höflich

6. Umgänglich, entgegenkommend

7. annehmbar

8. Peter Kobblank: Was versteht man unter "Zivilcourage"? in

<http://www.georg-elser-arbeitskreis.de/texts/zivilcourage-begriff.htm>

۹ Otto von Bismarck (1815-1898) بنیانگذار و اولین صدراعظم امپراطوری آلمان. وی به جهت سیاست‌های جنگ طلبانه اش به

صدراعظم آهین معروف است.

10. Martin Knobbe, Die Tugend der Wächter, in: Stern 31/2005, Hamburg , S.113

11. Tapferkeit

مداخله: اقدام به کنش بنفع دیگران آنهم در موقعیتی نامطمئن و در شرایطی که انسان می‌بایست سریع تصمیم بگیرد که چه بکند.

تعهد داشتن: اقدام به کنش به جهت احقاق حق یا منافع دیگران بویژه در نهادهائی مانند مدارس یا اماکنی مانند محل کار یا اماکن عمومی.

حراست: دفاع از خود در مواقعی که مورد هجوم دیگران واقع می‌شویم یا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیریم. مقاومت کردن، حراست از خود، ایستادگی در برابر تمایلات ناحق دیگران، قدرت نه گفتن، امتناع ورزیدن از انجام کاری بنا به دلایل پسندیده و مقبول و مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی.^۱ همچنین عمل کسانی که اعمال غیر قانونی دیگران، مثلاً معاملات نامشروع، ضرر رسانی یا خیانت به منافع عمومی توسط افراد در سازمان‌ها یا نهادهای اجتماعی را افشا می‌کنند به‌عنوان عمل شجاعت مدنی محسوب می‌شود. انجام این اعمال البته جرئت می‌طلبد. کسی که شجاعت مدنی ابراز می‌دارد می‌بایست احتمالاً مورد تحریم قرار گرفتن توسط محیط اجتماعی اطراف خود مثلاً گروه اجتماعی که عضو آن است را بحساب آورد.^۲

رسانس شجاعت مدنی

مفهوم شجاعت مدنی در سالهای اخیر یک رسانس و نوزائی را در جامعه آلمان تجربه می‌کند. این می‌تواند به این دلیل باشد که در دوره سیطره ایدئولوژی فردگرایی و خود خواهی و تأمین صرف منافع خود، حس منافع جمعی رشد یافته است.^۳ شهروندان متوجه شده‌اند که نظام‌های فکری که صرفاً بر برآوردن امیال و خواهش‌های فردی برقرار شده باشند برای ایجاد یک نظام اجتماعی منسجم ناکارآمد هستند. اگر کسی برای مدتی نه چندان طولانی در یکی از شهرهای به ویژه پرجمعیت آلمان مانند برلین، هامبورگ یا مونیخ زندگی کند. حتماً خبر مربوط به مورد حمله قرار گرفتن خارجیان، افراد عضو اقلیت‌های مذهبی، قومی، بی‌خانمان‌ها و یا حتی افراد عادی در خیابان‌ها و متروها و مراکزی مثل مدارس را می‌شنود. لزوم یافتن راه چاره‌ای برای آن و درمان این بیماری اجتماعی مورد اتفاق نظر سیاستمداران، دانشگاهیان و سازمان‌های مردم نهاد است. در زیر چند دیدگاه را در باب اهمیت "شجاعت مدنی" که توسط سیاستمداران و کارشناسان اجتماعی مطرح شده است را می‌آوریم.

«ایدئولوژی‌های ضد بشری و نژادپرستانه در فضاهای عمومی تبلیغ می‌شوند. فجایع دوران هیتلر ناچیز انگاشته و یا حتی کتمان می‌شوند. اگر که ما نمی‌خواهیم که کشورمان با عقاید و اعمال نادرست مسموم بشود و دمکراسی مان بنیانش را از دست بدهد، می‌بایست در مقابل ناحق، بی‌عدالتی و اعمال خودسرانه بایستیم و از آزادی و حقوق بشر در آنجا که مورد تردید قرار می‌گیرد و یا محدود یا از بین می‌رود دفاع کنیم. این امر باید در اعمال روزانه لحاظ شود از اماکن کار و فعالیت تا اماکن عمومی و در میان سیاستمداران»^۴. از نظر ایرینگ فیتشه^۵ بدون شجاعت مدنی شهروندان، نهادهای مدنی بی‌ارزش و نابود می‌شوند. یوهانس راو^۶ معتقد است که بدون شجاعت مدنی جامعه نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و اضافه

1. 23. Gerd Meyer: Zivilcourage Lernen. Bundeszentrale für Politische Bildung, Bonn 2004.S.

2. Günther Gugel: Handbuch Gewaltprävention II, Institut für Friedenspädagogik, Tübingen. 2010.S. 507.

3. Marco Bülow, Wir „Abnicker“- Volkvertreter in Loyalitätskonflikten, in: Aufrechter Gang: Zivilcourage im Alltag, Heft 3-2011, Landeszentrale für Politische Bildung, Baden-Württemberg S. 147.

۴. یوهانس راو Johannes Rau رئیس جمهور سابق آلمان. در: Günther Gugel همان. ص. ۵۰۱.

5. Iring Fetscher

6. Johannes Rau

می‌کند: شهروندی و شجاعت مدنی متعلق به همدیگر هستند. اگر که نمی‌خواهیم که پیشداوری و خشونت در جامعه حاکم شود نباید عبارت بمن مربوط نیست را بکار برد ... ما نیازمند جنبش شهروندی نوینی هستیم که امکان زندگی جمعی مسالمت آمیز و محبت آمیز را فراهم آورد. شجاعت مدنی عملی واقعاً دمکراتیک است یعنی بدون ترس و بدون داشتن وظیفه و تکلیفی قانونی بتهائی و به نام خرد و سنت نیکو علیه دروغ و بی عدالتی ایستادگی کردن.^۱ شجاعت مدنی از خصائل و صفات نیکوی شهروندان یک جامعه دمکراتیک است. از طریق آن فضای اجتماعی در برابر اعمال نادرست پاک می‌شود و ارزش های انسانی تضمین می‌شوند.

این‌ها راه حل را در تأکید بر «شجاعت مدنی» شهروندان می‌داند و حتی جوایزی را برای عاملان آن مثلاً کسانی که به قربانیان حملات فیزیکی در مجامع شهری کمک می‌کنند در نظر گرفته‌اند.

امروزه در مراکز علمی آلمان مبحث «شجاعت مدنی» به عنوان بحثی علمی میان رشته ای در حوزه‌های مختلف دانشگاهی زیر مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد:

روان‌شناسی، بویژه ۱. روان‌شناسی اجتماعی، ۲. روان‌شناسی انگیزش، روان‌شناسی شخصیت، روان‌شناسی اخلاق و روان‌شناسی تربیتی.

مطالعات جنسیتی^۲ خصوصیات ویژه جنسیتی، برابری جنسیتی.

علوم تربیتی و تربیت اجتماعی

علوم سیاسی و علوم اجتماعی به ویژه ۱. روان‌شناسی سیاسی، مطالعات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی. ۲. اخلاق و تئوری سیاسی، تئوری دمکراسی، "خصائل شهروندی"، جامعه مدنی. ۳. تحقیقات در باره کنش‌های بدون خشونت.^۳

شجاعت علمی در فلسفه سیاسی

در علوم سیاسی بحث در باب شجاعت مدنی بعنوان مقدمه ای بر جامعه مدنی و خصائل شهروندان در دمکراسی مطرح می‌شود. چراکه مبانی و اساس جامعه ای دمکراتیک و مردم سالار نه فقط به وسیله قوانین و مقررات اساسی، بلکه همچنین به وجود باورها و گرایش‌های ذهنی شهروندان بر اصول ارزش‌های مشترک اجتماعی وابسته است. بویژه آمادگی آن‌ها برای اقدام در جهت منافع عام اجتماعی و کنشی فعال در قبول مسولیت جمعی.^۴

از نظر معنی اصطلاحی، مفهوم شجاعت مدنی در همان نگاه اول با مفاهیم شهروند و شهروندی قرین است. اصولاً خود عبارت «مدنی» مفهوم مقابل آن یعنی شجاعت نظامی را هم به ذهن متبادر می‌کند. که مخصوص سربازان است. شهروندی در معنای سیاسی، عبارت از حضور آزاد، داوطلبانه و فعال در امور اجتماعی و شهری. شهروند بودن بمعنی توانائی حضور و سخن گفتن در فضای اجتماعی است. بمعنی همفکری و مسولیت پذیری متقابل در جامعه است. عمل بر مبنای شجاعت مدنی هر چند که می‌تواند عملی فردی باشد اما بر اساس وجود مسولیت اجتماعی و باور به ارزش‌های جمعی شکل می‌گیرد.^۵

1. Anne Ostermann in: Günther Gugel, Ibid. S. 508

2. Gender studies

3. Gerd Meyer, in: Zivilcourage Lernen. Bundeszentrale für Politische Bildung, Bonn, 2004.S. 14

4. Sandra Seubert, Zivilcourage als politische tugend der Bürgergesellschaft, in: : Zivilcourage Lernen. (Gerd Meyer Hrsg.) Bundeszentrale für Politische Bildung, Bonn 2004.S. 42.

5. Ibid. S. 44.

"هانا آرنت" فیلسوف سیاسی در کتاب معروفش «زندگی پویا»^۱ مفهوم سیاسی را پردازاند که مطابق آن «عمل» توانائی واقعی سیاسی انسان بحساب می‌آید. به نظر می‌آید که تاملات وی می‌تواند نخستین یافته‌های مهم در شناخت سیاسی شجاعت مدنی باشد. وی در ابتدا دوگانگی یا فاصله و شکاف میان فرد و جمع را به عنوان آغاز تأمل خود برمی‌گزیند. زیرا که «عمل» برای او متضمن دو معنی بود یکی معنایی که از فلسفه اگزیستنیالیست برمی‌آید که ناظر بر آزادی آدمی بهنگام متولد شدن است. این آزادی به او مجال می‌دهد بعنوان فرد آغازی جدید و شروعی نو داشته باشد و نیز به معنی "باهم عمل کردن" و با دیگران بودن که از آن امکانی برای فعالیت سیاسی بوجود می‌آید.

آرنت میان تقلا، کار و عمل تفاوت قائل می‌شود. تلاش معاش یا تقلا در تمایز با کار فعالیت است که هدف نهائی آن رفع نیازهای حیاتی و زیست شناختی انسان و بقا نوع انسان می‌باشد. اما اولین و بارزترین ویژگی عمل برخلاف تقلا یا کار آنست که آن‌ها در ارتباط با طبیعت صورت می‌گیرند و نیازی به حضور و وجود دیگران ندارند در حالی که عمل فقط با حضور دیگران صورت می‌پذیرد و بدون دیگران فرد نمی‌تواند به عمل پردازد. اهمیت عمل در فلسفه سیاسی آرنت تا جایی است که وی سیاست را آن نمی‌داند که به انسان‌ها بگوید که چه کار باید بکنند بلکه سیاست از نظر وی آن چیزی است که عملاً بین انسان‌ها رخ می‌دهد. بدون دیگران یا به تعبیری در نبود دیگران انسان حتی ویژگی خاص انسان بودنش را از دست می‌دهد و در رده حیوانات قرار می‌گیرد.^۲

به نظر آرنت، دو ویژگی بنیادین عمل، آزادی و کثرت هستند. او در تعریف آزادی از سنت لیبرالیسم فاصله می‌گیرد. از نظر وی آزادی به معنای توانائی برای آغاز کردن، آغاز کردن کاری جدید و پیش بینی ناپذیر است. این توانائی برای آغازگری با تولد انسان‌ها ارتباط نزدیکی دارد. عمل به عنوان به فعلیت رساندن آزادی ریشه در زایش دارد. در واقع هر تولدی یک آغازگری جدیدی است. وقتی افراد وارد عمل می‌شوند معجزه آغازگری نهفته در تولدشان را دوباره اجرا می‌کنند. آغازگری وقتی به فعلیت می‌رسد که ما وارد عمل می‌شویم یعنی هر زمانی که ما به کار جدیدی اقدام می‌کنیم. عمل کردن و آزاد بودن مترادف هستند آزاد بودن به معنای درگیر شدن در عمل است در عین حال از طریق عمل، توانائی انسان برای آزادی به تحقق می‌رسد. انسان‌ها آزاد هستند... مادامی که عمل می‌کنند، نه قبل از آن و نه بعد از آن. آزاد بودن و عمل کردن عین هم هستند. آرنت همچنین تأکید می‌کند که عمل به عنوان آغازگری دارای خصلت پیش بینی ناپذیری است. خصلت آغازگری این است که وقتی چیزی جدید آغاز می‌شود دیگر غایت و نتیجه آن روشن نیست. عمل برخلاف «کار» که آغاز و پایانی مشخص دارد فقط آغاز دارد ولی کنترلی بر پایان آن نیست.^۳

«کثرت» ویژگی دیگر عمل است به این معنا که عمل نمی‌تواند در انزوا و دور از دیگران یعنی مستقل از حضور متکثر بازیگرانی که از چشم اندازه‌های مختلف می‌توانند در باره آنچه انجام می‌شود داوری کنند صورت پذیرد. عمل بدون دیگران کیفیت معنادار خود را از دست می‌دهد. آرنت کثرت را به عنوان واقعی تعریف می‌کند که انسان‌ها و نه انسان بر روی زمین زندگی می‌کنند و جهان را می‌سازند. به دلیل کثرت هر یک از ما مستعد عمل کردن و ارتباط یافتن با دیگران به عنوان افراد بی نظیر و متمایز است و به شبکه‌ای از روابط و اعمال پیوند می‌خورد که بی نهایت پیچیده و پیش بینی ناپذیر است.^۴

1. Vita activa

۲. منصور انصاری، هانا آرنت و نقد فلسفه سیاسی، تألیف و ترجمه، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. همان، ص ۳۱.

وی که تجربه نظام ناسیونال سوسیالیست در آلمان و اتحاد شوروی را در امتیاز کرده و از بین بردن فردیت مشاهده کرده بود در پی تلفیقی از آزادی فردی و منافع جمعی بود. او با بازگشت به عبارت «رپوبلیک»^۱ در معنای اصیل آن در یونان باستان بدنبال اتحاد شهروندان براساس مسولیت های متقابل بود. از نظر او قدرت موسسه ها و نهادها نه از خود بلکه بر مبنای اجماع و اتفاق نظر شهروندان است. قدرت این نهادها تبلور عمل متقابل شهروندان است. هر قدر که شهروندان خود را با قوانین هم هويت سازند و آنها را از خود بدانند همانقدر هم احساس صلاحیت شهروندی افزایش می یابد. شهروندان خوب، خود بر انجام اصول عادلانه مواظبت می کنند، اصولی که نظام همگانی (جمهوری رپوبلیک) آنها بر آن استوار است. آنها راضی نیستند که مسولیت را به شخص یا نهاد ثالث بسپارند.^۲

تقویت بنیان های ارزشی و هنجاری زندگی جمعی که مبتنی بر فطرت الهی انسان بعنوان موجودی مدنی و اجتماعی و نیز تشویق شهروندان به عمل مطابق آنها تنها راه حفظ مطلوب جوامع انسانی است. برای رسیدن به این هدف متعالی رفتار نخبگان بسیار اهمیت دارد چرا که شهروندان رفتار نخبگان را بعنوان الگو و مدل مطلوب می نگرند و از آن تبعیت می کنند. به قول مولوی:

خوی شاهان در رعیت جا کند	چرخ اخضر خاک را خضرا کند
شه چو حوضی دان حشم چون لوله ها	آب از لوله روان در کول هها
چون که آب جمله از حوضی است پاک	هر یکی آبی دهد خوش ذوقناک
ور در آن حوض آب شور است و پلید	هر یکی لوله همان آرد پدید
ز آن که پیوسته ست هر لوله به حوض	خوض کن در معنی این حرف خوض

1. Republik

2. Sandra Seubert, Ibid. S. 43

سبب‌شناسی و آسیب‌شناسی خشونت شهری (وندالیسم)، چالش پیش‌رو در تربیت شهروند مسئول

طیبه عشرتی^۱

حسین روح الهی^۲

طیبه پائندان^۳

محمد حسن بنی‌اسد^۴

چکیده

گسترش شهرها و تبدیل آن‌ها به کلاتشهر از یک طرف سبب شده تا امکانات رفاهی به نسبت تمرکز بیشتری پیدا کند و از طرف دیگر مسائل فرهنگی خاصی ایجاد شود که در سکونت‌گاه‌های روستایی و شهرهای کوچک وجود نداشت. در آن مکان‌ها به علت فضای فرهنگی سنتی و شناخت ساکنین، به نوعی نظارتی فرهنگی بر مردم حاکم بود اما با وسعت یافتن شهرها و تداخل فرهنگ‌ها این نظارت کاهش یافته است. یکی از پیامدهای کاهش چنین نظارتی بروز رفتارهای بزهکارانه در شهرهای بزرگ است که به وندالیسم شهرت یافته و یکی از مشکلات بسیاری از شهرهای جهان است. این مسئله در کشور ما نیز به ناچار رو به گسترش است بنابراین شناخت آن می‌تواند آمادگی لازم را برای پیشگیری و مهار این مسئله فراهم کند. در این پژوهش ابعاد مختلفی که می‌تواند عامل روانشناختی ایجاد پرخاشگری باشد مورد بررسی قرار می‌دهیم و برای درک بهتر این مسئله از انواع نظریه‌های روانشناختی موجود مانند روانکاوی، یادگیری مشاهده‌ای و استفاده می‌کنیم. سپس تأثیر مسئولیت‌پذیری بر این ویژگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: خشونت شهری، نظارت اجتماعی و شهروند مسئول

مقدمه

با تغییر ساختارها و مناسبات اجتماعی، رفتارهای کجروی جدیدی که خاص جامعه امروزی هستند، مطرح شده و میزان شیوع، رواج و حتی معنی و مفهوم آن‌ها نیز تغییر یافته‌اند. وندالیسم از جمله آن دسته از کجروی‌ها و بزهکاری‌هایی است که در جامعه امروزی ظهور یافته است. در واقع، وندالیسم، مرضی جدید و مدرن در جامعه امروزی است و عکس‌العملی خصمانه و واکنشی است کینه‌توزانه به برخی از صور فشارها، تحمیلات، نامالایمات، حرمان‌ها، اجحاف و شکست‌ها. وندالیسم به معنی داشتن نوعی روحیه بیمارگونه است و مبین تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته اموال،

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

اصفهان، فلکه ارتش، روبه روی دبیرستان شیخ انصاری، مجتمع تجاری معظم، جنبه بیمه نیروهای مسلح، شرکت نگین پروژه نقش جهان
Eshrati.s@gmail.com ۰۹۳۷۶۹۴۱۳۳۹

۲. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

اصفهان، فلکه ارتش، روبه روی دبیرستان شیخ انصاری، مجتمع تجاری معظم، جنبه بیمه نیروهای مسلح، شرکت نگین پروژه نقش جهان
Hossein.rohelahi@yahoo.com ۰۹۳۷۴۱۹۶۰۸۶

۳. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

اصفهان، فلکه ارتش، روبه روی دبیرستان شیخ انصاری، مجتمع تجاری معظم، جنبه بیمه نیروهای مسلح، شرکت نگین پروژه نقش جهان
Tpayandan@yahoo.com ۰۹۳۷۳۹۰۶۱۴۲

۴. متخصص اعصاب و روان

تهران، بیمارستان شهید دکتر لوازسانی، رئیس بخش اعصاب و روان Dr_baniasad@live.com ۰۹۱۲۱۳۸۳۸۹۶

تأسیسات و متعلقات عمومی است (کلارک^۱، ۱۹۹۱). و از انواع بزهکاری جوانان به شمار می‌آید (ژانورن، ۱۹۶۳، ترجمه ماهان، ۱۳۶۷).

در این مقاله کوشش می‌شود با توجه به پرخاشگری به عنوان یکی از برون‌دادهای وندالیسم و نظریه‌های روان‌شناختی در این زمینه، تأثیر مسئولیت‌پذیری در این ویژگی نیز بررسی شود.

نظریه‌های رفتار پرخاشگرانه (وندالیسم)

عوامل اجتماعی-روان‌شناختی

الگو سازی و تقلید: بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی و تحقیقات انجام شده توسط بندورا، محیط نقش عمده‌ای در اکتساب، ابراز و حفظ رفتار پرخاشگرانه ایفا می‌کند. با توجه به این دیدگاه مشاهده و تقلید از راه‌های اصلی یادگیری پرخاشگری در افراد می‌باشد (فرانکن، ۱۹۹۸، ترجمه شمس اسفندآباد و همکاران، ۱۳۸۴).

تحقیقات انجام شده (کریمی، ۱۳۸۵) بیانگر آن است که حتی مشاهده آلات و ابزار پرخاشگری نیز می‌تواند در شخص مشاهده کننده حالت پرخاشگرانه ایجاد کند. در مورد تأثیر محرکهای پرخاشگری، برکووتیز^۲ (۱۹۶۷)، به نقل از خداپناهی، (۱۳۸۵) طی آزمایشی نشان داد که چنانچه حالت تحریک پرخاشگری وجود داشته باشد، وجود اسلحه (ابزار قدرت) باعث رفتار پرخاشگرانه می‌شود.

آلبرت بندورا یکی از اولین طرفداران نظریه یادگیری اجتماعی مطرح می‌کند که مردم یاد می‌گیرند چه موقع پرخاشگری کنند، چطور پرخاشگری کنند و در برابر چه کسی پرخاشگری کنند (فرانزوی، بدون تاریخ، ترجمه فیروزبخت و قنادان، ۱۳۸۱). یادگیری رفتارهای پرخاشگرانه با مشاهده دیگران و تحلیل پیامدهای رفتارهای پرخاشگرانه آن‌ها حاصل می‌شود (بدارد و همکاران، ۱۹۹۹، ترجمه گنجی، ۱۳۸۴). مدل اجتماعی-شناختی بندورا فهم ما را در مورد پرخاشگری افزایش داده و بیشتر روی یادگیری مشاهده‌ای و تأثیر رسانه‌ها بحث می‌کند. مثلاً، والدین برای کاهش پرخاشگری، فرزند را تنبیه می‌کنند و ناخواسته به او می‌آموزند که این رفتار درست است زیرا خود آن‌ها (والدین) از آن استفاده می‌کنند (اندرسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۰).

عوامل خانوادگی: وندال‌ها و جوانان بزهکار معمولاً در خانه‌هایی غیرمنضبط و با والدینی سردرگم و مردد و نامطمئن از ارزش‌ها و فلسفه اجتماعی خویش پرورش یافته و غالباً احساس درماندگی و احساس اجحاف خود را به صورت قهر آمیز و پرخاشگرانه در مقابل نسل بزرگ‌تر، صاحبان قدرت و همه نهادها و سازمان‌های تأسیس شده در جامعه نشان می‌دهند. در همین رابطه ریچارد فلکس^۴ (۱۹۸۶) مطرح می‌نماید که رفتارهای وندال و معطوف به تخریب و ویرانگری نتیجه مستقیم بریدگی و عدم پیوندی است که بین ارزش‌های تحمیل شده از سوی والدین و آنچه به منزله شرایط و حرکت‌های حاکم در جامعه مطرح است، پدید می‌آید. در واقع رفتارهای معطوف به تخریب و وندالیسم در بسیاری از مواقع منعکس کننده میل وافر جوانان به ابراز خشم و نارضایتی در برابر اجحاف، اجبار، تبعیض، اقتدار آمرانه، تحدید آزادی‌های فردی، نابرابری و بی‌عدالتی ساختارها، سازمان‌ها و نهادهای جامعه سلطه‌گر است. جامعه‌ای که به زعم آنان مانع شکوفایی استعدادها و امکانات نهفته عینی است. بدین ترتیب وندالیسم، خشونت و ویرانگری نه تنها محصول طرد و نفی کامل ارزش‌های والدین از سوی جوانان، بلکه گاهی به زعم بعضی از نظریه پردازان معلول تربیت و اجتماعی شدن

1. Clarke
2. Berkowitz
3. Anderson
4. Flacks

موفق آنان در محیط خانواده است و این نوجوانان که در اعتراضات و تظاهرات و فعالیت‌های سیاسی در هر شیوه و رفتاری که شرکت می‌کنند، کسانی نیستند که در سلک کجروان در آمده‌اند، بلکه افرادی به شمار می‌آیند که تحت یک سنت فرهنگی رشد یافته و پویا تربیت و اجتماعی شده‌اند (فلکس، ۱۹۷۱).

ناکامی - پرخاشگری: بر اساس این نظریه هر ناکامی موجب پرخاشگری می‌شود و هر پرخاشگری از یک ناکامی نشأت می‌گیرد. شدت پرخاشگری بستگی به اهمیتی دارد که فرد برای هدف قائل است و از رسیدن به آن محروم شده است. این نظریه به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است، از جمله این که ناکامی همیشه موجب پرخاشگری نمی‌شود. برکووتیز از نظریه ناکامی - پرخاشگری، فرمول بندی مجددی ارائه داده است که طبق آن هر موقعیت ناخوشایند، احساسات منفی ایجاد می‌کند و این احساسات، تمایل به گریز و پرخاشگری را به وجود می‌آورند. وی معتقد است که برخی شاخص‌های محیطی، مانند در دسترس بودن اسلحه، شروع پرخاشگری را مساعد می‌کند (بدارد و همکاران، ۱۹۹۹، ترجمه گنجی، ۱۳۸۴). ناکامی مدت‌های مدیدی است که علت پرخاشگری تلقی می‌شود. تحقیقات بیانگر آن است که ناکامی تنها زمانی می‌تواند پرخاشگری بعدی را تسهیل کند که شدید و غیرقابل انتظار باشد. پرخاشگری همواره رابطه تنگاتنگی با احساس ناکامی دارد (بلیر^۱، ۲۰۱۰).

تماشای خشونت: در چند پژوهش آزمایشی، سعی شده است که برنامه‌های تلویزیونی که کودکان تماشا می‌کنند کنترل شود. در یکی از این آزمایش‌ها، گروهی از کودکان هر روز مدت زمان معینی به تماشای فیلم‌های کارتونی خشن می‌پرداختند و گروهی دیگر در همان مدت فیلم‌های کارتونی غیر خشن تماشا می‌کردند. میزان پرخاشگری این دو گروه، در جریان فعالیت‌های روزمره ثبت شد. نتایج بیانگر آن بود که کودکان گروه اول در روابط خود با همسالان، پرخاشگری بیشتری نشان دادند. مطالعات دیگر نیز رابطه بین تماشای خشونت بار تلویزیون در دوره کودکی و میزان پرخاشگری در دوران بزرگسالی را نشان می‌دهند.

مردم کشورهای پیشرفته در تمام سنین میزان بسیار بالایی از پرخاشگری را از طریق وسایل سمعی بصری دریافت می‌کنند، که تلویزیون، فیلم‌ها و برنامه‌های رایانه‌ای از جمله آن‌ها است. یکی از اموری که امروزه در گسترش پرخاشگری اهمیت دارد، بازی‌های رایانه‌ای است. فرد در این بازی‌ها ارتباط روانی بسیار بالایی با محتوای بازی برقرار می‌کند و ناخواسته رفتارهای خشونت‌آمیز بازی‌ها را در زندگی عادی به کار می‌برد. جدای از این مسئله، گاهی ارتباط با بازی به حدی می‌رسد که هرگونه مانع برای انجام آن موجب پرخاشگری می‌شود. همچنین، احساس ناکامی حاصل از باخت در این بازی‌ها نیز مؤثر است. یکی از متغیرهایی که میزان تأثیر پرخاشگری در رسانه‌ها را تغییر می‌دهد فرهنگ است. به طور مثال، در گذشته که فرهنگ کشور ژاپن با آمریکا تفاوت بیشتری داشت، تأثیر پذیری بسیار متفاوت بود در حالی که امروزه پژوهش‌ها نشان دهنده شباهت‌های زیادی از تأثیر پذیری این کشورها از رسانه‌ها دارد (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۰).

نظریه توماس هابز^۲: "هابز" از اولین کسانی است که اندیشه‌های منسجمی را پیرامون خشونت گرایان و موقعیت و تاثیرات آن در جامعه ارائه کرده است. او اعتقاد دارد، در شرایطی که حکومت وجود ندارد، انسان به طور طبیعی درنده خو است و لذا فقط در فکر تأمین منابع خود، حتی به قیمت ضرر زدن به دیگری است. او معتقد است که با این سابقه، افراد با توجه به بیم تجاوز دیگران، گرد هم آمدند، پیمانی برقرار کردند و قدرتی را به عنوان هیات حاکمه برای خود پذیرفتند.

1. Blair
2. Hobbes

برخی جامعه‌شناسان به نظریه «جامعه‌پذیری در پرخاشگری یا تنبیه بدنی» معتقد هستند. مطابق این نظریه تنبیه بدنی کودکان (مثل، با مشت و لگد زدن) در طی فرایند تربیت و بزرگ شدن کودک به پرخاشگری برون‌گرا، مانند آسیب زدن به دیگران و تنبیه روانی کودکان (مانند این که به کودک بگویند دوست ندارم) به پرخاشگری درون‌گرا منجر می‌شود. این افراد زمانی که با ناکامی مواجه و آماده کنش پرخاشگرانه می‌شوند، ممکن است خودکشی را انتخاب کنند. نظریه خرده فرهنگ خشونت مدعی است که در برخی خرده فرهنگ‌ها، خشونت، ضرب و شتم افراد و توسل به پرخاشگری به لحاظ اجتماعی مورد تأیید است. این رویکرد، خرده فرهنگ خشونت را مسبب اصلی نرخ بالای آدم‌کشی در مجاورت محله‌های فقیر نشین می‌داند. افراد در این مکان‌ها و خرده فرهنگ‌ها، با الگوی خشونت که توسط والدین، همسالان و همسایگان فقیر ارائه می‌شود، پیوند دارند و در دامنه وسیعی از رفتارهای خشونت آمیز شرکت می‌کنند و از آن هویت می‌گیرند. از همین رو، خشونت شیوه زندگی و شیوه حل مسائل این گونه افراد است و نه تنها بهنجار، بلکه لازم تلقی می‌شود و افراد در مورد پرخاشگری خود احساس گناه نمی‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶). در کشورهایی که ارزش‌های جمع‌گرایانه و اهمیت به اجتماع وجود دارد و یا اخلاق انسانی از جمله مسئولیت‌پذیری به عنوان یک ارزش مطرح است میزان پرخاشگری به میزان قابل توجهی پایین‌تر است. همچنین، تأثیرپذیری از رسانه برای یادگیری پرخاشگری نیز پایین‌تر است (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۰).

عوامل ذاتی و غریزی

بعضی از روان‌شناسان معتقدند که پرخاشگری در انسان جنبه ذاتی و فطری دارد. فروید و لورنز^۱ دو چهره معروف از این روان‌شناسان می‌باشند.

نظریه فروید: از نظر فروید، واضح مکتب روانکاوی، پرخاشگری در انسان نماینده غریزه مرگ است که در مقابل غریزه زندگی در فعالیت است؛ یعنی، در حالی که غریزه زندگی ما را در جهت ارضای نیازها و حفظ بقا هدایت می‌کند، غریزه مرگ به صورت پرخاشگری، می‌کوشد به نابود کردن و تخریب بپردازد. بنابراین، از نظر فروید پرخاشگری حالتی مخرب و منفی دارد (کریمی، ۱۳۸۵). هنگامی که این غریزه متوجه درون شود، به صورت تنبیه خود، ظاهر می‌شود و در موارد افراطی، منجر به انتحار یا خودکشی می‌شود. هنگامی که این غریزه متوجه بیرون گردد، به صورت خصومت، تخریب، خشونت، آزار و اذیت، وندالیسم و قتل تجلی می‌کند (ارونسون، بدون تاریخ، ترجمه شکرکن، ۱۳۸۶). فروید معتقد بود که این نیروی پرخاشگرانه باید به گونه‌ای تخلیه شود و گر نه انباشته شده و سبب کسالت، رخوت و ناآرامی می‌شود. و اگر این نیروی پرخاشگرانه به تدریج کاهش نیابد احتمال وقوع انفجار زیاد است. فروید مطرح می‌نماید که جامعه به عنوان ضرورتی حیاتی در کنترل و مهار غریزه خشم انسان بوده و وی را یاری می‌دهد تا از آثار مخرب این نیرو بکاهد و آن را به رفتاری مفید و پسندیده مبدل نماید (همان منبع). از دیدگاه وی خشم و پرخاشگری مولود و محصول موقعیت‌ها و شرایط نامطلوب و نامطبوع از قبیل دلتنگی، ورشکستگی، درد، حزن و اندوه و نظایر آن است. از میان همه موقعیت‌های ملال‌انگیز و نامطبوع، درماندگی، احساس اجحاف و ناکامی عامل عمده‌ای در ایجاد پرخاشگری است. در همین خصوص پرفسور گابریل موزر در تحقیق خود که به بررسی تخریب‌پانزده باجه تلفن عمومی پرداخته است به این نتیجه دست یافت که اکثریت قریب به اتفاق کسانی که عامل تخریب تلفن‌های عمومی بودند دو انگیزه مهم در رفتار ویرانگرانه خود داشتند: اولاً دستگاه تلفن شماره مورد نظر را نمی‌گیرد و سکه را می‌خورد و ثانیاً تلفن کننده از اینکه در

1. Lorenz

کار خود موفق نشده است خشمگین شده و بر دستگاه تلفن مشت می‌کوبد یعنی همان احساس ظلم و ستم و اجحاف و عدم موفقیت در کار. سپس به نصب تابلویی در هر یک از پانزده باجه تلفن با این محتوا که سکه خود را از فلان نشانی پس گرفته و برای مکالمه به آدرس‌های نوشته شده مراجعه نمایند، پرداخته و دریافت که خرابکاری و تخریب حدود ۳۰ درصد کاهش یافت (ژانورن، ۱۹۶۳، ترجمه ماهان، ۱۳۶۷). در همین راستا آنچه همواره در بررسی وندالیسم مدنظر است نقش احساس اجحاف نسبت به خویش است. احساس اجحاف در موقعی که تلفن سکه را پس نمی‌دهد و شماره را نمی‌گیرد به قدری قوی است که بر دستگاه تلفن مشت می‌کوبد تا شاید سکه را پس بگیرد و یا حداقل تلفن تنبیه شده است. در واقع این خشم، واکنش آنی در مقابل احساس اجحافی است که شخص دارد نه عادت ولی به هر حال این عمل، وندالیسم است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹).

نظریه لورنز: به عقیده لورنز، پرخاشگری که موجب آسیب رساندن به دیگران می‌شود، از غریزه جنگیدن بر می‌خیزد که مشترک بین انسان و سایر ارگانسیم‌ها است. انرژی مربوط به این غریزه به طور خود به خود، با شدت کم و بیش ثابت در ارگانسیم تولید می‌شود. احتمال پرخاشگری با بالا رفتن میزان انرژی انباشته شده و وجود و شدت محرک‌های آزاد کننده پرخاشگری، افزایش می‌یابد (کاپلان و همکاران، ۲۰۰۳، ترجمه پورافکاری، ۱۳۸۳).

نظریه کلارک: کلارک با استفاده از یک رویکرد روان‌شناسی اجتماعی، متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار بزهکارانه و وندالیسم را مطرح کرده که هشت دسته از متغیرها را در این گونه رفتارها مؤثر می‌داند. پنج دسته از متغیرها که آمادگی فرد را برای رفتارهای بزهکارانه همچون وندالیسم فراهم می‌کند شامل تجارب نخستین دوران کودکی، توارث، شکل‌گیری شخصیت بزهکارانه به صورت پرخاشگری و برون‌گرایی، عوامل جمعیتی و اقتصادی و اجتماعی، فرآیند جامعه‌پذیری و یادگیری رفتار مجرمانه و بزهکارانه است و سه متغیر که به طور مستقیم بر تصمیم فرد در ارتکاب جرم یا بزه‌ای خاص نظیر وندالیسم مؤثرند شامل آمادگی روانی ناشی از احساس کسالت و درماندگی و خشم و عصبانیت، شرایط و موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاص و در انتها جریانات شناختی و ادراکی و وضعیت‌های انگیزشی است (کلارک، ۱۹۹۱).

عوامل محیطی

سن: در مورد رفتارهای بزهکارانه همچون وندالیسم و پرخاشگری بیشتر سنین نوجوانی و جوانی (۱۵ الی ۲۵ سال) مطرح شده است. به عقیده شاویت و راتنر^۱ (۱۹۸۸) اعمال بزهکارانه در سنین ۱۵ الی ۲۶ سال به سرعت به اوج خود رسیده و بعد از آن ناگهان افول می‌کند. متغیرهای دیگری را نیز در رفتارهای بزهکارانه دخیل می‌دانند که شامل سطوح موقعیت تحصیلی، تجربه کاری، منزلت شغلی و اقتدار شغل، مدت زمان ترک مدرسه، مدت زمان ازدواج و مدت زمان اتمام خدمت و وظیفه. علت بروز رفتارهای وندالیستی و پرخاشگرانه در این سنین می‌تواند ناشی از بحران‌های روحی و اضطرابی، بحران‌های ناشی از بلوغ، انگیزه‌هایی از جمله خودنمایی و خود را فردی مقتدر دانستن و تقلید باشد.

آلودگی هوا: قرار گرفتن در معرض بوهای مضر، نظیر بوهایی که از کارخانه‌های سازنده مواد شیمیایی یا سایر مراکز صنعتی خارج می‌شود، ممکن است موجب تحریک‌پذیری افراد و در نتیجه پرخاشگری شود.

سر و صدا: افرادی که در معرض صداهای بلند و تحریک‌کننده قرار می‌گیرند، خشونت مستقیم‌تری نسبت به افرادی که در معرض این گونه شرایط محیطی قرار نمی‌گیرند، از خود نشان می‌دهند.

مواد غذایی: یکی دیگر از عوامل مؤثر در پرخاشگری نوع مواد غذایی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند وقتی مواد غذایی شامل ویتامین‌ها، مواد معدنی و اسیدهای چرب لازم باشند، میزان پرخاشگری کاهش می‌یابد.

تراکم: بعضی از مطالعات حاکی از آن است که تراکم بیش از حد ممکن است سطح پرخاشگری را بالا ببرد. همچنین، در موقعیت‌هایی، مانند مزاحمت، تحریک و ناکامی، تراکم جمعیت ممکن است احتمال انفجارهای پرخاشگرانه را تشدید نماید (زالبرگ، نیجمن، استروسما و استاک^۱، ۲۰۱۰). هوبر^۲ (۱۹۹۱) نیز در مقاله خود ارتباط میان وندالیسم و تراکم جمعیت را نشان می‌دهد. از این رو جای تعجب نیست که رفتارهای مجرمانه و جنایتکارانه بیشتر در اطراف مناطق و اماکن حمل و نقل عمومی به وقوع می‌پیوندد.

اثر رسانه‌های گروهی: رسانه‌های گروهی، به عنوان وسایل ارتباط جمعی، در شکل‌دهی و آموزش دادن رفتارهای گوناگون نقش مهمی بر عهده دارند. مطابق دیدگاه بندورا، یادگیری مشاهده‌ای و سرمشق‌گیری از دیگران، بخش مهمی از یادگیری‌های ما را تشکیل می‌دهند. بنابراین دلیلی وجود ندارد که نقش این رسانه‌ها را در شکل‌دهی رفتار پرخاشگرانه در انسان و به ویژه در کودکان، کم اهمیت ارزیابی کنیم. سه جنبه مهم در ترویج خشونت به وسیله تلویزیون شایان توجه است: نخست مسئله حساسیت زدایی نسبت به پرخاشگری است؛ به این صورت که هنگامی که فرد به طور مداوم در معرض تماشای صحنه‌های خشونت‌آمیز (مثل کتک زدن یک کودک و یا شکنجه یک اسیر جنگی) قرار گیرد، کم‌کم حساسیت خود را از دست داده و پرخاشگری برای او عادی می‌شود. دوم، نیاز به خشونت بیشتر برای به هیجان آمدن بینندگان است. در مورد پرخاشگری، تهیه کنندگان برنامه‌های تلویزیونی، با هدف افزایش تماشاگر، به دنبال ایجاد هیجان بیشتر در آن‌ها با حربه افزایش خشونت و ابداع صحنه‌های جدید کشتن و زخمی کردن در برنامه‌های خود هستند. مسئله سوم این‌که، آن‌چه در مورد خشونت و جنگ در نقاط مختلف جهان به صورت مستند، در رسانه‌ها و به خصوص تلویزیون به نمایش در می‌آید، این فکر را به بیننده القا می‌کند که در همه جای جهان، جنگ و ناامنی وجود دارد. این تصور نوعی احساس ناامنی، نگرانی و عصبی بودن در بیننده ایجاد می‌کند که او را بسیار مستعد از کوره در رفتن و پرخاشگر شدن می‌سازد. شاید به همین دلیل است که مردم در تعامل‌های اجتماعی و به ویژه در جوامع شلوغ و مدرن امروزی، خیلی زود عصبانی شده و به نزاع و جدال با یکدیگر می‌پردازند (کریمی، ۱۳۸۵). صحنه‌های خشن و پرخاشگرانه‌ای که از رسانه‌ها پخش می‌شود، می‌توانند به عنوان محرک و برانگیزاننده پرخاشگری عمل نمایند (آذربایجانی، ۱۳۸۵).

یکی از راه‌هایی که برای کاهش پرخاشگری مورد توجه است، افزایش مهارت حل مسئله است. این مهارت موجب می‌شود که فرد به احتمال بالاتری به هدف‌های خود در زندگی برسد و ناکامی کمتری را تجربه کند. همچنین، می‌تواند اختلافات خود با دیگران را به صورت یک مسئله در نظر بگیرد و به جای بروز رفتارهای خشونت‌آمیز مسئولانه سعی در برطرف کردن مشکل، با راه حل‌های دیگر، کند. یکی دیگر از راه‌های کاهش پرخاشگری افزایش مهارت نظارت بر هیجان است که فرد به صورت پیوسته و در موقعیت‌های مختلف بر نوع هیجان خود نظارت می‌کند و وقتی هیجان خشم در مواقع غیر ضروری بروز می‌کند، می‌تواند آن را کنترل کند، اما گاهی اوقات نیز پرخاشگری را در موقعیتی دیگر بروز می‌دهد که پیگیری این رفتارها کار مشکلی است (والپ و گادو^۳، ۲۰۱۰).

1. Zaalberg, Nijman, Stroosma, & Staak
2. Hauber
3. Volpe & Gadov

تبیین‌های فیزیولوژیک پرخاشگری

در مورد این که چرا در بعضی افراد خشم و به دنبال آن پرخاشگری بیشتر است دلایل متعددی وجود دارد که عبارت‌اند از: ژنتیک، ترکیب هورمونی و تاثیرات محیطی (ویلکویسکی و راینسون^۱، ۲۰۱۰). تبیین‌های فیزیولوژیک پرخاشگری به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، به نقش برخی مراکز مغز در تولید رفتارهای پرخاشگرانه اشاره می‌کنند. گروه دوم، آثار هورمون‌ها را بر رفتار آشکار می‌سازند و گروه سوم، توارث را دخیل می‌دانند (بدارد، دزیل و لامارش^۲، ۱۹۹۹، ترجمه گنجی، ۱۳۸۵).

بنیان‌های عصبی-شناختی یا مغزی پرخاشگری

بخش‌های بزرگی از دو نیمکره مغز و هیپوتالاموس در عملکردهای پرخاشگرانه موثرند و تحریک تهییجی و رفتار اجتنابی را موجب می‌شوند. رفتار یا مکانیزم اجتنابی باعث محدود کردن شدت برانگیختگی پرخاشگرانه می‌شود، میزان ابراز خشم را در شرایط مختلف تعیین می‌کند و مانع بروز پرخاشگری بیش از حد می‌شود؛ یعنی، وقتی که فرد با موقعیت خشمناک مواجه می‌شود، با ادراک میزان خطری که پیش آمده و اکثراً متناسب با آن را از خود نشان می‌دهد.

نقش نوروترانسمیترها: یکی از نوروترانسمیترهای اصلی در مغز که نقش قابل توجهی در بروز پرخاشگری دارد، سروتونین^۳ است. مطالعات نشان داده است که در بین افرادی که اقدام به خودکشی یا خودکشی موفق (پرخاشگری به سمت خود) داشته‌اند و همچنین، در افرادی که رفتار پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند، مخصوصاً افراد مستعد به پرخاشگری پیش‌بینی نشده، تکانشی یا تحریک‌پذیر، ناهنجاری در میزان سروتونین مشاهده شده است. مشاهدات بیانگر آن است که کاهش عملکرد سروتونرژیک مغزی سبب مهار گسیختگی در رفتار می‌شود، که از جمله آن‌ها پرخاشگری تکانشی، خودکشی و سوء استفاده از مواد یا سایر اختلالات روانی مرتبط با کنترل تکانه می‌باشد. نوروترانسمیتر مهم دیگر که در پرخاشگری نقش دارد، نوراپی نفرین^۴ است. داروهای مؤثر بر نوراپی نفرین یا گیرنده‌های آن نشان می‌دهند که این نوروترانسمیتر می‌تواند بروز رفتارهای پرخاشگرانه را تسهیل کند. کاهش سطح نوراپی نفرین می‌تواند الگوی پرخاشگری مجرمانه یا دفاعی را بهبود بخشد (نلسون^۵، ۲۰۰۶).

فعالیت هورمونی: برخی مطالعات نشان می‌دهند که هورمون‌ها، بر پرخاشگری انسان تأثیر می‌گذارند. برای مثال، مردهای پرخاشگر، سطح هورمون تستوسترون^۶ بالاتری دارند. اگر چه این یافته‌ها نشان می‌دهند که شاید افزایش تستوسترون باعث پرخاشگری شود، ولی شواهد بر عکس نیز وجود دارند بنابراین بر اساس تحقیقات مختلف بین سطوح هورمونی و پرخاشگری انسان‌ها و حیوانات، رابطه علی، ساده و مستقیمی وجود ندارد (فرانزوی^۷، بدون تاریخ، ترجمه فیروزبخت و قنادان، ۱۳۸۱).

ژنتیک رفتار: در تحقیقات به عمل آمده در زمینه‌ی دو قلوهای همسان و ناهمسان شواهدی به دست آمده که نشان می‌دهند پرخاشگری افراد تا حدودی معلول توارث است. یعنی، دوقلوهای که مواد ژنتیکی مشابهی دارند (دوقلوهای

1. Wilkowski & Robinson
2. Bedard, Deziel, & Lamarche
3. serotonin
4. norepinephrine
5. Nelson
6. testosterone
7. Franzoi

همسان) گرایش‌های پرخاشگرانه مشابه‌تری دارند تا دوقلوهایی که فقط در ۵۰٪ مواد ژنتیکی شباهت دارند (فرازوی، بدون تاریخ، ترجمه فیروزبخت و قنادان، ۱۳۸۱).

به طور خلاصه می‌توان مطرح کرد که بسیاری از پرخاش‌ها و تعارضات بین فردی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد احساس می‌کند حقوقش مورد تجاوز قرار گرفته است (ریلی و شاپ شایر^۱، ۲۰۰۲). اما در صورتی که فرد مسئولیت پذیر باشد به خود اجازه برخورد ظالمانه را نمی‌دهد. زیرا مسئولیت پذیری پدیده‌ای است که فرد را با اجتماع مرتبط می‌کند، یعنی فرد با کنترل رفتار خود به خاطر اجتماع، می‌تواند با دیگران و جامعه در ارتباط باشد. مسئولیت پذیری علاوه بر وظیفه شناسی درونی شده، احساس آگاهانه فرد نسبت به رفتار خود و پاسخ‌گو بودن در برابر پیامدهای رفتار است و اگر فردی مسئولیت پذیر نباشد، الزامی به پاسخ‌گویی به دیگران، برای نوع برخوردش در اجتماع ندارد (ایپدین و ارکن^۲، ۲۰۱۰). به اعتقاد براندن^۳ (۱۹۹۰، ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۷۹) کسی که در قبال خود مسئولیت قبول نکند، نمی‌تواند با چالش‌های زندگی به خوبی برخورد کند. مسئولیت در قبال خود، برای رسیدن به احساس قدرت و توانمندی ضروری است. کسی که در قبال خود قبول مسئولیت می‌کند، در کارها، فعالیت‌های گروهی و نظایر آن موفق‌تر ظاهر می‌شود. این اشخاص معمولاً وابسته یا سلطه‌جو نبوده و به رفتارهای پرخاشگرانه روی نمی‌آورند. قبول مسئولیت در قبال خود، هرگز به این معنی نیست که شخص همه کارها را خود انجام دهد، بلکه به این معنی است که وقتی با دیگران کار می‌کند، وظایف خود را به طور مشخص بر عهده بگیرد.

تعریف و اهمیت مسئولیت پذیری

وجود مفاهیم متفاوتی چون وظیفه^۴، تکلیف^۵ و اخلاقیات^۶، که همگی با کلمه مسئولیت‌پذیری ارتباط معنایی دارند، تعریف مسئولیت‌پذیری را مشکل کرده است. در این مورد نقش^۷ و تکلیف به عنوان مسئولیت‌پذیری فردی و قاعده^۸ و اخلاق به صورت مسئولیت‌پذیری تجویزی و اجتماعی تفکیک می‌شود. با در نظر گرفتن تمام ابهامات، احساس مسئولیت را می‌توان حالتی در نظر گرفت که فرد تعهدی را در اثر اجبار موقعیت یا شرایط محیطی تجربه می‌کند. این احساس اجبار برای کنترل وقایع در آینده است و فرد را برای برخورد با آن وقایع آماده می‌کند. چنین احساسی، در هر دو بعد کنترل فردی و اجتماعی بروز می‌کند. احساس مسئولیت به دو صورت شناختی و هیجانی همراه با پذیرش هیجان عمل می‌کند (برگ استینر و آوری^۹، ۲۰۱۰). برای آموزش مسئولیت‌پذیری باید در مورد رفتارهای فرد به او آگاهی داد؛ به این صورت که برای او پیامدهای رفتارش را توضیح داد. وقتی فرد بتواند رشته پیامدهای رفتار خود را دنبال کند، در بسیاری از موارد متوجه می‌شود که در اثر رفتار نادرستی که بر علیه دیگران انجام داده، خودش هم آسیب دیده است (کوک^{۱۰}، ۲۰۱۰). یکی از جنبه‌های بسیار مهم در زمینه‌ی مسئولیت‌پذیری، داشتن احساس مسئولیت نسبت به حفظ سلامت خود است. در صورتی که فرد نسبت به این مسئله احساس مسئولیت کند سبک زندگی‌ای را انتخاب می‌کند، که جنبه‌های مختلف

1. Reilly & Shopshire
2. Apaydin & Ercan
3. Brandn
4. duty
5. task
6. ethics
7. role
8. rule
9. Bergsteiner & Avery
10. Cooke

سلامتی، در آن لحاظ شده باشد. در زمینه‌ی مسئولیت‌پذیری نسبت به حفظ سلامت خود، عوامل فرهنگی و فضای علمی حاکم تأثیر بسیار زیادی دارد، به طوری که در زمان جنگ و یا اپیدمی شدن بیماری‌های درمان‌ناپذیر، میزان مسئولیت نسبت به سلامت به شدت کاهش می‌یابد (کار^۱، ۲۰۰۹). فرهنگ در امر مسئولیت‌پذیری می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و مسئولیت‌پذیر بودن را به عنوان یک ارزش در زندگی افراد جای دهد. درک اخلاقی افراد و فعالیت‌های اخلاقی افراد، مسئولیت‌پذیری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان داشتن نگاه‌ی اخلاقی به جامعه در نظر گرفت. داشتن چنین نگاه‌ی می‌تواند میزان رفتارهای مخرب از جمله پرخاشگری را کاهش داده و احساس وظیفه‌شناسی را در جامعه نهادینه کند (کیم^۲ و کیم^۳، ۲۰۱۰). جامعه می‌تواند به فرد بیاموزد که در انجام فعالیت‌های خود به نفع کل اجتماع نگاه کند و این دیدگاه را داشته باشد که اگر همه این‌گونه باشند او هم فایده بیشتری خواهد برد (رین‌هارد، آسبورگ و تاون‌سند^۴، ۲۰۱۰). با توجه به آنچه مطرح شد آموزش مسئولیت‌پذیری ضروری به نظر می‌رسد. از جمله برنامه‌های آموزش مسئولیت‌پذیری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

برنامه انضباط مثبت^۵: این برنامه، بر پذیرش مسئولیت در حیطه‌های سلامتی، محیط و اطرافیان تأکید دارد و شامل طرح‌های زیر است: معرفی انضباط مثبت و ابعاد آن، چگونگی ارتباط با دیگران و احساس ارزشمندی، آموزش چگونگی حل تعارض با دیگران، پافشاری بر وظایف محوله و آموزش شیوه حل مسئله (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸). مدل حل مسئله یک شیوه ابراز وجودانه برای حل کردن تعارضات با دیگران است که شامل یک مجموعه گام‌های حل مشکل است و زمانی که به دقت دنبال شود، پتانسیل افزایش تدریجی خشم را به حداقل می‌رساند (ریلی و شاپ شایر، ۲۰۰۲).

برنامه یادگیری مبتنی بر خود^۶: در این روش بر ابعاد رفتاری-هیجانی و شناختی مسئولیت‌پذیری و تعامل بین آن‌ها توجه می‌شود و هدف این است که افراد مسئولیت رفتارها، تفکرات و احساسات و هیجانات خود را بپذیرند و آن‌ها را مدیریت کنند. این برنامه شامل طرح‌های زیر است: تشخیص ادراکات و احساسات در رفتار انسان، شناخت افکار و احساسات خود، کار کردن درباره احساس خشم و چگونگی مدیریت آن، تهیه طرح شخصی در زندگی و آموزش شیوه‌های مناسب فراشناختی^۷ و فراحافظه‌ای^۸ (بهرامی، ملکیان و عابدی، ۱۳۸۳).

برنامه واقعیت‌درمانی^۹: این شیوه مبتنی بر نظریه گلاسر^۹ است، هدف آن کمک به افراد در ارضاء نیازها به طور مسئولانه است. این برنامه شامل طرح‌های زیر است: برقراری ارتباط مطلوب عاطفی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، تأکید بر زمان حال در تصمیم‌گیری‌ها و عدم قضاوت ارزشی درباره رفتار، تهیه طرح و برنامه درباره رفتار و تعهد به انجام برنامه و طرح، کسب و نگهداری هویت توفیق و ارتقاء توانایی‌های اجتماعی در افزایش مسئولیت‌پذیری (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸).

همان‌طور که ملاحظه شد هر کدام از برنامه‌ها که به آموزش مسئولیت‌پذیری می‌پردازند، به نوعی به حل مسئله به شیوه ابراز وجودانه و نه پرخاشگرانه یا منفلانانه تأکید کرده و بر مهارت‌های ارتباطی نیز توجه دارند. بنابراین یکی از

1. Carr
2. Kim
3. Reinhard, Osburg, & Townsend
4. Positive Discipline Programme
5. Based Self-Learning Programme
6. meta-cognition
7. meta-memory
8. Reality Therapy Programme
9. Glasser

شاخص‌های مهم در مسئولیت‌پذیری، رفتار به شیوه ابراز وجودانه و خلاقانه است نه به شیوه پرخاشگرانه و منفعلانه و آموزش آن منجر به کاهش رفتار پرخاشگرانه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با توجه به مباحث نظری در زمینه‌ی وندالیسم و پرخاشگری به بررسی نقش مسئولیت‌پذیری در آن پرداخته است. همان‌طور که مطرح شد عوامل بسیاری در رفتارهای پرخاش جویانه و وندالیسم مؤثر هستند که در شبکه‌ای از روابط با یکدیگر به سر می‌برند، بدین ترتیب که احساس بی‌هنجاری، احساس اجحاف، اختلال و نابسامانی در شرایط خانوادگی و شرایط آموزشی، رضایت فرد از زندگی را متأثر می‌سازند و متقابلاً احساس پرخاشگری را در فرد تشدید می‌کنند و بر تمایل فرد به عضویت در گروه‌های بزهکار اثر می‌گذارند. این خود احساس انتقامجویی و در نهایت گرایش به وندالیسم را در فرد تقویت می‌کند. در مقابل، در جوامعی که ارزش‌های جمع‌گرایانه و اهمیت به اجتماع وجود دارد و یا اخلاق انسانی از جمله مسئولیت‌پذیری به عنوان یک ارزش مطرح است میزان پرداختن به رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیسم به میزان قابل توجهی پایین‌تر است. زیرا مسئولیت‌پذیری پدیده‌ای است که فرد را با اجتماع مرتبط می‌کند، یعنی فرد با کنترل رفتار خود به خاطر اجتماع، می‌تواند با دیگران و جامعه در ارتباط باشد. مسئولیت‌پذیری علاوه بر وظیفه‌شناسی درونی شده، احساس آگاهانه فرد نسبت به رفتار خود و پاسخ‌گو بودن در برابر پیامدهای رفتار است. کسی که در قبال خود مسئولیت قبول نکند، نمی‌تواند با چالش‌های زندگی به خوبی برخورد کند و الزامی به پاسخ‌گویی به دیگران، برای نوع برخوردش در اجتماع ندارد. مسئولیت در قبال خود، برای رسیدن به احساس قدرت و توانمندی ضروری است. کسی که در قبال خود قبول مسئولیت می‌کند، در کارها، فعالیت‌های گروهی و نظایر آن موفق‌تر ظاهر می‌شود. در نتیجه معمولاً وابسته یا سلطه‌جو نبوده و به رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیسم روی نمی‌آورند. با توجه به آنچه مطرح شد به نظر می‌رسد که یکی از عوامل مؤثر در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیسم، وجود ویژگی شخصیتی مسئولیت‌پذیری در افراد است.

توصیه‌ها و پیشنهادات

برای کم کردن خشونت در جامعه باید به بهداشت روانی، کنترل خود و اخلاق توجه ویژه‌ای نمود. آموزش گروهی، آموزش حل اختلاف، آموزش تحمل تفاوت‌ها و تمرین حل اختلاف در مدارس و آموزش مسئولیت‌پذیری هم بسیار مفید است. همچنین نشان دادن خشم و خشونت در رسانه‌ها نیز باید کمتر شود و سیستم قضایی نیز باید برخورد قاطعانه با افراد پرخاشگر داشته باشد.

منابع

۱. آذربایجانی، م. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
۲. ارونسون، الیوت (بدون تاریخ). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حسین شکر کن (۱۳۸۶). تهران: انتشارات رشد.
۳. بدارد، کوک، دزیل، ژوزه و لامارش، لوک (۱۹۹۹). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حمزه گنجی (۱۳۸۴). تهران: نشر ساوالان.
۴. براندن، ناتانیل (۱۹۹۰). *روان‌شناسی عزت‌نفس*. ترجمه مهدی قراچه‌داغی (۱۳۷۹). تهران: نشر نخستین.
۵. بهرامی، فاطمه، ملکیان، حسین و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۳). بررسی مقایسه راهکارهای افزایش مسئولیت‌پذیری در بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان. فصلنامه آموزه، شماره ۱۷، ۶۶-۷۲.
۶. ژانورن، پاتریس (۱۹۶۳). *وندالیسم: بیماری جهانی خرابکاری*. ترجمه فرخ ماهان (۱۳۷۶). *مجله دانشمند*، شماره ۲۹۹.
۷. خدابخشی، مهدی و عابدی، محمد رضا (۱۳۸۸). بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا. *مجله مطالعات روانشناختی*، دوره ۵، شماره ۱، ۱۱۳-۱۳۷.
۸. خداپناهی، محمد کریم (۱۳۸۵). *انگیزش و هیجان*. تهران: انتشارات سمت.
۹. صدیق سروستانی، ر. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. فرانزوی، استیون (بدون تاریخ). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان (۱۳۸۱). تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۱۱. فرانکن، رابرت (۱۹۹۸). *انگیزش و هیجان*. ترجمه حسن شمس اسفند آباد، غلامرضا محمودی و سوزان امامی‌پور (۱۳۸۴). تهران: انتشارات نی.
۱۲. کاپلان، ه.، سادوک، و. و سادوک، ب. (۲۰۰۳). *خلاصه روان‌پزشکی-علوم رفتاری/روان‌پزشکی بالینی*. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری (۱۳۸۳). تهران: انتشارات شهر آب.
۱۳. کریمی، یوسف (۱۳۸۵). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات ارسباران.
۱۴. گنجی، ح. (۱۳۸۵). *بهداشت روانی*. تهران: نشر ارسباران.
۱۵. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹). مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۶، ۱۹۳-۲۲۷.

16. Anderson, C., Bushman, B., Rothstein, R., Shibuya, A., Swing, E., Sakamoto, A., & Saleem, M. (2010). Violent video game effects on aggression, empathy, and prosocial behavior in eastern and western countries: A meta-analytic review. *American Psychological Association Bulletin*, 136, 151-173.
17. Apaydin, C. & Ercan, B. (2010). A structural equation model analysis of Turkish school managers' views on social responsibility. *Journal of Procedia Social and Behavioral Sciences*, 20, 590-598.
18. Bergsteiner, H., & Avery, G. C. (2010). A theoretical responsibility and accountability framework for CSR and global responsibility. *Journal of Global Responsibility*, 1, 8-33
19. Blair, R. (2010). Psychopathy, frustration, and reactive aggression: The role of ventromedial prefrontal cortex. *British Journal of Psychology*, 101, 383-399
20. Carr, D. (2009). Who's to blame? Perceived responsibility for spousal death and psychological distress among older widowed persons. *Journal of Health and Social Behavior*, 50, 359-375.
21. Clarke, R. (1991). *Tackling vandalism*. A home research unit report. London.
22. Cooke, M. (2010). Cost consciousness in patient care: What is medical education's responsibility?. *The New England Journal of Medicine*, 14, 1253-1255.
23. Flacks, R. (1986). The liberated generation: An exploration of the roots of student protest. *Journal of Social Problems*, 3, 52-75.

24. Flacks, R. (1971). Social and cultural meaning of student revolt. *Journal of Social Problems*, 17, 340-357.
25. Hauber, A. R. (1991). *Delinquency and vandalism in the netherlnds public transportation system*. Economic Research Center, Netherlands.
26. Kim, Y., & Kim, S. Y. (2010). The influence of cultural value on perceptions of corporate social responsibility: Application of Husted's dimensions to Korean public relations practitioners. *Journal of Business Ethics*, 91, 485-500.
27. Nelson, R. (2006). *Usefulness of the trait anger, anger control and anger out subscale scores of the State-Trait Anger Expression Inventory-2 for assessing the efficacy of anger management training in reducing aggressive behavior associated with the expression of anger*. Unpublished PhD. Dissertation. Adler School of Professional Psychology.
28. Reilly, P. M. & Shopshire, M. S. (2002). Anger Management for Substance Abuse and Mental Health Clients: A Cognitive Behavioral Therapy Manual. *Journal of National Criminal Justice Reference Service (NCJ)*, 195716.
29. Reinhard, K., Osburg, T. & Townsend, R (2010) Introducing corporate social responsibility as component in cooperative education: Results from a student research project in Germany and the United States supported by Intel Corporation Asia Pacific. *Journal of Cooperative Education*, 11, 11-12.
30. Shawwhite, R. & Routtner, D. (1988). Age, crime and early environment and upbringing. *New Society*, 39, 172-178
31. Volpe, R., & Gadow, D. (2010). Creating abbreviated rating scales to monitor classroom inattention over activity, aggression, and peer conflict: Reliability, validity, and treatment sensitivity. *School Psychology Journal*, 39, 350-363
32. Wilkowski, B. & Robinson, D. (2010). The anatomy of anger: An integrative cognitive model of trait anger and reactive aggression. *Journal of Personality*, 78, 19-38
33. Zaalberg, A., Nijman, H., Stroosma, L., & Staak, C. (2010). Effects of nutritional supplements on aggression, rule-breaking, and psychopathology among young adult prisoners. *Aggressive Behavior Journal*, 36, 117-126.

طرح شهرک آموزشی شهروند مسئول ایرانی-اسلامی برای کودکان و نوجوانان

حسین روح الهی^۱

منیجه شهنی بیلاق^۲

طیبه پایندان^۳

طیبه عشرتی^۴

چکیده

مسئولیت پذیری شهروندان یکی از دغدغه‌های جامعه امروز است، وجود معضلاتی مانند خشونت شهری، عدم توجه شهروندان به حفظ نظم در شهر و عدم احترام به حقوق دیگر شهروندان اهمیت آموزش مسئولیت پذیری را به امری انکار ناپذیر و الزامی تبدیل کرده است. اما اینکه بخواهیم افرادی که سبک زندگی مسئولیت ناپذیر را آموخته‌اند تغییر دهیم امری مشکل و کم بازده است، در حالی که می‌توان شهروندان مسئول را خود تربیت کنیم و پیش از شکل‌گیری الگوهای نامناسب، سبک زندگی شهروند مسئول را به کودکان بیاموزیم. در این پژوهش، بر اساس نظریه‌های روانشناسی تربیتی به خصوص آموزش در عمل (آموزش در واقعیت) کودکان را در موقعیت‌های به نسبت واقعی قرار می‌دهیم تا بتوانند نقش‌های آینده خود را تمرین کنند و در همین حال اصول شهروند مسئول را نیز به آن‌ها آموزش می‌دهیم. برای انجام چنین امری تمام نقش‌های اجتماعی معمول را در غالب یک شهر بازی قرار می‌دهیم تا کودکان بر اساس علاقه یک نقش اجتماعی را بپذیرند و در همین حال رفتار آن‌ها را نظارت و ارزشیابی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: شهروند مسئول، شهرک آموزشی و آموزش در عمل

مقدمه

مسئولیت نسبت به اعمال، بنیان تمام ادیان الهی و مکاتب بشری است اینکه انسان نسبت با اعمال خود اختیار عمل دارد و نسبت با پیامد آن مسئول است جزء جدایی ناپذیر دین اسلام است. در استناد این امر، از این آیه استفاده می‌شود که می‌فرماید «أَيُّحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُشْرَكَ سُدًى؛ آیا انسان پندارد که آزاد و رها و بی‌مسئولیت است؟» (قیامت: ۳۶) بر اساس این آیه خداوند انسان را مانند موجودی رها و بی‌تکلیف، قرار نداده است. و مکلف است در خود احساس مسئولیت را پرورش دهد و همواره خود را مسئول بداند. مسئولیت‌پذیری علاوه بر وظیفه‌شناسی درونی شده، احساس آگاهانه فرد نسبت به

۱. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

اصفهان، فلکه ارتش، روبه روی دبیرستان شیخ انصاری، مجتمع تجاری معظم، جنبه بیمه نیروهای مسلح، شرکت نگین پروژه نقش جهان
Hossein.rohelahi@yahoo.com ۰۹۳۷۴۱۹۶۰۸۶

۲. استاد گروه روانشناسی

اهواز، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی Mshehniyailagh@yahoo.com ۰۹۱۶۱۱۸۴۹۳۶

۳. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

اصفهان، فلکه ارتش، روبه روی دبیرستان شیخ انصاری، مجتمع تجاری معظم، جنبه بیمه نیروهای مسلح، شرکت نگین پروژه نقش جهان
tpayandan@yahoo.com ۰۹۳۷۳۹۰۶۱۴۲

۴. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

اصفهان، فلکه ارتش، روبه روی دبیرستان شیخ انصاری، مجتمع تجاری معظم، جنبه بیمه نیروهای مسلح، شرکت نگین پروژه نقش جهان
Eshrati.s@gmail.com ۰۹۳۷۶۹۴۱۳۳۹

رفتار خود و پاسخ گو بودن در برابر پیامدهای رفتار است. مسئولیت پذیری برای پیشرفت جامعه، در ابعاد گوناگون اهمیت بالایی دارد و موجب گسترش فرهنگ آزاد منشی می شود، زیرا اگر فردی مسئولیت پذیر نباشد، الزامی به پاسخ گویی به دیگران، برای نوع برخوردش در اجتماع ندارد. مسئولیت پذیری پدیده‌ای است که فرد را با اجتماع مرتبط می کند، یعنی فرد با کنترل رفتار خود به خاطر اجتماع، می تواند با دیگران و جامعه در ارتباط باشد (اپیدین^۱ و ارکن^۲، ۲۰۱۰). مسئولیت پذیری در موارد بسیاری، چون اداره سازمان‌های مختلف، که سازمان‌های آموزشی نیز از جمله آنهاست، اهمیت بالایی دارد. این امر به صورت کار کردن به شکل اخلاقی در مسئولین این سازمان‌ها و پاسخ گو بودن برای رفتار خود در آموزگاران نمایان می شود (برکلی^۳ و واتسون^۴، ۲۰۰۹).

وجود مفاهیم متفاوتی چون وظیفه^۵، تکلیف^۶ و اخلاقیات^۷، که همگی با کلمه مسئولیت پذیری ارتباط معنایی دارند، تعریف مسئولیت پذیری را مشکل کرده است. در این مورد نقش^۸ و تکلیف به عنوان مسئولیت پذیری فردی و قاعده^۹ و اخلاق به صورت مسئولیت پذیری تجویزی و اجتماعی تفکیک می شود. با در نظر گرفتن تمام ابهامات، احساس مسئولیت را می توان حالتی در نظر گرفت، که فرد تعهدی را در اثر اجبار موقعیت یا شرایط محیطی تجربه می کند. این احساس اجبار برای کنترل وقایع در آینده است و فرد را برای برخورد با آن وقایع آماده می کند. چنین احساسی، در هر دو بعد کنترل فردی و اجتماعی بروز می کند. احساس مسئولیت به دو صورت شناختی و هیجانی همراه با پذیرش هیجان عمل می کند (برگ استینر^{۱۰} و آوری^{۱۱}، ۲۰۱۰). برای آموزش مسئولیت پذیری باید در مورد رفتارهای فرد به او آگاهی داد؛ به این صورت که برای او پیامدهای رفتارش را توضیح داد. وقتی فرد بتواند رشته پیامدهای رفتار خود را دنبال کند، در بسیاری از موارد متوجه می شود که در اثر رفتار نادرستی که بر علیه دیگران انجام داده، خودش هم آسیب دیده است (کوک^{۱۲}، ۲۰۱۰). مسئولیت پذیری یکی از ویژگی‌های ضروری و بسیار مهم برای مدیران و مسئولان رده بالا در هر سازمان است، زیرا نوع تصمیم و رفتار آنها، در زندگی کارکنان تأثیر زیادی دارد (ماریوسیک^{۱۳} و ماریوسیک، ۲۰۱۰).

مسئولیت در کلام امام علی (ع)

مسئولیت پذیری، مقدمات و شرایطی دارد و زمانی می توان مسئولیتی را به فردی سپرد که او این شرایط لازم را احراز کرده باشد. این شرایط که به صورت چکیده از کلام نهج البلاغه استخراج شده عبارت‌اند از: (۱) مسئولیت پذیری زمانی تحقق می پذیرد که رسالت و تکلیفی در کار باشد؛ یعنی انسان، قبلاً کارهایی را با اراده و اختیار خویش پذیرفته باشد و سپس مسئولیت انجام آن را به عهده گیرد نه کارهایی که تحت تأثیر جاذبه میل‌ها و دافعه خوف‌ها انجام می دهد. (۲) مسئولیت در جایی اعتبار می شود که فرد، دارای قدرت تمیز و ادراک باشد؛ لذا انسان ناآگاهی که دارای قدرت درک و فهم نمی باشد را نمی توان ملزم به انجام کاری کرد و به او مسئولیتی را سپرد. (۳) زمانی می توان فرد را در مقابل وظیفه‌ای

1. Apaydin
2. Ercan
3. Berkley
4. Watson
5. duty
6. task
7. ethics
8. role
9. rule
10. Bergsteiner
11. Avery
12. Cooke
13. Marusic

که داشته است مورد بازخواست قرار داد که آن فرد، قبلاً مسئولیت خود را شناخته باشد و این مستلزم رسایی پیام و دریافت آن توسط فرد مکلف می‌باشد (۴) تکلیف کردن متوقف بر قدرت انجام وظیفه از سوی فرد مکلف است لذا فرد ناتوان هر چند که آگاه باشد به دلیل اینکه کار از حوزه عمل و قدرت او خارج است مسئول نخواهد بود. (۵) زمانی می‌توان فرد را مسئول دانست که او با اختیار و اراده خود، انجام یا ترک کاری را به عهده گرفته باشد نه اینکه مجبور به این کار شده باشد. بدون شروط بالا مسئولیت دادن به کسی و بازخواست کردن از او معنایی ندارد و این مقدمات، از شرایط اساسی مسئولیت‌پذیری می‌باشد. اهمیت مسئولیت‌پذیری در آیات و روایات نظام حقوقی اسلام نظامی تکلیف‌گراست؛ بعنوان مثال در متون دینی وقتی صحبت از حق انسان‌ها می‌شود بحث از حقوقی است که انسان‌های دیگر بر ما دارند و بعبارت دیگر مسئولیتی که ما در قبال دیگران داریم. البته چون این حقوق طرفینی است ما نیز این حقوق را بر عهده دیگران داریم اما به دلیل همان بعد سازندگی و تربیت و هدایت که دین اسلام برای خود، قائل است در بیان به جنبه تکلیف و وظیفه و مسئولیت، توجه بیشتری می‌کند (مسروری ثانی، ۱۳۸۴).

دیدگاه غرب

دیدگاه آزاد اندیشی: در دیدگاه فلسفی، مسئولیت رابطه تنگاتنگی با مفاهیمی چون آزادی و عدالت دارد، زیرا مسئولیت در صورتی معنی پیدا می‌کند که فرد آزادی عمل داشته باشد. مفهوم عدالت با آزادی معنی پیدا می‌کند، به این صورت که معمولاً از کسی انتظار پاسخ‌گو بودن داریم که آزاد باشد (ویلیامز، ۲۰۱۰). کانت^۱ (بدون تاریخ، به نقل از ویلیامز، ۲۰۱۰) بیان می‌کند که احساس پشیمانی نشان از آزادی عمل انسان است. از نظر او، انسان برای اخلاقی بودن یک تمایل ذاتی دارد و حتی اگر این امر را در عمل نشان ندهد این تمایل در وی نهفته است. احساس پشیمانی را می‌توان برای نشان دادن این امر که مسئولیت‌پذیری در انسان وجود دارد در نظر گرفت، زیرا اگر فرد خود را مسئول عمل خود نداند احساس پشیمانی مفهومی ندارد. بر اساس الگویی که فلسفه اخلاق ارائه می‌دهد، مسئولیت خطا بر عهده خود فرد است، هر چند که دیگران نیز باید به فرد کمک کنند تا هم مسئولیت رفتارشان را بپذیرد و هم در مسیر جبران خطاهای خویش برآید. ارزش این الگو در این است که افراد را وادار می‌کند تا موضع آشکاری نسبت به زندگی و اعمال خود اتخاذ کنند (تاهرب‌هی^۲، ۲۰۰۵).

دیدگاه روانکاوی: از نظر "فروید"، به عنوان بنیادگذار این مکتب، انسان به طور کامل مسئول اعمال و رفتار خود نیست، بلکه تمام رفتارها را نیروهایی تعیین می‌کنند که در درون انسان قرار دارند. انسان در بسیاری از مواقع بر پایه انرژی نهفته در ناخودآگاه رفتار می‌کند، به طور مثال، می‌توان اشتباه در تلفظ کلمات و یا اعمال و افکار وسواسی را نام برد، فرد برای این اعمال دلیلی ندارد و حتی می‌خواهد از انجام آن‌ها خودداری کند ولی قادر نیست. رفتارهای وسواسی نمونه بارز بی‌ارادگی است؛ با این که فرد از تکراری بودن آن آگاه است ولی تا زمانی که آن را انجام ندهد احساس آرامش پیدا نخواهد کرد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۸۶). البته فروید همچنین معتقد بود کسانی که تحت روانکاوی قرار می‌گیرند، می‌توانند آنچه ناهوشیار بوده هوشیار کنند و بیشتر مسئولیت زندگی خود را بر عهده بگیرند. این در حالی است که "آدلر" انسان را قربانی وقایع کودکی نمی‌داند، از نظر او انسان آزاد است و اختیار اعمال خود را دارد. از طرف دیگر، فروم برای اعلام آزادی انسان به گونه‌ای در مقابل فروید قرار دارد. وی شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در شکل‌گیری انسان

1. Kant
2. Taherbhai

مؤثر می‌داند، ولی از نظر او انسان محکوم به شرایط نیست. از سوی دیگر، بحث در مورد آزادی و مسئولیت انسان، موری^۱ در حد واسط بین فروید و فروم است؛ او هم ناخودآگاه را مؤثر می‌داند و هم آزادی انسان را واقعیت می‌داند (شولتز و شولتز، ۱۹۹۸، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۸).

نظریه کلی: از نظر "کلی" انسان با الگوها یا قالب‌های مشخصی که خود خلق کرده است به دنیای خویش می‌نگرد، سپس تلاش می‌کند تا آن‌ها را با واقعیت‌هایی که جهان را تشکیل می‌دهند سازگار کند. این الگوها، الگوهای استنباطی نامیده می‌شوند که برای تعیین صحت و سقم مورد آزمایش فرد قرار می‌گیرند. ما خود این الگوها را تشکیل می‌دهیم، بنابراین مسئول رفتارهایی که از الگوهایمان ناشی می‌شود، نیز هستیم. او معتقد بود که ما خالق سرنوشت خود هستیم و توانایی داریم مسیر زندگی خود را انتخاب کنیم و این کار را با اصلاح الگوهای قدیمی و تشکیل الگوهای جدید انجام می‌دهیم. با وجود این، شرایط محیطی در تشکیل الگوهای ما مؤثرند و این الگوها به درک ما از دنیا جهت می‌دهند. بنابراین محیط در تعیین نوع دیدگاه ما تأثیر زیادی دارد ولی باز هم افراد در شرایط یکسان می‌توانند الگوهای منحصر به فردی داشته باشند و آزادی خود را حفظ کنند (لارنس^۲، ۲۰۰۱، ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۱).

چگونگی شهرک آموزشی شهروند مسئول ایرانی-اسلامی برای کودکان و نوجوانان

آموزش مسئولیت‌پذیری، فرزندان را قادر می‌سازد که از خود مراقبت کنند و در آینده به عنوان بزرگسالانی مسئول، وظایف خود را بر عهده بگیرند. این آموزش نیازمند جوئی خاص است. جوئی که اطلاعات و منابعی را برای کودکان فراهم می‌کند تا بتوانند در شرایط و موقعیت‌های مختلف، تصمیم‌های مناسبی را اتخاذ نمایند آموزش مسئولیت‌پذیری شامل آموزش‌های رفتاری، شناختی و هیجانی است مسئولیت‌پذیری به عنوان رفتاری اکتسابی، جزء جدایی‌ناپذیر آموزش‌های جامعه است و شاخص‌ترین نهاد جامعه، در آموزش مسئولیت‌پذیری به دانش‌آموزان نقش حیاتی دارد. (ونشان^۳، ۲۰۱۰). یکی از مهم‌ترین روش‌های آموزشی در روان‌شناسی تربیتی آموزش در عمل است در این روش آموزشی فرد را در موقعیت واقعی قرار می‌دهیم تا خود قدرت ارزیابی پیدا کند و بتواند قدرت تصمیم‌گیری خود را برای مدیریت شرایط اعمال کند (لی^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). در شهرک‌های آموزشی که شهرک آموزش ترافیک یکی از نمونه‌های موفق آن در کشور است کودک در موقعیت به نسبت واقعی قرار گرفته و در غالب بازی و تفریح فرایند آموزش را طی می‌کند در این شهرک کودکان هر کدام سمت‌های مختلفی را با توجه به علاقه خود و نیازهای جامعه شهرک انتخاب می‌کند و مریان با نظارت اداره شهر اختیارات را به کودکان و نوجوانان می‌دهند و تنها از ایجاد اغتشاشات و حرکت‌های اشتباه جلوگیری می‌کنند. در این شهرک بر اساس اینکه فردی نمرات بالاتری از نظر ملاک‌های مسئولیت‌پذیری دریافت کند وارد شورای اداره کننده شهر می‌شود و برای نمایندگی بخش‌های مختلف شهرک، شهردار و سایر سمت‌ها با دوستان خود رقابت می‌کند در چنین روندی اگر برای پیروزی خود عمل نامناسبی انجام داد از نمرات مسئولیت او کسر می‌شود. با چنین سازو کارهایی فرد می‌آموزد که رسیدن به چنین سمت‌هایی کار آسانی نیست و پس از کسب آن سمت اداره کردن آن بسیار مشکل است بنابراین پس از طی دوره آموزشی نگاه جمعی نسبت به اجتماع و کلیت آن پیدا می‌کند.

1. Murray
2. Lawrence
3. Wenshan
4. Li

ابعاد آموزشی شهرک آموزشی شهروند مسئول

برنامه انضباط مثبت^۱: این برنامه، بر پذیرش مسئولیت در حیطه‌های سلامتی، محیط و اطرافیان تأکید دارد و شامل طرح‌های زیر است: معرفی انضباط مثبت و ابعاد آن، چگونگی ارتباط با دیگران و احساس ارزشمندی، آموزش چگونگی حل تعارض با دیگران، پافشاری بر وظایف محوله و آموزش شیوه حل مسئله (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸).

برنامه یادگیری مبتنی بر خود^۲: در این روش بر ابعاد رفتاری-هیجانی و شناختی مسئولیت‌پذیری و تعامل بین آن‌ها توجه می‌شود و هدف این است که دانش آموزان مسئولیت رفتارها، تفکرات و احساسات و هیجانات خود را بپذیرند و آن‌ها را مدیریت کنند. این برنامه شامل طرح‌های زیر است: تشخیص ادراکات و احساسات در رفتار انسان، شناخت افکار و احساسات خود، کار کردن درباره احساس خشم و چگونگی مدیریت آن، تهیه طرح شخصی در زندگی و آموزش شیوه‌های مناسب فراسناختی^۳ و فراحافظه‌ای^۴ (بهرامی، ملکیان و عابدی، ۱۳۸۳).

برنامه واقعیت درمانی^۵: این شیوه مبتنی بر نظریه گلاسر^۶ است، هدف آن کمک به افراد در ارضاء نیازها به طور مسئولانه است. این برنامه شامل طرح‌های زیر است: برقراری ارتباط مطلوب عاطفی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، تأکید بر زمان حال در تصمیم‌گیری‌ها و عدم قضاوت ارزشی درباره رفتار، تهیه طرح و برنامه درباره رفتار و تعهد به انجام برنامه و طرح، کسب و نگهداری هویت توفیق و ارتقاء توانایی‌های اجتماعی در افزایش مسئولیت‌پذیری (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸). گلاسر معتقد است که روانکاوای به مردم یاد نمی‌دهد که مسئولیت زندگی و تصمیم‌های خود را بر عهده بگیرند، بلکه تنها گذشته افراد را سرزنش می‌کند؛ لذا برای مقابله با چنین روندی واقعیت درمانی را به وجود آورد. گلاسر معتقد است که مشکلات انسان و ناهنجاری‌های آن، حاصل نپذیرفتن مسئولیت‌هاست، زیرا فرد تصور می‌کند نمی‌تواند نیازهای اساسی خود را بر اساس وضعیت صحیح و دوستانه ارضا کند. او رفتار انسان را به اتومبیل تشبیه می‌کند، نیازهای اساسی، موتور ماشین و چرخ‌های عقب احساسات و فیزیولوژی هستند. چنین ماشینی را خواسته‌ها هدایت می‌کنند و عمل و تفکر درست مثل چرخ‌های جلو ماشین، جهت رفتار را تعیین می‌کنند. طبق این نظریه، کنترل تغییر مستقیم احساسات یا فیزیولوژی، بدون کمک گرفتن از عمل و تفکر دشوار است. این در حالی است که می‌توانیم صرف نظر از احساس خویش، عمل و تفکر را تغییر دهیم، رمز تغییر رفتار تغییر عمل است (به نقل از خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸).

موقعیت رشدی در آموزش: فرایند مسئولیت‌پذیری در طی دوره‌های زندگی، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. در مراحل اولیه رشد، افراد تنها نیازهای خاص خود را در نظر می‌گیرند. در مرحله بعد، زمانی که فرد از خود-مداری به طرف مسئولیت‌پذیری حرکت می‌کند، کشف مفهوم مسئولیت‌پذیری موجب می‌شود. فرد نیازهای خود و دیگران را همزمان در نظر بگیرد. مرحله مسئولیت‌پذیری مرحله ارزش قائل شدن برای فداکاری و مسئولیت‌پذیری، یعنی پشتیبانی از افراد وابسته و آسیب‌پذیر و تمایل به تسلیم‌پذیری در مقابل انتظارهای دیگران است. افراد مسئولیت‌پذیر از محبت‌های دیگران، بیش از خود و امکاناتشان استفاده می‌کنند. رسیدن به این مرحله، گاهی احساس عدم تعادل ایجاد می‌کند، اما کسب آگاهی از عدم تعادل بین خود و دیگران موجب برقراری تعادل تازه می‌شود، تعادلی که تنش بین خود-مداری و مسئولیت‌پذیری را از بین می‌برد (روح الهی، ۱۳۸۹). در این پژوهش دوره راهنمایی که سطح شناخت کودکان در سطح مناسبی قرار دارد به عنوان

1. Positive Discipline Programme
2. Based Self-Learning Programme
3. meta-cognition
4. meta-memory
5. Reality Therapy Programme
6. Glasser

زمان شرکت در شهرک آموزشی در نظر گرفته شده است زیرا قبل از این دوره کودک بسیاری از امور را نمی تواند به صورتی مطلوب ارزیابی کند.

مفاهیم انگیزشی در آموزش: همان طور که از معنی اصطلاح انگیزش^۱ بر می آید، به علت یا چرایی رفتار اشاره دارد. انگیزش یک مفهوم وسیع است، ولی روان شناسان مفهوم آن را به عواملی محدود می کنند که به رفتار نیرو و جهت می دهد. انگیزش توجه کننده نوع هدف های پیشرفت شخصی می باشد. مفهوم انگیزش، علاوه بر ارزشی که دارد، در تعیین این که چه عواملی در حکم تقویت کننده عمل می کنند نیز اهمیت زیادی دارد. یکی از ویژگی های شاخص رفتار انسانی، غایت نگرایی، یا به عبارت دیگر، هدف گرایی آن است. بر همین اساس است که رفتار انسان، در مقایسه با رفتار حیوانات، می تواند به مدت طولانی تری تداوم یابد.

انگیزش می تواند به دو صورت درونی و بیرونی عمل کند. انگیزش درونی^۲ یک نیروی طبیعی است که رفتار را در غیاب پاداش ها و فشارهای بیرونی نیرومند می کند. به عنوان مثال، علاقه، بدون کمک پاداش ها و فشارها، می تواند میل به خواندن کتاب را در فرد برانگیزد و شایستگی نیز می تواند فرد را ساعت ها در یک تکلیف درگیر کند. انگیزش بیرونی^۳ از مشوق ها و پیامدهای محیطی ناشی می شود. هنگامی که ما برای کسب نمره بالا، دریافت جایزه یا انجام یک تکلیف، در مدت تعیین شده تلاش می کنیم، در واقع رفتار ما به صورت بیرونی برانگیخته شده است. منشأ این نوع انگیزش، رویدادهای محیطی است؛ بنابراین نوعی دلیل محیطی برای شروع یا ادامه یک فعالیت باید موجود باشد. این نوع انگیزش وسیله ای برای رسیدن به هدف است. به طور مثال، برای شناخت تفاوت های فردی دانش آموزان، ابتدا باید به گرایش های انگیزشی آن ها توجه کرد. طبق این نظریه، افراد می توانند دارای انگیزش درونی، بیرونی و یا بدون انگیزش باشند. هنگامی که افراد احساس شایستگی و خودمختاری می کنند، دارای انگیزش درونی هستند. رفتار این افراد از درون هدایت می شود، آن ها به دیگران و یا به وقایع بیرونی به راحتی اجازه نمی دهند تا بر آن ها تأثیر بگذارند. از طرف دیگر، افرادی که انگیزش بیرونی دارند خود را با کفایت و یا خودمختار در نظر نمی گیرند؛ رفتار این افراد از بیرون هدایت می شود، یعنی وقایع بیرونی و افراد دیگر در رفتارها و تصمیم گیری های آن ها نقش بسیار مهمی ایفا می کنند. علاوه بر این، افرادی که فاقد انگیزش هستند، بین رفتار تحصیلی خود و اتفاقات مدرسه رابطه ای نمی بینند. این دانش آموزان رفتارهای منفعل، مطیع و اجتنابی را نشان می دهند و هیچ آمیدی به کنترل محیط خود ندارند. بنابراین، خود را به موقعیت های مختلف واگذار می کنند. در نتیجه، پیامد این امر منفعل بودن و بی مسئولیتی است (ریو^۴، ۲۰۰۵، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۶).

اهمیت شناخت: در دیدگاه منطقی و هیجانی آلیس^۵ (۱۹۷۹) یکی از هدف های درمان مراجعان را ایجاد مسئولیت در آن ها می داند و معتقد است که انسان های سالم خود می توانند مشکلاتشان را حل کنند. گرچه آن ها ممکن است به کمک دیگران احتیاج داشته باشند، اما از عدم کمک آن ها، ناراحت نمی شوند. آن ها قادر هستند زندگی خود را اداره کنند و در عین حال از وضعیت خود و دیگران با خبرند. او معتقد است که رفتار انسان از تفکرات او نشأت می گیرد. بنابراین، برای داشتن رفتارهای مسئولانه باید طرز تفکر مثبت و منطقی نسبت به خود، دنیا و سرنوشت داشته باشیم. برای مسئولیت پذیر کردن افراد باید روی شناخت آن ها کار کرد. این در حالی است که زایونک^۶ (۱۹۶۸) بیان می کند؛ اشتباه است که

1. motivation
2. intrinsic motivation
3. extrinsic motivation
4. Reeve
5. Ellis
6. Zajonc

فکر کنیم هیجان مجزا از شناخت و یا منحصرأ متأثر از آن است. تغییر شناخت موجب تغییر هیجان می‌شود ولی هیجان تا حدودی از شناخت مستقل است و فرد به صورت اختصاصی باید مراقب هیجان‌های خود باشد و نسبت به کنترل عواطف منفی خود مانند خشم احساس مسئولیت کند.

تکنیک‌های آموزش مسئولیت پذیری در شهرک آموزشی

برای تشریح تکنیک‌های آموزشی شهرک آموزشی شهروند مسئول ایرانی-اسلامی نکاتی را از کتاب «چگونه به فرزندان خود بیاموزیم که رفتاری مسئولانه داشته باشند» به عنوان ملاک‌های آموزشی در نظر گرفتیم و آن را به صورت کاربرد در شهرک آموزشی گسترش دادیم که در به قرار زیر است:

۱. حق اظهار نظر به کودکان: کودکان نیز باید در تعیین مقررات و محدودیت‌ها، حق ارائه دیدگاه داشته باشند. در طرح شهرک آموزشی ما اختیار کامل را به خود کودک و نوجوان می‌دهیم که مدلی از زندگی واقعی را انجام دهد. هر کودک در سمت اجتماعی خود باید بتواند وظایفش را انجام دهد و در مورد بهبود اداره شهر اظهار نظر کند.

۲. درک دلیل محدودیت‌ها: این کار پذیرفتن محدودیت را آسان‌تر می‌کند. از آنجایی که کودک در فرایند قانون گذاری در شهرک مسئولیت دارند خود اهمیت قوانین را درک می‌کند. و همچنین متوجه می‌شوند که در بسیاری از موارد قوانین بیرونی نمی‌تواند جواب گوی مسائل اجتماعی باشد و باید هر فرد به صورت درونی به فکر اجرای قوانین باشد.

۳. اطلاع داشتن از چگونگی وضع قانون: کودکان قبل از رعایت محدودیت، باید از وجود محدودیت و قانونی که وجود دارد، آگاه شوند. در این شهرک کودکان می‌آموزند که شرایط ایجاد یک قانون چگونه است و مسیر زمان بر دارد اما در صورتی که فرد اخبار چنین مسیری را دنبال نکند احساس می‌کند به ناگاه تغییر ایجاد شده در این شهرک کودک یاد می‌گیرد باید اخبار مربوط به قوانین را دنبال کند. این قانون ممکن است حتی در خانه باشد و توسط والدین وضع شود کودک باید متوجه شود که با تغییر شرایط گاهی قوانین هم تغییر می‌کند.

۴. قوانین را یادآوری کنید: کودکان گاهی اوقات مقررات و محدودیت‌ها را فراموش می‌کنند و در عین حال زمانی که به آن‌ها یادآوری می‌شود ناراحت می‌شوند کودک در شهرک آموزشی متوجه می‌شود که کسی که قانونی را به او متذکر می‌شود هدفی جز کمک به او ندارد. در عین حال کودک نیز باید روش‌های مناسب یادآوری قانون را بیاموزد و آن را بکار گیرد.

۵. آموزش تکنیک جایگزینی انتخاب: در این روش تا حد امکان از جمله‌های مثبت استفاده می‌شود در شهرک کودک می‌آموزد که به جای این که به دیگر کودکان بگوید: «با توپ داخل اتاق، بازی نکن» بهتر است بگوید: «می‌توانی با توپت در حیاط و روی چمن‌ها بازی کنی» با این شیوه، شنونده به انجام مقررات راغب‌تر می‌شود عدم اجرای این تکنیک در جامعه موجب بروز ناهنجاری‌های زیادی می‌شود زیرا در بسیاری موارد فرد مخاطب کار دیگر را در زندگی نمی‌شناسد و وقتی به او می‌گویم این عمل اشتباه را انجام ندهید احساس محدودیت کرده و واکنش‌های شدید نشان می‌دهد (گاتمن^۱، بدون تاریخ، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، ۱۳۸۶).

اهداف خروجی شهرک آموزشی شهروند مسئول ایرانی-اسلامی

- در امر آموزش همواره باید هدف‌های عملیاتی را در نظر بگیریم؛ این کار باعث می‌شود در مسیری مشخص و هدفمند حرکت کنیم. در مورد طرح شهرک آموزشی شهروند مسئول ایرانی-اسلامی نیز می‌توان مواردی که تحت عنوان ویژگی‌های افراد مسئولیت پذیر است به عنوان هدف‌های آموزشی در نظر بگیریم. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:
۱. نسبت به اعمال و رفتار خود آگاهی دارد و می‌تواند رفتار خود را از نگاه دیگران نیز بررسی کند. فرد متوجه می‌شود که هر تصمیمی که حتی در زندگی شخصی خود می‌گیرد بر زندگی دیگران تأثیر می‌گذارد.
 ۲. وظایف مقرر خود را، بی آن که نیازی به یادآوری داشته باشد، انجام می‌دهند. هدف نهایی شهرک آموزشی درونی کردن اصول اخلاقی و قوانین است به صورتی که فرد بدون حضور هیچ نیروی خارجی به شیوه‌ای درست عمل کند.
 ۳. آنچه که متعهد به انجام آن می‌شوند، به پایان می‌رسانند.
 ۴. قدرت تصمیم‌گیری دارند و می‌توانند تصمیماتی متفاوت برای یک موقعیت بگیرند. زیرا تصمیم‌گیری را جزئی از وظایف خود می‌دانند و نسبت به مسائل احساس سردرگمی یا بی مسئولیتی نمی‌کنند.
 ۵. زندگی هدفمند دارند و برای رسیدن به هدف‌های خود تلاش می‌کنند. یکی از مشکلات اصلی در زندگی امروز عدم وجود هدف در زندگی است که همین امر بی مسئولیتی را به دنبال دارد.
 ۶. بدون دلیل تراشی افراطی، به اشتباهات خود اعتراف می‌کنند و در این زمینه به تذکرات یادآوری شده افراد صلاحیت‌دار احترام می‌گذارند و آن‌ها را رعایت می‌کنند.
 ۷. سایرین را در حد افراط مقصر قلمداد نمی‌کنند و برای کارها و اشتباهات خود، دلایل مناسبی پیدا می‌کنند تا از تکرار آن جلوگیری کنند (کلاین^۱، بدون تاریخ، ترجمه میترا خطیبی، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ در امر مسئولیت‌پذیری می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و مسئولیت‌پذیر بودن را به عنوان یک ارزش در زندگی افراد جای دهد. درک اخلاقی افراد و فعالیت‌های اخلاقی افراد، مسئولیت‌پذیری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان داشتن نگاهی اخلاقی به جامعه در نظر گرفت. داشتن چنین نگاهی می‌تواند میزان رفتارهای مخرب را کاهش داده و احساس وظیفه‌شناسی را در جامعه نهادینه کند (کیم^۲ و کیم، ۲۰۱۰). جامعه می‌تواند به فرد بیاموزد که در انجام فعالیت‌های خود به نفع کل اجتماع نگاه کند و این دیدگاه را داشته باشد که اگر همه این‌گونه باشند او هم فایده بیشتری خواهد برد. چنین آموزش‌هایی موجب مشارکت فرد در سازمان‌های غیر دولتی^۳ (NGO) می‌شود که منفعت شخصی خاصی در پی ندارد و تنها برای هدف‌های جامعه‌پسندانه در آن‌ها فعالیت می‌کند (رین‌هارد^۴، آسبورگ^۵ و تاون‌سند^۶، ۲۰۱۰). در دنیای امروز روش‌هایی جدیدی برای امر به معروف و نهی از منکر

-
1. kelain
 2. Kim
 3. Non Government Organization
 4. Reinhard
 5. Osburg
 6. Townsend

وجود دارد و وجود شهرک‌های آموزشی یکی از آن‌هاست با این امر می‌توان از روش‌های جدید با کیفیت بالاتری به اهداف ارزشی خود دست پیدا کنیم.

منابع

۱. آیات قرآن کریم.
۲. بهرامی، فاطمه، ملکیان، حسین و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۳). بررسی مقایسه راهکارهای افزایش مسئولیت‌پذیری در بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان. *فصلنامه آموزه*، شماره ۱۷، ۶۶-۷۲.
۳. خدابخش، مهدی و عابدی، محمد رضا (۱۳۸۸). بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا. *مجله مطالعات روانشناختی*، دوره ۵، شماره ۱، ۱۱۳-۱۳۷.
۴. شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۶). *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۵. شولتز، دوان و شولتز، سیدنی‌الین (۱۹۹۸). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۸). تهران: نشر ویرایش.
۶. ریو، جان مارشال (۲۰۰۵). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۶). ویرایش چهارم، چاپ دهم، تهران: نشر ویرایش.
۷. روح الهی، حسین (۱۳۸۹). *بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان، مسئولیت‌پذیری و سازگاری فردی-اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۸. فرانکل، ویکتورامیل (بدون تاریخ). *انسان در جستجوی معنی*. ترجمه اکبر معارفی (۱۳۸۶). تهران: نشر دانشگاه تهران.
۹. کلاین، فلاستر (بدون تاریخ). *تربیت با عشق و منطق (آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان)*. ترجمه میترا خطیبی (۱۳۸۶). تهران: نشر اساطیر.
۱۰. گاتمن، مریلین (بدون تاریخ). *نظم آموزشی به کودکان: چگونه به فرزندان خود بیاموزیم که رفتاری مسئولانه داشته باشند*. ترجمه مهدی قراچه داغی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات پیک بهار.
۱۱. لارنس، ای پروین (۲۰۰۱). *روانشناسی شخصیت (نظریه و تحقیق)*. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور (۱۳۸۱). تهران: انتشارات رسا.
۱۲. مسروری ثانی، حسین (۱۳۸۴). *تعهد و مسئولیت از دیدگاه نهج البلاغه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

13. Apaydin, C., & Ercan, B. (2010). A structural equation model analysis of Turkish school managers' views on social responsibility. *Journal of Procedia Social and Behavioral Sciences*, 20, 590-598.
14. Bergsteiner, H., & Avery, G. C. (2010). A theoretical responsibility and accountability framework for CSR and global responsibility. *Journal of Global Responsibility*, 1, 8-33.
15. Berkley, R. A., & Watson, G. (2009). The employer-employee relationship as a building block for ethics and corporate social responsibility. *Journal of Employee Response Rights*, 21, 275-277.
16. Carr, D. (2009). Who's to blame? Perceived responsibility for spousal death and psychological distress among older widowed persons. *Journal of Health and Social Behavior*, 50, 359-375.
17. Cooke, M. (2010). Cost consciousness in patient care: What is medical education's responsibility?. *The New England Journal of Medicine*, 14, 1253-1255.
18. Ellis, A. (1979). Anger (how to live and without it). Retrieved from: <http://books.google.com/books?siteec=reviews&id=-1BkaVvRpeUC>.
19. Kim, Y., & Kim, S. Y. (2010). The influence of cultural value on perceptions of corporate social responsibility: Application of Husted's dimensions to Korean public relations practitioners. *Journal of Business Ethics*, 91, 485-500.

20. Li, K. Hau, C. Huang, Y. & Huang, D. (2011). A Study of the Influence of Creative Thinking Instruction Implemented in the Engineering Education “Mold Production Practice” Curriculum on the Creativity of Vocational High School Students. *Communication in Computer and Information Science*, 235, 239-245.
21. Marusic, A. & Marusic, M. (2010). A contribution to the authorship debate: Can we trust definitions and declarations? *The Journal of the European Medical Writers Association*, 19, 14-18.
22. Reinhard, K., Osburg, T. & Townsend, R (2010) Introducing corporate social responsibility as component in cooperative education: Results from a student research project in Germany and the United States supported by Intel Corporation Asia Pacific. *Journal of Cooperative Education*, 11, 11-12.
23. Taherbhai, F. (2005). Help-seeking in an online environment. Dissertation presented to the faculty of the college of education of Ohio University, in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, Instructional Technology.
24. Wenshan, S. (2010). Responsibility and its cultivation: From mental health perspective. *Journal of Psychological Explorations*, 30, 10-14.
25. Williams, G. (2010). Moral responsibility, Oxford bibliographies online: Philosophy. Retrieved from: http://eprints.lancs.ac.uk/28445/1/MS8-Moral_Responsibility_final%5Bprints_version%5D.pdf.
26. Zimmerman, B. J. (2001). Theories of self-regulated learning and academic achievement: An overview and analysis. New Jersey: Lawrence Erlbaum.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی و حقوق بین الملل

مهدی شایق^۱

عبدالله باقری^۲

چکیده

هدف نگارنده از بررسی موضوع جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی و حقوق بین الملل دستیافتن به این مهم می باشد که امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است ولیکن همواره باید به این نکته توجه نمود که مبحث آزادی بیان که امروزه در اسناد حقوق بشری به وضوح دیده می شود خود می تواند از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر باشد و اساساً سال های متمادی قبل از توجه حقوق بین الملل و حقوق بشر به مقوله آزادی بیان، سال ها پیش از آن جهت گیری غرب به سمت آزادی بیان، اسلام که متصل به منابع وحی و عقل است این حق و آزادی را محترم شمرده و از آن حمایت نموده است. بابررسی منابع اسلامی که مهم ترین آن قرآن و سنت می باشد می توان دریافت که امر به معروف و نهی از منکر آب حیات جامعه اسلامی و مردم سالاری دینی است چرا که اگر جامعه دینی بخواهد بدون امر به معروف و نهی از منکر پیش رود، آنگاه جامعه اسلامی تبدیل به جامعه ای سکولار گشته که فقط شعائر اسلامی را در پیشگاه خود دارد یعنی فقط ارزش ها عوض شده است بازوی اجرایی همان بازوی اجرایی نظام طاغوت است.

فلذا برای رسیدن به مردم سالاری دینی حقیقی، باید عملاً بازوهای اجرایی نظام اسلامی هم اسلامی گردد و البته راهی نیست برای رسیدن به این هدف جز از طریق اجرای حقیقی امر به معروف و نهی از منکر و اعمال نظارت همگانی بر بدنه اداری و اجرایی نظام اسلامی. همچنین باید متذکر شد که امر به معروف منافاتی با آزادی بیان ندارد و عملاً امر به معروف مصداقی از آزادی بیانی است که در متون حقوق بشری نیز بر احترام به این حق (آزادی بیان) تأکید شده است.

۱. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی

۱.۱. مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

امر و نهی عبارت است از دستوری از مقام بالا به مقام پائین که چنانچه از مادون به مافوق باشد آن را خواهش و تمنا گویند. امر گفته تا امتثال مخاطب، ضروری شود؛ به طوری که اگر امتثال نکند، مستحق توبیخ و مواخذه شود. به عبارت دیگر، امر، افاده ای وجوب می کند و مخاطب، ملزم به رعایت مفاد آن است و نهی، افاده ای تحریم می کند و مخاطب می بایست آن نهی را بپذیرد و آن کار زشت را ترک نماید. از فرمایش پیامبر (ص) که می فرماید: اگر ائمتم به مشقت نمی افتاد، آنان را امر به مساوکی می کردم، از این رو معلوم می شود که امر به معنی وجوب است و امکان تخطی از آن نیست. همچنین باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر، اصولاً نباید به حد الزام برسد به طوری که فرد، مسلوب الاختیار شود و نتواند منکری را انجام دهد و یا معروفی را ترک کند؛ چرا که در این صورت، فضیلتی برای آن فعل یا ترک، باقی نخواهد ماند. امر به معروف و نهی از منکر، اصولاً باید انسان را به طاعت، نزدیک و از معصیت، دور کند.

۱. دانشجوی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

۲. کارشناسی معارف اسلامی و حقوق از دانشگاه امام صادق (ع)، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه امام صادق (ع)، در حال تدوین پایان نامه با موضوع مسئولیت مدنی ناشی از اظهارات مقامات دولتی در حقوق ایران و انگلیس، کارآموز و کالت دادگستری.

البته اگر ضرورت داشته باشد و بخواهد به حد الزام برسد، اشکالی نخواهد داشت؛ اما این کار نباید به نام خدا انجام بگیرد چون خود خدا چنین کاری را در اصل آفرینش نکرده است یعنی با وجود این همه امر و نهی در مرحله تشریح، انسان را در مرحله تکوین، آزاد آفریده است و لذا هر چند معصیت خدا کرده اما جلوگیری الزامی از آن، باید به نام مردم و خواست اکثریت، انجام بگیرد.

و «معروف» گفته نه «حلال» و «منکر» گفته نه «حرام» و لذا شامل هر آنچه که عقل یا شرع آن را نیک یا بد بدانند می شود؛ اعم از مسائل اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، عبادی، اخلاقی، و جسمی، روحی، فردی، خانوادگی، دنیوی و اخروی و ... می باشد.

معروف و منکر دو واژه ضد هم هستند و منظور از معروف، رفتار پسندیده و منظور از منکر، رفتار ناپسندیده است و چون معروف به معنای «شناخته شده» و منکر به معنای «ناشناخته» می باشد، مراد از آن، این است که قول و فعل معروف، باید همواره از همه صادر و جلوی چشم و شناخته شده باشد ولی منکر نباید از کسی صادر شود و همواره باید غایب و ناشناخته بماند. پس منظور از امر به معروف یعنی دستور دادن به رفتارهای خوب و نهی از منکر یعنی بازداشتن از رفتارهای بد.

معنی دیگر معروف آن است که نفس سلیم آن را تحسین کند و منکر آن است که عقل سلیم آن را تقبیح کند و همچنین معروف آن است که شرع مقدس آن را توصیه کند و واجب و یا مستحب قرار دهد ولی منکر آن است که در شرع انور تقبیح شود و مکروه یا حرام اعلام گردد؛ چه یک مسأله‌ی فکری باشد و چه از نوع سخن و گفتار یا فعلی از افعال باشد.

معروف مثل تقوا، احسان، توبه، تلاوت قرآن، شکر خدا، مشورت، دعا، تفکر، صبر، عفو، خوف از خدا، رجاء به خدا، فرو بردن خشم، نماز، روزه، درست نشستن و ...

منکر نظیر: کتمان حق، بخل، قطع رحم، بدگمانی، دروغ، غیبت، حسادت، ریاست طلبی و

امر به معروف، آغاز نور است و نهی از منکر، پایان ظلمت می باشد و این فریضه، اختصاص به عرصه اخلاقیات ندارد بلکه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ورود و ظهور پیدا می کند و از این جهت اهمیت فوق العاده‌ای دارد.

۲,۱. انواع امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر را از چند جهت می توان دسته بندی نمود:

۱. یکی از جهت وجوب و استحباب آن دو که از این جهت، هر کدام بر دو قسم است: امر به معروف واجب و امر به معروف مستحب. امر به معروف واجب آن است که معروفی که ترک شده واجب باشد که در این صورت امر بدان نیز واجب می شود. و امر به معروف مستحب آن است که معروفی که ترک شده، مستحب بوده که امر به انجام آن نیز مستحب است. و نهی از منکر نیز بر دو قسم است: نهی از منکر واجب و نهی از منکر مستحب. منظور از نهی از منکر واجب، آن است که منکری که انجام یافته، فعل حرامی بوده که نهی از آن، واجب می شود. و منظور از نهی از منکر مستحب آن است که منکری که به وقوع پیوسته، مکروه بوده است که امر به ترک آن برای ناهی مستحب است و یا ترک نهی از منکر برای وی، مکروه است.

۲. دیگری از جهت وجوب عقلی یا شرعی داشتن آن دو که از این جهت می توان گفت: وجوب امر به معروف و نهی از منکر، هم یک وجوب عقلی است و هم یک وجوب شرعی با این تفاوت که در معروفات و منکرات

عقلی، امر به معروف و نهی از منکر، وجوب عقلی خواهند یافت و در معروفات و منکرات شرعی، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب شرعی خواهند یافت و در مواردی که وجوب معروفات و منکران، هم عقلی و هم شرعی باشند، امر به معروف و نهی از منکر، عقلاً و شرعاً واجب خواهد شد.

۳،۱. امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

در قرآن آیات زیادی وجود دارد که به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و زوایای گوناگونی از این واجب عقلی و شرعی را بیان فرموده است که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱

«شما مسلمانان بهترین امتی بودید که برای مردم پدیدار شدید؛ زیرا به کار نیک فرمان می‌دادید و از کار ناپسند باز می‌داشتید و به خدا ایمان آوردید. پس اگر اهل کتاب نیز دعوت خدا را پذیرفته بودند، قطعاً! برایشان بهتر بود؛ ولی تنها گروهی از آنان ایمان آوردند و بیشترشان از فرمان خدا خارج شدند.»

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، اولاً دلیل خیر بودن امت معرفی شده و ثانیاً مخاطب امر و ناهی، همه مردم هستند و کسی استثناء نیست و ثالثاً نفع این کار به خود مردم بر می‌گردد و رابعاً در ردیف ایمان به خدا ذکر شده که نشان از جایگاه والای آن دارد.

۲. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ أُمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يَأْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲

«مردان و زنان مؤمن همه سرپرست و مسئول یکدیگرند، همواره مردم را به کار نیکو امر می‌کنند و از کار زشت باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند. اینان همان‌هایی هستند که خداوند به زودی به آنان ترحم می‌نماید و خدا عزیز و حکیم است.»

در این آیه جالب توجه است که اولاً امر به معروف و نهی از منکر را فرع بر ولایت معرفی کرده است و این نشان می‌دهد که اگر چنین ولایتی در کار نبود، کسی حق نداشت چنین امر و نهی کند. و ثانیاً قبل از اقامه نماز و پرداخت زکات آمده و این امر نشانگر اهمیت آن است.

در آیه‌ی دیگری در همین سوره آنجا که از منافقین سخن به میان می‌آورد می‌فرماید:

«الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ...»^۳

«مردان و زنان منافق، همه در داشتن صفات ناپسند و ارتکاب کارهای ناروا مانند یکدیگرند. آنان به کار ناروا فرمان می‌دهند و از کار پسندیده، باز می‌دارند...»

در این آیه چند مطلب قابل توجه است:

اولاً منافقان را در مقابل مومنان قرار داد و نه کافران را؛ چرا که فعالیت منافقان در درون جامعه دینی است و مراقبت از اعمال آنان و سرکوب دشمن داخلی، مقدم بر سایرین است.

۱. آل عمران، ۱۱۰.

۲. توبه، ۷۱.

۳. توبه، ۶۷.

ثانیاً خداوند زنان و مردان منافق را از هم معرفی می‌کند نه ولیّ بر هم؛ چون در این نفاق، از هم تأثیر پذیرفته‌اند؛ در حالی که نباید این اتفاق می‌افتاد و اینان هیچ ولایتی بر هم ندارند نه همدیگر را دوست می‌دارند و نه نسبت به هم احساس سرپرستی می‌کنند.

ثالثاً اینان بر عکس مومنان عمل می‌کنند یعنی امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند.

۳. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱

«و باید از شما گروه و جمعیتی باشند که مردم را به خیر دعوت کنند و امر به نیکی و نیکوکاری کنند و از بد و بدکاری نهی کنند و اینان همان رستگارانند.»

در این آیه اولاً اگر «من» را بعضیه بگیریم، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ی بعضی از مردم می‌شود و اگر «من» را بیانیته بگیریم، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، یک وجوب همگانی می‌شود. و ثانیاً کلمه‌ی «ولتکن» فعل امر است و امر، افاده‌ی وجوب دارد و ثالثاً ذکر امر به معروف و نهی از منکر پس از دعوت به خیر از قبیل ذکر خاص به عام است و نشان می‌دهد که امر و نهی یکی از مصادیق خیر است و رابعاً هم حصر رستگاران در دعوت کنندگان به خیر و آمرین به معروف و ناهین از منکر، جلوه‌ی خاصی به این امر داده است.

در حدیث وارد شده است که راوی می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که سؤال شده است: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام فرمود: نه. سؤال شد چرا؟

فرمودند: تنها برای افراد مقتدر، مطاع و عالم به معروف و منکر، واجب است؛ نه بر ضعیف و ناتوانی که خود، راه را از چاه باز نمی‌شناسد و نمی‌داند از کجا به کجا می‌رود؟ از حق می‌گوید یا از باطل؟ و دلیل بر این مطلب آیه شریفه است که می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۲

که خاص می‌باشد نه عام.^۳

همانطور که خداوند فرمود: «وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^۴ و خدا نفرموده: بر امت موسی یا بر کل قوم موسی...»^۵

۴. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُمْ كُنُوزًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِمْ وَرُحْمًا يُنْزَرُوا وَهُوَ آتِبَعُوا لَتَرَنَّ الْأَثَرُ الَّذِي نَزَّلْنَا بِرِئَابِهِمُ الْمُنْكَرُونَ»^۶

«همان‌ها که از فرستاده و پیامبر امّی، پیروی می‌کنند پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد... پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده (قرآن) پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

۱. آل عمران: ۱۰۴.

۲. آل عمران: ۱۰۴.

۳. یعنی در آیه، دو کلمه «مِن» و «امّة» آمده که هر دو دلالت بر بعض دارند.

۴. اعراف: ۱۵۹.

۵. در این آیه نیز، دو کلمه‌ی «مِن» و «امّة» آمده که اولی دلالت بر بعض دارد و دومی نشان می‌دهد از میان امت‌های موسی ۷، وجود یک امت برای این امر کافی است.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۰، حدیث ۱.

۷. اعراف: ۱۵۷.

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق دعوت انبیاء معرفی شده است. که نتیجه تبعیت از آن رستگاری است.

۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌هایتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید...»
در این آیه نگه داشتن اهل و عیال از آتش جهنم بر شخص واجب شده است و این کار، بدون امر به معروف و نهی از منکر، امکان ندارد.

۶. «يَا بَنِي آدَمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۲

«ای پسرک من! نماز را به پا دار و به کار شایسته فرمان ده و از کار ناشایست نهی کن...»

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، در ردیف نماز قرار داده شده است که نشان از اهمیت آن دارد.

۷. «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ

اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۳

«توبه کنندگان، عبادت کنندگان، حمد کنندگان جابجا شوندگان برای عبادت، رکوع کنندگان، سجده کنندگان و آمران به معروف و ناهیان از منکر و حافظان حدود الهی (مومند) و به مومنان بشارت ده.»

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، از لوازم ایمان شمرده شده و به آن بشارت داده است.

۸. «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحَقُّوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۴

«آنان که اگر در زمین به ایشان قدرت دهیم، نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به آنچه شایسته است فرمان می‌دهند و از آنچه ناشایسته است، نهی می‌کنند و فرجام امور به دست خداست.»

در این آیه نیز امر به معروف و نهی از منکر، در ردیف نماز و زکات ذکر شده است که نشان از اهمیت آن دارد. و همچنین به لزوم تشکیل حکومت اشاره رفته تا بتوان این فرائض الهی، جامه عمل پوشاند.

۹. «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۵

«چرا علمای نصاری و یهود، ملت خود را از گفتارهای گناه و حرام‌خواری باز نمی‌دارند؟ راستی چه رفتار بدی است که می‌کنند.»

این آیه علماء را مسئول اعمال عوام از مردم معرفی می‌کند و سکوت آنان را در برابر اعمال زشت، تقبیح می‌کند. از دیدگاه قرآن، علمای هر مذهب مسئولیت دارند که خیر و صلاح امت‌ها را در نظر بگیرند و آنان را به سوی رستگاری و فلاح رهنمون شوند و الا ملعون و مبعوض خدا و مردم قرار خواهند گرفت. و بدیهی است لازمه انجام چنین مسئولیت بزرگی، برخورداری از نوعی ولایت نسبت به مردم است که اولاً در شئون آنان دخالت کنند و ثانیاً آنان نیز موظف باشند از اینان حرفشوی داشته باشند و اینان را اطاعت کنند.

۱. تحریم، ۶.

۲. لقمان، ۱۷.

۳. توبه، ۱۱۲.

۴. حج، ۴۱.

۵. مانده: ۶۳.

۱۰. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فُؤَا أُنْفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱

«از میان بنی اسرائیل، آنان که کافر شدند، بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند. این بدان سبب بود که آنان نافرمانی کردند و همواره از حدود الهی تجاوز می کردند و هرگز از کارهای ناپسندی که انجام می دادند، باز نمی ایستادند و به راستی، کارهایی که می کردند، بد بود.»

در این آیه آنان به خاطر این که نهی از منکر را نمی پذیرفتند، مستحق لعن شده اند.

۱۱. «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ»^۲

«شگفت است که چرا از امت هائی که پیش از شما می زیستند، گروهی نبودند که قومشان را از فسادگری در زمین باز دارند و از عذاب برهاند؟ آری عده ای اندک باقی ماندند همانان که چون عذاب فرا رسید، نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند، از پی لذت ها و نعمت هایی رفتند که در آن غوطه ور بودند در حالی که گناهکار بودند.»

در این آیه، آمده است: کسانی که از فساد در زمین نهی نمی کردند، نابود شدند و عده اندکی که از این وظیفه سر باز نمی زدند، مورد عنایت خدا قرار گرفتند.

۱۲. «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابٍ بَيِّسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»^۳

«پس چون گناهکاران، آنچه را که بدان تذکر داده شده بودند، به فراموشی سپردند، کسانی را که از گناه نهی می کردند، نجات بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند، به سزای این که از اطاعت خدا خارج شدند، به عذابی ناگوار دچار کردیم.»

در این آیه نیز خود داری از نهی از فساد در زمین، عامل هلاکت و نهی از عمل سوء، عامل نجات از عذاب الهی معرفی شده است.

۱۳. «... مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿۱﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»^۴

«...از میان اهل کتاب گروهی هستند که به ایمان و اطاعت خدا پایدارند و در ساعاتی از شب، آیات خدا را تلاوت می کنند و سر به سجده می نهند. به خدا و روز جزا ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند باز می دارند و در انجام کارهای نیک شتاب می کنند و آنان از شایستگانند»

در این آیه، اولاً امر به معروف و نهی از منکر، جزو اعمال نیک اهل کتاب معرفی شده است. یعنی معلوم می شود در شرایع سابق نیز بوده است ثانیاً عمل به این فریضه جزو مصادیق خیر و صلاح است.

۱۴. «اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿۲﴾ اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿۵﴾

«به سراغ فرعون بروید که طغیان کرده است و به نرمی با وی سخن بگویید»

۱. مائده، ۷۸ و ۷۹.

۲. هود، ۱۱۶.

۳. اعراف، ۱۶۵.

۴. آل عمران، ۱۱۳ و ۱۱۴.

۵. طه، ۴۳ و ۴۴.

در این آیه، موسی و هارون مأموریت می‌یابند که برای امر به معروف و نهی از منکر فرعون به سراغ وی رفته و با وی به نرمی سخن بگویند. نکته مهم در آیه شریفه چنین امر است که خداوند هنگامی که می‌خواهد موسی را به سوی فرعون، آن بزرگ طغیانگر زمانه خویش روانه سازد، باز به حضرت موسی تأکید می‌نماید که با فرعون به آرامی و با ملایمت سخن بگو. این نکته به خصوص برای زمانه‌ی ما بسیار مهم است که خداوند رحمن چقدر نسبت به بنده‌ی خویش مهربان است که حتی نسبت به فرعون، فرعون‌نی که حتی ادعای خداوندی می‌نمود ابراز عطف می‌نماید و می‌فرماید با او به نرمی سخن گویند.

آمرین به معروف و ناهین از منکر در جوامع کنونی باید بسیار دقت کنند که قطعاً افراد مخطی در جوامع امروزی، هرچقدر هم خطا نمایند از فرعون آن زمان، بدتر نیستند و باید بایبانی لطیف و مهربان با فرد خطاکار سخن گفت.

۴,۱. امر به معروف و نهی از منکر در سنت نبوی

فرضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در احادیث و روایات معصومین به وفور وارد شده است و همگی دلالت دارند بر این که امر به معروف و نهی از منکر، به مصلحت عموم مردم و از فرائض شرعی و مسلمات و ضروریات دینی و بلکه از افضل فرائض و اشرف و اعظم آن‌ها است؛ چرا که به برکت آن است که سایر واجبات بر پا هستند؛ به طوری که اگر امر به معروف و نهی از منکر، ترک شود، موجب عذاب و هلاک عمومی می‌گردد و خداوند غضبناک شده و اشرار بر انسان مسلط گشته و دعاها مستجاب نمی‌شود. در اینجا به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم:

۱. از رسول الله (ص) نقل است که فرمودند:

«جبرئیل به نزد من آمد و گفت: یا احمد! الاسلام عشر اسهم و قد خاب من لا سهم له فیها. اولها: شهادة ان لا اله الا الله و هی الکلمه. و الثانیه: الصلوه و هی الطهر و الثالث: الزکاه و هی الفطره و الرابعه: الصوم و هی الجنه و الخامسه: الحج و هی الشریعه و السادسه: الجهاد و هو العز و السابعه: الامر بالمعروف و هو الوفاء و الثامن: النهی عن المنکر و هی الحججه و التاسع: الجماعه و هی الألفه و العاشره: الطاعه و هی العصمه»^۱

اسلام بر ده سهم است و خسرانکار است کسی که از آن سهمی ندارد «اول آن شهادت به وحدانیت خداوند ... و هفتم امر به معروف ... و هشتم نهی از منکر و...».

۲. حضرت امام موسی کاظم (ع) از حضرت علی (ع) نقل فرمود که پیامبر (ص) فرمودند:

«قومی که امر به معروف و نهی از منکر نکنند، قوم بدی هستند. کسانی که آمران به معروف و ناهیان از منکر را مورد تهمت قرار می‌دهند، بد مردمانی هستند. بدانند کسانی که برای خدای متعال به عدل قیام نکنند...»^۲

۳. پیامبر (ص) فرمودند: همانا خداوند عز و جل مؤمن سست را که دین ندارد، دشمن می‌دارد. عرض کردند: ای رسول

خدا! مؤمنی که دین ندارد، کیست؟ فرمود: کسی است که از کارهای نا شایست منع نمی‌کند.^۳

۴. ابو عبیده جراح از پیامبر (ص) سؤال کرد: در روز قیامت، عذاب چه کسی از همه سخت تر است؟ فرمودند:

«رجل قتل نبیاً او رجلاً أمر بالمعروف و نهی عن المنکر»^۴

در این حدیث امر به معروف و ناهی از منکر در ردیف انبیاء قرار گرفته است.

۱. وسائل الشیعه، ح ۱، حدیث ۲۳، من ابواب مقدمه العبادات.

۲. الراوندی، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۹.

۴. مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۴۲۳.

۵. از رسول الله (ص) نقل است که فرمودند:

«ان الله عز و جل لا يعذب العاصه بعمل الخاصه حتى يروا المنكر بين ظهرائهم قادرون ان ينكروه فإذا فعلوا ذلك عذب الخاصه و العامه»^۱

خداوند عموم مردم را به خاطر عمل خواص عذاب نمی کند مگر هنگامی که مردم منکرات را بین خود آشکار ببینند و با وجود قدرت، امر به معروف و نهی از منکر نکنند که در این صورت همه خاص و عام را با هم عذاب می کند.

۶. از حضرت علی (ع) نقل شده که در وصیتش به فرزندش محمد ابن حنفیه آورده: یا بنی اقبل من الحكماء مواعظهم و تدبیر احکامهم و کن آخذ الناس بما تأمر به و أكفّ الناس عما تنهى عنه و أمر بالمعروف فكن من اهله فإن استتمام الأمور عند الله تبارک و تعالی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر^۲

۷. حضرت علی (ع) فرمودند: امر به معروف، برترین اعمال مردم است.^۳

۸. حضرت علی (ع) فرمودند: هدف و غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و بر پا داشتن حدود الهی است.^۴

۹. حضرت علی (ع) می فرمایند:

«و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله، عند الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کفنه فی بحر لیج...»^۵

همه ای اعمال نیکو به انضمام جهاد در راه خدا، در نزد امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست جز قطره ای و جرعه ای در مقابل دریای پهناور. امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می کند و نه از مقدار روزی می کاهد. از همه ای این ها برتر، گفتن سخن حق در پیش روی حاکمی ستم کار است»

۱۰. از حضرت علی (ع) نقل شده که در یکی از خطبه هایش پس از حمد و ثنای خدا فرمودند:

«اما بعد فانه انما هلك من كان قبلکم حیثما عملوا بالمعاصی و لم ينهیهم الرّبانیون و الاحبار عن ذلك نزلت بهم العقوبات فأمروا بالمعروف و انهوا عن المنکر و اعلموا انّ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لن یقرّبا أجلاً و لن یقطعاً رزقاً»^۶

اما بعد، گذشتگان بدان علت هلاک شدند که معصیت کردند و علماء و بزرگان شان آن ها را از انجام معاصی نهی نکردند به همین دلیل عقوبت و مجازات الهی بر آن ها نازل گشت پس امر به معروف و نهی از منکر نمایید و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر اجلی کسی را فرا نمی رساند و روزی کسی را قطع نمی کند.

۱۱. در روایت دیگری می فرمایند: به واسطه امر به معروف و نهی از منکر، نقص برطرف می شود یا کمال افراد زیاد می شود و یا هر دو حاصل می گردد.

۱۲. و در جای دیگر می فرمایند: «أما حقّی علیکم فالوفاء بالبیعه و التصیحه فی المشهد و المغيب»^۷

حق من برگردن شما این است که به بیعت خویش با من وفادار باشید و در حضور و غیاب من، مرا نصیحت نمایید.

در این حدیث باید به این نکته توجه داشت که امام، معصوم می باشد پس چرا به مردم می فرماید که مرا نصیحت کنید؟

۱. تفسیر المنار، ج ۹، ص ۶۳۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، حدیث ۲، من باب ۱۰، من ابواب الامر و النهی.

۳. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۱.

۴. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۱.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۶. کافی، نظیر تتمه این حدیث از امام صادق (ع) در وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۱، من ابواب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر آمده است.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

شاید بتوان گفت که از این باب امام فرمودند که مرا نصیحت کنید که ایشان الگوی جامعه اسلامی هستند آنگاه که امام معصوم چنین می‌فرمایند دیگر مابقی حکمرانان که معصوم نیستند به طریق اولی نیازمند نصیحت ملت‌اند و باید حاکمان و دولتمردان از این سخن امام این درس رافرا بگیرند که همیشه گوش شنوا برای نصایح ملت داشته باشند. اساساً این بیان معصوم دلالت است بر یک نظام حکومتی و اجتماعی که حتی اگر در رأس آن معصوم قرار گیرد باز گوشی شنوا برای نصایح مردم وجود دارد تا هیچ‌گاه نظارت همگانی حذف نشود و همواره مردم بدین وسیله بر حکمران نظارت داشته باشند. (و البته اظهر من الشمس است که امام معصوم که خود «خزان العلم» و «ساسة العباد» است هیچ‌گاه نیازمند نصیحت مردم نمی‌باشد)

۱۳. در خطبه‌ی معروف حضرت زهرا(س) آمده است:

«فجعل الايمان تطهراً لكم من الشرك... و الامر بالمعروف مصلحه للعامة»

خداوند ایمان را موجب تطهیر از شرک... و امر به معروف را به جهت مصلحت عموم مردم وضع نمود.

۱۴. امام باقر(ع) می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، واجبی عظیم است که دیگر واجب‌های الهی با آن بر پا می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است؛ واجب بزرگی است که به وسیله‌ی آن دیگر فریضه‌ها اقامه، راه‌ها امن، درآمدها حلال، مظالم باز گردانده، زمین آباد و حق از دشمنان گرفته و کارها مستقیم می‌شود.

۱۵. از امام صادق(ع) نقل است که فرمود: مردی از قبیله‌ی خثعم به پیش پیامبر آمد و گفت:

«یا رسول الله اخبرنی ما افضل الاسلام؟ قال: «الايمان بالله. قال: ثم ما ذا؟ قال: صله الرّحم. قال: ثم ما ذا؟ قال: الامر

بالمعروف و النهی عن المنکر...»^۱

افضل اعمال در اسلام چیست؟

فرمودند ایمان به خداوند

پس از آن چه عملی؟

فرمودند: صله رحم

پس از آن چه عملی؟

امر به معروف و نهی از منکر....

حال که به بررسی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و سنت پی بردیم اکنون به بررسی فلسفه و جوب آن می‌پردازیم.

۵,۱. فلسفه و جوب امر به معروف و نهی از منکر

علت و جوب امر به معروف و نهی از منکر را باید در یکی از ویژگی‌های دنیا دانست که با عالم آخرت تفاوت ماهوی دارد و آن این که دنیا، دار تأثیر و تأثر و سرنوشت مشترک است به طوری که گفته‌اند: خشک هم به جرم تر می‌سوزد و آب اگر از میان گلزار بگذرد، بوی گل می‌گیرد و اگر از میان لجن‌زار بگذرد، بوی لجن می‌گیرد و تو بگو دوست کیست تا من بگویم تو کیستی و.... در حالی که آخرت، دار تأثیر و تأثر نیست و سرنوشت هر کسی، مخصوص به خود اوست.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، حدیث ۱۱ من باب ۱ من ابواب الامر و النهی.

بهترین مثال را در این زمینه پیامبر اکرم (ص) زده‌اند که همان مثال کشتی است که اگر کسی بخواهد آن را سوراخ کند، دیگران دست او را می‌گیرند و از این کار ممانعت به عمل می‌آورند؛ چرا که سرنوشت‌ها مشترک است و با این کار، همه غرق می‌شوند نه فقط شخص سوراخ‌کننده که اگر چنین می‌بود، کسی کاری به کارش نداشت.

یکی دیگر از فلسفه‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که ضمانت اجرای احکام اسلامی می‌باشد؛ همانطور که تشویق مطیعان و ثواب دادن به آن‌ها و تنبیه عاصیان و عقوبت آنان، یک نوع ضمانت اجرای قوانین الهی است. وجوب امر به معروف و نهی از منکر، نیز تضمین‌کننده و احیاکننده‌ی شریعت است.

اگر بخواهیم به حدیث مولی علی (ع) عمل کنیم که هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز پسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز نپسند، عمل کنیم، لازمه‌اش امر به معروف و نهی از منکر است.

در احادیث آمده است که راضی شدن به گناه دیگران، خود گناه است و لذا لازمه‌ی آن انجام امر به معروف و نهی از منکر است.

امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند جلوی تک‌روی افراد را بگیرد و کاری کند که آنان خیال نکنند که از هر جهت بی‌عیب و نقص‌اند و لذا به شادمانی کاذب که قرآن می‌فرماید: «کلّ حزب بما لدیهم فرحون» دست نیابند و همچنین از همفکری دیگران محروم نمانند.

۱.۵.۱. نظارت اجتماعی

از بهترین جلوه‌های اخلاق اجتماعی در اسلام، «امر به معروف» و «نهی از منکر» است. اقتضای این اصل که «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز پسند» آن است که انسان در انجام معروف و عمل به آن خودخواه و خودبین نباشد. خوبی‌ها و فضایل را تنها برای خود نخواهد و دوری و پرهیز از زشتی‌ها را اختصاصی نکند؛ بلکه بکوشد خوبی‌ها را در سطح جامعه و جهان گسترش دهد و زشتی‌ها و بدی‌ها را در هر جایی که می‌بیند، از بین ببرد. با توجه به این فریضه، هیچ مسلمانی نمی‌تواند فقط به دنبال خیر خود باشد؛ بلکه بر او واجب است که دیگران را نیز به خیر فرا خواند و از شر آگاه سازد:

امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و زیباترین نشانه‌ی اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است. امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن؛ یعنی دغدغه‌ی هدایت و ارشاد دیگران را داشتن؛ یعنی هنگامی که می‌بینیم دیگران در حال افتادن در چاه ضلالت و شقاوت‌اند، ساکت و خاموش نشینیم. امر به معروف و نهی از منکر، یعنی احساس مسئولیت در برابر حقیقت.

گفتنی است با توجه به آیات قرآن، دانسته می‌شود که «امر به معروف» و «نهی از منکر»، در ادیان دیگر نیز وجود داشته است. قرآن کریم، از زبان حضرت لقمان خطاب به فرزندش می‌فرماید:

«پسر! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است»^۱.

آیات و روایات بسیاری، از جهات متعدد و متنوعی، این وظیفه اجتماعی، دینی و سیاسی را مورد تأکید قرار داده، ابعاد مختلف آن را گوشزد کرده‌اند. علت برتری امت اسلامی بر سایر امت‌ها، عمل به همین فریضه دانسته شده است:

«کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله».

۱. یا بنی اقم الصلاة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور. (لقمان (۳۱): ۱۷)

امربه معروف و نهی از منکر، یکی از وظایف پیامبران معرفی شده است. امیرمؤمنان علی (ع) مهم ترین دلیل پذیرش خلافت را پس از قتل عثمان، امربه معروف و نهی از منکر دانست. امام حسین (ع) علت اصلی قیام خود را اقامه امربه معروف و نهی از منکر معرفی کرد.

اهمیت امربه معروف و نهی از منکر در اسلام، به دلیل نقش پایه‌ای و اساسی آن در تحقق سایر احکام و دستورات دینی است. اجرای آن، تحقق دین را در پی دارد و ترک آن، فراموشی و کم‌رنگی دین و آموزه‌های دینی را. امام محمد باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

«به درستی که امربه معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. وظیفه واجب است که به وسیله آن سایر واجبات برپا می‌شوند، راه‌ها امنیت پیدا می‌کنند و درآمدها حلال می‌شوند و مظالم (حقوقی که به ظلم گرفته شده‌اند) بازگردانده می‌شوند و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها رو به راه می‌گردد»^۱.

علی بن ابیطالب (ع) درباره جایگاه ویژه امربه معروف و نهی از منکر در میان سایر احکام و دستورات دینی می‌فرماید: و همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، برابر امربه معروف و نهی از منکر، چون قطره‌ای است در برابر دریای موج پهناور... و برتر از همه این‌ها سخن عدلی است که پیش روی حاکمی ستمکار گویند.^۲

احادیث درباره امربه معروف و نهی از منکر چندان فراوان است که آدمی را اشباع می‌کند و به تحریک برمی‌انگیزد و جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای ترک آن یا اهمال و سستی در اجرای آن باقی نمی‌گذارد. پیامبر رحمت (ص) فرموده‌اند: «خداوند نسبت به مؤمن ضعیفی که دین ندارد، خشمگین است.»

از آن حضرت پرسیده شده: «منظور از مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟» در پاسخ فرمود: «کسی که نهی از منکر نمی‌کند.»

حضرت علی (ع) در نامه سراسر حکمت خود به فرزندش پس از توصیه به حکمت آموزی، تواضع، یاد مرگ و امثال آن، از او می‌خواهد در احیای وظیفه اجتماعی امربه معروف و نهی از منکر کوشا باشد و تنها به فکر خود نبوده دست دیگران را نیز بگیرد^۳:

«به کار نیک امر کن و خود را در شمار نیکوکاران در آر. به دست و زبان، کار ناپسند را زشت شمار و از آنکه کار ناپسند کند با کوشش خود را دور بدار. در راه خدا بکوش، چنانکه شاید، و از سرزنش ملامت گران بیمی نیاید.»

۲.۵.۱. وظیفه‌ای عمومی

امربه معروف و نهی از منکر، برخلاف برخی دیگر از احکام دینی و اخلاقی، وظایفی عام هستند. این دو وظیفه اخلاقی از جهات مختلف عمومیت دارند.^۴ توضیح آنکه:

۱. ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تamen المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینصف من الاعداء و یتقیم الامر. (محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۶، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و ما یلحق به، باب ۱، ص ۱۱۹، حدیث ۶).

۲. و ما اعمال آلیر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کتفه فی بحر لحي ... و افضل من ذلک کلمه عدل عند امام جائز. (نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، حکمت ۳۷۴، ص ۴۲۹)

۳. همان. نامه ۳۱.

۴. محمد اسفندیاری، بعد اجتماعی اسلامی، ص ۷۶؛ سید حسن اسلامی، «امر به معروف و نهی از منکر»، دانش نامه امام علی، ج ۶، ص ۲۶۷.

اولاً همه مسلمانان، از زن و مرد و کوچک و بزرگ، مشمول این حکم هستند؛ یعنی این وظیفه، مربوط به فرد یا گروه خاصی نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است بر عهده همه افراد جامعه، و در حقیقت، یک نوع نظارت عمومی و همگانی و ملی است؛

ثانیاً، این حکم در همه زمان‌ها قابل اجراست. توضیح آنکه با توجه به مراتب و مراحل مختلفی که امر به معروف و نهی از منکر دارد، یعنی مرحله قلبی، لسانی و عملی، روشن است که هیچ قدرتی در هیچ زمانی نمی‌تواند از امر به معروف و نهی از منکر قلبی جلوگیری کند. افزون بر این، برخی از فقیهان بزرگ، همچون شیخ طوسی و صاحب جواهر^۱ تصریح کرده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر عملی این است که خود فرد عملاً در اجرای فضایل و ترک رذایل بکوشد و روشن است که این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر نیز قابل جلوگیری و ممانعت از سوی هیچ قدرتی نیست؛^۲

ثالثاً، نسبت به همه افراد نیز قابل اجراست؛ یعنی امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، صرفاً متوجه فرد یا افراد خاصی نیست؛ بلکه همه افراد جامعه را به یکسان دربرمی‌گیرد، حتی حاکمان و قدرتمندان را. با استناد به این فریضه کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین افراد جامعه می‌تواند گریبان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین افراد جامعه را گرفته، لغزش‌ها و خطاهای آنان را گوشزد نموده و آنان را امر و نهی کند؛

زنی از طبقه اشراف مدینه، دست به دزدی زده بود، پیامبر اکرم (ص) دستور اجرای حکم اسلامی را مبنی بر قطع انگشتان دست او صادر کردند. برخی از بزرگان قریش جمع شده، به محضر ایشان رفته و شگفتی خود را از این رفتار پیامبر که چگونه می‌خواهد دست یکی از زنان صاحب نفوذ و اشرافی را قطع کند ابراز داشتند؟! حضرت در پاسخ فرمودند: «عامل تباهی و انحطاط اقوام گذشته همین بود که احکام اجتماعی و قوانین الهی را فقط در حق ضعیفان و قشر فرودست جامعه اجرا می‌کردند؛ اما هنگامی که نوبت به اقشار فرادست می‌رسید، از اجرای دستور الهی خودداری می‌کردند.»^۳

رابعاً، همه احکام و مسائل شرعی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی را شامل می‌شود؛ از مسائل فردی و فرعی گرفته تا مسائل اجتماعی و کلی.

۱،۵،۳. امر به معروف و نهی از منکر و مسأله‌ی حکومت

باید توجه داشت از آنجایی که امر به معروف و نهی از منکر، درخواست عالی از دانی و اشرف از اخس بوده و با مفاهیمی نظیر سؤال، دعا، خواهش و... فرق بسیار دارد و خود دارای مراتبی است و از امر به معروف و نهی از منکر لفظی گرفته تا قتل نفس را شامل می‌شود و این معنی، بدون داشتن حکومت میسر نیست، پس دستور به امر به معروف و نهی از منکر، در حقیقت، فرمان به تشکیل حکومت اسلامی است تا در سایه‌ی آن، جلوی منکرات گرفته شود و مردم به سوی خیر و صلاح رهنمون گردند؛ و اساساً چه معروفی بالاتر است از حکومت صالح که بتوان در سایه‌ی آن احکام اسلامی را اجرا کرد ولیکن باید توجه نمود که گرچه حکومت صالح خود بزرگ‌ترین معروف است لیکن بنیان حکومت نیز بر اساس

۱- مرحوم شیخ طوسی معروف به «شیخ الطائفه» در کتاب النهایه، ص ۲۹۹ و ۳۰۰، درباره مراتب امر به معروف نهی از منکر می‌گوید: «والامر بالمعروف یكون باليد واللسان فاما باليد فهو ان يفعل المعروف و یجتنب المنکر علی وجه یتأسی به الناس.» و صاحب جواهر نیز پس از نقل این عبارات در ادامه می‌فرماید: «نعم من اعظم افراد الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اعلاها و اتقنها و اشدّها تأثیراً خصوصاً بالنسبة الی رؤساء الدین هو ان یلیس رداء المعروف واجبه و مندوبه و ینزع رداء المنکر محرومه و مکروهه و یتکمل نفسه بالاخلاق الکریمه و ینزهها عن الاخلاق الذمیمه.»

۲- مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۹۲.

۳- انما هلك الدين ممن كان قبلکم انه اذا سرق فیهم الشریف ترکوه و اذا سرق فیهم الضعیف قطعوه. (میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۸،

باب ۱، ص ۷، حدیث ۱)

همان امر به معروف و نهی از منکر باید بنا شود پس آنگاه می توان به حکومت صالحی دست یافت که در جزء جزئش امر به معروف و نهی از منکر متجلی باشد بدین معنا که باید بررسی نمود در این نظامی که می خواهیم بنا نماییم چگونه امر به معروف و نهی از منکر در اجزایش متبلور است به طور مثال در یک سیستم اداری که از چند پست اداری تشکیل شده است اولاً برای هر پستی چه معروفاتی و منکراتی قرار دارد و ثانیاً چه کس و یا کسانی این معروفات و منکرات را تبیین می کنند به بیان دیگران بر هر پست اداری چه کسی نظارت می کند و این پست در قبال چه کسی پاسخگو می باشد مثال ملموس تر و عینی تر آنکه وقتی شهردار منطقه ای می خواهد کادر اداری خود را ببندد باید دقت کند هر جزء چگونه دزر برابر جزء دیگر پاسخگو است و شیوه نظارت بر این اجزا چگونه است البته می توان از کلام امیرالمؤمنین (ع) که می فرمایند:

«أما حقِّي عليكم فالوفاء بالبيعة و التصيحة في المشهد و المغيب»^۱

چنین برداشت کرد که تک تک ارکان نظام و حکومت ضمن پاسخگویی درون سیستمی باید به تنهایی و مجزا در برابر عموم ملت پاسخگو باشند.

۴.۵.۱. امر به معروف و نهی از منکر و جرم شناسی

در علوم جنایی و جرم شناسی این نکته به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است که محیط اجتماعی می تواند محل رشد و پرورش مجرمان باشد، درست همانند محیط کشت برای میکروب ها. کسانی که استعدادها لازم برای ارتکاب اعمال مجرمانه را دارند، اگر بدون هیچ گونه مقاومتی از ناحیه جامعه روبه رو شوند، فرصت لازم برای به فعلیت رساندن اندیشه های شریانه خویش را بیشتر مهیا می بینند. طبیعی است پیامد چنین روندی جز افزایش بزهکاری و افزایش شمار مجرمان و منحرفان و حاکمیت و سلطه آن ها نخواهد بود. به عکس، اگر هر یک از اعضای اجتماع این مسئولیت را بر دوش خود احساس کند که باید در مقابل منکرات و ناهنجاری ها به شکلی هر چند با کمترین مرتبه آن بایستد، فرصت های تبهکاری و کژروی از دست این گونه اشخاص گرفته می شود و پرورش و رشد آن ها متوقف می گردد و وقتی تعداد منحرفان و مجرمان کاهش یافت، جلوی تسلط و حاکمیت آن ها نیز گرفته خواهد شد. به همین جهت این فرضیه مانع مهمی در مقابل سفیهان و بی خردان و مجرمان می باشد.

نتیجه ی دیگری که متفرع بر کاهش تعداد مجرمان و منحرفان است، کم شدن میزان بزهکاران و بزه دیدگان در جامعه است. جرم (بزه) و بزهکاری و بزه دیدگی سه حلقه مرتبط و متصل با یکدیگر است که افزایش و کاهش هر یک در دیگری مؤثر است.

تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی بر حسب این که چه معنایی از معروف یا منکر اراده شود، متفاوت می باشد؛ زیرا اگر مقصود از معروف تنها واجبات و مقصود از منکر تنها محرمات باشد کارکرد این آموزه در سیاست جنایی اسلام تنها به این بخش رفتاری محدود می شود؛ در حالی که در منطق رفتاری سیاست جنایی اسلام، به غیر از این دو، مستحبات، مکروهات و حتی مباحات نیز در برمی گیرد؛ (حسینی، ۱۳۸۰، جزوه درسی). افزون بر این، به لحاظ این، که محوریت بحث در سیاست جنایی رایج، هنجارها و نابهنجارها است، تبیین نوع رابطه معنایی میان معروف و منکر با هنجارها و نابهنجارها، در تعیین قلمرو و کارکرد این آموزه ضروری می باشد. توضیح اینکه: در علوم اجتماعی گرچه تعریف های گوناگونی از هنجار و نابهنجار ارائه شده است ولی به هر حال در معنای هنجار دو نکته مهم مد نظر قرار می گیرد: «مقبولیت و پذیرش اجتماعی» و «ارزشمندی بنفسه یا بالتبع یک رفتار». به بیان دیگر، هنجارها شکل پذیرفته شده و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

مقبولیت یافته ارزش‌های اجتماع هستند. در مقابل، امر ناهنجار، رفتاری است که از نظر همه یا بیشتر افراد اجتماع، به عنوان امری بد و ناپسند تلقی می‌شود و مغایر با ارزش‌های مورد قبول آن اجتماع است؛ از این رو هنجار و ناهنجار، معرف خوبی و بدی است و به همین لحاظ است که به «معروف و منکر» نزدیک می‌شود. با وجود این، تفاوت معنایی بسیار مهمی میان معروف و هنجار و منکر و ناهنجار وجود دارد و آن این که معروف بیانگر خوبی و نیکی و ضرورت انجام یک کار است، اما لزوماً دلالتی بر مقبولیت اجتماعی آن ندارد؛ منکر نیز گرچه حکایت از قبح و زشتی یک عمل (فعل یا ترک فعل) دارد ولی ضرورتاً به معنای عدم مقبولیت اجتماعی آن نیست^۱.

۱،۴،۵،۱. پیشگیری از رواج ناهنجارها در جامعه

امربه معروف و نهی از منکر، در هر مرتبه، بیانگر حساسیت اجتماع در مقابل اعمال زشت و ناهنجار است. این حساسیت وقتی به شکل مؤثری ظاهر گردد، راه را بر رواج ناهنجاری‌ها در جامعه می‌بندد. به عکس، وقتی جامعه‌ای در مقابل ناهنجاری‌ها، هیچ گونه مخالفتی نشان ندهد یا حساسیت‌ها و مخالفت‌ها بسیار ضعیف باشد زمینه ترویج و تثبیت ناهنجاری‌ها فراهم می‌گردد و در اینجا است که چه بسا ناهنجاری‌ها شکل هنجار به خود می‌گیرد و «منکرات» در پوشش معروف ظاهر می‌شود. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که پیامبر (ص) فرمود:

«چگونه خواهد بود حال شما هنگامی که زن‌های شما تبهکار و جوانان فاسد شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند؟ شخص پرسید: آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد؟ پیامبر (ص) فرمود: آری و از این بدتر پیش خواهد آمد. چگونه خواهد بود حال شما آنگاه که یکدیگر را به کارهای بد امر و از کارهای نیک منع کنید؟! شخص پرسید: آیا چنین وضعی هم پیش می‌آید؟ فرمود: آری، از این هم بدتر. چگونه خواهد بود حال شما هنگامی که معروف‌ها را منکر و منکرها را معروف ببینید!» (علامه مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲: ۱۸۱).

ممکن است گفته شود برای مقابله با رواج ناهنجاری‌ها چه ضرورتی به مداخله اجتماع است، چون وقتی دولت به عنوان نماینده اجتماع به طور قوی وارد عرصه شود بساط ناهنجاری‌ها برچیده خواهد شد، اما نکته مهم این است که بدون حضور و مداخله اجتماع در عرصه برخورد با مجرم و پیشگیری از جرم، اقدامات حکومتی نیز کارایی لازم را نخواهد داشت و در اینجا حکومت علاوه بر آن که ناتوان جلوه می‌کند که این خود از موجبات افزایش جرائم است بیشتر به عنوان مزاحم حقوق و آزادی‌های فردی تلقی می‌شود تا نهادی که عهده‌دار هدایت صحیح اجتماع به سمت نیکی‌ها است! در واقع، حساسیت جمعی و مشارکت شهروندان است که اقدام انتظارتی و کنترلی حکومت را کارآمد می‌سازد.

۱،۴،۵،۲. زمینه‌سازی برای رواج هنجارها و دعوت به نیکی‌ها

از کارکردهای مهم امر به معروف و نهی از منکر فراهم‌سازی زمینه عمل به هنجارها و تقویت هنجارهای مورد نظر جامعه اسلامی و عمل به نیکی‌ها است؛ وقتی اعضای اجتماع مراقب هم بوده و یکدیگر را سفارش به حق و نیکی نمایند و از بدی و زشتی بازدارند، این خود به تدریج زمینه نهادینه شدن و رسوخ نیکی‌ها در روح و روان افراد را فراهم می‌آورد، به خصوص اگر آنچنان که باید و شاید به این فریضه عمل شود و آداب و سنن آن (که علاوه بر عملکرد آمر به مفاد آنچه امر می‌کند و دست کشیدن از آنچه خود از آن نهی می‌کند، شامل تکنیک‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دقیقی است که در شکل تعامل و کنش آمر ظاهر می‌گردد) رعایت شود. آنچه از عمل به این فریضه به دست می‌آید نیروی عظیمی است که پشتوانه اجتماعی دارد و می‌تواند بسیاری از هنجارها را در ذهن و روان افراد درونی سازد و از این طریق راه عمل

۱. فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱، حاجی ده آبادی، محمدعلی

به دیگر واجبات و سنن الهی (هنجارهای دینی در جامعه اسلامی) را فراهم آورد. این کارکرد مهم امر به معروف و نهی از منکر است که آن را از دیگر آموزه‌های سیاست جنایی و حتی از منظری کلان، دیگر آموزه‌های اسلام متمایز و منحصر به فرد می‌سازد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «تمام کارهای نیکو جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای است در برابر دریای پهناور»؛ (همان، ج ۱۰۰: ۸۹).

امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «به درستی که امر به معروف و نهی از منکر واجبی بزرگ است که با آن سایر واجبات پیا داشته می‌شود»؛ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۵۵).

با توجه به مجموع آنچه تاکنون پیرامون آموزه امر به معروف و نهی از منکر گفته شد و با توجه به کلیت مباحثی که در سیاست جنایی مطرح می‌شود، می‌توان ویژگی‌های منحصر به فرد این آموزه را به شرح زیر تبیین کرد:

۱،۴،۳. کارآیی امر به معروف و نهی از منکر در تمامی مراحل شکل‌گیری عمل مجرمانه

هر عمل مجرمانه خواه در مدت زمانی کوتاه انجام گیرد یا به نتیجه رسیدن آن نیازمند زمانی طولانی باشد، در فرایندی خاص شکل می‌گیرد که آن را «مسیر» عمل مجرمانه می‌نامند که خود متشکل از اعمالی است که به لحاظ حقوقی تمامی آن‌ها قابل مجازات نیست؛ به همین جهت گفته شده است که حقوق جزا به افراد آماده شدن و فکر کردن درباره اعمال مجرمانه و حتی انجام برخی مقدمات کار را می‌دهد. از این نظر نمی‌توان از حقوق جزا انتظار پیشگیری ریشه‌ای از وقوع جرم را داشت. در میان آموزه‌های سیاست جنایی اسلام، برخی آموزه‌ها تنها مراحل پیش از وقوع جرم را پوشش می‌دهد؛ مانند بسیج امکانات آموزشی و توانمند کردن نظام آموزش و پرورش، آموزش تربیت صحیح فرزندان و ...؛ نظام بی‌همتای تربیت اسلامی به قدری ظرافت‌ها و نکته‌سنجی‌ها را در تربیت صحیح فرزندان مورد توجه قرار داده است که استخراج، نظام‌مندی و آموزش آن‌ها به خانواده‌ها می‌تواند سبب ایجاد تحولی عمیق و همه‌جانبه در اجتماع گردد. با مطالعه یافته‌های جرم‌شناسی امروز می‌توان عمق اثربخشی برخی از توصیه‌های اسلام نظیر محبت‌ورزی نسبت به فرزندان، جداسازی بستر خواب کودکان از والدین و دیگر فرزندان، تکریم فرزندان و لزوم آموزش آن‌ها را دریافت، گرچه اثرات توصیه‌های دیگر نظیر تغذیه حلال در معرض پژوهش قرار نگرفته است.

برخی از آموزه‌های سیاست جنایی اسلام تنها مرحله پس از وقوع جرم را شامل می‌شود، مانند تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمین و برخی دیگر تنها خاص زمان وقوع جرم می‌باشد، مانند دفاع مشروع، اما در میان همه آموزه‌ها، امر به معروف و نهی از منکر آموزه‌ای است که تنها به یک مرحله خاص، اختصاص ندارد، بلکه سه مرحله یاد شده را پوشش می‌دهد. تحلیل نوشته‌های موجود در باب شرایط امر به معروف و نهی از منکر، حکایت از آن دارد که برخی این آموزه را به مرحله پس از وقوع جرم اختصاص می‌دهند. اما با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، جای تردید نیست که اسلام همواره بر نوعی کنترل و نظارت اجتماعی غیررسمی و عمدتاً غیرسرکوبگر توجه دارد تا شخص در پرتوی این مهم و به لحاظ نوع تعاملی که با جامعه پیدا می‌کند و نیز با توجه به نیازویب اجتماع و حفظ جایگاه اجتماعی خویش، دست از ارتکاب جرم یا تداوم و استمرار آن بردارد و با بازخورد منفی‌ای که اجتماع به او می‌دهد، از انجام عمل شوم خویش پشیمان گشته و تا حدی تاوان عمل خویش را بپردازد. بنابراین نمی‌توان گفت این آموزه تنها خاص یک مرحله از وقوع جرم است. از این رو اگر نشانه‌های روشنی بر وقوع جرم در آینده نزدیک وجود داشت باید مداخله کرد و البته نوع و مصداق امر به معروف و نهی از منکر در این مرحله با آنچه در مرحله وقوع یا پس از وقوع جرم رخ می‌دهد متفاوت است.

۶.۱. نسبت میان دموکراسی و امر به معروف و نهی از منکر

آیا در یک نظام دموکراتیک می‌شود امر به معروف و نهی از منکر کرد. بحث نسبت دموکراسی با اصل امر به معروف از آن جهت مهم است که تلقی عموم بر آن است که امروز حکومت اسلامی ما نوعی دموکراسی اسلامی است. در نظام‌های دموکراسی غربی اصل امر به معروف و نهی از منکر نه تنها مطلوب نیست، بلکه خلاف قانون است. یعنی اگر کسی مطابق این ضابطه شرعی ما عمل کند، می‌توان از دست او شکایت کرد. اما در حکومت اسلامی اگر کسی تجاهر به فسق کند، می‌شود به او تذکر داد و طی مراحل حتی می‌توان جلوی او را گرفت و این کار نه تنها مذموم نیست، بلکه واجب است. آقای لاریجانی در پاسخ به سؤال بالا، با تمایز میان دموکراسی و لیبرالیسم معتقد است که اصل امر به معروف و نهی از منکر با لیبرالیسم سازگاری ندارد؛ چرا که ضرورت نظام لیبرال، چنین حکومتی آن است که بتواند پاسدار بیشترین آزادی‌های فردی باشد و مشروعیت آن حکومت، «رضایت عمومی» است و از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر محدودکننده آزادی‌های فردی است، با نظام لیبرال در تضاد است. اما دموکراسی به مثابه یک روش حکمرانی است که باید برای مسائل مختلف به آراء عمومی به طور مستقیم یا غیرمستقیم مراجعه شود و از آنجا که این روش در جمهوری اسلامی در همه امور از طریق مراجعه مستقیم یا غیرمستقیم به آراء عمومی یعنی انتخابات است، بنابراین ما باید مردم سالاری را به عنوان یک روش بر اساس عقلانیت اسلامی بنا کنیم. اجرای امر به معروف و نهی از منکر، جوهر نظام اسلامی را کاملاً روشن می‌کند. یعنی اگر این مسئله در جامعه ما عمومیت پیدا کند و پایه بگیرد، مدل دموکراسی اسلامی چهره خود را کاملاً آشکار می‌کند و آثار آن هم بی‌شمار است^۱.

۲. امر به معروف و نهی از منکر در حقوق بین‌الملل

با بررسی در مفهوم امر به معروف و نهی از منکر می‌توان در یافت که این فریضه مصداق بارز آزادی بیان می‌باشد به عبارت اخیری اساساً مرکز ثقل امر به معروف و نهی از منکر همان آزادی بیان است. اگر در جامعه ای حق آزادی بیان محترم شناخته نشود افراد هیچگاه نمی‌توانند به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند که:

Article 19

Everyone has the right to freedom of opinion and expression; this right includes freedom to hold opinions without interference and to seek, receive and impart information and ideas through any media and regardless of frontiers.

مطابق نص ماده فوق «right to freedom of opinion and expression» به وضوح آزادی بیان پذیرفته شده است که یکی از مصادیق آن آن دسته از نظراتی است که برخاسته از عقاید مذهبی است امر به معروف و نهی از منکر اظهار آن نظراتی است که خواستگاهش مذهب می‌باشد و اطلاق ماده نوزده شامل این شکل از ابراز نظرات هم می‌شود.

Article 20

(1) Everyone has the right to freedom of peaceful assembly and association.

(2) No one may be compelled to belong to an association.

همانطور که در فوق مشاهده می‌شود ماده ۲۰ نیز از اصل آزادی تشکیل مجامع سخن گفته است. در جوامع بسیط گذشته افراد به تنهایی و به صورت انفرادی می‌توانستند صدای خود را به گوش کانون‌های قدرت برسانند ولیکن در جامعه امروزی افراد اگر بخواهند حکومت را به معروف امر و از منکر نهی نمایند به تنهایی و انفرادی قادر بر این امر نیستند لذا بایستی «من»ها تبدیل به «ما» شده و بدین وسیله در اثر اجتماع و پیوند افراد بایکدیگر بتوانند صدایشان را به گوش حاکمان

۱. مجله بازتاب اندیشه در مطبوعات شماره ۵۹ و ۶۰، اردشیر لاریجانی، محمدجواد؛ سیاست روز، ش ۱۰۸۹، ۸۳/۱۱/۲۵

برسانند پس می توان گفت در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر به دو صورت فردی و جمعی محقق است که بر صورت جمعی آن می توان مسامحتاً نام «حزب» گذاشت و این احزاب هستند که می توانند در سطح کلان امر به معروف و نهی از منکر بنمایند.

همچنین بر اساس بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه به طور شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد». همانطور که مشاهده می شود در بند ۲ میثاق نیز آزادی بیان در هر قالبی پذیرفته شده و بلا شک یکی از مصادیق آزادی بیان امر به معروف و نهی از منکر است.

البته ممکن است که این ایراد مطرح شود که آزادی بیان صرفاً متعلق به امر به معروف نیست بلکه مخاطب وی هم از همان جنس آزادی برخوردار است، بله، کسی منکر آن نیست. ما نمی خواهیم تحت پوشش آزادی بیان و امر به معروف و نهی از منکر عقاید خویش را تحمیل کنیم، خیر چنین نیست حتی در جمهوری اسلامی برای مخاطب امر به معروف، آنقدر آزادی فراهم است که به قول آن استاد شهید:

«در نظام جمهوری اسلامی نیز اشخاص آزادند، هر شخصی اگر عقیده غیر اسلامی هم دارد در ابراز عقیده خودش آزاد است، هر چه می خواهد بگوید نظام جمهوری اسلامی فقط اجازه توطئه گری و فریبکاری نمی دهد»^۱ پس مخاطب امر به معروف نیز آزاد است هر چه می خواهد بگوید، ما در امر به معروف و نهی از منکر آنجا به قوه قهریه و زور متوسل می شویم که فرد خطاکار مرتکب خطایی می شود که نظم عمومی را برهم می زند و آنگاه است که قوه قهریه مطرح است.

پس هیچگاه صرفاً به خاطر امر به معروف و نهی از منکر نمی توان به زور متوسل شد، بلکه آن مصادیقی که گمان می شود امر به معروف با تحمیل و توسل به زور همراه است، مربوط به مواردی است که انجام آن خطا نظم عمومی را به شدت مخدوش می کند.

بر اساس بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ممکن است اعمال حق آزادی بیان نیز، قانوناً تابع محدودیت های معینی همچون «احترام به حقوق و حیثیت دیگران» و «حفظ نظم ملی یا نظم عمومی یا سلامت و اخلاق عمومی» باشد.

فلذا در مواردی که احترام به آزادی بیان مخاطب امر به معروف، موجب صدمه به نظم عمومی یا سلامت و اخلاق عمومی جامعه می شود در این موارد می توان با توسل به زور و قوه قهریه امر به معروف و نهی از منکر کرد. البته باید توجه نمود که لازم است «حفظ نظم و اخلاق عمومی» به صورت مضیق تفسیر شود تا مورد سوء استفاده قرار نگیرد.

۳. نتیجه گیری

با بررسی منابع اسلامی که مهم ترین آن قرآن و سنت می باشد می توان دریافت که امر به معروف و نهی از منکر آب حیات جامعه اسلامی و مردم سالاری دینی است چرا که اگر جامعه دینی بخواهد بدون امر به معروف و نهی از منکر پیش رود، آنگاه جامعه اسلامی تبدیل به جامعه ای سکولار گشته که فقط شعائر اسلامی را در پیشگاه خود دارد یعنی فقط ارزش ها عوض شده است بازوی اجرایی همان بازوی اجرایی نظام طاغوت است.

۱. مطهری مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۱۲۸

فلذا برای رسیدن به مردم سالاری دینی حقیقی، باید عملاً بازوهای اجرایی نظام اسلامی هم اسلامی گردد و البته راهی نیست برای رسیدن به این هدف جز از طریق اجرای حقیقی امر به معروف و نهی از منکر و اعمال نظارت همگانی بر بدنه اداری و اجرایی نظام اسلامی. همچنین باید متذکر شد که امر به معروف منافاتی با آزادی بیان ندارد و عملاً امر به معروف مصداقی از آزادی بیان است که در متون حقوق بشری نیز با احترام به این حق (آزادی بیان) تأکید شده است.

منتهی لازم است بیان نمود که ما در مبحث امر به معروف به دنبال تحمیل عقیده نمی‌باشیم، لیکن در مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر که عدم انجام این فریضه موجب لطمه به نظم عمومی جامعه می‌شود در این مصداق، صرفاً به جهت حفظ موضوع مهم‌تری به نام «نظم، سلامت و اخلاق عمومی»،

به قوه قهریه متوسل می‌شویم و البته این اعمال محدودیت‌های برآزادی مخاطب امر به معروف، دقیقاً مطابق با اسناد حقوق بشری است.

امر به معروف و نهی از منکر و حقوق شهروندی

رضا عباسی بختیاری^۱

شیما کرباسی^۲

چکیده

دین مبین اسلام که یک دین جامع است در تمام احکام خود به تمام مسائل و موضوعات از جمله حقوق مردم توجه کرده است و خواستار حفظ حقوق بشر است. امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه مهم در شریعت اسلام است و در قرآن و روایات درباره آن مطالب بسیاری ذکر شده است. یکی از مباحث مهم در مورد اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، احترام به حقوق مردم است. حضرت علی بهترین پاسدار حقوق بشر است و در سخنان و رفتار آن حضرت این ویژگی نمایان است.

اسلام با مسائلی چون تجسس و نمونه‌های آن مخالفت می‌کند و همه این موارد نشان می‌دهد که این دین به حقوق بشر اهمیت می‌دهد و در تمام دستورات جز خیر برای پیروان خود نمی‌خواهد.

امر به معروف و نهی از منکر در جایگاه خود جامعه را به سوی ترقی پیش می‌برد و امنیت و سلامتی برای مردم فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، حقوق بشر

مقدمه و مبانی نظری

آثار زیادی پیرامون امر به معروف و نهی از منکر نوشته شده است و در این نوشته‌ها به مصادیق معروف و منکر و شرایط و وجوب این دو فریضه و مراتب آن اشاره شده است، همچنین پیرامون طریقه صحبت کردن با مردم و رعایت حقوق آن‌ها، اما در این آثار از کلمه حقوق شهروندی استفاده نشده است و به جای آن از کلمه حقوق مردم و حقوق بشر استفاده شده است. غزالی دانشمند بزرگ ایرانی در کتاب کیمیای سعادت پیرامون این دو فریضه سخن گفته است و معتقد است: «چهار معصیت است در مخالفت که از آن هر کس نرهد، معصیت دوم امر به معروف و نهی از منکر است اگر خاموش باشد یا فاسق گردد یا عاصی شود و اگر انکار کند در بسیاری خصومت و وحشت افتد»^۳

برخی انسان‌ها در زندگی، تنها به خود می‌اندیشند و در پی آسایش و رفاه خویش‌اند. برای این گروه تفاوتی ندارد که این راحتی و پیشرفت مادی باشد یا معنوی، محور افکار و فعالیت آنان، نفی ضرر و کسب منفعت برای خودشان است. در سوی دیگر، کسانی هستند که خود را با دیگران در زندگی اجتماعی شریک و وابسته می‌دانند و فقط به فکر خود نیستند. این گروه، اگر خیر و برکتی طلب می‌کنند، برای همه می‌خواهند و اگر پیشرفتی را پی می‌گیرند، آن را برای همه می‌جویند، حتی اگر پیشرفت معنوی و سعادت اخروی هم می‌خواهند، آن را برای همه آرزو می‌کنند. به عبارتی، انسان باید در قبال رفتار دیگران احساس مسئولیت کند، اما مراتب چنین احساس مسئولیت و مصادیق کار خوب و بد در جوامع

۱. مؤلف مسئول: عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تیران - اصفهان، تیران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاون پژوهش و فن آوری، تلفن ۳۲۲۹۷۲۲

(+۹۸۳۳۲)، نامبر ۳۲۲۹۷۲۲ (+۹۸۳۳۲)، پست الکترونیکی: reza.abbasi.bakhtiari@gmail.com

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تیران، اصفهان، ایران (reza.abbasi.bakhtiari@gmail.com)

۳. غزالی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۸.

گونگون، براساس نظام ارزشی حاکم بر آن‌ها، متفاوت است. مرتبه حساسیت مردم در قبال رفتار دیگران، به نوع جهان‌بینی و نگرش آنان درباره انسان و جامعه انسانی بستگی دارد.

بحث

معنای معروف و منکر

«معروف در لغت از ماده عرف است. برای واژه عرف معنای نیکویی، شناختگی، بخشش، عادت و آنچه میان مردم معمول است ذکر شده است»^۱.

در زبان عربی برای عرف معنای متعددی وجود دارد. در لغت عربی می‌خوانیم: «عرف بذنبه اقر: به گناه خود اعتراف کرد. عرف علی القوم: بر قومی عریف بود یعنی پیشوا و حاکم قومی بود، عرف الشی علمه: بر چیزی آگاه شد. یعنی آن را شناخت. کلمه معروف از عرف الشی گرفته شده است یعنی شناخته شده است»^۲.

کلمه معروف در اصطلاح ادبی اسم جنس است. به همین خاطر هر کار نیکی و هر خوبی را شامل می‌شود و در حقیقت هر کاری که از لحاظ عقل و شرع خوب باشد.

کلمه منکر از ماده نکر است. منکر یعنی مطلبی که شناخته شده نیست. «منکر به هر کار قبیح و پلید گویند کاری که هم از لحاظ شریعت و هم از لحاظ عقل پسندیده نیست»^۳.

منکر از نظر لغوی به معنای ناشناخته و پدیده زشت بوده و در اصطلاح، به کلیه اعمال و صفات ناپسندی اطلاق می‌شود که شرع و عقل آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند و قبیح می‌شمارند (هاشمی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۸). پس، نهی از منکر، مفهومی مطلق و دایمی است، به ویژه که حکم عقل، نسبی و موقت است؟ این دوگانگی اطلاق و نسبیّت را چگونه می‌توان سازگاری بخشید؟ معیار و شاخص منکر، حکم عقل است یا شرع و یا تصمیم قانون؟ می‌توان نهی از منکر را ترغیب به دوری از منکرات دانست و امر به معروف را توصیه، پند و اندرز و ارشاد محسوب کرد؟ آیا منکر به محرّمات محدود است یا شامل مکروهات هم می‌شود؟ مرجع اعمال نهی، باید واجد شرایط خاصی باشد یا اعمال آن عمومی و همگانی است؟ آیا درجه تکلیف افراد در نهی از منکر، برابر است یا افراد و اصنافی خاص، از مسئولیت و وظیفه‌ای بیشتر و عمده‌تر برخوردارند؟ می‌توان انجام منکرات را با ارتکاب جرم مترادف دانست؟ آیا نهی از منکر می‌تواند موجبی برای ارتکاب اعمالی باشد که قانونگذار آن‌ها را جرم شناخته است؟ اگر در پرتو آموزه‌های حاصل از اصل حاکمیت قانون، (Dietze ۱۹۷۳) به موضوع نگریسته شود، لازم است که مصادیق آن، چه معروف یا منکر تلقی شود، حداقل در قالب عبارات کلی روشن گردد. اگرچه در خصوص امور حقوقی می‌توان محتوای اصل یکصدوشصت و هفتم قانون اساسی را موجب جواز بکمیلی بودن منابع فقهی و فتاوی مشهور در تعیین مصادیق معروف و منکر محسوب کرد، اما اولاً؛ این اصل تنها در امور غیر کیفری قابل استناد است (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۳۲) و ثانیاً؛ حوزه اعمال این اصل صرفاً حمایت قضایی از معروف و منکر است و نه حمایت در ابعاد دیگر اجرایی.

۱. معین، ۱۳۶۰، ص ۴۲۳.

۲. بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۶۸.

۳. مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ص ۳۵.

مصادیق معروف

الف) معروفات اعتقادی

توحید که در رأس دعوت همه انبیا قرار دارد مصداق شاخه اعتقادی معروف است. توحید، زندگی انسان‌ها را در همه عرصه‌ها متحول می‌کند.

علاوه بر ایمان به خدا باید به صفات او هم اعتقاد داشته باشیم. «ایمان به عدالت خداوند و ایمان به روز جزا و معاد در زمره معروفات اعتقادی است.»^۱

ب) معروفات عبادی

نماز، روزه و حج از جمله معروفات واجب است و نمازهای مستحبی، زیارت و تلاوت قرآن و ... از معروفات مستحبی است.

ج) معروفات اخلاقی و اجتماعی

رعایت کردن حقوق مردم و احترام به آن‌ها و عقایدشان را می‌توان جزء این گروه دانست.

د) معروفات فرهنگی

تلاش در جهت معرفی الگوهای مناسب برای تقلید در جامعه و مبارزه با الگوهای نامناسب در زمینه‌های مختلف است.

مصادیق منکرات:

۱. منکرات اعتقادی

عدم ایمان به خدا و رسالت انبیا، ایجاد بدعت و نوآوری در دین در زمره منکرات اعتقادی است.

۲. منکرات عبادی: کوچک شمردن گناه، سبک شمردن نماز و پایمال کردن حق دیگران را می‌توان در این گروه جای داد.

۳. منکرات فرهنگی

گسترش فرهنگ بیگانه در جامعه، برگزاری مجالس عیش و نوش و معرفی الگوی نامناسب برای جامعه.

معنای حقوق شهروندی و حریم خصوصی

کلمه حق نقطه مقابل باطل است. حق امتیازی است که طبق قانون به اشخاص می‌دهند تا از جان، مال، ناموس و شرف

آن‌ها حمایت کند. «حق مجموعه مقرراتی است که در دوره خاصی بر یک جامعه حکومت می‌کند.»^۲

واژه شهروند در مقابل کلمه بیگانه معنی شده است. به این معنا که بیگانگان جز شهروندان محسوب نمی‌شوند. «حقوق شهروندی مشمول کلیه حقوق اتم از حق فردی، اجتماعی، خصوصی و عمومی است. در قانون کشور ایران حقوق را به دو بخش اساسی و کلی و حقوق اجتماعی تقسیم کرده‌اند.

کلمه شهروندی را عده‌ای به معنی حق شرکت افراد در سرنوشت خود و بهرمنند شدن از حقوق سیاسی، اجتماعی،

فردی، فرهنگی دانسته‌اند.»^۳

۱. اکبری، ۱۳۷۶، ص ۳۳.

۲. کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۴.

۳. پیرهادی، ۱۳۸۵، ص ۱۴.

اصطلاح شهروند در ادبیات ایران سابقه طولانی ندارد. تا قبل از نهضت مشروطه به جای استفاده از این کلمه از واژه‌های چون رعیت استفاده می‌شد و تنها در انقلاب مشروطه مفاهیم شهروندی تبیین شد و در انقلاب اسلامی بحث حقوق شهروندی در قانون اساسی مطرح شد.

مصادیق حقوق شهروندی و حریم خصوصی

حقوق شهروندی شامل کلیه حقوق انسان اعم از فردی و خصوصی است. آزادی از مهم‌ترین حقوق شهروندی است. مداخله در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در واقع طبق اصل بیست قانون اساسی «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند»^۱

- ا) حریم خصوصی را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به چهار حوزه تقسیم کرد.
- الف) حریم اطلاعات: اطلاعات هر انسان محفوظ است اعم از مالی و فرهنگی و
- ب) حریم جسمانی: مسائل مربوط به سلامت هر فرد به خود او مربوط است.
- ج) حریم ارتباطات: ارتباطات انسان که شامل نامه نگاری، تلفن و پست الکترونیکی اوست.
- د) حریم مکانی: خانه و محل اسکان هر کس متعلق به اوست.

تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر

حسبه از امور بنیادین دین مبین اسلام است و به معنی امر به معروف و نهی از منکر و برقراری صلح و سازش میان مردم است. ریشه و پیدایش این نهاد به زمان خود پیامبر برمی‌گردد. «پیامبر پس از فتح مکه سعد بن عاص را به عنوان بازرس در بازار منصوب کرد»^۲

«در زمان عمر دو زن به نام‌های الشفا و سمرا به عنوان بازرس بازار منصوب شدند»^۳

مرزهای میان حسبه و امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و به عبارت دیگر وظیفه امر به معروف و ناهی از منکر با محتسب تفاوت‌های دارد. حسبه نوعی واجب عینی است ولی امر به معروف بیشتر در حیطة واجب کفایی جای دارد. محتسب به شکایات مردم رسیدگی می‌کند ولی امر به معروف و ناهی از منکر وظیفه رسیدگی به شکایات مردم را ندارد. و تفاوت‌های ظاهری و باطنی دیگر.

این دو دستور مهم ریشه در تمام ادیان الهی دارد. موسی وقتی به پیامبری رسید خداوند از او خواست موقع هشدار دادن به فرعون با او با زبان نرم صحبت کند.

در مورد بحث حقوق شهروندی باید گفت اولین اعلامیه حقوق بشر در ایران و در عصر کوروش نوشته شده است. در حالیکه در آمریکا و اروپا پس از جنگ جهانی اول و دوم به فکر نوشتن این اعلامیه افتادند. حقوق شهروندی یک مسئله ازلی و ابدی است. ریشه در تمام ادیان دارد. همه انبیا با دارا بودن روحیه گذشت در جهت حفظ حقوق بشر تلاش می‌کردند.

۱- قانون اساسی

۲- ساکت، ۱۳۶۵، ص ۳۲.

۳- همان، ص ۷۲.

حضرت علی(ع): «مردم را برادران دینی و یاران او در گرفتن حقوقشان می‌داند و خیانت به مردم را بزرگ‌ترین گناه می‌داند»^۱

در مورد تاریخچه حریم خصوصی می‌توان گفت از آغاز پیدایش بشر مسئله حریم خصوصی مطرح بوده است. در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان نیز به آن اشاراتی شده است. در قرآن مجید هم بر احترام به حریم خصوصی و حفظ آن تأکید شده است. از آن جمله خداوند در قرآن می‌فرماید: «لا تجسسوا» (کنجکاوی بیجا نکنید)^۲

همچنین در سوره مبارکه نور آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید»^۳

اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن پیرامون این دو وظیفه و اهمیت آن صحبت شده است. در شریعت اسلام به این دو فریضه اشاره و مردم را به انجام آن دعوت کرده است و عواقب ناخوشایند ترک آن را بیان کرده است. در قرآن کریم در سوره‌های آل عمران آیه ۱۱۰ و ۱۰۴، سوره لقمان آیه ۱۷، سوره حج آیه ۱۴، سوره اعراف آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶، سوره توبه آیه ۷۱ و آیه ۱۱۲. در سوره اعراف آیاتی در مورد امر به معروف و نهی از منکر آمده است که خداوند به انجام این دو فریضه در موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف اشاره کرده است.

«همچنین روایات زیادی از پیامبر و امامان است که به این دو وظیفه اشاره می‌کند و می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: الف) اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر ب) اهمیت آن ج) تحذیر و هشدار و وعده عذاب بر تارکین این دو وظیفه»^۴

حضرت علی(ع) یکی از الگوهای بزرگ در این راه است و ما در اینجا اشاره کوتاهی به سیره آن حضرت می‌کنیم.

حقوق بشر در کلام و رفتار امام علی(ع)

امام علی(ع) بهترین پاسدار حقوق بشر بعد از پیامبر است. دوره حکومت آن حضرت با انواع نژادها همراه بوده است از این نظر در زمان حکومت او مساله حقوق بشر بسیار مورد توجه قرار گرفت. او با علم به اسرار الهی علوم قرآنی یک فرمانروای بی نظیر بود وی یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بشر که توجه به کرامت انسان است را وارد توجه قرار داد و در خطبه‌های نهج البلاغه می‌فرماید: «خدا به فرشتگان فرمود به آدم سجده کنید»^۵

در سخنان حضرت علی بحث عزت نفس مطرح شده است. قرن‌ها قبل از اندیشمندان و حقوقدانان دنیای غرب حضرت علی(ع) این مباحث را مطرح کرده است.

حضرت علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: «مهربانی بر رعیت و دوستی ورزیدن به آن‌ها را و مهربانی برای دل خود را کوشش برای خود گردان. مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری»^۶

۱. نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۴۵۶.

۲. قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۲.

۳. قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲۷

۴. نوری، ۱۳۷۵، ص ۵۲.

۵. نهج البلاغه، ص ۳۹.

۶. همان، ص ۴۱۹.

یکی از مباحث دیگر، رابطه دولت با مردم است و حضرت معتقد است حکومت نباید خود را از مردم جدا بداند و همه جا و در همه حال به فکر مردم باشد و برای رفاه آن‌ها تلاش کند. اوج بزرگواری ایشان درباره قاتل خود اوست که از فرزندش خواست با او برخوردی مناسب داشته باشد.

اصل مهم دیگر خداجو بودن انسان است حضرت علی(ع) در مناجات خود با خدا می‌گوید: تو به دوستان از همه مهربان‌تری برای آنکه به تو توکل کنند بر نهانشان بینایی و به درویشان آگاهی و بر مقدار بینش آن‌ها دانا.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر حق حیات را در اصول اولیه به کار برده است حضرت علی(ع) می‌فرماید: «حکومت خود را با ریختن خون از روی حرام نیرومند مکن که خون به حرام ریختن قدرت را به ناتوانی و سستی می‌کشاند و دولت را از صاحب آن بگیرد.»^۱

یکی از مسائل مهم در رفتار حضرت علی(ع) حق آزادی است. در خطبه معروف قاصعه اهتمام ویژه حضرت علی(ع) به این مبحث روشن است.

در مورد بحث مساوات حضرت علی(ع) بهترین اسوه در عدالت است و در جمله حقوق مردم مساوات را سرلوحه تمام اعمال خود قرار می‌دهد مساوات در بیت المال و قانون و ...

در حقوق بشر آمده که خواهان زدودن نابرابری‌های عملی است. حضرت علی(ع) می‌فرماید:

«خدا را، خدا را، درباره طبقه فرودین مردم در نظر داشته باشید به آنان که راه چاره ندارند از نیازمندان هستند و از بیماری بر جای ماندگانند.»^۲

نمونه‌های از اقدامات حضرت علی در مورد امر به معروف و نهی از منکر

حضرت علی(ع) در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بهترین الگو است. آن حضرت چه در دوران حیات پیامبر و چه پس از آن تلاش کرد تا این دو فریضه را در جامعه اجرا کند.

آن حضرت حتی در دوران خانه‌نشینی از اجرای این دو فریضه کوتاهی نکرد. در دوران خلیفه اول تلاش کرد مردم را با حقیقت قرآن و اهل بیت آشنا کند. از مردم می‌خواست در برابر بی‌عدالتی‌ها سکوت نکنند و حق خود را بگیرند. در دوران خلیفه دوم تلاش او بیشتر در این زمینه بود و در بسیاری از موارد خلیفه را راهنمایی می‌کرد. همچنین خلیفه سوم را به توبه و ترس از عذاب الهی فرمان داد.

مناظره با یهودی و مسیحی و پاسخ به پرسش‌های آن‌ها از اقدامات امان علی(ع) بود.

از اقدامات دیگر پس گرفتن قطایع بود زمین‌های که خلیفه سوم به سرمایه داران بنی‌امیه داد. حضرت همچنین کارگران فاسد را از کار برکنار کرد.

از دیگر اقدامات آن حضرت سفر به سرزمین یمن بود که با مردم یمن نماز صبح را به جماعت خواند و سپس شروع به موعظه کرد و در سخنان خود کوشید چهره واقعی اسلام را به آن‌ها معرفی کند.

حضرت از مردم می‌خواست علیه ظلم و ستم قیام کنند و در دفاع از حقوق خود بکوشند.

۱. همان، ص ۸۲

۲. نهج البلاغه، ص ۳۳۵.

تبلیغ ویژگی‌های عترت از دیگر اقدامات آن حضرت بود همچنین مدیریت اداری و دعوت مردم برای نظارت همگانی در مسائل حکومتی.

نتیجه‌گیری

اساساً همه فقه برای حفاظت و پاسداری از دین است و اگر دین تضعیف شود، نوبت به تثبیت احکام فرعی نمی‌رسد. احکام دینی نیز مجموعه‌ای مرتبط و به هم پیوسته است که فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر نیز یکی از آن‌ها بوده و با تحقق شرایط و جوب آن، عملی می‌گردد؛ اما اگر در جامعه‌ای منکرات ریشه‌ای مثل حکومت طاغوتی پیدا شود، مقابله با آن، نه تنها از باب وجوب امر به معروف و نهی از منکر، بلکه از فلسفه اساسی پیدایش دین و تشریح و ارسال رسل محقق می‌شود و سراسر معارف دینی و نیز دلیل مستقل عقلی، مؤید این ضرورت خواهد بود. اجرای این دو فریضه با رعایت کلیه شرایط باعث جذب عده‌ای به دین می‌شود. وقتی مردم ببینند آمران به معروف به حقوق آن‌ها احترام می‌گذارند به طور حتم تصور غلطی نسبت به دین پیدا نمی‌کنند. دینی که به تمام مسائل و موارد مربوط به حقوق بشر اهمیت داده است، دینی که حق الناس را مهم‌تر از حق الله و حق النفس می‌داند، نمی‌تواند از فریضه امر به معروف و نهی از منکر هدفی جز خیر داشته باشد. امر به معروف و ناهی از منکر نباید برای خود و مردم هدفی جز خیر خواهی داشته باشد و این خیر خواهی و اصلاح وقتی میسر می‌شود که آمر و ناهی به حقوق مردم احترام بگذارند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اکبری، م، تحلیل نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر، انتشارات پیام عترت، قم، ۱۳۷۶.
۳. بهشتی، س، پایدها و نبایدها، انتشارات بقعه، تهران، ۱۳۸۰.
۴. پیر هادی، ع، حقوق شهروندی، انتشارات سروش ملل، تهران، ۱۳۸۵.
۵. ساکت، م، نهاد دادرسی در اسلام، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۶. شهیدی، ج، ترجمه نهج البلاغه، ۱۳۶۵.
۷. غزالی، م، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
۸. قانون اساسی.
۹. کاتوزیان، ن، فلسفه حقوق، نشر دادگستر، ۱۳۷۸.
۱۰. مکارم شیرازی، ن، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب اسلامی، ۱۳۵۳.
۱۱. معین، م، فرهنگ لغت، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۱.
۱۲. نوری همدانی، ح، امر به معروف و نهی از منکر، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۵.

مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

مریم نقدی دورباطی^۱

نسرین کثیری^۲

چکیده

انسان‌ها از ابتدای آفرینش تا کنون همواره برای ایجاد جامعه‌ای برتر و مدینه‌ای فاضله تلاش کرده‌اند و این تلاش کوششی از سر بیهودگی و سرگرمی نبوده بلکه نیازی فطری که خدایشان در جان نهاده و برای برآورده شدن آن تمام نیروهای هستی را به خدمت او گمارده است. در قرآن کریم این کتاب جامع آیاتی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که نشان از اهمیت و انجام این کار دارد.

همچنین در سنت و احادیث ائمه معصومین (ع) نیز اهمیت این فریضه مشخص شده است در روایتی وارد شده است که امر به معروف و نهی از منکر نما به کار خیر عمل کن و از کار بد مردم را بازدار.

براساس آنچه از قرآن و روایات بر می‌آید که ارسال رسل و نزول کتب آسمانی به منظور ساختن جامعه آرمانی و الهی که نظام توحیدی بر آن حکمفرما و عقیده‌ی به مبدأ و معاد و راه و راهنما در آن پیدا و معرفت نسبت به لوازم کمال و رهنان و موانع آن برپا باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، سنت، امر به معروف، نهی از منکر

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر از جمله مهم‌ترین دستورهای دینی و تکالیف الهی است که اهمیت زیادی را نسبت به بسیاری از واجبات دیگر دارد، چرا که رواج خوبی‌ها و واجبات در گرو انجام این تکلیف می‌باشد.

قیام‌ها و حق طلبی‌های ائمه دین در قالب امر به معروف و جلوگیری از منکر صورت گرفته است از نمونه‌های بارز قیام خونین سیدالشهدا در کربلاست که عملاً و صراحتاً انگیزه قیام را عمل به این واجب بر شمرده‌اند.

تحقق جامعه توحیدی که در آن زیبایی‌ها برقرار باشد و زشتی‌ها بر کنار و دنیا منتهی الیه نزول خلقت و آغاز قوس صعودی دانسته شود برای به سوی او رفتن شور و شعور همگانی می‌طلبد که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم» تعریف امر به معروف و نهی از منکر:

امر: فرمودن، دستور دادن، ضد نهی جمع آن اوامر.

فتوا عن امر ربهیم «پس آنان از فرمان خدای خویش سر بیچند»

مردم را قولاً و عملاً به کار نیک و داشتن و از زشت کاری باز داشتن از «واجبات کفائیه» و به فتوای مرحوم شیخ طوسی عینی «دین مقدس اسلام» است و به ادله‌ی عقلیه و نقلیه به اثبات رسیده در قرآن حدیث بسی بر آن تا کید شده است و امر به مستحب و نهی از مکروه مستحب است.

معروف و منکر دو اصطلاحی است که در قرآن مجید و روایات و کتب اسلامی از آن یاد شده است که باید از نظر لغوی مفهوم آن روشن شود زیرا مادامی که موضوع سخن معلوم نباشد، امکان ندارد که درباره‌ی آن بحث کرد. راغب می‌گوید: «معروف» نام هر کار نیکی را گویند که به وسیله‌ی عقل و شرع، حسن و نیکی آن روشن شده باشد، این کلمه از

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

۲. کارشناس فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد و مدرس درس قرآن کریم دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

ماده «عرف» است یعنی آن کاری که نیکی اش در بین عرف مردم متدین مشخص شده و آن را پسندیده‌اند. منکر از کلمه «انکار» گرفته شده است که ضد عرفان است، یعنی چیزی که مورد شناخت انسان نیست، «انکار» در اصل به معنای آن است که چیزی بر دل و قلب انسان وارد شود که تصور آن را نمی‌کرد بلکه از آن متنفر بود و آن را انکار می‌نماید. نتیجه: در عرف مردم متشرع پسندیده و مورد قبول نیست.

بنابراین «منکر» به هر فعلی گفته می‌شود که عرف جامعه از آن ناراضی باشد و آن را قبول نکند.^۱

معروف واژه ای عربی از ریشه‌ی «عرف» است، به معنی شناختن و معروف به معنی نامی و دانسته آمده است. این واژه در قرآن در چند معنا به کار رفته است گاه به میانه روی در مصرف یا میانه روی در بخشش اطلاق شده است. «و من كان فقيرا فليا كل بالمعروف» و هر آن کس که فقیر است، با میانه روی مصرف کند. فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف. به نیکی و میانه با آن‌ها در زندگی بدهند یا به نیکی از آن‌ها «زنان» جدا شوند. و گاه صفت یک فعل قرار گرفته است، مانند قول معروف و مغفرت خیر من صدقه سخن نیکو و گذشت بهتر از صدقه‌ای است که ... شاید وجه جمع این کاربردها این باشد که به تناسب معنای لغوی آن، در مصداق خاص به کار رفته است، بدین معنا که همه‌ی آن استعمالات مصادیق همان معنای لغوی و اصلی می‌باشد. مانند واژه‌ی فارسی «نیکو» که گاه در یک مصداق خاص به کار می‌رود و گاه صفت قرار می‌گیرد، مثلاً در جواب کسی که از ما می‌پرسد، چگونه بخورم و بیاشامم، می‌گوییم «نیکو» و منظورمان این است که میانه روی داشته باش.

به قول سعدی شیرین سخن «نه آنقدر که از دهانت بر آید و نه آنقدر که از ضعف جانت بر آید». میانه روی یکی از مصادیق نیکویی است، نه همه‌ی آن بنابراین، این واژه عام را که مصادیق فراوان دارند در این مورد خاص به کار برده‌ایم به دلیل اینکه میانه روی را عقل و شرع پذیرفته‌اند گاه آن را به صورت صفت به کار می‌بریم مانند گفتار نیک، کردار نیک و منظورمان این است که گفتار و کردار باید به گونه‌ای باشد که عقل و شرع آن را بپسندد.

در تعریفی دیگر از معروف چنین آمده است که:

معروف چیزی است که مردم با ذوق اجتماعی خویش که برگرفته از طرز زندگی اجتماعی آنان است، آن را به رسمیت می‌شناسند و برایشان آشناست و منطبق با فطرتشان است و از آنجا که اسلام شریعت خویش را بر اساس فطرت بنا نهاده است، معروف نزد اسلام چیزی است که مردم آن را به نیکویی می‌شناسند.

البته هنگامی که بر طبق فطرت خویش گام برداشته و بردارند و از آن تجاوز نکرده‌اند. مثلاً از احکام اجتماع که مبتنی بر فطرت انسان‌هاست، این است که همه‌ی افراد در اجتماع برابر هستند و احکام (حقوقی و اجتماعی) بر آنها یکسان بار می‌شود، به تعبیر دیگر همه در برابر قانون مساوی هستند.

دیگر این که شأن و جایگاه هر کسی در حیات اجتماعی منوط به میزان تأثیر و کمال و قوای او در شئون حیات (که به اجتماع عرضه کرده است) و زندگی است، به تعبیر دیگر برابری در برابر قانون متناسب با میزان توانایی‌ها و قدرت و علم و اختیار است و لذا برابری به معنی اعطای کل ذی حق حقه خواهد بود.

نتیجه اینکه خوبی‌ها را از آن جهت معروف می‌نامند که جامعه‌ی ایمانی و فطرت انسانی آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد.

۱. بسج، احمد رضا، بیگی علی اصغر، نظارت نخبگان در شناخت امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات سدره المنتهی، چاپ اول ۱۳۸۷، ص ۵۸-

منکر

منکر در مقابل معروف قرار می‌گیرد و نکر به معنی ناشناخته است. بدی‌ها را از آن جهت منکر می‌گویند که جامعه و فطرت انسان‌ها آن را به رسمیت نمی‌شناسند، البته نه اینکه واقعاً ناشناخته باشند.

برای توضیح بیشتر ذکر این نکته لازم است که معروف با معلوم فرق دارد، و نیز منکر با مجهول تفاوت دارد، گرچه نزدیکی معنایی با هم دارند، محققین در تفاوت آن‌ها گفته‌اند که معروف و منکر اخص از معلوم و مجهول‌اند. خلاصه اینکه وقتی نسبت به چیزی شناخت پیدا کردیم، اگر به آن باورمند هم شدیم، آن را معروف می‌نامیم و اگر آن را انکار کردیم و باور نکردیم و خواهان حذف آن شدیم، آن را منکر می‌نامیم.

نکته‌ی آخری که به آن تذکر می‌دهیم، این است که شاید معروف و منکر را به هر آنچه عقل و شرع به خوبی و نیکویی آن حکم دهند یا به درستی و بدی آن به این دلیل است که معمولاً ما به آنچه عقل و شرع حکم می‌کنند، باور داریم و آنچه نهی می‌کنند، باور نداریم. به تعبیر دیگر عقل و شرع میزان ما، در ارزیابی معروف‌ها و منکرات هستند، در عین این که همراه فطرت از منابع ارائه معروف و بازشناسی آن از منکر هستند.^۱

معروف و منکر چیست؟ حکم آن کدام است؟ این‌ها از مسائل تخصصی فقهی است که فقهای عظام به آن پرداخته‌اند. آیا هر کار خوبی معروف است و امر به آن واجب یا مستحب و هر کار بدی منکرو نهی از آن واجب است یا حد وسطی بین این دو نیز وجود دارد. از فقهای بزرگ شیعه، صاحب کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» است که فقه جواهری از آن تعبیر می‌شود. ایشان بیان می‌دارد که مباهات در معروف نمی‌آید.

پزشکی که مانند غریق نجات می‌تواند جان انسان‌ها را از هلاکت و نابودی نجات دهد، امر او بر این کارها می‌شود امر به معروف یا به تعبیر ایشان اگر کاری سزاوار ستایش بود و از جهت غرضی که مبنای شرعی دارد شخصی را برای کاری ستایش کردند و واقعاً همه آن کار عنوان فعل حسن (کار خوب) را پیدا می‌کند، می‌توان انسانی را به آن امر کرد و حداقل آن است که بگوییم این کار عنوان مستحب به خود گرفته است و انجام آن ستایش مدح الهی را به دنبال دارد و انجام آن مطلوب و امر به آن نیز مطلوب است.

در احکام دین به تمام واجبات و مستحبات، معروف و به تمام محرمات و مکروهات، منکر گفته می‌شود و واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب، امر به معروف و باز داشتن آن‌ها از کارهای حرام و مکروه، نهی از منکر است.

به تعبیر دیگر معروف آن است که عقل و شرع آن را نیک و خوب و پسندیده و دارای رجحان و برتری بدانند و منکر عکس آن است. بنابراین امور خوب اعم از فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، جسمانی و... معروف است و هر چه ناپسند است مشمول منکر می‌شود. اما اموری که انجام و عدم انجام آن یکسان است داخل در این تعریف نمی‌شود و حکم معروف و منکر را ندارد. هر کار خیر و پسندیده را معروف و هر کار زشت و ناپسند را منکر می‌گویند. امر یعنی دستور دادن و نهی به معنی بازداشتن است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، یعنی امر کردن به خوبی‌ها و بازداشتن از بدی‌هاست. انجام دهندگان معروف باید مورد تشویق قرار گیرند اما کسی که با انجام دادن کاری ناپسند به خود و جامعه‌اش زیان می‌رساند، باید از کار او جلوگیری به عمل آید و چه بسا سکوت افراد صالح موجب ادامه یافتن منکر یا گسترش فساد در جامعه شود.

۱. روز به، محمد حسن، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر چاپ اول ۱۳۸۳، ص ۱۷-

امربه معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای عمومی است و بر همه‌ی مسلمانان واجب است. این وظیفه در جامعه‌ی اسلامی برای نهادهای عمومی و سازمان‌های دولتی بیشتر احساس می‌شود.

این همه تأکید به خاطر آن است که این دو وظیفه‌ی بزرگ در حقیقت ضامن اجرای بقیه‌ی وظایف فردی و اجتماعی بوده و در حکم روح و جان آن‌ها محسوب می‌شوند و با تعطیل شدن آن‌ها تمام احکام و اصول ارزش خود را از دست خواهند داد.

فقه‌های شیعه و سنی این امر را واجب دانسته و حتی برخی آن را از ضروریات دین دانسته‌اند ولیکن امربه معروف و نهی از منکر واجب کفایی است که اگر فردی (به قدر کفایت) به انجام آن اقدام کند از دیگران ساقط می‌شود و اگر همه‌ی افراد آن را ترک کرده باشند چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه‌ی آن‌ها ترک واجب کرده‌اند. شخصی خدمت امام صادق (ع) رسید. سؤال کرد: آیا این بر جمیع امت واجب است؟ حضرت فرمود: نه، پرسید: چرا؟ فرمود: این دو واجب بر انسان قوی، مطلع، عالم و آشنا به معروف و منکر واجب است نه بر انسان ضعیف که راه چاره‌ای ندارد و بعد از آن حضرت استدلال فرمود به آیه‌ی «ولتکن منکم».

شخصی از دیدار خود با امام صادق (ع) نقل می‌کند: که خدمت امام (ع) رسیدم و عرض کردم در منطقه‌ی ما عده‌ای هستند که قائل به امیرالمؤمنین (ع) بوده و او را بر دیگران برتری می‌دهند اما آن مقامی که ما برای آن حضرت قائلیم و فضیلت‌هایی را نقل می‌کنیم، نقل نمی‌کنند. آیا با آن‌ها رابطه‌ی دوستی برقرار کنیم؟ حضرت فرمود: فی الجمله بله. آیا نزد خداوند چیزهایی نیست که نزد رسول خدا (ص) نیست و آن حضرت چیزهایی را می‌داند که ما نمی‌دانیم و نزد ما مطالبی هست که پیش شما نیست و شما چیزهایی را می‌دانید که دیگران نمی‌دانند.

آن حضرت سپس فرمود: آیا نمی‌دانی این دین بنی امیه با شمشیر و ظلم و جور می‌باشد و دین ما با دوستی، جذب قلوب، وقار و تقیه و معاشرت خوب و ورع و اجتهاد است و مردم این گونه رغبت به آن پیدا می‌کنند. البته باید توجه داشت که به هر حال امربه معروف و نهی از منکر واجبی از واجبات الهی است و به امید اینکه دیگران انجام می‌دهند از گردن انسان ساقط نمی‌شود، بلکه باید بدانیم دیگران حتماً انجام داده و یا انجام می‌دهند تا از ما ساقط شود.

ریشه‌های فطری و غریزی

پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندان خود را به کارهایی واداشته واز کارهایی نهی کرده‌اند. مسئله‌ی امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه‌ی خاصی نمی‌شود و هر مسئله‌ی این گونه فراگیر باشد، نشان از فطری بودن آن دارد.

هشدار و اخطار و فریاد در برابر خطرها و انحراف‌ها، مخصوص انسان نیست. در قرآن می‌خوانیم: وقتی مورچه‌ای دید حضرت سیمان با لشکرش در حرکت‌اند، فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه‌های خود بروید تا پایمال نشوید. و هنگامی که هدهد در پرواز خود از فضای کشور سبا متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند، نزد حضرت سلیمان آمد و از این انحراف شکایت کرد.

بنابراین فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران، نه تنها مسئله‌ای فطری برای انسان‌هاست، بلکه ریشه‌ای غریزی در حیوانات نیز دارد.

جایگاه امر به معروف در قرآن

این موضوع از همان روزهای اول بعثت پیامبر اسلام (ص) مورد عنایت اسلام بوده است. سوره‌ی والعصر که در اوایل بعثت در مکه نازل شده، در جمله‌ی (تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر) اشاره به امر به معروف می‌کند و از مومنان می‌خواهد تا یکدیگر را به کارهای حق و پایداری در راه خدا سفارش کنند..

قرآن می‌فرماید: ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه‌ی او دو چیز بود: یکی امر به یکتا پرستی که بزرگ‌ترین معروف هاست «ان عبدوا الله» و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکر هاست. «اجتنبوا الطاغوت»

قرآن خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر تومنون بالله» شما بهترین امتی هستید که بر مردم ظاهر شده‌اید، به شرط آنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید.

امر به معروف کاری است که خداوند انجام می‌دهد. «ان الله بالعدل والاحسان»

چنانکه امر به منکر کار شیطان است:

«الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء»

امر معروف یک وظیفه‌ی عمومی است. قرآن می‌فرماید: تمام مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر حق ولایت دارند تا یکدیگر را به معروف سفارش کنند و از منکر باز دارند.

البته همواره در قرآن امر به معروف مقدم بر نهی از منکر به کار رفته است تا بفهماند که کارها را از راه مثبت پیگیری کنید و در جامعه، تنها انتقاد کننده نباشید.

قرآن می‌فرماید: «ولکن منکم امه یدعون الی الخیر و یا مرون بالمعروف وینهون عن المنکر» از میان شما، گروهی باید دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

حساب این گروه از حساب وظیفه‌ی عمومی جداست. این دسته باید با قدرت و امکانات وارد عمل شوند و جلوی منکرات را بگیرند. چنانکه اگر ماشینی در خیابان یک طرفه بر خلاف مسیر حرکت کنند، دو وظیفه وجود دارد: یکی وظیفه عموم رانندگان که تخلف او را با بوق و چراغ به او بفهماند و یک وظیفه هم پلیس دارد که او را جریمه کند.

آیه ۱

«ولکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون»

«و باید از میان شما امتی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند.»

واژه‌ی «ولکن» در آیه‌ی مبارکه دلالت دارد بر وجوب وجود گروهی از امت که مردمان را به خیر بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. از نظر قرآن آمران به معروف و ناهیان از منکر، به نوعی نگاهبانان حدود الهی هستند و خداوند هنگامی که عالی‌ترین صفات مؤمنین را برمی‌شمارد به این دو مورد نیز اشاره می‌کند: «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف والنهون عن المنکر والحافظون لحدود الله».

(بدانید که) از گناه پشیمانان، خداپرستان، حمد و شکر نعمت گزاران، روزه داران، نماز با خضوع گزاران، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و نگاهبانان حدود الهی.

در واقع نشانه‌ی جامعه‌ی اسلامی که حاکمش موحد باشد چهار چیز است: «الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور».

«آنان که خدا را یاری می‌کنند، آن‌هایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکن دهیم نماز و زکات را به پا داشته و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت کارها به دست خداست.»

امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت به منزله‌ی یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است. وحدت اجتماعی و محبت و دوستی و اخوت مردم را به دنبال خواهد داشت و این قانون متریقی که همان نظارت عمومی و مشارکت همگانی در جهت سالم سازی فرد و اجتماع است، عوامل منفی و مخرب در مسیر وحدت و محبت و دوستی و اخوت اجتماعی را از میان خواهد برد. ایمان، وحدت، امر به معروف و نهی از منکر شاخصه‌ی امت بهتر می‌باشد.

نکته جالب در این آیه شریفه این است که افرادی که عهده دار انجام این امر الهی هستند را مفلح (رستگار) دانسته است یعنی خود این عمل فلاح و رستگاری می‌آورد و عامل آن رستگار می‌گردد.

رهب معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته) در این باره فرمودند: تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است اما اگر کار به برخورد بکشد آن دیگر به عهده مسولین است.^۱

قانون الهی امر به معروف و نهی از منکر در بعد اجرا دارای دو مرحله‌ی فردی و گروهی است. مرحله‌ی فردی آن یک وظیفه‌ی عمومی و همگانی در شعاعی محدود است، اما مرحله‌ی گروهی آن از شئون حکومت اسلامی به شمار می‌رود که دارای شعاعی وسیع می‌باشد.

امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها زشتی‌ها ناشی از فطرت الهی و وجدان اخلاقی انسان است و علاوه بر آن حکم عقل سلیم و شرع قویم است. اینجاست که هماهنگی کامل فطرت و وجدان و عقل و شرع به طور جامع قابل اثبات و اقرار است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر یک حق اولیه و طبیعی و فطری و وجدانی و عقلی و شرعی است که ناشی از پیوند سرنوشت‌ها و روح زندگی اجتماعی بشر است.

البته این مسئولیت مهم و خطیر و حساس در مرحله‌ی عمومی و همگانی بر عهده‌ی تک تک افراد جامعه است و تنها محدود به تذکر دادن، اندرز دادن، بیدارگری، آگاه سازی و انتقاد و اعتراض می‌باشد. اما جایی که نیاز به شدت عمل و اجرای تعزیرات و قصاص است، قطعاً باید تحت نظر حاکم شرع و متصدیان حکومت اسلامی به مرحله‌ی اجرا درآید و یک وظیفه‌ی عمومی و همگانی نیست. به موازات ایمان، وحدت و اخوت و اتحاد و یکدلی را می‌پذیرفتند و از تفرقه و جدایی پرهیز می‌کردند.

آیه ۲

«کنتم خیر امه آخر جت للناس تا مرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله ولو آمن اهل الكتاب لکان خیرا لهم منهم المومنون و اکثرهم الفاسقون»

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شدید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید»

این آیه آشکارا، امر به معروف و نهی از منکر نمودن را وظیفه عمومی همه‌ی افراد امت می‌داند و به همین سبب مسلمین را بهترین امت برای سود رسانی و خدمت رسانی به همه‌ی افراد بشر معرفی کرده و بر دو ویژگی برجسته‌ی مسلمین و امت پیامبر اکرم (ص)، تأکید می‌نماید؛ یکی انجام دو وظیفه‌ی بنیادی امر به معروف و نهی از منکر و دیگری مؤمن بودن به خدا، زیرا بدیهی است که ایمان به خدا و مومن بودن، قوی‌ترین انگیزه محرک و مشوق انسان در اجرای امر به معروف و نهی از

۱. مسعودی، محمد اسحاق، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و سنت، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول -

نکر می‌باشد. بنابراین ایمان به خدا، مقدم بر قانون و اجرای قانون است، ایمان به خدا و وحدت و اخوت دینی یک امت مؤمن و متحد است که نیروی امر به معروف و نهی از منکر خلق می‌کند. ایمان به خدا ضامن مستحکم و باطنی و درونی اجرای وظایف است، دیگر این که بهتر بودن مسلمین به سبب مؤمن بودن و اجرای امر به معروف و نهی از منکر است و قطعاً سود جامعه، خیر و صلاح جامعه در اجرای همین دو وظیفه است.

ایمان و عمل دو بعد اساسی دین‌داری است. ایمان از مقوله‌ی شناخت و معرفت و گرایش است و قوی‌ترین محرک انسان به عمل می‌باشد و بی‌شک برترین عمل، عمل صالح و نافع و سودمند و خیر و نیک و بدترین عمل، عمل فاسد و مضرو زیانمند و شر و زشت می‌باشد. بنابراین خدای متعال از خیر و شر، تعبیر به معروف و منکر فرموده است و دعوت و تبلیغ مردم را برای گرویدن به خیر و معروف و بریدن از شر و منکر در یک مرحله واجب عمومی و همگانی و در یک مرحله واجب حکومتی اعلام فرموده البته این وجوب، وجوب کفایی است که اقدام به آن دارای وجوب عینی است و در هر صورت قیام و اقدام برای امر به تبلیغ دین و امر به معروف و نهی از منکر برای بعضی از افراد می‌باشد نه همه افراد امت. به عبارت روشن‌تر از همه‌ی افراد امت انجام آن دستورات را خواسته‌اند لیکن اقدام بعضی از افراد تا حدی که غرض و غایت حاصل گردد کافی است.

در این آیه به این نکته تصریح شده است که اگر امتی بخواهد به عالی‌ترین درجه‌ی خیر و نیکی برسد مهم‌ترین عامل برای رسیدن به چنین مقامی همین امر به معروف و نهی از منکر است. این وظیفه حد و حصر نمی‌شناسد، حتی هیچ مقامی نیست که برای او این وظیفه وجود نداشته باشد:

«خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین»

«ای رسول ما طریقه عفو بخشش پیش گیر و امت را به نیکو کاری امر کردند چنان چه نپذیرند از مردم نادان روی برگردان» در واقع خداوند اولین مقامی است که خود این امر را بر پا داشته است. «ان الله یامر بالعدل و الا حسان و ایتائ ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی»

«همانا خدا فرمان می‌دهد به عدل و احسان و بذل عطا به خویشاوندان و نهی از افعال زشت و منکر و ظلم»

وقتی خداوند اولین مقام امر به معروف و نهی از منکر باشد باید دانست که این امر از یک طرف دارای قداست فوق العاده می‌باشد و از طرف دیگر کسانی که متکفل این امر می‌گردند باید بدانند که از این طریق تنها به خداوند تقرب می‌جویند.

امر به معروف و نهی از منکر بزرگ‌ترین مظاهر تمدن اسلامی است تا جایی که قرآن آن را وسیله‌ی شناسایی جامعه‌ی مسلمان می‌داند: «المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض یامرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون ایدیهم نسوا الله فنسیهم ان المنافقین هم الفاسقون»

«مردان و زنان منافق از هم دیگر و طرفدار یکدیگرند به کار بد و ور می‌دارند و از کار نیکو منع می‌کنند».

آیه ۳

«من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها شفاعه سیئه یکن له کفل منها وکان الله علی کلشی مقیتا»

«کسی که تشویق به کار نیکی کند نصیبی از آن برای او خواهد بود و کسی که تشویق به کار بدی کند سهمی از آن خواهد داشت و خداوند حساب هر چیز را دارد و آن را حفظ می‌کند».

روح اجتماعی اسلامی، فرد را در برابر جامعه مسوول می‌داند و این علاوه بر مسوولیت در برابر خویش است. بر این اساس اسلام همگان را به سوی حق و مبارزه با باطل و فساد دعوت کرده است. در این آیه از شفاعت حسنه و شفاعت سیئه سخن به میان آمده که به معنی امر به معروف و نهی از منکر است.

هدایت و ارشاد و راهنمایی دیگران در انجام کارهای خوب و نیکو پسندیده یا کارهای بد و زشت و ناپسند یکی از مصادیق شفاعت می‌باشد، همان طوری که تلاش برای نجات انسان‌ها و یا تلاش در جهت هلاکت انسان‌ها نیز از دیگر مصادیق شفاعت است.

این آیه تصریح می‌کند که مردم در سرنوشت نهایی و نتایج اعمال یکدیگر از طریق شفاعت و تشویق و راهنمایی شریک هستند.

آیه ۴

«و تعاونوا علی البرِّ والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا اللہان الله شدید العقاب»

«و در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید و تقوا داشته باشید که مجازات خدا شدید است.»

امر به تعاون و همکاری در مسیر نیکی و تقوا همان امر به معروف است و نهی از همکاری در مسیر گناه و تعدی همان نهی از منکر است و نیز همان امر به تقوای الهی، همان امر به معروف است و هشدار دادن در مورد مجازات شدید الهی همان نهی از منکر است. اسلام اجتماعی بودن و فعالیت‌های اجتماعی و داشتن روح اجتماعی را تنها در جهت اعمال و اهداف خیر و نیک یعنی همان بر و تقوا، تأیید و تأکید فرموده اما در جهت اعمال اهداف شر و بد یعنی اثم و عدوان به طور مطلق ممنوع نموده است. حق و باطل، خیر و شر، معروف و منکر، عدل و ظلم، حسنه و سیئه فضیلت و رذیلت در بینش قرآن و اسلام دو معیار و دو خط و دو مسیر متضاد و کاملاً جدا از هم هستند که باید سر لوحه انسان و مسلمان در همه امور و شئون فردی و اجتماعی قرار گیرند، پس باید هم در آنجا کارهای نیک و دعوت به نیکی‌ها و هم در میدان مبارزه و مقابله با بدی‌ها و زشتی‌ها باهم تعاون و همکاری داشته باشیم.

آیه ۵

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ

عَنْ مَنكَرٍ فَعَلُوهُ مَنكَرٌ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»

آن‌ها که از بنی اسرائیل کافر شدند، بر زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند این به خاطر آن بود که گناه می‌کردند و تجاوز می‌نمودند. آن‌ها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند، چه بد کاری انجام می‌دادند.

این آیه بی تفاوتی در برابر اعمال دیگران و بی مسئولیتی در برابر سرنوشت عمومی جامعه را شدیداً نفی کرده، اینگونه افراد را از زبان دو پیامبر عالی قدر ملعون دانسته است. زیرا آنان نهی از منکر نمی‌کردند و در برابر گناه و تجاوز سکوت می‌نمودند. سکوت در اینگونه امور یعنی ترک مسئولیت اجتماعی و سازی کاری و تشویق گنهکار و تجاوزگر که به تعبیر قرآنی این عمل و سکوت آن‌ها بسیار زشت و ناپسند بود.

البته بدیهی است که امر به معروف و نهی از منکر هم چون سایر واجبات و محرمات شرعی، دارای احکام و شرایط و مراتب و درجات است.

آنچه در اینجا به تناسب این آیه بیان می‌شود این است که می‌فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذا اهتديتم الى الله مرجعكم جميعاً فينبئكم بما كنتم تعلمون»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مراقب خود باشید، هنگامی که شما هدایت یافتید گمراهی کسانی که گمراه شدند به شما

زیانی نمی‌رساند»

طبق دیدگاه مفسران بزرگوار و بر اساس روایاتی که ذیل آیه بالا نقل شده، امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین دستورات الهی است که به سادگی نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت و یا تعطیل کرد، تنها در موردی این دو وظیفه ساقط می‌شود که: اولاً امیدی به تأثیر انجامشان نباشد، ثانیاً شرایط لازم برای انجام آن‌ها وجود نداشته باشد. پیامبر گرامی در همین مورد فرموده است:

امر به معروف و نهی از منکر کنید اما هنگامی که دیدید مردم دنیا را مقدم داشته و بخل و هوا و هوس بر آن‌ها حکومت می‌کند و هر کس تنها رأی خود را می‌پسندد، به خویشتن پردازید و عوامشان را رها کنید.

آیه ۶

«والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف وينهون عن المنكر و يقيمون الصلاه و يتون الزكاه و يطيعون الله و رسوله اولئك سيرحمهم الله العزيز الحكيم»

«مردان و زنان با ایمان ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول را اطاعت می‌کنند و آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و درست‌کردار است.»

اهل ایمان بر یکدیگر ولایت دارند، نسبت به همدیگر مسئولیت دارند، زیرا روح ایمان و ولایت و روح مؤدت و محبت در میان آن‌ها حاکم است به همین سبب هم همدیگر را امر و نهی می‌کنند یعنی یکدیگر را به نیکی‌ها دعوت نموده و همدیگر را از زشتی‌ها و بدی‌ها باز می‌دارند و نسبت به سایر مردم نیز احساس مسئولیت داشته، آن‌ها را امر و نهی کرده، به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند و پیوسته نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و از فرمان خدا و پیامبر خدا اطاعت می‌کنند.

آیه ۷

«التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنكر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین»

«مومنان کسانی هستند که توبه کنندگانند، عابدان، سپاس‌گویان، سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف و نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود الهی و بشارت‌دهنده مومنان را»

در این آیه نیز برخی از صفات اهل ایمان عنوان شده که عبارت‌اند از:

توبه، عبادت، سپاس‌گویی، سیاحت در کانون‌های عبادی، راکع بودن، ساجد بودن، دعوت کردن مردم به کارهای نیک و امر به معروف، مبارزه با هرگونه فساد، اجرای نهی از منکر، حفظ و رعایت حدود و قوانین الهی که اساسی‌ترینشان که قانون حق و قسط و عدل می‌باشد.

آری مومنان هم دارای وظایف فردی و تربیتی و خودسازی هستند، هم دارای وظایف حساس اجتماعی و سالم‌سازی و پاک‌سازی اجتماعی و هم دارای وظایف سیاسی و حکومتی و خلاصه اینکه در همه عرصه‌ها حضور فعال و نقش سازنده دارند.

آیه ۸

«الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر والله عاقبه الامور»
«یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند»

یاران خدا هرگاه به قدرت برسند آن قدرت را از خدا می‌دانند نه از خودشان بنابراین به پاس سپاس الهی هرگز دچار غفلت و غرور و قدرت زدگی و خودکامگی نمی‌شوند، به لهو و لعب و عیش و نوش و بد مستی نمی‌پردازند بلکه برعکس: اولاً ارتباطشان را با خدا مستحکم‌تر می‌کنند و به اقامه نماز در سطح وسیع حوزه قدرتشان می‌پردازند و با مردم یعنی خلق خدا و عیال نیز رابطه عمیق و عاطفی برقرار می‌کنند و به پرداخت زکات و ادای حقوق مردم می‌پردازند و در سطح حوزه قدرت و حکومت خود به مبارزه با فقر پرداخته، قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی را پیاده می‌کنند. در جهت ساختن یک جامعه‌ی سالم و صالح دو وظیفه‌ی اساسی و مهم یعنی امر به معروف و نهی از منکر را به نحو جدی و عالی در همه سطوح و مراتب و مراحل اجرا می‌کنند زیرا صاحبان قدرت و تمکین همه‌ی وسایل و ابزار و شرایط مناسب در جهت اجرای حدود الهی و خدمت به خلق خدا را در اختیار دارند. بنابراین به سهولت می‌توانند زمینه‌ها و شرایط بیداری و احیای فطرت الهی مردم را فراهم کرده آنان را بر اساس مقتضای فطرت پاک تربیت و هدایت کنند و باطل و زشتی را از محیط اجتماعی پاک نمایند.

آیه ۹

«یا بنی اقم الصلاه و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور»
«پسرم نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائب صبر کن»
این آیه نیز مانند اکثر آیات الهی قرآن، دستور به اقامه نماز می‌دهد ارتباط معنوی و عاطفی با خداوند است که موجب نورانیت و صفای باطن می‌گردد و از لوازم خودسازی و وظایف فردی است. بعد از آن نوبت به وظایف اجتماعی می‌رسد، امر به معروف و نهی از منکر از لوازم دیگرسازی و اصلاح اجتماعی است. بدیهی است که انجام وظیفه خصوصاً وظیفه اجتماعی آن هم انجام امر به معروف و نهی از منکر با مشکلات و سختی‌های فراوانی همراه است و بدون صبر و استقامت و شکیبایی و بردباری انجام چنین وظایفی میسر نخواهد بود، بنابراین در این آیه شریفه صبر و استقامت و اراده قوی نیز تأکید و به داشتن آن‌ها امر شده است. بی‌شک پس از تحکیم پایه‌ها و مبانی اعتقادی و ایمان به توحید و معاد نوبت به عمل می‌رسد و برترین اعمال هم اعمالی است که تنظیم کننده روابط فرد با خدا و با سایر انسان‌ها باشد و افضل چنین اعمالی، نماز و امر به معروف و نهی از منکر است.

«بسم الله الرحمن الرحيم * والعصر * ان الانسان لفي خسر * ان الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر»

در این سوره چند اصل برای سعادت و نجات انسان عنوان شده که عبارت‌اند از: توأسی به حق یعنی دعوت همگانی و عمومی بسوی حق و پرهیز و ستیز و دوری کردن از باطل. حق نیز مصداق فراوانی دارد همچون خدا، قرآن، اسلام، عدل، صدق، ثبوت، ظهور، وجوب و غیره اما در یک کلام هم امر به معروف را و هم نهی از منکر و هم تعلیم و ارشاد جاهل و هم بیداری و تنبیه غافل و هم تشویق به نیکی و هم تبلیغ دین و ایمان و عمل صالح را شامل می‌شود. سفارش به صبر و پایداری و استقامت در معنای وسیع کلمه هم شامل صبر بر طاعت و صبر بر بلا و صبر بر معصیت و صبر در همه مشقات و سختی‌های آن و نامالیمات می‌شود اینگونه است که می‌توان به حل مشکلات و معضلات پرداخت و کاستی آن را جبران کرد به طور کلی نظارت عمومی در اسلام یک وظیفه مقدس است که دارای اقسام و مراحل و مراتبی که به شرح ذیل بیان می‌شوند:

۱. تعلیم، تبلیغ، ارشاد و نشان دادن حق و باطل.
 ۲. پند، اندرز، موعظه، نصیحت و خیر خواهی، دعوت به حق و منع از لغزش و گناه.
 ۳. اعراض و روی گردانی از منحرفان و گناهکاران و آلودگان به عنوان مخالفت و اعتراض عملی به اعمال بد آنان.
 ۴. برخورد عملی و تکیه بر نیرو و قدرت قهریه در جلوگیری از خلاف و انحراف و آلودگی و گناه.
- بنابراین پیوسته باید در جامعه اسلامی از میان مردم مسلمان، گروهی خود ساخته و آشنا به معروف و منکر که خود عامل به معروف و تاریک منکر باشند، قدم به پیش نهاده مردم را به خیر و نیکی دعوت و راهنمایی کنند و از بدی‌ها و زشتی‌ها باز دارند.

چنین جامعه‌ای به صلاح و ارشاد و سعادت و فلاح خواهد رسید. ترک مسئولیت مهم امر به معرف و نهی از منکر موجب تسلط اشرار و ستمگران و توسعه ظلم و فساد در جامعه می‌گردد. البته کسانی که دعوت به خیر و نیکی و نهی از فساد و بدی می‌کنند؛ خود باید شرایط علمی، عملی و اخلاقی و صلاحیت اجرای این وظیفه مقدس را داشته باشند و در اجرای آن به طور دقیق حدود و مراحل و شرایطش را در نظر گرفته و کاملاً قانونمند آن را اجرا کنند.

«ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین»

«دعوت کن به راه خدا به وسیله حکمت و موعظه نیکو و با آنان جدل کن به بهترین روش»

در اجرای امر به معروف و نهی از منکر و راهنمایی، اصلاح، ارشاد و هدایت مردم بسوی خدا و دور کردن همگان از گناه و انحراف باید از بهترین راه و روش استفاده کرد آیه فوق بهترین روش را روش استدلال و برهان، روش موعظه و نصیحت و روش جدل و مناظره همراه با مهر و محبت و ادب و احترام دانسته است. اقتناع عقل و عاطفه موجب می‌شود تا محتوای دعوت بسوی خدا در تمامی ابعاد ادراکی مخاطب تأثیر بگذارد.

به همین جهت باید کاملاً علمی، عاطفی و به دور از تندی و پرخاش و خشونت و تعصب و غرض باشد. باید در محیطی آرام همراه با اطمینان خاطر و تکریم شخصیت و با آرامش آ این وظیفه مهم را انجام داد. البته مخاطب نیز باید حق طلب

باشد و از هر گونه عناد و لجاج پرهیز کند و به هر صورت باید صداقت و انصاف را معیار قرار داد و در برابر سند و مدرک و برهان و دلیل تسلیم و خاضع بود.

چکیده آیات امر به معروف و نهی از منکر

۱. امر به معروف و نهی از منکر واجب است.
۲. کودکان هم باید آن را اجرا کنند.
۳. از اوصاف پیامبر اکرم (ص) است.
۴. بعضی از اهل کتاب هم اجرا می کردند.
۵. از اوصاف مجاهدان است.
۶. از نشانه های حکومت اسلامی است.
۷. از اوصاف مؤمنین است.
۸. معیار بهترین امت بودن است.
۹. هماهنگی گفتار و عمل لازم است.
۱۰. عالی ترین معروف و وحدت اجتماعی است.
۱۱. دعوت مردم باید بر اساس حکمت، موعظه حسنه و جدال نیکو باشد.
۱۲. دعوت مردم باید بسوی خدا و بر اساس بصیرت باشد.
۱۳. علماء، فقها و دانشمندان دینی در این مورد مسئولیت اصلی را بر عهده دارند.
۱۴. و عکس آن یعنی نهی از معروف و امر به منکر صفت منافقان است.^۱

یک نمونه ی قرآنی از نهی از منکر

حضرت ابراهیم که عموی خود را بت پرست می دید، برای باز داشتن او از این کار به او گفت: این مجسمه هایی که شما پابند عبادت آن ها شده اید، چه معنا دارد؟ (اذ قال لایبه وقومه ما هذه التماثیل آلتیانتم لها عاکفون)

از این بیان بسیار کوتاه، به چند اصل مهم در امر به معروف و نهی از منکر پی می بریم:

۱. کسی که امر به معروف می کند، باید از رشد و کفایت خاصی برخوردار باشد.
۲. در امر و نهی شرط سنی وجود ندارد. (قال لایبه)
۳. امر و نهی را از نزدیکان شروع کنیم. (قال لایبه)
۴. در نهی از منکر، ابتدا از منکرات بزرگ شروع کنیم. (ما هذه التماثیل)
۵. در امر و نهی، مردم را به کرامت و شخصیت خودشان متوجه متوجه سازیم. (انتم لها عاکفون)
۶. در نهی از منکر، گاهی باید یک نفر در برابر گروهی قرار گیرد. (لایبه وقومه)
۷. در امر و نهی با شیوهی سؤال، وجدان ها را بیدار کنیم. (ما هذه التماثیل)
۸. در امر و نهی، قاطعیت و صراحت داشته باشیم. (انتم و آبائکم)^۲

۱. نظارت نخبگان در شناخت امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۳۱-۱۱۶

۲. قرآنتی، محسن، ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۲۰

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در سیره‌ی معصومین (ع)

فرمان‌های خداوند بزرگ چون خواسته‌ی اوست عظمت و اهمیت والایی دارد و سعادت انسان در گروه فرمانبری و رعایت دقیق همه‌ی آن‌هاست. ولی با توجه به تاثیرات و عواقب و آثار فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و نیز جنبه‌ی کلیدی داشتن برخی از این قوانین، در آیات و روایات و سخنان معصومین (ع) نسبت به رعایت آن‌ها، تأکید بیشتری شده است و دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد.

همانگونه که نا فرمانی نسبت به برخی از این دستورات نیز گناه کبیره (بزرگ) نامیده شده و برخی دیگر را صغایر (کوچک) نام نهادند. در میان دستورات اسلامی واجبات الهی «امر به معروف و نهی از منکر» جایگاه ویژه‌ای دارد، تا آنجا که امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الانبیا و منهاج الصالحاء فریضت عظیمت بها تقام الفرائض تامن المذاهب وتحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینصف من الا اعداء و ینستقیم الامر».

همانا امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و شیوه‌ی صالحان است، فریضه‌ی بزرگی است که به واسطه‌ی آن واجبات دیگر به پا داشته می‌شود و به وسیله‌ی آن پیشه روا و حلال، ستم‌ها بر طرف و زمین آباد می‌شود. دشمنان به واسطه‌ی این فریضه مجبور به انصاف شده و امر (دنیا و دین) استوار می‌شود. برای شناخت اهمیت و عظمت این فریضه در سیره معصومین (علیه السلام) باید به مقاطع گوناگون زندگی آنان و برخورد ویژه آنان با این فریضه الهی نگریست.^۱

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه روایات

پیامبر اکرم (ص) فرمود: آمران به معروف، جانشینان خدا در زمین هستند.

امیر المومنین علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: تمام کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا، نسبت به امر به معروف مثل رطوبت دهان است نسبت به آب دریا.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (تا انگیزه‌ی آنان را نسبت به کار خیر زیاد کند) و نهی از منکر برای افراد نا بخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است، وسیله‌ی کنترل قوی است.

امام باقر (ع) در مقام شکایت می‌فرماید: افرادی هستند که اگر نماز ضروری به مال یا جانشان بزند، آن را ترک می‌کنند، همان گونه که امر به معروف و نهی از منکر را که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین واجبات است، به همین خاطر رها کردند.

در حدیث می‌خوانیم: بهترین دوست آن است که هنگام خلاف، مانع تو شود و بدترین دوست آن است که به تو تذکر ندهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: بهترین دوست من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کند.

همچنین فرمود: کسی که بتواند جلوی مفاسد را بگیرد، ولی نگیرد، گویا دوست دارد که خداوند متعال معصیت شود. چنین کسی اعلام دشمنی با خدا کرده است. رسول خدا (ص) فرمود: گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید، ولی مردم به مقام آنان که به خاطر امر به معروف به دست آورده‌اند غبطه می‌خورند.^۲

۱. مدنی بجستانی، محمود، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه برتر در سیره معصومین (ع) انتشارات معروف، چاپ سوم ۱۳۷۷، ۱۷-۱۶

۲. ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، ص ۲۰-۱۹

روش پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر: حسن نیت، پاکی هدف و اجرای تکلیف الهی همراه با تقوای الهی و عدالت و محبت و دلسوزی، هم چون یک طیب حاذق و مهربان و به دور از هر گونه خشونت و تندروی و بد زبانی، از اصول ثابت اخلاقی و تربیتی و سیره‌ی هدایتی آن بزرگواران می‌باشد، آنان با نهایت لطف و محبت این دو وظیفه‌ی سنگین و حساس را انجام می‌دادند و با کمال متانت و ملایمت و محبت امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. مسلمین صدر اسلام به موازات ایمان و وحدت، اخوت و اتحاد و یکدلی را می‌پذیرد و از تفرقه و جدایی پرهیز کردند. امر به معروف و نهی از منکر در احادیث:

حدیث (۱)

امام باقر (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه‌ی بزرگ الهی است که بقیه‌ی فرایض با آن‌ها بر پا می‌شوند و به وسیله‌ی این دو، راه‌ها امن و آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و همه‌ی کارها راست و درست و رو به راه می‌گردد» در آغاز این حدیث می‌فرماید: راه و طریق پیامبران و صالحان امر به معروف و نهی از منکر است.

حدیث (۲)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین فرستاده‌ی خدا و جانشین کتاب او (قرآن) است.»

حدیث (۳)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور»

حدیث (۴)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس به کار نیکی فرمان دهد یا از کار زشتی نهی کند و یا مردم را به کار نیک راهنمایی کند و یا مردم را به کار نیک راهنمایی کند و یا به گونه‌ای موجب تشویق آن‌ها را فراهم سازد، در آن کار سهیم و شریک است و هم چنین هر کس دعوت به کار بد یا راهنمایی و تشویق به کار زشت نماید، دیگری را، او نیز در آن کار شریک و سهیم است.»

حدیث (۵)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حتماً باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و افراد نادان را بگیریید و به سوی حق دعوت نمایید والا خداوند قلوب شما را از یکدیگر می‌کند و شما را از رحمت خود دور می‌سازد. همان طور که آن‌ها را (بنی اسرائیل را) از رحمت خویش دور ساخت»

حدیث (۶)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «این دسته از بنی اسرائیل که خداوند آن‌ها را مذمت کرده هرگز خودشان در کارها و مجالس گناهکاران شرکت نداشتند، بلکه هنگامی که آن‌ها را ملاقات می‌کردند، در چهره‌ی آنان می‌خندیدند و با آن‌ها بودند.»

حدیث (۷)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «امت من همواره در خیر و نیکی خواهند بود که امر به معروف و نهی از منکر و تعاون و همکاری بر نیکی کنند، ولی اگر چنین برکات از آن‌ها بر بعضی دیگر مسلط می‌شوند در حالی که نه در زمین و نه در آسمان، یار و یآوری ندارند.»

حدیث (۸)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید زیرا در آن صورت اشرار و ستمگران، بر شما مسلط خواهند شد. آن‌گاه هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد.»
پیامبر اکرم (ص) نیز در حدیثی سستی و شانه خالی کردن از مسئولیت خطیر امر به معروف و نهی از منکر را به منزله اعلام جنگ با خدا دانسته است.

حدیث (۹)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آگاه باشید که همه شما نگهبانید و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آن‌ها هستند مسئول‌اند. امیر و فرمانروا نگهبان مردم است و در برابر آن‌ها مسئول است مرد نگهبان خانواده خویش است و در مقابل آن‌ها مسئول است زن نگهبان خانواده، شوهر و فرزندان است و در برابر آن‌ها مسئول است آگاه باشید که همه شما نگهبانید و همه شما در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آن‌ها هستید مسئولید.»

حدیث (۱۰)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ملت‌هایی که پیش از شما به هلاکت رسیدند و نابود شده‌اند، فقط به خاطر این بوده که هر گاه مردم، مرتکب گناه و معاصی می‌شدند روحانیون و عالم دینیشان آنان را از کار زشت، باز می‌داشتند و چون این وضع ادامه داشت کیفرهای الهی بر آنان نازل گردید، پس بر شماست که امر به معروف و نهی از منکر کنید.»

حدیث (۱۱)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند مردم قرون گذشته را از رحمت خود دور نساخت جز به خاطر این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. خداوند افراد سفیه را به خاطر گناه و افراد عاقل و دانا را به خاطر ترک نهی از منکر از رحمت دور داشت و ملعون ساخت.»

حدیث (۱۲)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید دارای سه خصلت باشد: عامل باشد به آنچه امر می‌کند و تارک باشد از آنچه نهی از منکر می‌کند عامل باشد در آنچه امر و نهی می‌کند رفیق و مدارا باشد.»

حدیث (۱۳)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «نفرین خدا بر آن بر کسانی که امر به معروف کنند و آن را ترک گویند و نهی از منکر گویند و خود مرتکب آن شوند.»

حدیث (۱۴)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «نخستین جهادی که به زور از شما سلب می‌شود با دستان شماسست سپس جهاد با زبان‌هایتان و آنگاه با دل‌هایتان پس هر گاه کسی در دل خویش کار نیک را نیک نداند ستایش نکند و از کار زشت نفرت نوزد واژگون شود و زیر و زبر گردد».

حدیث (۱۵)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر گاه کسی گناهی آشکار و علنی انجام دهد و از او جلوگیری نشود، به عموم مردم آسیب می‌رساند، زیرا با عمل او دین خدا خوار می‌گردد و عمل او مورد الگو پذیری دشمنان خدا قرار می‌گیرد».

حدیث (۱۶)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «وای به کسی که امر به بدی‌ها و زشتی‌ها کند و از خوبی‌ها و نیکی‌ها دیگران را نهی نماید».

حدیث (۱۷)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «وای بر مردمی که متدین به دین خدا نباشند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند پیام این حدیث شریف این است که مظهر و نشانه دیانت و تدین به دین الهی اقدام به انجام امر به معروف و نهی از منکر است به طوری که اگر قومی چنین نکنند مانند این است که متدین به دین الهی نمی‌باشد».

حدیث (۱۸)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند عزوجل مؤمن ضعیفی را که دین ندارد دشمن می‌دارد و به او غضب می‌کند، پرسیده شد مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ پیامبر (ص) فرمود: کسی که نهی از منکر نمی‌کند».

حدیث (۱۹)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «برای عزت مؤمن همین کافیت که هر گاه منکری را ببیند، بداند که خداوند از آن که او با قلبش آن را انکار می‌کند، آگاه است».

حدیث (۲۰)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند عزوجل همه امور مؤمن را به خودش واگذار کرده است، اما به او اجازه نداده است که خود را ذلیل کند». آیا این سخن خدای عزوجل را نشنیده‌اید که می‌فرماید: «عزت مخصوص خدا و رسول خدا و مؤمنین است». پس شایسته است که مؤمن پیوسته عزیز باشد و هرگز ذلیل نباشد. زیرا خداوند او را واسطه اسلام و ایمان عزت بخشیده است. پیامی که از این روایت شریف دریافت می‌شود این است که مؤمن دارای عزت کرامت نفس است و در هر شرایطی باید آن را حفظ و صیانت نماید، بنابر این امر به معروف و نهی از منکر روش و شیوه‌ای است تربیتی، هدایت گر و هشدار دهنده معنویت بخش که با اجرای آن از سوی فرد و جامعه و حکومت، عزت فردی اجتماعی و عزت حاکمیت یک حکومت دینی کاملاً مورد مراقبت و پاسداری و نگهداری قرار می‌گیرد و تمامی راه‌های سقوط در ذلت و نکبت را بر روی آحاد جامعه مسدود می‌نماید و سر بلندی دنیوی و اخروی همگان را تحقق می‌بخشد.

حدیث (۲۱)

پیامبر اکرم (ص): «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند و جانشین پیامبر و کتاب او در زمین است».

ایمان و وحدت موجب عزت و قدرت می‌شود. پیامبر اکرم (ص)، در پاسخ به این سؤال که از همه مردم بهتر کیست؟ فرمودند: (وآن کس که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و آن کس که از همه پرهیزگارتر باشد و در راه خشنودی خدا از همه بیشتر گام بردارد).

حدیث (۲۲)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند ستمگری را بر شما مسلط می‌کند که نه به خرد سالان رحم می‌کند، نیکان و صالحان شما دعا می‌کنند ولی مستجاب نمی‌شود و از خداوند یاری می‌طلبند اما خدا به آن‌ها کمک نمی‌کند و حتی توبه می‌کنند و خدا از گناهشان در نمی‌گذرد».

حدیث (۲۱)

روایت است که امیرالمومنین (ع) خطبه خواند و خدا را شکر گزارد و ثنا گفت و فرمود: «اما بعد، کسانی که پیش از شما بودند هلاک شدند، چون معصیت می‌کردند و عالمان و دانایان آنان را از این کار باز نداشتند. آنان چون به گناه خود ادامه دادند و عالمان و دانشمندان از گناه بازشان نداشتند، گرفتار مجازات شدند. پس امر به معروف و نهی از منکر کنید. بدانید امر به معروف و نهی از منکر، مرگ را نزدیک نکرده، رزق را نمی‌برد، خواست خدا را از آسمان به زمین فرود می‌آید، همچون باریدن باران به هر کس که خدا برای او زیاد یا کم را رقم زده است».

حدیث (۲۴)

از ابو جعفر (ع) نقل است که فرمود: «در آخر الزمان گروهی خواهند زیست که میانشان عده‌ای هستند ریاکار، تظاهر به خواندن قرآن و انجام عبادات کرده، بدعت‌گذار و نادان‌اند، امر به معروف نکرده و نهی از منکر نمی‌نمایند مگر آنکه ایمن از ضرر و زیان باشند. برای خود عذر و بهانه می‌تراشند و دنباله رو لغزش و کجروی‌های عالمان و عمل فاسدشان هستند، نماز و روزه تا وقتی به جا می‌آورند که برای جان و مالشان ضرری نداشته باشد، اما اگر نماز به اموری که با اموال و جسمشان انجام می‌دهند ضرر رساند، نماز را نمی‌پذیرند، چنان که والاترین و بهترین واجبات را نپذیرفته بودند».

امر به معروف و نهی از منکر، فریضه‌ای بزرگ بوده، دیگر واجبات به وسیله آن استوار می‌گردد.

غضب خدای عزوجل بر مردمان، در آن جا که (فریضه ترک شود) صورت می‌پذیرد و همگان را گرفتار غدازش می‌کند، پس نیکان در سرای فاجران هلاک می‌شوند و خردسالان در خانه‌ی بزرگسالان (از آن رو که در برابر گناه بی‌اعتنا بودند). امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است، فریضه‌ای بزرگ می‌باشد که بدان واجبات برپا شده، راه‌ها ایمن گردیده کسب و کار روا گشته، مظالم برطرف می‌شود. نیز زمین آباد شده، حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌یابد. پس با دل‌هایتان منکر را زشت شمارید و با زبانهایتان بگوئید (و از کار ناروا باز دارید) و به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر با گناهکاران رویارویی کرده، در راه خدا از سرزنش ملامت‌گران نهراسید.

اگر پند پذیرفتند و به راه حق باز گشتند، بر آنان مجازاتی نیست. کیفر برای کسانی است که به مردم ستم کرده، به نا حق روی زمین ظلم می‌کنند. برای اینان عذاب دردناک است. در این حال با تمام وجودتان با اینان جهاد کرده، در دل دشمن آنان باشید اما قدرت طلب نبوده غارتگر اموال نباشید و نخواهید به ناحق پیروزی و ظفر یابید تا آن زمان که تسلیم

خواست خدا شده در راه طاعتش سر سپردند. امام علی (ع) افزود خدای عزوجل به شعیب پیامبر (ع) وحی فرستاد که صد هزار نفر از قومت را عذاب می‌کنم. چهل هزار نفر از اشرار و شصت هزار از نیکان را! عرض کرد: پروردگارا! اشرار که جا دارد، اما گناه نیکان چیست؟! خداوند وحی فرستاد: از آن رو که با معصیت کاران سازش کرده، به رغم خشم من، خشمگین نگردید.

حدیث (۲۵)

در کافی روایت شده از ابو جعفر و ابو عبدالله (علیهما السلام) که فرمودند: «وای بر قومی که با امر به معروف و نهی از منکر از خدا اطاعت نمی‌کنند».

حدیث (۲۶)

از ابو عبدالله امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «پیامبر اکرم (ص) فرموده است: چگونه خواهید بود زمانی که زنانان فاسد و جوانان فاسق شوند، اما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ پرسیدند: ای پیامبر خدا، چنین خواهد شد؟! فرمود: آری، حتی بدتر از این که معروف را منکر بدانید و منکر را معروف».

حدیث (۲۷)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خدای عزوجل از مؤمن ضعیف که دین ندارد، ناخشنود است. پرسیدند: مؤمنی که دین ندارد کیست؟ فرمود: آن که نهی از منکر نمی‌کند».

از ابو عبدالله درباره امر به معروف و نهی از منکر پرسیده شد که آیا بر تمامی امت واجب است، فرمود: نه! عرض شد: پس بر چه کسانی واجب است، فرمود: بر توانمندی که از او حرف شنوی داشته باشند، نه بر ضعیفی که نمی‌تواند به راه هدایت کند، بلکه از حق به باطل می‌خواند. دلیل سخن، کتاب خدای عزوجل است که فرمود: «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف وينهون عن المنكر».

این دستور خاص است، نه عام، چنانکه خدای عزوجل فرمود: «ومن قوم موسى امة يهدون بالحق و به يعدلون» و نگفت: «علی امة موسى، یا علی کل قوم» و می‌بینیم که امروز اینان امت‌های گوناگون و بیشتر از یک امت‌اند، چنان که خدای عزوجل فرمود: «ان ابراهيم كان امة قانتا لله»

حدیث (۲۸)

ابوالحسن الرضا (ع) فرمود: «رسول خدا (ص) می‌فرمود: اگر امتم امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذارند، بدانند که به جنگ سختی با خدای متعال برخاسته‌اند!»
در نهج البلاغه، در وصیت امیر مومنان (ع) به امام حسن و امام حسین (ع) پس از ضربت ابن ملجم آمده است امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید و گرنه اشرار بر شما چیره می‌شوند. خدا را خواهید خواند اما دعایتان بر آورده نمی‌گردد.

حدیث (۲۹)

از علی ابن ابیطالب (ع) روایت شده که پیامبر خدا (ص) نزد اهل صفا می‌آمد و اینان میهمان آن حضرت بودند (در دیداری) سعد بن اشجج برخواست و عرض کرد: خدا و رسولش و هر کسی را که حضور دارد، شاهد می‌گیرم که خواب شب بر من حرام است (از بس همیشه شب زنده داری می‌کنم) پیامبر (ص) فرمود: در این صورت کاری نکرده‌ای! چگونه خواهی توانست امر به معروف و نهی از منکر کنی، اگر با مردم نشست و برخاست نداشته باشی کناره گیری از مردم پس از آنکه با

آنان حشر و نشر داشته ای کفران نعمت است امام علی (ع) افزود: سپس پیامبر خدا فرمود: قومی که امر به معروف و نهی از منکر، قوم بدی هستند کسانی که آمران به معروف و ناهیان از منکر را مورد تهمت قرار دهند، بد مردمانی هستند! بدند کسانی که برای خدای متعال به عدل قیام نکنند! بدند کسانی که دعوت کنندگان به برپایی عدل و داد میان مردمان را بکشند! مردمی که طلاق نزدشان بهتر از عهد و پیمان خدایی (ازدواج) باشد بدند! اگر مردم بجای اینکه از خدا اطاعت کنند از پیشوایان (ستمگر) خود پیروی نمایند بدند! کسانی که دنیا را بردین ترجیح دهند و برگزینند بدند! قومی که حرام و شهوات و شبهات را حلال شمرند، بد کسانی اند.

حدیث (۳۰)

پیامبر اکرم (ص): «هر کس به کار نیکی یا نهی از منکری اقدام کند و یا مردم را راهنمایی به عمل خیر نماید و یا به نحوی موجبات تشویق آن‌ها را فراهم سازد، در آن عمل شریک است. و هر کس دعوت به کار بد یا راهنمایی و تشویق به کار بد نماید او نیز در آن کار شریک است.»

طبق این حدیث امر کردن، دلالت کردن و اشاره کردن دیگران به انجام کارهای نیک و بد موجب می‌شود که در نتیجه آن عمل به همان نسبت سهیم باشد. البته شفاعت حسنه و سیئه معانی و موارد فراوان دارد و حتی دعای نیک و بد هم در مورد دیگران نوعی شفاعت شمرده می‌شود و او نیز از آثار آن دعا بهره می‌برد.^۱

منشأ پیدایش امر و نهی بر مبنای انعطاف‌پذیری روابط انسان‌ها

قرآن راجع به آفرینش نخستین انسان‌ها در سوره بقره می‌فرماید:

«واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه قالوا اتعجل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء و نحن نسبح بحمداك و نقديس لك قال اني اعلم ما لا تعلمون.»

«آن‌گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت که من در زمین جانشینی قرار خواهم داد، گفتند آیا کسانی را در آن خواهی نهاد که تباهی و خون‌ریزی کند در حالی که ما تو را حمد و تسبیح و تقدیس می‌گذاریم فرمود من می‌دانم آن چه را که شما نمی‌دانید.»

از این آیه‌ی شریفه سه عنصر در ارتباط با جامعه می‌توان به دست آورد: اول انسان، دوم زمین و سوم رابطه‌ی معنوی که انسان با زمین از یک سو و با انسان و طبیعت و رابطه‌ی معنوی انسان‌ها با هم، با مطالعه در جوامع بشری به این نکته خواهیم رسید که تمام جوامع در عناصر اول و دوم یعنی انسان و طبیعت مشترک می‌باشد.

چون هیچ جامعه‌ای نیست که در آن انسانی نباشد و همین‌طور هیچ جامعه‌ای نیست که بهره از خاک و زمین نبرده باشند. اما عنصر سوم که عبارت است از عنصر رابطه میان انسان‌ها، باید گفت در هر جامعه‌ای نیز نوعی رابطه و پیوند میان افراد برقرار است، اما طبیعت این رابطه و کیفیت ساخت و بافت این پیوند در جوامع مختلف با هم متفاوت است.

بدین ترتیب عنصر سوم که عبارت است از همان قابلیت انعطاف و پویایی در بین جوامع، هر جامعه‌ای این پیوند معنوی بین انسان‌ها با یکدیگر و انسان‌ها با طبیعت و انسان‌ها با مبدأ آفرینش خود را به نوعی می‌سازد و می‌شناسد. این عنصر سوم در تحت کنترل و نظارت و شناخت افراد قرار دارد که به جریان در آمدن این عنصر سر نوشت نوع سود دهی و سودگیری از دیگران را رقم خواهد زد. جوامعی که این عنصر را در رابطه‌ی خود با دیگران و طبیعت بر پایه‌ی نیازمندی‌های حقیقی و

۱. نظارت نخبگان در شناخت امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۴۲-۱۳۲

دو جانبه‌ی خود شناخته و به استخدام در آورده‌اند، خواهند توانست هم تفسیر درستی از دیگران به دست آورند و هم تفسیر مطابق با واقعیت از طبیعت و هم جهت تصرفاتشان در شئون خویش و طبیعت ساز مان دهی شده کسب نمایند. خطوط اصلی این آر تباط معنوی، یعنی بهره‌گیری انسان از انسان و بهره‌دهی متقابل او بر پایه‌های حقایق شناخته شده‌ای است که به عنوان رشته‌های آر تباطی میان انسان‌ها در حوزه‌های مختلف نیازمندی‌ها و الویت‌های متقابل پدیدار شده است. با توجه به آیه‌ی مورد بحث که سخن از انسان و طبیعت و رابطه‌ی انسان‌ها با هم و با طبیعت به میان می‌آورد، یک ساختار چهارمی را نیز متذکر می‌شود و آن حقیقتی است که جانشینی انسان در زمین به واسطه‌ی او صورت می‌پذیرد که اگر چه این حقیقت در چارچوب جامعه ملاحظه نمی‌شود، خود یکی از پایه‌ها و ستون‌ها پیش‌فراوانه کننده‌ی نظام اجتماعی و ضامن سلامت روابط درون اجتماعی به شمار می‌آید.

با این حساب اضافه بر روابطی انسان با انسان و انسان با طبیعت طرف دیگری هم در دل پدیده «جانشینی» وجود دارد که عبارت است از جانشین کننده. زیرا بدون او جانشینی مفهومی نخواهد داشت. پس جانشین کننده خدا و جانشین شده انسان یا انسان‌ها و به تعبیر دیگر همه انسان‌ها به عنوان یک مجموعه‌ی آدمی چیزی که خود را در این حرکت بر تمام روابط حاکمیت می‌دهد و عناصر دیگر را به تبعیت از خود فرا می‌خواند و ساختار ارتباطی آن‌ها را ضمانت می‌کند، این است که هیچ سروری و هیچ صاحبی و هیچ مالکی جز خدای تبارک و تعالی، برای کل زندگی انسان متصور نیست و نقش انسان در زندگی فقط جانشینی و امانت شناسی و امانت‌داری می‌باشد و هر رابطه‌ای که میان انسان با انسان دیگر و انسان با طبیعت و انسان با خدا به وجود می‌آید باید در اصل و جوهر و اساس خود رابطه یک امین نسبت با امانتی که به دست او سپرده شده است باشد و هر پیوندی که میان انسان و برادرش برقرار می‌شود و هر مقام و موقعیت اجتماعی که انسان بدست می‌آورد، باید وظیفه و مسوولیتی تلقی شود که در حقیقت تفسیر و تبیین و تفصیل مملوکیت او در مقابل مالک حقیقی باشد. نه تفسیر مالکیت در مقابل انسان‌های دیگر. پس تمامی توصیه‌ها و تکالیف اجتماعی و عبادی و اخلاق که در اسلام متوجه افراد می‌گردد برگرفته شده از این پیوند چهار جانبه است. یعنی آنچه در اسلام تحت عنوان معروف اعم از معروف عبادی، فقهی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و است خطوط اصلی و فرعی خود را از این پیوند اقتباس می‌کنند.^۱

وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر

تمام متکلمین را عقیده بر این است که تمام فرق اسلامی بر وجوب شرعی امر به معروف و نهی از منکر اجماع دارند. تردید در وجوب عقلی این دو عامل سعادت بخش، نوعی شک در امور بدیعی است، آنان که در وجوب عقلی آن تردید می‌کنند، به زندگی افراد از دیدگاه فردی می‌نگرند که هر فردی برای خود زندگی مستقلی دارد، ولی اگر به زندگی انسان‌ها از دیدگاه اجتماعی بنگرید و این که سعادت انسان‌ها کاملاً به یکدیگر بستگی دارد و اگر در جامعه کار خوبی صورت گیرد همگان از آن بهره‌مند می‌شوند و اگر کار بدی تحقق پذیرد، دامن همه را می‌گیرد، قطعاً در گفتار خود تجدید نظر می‌کنند. به خاطر چنین وابستگی است که آزادی‌های فرد در اجتماع حد و مرز پیدا می‌کند.

وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر از طرفی مر تبط می‌شود با تعامل انسان‌ها در تکیه به الویت‌ها و نیازمندی‌های آن‌ها و از طرف دیگر ارتباط دارد با کسب آزادی‌های اجتماعی آن‌ها.

امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) حدیثی نقل می‌کند که بیانگر همین حقیقت است رسول اکرم (ص) فرمود:

۱. نظارت نخبگان در شناخت امر به معروف و نهی از منکر - ص ۷۸-۷۶

«هرگاه انسان در خفا مرتکب گناهی گردد، فقط به خود ضرر می‌رساند و اگر آشکارا انجام دهد و کسی از او انتقاد نکند، سعادت عموم را در خطر می‌افکند».

امام (ع) پس از نقل این حدیث می‌فرماید: «او با عمل ناهنجار خود، دین خدا را موهون ساخته و دشمنان خدا را به پیروی از خود دعوت می‌نماید».

از این بیان روشن می‌گردد که عقل و خرد برای حفظ سعادت اجتماع که ضامن سعادت فرد نیز هست، بر لزوم امر به معروف و بازداری از منکر به طور اجمال حکم می‌کند، یعنی آنجا که اگر سهل انگاری شود، سعادت جامعه و خود انسان دستخوش اختلال می‌گردد و چون تشخیص موارد آن به صورت دقیق روشن نیست از باب مقدمه در همه جا باید در اجرای این دو اصل کوشش کرد تا غرض اصلی تحقق پذیرد.

نتیجه

انسان موجودی اجتماعی است و سرنوشتش با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ارتباط دارد. سود و زیان کارهایی که از انسان سر می‌زند هم به خود او بازمی‌گردد و هم جامعه را متأثر می‌کند. علاوه بر این اعمال دیگران نیز در زندگی انسان خالی از تأثیر نیست. از این رو اسلام به عنوان یک دین جامع این بعد از زندگی انسان را مورد توجه قرار داده و برای سلامت جامعه و ایجاد محیط مناسب و اجرا برنامه آسمانی و سعادت بخش خود مسئولیت مشترک برای عموم به وجود آورده است که همه مردم موظف‌اند پاسدار فضیلت‌ها و ناپود کنندگی‌ها باشند. همه‌ی شهروندان در مقابل یکدیگر مسئول‌اند زیرا سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است.

امر به معروف و نهی از منکر یک نظارت عمومی با اهداف عالی از طرف خداوند متعال است که برای سلامت فرد و جامعه واجب گردیده است.

هر ایرانی یک شهروند مسئول است که برای حفظ سلامت کشور الزاماً باید نهایت تلاش و کوشش خود را بنماید. مهم‌ترین راه، حفظ سلامت امر به معروف و نهی از منکر است که قرآن نیز صراحتاً آن را بیان کرده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. بسیج احمد رضا-بیگی-علی اصغر و همکاران-نظارت نخبگان در شناخت امر به معروف و نهی از منکر-انتشارات سدره المنتهی-چاپ اول ۱۳۸۷.
۳. روزبه-محمد حسین-نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر-انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر-چاپ اول ۱۳۸۳
۴. قربانی لاهیجی-زین العابدین-امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و سنت-انتشارات سایه-چاپ اول ۱۳۷۹
۵. قرائتی-محسن-امر به معروف و نهی از منکر-انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن-چاپ هفدهم ۱۳۸۶
۶. قرائتی-محسن-ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر-انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن چاپ چهارم ۱۳۸۴
۷. مدنی بجستانی-محمود-امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه برتر در سیره معصومین (ع)-انتشارات معروف-چاپ سوم ۱۳۷۷
۸. مسعودی-محمد اسحاق-پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات-انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی چاپ اول
۹. میرمعینی-سید رضا-عبدالمحمدی-حسین-تفسیر موضوعی نهج البلاغه-انتشارات زلال کوثر-چاپ اول ۱۳۸۴

امر به معروف و نهی از منکر جلوه‌ی اخلاق اجتماعی در اسلام

محمد اروجی^۱

چکیده

از بهترین جلوه‌های اخلاق اجتماعی در اسلام، «امر به معروف» و «نهی از منکر» است. اقتضای این اصل که «هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند» آن است که انسان در انجام معروف و عمل به آن خودخواه و خودبین نباشد. خوبی‌ها و فضایل را تنها برای خود نخواهد و دوری و پرهیز از زشتی‌ها را اختصاصی نکند؛ بلکه بکوشد خوبی‌ها را در سطح جامعه و جهان گسترش دهد و زشتی‌ها و بدی‌ها را در هر جایی که می‌بیند، از بین ببرد. با توجه به این فریضه، هیچ مسلمانی نمی‌تواند فقط به دنبال خیر خود باشد؛ بلکه بر او واجب است که دیگران را نیز به خیر فرا خواند و از شر آگاه سازد:

«مردان و زنان با ایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است.^۲»

با توجه به این آیه می‌توان گفت لازمه ایمان حقیقی، داشتن رابطه دوستی با دیگر مؤمنان و داشتن دغدغه سرنوشت آنان است و لازمه علاقه به یکدیگر، ارشاد یکدیگر به خوبی‌ها و انتقاد از بدی‌ها و زشتی‌هاست و لازمه ارشاد به معروف و انتقاد از منکر، برپایی نماز و توسعه معنویت و فرمانبرداری از خداوند و فرستاده او و همچنین دستگیری از ضعیفان و مستمندان (ادای زکات) است؛ و بالاخره لازمه همه این امور، نزول رحمت‌های بی‌پایان خداوند است.^۳

امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و زیباترین نشانه اهتمام به امور خلق و توجه به مسائل مسلمانان است. امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن؛ یعنی دغدغه هدایت و ارشاد دیگران را داشتن؛ یعنی هنگامی که می‌بینیم دیگران در حال افتادن در چاه ضلالت و شقاوت‌اند، ساکت و خاموش ننشینیم. امر به معروف و نهی از منکر، یعنی احساس مسئولیت در برابر حقیقت.

گفتنی است با توجه به آیات قرآن، دانسته می‌شود که «امر به معروف» و «نهی از منکر»، در ادیان دیگر نیز وجود داشته است. قرآن کریم، از زبان حضرت لقمان خطاب به فرزندش می‌فرماید:

«پسر! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است.^۴»

مقدمه

از مهم‌ترین خصوصیات یک مؤمن آل محمد (ص) این است که امر به معروف و نهی از منکر افراد دیگر باشد که البته این امر خود دارای مراحل مختلفی می‌باشد فرد مؤمن خود باید، از هر گونه بدی و شر به دور بوده و تمام اعمال و رفتارش مورد تأیید مؤمنان حقیقی خداوند باشد.

۱. هیات علمی دانشگاه آزاد نجف آباد

۲. والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة یوتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحهم الله ان الله عزیز حکیم. (توبه (۹): ۷۱)

۳. مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۷۶ و ۷۷.

۴. یا بنی اقم الصلاة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور. (لقمان (۳۱): ۱۷)

هیچ عمل و گفتاری را مگر برای رضای حق انجام ندهد. در تمام امورات زندگی راضی به رضای حق بوده، صابر و شاکر باشد، در کتب مختلف اسلامی از این خصوصیات بسیار سخن به میان آمده است.

فضیلت آن بر هیچ کس پوشیده نیست به خصوص که در معجزه پیامبر اسلام (ص): قرآن کریم، فردی که چنین خصوصیتی را داشته باشد و به موقع و به جا از آن استفاده کند، بسیار مورد تکریم قرار گرفته است.

از کتب معتبر دیگر نیز می‌توان به نهج البلاغه اثر دانشمند بزرگ زمان، سید رضی اشاره نمود که حکمت‌ها و مباحث، همچنین خطبه‌های امام اول شیعیان جهان، حضرت علی (ع) را در آن جمع‌آوری نموده و اثرات شگفت این کتاب بر هیچ کس پوشیده نیست.

در اینجا با رجوع به دو نمونه از حکمت‌های آن اثر شریف. به نام مراحل امر به معروف و نهی از منکر، از وجود آن فیض می‌بریم. حکمت ۳۷۳ - ۳۷۴ (مراحل امر به معروف و نهی از منکر)

ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند، خود را از آلودگی سالم داشته است و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده، گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند، آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود گرد آورده‌اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی‌برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است و بعضی منکر را تباه ساخته و یک خصلت را به دست آورده‌اند و بعضی دیگر، منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان، مرده‌ای میان زندگان است.

و تمام کارهای نیکو، و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کنند و نه از مقدار روزی می‌کاهند و از همه این‌ها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با اصلاحات

دین مبین اسلام برای انسان، گرایش ذاتی به صداقت و امانت و عدالت قائل است و به تعبیر دیگر انسان خنیف، حق‌گرا و فطرتاً میل به کمال و خیر و حق دارد و در عین حال از آزادی و اختیار برخوردار است و لذا ممکن است از میسر اصلی خود منحرف گردد. اسلام این اشتباه و خطا را به صورت یک جریان موقت می‌پذیرد ولی رشد و گسترش این جریان ناسالم و فسادبرانگیز ممکن است جامعه را به تباهی بکشاند به همین جهت قرآن کریم برای جلوگیری از این انحراف و انقراض و ایجاد اتحاد و وحدت در جامعه دستور به امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه می‌دهد چنانچه در آیاتی آمده:

«ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر ویامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون و لا تکتونوا کالذین تفرقوا و اختلفو من بعد ما جاهم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم» «بایستی حتماً جمعیتی از شما باشند که مردم را به خوبی‌ها دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و چنین افرادی رستگارند و نکند شما مثل کسانی باشید که از هم متفرق شده و اختلاف کردند (یهود و نصاری) بعد از آنکه براهین و ادله برای آن‌ها ثابت شده بود و برای چنین اشخاصی عذاب دردناک خواهد بود.

در آیه‌ای دیگر کسانی که به نهی از منکر توجه نداشته‌اند و این واجب الهی را ترک می‌کردند مورد سرزنش قرار می‌دهد «کانوا لایتنهون عن المنکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون» «آن‌ها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند چه بدکاری انجام می‌دادند.» اگر در فرمایشات بزرگان دین نظر و تأملی صورت گیرد به وضوح می‌توان اهمیت این دو اصل را دریافت که عاملین به این دو اصل مورد لطف و حرمت ایزد منان قرار می‌گیرند و اگر در جامعه مرسوم شود روزی آن جامعه افزون می‌گردد و چنانچه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «ان الامر بالمعروف و النهی المنکر لخلق من خلق الله و انهما لایقربان من اجل و لا ینقصان من رزق» همانا امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از اوصاف پروردگارانند که نه اجل را نزدیک می‌کنند و نه روزی را کاهش می‌دهند. و تارکین به این دو اصل مورد لعن قرار می‌گیرند و اگر در جامعه فراگیر نشود الف: انسان‌هایی بدطینت بر آن جامعه مسلط می‌شوند همانطور که در وصیت‌نامه امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن و حسین (ع) آمده «لا تترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم» امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌شوند» ب: هویت و حیات انسانی از آن جامعه نفی می‌شود. چنانچه امیرالمؤمنین (ع) در تأیید این سخن می‌فرماید: «تارک لانکار المنکر بلسانه و قلبه ویده فذلک میت الاحیاء» «بعضی منکر را با زبان و قلب و دست خود رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان مرده‌ای میان زندگان است.» ارزش امر به معروف و نهی از منکر همین قدر بس که امام حسین (ع) آن اصلاح طلب دینی هدف خود را از قیام پرخروش کربلا احیا این فریضه بسیار مهم که از ضروریات دین نام برده می‌شود عنوان فرمودند: «... انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی اربدان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی وابی» «در جستجوی اصلاح کار امت جدم بپا خواسته‌ام اراده دارم امر به معروف و نهی از منکر و به سیرت جد و پدرم رفتار کنم» باید توجه داشت شاید امر به معروف و نهی از منکر لزوماً مصداق اصلاح اجتماعی نباشد اما هر اصلاح اجتماعی، مصداق امر به معروف و نهی از منکر است و هر مسلمان آشنا به وظیفه از آن جهت که خود را موظف به این دو اصل می‌داند نسبت به اصلاح اجتماعی حساسیت خاصی دارد و با عنایت به مطالب فوق تأکید دین اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه نوعی تأکید بر اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد و رفع نابسامانی‌های اجتماعی است و لذا با رعایت این اصلاح اجتماعی می‌توان به هدف و رسالت عالیه دین که همان اصلاح جامعه و ایجاد زمینه مناسب برای آسایش و رفاه مناسب برای انسان و فراهم کردن امکان لازم برای رشد معنوی و تکامل در جهان دیگر است رسید.

سخنان معصومین در مورد اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «و اذا لم یامروا بالمعروف و لم ینهوا عن المنکر و لم یتبعوا الاخیار من اهل بیتی، سلط الله علیهم اشرارهم فیدعو عند ذلک خیارهم فلا یتستجاب لهم». هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمایند و از نیکان خاندان من پیروی نکنند خداوند بدانشان را بر آنان مسلط گرداند، در این هنگام خوبان ایشان دعا کنند ولی دعایشان مستجاب نشود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «لا یزال الناس بخیر ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و تعاونوا علی البر فاذا لم یفعلوا ذلک نزعتم عنهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض، و لم یکن لهم ناصر فی الارض و لا فی السماء.» مردم همواره در خیر و برکت‌اند تا هر زمان که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر کار خیر کمک رسانند پس هرگاه آن را به جا نیاورند برکات از آنان سلب گردد و گروهی برگروه دیگر مسلط شود به طوری که برای آنان یآوری نه در زمین باشد و نه در آسمان.

امام علی علیه السلام: «و امر بالمعروف تکن من اهله و انکر المنکر بیدک و لسانک و باین من فعله بجهدک و جاهد فی الله حق جهاده و لا تاخذک فی الله لومة لائم و خض الغمرات للحق حیث کان.» [فرزندم حسن] به کار نیک امر کن تا در شمار نیکوکاران در آیی و به دست و زبان کار ناپسند را زشت شمار و از آن که کار ناپسند کند با کوشش خود را دور بدار. در راه خدا بکوش، چنان که شاید، و از سرزنش ملامت گرانتم بیمی نداشته باش برای حق به هر دشواری هر جا بود وارد شو.

امام علی علیه السلام: «ان الله تبارک و تعالی لم یرض من اولیائه ان یعصی فی الارض وهم سکوت مدعنون لا یامرون بالمعروف و لا ینهون عن المنکر، فوجدت القتال اهون علی من معالجة الاغلال فی جهنم.» همانا خداوند از اولیاء خود نپسندیده که معصیت او در زمین بشود و آن‌ها ساکت و آرام باشند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند، پس پیکار را از تحمل غل‌های جهنم آسان‌تر یافتیم.

امام علی علیه السلام: «قوام الشریعة الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اقامة الحدود.» شالوده دین بر امر به معروف و نهی از منکر و برپا داشتن حدود الهی استوار است.

امام علی علیه السلام: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لا یقربان من اجل ولا ینقصان من رزق و افضل ذلک کلمة عدل عند امام جائر.» امر به معروف و نهی از منکر مرگ را نزدیک نمی‌سازند و از رزق و روزی نمی‌کاهند و برتر از همه این‌ها سخنی عادلانه است نزد پیشوایی ستم‌پیشه.

امام علی علیه السلام: «فان الله سبحانه لم یلعن القرن الماضي بین ایدیکم الا لتركهم الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فلعن الله السفهاء لركوب المعاصی و الحلماء لترك التناهی.» همانا خداوند سبحان مردم دوران گذشته را که پیش از شما اینداز رحمت خود دور نفرمود، جز برای آن که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس خداوند بی‌خردان آن‌ها را لعنت کرده خاطر نافرمانی کردن و خردمندان را به (گناه) ترک نهی یکدیگر.

امام باقر علیه السلام: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فريضة عظيمة تقام بها الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ينتصف من الاعداء و يستقیم الامر.» امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که دیگر فرائض با آن‌ها بر پا می‌شوند و به وسیله آن‌ها راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود و حقوق افراد بدیشان بازگردانده می‌شود و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن‌ها همه کارها رو به راه می‌گردد.

امام صادق علیه السلام: «قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ان الله عز و جل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لا دین له، فقیل له: و ما المؤمن الذی لا دین له؟ قال: الذی لا ینهی عن المنکر.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عز و جل نسبت به مؤمن ضعیف و سستی که دین ندارد خشمناک است. پرسیدند: مؤمنی که دین ندارد کدام است؟ فرمود آن که نهی از منکر نمی‌کند.

امام صادق علیه السلام: «اذا رأى المنکر فلم ینکره و هو یقدر علیه فقد احب ان یعصی الله و من احب ان یعصی الله فقد بارز الله بالعداوة.» اگر کسی کار ناپسندی را ببیند و با داشتن توانایی، آن را زشت نشمارد، دوست داشته باشد که خداوند عیبان شود و هر که دوست باشد که خداوند عیبان شود، به دشمنی با خدا پرداخته است.

امربه معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی

علاوه بر اینکه در قرآن مجید، یکی از وظائف اصلی پیامبر اکرم (ص)، امر بمعروف و نهی از منکر معرفی شده: «یا مرهم بالمعروف و ينههم عن المنکر» اصولاً در بینش و تفکر اسلامی موضوع امر به معروف و نهی از منکر به قدری از ارزش و اهمیت برخوردار است که یکی از معیارهای شناخت کفر و ایمان و صلاح و نفاق معرفی شده است. در قرآن مجید می‌فرماید: «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا تعملون». «مورد لعن و نفرین الهی قرار گرفتند، آنان که از طائفه بنی اسرائیل کافر شدند و بر زبان داود (ع) و عیسی بن مریم (ع) نیز مورد لعن و نفرین واقع شدند. این بدان جهت بود که گناه کرده عصیان ورزیدند و متجاوز شدند، اینان (در اجرای نهی از منکر) متناهی نمی‌شدند و پذیرا نبودند، بی‌تردید عمل زشتی را مرتکب می‌شدند». آنگاه پس از آن که دوستی آنان را با کفار تقبیح نموده سرزنش می‌کند می‌فرماید: «ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون». «خشم و غضب خدا بر آنان و در عذاب ابدی خواهند بود». و سپس در آیه بعد بیان می‌کند: «... کثیرا منهم فاسقون». «بسیاری از آنان فاسق هستند». و در جای دیگر می‌خوانیم: «المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض یامرون بالمنکر و ینهون عن المعروف... ان المنافقین هم الفاسقون». «مردان و زنان منافق برخی از بعضی دیگرند (سنخیت و همکاری دارند) اینان به منکرات و زشتی‌ها امر می‌کنند و از زیبایی‌ها و نیکی‌ها جلوگیری می‌نمایند. به درستی که منافقان، همان فاسقان هستند». و چند آیه بعد، می‌فرماید: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (۶). «مردان و زنان مؤمن، بعضی از آنان دوستاند (یا ولی) یکدیگرند، امر به معروف می‌کنند و نهی از منکر می‌نمایند». و در سوره آل عمران، صالحان را با مشخه اجرای امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌فرماید: «یؤمنون بالله و الیوم الآخر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین». «به خدا و قیامت ایمان دارند و امر به معروف می‌کنند و نهی از منکر می‌نمایند و در نیکی‌ها و خیرات سرعت عمل دارند و مسابقه می‌گذارند». بنابراین در فرهنگ اسلام، کسی نمی‌تواند نسبت به این قانون، کوچک‌ترین کوتاهی داشته باشد یا آن را کوچک شمارد. پیشنهاد و نظریه اجرائی با توجه به نکات و مطالب گذشته علاوه بر این که باید همه مسلمانان با آگاهی علمی و عملی از این قانون، با حفظ شرائط و مراتب لازم، در تمام موارد و در همه جا آن را مورد عمل و اجرا بگذارند و خویشان را مسوول مصالح فرد فرد مردم، جامعه و حکومت بدانند و ناظر بر اعمال آحاد و گروه‌ها باشند، دولت و حکومت اسلامی نیز باید گروه ویژه‌ای مخصوص انجام این وظیفه به وجود آورد و تشکیلاتی را به این جهت سازماندهی کند. دایره حسیه چشم بیدار جامعه آنچنان که از روایات و تواریخ و سیر مشاهده می‌شود، از صدر اسلام، همواره به عنوان نظارت بر همه مصالح و حسن اجرای قوانین اسلام، معصومین علیهم السلام خود و یارانشان این نظارت را داشته و در طول تاریخ حکومت‌ها، دایره‌ای به عنوان (امور حسیه) تشکیل می‌شده که به صورت تشکیلاتی و سازماندهی شده، امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند که در متن کتاب (مسئولیت و نظارت مردم در حکومت اسلامی) اجمالاً مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین پیشنهاد، این موضوع، یک امر جدید و تازه و بیگانه هم نمی‌باشد و امروز با داشتن امکانات و شرائط بهتر، مابتر می‌توانیم این هدف مقدس را تعقیب کرده و این امر حیاتی را احیا کنیم. سازمان قضائی و امر به معروف و نهی از منکر اگر به خوبی دقت و تأمل شود، تشکیلات قضائی در فرهنگ اسلام، در واقع بخشی از دایره امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و بسیاری از بزرگان از فقهای نامدار شیعه و سنی، به این حقیقت تصریح کرده‌اند که بحث مستوفای آن از طرفیت این مقال خارج است، و در جای خود باید مورد بحث و تحلیل و تأمل بیشتر قرار گیرد. مرحوم «شیخ طوسی»؛ (شیخ الطائفة) می‌فرماید: «تصدی قضا، از واجبات کفائی است که هرگاه گروهی این وظیفه را تقبل کرده،

متصدی آن شدند، از دیگران ساقط خواهد شد، پس اگر مردم شهری و بلدی بر ترک آن هم دست شوند و جلوی آن را بگیرند، در واقع بر ضد حکومت اسلام خروج کرده‌اند و گنه کارند و بر امام و حکومت وقت لازم است که بر جنگ و قتال با آنان برخیزد». آنگاه به حدیث نبوی استناد جسته می‌افزاید: «انه قال(ص): ان الله لا يقدرس امه ليس فيهم من ياخذ للضعيف حقه و لانه من الامر بالمعروف و النهي عن المنكر». «به درستی که خدای متعال امت و ملتی را تقدیس نمی‌کند که در میانشان کسانی نباشند که حقوق ضعفا را باز ستانند و برای این که تصدی قضاء بخشی از امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد». همچنان که امروز در حکومت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر، سازمان قضائی، یک سازمان مشکل و منسجم و قدرتمند است، دائره و سازمان امر به معروف و نهی از منکر یا دائره حاسبه می‌تواند به همین صورت، تشکیلاتی تر و قدرتمندتر وارد عمل گردد مانند برخی از ارگان‌ها و سازمان‌ها که به طور ناقص، در برخی از موارد عمل می‌کنند. چگونه؟ آنچه که به نظر نگارنده روشن است و امکان عملی شدن دارد و بر خود وظیفه می‌دانم که مطرح کرده پیشنهاد نمایم، به این گونه است: الف) دولت اسلامی باید افرادی را به این منظور گزینش، انتخاب و جذب نماید که شرائط آنان از سوی زعمای دینی خواهد شد که از جمله شرائط، این‌ها است:

۱. معلومات در حد دکترا و فوق لیسانس رشته‌های الهیات، حقوق و... و در میان طلاب حوزه‌های علمیه در حداوائل درس خارج.
۲. دارای تقوا و تعهد اسلامی.
۳. افرادی متعادل و منزله از افراط و تفریط.
۴. حسن ظاهر.
۵. فرم لباس مورد پسند از جهت اخلاقی و روان‌شناسی (هم زیبا و هم با شکوه و پسندیده).
۶. دارای اصالت خانوادگی و نسب.
۷. خوش بیان.
۸. علاوه بر داشتن این شرائط، در آغاز، دوره ویژه‌ای را مانند پلیس و نظامی، به صورت آموزش ببینند، هم در بعد پلیسی نظامی، چون کار، نوعی پلیسی است و هم در بعد آشنائی با روش‌ها، شرائط و مراتب این قانون علاوه بر آن، در دوران آموزش باید در موضوعات اخلاق، علوم اجتماعی تربیتی، سیاسی، روانشناسی اسلامی و احکام، آموزش ببینند.
۹. افراد زیردست، کمتر از دیپلم نباشند که باید خود دوره آموزش نیز دیده باشند. ب) این سازمان با وزارتخانه‌ها بخصوص وزارت کشور و سازمان قضائی مرتبط و هماهنگ باشند. ج) افراد این گروه، در مورد برخی از تخلفات و جرائم، بالفور اقدام می‌کنند. همچنان که در دائره حاسبه در گذشته چنین بوده است. اختطاری لازم و ضروری یکی از نکاتی که توجه به آن بسیار ضرورت دارد و رسول اکرم(ص) و سایر معصومان علیهم السلام نیز هشدار داده‌اند، موضوع اعمال نفوذ افراد یا گروه‌های مغرض و منحرف و تغییر دادن مصادیق معروف و منکر می‌باشد.

در طول تاریخ حتی هنگامی که مانند معتزله امر به معروف و نهی از منکر را از اصول دانسته‌اند، قدرت‌های غالب و غاصب توانسته‌اند از طریق دیگر، به این قانون لطمه وارد سازند و مانند (مرجئه) در مصداق‌ها تشکیک کنند، تا آنجا که در زمان بنی امیه و بنی عباس، دانشمندی را استخدام کردند تا در مورد برخی از معروف‌ها و منکرها اظهار نظر نموده، معروف را منکر و منکر را معروف معرفی کردند. شکی نیست هنگامی که این امر حیاتی به نحو احسن اجراء گردد،

جلوی همه مفسد و فاسدها گرفته خواهد شد. در این صورت گروهی و افرادی به وسوس شیطانی مجهز می‌گردند تا تدریجاً برخی از مفسد را توجیه کنند و با کوچکترین سوژه و بهانه‌ای قبح آن را از بین ببرند و به بهانه این که منکر نیست، آن را ترویج نمایند که هم در تاریخ و هم در زمان خود نمونه‌هایی از آن را دیده‌ایم. بنابراین در این گونه موارد مسوولین امر، مسوولیت دارند تا به این امور نیز نظارت کنند تا کسی نتواند سوء استفاده نماید و از راه دیگر قوانین الهی را تغییر دهد. حضرت امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «کیف بکم اذا فسدت نساکم و فسق شیاکم و لم تامرؤا بالمعروف و لم تنهوا عن المنکر؟ فقیل له و یکون ذلک یارسول الله؟ فقال: نعم و شر من ذلک کیف اذا امرتم بالمنکر و نهیتم عن المعروف؟ فقیل له یا رسول الله و یکون ذلک؟ قال: نعم و شر من ذلک کیف بکم اذا رایتم المعروف منکرا و المنکر معروفاً؟». «بر شما چه خواهد گذشت هنگامی که زنان و جوانانتان فاسد و فاسق شده باشند و شما امر به معروف و نهی از منکر ننمائید؟ عرضه داشتند: یا رسول الله، آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری و بدتر از این بر شما چه خواهد گذشت زمانی که امر به منکر و از معروف نهی نمائید؟ باز عرضه داشتند: آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری بدتر از این. بر شما چه خواهد گذشت آنگاه که معروف (زیبا) را منکر (زشت) ببینید و منکر (زشت) را معروف (زیبا) به حساب آورید». ما در جامعه افراد و گروه‌هایی را می‌بینیم که هم‌اکنون مصداق این پیش‌بینی رسول اکرم (ص) هستند و نه تنها از معروف و نیکی دفاع و جلوی منکرات و زشتی را نمی‌گیرند، بلکه دقیقاً در نظر آنان حق، ناحق و باطل، حق شمرده می‌شود و زیبایی را زشتی و زشتی را زیبایی می‌بینند و بر اثر آن که بینش و دید انسانی آنان بسته شده است، با چشم خود خواهی، انانیت و حیوانی می‌نگرند، طبعاً نمی‌توانند واقعیات را آنچنان که هست، ببینند. اصولاً دواعی مختلف و علل و عوامل گوناگون، محیط تربیتی، عادت، تلقین و تبلیغات سوء در دیدگاه‌ها اثر می‌گذارند و شرائط متفاوت چه بسا دید و بیشن متفاوت به وجود می‌آورد. روزی «عمار یاسر» با «مغیره بن شعبه» بحث می‌کردند، حضرت امام علی (ع) رو به عمار کرده فرمود: او را واگذار. «فانه لم یأخذ من الدین الا ما قار به من الدنیا. و علی عمد لبس علی نفسه لیجعل الشبهات عاذراً لسقطاته».

«پس او (مغیره) چیزی از دین را نیاموخته جز آنچه که وی را به دنیایش برساند و عمداً امر را بر خود مشتبه کرده است تا شبهات (اموری که باطل و منکرند و به حق و معروف شباهت دارند) عذر و بهانه برای خطاها و لغزش‌هایش باشد». علاوه بر علل و عوامل و دواعی، انسان‌های چندچهره و بی‌تقوا و متزلزل نیز، همواره حقائق را وارونه جلوه می‌دهند، تا اعمال ناشایست خود را توجیه کنند، بنابراین در مورد حفظ قوانین الهی، از تغییر و تبدل و دگرگون ساختن معروف و منکر، باید بسیار هشیار بود و علما و دانشمندان بزرگوار و مسوول، این هشدار و اخطار را جدی تلقی کنند. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «فمن لم یعرف بقلبه معروفاً و لم ینکر منکرا قلب فجعل اعلاه اسفله و اسفله اعلاه». پس کسی که در قلب خود معروفی را معروف نداند و منکری را انکار ننماید، دلش وارونه و دگرگون می‌شود. تا آنجا که بالای او به پائین آمده پائین او به بالا برمی‌گردد (وارونه تشخیص می‌دهد و حقائق را وارونه می‌بیند). با توجه به این نکات، ضرورت پاسداری و نگهبانی از قوانین الهی و مواظبت کامل برای جلوگیری از تغییر و تبدل‌های بدعت‌گونه، بر همگان محسوس خواهد بود.

اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در کلام مقام معظم رهبری

امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. امر و نهی، فقط زبان و گفتن است؛ البته یک مرحله قبل از زبان هم دارد که مرحله قلب است و اگر آن مرحله باشد، امر به معروف زبانی، کامل خواهد شد. وقتی که شما برای کمک به نظام اسلامی مردم را به نیکی امر می‌کنید مثلاً احسان به

فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر و می‌گویید این کارها را بکن، هنگامی که دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امرصادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می‌کنید مثلاً ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نامی کردن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن و می‌گویید این کارها را نکن، وقتی که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است و خود شما هم طبق همین امر و نهی تان عمل می‌کنید. اگر خدای نکرده دل با زبان همراه نباشد، آنگاه انسان مشمول این جمله می‌شود که «لعن الله الامرين بالمعروف التاركين له». کسی که مردم را به نیکی امر می‌کند، اما خود او به آن عمل نمی‌کند؛ مردم را از بدی نهی می‌کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می‌شود؛ چنین شخصی مشمول لعنت خدا می‌شود؛ این چیز خیلی خطرناکی خواهد شد. اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن بشود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی‌ها دیگر در نمی‌آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه، این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه اسلامی گناه، گناه بماند. بدترین خطرهای این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان صواب معرفی بشود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی بشود و فرهنگ‌ها عوض بشود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می‌شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به صواب و کار نیک نشود. بدترین توطئه‌ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب کارهایی که دین به آن‌ها امر کرده است و رشد و صلاح کشور در آن‌هاست در نظر مردم به کارهای بد، و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود؛ این خطر خیلی بزرگی است. بنابراین اولین فایده امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند. فایده دیگرش این است که وقتی در جامعه گناه منتشر بشود و مردم با گناه خو بگیرند، آنگاه اگر در رأس جامعه هم کسی بخواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق بدهد، کارش با مشکل مواجه خواهد شد؛ نمی‌تواند؛ یا به آسانی نمی‌تواند؛ مجبور است با صرف هزینه فراوان این کار را انجام بدهد. یکی از موجبات نا کامی تلاش‌های امیرمؤمنان با آن قدرت و عظمت در ادامه این راه، که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود. این روایت تکان دهنده و عجیبی است؛ می‌فرماید: «لتامرنا بالمعروف و لتنهون عن المنکر او لیسلمن الله علیکم شرار کم فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم»؛ باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج بدهید و نسبت به آن پایبند باشید؛ اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلط می‌کند؛ یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حجاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه‌ای که امیرالمؤمنین (ع) در رأس آن قرار داشت و در آن جا امر و نهی می‌کرد و در مسجدش خطبه می‌خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به آن جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حجاج چه کسی بود؟ حجاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! به همان راحتی که یک حیوان و یک حشره را بکشند، حجاج یک انسان را می‌کشت. یک بار حجاج دستور داد و گفت همه مردم کوفه باید بیایند و شهادت بدهند که کافر هستند و از کفر خودشان توبه کنند؛ هر کس بگوید نه، گردنش زده می‌شود! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این‌گونه دچار ظلم‌های عجیب و غریب و استثنایی و غیر قابل توصیف و تشریح شدند. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلافتکاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج

گردد و به تدریج جزو فرهنگ جامعه بشود، زمینه برای روی کار آمدن آدم‌های ناباب فراهم خواهد شد. البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگونی دارد که باز مهمترینش حوزه مسؤولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسؤولان، کار خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آن‌ها بخواهند. این مهم‌ترین حوزه است؛ البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد. در مساله امر به معروف و نهی از منکر، فقط نهی از منکر نیست؛ امر به معروف و کارهای نیک هم هست. برای جوان، درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات خوب در زندگی، همه جزو چیزهای خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد. هر کسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر بکنید به او بگویید و از او بخواهید امر به معروف است. نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست. تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند؛ فقط این نیست؛ این جز دهم است. نهی از منکر در همه زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلاً کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سو استفاده از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکت‌ها و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره؛ همین رعایت رفاقت‌ها از سوی مسؤولان. یک وقت دو نفر تاجر و کاسب هستند و با هم همکاری و رفاقت می‌کنند، آن یک حکم دارد؛ یک وقت هست که آن کسی که مسؤول دولتی است و قدرت و اجازه و امضا در دست اوست، با یک نفر رابطه ویژه برقرار می‌کند؛ این آن چیزی است که ممنوع و گناه و حرام است و نهی از آن بر همه کسانی که این چیزها را فهمیده‌اند در خود آن اداره، در خود آن بخش، بر مافوق او، بر زیردست او واجب است؛ تافضا برای کسی که اهل سو استفاده است، تنگ بشود. در محیط خانواده هم می‌شود نهی از منکر کرد. در بعضی از خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها حقوق جوانان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها به خصوص حقوق کودکان رعایت نمی‌شود؛ این‌ها را باید به آنها تذکر داد و از آن‌ها خواست. حقوق کودکان را تضييع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آن‌ها محبت نکند؛ نه، سو تربیت‌ها، بی‌اهتمامی‌ها، نرسیدن‌ها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آن‌هاست.

زمینه سازی برای امر به معروف و نهی از منکر

در حوزه‌های علمیه، اصطلاحی است که می‌گویند: مقدمه واجب، واجب است؛ یعنی همان‌گونه که نماز واجب است، وضو گرفتن نیز که از مقدمات آن است واجب است. برای وضو گرفتن، تهیه آب واجب است. برای تهیه آب هم خرید آب و یا عاریه کردن طناب، دلو و گاهی حفر چاه واجب می‌شود. کسی که می‌خواهد به معروفی امر و یا از منکری نهی کند، باید مقدماتی فراهم آورد. کسانی که می‌خواهند خود را کاندیدای ریاست جمهوری یا نمایندگی مجلس کنند، از مدت‌ها قبل در جلسات پرسش و پاسخ شرکت می‌کنند؛ در محافل دانشگاهی حضور به هم می‌رسانند؛ در روزنامه‌ها مقاله می‌نویسند، با افرادی تماس می‌گیرند، بودجه تهیه می‌کنند و وسائل تبلیغاتی و مراکز تبلیغاتی در نظر می‌گیرند. آری! هر کسی برای هدف خود، باید مقدماتی فراهم آورد. امر به معروف و نهی از منکر هم نیاز به زمینه‌سازی دارد. یک مثال ساده بزنم: اگر ائمه جمعه و جماعات، طلاب، روحانیون و فضیلاي جوان در هر منطقه، جوانان را شناسایی کنند و برای آنان جلسات علمی و شیرین برگزار کنند و به مشکلاتشان گوش دهند، در عزا و شادی آنان شریک شوند به طوری که در دفتر تلفن هر شخصی، شماره تلفن یک اسلام شناس وارسته و متقی باشد و همه نسل‌نو بهترین و عزیزترین دوست خودشان را

علمای جوان و متقی بدانند، این کار کشور را در مقابل هر خطری بیمه می‌کند؛ زیرا هر فسادى پیدا شود، جوانان مؤمن، به رهبری عالمی متقی، جلو فساد را می‌گیرند. از حفظ کوچه تا خط مرزها همه با هم یکدل و یکدست می‌شوند. ولی متأسفانه در بسیاری از موارد، رابطه میان طلاب جوان و نسل نو بسیار کمرنگ است. لذا یک روز ویدئو، روز دیگر ماهواره، روز سوم کاندیدایی نا اهل، روز چهارم یک شبهه و اشکال و گاهی یک نوار و سخنرانی، نسل نو را از اسلام می‌گیرند. این گناه به گردن غفلت ما در زمان قبل است.

اهمیت آ مر به معروف

ناگفته پیداست که حساب امر به معروف و نهی از منکر از حساب نماز، روزه و حج جداست؛ زیرا آن‌ها ضرری به منافع و هوس‌های دیگران نمی‌زنند و لذا کسی با آن‌ها مخالفتی ندارد.

اما نهی از منکر، مخالفت با انحرافات و هوس‌های مردم است و قهراً گروهی در مقابل آن مقاومت می‌کنند. بگذریم که شناخت معروف و منکر کار هر کس نیست و قدرت برخورد و تماس با افراد مختلف نیز روان‌شناسی تبلیغاتی لازم دارد. اما امر به معروف زمانی مؤثر است که آمران به معروف و ناهیان از منکر، از خلق و خوی عالی، اطلاعات کافی، آموزش‌های لازم برخوردار باشند.

از سوی دیگر، دولت و مردم از هر گونه حمایت‌های قانونی و مالی دریغ نکنند؛ برای مثال مسیر همه فیلم‌ها و برنامه‌های صدا و سیما زنده کردن خوبی‌ها در جامعه و محو کردن منکرات باشد. بعلاوه، مردم باید امر به معروف را یک فریضه اسلامی بدانند و نه دخالت و مزاحمت. در شعارهای در و دیوار نیز جملاتی باشد که مردم را به سوی کمال و نور دعوت کند و فضای جامعه، اسلامی و فضای رشد خوبی‌ها و محو بدی‌ها باشد.

به فرموده روایات، امر به معروف حتی از جهاد در راه خدا مهم‌تر است؛ زیرا جهاد در تمام عمر یکی دوبار صورت می‌گیرد؛ ولی این واجب الهی هر شب و روز در برابر چشم مردم جلوه‌گیری می‌کند.

اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، جامعه اسلامی بیمه نمی‌شود و هر روز اگر هنرمندی مثل سامری یک گوساله طلائی درست کند، می‌تواند نسل ما را مورد تهاجم فرهنگی خود قرار دهد. به گفته همه علماء، امر به معروف و نهی از منکر از واجبات قطعی است و آن قدر اهمیت دارد که امام حسین علیه السلام فرمود: هدف من از رفتن به کربلا، امر به معروف و نهی از منکر است.

با امر به معروف تمام واجبات در جامعه عملی می‌شود. با نهی از منکر، از همه مفاسد جلوگیری می‌شود. اگر یک میلیارد مسلمان هر روز به یک معروف امر و از یک منکر نهی کنند، سیمای جهان عوض می‌شود.

اگر روزی که اسرائیل و آمریکا، مسلمانان منطقه‌ای را بمباران می‌کنند، یک میلیارد فریاد بلند شود، آن‌ها عقب نشینی خواهند کرد.

ما هنوز مزه اتحاد و ایمان و فریاد را به طور کامل نچشیده‌ایم. آری از یک قطره آب کاری بر نمی‌آید؛ همین که قطرات فراوان به صورت جویها و جویها به صورت رودخانه پشت سدی قرار گیرند، وسیله‌ای برای تولید برق می‌شوند و منطقه‌ای را روشن می‌کنند.

مرحوم شهید مطهری می‌فرماید: «در قرآن، قبل از آیه امر به معروف، مسأله اتحاد مسلمانان مطرح شده است؛ یعنی اگر خواستید جلو مفاسد را بگیرید، باید قدرت داشته باشید و قدرت زمانی دارید که متحد باشید.»

مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: اگر امر به معروف و نهی از منکر نیاز به قدرت و ولایت و حکومت داشت، واجب است که به سراغ تشکیل قدرت رویم و حکومت تشکیل دهیم.»

مفاسد دیروز دروغ و غیبت بود که از فردی صادر می‌شد و فرد دیگری او را منع می‌کرد؛ ولی مفاسد امروز، شکل دیگری دارد. امروز، ناگهان مسلمانان خود را در برابر بزرگ‌ترین توطئه‌ها می‌بینند که اگر از تخصص و تکنولوژی و قدرت و وحدت و اقتصاد کافی برخوردار نباشند، همه چیزشان دستخوش تهاجم قرار می‌گیرد. بنابراین، تشکیل نظام اسلامی برای نهدی از منکرهای اجتماعی و جهانی، یک ضرورت است.

نمونه‌ای از معروف‌ها در قرآن

چون قرآن در همه جا نور و هدایت است، لازم است در شناخت معروف و منکر نیز پای سخن آن بنشینیم و بدین منظور با مرور در قرآن نمونه‌هایی از معروف‌ها را بدست می‌آوریم.

۱. احیای مراکز دینی و مساجد

قرآن می‌فرماید: در میان کسانی که پیشنهاد ساختمان و بنایی را به عنوان یادبود بر مزار جوانمردان خداپرست طرح کردند، بعضی گفتند چرا ساختمان یادبود بی‌هدف باشد اگر بنا باشد ما یادگاری بر مزار این غارنشینانی که بشر از طاغوت فرار کرده و عمری را در راه حفظ عقیده خود به هجرت و زندگی در غار گذراندند، بنا کنیم بهتر است آن بنا را مسجد قرار دهیم و لذا بر مزار این جوانمردان که به اصحاب کهف معروف‌اند ساختمانی به نام مسجد ساخته شد. ای کاش طراحان شهرها و شهرک‌ها از قرآن درس می‌گرفتند و در ساختمان‌های خود اول جایگاه مسجد را مشخص می‌کردند و سپس خیابان‌ها و طراحی خود را بر محوریت مسجد قرار می‌دادند.

فرهنگ سراسری مسلمانان باید همان مساجد آنان باشد و هر تزئینات و امکاناتی که در جای دیگر هزینه می‌شود باید در مسجد و اطراف آن هزینه شود زیرا که در غیر این صورت جاذبه‌های غیر مسجد بیشتر و مساجد خلوت تر خواهد شد به خصوص احیای مساجدی که به قول قرآن از روز اول بر اساس تقوی بنیان‌ش گذاشته شده است باید محوریت بیشتری داشته باشد. احیای مسجد توفیقی است که خداوند تنها به کسانی می‌دهد که اهل ایمان و شجاعت و اخلاص باشند. (۵۸۵) مسجد به قدری ارزش دارد که انبیاء خدا نظیر ابراهیم و اسماعیل و زکریا علیهم‌السلام خادم آن بوده‌اند. مسجد به قدری ارزش دارد که مادر مریم در ایام حاملگی نذر می‌کند که نوزادش را برای خادمی بیت المقدس از هر کار دیگر آزادش کند.

قرآن می‌فرماید تولیت مسجدالحرام مقامی است که جز افراد با تقوی لیاقت آن را ندارند در قرآن هر کاری که از رونق مسجد بکاهد بزرگ‌ترین ظلم شمرده است خواه کم رونقی مسجد بخاطر جلسات عزاداری یا مراسم سوگواری این و آن باشد و یا بخاطر برگزاری مراسم دیگر و یا محبوب نبودن امام جماعت و یا نامنظم بودن او و یا بداخلاق بودن خادم و یا ناهل بودن هیئت ائمه و متولیان و یا طرح مسائل غیر لازم در مساجد و سخنرانی‌های طولانی و یا نداشتن نظافت و زیبایی لازم و یا سوء استفاده کردن از نام و نان مسجد و یا هر عامل دیگری که از تعداد شرکت کنندگان بکاهد بدترین ظلم است.

با کمال تأسف مساجد ما غمگده شده در حالی که عقد حضرت زهرا را در مسجد گرفتند ما با هر لباس به مسجد می‌رویم در حالی که قرآن می‌فرماید: به هر مسجدی می‌روید خود را زینت کنید. اسلامی که می‌فرماید در میان چند نفر امام جماعتی که از نظر علم و تقوی و سابقه یکسان هستند زیباترین آنان امامت را بپذیرد. اسلامی که می‌فرماید: در میان چند مؤذن خوش صداترین افراد اذان بگویند. اسلامی که می‌گوید هنگام نماز از بهترین لباس و عطر استفاده کنید و زنان بهترین وسائل زینت خود را همراه داشته باشند.

اسلامی که مسجد را مرکز مشورت و اعزام به جبهه و کمک رسانی به دیگران و دادرسی محرومان و شناسایی نیروهای حزب الهی قرار داده است نباید محل افراد بیکار و وارفته و ترسو و فقیر باشد. از بزرگ‌ترین معروف‌ها در زمان ما احیای مساجد و بازسازی عمرانی و فرهنگی آن است.

خادم مسجد باید از افراد محبوب و سرشناس و از مقامات عالی باشد. در هر محله باید افراد خوش صدا برای اذان به مساجد جذب شوند تحصیل کرده‌های هر منطقه هر مقصد یک ساعتی در مسجد حضور شغلی و به مردم خدمات رایگان ارائه دهند، مرضی که راه به جایی ندارد با خود بگویند شب به مسجد می‌روم و پزشک رایگان مرا می‌بیند، بدهکار خود را با وام از صندوق مسجد دلگرم کند و برعکس هر فردی که بنای سفر دارد و مشکل خانواده و یا سرویس رفت و آمد مدرسه فرزند و یا نگرانی از سرقت دارد با خود بگویند بسیج و مردم مسجد ناظر بر خانه و زندگی من هستند اگر هر مشکلی داشتم مردم برادر من و نیروهای حزب الهی بازوی من هستند با این گونه برنامه‌ها بزرگ‌ترین معروف‌ها که احیای مسجد است عملی خواهد شد. انشاءالله

۲. استقلال و دوری از خودباختگی

یکی از معروف‌ها استقلال است. استقلال در همه ابعاد و رهایی از وابستگی‌ها قرآن می‌فرماید: جامعه اسلامی مثل گیاهی است که هر روز رو به رشد و توسعه باشد تا بتواند روی پای خود بایستد. فقهای بزرگوار ما می‌فرمایند تشبیه به کفار حرام است و در روایات از پوشیدن لباس کفار و عمل کردن به آداب کفار به شدت انتقاد شده است در تاریخ می‌خوانیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همینکه متوجه شد تکیه به دیوار کافری داده حرکت کرد و به درختی تکیه داد و فرمود: مسلمان تکیه به دیوار بیگانه نمی‌دهد.

۳. قصد قربت

یکی از معروف‌ها اخلاص و رنگ الهی دادن به کارها و انتخاب بهترین هدف‌ها و نیت‌ها حتی در خوراک و پوشاک و مسکن و در قهر و صلح و انتخاب رشته تحصیلی یا شغل یا دوست و همسر است نیت پاک و الهی کیمیایی است که با هر کار ساده‌ای همراه باشد آن را به یک گوهر گران بها تبدیل می‌نماید.

۴. تشویق

بهترین اهرم برای گسترش معروف ستایش از اهل معروف و تشویق آنان است. قرآن می‌فرماید: راه بیرون آوردن مردم از ظلمات و هدایت آنان به سوی نور همراه با تشویق است. و در جای دیگر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد از هر کس که زکوة می‌گیری او را تشویق کن و به او صلوات بفرست که این درود و صلوات تو برای او آرام بخش است. خداوند بارها از زنان و مردان نمونه در قرآن ستایش کرده.

۵. تحصیل

در هیچ مکتبی اولین فرمان آن آیه مبارکه اقرأ نیست. اسلام علم را شرط اول برای رهبری و مرحمت قضاوت و زمان تحصیل را از گهواره تا گور و مکان را تا چین و ثریا دانسته و برای تحصیل علم تنها یک شرط قرار داده است و آن این است که باید علم مفید باشد و از علوم بی‌فایده و یا مضر به شدت انتقاد کرده است. و برای شیوه تحصیل و یادداشت کردن و نشر آن و احترام استاد و وظائف متقابل استاد و شاگرد صدها سفارش کرده است.

توجه به مسائل اجتماعی

- قرآن در صدها آیه به مسائل جامعه توجه خاصی کرده و مردم را به معروف‌های اجتماعی توصیه و تشویق فرموده است که ما گوشه‌ای از آن‌ها را فهرست‌وار با نقل آیه در پاورقی بیان می‌کنیم:
- عدالت در گفتار و عمل اصلاح ذات الیمین مراقب دشمن بودن.
 - همگامی با خوبان پیروی از خوبان سبقت در کار خیر پذیرفتن طرح صلح.
 - تنبیه مجرمانی که امنیت جامعه را به هم می‌زنند.
 - عفو و گذشت نسبت به خلاف‌هایی که مربوط به شخص انسان انجام گرفته.
 - وام دادن.
 - جذب دل‌های دیگران از طریق کمک‌های مالی و آزاد کردن اسرا و زندانیان بدهکار و نجات مسافران بین راهی؛ از طریق پرداخت سهمی از زکات.

ارج نهادن به پیشگامان در نیکی‌ها

رابطه متقابل رهبر و مردم سلام و صلوات عمیق و دائمی باشد؛ نه ترس و تهدید. بایکوت کردن متخلفان از راه حق؛ به فرمان پیامبر اکرم همه مسلمانان علیه سه نفری که در بسیج عمومی شرکت نکردند اعتصاب کردند و هیچ مسلمانی با آنان سخن نمی‌گفت تا آنکه آن سه نفر توبه کرده و اعتصاب شکسته شد.

مشورت؛ سفارش یکدیگر به صبر و رحمت؛ یتیم نوازی؛

دعا برای گذشتگان و پاکدلی نسبت به اهل ایمان.

تجلیل از خوبان و زنده نگاه داشتن یاد و خاطر آنان

در صورت ضرورت جدائی ولی همراه با نیکویی (جدائی زن از شوهر، مستأجر از موجر، کارگر از کارفرما، شریک از شریک) خدمت خالصانه به مردم پاسداری از ارزش‌ها. نجات مستضعفان، رازداری، نیروگیری برای اهداف مقدس، مردمی بودن، محو آثار شرک، آسان گرفتن با کارگر، مسافرت صاحبان قدرت و حکومت برای سرکشی به مناطق محروم و رفع مشکلات آنان، همکاری مردم با دولتمردان در سازندگی، نداشتن چشم داشت به اجرت گرفتن از فقراء، به دیگران فرصت فکر و تحقیقات دادن این‌ها و ده‌ها نمونه دیگر از معروف‌های اجتماعی بود.

برخورد مسالمت‌آمیز با ناآگاهان، قردانی همه جانبه از زحمات دیگران، تفقد از غائبین، تواضع نسبت به پیروان، خواب راحت را از کفار گرفتن، سرکوب یاغی، قرار دادن سهمیه‌ای در مال خود برای محرومان، غریب نوازی، جا دادن یا ترک جلسه هنگام ورود افراد تازه در مکان‌های محدود، دعوت مردم به حرکت در راه خدا آن هم از طریق حکمت و موعظه و جدال نیکو، وفای به عهد و پیمان، گذشت نیکو و بدون منت از مردم، دوری از ستمگران، نشان دادن و معرفی عوامل تقوی، ضربه زدن به منافع ابر قدرت‌ها، (حضرت موسی به فرعونیان نفرین کرد که پروردگار اموال آنان را نابود کند)

حفظ نیروهای خودی، (مستکبرین به انبیا پیشنهاد می‌کردند که فقراء را از دور خود برهانند ولی آنان نمی‌پذیرفتند) مهمان نوازی سریع و عالی گرچه مهمان را شناسیم حفظ آثار گذشتگان که سبب عبرت دیگران است، به کارگیری شیوه‌های امنیتی و مکتبی در شهرسازی و معماری، خداوند به بنی اسرائیل دستور می‌دهد که خانه‌های خود را رو به قبله یا مقابل هم بسازید.

سعه صدر و لبخند در برابر اهانت زبردستان، نعمت‌های الهی را فضل و رحمت او بدانیم نه علم و زیرکی خود، کمک بدنی به نیازمندان، اقرار به کمالات دیگران.

نمونه معروف‌های خانوادگی در قرآن

- در قرآن برای مسائل خانواده سفارشات شده که ما گوشه‌ای از آن را به عنوان معروف‌های خانواده بیان می‌کنیم:
- در انتخاب همسر اصل، تفکر و ایمان اوست نه شکل و سرمایه.
- خانواده همسر در پاکدامنی او نقش دارد.
- مهریه را در قراردادها جوری تنظیم کنید که داماد در فشار قرار نگیرد.
- آمیزش جنسی مقدمه‌ای برای ذخیره قیامت و نسل صالح است نه تنها شهوترانی بدون هدف. زن تحت تکفل مرد است و باید زندگی زن توسط مرد تأمین شود.
- زندگی با همسر باید به نحو معروف باشد.
- مادران دو سال فرزندان خود را شیر دهند.
- مقدار خرجی مرد به همسر باید به مناسبت درآمد مرد باشد.
- اگر از پیدایش کدورت نگران بودید دادگاه خانوادگی تشکیل دهید و مسئله را با بیگانگان در میان نگذارید.
- زن و مرد لباس یکدیگرند و باید همدیگر را حفظ نمایند.
- عفت و حجاب و نشان ندادن مواضع زینت و پایکوبی نکردن و با کرشمه حرف نزدن و با حیا راه رفتن و با مردان مختلط نشدن از سفارشات قرآن به زنان است که برای هر یک، آیه صریحی داریم.

نمونه‌های معروف‌های سیاسی

- اطاعت از رسول خدا و اولی الامر، یعنی رهبران معصوم؛
- وحدت و دوری از هر گونه تفرقه و عوامل آن؛
- صلابت و نپذیرفتن هیچگونه سازش منفی؛
- تکیه نکردن به ابر قدرت‌ها؛
- خشونت نسبت به کفار و مهربانی با مؤمنان؛
- انهدام مراکز توطئه و برخورد انقلابی با توطئه‌گران تحت هر نام و عنوان جهاد علیه رهبران کفر؛ آمادگی در عالی‌ترین حد امکان برای دفاع از ارزش‌ها؛
- برائت از مشرکین؛ قضاوت عادلانه؛ پذیرش صلح شرافتمندانه؛ پشتوانه قرار دادن خداوند و مؤمنین به خدا را به جای وابستگی به شرق و غرب؛ اقامه نماز و زکوة و امر به معروف را در رأس وظایف حکومت قرار دادن؛ آگاهی بر اهداف دشمن به خصوص تهاجم فرهنگی.

سیمای امر به معروف

- امر به معروف، نشانه عشق انسان به مکتب است.
- امر به معروف، نشانه عشق انسان به مردم است.
- امر به معروف، نشانه تعهد و سوز و علاقه انسان به سلامتی جامعه است.
- امر به معروف، نشانه توکی و تبری است.

- امر به معروف، نشانه آزادی در جامعه است.
- امر به معروف، نشانه ارتباط میان آحاد مردم است.
- امر به معروف، نشانه فطرت بیدار است.
- امر به معروف، حضور و غیاب واجبات است چرا نماز نخواندی؟ چرا روزه نگرفتی؟
- امر به معروف، ضامن اجرای تمام واجبات و نهی از منکر، ضامن ترک همه محرمات است.
- امر به معروف، تشویق نیکوکاران در جامعه است.
- امر به معروف، تذکر و آگاه کردن افراد جاهل است
- نهی از منکر، تلخ کردن کام خلافکاران است
- امر به معروف و نهی از منکر، گاز و ترمزی است که ماشین جامعه را هدایت می‌کند.

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر برای مسلمانان نوعی مقام ولایت فراهم می‌کند امر و نهی آنان ناشی از نوعی ولایت در حد خودشان است زیرا امر و نهی باید از سوی مقام عالی باشد.

پژوهش درباره امر به معروف و نهی از منکر و هر پژوهش دیگری را باید از قرآن شروع کنیم. آیات مربوط به این موضوع سه دسته است: دسته اول آیاتی است که صرفاً به معروف پرداخته و آن آیاتی است که بیشتر به رابطه زن و شوهر مربوط می‌شود مانند: امساک بالمعروف، فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف، متاعاً بالمعروف و مانند آن. دسته دوم آیاتی است که صرفاً منکر را نهی می‌کند، چهار آیه است: «ان الصلوة تنهی عن المنکر» دسته سوم، هشت آیه‌ای است که به امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. این هشت آیه خصوصیات مشترکی دارند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

خطاب این آیات خطاب جمعی است یعنی امر به معروف و نهی از منکر یک کار دسته جمعی است. مانند آیه «کنتم خیرامه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و لکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» که در سوره آل عمران هستند. قرآن در جایی دیگر نیز مسئله تفقه و به صورت دسته جمعی را مطرح کرده است: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» معلوم می‌شود که دعوت دسته جمعی خیلی مؤثر است.

از هر قبیله‌ای و از هر منطقه‌ای باید چند نفر بروند اسلام شناس و متفقه در دین شوند آن‌گاه برگردند و مردم را دعوت و انذار کنند. سپس این کار به صورت جمعی انجام می‌گیرد. در آیه «ولکن منکم امه یدعون الی الخیر» و جمعیتی مدنظر است که دارای هدف واحد، امام واحد و مسلک واحد باشند. آیین نامه واحدی برای کارشان تنظیم کرده باشند. اگر این‌ها مردم را به خیر دعوت کنند خیلی مؤثر است.

امر به معروف در این آیات بر نهی از منکر مقدم است می‌فرماید «یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر، امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر، و أمر بالامعروف و انهی عن المنکر»، تقدم امر به معروف بر نهی از منکر یک نکته اجتماعی دارد و یک نکته روانی. نکته اجتماعی آن عبارت است از اینکه وقتی انسان بخواهد مردم را از کار به نهی کند باید ابتدا راهی پیش پایش بگذارد. قبل از اینکه راه‌های فساد را ببندد باید راه خیر و سعادت را به روی مردم بگشاید. اول باید معروف را ارائه کند بعد نهی از منکر نماید. جنبه روانی آن نیز این است که وقتی مردم چهره زیبای معروف را دیدند، در روحشان اثر می‌کند و به خود می‌گویند وقتی این راه است، چرا ما بیراهه برویم؟ این همانند آن است که به کسانی که در ظلمات قرار دارند بگویید از این تاریکی بیرون بیایی چرا در این ظلمات دست و پا می‌زنید؟ اگر شما در جایی چراغی برافروخته، فضا

را روشن کنید، می‌توانید بگویید، از این تاریکی به این روشنی درآید. اگر این گونه نباشد سخن شما تأثیر ندارد. اگر انسان ابتدا معروف را ارائه نکند نهی از منکر جز باعث سرگردانی مردم نمی‌شود. مردم می‌گویند اگر این کارهایی را که ما را نهی می‌کند، انجام ندهیم، پس چه کنیم؟ و این برایشان حیرت ایجاد می‌کند. باید به مردم امید داد.

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر برای افراد مسلمان و لاقل برای همین امت و گروهی که در این زمینه مسئولیت دارند، نوعی مقام ولایت فراهم می‌کند. امر و نهی آنان ناشی از نوعی ولایت در حد خودشان است، زیرا امر و نهی باید از مقام عالی باشد. این غیر از موعظه است. امر و نهی باید از یک مقام صورت گیرد. با ضمیمه کردن این مطلب و ویژگی نخست شاید بتوان نتیجه گرفت که در جامعه اسلامی حکومت وظیفه دارد جمعیت امر به معروف و نهی از منکر تأسیس کند و به آن‌ها اختیار دهد. نمی‌توان به همه مردم این اختیار را داد. شاید از این آیات چنین برآید که امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است که در آیات و روایات بسیاری آمده است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر به یک امت و جمعیتی نیاز دارد که ولایت داشته باشند، این ولایت را باید صاحب ولایت عظمی که در رأس جامعه اسلامی امت به آن‌ها بدهد که اگر به کسی امر و نهی کردند، نگوید به شما ربطی ندارد. هنوز در جامعه ما چنین کاری انجام نشده است و من هم ندیده‌ام کسی به فکر این امر باشد. باید براساس آیه ولتکن منکم امه این امت را تعیین کنند. به آن‌ها ابلاغ دهند، لباس شخصی داشته باشند و به گونه‌ای باشند که مردم به آن‌ها احترام بگذارند و از آن‌ها حرف بشنوند

در آیه «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» ابتدا دعوت به خیر را مطرح می‌کند لازمه دعوت امر و نهی نیست، دعوت، مسلم و مسالمت است، تقاضا و موعظه است همراه با برهان و احتجاج و استدلال البته خیر را همه دوست دارند. خیر مفهوم واضحی دارد. انسان نباید از همان ابتدا، قیافه امر و نهی از خود نشان دهد. این نوعی خشونت است. اول باید قیافه داعی و کسی که به خیر دعوت می‌کند، به خود بگیرد آن گاه که مردم چشم و گوششان باز شد و دلشان راغب شد، قیافه امر و نهی به خود بگیرد. در ذیل آیه‌ی «ولتکن منکم امه» آمده است اولتکن هم المفلحون، اما در ذیل آیه‌ی تفقه دسته جمعی حذر است. آنجا مردم، مردم را از بدی برحذر می‌کنند، اینجا مردم را به صلاح و فلاح می‌رسانند، یعنی اینجا جنبه مثبت است و آنجا جنبه منفی، هدف اصلی رساندن مردم به فلاح و رستگاری است. بین خیر و فلاح پلی است که آن پل امر به معروف و نهی از منکر. این نکته ای است که درباره آن باید خیلی اندیشید. علامه طباطبائی و مفسران دیگر کم و بیش در این باره چیزهایی گفته‌اند ولی من فقط براساس خود آیات به این نکته رسیدم. محققان باید این نکته را دنبال کنند.

بزرگ‌ترین شاخص امت اسلامی امر به معروف نهی از منکر است: «کنتم خیرامه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» آیا مشخص اصلی امت اسلامی این است که کشورگشایی کند؟ حکومتش را بسط دهد؟ قدرت نمایی کند؟ ثروت جمع کند؟ به فکر این باشد که وضع اقتصادی را بالا ببرد؟ این‌ها را اصول و اهداف قرار دهد؟ خیر، این‌ها خود به خود تا آن حدی که مطلوب و مشروع است حاصل خواهد شد. آن جمعیت مسلمان که می‌خواهند دنیا را دعوت کنند باید به کارشان امر به معروف و نهی از منکر باشد. همان گونه که پیامبر رحمت، برای همه جهان مبعوث شده و مخاطب دعوت از همه مردم جهان هستند و ما ارسلاک الارحمه للعالمین امت او نیز باید جهان را مخاطب دعوت خود قرار دهند. پس نباید در پی کشورگشایی، بسط قدرت و جمع ثروت باشند، کاری که بنی امیه کردند و چهره اسلام را در بین امت‌ها زشت جلوه دادند. در تاریخ بنی امیه می‌بینیم بسیاری از سرزمین‌هایی را که فتح می‌کردند، مردم بر علیه آنان قیام می‌کردند. آن مردم مخاطب اسلام نبودند، اسلام را پذیرفته بودند بلکه مخالف این گونه سطره بودند. بنی امیه می‌خواستند قومیت عربی را بسط دهند ولی اسلام این را نمی‌پذیرفت. هدف امت باید این باشد که معروف‌ها را در بین امت‌ها و کشورها نشر دهند و

منکرات را از بین ببرند، این هدف اصلی. حال ممکن است این کار با سیطره سیاسی توأم شود و ممکن است نشود، وقتی کشوری را که مستقل هم هست امر به معروف و نهی از منکر کردیم و آن‌ها به معروف گرویدند و از منکر اجتناب کردند، خود به خود آن کشور یک کشور ایده‌آل اسلامی خواهد شد. این نکته بسیار مهمی است.

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه انبیاء است: «الذین يتبعون الرسول النبي الذي يجدونه مكتوباً عندهم في التوریه و الانجیل يأمرهم بالمعروف وينهاهم عن المنکر» معروف خیلی گسترده است، در رأس آن توحید است و پاک کردن دل‌ها از شرک، فسادها و هوس‌ها و تمایل دادن به تقوا وقتی قرآن می‌خواهد رسول اکرم (ص) را معرفی کند بعد از اینکه می‌گوید ما او را در تورات و انجیل معرفی کردیم، از اول نمی‌گوید یا مرهم بالصلوة، می‌فرماید یا مرهم بالمعروف و ينهاهم عن المنکر مسئله امر به معروف و نهی از منکر وظیفه اولیه انبیاء را انجام می‌دهند. این نکته‌ای است که به مسئله امر به معروف و نهی از منکر خیلی بها می‌دهد. در آیه‌ای دیگر وظیفه احکام عادل اسلامی را این گونه بیان فرموده است: «الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر» در چند موضع صلاح را اتبا زکات، قبل از امر به معروف ذکر شده است، این دو کار زمینه را برای پذیرش امر و نهی بسیار آماده می‌کند. وقتی مردم کشوری مواجه شدند با جمعیت مسلمین، می‌بینند آن‌ها اهل عبادت هستند. از اموال خود به فقرا زکات می‌دهند. این زمینه بسیار خوبی است که مردم امر و نهی را قبول کنند، آن‌ها می‌گویند این آمران و ناهیان، اخلاص دارند، نظر به مال و ثروت ما ندارند چرا که از اموال خود زکات می‌دهند. نظر به سیطره بر ما ندارند چرا که با نماز و عبادت خود می‌فهمانند که ما بنده خدا هستیم. شاید با نماز و عبودیت این مفهوم همه ارائه می‌شود که مبلغین باید خدا ترس باشند و جز از خدا نترسند: «الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون احداً الا الله امر و ناهی» از کسی که او را امر و نهی می‌کنند نمی‌ترسند.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر همان طور که وظیفه انبیاء است وظیفه حکام مسلمین هم هست نکته دیگری در این زمینه در ذیل آیه ۱۷ سوره لقمان است. حضرت لقمان فرزندش را نصیحت می‌کند. معلوم است که مسائل مهمی را که خیر می‌داند به او می‌گوید: یا بنی اقم الصلوه و امرالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک یعنی اینچنین نیست که هنگام امر به معروف و نهی از منکر همه مردم به استقبال تو بیایند در پایت جواهر بریزند بلکه با مخالفت‌ها و مقاومت‌های بسیار مواجه می‌شوی و باید صبر کنی، کسانی که می‌خواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند باید اهل صبر باشند. گاهی به عنوان یکی از شرایط امر به معروف در رساله‌ها می‌نویسند، باید امر به معروف ضرر نداشته باشد و صدمه‌ای به انسان وارد نشود. چنین کاری که امر به معروف نخواهد بود. اگر کسی واقعاً وظیفه خود را امر به معروف و نهی از منکر و چنین ولایتی برای خودش قائل است و از طرف خدا و چنین ولایتی به او داده شده است باید لوازم و پیامدهای آن را بپذیرد. کسی که خربزه می‌خورد باید پای لرزش هم بنشیند: و اصبر علی ما اصابک.

موضوع قابل بحث دیگر آن است که معیار تشخیص معروف و منکر چیست. آیا برای تشخیص معروف و منکر حتماً باید ببینیم دین چه گفته است و تعبد داشته باشیم به اینکه قرآن و روایات چه عملی را معروف و چه کاری را منکر داشته است؟ عقیده بنده آن است که در اینجا مجال وسیعی وجود دارد و قرآن مجال وسیع و دیدگاه وسیعی پیش پای کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند نهاده است. مسلمانی که در جامعه اسلامی تربیت شده و در شعاع تربیت کتاب و سنت و ولایت قرار گرفته باید بداند معروف و منکر چیست. لزومی ندارد یکایک مصادیق معروف و منکر به او گفته شود. این مسئله با دیدگاه فقیه ارتباط پیدا می‌کند. فقیه در بسیاری از موارد عرف را معیار قرار می‌دهد. عرف هم از همین ماده معروف است یعنی چیزی که مردم آن را می‌شناسند و پذیرفته‌اند و طبعاً آن را خوب می‌دانند که قبول کرده‌اند در مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی و روابط زناشویی باید عرف را پذیرفت: «امساک بالمعروف او تسریح باحسان». اتفاق باید به

صورت معروف باشد و آیات دیگر. از آیه «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر» معلوم می‌شود بین خیر و معروف و ترک منکر رابطه‌ای وجود دارد. البته خیر خیلی اعم از معروف است. اینجاست که دیدگاه وسیعی در برابر و عاظم، امر به معروف، ناهیان از منکر، نویسندگان، محققان و فقها پیدا می‌شود که به سراغ جزئیات نروند. قرآن نمونه‌هایی برای معروف و منکر ذکر کرده که برای ما الگو است اما در جامعه اسلامی که تحت تربیت احکام اسلامی است افراد خودشان باید بدانند معروف چیست و منکر کدام است. این موضوع را باید از دیدگاه اجتماعی و اوضاع و احوال جامعه عقلا پذیرفته باشد زیرا قرآن امر به معروف و نهی از منکر را برای جامعه اسلامی می‌گوید. در جامعه عقلا ممکن است کارهایی معروف باشد که در جامعه اسلامی معروف نیست. برای مثال رباخواری، و روابط خاص میان زن و مرد در جامعه جهانی پذیرفته شده و معروف است اما از دیدگاه اسلام منکر است و در ذهنیت مسلمانان نیز این گونه کارهایی که آن‌ها معروف می‌دانند، منکر محسوب می‌شود.

یک نکته مهم دیگر آن است که امر به معروف و نهی از منکر، باید خودش عالم باشد: «اتامرون الناس بالبر و تسون انفسکم» آیات و روایات در این زمینه بسیار است. آنجا که قرآن قبل از مسئله امر به معروف و نهی از منکر، مسئله نماز و زکات را مطرح می‌کند یعنی امر به معروف و نهی از منکر خود اهل نماز و زکات هستند، دلیل بر همین موضوع است که امر و نهی باید عامل به این دو رکن اسلام باشند در قرآن نماز رمز کل عبادات و روابط میان انسان و خداست و زکات رمز کل انفاقات و روابط بین انسان‌ها است. بنابراین انسان باید عامل باشد. سپس امر و نهی کند. کسی که عامل نیست امر و نهی او را نمی‌پذیرند.

نکته دیگری که مرحوم علامه مطهری رضوان الله تعالی علیه نیز به آن پرداخته آنکه امر به معروف و نهی از منکر به خیلی از مباحث علمی ما مربوط می‌شود و در علم، حکم هم مطرح است. معتزله پنج اصل دارند یکی از اصول مذهبشان وجوب امر به معروف و نهی از منکر است. این موضوع باب مفصل در نقد دارد، ابواب متعددی در حدیث که در مسائل الشیعه و کتب دیگر هست، و در علم اخلاق هم مطرح است و با چند علم مهم اسلامی ارتباط دارد.

نکته آخر مسئله وجوب عینی یا کفایی این فرضیه است. به نظر من واجب کفایی است که بر حسب صریح آیه ولتكن منكم امة به دست می‌آید. زیرا همه مردم صلاحیت این کار را ندارند و اگر قرار شود امر و نهی را بر همه مردم واجب کنیم، فساد ایجاد می‌شود زیرا همه صلاحیت ندارند و همه عامل به معروف نیستند تا به آن امر کنند و این ولایت را نمی‌توان به همه داد که همه به یکدیگر امر کنند، مگر در شرایط خاص و در جامعه‌ای مخصوص که همه صلاحیت دارند. ولی بهتر این است که بگوییم امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است.

منکر چیست؟

هر کاری را که عقل و دین بد می‌دانند منکر است. منکرات را نمی‌توان محدود کرد. در قرآن نمونه‌هایی از منکرات بیان شده است؛ ولی شماره کردن و شناسایی همه منکرات، کار ساده‌ای نیست. گاهی انسان گرفتار منکری می‌شود، ولی خودش نمی‌داند که منکر انجام می‌دهد. اسراف در: شستشو و وضو و غسل، مصرف بی‌رویه نان و میوه و لباس و کاغذ، پر خوری، پارک نابجای اتومبیل، ریختن آشغال در خیابان، سد معبر، بوق زدن و گاز دادن نابجا که سبب ترس و وحشت مردم شود، حتی لباس مهمانی را در خانه پوشیدن، سیگار و هر دود دیگری که علاوه بر اسراف و ضرر به سلامتی و دستگاه تنفس، نوعی تجاوز به حریم هوایی هم‌نشینان و آلوده کردن هوای مطلوب و تبدیل آن به هوای دودآلود از منکراتی است که بسیاری از مردم آن را منکر نمی‌دانند.

برنامه‌ریزی‌های غلط از بزرگ‌ترین منکرات است. اگر دانش‌آموزان در هوای صبح که تازه نفس هستند و صبحانه‌خورده به مدرسه می‌روند، برنامه‌های ساده و سطحی داشته باشند، ولی نزدیک ظهر که هوای گرم و مغز خسته و شکم گرسنه است، برنامه‌های سنگین ریاضی، زبان و درس‌های سخت داشته باشند، در امتحانات شکست می‌خورند و این برنامه‌ریزی باعث تحقیر شخصیت و اتلاف عمر آنان می‌شود. آری! این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها بزرگ‌ترین منکرات است.

رها کردن بیت‌المال در دست افراد غیرامین، بازرسی نکردن، تأخیر استاد در کلاس، گفتن سخنان غیر مفید روی منبر، طول دادن نماز جماعت که سبب خلوت شدن مساجد می‌شود، باز کردن پنجره‌های ساختمان به خانه همسایه، دیگران را با نام بد صدا زدن، سوءظن و ریختن برف در کوچه و خیابان، خالی کردن زیرکوپه و خیابان و جزء منزل آوردن، ریختن آب پنی‌پای درختان خیابان، مزاحمت‌های تلفنی و بیدار کردن دیگران از خواب، غیر از اذان صدا را بلند کردن، در گزارش‌ها آمار دروغ دادن، تملق و چاپلوسی کردن، بدون کار اضافه دستمزد اضافی از دولت به دیگران دادن، خارج از نوبت چیزی گرفتن، بی وقت تلفن زدن، ترساندن همسر و فرزند، تبعیض میان فرزندان، بکارگیری کارگر برای غیر کاری که با او قرارداد بسته‌ایم، ندادن وام و بدهی به کسانی که حقتان است، گرفتن و دادن ربا، سوگند ناحق خوردن و صدها و صدها نمونه دیگر که شبانه روز خواسته و یا ناخواسته مرتکب آن‌ها می‌شویم؛ ولی متأسفانه آن‌ها را منکر و گناه نمی‌دانیم و لذا در صدد عذرخواهی و تسویه و جبران هم بر نمی‌آئیم.

همه منکرات در یک سطح نیستند. بعضی جنبه زیربنایی و کلیدی دارند؛ مثل منکرات عقیدتی که نسبت به منکرات اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جنبه زیربنایی دارد.

قرآن به کم‌فروشان می‌گوید: چرا کم فروشی می‌کنید؟ مگر به قیامت عقیده ندارید؟ و یا برای امر به نماز می‌فرماید: نماز به‌پا دار که قیامت در پیش است!

بیشترین کار انبیا مبارزه با انحرافات عقیدتی مردم بوده است. در بحث شیوه‌ها و اهرم‌ها در این باره سخن گفته‌ایم.

الف. منکرات اعتقادی

بد نیست فهرستی از منکرات عقیدتی مردم را برشماریم و توضیح و تفسیر آن را به فرصتی دیگر واگذاریم: شرک به خدا بیش از صد مرتبه، قرآن از توجه به غیر خدا با بیان دون الله و دونه انتقاد کرده است. در قرآن از منکرات عقیدتی نسبت فرزند به خدا دادن، بعضی از پیامبران را فرزند خدا دانستن، فرشتگان را دختران خدا پنداشتن، خدا را فقیر و یا دست خدا را بسته دانستن، بشدت انتقاد شده است. در میان واژه‌های تکبیر و تهلیل و تحمید و تسبیح بیش از هر چیز به کلمه مبارکه «سبحان الله» تکیه شده است؛ «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»؛ منزّه است خداوند از تعبیرات و عقاید ناروایی که منحرفان دارند. در نهج البلاغه می‌خوانیم: انبیا برای به وجود آوردن عقیده نیامدند؛ زیرا مردم عقیده به مبدأ هستی دارند. هدف انبیا بیشتر روی اصلاح عقیده بوده است؛ لذا قرآن روی آن تکیه کرده است و نمونه‌هایی را علاوه بر آنچه که گفتیم، آورده است؛ برای مثال: خود را فرزند خدا دانستن؛ کتمان حقایق کردن (با اینکه از بشارت‌های کتب پیشین نام و نشان پیامبر اسلام را چنان فهمیده بودند که حضرت را مثل فرزندشان می‌شناختند، ولی همین که رسول خدا آمد منکر او شدند؛ افترا بستن بر خدا (۷۰۶)؛ تحریف کردن کتب آسمانی؛ نوشته‌های خود را به خدا نسبت دادن؛ تقلید کردن از نیاکان؛ سوء استفاده بعضی علمای دین از دین؛ تحریف و تبدیل قانون خدا و غلو کردن درباره بندگان خدا. نمونه‌های دیگری از منکرات اعتقادی است که در قرآن مجید مطرح و پاسخ داده شده است. البته اگر بخواهیم به همه خرافات اشاره کنیم بحث ما طولانی می‌شود. اگر نگاهی به آیات سوره انعام داشته باشید، نمونه‌های خرافات رفتاری حتی در تغذیه مکرر مطرح شده است. برای مثال، عده‌ای قسمتی از گوشت گوسفند را حلال و قسمت دیگرش را حرام و یا قسمتی را مخصوص مردان و

بخشی را مخصوص زنان می‌دانستند که قرآن بارها فرموده است: آیا خدایه شما اجازه این حرف‌ها را داده است یا بر خدا افترا می‌بندید؟ البته در زمان ما، شبهات جدیدی مطرح است که باید علمای دین و مسئولان فرهنگی برای پاسخ آن‌ها قیام کنند که بحمدالله قیام هم کرده‌اند. در اینجا لازم می‌دانم به همه اقشار تحصیل کرده سفارش کنم که همواره تلفن یک نفر اسلام‌شناس متقی را همراه داشته باشند. ای کاش هر سال مهم‌ترین سؤال‌ها و پاسخ‌ها چاپ می‌شد و در اختیار نسل نو قرار می‌گرفت. ای کاش صداوسیما برای برنامه پاسخ به سؤال‌ها گام جدی‌تری برمی‌داشت و ای کاش از طرف ارشاد و سازمان‌های تبلیغاتی جاهایی را به صورت شبانه روزی فراهم می‌کردند تا پاسخگوی سؤال‌های مردم باشند. البته بحمدالله حرکت‌هایی شده است، ولی در انتظار وضع مطلوب‌تری هستیم. - پزشک به خاطر خجالت نمی‌گوید: مرض را تشخیص ندادم و نسخه آزمایشی می‌نویسد و با مال و جان مریض بازی می‌کند. - استاد یا روحانی خجالت می‌کشد بگوید: بلد نیستم و پاسخ نابجا یا فتوای خلاف نقل می‌کند و مسیر را کج نشان می‌دهد.

- مردم به خاطر خجالت عمری راه انحراف می‌روند و در فراگرفتن واجبات خود کوتاهی می‌کنند.
- جوانان به خاطر حیا و خجالت حاضر نیستند به پدر و مادر خود مسأله خواست ازدواجشان را مطرح کنند و خود را به انواع منکرات آلوده می‌کنند. - افرادی از بی‌سوادان بزرگسال به خاطر خجالت از رفتن به سرکلاس درس، همچنان بی‌سواد باقی می‌مانند.

- مردم به خاطر خجالت، گواهی ناحق می‌دهند و یا امضای خلاف می‌کنند. هر چه مسأله کلی‌تر و انسان‌ها مهم‌تر باشند، حیا و خجالت آنان خطرناک‌تر است: با خجالت، انسان را در برابر عمل انجام شده قرار می‌دهند و هر کاری که بخواهند بر سر انسان می‌آورند؛ لذا وظیفه والدین و مربیان مدارس است که نسل نو را از خجالت نابجا نجات دهند؛ زیرا خجالت می‌تواند سرچشمه هرگونه فساد و منکری شود. ریشه بعضی از گناهان، محرومیت‌ها و یا ترک واجبات، مسأله خود کم بینی و خجالت نابجاست. در قرآن، روایات و رساله‌های عملیه، مسائل و احکام بی‌پرده بیان شده است. در حدیث می‌خوانیم: «حیا دو نوع است؛ حیایی که از عقل ریشه می‌گیرد و حیایی که از سادگی و حماقت ریشه می‌گیرد.»

داستان در مسجدی پرجمعیت، پشت سر عالمی به نماز جماعت ایستاده بودم. ناگهان دیدم که در وسط سوره حمد، امام جماعت با قطع کردن نماز، به مردم اعلام نمود که وضو ندارد و مردم نماز خود را به طور فردی به پایان برسانند. در اینجا، اگر امام جماعت اهل خجالت بود، بدون وضو با مردم نماز می‌خواند و گرفتار منکری بزرگ می‌شد. نمونه‌ای دیگر در وسط جلسه متوجه می‌شویم که نماز نخونده‌ایم و اگر تا پایان جلسه بنشینیم، نماز ما قضا می‌شود. اگر شهادت به پاخواستن را نداشته باشیم، گرفتار منکر می‌شویم و نماز ما قضا می‌شود.

از ما سؤالی می‌کنند و ما از گفتن: نمی‌دانم! خجالت می‌کشیم و جواب نادرست می‌دهیم. برای مع کردن امضاء، طوماری نزد ما می‌آورند و ما حیا می‌کنیم و به ناحق آن را امضا می‌کنیم. چه بسیارند کسانی که چون چند دقیقه جرأت و جسارت سؤال کردن را به خود نداده‌اند، عمری در اشتباه هستند.

چه بسیارند دختران و پسرانی که در ابتدای زندگی نیاز به اطلاعاتی دارند و از پرسیدن خجالت می‌کشند و همین خجالت سرچشمه منکراتی می‌شود.

در روزنامه‌ها چیزی را به دروغ به اسلام یا شخصی نسبت می‌دهند و او جرأت و جسارت تکذیب ندارد. این‌ها، نمونه‌هایی بود که در ذهنم آمد. اگر شما هم فکر کنید، می‌توانید نمونه‌های زیادی برای اینکه چگونه حیا و خجالت سرچشمه بسیاری از منکرات می‌شوند، به یاد آورید. چه بسیارند کسانی که لقمه حرام می‌خورند اما از انجام شغل‌هایی که

به خیال خود در شأن آنان نیست، خجالت می‌کشند. حیای مثبت البته همه جا حیا و خجالت سرچشمه خلاف و گناه نیست. در مواردی هم انسان به خاطر حیا دست به کار زشت نمی‌زند که این حیا برخاسته از عقل و حیای مثبت است.

اگر در حدیث می‌خوانیم که: «الحیاء مفتاح کل خیر»؛ «حیا کلید همه خوبی‌هاست»، مراد همین نوع حیا است. اگر در حدیث می‌خوانیم که: «الحیاء یصد عن فعل القبیح»؛ «حیا انسان را از کار زشت باز می‌دارد»، مراد همین نوع حیا است. اگر در حدیث می‌خوانیم که: «علی قدر الحیاء تكون العفة»؛ «هر چه حیا بیشتر باشد، عفت بیشتر است»، مراد همین نوع حیا است. حیا بقدری اهمیت دارد که در حدیث آمده است: «لا ایمان لمن لا حیاء له»؛ «اگر حیا نباشد، دین نیست». انسان باحیا، عیب خود را از مردم پنهان می‌کند و به گناه اقرار نمی‌کند.

به هر حال، حیا و موارد آن یک بحث روانی و اجتماعی است که تفصیل آن ما را از هدفی که در پیش داریم، باز می‌دارد.

شخصی از من پرسید: «من گرفتار خجالت هستم. داروی آن چیست؟» گفتم: «بهترین دارو، تمرین است؛ برای مثال کسی که از سخنرانی خجالت می‌کشد، اگر در منزل اذان بگوید، کم‌کم خجالتش از بین می‌رود.»

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: از هر کاری وحشت دارید، خود را در آن بیندازید. در اینجا لازم است به پدران، مادران و اولیای مدارس تذکر دهم که هرگاه کودکی خواست از خود ابراز وجود کند، او را سرکوب نکنید و به او میدان بدهید؛ حتی اگر کار ناقصی انجام داد، روحیه او را نشکنید؛ زیرا سرچشمه بسیاری از خجالت‌ها، ناشی از تحقیرهای زمان کودکی است؛ همان‌گونه که ریشه بسیاری از جرأت‌ها، تشویق‌های دوران کودکی است.

ترس یکی از مسائل روحی و روانی است که سرچشمه و زمینه منکرات زیادی می‌شود. چه بسیار دروغ‌ها، فرار از جبهه‌ها، کتمان‌ها، توجیها ناروا، اقرارهای ناروا و گواهی‌های به ناحق که از ترس ریشه می‌گیرد. ترس از جمله حالاتی است که امام سجاده علیه‌السلام در سحرهای ماه رمضان از خطر آن به خدا پناه می‌برد. اگر ترس سران کشورهای اسلامی از ابرقدرت‌ها نبود، امروز مسلمانان چنین تحقیر نمی‌شدند یا همان‌گونه که اگر شجاعت امام خمینی (ره) نبود، ایران به این عزت نمی‌رسید. حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه به افراد بی‌حال و ترسو سخت‌ترین تعبیرات را نثار می‌کند.

گاهی می‌فرماید: «اراکم اشباحاً بلا ارواح»؛ ای لاشه‌های بی‌روح! گاهی می‌فرماید: «یا اشیاء الرجال و لا رجال»؛ ای کسانی که قیافه مرد دارید، ولی مرد نیستید! در جایی دیگر می‌فرماید: با افراد ترسو مشورت نکن! و در جای دیگر نیز می‌فرماید: با زن مشورت نکن؛ زیرا که رأی آن‌ها انسان را متزلزل می‌کند. ناگفته پیداست که این بیان حضرت علی علیه‌السلام، شامل مردان نیز می‌شود؛ یعنی با هر کسی که تورا از قاطعیت و جرأت باز می‌دارد و در تو روحیه ترس و یأس می‌دمد، مشورت نکن! ولی در جای دیگر می‌فرماید: اگر از زنی تجربه ارشاد و تعقل و کمال داری، با او مشورت کن! به هر حال، داشتن روحیه و غیرت دینی، شرط اول امر به معروف و نهی از منکر است.

ب. منکرات فرهنگی

منکرات فرهنگی که به یک معنا همان منکرات اعتقادی است، با ابزار قلم، بیان، هنر، فیلم، تبلیغات، شایعه، وسوسه و ایجاد مجالس گناه و لعب بنای ساختمان‌ها و تأسیساتی که رونق مراکز مذهبی را کم کند، صورت می‌گیرد؛ نظیر آنکه مسجد اموی را در شام ساختند تا رونق مسجد نبوی در مدینه کم شود یا مراکز علمی را به بغداد کشاندند تا در برابر درس امام صادق علیه‌السلام رقیب تراشی کنند. روزی به نام مستشار، مستشرق، کارشناس و این روزها هم از طریق ماهواره و دیسک‌های کامپیوتری کار را به جایی رسانده‌اند که در چند قدمی مسجد الحرام، فیلم دختر ژاپنی (اوشین) پخش می‌شود و نامی از دختر پیامبر خدا نیست.

خوشبختانه مقام معظم رهبری مسأله تهاجم فرهنگی را قبل از هر کسی درک و مسئولان را متوجه کرد و اکنون حرکت‌هایی انجام شده است.

خواننده عزیز! شما اگر در قرآن به کلمه وَدَّ مراجعه کنید، خواهید فهمید که دشمن چه چیزهایی را دوست و چه آرزوهایی دارد. مهم‌ترین آن‌ها، آرزوی انحراف و دست برداشتن از عقاید، اصول و ارزش‌های دینی و نظام اسلامی ماست. داستانه تهاجم فرهنگی در قرآن اشاراتی شده است؛ برای مثال، عده‌ای از بزرگان یهود توطئه‌ای را برنامه‌ریزی کردند که بر اساس آن، صبح به پیغمبر اسلام ایمان آوردند و غروب به یهودیت برگردند. آن‌ها با این کار، دو هدف را دنبال می‌کردند: یکی اینکه، هیچ یهودی به فکر مسلمان شدن نیفتد و با خود بگوید: اگر اسلام دین کاملی بود، علمایی که ضیح مسلمان شدند، غروب بر نمی‌گشتند.

دوم اینکه، در مسلمان‌ها این دلهره را ایجاد کنند که اگر اسلام دین کاملی بود، علمای یهود را نگه می‌داشت. خداوند پرده از این توطئه برداشت و به پیامبر اعلام کرد به مسلمانان بگو که امروز قبل از ظهر عده‌ای از چهره‌های یهودی مسلمان خواهند شد و غروب به کیش خود برخواهند گشت. از آمدن آنان دلگرم نشوید و از رفتن آنان نیز دلسرد نشوید که این یک توطئه است.

بنابراین، تهاجم فرهنگی ریشه قدیمی دارد. خوشبختانه حتی نوجوانان ما دشمنی استکبار را فهمیده‌اند و می‌دانند که چرا آن‌ها فرمول‌های علمی هواپیماسازی را به دانشجویان ایرانی و خوش فکر ما یاد نمی‌دهند؛ اما در کاغذ آدامس، عکس‌های مستهجن برای بچه‌های ما می‌فرستند.

ج. منکرات اجتماعی

ترک هجرت

از جمله واجباتی که متأسفانه افراد سرشناس و تحصیلکرده این منکر را انجام می‌دهند و در جامعه زشتی آن محو شده، ترک هجرت است. اگر هشت قرن قبل، عالمی از ایران به چین هجرت نکرده بود، امروز میلیون‌ها مسلمان در چین نداشتیم. اگر از فارس جمعی بازرگانان به تانزانیا و زنگبار هجرت نمی‌کردند، شاید امروز در آن کشورها خبری از اسلام نبود. نظر اسلام آن است که مسلمانان، فرزندان زیادی داشته باشند تا اگر هر کدام به منطقه‌ای هجرت نمایند، بسرعت دامنه اسلام گسترده شود. جای تعجب آن است که بعضی از پرندگان برای ادامه حیات هجرت می‌کنند؛ ولی بعضی از مسلمانان را کد هستند.

یکی از ابتکارات اسلام آن است که هجرت را مبدأ تاریخ قرار داد؛ زیرا انسان با اختیار و برای هدف مقدس هجرت می‌کند؛ و گرنه میلاد مسیح و یا گردش کره زمین، هیچ کدام از افتخارات اختیاری انسان نیست. صدها مشکل با هجرت حل می‌شود. هجرت یعنی تقسیم عادلانه نیروی انسانی؛ هجرت یعنی حرکت، هدفداری، سوز، تعهد، گذشت و آزادی از قیدوبندهای زمین و زمان و ... هجرت چند مسلمان کتک‌خورده به حبشه، چراغ اسلام را در آفریقا روشن کرد. هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه از بلندترین گام‌های تبلیغاتی پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

اگر امروز این منکر بزرگ (ترک هجرت) عمل نمی‌شد و دانشمندان و روحانیان یک هجرت فراگیر داشتند آن را منحصر به جمعی از طلاب جوان قرار نمی‌دادند، صدای اسلام به همه‌جا رسیده بود. روشن بگویم: گناه تمام کسانی که در ظلمات جهل و شرک و تفرقه و فقر به سر می‌برند، به دوش کسانی است که توان هجرت دارند ولی به خاطر رفاه و بی‌تفاوتی هجرت نمی‌کنند و به کارهای کاذب و تکراری دل خوش می‌دارند.

در کلمه هجرت، معنای بلندی نهفته است که در کلمه مسافرت نیست. تمرکز و تراکم نیروهای تحصیل کرده در شهرها، عامل حرکت به سوی شهرها و قهراً خلوت شدن روستاها، بالا رفتن نرخ‌ها، پیداشدن مشکل مسکن و مشکل ترافیک است. گناه کسانی که در روستاها به خاطر نداشتن پزشک و دارو جان خود را از دست می‌دهند، به گردن پزشکانی است که به طور متمرکز در شهرهای بزرگ جمع شده‌اند.

اسلام با کسانی که هجرت نمی‌کنند، برخورد انقلابی می‌کند و می‌فرماید: کسانی که ایمان دارند، ولی راکد هستند و هجرت نمی‌کنند، هیچ نوع حق ولایت و سرپرستی در جامعه اسلامی ندارند.

راستی، اگر تمام متخصصان مسلمان که در کشورهای کافر زندگی می‌کنند به کشور خود هجرت کنند، هم جبهه کفر ضربه می‌بیند، هم مسلمانان تقویت می‌شوند و هم هویت اسلامی آن‌ها در نظام‌های فاسد از بین نمی‌رود. وقتی اسلام از آب و خاک راکد انتقاد می‌کند، از سرمایه راکد انتقاد می‌کند، حق دارد که شدیدترین انتقادات را هم به نیروهای متخصص راکد داشته باشد.

هجرت برای همه

دانشمندان باید هجرت کنند تا صدای اسلام را به دورترین نقطه دنیا برسانند و از اطلاعات کلیسا عقب نمانند؛ زیرا آن‌ها هم روحانیان خود را به دورترین مناطق جهان می‌فرستند و آخرین آمار را دارند. این کاری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم می‌کردند. در حدیث می‌خوانیم که پیامبر عزیز اسلام فرمود: هر مولودی که به دنیا می‌آید و هر مسلمانی که از دنیا می‌رود، به من اطلاع بدهید تا هر لحظه از آخرین آمار مسلمانان آگاه باشم.

آری! قرآن بارها مسلمانان را به سیر در زمین سفارش کرده است؛ ولی غربی‌ها بوده‌اند که به این دستور عمل کرده‌اند و تمام جهان را وجب به وجب گشته‌اند و از منابع و منافع و نیروها و خلق و خوهای مردم آگاه شده‌اند. این پیش‌بینی را حضرت علی علیه السلام می‌کردند؛ آنجا که فریاد زدند:

«اللّٰهُ اللّٰهُ فِی الْقُرْآنِ فَلَا یَسْبِقُنْکُمْ بِالْعَمَلِ بِهٖ غَیْرُکُمْ»؛ شما را به خدا! شما را به خدا! مبادا دیگران در عمل به قرآن از شما جلو افتند.

اما امروز می‌بینیم که فرمان هجرت و سیر در زمین، سفارش قرآن است که دیگران بیش از ما به آن عمل کرده‌اند. جالب است که این فریاد را علی علیه السلام در وصیت‌نامه خود در آستانه شهادت فرمودند و الان که این سطرها را می‌نویسم، شب شهادت حضرت علی علیه السلام (شب قدر) و مصادف با شب پیروزی انقلاب اسلامی (شب ۲۲ بهمن) است. در اینجا، این ناله حضرت علی علیه السلام را یک پیش‌بینی واقع‌گرایانه و تأسفی از امیرالمؤمنین (ع) برای همه مردم می‌دانیم. در این شب قدر، از خدای علی با شفیع قرارداد آن حضرت از غفلت‌های طولانی خود و ترک هجرت‌ها و سایر منکرات عذرخواهی و توبه می‌کنیم.

هجرت برای محرومان

در قرآن می‌خوانیم: همین که فرشتگان برای گرفتن روح کسانی که با ترک از هجرت به خود ستم کرده‌اند، می‌شوند، از آن‌ها می‌پرسند: شما در چه حالی بودید؟ می‌گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان این پاسخ را نمی‌پذیرند و به آن‌ها می‌گویند: آیا زمین خدا بزرگ نبود تا هجرت کنید؟ بنابراین، بر هر محروم و مستضعفی لازم است که برای حفظ مکتب و عقیده خود هجرت کند و اگر در مناطق و کشورهای کفر نمی‌تواند از مبانی خود دفاع کند، در آنجا نماند.

چه بسیار افرادی که به خاطر اسیر شدن در یک محل کار یا شهر و منطقه، یا شرکت و مؤسسه مرتکب انواع گناهان می‌شوند؛ در حالی که بر آنها واجب است آنجا را ترک کنند.

نکته جالب آنکه در میان همه گناهان، تنها گناهی که در آستانه مرگ مورد بازجویی قرار می‌گیرد، ترک هجرت است. نکته جالب دیگر اینکه، قرآن برای پاداش، کلمات دو برابر، چند برابر، ده برابر، هفتصد برابر به کار برده است؛ ولی درباره پاداش کسی که هجرت کند، نامی از عدد برده نشده و تنها فرموده است: اجر او با خداست؛ (فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ). این تعبیر جز درباره مؤمنان واقعی که خود را در نیمه‌شب از رختخواب دور می‌کنند و با ایم و امید خاصی به عبادت می‌پردازند و از هر چه خدا به آنها داده است، انفاق می‌کنند، نیامده است. می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ»؛ یعنی: احدی نمی‌داند برای آنها چه نور چشمی در نظر گرفته شده است.

کسانی که علاقمند به پیشرفت و توسعه همه‌جانبه هستند، باید خود را برای هجرت آماده کنند. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً»؛ هر که در راه خدا هجرت کند، هجرتگاه بسیار فراخ و گشایش همه‌جانبه پیدا خواهد کرد.

غفلت از دشمن

غفلت از دشمن و توطئه‌های آن، از منکرات اجتماعی است که متأسفانه همه امت اسلامی را دربر گرفته است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمِينَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً»؛ یعنی: کفار دوست دارند که شما از اسلحه و امکاناتی که دارید، غافل باشید تا با یک یورش شما را نابود کنند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: تعجب می‌کنم که شما نسبت به دشمن خواب و غافل هستید، ولی دشمن نسبت به شما بیدار است.

تقلید کور کورانه

تقلید، نشانه خودباختگی، برهنگی فرهنگی، نداشتن ایمان به مکتب، غیرت ملی و دینی و ضعف نفس است. قرآن در آیات زیادی از این نوع تقلید انتقاد کرده است. بت پرستان توجیه بت پرستی خود را تقلید از نیاکان می‌دانستند. امروز بلای شرق زدگی و غرب زدگی از مهم‌ترین منکرات اجتماعی ماست. در فقه ما تشبیه به کفار حرام است؛ زیرا این خود یک نوع خودباختگی است. در روایات می‌خوانیم: حتی در پوشیدن لباس و نوع غذا مستقل باشید و از بیگانگان تقلید نکنید!

در حدیث قدسی آمده است: خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مؤمنان بگوید: شما لباس دشمنان را نپوشید و غذای دشمنان را نخورید و در هیچ کاری راه و روش دشمنان را در پیش نگیرید که اگر شما در ظاهر شبیه آنها شدید، در باطن هم مثل آنها خواهید شد.

شرکت در جلسات گناه

نشستن در جلسات گناه و سکوت و تماشا، از منکرات اجتماعی ماست. قرآن می‌فرماید: هرگاه شنیدید که آیات خدا مورد انکار و مسخره قرار گرفته است، مجلس را ترک کنید.

در جای دیگر می‌فرماید: اگر مشاهده کردی که گروهی در آیات الهی به ناحق جدل می‌کنند، بر تو لازم است که از آنها اعراض کنی تا مسیر بحث را عوض کنند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، بعد از توجه، حق نشستن در جلسه را نداری.

در قیامت بهشتیان از اهل دوزخ می‌پرسند: چه شد که شما به دوزخ کشیده شدید؟

آن‌ها چهار چیز را عامل سقوط خود می‌شمارند:

- ترک نماز؛ لَمْ تَكْ مِنَ الْمُصَلِّينَ.
- بی‌تفاوتی نسبت به گرسنگان؛ وَ لَمْ تَكْ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ.
- غرق شدن در یاوه‌گویی‌های مردم؛ وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ.
- تکذیب قیامت؛ وَ كُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ.
- آری! سکوت و سازش ما، به یاوه‌سرایان جرأت هرگونه توهین و جسارت به مقدسات مذهبی را می‌دهد.

تهمت و آبروریزی

از جمله منکرات اجتماعی، بانام بد صدا زدن، توهین و تحقیر، فحش و ناسزا، غیبت و تهمت و آبروریزی است. قرآن درباره اهل بهشت می‌فرماید: «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا كَذَابًا» در بهشت، سخن لغو و دروغ نیست. در آنجا، تمام برخوردها برخاسته از روح سالم، بیان سالم و شعار سالم است. نام آنجا دارالسلام و شعار بهشتیان: «الْأَقْبِلُوا سَلَامًا سَلَامًا» است. ولی درباره اهل دوزخ می‌خوانیم: هر گروه که به جهنم داخل می‌شوند، به گروه دیگر لعنت و نفرین می‌کنند؛ «كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا» در آنجا همه گناه خود را به گردن یکدیگر می‌اندازند؛ «لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ»؛ اگر شما نبودید، ما ایمان داشتیم.

اکنون که با سیمای اهل بهشت و جهنم آشنا شدیم، می‌توانیم حدس بزنیم آیا جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، بهشتی است یا جهنمی؟ اگر سوءظن، تجسس، نجوا، پخش شنامه، بی‌تفاوتی، نیش و نوش، مسخره و تحقیر، یا کینه و انتقام بر روابط آن جامعه حاکم است، آینده‌اش همان جهنم موعود است؛ اما اگر در فضای خانه و مدرسه و اداره و کارخانه، روحیه ایمان، اعتماد، دلسوزی، تعاون، اخلاص و صفا باشد، آینده این جامعه بهشت موعود می‌شود.

پیروی از اکثریت

برخلاف گمان بعضی که کارایی و شجاعت را تنها در میدان جنگ می‌دانند، شجاع واقعی کسی است که وقتی حق را با استدلال و منطق شناخت، از تنهایی نهراسد. باز هم در این شب شهادت حضرت علی‌علیه السلام که این سطرها را می‌نویسم، از آن حضرت سخنی نقل می‌کنم. حضرت در خطبه ۲۰۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی بقلة اهلها»؛ در راه حق، از کمی طرفداران نترسید.

قرآن مجید ده‌ها بار از پیروی اکثریت نکوهش کرده و حتی به پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار داده‌است که: اگر از اکثریت مردم پیروی کنی، تو را گمراه می‌کنند.

شخصیت‌گرایی

قرآن در بیان گفتگوهای مجرمین در قیامت می‌فرماید: آن‌ها دلیل بدبختی خود را شخصیت‌زدگی می‌دانند و می‌گویند: «إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَانَنَا فَأَصْلُونَا السَّبِيلَا»؛ ما پیرو بزرگان خود بودیم که به این روز سیاه نشستیم. ناگفته نماند که گرایش به شخصیت‌ها در درون هر انسانی هست. «الناس علی دین ملوکهم»؛ مردم بر راه و رسم پادشاهان خود حرکت می‌کنند. در جای دیگری می‌خوانیم: «الناس بامرائهم اشیه من ابائهم»؛ تقلید انسان از رهبران، بیش از تقلید از پدر و مادر است. به همین دلیل قرآن اصرار دارد که شخصیت‌های واقعی را اولیای خدا معرفی کند و افرادی را هم که با ریخت‌وپاش خود را مطرح می‌کنند، به برادران شیطان لقب می‌دهد.

در قرآن آیات فراوانی مردم را از پیروی از مفسدین، مسرفین، گنهکاران، فرومایگان، جاهلان، هوسبازان، غافلان و کافران بازداشته است. برعکس، شخصیت‌های واقعی را انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحان دانسته و نام انعمت علیهم را بر آن‌ها گذاشته است. همچنین بر هر مسلمانی واجب کرده است که در هر نماز پیروی خود را از خط آنان اعلام کند.

داستان

در جنگ جمل، یک طرف حضرت علی علیه السلام و در طرف مقابل، طلحه و زبیر بودند. شخصی با دیدن این صحنه، متحیر شد و با خود گفت: هر دو طرف از اصحاب پیامبرند و براستی حق با کدام است؟ حضرت علی علیه السلام همچون همیشه با بیان خود، چراغی را برای تاریخ روشن کرد تا از آن پس احدی متحیر نشود. آن چراغ این کلام بود: اعرف الحق تعرف اهلته؛ یعنی: اول حق را بشناس، سپس هر کس گرد آن بود، برحق است. مردم را بر اساس حق بشناس. نه حق را بر اساس مردم؛ برای مثال، اول باید بدانیم که غیبت چیست؟ بعد هر کس را که غیبت کرد، باید بد بدانیم؛ نه آنکه بگوئیم: چون فلان شخصیت بد می گوید، لابد غیبت حلال است.

سوءظن و تجسس و غیبت

قرآن با صراحت می‌فرماید: بعضی از گمان‌ها گناه است. سوءظن، زمینه تجسس و تجسس، زمینه غیبت و غیبت، مهم‌ترین عامل برای گسستن محبت‌ها، پیوندها و اعتمادهاست. سؤال: در روایت می‌خوانیم: به خاطر یک غیبت، تمام عبادات انسان محو می‌شود. آیا این کیفر عادلانه است؟ پاسخ: بله! زیرا با غیبت، آبرویی که سال‌ها به دست آمده است، ریخته می‌شود؛ لذا عباداتی که سال‌ها انجام شده است، باید محو شود. بنا نداریم که درباره هر منکری تمام آیات و روایات را بیان کنیم؛ ولی تعدادی نمونه و اشاره کافی است.

سعایت

در آیه ۸۵ سوره نساء می‌خوانیم: هر کس بین دو مسلمان فتنه‌گری، سخن‌چینی، میانجیگری بد، ایجاد کدورت و پرده‌داری کند، برای او سهمی از کیفر است.

بی تفاوتی

بی تفاوتی و احساس مسئولیت نکردن، یکی از منکرات اجتماعی است. در حدیث می‌خوانیم: اگر کسی ناله مظلومی را شنید و به او پاسخ نداد، مسلمان نیست.

در حدیثی دیگر می‌خوانیم: کسی که در حال سیری بخوابد و همسایه او گرسنه باشد، به خدا ایمان نیاورده است. در حدیث به کسانی که نسبت به منکرات بی تفاوت هستند، بی‌ایمان گفته شده است. قرآن می‌فرماید: چرا شما برای نجات مستضعفان قیام مسلحانه نمی‌کنید؟

اهل دوزخ به اهل بهشت می‌گویند که: یکی از دلایل گرفتاری ما، بی تفاوتی نسبت به گرسنگان بود؛ «وَلَمْ نَكْ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ».

در روایات می‌خوانیم که خداوند، اهل منطقه‌ای را عذاب کرد و همین که فرشتگان از خدا پرسیدند: گروهی از اهل منطقه گنهکار نیستند، چرا آن‌ها به آتش گنهکاران می‌سوزند؟ خداوند فرمود: به خاطر سکوت و بی تفاوتی آن‌ها. امام صادق علیه السلام به یکی از شیعیانی که برای توبه نزدش آمده بود، فرمود: اگر امثال شما گرد بنی‌عباس جمع نمی‌شدید، آن‌ها ما اهل بیت را خانه‌نشین نمی‌کردند.

امیر المؤمنین علیه السلام تندترین جملات را به افراد بی تفاوت نثار می کند و گاهی به آن‌ها نفرین می کند. تا آنجا که به یاد دارم، هیچ‌کدام کلمه تند نثار افراد سُست عنصر، فرومایه و بی تفاوت می کند که بعضی از آن‌ها در پاورقی اشاره می شود! البته، این بی تفاوتی نسبت به جامعه بود؛ اما گاهی انسان نوعی بی تفاوتی درونی نسبت به خود پیدا می کند که در برابر دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها عبرت نمی گیرد، سنگدل می شود، قطره اشکی هم ندارد. قرآن بارها از این گروه انتقاد کرده است؛ «وَإِذَا ذُكِرُوا لِابْتِغَاءِ الْبِرِّ أَصَابُوا بِرُءُوسِهِمْ».

تفرقه

یکی از منکرات اجتماعی تفرقه است. قرآن، تفرقه را همچون عذاب آسمانی و زمینی و در کنار آن‌ها قرار داده است. رمز شکست مسلمانان در سال سوم هجری در جنگ احد، تفرقه و نافرمانی از رهبری بود. سکوت ۲۵ ساله حضرت علی علیه السلام با داشتن حدود صد هزار شاهد در غدیر خم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من خلیفه علی بی ایطالب است. به خاطر حفظ وحدت بود. همین که حضرت موسی علیه السلام، بعد از چهل روز از کوه طور برگشت و دید که یارانش دور گوساله سامری جمع شده اند و عبادت می کنند، بشدت عصبانی شد و به برادرش هارون گفت: چرا جلو این انحراف را نگرفتی؟ هارون گفت: من آن‌ها را نهی کردم، اما آن‌ها به سختم گوش ندادند و نزدیک بود مرا بکشند. به فکر افتادم با قاطعیت بیشتری قیام کنم؛ ولی ترسیدم که به من بگویند، تو به خاطر این حرکت انقلابی بین بنی اسرائیل تفرقه ایجاد کردی. لذا ترجیح دادم که این‌ها جمعی گوساله پرست باشند، ولی من عامل تفرقه نشده باشم. در اسلام، هرگونه کاری، که عامل تفرقه باشد، حرام شمرده شده است؛ برای مثال، سخن چینی، غیبت، تهمت، سوء ظن، شایعه پراکنی و امثال آن به شدت تحریم شده است و برعکس، هرگونه کاری که عامل وحدت و آرامش قلوب باشد، مورد سفارش قرار گرفته است؛ تا آنجا که می گویند: اگر با کلمه راستی فتنه می شود، دروغ گفتن جایز است. آنچه در طول تاریخ اسلام بر سر مسلمین آمده، به خاطر تفرقه بوده است. آنچه هم که امروز و دیروز بزرگ‌ترین حربه استکبار جهانی به حساب می آید، ایجاد تفرقه است. قرآن، تفرقه اندازان را مشرک دانسته است. قرآن همچنین محور وحدت را جل الله دانسته است. اگر مسلمان‌ها متحد باشند، هیچ قدرتی آن‌ها را تهدید نمی کند؛ البته آنچه اهمیت دارد، وحدت قلبی است و نه ظاهری. در آیات و روایات از وحدت‌های صوری انتقاد شده است. البته کسانی می توانند عامل وحدت باشند که روح بلند و سعه صدر داشته باشند و از تنگ نظری و خودمحوری بپرهیزند. قرآن می فرماید: گرامی‌ترین شما، نزد خدا، با تقواترین شماست. و با این کلام، مسائل قومی، نژادی، منطقه‌ای، اقلیمی، سنی و اقتصادی را نادیده می گیرد. طرح نماز جمعه و جماعت، یک تمرین شبانه‌روزی برای وحدت است. سفارش به صلح‌رحم، دیدوبازدید، عفو و اغماض، تعاون، کمک به محرومان، هجرت، هدیه دادن، عیادت مریض، مضافه، برای ایجاد محبت و وحدت و تقویت روابط انسانی و علاقه‌هاست.

اشاعه فحشا

اشاعه فحشا از منکرات اجتماعی است. نکته قابل توجه این است که در تمام گناهان، آنچه سبب قهر خدا می شود، انجام دادن آن است؛ ولی درباره اشاعه فحشا همین که انسان به آن علاقه داشته باشد (ولو آنرا انجام ندهد)، مرتکب گناه کبیره شده است؛ یعنی نه تنها اشاعه فحشا بلکه علاقه به آن گناه بزرگی است؛ در حالی که علاقه به هیچ گناهی (تا مادامی که انجام نگرفته است) گناه نیست. ناگفته پیداست که زمینه اشاعه فحشا همین خلوت کردن زن و مرد اجنبی و اختلاط آن‌ها

در محل کار و دانشگاه و بیمارستان و مراکز عمومی دیگر است. بی‌حجابی و بدحجابی، مناسب‌ترین زمینه برای اشاعه فحشا است. اگر کمی فکر کنیم، در خواهیم یافت که بی‌بندوباری، چشم‌چرانی، خود را آرایش کردن و به مردم نشان دادن، کلید شعله‌ور شدن هوس‌ها، دام‌ها، فحشا و انواع روابط نامشروع خواهد شد که ضربه‌های علمی و اخلاقی و خانوادگی آن بر کسی پوشیده نیست.

ایجاد وحشت

قرآن می‌فرماید: کیفر کسانی که در زمین فساد می‌کنند، اعدام و تبعید است و یکی از مصادیق فساد در زمین، اسلحه کشیدن و ایجاد رعب و وحشت و ناامنی است. قرآن حتی برای کسانی که با ایجاد شایعه در جامعه تزلزل به وجود می‌آورند، سخت‌ترین کیفر را تعیین کرده است.

در حدیث می‌خوانیم: خداوند کسی که مؤمنی را بترساند، در روز قیامت او را خواهد ترساند و در مضمون حدیث دیگری می‌خوانیم: بدترین انسان‌ها، کسی است که مردم از شر او در امان نباشند. راه دور نرویم؛ دلیل اینکه به مسلمان، مسلمان گفته می‌شود آن است که مردم از دست و زبان او درامانند. اسلام عزیز می‌فرماید: برنامه‌های سفر خود را طوری تنظیم کنید که شب هنگام و بی‌موقع وارد منزل نشوید؛ تا کسانی که در خانه هستند، نترسند و از خواب بیدار نشوند.

خاطره

یکی از علمای بزرگ مشهد، عارف و مفسر و فقیه عالی‌مقامی بود که شبانه وارد مشهد شد. خواست در خانه را بزند تا همسرش از خواب بیدار شود؛ اما به یاد حدیث فوق که افتاد، پشت در خانه نشست تا صبح شود. در این میان، همسرش در خانه و در عالم رؤیا دید که آیت‌اله وارد شده، ولی به احترام همسرش پشت در نشسته است. پس از خواب بیدار شد و به در منزل رفت. همین که در را باز کرد، شوهر گرامیش را پشت در دید.

پخش اخبار دروغ‌قرآن می‌فرماید: هرگاه فاسقی خبری برای شما آورد، تا تحقیق نکرده‌اید، آن را نپذیرید. یکی از راه‌های ایجاد تفرقه بین افراد یا کشورهای مسلمان، همین بلندگوها و اخبار دروغی است که با برنامه و بودجه خاصی ساخته و پرداخته می‌شود و بعد آن را به خورد مردم می‌دهند؛ طوری که شیرازه محبت‌ها از هم گسسته می‌شود. هدف ما آشنایی با منکراتی است که هم در جامعه ما زیاد است و هم کمتر با دید گناه به آن‌ها نگریسته می‌شود؛ اما هرگز در صدد شماره کردن گناهان نیستیم؛ زیرا که در این صورت، از هدف اصلی دور می‌شویم.

چاپلوسی و غلو

یکی از منکرات، تملق و چاپلوسی و غلو است و گاهی علاقمندان که به اصطلاح کاسه داغ‌تر از آش هستند، گرفتار آن می‌شوند؛ لذا باید انسان مواظب این گونه افراد باشد. به چند نمونه توجه کنید:

۱. گروهی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: ای پروردگار، سلام بر تو! حضرت از آنان خواست که توبه کنند.

۲. شخصی دیگر همین تعبیر را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کردند که حضرت او را لعنت کرد. تمام روایاتی که از غلو نهی کرده است، نظر به منکر بودن آن دارد؛ لذا شعرا، مداحان، گویندگان و نویسندگان باید مواظب گفته‌ها و نوشته‌های خود باشند. در حدیث می‌خوانیم: بر دهان افراد چاپلوس، خاک بریزید! در نهج البلاغه می‌خوانیم: ستایش بیش از حد، تملق و کمتر از حد، ضعف و حسادت است.

این همه انتقاد از ستایش و چاپلوسی نسبت به افراد، عادی است؛ ولی اگر ستایش ستمگر شد، به گفته حدیث، عرش خدا به لرزه در می آید.

د. منکرات خانوادگی

خانواده می تواند اساس تربیت و تقوا باشد؛ همانگونه که می تواند سرچشمه فساد و گناه باشد. اسلام به خاطر اهمیت خانواده از همان گام های اول، دقیق ترین سفارش ها را فرموده است؛ از جمله:

۱. در انتخاب همسر، به فکر عقاید و افکار او باشید.
۲. همسر زیبایی که از خانواده فاسد است، مثل گل زیبایی است که ریشه آن در زباله ها باشد.
۳. مراسم و مهریه را ساده و کم بگیرید.
۴. هدف از آفرینش جنسی، باید نسلی باشد که نور چشم شما در دنیا و ذخیره قیامتتان باشد.
۵. سفارش در مورد نامگذاری، محبت، آموزش قرآن و شنا و هنر و علم، مساوات میان فرزندان و فرقی نگذاشتن بین پسر و دختر، تغذیه حلال و سالم از دوران حاملگی مادر تا پس از تولد و تا آخر عمر، انتخاب شغل و صدها سفارش دیگر، نشانه اهمیت دادن به نظام خانواده است. در نهج البلاغه عقیف بودن همسر و صالح بودن خانواده حتی در عزل و نصب مسؤولیت های بزرگ سیاسی مورد توجه حضرت علی علیه السلام است. اولین هرزگی، آلودگی و خلاف کاری ها در خانواده، سرچشمه هرگونه گناه و فساد و تبه کاری در آینده و جامعه است.

داستان

می گویند: روزی شیطان با حرامزاده ای در فتنه گری و ایجاد فساد مسابقه گذاشت. غروب که برای گزارش کار کنار هم جمع شدند، شیطان گفت: من امروز یک زنا بوجود آوردم. حرامزاده گفت: من امروز چند برابر تو فتنه انگیزی کرده ام. با فتنه من، افرادی به هم ناسزا گفتند. سوءظن ها و غیبت ها و رشوه گیری هایی به وجود آمد و ...

شیطان به او گفت: آمار تو از من بیشتر است؛ ولی بدان که من با ایجاد یک زنا، حرامزاده ای تولید کردم که او مثل تو هر روز صدها فتنه به پا کند. آری! من یک گناه تولید کردم؛ اما یک گناه کلیدی.

مسائل خانواده بسیار مهم است و گناهان والدین و سهل انگاری های آنان در تغذیه، در عمل، در عبارت و گفتگوها، سرچشمه صدها فتنه و فساد در نسل آن ها می شود.

از دیگر منکرات خانوادگی، سوء استفاده از سرمایه همسر، مهریه های زیاد، توقع مراسم و تشریفات بیش از حد و دخالت های نابجای بستگان عروس و داماد است. حضرت شعیب علیه السلام همین که خواست دخترش را به حضرت موسی علیه السلام بدهد، فرمود: انتخاب مهریه های پیشنهادی باشماست؛ ولی بدان که من بناندارم بر تو سخت بگیرم و تو را به مشقت بیندازم.

یکی از منکرات خانوادگی، بعضی از ازدواج هایی است که آثار بسیار شومی دارد. در فقه می خوانیم: اگر کسی با پسری لواط کرد، نمی تواند خواهر آن پسر را به همسری بگیرد. اگر چنین ازدواجی صورت بگیرد، باید فوراً از هم جدا شوند؛ حتی اگر سال ها گذشته باشد و فرزندان به دنیا آمده باشند.

از دیگر منکرات خانوادگی، بی توجهی به فرزندان، تبعیض میان آن ها و کم گذاشتن شیر از مدتی که در قرآن معین شده است را می توان نام برد؛ همان گونه که شوخی های نابجا، انتقادات ناصحیح و خدای ناکرده سخنان ناروای والدین در

حضور فرزندان و یا دروغ‌هایی که والدین به یکدیگر می‌گویند و فرزند آن را می‌فهمد، هریک آثار شومی در تربیت فرزندان و سرنوشت آینده آن‌ها خواهد داشت.

بداخلاقی با همسریکی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفت. حضرت پابره‌نه به تشییع جنازه او آمد و فرمود: هزاران فرشته جنازه او را همراهی می‌کردند و با مراسم خاصی دفن شد.

مادر این شخص گفت: گوارا باد برای تو مرگی که با این همه عزت و سربلندی بود و پیامبر اکرم و فرشتگان برای دفن تو حاضر شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مادر، زود قضاوت نکن! فرزند تو با همه خوبی‌هایی که داشت، به خاطر بد رفتاری با همسرش، گرفتار فشار قبر خواهد شد.

انکار کردن مهریه، آمیزش جنسی در ایام خاص، ترساندن همسر و بهانه گرفتن، فرزند کشی، سقط جنین، توقع نابجا از همسر، نام بد روی همسر گذاشتن، بی‌اعتنایی به خواست‌های طبیعی همسر، بی‌عدالتی نسبت به همسر و فرزند، تحکم نابجا و ده‌ها نمونه دیگر از منکرات خانوادگی است.

در قرآن و روایات برای نافرمانی همسر و جلوگیری از شقاق و طلاق میان دوهمسر و رفتار و حقوق متقابل آنان، صدها دستور آمده است.

۵. منکرات اخلاقی

منکرات اخلاقی بسیار است که ما چند نمونه آن را فهرست‌وار بیان می‌کنیم:

- خوددینی و خودستایی؛ قرآن می‌فرماید: کسانی که دوست دارند آن‌ها را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند ستایش کنند، هرگز رستگارشان نپندار.
- ریا؛ ریا نوعی شرک پنهان و توجه به غیر خداست. ریا، کار را بی‌ارزش می‌کند. در قرآن و روایات برای ریاکاران و آثار شوم ریا هشدارهایی می‌خوانیم.
- دروغ، غیبت، سخن چینی، ناسزاگفتن، گرد لغو جمع شدن، بی‌احترامی به مقدسات، نام یکدیگر را زشت بردن، منت گذاشتن و ده‌ها منکرات دیگر که اگر برای هریک، آیه یا حدیثی بیاوریم، از موضوع اصلی دور می‌شویم (اگر تاکنون دور نشده باشیم).

۶. منکرات اقتصادی

تعداد منکرات اقتصادی بیش از سایر منکرات است و ما نمونه‌هایی از آن را می‌نویسیم:

۱. ربا که به منزله اعلام جنگ با خداست و حتی در دین یهود نهی شده و از درآمدهای حرام و متأسفانه رایج دنیا است، بسیار نکوهش شده است؛ طوری که گرفتن یک درهم ربا به منزله زنا کردن با مادر است.
 ۲. سوگند دروغ، شهادت ناحق، گران‌فروشی، غش در مال، فروش جنس معیوب، فروش اسلحه به کفار، فروش انگور و امثال آن برای شراب‌سازی، دلالی فساد، گواهی ناحق، چاپلوسی و ستایش افراد فاسد در برابر گرفتن مال، سوء استفاده از بیت‌المال و احتکار، از منکرات اقتصادی است.
 ۳. کم‌فروشی: در قرآن، سوره‌ای به نام مطففین است که می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»؛ وای بر کم‌فروشان! اولین سخن حضرت شعیب بعد از دعوت به توحید، نهی از کم‌فروشی بود. در قرآن می‌خوانیم: مگر ایمان به معاد ندارید که کم‌فروشی می‌کنید؟
- کم‌کاری کارمندان و معلمان، نپرداختن مالیات‌های اسلامی، کنز، خوردن مال یتیم و ... نیز مثل کم‌فروشی است.

۴. رشوه: در حدیث می‌خوانیم: رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده در آتش هستند.

بعضی گمان می‌کنند که اگر نام رشوه را به کلماتی از قبیل هدیه و حق حساب و تشویق و یا نام دیگر عوض کنند، حقیقت هم عوض می‌شود.

ز. منکرات نظامی

۱. فرار از جبهه

بعضی از منکرات مربوط به جبهه و جنگ است که یکی از آن‌ها فرار از جبهه و جنگ است. قرآن می‌فرماید: جز آن‌ها که برای سازوبرگ نبرد باز می‌گردند، یا آن‌ها که به یاری گروهی دیگر می‌روند، هرکسی که پشت به دشمن کند، مورد خشم خدا قرار می‌گیرد و جایگاه او جهنم است. جهنم بدجایگاهی است. آری! فرار از جنگ، از گناهان بزرگی است که خداوند برای آن وعده دوزخ داده است. در سوره احزاب می‌خوانیم: بعضی با خود پیامبر اسلام عهد بسته بودند که در جنگ با دشمنان اسلام فرار نکنند. سپس قرآن می‌فرماید: هرگز فرار برای شما سودی ندارد.

توجیحات فرار

در قرآن در مورد فرار منافقان و افراد ترسو از جبهه و توجیحاتی که می‌کنند، نکاتی آمده است که فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

نداشتن فرمانده و رهبر

در جنگ احد، گروهی از مسلمانان به خیال آنکه پیامبر اکرم شهید شده است، پا به فرار گذاشتند. قرآن می‌فرماید: بر فرض که پیامبر اسلام شهید شد و یا از دنیا رفت. آیا باید شما فرار کنید و به عقب برگردید؟!

گرمی هوا

همین که فرمان بسیج صادر شد، گروهی می‌گفتند: الان هوا گرم است. قرآن می‌فرماید: آتش دوزخ گرم‌تر است.

دشمنان زیاد

گروهی همین که لشکر کفر و سازوبرگ نظامی آنان را دیدند، گفتند: «لا طاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ»؛ ما امروز توان مبارزه با این طاغوت را نداریم.

در جنگ بدر، خداوند با قدرت غیبی کاری کرد که مسلمانان کفار را کم دیدند؛ و گرنه سست می‌شدند و جرأت حمله پیدا نمی‌کردند.

گناهان احتمالی

مسلمانان تن‌پرور هنگام دعوت به جنگ تبوک گفتند: ما نگرانیم که در مسیر راه چشمان به دختران رومی بیفتد و گرفتار گناه شویم. غافل از آنکه شکستن فرمان رهبری و فرار از جنگ، از گناه نگاه به زنان و دختران بدتر است.

بعضی نیز بی‌حفاظ بودن خانه‌های خود را بهانه قرار می‌دهند.

برخورد با فراریان

قرآن می‌فرماید: بر جنازه کسانی که از شرکت در جبهه سرباز زدند، نماز مگذار و حتی بر سر قبر آن‌ها مرو!

تنبيه فراریان

در یکی از جنگ‌ها که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمان بسیج عمومی داد، سه نفر از شرکت در جبهه سرباز زدند. حضرت به همه مسلمانان فرمود: احدی با این سه نفر سخن نگوید! ایشان به این شکل متخلفان را در محاصره اجتماعی شدیدی قرار داد و کار به جایی رسید که همسر و فرزندان ایشان نیز با آن‌ها سخن نمی‌گفتند. این سه نفر با خود گفتند: پس خود ما نیز با یکدیگر حرف نزنیم. این اعتصاب، زمین بزرگ را بر آنان تنگ کرد؛ ولی آن‌ها شرمندگی شدند و توبه کردند و توبه‌شان پذیرفته شد.

۲. خیانت

گاهی سرباز اسلام در جبهه اطلاعاتی به دشمن می‌دهد و رمزی را فاش می‌کند. این عمل گرچه با اشاره باشد، خیانت و از گناهان بزرگ است.

داستان

در تفاسیر شیعه و سنی، در شأن نزول آیه ۲۷ سوره انفال می‌خوانیم: همین که به فرمان پیامبر، مسلمانان یهود بنی قریظه را محاصره کردند، آنان پیشنهاد صلح و کوچ کردن به شام را مطرح کردند. پیامبر اسلام نپذیرفت و سعد بن معاذ را به داوری مأمور فرمود. یکی از مسلمانان به نام ابولبابه که سابقه دوستی با یهودیان را داشت، هنگام مشاوره یهودیان با او، با اشاره به گلوی خود به آنان فهماند که داوری سعد بن معاذ برای شما خطرناک است. جبرئیل این اشاره را به پیامبر خبر داد. ابولبابه از این خیانت خود شرمندگی شد و به عنوان توبه خود را با طناب به ستون مسجد بست. چند روز چیزی نخورد. سرانجام خداوند توبه‌اش را پذیرفت. آری! گاهی یک اشاره به سود دشمن، خیانت است.

۳. نافرمانی از فرماندهی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه رحلت، لشکر را به فرماندهی جوان ۱۸ ساله‌ای بنام اسامه به منطقه‌ای فرستاد و فرمود: خداوند لعنت کند هر کس که از لشکر او تخلف کند. در آیه ۶۱ سوره نور می‌خوانیم: مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هرگاه با رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کاری به طور دسته‌جمعی باشند، تا از او اجازه نگیرند، مرخصی نمی‌روند. آری! اجازه گرفتن از فرمانده، نشانه ایمان است. یکی از دلایل شکست مسلمانان در احد، نافرمانی از فرمانده بود. اسلام برای فرمانده و رهبر، عنصر عدالت، تقوا، توان و تفکر و برای مردم، عنصر عشق و اطاعت را شرط لازم برای رسیدن به اهداف والای خود می‌داند.

۴. غنیمت‌گرایی

یکی از منکرات جبهه و جنگ، غنیمت‌گرایی است.

داستان بعد از جنگ خیبر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شخصی را همراه با گروهی به سوی یهودیانی که در روستاهای فدک زندگی می‌کردند فرستاد تا آنان را برای پذیرفتن اسلام یا قبول کردن مالیات مخصوص دعوت کند. یکی از یهودیان به نام مرداس همین که از آمدن سپاه اسلام آگاه شد، اموال و فرزندان خود را در پناه کوهی قرار داد و با شعار: لا اله الا الله، محمداً رسول الله به استقبال مسلمانان آمد. آن شخص خیال کرد که او از ترس مصادره اموال تظاهر به اسلام می‌کند. لذا به شعار او اعتنا نکرد و او را کشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ناراحت شد و فرمود: تو به خاطر روحیه غنیمت‌گرایی، مسلمانی را کشتی.

و آیه ۹۴ سوره نساء نازل شد: ای رزمندگان اسلام! دقت و تحقیق کنید و به کسی که اظهار اسلام می‌کند، نگوئید: تو ایمان نداری و شعار تو از ترس است تا بی دلیل او را بکشید و غنائمی زودگذر به دست آورید. مگر نمی‌دانید که غنائم واقعی به دست خداست؟ مگر می‌توان مسلمان را عمداً کشت؟ مگر ما از قلب او خبر داریم؟ مگر خود شما قبلاً ایمان عمیق داشتید که از کفار در لحظه اول انتظار ایمان عمیق دارید؟

درس‌ها ما از این ماجرا درس‌های زیادی می‌توانیم بگیریم؛ از جمله:

- به نام جنگ، هرج و مرج ممنوع!
- کسانی را که باشعار اسلام به سوی ما می‌آیند، با آغوش باز بپذیریم!
- برچسب بی‌دینی به افراد نزنیم!
- نسبت به افراد مشکوک، زود تصمیم نگیریم!
- از قدرت خود سوءاستفاده نکنیم!
- انگیزه‌های مادی ما را به گناه نکشانند!
- قداست جنگ را با کسب غنائم نشکنید!
- جاذبه‌های مادی، رزمندگان را نیز رها نمی‌کند!
- فردی به مسلمانان افزوده شود بهتر است تا اموالی به سرمایه‌ها اضافه شود.
- خطر مسلمان‌کشی مهم‌تر از خطر نفوذ مسلمانان منافق است.
- کسی که خودش سابقه دنیاگرایی و ایمان سطحی دارد، نباید از مردم توقع ایمان عمیق داشته باشد.
- با عقل و حوصله و تحقیق برخورد کنید و نه با احساسات.
- به کفار فرصت تحقیق دهید!

قرآن می‌فرماید: هر گاه یکی از مشرکین به تو پناه آورد، پناهِش بده تا کلام خدا را بشنود! سپس او را به محل امن برسان!

ح. منکرات سیاسی، امنیتی و بین‌المللی

منکرات تنها در گناهان فردی و اخلاقی خلاصه نمی‌شود. منکرات سیاسی علاوه بر اینکه خود گناه بزرگی است، بستری برای سایر گناهان است. صدها آیه و حدیث در باره مسائل سیاسی مطرح شده است و کسانی که دین را از سیاست جدا می‌دانند، باید این آیات را از قرآن حذف و عمل انبیاء را تخطئه کنند. ما در اینجا، به نمونه‌هایی از منکرات سیاسی اشاره می‌کنیم:

۱. پذیرفتن طاغوت‌ها و رهبری ناهالان

اولین وظیفه انبیا بعد از دعوت به توحید، مبارزه با طاغوت است؛ *إن عبدوا لله واجتنبوا الطاغوت* اگر طاغوت‌ها نباشند، مردم به‌طور طبیعی به سراغ توحید می‌روند. خداوند در قرآن کفر به طاغوت قبل از ایمان به خدا را در ورودی ایمان به خدا قرار داده است. مشکل امروز مسلمانان دنیا این است که از میان دو بال کفر به طاغوت و ایمان به خدا، تنها بال دوم را دارند؛ یعنی ایمان به خدا دارند، ولی کفر به طاغوت را ندارند. به همین دلیل با اینکه در ظاهر نماز می‌خوانند، طاغوت بر آنان حکومت می‌کند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: ما دو نوع اسلام داریم:

۱. اسلام ناب محمدی که لرزه بر اندام کفار می‌انداخت و مسجد مدینه با ده ستونی که از تنه درخت

خرماداشت، کاخ‌های طاغوت را متزلزل می‌کرد.

۲. اسلام آمریکائی که امروز مسجد پیامبر در مدینه با صدها پایه از سنگ مرمر لرزه به اندام احدی نمی‌اندازد.

خداوند به موسی علیه السلام می‌فرماید: به سراغ فرعون برو! زیرا طغیان کرده است. در قرآن، پیروی گنهکاران، کافران، مفسدین، مسرفین، مفرطین، غافلین، هوسرانان و فرومایگان با صراحت نهی شده است. اگر تنها به این آیات عمل شود، بساط تمام سران کشورهای اسلامی برچیده خواهد شد. نه تنها پیروی از طاغوت گناه است، بلکه کمک به او، رضایت بر کار او، دعای به او، علاقه به زنده بودن او، لبخند بر روی او، احترام به او، مسافرت برای دیدار او، بیعت با او، بدرقه او، تشویق او و سکوت در برابر او نیز گناه است.

۲. پذیرفتن عوامل بیگانه

۱. قرآن با کمال صراحت می‌فرماید: بیگانگان را مستشار خود قرار ندهید! متأسفانه امروزه بر اثر رهبری رهبران ترسوی کشورهای اسلامی، خواب رفتن مسلمانان و بیداری دشمنان، کار به جایی رسیده است که در تاروپود اداره کشورهای اسلامی، عوامل بیگانه نفوذ دارند و به نام مستشار، کارشناس، مستشرق و جهانگرد، و جب به وجب سرزمین‌های اسلامی را گشته‌اند و از منابع طبیعی و نیروهای انسانی و نوابغ ما آگاه شده‌اند. کتاب‌های خطی و آثار عتیقه ما را دزدیده‌اند. افراد نابغه ما را به خدمت اهداف خود بکار گرفته‌اند و این کار تا آنجا پیش رفته که سران بعضی از کشورهای اسلامی به صورت عناصری بی‌اراده و مزدوران مزدبده درآمده‌اند.
۲. مداهنه و سازش آرزوهای دشمنان نسبت به ما، دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی و سازش با دشمن است. قرآن می‌فرماید: در برابر هر پیشنهاد غیرمعقولی با قاطعیت و صلابت بگوئید: حساب ما از حساب شما جداست! هر حرکت، قرار دارد، تصویب قانون و رابطه‌ای که نتیجه‌اش سلطه کفار بر مسلمانان باشد، حرام است. قرآن می‌فرماید: هرگز خداوند برای کفار راه نفوذ و سلطه‌ای بر مؤمنان قرار نداده است!
۳. شرکت در هر جلسه، کنفرانس، انجمن و سمیناری که قانون خدا، اولیای خدا، اهداف خدا و راه خدا تضعیف شود، ممنوع است.
۴. پخش شایعات پخش هر خبری که مسلمانان را به وحشت اندازد، جامعه را متزلزل و یا روحیه‌ها را تضعیف کند، ممنوع است.
۵. اسلام برای کسانی که با شایعه جامعه را متزلزل می‌کنند، سخت‌ترین کیفر را معین کرده است. مسلمانان باید تا خبری شنیدند، به کارشناسان و سیاست‌شناسان امین و فقیه عرضه کنند تا بعد از تحلیل صحیح و تشخیص خبرهای صحیح از دروغ، آن‌را به مردم اعلام کنند. به علاوه، بیان بعضی اخبار صحیح نیز در همه جا و برای همه کس درست نیست. قرآن در این زمینه می‌فرماید: آشکار شدن بعضی از مسائل برای شما مضر است.
۵. جاسوسی که امروز در قالب‌های مدرن و پیچیده در دنیا مطرح است و برای این کار مترجمان قوی را استخدام می‌کنند، از دیگر منکرات سیاسی است.
۶. تبلیغات به نفع دشمن هرگونه تبلیغاتی که کفار را عزیز بدارد و مسلمانان را تحقیر کند، ممنوع است و در قرآن می‌خوانیم: عده‌ای از منافقین به مسلمانان می‌گفتند: از کفار بترسید که عده آن‌ها زیاد است. ولی مسلمانان به جای آنکه بترسند، بر ایمانشان اضافه می‌شد.
۷. نپذیرفتن منصوبین الهی مهم‌ترین منکر سیاسی، نپذیرفتن کسانی است که خداوند آن‌ها را نصب کرده است. در سوره بقره، داستان طالوت و جالوت به طور مفصل نقل شده است که در بخشی از آن می‌خوانیم: هرچه پیامبرشان

فریاد زد که خداوند جناب طالوت را برای رهبری شما برگزیده است، مردم به بهانه اینکه او شخص فقیر و گمنامی است، زیر بار نرفتند.

مثل زمانی که حضرت موسی علیه السلام برای دریافت الواح تورات به کوه طور رفته و برادرش هارون را به جای خود معین کرده بود، مردم به سراغ سامری رفتند و هارون را رها کردند و هرچه حضرت هارون ناله کرد، چنان تضعیفش کردند که به گفته قرآن تا مرز کشتنش پیش رفتند.

این حوادث تلخ در امت اسلام هم بوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله علی بن ابیطالب را در غدیر خم در میان حدود صد هزار نفر به جانشینی پس از خود منصوب کرد؛ ولی مردم به قول دعای ندبه، فرمان رسول الله را امتنان نکردند.

۸. تق زدن به حاکم الهی یکی از گناهان بزرگ، تسلیم نبودن در برابر قضاوت های اولیای خداست. داستان میان دونفر از اصحاب در مسأله آبیاری مشاجره شد و آن دو، پیامبر را داور کردند. حضرت پس از شنیدن سخنان دوطرف، قضاوت کرد. شخص محکوم، پیامبر را متهم کرد که در قضاوت، حق را در نظر نگرفته است. آیه نازل شد: به خدا قسم، ایمان ندارند جز کسانی که در برابر قضاوت تو تسلیم محض باشند!
۹. ولایت کفار از مهم ترین منکرات سیاسی، پذیرفتن ولایت کفار است که بارها قرآن از آن نهی فرموده است. یک نمونه قرآنی از نهی از منکر حضرت ابراهیم همین که عموی خود را بت پرست دید، به او گفت: این مجسمه هایی که شما پابند عبادت آنها شده اید، چه معنا دارد.

در این بیان بسیار کوتاه، به چند اصل مهم در امر به معروف و نهی از منکر پی می بریم: از جمله:

۱. کسی که امر به معروف می کند، باید از رشد و کفایت خاصی برخوردار باشد.
۲. در امر و نهی شرط سنی وجود ندارد (قال لایه).
۳. امر و نهی را از نزدیکان شروع کنید. (قال لایه).
۴. در نهی از منکر، ابتدا از بزرگ ترین منکرات نهی کنید (ما هذه التمثیل).
۵. در امر و نهی، مردم را به کرامت و شخصیت خودشان متوجه سازید (انتم لها عاکفون).
۶. در نهی از منکر، گاهی باید یک نفر در برابر گروهی قرار گیرد (لایه و قومه).
۷. در امر و نهی با شیوه سؤال، وجدانها را بیدار کنید. (ما هذه التمثیل).
۸. در امر و نهی، قاطعیت و صراحت داشته باشید. (انتم و اباکم).

این اصول و درس هایی بود که در نگاه نخست به ذهنم آمد. شاید شما اگر فکر کنید و یا به تفاسیر مراجعه کنید، مطالب دیگری نیز فرا گیرید.

آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر

الف - برکات معنوی

۱- نجات از قهر خدا

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس منکر و خلافی را دید و قلباً از آن ناراحت شد، همانا از قهر خدا نجات پیدا کرده و تن به سلامت برده است؛ و هر کس با زبان از کار خلاف نهی کرد، به پاداش رسیده است.

۲- بهره از الطاف خدا

هر کس با شمشیر و قوت و قدرت برای عزت کلمه الله قیام کند، به واقعیت الطاف الهی رسیده است. هر کس بدعت‌گزاری را با نهی از منکر بترساند، خداوند قلبش را از ایمان پرکند؛ ولی اگر نسبت به او نرمش نشان دهد، قانون خدا را تحقیر کرده است.

۳- نشانه بهترین بودن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مردم کسی است که مردم را به معروف دعوت کند. و برعکس، اگر کسی در برابر معروف و منکر هیچ گونه احساسی نداشته باشد، انسانیت او دگرگون شده است؛ بنحوی که دیگر حرف خیری را نمی‌پذیرد.

۴- اثر امر به معروف در خود انسان

حضرت علی علیه السلام به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی. آری! همان گونه که هر کس لباس می‌شوید، دست خودش نیز پاک می‌شود، کسی که مردم را به خیر دعوت می‌کند، به طور طبیعی سعی می‌کند تا خودش نیز به آن کاری عمل کند که به دیگران سفارش می‌کند.

۵- شرکت در همه ثوابها

در روایات متعدد می‌خوانیم: هر کس مردم را به کار خیر راهنمایی و سفارش و دعوت کند و مردم به خاطر دعوت او آن کار را انجام دهند، دعوت کننده در پاداش شریک می‌شود؛ بدون آنکه از اجر دیگری کاسته شود. هر کس دیگری را به کار خلاف و انحراف دعوت کند، در کیفر مفاسد او شریک است. بنابراین، کسی که امر به معروف می‌کند، در پاداش همه کارهایی که مردم به خاطر دعوتش انجام می‌دهند شریک است.

ب- برکات اقتصادی امر به معروف و نهی از منکر

قرآن می‌فرماید: اگر مردم مناطق ایمان آورند و تقوا پیشه کنند (که یکی از مصادیق تقوی امر به معروف و نهی از منکر است) به طور قطع، از آسمان و زمین برکاتی خواهیم گشود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: با امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌ها حلال و زمین‌ها آباد می‌شود. و در جای دیگر می‌فرماید: مقدار باران در هر سال یکسان است؛ ولی اگر مردم گناه کردند، خداوند مسیر باران را تغییر می‌دهد. سپس ایشان برای هر گناهی آثاری را بیان فرمود:

- اگر در جامعه زنا زیاد شود، سگته و مرگ ناگهانی زیاد می‌شود.
- اگر کم‌فروشی رایج شود، قحطی پیدا می‌شود.
- اگر زکات پرداخت نشود، برکات زمین کم می‌شود.
- اگر پیمان شکنی و بی‌وفایی زیاد شد، دشمن غالب می‌شود.
- اگر صلح قطع شود، اموال به دست ناهلان می‌افتد.
- اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، اشرار بر مردم تسلط می‌یابند؛ بنحوی که فریادها بی‌اثر می‌شود.

ج- برکات اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

قرآن، جامعه‌ای را رستگار می‌داند که گروه ویژه‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد.

در آیه دیگری می‌فرماید: نشانه بهترین جامعه آن است که امر به معروف و نهی از منکر در آن زنده باشد. صالحانی را که ما در هر نماز با جمله «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین» بر آنان سلام می‌فرستیم، کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

در آیه دیگری می‌خوانیم: هنگام عذاب، تنها ناهیان از منکر نجات پیدا می‌کنند و بقیه مردم خواه گناهکار و خواه افراد ساکت و بی تفاوت گرفتار قهر خدا شوند.

امام باقر علیه السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر فرمود:

هر کس آن دو را یاری کند، خداوند به او عزت می‌دهد. هر کس خوارشان کند، خدا او را خوار می‌کند.

د- برکات سیاسی امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امیر علیه السلام فرمود: پشتوانه مؤمنان و وسیله تحقیر کفار، امر به معروف و نهی از منکر است.

اگر امر به معروف و نهی از منکر نشود، بتدریج اشرار بر شما حاکم خواهند شد و کار به جایی خواهد رسید که خوبان شما هر چه فریاد زنند، پاسخی نشنوند.

در روایت دیگری می‌خوانیم: اگر نهی از منکر نکنید و پیرو اهل بیت پاک رسول خدا نباشید، خداوند، اشرار را بر شما مسلط خواهد کرد و چنان در فشار قرار خواهید گرفت که هر چه خوبان شما دعا کنند، مستجاب نشود.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد:

- مرحله قلبی که هر مسلمانی از کار خلاف در دل خود متنفر باشد و کارهای خوب را تشویق و حمایت کند. این حمایت قلبی در هر شرایطی لازم است.
- مرحله گفتاری که وظیفه عموم مردم و در شرایط عادی است.
- مرحله برخورد انقلابی که در آیه ۴۱ سوره حج می‌خوانیم:
«الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»
مؤمنان همین که در زمین قدرت به دست گرفتند، نماز به پا می‌دارند، زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

در این آیه، امر و نهی همراه با قدرت و امکانات است (مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ).

اهمیت شیوه‌ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «هر کسی امر به معروف می‌کند، باید شیوه‌اش نیز معروف باشد». هر گناهی که از فردی سر می‌زند، ممکن است به دلیلی باشد. همان گونه که یک دردسر ممکن است از چند ریشه سرچشمه بگیرد؛ برای مثال، خانمی بدحجاب است. امکان دارد که این عمل او دلایلی داشته باشد؛ از جمله:

- مسأله حجاب را نمی‌داند و فکر می‌کند که عیبی ندارد.
- فلسفه حجاب و آثار شوم بی‌بندوباری را نمی‌داند.
- کمبودی دارد که می‌خواهد خود را مطرح کند.
- طبق هوی و هوس و میل عمل می‌کند.
- می‌خواهد از سایر بدحجاب‌ها عقب نماند.
- مادر و خواهر و دوستانش بدحجاب‌اند.

۷. می خواهد با نظامی که طرفدار حجاب است، مخالفت کند.
۸. تبلیغات سوء در او اثر گذاشته است.
۹. فکر می کند بی حجابی، رمز ترقی و روشنفکری است.
۱۰. می خواهد با دیگران فرقی داشته باشد.
۱۱. فکر می کند که بدحجابی گناه ساده‌ای است و لطمه‌ای به کسی نمی‌زند. کسانی که می‌خواهند منکر بدحجابی را نهی کنند، باید همه این ریشه‌ها را بررسی کنند و برای هر یک نسخه خاصی بنویسند.
- در اینجا، معلوم می‌شود که نهی از منکر علاوه بر وظیفه عمومی، یک کار تخصصی است و نیاز به کارشناسی علمی، روانی، اجتماعی، تبلیغی و هنری دارد. آمرین به معروف و ناهیان از منکر باید از دانشمندان، متفکران، مصلحان و دلسوزان جامعه باشند. اگر مشاهده می‌کنیم که گاهی نهی از منکرها بی‌اثر است، گناه را تنها به گردن خلافکار نیندازیم؛ زیرا گاهی شیوه‌های واحد برای دردهای متنوع، مثل نسخه واحد برای مرض‌های گوناگون است و شفابخش نخواهد بود.
- بد نیست درباره تنوع در برخورد نیز حدیث جالبی نقل کنم:
- قرآن در سوره بقره، آیه ۱۸۹ می‌فرماید: نیکی در این نیست که از بی‌راهه به خانه‌ها وارد شوید. نیکی در تقوی و در این است که از در خانه‌ها و راه آن وارد شوید.
- این آیه ضمن اینکه این عقیده خرافی را که: در حال احرام در سفر حج از پشت خانه‌ها وارد می‌شوند را رد می‌کند، نیز می‌گوید که هر کاری راهی دارد؛ زمانی دارد؛ مکانی دارد؛ رهبری دارد؛ شیوه‌ای دارد و در انجام کارها باید شرایط را در نظر گرفت. اکنون برویم به سراغ روایات جالب:
۱. امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید: خانه‌ها را از راهش وارد شوید؛ یعنی هر کاری را از راهش انجام دهید! (برای هر دردی، نسخه‌ای خاص لازم است. برای هر منکری، شیوه‌ای مخصوص و برخورد ویژه‌ای لازم است).
 ۲. امام رضا علیه السلام فرمود: هر کسی کاری را از شیوه خودش وارد شود، لغزشی پیدا نخواهد کرد و اگر لغزشی رخ دهد، حیل‌ها و شیطنت‌ها او را خوار نخواهد کرد.
 ۳. امام جواد علیه السلام فرمود: کسی که راه کار را نداند، ریشه‌های ناشناخته کار او را در انجام فلج خواهد کرد.
 ۴. نتیجه این روایات در بحث ما آن است که برای هر معروف و منکری، از هر شخصی در هر مکانی و هر زمانی، شیوه‌ای خاص لازم است که اگر مراعات نشود، امکان دارد اثر منفی دهد.
- همان گونه که برای هر کاری شیوه‌ای است، امکان دارد برای یک کار شیوه‌های زیادی باشد. برای مثال، یکی از معروف‌هایی که در قرآن و روایات روی آن تأکید فراوانی شده، کمک به مردم و انفاق است. قرآن برای اینکه این معروف را در مردم احیا کند، شیوه‌های متعددی به کار برده است؛ از جمله:
۱. دنیا کم است و تو انسان و جانشین خدایی. حیف است که تو اسیر دنیا شوی. در این شیوه، قرآن با معرفی جایگاه انسان که خلیفه خداست و جایگاه دنیا که متاع قلیل است، انسان را آماده انفاق می‌کنند.
 ۲. اگر مالی را در راه خدا بدهی، سایر اموال تو بیمه خواهد شد. بنابراین، ضرر نمی‌کنی.
 ۳. اگر به فقرا کمک نکنی، اموال تو نابود خواهد شد؛ زیرا آه فقرا یا پورش محرومان مالکیت تو را متزلزل خواهد کرد.
 ۴. اگر چیزی را در راه خدا بدهی، خداوند جای آن را پر خواهد کرد. این وعده در قرآن آمده است.

۵. کسانی که کمک نکردند، در آب و خاک غرق شدند. نگاهی به تاریخ فرعون و قارون آن را ثابت می‌کند.
۶. افرادی براحتی در راه خدا ایثار کردند. تو چرا عقب ماندی. انسان در کمالات باید در حال مسابقه و رقابت باشند.
۷. مثال مالی که انفاق می‌شود، مثال دانه‌ای است که در زمین کاشته می‌شود و از آن هفت خوشه بیرون آید که در هر خوشه، صد دانه است.
۸. اموالی که در دنیا گنج می‌شوند و به فقرا کمک نمی‌شوند، در قیامت داغ می‌کنند. و بر پیشانی و پهلوی سرمایه‌داران می‌گذارند و به آنان خطاب می‌شود: این همان چیزی است که در دنیا اندوخته بودید. تمام تعبیرات فوق که برخاسته از آیات قرآنی است، شیوه به تمکین در آوردن مردم برای انفاق به فقر است.

منابع

۱. تحریر الوسيله، جلد ۱ کتاب الامر بالمعروف
۲. تحف العقول، سخنان امام حسین (ع)
۳. وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۵۵
۴. محجّه البیضاء ج ۵ ص ۲۵۶
۵. وسائل الشیعه، جلد ۱۷ ص ۲۷۵
۶. ویل للمطففین (وای بر کم فروشان) سوره مطففین، آیه ۱
۷. امالی شیخ طوسی، ص ۴۴۰
۸. مجله پیام انقلاب، ص ۶۹
۹. مکارم الاخلاق، ص ۴۷۳
۱۰. الاختصار، ص ۲۱۸
۱۱. وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۲
۱۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۸
۱۳. وسایل الشیعه، جلد ۵، ص ۴۱۶
۱۴. سیمای فرزندگان، ج ۳، ص ۲۱۴
۱۵. نهج الکرامه، سخنان امام حسین (ع)، ص ۲۷۶
۱۶. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۶
۱۷. مقدمه کتاب لقاء... نوشته میرزا جواد ملکی تبریزی
۱۸. بحار الانوار ف ج ۷۸، ص ۲۲۹
۱۹. سوره حجرات، آیه ۱۳
۲۰. سوره نور، آیه ۳۱
۲۱. سوره نور، آیه ۳۱
۲۲. سوره بقره، آیه ۸۳
۲۳. سوره احزاب، آیه ۳۳
۲۴. سوره نور آیه ۳۱
۲۵. سوره نور آیه ۳۱
۲۶. سوره نمل آیه ۳۴

۲۷. سوره نمل آیه ۵۲
۲۸. لطایف الطوائف، ص ۱۳۶
۲۹. عوالی اللئالی، ج ۱ ص ۱۶۵
۳۰. مستدرک الوسائل، جلد ۱۷، ص ۳۰۰
۳۱. مستدرک الوسائل، جلد ۱۴، ص ۲۶۶
۳۲. کنز العمال، ج ۵، ص ۳۲۸
۳۳. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۹
۳۴. رساله توضیح المسائل، احکام لباس، شرط پنجم
۳۵. استفتائات امام خمینی، ج ۲، ص ۳۳
۳۶. استفتائات امام خمینی، ج ۲، ص ۲۶
۳۷. محجبه البيضاء، ج ۵، ص ۲۴۰
۳۸. سوره حدید، آیه ۱۶
۳۹. مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۲۶
۴۰. بحار الانوار، ج ۵ ص ۳۲۴
۴۱. بحار الانوار، ج ۵۰ ص ۸۵
۴۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸
۴۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۵
۴۴. التمهید، ص ۱۹
۴۵. حکایت کشف حجاب، ص ۱۴
۴۶. سن ابی داو، ج ۲ ص ۲۷۹
۴۷. سوره روم، آیه ۱۰
۴۸. تحف العقول، سخنان امام حسن عسگری (ع)
۴۹. منتخب التواریخ، ص ۴۰
۵۰. زندگانی حکیم جهانگیر خان قشقای، ص ۲۶

امربه معروف و نهی از منکر در فرازهایی از سخنان مقام معظم رهبری

کامران صفوی^۱

علی انصاری^۲

مرجان پدیدار^۳

رعنا ستایش^۴

الهام خدادی^۵

محمد عبدالهی^۶

چکیده

امربه معروف و نهی از منکر یعنی نگران سرنوشت دیگران بودن، اسلام آیین دگر گزایی است. در نظام اعتقادی اسلام، امربه معروف و نهی از منکر، جایگاه خاصی دارد. امت اسلامی، بهترین امت است؛ چرا که امربه معروف و نهی از منکر می کند و همین عامل رستگاری او است. بدین ترتیب می توان گفت امربه معروف و نهی از منکر، از ضروریات ایمان و رستگاری امت است. دست شستن از نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج منکرات، نشان بد کرداری و تباهی انسان است. انسان به دلیل اجتماعی بودنش، نیاز به جمعی دارد که انیس او باشند، تا از غم ها و سختی ها رهایی یابد و استعداد های نهفته اش را به فعلیت برساند و گرنه انسانیت انسان، بی معنا خواهد بود. به همین دلیل زندگی انسان، شکل گروهی به خود گرفته و اجتماعات متفاوت در عین حال، شبیه به هم را به وجود آورده است و رشد و تعالی انسان ها تنها در محیط و اجتماع سالم و پاک، امکان پذیر است. چون افراد یک اجتماع سالم، همانند اعضای یک بدن، در طریق حیات اجتماعی و سازمان دادن به زندگی صحیح انسانی سهیم و شریک اند و هیچ یک از آنان نمی تواند خود را در قبال سودها و زیان های اجتماعی بی تفاوت دانسته و عکس العملی از خود نشان ندهد. از این نکته می توان نتیجه گرفت که عقل آدمی پیش از حکم شرع مستقلاً به پاره ای معروف ها و منکرها شناخت پیدا می کند. اینجاست که مسئله امربه معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی) ضرورت پیدا می کند و موقعیت اساسی و بنیادی آن چون خون در تمام اعضا و جوارح انسان جریان دارد، در صحنه حیاتی انسانی جلوه می کند. موضوع امربه معروف و نهی از منکر، بحث گسترده ای دارد و این نوشتار مختصر در صدد تبیین همه آن مباحث نیست. در این مقاله به فرازهایی از بیانات مقام معظم رهبری در خصوص امربه معروف و نهی از منکر اشاره می گردد.

مقدمه

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤلیت های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امربه معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می رود؛ چنان که از

۱. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۳. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۴. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۵. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۶. دانشجوی رشته کتابداری، دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان

مهم‌ترین فرایضی است که وجوب کفایی آن ضروری دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است. قرآن کریم در بیان صفات ممتاز مؤمنان می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُؤْتُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» (توبه؛ ۷۱) مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. به موجب این آیه، افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکر می‌باشند. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در کل جامعه تأثیر بگذارد؛ چنان که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد. پیامبر اکرم: صلی الله علیه و آله - در این زمینه می‌فرماید: امر به معروف کنید و اگر نه خدای تعالی بدترین شما را بر شما مسلط می‌کند. و یا فرمودند: یک انسان گنهکار در میان مردم، همانند فرد ناآگاهی است که با گروهی سوار کشتی شده و آن گاه که کشتی در وسط دریا قرار می‌گیرد، تبری برداشته و به سوراخ نمودن جایگاه خود می‌پردازد، هر کسی به او اعتراض می‌کند او در پاسخ می‌گوید: من در سهم خودم تصرف می‌کنم؛ به یقین این یک حرف احمقانه است. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی‌کشد که همگی غرق می‌شوند. در جامعه اسلامی افراد نمی‌توانند نسبت به سرنوشت دیگران بی‌اعتنا باشند، لذا از روی «دلسوزی» و نه «طمع» و یا «کینه» برای نجات آن‌ها از ضلالت به پا می‌خیزند و به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند. وجود چنین روحیه‌ای است که جامعه آرمانی را به قبول اصل پذیرش «مسئولیت دسته جمعی» در قبال هدایت جامعه می‌باشد (رابعه طهماسبی). معروف و منکر که دو مفهوم متقابل‌اند، در لغت به معنای شناخته شده و ناشناخته می‌باشند؛ و در اصطلاح کارهایی که نیکی یا زشتی آن‌ها توسط عقل یا شرع، شناخته شده باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می‌شوند. به کارگیری لفظ معروف و منکر در امور مربوط به بایدها و نبایدهای دین، بدین لحاظ است که فطرت پاک انسانی با کارهای معروف آشنا و مأنوس و با زشتی‌ها و امور ناپسند، بیگانه و نامأنوس است. بنابراین معروف و منکر قلمرو وسیعی دارد و در محدوده عبادات یا یک سری از گناهان کبیره نمی‌گنجد. معروف شامل امور اعتقادی، اخلاقی، عبادی، حقوقی، اقتصادی، نظامی (همانند مرزداری و پیکار در راه خدا) سیاسی (مثل حضور در صحنه‌های انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن) و امور فرهنگی می‌شود و منکر نیز شامل منکرات اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اقتصادی (مانند کم‌فروشی و احتکار)، سیاسی (همانند جاسوسی و کمک به ضدانقلاب)، نظامی (نظیر فرار از جبهه و جنگ، عدم رعایت سلسله مراتب فرماندهی) و... می‌شود در مجموع می‌توان از معروف و منکر، به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها تعبیر نمود.

اهتمام در امر به معروف و نهی از منکر

خداوند عالم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ باید از شما طایفه‌ای باشند که مردم را به خیر بخوانند و امر به معروف کنند و نهی از منکر نمایند و این طایفه رستگارانند. (آل عمران، ۱۰۴)

خدای عزوجل می‌فرماید: «اتَّأْمُرُ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره: ۴۴) و به او گفته می‌شود: ای خیانتکار! آیا از مردم چیزی را می‌خواهی که خود به خویشتن در آن باره خیانت کرده‌ای و نسبت به آن افسار گسسته‌ای؟

نقل شده است که ابو ثعلبه اسدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله راجع به این آیه پرسید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصْرُكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مائده: ۱۰۵) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: امر به معروف و نهی از منکر کن و بر مصیبتی که بر تو وارد شود صبر کن. و هنگامی که ببینی مردم از حرص و آزمندی اطاعت می‌کنند و هوای نفس را می‌پرستند و هر کس خود رأی و خود بین است، تو به فکر خود باش و کار مردم را رها کن. (شهروند مسئول، ۱۳۸۸)

شرایط وجوب امر به معروف عبارت است از:

۱. شناخت معروف و منکر

فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، تنها در صورتی واجب می‌شود که فرد مکلف بتواند معروف‌ها و منکرها را از هم باز شناسد؛ یعنی از توانی برخوردار باشد که بتواند مجموعه‌ای از معروف‌ها و منکرها را شناخته و از هم تفکیک نماید. بنابراین، اگر کسی این توان را ندارد، اساساً وجوب این فریضه برای او منتفی است و برای چنین شخصی تحصیل علم به معروف و منکر هم واجب نیست؛ یعنی مکلف برای این که بتواند دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کند، باید توان شناخت معروف و منکر را داشته باشد؛ اما کسب این توان یعنی بازشناسی منکر از معروف برای تأمین یکی از شرایط چهارگانه وجوب امر به معروف و نهی از منکر اساساً واجب نیست؛ البته شناخت معروف و منکر برای عمل شخصی خود انسان در محدوده‌ای که جزو واجبات و محرمات شرعی است، واجب است؛ اما این وجوب تحصیل علم، با شرایط امر به معروف و نهی از منکر ارتباطی ندارد.

۲. احتمال تأثیر امر و نهی

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برای توسعه و بسط احکام الهی و جامعه‌ی عمل پوشاندن به دستورات دینی در جامعه‌ی اسلامی و پرهیز از عمل به زشتی‌ها واجب شده است. بنابراین، باید اقدام به آن مثمر ثمر بوده و در عمل مفید فایده باشد؛ باید فرد آمر و ناهی احتمال تأثیر بدهد؛ و گرنه اگر علم و یا اطمینان به عدم تأثیر داشته باشد، عمل به فریضه واجب نخواهد بود. البته سقوط این فریضه تنها به صورتی منحصر است که علم یا اطمینان به عدم تأثیر باشد و با ظن و گمان به عدم تأثیر، هر چند قوی باشد، وجوب فریضه ساقط نخواهد شد.

۳. استمرار عمل به معصیت و یا ترک واجب

از جمله شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، این است که فرد عمل‌کننده بر تکرار عمل به منکر و یا ترک واجب اصرار داشته باشد؛ یعنی وقتی یک بار معصیت از او صادر شد، قصد انجام آن را برای بار دوم هم داشته باشد. در این صورت است که امر و نهی او واجب می‌شود، اما اگر بعد از ارتکاب بار اول، تصمیم به ادامه دادن آن نداشته باشد، وجوب امر و نهی ساقط خواهد شد. همچنین اگر شخصی هنوز گناهی مرتکب نشده است، اما علم یا اطمینان حاصل شود که می‌خواهد اقدام کند، لازم است او را از انجام آنچه اراده کرده است، نهی نمود. در مقابل نیز لازم نیست که تصمیم بر عدم تکرار معصیت را اظهار و ابراز کند؛ بلکه اگر انسان به هر طریقی از تصمیم بر عدم استمرار بر گناه طرف آگاه شود، نهی از منکر واجب نخواهد بود. البته لازم است توجه شود که امر کردن شخصی به توبه از معصیتی که از او صادر شده است، با نهی کردن او از منکری که مرتکب شده است، متفاوت است؛ یعنی ممکن است کسی از گناهی که کرده است، توبه و استغفار نکرده، اما تصمیم بر ارتکاب مجدد هم نداشته باشد، در این صورت نهی از منکر کردن او واجب نیست؛ ولی امر کردن او به توبه واجب خواهد بود. بنابراین، خود توبه از گناهان، از واجبات شرعی است و اگر شخصی گناهی را مرتکب شد و یا واجبی را ترک کرد، بر او واجب است که فوراً توبه نماید. اگر علائم توبه از او آشکار نباشد، بر دیگران واجب است که او را امر به توبه نمایند. حتی اگر انسان شک کند شخصی که مرتکب حرامی شده است، توبه کرده است یا نه، باز واجب است که او را به توبه امر نمود. بنابراین، در نهی از منکر، شرط اصرار بر گناه لازم است؛ به بیان دیگر، وجوب نهی منوط به این است که استمرار فاعل در معصیت محرز شود؛ اما در امر به توبه، نه تنها استمرار فاعل در معصیت لازم نیست، بلکه تا علم و اطمینان به حصول توبه محقق نشود، امر به توبه واجب است.

۴. عدم وجود مفسده

شرط مهم دیگر، این است که عمل به فریضه، باعث تحقق مفسده‌ی دیگری نشود. اگر آمر یا ناهی علم و یا گمان داشته باشد که در صورت اقدامی امر به معروف و نهی از منکر ضرر و زیان جانی یا حیثیتی و آبرویی و همچنین آسیب مالی قابل توجه به خود شخص یا نزدیکان و دیگر مؤمنان وارد خواهد شد، وجوب فریضه ساقط خواهد شد. حتی اگر این پیش بینی در حد علم و ظن هم نباشد؛ ولی در حدی است که عقلا احتمال توجه ضرر می دهند، عمل به فریضه واجب نخواهد بود. (امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۷۷)

امر به معروف و نهی از منکر در کلام رهبری

۱. این واجب الهی رابه پا دارید

ما عرض کردیم به ملت عزیز؛ و گفتیم که امر به معروف و نهی از منکر، این واجب الهی را بر پا بدارید و در بین جوانان در سراسر کشور، شور و غوغایی بوجود آمد، پس پیداست این جوانان متمایل به امر به معروف و نهی از منکر هستند، بنابراین وظیفه ما، قانون گذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱)

۲. خرد انسانی و امر به معروف و نهی از منکر

هر چند فریضه امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ ترین واجبات اسلامی و توصیه به آن در قرآن و گفتار پیامبر خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و دیگر امامان، دارای لحنی کم نظیر و تکان دهنده است. ولی اگر کسی از این همه چشم پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بی شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی برحذر داشتن را کدام خرد سالم ستایش نمی کند؟ و کدام انسان خیرخواه و حساس، از او روی برمی گرداند؟

هنگامی که به این فریضه عمل شود، به تعداد آمران و ناهیان، دعوت به خیر در میان مردم صورت می گیرد و بی گمان لبیک گویان به این دعوت نیز کم نخواهند بود. این فراخوانی به گمان زیاد بر خود داعیان نیز نشانه نیک بر جای می گذارد و از دو سوره صلاح را هموار می سازد کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر می کنیم و رفتار زشتی که وی را از آن برحذر می داریم، هر چه بزرگ تر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرف تر یا ماندگارتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است و چنین است که عمل به این فریضه، تضمین کننده دوام و استحکام حکومت صالحان است و رها کردن و به فراموشی سپردن آن زمینه ساز سلطه اشرار و نابکاران. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹)

۳. سلاح زبان از مشت، خیلی کارگتر است

امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید، جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند. چرا که این واجب - امر به معروف، امر به کارهای خوب - در جامعه اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگوئید به من چه؛ او هم نمی تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید. بعضی خیال می کنند، تا منکری دیده شد، باید با مشت به سراغش بروند! نه، ما سلاحی داریم که از مشت کارگتر است. آن چیست؟ سلاح زبان. زبان از مشت خیلی کارگتر و نافذتر و موثرتر است؛ مشت کاری نمی کند. بعضی از جوانان به ما نامه می نویسند که اجازه بدهید ما با این تظاهرات منکراتی، مقابله و مبارزه کنیم. خیلی خوب، مقابله کنید؛ اما چطور؟ بریزید طرف مقابل را تکه پاره کنید؟! نه، این نیست. حرف بزنید،

بگویند؛ یک کلمه بیشتر هم نمی‌خواهد؛ لازم نیست یک سخنرانی بکنید. کسی که می‌بینید خلافتی مرتکب می‌شود -دروغ، غیبت، تهمت، کینه ورزی نسبت به برادر مؤمن، بی‌اعتنایی و محرمات دین، بی‌اعتنایی به مقدسات، اهانت به پذیرفته‌های ایمانی مردم، پوشش نامناسب، حرکت زشت- یک کلمه آسان بیشتر نمی‌خواهد؛ بگویند: این کار شما خلاف است، نکنید؛ لازم نیست که با خشم همراه باشد. شما بگویند، دیگران هم بگویند، گناه در جامعه خواهد خشکید. چرا کسانی از گفتن ابا می‌کنند؟ یک عده بر اثر ضعف نفس از گفتن ابا می‌کنند. یک عده هم خیال می‌کنند که گفتن فایده‌ای ندارد. باید با دست جلو بروند! نه، زبان از دست خیلی مهم‌تر است. امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید؛ نگذارید جوامع جوان -چه در مدرسه‌ها، و چه در دانشگاه‌ها- کار به فساد بکشند، این مراکز برای دشمن هدف است. بدانید که نسل جوان این جامعه و این ایران اسلامی زنده است؛ دشمن این را هم بداند، با بودن شما جوانان مؤمن، حجت بر ما تمام است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰)

۴. امر و نهی صادقانه

وقتی که شما برای کمک به نظام اسلامی، مردم را به نیکی امر می‌کنید -مثلاً احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر- و می‌گویید این کارها را بکن، هنگامی که دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امر صادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می‌کنید -مثلاً ظلم کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن- و می‌گویید این کارها را نکن، وقتی که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است و خود شما هم طبق همین امر و نهی تان عمل می‌کنید. اگر خدای نکرده، دل با زبان همراه نباشد، آنگاه انسان مشمول این جمله می‌شود که «لعن الله الامرین بالمعروف التارکین له.» (وسائل الشیعه) کسی که مردم را به نیکی امر کند، اما خود به آن عمل نمی‌کند؛ مردم را از بدی نهی می‌کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می‌شود، چنین شخصی مشمول لعنت خدا می‌شود؛ این چیز خیلی خطرناکی خواهد شد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹)

۵. امر به معروف و نهی از منکر در مسائل اجتماعی

در مسائل فردی، تقوا خیلی زیاد، مورد توصیه امیرالمؤمنین (ع) است؛ اما در زمینه‌ی مسائل اجتماعی شاید هیچ خطابی به مردم شدیدتر، غلیظتر، زنده‌تر و پرهیجان‌تر از خطاب امر به معروف و نهی از منکر نیست. امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه عمومی است. البته ما باید تأسف بخوریم از اینکه معنای امر به معروف و نهی از منکر درست تشریح نمی‌شود. امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن، نهی از منکر یعنی دیگران را از کارهای بدنهی کردن. امر و نهی، فقط زبانی و گفتاری است؛ البته یک مرحله قبل از زبان هم دارد که مرحله قلب است و اگر آن مرحله باشد، امر به معروف زبانی، کامل خواهد شد. وقتی که شما برای کمک به نظام اسلامی مردم را به نیکی امر می‌کنید -مثلاً احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر- و می‌گویید این کارها را بکن، هنگامی که در دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امر صادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می‌کنید -مثلاً ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن- و می‌گویید این کارها را نکن، وقتی که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است و خود

شما هم طبق همین امر ونهی تان عمل می کنید. اگر خدای نکرده، دل با زبان همراه نباشد، نگاه انسان مشمول این جمله می شود که «لعن الله الامرين بالمعرو التاركين له» کسی که مردم را به نیکی امر می کند، اما خود او به آن عمل نمی کند؛ مردم را از بدی نهی می کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می شود. چنین شخصی مشمول لعنت خدا می شود، این چیز خیلی خطرناکی خواهد شد.

اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن بشود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی ها دیگر در نمی آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه، این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه اسلامی گناه، گناه بماند. بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان صواب معرفی بشود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی بشود و فرهنگ ها عوض بشود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به صواب و کار نیک نشود.

بدترین توطئه ها علیه مردم این است که طوری کارکنند و حرف بزنند که کارهای خوب - کارهایی که دین به آنها امر کرده است و رشد و صلاح کشور در آنهاست - در نظر مردم به کارهای بد؛ و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود؛ این خطر خیلی بزرگ است.

بنابراین اولین فایده امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند. از طرف دیگر، وقتی در جامعه گناه منتشر بشود و مردم با گناه خو بگیرند، آنگاه اگر در رأس جامعه هم کسی بخواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق بدهد، کارش با مشکل مواجه خواهد شد؛ نمی تواند؛ یا به آسانی نمی تواند؛ مجبور است با صرف هزینه فراوان این کار را انجام بدهد. یکی از موجبات ناکامی تلاش های امیرمومنان - با آن قدرت و عظمت - در ادامه این راه که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود. این روایت تکان دهنده و عجیبی است؛ می فرماید:

«لتامرون بالمعروف ولتنهون عن المنکر او لیسلمن الله علیکم شرارکم فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم» باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید. رواج بدهید و نسبت به آن پایبند باشید؛ اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته ها را به شما مسلط می کند، یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور، دست امثال حجاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه ای که امیر المومنین (ع) در رأس آن قرار داشت و در آنجا امر ونهی می کرد و در مسجدش خطبه می خواند به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به آن جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حجاج چه کسی بود؟ حجاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! به همان راحتی که یک حیوان و یک حشره را بکشند، حجاج یک انسان را می کشت. یک بار حجاج دستور داد و گفت همه مردم کوفه بیایند و شهادت بدهند که کافر هستند و از کفر خودشان توبه کنند، هر کسی بگوید نه؛ گردنش زده می شود! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این گونه دچار ظلم های عجیب و غریب و استثنایی و غیر قابل توصیف و تشریح شدند. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلافتی، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و به تدریج جزو فرهنگ جامعه شود، زمینه برای روی کار آمدن آدم های ناباب فراهم خواهد شد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹، ۱۳۷۰)

۶. دو فریضه مهم الهی وسیله بسیار مفید و مؤثر است

من تأکید می‌کنم که جوان‌های عزیز و مؤمن، آحاد مردم، زن و مرد مسلمان، امر به معروف و نهی از منکر را که دو فریضه مهم الهی و جزو چیزهایی است که می‌توان در این جهت برای ملت ما وسیله بسیار مفید و مؤثر و پیش برنده‌ای باشد، فراموش نکنند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲)

۷. سپاسگزاری از پژوهشگران حوزه امر به معروف و نهی از منکر

هرچند فریضه امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی است و توصیه به آن در قرآن و گفتارهای پیامبر خدا (ص) و امیر مومنان (ع) و دیگر امامان دارای لحنی کم نظیر و تکان دهنده است. ولی اگر کسی از این همه چشم پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بی شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی بر حذر داشتن را کدام خرد سالم ستایش نمی‌کند؟ و کدام انسان خیرخواه و حساس، از آن روی برمی‌گرداند؟

هنگامی که به این وظیفه عمل شود، به تعداد آمران و ناهیان، دعوت به خیر در میان مردم صورت می‌گیرد و بیگمان لبیک گویان به این دعوت نیز کم نخواهد بود. این فراخوانی به گمان زیاد بر خود داعیان نیز نشانه نیک بر جای می‌گذارد و از دو سوء راه صلاح را هموار می‌سازد کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر می‌کنیم و رفتار زشتی که وی را از آن بر حذر می‌داریم، هرچه بزرگ‌تر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرف‌تر یا ماندگارتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است و چنین است که عمل به این فریضه، تضمین کننده دوام و استحکام حکومت صالحان است و رها کردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه ساز سلطه اشرار و نابکاران. شما دوستان ارجمند که اکنون همت به ترویج این فریضه گماشته‌اید، کار بزرگ خود را چنانکه شایسته این فریضه است، پاس بدارید و با همه جانبه نگری در این کار، زبان بدگویان و ذهن بی‌خبران را از فرو افتادن در ورطه ناسپاسی از این عمل اصلاحی بزرگ، نجات بخشید. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹)

۸. امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده

در محیط خانواده هم می‌شود نهی از منکر کرد. در بعضی خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی‌شود، در بعضی خانواده‌ها به خصوص حقوق کودکان رعایت نمی‌شود، این‌ها را باید به آن‌ها تذکر داد و از آن‌ها خواست. حقوق کودکان را تضییع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آن‌ها محبت نکند؛ نه سوء تربیت‌ها، بی‌اهتمامی‌ها، نرسیدن‌ها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آن‌ها است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹)

۹. امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مسئولان

امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگون دارد که مهم‌ترینش حوزه مسئولان است، یعنی شما باید ما را به معروف امر و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسئولان، کار خوب بخواهند! آن‌ها هم نه به صورت خواهش و تقاضا، بلکه باید از آن‌ها بخواهند، این مهم‌ترین حوزه است؛ البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد. در مسئله امر به معروف و نهی از منکر، فقط نهی از منکر نیست، امر به معروف و کارهای نیک هم هست. برای جوان درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات خوب در زندگی همه جزو چیزهای خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد. هر کسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر کنید به او بگویید و از او بخواهید، امر به معروف است. نهی از منکر هم

فقط نهی از گناهان شخصی نیست، تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان، رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند، فقط این نیست. خدا رب اعلاى ماست پس هدایتش اعلا است محبتش هم اعلا است کتابش نیز اعلا است و به اقوم و اعلى هدایت می‌کند «هدى للتى هى اقوم» جالب است که در هر دو آیه ای که اقوم و قیوم بودن قرآن کریم مطرح شده بلافاصله فرموده است «و یشتر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا» و در جای دیگری (اجرا حسنا) است گویا می‌خواهد بفرماید تا عمل نکنید اقوم بودن، قیوم بودن و لا عوج فیها بودنش را کاملاً درک نمی‌کنید.

یک نکته را هم می‌خواهم یادآوری کنم و آن نظام امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی است، فقط من و شما به عنوان مسئولان کشور و وظیفه مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین تر است. باید از شیوه‌ها و وسایل مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند. با چهارتا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می‌افتد، نه ارزش تأثیر گذاری اش ساقط می‌شود. قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته‌ی به امر به معروف و نهی از منکر است؛ این هاست که نظام را همیشه جوان نگه می‌دارد. حالا که نظام ما بیست یک ساله و جوان است و در مقایسه با نظام فرتوت هفتاد ساله‌ی پیر کمونیستی در شوروی به طور طبیعی هم جوان است، اما اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه‌ی خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی همیشه تر و تازه و با طراوت و شاداب می‌ماند.

طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه‌ی عامه‌ی مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه اینکه از او خواهش کنید؛ باید بگویند: آقا نکن؛ این کار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از ماموران و ناهیان بالاتر از منهای باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی‌شود گفت که خواهش می‌کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می‌کنی؟ طرف، هر کسی هست - حالا بنده که طلبه حقیری هستم - از بنده مهم تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.

با چهارتا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می‌افتد، نه ارزش تأثیر گذاری اش ساقط می‌شود. قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته‌ی به امر به معروف و نهی از منکر است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹)

به پا داشتن ستون دین در جامعه

بر پا داشتن نماز، نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان است در رتبه بعد از آن است که نوبت به «زکات» به مثابه تنظیم مالی جامعه و ریشه کن کردن فقر و نیز امر به معروف و نهی از منکر یعنی سوق دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها می‌رسد. «الذین ان مکناهم فی الارض أقاموا الصلاه واتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر». (مقام معظم رهبری ۱۳۷۰)

یکی از عوامل بقای اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است

عوامل بقا را در اسلام مشاهده کنید، یکی از عوامل بقا، همین عاشورا است، یکی از عوامل بقا، امر به معروف و نهی از منکر است، بدیهی است که در جامعه، فساد بوجود می‌آید، هیچ اجتماع بشری نیست که در آن، فساد بوجود نیاید، این فساد، چگونه باید برطرف شود؟ بعضی کسان، تا چشمشان به مظاهر فساد می‌افتد، می‌گویند: «پس مسئولین کجایند که ببینند و فساد را از بین ببرند؟! غالباً فساد را که به چشم می‌بینید فریاد بر می‌آورند و سراغ از مسئولین می‌گیرند. اما آن فسادى که به چشم دیده می‌شود، خیلی کوچک‌تر از فسادهایی است که با چشم ظاهری در کوچه و بازار و خیابان

نمی شود دید. کسانی که واردند، می دانند و می فهمند که فسادهای کلان، اغلب از دیده‌ها پنهان است، لذا، محیط جامعه باید به گونه‌ای باشد که اگر در آن فساد پدیدار شد، فرصت رشد پیدا نکند و زود از بین برود، مثل جریان‌های عظیم آب. محیط جامعه، باید این گونه باشد، باید چنان زلال باشد که اگر کسی قطره فساد هم در آن چکاند، خود جامعه، آن را هضم کند و از بین ببرد. چگونه امکان‌پذیر است؟ با امر به معروف و نهی از منکر؛ و با دعوت به خیر، قرآن می فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه» حکمت، حکمت، حکمت، اندیشه مستحکم را تعبیر به حکمت می کنند، حکمتی که انبیاء به آن ممتازند و از آن بندگان برگزیده و صالح است. همان فکر مستحکمی است که هیچ ابزار عقلانی نمی تواند آن را نفی کند و از بین ببرد، هیچ استدلال و تجربه ای هم نمی تواند آن را خنثی کند. با این همه، اگر در جامعه، به دستور اسلام و فرموده قرآن عمل شود، هیچ کدام از ابزار و عوامل فساد، نمی تواند کمترین اثری بکند، به معنای دقیق تر، توجه از جوانب مختلف و امر به معروف و نهی از منکر، نمی گذارد دشمن پیروز شود، این است که جامعه اسلامی، یک جامعه ماندگار است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵)

نتیجه گیری

نتیجه این که امر به معروف و نهی از منکر همچون خون در پیکره دین جریان دارد و ضامن حیات اسلام است. خیزش و قیام مصلحان در جامعه اسلامی نیز، بازتابی از عمل به این فریضه می باشد و اگر مصلحان بزرگی همچون امام حسین - علیه السلام - نمی بودند، ارزش‌های انسانی و الهی از بین رفته و اسلام قرن‌ها پیش توسط تبهکاران دفن شده بود، انقلاب اسلامی ایران، خود یکی از ثمرات و نتایج با ارزش این اصل در جنبه‌های سیاسی و حکومتی است که توسط مصلح بزرگ، امام خمینی (رحمت الله علیه) رهبری شده و به پیروزی رسید و هم اکنون به زعامت رهبر معظم انقلاب اسلامی به راه خود ادامه می دهد. امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی دارد که مهم ترین آن‌ها پایبندی امر به معروف و ناهی از منکر به گفته‌های خویش است. نکته مهم درباره این شرایط آن است که نباید بهانه‌ای برای ترک اصل فریضه گردد. باید شرط را کسب کرد و آن‌گاه به امر به معروف پرداخت. امر به معروف و نهی از منکر به قصد تأثیر صورت می گیرد، نه صرفاً اسقاط تکلیف. بنابراین باید در این زمینه مراتب و آداب آن را رعایت کرد و با توجه به منطق «گره کز دست بگشاید چرا آزار دندان را» از آسان به دشوار پیش رفت و شیوه «الایسر فالایسر» را به کار بست. مهم ترین آداب این فریضه عبارت‌اند از: پرهیز از تجسس، پرهیز از پرده‌داری، پرهیز از دشنام و رفق و صبوری در کار؛ چرا که هدف از اجرای این فریضه، نه دخالت در حریم خصوصی افراد است و رنجاندن دیگران، بلکه مقصود اصلاح است و تربیت. مهم ترین کارکرد امر به معروف و نهی از منکر، تأمین حقوق همگان، اصلاح عامه، بازداشتن بدکاران، ممانعت از تجاوز به محرومان، حفظ نظام اجتماعی سالم، برقراری عدالت و نگاه‌داشت نظام ارزشی و اخلاقی جامعه است. اگر این فریضه ترک شود، به تدریج صالحان مست قدرت می شوند و تباہ می گردند، یا شریکان بر مسند قدرت می نشینند و آن‌گاه دعای نیکان مستجاب نمی شود؛ چرا که خود کرده را تدبیر نیست. این آفت در همین حد باقی نمی ماند، بلکه به تدریج اساس جامعه مضمحل می گردد و راه تباہی در پیش می گیرد. امر به معروف و نهی از منکر باید به قصد حل مشکل و رفع مسئله باشد، نه مشکل آفرینی و مسئله‌سازی. اساسی ترین ابزار نظارت اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است که در همه عرصه‌ها کاربرد دارد. لیکن مردم غالباً به دلیل ترس یا طمع این فریضه را ترک می کنند. حال آن‌که روزی و مرگ هر کس در دست خدا است و اجرای این فریضه نه روزی کسی را می برد و نه رشته جانش را می گسلد. در انتها امید است با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری بتوانیم در راستای فرهنگ سازی امر به معروف و نهی از منکر و ادای این مسئولیت خطیر قدم برداریم.

منابع

۱. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره)، دفتر بیست و یکم، ص ۱۱۵، ۱۳۷۷
۲. شهروند مسئول، تبیین فرضیه امر به معروف و نهی از منکر در بیانات آیت الله العظمی مظاهری، ص ۲۵، ۱۳۸۸
۳. مقام معظم رهبری، دیدار قشرهای مختلف جامعه در مورخه ۷۱/۷/۲۹
۴. مقام معظم رهبری، پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر در تاریخ ۲۳/۸/۷۹
۵. مقام معظم رهبری، دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز مبارزه با استکبار)، ۱۳۷۰ /۸/ ۱۵
۶. مقام معظم رهبری، خطبه نماز جمعه، ۲۵/۹/۷۹
۷. مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۱۱/۱۶
۸. مقام معظم رهبری، پیام به جوانان در پیام نوروزی، ۱۳۸۲
۹. مقام معظم رهبری، ۷۹/۸/۲۳
۱۰. مقام معظم رهبری، خطبه نماز جمعه، ۲۵/۹/۷۹
۱۱. مقام معظم رهبری، پیام نوروزی به جوانان، ۱۳۷۹/۴/۱۹
۱۲. مقام معظم رهبری، پیام به اولین اجلاس سالیانه نماز در مشهد مقدس، ۷۰/۷/۱۵
۱۳. مقام معظم رهبری، دیدار مقام معظم رهبری با روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۵/۲/۲۶
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۰

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام

مرجان پدیدار^۱

کامران صفوی^۲

علی انصاری^۳

رعنا ستایش^۴

الهام خدادی^۵

مریم پدیدار^۶

محمد عبداللهی^۷

چکیده

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤلیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود؛ چنان که از مهم‌ترین فرایضی است که وجوب کفایی آن ضروری دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است. امر به معروف و نهی از منکر از فرایض بزرگ اسلامی است که اجرای آن آثار و برکات فراوانی را به دنبال دارد، امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین اسلام و اجرای آن باعث برپا شدن واجبات و از بین رفتن منکرات و برقراری امنیت و آسایش در جامعه می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر به منزله‌ی واکنش‌های جامعه و جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های روحی و روانی است. بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر برای تمام جوامع ضرورت تام دارد؛ از این رو کسانی که به اجرای این فریضه الهی اقدام می‌کنند، باید خود نیز دارای ویژگی‌های ارزنده‌ی باشند تا کلام و سخن آن‌ها در دیگران اثر بخشد، و با به کارگیری روش‌ها و شیوه‌های صحیح تربیتی که موافق روح و طبع افراد است، زمینه هدایت آن‌ها را فراهم نمایند. موضوع امر به معروف و نهی از منکر، بحث گسترده‌ای دارد و این نوشتار مختصر در صدد تبیین همه آن مباحث نیست.

واژگان کلیدی: امر به معروف و نهی از منکر، اسلام، وجوب

مقدمه

مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

معروف و منکر که دو مفهوم متقابل‌اند، در لغت به معنای شناخته شده و ناشناخته می‌باشند و در اصطلاح کارهایی که نیکی یا زشتی آن‌ها توسط عقل یا شرع، شناخته شده باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می‌شوند. به کارگیری لفظ

۱. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۳. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۴. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۵. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۶. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات زنجان

۷. دانشجوی رشته کتابداری، دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان

معروف و منکر در امور مربوط به باید‌ها و نباید‌های دین، بدین لحاظ است که فطرت پاک انسانی با کارهای معروف آشنا و مأنوس و با زشتی‌ها و امور ناپسند، بیگانه و نامأنوس است.

معروف مثل تقوا، احسان، توبه، تلاوت قرآن، شکر خدا، مشورت، دعا، تفکر، صبر، عفو، خوف از خدا، رجاء به خدا، فرو بردن خشم، نماز، روزه، درست نشستن و ...

منکر نظیر: کفر، نفاق، دوستی با کافران و کرنش در برابر آنان، کتمان حق، بخل، قطع رحم، بدگمانی، دروغ، غیبت، حسادت، ریاست طلبی و

امربه معروف، آغاز نور است و نهی از منکر، پایان ظلمت می‌باشد و این فریضه، اختصاص به عرصه اخلاقیات ندارد بلکه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ورود و ظهور پیدا می‌کند و از این جهت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

امربه معروف و نهی از منکر و مسأله‌ی حکومت

دستور به امربه معروف و نهی از منکر، در حقیقت، فرمان به تشکیل حکومت اسلامی است تا در سایه‌ی آن، جلوی منکرات گرفته شود و مردم به سوی خیر و صلاح رهنمون گردند؛ به طوری که اگر کسی با راه حق و حقیقت عناد کرد و راه منکر را ادامه داد، معصیت کار به حساب آید و امکان مؤاخذه‌ی دنیوی و اخروی برای خدا، حاکم و مردم وجود داشته باشد. اگر خوب بیندیشیم می‌توان گفت که اصولاً حکومت اسلامی چیزی جز امربه معروف و نهی از منکر نیست و امربه معروف و نهی از منکر، اختصاص به «فعل واجب» و «فعل حرام» ندارد؛ یعنی فقط واجبات و محرّمات شرعی را شامل نمی‌شود؛ بلکه شامل تشخیص مصلحت نیز که حاکم در احکام ثانویه دارد، می‌شود؛ و از کار ولی فقیه و مراجع عظام گرفته تا رئیس جمهور، رئیس قوه‌ی مقننه و قضائیه و شورای نگهبان و همه‌ی متصدیان امور حتی معلمی که دانش‌آموزان را در سایه‌ی تعلیمات خاصی رشد می‌دهد، نوعی امربه معروف و نهی از منکر است و هر کس در حیطه‌ی مسئولیت خود باید علم و قدرت کافی و حتی پذیرش و مقبولیت عمومی از سوی مخاطبان خود، داشته باشد تا بتواند به مسئولیت خطیر خود عمل کند و دلیل این امر نوع تعبیر آیات است که عنوان «امر» و «معروف» و «نهی» و «منکر» را آورده است و نگفته: خواهش به انجام «واجب» و ترک از «حرام». و معلوم است که خواهش لزوم اطاعت ندارد و واجب و حرام از مصطلحات شرعی است در حالی که معروف و منکر یک مطلب عقلی و عرفی است.

انواع امربه معروف و نهی از منکر

امربه معروف و نهی از منکر را از چند جهت می‌توان تقسیم کرد:

۱. یکی از جهت وجوب و استحباب آن دو که از این جهت، هر کدام بر دو قسم است: امربه معروف واجب و امربه معروف مستحب. امربه معروف واجب آن است که معروفی که ترک شده واجب باشد که در این صورت امر بدان نیز واجب می‌شود. و امربه معروف مستحب آن است که معروفی که ترک شده، مستحب بوده که امر به انجام آن نیز مستحب است. و نهی از منکر نیز بر دو قسم است: نهی از منکر واجب و نهی از منکر مستحب. منظور از نهی از منکر واجب، آن است که منکری که انجام یافته، فعل حرامی بوده که نهی از آن، واجب می‌شود. و منظور از نهی از منکر مستحب آن است که منکری که به وقوع پیوسته، مکروه بوده است که امر به ترک آن برای ناهی مستحب است و یا ترک نهی از منکر برای وی، مکروه است.
۲. و دیگری از جهت وجوب عقلی یا شرعی داشتن آن دو که از این جهت می‌توان گفت: وجوب امربه معروف

و نهی از منکر، هم یک وجوب عقلی است و هم یک وجوب شرعی با این تفاوت که در معروفات و منکرات عقلی، امر به معروف و نهی از منکر، وجوب عقلی خواهند یافت و در معروفات و منکرات شرعی، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب شرعی خواهند یافت و در مواردی که وجوب معروفات و منکران، هم عقلی و هم شرعی باشند، امر به معروف و نهی از منکر، عقلاً و شرعاً واجب خواهد شد.

امر به معروف در قرآن

در قرآن آیات زیادی وجود دارد که به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و زوایای گوناگونی از این واجب عقلی و شرعی را بیان فرموده است که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

« كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثُرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱ «شما مسلمانان بهترین امتی بودید که برای مردم پدیدار شدید؛ زیرا به کار نیک فرمان می‌دادید و از کار ناپسند باز می‌داشتید و به خدا ایمان آوردید. پس اگر اهل کتاب نیز دعوت خدا را پذیرفته بودند، قطعاً برایشان بهتر بود؛ ولی تنها گروهی از آنان ایمان آوردند و بیشترشان از فرمان خدا خارج شدند.»

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، اولاً دلیل خیر بودن امت معرفی شده و ثانیاً مخاطب آمر و ناهی، همه مردم هستند و کسی استثناء نیست و ثالثاً نفع این کار به خود مردم بر می‌گردد و رابعاً در ردیف ایمان به خدا ذکر شده که نشان از جایگاه والای آن دارد.

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲ یعنی: «مردان و زنان مؤمن همه سرپرست و مسئول یکدیگرند، همواره مردم را به کار نیکو امر می‌کنند و از کار زشت باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند. اینان همان‌هایی هستند که خداوند به زودی به آنان ترحم می‌نماید و خدا عزیز و حکیم است.»

در این آیه جالب توجه است که اولاً امر به معروف و نهی از منکر را فرع بر ولایت معرفی کرده است و این نشان می‌دهد که اگر چنین ولایتی در کار نبود، کسی حق نداشت چنین امر و نهی کند. و ثانیاً قبل از اقامه نماز و پرداخت زکات آمده و این امر نشانگر اهمیت آن است.

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳ یعنی: «همان‌ها که از فرستاده و پیامبر امی، پیروی می‌کنند پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده (قرآن) پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق دعوت انبیاء معرفی شده است. که نتیجه تبعیت از آن رستگاری است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»^۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌هایتان

۱. آل عمران، ۱۱۰.

۲. توبه، ۷۱.

۳. اعراف: ۱۵۷.

۴. تحریم، ۶.

را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید...

در این آیه نگه داشتن اهل و عیال از آتش جهنم بر شخص واجب شده است و این کار، بدون امر به معروف و نهی از منکر، امکان ندارد.

– «يَا بَنِي آدِيمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۱ ای پسرک من! نماز را به پا دار و به کار شایسته فرمان ده و از کار ناشایست نهی کن...

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، در ردیف نماز قرار داده شده است که نشان از اهمیت آن دارد.

– «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۲ توبه کنندگان، عبادت کنندگان، حمد کنندگان جابجا شوندگان برای عبادت، رکوع کنندگان، سجده کنندگان و آمران به معروف و ناهیان از منکر و حافظان حدود الهی (مومنان) و به مومنان بشارت ده.

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر، از لوازم ایمان شمرده شده و به آن بشارت داده است.

– «الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۳ آنان که اگر در زمین به ایشان قدرت دهیم، نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به آنچه شایسته است فرمان می‌دهند و از آنچه ناشایسته است، نهی می‌کنند و فرجام امور به دست خداست.

در این آیه نیز امر به معروف و نهی از منکر، در ردیف نماز و زکات ذکر شده است که نشان از اهمیت آن دارد و همچنین به لزوم تشکیل حکومت اشاره رفته تا بتوان این فرائض الهی، جامه عمل پوشاند.

– «أُولَئِكَ يَنْهَلُهُمُ الرَّيْبُ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمْ إِلَّا نِمًّا وَأَكْلِهِمْ أَلْسُحَتْ لَيْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۴ چرا علمای نصاری و یهود، ملت خود را از گفتارهای گناه و حرام خواری باز نمی‌دارند؟ راستی چه رفتار بدی است که می‌کنند.

این آیه علماء را مسئول اعمال عوام از مردم معرفی می‌کند و سکوت آنان را در برابر اعمال زشت، تقبیح می‌کند.

– «لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»^۵ از میان بنی اسرائیل، آنان که کافر شدند، بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند. این بدان سبب بود که آنان نافرمانی کردند و همواره از حدود الهی تجاوز می‌کردند و هرگز از کارهای ناپسندی که انجام می‌دادند، باز نمی‌ایستادند و به راستی، کارهایی که می‌کردند، بد بود.

در این آیه آنان به خاطر این که نهی از منکر را نمی‌پذیرفتند، مستحق لعن شده‌اند.

امر به معروف در سنت

فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در احادیث و روایات معصومین زیاد وارد شده است و همگی دلالت دارند بر این که امر به معروف و نهی از منکر، به مصلحت عموم مردم و از فرائض شرعی و مسلمات و ضروریات دینی و بلکه از افضل فرائض و اشرف و اعظم آنها است. در اینجا به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم:

۱. لقمان، ۱۷.

۲. توبه، ۱۱۲.

۳. حج، ۴۱.

۴. مائده: ۶۳.

۵. مائده، ۷۸ و ۷۹.

- پیامبر(ص) فرمود: همانا خداوند عز و جل مؤمن سست را که دین ندارد، دشمن می‌دارد. عرض کردند: ای رسول خدا! مؤمنی که دین ندارد، کیست؟ فرمود: کسی است که از کارهای ناشایست منع نمی‌کند.^۱

- از رسول الله(ص) نقل است که فرمود: «ان الله عز و جل لا يعذب العاصه بعمل الخاصه حتى يروا المنكر بين ظهرانيهم قادرين ان ينكروه فأذا فعلوا ذلك عذب الخاصه و العامه»^۲ خداوند عموم مردم را به خاطر عمل خواص عذاب نمی‌کند مگر هنگامی که مردم منکرات را بین خود آشکار ببینند و با وجود قدرت، امر به معروف و نهی از منکر نکنند که در این صورت همه‌ی خاص و عام را با هم عذاب می‌کند.

- علی(ع) فرمود: امر به معروف، برترین اعمال مردم است.^۳

- علی(ع) می‌فرماید: «و ما اعمال البر كلها و الجهاد في سبيل الله، عند الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر الأكتفاه في بحر لجي...»^۴ همه‌ی اعمال نیکو بانضمام جهاد در راه خدا، در نزد امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست جز قطره‌ای و جرعه‌ای در مقابل دریای پهناور. امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کند و نه از مقدار روزی می‌کاهد. از همه‌ی این‌ها برتر، گفتن سخن حق در پیش روی حاکمی ستم کار است»

- در خطبه‌ی معروف حضرت زهرا(س) آمده است: فجعل الايمان تطهراً لكم من الشرك... و الامر بالمعروف مصلحه للعامة

- امام باقر(ع) می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، واجبی عظیم است که دیگر واجب‌های الهی با آن بر پا می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است؛ واجب بزرگی است که به وسیله‌ی آن دیگر فریضه‌ها اقامه، راه‌ها امن، درآمدها حلال، مظالم باز گردانده، زمین آباد و حق از دشمنان گرفته و کارها مستقیم می‌شود.

- از امام صادق(ع) نقل است که فرمود: مردی از قبیله‌ی خثعم به پیش پیامبر آمد و گفت: «یا رسول الله اخبرني ما افضل الاسلام؟ قال: الايمان بالله. قال: ثم ما ذا؟ قال: صله الرحم. قال: ثم ما ذا؟ قال: الامر بالمعروف و النهي عن المنكر. قال: فقال الرجل: فأخبرني اى الاعمال أبغض الى الله؟ قال: الشرك بالله. قال: ثم ما ذا؟ قال: قطعیه الرحم. قال: ثم ما ذا؟ قال: الامر بالمنكر و النهي عن المعروف»^۵.

آمرین به معروف و ناهین از منکر در قرآن

کسانی که در قرآن امر به معروف و نهی از منکر کرده‌اند عبارت‌اند از:

۱. خدا: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۶
۲. پیامبر(ص): «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۷

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۹.

۲. تفسیر المنار، ج ۹، ص ۶۳۸.

۳. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۴۱.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۱، حدیث ۱۱ من باب ۱ من ابواب الامر و النهی.

۶. نحل، ۹۰.

۷. اعراف، ۱۶۷.

۳. حاکمان صالحی که قدرت را از خدا گرفته‌اند: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱

۴. گروه خاص: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲

۵. عامه‌ی مردم: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۳ یعنی این ولایت است که می‌تواند انسان را امر و یا نهی کند. و در جای دیگر می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۴

۶. آحاد مردم: یعنی اگر حاکمان، گروه خاص، عموم مردم و ... امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند، باید انسان به تنهایی در مقابل منکر بایستد و از همین جهت قرآن به ذکر نمونه می‌پردازد:

(۱) مؤمن آل فرعون: که پسر عمو یا پسر خاله فرعون و در دربار مسئول امور مالی بود. قرآن می‌فرماید:

«وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ...»^۵

(۲) مؤمن آل یاسین: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ... إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ»^۶

* قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ^۷ وی حبیب بن نجار در انطاکیه بود که قوم خود را امر به معروف کرد و سپس ایمان خود را علنی ساخت و مردم او را شهید کردند و قرآن ضمن تمجید از حرکت وی، می‌فرماید به او دستور داده شد که به بهشت در آید. آنگاه گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که خدای مرا بخشید و مرا از گرامیان قرار داد.

از اینجا معلوم می‌شود که کتک خوردن، بی‌آبرویی و حتی شهید شدن در راه امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه واجب است.

فلسفه وجوب امر به معروف و نهی از منکر

علت وجوب امر به معروف و نهی از منکر را باید در یکی از ویژگیهای دنیا دانست که با عالم آخرت تفاوت ماهوی دارد و آن این که دنیا، دار تأثیر و تأثر و سرنوشت مشترک است به طوری که گفته‌اند: خشک هم به جرم تر می‌سوزد و آب اگر از میان گلزار بگذرد، بوی گل می‌گیرد و اگر از میان لجنزار بگذرد، بوی لجن می‌گیرد و تو بگو دوست کیست تا من بگویم تو کیستی و ... در حالی که آخرت، دار تأثیر و تأثر نیست و سرنوشت هر کسی، مخصوص به خود اوست. بهترین مثال را در این زمینه پیامبر اکرم(ص) زده‌اند که همان مثال کشتی است که اگر کسی بخواهد آن را سوراخ کند، دیگران دست او را می‌گیرند و از این کار ممانعت بعمل می‌آورند؛ چرا که سرنوشت‌ها مشترک است و با این کار، همه غرق می‌شوند نه فقط شخص سوراخ‌کننده که اگر چنین می‌بود، کسی کاری به کارش نداشت.

۱. حج، ۴۱.

۲. آل عمران، ۱۰۴.

۳. توبه، ۷۱.

۴. آل عمران، ۱۱۰.

۵. مؤمن، ۲۸.

۶. یس، ۲۰، ۲۵ تا ۲۷.

یکی دیگر از فلسفه‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که ضمانت اجرائی احکام اسلامی باشد؛ همانطور که تشویق مطیعان و ثواب دادن به آن‌ها و تنبیه عاصیان و عقوبت آنان، یک نوع ضمانت اجرائی قوانین الهی است. وجوب امر به معروف و نهی از منکر، نیز تضمین کننده و احیا کننده‌ی شریعت است.

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

- شناخت معروف و منکر، حکماً و موضوعاً؛ که خود این شرط دو جور معنا شده است:
 - الف- منظور از شناخت معروف و منکر این است که امر به معروف و ناهی از منکر، باید معروف و منکر را بشناسد تا خدای نخواستہ در امر و نهی خود اشتباه نکند و امر به منکر یا نهی از معروف ننماید.
 - ب- منظور از شناخت معروف و منکر این است که فاعل منکر بداند که مرتکب منکر می‌شود و تارک واجب بداند که واجبی را ترک می‌کند و الا اگر خود طرف بی‌خبر باشد، حرجی برایش نیست. البته در چنین جایی، ارشاد، تبلیغ و تعلیم، شاید لازم باشد؛ اما این لزوم، از باب امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود.
- احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد.

البته منظور از احتمال تأثیر این است که حتی اگر شک کنیم که تأثیر می‌کند، باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم؛ چه رسد به این که ظن کنیم یا به قطع برسیم که تأثیر خواهد داشت. پس فقط در صورتی امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست که قطع کنیم که تأثیری در طرف نخواهد گذاشت.
- طرف، در فعل یا ترک خود، در آینده مصرّ باشد و لذا اگر واجبی را در گذشته ترک کرده ولی قصد ترک در آینده ندارد، لازم نیست که امر شود و اگر حرامی را در گذشته انجام داده ولی قصد فعل حرام در آینده را ندارد، لازم نیست که نهی شود.
- امر و نهی، مفسده ای برای آمر و ناهی به دنبال نداشته باشد مثلاً جان و مال و ناموسش به خطر نیفتد و الا امر و نهی واجب نیست مگر این که مسأله ای مهم باشد مثل امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در ایجاد حادثه کربلا.

در روایتی از امام رضا (ع) آمده است: و الامر بالمعروف و النهی عن المنکر واجب ان اذا امکن و لم یکن خیفه علی النفس^۱
- آمر و ناهی، عامل باشد؛ امر کننده به نیکی باید خود عامل به نیکی باشد و نهی کننده از بدی باید خود تارک منکر باشد؛ چرا که در این صورت است که تأثیر می‌گذارد و الا موجب بدبینی و ضعف عقیده و جرأت بیشتر بر گناه می‌شود.

در قرآن آمده است: «یا ایها الذین آمنوا لِم تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (* کِبْرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را به زبان می‌آورید که خود در مقام عمل به آن پایبند نیستید؟ این عمل که سخنی بگوئید و خلاف آن عمل کنید، بسیار سخت خدا را به خشم می‌آورد.

از مطالب بالا روشن می‌شود که جاهل عادل یا فقیه فاسق، حق امر به معروف و نهی از منکر ندارند و حق ولایت و سرپرستی و تصدی امور مسلمین را که ایجاب می‌کند دائماً مشغول امر و نهی باشند، را به طریق اولی ندارند. قرآن در این

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۲، حدیث ۸.

۲. صف، ۲ و ۳.

زمینه می فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۱ آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند (و عالم است) به اطاعت سزاوارتر است؟ یا کسی که خود هدایت نمی شود جز به هدایت دیگران؟ پس بر شما چه شده است؟ چگونه حکم می کنید؟

وجوب عینی یا کفائی امر به معروف و نهی از منکر

در این مسأله دو قول وجود دارد:

برخی گفته اند: امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است. اینان برای خود دلایلی آورده اند: از جمله: آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ بنا بر این که «من» را «بیانیه» بگیریم نه «بعضیه» تا وظیفه همگانی باشد؛ و همینطور آیات دیگر که نسبت به قیام به امر به معروف و نهی از منکر، دستور جمعی می دهد؛ در حالی که اکثر مفسرین آن را تبییضیه گرفته اند و لذا واجب کفائی است؛ زیرا چه یک نفر، انسان را امر به معروف و نهی از منکر کند و چه همه این کار را بکنند، غرض شارع حاصل می شود و لذا وجوب کفائی صحیح تر است.

دلیل دیگر برای وجوب کفائی امر به معروف و نهی از منکر، سیره ی مستمره مسلمین در جمیع اعصار و امصار است که همگی به فاعل منکر و تارک معروف هجوم نکرده اند.

دلیل دیگر بر واجب کفائی بودن امر به معروف و نهی از منکر، این است که آن از اقسام جهاد است و جهاد خود از واجبات کفائی است.

و دلیل آخر این که واجب عینی در جائی است که قابلیت تکرار داشته باشد؛ در حالی که در امر به معروف و نهی از منکر، قابلیت تکرار نیست.

نظارت فعال و همگانی عموم مردم از طریق نصیحت و خیر خواهی و امر به معروف و نهی از منکر مردم و حتی حاکمان انجام می گیرد. در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، و وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...» و «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر... و يطيعون الله و رسوله...»^۳ یعنی: «مردان و زنان با ایمان، ولی یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند... و خدا و پیامبرش را اطاعت می کنند...»

دعوت به خیر یکی از وظایف مهم مردم نسبت به یکدیگر است. قرآن در این زمینه می فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هی احسن...»^۴ یعنی: «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آن ها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن...»

امام خمینی (ره) می فرمودند: «انتقاد برای ساختن، برای اصلاح امور لازم است... انتقادات باید باشد؛ زیرا تا انتقاد نشود، اصلاح نمی شود... چون سرتاپای انسان عیب است و باید این عیب ها را انتقاد کرد تا جامعه اصلاح شود.»^۵ و در جای دیگر می فرماید: «همه ی ما مسئولیم؛ نه مسئول برای کار خودمان؛ بلکه مسئول کارهای دیگران هم هستیم.»

۱. یونس، ۳۵.

۲. آل عمران: ۱۰۴.

۳. سوره توبه، آیه ۷۱.

۴. نحل: ۱۲۵.

۵. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۶ و ۲۵۹.

مسئولیت من هم گردن شماست. مسئولیت شما هم گردن من است، اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید، اگر نگویید که چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنی، نهی کنی که چرا؟^۱

البته باید توجه داشت که انتقاد سالم با انتقام و بدگوئی و تضعیف نیامیزد. حضرت امام (ره) در این باره می‌فرماید: «انتقاد غیر انتقامجویی است. انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می‌تواند انتقاد صحیح بکند؛ اما اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقامجویی، این همان قلم شیطان است.»^۲

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، دارای مراتبی است که انکار قلبی، هم اولین مرحله و هم آخرین مرحله آن است؛ که در ذیل مختصراً توضیح داده می‌شود:

۱. مرحله قلبی که در قلب خود، از ترک واجب و فعل منکر، اعراض نماید؛ هر چند در جائی که بتواند امر و نهی کند؛ چرا که بدون انکار قلبی، نوبت به زبان و سایر اعضاء و جوارح انسان نمی‌رسد تا بخواهد چیزی بگوید یا کاری انجام دهد.
 ۲. مرحله فعلی بدون انجام کاری در مورد فاعل منکر یا تارک معروف مثلاً کاری کند که نشان دهنده‌ی انزجار قلبی وی از کار ناپسند باشد.
 ۳. مرحله زبانی که به صورت زبانی امر به معروف و نهی از منکر کند که خود دارای مراتب بشماره‌ی است؛ مثلاً در ابتداء معروف و منکر را بر وی بشناساند؛ چرا که چه بسا فاعل منکر یا تارک معروف، حکمش را نمی‌داند. سپس با سخن نرم و موعظه و ارشاد، وی را امر به معروف و نهی از منکر کند و اگر مؤثر نشد، در مرحله بعدی رسماً امر و نهی‌اش کند و در مرحله چهارم، با سخن درشت و تهدید او را امر و نهی کند.
 ۴. مرحله عملی که با اعمال قدرت، فرد را باید به عمل نیک واداشت و یا از کار زشت بازداشت که خود دارای مراحل بشماره‌ی است مثل این که در مرحله اول با قهر و تسلط، وی را از معصیت باز داشت مثل این که شراب را به زمین ریخت یا آلات قمار را از بین برد و یا مال غصبی را از غاصب گرفته و به صاحبش برگرداند. و در مرحله دوم، فرد عاصی را با کتک کاری تنبیه کرد و در مرحله سوم فرد عاصی را مجروح یا مقتول ساخت که انجام همه‌ی این مراحل، نیاز به اذن و اجازه‌ی از حاکم شرع دارد و الا موجب هرج و مرج می‌شود.
 ۵. مرحله انکار قلبی آن هم در جائی که قدرت امر به معروف و نهی از منکر زبانی و عملی را ندارد.
- از این مراتب پنجگانه، مرتبه اول و آخر، همگانی است یعنی از عهده‌ی همه بر می‌آید ولی مرتبه دوم و سوم با جمیع مراتب خودشان، نیاز به شرایطی دارد که آمر و ناهی باید ابتدا آن را یاد بگیرد و آنگاه به کار ببرد و مرتبه چهارم فقط در صلاحیت حاکم شرع است که یا خود انجام دهد و یا اذن انجام آن را به کسی صادر فرماید.

روش امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب مختلف و شیوه‌های گوناگونی است که با توجه به تناسب هر یک از آنها با موقعیت‌های روحی، فکری، عملی، اخلاقی، اجتماعی، زمانی و مکانی فرد خاطی مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا همه افراد با یک روش هدایت نمی‌شوند و تمام امر و نهی کنندگان نیز با یک روش موفق نخواهند بود.

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۷.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۷.

اما به طور کلی می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

- ابتدا سلام کنیم تا پیوند سالمی بین ما و مخاطبمان شکل بگیرد و وی بداند که ما آرزوی سلامتی و امنیت برای وی داریم و قصد دیگری نداریم.
- ترغیب و تحسین طرف و نه تحقیر و توهین طرف
- در مسیر امر به معروف و نهی از منکر، مرتکب گناه نشویم یعنی شیوهی امر به معروف و نهی از منکر نیز «معروف» باشد.
- در امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت طرف را مراعات کنیم.
- خود را منزّه از گناه و برتر از گناهکار ندانیم؛ چرا که چه بسا او در سایر زمینه‌ها، برتر از من باشد که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ...»^۱ و یا در آینده بهتر از من شود.
- تعمیم ندادن عیب اشخاص به نوع و صنف؛ چرا که ممکن است طرف نسبت به نوع و صنف خود تعصب داشته باشد.
- از گناه بدمان بیاید و متنفر باشیم نه از گناهکار.
- باید ابتدا خوبی‌های طرف را ببینیم و بگوئیم و آنگاه انتقاد کرده و امر و نهی‌اش کنیم.
- در زمان و مکانی امر و نهی نکنیم که دیگران با مخاطب ما شماتت کنند و بعداً به وی زخم زبان بزنند.
- در گناهی که مخفیانه انجام شده، ولی ما از آن اطلاع یافته‌ایم علنی تذکر ندهیم تا همگان از آن مطلع شوند که در این صورت، اصلاح وی سخت‌تر خواهد شد.
- در امر و نهی خود به افرادی که از رحمت خدا ناامید شده‌اند، باید امید دهیم و افراد متجری را که امید افراطی و نا بجا به رحمت خدا دارند، از خدا بترسانیم.
- امر و نهی را اول از خود و خانواده‌ی خود شروع کنیم و به آنچه خود می‌گوئیم، عمل نمائیم تا مضمول خطابات تند خدا نباشیم. امیر المومنین علی(ع) می‌فرمود: «والله من شما را به چیزی امر نکردم مگر این که پیش از امر شما، آن کار را انجام دادم و والله من شما را از چیزی نهی نکردم مگر این که خود قبل از نهی شما، آن را ترک کردم.»^۲ و پیامبر نیز به امر خدا ابتدا عشیره‌ی خود را به اسلام دعوت کرد. و رمز تأثیر فوق العاده‌ی نصایح امیر المومنین و پیشرفت برق آسای نهضت پیامبر در همین نکته نهفته است.
- سعی کنیم در امر و نهی خود بر وجدان مخاطبمان تکیه کرده و از آن استمداد کنیم.
- در امر و نهی گاهی مناسب است به فلسفه‌ی احکام اشاره ای شود مثلاً گفته شود جهاد، مایه‌ی عزت مؤمنین است و یا درخواست از مردم، موجب ذلت و خواری می‌شود؛ چرا که مردم همواره منفعت طلب بوده و از ضرر گریزانند.
- در امر و نهی خود تلاش کنیم انجام واجب و ترک گناه را برای مخاطبمان ساده و آسان جلوه دهیم تا آن را سخت ندانسته و از آن اکراهی نداشته باشد.

۱. حجرات، ۱۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

- در امر و نهی خود به عاقبت نیکوکاران و بدکاران در دنیا و آخرت که سابقاً آن را انجام می‌دادند و یا ترک می‌کردند، اشاره ای داشته باشیم.
- گاهی امر و نهی انفرادی به درد نمی‌خورد و لازم می‌شود که همه با هم و به صورت دسته جمعی اقدام به امر و نهی کنیم.
- امر به معروف و نهی از منکر باید در این راه صبور بوده و در برابر مشکلات آن، شکیبیا باشند که قرآن می‌فرماید: «يَا بَنِي آدِمِ الصَّلَاةَ وَأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَإِنِّ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^۱

نمونه‌های عینی و عملی از امر به معروف و نهی از منکر بزرگان دین

- مردی نزد پیامبر (ص) سخن می‌گفت و بیش از حد صحبت کرد. حضرت به او فرمود: دهان تو چند درب دارد؟ عرض کرد: دو درب دارد: یکی لب‌ها و دیگری دندان‌هایم. رسول خدا (ص) فرمود: آیا این دو درب نمی‌تواند جلوی پر حرفی تو را بگیرد؟^۲
- امام حسن و امام حسین (ع) که در زمان کودکی بسر می‌بردند به پیرمردی گذر کردند که وضوی صحیحی نمی‌گرفت؛ برای هدایت پیرمرد بر وضوی خود نزاع کردند و قضاوت را بر عهده‌ی او گذاردند و هر دو پیش او وضو گرفتند. پیرمرد گفت: هر دوی شما وضوی خوبی گرفتید و این پیرمرد جاهل است که وضوی خوبی نگرفت.
- حضرت سید الشهداء علیه السلام در کربلا به دشمنان خود که ارتباط او و خیمه‌هایش را قطع کردند فرمود: وای بر شما ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، در دنیای خود آزاد مرد باشید و به مردانگی و نسب خود بازگردید اگر از قوم عرب هستید. شمر با صدای بلند گفت: چه می‌گویی ای پسر فاطمه؟ امام علیه السلام فرمود: می‌گویم: این من هستم که با شما می‌جنگم و شما هم با من می‌جنگید، زنان که گناهی ندارند، پس تا زمانی که من زنده‌ام متکبران و متجاوزان لشکر خود را از تعرض به خیمه‌های من باز دارید.^۳
- یکی از ارادتمندان امام خمینی (ره) می‌گوید: یک بار در جماران به محضر ایشان رسیدم، یکی از مسئولین مملکتی برای انجام کارهای جاری به خدمت امام رسید و پدرسالخورده اش نیز همراه او بود وقتی خواست به حضور امام برسد، جلوتر از پدر حرکت کرد و پس از تشریف به خدمت امام، پدرش را معرفی کرد. امام هم نگاهی به آن مسئول کرد و فرمود: این آقا پدر شما هستند؟ عرض کرد: آری. امام خمینی (ره) فرمود: پس چرا جلوی او راه افتادی و وارد شدی؟^۴

نتیجه امر به معروف و نهی از منکر

نتیجه این که امر به معروف و نهی از منکر همچون خون در پیکره دین جریان دارد و ضامن حیات اسلام است. خیزش و قیام مصلحان در جامعه اسلامی نیز، بازتابی از عمل به این فریضه می‌باشد و اگر مصلحان بزرگی همچون امام حسین - علیه

۱. لقمان: ۱۷.

۲. محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۰۵.

۳. مقتل لهوف.

۴. مجله پیام انقلاب، ص ۶۹.

السلام - نمی بودند، ارزش های انسانی و الهی از بین رفته و اسلام قرن ها پیش توسط تبهکاران دفن شده بود، انقلاب اسلامی ایران، خود یکی از ثمرات و نتایج با ارزش این اصل در جنبه های سیاسی و حکومتی است که توسط مصلح بزرگ، امام خمینی (رحمت الله علیه) رهبری شده و به پیروزی رسید و هم اکنون به زعامت رهبر معظم انقلاب اسلامی به راه خود ادامه می دهد.

منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. الأمن العام أو النظاره العامه للعموم على العموم، آیت الله مسلم ملکوتی.
۴. معراج السعاده، ملأ احمد نراقی
۵. امر به معروف و نهی از منکر، استاد قرائتی
۶. ترحیر الوسیله، حضرت امام خمینی (ره)
۷. سراج الشیعه فی آداب الشریعه، شیخ عبدالله مامقانی
۸. تفسیر مجمع البیان، طبرسی
۹. تفسیر المنار
۱۰. کافی، کلینی
۱۱. وسائل الشیعه، حرّ عاملی
۱۲. تحف العقول
۱۳. غرر الحکم، آمدی
۱۴. محجه البیضاء، محسن فیض کاشانی
۱۵. مجموعه ورام، مسعود بن عیسی
۱۶. بحار الانوار، علامه مجلسی.
۱۷. میزان الحکمه، ری شهری
۱۸. صحیفه نور، امام خمینی (ره)

نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم

رعنا ستایش^۱
الهام خدادادی^۲
میلاذ صفاری انارکی^۳
علی انصاری^۴
کامران صفوی^۵
مرجان پدیدار^۶
محمد عبدالهی^۴

چکیده

علمای حقوق جزا و جرم‌شناسی علل و عوامل مختلفی را در تحقق جرم و به طور کلی پدیده مجرمانه مؤثر می‌دانند لیکن به نظر این دانشمندان تأثیر هر یک از علل و عوامل بر حسب شرایط، اوضاع و احوال متفاوت خواهد بود به نحوی که فرد بر اساس میزان تأثیر هر کدام از این شرایط بر دیگری بازیگری نقش مجرمانه را در جامعه به عهده می‌گیرد. این عوامل گاهی در خود فرد وجود دارد و گاهی جامعه او را در ایفای این نقش یاری می‌نماید. دانشمندان این رشته از علم حقوق با طرح دیدگاه‌های متنوعی تلاش نموده‌اند تا ضمن شناسایی کلیه عوامل جرم‌زا روش‌های مختلفی را برای پیشگیری از وقوع جرم بر اساس مبانی دیدگاه خود ارائه نمایند که وجود دیدگاه‌های متعدد حاکی از جامع نبودن هر یک از شیوه‌ها به تنهایی در پیشگیری از جرم می‌باشد.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، جرم، پیشگیری از جرم

مقدمه

مسئله بزهکاری و انحراف اطفال و نوجوانان از دیر باز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های حاصل از عدم امکان تأمین خواست‌ها و احتیاجات زندگی موجب توسعه شدید و دامنه دار فساد، عصبان، تبه‌کاری، سرگردانی، دزدی و... در اطفال و نوجوانان شده است. (زارعی خیرآباد، عباس)

در جرم‌شناسی، یعنی علمی که به علت‌های وقوع بزه و درمان اعمال مجرمانه می‌پردازد، جرم علی‌الاصول به کلیه اعمال ضداجتماعی یا تنش‌هایی که جامعه را دستخوش آسیب می‌کند، خواه موجب آن‌ها علت‌های روانی باشد یا اجتماعی، اطلاق می‌گردد (نوربها، رضا ۱۳۸۶)

امر و نهی به منزله ابزاری پیشگیرانه در دنیای علوم جنایی و به ویژه جرم‌شناسی قلمداد می‌شود که به موجب آن، همان گونه که می‌تواند افراد جامعه را از ارتکاب هرگونه گناه بازدارد، می‌تواند در قبال دستیابی تابعان اجتماعی به

۱. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۳. از معاونت آموزش پایگاه هوایی شهید بابایی

۴. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۵. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۶. دانشجوی رشته کتابداری، دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان

وقوع جرم نیز نقشی پیشگیرانه ایفا کند. با این توضیح که، چون در نظام جمهوری اسلامی دیانت ما عین سیاست ماست و بالعکس، لذا هر آنچه ناقض ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین اسلامی باشد، واجد وصف کیفری است. لذا تاحدودی مفهوم گناه و جرم به هم نزدیک شده و از این منظر، هرگونه اقدام و تدبیری در راستای مبادرت نوزیدن افراد جامعه به نقض ارزش‌ها نمود می‌یابد. از جمله ابزارهای این گونه جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی است که از رهگذر آموزش و پرورش و در واقع با فرهنگ سازی درصدد مقابله با پدیده‌ی مجرمانه بر می‌آید.

از آنجا که مقوله‌ی امر به معروف و نهی از منکر نیز سعی دارد از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی در روند جامعه، بازیگران سناریوی اجتماعی را به سویی سوق دهد که اعتلای جامعه را به دنبال داشته باشد، یکی از ابزارهای و زین پیشگیری اجتماعی در گستره‌ی جرم‌شناسی پیشگیرانه به شمار می‌آید که موضوع نخستین این نوشتار است.

پیشگیری به منزله‌ی یکی از سیاست‌ها و تدابیر بنیادین در حوزه کنترل اجتماعی به شمار می‌آید که به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع بزه، انحراف و کجروی می‌پردازد اگر چه در بادی امر، پیشگیری از جرم گستره‌ای را در بر می‌گرفت که مرکز ثقل آن استوار بود، اما نقش رسانه‌ای بسیج در مقابله با دستکاری در افکار عمومی سعی می‌گردد تدابیر پیشگیرانه اتخاذی در قلمرو جنبایی کنشی و واکنشی را در برگیرد.

در این میان، با عنایت به تبیین جایگاه جرم‌شناسی پیشگیرانه و بیان تنوع گونه‌های آن و به لحاظ اهداف موردنظر پیشگیری اجتماعی در گستره جرم‌شناسی پیشگیرانه، می‌توان اذعان کرد که مقوله امر به معروف و نهی از منکر در این وادی قرار گرفته و به منزله ابزاری در امر پیشگیری اجتماعی، نقشی قابل ملاحظه در دنیای جرم‌شناسی پیشگیرانه دارد. امر به معروف و نهی از منکر به مثابه نهادی اجتماعی، در صورت نظام‌مندی و ضابطه‌مداری می‌تواند ابزار و تدبیری مدبرانه در قبال نقض هرگونه هنجار اسلامی، اجتماعی و کیفری باشد که سرانجام آن نه تنها عدم وقوع جرم و گناه را در فرایند اجتماعی به همراه آورد که در سالم سازی جامعه نیز نقش مضاعف ایفا کند.

امر به معروف عبارت از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و داشتن صفاتی است که به حکم عقل و از طرف شارع به نیکی توصیف شده‌اند.

منکر از نظر لغوی به معنای ناشناخته و پدیده‌ای زشت است و در اصطلاح، به کلیه اعمال زشت و باطل و صفات ناپسندی اطلاق می‌شود که شرع و عقل آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند و قبیح می‌شمارند. پس، نهی از منکر یعنی بر حذر داشتن دیگران از انجام افعال یا داشتن اوصافی است که از طرف شارع و به حکم عقل از آن‌ها بر قیاحت وزشتی یاد شده است.

مؤمن در قبال ترک معروف و ارتکاب منکر، نخست آموزش می‌دهد و به تحلیل علل معروفیت و منکریت آن می‌پردازد. در مرحله دوم، توصیه می‌کند و در مقام پند و اندرز یا نصیحت بر می‌آید. اگر مؤثر واقع نشد، خیرخواهی می‌کند و اگر مشکلی در راستای انجام معروف و ترک منکر دارد، مشکل وی رافع می‌کند. پس از این مرحله است که مجال اقدام عملی، قهری یا امری فرا می‌رسد. به همین دلیل، امر و نهی را در این چارچوب امر و نهی ارشادی نامیده‌اند.

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از فرایض دینی و نهادهای حقوقی اسلامی است که به صورت همراه و همزاد یکدیگر استعمال و تأکید شده‌اند. اما در واقع، این نهاد خودمتشکل از دو فریضه است که با وجود اقتران عملی آن در اغلب موارد، می‌توان آن‌ها را دو نهاد هم عرض ولی واجد هدفی مشترک تلقی کرد.

۱. فلسفه وجودی و غایت تکوین امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، قانونی طبیعی و برخاسته از سرشت انسانی و سرنوشت اوست که وجود عقل بشری را در کنار فطرت وی به اثبات می‌رساند. گرایش به این سازه‌بازگشت به فطرت و عقل و طبع اولی انسان‌ها و برخورداری از نظام اصلح و قانون جهان آفرینش و شرع اقدس می‌باشد که به مثابه ارمغانی الهی به انسان هدیه شده تا در پرتو آن بتواند مسیر تعالی خویش را هموار سازد و از ورود به وادی‌های انحرافی از جمله بزهکاری امتناع ورزد.

امر به معروف و نهی از منکر در این نهفته است که هیچ یک از افراد جامعه از دیگران جدا نیست و راه زندگی و سرنوشت آنان در مسائل اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده است در این راستا، با مبنا قرار دادن حکم عقل برای جلوگیری از رفتارهای فردی مغایر با اهداف اجتماعی و موجب انحطاط جامعه، این گونه نتیجه‌گیری شده که انحراف یک فرد علاوه بر اینکه به خود وی زیان وارد می‌آورد، جامعه نیز از رفتار او زیان می‌بیند.

روشن است که نقش رسانه ای بسیج در مقابله با دستکاری در افکار عمومی جامعه را از آلوده شدن به فساد دور نگه دارند و شرع نیز همین اصل عقلی را از مهم‌ترین واجبات به شمار آورده است.

پس عقل حکم می‌کند که عموم افراد مراقب یکدیگر باشند و در حد توان، می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را یک قانون طبیعی برخاسته از سرشت انسانی و سرنوشت او دانست و عقل بشری و فطرت انسانی را با آن همگام و همسو نمود. در واقع روی آوردن به امر به معروف و نهی از منکر، بازگشت به فطرت و عقل و طبع اولی انسان‌ها و برخورداری از نظام اصلح و قانون جهان آفرینش و شرع اقدس می‌باشد. به عبارت دیگر، نظارت بر دولت و مردم باید از نظر نوع و طریقه اعمال و همچنین اوضاع و احوال به گونه ای باشد که در تحقق غایت مذکور باشد از سویی دیگر، اجرا و اعمال این واقعیت در فرایند اجتماعی بایست بر پایه اوصاف بنیادین و شرایط مقتضی باشد تا بتواند این غایت را در فرجام کار به دنبال داشته باشد. بدیهی است در این هنگامه، پدیده‌ای اجتماعی نظیر جرم در مواجهه با پدیده‌ای دیگر همچون امر به معروف و نهی از منکر، ضمن تضاد وجودی می‌تواند به نیستی گراید یا حداقل روندی کاهنده در پی داشته باشد. (اکبری، محمدرضا، ۱۳۷۶)

هدف از رعایت این دسته اقدامات پیشگیرانه، تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت فرد یا محیط‌های پیرامون اوست که این فرایند را شکل می‌بخشد، چنان که دربرگیرنده اقدامات مؤثر بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد است که در فرایند جامعه پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند. به دیگر سخن، عنایت آن‌ها، تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر و نیز محیط‌های پیرامون آن‌ها به جامعه‌پذیری‌شان یاری می‌رسانند. شاید به همین واسطه است که پیشگیری اجتماعی را بهترین توصیف از پیشگیری نخستین به شمار می‌آورند. در نتیجه، پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم در مقام جلوگیری از مجرم شدن افراد و ورود آن‌ها به منجلاب بزهکاری است. از این رو، از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل ممانعت به عمل آورده و در این راستا، در صدد آن است تا از رهگذر تضمین و تأمین حقوق اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی تابعان حقوق کیفری در فرایند اجتماعی علل و عوامل جرم‌زا و مؤثر بر اراده مرتکب را ریشه کن و حداقل کاهش دهد.

۲. ایجاد روحیه تعاون و حس مسئولیت در میان بازیگران اجتماعی

در قرارداد اجتماعی، سرنوشت اشخاص جامعه به هم گره خورده است و ایراد صدمه و خسارت از سوی یک نفر، ناگزیر منجر به ایراد خسارات و صدماتی بر دیگری است. از این رو، اشخاص در گستره‌ی فرایند اجتماعی، همواره با تضاد منافع و خواسته‌های یکدیگر مواجه‌اند و این مقوله منجر می‌شود که در جهت رفع این معضل به همان صورتی

که نفع دیگری به مفهوم ضرر دیگری است، دیگری نیز محق گردد که خود را از تحمل ضرر برهاند و طریق‌هایی از این امر، بازداشتن آن شخص از کسب منفعت و اجرای خواسته‌اش است.

این مسئله در دنیای علوم جنایی نیز صادق است. فردی که در فرایند اجتماعی سعی دارد در جهت ارضای خواسته مشروع یا نامشروع خویش به افعال یا ترک افعالی اهتمام ورزد که برآیند آن به صورت نقض هنجارهای اخلاقی و اجتماعی واجد ضمانت اجرای کیفری تبلور می‌یابد، دیگری مستحق آن است که پیش از ارتکاب وی به این پدیده که در عالم حقوق کیفری به فعل جنایی یا عمل مجرمانه مرسوم می‌باشد، او را از این امر نهی کند و با این کار، نه تنها از نقض هنجارهای اخلاقی و اجتماعی مورد حمایت کیفری ممانعت به عمل می‌آورد، که موجب سالم سازی فرایند اجتماعی نیز می‌شود.

با این همه، در پرتو قرارداد اجتماعی مزبور، فرد که بازیگر فعال سناریوی اجتماعی است و در این ارتباط صرفاً در جامعه و حیات گروهی است که تداوم خواسته و ارضای نیازهایش محقق می‌شود، خود نمی‌تواند به تنهایی در قبال تخلف دیگری که وی نیز بازیگری دیگر در این سناریو است، پاسخ دهد. دولت به مثابه‌ی نماینده‌ی جامعه به قدرت می‌رسد و در زمان تخلف از هرگونه شرط مقرر در این قرارداد به مانند ضمانت اجرایی وزین، واکنش نشان می‌دهد و از این رو، شخص خاطی را به جزای عمل خویش می‌رساند. امر به معروف و نهی از منکر در زمره یکی از تکالیفی است که دولت به واسطهٔ قرارداد اجتماعی، موظف به اتخاذ سیاست و تدبیراندیشی در این راستا برای تحقق اهداف والای جامعه خود است که با امر به معروفات و نهی از منکرات بر روی مساعدت تابعان خویش حساب باز کرده و دست آن‌ها را به گرمی می‌فشارد.

۳. آموزش تابعان حقوق کیفری از رهگذر شناساندن گناه و جرم و توصیه بر عدم ارتکاب آن

انجام امر به معروف و نهی از منکر به افراد جامعه می‌آموزد که مطلوبیت‌های جامعه که عنوان معروف به خودمی‌گیرند و نامطلوب‌های آن که با منکرات از آن‌ها یاد می‌شوند کدامند. تعیین و شناسایی این گزینه‌های مطلوب و نامطلوب که به زعم ما تعبیری اجتماعی از هنجارهای اخلاقی و کیفری است، بازیگران اجتماع را آگاه می‌کند که در راستای دستیابی به خواسته‌های خود، خطوط قرمز را رعایت کنند. از سوی دیگر، آموزه‌های اجتماعی در وضعیت موجود ما که مبتنی بر رویکردهای دینی، اخلاقی، حقوقی و سیاسی و امثال آن است، گذشته از آموزش بازیگران و سوژه‌های اجتماعی، به آن‌ها می‌آموزد که در پیرامون خود نیز مؤثر بوده و علاوه بر عدم دستبرد در اوامری که نقض هنجارهای اخلاقی - دینی و کیفری هستند، به افرادی که در اطراف وی زندگی می‌کنند این مقولات را بیاموزند و به این مهم؛ یعنی امر به خیر و خوبی و نهی از شر و بدی اهتمام ورزند. بدیهی است که چنین امری زمانی مفید و کارآمد خواهد بود که مبتنی بر ضوابط و شرایطی باشد تا از رهگذر آن نه تنها از سوی عده‌ای مورد سوءاستفاده قرار نگیرد، که منجر به سلب اعتماد شهروندان نسبت به این مقوله و در نتیجه تجری آن‌ها نگردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مفهوم و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و نقش آن‌ها در کلیه مراحل زندگی انسان‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که چون نگرش الهی بر اساس هدایت آدمیان به سوی سعادت است بنابراین کلیه دستورات این کتاب مقدس برای راهنمایی بشر با هدف جلوگیری از سقوط به حیطة گمراهی و ضلالت می‌باشد به همین دلیل تبعیت از آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت محیط‌های اطراف انسان‌ها دارد.

امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن کریم، از طرفی در کاهش موقعیت‌هایی که انسان را در معرض ارتکاب جرم قرار می‌دهد اثرگذار است و به همین جهت در قرآن کریم آیات متعددی در نهی اعمالی از قبیل نگاه به نامحرم، حضور در مجالس گناه، ارضای شهوت به طریق حرام، سخن گفتن هوس‌انگیز، ورود به منازل غیر بدون اجازه و... آمده و از طرف دیگر با سالم‌سازی محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند او را از ورود به حیطه جرم بازمی‌دارد و در واقع به عنوان عواملی اساسی در پیشگیری اولیه از تکوین موقعیت‌های مجرمانه اثر گذاری خود را نشان می‌دهد که در این خصوص نیز آیات زیادی در این کتاب مقدس به چشم می‌خورد و شاید بتوان گفت اکثر آیات قرآن در این مقوله می‌گنجد، مودت و رحمت بین زن و شوهر، حسن معاشرت در محیط خانواده، آداب ارائه‌شده در خصوص گفت‌وگو، معاشرت‌های اجتماعی و الگوپذیری تاریخی در محیط فرهنگی، رعایت عدالت در محیط سیاسی و... از این جمله می‌باشند. البته پرداختن به این دو حکم الهی با شرایط و شیوه‌های مربوط صورت می‌گیرد. فرد یا افرادی که با ساماندهی حاکمیت اسلامی مبادرت به این امور می‌کنند باید افرادی شایسته بوده و خودشان عامل به این احکام باشند تا عملکرد آن‌ها تأثیر گذار باشد در مواردی نیز که جامعه توفیق بهره‌برداری از حکومت اسلامی را ندارد رعایت شرایط و شیوه‌ها ضروری می‌نماید. نهایت امر اینکه عمل به آنچه در این خصوص در آیات قرآن کریم آمده است فرد و جامعه را به سوی رستگاری سوق خواهد داد و در واقع تبعیت انسان‌ها از اصول و فروع دین مبین اسلام آن‌ها را در سه حوزه اعتقادات، احکام و اخلاقیات از هرگونه کج‌مداری مصون می‌دارد و این همان نتایج مورد انتظار از آثار امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و به همین دلایل از مبانی مهم پیشگیری از هرگونه کج‌مداری و جرم محسوب می‌گردند.

منابع

۱. (زارعی خیرآباد، عباس)، جرم و راه‌های پیشگیری از آن، منبع: اینترنتی، اداره کل زندان‌های آذربایجان غربی
۲. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶
۳. نقش رسانه ای بسیج در مقابله با دستکاری در افکار عمومی، صفحه (۸۳-۷۳)
۴. تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر (محمد رضا اکبری)

شیوه‌های عملی امر به معروف و نهی از منکر

الهام خدادادی^۱

رعنا ستایش^۲

کامران صفوی^۳

علی انصاری^۴

مرجان پدیدار^۵

محمد عبدالهی^۶

محمد نوروزی^۷

چکیده

هدف عمده و اساسی در امر به معروف و نهی از منکر محقق شدن معروف و زدوده شدن منکر است. برای نیل به این هدف به نظر می‌رسد که باید به دنبال بهترین و مؤثرترین راهکارها و شیوه‌های عملی بوده باشیم. اولین و مؤثرترین شیوه در امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ عملی است. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در ترویج و گسترش مکتب، توجه به این شیوه بوده است. پیامبر اکرم (ص) در اغلب کارها از قبیل کندن خندق، ساختن مسجد و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و ... قبل از اینکه دیگران را تشویق به این کار کند خود پیشقدم می‌شد، همچنانکه امامان معصوم (ع) به این طریق عمل می‌کردند.

یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر مرحله زبانی است که درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند، مرحله زبان است. چه بسا آن بیماری که دچار منکری است، به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم دارد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاسد را برایش تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد و ما در این مقاله به این بحث مهم می‌پردازیم.

مقدمه

با توجه به فلسفه خلقت انسان که طبق بیان قرآن کریم عبودیت و بندگی است و از طرفی وجه تمایز انسان با سایر موجودات به ناطق و عاقل بودن انسان و حرکت او به سوی کمال می‌باشد، اهمیت و جایگاه این دو فریضه الهی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر بیشتر تبیین و روشن می‌گردد. از آنجایی که انسان غافل است و به دلیل عارض شدن نسیان بسیاری از مواردی که مفید برای اوست فراموش می‌کند بنابراین امر به معروف و نهی از منکر جزء ضروریاتی است که در جهت نیل به کمال برای هر انسانی ضرورت پیدا می‌کند. به این جهت است که حضرت امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «ان

۱. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۳. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۴. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۵. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۶. دانشجوی رشته کتابداری، دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان

۷. دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه عظیم بها تقام الفرائض...» یعنی امر به معروف و نهی از منکر واجب عظیم و بزرگی است که پابرجایی سایر واجبات به آن بستگی دارد. از تعبیر «بها تقام الفرائض» چنین استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر از لوازم حکومت اسلامی به شمار می‌رود. امر و نهی دینی گل سرسبد احکام خدا هستند که دین‌داری مردم به وجود آن‌ها شکل می‌گیرد. خداوند این دو اصل تابنده را در حدود ده آیه از آیات قرآن مورد توجه جدی قرار داده و انجام آن‌ها را از ویژگی‌های اهل ایمان به شمار آورده است. همان گونه که می‌فرماید:

«و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (سوره توبه آیه ۷۱)

مردان و زنان با ایمان یاور یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

سرور جانشینان رسول خدا امیرالمؤمنین که به حق امیر این دو حرکت نورانی است می‌فرماید:

تمام اعمال خیر و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره ای در برابر دریای پهناورند (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴)

امر به معروف و نهی از منکر دو اثر قطعی و دو اثر احتمالی دارد: آثار قطعی آن‌ها پاداش آخرتی و رشدی است که امر به معروف در پرتوی عمل خود به آن دست می‌یابد و دو اثر احتمالی آن هدایت بندگان خدا و رشد و سلامت فرهنگی جامعه است. امر به معروف پیام خداوند است که مؤمن برگزیده‌های آن را به مؤمن خطا کار اعلام می‌کند و نهی از منکر پایان دادن به شعله‌های سیاه گناه می‌باشد که بندگان شایسته خداوند مسئولیت پرافتخار آنرا برعهده می‌گیرند و از همین روست که باید گفت: نهی از منکر بارش قطرات زلال باران بر سرزمین جان گنه کاران است که شعله‌های معصیت را خاموش می‌سازد و به گسترش تیرگی‌های قلبش پایان می‌بخشد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر و نهی دینی دارای سه مرتبه اظهار تنفر قلبی، امر نهی زبانی و اعمال قدرت است و بحث ما در این کتاب پیرامون مرتبه دوم یعنی امر نهی زبانی می‌باشد.

– مرحله انزجار قلبی: علمای اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. اولین درجه و مرتبه نهی از منکر، هجر و اعراض یا انکار قلبی است و این در مواردی است که ما با شخصی که با او صمیمیت داریم قطع رابطه کنیم و نسبت به او سردی نشان دهیم و این برخورد، برای او تنبه تلقی شود، یعنی تحت یک زجر و شکنجه روحی قرار گیرد و این عمل ما در جلوگیری از کار بد او تأثیر داشته باشد؛ در غیر این صورت چه بسا فردی که از قطع رابطه ما استقبال کرده و او هم قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهای زشت برود در چنین مواردی این کار درست نیست.

– مرحله زبانی: درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند، مرحله زبانی است. چه بسا آن بیماری که دچار منکری است، به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم دارد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاسد را برایش تشریح کند تا آگاه شود و باز گردد.

– مرحله عمل: مرحله سوم عمل است. گاهی طرف در درجه و حالی است که نه اعراض و هجران و نه زبان و بیان بر او تأثیر نمی‌گذارد. در اینجا باید از راه عمل وارد شد. وارد عمل شدن نه تنها به زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست، البته مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است که آن هم از شئون حکومت اسلامی است و شهروندان جامعه اسلامی از پیش خود حق اعمال این تنبیهات را ندارند. امر به معروف عملی این است که

نباید تنها به گفتن قناعت کند و فکر کنیم همه چیز را گفتن درست می‌شود. گفتن، شرط لازم است ولی کافی نیست. باید عمل کرد و آنچه مربوط به شهروندان است برخورد عملی غیرمستقیم است.

امر به معروف زبانی

امر به معروف زبانی مهم‌ترین بخش امر به معروف و نهی از منکر است که به عنوان یک وظیفه همگانی برای اصلاح و آگاهی بندگان خدا تشریح گردیده است و از نقش اصلاحی خوبی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و محیط‌های اجتماعی و خانوادگی برخوردار است. امر و نهی دینی دارای سه مرتبه اظهار تنفر قلبی، امر نهی زبانی و اعمال قدرت است.

مرتبه زبانی امر به معروف نیز دارای سه مرحله است:

۱- موعظه و گفتار نرم ۲- امر و نهی آرام ۳- امر نهی تند

رعایت مراحل زبانی الزامی است و اگر کسی بتواند با مرحله اول به وظیفه خود عمل کند نباید به مرحله دوم وارد شود و اگر بتواند با مرحله دوم وظیفه‌ی خود را به انجام رساند نباید وارد مرحله‌ی سوم گردد بلکه در مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت مرتبه اول پیش از مرتبه دوم الزامی نیست مگر اینکه مرتبه اول برای گنهکار آسان‌تر باشد که در این صورت رعایت مرتبه اول واجب خواهد بود و گر نه از میان رتبه اول و دوم هر کدام از اظهار تنفر قلبی و امر و نهی زبانی بر گنهکار آسان‌تر باشد عمل به آن واجب خواهد بود امر و نهی دینی چهار قسم کلی دارد که یا تنها به وسیله زبان جامه عمل می‌پوشند و یا زبان نقش بیشتری را در انجام آن‌ها دارد.

۱. امر به مستحبات

امر به مستحبات تنها با رتبه دوم یعنی به وسیله زبان انجام می‌گیرد و رتبه اول و سوم ندارد زیرا مرتبه اول که اظهار تنفر قلبی است و همچنین مرتبه سوم که اعمال قدرت برای انجام معروف است در آن مطرح نیست چه اینکه امر به مستحبات مستحب می‌باشد.

۲. نهی از مکروهات

در نهی از مکروهات تنها نهی از منکر زبانی انجام می‌گیرد زیرا اگر چه مکروهات مورد نهی قرار گرفت هاند اما با توجه به اینکه اسلام به نوعی مردم را در انجام آن‌ها آزاد گذارده است اظهار تنفر قلبی که مرتبه اول است و اعمال قدرت که مرتبه سوم می‌باشد در مکروهات مطرح نیست چه این که نهی از مکروهات مستحب می‌باشد.

۳. امر به واجبات

در امر به واجبات مراتب سه گانه امر به معروف وجود دارد اما مرتبه دوم که مرتبه زبانی است از همه گسترده‌تر است زیرا غالباً اظهار تنفر قلبی نظیر ترشویی، سرد برخورد کردن و روگردانی که مرتبه اول است برای گنه کار سنگین‌تر از سخن ملایم و نصیحت به اوست در نتیجه مرتبه دوم که مرتبه زبانی است گسترده‌تر از مرتبه اول می‌باشد. مرتبه زبانی امر به واجبات از مرتبه سوم که توسل به زور است هم گسترده‌تر می‌باشد زیرا امر به بسیاری از واجبات به واسطه زبان انجام می‌گیرد و نوبت به مرحله‌ی اعمال قدرت نمی‌رسد.

نهی از محرمات: در این قسم از نهی از منکر هم مراتب سه گانه امر و نهی دینی وجود دارد اما نهی از منکر زبانی از دو مرتبه اول و سوم گسترده‌تر است.

ویژگی‌های الفاظ و جملات امر و نهی دینی

شایسته است بهترین عالی‌ترین و شایسته‌ترین کلمات را برای انجام این مأموریت الهی انتخاب کنیم تا تنها تناسب پیام و صاحب پیام که خداوند متعال است حفظ گردد:

۱. شیوایی: امر به معروف باید به راحتی فهمیده شود و از هر گونه پیچیدگی، نامفهومی و کلمات نامانوس و جمله‌بندی‌های ناقص و ثقیل به دور باشد به گونه‌ای که گن‌هکار با سهولت و سرعت محتوای آن را درک کند به ویژه اینکه فرصت امر و نهی بیش از چند لحظه نباشد.
۲. صراحت: در پرده بیان کردن امر و نهی دینی فهم آن را دشوار کرده و گاهی سخن را چند پهلوی می‌کند به گونه‌ای که برداشت‌های مختلفی از آن می‌شود.
۳. متانت: امر و نهی دینی باید متین یعنی محکم و استوار باشد و ضعف و سستی در آن راه نداشته باشد وقتی کلمات ارشادی با وقار و ثبات لازم همراه باشد درصد اعتماد و پذیرش را بالا می‌برد.
۴. جدیت: الفاظ تذکر باید جدی و به دور از هر گونه شوخی و تسامح باشد.
۵. اختصار: تذکر باید مفید و مختصر باشد و در چند کلمه گویا و شفاف امر و نهی دینی به گنهکار ابلاغ شود در برخی موارد که امکان و زمینه و شرایط توضیح لازم و مفید وجود دارد اختصار لازم نیست.
۶. اعتدال: بدی و زشتی و قبح گناه را به همان اندازه که در شرع اسلام وارد شده است بیان کنیم نه کم نه زیاد. مکروه را حرام جلوه ندهیم، معصیت کوچک را معصیت کبیره معرفی نکنیم و معصیت بزرگ را گناه کوچک نشان ندهیم
۷. سلامت: الفاظ و جمله‌های تذکر باید سالم و صالح باشد و از آفاتی چون نیش زدن، تحقیر توهین و فحش و هر گونه بدگویی دیگران برکنار باشد تا وظیفه‌ی دینی انجام گیرد امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «من حسن کلامه کان النجح امامه» (عیون الحکم والموعظه، ص ۴۵۶) کسی که سخنش نیکو باشد پیروزی در پیش روی اوست.
۸. عطف: کلمات مورد استفاده در امر و نهی دینی باید به مهربانی آراسته باشند رفتار خوب ما در برابر بدی‌های دیگران تکانی روحی به آن‌ها است ضمن اینکه پاداش بزرگی را برای تذکر دهنده به همراه دارد.
۹. اکرام: آنچه که باید از سوی تذکر دهنده انجام گیرد احترام بدون افراط و تفریط به گنهکار است و احترام ما نباید به خضوع و تواضع بیش از حد در برابر او منتهی شود و گرفتار مداهنه گردیم مداهنه که اسلام از آن نهی کرده است همان چرب زبانی، تملق داشتن روابط بسیار خوب و عادی با کسی است که بی پروا گناه می‌کند. بنابر آنچه بیان گردید رفتار ما با گنهکار باید معقول باشد نه توهین کنیم و نه راه مداهنه را پیش گیریم زیرا مداهنه نوعی تأیید گنهکار است و او را در انجام گناه جسورتر می‌سازد و توهین ما او را بر سر لجاجت آورده و بر جسارت او در ارتکاب گناه می‌افزاید.
۱۰. آداب ارتباط با گنهکار: امر به معروف مثل بسیاری از امور دیگر دارای ادبیات روان‌شناسی و فرهنگ و شیوه‌های خاص خود است که اگر کسی آن‌ها را مورد توجه قرار دهد به موفقیت می‌رسد کسی که تصمیم می‌گیرد امر به معروف کند با توکل بر خدا به سوی گنهکار می‌رود و به او سلام می‌کند سلام کلید ارتباط و گفتگوست و وقتی باسلام ارتباط برقرار گردید بخشی از مأموریت انجام گرفته و راه برای ادامه‌ی کار گشوده می‌گردد.
۱۱. موضع‌گیری‌های گنهکار

پس از تذکر سه موضع گیر از سوی گنهکار می تواند بروز کند:

- الف- پذیرش: در این صورت شایسته است او را دعا کند دعا به گنهکار سه ویژگی مثبت را به همراه دارد
۱- کمک بیشتر خداوند ۲- اثبات صداقت صمیمیت امر نهی کننده ۳- تأثیر بیشتر تذکر.
 - ب- سکوت: این سکوت می تواند علامت رضایت و یا نشانه‌ی ناخوشنودی گنهکار باشد و در هر صورت مأموریت تذکر دهنده پایان می یابد.
 - ج- مخالفت: شیطان در انسان گنهکار سهم دارد و حاضر نیست سهم خود را از دل او از دست بدهد از این رو القاء مخالفت می کند که یکی از وسوسه‌های کهنه شده‌ی اوست و امر به معروف باید ضمن هدایت مخاطب وسوسه زدایی از قلب گنهکار را هم مورد توجه قرار دهد.
- موضع گیری‌های تذکر دهنده: سکوت (سکوت در برابر گنهکار در اکثر موارد ضعف به حساب می آید زیرا گمان می کند مخالفت او صحیح و بدون پاسخ است.)- جواب‌های کلی- پاسخ‌های کوتاه به مخالفت‌ها.
- مخالفت با تذکر، از گناهان کبیره است زیرا مخالفت با یک اصل قرآنی و مسلم دینی است که از ضروریات اسلام به شمار می رود البته اگر کسی اصل امر به معروف را قبول نداشته باشد مخالف ضروری دین مسلمان نیست و ضروری دین چیزی است که همه می دانند جزء اسلام است.
- اما اگر اصل امر و نهی دینی را قبول داشته باشد و در مواردی با آن مخالفت ورزد کافر نیست بلکه فاسق می باشد و ما در اینجا به مخالفت‌ها پاسخ می دهیم تا گنهکاران بدانند که مخالفت آن‌ها صحیح نیست و پاسخ دارد و ما با سکوت خود آن‌ها را تأیید نمی کنیم

شیوه‌های امر و نهی زبانی

۱. امر به معروف ساده

- رایج ترین امر و نهی دینی، امر و نهی ساده است این شیوه به خاطر ادبیات روان و محتوای روشنی که دارد بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد و تاثیر گذاری خاص خود را هم به همراه دارد.
- تذکر ساده می تواند به صورت امر و نهی انجام شود و اگر تأثیر نداشته باشد به روش استدعایی عملی گردد. امام خمینی در احکام امر به معروف آورده است: اگر بدانند نهی از منکر او جز با استفاده از موعظه و استدعا تأثیر نمی کند باید با موعظه یا استدعا او را نهی کند و اگر بدانند که تنها استدعا و موعظه اثر دارد و امر و نهی تأثیری ندارد واجب است استدعا و موعظه کند (تحریر الوسیله، جلد ۱ کتاب الامر بالمعروف)
- نمونه عملی: مردی به امام حسین (ع) رسید قبل از هر چیز گفت: حالت چطور است خداوند سلامتی دهد.
- امام (ع) فرمود: سلام کردن بر سخن گفتن مقدم است خداوند به تو سلامتی دهد.
- آنگاه فرمود: به کسی اجازه سخن ندهید تا اول سلام کند.
۲. امر به معروف صریح

تذکر صریح و بدون پرده نیز از انواع امر و نهی زبانی است که بخش قابل توجهی از این فریضه الهی را به خود اختصاص داده است در این نوع از تذکر که بنابر مصالحی تذکر دهنده آن را برمی گزیند با صراحت تمام به گنهکار امر و نهی دینی می کند.

۳. امر به معروف تاکیدی

برخی گنهکاران جدیتی در کار خود ندارد و یا سخن تذکر دهنده را جدی نمی گیرند و یا به خاطر اراده‌ی ضعیف و یا هر علت دیگر آن را فراموش می کنند در چنین مواردی باید امر به معروف تاکیدی داشته باشیم تا گنهکار را در ارتباط با تذکر خود جدی گردانیم.

۴. امر به معروف اعتراضی

در تذکر اعتراضی به جای امر و نهی به گنهکاران به او اعتراض می شود و اگر این اعتراض به صورت صحیح و به موقع انجام گیرد تأثیر خوبی در مخاطب خواهد داشت.

۵. امر به معروف تاییدی

در امر و نهی تاییدی خوبی‌های گنهکار مورد تأیید قرار می گیرد و آنگاه امر و نهی می شود. ظرافت شیوه‌ی تاییدی در آن است که با تأیید که انجام می گیرد مخاطب به تذکر دهنده خوش بین می گردد و به انصاف او که خوبی‌هایش را نادیده نمی گیرد اطمینان پیدا می کند و با این دو ویژگی جایی برای سوء تفاهم و ذهنیت‌های منفی برای او باقی نمی ماند و اینها زمینه‌های بسیار خوبی است که او را تسلیم تذکر می کند این شیوه برای همه مفید است اما برای کسانی که ذهنیت‌های منفی داشته و یا از تأیید دیگران رضایت خاطر زیادی پیدا می کنند مفیدتر است البته نباید در تأیید افراد زیاده روی شود و سخنان غیر واقعی به میان آید.

۶. امر به معروف تعلیلی

روحیه برخی گنهکاران به گونه‌ای است که اگر فلسفه و علت معروف و منکری که به آن‌ها گوشزد می شود را بشنوند پذیرش بیشتری خواهند داشت از این رو به دنبال امر و نهی دینی به علت آن هم اشاره می کنیم و به چنین امر به معروفی امر به معروف تعطیلی گوئیم.

۷. امر به معروف اختطاری

اعلام خطر از مسائلی است که توجه انسان‌ها را به خود جلب می کند و امر و نهی اختطاری تذکری است که گنهکار را متوجه خطر اعمال حرام و ترک واجب می کند. مثلاً به کسی که در خانه بداخلاقی می کند بگوئیم: انسان بداخلاق شب اول قبر سختی را در پیش رو دارد.

۸. امر به معروف انتفاعی

انسان همواره به منابع خود می اندیشید و دوست دارد برای انجام کار و یا ترک هر کاری نفعی به او برسد و یا ضرری از او دور گردد از این رو اگر بداند امری که به او می شود دارای منابع مصالحی بوده از کارش زینانی را از او دور می سازد استقبال بیشتری از تذکر خواهد داشت بنابراین ذکر آثار مثبت و منفی از کارهای خوب و بد که مورد تذکر قرار می گیرد مفید است.

۹. امر به معروف تحریکی

امر و نهی تحریکی آن است که تذکر دهنده با استفاده از تحریک عواطف و ارزش‌های مورد قبول و تعصبات سالم گنهکار، او را امر به معروف و نهی از منکر کند.

۱۰. امر به معروف استحيایی

امر به معروفی که سبب شرم و حیا گنهکار گردد این شیوه‌ی تذکر در برخی افراد بهتر به ثمر می‌رسد و اگر شرایط آن وجود داشته باشد می‌توان در ارتباط با برخی گنهکاران از آن بهره گرفت البته از انجایی که این شیوه‌ی تذکر موجب خجالت و شرمندگی فرد می‌گردد باید با کارشناسی لازم انجام گیرد تا شرمندگی او سازنده بوده و اثر معکوسی را به همراه نداشته باشد.

۱۱. امر به معروف قرآنی

قرآن کتاب آسمانی ما مسلمانان است و برتر از آن کتابی وجود ندارد و هیچ کتابی به پایه‌ی آن نمی‌رسد از این رو تأثیر قابل توجهی در دل‌های مسلمانان دارد و تذکر دهندگان باید از این تأثیرگذاری بهره‌گیری کنند و ما بهره‌گیری از آیات قرآن در امر به معروف و نهی از منکر را امر و نهی قرآنی می‌نامیم. مثلاً به کسی که غیبت می‌کند بگوییم: قرآن می‌فرماید: «ولا یعتب بعضکم بعضاً» برخی از شما غیبت بعضی دیگر را نکنید

۱۲. امر به معروف حدیثی

مردم علاقه و تأثیر پذیری خاصی نسبت به احادیث معصومین (ع) دارند ضمن این که برخی تذکر دهندگان امر و نهی خود را در قالب یک حدیث بهتر و گویاتر بیان می‌کنند در این صورت می‌توان حدیثی را در باره معروف یا منکر مورد نظر انتخاب کرده و برای او بخوانیم.

۱۳. امر به معروف فتوایی

روحیه گنهکاران با یکدیگر تفاوت دارد و باید این تفاوت‌ها مورد توجه قرار گیرد اما ذوق و توانایی تذکر دهندگان هم متفاوت است و هر تذکر دهنده‌ای باید با توجه به توان و روحیه خود تذکر دهد. عده‌ای هستند که ذکر یک فتوا از مراجع تقلید در آن‌ها تأثیر خوبی می‌گذارد و یا آیا امر به معروف با بیان یک فتوا بهتر و آسان‌تر از شیوه‌های دیگر می‌تواند به وظیفه امر و نهی دینی خود عمل کند در چنین مواردی می‌توانیم فتوایی را در ارتباط با عمل گنهکاران بیان کنیم.

۱۴. امر به معروف منظوم

عده‌ای از تذکر دهندگان بر بیان امر و نهی منظوم تسلط بیشتری دارند و یا مخاطب آن‌ها نسبت به شعر تأثیر پذیری بیشتری دارد.

۱۵. امر به معروف ادبی

گاهی یک جمله ادبی کوتاه بهتر از هر گفتار دیگری می‌تواند مقصود از امر به معروف و نهی دینی را به صورت موثری برساند به‌ویژه اگر مخاطب علاقمند به جمله‌های لطیف و ظریف بوده و یا تذکر دهنده به انجام این شیوه امر به معروف موفق تر باشد و بتواند جمله مورد نظر خود را با رعایت کارشناسی لازم خطاب به گنهکار بیان کند.

۱۶. امر به معروف داستان

داستان همواره مورد توجه انسان‌ها بوده و از لطافت تأثیر گذاری خاصی برخوردار است. همه‌ی انسان‌ها به همه سلاطینی که دارند به داستان علاقمندند و اگر تذکر دهنده بتواند با موفقیت داستان سازنده‌ای را نقل کند چه بسا بتواند تحولی را در دل او به وجود آورد.

۱۷. امر به معروف خواندنی

کسانی که در هنگام امر به معروف سررشته‌ی سخن از دستشان بیرون می‌رود و یا در سخن گفتن به لکنت زبان افتاده و یا دست کم قدرت بیان را از دست می‌دهند می‌توانند تذکر خود را نوشته و هنگام امر و نهی از روی آن بخوانند حتی اگر تذکر دهنده نتواند نوشته خود را با خطاب مستقیم به گنهکار بخواند با خطاب به فردی دیگری که در نزد گنهکار حضور دارد و یا بدون خطاب، بصورت مطالعه برای خود قرائت کند تا او هم بشنود. و در این شیوه و شیوه‌های دیگری که در این کتاب بیان شده است باید تذکر دهنده به گنهکار بفهماند که منظور او امر و نهی دینی می‌باشد در غیر این صورت واجب انجام نگرفته است.

۱۸. امر به معروف سوالی

امر به معروف سوالی آن است که امر و نهی خود را به صورت سوالی بیان کنیم به گونه‌ای که انجام واجب یا ترک گناه از سؤال ما معلوم گردد امر به معروف به شیوه سوالی از ظرافت‌های خاص و امتیازهای قابل توجهی برخوردار است که به آن اشاره می‌کنیم:

۱. غیر مستقیم بودن تذکر

خداوند در قرآن می‌فرماید: «المیان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق» (سوره حدید، آیه ۱۶) آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مومنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع شود؟

۲. توجه گنهکار به پاسخ سؤال

۳. نفی عمدی بودن گناه

۱۹. امر به معروف اندازی

ترس همواره از عوامل کنترل انسان بشمار آمده است. یکی از عوامل مؤثر در امر و نهی دینی نیز ترساندن گنهکاران از خداوند متعال است که در قرآن نیز بطور فراوانی با عبارات مختلف: اتقوا الله، اتقوا ربکم، اتقون بکار رفته است ترس از خدا از نعمت‌های بزرگ الهی است که نصیب هر کس گردد به صورت معجزه آسایی او را در مسیر اعتدال قرار می‌دهد. اگر کسی ترس از خدا داشته باشد اهرم بزرگی در وجود اوست که می‌توان با تکیه بر آن به امر و نهی دینی او همت گمارد و به نتیجه رسید.

۲۰. امر به معروف استکراهی

امر به معروف استکراهی آن است که گنهکار را از ترک واجب یا انجام حرام متنفر سازیم.

راه‌های ایجاد تنفر از گناه:

۱. بیان اشتراک با تبهکاران بزرگ: بیان وجه اشتراک باید با دقت و احتیاط انجام گیرد و از هر گونه زیاده روی و

بزرگ کردن گناه و یا توهین به گنهکار پرهیز شود تا اثر معکوس نداشته باشد.

۲. تبیین ضررگناه: مثلاً به کسی که فقرا را مورد بی احترامی قرار می دهد بگوییم: رسول خدا(ص) فرمود کسی که مسلمان فقیری را احترام کند خدا را در روز قیامت ملاقات نماید در حالی که از او خشنود است.
۳. تفهیم همراهی گنهکار با دشمن
۴. تبیین عذاب گناه از ارتکابی
۵. اشاره به عاقبت گنهکاری
۶. بیان ریشه گناه
۷. بیان سرنوشت گنهکاران مشابه
۸. بی ارزش نشان دادن گناه

۲۱. امر به معروف تحییی

راه های ایجاد محبوبیت معروف ها و ترک منکرات: بیان اشتراک با نیکوکاران بزرگ و تبیین منافع انجام معروف.

۲۲. امر به معروف نکوهشی

شلاق نکوهش درد آور و سازنده است و نیازی به فحش نمی باشد و اگر نکوهش با کارشناسی لازم و به جا مورد استفاده قرار گیرد مانند نیشترشفا بخش طیب است که به بدن بیمار می زند.

۲۳. امر به معروف مشفقانه

صمیمی کردن تذکر به سه گونه است: ۱- استفاده از الفاظ محبت آمیز. ۲- استفاده از جمله بنی های صمیمی و ملایم نظیر اینکه بگوییم: حیف است که به خاطر لذتی زود گذر شما گرفتار عذاب آخرت شوید. ۳- بیان تفکر با قیافه و روحیه ی آرام مشفقانه.

۲۴. امر به معروف استظهاری

بهترین شیوه برای افرادی که یا از سنین بالایی برخوردارند یا عناوینی دارند که با وجود آن عناوین تسلیم امر و نهی ما نمی شود و یا از مقام خاص یا اعتبار قابل توجهی برخوردارند این است که تذکر ما به آنها به شیوه امر به معروف استظهاری می باشد یعنی نظر او را درباره گناهی که می کند یا واجبی که به آن عمل نمی کند بطور غیر مستقیم جویا شویم.

۲۵. امر به معروف ذوقی

آمران به معروف باید بهترین ذوق و سلیقه خود را در شکار فرصت ها و موقعیت های مناسب بکار گیرند و فرد مورد نظر خود را هدایت کنند.

۲۶. امر به معروف طنز آمیز

باید مراقب باشیم به شخصیت کسی اهانت نشود و طنز و شوخی ما موجه، سازنده و صالح باشد و لغو و لهنو و باطل در آن راه نیابد و سخن حق خود را که مأموریت الهی برانجام آن داریم با لطافت و شوخ طبعی به گنهکار اعلام کنیم.

۲۷. امر به معروف تکراری

امر و نهی دینی به هر اندازه که لازم باشد باید تکرار شود به شرط آنکه دارای تأثیر مثبت بوده و تأثیر منفی هم برای مخاطب و تذکر دهنده نداشته باشد از این رو اگر تکرار آن لازم باشوین تکرار از سوی یک نفر تأثیر منفی نداشته باشد باید در آمران به معروف تنوع ایجاد گردد و همانگونه که اگر لازم باشد باید شیوه‌ها هم متنوع شود.

۲۸. امر به معروف اعجابی

تذکر اعجابی به خاطر تعجیبی که از عمل گناه در آن ابراز می‌شود تأثیر گذار است این شیوه از تذکر می‌تواند بصورت مستقیم و غیر مستقیم وبدون خطاب انجام گیرد.

۲۹. امر به معروف غیر مستقیم

راه‌های امر و نهی غیر مستقیم: تذکر به غیر گنهکار- امر و نهی بدون خطاب- تحسین نیکوکار نزد گنهکار(این کار در صورتی انجام گیرد که اثر منفی در گنهکار نگذارد و بلکه اثر مثبت در او داشته باشد).

۳۰. امر به معروف تبشیری

مژده و بشارت از اموری است که همه‌ی انسان‌های عالم بدون استثنا به آن علاقمندند و به آن توجه ویژه‌ای دارند زیرا محتوای بشارت مسرت بخش دل‌ها و شیرین کننده کام انسان‌هاست.

۳۱. امر به معروف تهدیدی

تهدید به از دست دادن منافع و مصالح و افتادن در دشواری‌ها همواره در انسان‌ها تأثیر گذار بوده است زیرا سود و زیان انسان چیزی نیست که بتواند به راحتی از آن بگذرد.

تهدید انواع مختلفی دارد:

۱- تهدید به قطع ارتباط با گنهکار ۲- تهدید به تحریم منافع و امتیازهای که در اختیار او گذارده‌ایم ۳- تهدید به آثار گناهی که مرتکب آن می‌گردد ۴- تهدید به ریختن آبرو و مفتضح شدن در میان مردم ۵- تهدید به مردن در حال گناه ۶- تهدید به گسترش سلطه‌ی شیطان بر او ۷- تهدید به باز گرفتن آنچه خداوند به گنهکار داده است ۸- تهدید به انتقام شدید و زودرس خداوند در دنیا ۹- تهدید به عذاب آخرت ۱۰- تهدید به مرگ‌های ناگهانی و زود هنگام ۱۱- تهدید به نزول عذاب ۱۲- تهدید به منتهی شدن گناه مستمر به تکذیب آیات خدا چنانکه آیه آن در شیوه استکراهی بیان گردید.

۳۲. امر به معروف تدریجی

برخی تحمل ندارند که در یک بار بطور کامل امر به معروف شوند و چه بسا در برابر آن لجاجت کرده و آن را رد کنند اما اگر به تدریج به آن‌ها گفته شود می‌توان آن را هضم کرده و بپذیرند. تشخیص این افراد و مراتب تدریجی بودن تذکر به آن‌ها با تذکر دهنده است گاهی تدریجی بودن با سرعت انجام می‌گیرد و در یک بار امر و نهی دینی به پایان می‌رسد و گاهی زمان بیشتری می‌برد و طی چند بار امر و نهی کارشناسانه علمی می‌گردد.

۳۳. امر به معروف امید آفرین

اصولاً رعایت احکام خدا امید به خداوند، امید به زندگی، امید به آینده‌ی بهتر و موفقیت بیشتر تحولات مثبتی را به همراه دارد و ما باید این مسائل را به گنهکار منتقل کنیم تا امید او در پرتو احکام خداوند بیشتر شود و به موفقیت‌هایی هم دست یابد.

۳۴. امر به معروف تدبری

امر به معروف تدبری آن است که گنهکار را به تدبیر درباره‌ی گناه خود وا می‌دارد و با این تدبیر اندیشه است که به خطای خود پی می‌برد. در بهره‌گیری از چنین شیوه باید سخنان حساب شده و دقیقی را که نیازمند تدبر است خطاب به گنهکار بیان کنیم.

۳۵. امر به معروف اندرزی

خدای متعال می‌فرماید: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما. در شیوه امر و نهی اندرزی صمیمیت بیشتری بر فضای ارتباط‌ها حاکم است و دلسوزی بیشتری از سوی تذکردهنده ابراز می‌شود و گنهکار هم به خوبی آن را احساس می‌کند البته هر چه نفس تذکر دهنده پاک‌تر باشد موعظه او مؤثر خواهد بود.

۳۶. امر به معروف تمجیدی

تعریف و تمجید از گنهکار مانند کارد دولبه ای می‌ماند که باید با احتیاط کامل استفاده شود یعنی تعریف از او باید معتدل و در حد نیاز باشد و با امر و نهی او تناسب داشته باشد.

۳۷. امر به معروف تاسفی

امر به معروف تاسفی آن است که به ترک واجب یا انجام حرام اظهار تأسف کنیم این شیوه در برخی از موارد بسیار مفید و در مواردی تنها راه امر و نهی دینی می‌باشد زیرا گاهی شرایط به گونه‌ای است که تنها سخن ممکن یا مؤثر یک اظهار تأسف از گناه مخاطب است.

۳۸. امر به معروف توقعی

یکی از شیوه‌های که نسبت به امر و نهی صریح آرام‌تر و محترمانه‌تر می‌باشد امر و نهی توقعی است و امر به معروف توقعی آن است که به گونه‌ای داشتن و نداشتن توقع در امر و نهی دینی مطرح گردد.

۳۹. امر به معروف حکیمانه

حکمت عبارت از سخن صحیح و محکمی است که حق را آشکار و شبهه را زایل می‌کند و امر به معروف حکیمانه آن است که از چنان صحت و استحکامی برخوردار است که حق را بر گنهکار آشکار ساخته و هر گونه تردید و شبهه را از دل او پاک می‌گرداند.

۴۰. امر به معروف مناظره‌ای

امر به معروف مناظره‌ای آن است که امر به معروف و گنهکار درباری عمل مورد تذکر به بحث و گفتگو می‌پردازند. در برخی موارد پس از بیان تذکر، گنهکار موضع‌گیری کرده و با دفاع از عمل خود به جدا با تذکردهنده می‌پردازد اگر چه دفاع از ترک واجب و یا انجام منکر دفاع باطلی است اما گنهکار با تکیه بر بیان خود و دلایلی که به ذهنش می‌رسد وارد

مناظره می‌شود از این روز تذکر دهنده باید قدری با جدل با گنهکاران و ترفندها و مغالطه‌ها و سخنان و شیوه‌های مختلف آن‌ها آشنایی داشته باشد تا بتواند در برابر جدل آن‌ها که قرآن از آن به جدال بالباطل، جدال به غیر سلطان و جدال به غیر علم یاد می‌کند از حق دفاع کند. اما دفاع ما که دفاع از حق است باید یک دفاع حکیمانه و نیکو باشد چه این خداوند فرموده است: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها با روشنی که بهتر است استدلال و مناظره کن پروردگارت از همه آگاه تر است که چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت شدگان داناتر است.

نتیجه‌گیری

نتیجه این که امر به معروف و نهی از منکر همچون خون در پیکره دین جریان دارد و ضامن حیات اسلام است. خیزش و قیام مصلحان در جامعه اسلامی نیز، بازتابی از عمل به این فریضه می‌باشد و اگر مصلحان بزرگی همچون امام حسین - علیه السلام - نمی‌بودند، ارزش‌های انسانی و الهی از بین رفته و اسلام قرن‌ها پیش توسط تبهکاران دفن شده بود. قرآن کریم برای تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی پیروان خود، اصلی را به عنوان «توکی و تبری» مشخص کرده و از آنان خواسته تا آن را پایه و محور تلاش‌ها و روابط خود با دیگران قرار دهند. به موجب این اصل هر فرد مسلمان باید در برابر صالحان و تبهکاران و در مقابل جریان‌های سیاسی، موضع‌گیری مناسبی اتخاذ نماید.

منابع

۱. قرآن مجید، سوره توبه آیه ۷۱
۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴
۳. عیون الحکم و الموعظه، ص ۴۵۶
۴. تحریر الوسيله، جلد ۱ کتاب الامر بالمعروف
۵. سوره حدید، آیه ۱۶
۶. معجزه‌ی تذکر زبانی، محمدرضا اکبری، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر/ انتشارات پیام آزادی/ چاپ چهارم ۱۳۸۷
۷. تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر/ گردآورنده: جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان/ زمستان ۱۳۸۱
۸. امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (س)/ تبیان/ بهار ۱۳۷۷
۹. عنصر امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن/ زمستان ۱۳۸۱

10. <http://www.tebyan-zn.ir>

11. <http://abdoljavad.mihanblog.com>

نقش نظام آموزشی در تبیین و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

علی انصاری^۱

کامران صفوی^۲

محمد عبدالهی^۳

فائزه مقاره عابد^۴

رعنا ستایش^۵

الهام خدادادی^۶

مرجان پدیدار^۷

چکیده

از وظایف مهم نظام آموزش و پرورش هر کشور پس از آموزش خواندن و نوشتن، مواردی است که هویت ملی یک کشور را به وجود می‌آورند. پس ضروری است که در خانواده و مدرسه افراد از سنین خردسالی با این عوامل که سبب می‌شود ایرانی از غیر ایرانی متمایز گردد آشنا شوند و مهم‌ترین وظیفه آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها در تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان ما علاوه بر آموزش علم، آموزش امر به معروف و نهی از منکر است که از همان ابتدا خوب را از بد تمیز دهند. در این مقاله که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تهیه گردیده سعی شده است علاوه بر شرایط و دیدگاه سنت به این فریضه مهم الهی، به نقش و وظایف معلمان و اساتید در تبیین و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و نقش نهاد آموزش و مراکز علمی در گسترش ارزش‌های اخلاقی، همچنین گسترش و تعمیق این فریضه‌ی الهی با استفاده از یک عزم ملی و همگانی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش - دانشگاه - امر به معروف و نهی از منکر.

مقدمه

خانواده‌ها بخش عمده‌ای از تربیت فرزندان خود را به محیط‌های پرورشی می‌سپارند و با وجود حسن نیت و تلاش‌های خود مفاهیم و رفتارهای زیادی را از کودکان انتظار دارند که به دلایل بسیار در این مهم دچار ناتوانی هستند، زیرا تربیت فرآیندی است که از زمان تصمیم‌گیری برای بچه دار شدن تا پایان دوره جوانی فرزندان تداوم داشته و برچسب شرایط مختلف جنسی و سنی رفتارها و برخوردهای متفاوتی را طلب می‌کند و مهم‌ترین دوره در پروسه رشد کودکان دوره ورود به دبستان است. در این دوره شخصیت کودکان رشد و قوام می‌یابد. در این زمان وجود محیط‌های پرورشی غنی، مربیان دلسوز و آگاه نقش بسزایی در تحکیم پایه‌های شخصیت کودکان ایفا می‌کند. کودکان که تا الان از الگوهای رفتاری پدر و مادر خود نسخه برداری داشتند با شروع دوره دبستان الگوهای رفتاری و منش معلمان را جاگزین می‌کنند. مربی آگاه

۱. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۳. دانشجوی رشته کتابداری، دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان

۴. دانش‌آموخته دانشگاه پیام نور اصفهان

۵. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۶. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۷. عضو باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

بدور از برچسب زدن نقش رشد و شکوفایی استعدادها و مهارت کودکان ایفا می‌کنند، حمایت به موقع، عشق، علاقه بی‌قید و شرط، دغدغه برای انسان‌سازی رشد اجتماعی و فردی کودکان را توسعه می‌دهد. پذیرش و محبت اولیا و مربیان در شکل‌گیری شخصیت قوی آنان حائز اهمیت است، همچنان که کودکان از خود درک پیدا می‌کنند و هویت خود را می‌یابند. برای خصوصیات خود ارزش منفی و مثبت قائل می‌شوند. حقیقت این است که آموزش‌هایی می‌تواند مثر ثمر باشد که فرزندان را به احساس امنیت خاطر و آرامش برساند. معلمین در کنار اولیا با ارتباط پویا می‌توانند دست در دست هم کودکان را به اوج توانایی‌های خود برسانند. این مقطع از تحصیلات کودکان می‌تواند شروعی برای فرهنگ‌سازی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر باشد، چرا که دانش آموز در این مرحله باید‌ها و نباید‌های زندگی را آموخته و پا به مراحل بالاتر می‌نهد. آموزش، علم‌گرایی، عقلانیت، توجه به اصول و گذر منطقی از الگوهای حاکم (پارادایم‌ها) بسیاری از مشکلات جامعه را حل می‌کند. اگر جوانان به سمت جامعه‌ای عقل‌گرا و علمی سوق داده شوند آینده کشور بسیار درخشان خواهد بود و در این میان نقش معلمان و اساتید بسیار برجسته است. توسعه انسانی رکن اصلی توسعه پایدار است و باید برای ارتقای کیفیت آموزش در کشور تلاش شود. وظیفه آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها در جامعه، شناخت و حل نیازهای فکری جوانان است. تعلیم و تزکیه نفس و آموزش فلسفه معانی زندگی به نسل‌های آینده از مهم‌ترین وظایف معلمان و اساتید است. در جامعه‌ای که علم و دانایی، محور توانمندی و توسعه جوامع بشری باشد ارتقای کیفی آموزش و تربیت نسلی پرشگرم و خلاق امری ضروری است. یکی از وظایف معلمان و اساتید در کنار کار آموزش، فرهنگ‌سازی و الگوسازی امر به معروف و نهی از منکر و تربیت افرادی عدالت‌طلب، دارای استقلال و معتقد به کار گروهی است که به دور از تعصب و پیشداوری باشد. حضرت آیت الله خامنه‌ای تربیت نسلی متدین و آگاه را مهم‌ترین وظیفه جامعه معلمان و اساتید برشمردند و خاطر نشان کردند: آبادانی کشور - پیشرفت مادی و معنوی جامعه و دستیابی به رتبه اول منطقه‌ای که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله پیش‌بینی شده است در سایه تعمیق ایمان و افزایش انگیزه‌های دینی جامعه و به ویژه نسل جوان امکان‌پذیر است که معلمان و اساتید در این زمینه نقشی اساسی بر عهده دارند.

آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها زمینه‌ساز رشد فکری و اخلاقی انسان‌های یک جامعه پویا است. آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها تنها راه کمال انسان به سوی سعادت و خوشبختی است. اهمیت نقش آموزش و پرورش در تربیت نیروهای متخصص، دانشمند و آشنا به علوم جدید بسیار حائز اهمیت است. برای رسیدن به جامعه‌ای ایده‌آل، پیشرفته و پویا که در آن انسان‌ها صاحب حق و حرمت باشند، نیازمند تشکیلات نو، معلمان نواندیش و دانش‌آموزان نوپرداز هستیم هر چند برای رسیدن به این اهداف، کمبودهایی داریم (۱۳/۸/۱۳۸۷، www.mardomsalari.com).

شهید مطهری از جمله کسانی بود که درد دین داشت و تلاش می‌کرد دین را آنگونه بفهمد و بفهماند که در دنیای امروز کارساز باشد. «مرحوم مطهری، دین را آنگونه می‌دید که اولاً عادلانه باشد و ثانیاً متناسب با شان انسان آزاد باشد.» فلسفه ارسال پیامبران الهی نیز برای این است که با اختلافات، تعارضات، انحرافات و آسیب‌هایی که اجتماع بشری را تهدید می‌کند، برخورد شود تا همواره جامعه‌ی انسانی در مسیر الهی خویش هدایت گردد (تفسیر المیزان، ۱۵۹). آن چه مهم به نظر می‌آید آن است که در یک جامعه‌ی الهی، کیفیت ارتباط سالم و حیات بخش و تضمین‌کننده‌ی سعادت جامعه باید براساس آموزه‌های الهی تبیین و تحقق یابد. بر این اساس برای ضمانت اجرای احکام اجتماعی در اسلام، دو راه کار مهم در نظر گرفته شده است: «یکی وجود سازمان حکومتی اسلام که موظف به حفظ شعایر عمومی دین و حدود آن‌هاست و دیگری انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، که بر تمام مسلمین واجب است (تفسیر المیزان، ۱۳۴۹: ۱۶۷)». جوامع بشری در طول تاریخ خود با مشکلات، انحرافات و آسیب‌های زیادی روبرو بوده‌اند، بنابراین راه کارهای اسلامی برای

معالجه‌ی این انحرافات و نابسامانی‌ها براساس آموزه‌های قرآن کریم عبارت‌اند از: ۱. گسترش تعلیم و تربیت دینی و تعمیم تبلیغات مذهبی ۲. وجود روحیه‌ی گذشت و ارفاق در محیط تربیت بدنی و انتظار یکسان از مردم نداشتن ۳. تعمیق و گسترش عنصر بصیرت و بینایی «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (سوره یوسف، آیه ۱۰۸) (تفسیر المیزان، ۱۳۴۹: ۲۰۴) که ما در این مقاله به تعریف امر به معروف و نهی از منکر به مورد اول یعنی گسترش تعلیم و تربیت دینی (آموزش) و نقش معلمان و اساتید در تبیین و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازیم و سپس به اقسام امر به معروف و نهی از منکر خواهیم پرداخت.

۱- تعریف، شرایط، مراتب، آداب و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر:

۱-۱) تعریف معروف و منکر

در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات معروف و به تمام محرمات و مکروهات منکر گفته می‌شود بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب امر به معروف و بازداشتن آن‌ها از کارهای حرام و مکروه نهی از منکر است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۱). و در دیدگاه دیگر امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آن چه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می‌شود و نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آن چه به از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته می‌شود امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر افرادی - به قدر کفایت - به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود. و اگر همه‌ی افراد آن را ترک کرده باشند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه‌ی آن‌ها ترک واجب کرده‌اند. (فقه و زندگی ۱۱: ۱۴)

۲-۱) شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط تکلیف ساقط می‌شود (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۱-۲۸۲) و آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است، پس هر کس نمی‌داند این عمل که او انجام می‌دهد حرام است یا نه جلوگیری واجب نیست.
۲. احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد، بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد امر و نهی واجب نیست.
۳. شخص گناهکار اصرار بر ادامه کار خود داشته باشد، پس اگر معلوم شود، یا گمان کند، یا احتمال صحیح بدهد گناهکاری بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند، یا موفق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.
۴. امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و همراهان، یا سایر مومنان نباشد.

۳-۱) مراتب امر به معروف و نهی از منکر (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۲)

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر، مقصود حاصل شود؛ عمل به مرتبه بعدی جایز نیست و آن مراتب چنین است:

۱. با معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه با او اینگونه عمل می‌شود مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند، یا با او رفت و آمد نکند.

۲. امر و نهی با زبان؛ یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده دستور دهد که واجب را به جا آورد و به گناهکار دستور دهد که گناه را ترک کند.
۳. استفاده از زور، برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب؛ یعنی زدن گناهکار (بنابر فتوای آیت الله خامنه‌ای مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشد، اگر در سرزمینی باشد که دارای نظام و حکومت اسلامی است و به این فریضه اسلامی اهمیت داده می‌شود، احتیاج به اذن حاکم و مسئولین ذیربط و پلیس محلی و دادگاه‌های صالح دارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۳۲).

۴-۱) آداب امر به معروف و نهی از منکر (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۲)

۱. مانند طیبی دلسوز و پدیری مهربان باشد.
۲. قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خدا اقدام کند و عمل خود را از هرگونه برتری جویی پاک گرداند.
۳. خود را پاک و منزّه نداند، چه بسا همان که اکنون از او خطایی سرزده است، دارای صفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هرچند این عمل او هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد.

۵-۱) اهمیت و ارزش امر به معروف و نهی از منکر در احادیث و روایات

۱-۵-۱- هم رتبه شهیدان

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص): «لَا أُخَيْرُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ تَغِيْطُهُمُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يَحِبُّ اللَّهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید ولی مردم به مقامی که خداوند به خاطر امر به معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده غبطه می‌خورند (مستدرک الوسائل، ج ۱۲: ۱۸۲).

۱-۵-۲- بهترین مردم

مردی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد - در حالی که حضرت بر فراز منبر بود، پرسید: (مَنْ خَيْرُ النَّاسِ) بهترین مردم کیست؟ پیامبر (ص) فرمودند: «أَمْرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّقَاهُمْ لِلَّهِ». آن کس که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند و آن کس که از همه پرهیزگارتر باشد (مجمع البيان، ج ۱: ۴۸۴؛ ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران).

۱-۵-۳- بهترین کار مردم

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْخَلْقِ»
 علی (عليه السلام) فرمودند: بهترین کار مردم امر به معروف می‌باشد (غرر الحکم موضوعی، ج ۲: ۱۰۰).

۱-۵-۴- برتر از جهاد

«عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي».

علی (عليه السلام) فرمودند: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور (نهج البلاغه، کلمات قصار: ۳۷۴).

۱-۵-۵- جانشین خدا و رسول

«عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا و پیامبر در روی زمین است (تفسیر مجمع البیان، ج ۱: ۴۸۴؛ ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران).

۲) نقش معلمان و اساتید در تبیین و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

نقش معلمان و اساتید در گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر آنقدر با اهمیت است که در بعضی مواقع می‌تواند مهم‌ترین و بیشترین تأثیر خود را در این زمینه بر دانش آموزان و دانشجویان که آینده سازان ما هستند و مدیران و مدیر کل‌ها و ... ملکت در آینده را تشکیل می‌دهند بگذارند. نقش معلمان و اساتید را در گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به ۴ دلیل می‌توان با اهمیت دانست. ما در این مقاله این ۴ مورد را به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم (<http://himeibadam.blogfa.com> ۱۳۸۷/۱۰/۱۵)

الف- معلمان و اساتید به عنوان الگوی دانش آموزان و دانشجویان می‌باشند و گفته‌ها و نصیحت‌های آن‌ها می‌تواند دانش آموزان و دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد. گاهی اوقات رفتار خوش یک معلم و یا استاد چنان استوره‌ای در ذهن دانش آموز و یا دانشجو می‌سازد که گاهی شخصیت و مسیر زندگی آن فرد را متحول می‌سازد.

ب- فرهنگ و دین ما ایجاب می‌کند که ارزش‌های اخلاقی و معنوی ابتداءً در مدارس و پس از آن در دانشگاه‌ها گسترش پیدا کند و این به عهده معلمان و اساتید می‌باشد.

ج- هم وظیفه شغلی و هم وظیفه شرعی معلمان و اساتید ایجاب می‌کند که در مدارس ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در اولویت‌های یاددهی ایشان باشد.

د- نقش پذیری اجتماعی و اهمیت دادن به این ارزش‌های معنوی بیشتر در دوران دانش‌آموزی می‌باشد که معلم می‌تواند با خلاقیت خود این دانش آموزان را در جهت مثبت سوق دهد. مقام معظم رهبری در رابطه با نقش معلمان و اساتید در تبیین و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمایند:

«همه مردم باید وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برای خود قائل باشند و در محیط کسب، خانه، درس، دانشگاه و محیط کار و زندگی با زبان خوش و لحن مناسب، عمل خلاف و گناه را به خاطر تذکر دهند و سرانجام این مهم در مرحله عمل و اقدام، تنها با اجازه حکومت باید انجام شود».

۲-۲) معلم به عنوان یک الگو

دانش آموز یک گرایش مثبت دارد و معلم را به عنوان الگوی رفتاری خود می‌داند و در اکثر اوقات رفتارهای معلم خود را تقلید می‌کند حتی بعضی مواقع دوست دارد مثل معلم لباس بپوشد مثل او راه برود، مثل او صحبت کند. و حالا این معلم می‌تواند دانش آموز را به راه راست هدایت کند و هم می‌تواند دانش آموز را گمراه کند و او را از راه مستقیم منحرف کند، و با توجه به اینکه مهم‌ترین اصل در امر به معروف و نهی از منکر اصل تأثیر است که در پی آن امر به معروف گسترش و ریشه منکر را در ذهن دانش آموز به یک امر خوشایند تبدیل کند و او را در جهت برقراری امر به معروف و نهی از منکر سوق دهد. معلم همچنین باید از این موقعیت و اعتمادی که دانش آموز به وی دارد در جهت گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در بین دانش آموزان استفاده کند و این قشر پر جمعیت و تأثیر گذار در جامعه را به برقراری امر به معروف و نهی از منکر هدایت کند، تا آن‌ها نقشی که در جامعه خواهند داشت، این فرهنگ را در جامعه گسترش دهند تا جامعه‌ای

بدون منکر داشته باشیم. اما معلم باید به این نکته نیز توجه کند که «یکی از بزرگ‌ترین رموز آموزشی این است که شاگرد خود معلم را بپذیرد و نه زبان و استدلالش را. اگر استدلال معلم را بپذیرد در واقع معلم نقش ضبط صوت را دارد، معلم باید به گونه‌ای عمل کند که شاگرد خود او را بپذیرد، وجود او را که پذیرفت تحت تأثیر اخلاق و رفتار معلم از جمله، استدلالش قرار می‌گیرد، راه رسیدن به این مرتبه از معلمی هم دو چیز است:

الف- تسلط و پختگی علمی ب- تقوی و وارستگی اخلاقی. عین این موارد برای دانشجویان نیز صدق می‌کند، دانشجویی که مرحله دانش‌آموزی و الگوپذیری از معلمان خود را به خوبی پشت سر گذاشته باشد در دانشگاه نیز سعی بر الگوپذیری از اساتید خود دارد. بنابراین، این اساتید هستند که با رفتار و منش خود نقش به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت دانشجو بازی می‌کنند، چرا که همین دانشجو به عنوان شهروندی در جامعه به مسئولیت‌پذیری پرداخته و قرار است خود نقش امر به معروف و ناهی از منکر را به عهده گیرد.

۲-۳) نظام پرورشی مدارس و مباحث مذهبی - اسلامی

در بحث نظام پرورشی مدارس، استاندارد آنچه در مدارس ما باید انجام شود، با آنچه در مدارس برتر سایر کشورها انجام می‌شود باید تا حد زیادی متمایز باشد. در واقع بحث پرورشی در کشور ما علاوه بر آن که با روحیات، خلیقیات و نیازهای فراگیرندگان مرتبط است، به طور ویژه‌ای با مباحث مذهبی - اسلامی نیز در آمیخته است. بنابراین انتظار می‌رود که در مدارس استاندارد مؤلفه‌هایی از جمله ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در حکم یک اصل در میان دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد، و بیشترین انتظار در ترویج چنین مباحث مذهبی - اسلامی از معلم می‌رود و این معلم است که در مدرسه بیشترین برخورد را با دانش‌آموزان دارد و می‌تواند نقش مهمی در مؤلفه‌هایی مانند گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. زیرا این معلمان هستند که نقش پدران و مادران دوم دانش‌آموزان را به عهده می‌گیرند. نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با کلاس‌های ضمن خدمتی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر برای معلمان می‌گذارد در ترویج و گسترش امر به معروف و نهی از منکر قدمی بلند بردارد تا جامعه‌ای به دور از فسادها و منکرات و جامعه‌ای که مورد قبول خدا و انبیاست را داشته باشیم و در امنیت کامل به سر بریم. ولی مشکل بزرگی که وجود دارد، موضوع پذیرش ابتدایی می‌باشد. همانطور که مشخص است دوره ابتدایی مهم‌ترین دوره می‌باشد و باید افرادی که از لحاظ علمی و مذهبی الگو هستند استخدام شوند تا نقش یک معلم خوب را بر دانش‌آموزان ایفا کنند.

۲-۴) وظیفه معلمان و اساتید در گسترش ارزش‌های اخلاقی

آنچه که نقش معلمان و اساتید دانشگاهی را در گسترش امر به معروف و نهی از منکر با اهمیت می‌کند، وظیفه شرعی و شغلی آن‌ها است. «یک معلم و یا استاد، باید بر اساس نیازهای واقعی تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان و یا دانشجویان به کار خود ادامه دهد و نه با هر چه پیش آید، خوش آید و از سر تفنن و تنوع. در رفتار و کردار و گفتار و اندیشه معلمان و اساتید ما نباید هیچ بخش بی تفاوت و بی جهت و بی تحرک و بیهوده موجود باشد و از همه وجود بایستی جدیت و هدفداری در آن‌ها نمایان گردد». معلمان و اساتید علاوه بر اینکه وظیفه دارند مطالب علمی را به دانش‌آموزان و دانشجویان آموزش دهند، باید نسبت به مسائل مذهبی - اسلامی و پرورشی از جمله گسترش امر به معروف و نهی از منکر نیز برنامه خاصی در کلاس درسی داشته باشند و فقط اتکا به موارد درسی نکنند. آن‌ها می‌توانند گسترش امر به معروف و نهی از منکر را در اولویت‌های اولیه یاددهی خود قرار دهند، تا وظیفه شرعی و شغلی خود را ادا کرده باشند و دانش‌آموختگانی متعهد به ارزش‌های اخلاقی را برای جامعه آینده تربیت کنند. معلمان و اساتید ما باید استاد مطهری را یک الگو قرار دهند، از

ویژگی‌های استاد مطهری در مقام معلمی این بود که انسان وقتی پای درسش می‌نشست احساس می‌کرد ایشان در حال انجام وظیفه دینی است (فرهادیان، ۱۳۷۴).

۲-۵) نقش نهاد آموزش و مراکز علمی

در این خصوص می‌توان به راه کارهای زیر اشاره نمود:

- برگزاری نشستهای علمی در مراکز آموزشی با هدف تقویت روحیهی اعتماد به نفس و عزت نفس در بین پسران و دختران جوان.
- جلوگیری از تکالیف تحمیلی توأم با خشونت و بدرفتاری در مراکز آموزشی.
- آموزش کیفیت و شیوه‌های صحیح نهادینه کردن ارزش‌های الهی در خانواده، در محیط کار و آموزش.
- پرهیز از تحمیل عقاید و ارزش‌ها بدون استدلال در مراکز تفریحی و ورزشی و رعایت شخصیت و حقوق الهی جوانان در جهت فراهم آوردن فضایی علمی و صمیمی.
- آموزش و توجیه متخصصان و فعالان در عرصه‌ی تهیه‌ی برنامه‌های کلان توسعه اجتماعی به عنوان ضرورت وجود یک برنامه‌ی جامع فرهنگی و... در صورتی که این فریضه‌ی الهی به عنوان مهم‌ترین و ارزنده‌ترین پدیده‌ی اجتماعی به خوبی در قشر جوانان رسوخ پیدا کند آثار و برکات اجتماعی و فردی بسیاری را به همراه خواهد داشت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:
- اجرای احکام و فرایض الهی «... بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ...» (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۳۵۹).
- تحقق عدالت اجتماعی «... مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مُخَالَفَةِ الظَّالِمِ...» (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۴۰۳).
- نوسازی جامعه «... بِهَا تُعْمَرُ الْأَرْضُ» به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر سرزمین آباد می‌گردد (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۵).
- تثبیت حکومت اسلامی «... بِهَا... يَسْتَقِيمُ الْأُمُورُ...» به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر حکومت الهی مستقیم و تثبیت می‌شود (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۵).
- تحکیم امنیت اجتماعی «... بِهَا ... تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ ... وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ...» راه‌ها امن می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود... (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۵).
- نزول خیر و برکت، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ): لَا تُزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ امت من تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند در خیر و برکت هستند (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۸).
- شکست جبهه‌ی نفاق (حضرت علی (علیه السلام): مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْوْفَ الْمُنَافِقِينَ؛ کسی که نهی از منکر می‌کند بینی منافقین را به خاک می‌مالد (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۵).
- گسترش راههای کسب حلال (... بِهَا ... تَحَلُّوْا وَ الْمَكَاسِبُ...؛ به وسیله‌ی آن کسب حلال می‌شود (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۳۹۵).
- تحقق مصلحت عمومی جامعه و طرد ناهلان «فَرَضَ اللهُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْمَصْلِحَةِ لِلْعُلُومِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴). چنان چه امیرالمؤمنین (ع) در جای دیگری در وصیت نامه به حسنین (علیهم السلام) می‌فرماید: «لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْتَعْمِلُنَّ عَلَيْكُمْ شَرَارَ لَكُمْ قِيدَعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا

یستجاب لهم» (اصول کافی، ج ۵: ۵۶) یعنی آن که اگر شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردید، دیگران ملکوت را به دست می‌گیرند و سیاست بازان وارد صحنه می‌شوند.

- تحقیق اخلاقی الهی در جامعه. یکی از آثار و برکات این فریضه ی الهی تحقق و گسترش اخلاق الهی در جامعه ی بشری است. لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ» (بحارالانوار، ج ۱۰۰: ۸۹) و نیز همه ی ما مأموریم به این که به اخلاق الهی متخلق گردیم «تخلفوا به اخلاق الله» (بحارالانوار، ج ۶۱: ۱۲۹) چنان چه این فریضه ی الهی ترک شود مشکلات بسیاری برای جوامع انسانی پدید می‌آید. «... فان الله سبحانه لم يلعن القرن المافي بين ايديكم الا لتركهم الامر بالمعروف و النهي عن المنكر فلعن الله سفهاء لركوب المعاصي و الحلماء (الحكماء) لترك التناهي...» زیرا خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت، مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر، پس خدا بی خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک بازداشتن دیگران از گناه، لعنت کرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳) هم چنین حضرت امیرالمؤمنین (ع) آفات مهم ترک این فریضه ی بزرگ الهی را چنین بر می‌شمارند: موجب سلطه ی بدان می‌شود (نامه ۷/۴۷)، سقوط و انحطاط اجتماعی را به همراه دارد (خطبه ۸/۱۲۹) و باعث نفی هويت و حیات انسانی می‌گردد (حکمت ۳۷۴ و ۴۷۵)

۲-۶) عزم همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)

گسترش و تعمیق این فریضه ی الهی در حقیقت نیازمند یک عزم ملی و همگانی است چنان چه در سوره لقمان آیه ۱۷ می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ». براساس این کریمه الهی، در راه اجرای این فریضه، باید سختی‌ها و مصائب را تحمل کرد و صبر پیشه نمود. عزم الامور به کارهایی گفته می‌شود که باید روی آن تصمیم و عزم داشت و به تعیین کارهای انسان از روی اراده است، اما در بعضی از کارها باید از قبل درباره ی آن فکر و مشورت کرد و سپس تصمیم گرفت. اگر کاری مهم و اجتماعی باشد و بدون هماهنگی مستمر همگان حاصل نشود، می‌گویند این کار عزم ملی می‌طلبد، و امر به معروف و نهی از منکر، امری ملی، مصمم و جزمی است که با عزم همه ی مردم همراه است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). امر به معروف از جایگاه قدرت سخن گفتن است، نه سخنرانی و موعظه و اندرز یا مقاله نوشتن که این امور آسان و فراوان است، امر به معروف، صدور و دستور جلوگیری عملی از ناروایی‌ها زشتی‌هاست... لذا این بحث در کتب فقهی در مبحث جهاد آمده است... کسی که ندانسته گناه می‌کند مورد امر به معروف و نهی از منکر نیست بلکه باید او را به حکم شرعی آگاه نمود... اما کسی که فلان کار را عالمأ و عامداً مرتکب می‌شود... در این جا باید از موانع قدرت برخوردار نمود و جلوی تبه کار را گرفت، چنین کاری نیازمند یک عزم ملی است، از این رو به عنوان واجب کفایی مطرح است که مسؤولیت همگان را به همراه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). آیات دیگر در مورد عزم الامور: * شوری/۴۳: «وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ عَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ». هر کس صبر کند و ببخشايد، این عمل از عزم الامور است. * آل عمران/۱۸۶: «إِنْ تَصَبَرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ». اگر صبر کنید و تقوا به خرج دهید، این خود از عزم الامور است. عزم عبارتست از: تصمیم قلبی بر گذراندن و فیصله دادن به کاری،... پس هر کسی که به امری صبر کند، حتماً در عقد قلبی‌اش و محافظت بر آن جدیت دارد و نمی‌خواهد از آن صرف نظر کند و این خود از قدرت و شهامت نفس است (تفسیر المیزان، ج ۱۶: ۶ و ۳۲۵)

نتیجه‌گیری

بیشتر انسان‌ها در دوران دانش‌آموزی نقش‌پذیری اجتماعی و اخلاقی خود را می‌گیرند و در این مرحله بیشتر به دنبال مسائل دین و مذهبی می‌باشند و تأثیر‌پذیری زیادی نسبت به گفتارهای معلم دارند و معلم نیز باید از این فرصت استفاده کند و در حد امکان در گسترش و تبیین امر به معروف و نهی از منکر تلاش کند تا با هدایت دانش‌آموزان به این سمت امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه بگستراند و مردم را با فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر آشنا کند. بنابراین انتظار می‌رود که در مدارس استاندارد مؤلفه‌هایی از جمله ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در حکم یک اصل در میان دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد، و بیشترین انتظار در ترویج چنین مباحث مذهبی - اسلامی از معلمان و اساتید دانشگاهی که با قشر حساس دانش‌آموز و دانشجو سرو کار دارند و می‌توانند نقش بسزایی در مؤلفه‌هایی مانند گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند می‌رود. در آخر توصیه می‌گردد با برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان و اساتید با موضوعیت امر به معروف و نهی از منکر و کلیه شرایط و جوانب آن، دقت در جذب نیروهای متخصص علمی، مذهبی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها همچنین الگوسازی در مدارس، دانشگاه‌ها و جامعه جهت گسترش و فرهنگسازي این فریضه مهم الهی گام موثری برداشته شود.

منابع

۱. قرآن مجید
 ۲. نهج البلاغه
 ۳. تفسیرالمیزان، ۱۳۴۹
 ۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۲
 ۵. صانعی، یوسف، فقه و زندگی ۱۱، امر به معروف و نهی از منکر
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، نشر اسراء، ج ۸۱: قم، ۱۳۸۱
 ۷. اصول کافی، (ج ۵: ۵۶)
 ۸. فلاح‌زاده، محمد حسین، آموزش فقه، چاپ ۲۳، قم: انتشارات الهادی، تابستان ۱۳۸۴
 ۹. فرهادیان، رضا، تربیت برتر (آنچه والدین و معلمان باید بدانند)، ۱۳۷۴، قم
 ۱۰. تعلیم و تربیت در اسلام شهید استاد مطهری
 ۱۱. خامنه‌ای، سید علی، استفتانات، ۱۳۸۳
 ۱۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۱: ۴۸۴؛ ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران
 ۱۳. وسایل الشیعه، ج ۱۱
 ۱۴. مجلسی (رحمه الله) علامه محمد باقر: بحار الانوار، ج ۱۰۰
 ۱۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۲
 ۱۶. غرر الحکم موضوعی، ج ۲
17. <http://himeibadam.blogfa.com>: 15/10/1387
18. www.mardomsalari.com: 13/8/1387

شهروند مسئول و رابطه آن با بهداشت روانی

سعید بهشتی^۱

چکیده

یکی از اصول اساسی در بهداشت روانی که روان‌شناسان به تبیین آن پرداخته‌اند عبارت است از ارزش قائل شدن برای دیگران است.^۱

انسان نمی‌تواند از نظر روانی سالم باشد و در قبال دیگران احساس مسئولیت نکند و یکی از نمودهای احساس مسئولیت در قبال دیگران امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد اما پرداختن به این امر مستلزم اولاً شناخت مسئولیت و ثانیاً چگونگی اجرایی مسئولیت است به شکلی که مؤثر واقع شود. امر به معروف و نهی از منکر اگر در جامعه اسلامی احیاء شود به خوبی می‌تواند مشکلات فرهنگی موجود در اجتماع را کاهش دهد و شیوه‌ای بسیار مؤثر برای مقابله با تهاجم فرهنگی خواهد بود. اینکه مردم را به چه چیز امر و از چه چیزی نهی نماییم خود امری است که باید شناخته شود و اولویت بندی شود. یکی از اموری که شاید در اجتماع ما مورد فراموشی قرار گرفته در حالی که پیامبر امر به آن فرموده‌اند، رساندن پیام غدیر به دیگران است.

پیامبر اکرم در روز غدیر فرمودند:

... أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَيَّ قَوْلِي (آگاه باشید که اساس امر به معروف و نهی از منکر برای شما این است که بر گفتار من پایدار بمانید) وَ تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضُرْهُ (و سخنان من را به کسی که در این مکان حاضر نیست برسانید) وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ (و او را امر کنید که این سخنان را بپذیرد و با آنها مخالفت ننماید) فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنِّي (پس به درستی که آنچه من به شما گفتم دستوری بود از ناحیه خداوند و من نیز شما را به آن امر نمودم).^۱

واژه‌گان کلیدی: شهروند، مسئولیت، جامعه سالم، بهداشت روانی

شهروند کیست؟ مسئولیت پذیری چیست؟ بهداشت روانی یعنی چه؟

«شهروند» مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. بنابراین به کلیه افراد اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ که در یک جامعه زندگی می‌کنند شهروند گفته می‌شود.

زندگی کردن انسان‌ها در کنار هم یک جامعه را تشکیل می‌دهد و همچنین هر فرد را که در یک شهر زندگی می‌کند را یک شهروند می‌نامند. افراد زمانی لقب شهروندی را به خود می‌گیرند که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند و آن گاه است که مدینه تشکیل می‌شود و شهروند معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

منظور از مسئولیت پذیری پاسخگویی است. معنای مسئولیت‌پذیری پاسخگو بودن فرد در برابر اشخاص و محیط و جامعه است. «مسئولیت»؛ در لغت به معنای موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می‌باشد.^۲

امام سجّاد - علیه السّلام - می‌فرماید:

«إِعْلَمَ رَحِمَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ حَقُوقاً مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُهَا وَ سَكْنَةٍ سَكَنَتْهَا أَوْ حَالٍ خَلَّتْهَا أَوْ مَنَزَلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبَتْهَا أَوْ آئَالَةٍ تَصَرَّفَتْ فِيهَا فَكَبِّرِ حُقُوقَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ»^۴

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد نایین

بدان که خدای عزوجل را بر تو حقوقی است که در هر جنبشی که از تو سر می زند و هر آرامشی که داشته باشی و یا در هر حالی که باشی یا در هر منزلی که فرود آیی یا در هر عضوی که بگردانی یا در هر ابزاری که در آن تصرف کنی، آن حقوق اطراف تو را فرا گرفته است. بزرگترین حق خدای تبارک و تعالی همان است که برای خویش بر تو واجب کرده؛ همان حقی که ریشه همه حقوق است.

هر انسانی در هر سن، مقام، موقعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باید در برابر کارهایی که انجام می دهد و رفتارهایی که نشان می دهد پاسخگو باشند. کسانی که در برابر رفتارها و کارهای خود مسئولیت نشان نمی دهند اشخاص غیر مسئول یا بی تفاوت خوانده می شوند. یکی از عوامل عمده بی مسئولیتی یا بی تفاوت شدن در برابر رفتارها و کارها یاد نگرفتن مسئولیت پذیری است. برای دوری کردن از بی تفاوتی و مسئولیت ناپذیری باید راه مسئول و پاسخگو شدن را آموخت.

برای مسئول شدن در برابر کارها و رفتارهایمان لازم است شناخت کاملی از بعضی موارد زیر داشته باشیم.

۱. شناخت خود: منظور از شناخت خود توجه به ویژگی هایی است که هر فرد دارای آن است.
 ۲. شناخت موقعیت ها: مقصود از شناخت موقعیت ها آنست که هر فرد باید شناخت و آگاهی از موقعیتی که در آن قرار دارد بدست آورد.
 ۳. شناخت عمل یا رفتار: منظور از شناخت عمل یا رفتار آنست که هر شخص باید با توجه به شناخت خود، شناخت موقعیت ها، عمل یا رفتاری را که مناسب است تشخیص داده و انجام دهد. اگر هر یک از افراد، چه افراد کم سن و سال و چه افراد بزرگسال بتوانند خود را بشناسند و بدانند که در چه موقعیتی قرار دارند و رفتار و عمل مورد نیاز یا مربوط به همان موقعیت خود را انجام دهد نشان می دهند که مسئول بوده و مسئولیت پذیر هستند و برای بهتر و راحت تر زندگی کردن در کنار هم باید مسئولیت پذیر باشند. هر کس به طریقی باید به وظایف شغلی و انسانی خود بخوبی عمل کند و باید در قبال جامعه، اطرافیان، محیط زندگی و جامعه و رفتارهای خود احساس مسئولیت کند. خداوند هم در این مورد به هر فرد و گروهی مسئولیت های واگذار نموده است از جمله:
- مسئولیت دانایان و دانشمندان: خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند تا آنکه از دانایان عهد گرفت آموزش دهند.

مسئولیت عهد و وعده دادن: کسی که چیزی از او خواسته می شود تا زمانی که وعده نداده است آزاد است.

مسئولیت مسئولان: مسئولان اسلامی پاسبانان خداوند در زمین هستند و باید به تمام گروه ها و اقشار مردم رسیدگی نمایند و عدالت را در همه مواقع برقرار نمایند. هر کس به عنوان عضوی از خانواده انسانی در قبال سایر انسان ها و هموعان وظایف و مسئولیت های اخلاقی خاصی برعهده دارند. اسلام نیز با تأکید بر این گونه از معاشرت ها حدود و چهارچوب کلی روابط و اخلاق مسلمانان را مشخص کرده است.

مسئولیت اشخاص: اگر چنانچه محیط و جامعه انسانی را به قایقی تشبیه کنیم که نوع انسان در این قایق بر سطح موج و پرتلاطم آب ها برای رسیدن به ساحل مقصود در حرکتند افراد با سلاقی، تفکرات و اعتقادات متفاوت هر کس در جایی از این قایق نشسته باشد، در این بین فردی از افراد بخواهد با انجام رفتار شخصی خاصی به نوعی متفاوت مضر عمل کند، برای مثال بخواهد با میخی جای خود را سوراخ کند و در جواب سایرین به مکان شخصی خود استناد کند و این را حق خود بداند سایر افراد نمی توانند در برابر این شخص بی تفاوت بمانند چرا که سرنوشت آن ها در محیط به نوعی بهم گره خورده است و دیری نمی باید که آب تمام فضای درون قایق را

خواهد گرفت و تمامی مسافران را غرق کرده به دریای هلاکت و نابودی می کشاند. پس حساسیت توجه هر فرد به رفتار سایر افراد جامعه که به نوعی در سلامت آن جامعه نقش اساسی دارد مشخص می گردد. مسئولیت پذیری یعنی پاسخگو بودن در برابر خودمان، کسی یا چیزی. یک فرد با اخلاق، مسئولیت کارها و پاسخگویی در برابر آن‌ها را به عهده می گیرد. افرادی که مسئولیتی را قبول می کنند، کارهای خود را به موقع و با تمام تلاش انجام می دهند و در هر صورتی که در کار خود اشتباه کنند با تمام سعی خود، در اصلاح آن می کوشند. مسئولیت پذیر بودن افراد جامعه، یکی از ویژگی‌های مثبت آن جامعه محسوب می شود.

چند نتیجه مسئولیت پذیری

- افراد مسئولیت پذیر در رویارویی با مشکلات دچار سر در گمی نمی شوند.
- این گونه افراد به خاطر انعطاف پذیر بودن، تغییرات زندگی را پذیرفته و مشکلات را با صبر و حوصله از سر راه خود بر می دارند.
- افراد مسئولیت پذیر با اطرافیان و محیط سازگاری بیشتری دارند چون با کسب این مهارت به استقلال رسیده اند.
- رشد فکری شخص و شکوفایی استعدادهای او از دیگر نتایج مسئولیت پذیری است.
- افراد مسئولیت پذیر توان بالایی برای انجام درست و به موقع کارها دارند.
- بسیاری از بی نظمی‌ها و به هم ریختگی برنامه‌ها، به خاطر عدم مسئولیت پذیری افراد است.

شهروند مسئولیت پذیر

- آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، شرط نخست مسئولیت پذیری شهروند و از وظایف اصلی او می باشد.
- هر شهروندی که نسبت به شهر خود احساس مسئولیت کند در واقع به حقوق خود و دیگران احترام می گذارد و دیگران او را فردی قابل اعتماد می دانند.
- اعتماد شهروندان به یکدیگر زمینه را برای گسترش و توسعه شهرها به وجود می آورد.
- شهروندان با شرکت در کارهای مشارکتی می توانند در تأمین اقتصاد، کاهش هزینه‌ها و کاهش ضررهای ناشی از زندگی شهری مؤثر باشند.

چند ویژگی شهروند مسئولیت پذیر

- با قوانین و مقررات شهری کاملاً آشناست.
- حقوق دیگران را محترم می شمارد.
- به بزرگ‌ترها و سالخوردگان احترام می گذارد.
- در کار دیگران تجسس و عیب جویی نمی کند.
- بهداشت فردی را رعایت می کند.
- سیگار را تهدیدی برای سلامتی خود و دیگران می داند.
- نسبت به نظافت محیط شهری خود حساس است.

- در مصرف انرژی صرفه جویی می کند.
- از فرهنگ آپارتمان نشینی بالایی برخوردار است و با مشکلات آن کنار میاید.
- از فضای سبز، پارکها و دیگر امکانات شهری مانند اموال خود مراقبت می کند.
- از نوشتن یادگاری در اماکن عمومی پرهیز می کند.
- به وسیله نقلیه عمومی آسیب نمی رساند

هرچه یک شهروند شرایط موجود در جامعه را برای عضویت در تشکل مثبت ارزیابی کند و هر چه بین دیدگاههای خود با نظام سیاسی و اجتماعی احساس یکپارچگی بیشتری داشته باشد مشارکت و مسئولیت پذیری هم افزایش می یابد. مشارکت و مسئولیت شهروندان نقش مهمی در سالم سازی حیط اجتماعی خانوادهها و گروهها ایفا می کند و به تبع آن در رشد و اعتلای سلامت روانی در نظام اجتماع بزرگ تر مؤثر است و لذا باید بهای بیشتری به آن داده شود و باید برای از انزوا خارج کردن شهروندان جامعه مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری بین آنها را دارای اهمیت ویژه قلمداد کرد. برای بهتر شدن شرایط و حفظ و آرامش در بین جامعه باید شهروندان و مسئولان و تمامی انسانها به امر به معروف و نهی از منکر بیشتر از پیش اهمیت دهند.

چند ویژگی جامعه آشفته

۱. عدم مسئولیت. خودخواهی حاکم است و هر کس ب فکر خویش است.
۲. نبودن قانون مشترک. هر کس ساز خود میزند. وقتی قانون نباشد زور حاکم است.
۳. کاملاً از هم بیگانه و بی خبرند. وجه مشترک تردد در شهر و جامعه.
۴. فضا روانی مسموم به قهر و توهین و بی احترامی.

چند ویژگی جامعه سالم

۱. پذیرش مسئولیت در هر رده و هر جایگاه
۲. داشتن برنامه های مشترک گروهی
۳. احترام به قوانین و مقررات و عرف جامعه
۴. فضای جامعه مملو از احترام و گذشت و فداکاری
۵. وجود انسانهای خوب در جامعه

ویژگی انسان خوب = شری از اوصاف نمی شود + خیر جاری از او می ریزد.
گل باش خوش بو بخاطر بوییدن هیچ نخواه در ازاء بوییدن هیچ مگیر.
فضا و شرایط تعیین کننده در رشد فرد هستند اگر لیوان آلوده و کثیف باشد هر نوشیدنی و شربتی در آن بریزیم فایده ندارد کثیف است و بدبو چرا چون ظرف کثیف است. پس این فضا را باید چگونه ساخت و دنبال چی باید گشت تا شرایط و فضایی فراهم شود تا همه خود بخود خوب بار بیایند؟ اگر موانع را برداریم اگر جلوی آفتها را بگیریم همه آدمها خداجو هستند همه دنبال خوب بودن هستند بدشان می آید از ظلم از بدیها. پس باید فضا سازی کرد باید جلوی آفتها را گرفت فضا سازی یعنی حذف آفتها که در آن همه آدمها بسوی خدا می روند.
اینجاست که ضرورت مسئول بودن و حساس بودن نسبت به رفتار سایر انسانها آشکار می شود. ولذا ما شرعاً و عقلاً نمی توانیم نسبت به رفتار دیگران بی اهمیت باشیم/ سعادی هم این مطلب را در شعر زیبای خود بیان کرده که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
تو کز محنت دیگران بی غمی
که در آفرینش ز یک گوهرند
دگر عضوها را نماند قرار
نشاید که نامت نهند آدمی

و در قرآن کریم آمده است:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» ۶

هر کس، فردی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.
امام صادق ع فرموده‌اند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ

الْحُمَى» ۷

مَثَلُ مُؤْمِنَانِ فِي دَوَسْتِي وَ اِبْرَازِ رَحْمَتِي وَ عَاطِفَةٍ بِ يَكْدِيغِرِ، مِثْلُ بِيكِرِ اسْت. هِرْ گَاهِ عَضْوِي اَز اَن دَر دَمِنْدِ شَوْد، دِيْگِرِ اَعْضَايِ بِيْکِرِ، بَا بِي خَوَابِي وَ تَبِ، بَا اَن عَضْوِ هِم دَر دِي مِي کِنْد.

امر به معروف و نهی از منکر، مراتب و شیوه‌های آن

با توجه به فلسفه خلقت انسان که طبق بیان قرآن کریم عبودیت و بندگی است و از طرفی وجه تمایز انسان با سایر موجودات به ناطق و عاقل بودن انسان و حرکت او به سوی کمال می‌باشد، اهمیت و جایگاه این دو فریضه الهی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر بیشتر تبیین و روشن می‌گردد. از آنجایی که انسان غافل است و به دلیل عارض شدن نسیان بسیاری از مواردی که مفید برای اوست فراموش می‌کند بنابراین امر به معروف و نهی از منکر جزء ضروریاتی است که در جهت نیل به کمال برای هر انسانی ضرورت پیدا می‌کند. البته تأثیر نهی از منکر زمانی بیشتر و کاربردی‌تر می‌گردد که جایگزینی برای آن نهی پیدا کنیم تا بتوانیم افراد را به آن امر کنیم لذا نهی از منکر به تنهایی حلال مسائل و مشکلات نمی‌باشد.

حضرت امام محمد باقر (ع) می‌فرمایند: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه عظیم بها تقام الفرائض» ۸ یعنی امر به معروف و نهی از منکر واجب عظیم و بزرگی است که پابرجایی سایر واجبات به آن بستگی دارد. از تعبیر "بها تقام الفرائض" چنین استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر از لوازم حکومت اسلامی به شمار می‌رود.

الف- امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

به طور کلی می‌توان گفت که ریشه و کلیات احکام شرعی را باید در قرآن کریم و شرح و تفصیل و شاخه‌های آن را در سنت و گفتار اهل بیت جست. قرآن کریم در آیه‌های فراوانی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است که در این جا به برخی از این آیات می‌پردازیم:

۱. «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» ۹ باید از میان شما،

جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و آن‌ها همان رستگارانند.

۲. «ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر...» ۱۰ خداوند به عدل و احسان و

بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند...

از مجموع آیات فوق چنین بر می آید که امر به معروف و نهی از منکر دارای اهمیت بسیار زیادی از منظر قرآن کریم می باشد و همه آحاد جامعه اعم از دولتمردان و عموم مردم را شامل می شود و تاثیر بسزایی در سالم سازی محیط جامعه به همراه دارد. به طور کلی از آیات فوق نکات زیر را می توان استنتاج نمود:

۱. ترک امر به معروف و نهی از منکر علت فساد و نابودی جامعه و همچنین جوامع گذشته بوده است.
۲. وجوب امر به معروف و نهی از منکر از بدیهیات است و کسی از مسلمانان در آن شک نکرده است.
۳. وجوب این دو فریضه در همه ادیان الهی بوده و امت های گذشته نیز بدان مکلف بوده اند.
۴. امر به معروف و نهی از منکر از شئون پیامبری است.
۵. امر به معروف و نهی از منکر از حقوق متقابل مسلمانان است و افراد جامعه اسلامی در برابر آن مسئول اند.

ب- شیوه های عملی امر به معروف و نهی از منکر

هدف عمده و اساسی در امر به معروف و نهی از منکر محقق شدن معروف و زدوده شدن منکر است. برای نیل به این هدف به نظر می رسد که باید به دنبال بهترین و مؤثرترین راهکارها و شیوه های عملی بوده باشیم که در این راستا موارد زیر پیشنهاد می گردد:

۱. شیوه عملی: اولین و مؤثرترین شیوه در امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ عملی است. یکی از مهم ترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در ترویج و گسترش مکتب، توجه به این شیوه بوده است. پیامبر اکرم (ص) در اغلب کارها از قبیل کندن خندق، ساختن مسجد و برنامه های فرهنگی و اجتماعی و ... قبل از اینکه دیگران را تشویق به این کار کند خود پیشقدم می شد، همچنانکه امامان معصوم (ع) به این طریق امر می کردند. «كُونُوا دُعَاءَ إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ وَ كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا» ۱۱
۲. احترام به شخصیت افراد: دومین اصلی که در تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در خور توجه است، احترام به شخصیت افراد می باشد. مرتکبان منکر تا وقتی که متجاهر به گناه نشده اند و به طور آشکار خود را نیالوده اند محترم اند و نباید به هتک حرمت آن ها پرداخت.
۳. ارشاد تدریجی: معمولاً ما انتظار داریم کسانی که در گرداب منکرات غوطه ور شده اند یک دفعه آن ها را از گرداب در آوریم و یک مسلمان ایده آل بسازیم؛ در حالی که تربیت امری تدریجی است و فضایل و رذایل هیچ کدام یک مرتبه در جان انسان ها به وجود نمی آیند. در حقیقت می توان گفت که از علل نزول تدریجی قرآن توجه به این نکته مهم است، چرا که قرآن کتاب تربیتی است و برای هدایت انسان ها به سوی کمال مطلوب نازل شده است.
۴. نرمخویی و محبت: از شیوه های مهم و مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، نرمخویی و محبت است؛ و شکل بیان نیز تأثیر بالایی در انتقال پیام دارد بنابراین بسیار حائز اهمیت است که به شکل و شیوه ای درست و منطقی وارد این مقوله شویم. خصلتی که موفقیت پیامبر (ص) بنا به تصریح قرآن کریم مرهون آن بوده است.
۵. تشویق به ارزش ها: یکی از امتیازات مکاتب الهی تشویق به خوبی ها و ارزش هاست. پیامبر مکرم اسلام (ص) از عامل تشویق در جهت پیشبرد اهداف استفاده های زیادی می کرد. برای کسانی که دو رکعت نماز برای خدا می خوانند جایزه تعیین می کرد. پست های حساس سیاسی، فرهنگی و نظامی را به افراد لایقی می سپرد و به این ترتیب، امت را به نیکی و پاکی دعوت می فرمود. برای نمونه اسامه بن زید هجده ساله را به عنوان فرمانده لشکر منصوب فرمود.

۶. ایجاد فضای امر و نهی: شکی در این مسئله نیست که محیط هر چند نقش زیربنایی ندارد ولی در پرورش فضایل و رذایل نقش اساسی دارد. رسالت انبیا نیز مبتنی بر این اصل بود که محیط را به گونه‌ای آماده سازند تا خود مردم عدالت را برپا دارند: «لیقوم الناس بالقسط». بنابراین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» ۱۲

۷. برخورد عملی با مرتکبان منکر: به طور کلی اگر در کنار شیوه‌های گذشته این شیوه را مد نظر نداشته باشیم بدون شک امر به معروف و نهی از منکر بی نتیجه خواهد ماند. ۱۳

ج- مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱. مرحله انزجار قلبی: علمای اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. اولین درجه و مرتبه نهی از منکر، اعراض یا انکار قلبی است و این در مواردی است که ما با شخصی که با او صمیمیت داریم قطع رابطه کنیم و نسبت به او سردی نشان دهیم و این برخورد، برای او تنبیه تلقی شود، یعنی تحت یک زجر و شکنجه روحی قرار گیرد و این عمل ما در جلوگیری از کار بد او تأثیر داشته باشد؛ در غیر این صورت چه بسا فردی که از قطع رابطه ما استقبال کرده و او هم قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهای زشت برود در چنین مواردی این کار درست نیست.

۲. مرحله زبانی: درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند، مرحله‌ی زبان است. چه بسا آن بیماری که دچار منکری است، به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم دارد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاسد را برایش تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد.

۳. مرحله عمل: مرحله سوم عمل است. گاهی طرف در درجه و حالی است که نه اعراض و هجران و نه زبان و بیان بر او تأثیر نمی‌گذارد. در اینجا باید از راه عمل وارد شد. وارد عمل شدن نه تنها به زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست، البته مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است که آن هم از شئون حکومت اسلامی است و شهروندان جامعه اسلامی از پیش خود حق اعمال این تنبیهات را ندارند. امر به معروف عملی این است که نباید تنها به گفتن قناعت کند و فکر کنیم همه چیز را گفتن درست می‌شود. گفتن، شرط لازم است ولی کافی نیست. باید عمل کرد و آنچه مربوط به شهروندان است برخورد عملی غیرمستقیم است. ۱۴

بهداشت روانی

بهداشت روانی یعنی توانایی زندگی کردن شاد، سرزنده و بدون درد سر و گرفتاری.

بنا به تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO) بهداشت روانی فقط به معنای نبود بیماری روانی نیست، بلکه بیشتر با نوعی سلامت ذهنی ارتباط دارد. افرادی از نظر روانی سالم هستند که احساس کنند به خوبی با زندگی، مسائل و تغییرات آن کنار می‌آیند و می‌توانند زندگی خود را تحت کنترل داشته باشند، مسئولیت پذیر باشند، از توانایی‌های ذهنی خود به خوبی استفاده کنند، با دیگران ارتباط خوب و مناسبی برقرار کنند و به فعالیت‌های سازنده پردازند. یکی از برنامه‌های پیشگیرانه و در راستای ارتقای بهداشت روانی، برنامه آموزش مهارت‌های زندگی است. فرض زیربنایی برای طراحی این برنامه، پژوهش‌های انجام شده در مورد آسیب‌های روانی و اجتماعی است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آسیب‌های اجتماعی با مهارت‌های ارتباطی رابطه دارند و هدف اصلی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی این

است که فرصت‌هایی را فراهم آورد تا افراد مهارت‌هایی را بیاموزند و بتوانند در رابطه با سایر انسان‌ها و کل اجتماع به طور مؤثر، شایسته و مطمئن عمل کنند.

بهداشت روانی، پیش‌گیری از بروز بیماری‌های روانی و سالم‌سازی محیط اجتماعی است تا افراد جامعه بتوانند با برخورداری از تعادل روانی با عوامل محیط خود رابطه‌ای منطقی و سازش برقرار کنند. روان‌پزشکان فردی را از نظر روانی سالم می‌دانند که میان رفتار و کنترل او در مواجهه شدن با مشکلات اجتماعی تعادل وجود داشته باشد. با توجه به این که خانواده کوچک‌ترین تشکل جامعه محسوب می‌شود باید به بهداشت روانی آن بیشتر پرداخته شود تا افراد در روابط اجتماعی و رویارویی با مشکلات موفق باشند. یک شهروند در این مورد می‌گوید: خانواده‌ای از بهداشت روانی برخوردار است که رابطه بین زن و شوهر دوستانه و صمیمانه باشد در نتیجه فرزندان با الگو گرفتن از این رفتار و بزرگ شدن در کانون گرم خانواده، روابط اجتماعی خوبی خواهند داشت. شهروند دیگری می‌گوید: داشتن روابط اجتماعی خوب موجب موفقیت فرد در امور و افزایش امید به زندگی می‌شود در حالی که اغلب کسانی که در خانواده‌های از هم گسیخته و بی‌توجه به مسائل بهداشت روانی خانواده رشد می‌کنند، اعتماد به نفس کمی دارند و منزوی‌اند و در جامعه کنار زده می‌شوند. شهروند دیگری هم اظهار می‌دارد: وجود تفاهم، محبت، احترام، صبر و تحمل برای برقراری بهداشت روانی در یک خانواده بسیار مهم است و هر چه خانواده‌ها به این امر بپردازند جامعه سالم‌تر و روابط اجتماعی افراد مناسب‌تر خواهد بود. وی ادامه می‌دهد: رسانه‌ها، آموزش و پرورش و صدا و سیما می‌توانند با فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در خصوص بهداشت روانی خانواده و تأثیر آن بر روابط اجتماعی و موفقیت افراد، گام‌های مؤثری بردارند. وی معتقد است: باید به افرادی که سواد و تحصیلات پایینی دارند آموزش بیشتری داده شود تا در سالم‌سازی و بهبود سلامت و بهداشت روانی خانواده و جامعه خود بکوشند. یک معلم هم می‌گوید: اغلب دانش‌آموزانی که در مدرسه منزوی، بی‌انضباط، پرخاشگر، سهل‌انگار و ... می‌باشند در خانواده‌هایی تربیت شده‌اند که بهداشت روانی در آن خانواده‌ها نادیده گرفته شده است و این افراد هنگام ورود به جامعه با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد: مدارس باید با شناسایی این دانش‌آموزان و برگزاری کلاس‌های آموزشی و مشاوره برای والدین تأثیر بهداشت روانی را برای خانواده بیان کنند تا آینده‌سازان کشور در روابط اجتماعی خود دچار سردرگمی و یأس نشوند و نقش خود را در جامعه پررنگ و فعال احساس کنند. یکی از شهروندان با ابراز بی‌اطلاعی از اهمیت بهداشت روانی خانواده عنوان می‌کند: فراهم کردن درآمد بخور و نمیر برای خانواده‌ام فرصت نمی‌دهد به این موضوع فکر و نقش آن را در زندگی فردی و اجتماعی بررسی کنم: وقتی خانواده‌ها از نظر اقتصادی تأمین باشند می‌توانند به حفظ و برقراری بهداشت روانی خانواده نیز بیندیشند. یک کارشناس آموزشی، نقش خانواده و بهداشت روانی را در رشد شخصیت افراد بسیار مهم ذکر و بیان می‌کند: کسانی که در جامعه مشکلات مختلف شخصیتی و روانی دارند در خانواده‌های ناسالم رشد کرده‌اند: خانواده‌هایی که اعضای آن روابط سرد و به دور از هر گونه مهرورزی داشته باشند و به خواسته‌ها و عقاید یکدیگر احترام نگذارند به نوعی از هم گسیخته محسوب می‌شوند و ممکن است آسیب‌های زیادی به جامعه وارد کنند: تأمین بهداشت روانی افراد در خانواده جایگاه مهمی دارد و اجرای راهکارهای مناسب در این زمینه ضروری است. روش‌های نامناسب ارتباط افراد در یک خانواده به بهداشت روانی آن‌ها و در نتیجه به جامعه و روابط اجتماعی صدمه می‌زند: والدین باید برای رشد شخصیت فرزندان خود به تعلیم و تربیت اسلامی روی آورند و بیشترین بهره را از آن ببرند دور کردن افراد از ناهنجاری‌ها و آن چه با دین اسلام منافات دارد، موجب تعادل روانی و هماهنگی با روابط اجتماعی می‌شود. در افرادی که رفتار و اعتقادات خلاف جامعه دارند، تضاد شخصیتی و بحران‌های روانی و دوگانگی نمود پیدا می‌کند و حضور این افراد در اجتماع موجب مختل شدن روابط اجتماعی و به خطر افتادن سلامت سایر افراد جامعه

می‌شود، ریشه بسیاری از بیماری‌ها و اختلالات روانی در خانواده، بی‌توجهی به‌داشت روانی است در حالی که با اهمیت دادن به این موضوع می‌توان سلامت روانی خانواده را تأمین کرد و از ناهنجاری‌های موجود در جامعه کاست چنانچه شهروندی در جامعه با چنین با زیر پا گذاشتن اخلاق و قوانین بخواد سلامت جامعه را به خطر بیندازد و از زیر بار تکالیف شهروندی شانه خالی کند وظیفه عقلی و شرعی هر شهروند دلسوز ایجاب می‌کند که به شکل و شیوه درست و با رعایت ادب و حسن خلق و با در نظر داشتن مراتب امریه معروف و نهی از منکر وی را هدایت کند. اعتلای جامعه و مناسب بودن روابط اجتماعی بستگی به بالا بودن به‌داشت روانی محیط خانواده و سلامت افراد دارد و چنانچه شهروندی نسبت به اعمال و رفتار سایر شهروندان بی‌تفاوت باشد نه تنها در انجام وظیفه عقلی و شرعی خود کوتاهی کرده در واقع به ناامن شدن و بیمار شدن جامعه‌ای که فرزندان و خانواده خود در آن زندگی می‌کنند کمک کرده است. یک روان‌شناس هم اظهار می‌دارد: جامعه‌ای سالم است که از خانواده‌های بالنده و سالم تشکیل شده باشد بنابراین باید به به‌داشت روانی خانواده و روابط بین فردی در آن پرداخته شود تا بتوانیم در جامعه نیز سلامت روان خود را حفظ کنیم. والدینی که مهارت‌های مفید زندگی را نیاموخته باشند نمی‌توانند الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند و زمینه بروز مشکلات زیادی را در روابط اجتماعی فرزندان نشان ایجاد می‌کنند. فرزندان سرمایه‌های جامعه‌اند اعضای خانواده باید از روش‌های صحیح به کارگیری مهارت‌های زندگی مانند کنترل استرس و هیجان، مدیریت اقتصادی خانواده و ارتباطات برون خانوادگی و ... آگاهی کامل داشته باشند و آن‌ها را در تعلیم و تربیت فرزندان خود به کار ببرند. کودکی که پرخاشگری یا بی بندوباری و بی مسئولیتی پدر و مادر خود را در برابر مشکلات زندگی و در خانواده می‌بیند این روش را الگو برداری می‌کند و در آینده در روابط اجتماعی خود در جامعه آن را به کار می‌برد. داشتن روابط صحیح و صمیمانه افراد در خانواده مورد تأکید است: هر چه این روابط محکم تر و سالم تر و برخاسته از معنویات باشد روابط اجتماعی افراد مطمئن تر و منسجم تر خواهد بود. ازدواج موفق و تشکیل خانواده سالم، موجب حفظ به‌داشت روانی می‌شود بنابراین جوانان باید در انتخاب همسر خود دقت کافی داشته باشند: بالا بودن ظرفیت، متواضع بودن، آرامش فکری و نوع دوستی افراد در خانواده شکل می‌گیرد و از آن جا که این نهاد، اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است باید بیشتر به آن پرداخته شود: کم هزینه‌ترین راه داشتن جامعه سالم و روابط اجتماعی مطلوب، آموزش به‌داشت روانی خانواده است: خانواده مکانی است که می‌توان در آن به عشق، تفاهم، محبت، درک متقابل و پشتیبانی دست یافت. در خانواده سالم افراد به یکدیگر احترام می‌گذارند، به صحبت‌ها و نظرهای همدیگر گوش می‌کنند و پدر و مادر نیز در افزایش اعتماد به نفس فرزندان خود می‌کوشند و در نتیجه آن‌ها در اجتماع نیز با سایر افراد می‌توانند روابط سالمی برقرار کنند. تقویت اعتماد به نفس و افزایش عزت نفس در خانواده شکل می‌گیرد و موجب بالا رفتن روابط بین فردی و اجتماعی می‌شود. یک جامعه شناس با بیان این که انسان موجودی اجتماعی است که زندگی‌اش در محیط اجتماعی و در قالب روابط آن شکل می‌گیرد، می‌گوید: محیط‌های اجتماعی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و خانواده در این زمینه بیشترین اثرگذاری را بر رفتار اعضای آن دارد. وی با بیان این که پایه‌های شخصیتی فرد در خانواده شکل می‌گیرد اظهار می‌دارد: والدین در نوع روابط افراد خانواده تأثیر به‌سزایی دارند. بنابراین ناهنجاری‌های موجود در خانواده اثرات منفی خود را در جامعه بر جای می‌گذارد و برای جلوگیری از این امر باید به به‌داشت روانی خانواده به طور جدی پرداخته شود. وی ادامه می‌دهد: اگر خانواده محیطی مناسب و مطلوب باشد و پدر و مادر الگوی رفتاری خوبی داشته باشند خود به خود تأثیر مثبتی در رفتار فرزندان می‌گذارند. وی اظهار می‌دارد: هر جامعه تعریف مشخصی از رفتارها و روابط اجتماعی دارد و ارزش‌های جامعه به فرهنگ آن بر می‌گردد. وی می‌افزاید: در جامعه ما رفتاری مطلوب است که منطبق بر ارزش‌های دینی و اسلامی باشد بنابراین از خانواده‌ها انتظار می‌رود این رفتارها را میان

فرزندان خود رواج دهند. وی با اشاره به این که یکی از مشکلاتی که در جامعه برای فرزندان به وجود می‌آید تطابق نداشتن رفتارهای خانواده با جامعه، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی و ... است می‌گوید: این رفتارها موجب چندگانگی فرد در محیط اجتماعی می‌شود و در نتیجه روحیاتی در فرد به وجود می‌آید که از آن به عنوان نفاق، دورویی و نداشتن تعادل رفتاری و شخصیتی یاد می‌شود و این فرد عضو مفیدی برای جامعه نخواهد بود. وی اظهار می‌دارد: محیط خانواده باید متعادل و به گونه‌ای باشد که به فرزندان فرصت خودباوری و اظهار نظر دهد، در غیر این صورت فردی گوشه‌گیر و منزوی وارد جامعه خواهد شد. برای داشتن جامعه‌ای سالم باید برنامه‌های مختلفی در مراکز فرهنگی، مشاوره و کانون‌ها برای خانواده‌ها برگزار و آموزش‌های لازم ارائه شود تا در متعادل کردن و سالم سازی محیط خانه و بهداشت روانی خانواده تأثیر گذاشت.

اصول بهداشتی روانی

- احترام فرد به شخصیت خود و دیگران
- شناخت محدودیت‌ها در خود و افراد دیگر
- دانستن این حقیقت که رفتار انسان معلول عواملی است
- آشنایی با اینکه رفتار هر فرد تابع تمامیت وجود اوست
- شناسایی احتیاجات و محرک‌هایی که سبب ایجاد رفتار و اعمال انسان می‌گردد.

شخصی که این اصول را فهمیده و بپذیرد مسلماً واقع‌بینانه با مشکلات زندگی مقابله کرده و با وجود موانع دلسرد نمی‌شود زیرا می‌داند که زندگی یعنی کشمکش با عوامل مختلف، شخص انعطاف‌پذیر می‌داند که احتیاج فرد هیچ وقت مطابقت کامل با مقتضیات زندگی نمی‌کند و بر این اساس سعی می‌نماید در برآوردن احتیاجات خود واقعیات را در نظر گرفته، بیشتر از اندازه لازم توقع نداشته باشد او می‌پذیرد که تعارض روانی اغلب اتفاق خواهد افتاد و برای مقابله با آن خود را آماده می‌سازد این شخص در زندگی هدف‌های معینی دارد و برای رسیدن به آن‌ها سعی وافی خواهد نمود به علاوه شناسایی خود و دیگران خوش‌بینی و احترام او را نسبت به بشریت زیاد می‌کند. خلاصه اینکه او دیگران را آنطور که هستند قبول دارد و به جای ایده‌آلیسم در رابطه با آن‌ها رئالیسم و واقع‌بینی را اتخاذ نماید. بدین وسیله قادر است به آنان اعتماد نموده با اطمینان خاطر به یک زندگی بی‌تشویش ادامه دهد. ۱۵.

توجه به بهداشت روانی مؤثر و همگانی در بسیاری از جوامع امروز جزء مسائل اصلی اجتماعی قرار گرفته است. تبلیغات مثبت، آشنایی عمومی افراد از طریق برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و نشریات آمادگی بیشتری برای پذیرش چنین مسائلی را به وجود آورده به طوریکه غالباً بسیاری از افراد داوطلبانه اقدام به دریافت کمک به منظور رفع عوارض عصبی خود می‌کنند.

بحث و گفتگو با یک متخصص روانی (روانپزشک، روان‌شناس بالینی، مشاور، مددکار اجتماعی) می‌تواند از نتایج مؤثری برای حل و فصل تضادهای شخصی برخوردار باشد. استفاده از روش‌های روان‌درمانی باید در دسترس همگان قرار گیرد و مخصوص افراد با طبقه خاصی نباشد. لذا بهتر است سازمان‌های درمانی پزشکی از روان‌درمانی نیز استفاده کنند و این امر به طریقی انجام گیرد که افراد نیازمند بدون صرف هزینه‌های قابل ملاحظه و یا سرگردانی زیاد بهره‌مند شود. تنها از این طریق است که می‌توان برای بهداشت روانی عمومی گام‌های مؤثری برداشت.

در تمام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و حتی دبیرستان‌های بزرگ باید مراکز روان‌درمانی وجود داشته باشد تا نسل جوان بتواند از معاضدت و معاونت حرفه‌ای و مؤثر بهره‌مند گردد. چه اگر در سنین جوانی و بلوغ چنین مسائلی حل و

فصل شدند نه تنها سریع برطرف خواهند شد بلکه سلامت روانی آینده فرد و اجتماع نیز بهتر تضمین می‌گردد. جای آن است که در اینجا از ابعاد اصلی بهداشت روانی مؤثر را که جنبه کاربردی دارد را بیان نموده و هر کس می‌تواند آن‌ها را اساس قضاوت خود برای مراجعه به متخصص روان درمانی مخصوص در دانشگاه و دفاتر مشاوره قرار دهد.

- ماهیت مفهوم فردی: مفهوم فردی قضاوت فرد را درباره خودش روشن می‌سازد و متضمن آگاهی از نکات مثبت و منفی رفتار می‌باشد. فردی از نظر روانی سالم است که درباره رفتارهای خود آگاهی داشته بتواند به طور عینی هدف‌های خود را بررسی نموده با توجه به توانایی‌های شخصی فعالیت نماید. واقع‌بینی و اجتناب از خودفریبی اهمیت خاصی دارد. مهم‌ترین عامل در سلامت فکری و بهداشت روانی واقعیت‌گرایی و قبول خویشستن خویش است آنچنانکه هست. فرد باید توانایی‌ها و کمبودهای خود را آنگونه که هستند بپذیرد. باید تأکید کرد که مسئله قناعت و یا رضایتمندی فردی را به هیچ وجه مطرح نیست بلکه تنها به توانایی‌های شخصیت و کمبودهایی که در هر یک از افراد آدمی وجود دارند اشاره نموده پذیرش آن‌ها را با توجه به واقعیت زندگی توصیه می‌شود.

۱. فرد باید بداند کیست، چه می‌خواهد، در زندگی چه هدف‌هایی را تعقیب می‌کند. در اینجاست احساس شناسایی فردی اهمیت خاصی می‌یابد. پذیرش ارزش‌های دیگران به طور عینی و واقع‌بینانه جزء دیگری از خودشناسی را تشکیل می‌دهد.

۲. درگیری فعالانه با عوامل محیطی: معیار دیگری که نشانه سلامت فکر است، درگیری فعالانه فرد با عوامل محیطی می‌باشد. کسانی که تسلیم محض دیگرانند و درگیری فعالانه‌ای ظاهر نمی‌کنند از نظر عاطفی و رشد ضعیف‌اند. بشر تا زمانیکه حیات دارد باید فعالیت کند و کوشش‌هایش جنبه سازندگی داشته باشد. همکاری و همگامی با سایر افراد اجتماع نیز جزئی از بهداشت روانی است.

۳. استقلال و خودمختاری: بخش مهمی از شخصیت بالغ را استقلال و خودمختاری شخصی تشکیل می‌دهد. به طوری که بارها اشاره شده است ضمن رشد و نمو بتدریج از جنبه‌های وابستگی فرد از والدین کاسته شده و زمینه برای استقلال فردی آماده می‌شود. محیط تحصیلی بخصوص دانشگاه و مدارس عالی بهترین وسایل را برای داد و ستد با محیطی غیر از خانواده و همسایگان فراهم می‌سازد و تدریجاً شخص را به سوی خوداتکایی در تصمیمات و اتخاذ روش مطلوب زندگی آتی سوق می‌دهند. البته استقلال بیش از حد نیز به خودسری و لجاجت می‌انجامد. لذا میانه‌روی در این موارد الزامی است. عوامل دیگری نیز در این رابطه گفته شده بدین صورت کسی که از سلامت فر برخوردار است باید بتواند درگیری عاطفی داشته باشد، قبول محبت نموده، به دیگران مهر بورزد، احساس حقارت نکند و به منظور رفع آن از واکنش‌های شدید جبرانی استفاده ننماید، انحرافات شدید اخلاقی نداشته باشد، خصومت و پرخاشگری او بیش از حد معینی جلوه نکند، رضایتمندی نشان دهد و از همه مهم‌تر واقع‌بینی را شعاع خود سازد و در نهایت با دیگران ارتباط سالم برقرار نماید. تردیدی نیست آدمی همواره در رفتار و کردار خود به منظور سازگاری بهتر با محیط تغییراتی خواهد کرد.

شخصیت افراد کیفیت تثبیت شده‌ای نیست چون رفتار آدمی به طور مستمر متأثر از محیط و قوانین رشد است. لذا آنچه امروز در فردی ملاحظه می‌کنیم احتمالاً فردا تغییر خواهد کرد. پیشرفت همراه با تغییر همیشه لازمه زندگی است. درک و پذیرش و تغییر رفتارمان به هنگام لزوم نشانه پختگی عاطفی ما است. بدیهی است در اجرای این امر نیازمند به کمک و همکاری دیگران می‌باشیم که مشاوران نیز از این جمله می‌باشند

پرورش مهارت‌های زندگی و آموزش آن‌ها در بین افراد جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که با زندگی روزمره آن‌ها ارتباط مستقیم دارد و آن‌ها را در حل مشکلات اجتماعی و روانی یاری می‌کند. مهارت‌های زندگی بخش مهمی از نحوه‌ی چگونگی زیستن بوده و در تربیت شهروندان نقش بسیار مهمی دارد. هدف کلی این مهارت در زندگی شامل مهارت‌های تفکر خلاق و انتقادی، شهروند مسئول بودن، خودآگاهی و داشتن هدف، برقراری ارتباط، تصمیم‌گیری و حل مسئله، بهداشت و سلامت جسمی و روانی و مشارکت و همکاری در سطح جامعه است.

اگر ما بخواهیم یک شهروند خوب تربیت کنیم باید بینش این را بدهیم که چرا باید قوانین را رعایت کرد و قوانین شهروندی چه هست و اگر رعایت نکنیم چه می‌شود و چه اتفاقی می‌افتد و رعایتش چه فوایدی دارد اگر شخص تمام این اطلاعات را گرفت انگیزه برای بکارگیری آن‌ها پیدا خواهد کرد بعد از گرفتن اطلاعات نوبت پرورش گرایش‌ها و علائقتست. یعنی چه کنیم که علاقه و انگیزه به اجرای این قوانین پیدا کند با این روش او را به سمت یک شهروند خوب شدن می‌بریم. مثلاً برای امر به نماز خواندن بعنوان یک عمل فردی و رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در سطح شهر، در درجه اول باید فلسفه آنرا روشن کنیم چنانکه نیچه فیلسوف آلمانی می‌گوید آنکه چراهای زندگی را یافت با هر چگونگی خواهد ساخت. آدم‌ها اگر علت و فلسفه رفتار را بیابند انگیزه‌ای برای بکارگیری پیدا می‌کنند همچنین آلبر کامو می‌گوید مجازاتی بالاتر از کار بیهوده نیست. اینکه من ندانم برای چی دارم یک کار انجام می‌دهم. انجام قانون و تکلیف رنجی در پی دارد مثل ورزش کردن یا درس خواندن و... اگر هدف و فلسفه‌اش را بدانند مثل همان داروی تلخی است که به قیمت بالا تهیه کرده می‌خورد خوشحال هم هست که داروی تلخ را گران خریده و دارد استفاده می‌کند. به عبارتی:

چون صفا بیند بلا شیرین شود خوش شود دارو چو صحت بین شود ۱۶

پس ما باید دلایل و چرایی انجام اعمال و قوانین را بدانیم دلایلی قوی برای نسلی قوی که قانع نمی‌شود. بعد پرورش گرایش و علائق آن‌ها از طریق ارائه الگوست. باید الگوهای جذاب معرفی شود تا با دیدنش گرایش به انجام پیدا کنند.

والسلام

منابع

۱. بهداشت روانی سعید شاملو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۵
۲. بحار الأنوار، ۳۷ ۲۱۵ باب ۵۲- أخیار الغدیر
۳. علی اکبر، دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا، ج ۳۴، ص ۴۴۷
۴. محمد بن بابویه، شیخ صدوق، خصال، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، شیراز، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا، ص ۶۷۴
۵. اصول کافی، ج اول باب علم و جهل
۶. قرآن سوره مائده آیه ۳۲
۷. مستدرک الوسائل، ۱۲، ۴۲۴ ۳۲- باب استحباب آلبر بالمؤمن
۸. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵، باب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر
۹. سوره آل عمران آیه ۱۰۴
۱۰. سوره النحل آیه ۹۰
۱۱. اصول کافی ج ۲ ص ۷۷ باب الورع
۱۲. بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۳۸ باب ۳۵- الإنصاف و العدل
۱۳. ره توشه راهیان نور ویژه محرم الحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ شمسی، ص ۱۸۶
۱۴. تلخیصی از جلد دوم حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ص ۱۹۳-۱۹۷.
۱۵. بهداشت روانی بهروز میلانی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۴
۱۶. مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۰۴- ۱۰۸.

مفهوم پردازی امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد وظایف یک شهروند مسئول

محمدحسین پسندیده^۱

دکتر رضا اسماعیلی^۲

چکیده

با توجه به تأکیدات غریب به ۹۰ آیه‌ای در قرآن کریم و نظر به آموزه‌های دین مبین اسلام که در اصل هشتم قانون اساسی نیز به همگانی بودن آن توجه شده است این فریضه واجب و اثرگذار در جامعه اسلامی همچون خورشیدی در کلهکشان آموزه‌های دینی می‌درخشد. لذا شناخت ابعاد و زوایای امر به معروف و نهی از منکر یک اصل بنیادین است، که تفکر مسلمانان را زلال و ناخالصی‌های آن را جدا می‌کند و آنان که این اصل مهم را به خوبی شناخته‌اند در دام چنین لغزشگاه‌های خطرناکی قرار نمی‌گیرند. بنابراین، لازمه‌ی شناخت این آسیب‌ها، کسب آگاهی دقیق و روشن از آنهاست. چه بسا عدم آگاهی از این آسیب‌ها، عواقب و اثرات نا مطلوبی برجای می‌گذارد که حتی منجر به نابودی یک ملت نیز می‌گردد. در مان این عواقب تنها از طریق رفع علت‌هاست که آن هم رواج امر به معروف و نهی از منکر با جذب نیروهای آگاه همراه با برنامه ریزی دراز مدت می‌باشد. در این مقاله که روش آن توصیفی-تحلیلی است به مفهوم پردازی این فریضه مهم می‌پردازد و در ادامه به بررسی معانی لغوی و تخصصی آن، اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن، روایات و کلام معصومین، مراتب و شیوه‌های انجام این فریضه مهم در اجتماعی که همه افراد آن باید یک شهروند مسئول باشند پرداخته است.

واژگان کلیدی: مفهوم پردازی، امر به معروف، نهی از منکر، شهروند مسئول

مقدمه

با نگاهی گذرا به سرگذشت بشر در می‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر از پیشینه‌ای به قدمت انسان برخوردار است. هدف بعثت انبیاء الهی نیز دعوت مردم به خیر، صلاح، توحید و بازداشتن آن‌ها از پیروی طاغوت بوده است. حضور پیام آوران وحی در عرصه‌ی تحولات اجتماعی به اندازه‌ای چشمگیر است که می‌توان گفت همه‌ی حرکت‌های اصلاحی و دگرگونی‌های سازنده در جامعه بشری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر تحقق یافته است. امیرالمؤمنین علی(ع) فرمودند: «قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ» قوام و جوهره‌ی وجودی شریعت، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف انتشار خوبی‌ها و افشاندن بذریکی‌ها در کشتزار جان آدمی است تا با به ثمر رسیدن هر بذری، گلی از درون آن شکفته شود و در نتیجه جامعه گلزاری، از ارزش‌ها، نیکی‌ها و فضیلت‌ها گردد. نهی از منکر بارش قطرات زلال باران بر سرزمین گنهکار است که شعله‌های معصیت را خاموش می‌سازد و به گسترش تیرگی‌های قلبش پایان می‌بخشد و چنین ویژگی‌هایی است که این دو فریضه‌ی نورانی را بر سایر فرائض امتیازی بزرگ بخشیده است. قرآن که در رأس کتاب‌های آسمانی است به طرز زیبا و شگفت‌آوری مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر را از جنبه‌های گوناگون به تصویر کشیده است. در قرآن شریف، آیات بسیاری در این باره آمده است. امر به معروف و نهی از منکر از مسائل مهمی است که در مکتب سایر پیامبران نیز به آن توجه خاص شده و از اصول اساسی دین محسوب می‌شود. در اخبار و روایات اسلامی نیز موضوع امر به معروف و نهی از منکر، مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته است و با توجه به این روایات و

۱. کارشناس ارشد رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه در رشته مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

تأکیدات فراوان آن، به اهمیت این موضوع و مسئله بیشتر پی می‌بریم. امر به معروف و نهی از منکر در عین حال که یک دستور دینی است و برای اجرای آن شرایط و مقرراتی در شرع مقدس اسلام بیان شده است، یک جهاد اجتماعی نیز می‌باشد. بدون شک فراگیری روش‌های صحیح این رفتار، امری ضروری است، تا با اعمال صحیح آن، بر میزان اثربخشی آن افزوده شده و از خطرات اجتماعی رفتارهای دور از شأن این فریضه الهی کاسته شود.

تعریف و تبیین موضوع

امر به معروف و نهی از منکر ضامن هستی بخشی به وجود عینی دین است و مهم‌ترین اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر خسارت و ضربه زدن به وجود عینی دین می‌باشد، تمام آثار و نتایج خسارت باری که در ترک این فریضه به نظر می‌رسد، همه در حول و حوش این ضرر و زیان عظیم و کلی است. اصولاً دین داری سه وجود است که نسبت به دو وجود آن جامعه متدین دارای رسالت نیست. این سه گونه وجود عبارت‌اند از وجود مکتبی، وجود انسانی و وجود عینی در وجود مکتبی، ضامن حفاظت و پاسداران از دین منحصرأ خداوند است که فرمود: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» در این آیه خداوند حفاظت از ذکر که وجود مکتبی دین است را منحصر در خودش می‌داند خداوند متعال وجود مکتبی دین را تا به امروز در برابر تمام حوادث، چالش‌ها، ناگواری‌ها و ناهمواری‌هایی که در فراز و نشیب‌های زندگانی اجتماعی و سیاسی است در تاریخ به وجود آمده، حفظ کرده و حتی کوچک‌ترین تبدیل و تغییری در آن پدید نیامده است. احیای این دواصل بیانگر حیات و سرزندگی جامعه می‌باشد و فراموش کردن این دو اصل موجب رخوت و سستی، بی‌تفاوتی و به تدریج اضمحلال و مرگ جامعه خواهد شد. بر هر مسلمان و مکلفی واجب است در چارچوب قوانین شرع عمل به معروفات را توصیه کرده و دیگران را از مبادرت به منکرات بازدارد. انسان به خاطر خلقت و آفرینش بسیار ظریف و در عین حال پیچیده‌ای که دارد همواره اصطکاکاتی در مسیر راه او به واسطه مصالحی قرارداده شده و سرشت وی گرایش به کمال جویی و صعود الی... نیز است و به خاطر اینکه در مسیر اصلی قرار بگیرد و استعدادهای بالقوه خود را تبدیل به فعل نماید، خداوند تبارک و تعالی او را رهبری و هدایت فرموده و به قولی خداوند برنامه‌های خود را از امر به معروف و نهی از منکر شروع کرده است این ضرورت به کمال رسیدن انسان را وادار می‌نماید که مناهی را بشناسد و بر ترک آن‌ها اقدام نماید و معارف را نیز بکار بندد. به این لحاظ بحث امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک ضرورت فردی و اجتماعی قابل بررسی است.

مسئله امر و نهی و تشویق و هشدار ریشه در درون هرانسانی دارد و مربوط به زمان و مکان یا منطقه خاصی نمی‌شود. و هر مسئله اینگونه فراگیر باشد نشان از فطری بودن آن است. هشدار و احتیاط و فریاد در برابر خطرها و انحرافات مخصوص انسان نیست در قرآن مجید می‌خوانیم: وقتی مورچه‌ای دید حضرت سلیمان(ع) با لشکرش در حرکت‌اند فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه‌های خود بروید تا پایمال نشوید. هنگامی که هدهد در پرواز خود از فضای کشور «سبا» متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند نزد حضرت سلیمان آمد و از این انحراف شکایت کرد. بنابراین، فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران نه تنها مسئله‌ای فطری برای انسان‌هاست، بلکه ریشه‌ای غریزی نیز در حیوانات دارد. با توجه به تشخیص عقل که با لذات می‌تواند حسن و قبح کلی اشیاء را درک نماید و میل به کمال جویی که به واسطه آن تمام سعی و کوشش انسان بر این خواهد بود که خود را به مدارج عالی برساند و واکنش طبیعی که فرد در برابر افعال بد از خود نشان می‌دهد. می‌توان فطری بودن و عقلانی بودن امر به معروف و نهی از منکر را ثابت کرد اگر چه جمعی از دانشمندان معتقدند که وجوب این فریضه با دلیل عقلی ثابت شده اما ادله کتاب و سنت به این امر مشروعیت

بخشیده و به عنوان یک فریضه واجب برای مسلمانان نمود پیدا کرده است. جایگاه امر به معروف: اولین وظیفه انبیاء علیهم السلام امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

قرآن حکیم می‌فرماید: مادر میان هرامتی پیامبری مبعوث کردیم که مهم‌ترین کار و وظیفه او دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست. این موضوع از همان روزهای اول بعثت پیامبر اسلام (ص) مورد عنایت اسلام بوده است. سوره و العصر که اوائل بعثت در مکه نازل شده است، در جمله (تواصو بالحق و تواصو بالصبر)، اشاره به امر به معروف می‌کند و از مومنان می‌خواهد تا یکدیگر را به کارهای حق و پایداری در راه خدا سفارش کنند. از دیدگاه علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر شاخه‌ای از جهاد است. امام علی (ع) در مقابل پرسشی پیرامون ایمان، می‌فرماید: ایمان چهار ستون دارد؛ صبر، یقین، عدل و جهاد... جهاد هم چهار قسمت دارد؛ امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در همه شرایط حساس و مخالفت با فاسقان (غررالحکم).

«غایه الدین الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اقامه الحدود». هدف اصلی دین، امر به معروف و نهی از منکر و به یادداشتن حدود است. «تبتنی الاخوه فی الله علی التناصح فی الله و التبادل فی الله و التعاون علی طاعه الله و التناهی عن معاصی الله و التناصر فی الله و اخلاص المحبه»، برادری در راه خدا بر چند چیز بنا شده است؛ نصیحت کردن به همدیگر در راه خدا، بخشش به هم در راه خدا، کمک به یکدیگر بر اطاعت خدا، بازداشتن یکدیگر از نافرمانی خدا، یاری همدیگر در راه خدا و خالص بودن در دوستی. گاه برانگیختن شخص برای انجام امری واجب چنان ارزشمند می‌شود که پاداش همسان با اصل عمل به وی عطا می‌شود و این انگیزش انجام نمی‌شود مگر به وسیله امر به معروف و یا نهی از منکر، زیرا در صورتی که امری نمی‌شد، اساساً کاری هم صورت نمی‌گرفت و یا اگر نهی نمی‌شد، حرامی ترک نمی‌شد. لذا امام علی (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌فرمود: «من شفع شفاعه حسنه او امر بمعروف... فان الدال علی الخیر کفاعله». آن کس که برای کار خوب پادامیانی کند یا امر به معروف کند... پس (بداند) که راهنمایی کننده به خیر مانند انجام دهنده آن است و می‌فرمود: «من امر بمعروف او نهی عن منکر او دل علی خیر او اشار به، فهو شریک و من امر بسوء او دل علیه او اشار به فهو شریک»، کسی که امر به معروف یا نهی از منکر کند یا به خیری راهنمای یا اشاره کند و آن که به بدی امر یا دلالت یا اشاره کند، او نیز در گناه آن شریک است. (منتخب الاحادیث شیعه).

آشنایی با معانی مفهومی امر به معروف و نهی از منکر

معنای، امر، نهی، معروف، منکر، آسیب از لحاظ لغوی و تخصصی:

امر جمع امور، به معنی فرمان دادن، فرمان، حکم، کار و حادثه (مطهری، ۱۳۷۸). در مفهوم واژه‌ی امر گفته‌اند: «هو الطلب مع الاستعلاء» امر همان خواستن یا برتری است که مترادف با فرمان است (قدسی، ۱۳۸۰). امر کلمه‌ای سه حرفی عربی است که اگر به صورت مصدر به کار برده شود معنای آن در زبان پارسی: فرمودن، فرمان دادن، دستور دادن، و ادا نمودن، و داشتن و چنان چه به صورت اسم به کار برده شود معنای آن فرمان، فرمایش، دستور و واداری خواهد بود (سالک، ۱۳۸۰). نهی باز داشتن، منع کردن، خلاف امر نهی از منکر، بازداشتن از کاربرد، جلوگیری کردن (مطهری، ۱۳۷۸). در مفهوم واژه نهی گفته‌اند: النهی الزجر عن الشیء نهی بازداشتن از چیزی است (قدسی، ۱۳۸۰). نهی کلمه‌ای سه حرفی عربی است که اگر به صورت مصدر به کار برده شود معنای آن در زبان پارسی: باز داشتن و جلوگیری کردن کسی از کاری یا گفتاری یا کرداری و چنان چه به صورت اسم به کار برده شود معنای آن در زبان ما، بازداری و جلوگیری کسی از کاری یا گفتاری یا کرداری خواهد بود (سالک، ۱۳۸۰). معروف: کار نیکو از نظر شرع و عقل، برخلاف منکر (امین، ۱۳۸۲). المعروف:

(عرف): مشهور، شناخته شده، نیکویی، رزق، طاعت خدا(دهخدا، ۱۳۴۲). واژه «معروف»: در لغت به معنای شناخته شده و مقصود آن کارهایی است که مورد تأیید عقل و شرع است (قدسی، ۱۳۸۰). معروف: کلمه‌ای پنج حرفی عربی و اسم مفعول از فعل عرف یعرف است و معنای آن به زبان فارسی: دانسته شده، شناخته شده می‌باشد. معناهای نامی، نامدار، نامور، نامبردار، بلندآوازه و سرشناس نیز برای معروف نوشته‌اند (سالک، ۱۳۸۰). کارهایی که اسلام آن‌ها را واجب کرده (شکوری، ۱۳۷۹). اسمی است که برای هر کاری، با عقل و شریعت نیکو شناخته، هر کار نیکویی که علاوه بر نیکویی آن، انجام دهنده‌اش، آن را به این وصف نیکویی بشناسد، منکر کارهایی که اسلام آن‌ها را حرام نموده، چیزی که به زشتی شناخته شده. هر کار بدی که انجام دهنده‌ی آن، خودش آن را به این وصف (بدی) بشناسد و یا توسط دیگری شناسانده شود (نوری، ۱۳۷۷).

نکر المنکر: کار ناپسند از نظر مردم، کار زشت و ناپسند از نظر شرع المنکر: انکار کننده، کسی که چیزی یا دیگری را نشناسد (ابراهیمی، ۱۳۸۵). منکر: از ماده ی «انکار» و «نکر»: ناشناخته، ناپسند، زشت و قبیح که جمع آن منکرات و مناکر می‌باشد. واژه «منکر»: نیز به معنی ناشناخته و مقصود از آن کارهایی است که مورد نکوهش عقل و شرع است (بی‌نا، ۱۳۷۱). منکر: کلمه‌ای چهار حرفی عربی و اسم مفعول از فعل (مزید) انکر، ینکر است و معنای آن به زبان فارسی: نادانسته، ناشناخته و بی نشان ... است. معناهای ناروا، بد، قبیح، ناشایسته نیز برای منکر گفته‌اند امر به معروف یعنی: امر به انجام کارهای شایسته و پسندیده نهی از منکر یعنی: نهی از انجام کارهای ناشایست و ناپسند (فولادی، ۱۳۸۰).

آسیب در لغت به معنای زخم، ضرب، صدمه، تعب و رنج، مشقت، آفت، نکبت، بلا، فتنه، خطر، گزند، آزار، کوفتگی (دهخدا، ۱۳۴۲). زیان، خسارت، کوب، ضربه و چیزهای دیگر به کاررفته است (عمید، ۱۳۸۰). معنای آسیب و آسیب‌شناسی، معروف و منکر از لحاظ اصطلاحی آسیب و انحراف و یا کج روی، مفاهیمی معادل و مشابه هستند. مفهوم مشترکی که در این دو واژه می‌توان یافت عبارت است از عدم التزام به آن چه که باید باشد. عدم التزام عملی به هنجارهای مورد قبول جامعه، آسیب شناخته می‌شود. بنابراین، آسیب‌شناسی به معنای آن است که در عمل، «بایدها» چه میزان رعایت نگردیده است. آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر هرگونه آفت و خطر و گزند و ناراحتی که ممکن است به این دو، واجب الهی، در مرحله‌ی شناخت و اجرا، از ناحیه‌ی اجرا کننده و اجرا شونده، وارد آید و این عمل ظریف را با اشکال و گزند و آسیب مواجه کند، می‌باشد (بی‌نا، ۱۳۷۸).

امر به معروف و نهی از منکر، یعنی: امر کردن به انجام کارهای شایسته و نهی کردن از انجام کارهای ناشایست است امر به معروف و نهی از منکر و شناخت آسیب‌های آن یکی از اصول عملی اسلام و از مهم‌ترین فرائض دینی در اسلام و فقه اسلامی است موضوع امر به معروف و نهی از منکر در کتب فقهی شیعه، بالاتر از حدّ یک واجب الهی معمولی مطرح شده و در ردیف ضروریات دین از آن یاد شده که منکر آن در صورت آگاهی، کافر شناخته شده است (بی‌نا، ۱۳۷۱). واژه‌ی آسیب در لغت؛ به معنای؛ صدمه، خطر، آفت، زخم و ... است و در اصطلاح به معنای عدم التزام به هنجارهای مورد قبول جامعه، آسیب شناخته می‌شود بنابراین، آسیب‌شناسی به معنای آن است که در عمل، «بایدها» چه میزان رعایت نگردیده است بهترین راه شناخت این دو فریضه، مراجعه به شرع مقدس که همان عقل خارجی است، می‌باشد و از طریق عقل می‌توان معروفات و منکرات را شناخت؛ زیرا عقل سلیم می‌تواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد. از این طریق می‌توان فهمید، معروف کدام است و منکر چیست (حسامی، ۱۳۷۵).

اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در بیان قرآن، روایات و کلام معصومین

انسان موجودی اجتماعی است و ضرورت زندگی اجتماعی، انسان را مجبور می‌کند تا از برخی خواسته‌های خود چشم‌پوشی نموده و رفتار خود را در چارچوب آن اجتماع، کنترل نماید، زیرا رمز بقای یک اجتماع به دلیل وجود قواعد تنظیم‌کننده رفتارهای اجتماعی است در دین مبین اسلام، عامل کنترل عمومی، امر به معروف و نهی از منکر است اسلام همه‌ی پیروان خود را موظف ساخته که اگر دیدند به یکی از قوانین عمل نمی‌شود آرام نشینند و متخلف را به فرمانبرداری وادار کنند و از نافرمانی بازدارند. بنابراین نمی‌توان در یک جامعه از کنار مسائلی که سلامت آن را به خطر می‌اندازد بی‌تفاوت گذشت و امر به معروف و نهی از منکر، بزرگ‌ترین ضامن سلامت جامعه است. پیامبر اکرم (ص)، جامعه را به کشتی و افراد را به مسافران آن تشبیه نموده و می‌فرماید: «اگر در میان مسافران کسی به ادعای آن که به اندازه‌ی خودش در کشتی سهم دارد و کشتی را سوراخ کند، سرانجام کشتی و مسافران آن غرق خواهد شد، ولی اگر دیگران از این عمل ناپسند او جلوگیری کنند خود و او را از هلاکت رهایی بخشیده‌اند (قرائتی، ۱۳۸۳).

آمده است خداوند در سوره اعراف، (آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶) داستان قومی را به نام اصحاب سبت نقل می‌کند که در کنار دریا زندگی می‌کردند و از طرف خداوند به عنوان آزمایش دستوری به آن‌ها داده شد و آن این که صید ماهی را در روز شنبه، تعطیل کنند (طباطبایی، ۱۳۷۵).

گروهی از آنان، آن قوانین شرعی را رعایت نکردند و گروه دیگر آن‌ها را پند داده و نهی از منکر نمودند، اما آنان نپذیرفتند و لذا، خداوند گروهی را که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند نجات داد و بر گناهکاران عذاب دردناکی نازل کرد. با توجه به مطلب یاد شده، اهمیت این دو فریضه‌ی الهی معلوم می‌شود چرا که امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر اینکه یک وظیفه فردی است یک وظیفه اجتماعی می‌باشد زیرا مفاسد اجتماعی در جامعه، زمانی رواج پیدا می‌کند و اجرای احکام الهی زمانی دچار مشکل می‌شود که انسان به وظیفه‌ی خود در انجام این فریضه الهی در هر دو شکل فردی و اجتماعی آن اهتمام نرزد (بی‌نا، ۱۳۷۸).

در برخی از سخنان امامان معصوم علیهم السلام چنین آمده است: امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین واجبات و شریف‌ترین آن‌هاست (فلاح زاده، ۱۳۷۹).

در اصل هشتم قانون اساسی درباره‌ی تحقق این فریضه‌ی مهم آمده: در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی، بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط، حدود کیفیت آن را قانون معین می‌کند (نمایی، ۱۳۸۵).

آن چه که قابل ذکر است این است که از طریق عقل می‌توان معروفات و منکرات را شناخت. زیرا عقل سلیم می‌تواند عمل خوب و بد را از هم تشخیص دهد. از این طریق می‌توان فهمید معروف کدام است و منکر چیست. در هر حال به هنگام مراجعه به عقل سلیم، در نظر داشتن دستورات شرع ضروری است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، اصلی است که در خود قرآن، با صراحت آمده و بعد در اخبار لغوی و آثار ائمه و بعد هم بزرگان و علماء دین در همه‌ی قرن‌ها، درباره‌ی این اصل و اهمیت آن سخن‌ها گفته و مطالبی نوشته‌اند اصلی که ضامن بقای اسلام است امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است. اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است (گلپایگانی، ۱۳۸۰).

دین اسلام که جامعه را به هر مصلحت و کار نیک فرمان داده و از هر مفسده و کار زشت، نهی فرموده شأن امر به معروف و نهی از منکر را بسیار بزرگ شمرده و راجع به آن انواع تأکیدات و ترغیبات نموده و انتظام تمام تشکیلات اجتماعی و سیاسی و حفظ شوکت و عظمت مسلمانان را به آن موقوف کرده است (مطهری، ۱۳۷۵).

قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد می‌کند و می‌گوید این‌ها متلاشی و هلاک شدند، می‌فرماید: به موجب این که در آن‌ها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود. کم اهمیت شدن این اصل در دنیای اسلام این امر یک بحث تاریخی لازم دارد تا روشن شود که چطور شد در طول تاریخ، این موضوع به این عظمت و اهمیت در دنیای اسلام به تحلیل رفت و روز به روز کوچک‌تر شد. انصافاً در میان ما شیعیان نیز این مطلب خیلی کوچک شده است تا آن جا که چند قرن است که درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر در رساله‌های علمیه مطلبی نمی‌نویسند. امر به معروف و نهی از منکر موضوعی نیست که از بین برود، همیشه وجود دارد و باید در رأس مسائل قرار گیرد، همیشه باید مطرح شود تا آن را فراموش نکنیم. برای تحقق واقعی فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی، می‌بایست، مسائل حاشیه‌ای و سطحی را کنار نهاد و با نگاهی ژرف تر و عمیق تر به مقولات اجتماعی نگریست. به قول دکتر شریعتی: «نباید گذاشت دامنه امر به معروف و نهی از منکر، فقط در ریش و پشم و لباس و آرایش و چیزهای ناچیزی که امرش و نهی‌اش زیاد با هم فرقی ندارد... خلاصه شود. بلکه امر به معروف و نهی از منکر را بایستی در همان معنای اصیل و اسلامی آن در نظر بگیریم و عمل کنیم. در نتیجه، برای پویایی امر به معروف و نهی از منکر باید این مقوله را باور داشت که در جامعه‌ی اسلامی، نه تنها علماء و شخصیت‌های رسمی سیاسی، بلکه همه‌ی افراد زنده، روشنفکر، هر کسی مسئول امر به معروف و نهی از منکرند و در جامعه‌ی اسلامی، هیچ کس نمی‌تواند در زندگی‌اش حالت بی‌تفاوتی و بی‌طرفی داشته باشد، چون مسئول است. (منصوری، ۱۳۷۸).

جایگاه امر به معروف در قرآن

مسئله امر به معروف از همان روزهای اول بعثت در مکه مورد عنایت اسلام بوده است.

به عنوان مثال در سوره والعصر که در اوائل بعثت در مکه نازل شده است، در جمله‌ی «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» اشاره به امر به معروف می‌کند (والعصر، ۴). به طور کلی می‌توان گفت که ریشه و کلیات احکام شرعی را باید در قرآن کریم و شرح و تفصیل و شاخه‌های آن را در سنت جست. قرآن کریم در آیه‌های فراوانی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است که در این جا به برخی از این آیات می‌پردازیم:

- «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران، ۱۱۴). به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند؛ و آن‌ها از صالحانند.
- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ» شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. (آل عمران، ۱۱۰).
- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ...» خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند (نحل، ۹۰).

گروه‌های ویژه اشاره شده برای امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

گرچه امر به معروف و نهی از منکر بر همه مردان و زنان مؤمن واجب است ولی از گروه‌هایی، بیشتر خواسته شده است گروه ویژه؛ قرآن می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران؛ ۱۰۴). از میان شما مسلمین گروهی ویژه باید مسئول امر به معروف و نهی از منکر شوند. همان‌طور که در پیام این آیه آمده «دعوت کننده‌ی بخیر و معروف باید اسلام‌شناس، مردم‌شناس و شیوه‌شناس باشد، لذا بعضی از امت، این وظیفه را به عهده دارند، نه همه‌ی آنها «مِنْكُمْ أُمَّةٌ» حساب این گروه از حساب وظیفه‌ی عمومی جداست. این آیه مرحله‌ی خاصی از امر به معروف و نهی از منکر که توسط گروه ویژه و رسمی صورت می‌گیرد را بیان کرده (آل عمران، ۱۰۵). که این دسته باید با قدرت و امکانات وارد عمل شوند و جلوی منکرات را بگیرند، مثال، برای ماشینی که در مسیر یک طرفه بر خلاف همه، رانندگی می‌کند، دو نوع برخورد لازم است، یکی آن که تمام رانندگان با بوق و چراغ مخالفت خود را با کار او اعلام کنند، دوم آن که پلیس، راننده را جریمه کند (قرآنی، ۱۳۸۳).

الف) انبیاء: قرآن، اولین وظیفه‌ی همه‌ی انبیاء را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه‌ی آنان دو چیز بود، یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ»، و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست اِجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶). «... يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ ...» می‌خوانیم: «پیامبر اسلام که نام و نشانش در تورات و انجیل آمده، اولین وظیفه‌اش امر به معروف و نهی از منکر است امر به معروف و نهی از منکر، سیره‌ی انبیاست، گرچه دیگران گوش ندهند (اعراف، ۱۵۷). قرآن می‌فرماید: «وَ إِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ» به فرموده امام باقر: «همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و شیوه‌ی صالحان است.

ب) ائمه معصومین: امام حسین (ع) در برابر سخنان برادرش محمد حنفیه که می‌گفت: به طرف عراق نروید! فرمود: «می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم تا به روش جدم رسول خدا (ص) عمل کرده باشم (حرعاملی، ۱۳۷۰).

پ) علماء و دانشمندان: قرآن می‌فرماید: «چرا علماء، مردم را از حرام خواری و حرام گویی باز نمی‌دارند (مائده، ۵۷). پیامبر می‌فرماید: «ما مِنْ قَوْمٍ عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَ فِيهِمْ مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَنْكُرَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَفْعَلْ إِلَّا يَوْشِكَ أَنْ يُعْذَبَ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ» قومی که گناه کنند، در حالی که میان آنها کسانی باشند که می‌توانند بر اعمال آنها اعتراض کرده، انکارشان کنند و بیزاری جویند و نکنند، نزدیک باشد که خداوند همه‌ی آنها را به عذاب معذب فرماید (قرآنی، ۱۳۷۸).

ت) مسؤولین حکومتی: قرآن می‌فرماید: «نشانه حکومت صالحان و کسانی که قدرت و امکانات به آنان دادیم، آن است که در زمین، اقامه نماز می‌کنند، زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. **ث) والدین:** قرآن می‌فرماید: «خود و اهل خود را از آتش دوزخی که آتش گیران آن انسان و سنگ است، حفظ کنید». منظور آنان را امر به معروف و نهی از منکر کنیم (نوری، ۱۳۷۷).

ج) بزرگان جامعه: امام صادق (ع) در نامه‌ای به یاران خود نوشت: «حتماً بزرگان و پیرمردان و قدرتمندان شما نسبت به جاهلان ریاست طلب، از خود عطفی نشان دهند و دست کسانی را که تجربه‌ای ندارند، بگیرند و گرنه، نفرین و لعنت به همه آنان خواهد رسید.

سخنان ائمه معصومین در خصوص امر به معروف و نهی از منکر

— قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): لا يزال الناس بخير ما أمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر وتعاونوا على البر والتقوى فإذا لم يفعلوا ذلك نزعنا منهم البركات، و سلط بعضهم على بعض ولم يكن لهم ناصر في الأرض ولا في السماء؛ تازمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند در خیر و

سعادت خواهند بود، اما اگر چنین نکنند، برکت‌ها از آنان گرفته شود و گروهی بر گروه دیگر سلطه پیدا کنند و نه در زمین یاوری دارند و نه در آسمان (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱).

– قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): إذا لم يأمرُوا بِمَعْرُوفٍ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ مُنْكَرٍ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ، فَيَدْعُوا عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ؛ هرگاه (مردم) امر به معروف و نهی از منکر نکنند، و از نیکان خاندان من پیروی نمایند، خداوند بدانسان را بر آنان مسلط گرداند و نیکانشان دعا کنند اما دعایشان مستجاب نشود (امالی شیخ صدوق، ص ۲۵۴).

– قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): لا يزالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ رسول خدا - صلی الله علیه و آله فرمودند: مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می‌رسانند (تهذیب الاحکام، ج ۶).

– قال علی (عليه السلام): مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْعَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ وَأَمِنَ كَيْدَهُ؛ هر کس امر به معروف کند به مؤمن نیرو می‌بخشد و هر کس نهی از منکر نماید بینی منافق را به خاک مالیده و از مکر او در امان می‌ماند (کافی، ج ۲، ص ۵۰۱).

– قال علی (عليه السلام): الْجِهَادِ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصَّدَقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَشَتَانِ الْفَاسِقِينَ؛ جهاد چهار شاخه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، پاینداری در جبهه‌های جنگ و دشمنی با تبهکاران (منتخب میزان الحکمه، ح ۱۱۲).

– قال علی (عليه السلام): إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ، لَكِنْ يَضَاعِفَانِ الثَّوَابَ وَيَعْظِمَانِ الْجَزَاءَ وَأَفْضَلُ مِنْهُمَا كَلِمَةٌ عَدْلٌ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛ امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می‌کنند و نه از روزی کم می‌نمایند، بلکه ثواب را دو چندان و پاداش را بزرگ می‌سازند و برتر از امر به معروف و نهی از منکر سخن عادلانه‌ای است نزد حاکمی ستمگر (غرر الحکم، ج ۲، ص ۶۱۱).

– قال الامام الحسين (عليه السلام): ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، دعاء الى الاسلام مع رد المظالم ومخالفة الظالم وقسمة الفئء والغنائم وأخذ الصدقات من مواضعها ووضعها في حقها؛ امر به معروف و نهی از منکر، آن است که: کافران را به اسلام دعوت کنی، حقوق ستمدیدگان را باز ستانی، با ستمگر به مخالفت برخیزی، غنیمت‌ها و بیت المال را عادلانه بین اهل اش قسمت کنی، صدقات (زکات) را از آنجا که باید، بگیری و در آنجا که باید، مصرف کنی «تحف العقول، ج ۱».

– قال باقر العلوم (عليه السلام): ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيم بها تقام الفرائض...؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر واجب عظیم و بزرگی است که پابرجایی سایر واجبات به آن بستگی دارد. از تعبیر «بها تقام الفرائض» چنین استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر از لوازم حکومت اسلامی به شمار می‌رود.

قال باقر العلوم (عليه السلام): امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحین است. و فريضة بزرگی است که دیگر فرائض فقط به وسیله آن اقامه می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد، کسب و کار او را حلال می‌کند، ستم‌ها را جبران و زمین را آباد می‌سازد، به وسیله این فريضة از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و همه امور استوار و در مسیر درست قرار می‌گیرد (وسائل الشیعه، ج ۱۱).

شیوه‌های اجرایی امر به معروف و نهی از منکر برای شهروندان مسئول

هدف عمده و اساسی در امر به معروف و نهی از منکر محقق شدن معروف و زدوده شدن منکر است. برای نیل به این هدف به نظر می‌رسد که باید به دنبال بهترین و مؤثرترین راهکارها و شیوه‌های عملی بوده باشیم که در این راستا موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

شیوه عملی: اولین و مؤثرترین شیوه در امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ عملی است. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در ترویج و گسترش مکتب، توجه به این شیوه بوده است. پیامبر اکرم (ص) در اغلب کارها از قبیل کندن خندق، ساختن مسجد و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و ... قبل از اینکه دیگران را تشویق به این کار کند خود پیشقدم می‌شد، همچنانکه امامان معصوم (ع) به این طریق عمل می‌کردند.

احترام به شخصیت افراد: دومین اصلی که در تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در خور توجه است، احترام به شخصیت افراد می‌باشد. مرتکبان منکر تا وقتی که متجاهر به گناه نشده‌اند، و به طور آشکار خود را نیالوده‌اند محترم‌اند و نباید به هتک حرمت آن‌ها پرداخت.

ارشاد تدریجی: معمولاً ما انتظار داریم کسانی که در گرداب منکرات غوطه ور شده‌اند یک دفعه آن‌ها را از گرداب در آوریم و یک مسلمان ایده آل بسازیم؛ در حالی که تربیت امری تدریجی است و فضایل و رذایل هیچ کدام یک مرتبه در جان انسان‌ها به وجود نمی‌آیند. در حقیقت می‌توان گفت که از علل نزول تدریجی قرآن توجه به این نکته مهم است، چرا که قرآن کتاب تربیتی است و برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال مطلوب نازل شده است.

نرمخویی و محبت: از شیوه‌های مهم و مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، نرمخویی و محبت است؛ خصلتی که موفقیت پیامبر (ص) بنا به تصریح قرآن کریم مرهون آن بوده است.

تشویق به ارزش‌ها: یکی از امتیازات مکاتب الهی تشویق به خوبی‌ها و ارزش‌هاست. پیامبر مکرم اسلام (ص) از عامل تشویق در جهت پیشبرد اهداف استفاده‌های زیادی می‌کرد. برای کسانی که دو رکعت نماز برای خدا می‌خوانند جایزه تعیین می‌کرد. پست‌های حساس سیاسی، فرهنگی و نظامی را به افراد لایقی می‌سپرد و به این ترتیب، امت را به نیکی و پاکی دعوت می‌فرمود. برای نمونه اسامه بن زید هجده ساله را به عنوان فرمانده لشکر منصوب فرمود و ...

ایجاد فضای امر و نهی: شکی در این مسئله نیست که محیط هر چند نقش زیربنایی ندارد ولی در پرورش فضایل و رذایل نقش اساسی دارد. رسالت انبیا نیز مبتنی بر این اصل بود که محیط را به گونه‌ای آماده سازند تا خود مردم عدالت را بر پادارند: «لیقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). بنابراین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت».

برخورد عملی با مرتکبان منکر: به طور کلی اگر در کنار شیوه‌های گذشته این شیوه را مد نظر نداشته باشیم بدون شک امر به معروف و نهی از منکر بی نتیجه خواهد ماند.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مرحله انزجار قلبی: علمای اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. اولین درجه و مرتبه نهی از منکر، هجر و اعراض یا انکار قلبی است و این در مواردی است که ما با شخصی که با او صمیمیت داریم قطع رابطه کنیم و نسبت به او سردی نشان دهیم و این برخورد، برای او تنبه تلقی شود، یعنی تحت یک زجر و شکنجه روحی قرار گیرد و این عمل ما در جلوگیری از کار بد او تأثیر داشته باشد؛ در غیر این صورت چه بسا فردی که از قطع رابطه ما استقبال کرده و او هم قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهای زشت برود در چنین مواردی این کار درست نیست.

مرحله زبانی: درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند، مرحله زبان است. چه بسا آن بیماری که دچار منکری است، به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم دارد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاسد را برایش تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد.

مرحله عمل: مرحله سوم عمل است. گاهی طرف در درجه و حالی است که نه اعراض و هجران و نه زبان و بیان بر او تأثیر نمی‌گذارد. در اینجا باید از راه عمل وارد شد. وارد عمل شدن نه تنها به زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست، البته مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است که آن هم از شئون حکومت اسلامی است و شهروندان جامعه اسلامی از پیش خود حق اعمال این تنبیهات را ندارند. امر به معروف عملی این است که نباید تنها به گفتن قناعت کند و فکر کنیم همه چیز را گفتن درست می‌شود. گفتن، شرط لازم است ولی کافی نیست. باید عمل کرد و آنچه مربوط به شهروندان است برخورد عملی غیر مستقیم است (مطهری، ۱۳۷۱).

نتیجه‌گیری

دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر هم دارای ریشه فطری و هم دارای ریشه عقلی بوده و با عنایت به اهمیت و جایگاه این دو فریضه الهی است که خداوند آن دو را جز وظیفه و تکلیف انبیاء قرار داده، زیرا عمل به آن‌ها تحقق بخش کمال فرد و جامعه و ترک و سهل انگاری در آن‌ها هم موجب سقوط فرد و هم سبب هلاکت و مرگ جامعه می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر باید بر اساس روش‌ها و شیوه‌های خاص خود باشد تا هم جلوی مفسده گرفته شود و هم اسرار مردم فاش نگردد. بر اساس امر به معروف و نهی از منکر است که واجبات الهی به پا داشته و مردم به اسلام فرا خوانده می‌شوند. انجیام این دو فریضه موجب عقب نشینی دشمنان دین و سبب حمایت از دینداران است. این علاوه بر سلامت دنیا، سلامت آخرت را برای انسان به ارمغان آورده و آدمی را در جوار رحمت الهی قرار می‌دهد و هدف از خلقت انسان نیز چیزی غیر از آن نیست. اما باید توجه داشت، جهت دعوت دیگران به معارف و نیکی‌ها، لازم است خود انسان به تقوی و اخلاق آراسته باشد، یعنی جامه پاک بر تن داشتن و پیشقدم شدن در امور و اعمال خیر، یکی از شرایط لازم و ضروری تأثیر امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. لازم به یاد آوری است جهت بازتاب بهتر و گسترش تأثیر امر به معروف و نهی از منکر باید این دو فریضه الهی به شکل جمعی و گروهی انجام گیرند علاوه بر آن نباید از تدابیر عملی و کاربردی غافل بود، زیرا با طرح و رفتار عملی می‌توان مردم را به کار نیک تشویق و از کار زشت بر حذر داشت. اسلام در شیوه‌های اجرایی این دو فریضه، آن‌ها را به عقل و تدبیر و انباده، بر خلاف واجبات عبادی مثل نماز که انجام آن به دستور شرع صورت می‌پذیرد که این خود بیان کننده‌ی تأثیر چشمگیر تدابیر عملی و روش‌های عقلی و منطقی است. امروزه ثابت گردیده است که ترویج عقلانیت و منطق و تدابیر عملی و هم استفاده از روش‌های عقلی و منطقی می‌تواند فرد و جامعه را به کمال رساند و عامل ترقی و پیشرفت آنان گردد.

و در پایان امر به معروف و نهی از منکر از شئون پیامبری است. ترک امر به معروف و نهی از منکر علت نابودی جوامع گذشته بوده است. امر به معروف، حضور و غیاب واجبات است. چرا نماز نخواندی؟ چرا روزه نگرفتی؟ امر به معروف، ضامن اجرای تمام واجبات و نهی از منکر، ضامن ترک همه محرمات است. امر به معروف، تشویق نیکوکاران در جامعه است. امر به معروف، تذکر و آگاه کردن افراد جاهل است. امر به معروف و نهی از منکر، گاز و ترمزی است که ماشین جامعه را هدایت می‌کند.

امر به معروف برتر از جهاد است. امر به معروف برترین اعمال است. موجب سلامت دنیا و آخرت است. پا برجایی شریعت و توانمندی مومنان است. امر به معروف و نهی از منکر، نوعی از جهاد است. امر به معروف و نهی جامعه را از فساد نجات می‌دهد. امر به معروف و نهی از منکر نشانه قوت ایمان افراد است. امر به معروف و نهی از منکر دلیل زنده بودن جامعه و شکوفایی آن است. امر به معروف، نشانه عشق انسان به مکتب است. امر به معروف، نشانه عشق انسان به مردم است. امر به معروف، نشانه تعهد و سوز و علاقه انسان به سلامتی جامعه است. امر به معروف، نشانه توکی و تبری است. امر به معروف، نشانه آزادی در جامعه است. امر به معروف، نشانه ارتباط میان آحاد مردم است. امر به معروف، نشانه فطرت بیدار است.

منابع

۱. قرآن کریم، تفسیر و ترجمه آیت ا. مکارم شیرازی، قم: انتشارات حوزه، ۱۳۸۵.
۱. نهج البلاغه، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم: انتشارات طوبی، ۱۳۸۳.
۲. اشتهاوردی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷.
۳. امین، ابراهیم، ترجمه محمدبن‌دریگی، فرهنگ معجم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۴. اکبری، محمدرضا، تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر، اصفهان: انتشارات زاینده رود، ۱۳۷۶.
۵. امالی شیخ صدوق، احادیث اهل بیت الیهم السلام.
۶. ابراهیمی، محمد، ضروریات امر به معروف و نهی از منکر، تهران: انتشارات نبی، ۱۳۸۵.
۷. بی‌نا، موسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت‌های امر به معروف و نهی از منکر، قدر ولایت.
۸. سالک، حمید، امر به معروف و نهی از منکر، نشریه کهکشان، ۱۳۸۰.
۹. طباطبایی، محمدحسین، اسلام و اجتماع، قم: انتشارات جهان آرا،
۱۰. حسامی، فاضل، سبب شناسی دین در سیره علوی، قم: انتشارات مبین، ۱۳۷۵.
۱۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، دارالحدیث التراث، ۱۳۷۰.
۱۲. خمینی، روح‌الله، مترجم: علی اسلامی، ترجمه تحریرالوسیله، قم: انتشارات اسلامی.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم بن فضل، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳.
۱۵. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد اجتماعی است، تهران: انتشارات حوزه، ۱۳۸۷.
۱۷. فولادی، محمد، واژه‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر، دیدار آشنا، قم: انتشارات پدیدار، ۱۳۸۰.
۱۸. فلاح‌زاده، محمدحسین آموزش فقه، قم: انتشارات الهادی، ۱۳۷۹.
۱۹. لطف‌الله صافی گلپایگانی، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ج ۲، قم، اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۲۱. مطهری، مرتضی، ده و پانزده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.
۲۲. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۲۳. منصوری، مهناز، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه دکتر شریعتی، نشریه سلام، ۱۳۷۸.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تدوین حسین حسینی، قصه‌های قرآن، تهران: انتشارات دارالکتب،
۲۵. میزان الحکمه، احادیث اهل بیت الیهم السلام.
۲۶. غرر الحکم، احادیث اهل بیت الیهم السلام.
۲۷. قدسی، طیب، امر به معروف و نهی از منکر، نشریه اصلاح و تربیت، قم: انتشارات رهنمون، ۱۳۸۰.

۲۸. قرائتی، محسن، تمثیلات، پرسش و پاسخ، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۲۹. قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰.
۳۰. قرائتی، محسن، عباس بابائیان، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، تهران: انتشارات مرکز درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
۳۱. نمایی، احمد، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، تهران: انتشارات سلام، ۱۳۸۵.
۳۲. نوری همدانی، حسین، امر به معروف و نهی از منکر ترجمه، محمد محمدی.
۳۳. نوری، وحید، امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و لزوم تشکیلات برای آن، نشریه رسالت، ۱۳۷۷.

بررسی نقش سرمایه‌های روان‌شناختی در امر به معروف و نهی از منکر

دکتر زهرا یوسفی^۱

دکتر سید احمد محمودی^۲

امیر حسین صادقی هسنیجه^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی در امر به معروف و نهی از منکر بود. جامعه آماری عبارت بود از کلیه کارکنان دانشگاه صنعتی اصفهان و نمونه آماری شامل ۱۲۰ کارمند زن و مرد بود. روش پژوهش از نوع همبستگی چندگانه بود. ابزارهای پژوهش شامل نگرش‌سنج به امر به معروف و نهی از منکر و پرسشنامه‌های سرمایه اجتماعی بود. که همگی از ویژگی‌های روانسنجی مناسب برخوردار بودند. داده‌های گردآوری شده از طریق تحلیل تی یک متغیری و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد نگرش نسبت به امر به معروف و نهی از منکر در بین کارکنان مثبت بود و نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد بین سرمایه‌های روان‌شناختی و نگرش به امر به معروف و نهی از منکر رابطه‌ای وجود ندارد. این نتایج حاکی از این است که برای پرورش روحیه امر به معروف و نهی از منکر به متغیرهای دیگری به جز متغیرهای روان‌شناختی پژوهش حاضر باید توجه کرد.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، در عرصه‌ی علوم انسانی، تربیت انسان است؛ زیرا هدف اصلی رسالت انبیا را تربیت و تزکیه تشکیل می‌دهد و انسان، یگانه موجودی است که بیش‌ترین نیاز را به تربیت و رسیدن به کمال دارد؛ زیرا جانداران دیگر بر اساس غریزه از نخستین لحظه‌های تولد، راهشان را می‌یابند و بر همین اساس از خود دفاع کرده، به زندگیشان ادامه می‌دهند. اما انسان این‌گونه نیست؛ اگر دست حمایت‌مربیان از سر او برداشته شود، نه تنها به کمال دست نمی‌یابد، بلکه از همان آغاز، راه فنا را در پیش می‌گیرد. چنانچه نوزاد انسان حیوان بالفعل است که هیچ توانایی برای دفاع و زیستن ندارد و کمالی در او مشاهده نمی‌شود؛ ولی، همین موجود ضعیف، با تربیت و آموزش، به جایی می‌رسد که سیارات آسمانی را در اختیار می‌گیرد و با قوه اندیشه و فکر به همه‌اشیا مسلط می‌شود. چنانچه انسان تربیت شود و در مسیر کمال قرار گیرد، روحش اوج می‌گیرد و به سعادت می‌رسد و مسیر رشد و تعالی را طی می‌کند (صداقت؛ ۱۳۹۰).

چنین موجودی شایسته آن است که خداوند بهترین راه‌ها را برای تربیت او در نظر گرفته باشد، که یکی از این راه‌ها «امر به معروف و نهی از منکر» است که در تربیت فرد و جامعه کاربرد فراوان دارد (صداقت؛ ۱۳۹۰). امر، فرمان دادن به کاری است و نهی، بازداشتن و منع کردن از چیزی. و یا نهی طلب و اگذاشتن حاجتی است، خواه برآورده شود یا نشود. وقتی مفهوم معروف و منکر و امر و نهی روشن گشت، امر به معروف و نهی از منکر نیز به تبع آن روشن می‌گردد؛ زیرا، امر به معروف، فرمان دادن به معروف و کارهای نیک است که در اسلام معروف شناخته شده است و نهی از منکر بازداشتن و منع کردن از ممنوعات شرعی و ارتکاب بدی‌ها و زشتی‌ها است (صداقت؛ ۱۳۹۰).

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه روان‌شناسی، اصفهان، ایران

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

امربه معروف نهی از منکر به سه روش انجام می‌شود: قلبی، زبانی یا لسانی و بالاخره عملی (محللاتی؛ ۱۳۸۸). که از روش عملی آن دو تفسیر متفاوت وجود دارد. در روش اول شخص امربه معروف به گونه‌ای عمل کند که با عمل خود الگویی ارائه کند که در رفتار دیگران تأثیر بگذارد که شیخ طوسی در کتاب نهاییه این تفسیر را ذکر کرده و عده‌ای دیگر نیز همین تعبیر را دارند. در روش دوم فرد اقدامات عملی انجام می‌دهد تا معروف تحقق پیدا کند و منکر از بین برود و این اقدامات عملی هم دامنه وسیعی دارد که حتی ممکن است به ضرب، جرح و قتل منجر شود تا مانع وقوع منکر شود. دو مبنای مهم برای امربه معروف و نهی از منکر وجود دارد یکی عقلی و دیگری نقلی (محللاتی، ۱۳۸۸).

عده‌ای از فقها وجوب امر به معرف نهی از منکر را عقلی می‌دانند مثل شیخ طوسی، فخر المحققین و شهید ثانی. این بزرگان وجوب امربه معروف و نهی از منکر را مستند به قاعده لطف می‌دانند. در تعریف قاعده لطف طبق تقریر متکلمین، هر عملی که بنده را به خدا نزدیک کند، به اقتضای لطف بر خدا لازم است که آن را انجام دهد، البته به گونه‌ای که موجب اضطراب و الجاء بنده نشود؛ به عبارت دیگر سلب اختیار از انسان نکند. متکلمین بعثت انبیاء را از همین باب لازم دانسته‌اند، ضرورت امامت را هم به همین نکته مستند می‌کنند. امر به معرف و نهی از منکر اگر مستند به این قاعده شود یک قیدی در این قاعده هست که نمی‌توان از آن صرف نظر کرد و آن اینکه «آنچه که مقرب است البته تا جایی که عبد را به حد الجاء نرساند» این قید سرنوشت امربه معروف و نهی از منکر را تغییر می‌دهد. بله باید امربه معروف کرد چون مقرب دیگران به خداست البته نه به گونه‌ای که سلب اختیار از دیگران کند چون با قاعده لطف در تناقض خواهد بود. با قاعده لطف به عنوان مبنای امربه معروف و نهی از منکر دیگر نمی‌شود امربه معروف و نهی از منکر کرد که اکراه و اجبار در آن وجود نداشته باشد، چرا که در مرحله عملی امربه معروف و نهی از منکر ما می‌خواهیم اقدام عملی برای وقوع معروف یا عدم وقوع منکر انجام دهیم و این به معنی سلب اختیار از شخص است و با قاعده لطف سازگار نیست. لذا این مشکل وجود دارد که به نظر می‌رسد لا علاج باشد چون نمی‌توان هم امربه معروف و نهی از منکر عملی، عقلی باشد و هم با قاعده لطف سازگار باشد. لذا راحت‌تر این است که با کتاب و سنت و ادله نقلی به اثبات امر معروف و نهی از منکر پرداخت. مبنای نقلی برای وجوب امربه معرف و نهی از منکر در مرحله اقدام عملی باید به سراغ آیات و روایات برویم که آیا از آن‌ها چنین چیزی استفاده می‌شود یا خیر؟ در این شیوه دو گونه استدلال می‌تواند وجود داشته باشد: توسعه «عنوان» امربه معروف و نهی از منکر که هم شامل گفتار شود و هم فراتر از آن، اقدام عملی را در بر گیرد. مثلاً اگر به شارب خمر گفته شد لا تشرب الخمر این مرحله لسانی نهی از منکر است، اما اگر گوش نکرد باید ظرف شراب را از دست او گرفت تا نتواند شرب خمر کند. جایی که گفته شود لا تشرب الخمر، عنوان نهی از منکر صدق می‌کند ولی آیا جایی که ظرف شراب را از او می‌گیری آیا عنوان نهی از منکر بر آن صدق می‌کند؟ راه دوم این است که «عنوان» امربه معروف و نهی از منکر رها شود و به منابع روایی مراجعه شود که چگونه امربه معروف و نهی از منکر را تفسیر کرده‌اند. ممکن است عنوان امربه معروف و نهی از منکر در آیات مضیق باشد ولی در روایات توسعه‌ای در آن داده شده باشد. باید هر دو روش بررسی گردد؛ مسیر اول این است بار معنایی امربه معروف و نهی از منکر مشخص شود. صاحب جواهر، معتقد است که کلمه امر شامل اقدام عملی نمی‌شود و نهی هم شامل ممانعت عملی نمی‌شود و محقق سبزواری در کفایة الاحکام، نیز همین معنا را مطرح کرده است. در زمینه‌ی بررسی روایات و احادیث آیت‌الله میرزا جواد تبریزی، امربه معروف و نهی از منکر عملی را در چند جا منکر شده و فرموده‌اند: روایتی که سنداً و دلالتاً تام باشد و اثبات کند که چیزی تحت عنوان امربه معروف و نهی از منکر عملی باشد، دیده نشده است. عنوان امر و نهی فرض بر این است که شامل اقدام عملی نمی‌شود. لذا تکلیف عملیاتی تحت عنوان امربه معروف و نهی از منکر وجود ندارد. البته استثنائاتی وجود دارد نسبت به برخی واجبات که شارع اهتمام ویژه‌ای

دارد که به هر قیمتی شده جلو آن را بگیرد و باید غرض شارع را تأمین کرد. مثل قتل نفس. لذا علاوه بر لسان و گفتار باید به اقدام عملی جهت ممانعت از کشته شدن انسان بی گناه دست زد. ولی این ربطی به امر به معروف و نهی از منکر به شکل یک قاعده کلی ندارد. لذا نمی توان گفت در امر به معروف و نهی از منکر بعد از گفتار، مرحله عمل فرامی رسد. ایشان آنچه خودش پذیرفته این است که این مراحل ثلاثه چیزی بیش از شهرت نیست. در کل از روایات استفاده می شود که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده، فراتر از گفتار و دعوت نیست و قهرا در بیرون از محیط خانواده و نسبت به افراد بیگانه هم وظیفه بیشتری وجود ندارد (محلای، ۱۳۸۸).

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر چه در قرآن و در احادیث و روایات و چه به لحاظ عقلی همانگونه که در بالا اشاره شد مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب مراتب امر به معروف و نهی از منکر عبارت اند از: مرتبه اعراض و روی گرداندن: اگر کسی با در هم کشیدن چهره، اصلاح می شود، برخورد تندتر جایز نیست. مرتبه زبان: اگر با روی گرداندن اصلاح نشود، باید، با زبان خوش، نه با تندی و خشونت تذکر داد. مرتبه عمل: اگر مراتب بالا کارگر نیفتاد، انسان می تواند، دست به عمل بزند، اما اگر به ضرب و جرح منتهی شود، باید با اجازه حاکم شرع صورت گیرد، نه این که هر کس به نام امر به معروف و نهی از منکر، دست به هر جنایتی بزند و آن را امر مقدس و وظیفه شرعی جلوه دهد. مرتبه قلبی: اگر انسان، نتواند، هیچ کاری انجام دهد، واجب است، از این که معروف ترک و منکر انجام شود، در دل، ناراضی شود. تا گناه در نظرش آسان جلوه نکند. این کم ترین کاری است که برای همگان و در هر حال میسر است. البته، این مراحل به نوع منکر و معروف بسته است، اگر اصول اسلام در خطر باشد، در این صورت، انکار قلبی کافی نیست؛ در چنین شرایطی، وظیفه حاکم اسلامی و دیگر مسلمانان، حرکت و ایستادن در مقابل طغیان گری است؛ همان گونه که امام حسین - علیه السلام - هدف قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر بیان می کند (صدیقی، ۱۳۹۰).

خداوند در آیه های ۱۰۴ و ۱۱۰ آل عمران و ۷۱ توبه به ترتیب فرموده است: «باید از شما مسلمانان گروهی مردم را به خیر دعوت کنند و آن ها را به انجام امور نیک ترغیب کنند و از انجام امور ناپسندیده باز دارند این گروه رستگار هستند». «شما بهترین امتی هستید که برای اصلاح جان مردم برانگیخته شده اید، تا مردم را به کارهای نیک تشویق کنید و از انجام کارهای زشت باز دارید و به خدا ایمان آورید». «مردان و زنان مؤمن دوست یکدیگرند و به نیکی امر می کنند و از زشتی باز می دارند...» (سنگانی، ۱۳۸۵). در روایات نیز احادیث زیادی از این دست به چشم می خورد از جمله حضرت علی (ع) می فرمایند: همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر بیش از قطره ای [آب دهانی] در برابر دریای خروشان نیست (نهج البلاغه، ح ۳۶۶، ص ۹۲۱) و یا فرموده اند: «کسی که سه چیز در او باشد دنیا و آخرتش سالم باشد، امر به معروف کند و خود نیز پذیرای آن باشد، و نهی از منکر کند و خود نیز پذیرا باشد، و حدود الهی را نگهداری کند» (غررالحکم، باب امر به معروف).

با توجه به اهمیت امر به معروف یکی از سئوالاتی که پیش می آید این نکته است که چه عواملی بر امر به معروف و نهی از منکر مؤثر است؟ یک دسته از عوامل می تواند عوامل فردی باشد از جمله نگرش نسبت به امر به معروف و نهی از منکر و سرمایه های روان شناختی.

نگرش ارزیابی خلاصه و کوتاه مدت از موضوع تفکر تعریف شده است. هر نگرش دارای موضوع خاصی است که این موضوع می تواند افراد، اشیا، رویداد یا حتی خود فرد باشد. ترکیب شناخت ها، احساس ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز، نگرش شخص نسبت به یک موضوع را تعیین می کند. نگرش یک مفهوم چند بعدی شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است عنصر شناختی به اطلاعات و دانسته های فرد در مورد یک موضوع، رویداد یا عمل اطلاق می شود.

بعد عاطفی به احساس خوب یا بد، مثبت یا منفی، مفید یا غیر مفید بودن شخص اشاره دارد. بعد رفتاری نگرش، آمادگی شخص برای عمل را در نظر دارد (سیف)

بطور کلی نگرش حالتی درونی است و عمل و رفتار نیست بلکه پیش شرط رفتار است. نگرش‌ها به مقدار زیادی چگونگی پاسخگویی ما به محرک‌های اجتماعی، چگونگی احساس، فکر و عمل ما را نسبت به آن تعیین می‌کند. اگر نگرش‌ها را با دقت کافی اندازه‌گیری کنیم و اگر عوامل دیگری چون هتجارهای اجتماعی به حساب آید می‌توان گفت نگرش‌ها رفتارهای افراد را بطور کامل پیش بینی می‌کند و حالتی بادوام در ساختار ذهنی است که فرد را آماده می‌کند به شکلی شخصی به یک موقعیت واکنش نشان دهد. از این رو برخورداری از نگرش مثبت نسبت به امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به افراد کمک کند تا آن را انجام دهند (؟؟؟) و بالعکس.

با آغاز سده بیست و یکم، گروهی از روان‌شناسان به رهبری مارتین سلیگمن، روان‌شناس و پژوهشگر مشهور در رویکرد روان‌شناسی بیمارگرا که نخستین بار، مفهوم ناتوانی اکتسابی را مطرح کرد، تصمیم گرفتند به بررسی یافته‌های پژوهشی خود در پنج دهه گذشته با نام: مکتب روان‌شناسی بیماری گرا پردازند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با وجود دستاوردهای چشمگیری که در یافتن درمان‌های مؤثر برای بیماری‌های ذهنی و رفتارهای ناکارآمد حاصل شده بود، در روان‌شناسی، در کل، توجه به نسبت اندکی به رشد، توسعه و خود شکوفایی افراد سالم شده بود. در نتیجه، سلیگمن و همکارانش در صدد برآمدند، در جهت دهی دوباره به پژوهش‌های روان‌شناختی، دو مأموریت کاملاً جدید را مورد نظر قرار دهند: کمک به افراد با شخصیت سالم، برای برخورداری از شادی و بهره‌وری بیشتر در زندگی؛ کمک به شکوفاسازی قابلیت‌های انسانی. و بدین ترتیب بود که مکتب روان‌شناسی مثبت‌گرا ایجاد شد (لوتانس، آویلو و یوسف، ۲۰۰۷). علم روان‌شناسی که در آغاز به جای مطالعه سلامت روان به بررسی بیماری روانی می‌پرداخت تا مدت‌ها استعداد بالقوه آدمی برای رشد و کمال را نادیده می‌گرفت در سالهای اخیر، شمار روزافزونی از روان‌شناسان، به قابلیت کمال و دگرگونی در شخصیت آدمی ایمان آورده‌اند. تصویری که روان‌شناسان مثبت‌گرا^۱ طبیعت انسان به دست می‌دهند خوش بینانه و امید بخش است، زیرا آن‌ها به قابلیت گسترش، پرورش، شکوفایی و کمال انسان و تبدیل شدن به آنچه در توان آدمی است، باور دارند (شولتس، ۱۳۸۰). نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه رفتار سازمانی مثبت‌گرا حاکی از آن است که ظرفیت‌های روان‌شناختی، از قبیل: امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خود-کارآمدی، در کنار هم، عاملی را با عنوان: سرمایه روان‌شناختی^۲ تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، برخی متغیرهای روان‌شناختی، از قبیل: امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خود-کارآمدی، در مجموع یک منبع یا عامل نهفته جدیدی را تشکیل می‌دهند که در هر یک از این متغیرها، نمایان است (آوی و همکاران، ۲۰۰۶ به نقل از سیمار اصل و فیاضی، ۱۳۸۹).

سرمایه روان‌شناختی، از متغیرهای روان‌شناختی مثبت‌گرایی تشکیل شده است که قابل اندازه‌گیری، توسعه و پرورش هستند و امکان اعمال مدیریت بر آن‌ها وجود دارد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد این متغیرها، عبارت‌اند از: خود-کارآمدی، امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری (پیچ و دوناهو، ۲۰۰۴). خود-کارآمدی که منشأ پیدایی آن پژوهش و نظریه شناختی اجتماعی بندورا (۱۹۸۶، ۱۹۹۷) است عبارت است از باور (اطمینان) فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت در انجام وظیفه‌ای معین از راه ایجاد انگیزه در خود، تأمین منابع شناختی برای خود و نیز ایفای اقدامات لازم. افراد با خود-کارآمدی بالا دارای این پنج ویژگی زیر هستند: هدف‌های والایی برای خود تعیین می‌کنند و ایفای وظایفی

1. Luthans, Avolio, Youssef
2. Positive Psychology
3. psychological capital

دشوار برای رسیدن به آن هدف‌ها را بر عهده می‌گیرند. به استقبال چالش‌ها می‌روند و برای رویارویی با چالش‌ها سخت تلاش می‌کنند. انگیزه فردی آن‌ها به شدت بالا است. برای دستیابی به هدف‌های خود از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند. در رویارویی با موانع، ثابت قدم هستند (پارکر، ۱۹۹۶).

تاب آوری در اصطلاح چنین تعریف می‌شود: "نوعی حالت قابل توسعه در فرد که بر اساس آن قادر است در رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و تعارض‌های زندگی و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت‌ها و مسئولیت بیشتر به تلاش افزون‌تر ادامه دهد و برای دستیابی به موفقیت بیشتر، از پای ننشیند. پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که برخی افراد تاب آور، پس از رویارویی با موقعیت‌های دشوار زندگی، دوباره به سطح معمولی عملکرد باز می‌گردند، حال آنکه عملکرد برخی دیگر از این افراد، پس از رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و دشواری‌ها نسبت به گذشته ارتقا پیدا می‌کند. در مجموع، افراد تاب آور، دارای این ویژگی‌ها هستند: واقعیت‌های زندگی را به سهولت می‌پذیرند (لوتانس، اوی و پاترا، ۲۰۰۸). ایمان دارند که زندگی پر معنا است (این باور معمولاً به وسیله ارزش‌های آن‌ها حمایت می‌شود دارای توانایی‌های چشمگیری برای وفق دادن سریع خود با تغییرات بزرگ هستند برای دستیابی به تاب آوری، گروهی از مهارت‌ها و نگرش‌ها مورد نیاز است که در اصطلاح به آن‌ها سرسختی گفته می‌شود. سرسختی به افراد کمک می‌کند تا در رویارویی با تغییرات تنش‌زا، دشواری‌ها را به فرصت‌های پر منفعت تبدیل کنند (لوتانس، آویلیو، اوی و نرمن، ۲۰۰۷). نگرش‌های لازم برای سرسختی عبارت‌اند از: تعهد، کنترل و چالش طلبی. مقصود از تعهد آن است که فرد در رویارویی با شرایط دشوار، به جای ترک صحنه، ترجیح دهد حضور خود را در صحنه حفظ کرده، به افراد درگیر در آن موقعیت، در برطرف کردن دشواری کمک کند (لوتانس و یوسف، ۲۰۰۷). مقصود از کنترل، آن است که فرد به توانایی‌های خود برای اثرگذاری بر نتایج رویدادها باور داشته باشد و مقصود از چالش طلبی، آن است که فرد در رویارویی با چالش‌ها به جای مقصر قلمداد کردن سرنوشت، در صدد ایجاد فرصت‌هایی برای رشد خود و دیگران باشد. همچنین در شکل‌گیری و بروز رفتارهای سرسختانه، فرد باید مهارت‌های حل مسئله و تعامل با دیگران برای تعمیق حمایت‌های اجتماعی را نیز در خود پرورش دهد (لوتانس، اوی و آویلیو و پترسون، ۲۰۱۰). در واقع، تاب آوری پدیده‌ای است که از پاسخ‌های انطباقی طبیعی انسان حاصل می‌شود و علیرغم رویارویی فرد با تهدیدهای جدی، وی را در دستیابی به موفقیت و غلبه بر تهدیدها توانمند می‌سازد (واگنیلد و یانگ، ۱۹۹۳؛ لوتانس، آویلیو و والومبوا، ۲۰۰۵).

سلیگمن پدر روان‌شناسی مثبت‌گرا، بر این باور است که: افراد خوش بین، در رویارویی با شکست‌ها و موفقیت‌های خود، چنین عمل می‌کنند: بر اسنادهای کلی تکیه می‌کنند؛ مثلاً: "من قادر به کسب موفقیت در زمینه‌های گوناگون هستم. اسنادهایشان پایدار است؛ مثلاً: من می‌توانم به طور مستمر این موفقیت را از آن خود کنم. موفقیت‌هایشان را به توانایی‌های درونی خود نسبت می‌دهند؛ مثلاً: توانایی‌ها و تلاش خودم منجر به موفقیت‌م شد. در رویارویی با ناکامی‌ها، شکست خود را به عوامل ویژه بیرونی و غیر پایدار نسبت می‌دهند، مثلاً: "گرمی هوا، باعث شد، سخترانیم خوب پیش نرود (لوتانس و همکاران، ۲۰۰۶). توضیحی دیگر برای خوش بینی که توسط کاور و شیپر (۲۰۰۳) مطرح شده این است که افراد خوش بین همواره در انتظار رخ دادن اتفاق‌های خوشایند در زندگی‌شان هستند. نکته مهم آن است که در سرمایه روان‌شناختی، خوش بینی واقعی مورد نظر است، زیرا خوش بینی غیرواقعی منجر به پیامدهای منفی می‌شوند (جنسن و لوتانس، ۲۰۰۶) در خوش بینی واقع بینانه در حقیقت، فرد به ارزیابی آنچه می‌تواند به دست آورد در برابر آنچه قادر به کسب آن نیست، می‌پردازد. بنابراین، خوش بینی واقع بینانه، نقش مهمی در ارتقای خود - کارآمدی فرد دارد (لوتانس و آویلیو، ۲۰۰۷).

اسنایدر و همکاران (۱۹۹۶) امیدواری را به این صورت تعریف کرده است: حالت انگیزشی مثبتی است که از احساس موفقیت‌آمیز عاملیت و انرژی معطوف به هدف و برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف ناشی شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط چندگانه بین مولفه‌های نگرش به امر به معروف و نهی از منکر با مولفه‌های خوش‌بینی، امید و تاب‌آوری از سرمایه‌های روان‌شناختی بود.

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی چندگانه و از نوع مقطعی بود.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری کلیه کارکنان دانشگاه صنعتی در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بود. به منظور انجام پژوهش بعد از انجام هماهنگی‌های لازم از بین ۱۵۰۰ کارمند رسمی، پیمانی و قراردادی ۱۲۰ نفر به طور تصادفی از بین سازمان‌های مختلف این دانشگاه انتخاب شدند. پس از آموزش‌های لازم به توزیع به دستیار پژوهشی، پرسشنامه‌ها توزیع شد بعد از گردآوری پرسشنامه‌ها بررسی شد و ۱۰ پرسشنامه مخدوش در این مرحله حذف شدند و داده‌های مربوط به ۱۱۰ نفر مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

نگرش سنج امر به معروف و نهی از منکر

این نگرش سنج حاوی ۱۰ سؤال بود که افکار، احساسات و رفتار نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را ارزیابی می‌کرد. ۴ ماده از این آزمون بعد احساسی نگرش، ۳ ماده بعد فکری نگرش و ۳ ماده بعد رفتاری نگرش را می‌سنجد. از آنجا که در ساخت نگرش‌سنج‌ها برخورداری از همسانی درونی حائز اهمیت است همسانی درونی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ بررسی و محاسبه شد که برای کل پرسشنامه ۰/۷۵ محاسبه شد که به لحاظ آماری مناسب است.

مقیاس‌های سرمایه روانشناختی

آزمون امید بزرگسالان

مقیاس ۱۲ سؤالی امید توسط اسنایدر (۱۹۹۱)، به نقل از اسنایدر و پترسون، (۲۰۰۰) برای سنین ۱۵ سال به بالا طراحی شده و شامل دو خرده‌مقیاس گذرگاه و انگیزش می‌باشد و مدت زمان کوتاهی (۲ تا ۵ دقیقه) برای پاسخ دادن به آن کفایت می‌کند. برای پاسخ دادن به هر سؤال، پیوستاری از (کاملاً غلط) تا (کاملاً درست) در نظر گرفته شده است. سؤالات ۳، ۵، ۷، ۱۱، نمره‌گذاری نمی‌شوند و مربوط به حواس‌پرتی‌اند. سؤالات ۲، ۴، ۶، ۸، مربوط به خرده‌مقیاس گذرگاه و سؤالات ۱۲، ۱۰، ۹، ۲، مربوط به خرده‌مقیاس انگیزش می‌باشد، نمره امید حاصل جمع این دو خرده‌مقیاس است. بنابراین مجموع نمرات می‌تواند بین ۸ تا ۳۲ قرار گیرد. در پژوهشی که توسط گلزاری (۱۳۸۶) همسانی درونی مورد بررسی قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

مقیاس امید با مقیاس‌هایی که فرایندهای روانشناختی مشابهی را می‌سنجد، همبستگی بالایی دارد، به عنوان مثال، نمره‌های مقیاس امید به میزان ۵۰ تا ۶۰ درصد با مقیاس خوش‌بینی شی‌یر و کارور همبستگی دارد. همچنین نمرات این مقیاس با نمرات سیاهه افسردگی بک همبستگی منفی دارد (۰/۴۲- تا ۰/۵۱-). به علاوه طبق نظر متخصصان بالینی روایی این مقیاس به روش روایی محتوا نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

همچنین این پرسشنامه با مقیاس‌های انتظار تعمیم یافته برای موفقیت قیل و هال، انتظارات زندگی کوپر بورگر و عزت نفس روزنبرگ، مقیاس عاطفه مثبت و مقیاس حل مساله هیبر و پترشوم نیز همبستگی مثبت دارد. از طرفی دیگر با مقیاس‌های نومیدی و افسردگی بک به طور معکوس همبسته است (به ترتیب $r = -0/51$ و $r = -0/42$) این پرسشنامه با زیر مقیاس افسردگی آزمون MMPI نیز همبستگی منفی دارد (اسنایدر و همکاران، ۱۹۹۱). ادواردز و همکاران، ۲۰۰۷، ادواردز، آونگ و لویز، ۲۰۰۷).

پرسشنامه خوش بینی

پرسشنامه مزبور به منظور ارزیابی خوش بینی بین آزمودنی‌ها، توسط شی و کارور (۱۹۸۵) طراحی شده است. این مقیاس مشتمل بر ۸ گویه است که انتظاراتی را که افراد راجع به پیامدهای زندگی دارند، ارزیابی می‌کند. چهار سؤال مقیاس با عبارات مثبت مانند (در زمان عدم اطمینان انتظار دارم بهترین نتیجه عایدم شود) و چهار سؤال دیگر با عبارات منفی نظیر (هرگاه فکر می‌کنم که اتفاق بدی برایم روی خواهد داد، همان اتفاق برایم روی خواهد داد)، تنظیم شده است. در ایران، هنجاریابی و آماده سازی مقیاس خوش بینی در پژوهش کجیاف، عریضی و خدابخش (۱۳۸۵) انجام شده است. در این پژوهش که بر روی تعداد ۱۲۰ نفر (۶۰ زن و ۶۰ مرد، با دامنه سنی ۴۰-۲۰ سال) از ساکنین شهر اصفهان انجام گردید، ضریب پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۴ و با استفاده از روش باز آزمایی ۰/۸۷ محاسبه شد. علاوه بر این، روایی همزمان مقیاس با مقیاس افسردگی و خود تسلط یابی، به ترتیب ۰/۶۴۹- و ۰/۷۲۵ بدست آمد. نتایج تحلیل عاملی مقیاس نیز نشان داد که مقیاس خوش بینی از دو عامل شامل، امید به آینده و نگرش مثبت به وقایع، اشباع شده است.

مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون

این مقیاس دارای ۲۵ گویه پنج گزینه ای (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب و همیشه) است که توسط کانر و دیویدسون در سال ۲۰۰۳ طراحی شده است. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) این پرسشنامه را با بازبینی منابع ۱۹۷۹-۱۹۹۱ در زمینه تاب آوری تهیه نمودند.

روایی و پایایی مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون

کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) روایی و پایایی مقیاس را با استفاده از پنج گروه آزمودنی شامل مبتلایان به اختلال استرس پس از سانحه، مبتلایان به اختلال اضطراب منتشر، بیماران سرپایی دچار اختلال روان پزشکی، بیماران سرپایی مراقبت‌های اولیه و گروه فاقد بیماری، مطلوب بررسی کردند. علاوه بر این حساسیت مقیاس برای گروه‌های بالینی مناسب احراز گردید. همچنین نتایج تحلیل عامل حکایت از وجود پنج عامل در مقیاس داشت (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). در پژوهش قمرانی و همکاران (۲۰۱۰) مقیاس تاب آوری بر روی ۲۰۰ نوجوان اجرا شد، نتایج حاصل از تحلیل عاملی مقیاس گویای یک عامل عمومی بزرگ‌تر از یک و نتایج حاصل از همسانی درونی مقیاس، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ را نشان داد. پرسشنامه کانر و دیویدسون ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (هرگز) تا پنج (همیشه) نمره گذاری می‌شود.

نتایج

با استفاده از آمار توصیفی و تحلیل‌هایی یک متغیری و رگرسیون گام به گام داده‌ها تحلیل شد. نتایج در جداول یک و دو ارائه شده است. ابتدا به منظور بررسی نگرش افراد از تی یک متغیری استفاده شد تا وضعیت نگرش در بین کارکنان

بررسی شود. نتایج این تحلیل در جداول ۱ و ۲ آمده است. برای مقایسه میانگین با میانگین جامعه در اینجا میانگین مفروض، نمرات وسط آزمون نگرش و خرده مقیاس های آن در نظر گرفته شد که در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
کل نگرش	۳۸/۲۰	۶/۶۴	۱۱۰
بعد رفتاری نگرش	۱۰/۹۲	۲/۳۶	۱۱۰
بعد فکری نگرش	۱۱/۷۳	۲/۶۰	۱۱۰
بعد احساسی نگرش	۱۵/۴۲	۳/۳۷	۱۱۰
امید	۲۱/۵۹	۲/۱۶	۱۱۰
خوش بینی	۱۷/۳۶	۳/۹۳	۱۱۰
تاب آوری	۶۵/۹۸	۲/۶۱	۱۱۰

جدول ۲- نتایجی یک متغیری برای متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

منبع تغییر	t	Df	سطح معناداری	میانگین جامعه	تفاوت میانگین
کل نگرش	۱۲/۸۲	۱۰۹	۰/۰۰۰	۳۰	۸/۲۰
بعد رفتاری نگرش	۸/۵۶	۱۰۹	۰/۰۰۰	۹	۱/۹۲
بعد فکری نگرش	۱۱/۰۸	۱۰۹	۰/۰۰۰	۹	۲/۲۴
بعد احساسی نگرش	۱۰/۸۶	۱۰۹	۰/۰۰۰	۱۲	۳/۴۲

همانگونه که در جدول (۱) مشاهده می شود چه در نگرش و چه در خرده مقیاس های آن میانگین نمونه پژوهش بالاتر از میانگین مفروض برای جامعه است و تفاوت میانگین براساس نتایج جدول (۲) معنادار و مثبت است. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت نگرش به امر به معروف در بین کارکنان مثبت است. در مرحله بعد با استفاده از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نقش سرمایه های اجتماعی در پیش بینی نگرش به امر به معروف و نهی از منکر بررسی شد نتایج این تحلیل نشان داد بین امید، خوش بینی و تاب آوری با نگرش به امر به معروف و خرده مقیاس های آن رابطه وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد نگرش کارکنان دانشگاه صنعتی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر مثبت است ولی متغیرهای روانشناختی مربوط به سرمایه های روانشناختی (خوش بینی، امید و تاب آوری رابطه معناداری با نگرش نسبت به امر به معروف و نهی از منکر نداشتند. این نتایج دال بر آن است که برخورداری یا عدم برخورداری از سرمایه های روانشناختی در پیش بینی انجام این عمل نقش تعیین کننده ای ندارد. چگونه می توان این نتایج را تبیین کرد؟ همانگونه که پیش از این اشاره شد تاب آوری عبارت است از نوعی حالت قابل توسعه در فرد که بر اساس آن قادر است در رویارویی با ناکامی ها، مصیبت ها و تعارض های زندگی و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت ها و مسئولیت بیشتر به تلاش افزون تر ادامه دهد و برای دستیابی به موفقیت بیشتر، از پای ننشیند. (واگنیلد و یانگ، ۱۹۹۳؛ لوتانس، آویلیو و والومبوا، ۲۰۰۵). خوش بینی نیز اینگونه تعریف شد که افراد خوش بین در رویارویی با شکست ها و موفقیت های خود، چنین عمل می کنند: بر اسنادهای کلی تکیه می کنند. اسنادهایشان پایدار است. موفقیت هایشان را به توانایی های درونی خود نسبت می دهند در

رویارویی با ناکامی‌ها، شکست خود را به عوامل ویژه بیرونی و غیر پایدار نسبت می‌دهند (جنسن و لوتانس، ۲۰۰۶). و بالاخره اشاره شد که اسنایدر و همکاران (۱۹۹۶) امیدواری را به این صورت تعریف کرده‌اند: حالت انگیزشی مثبتی است که از احساس موفقیت آمیز عاملیت و انرژی معطوف به هدف و برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف ناشی شده است. به نظر می‌رسد این تعریف از سازه‌های مذکور با تعریف امر به معروف مرتبط نیست به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت برای پیش بینی امر به معروف و نهی از منکر به فرا سازه‌های ارزش‌ها نیاز است.

ارزش‌ها عبارت‌اند از سازه‌هایی که اساس فعالیت‌های اخلاقی به حساب می‌آیند و یک سیستم ارزش مجموعه‌ای از ارزش‌های ثابت است و ارزش‌های اصلی به ارزش‌هایی اطلاق می‌گردد که خرده ارزش‌های دیگر بر مبنای آن تنظیم می‌گردد و در هم یکپارچه می‌شوند (سانتراک، ۲۰۰۷). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که ارزش‌های هر فرد چیزهای مهم زندگی وی را تشکیل می‌دهند و سرلوحه رفتار افراد به حساب می‌آیند. با توجه به دو دسته ارزش کلی که برای افراد وجود دارد آن‌ها دست به تصمیم‌گیری می‌زنند و به خصوص ارزش‌ها در زمینه اتخاذ تصمیم‌ها هستند که خودشان را نشان می‌دهند. دسته اول ارزش‌های مذهبی هستند و دسته دوم ارزش‌ها سکولارند (ایلیاد، ۱۹۵۹). هنگامی که افراد بر مبنای ارزش‌های سکولار تصمیم‌گیری می‌کنند کمترین توجه را به باورهای مذهبی دارند و بیشترین توجه را به منافع شخصی خودشان دارند (پریز، ۲۰۰۷). به این ترتیب به هنگام تصمیم‌گیری افراد باید بین منافع شخصی و باورهای مذهبی دست به انتخاب بزنند (بارتلز، بالیمن، اسکیتکا و مدین، ۲۰۰۹). بنابراین به نظر می‌رسد برای پیش‌بینی امر به معروف و نهی از منکر باید به دنبال فرا سازه‌های روانشناختی بود که ممکن است سایر سازه‌ها را در بر بگیرد همچون ارزش‌ها. نتایج این پژوهش نشان داد گرچه پرورش روحیه امید، تاب‌آوری و خوش بینی می‌تواند برای زندگی سالم فرد مناسب باشد اما برخورداری یا عدم برخورداری از این حالات و صفات نمی‌تواند رفتارها و قضاوت‌های اخلاقی را پیش‌بینی نماید. این نتایج بدین معنا نیست که سایر خرده صفات روانشناختی مانند صفات شخصیت در ارتباط با انجام رفتار امر به معروف و نهی از منکر نمی‌تواند مفید باشد بلکه برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر و کامل‌تر ادامه این پژوهش‌ها توصیه می‌گردد در عین حال به خصوص بر نقش ارزش‌ها در انجام یا عدم انجام رفتار امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌گردد به هر حال این نتایج در زمینه ایجاد بافت لازم برای امر به معروف و نهی از منکر نیز مفید فایده خواهد بود و نشان می‌دهد که پرورش ارزش‌های مذهبی و تصریح آن‌ها در کودکان و نوجوانان ممکن است بتواند در توسعه رفتار امر به معروف و نهی از منکر مؤثر باشد و پرورش سایر صفات مثبت روانشناختی با هدف گسترش امر به معروف و نهی از منکر ممکن است پیراهه باشد.

منابع

۱. صداقت، محمد عارف. (۱۳۹۰). نقش امر به معروف و نهی از منکر در تربیت اسلامی. فصلنامه پژوهش: شماره ۴۱: ۲۱-۳۲.
۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تصحیح جلال‌الدین ارموی. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. سیف علی اکبر. (۱۳۸۰). روان‌شناسی پرورشی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آگاه.
۴. محلاتی، محمد سروش. (۱۳۸۸). تأملی در مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر فراگفتاری. موسسه پژوهشی فرهنگی فهیم. www.fahim12.com
۵. سنگانی، عبدالحکیم. (۱۳۸۵). امر به معروف و نهی از منکر در اسلام. سازمان آموزش و پرورش استان خراسان رضوی. www.khaf.khedu.ir
۱. سیمار اصل، سیما و فیاضی، مرجان. (۱۳۸۸). سرمایه روان‌شناختی مبنایی نوین برای مزیت رقابتی. ماهنامه تدبیر، شماره ۲۰۰، ۴۴-۴۸.
۲. شولتس، دوآن (۱۳۸۰). روانشناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم، ترجمه: گیتی خوشدل، چاپ نهم، تهران: نشر پیکان.
۳. کجباف محمدباقر، عریضی سامانی سیدحمیدرضا، خدابخشی مهدی. (۱۳۸۵). هنجاریابی، پایایی، و روایی مقیاس خوش بینی و بررسی رابطه بین خوش بینی، خودتسلط یابی، و افسردگی در شهر اصفهان. مطالعات روان‌شناختی
4. Avey, B. et al. (2006). The implications of positive psychological capital on employee absenteeism, *Journal of Leadership and Organizational Studies*, 13, 2.
5. Bartels, D.M., Baliman, C.W., Skitka. L.J., Medin, D.L. (2009). *Moral Judgment and Decision Making*. Burlington: Academic Press.
6. Conner. K. M & Davidson, j.r.t.(2003). *Development of a new resilience scale: The Conner- Davidson resilience scale (CD- RISC)*. *Depression and Anxiety* 18, 76-82.
7. Eliade, M. (1959). *The Sacred and Profane: the Nature of Religion*. London: Harcourt Brace Jovanovich.
8. Luthans, F., Avey, J.B., & Patera, J.L. (2008). Experimental analysis of a web-based training intervention to develop positive psychological capital. *Academy of Management Learning & Education*, 7, 209-221
9. Luthans, F., Avolio, B.J., Avey, J.B., & Norman, S.M. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Personnel Psychology* 60, 541-572.
10. Luthans, F., & Youssef, (2007). Emerging positive organizational behavior. *Journal of Management*, 33, 321-349.
11. Luthans, F., Avey, J.B., Avolio, B.J., Norman, S., & Combs, G.M. (2006). Psychological capital development: A micro intervention. *Journal of Organizational Behavior*. 27, 387-393.
12. Luthans, F., Avey, J.B., Avolio, B.J., Peterson, S.J.. (2010). The development and resulting performance impact of psychological capital. *Human Resource Development Quarterly*. 21, 41-67.
13. Luthans, F., Avolio, B.J. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction, *Personnel Psychology*, 60-73.
14. Luthans, F., Avolio, B.J., Walumbwa, F.O., & Li, W. (2005). The psychological capital of Chinese workers: Exploring the relationship with performance. *Management and Organization Review*, 1, 249-271.
15. Page, L.F., Donohue, R.(2004). Positive psychological capital: A Preliminary exploration of the construct. Working Paper, Monash University, Department of Management.
16. Parker, S. (1998). Enhancing role-breadth self-efficacy: The roles of job enrichment and other organizational interventions. *Journal of Applied Psychology*, 83, 835-852.

17. Prinz, J. (2007). *The Emotional Constructions of morals*. Oxford: Oxford University press.
18. Page, L.F., Donohue, R.(2004). Positive psychological capital: A Preliminary exploration of the construct. Working Paper, Monash University, Department of Management.
19. Scheier, M.F., & Carver, C.S. (1985). Optimism, coping, and health: Assessment and implications of generalized outcome expectancies. *health Psychology*, 4, 219-247.
20. Snyder, C.R. Sympson, S., Ybasco, F., Borders, T., Babyak, M, & Higgins, R. (1996). Development and validation of the state hope scale. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 321-335.
21. Suntrick, J.W. (2007). *A Topical Approach to life span Development*. New York: Mc Graw-Hill.
22. Wagnild, G.M., & Young, H.M. (1993). Development and psychometric evaluation of the resiliency scale. *Journal of Nursing management*. 1(2), 165-178.

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر

نجمه زارع^۱
دکترمهری اذانی^۲

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر در کانون تعالیم اسلامی قرار دارد. در فرهنگ اسلامی طبق مبانی اسلامی کلمه «معروف» شامل همه هدف‌های مثبت اسلامی و کلمه «منکر» شامل همه هدف‌های منفی اسلامی می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر گرچه با تعبیر امر و نهی است، ولی به نص حدیث و فقه و تاریخ قطعی اسلامی، شامل هر وسیله مشروعی است که برای این هدف ما بتوان استفاده کرد و این ساختمان را نگه داشت و توسعه داد؛ مقصود از آن تنها امر و نهی لفظی نیست بلکه مقصود استفاده کردن از هر وسیله مشروع برای پیشبرد هدف‌های اسلامی است. اسلام از باب اینکه نخواسته موضوع امر به معروف و نهی از منکر را به امور معینی مثل عبادات، معاملات، اخلاقیات و ... محدود کند کلمه عام آورده است. روش تحقیق بر اساس هدف بنیادی و از جهت ماهیت توصیفی می‌باشد و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به جایگاه ارزنده‌ای که اسلام برای این فریضه الهی قائل است اشاره کرد. معروف یعنی هر کار خیری و نیکی که نقطه مقابلش هر کار زشتی است. منکر، هر چه که زشت و پلید است. آنجا که حقایقی در اجتماع پایمال می‌شود، پای امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با منکرات و ترویج و اشاعه آنچه که اسلام آن را نیک می‌شناسد در میان می‌آید و چنین دفاعی در حقوق فردی و اجتماعی افراد نیز مطرح است.

مقدمه

با یک نگاه گذرا به سوره مبارکه «العصر» می‌فهمیم که بر خلاف گمان انسان که خیال می‌کند هر روز به عمرش افزوده می‌شود، هر روز که می‌گذرد از سرمایه او کاسته می‌شود، به زمان سوگند که انسان همچون یخ هر لحظه در حال آب شدن است «وَ الْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» پس در برابر هدر رفتن عمر باید چیزی بهتر از عمر به دست آوریم. آنچه بهتر از عمر ماست ایمان و عمل صالح است، «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و دیگران را نیز به ایمان و عمل صالح سفارش و دعوت کنیم «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» با پشتکار راه را ببیمیم «و تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ». سفارش به حق همان امر به معروف است که شامل فکر حق، حرف حق، قانون حق، رهبر حق و حکومت حق می‌باشد. امر به معروف نشانه عشق انسان به مکتب است، عشق انسان به مردم و تعهد و دلسوزی انسان به سلامتی جامعه است. ارتباط میان آن مردم را نشان می‌دهد و فطرتی بیدار.

نهی از منکر؛ که بازداشتن از زشتی‌هاست جامعه را از سقوط نجات می‌دهد و نوعی انضباط اجتماعی است، مسأله هشدار و اخطار و یا فریاد در برابر خطرها و انحراف‌ها مخصوص انسان‌ها نیست، در قرآن می‌خوانیم؛ همین که مورچه‌ای دید حضرت سلیمان با لشکرش در حرکت‌اند، فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه‌های خود بروید تا پایمال آنان نشوید (نمل / ۱۸) و همین که هدهد در پرواز خود از فضای کشور صبا متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند نزد حضرت سلیمان آمد و با ناله خود از این انحراف شکایت کرد (نمل / ۲۴) بنابراین فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران نه تنها مسأله‌ای فطری برای انسان‌ها است بلکه ریشه غریزی در حیوانات هم دارد (قرآنی، ص ۱۱).

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اسلامی واحد نجف آباد Email: n_zare90@yahoo.com

۲. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، مسئول کمیته پژوهشی زنان نجف آباد Email: mehriazani@yahoo.com

امر به معروف و نهی از منکر یک ضرورت عقلی است، کدام عاقل است که سکوت در مقابل خطر و انحراف را پسندیده و آن را محکوم کند؟! کدام عقل است که راهنمایی، دلسوزی، تشویق به کار خیر و جلوگیری از مفسد را لازم نداند؟! دایره امر به معروف و نهی از منکر چه حدودی را در بر می‌گیرد؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کلی بیان شده؟ چرا امر به معروف و نهی از منکر در اسلام اهمیت دارد؟

ضرورت پژوهش

به فرموده روایات امر به معروف حتی از جهاد در راه خدا مهم‌تر است؛ زیرا جهاد در تمام عمر بسیار کم اتفاق می‌افتد؛ ولی این واجب الهی هر شب و روز در برابر چشم مردم جلوگیری می‌کند اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، جامعه اسلامی بیمه نمی‌شود و هر روز اگر هنرمندی مثل سامره یک گوساله ملاتی درست کند، می‌تواند نسل ما را مورد تهاجم فرهنگی خود قرار دهد، آنقدر اهمیت دارد که امام حسین (ع) فرمود: هدف من از رفتن به کربلا امر به معروف و نهی از منکر است با این فریضه الهی تمام واجبات در جامعه عملی می‌شود و با نهی از منکر از همه مفسد جلوگیری می‌شود. (بهروزلک)

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

در اندیشه اسلامی برترین جهاد، امر به معروف و نهی از منکر است. اسلام می‌گوید «الفضل الجهاد کلمه‌ی عدل عند امام جائز»: با فضیلت‌ترین و برترین جهادها این است که انسان در برابر یک پیشوای ستمگر از عدل دم بزند و سخن عدل مطرح کند. (بهروزلک، ص ۱۹) از آن جهت امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای بزرگ و دارای اهمیت تلقی می‌شود که سایر فرائض به وسیله آن به پا می‌شود.

باید امر به معروف و نهی از منکر باشد تا نمازی باشد، زکاتی باشد، حجی باشد، خمس باشد و معاملات تا قانونی باشد و اخلاقی و ...

همانا امر به معروف و نهی از منکر راه همه پیامبران است. واجبات خدا به این وسیله به پا داشته می‌شود و راه‌ها به این وسیله امن می‌گردد، کسب‌ها به این وسیله حلال و مظالم به این وسیله باز می‌گردد. زمین به این وسیله آباد می‌شود (بهروزلک ص ۱۹). یکی از آیات قرآن که بر خصلت بارز امت اسلامی در برپایی امر به معروف دلالت دارد آیه ۱۰۴ سوره آل عمران «و لکن منکم أمة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و أولئک هم المفلحون» از شما امت چنین امتی باید ساخته شود یعنی همه شما باید چنین امتی باشید؛ امر به معروف و نهی از منکر کنید.

اهمیت دادن اسلام به این فریضه مهم و ارزشی علاوه بر مسئولیت فردی برای مؤمنان، برای آن‌ها مسئولیت اجتماعی نیز قائل است. امام رضا (علیه السلام) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله سلم) نقل می‌کند: هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده یکدیگر بگذارند یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند در نتیجه هیچ کس قیام نکند، پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند (بهروزلک ص ۲۳). قرآن خواری و ذلت ملل گذشته مستند می‌کند به اینکه امر به معروف و نهی از منکر نداشته‌اند. وقوع عذاب بر بنی اسرائیل و نجات ناهیان از منکر (اعراف/ ۱۶۵). لعن و عذاب گروهی از بنی اسرائیل به درخواست پیامبرانی چون داوود (ع) و عیسی بن مریم (ع) به خاطر ترک نهی از منکر (مائده / ۷۸). قرآن به صراحت بهترین امت را مسلمانان معرفی کرده به شرطی که امر به معروف و نهی از منکر کنند، با آنکه بارها از اهل کتاب به خاطر تعصبات نابجا و تعریف‌های نامشروع و توقعات بیهوده انتقاد کرده اما از گروهی از آنان به خاطر ایمان و تلاوت آیات الهی و امر به معروف و نهی از منکر ستایش کرده (آل عمران/ ۱۱۲ و ۱۱۰).

امر به معروف کاری است که خداوند انجام می دهد: «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان» (نحل / ۹۰) همانا امر به منکر کار شیطان است «الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء» (بقره / ۲۶۸). اسلام نگرش جمعی به این فریضه دارد یعنی همدردی، همبستگی، همکاری، آگاهی قدرت و نوعی دفاع از حقوق دانست.

رابطه توحید، نبوت و امامت با امر به معروف و نهی از منکر

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: "کلمه لا اله الا الله" عذاب الهی را از انسان دور می کند به شرط آنکه این کلمه مبارک مورد تحقیر و استخفاف قرار نگیرد، مردی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پرسید: چگونه ممکن است کلمه توحید مورد استخفاف قرار می گیرد؟! فرمود: اگر گناهان علنی انجام گیرد و کسی گناهکار را نهی نکند و او را تغییر ندهد، به توحید اهانت شده. در سوره اعراف در شرح وظایف پیامبر اکرم می خوانیم: «مردم را امر به معروف و نهی از منکر می کند» (اعراف/ ۱۵۷) چه معروفی از یکتا پرستی خداوند مهم تر و چه منکری از اطاعت طاغوت بدتر است؟! در قرآن می خوانیم؛ وظیفه تمام پیامبران نسبت به مردم، دعوت به بندگی خدا و دوری دادن آنان از طاغوت است (نحل/ ۳۶). امام حسین (علیه السلام) هدف از قیام خود را چنین می فرماید: آیا نمی بینید به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آید؟! (قرائتی، ص ۱۸). در جای دیگر می فرماید: من بنا دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم، می خواهم در دین جدم اصلاح کنم (بهرز لک). حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر مصلحت عام است.

برکات امر به معروف و نهی از منکر

امیر بیان علی (علیه السلام) فرمود: هر کس منکر و خلافی را دید و قلبا از آن ناراحت شد، همانا از قهر خدا نجات پیدا کرده و تن به سلامت برده است و هر کس با زبان از کار خلاف نهی کرد به پاداش رسیده و چنین کسی از الطاف خداوند بهره مند خواهد شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: بهترین مردم کسی است که مردم را به معروف دعوت کند و اگر کسی در برابر معروف هیچ گونه احساسی نداشته باشد انسانیت او دگرگون شده است به گونه ای که دیگر هیچ حرف خیری را نمی پذیرد. (نهج الفصاحه، جمله ۸۴۹۹ خیر الناس) حضرت علی (علیه السلام) در جایی به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی (کریمی جهرمی، ص ۹۱) امر و نهی کننده شریک در پاداش کار خواهد بود بدون آنکه از اجر دیگری کاسته شود (قرائتی، ص ۳۵).

قرآن کریم می فرماید: اگر مردم مناطق ایمان آورند و تقوا پیشه کنند که یکی از مصادیق تقوی امر به معروف و نهی از منکر است از آسمان و زمین برکاتی خواهیم گشود. (اعراف/ ۹۶). امام باقر (علیه السلام) می فرماید: با امر به معروف و نهی از منکر کسبها حلال و زمینها آباد می شود (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸).

قرآن جامعه ای را رستگار می داند که گروه ویژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند (آل عمران/ ۱۰۴) و در جای دیگری می فرماید: نشانه بهترین جامعه آن است که امر و به معروف و نهی از منکر زنده باشد (آل عمران/ ۱۱۰) و به صراحت بیان می دارد هنگام عذاب، تنها ناهیان از منکر نجات پیدا می کنند و بقیه مردم خواه گناهکار و خواه افراد ساکت و بی تفاوت گرفتار قهر خدا می شوند (اعراف/ ۱۶۴) و از آثار سیاسی این فریضه الهی حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند: پشتوانه مومنان و وسیله تحقیر کفار امر به معروف و نهی از منکر است. (قرائتی، ص ۳۷).

آثار امر به معروف و نهی از منکر

الف: اجرای احکام اسلام	اجتماعی:
ب: عدالت اجتماعی	
ج: سازندگی	
د: استواری نظام اسلامی	
ه:	
و: خیر و سلامتی	
ز: قدرتمندی مؤمنان	
ح: تضعیف جبهه نفاق	
ط: پاکیزگی کسب و کار	فردی:
ظ: مصلحت عمومی جامعه	

۱. سلامتی دین و دنیا	الف: دنیوی	فردی:
۲. نصرت الهی		
۳. کم نشدن عمر و روزی		
۴. نجات از بلاها		
۱. خشنودی	ب: اخروی	
۲. فلاح و رستگاری		
۳. ثواب فراوان		
۴. رهایی از دوزخ		
۵. بهشت برین		

آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

هر کس ترک امر به معروف و نهی از منکر کند پس اعلان جنگ و مقابله با خداوند می کند (بهر روز لک، ص ۵۵). باعث تسلط اشرار می شود طبق روایات به عدم استجاب دعا «خوبان شما می خوانند و به آن ها جواب داده نمی شود» حضرت رسول می فرمایند: اگر می خواهید عزت داشته باشید و دیگران روی شما حساب کنند امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. ارزش و اهمیت مسلمان بودن از دست می رود و سرنوشت را دیگر ملل به دست می گیرند. در گسترش گناه شریک محسوب می شود و جزء فاعلان منکر محسوب می شود (بهر روز لک، ص ۵۷). قرآن می فرماید: «و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الباب» (بقره/۱۷۹). اگر در برابر قاتل ایستادید و او را به قصاص رساندید زنده اید و گرنه، مرده اید.

سکوت در برابر گناه نشانه ضعف، ترس، یاس و نداشتن تعهد نسبت به دین و جامعه و اصلاحات است و به گفته پیامبر (صل الله علیه و آل وسلم) سکوت در برابر گناه نوعی بدعت است. در سوره «عصر» می خوانیم: «کسانی که با ایمان و عمل صالح باشند ولی ساکت باشند و دیگران را به حق و پشتکار سفارش نکنند در خسارت قرار گرفته اند». در آیه ۲۵۱ سوره مبارکه بقره می خوانیم «اگر گروهی از مردم جلوی فتنه و فساد دیگران را نگیرند همه زمین به فساد کشیده

می شوند. « امام صادق (علیه السلام) فرمود: « خداوند فرشتگانی را برای عذاب گروهی فرستاد، آن‌ها آمدند و دیدند که مردم به دعا گریه مشغول‌اند از خداوند دلیل عذاب را پرسیدند خطاب آمد: زیرا آن‌ها اهل گریه و دعا هستند ولی نسبت به مفاسد جامعه بی تفاوت‌اند». حضرت علی (علیه السلام) فرمود: « خداوند امت‌های پیشین را لعنت نکرد مگر به دلیل رها کردن امر به معروف و نهی از منکر. « در قیامت ترک کنندگان این فرضیه مهم در قیافه بوزینه و خوگ ظاهر می‌شود و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)

فرماید: به خاطر آن است که قدرت نهی از منکر داشته‌اند ولی با گناهکاران سازش کردند. (قرائتی ص ۷۲). امام باقر (علیه و السلام) می‌فرماید با امر به معروف و نهی از منکر کسب‌ها حلال و زمین‌ها آباد می‌شود (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸). قرآن جامعی را رستگار می‌داند که گروه ویژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند (آل عمران/ ۱۰۴) و در جای دیگری می‌فرماید نشانه بهترین جامعه آن است که امر و به معروف و نهی از منکر زنده باشد (آل عمران/ ۱۱۰) و به صراحت بیان می‌دارد هنگام عذاب، تنها ناهیان از منکر نجات پیدا می‌کنند و بقیه مردم خواه گناهکار و خواه افراد ساکت و بی تفاوت گرفتار قهر خدا می‌شوند (اعراف/ ۱۶۴) و از دیگر آثار سیاسی این فریضه الهی حضرت امیر (علیه و السلام) می‌فرماید: پشتوانه مومنان و وسیله تحقیر کفار امر به معروف و نهی از منکر است (قرائتی، ص ۳۷). امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما مسلط می‌شوند، پس هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌گردد (خرمی مشکانی ص ۵۱۵).

نتیجه‌گیری

امر به معروف و منکر دو تعبیر کلیدی از مهم‌ترین هدف‌های مثبت و منفی جایگاه اسلامی بود و جایگاهی ویژه و مهم در اندیشه و عمل اسلامی دارند. امر به معروف و نهی از منکر معیار برتری امت اسلامی تداوم و پویایی آن و خصلت بارز مؤمنان است. سیره معصومین (علیهم السلام) در گفتار و کردار تأکید بر این امر بوده.

اهمیت این فریضه مهم مقتضی آن است که جامعه اسلامی همواره نسبت به ماهیت، شرایط و آثار و برکات آن آگاهی کامل و صحیح داشته و خود بدان پایبند و متصف باشد.

در موارد بسیاری عدم پایبندی به امر به معروف و نهی از منکر از عدم شناخت صحیح آن و آثار و برکات مترتب بر آن امر بوده است. اهمیت این فریضه مهم مقتضی آن است که جامعه اسلامی همواره نسبت به ماهیت، شرایط و آثار و برکات آن آگاهی کامل و صحیح داشته و خود بدان پایبند و متصف باشد.

شرایط و آثار و برکات آن آگاهی کامل و صحیح داشته و خود بدان پایبند و متصف باشد. در اساس نهضت حسینی بر امر به معروف و نهی از منکر بوده است و نشأت می‌گیرد.

اساس نهضت حسینی بر امر به معروف و نهی از منکر بوده. امام حسین (علیه السلام) با درایت برتر خویش به وظیفه و مأموریت الهی خویش در زمانه خود عمل کرده و اسوه آمران به معروف و ناهیان از منکر گردید و ارزش و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را بالا برده و فهم صحیح آن رابه جهانیان شناسانید. سنت الهی بر این قرار گرفته است که سرنوشت جوامع رابه عملکرد خود آن‌ها مشروط کرده و حتی جامعه مومنان در صورت بی توجهی به این ارزش‌ها موجب از بین رفتن نعمت‌ها و ظهور بلاها خواهند شد. بدین جهت مهم‌ترین آموزه‌ی اسلامی برای جامعه امروز ایران و جهان تلاش همگانی برای پایبندی به این اصل بود و ضرورت دارد نسل جوان امروز که آرمان جامعه‌ی مطلوب اسلامی را در ذهن خویش می‌پروراند در این زمینه با شناخت صحیح ماهیت این اصل و شرایط و اقتضائات آن پیشگام و پیشرو باشد و باشد

که مانند ابوذر که به خاطر نهی از منکر تبعید شد و در غربت ربذه جان دادابوذوار در تحقق دولت سراسر معروف امام
عصرمان سرآمد باشیم انشاءالله..

منابع

۱. قرآن کریم
۲. بهروز لک غلامرضا (۱۳۸۹). امر به معروف و نهی از منکر. چلچراغ حکمت. دفتر بیست و هشتم. انتشارات. تهران. کانون اندیشه جوان.
۳. تفسیر نمونه جلد
۴. خرمی مشکانی (۱۳۸۸). راز خوشبختی در کلام امیر المؤمنین (علیه السلام). انتشارات مرسل. ص ۵۱۵.
۵. قرائتی محسن. (۱۳۸۸). امر به معروف و نهی از منکر. ناشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۶. قرائتی محسن. (۱۳۸۶). تفسیر سوره لقمان. چاپ چهارم. ناشر معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد مرکز فعالیت‌های قرآن و عترت. ص ۵۶
۷. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه. (۱۳۷۱). چاپ اول. ناشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۸. آیت الله کریمی جهرمی. (۱۳۸۴). به سوی مدینه فاضله. چاپ دوم. نشر اسخون. ص ۹۱

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر و نظارت در قوانین کشورهای اسلامی

ارشاد کاویانی مبارکه^۱

چکیده

اصل امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول مترقی و ممتاز دین مبین اسلام است. روابط افراد جامعه بر اساس معروف خواهی و منکر گریزی و به عبارت صحیح‌تر منکر زدایی تبیین می‌گردد. از این رو جامعه اسلامی، جامعه آرمانی است که آزادی در تمام شوون آن با تعهد و احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی آحاد مردم چنان درهم آمیخته است که پایه‌های حکومت اسلامی را بر مبنای حاکمیت الهی با محوریت عزت و حرمت انسانی تحکیم می‌سازد. فریضه امر به معروف و نهی از منکر در میان فرایض و تکالیف الهی از ویژگی‌های خاص و حتی منحصر به فرد برخوردار است. این ویژگی‌ها در جامعه‌ای که با حاکمیت اسلام و در چارچوب قوانین شرع اداره می‌شود، مضاف و دوچندان می‌شود زیرا حکومت اسلامی خود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارد. امر به معروف و نهی از منکر در پی اتیان حقوق همگان، حفظ نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و حقوقی سالم است. برای اینکه انسان‌های فاسد حاکم نشوند و حقوق مشروع مردم فراموش نگردد، باید امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ابزاری نظارتی به کار گرفته شود و همه سطوح جامعه و حتی حاکمان را دربر گیرد. آنچه حکومت اسلامی را از دیگر حکومت‌ها ممتاز می‌کند، حضور گسترده ابزار نظارت و کنترلی است به نام «امر به معروف و نهی از منکر» و این فریضه، منحصر به اقلیت خاصی نیست، بلکه همگان بایستی با رعایت شرایط و مراتب به آن اقدام کنند. در قوانین اساسی کشورهای اسلامی نظارت همگانی به دلیل مبانی مذهبی و اسلامی در ظاهر امر به معروف و نهی از منکر متبلور می‌گردد اما با این وجود، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قوانین کشورهای اسلامی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر، غالباً تک بعدی عمل شده است و یکی از دو طرف حکومت یا مردم مورد توجه قرار گرفته و دیگری به عمد یا به سهو تا حدودی رها شده است.

برای ایجاد یک جامعه سالم و نیز فراهم آوردن نظارت همگانی و اجرایی نمودن امر به معروف و نهی از منکر از طرق قانونی و اجتماعی نیاز به دو شرط اساسی دارد:

اولاً: حکام و زمامداران، باید از نظر اخلاقی نمونه فضایل باشند، تا سرمشق مردم قرار گیرند.
ثانیاً: نظام سیاسی مبتنی بر محو استبداد و حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خویش باشد، تا از برکت آزادی، مردم کسب شخصیت نموده و با محیط پیرامون خود مسولانه برخورد نمایند. این امر اجتماعی یکی از تکالیف شرعی همه مردم به شمار می‌رود، که ضامن سلامت جامعه و سعادت همگان خواهد بود.

واژگان کلیدی: امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی، قوانین اساسی

مقدمه

یکی از ابعاد وجودی انسان، بعد اجتماعی اوست. روابط اجتماعی مبتنی بر فطرت و عقل و سایر صفات انسانی موجب پیوندی شده که همه افراد جامعه حکم مسافرانی را یافته‌اند که در یک وسیله نقلیه در حرکت‌اند و فلاح و صلاح آنان و نجات و هلاکشان به یکدیگر وابسته است. هم از منظر اصول عقلانی فلسفی و هم بر اساس مبانی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، انسان‌ها با اعمال خیر یا شر خود لاجرم در زندگی و رفتار و افکار دیگران تأثیر می‌گذارند. البته، هر فردی نیز از آنچه در جامعه پدید می‌آید، اعم از خوب و یا بد، متأثر می‌گردد. در واقع، همان‌گونه که جغرافیای طبیعی در خلق و

۱. دستیار علمی رشته حقوق دانشگاه پیام نور مبارکه Ershad62@yahoo.com

خو، رفتار و کردار و بیماری و سلامتی افراد تأثیرگذار است، جغرافیای رفتاری، کرداری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی فرد در جامعه و جامعه نیز در فرد نقش ایفا می‌کند. داشتن جامعه سالم و خدامحور و رو به کمال، خواست هر انسان سلیم‌العقل است و تحقق آن مشروط به احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی آحاد جامعه است. سلامتی و آرامش مادی و معنوی جامعه، آن‌گونه که بتواند زمینه‌ساز جامعه‌ای آرمانی و رو به کمال باشد، در گرو توجه به خود و دیگران است. همواره انسان‌هایی بوده و هستند که به هر دلیلی قانع به حق خویش و پایبند به حدود و مرزها نبوده و با شیوه‌های گوناگون آرامش جامعه را بر هم می‌زنند. از این رو، لازم است برای نیل به سعادت، به جنبه‌های فردی و اجتماعی توجه شود؛ چراکه زندگی بشر نیازمند نظم و قانون است. دین اسلام به حکم جامع و کامل بودنش، برای تحقق جامعه سالم انسانی، الهی و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های رشد، تعالی و به سامان رسیدن جامعه‌ای سالم و برپایی قسط در جامعه انسانی، احکام و دستوراتی دارد که موجب سعادت و تعالی جامعه است. در مجموع، برخی از این قوانین به منظور پیش‌گیری از بیماری‌اند، برخی به منظور درمان اجتماع مریض، برخی جنبه سلبی داشته و از بین برنده زشتی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است و برخی جنبه ثبوتی دارند و محقق‌کننده صفات عالی انسانی در حیات معقول بشری محسوب می‌گردند. به هر حال، از جمله حقوق مسلم افراد یک جامعه داشتن فضایی امن و آرام برای پرداختن به فعالیت‌های مادی و معنوی مشروع است و محدود شدن فضا برای کسانی که در صدد تضييع حقوق دیگران هستند. تحقق این امر، در گرو انجام تکالیفی است که در برابر هر حقی خداوند بر عهده انسان‌ها گزارده است. پیوند حق و تکلیف، بیانگر این واقعیت است که هر جامعه، برای سازندگی روحی و معنوی و مادی خود، باید اقدامات عملی خود را با تکیه بر فضل خدا و استفاده از نعمت‌ها و انجام دستورات الهی به سامان برساند. در حقوق اساسی، سلامتی محیط امری مقبول و معقول است. اصل امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول مترقی و ممتاز دین مبین اسلام است. روابط افراد جامعه بر اساس معروف خواهی و منکر گریزی و به عبارت صحیح تر منکر زدایی تبیین می‌گردد. از این رو جامعه اسلامی، جامعه آرمانی است که آزادی در تمام شئون آن با تعهد و احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی آحاد مردم چنان درهم آمیخته است که پایه‌های حکومت اسلامی را بر مبنای حاکمیت الهی با محوریت عزت و حرمت انسانی تحکیم می‌سازد.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر در میان فرایض و تکالیف الهی از ویژگی‌های خاص و حتی منحصر به فرد برخوردار است. این ویژگی‌ها در جامعه‌ای که با حاکمیت اسلام و در چارچوب قوانین شرع اداره می‌شود، مضاف و دوچندان می‌شود زیرا حکومت اسلامی خود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع به خوبی توجه شده و از سه بعد به اجرای فریضه نگریسته شده است. در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. این نگرش سه بعدی که منبعث از فرهنگ اسلام بوده و ریشه در تاریخ اسلام بوده و ریشه در تاریخ اسلام دارد، از یک سو بر جنبه‌های مردمی که بیان دیگری از مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت جامعه است تأکید دارد و از سوی دیگر به صبغه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر که نیازمند فعالیت سازمان یافته، تشکیلاتی و منسجم است، تصریح می‌کند.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در رابطه با سابقه انجام تحقیق در مورد مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در قوانین اساسی کشورهای اسلامی باید گفت که اکثر نویسندگان، بیشتر به بیان مباحث این موضوع در حد ذکر تعریف و شرایط امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته‌اند و این در حالی است که درباره نظارت همگانی که در قوانین اساسی کشورهای اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر متبلور می‌گردد؛ مورد توجه نویسندگان فرا رنگرخته است.

اهداف کلی از انجام تحقیق

با توجه به این مطلب که امر به معروف و نهی از منکر دارای ریشه اسلامی می‌باشد، اولاً ضرورت دارد به مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر از منظر قوانین کشورهای اسلامی پرداخته شود؛ ثانیاً با عنایت به این که امر به معروف و نهی از منکر دارای دو بعد مردمی و حکومتی می‌باشد، رویکر قانونگذاران کشورهای اسلامی در تدوین قوانین اساسی در تأکید بر این ابعاد به چه صورت عمل نموده‌اند. کشورهایی که در قانون اساسی آن‌ها دین مبین اسلامی به عنوان دین رسمی کشور شناخته شده و تشکیل حکومت اسلامی داده‌اند و (هرچند در عمل چه بسا مخالف با اسلام می‌باشند) از این رو وجه تشابهی با ایران اسلامی دارند.

روش گردآوری اطلاعات

روش تحقیق در مقاله حاضر، روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای است. از طریق فیش‌برداری از مطالب کتاب‌های معتبر و از طریق جستجو در اینترنت، مطالب جمع‌آوری گردید. در کنار توصیف و تبیین موضوع، به تجزیه و تحلیل مبادی قانونی امر به معروف و نهی از منکر در قوانین کشورهای اسلامی و همچنین به مفهوم شناسی این وظیفه شرعی به عنوان یکی از مصادیق مهم نظارت همگانی از منظر آیات و روایات پرداخته شد و در نهایت به صورت یک مقاله ارائه گردید.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

امر به معروف و نهی از منکر از جمله قوانین اجتماعی اسلام به شمار می‌رود که به تدریج، بنا بر قابلیت پذیرش و استعداد مسلمانان و با توجه به تکامل و گسترش اسلام تشریح گردیده است؛ که می‌توان به عنوان نمونه سوره‌های لقمان (آیه ۱۷) - اعراف (آیه ۱۶۲-۱۶۶) - آل عمران (آیه ۱۰۴) - توبه (آیه ۷۹) را بیان نمود. در باب امر به معروف و نهی از منکر احادیث و روایات فراوانی نقل شده است. امام علی (ع) قبل از وفات در وصیت خود به حسنین می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، زیرا بدکاران جامعه بر شما مسلط خواهند شد و پس از آن چنانچه خدا را بخوانید، از شما پذیرفته نخواهد شد و کسی به دادتان نخواهد رسید (فیض الاسلام، بی تا: ص ۹۷۸). از نگاه حضرت علی علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام، امر به معروف و نهی از منکر، یعنی امر به همه خوبی‌ها و نیکویی‌های اجتماعی، فردی و بازداشتن از همه مفساد اجتماعی و فردی در همه حوزه‌های اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ چرا که فلسفه حکومت اسلامی ساختن جامعه آرمانی است برای توسعه مسیر کمال و ورود به جهان نور، و گرنه قدرت فی نفسه نه مطلوب است و نه مرغوب. قدرت و حکومت زمانی ارزشمند و تشکیل و حضور در آن عبادت است که راهی هموار گردد یا مانعی برداشته شود، معرفی رواج یابد و منکری بگریزد. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر نه تنها بستر تحقق معروف‌ها و نابودی منکرهاست، بلکه اساساً هدف حکومت اسلامی نیز هست. از این رو، فریضه امر به معروف و نهی از منکر نه فقط فردی و اتفاقی، بلکه فریضه‌ای بنیادی، اجتماعی، سازمان‌یافته، جهت‌دار و مهندسی شده، است. امر به معروف و نهی از منکر در پی اتیان حقوق همگان، حفظ نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و حقوقی سالم است. برای اینکه انسان‌های فاسد حاکم نشوند و حقوق مشروع مردم فراموش نگردد، باید امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ابزاری نظارتی به کار گرفته شود و همه سطوح جامعه و حتی حاکمان را دربر گیرد. آنچه حکومت اسلامی را از دیگر حکومت‌ها ممتاز می‌کند،

حضور گسترده ابزار نظارت و کنترلی است به نام «امر به معروف و نهی از منکر» و این فریضه، منحصر به اقشار خاصی نیست، بلکه همگان بایستی با رعایت شرایط و مراتب به آن اقدام کنند. در کتب فقهی گذشته و حال امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از فروع مهم دین نابرده شده، اما با اینکه تمام علما بدون استثنا اعتقاد به وجوب این فریضه الهی دارند، ولی در کیفیت وجوب بین فقها اختلاف نظر وجود دارد: ۱- وجوب عینی: عده ای از علما همچون شیخ طوسی قائل به وجوب عینی این امر می‌باشند و معتقدند که قیام به این عمل بر تک تک افراد جامعه واجب است بدین صورت که باید عده‌ای نهی از منکر کنند. اگر تأثیر نکرد، افراد دیگر باید آنقدر این عمل را تکرار نمایند تا فاعل منکر و تارک معروف از عمل خود منصرف گردد. (طوسی، ۱۳۹۰ ه. ق. ص: ۲۹۹). ۲- وجوب کفایی: عده ای از فقها قائل به وجوب کفایی این امر می‌باشند، بدین معنی که این وجوب شامل همه افراد می‌شود. لکن انجام دادن آن، توسط بعضی از افراد به اندازه نیاز از عهده دیگران ساقط می‌گردد (الموسوی الخمینی، ۱۴۰۳ ه. ق. ص: ۳۹۸).

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قوانین اساسی کشورهای اسلامی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قوانین کشورهای اسلامی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر، غالباً تک بعدی عمل شده است و یکی از دو طرف حکومت یا مردم مورد توجه قرار گرفته و دیگری به عمد یا به سهو تا حدودی رها شده است. کشورهای اسلامی را در این می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. کشورهایی که به جنبه حکومتی امر به معروف و نهی از منکر توجه نموده و بر همین اساس برنامه‌ریزی و اقدام می‌نمایند. مانند عربستان سعودی، سودان و کویت.
۲. کشورهایی که جنبه مردمی امر به معروف و نهی از منکر در آن رونق بیشتری یافته است مانند مصر، پاکستان، بحرین، اردن و بنگلادش.
۳. کشورهایی که به هیچ یک از دو جنبه مذکور توجه ندارند و حد آخر اینکه موردی برخورد می‌شود مانند قطر، لیبی و سوریه.

الف- وضعیت امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای دسته اول

در صدر این کشورها، عربستان سعودی قرار دارد که دارای تشکیلاتی مستقل، قانونمند و حکومتی با وظایف مشخص و اختیارات گسترده‌ای است. تشکیلات امر به معروف و نهی از منکر در این کشور ویژگی‌های زیر را دارد:

۱. هیات یا شورای امر به معروف و نهی از منکر یکی از عالی‌ترین شوراهای نقش آفرین و تصمیم گیرنده در کشور است.
۲. رئیس هیات با رتبه وزیری توسط پادشاه منصوب می‌گردد.
۳. آیین نامه این نهاد توسط هیات وزیران تصویب شده است.
۴. دولت در چارچوب تصویب لایحه ای از آمران به معروف و ناهیان از منکر این نهاد حمایت همه جانبه می‌کند.
۵. ارتباط تنگاتنگ و هماهنگی بین نیروهای انتظامی و امنیتی با هیات مذکور وجود دارد.
۶. در همه بخش‌ها و مناطق کشور، شعب امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد به نحوی که این مراکز بالغ بر صدها شعبه می‌باشد و امیر هر منطقه بر کار آنان نظارت دقیق و فعال دارد.
۷. این مراکز نقش اجرایی، قضایی، فرهنگی و ارشادی ایفاء می‌نمایند.

۸. آمران به معروف و ناهیان از منکر دارای قدرت و نفوذ بسیاری بوده و با گشت زنی در خیابان‌ها و اماکن عمومی بر رعایت مظاهر اسلامی نظارت می‌کنند.

۹. بودجه این مراکز تماماً از سوی دولت تأمین می‌شود.

در کشور کویت «سازمان توسعه اجتماعی» تشکیل یافته است که وظیفه اصلی آن امر به معروف و نهی از منکر است در سودان «سازمان احیاء فعالیت‌های اسلامی» تا حدودی عهده دار این وظیفه است. در کشور مصر، نیرویی به نام پلیس آداب درون تشکیلات انتظامی وجود دارد که حوزه فعالیت آن محدود است.

ب- وضعیت امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای دسته دوم

در برخی از این نهادها و یا جمعیت‌های غیر دولتی اما تا حدودی منسجم فعالیت می‌کنند. در مصر، مساجد، کانون تشکیل هسته‌ها و شبکه‌هایی هستند که جمعیت‌های دینی خودیاری را سازماندهی می‌کنند. این شبکه‌های وسیع از کارآیی خوبی برخوردار بوده و همواره موجب نگرانی حکومت شده است. جمعیت الشعریه، انصارالسنه المحمدیه و جماعه الهدایه نمونه‌ای از این جمعیت‌های فعال و مؤثر می‌باشند. در شکل‌گیری این جنبش اخوان المسلمین نقش به‌سزایی داشته‌اند. اخوان المسلمین در کشور اردن نیز نقش آفرین می‌باشند. مرشد عام این جماعت در اردن، عضو دفتر ارشاد عام اخوان المسلمین کل می‌باشد. در پاکستان به دلیل تعدد احزاب، نهادهای مستقل غیر دولتی وجود دارد که پس از ثبت در فرمانداری، از وزارت امور مذهبی مجوز اخذ می‌کنند. اما عملکرد این نهاد بیش از هر چیز در چارچوب سیاست‌های حزبی است. گروه «شباب ملی» وابسته به جماعت اسلامی پاکستان علاوه بر تذکر زبانی از برخورد فیزیکی نیز استفاده می‌کنند.

ج- وضعیت امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای دسته سوم

در برخی از کشورهای اسلامی به دلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه، حرکت‌های پراکنده و سازمان‌نیافته‌ای از سوی مردم عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اجراء می‌شود و یا دولت بطور موردی با برخی منکرها برخورد می‌کند. در کشور امارات متحده عربی برای مردی که مزاحم نوامیس مردم شود. مجازات شدیدی در نظر گرفته شده و عکس مرد مزاحم به عنوان شخصیت منکر در روزنامه‌ها چاپ می‌شود. در اردن بخشنامه تفکیک محل کار کارمندان زن و مرد صادر شده است. در کشورهایی مانند تونس، قطر، لیبی و لبنان نهاد یا گروه خاص غیر دولتی در جمعیت امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد و اجرای فریضه بطور انفرادی و در برخی موارد خاص صورت می‌گیرد. در مواردی نیز به ارشاد امر به معروف و نهی از منکر توسط ائمه جمعه نسبت به مردم خلاصه می‌شود.

با توجه به مطالب فوق الذکر، به این نتیجه می‌توان رسید که در کشورهایی که نهاد منسجم، هدفمند و تشکیلاتی اعم از دولتی و غیر از دولتی جهت اجرای امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، علاوه بر اجرای مرحله زبانی، برخورد فیزیکی نیز اعمال می‌گردد. این حالت در کشورهایی که از نهادهای حکومتی و دولتی برخوردارند، تشدید می‌یابد. در کشورهایی که امر به معروف و نهی از منکر جایگاه تشکیلاتی مشخصی ندارند، بیشتر به تذکر زبانی اکتفا می‌شود که آن هم به صورت پراکنده و خود جوش می‌باشد. بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که در کشورهایی که امر به معروف و نهی از منکر متولی مشخص نهاد گونه دارد به ویژه در آنجایی که صبغه دولتی پیدا کرده است، مردم در این عرصه کمتر وارد می‌شوند و به گونه‌ای از خود سلب مسوولیت کرده‌اند و در کشورهایی که نهاد یا سازمانی مشخص وجود ندارد، حضور مردم در عرصه امر به معروف و نهی از منکر گسترده‌تر و فعالانه‌تر می‌باشد. از این رو باید در نظام امر به معروف و نهی از منکر به افتی که ممکن است در پی دولتی شدن امر به معروف و نهی از منکر جامعه را تهدید کند و آحاد مردم را نسبت به مسائل جامعه

بی تفاوت سازد، توجه خاص نمود. در کشورهایی که به امر به معروف و نهی از منکر توجهی خاص شده است. آموزش نیروهای آمر و ناهی از لحاظ معرفتی و عملکردی به عنوان یک اصل مهم قلمداد شده است.

مفهوم‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر و نظارت در قوانین اساسی کشورهای اسلامی

اهداف عالی‌ه دین مبین اسلام و ارسال رسل و انزال کتب و تشریح شرایع، از منظر اخروی، خداگونه شدن انسان و از منظر دنیوی، برپایی نظام عادلانه و مدینه فاضله است. هدف اول در این آیه از قرآن کریم بیان شده است: «کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (سوره ابراهیم آیه ۱). این قرآن کتابی است که ما بر تو فرستادیم تا مردم را به امر خدا از ظلمات بیرون آوری و به عالم نور برسانی و به راه خدای مقتدر ستوده صفات رهسپار گردانی، زیرا که «اللَّهُ نُورٌ». (سوره نور آیه ۳۵). هدف دوم نیز در آیه شریفه دیگری آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید آیه ۲۵) ما پیامبران را با معجزه و ادله قاطع و گویا فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی که مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین عملی را دربردارد، و میزان را نازل نمودیم تا مردم به عدل و داد قیام کنند. با توجه به این آیات و آیات دیگری از قرآن، می‌توان فهمید که هدف اصیل، اساسی و نهایی در برپایی حکومت اسلامی، خلیفه‌الله شدن انسان کامل است و هدف متوسط، برپایی قسط و عدل در جامعه؛ زیرا که رعایت حقوق دیگران و برپایی نظام حق و تکلیف به صورت دقیق از فروع نورانی شدن است که مقام خلیفه‌اللهی متکفل آن خواهد بود. انسان دل سپرده به انسان کامل و مؤدب به آداب الهی و متخلق به اخلاق نبوی و علوی، در عین رعایت ادب و پاسداری از حرمت انسانیت دیگران، هیچ انسانی را شایسته عبودیت و پرستش نمی‌داند. او همه چیز را جلوه و نشانه حق تعالی می‌داند. عظمت و قدرت و جلالت و زیبایی را تنها از آن حضرت حق می‌داند. حکومت اسلامی و جامعه دینی، که در رأس آن انسان الهی قرار دارد، به مصداق شریفه «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (سوره انعام آیه ۱۲۲). با نور الهی حرکت می‌کند و زندگی می‌نماید. از این رو، در صدد نورانی کردن جامعه و تحقق اهداف عالی‌ه اسلام خواهد بود. از جمله این اهداف برپایی عدل و داد و رعایت حقوق متقابل انسان‌هاست. محصول چنین جامعه‌ای مدینه فاضله است. از جمله اوصاف مدینه فاضله عبارت‌اند از: رشد و توسعه فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، حقوقی و سیاسی. در چنین جامعه‌ای امنیت و آرامش حکم فرماست و حقوق آحاد جامعه به درستی و دقت رعایت می‌گردد. زمینه‌های تعالی روحی آماده و اوصاف و شرایط انحطاط و عصیان مطرود است. این مطالب از دید خبرگان تدوین‌کننده قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران مخفی نمانده و در مقدمه قانون اساسی چنین آمده است: حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحوّل فکری و عقیدتی راه حق را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید... قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل کشور فراهم می‌کند، به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (سوره انبیاء آیه ۹۲) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (سوره انبیاء آیه ۱۰۵) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین، نظارت دقیق و جدی از ناحیه

اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است «وَاللّٰهُ الْمَصِيْرُ» (آل عمران ۲۸). تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلّی ابعاد خداگونه‌گی انسان فراهم آید «تخلّقوا باخلاق اللّٰه» و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحوّل جامعه نمی‌تواند باشد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه) در مجموعه تعالیم اسلام، جامعه نمونه و الهی جامعه‌ای است که نه ستم می‌کند و نه ستم می‌پذیرد. جامعه‌ای که نه گناه می‌کند و نه راضی به گناه دیگران است، به عنوان جامعه و «امت وسط» (سوره بقره آیه ۱۴۳) معرفی می‌شود که در کارهای نیک و پرهیز از بدی‌ها از یکدیگر سبقت می‌گیرند (سوره بقره آیه ۱۴۸) در امور خیر یکدیگر را یاری می‌دهند. (سوره مائده آیه ۲) اقامه نماز می‌کنند، زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند. (حج آیه ۴۱). در حقیقت، امر به معروف و نهی از منکر به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است؛ وحدت اجتماعی، محبّت، دوستی و اخوّت مردم را به دنبال خواهد داشت. این کانون الهی، در صورت اجرای عوامل منفی و مخرب در مسیر وحدت، محبّت و دوستی و اخوّت اجتماعی را از میان خواهد برد. قانون الهی امر به معروف و نهی از منکر در بُعد اجرا، دارای دو مرحله فردی و گروهی است: مرحله فردی آن یک وظیفه عمومی و همگانی در شعاعی محدود است، اما مرحله گروهی آن، که از شئون حکومت اسلامی به شمار می‌رود دارای شعاعی وسیع می‌باشد. امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها و زشتی‌ها، ناشی از فطرت الهی و وجدان اخلاقی انسان است. علاوه بر اینکه، حکم عقل سلیم و شرع قویم نیز هست. اینجاست که هماهنگی کامل فطرت، وجدان، عقل و شرع به طور جامع قابل اثبات است. از این منظر، امر به معروف و نهی از منکر یک حق اولیه، طبیعی، فطری، وجدانی، عقلی و شرعی است که ناشی از پیوند سرنوشت‌ها و روح زندگی اجتماعی بشر می‌باشد. امر به معروف و نهی از منکر، همان حکم دینی و واجب الهی است که به عنوان «نظارت همگانی» باید در جامعه اسلامی به اجرا درآید تا زمینه برپایی سایر واجبات مهیا گردد، امنیت برقرار شود، کسب و کار مردم حلال گردد، حقوق افراد تأمین شود و در سایه آن، از دشمنان انتقام گرفته شود.

اعمال نظارت سه گانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امر به معروف و نهی از منکر که مهم‌ترین هدف نظارت همگانی می‌باشد دارای سه جنبه است:

- اول. امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به یکدیگر (نظارت مردم بر مردم)
- دوم. امر به معروف و نهی از منکر دولت نسبت به مردم (نظارت دولت بر مردم)
- سوم. امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت (نظارت مردم بر دولت)

بند اول. نظارت مردم بر مردم

نظارت متقابل مردم با یکدیگر از طریق امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک تکلیف شرعی قلمداد می‌شود. برخورداری از جامعه سالم و رعایت سلامتی جامعه، حق و تکلیف مستمري را بین همگان ایجاد می‌نماید که در آن، هر یک از افراد با وجدان پاک خود یکدیگر را به خیر و نیکی و درستکاری دعوت می‌کنند و اعمال ناشایست را مورد مذمّت قرار می‌دهند. طبیعت اجتماعی همه افراد انسانی اقتضا می‌کند که نسبت به هر گونه عمل خوب یا بد اجتماعی واکنش متناسب نشان دهند. این نعمت خدا داده بهترین تضمین برای حفظ سلامتی جامعه است و در واقع امر به معروف و نهی از منکر دو وسیله نیرومند برای انجام وظایف و جلوگیری از مفاسد می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۶). هر چند که واکنش

افراد نسبت به اعمال یکدیگر امری فطری به نظر می‌رسد، اما تجربه حکایت از برخی بی‌تفاوتی‌های افراد نسبت به سرنوشت جامعه خود دارد. این بی‌تفاوتی جامعه را به انحطاط می‌کشاند.

بند دوم. نظارت دولت بر مردم

هیات زمامداری کشور مسول مستقیم حفظ و تأمین منافع ملت است و اصولاً بدین منظور سازماندهی می‌شود. اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر از طریق نظارت زمامداری بر امور عمومی و اجتماعی اوضاع جامعه را بهبود می‌بخشد و از اشاعه منکرات می‌کاهد. هیات زمامداری برای رسیدن به این اهداف، از محور رهبری و قوای حاکم وظایف سازنده خود را ایفا می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۰: ص ۲۵۰). تأسیس نهاد رهبری در جامعه بدان معناست که مجاری امور در دست فقیه واجد شرایطی قرار گیرد که با تشخیص حلال و حرام ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد. رهبر به عنوان یک شخصیت روحانی، از مقام خود بهره‌جسته و از این طریق مردم و دولت را، در امور اجتماعی و سیاسی، دعوت به خیر می‌نماید. دولت (به معنای عام کلمه) نیز با توجه به عمومیت امر به معروف و نهی از منکر بر تمام شئون فردی و اجتماعی برای حفظ سلامت جامعه از طریق نظارت‌های انتظامی، اقتصادی، بهداشتی، تقنینی و قضایی استفاده می‌کند.

بند سوم. نظارت مردم بر دولت

امام حسین (ع) در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: ای مردم رسول خدا فرمود، هر مسلمانی با سلطان زورگویی مواجه گردد که حرام خدا را حلال نموده و پیمان عهد الهی را در هم شکنند، با سنت و قانون پیامبر از در مخالفت در آید و در میان بندگان خدا راه گناه و معصیت پیش گیرد، ولی آن فرد در مقابل چنین سلطانی با عمل و یا با گفتار اظهار مخالفت نکند، بر خداوند است که این فرد را به عذاب همان طغیانگر گرفتار کند. (هاشمی، ۱۳۸۰: ص ۲۰۰)

در نظام اسلامی مسولیت افراد از مسولیت دولت جدا نیست. اگر دولت‌ها جامعه را اداره می‌کنند، مردم نیز عضو ذینفع همان جامعه هستند و نتیجه خوب و بد اعمال و رفتار دولتمردان مستقیماً متوجه آنان می‌شود. بنابراین به حکم عقل، این حق و تکلیف برای همه افراد ایجاد می‌شود که بر زمامداران خود نظارت نمایند تا از انحراف آنان از مسیر حق و عدالت و تقوا جلوگیری کنند که این نظارت از راه‌هایی مانند مطبوعات و رسانه‌های گروهی؛ تشکیل احزاب و انجمن‌های سیاسی؛ تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و... صورت می‌پذیرد که می‌توان به عنوان ابزارهای قدرت مهارکننده، علیه گرایش دولت به استبداد استفاده کرد و بدین وسیله سلامت هیات حاکمه را بیشتر تضمین نمود.

نتیجه‌گیری

برای رسیدن به جامعه سالم، که آمال هر انسانی است، در حقوق اساسی هر جامعه روش‌ها و اصول و قواعدی مورد پذیرش و تصویب قرار می‌گیرد تا در اثر اجرای آن‌ها روابط سالم جمعی پدید آید و زمینه‌های مناسب برای رشد و تعالی همه‌جانبه آحاد جامعه فراهم گردد. این اصول و قوانین به طور کامل و در بهترین حالت در دین مبین اسلام وجود دارد. با توجه به روایات فوق‌الذکر نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر همانند سایر قوانین حیاتی در جامعه الزامی و لازم‌شمرده شده و حیات، عزت و بقاء جامعه اسلامی را در گرو عمل نمودن به این اصل می‌دانند. بنابراین نظارت همگانی و امر معروف و نهی از منکر در دولت اسلامی زیر بنای ساختمان جامعه بشری و بر اساس ایمان به خدا و فطریات و فضائل انسانی پی‌ریزی شده است. در قوانین اساسی کشورهای اسلامی نظارت همگانی به دلیل مبانی مذهبی و اسلامی در ظاهر امر به معروف و نهی از منکر متبلور می‌گردد اما با این وجود، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قوانین

کشورهای اسلامی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر، غالباً تک بعدی عمل شده است و یکی از دو طرف حکومت یا مردم مورد توجه قرار گرفته و دیگری به عمد یا به سهو تا حدودی رها شده است. در کشورهایی که نهاد منسجم، هدفمند و تشکیلاتی اعم از دولتی و غیر از دولتی جهت اجرای امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، علاوه بر اجرای مرحله زبانی، برخورد فیزیکی نیز اعمال می‌گردد. این حالت در کشورهایی که از نهادی حکومتی و دولتی برخوردارند، تشدید می‌یابد. در کشورهایی که امر به معروف و نهی از منکر جایگاه تشکیلاتی مشخصی ندارند، بیشتر به تذکر زبانی اکتفا می‌شود که آن هم به صورت پراکنده و خود جوش می‌باشد. بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که در کشورهایی که امر به معروف و نهی از منکر متولی مشخص نهاد گونه دارد به ویژه در آنجایی که صبغه دولتی پیدا کرده است، مردم در این عرصه کمتر وارد می‌شوند و به گونه ای از خود سلب مسولیت کرده‌اند و در کشورهایی که نهاد یا سازمانی مشخص وجود ندارد، حضور مردم در عرصه امر به معروف و نهی از منکر گسترده‌تر و فعالانه‌تر می‌باشد. از این رو باید در نظام امر به معروف و نهی از منکر به افتی که ممکن است در پی دولتی شدن امر به معروف و نهی از منکر جامعه را تهدید کند و آحاد مردم را نسبت به مسائل جامعه بی تفاوت سازد، توجه خاص نمود. در کشورهایی که به امر به معروف و نهی از منکر توجهی خاص شده است. آموزش نیروهای آمر و ناهی از لحاظ معرفتی و عملکردی به عنوان یک اصل مهم قلمداد شده است.

در پایان ذکر این نکته الزامی است که، بی تفاوتی و انحطاط هر جامعه می‌تواند ناشی از علل گوناگون باشد. اما قویترین علت را در انحطاط مدیریت و زمامداری هر کشور باید دانست. انحطاط و فساد اخلاقی زمامداران گمراهی جامعه را به دنبال دارد و اختناق حاکم مردم را به سکوت و عدم اظهار وجود وا می‌دارد. با این ترتیب برای ایجاد یک جامعه سالم: اولاً: حکام و زمامداران، باید از نظر اخلاقی نمونه فضائل باشند، تا سرمشق مردم قرار گیرند. ثانیاً: نظام سیاسی مبتنی بر محو استبداد و حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خویش باشد، تا از برکت آزادی، مردم کسب شخصیت نموده و با محیط پیرامون خود مسولانه برخورد نمایند. محورهای مذکور فراهم کننده نظارت همگانی و متقابل امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند. این امر اجتماعی یکی از تکالیف شرعی همه مردم به شمار می‌رود، که ضامن سلامت جامعه و سعادت همگان خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳. احمدی، سید احد؛ (۱۳۸۴)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، چاپ پنجم، اصفهان: دانشگاه اصفهان
۴. طوسی، شیخ ابوجعفر؛ (۱۳۹۰ ه.ق.)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
۵. فیض الاسلام، سید علینقی؛ (بی تا)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۲
۶. الموسوی، سیدروح الله (امام خمینی)؛ (۱۴۰۳ ه.ق)، تحریر الوسیله، چاپ دوم، جلد ۲، طهران: منشورات مکتبه الاعتماد
۷. هاشمی، سیدمحمد؛ (۱۳۸۰) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱

شهروند مسئول در «توسعه انسانی پایدار» شهر اسلامی و ایرانی

اسداله دیوسالار^۱

معصومه حبیبی^۲

چکیده

گفتمان شهرسازی در فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی علاوه بر وجوه فنی و هنری، استعلایی است. نظام کالبدی و فیزیکی، پوسته بیرونی و باطن شهر، ماهیت اعتقادی و فرهنگی آن است. در عین حال تأثیر فراوان نظام کالبدی در جهت بخشی به فرهنگ و ماهیت اعتقادی آن غیر قابل انکار است. آرمان‌های اساسی شهر اسلامی در لایه‌های باطنی شهر و ضابطه‌های حاکم بر رابطه‌های شهروندی نهفته است و کالبد آن نیز در این بستر و از جهت هماهنگی و رابطه متقابلی که با درون آن برقرار می‌کند، اهمیت می‌یابد و نه مستقل از آن. روش تحقیق از نظر هدف نظری- کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی- تحلیلی است و یافته‌های تحقیق مبتنی بر آن است که ناسامانی‌ها و معضلات روز افزون شهرهایمان به خاطر پذیرش شتابنده مدرنیته و بیگانگی از ریشه‌ها و فرهنگ اعتقادی است. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های شهر آرمانی اسلامی «شهروند مسئول» است. شهروندی که خود و نیازهای مادی و معنویش هم هدف است و هم راه رسیدن به این اهداف. یعنی شرط اصلی رسیدن به توسعه پایدار شهری، ایجاد شهروندان مسئول است. لذا پیشنهاد می‌شود برای دستیابی توسعه پایدار شهری، شهرها را با انسان و برای انسان برنامه ریزی و طراحی کرد نه صرفاً انتزاعی و کالبدی.

واژگان کلیدی: شهروند مسئول، توسعه انسانی پایدار، شهراسلامی و ایرانی

۱. مقدمه

پیشرفت‌ها و جهش‌های اروپاییان در عرصه علم جدید و کاربردی کردن علوم و در نتیجه رونق اقتصادی ایشان از یک سو و توقف علمی و عقب ماندگی اجتماعی کشور ما در سال‌های حاکمیت رژیم‌های سلطه‌گر چون قاجار و پهلوی از سوی دیگر، منجر به برقراری رابطه‌های نامتعادل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ما با آن‌ها شد. رابطه‌های یک طرفه وارد کننده- مصرف کننده در همه زمینه‌ها از جمله در عرصه معماری و شهرسازی معمول گشت. شیوه‌های سنتی ساخت و سازهای فضایی دچار توقف و رکود شد و تحرک لازم برای هماهنگی با تغییر و تحول در نظام تولید، دگرگونی شیوه‌های زندگی، تحولات فضایی و... توانایی پاسخگویی به زندگی تازه را از دست داد. نظام تولید جهانی و شیوه‌های وابسته به آن در امر ساختمان بر شیوه‌های تولید بومی برتری یافت. نظام تولیدی و شیوه‌های زندگی وارداتی و سبک‌های معماری وابسته به آن دوران _ که به دوران مدرن مشهور است- تا دهه اول نیمه دوم قرن بیستم، ملاحظات بوم زیستی را مورد توجه قرار نمی‌داد. علاوه بر این سبک مدرن، هیچ گونه پیشینه‌ای در شرایط بومی و اقلیمی ایران و سرزمین‌های مشابه ایران نداشت. به این ترتیب نظام بومی و فرهنگی معماری و شهرسازی ما با سنت‌های اصیل خود قطع رابطه کرد و از انکشاف و تطور طبیعی تاریخی خود محروم گردید.

برای برون رفت از تشتت‌ها و تفرق‌هایی که امروزه مبتلابه شهرهای ما شده‌اند تحقیق ژرف در آثار گذشته به منظور یافتن چارچوب کالبدی مناسب برای ساخت و سازها، ضروری و با ارزش است؛ اما نه به مفهوم بازگشت به گذشته.

۱. دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، هیئت علمی دانشگاه پیام نور و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، مربی دانشگاه آزاد اسلامی و غیر انتفاعی

نویسنده مسئول: معصومه حبیبی، تلفن: ۰۹۱۱۹۶۹۱۹۸ پست الکترونیکی: habibi.masoomeh@gmail.com

بی‌شک تمدنی که برای همه عرصه‌های تعالی انسان مسلمان، رهیافت‌های کارآمدی دارد برای محوری‌ترین عرصه‌های زیست مادی و معنوی انسان، نمی‌تواند گفتنی‌های درخور توجهی نداشته باشد. گفتمان مبانی شهرسازی در فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی ما افزون بر وجوه فنی و هنری ارزشمندی که بر آن مترتب است گفتمانی استعلایی نیز هست و بسیاری از عرصه‌های مکتوم علمی و تمدنی را تنویر و تبیین خواهد کرد.

نظام کالبدی و فیزیکی، پوسته بیرونی و ظاهر آشکار یک شهر است؛ باطن شهر، ماهیت اعتقادی و فرهنگی آن است. در عین حال تأثیر فراوان نظام کالبدی در جهت بخشی به فرهنگ و ماهیت اعتقادی آن قابل انکار نیست. آرمان‌های اساسی شهر اسلامی در لایه‌های باطنی شهر و ضابطه‌های حاکم بر رابطه‌های شهروندی نهفته است و البته کالبد آن نیز در این بستر و از جهت هماهنگی و رابطه متقابلی که با درون آن برقرار می‌کند، اهمیت می‌یابد و نه مستقل از آن.

شهری که مطلوب فرهنگ اسلامی است بی‌هیچ تردید، آن شهری است که ساکنان آن را به آسمان مشترک اعتقادات دینی هرچه بیشتر متوجه سازد و همچون حقیقت همه ادیان که بر کرامت و عزت نفس انسان تأکید دارند موجبات مکرمت نوع انسانی را فراهم آورد. شهری که نظام شهرسازی آن برترآورده از نظام اعتقادی دینی است و بسترهای مناسبی را برای تأمل انسان‌ها در خود و تدبیر ایشان در صنع خداوند رقم می‌زند.

• دلایل بیان شده در ذیل **ضرورت موضوع** را بیان می‌دارد که:

الف- توسعه غیر انسانی و کالبدی صرف شهرها و ایجاد محیطی مصنوع و دور از صفات اسلامی و سنتی.

ب- سرعت شهری شدن بسیار بالا بوده است بنابراین مسئولین و مدیران شهری نتوانسته‌اند ذهنیت‌های مناسب یعنی «شهروندی» را در شهرها به وجود بیاورند. در نتیجه ما بیشتر با روستاهایی شهر زده و با شهرهایی روستا زده روبرو هستیم تا با شهرهایی در موقعیت‌های مناسب شهروندان.

ج- وجود برخی از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی - فرهنگی در شهرهای ما در حدی بالاتر از استانداردهای جهانی (مشکلات ترافیکی، برخی از انحرافات اجتماعی ...).

د- کم‌رنگ شدن حس مسئولیت شهروندی در خود و نسبت به دیگر شهروندان و ایجاد حس بی‌تفاوتی نسبت به جامعه.

• **هدف** از این پژوهش، بررسی تأثیر و جایگاه شهروند مسئول در تحقق و دستیابی به توسعه شهری انسان مدار و نیز شناسایی موانع و راهکارهای دستیابی به آن در شهر اسلامی و ایرانی می‌باشد.

• **سؤال** پژوهش نیز چگونگی دستیابی و کارکردی نمودن هدف این پژوهش می‌باشد.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق از نظر هدف نظری - کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است. در جمع‌آوری مطالب از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و در تحلیل و جمع‌بندی کلی از روش تحلیل زمینه یاب استفاده شده است.

۲. تعاریف و مفاهیم

۲-۱ شهر

یک پدیده طبیعی (مجموعه‌ای از مواد، ساختمان‌ها، خیابان‌ها و ...) و انسانی (شامل ظرفیت تفکرات افراد، فرهنگ و الگوهای زندگی و ...) است. شهر ترکیبی از عناصر مادی (مدنیت) و غیرمادی (اخلاقی) است (کمپته فرهنگ شهری، ۱۳۸۳: ۳، ۲).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فکری، فلسفی، هنری، صناعی و تولیدی تمدن‌ها و جوامع بشری «شهر» است که هم از ماندگاری نسبی برخوردار می‌باشد، هم تجلی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است و هم اینکه بر رفتار انسان اثر می‌گذارد و ضمن آنکه بیانگر هویت جامعه در انظار جهانیان و تاریخ است، تنظیم‌کننده روابط آحاد جامعه با یکدیگر نیز می‌باشد. (Naghizadeh Mohmad.1995)

۲-۲ اصول معماری و شهرسازی اسلامی

▪ اصل عدالت محوری

اصل عدالت محوری بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اصلی است که در آثار هنری دوران اسلامی و شهر و شهرسازی مورد توجه بوده و در واقع سرچشمه سایر اصول تلقی می‌شود که یکی از نمودهای این اصل در شهر اسلامی، رعایت مساوات و عدل بین تمامی ساکنین یک شهر فارغ از نژاد است.

▪ اصل وحدت در کثرت

اصل وحدت، محوری‌ترین نکته زیبایی‌شناسی اسلامی در مقابل دیگر مکاتب زیبایی‌شناسی است. این اصل بنیادی‌ترین اصل در هنر و معماری اسلامی محسوب می‌شود. نکته مهم در درک مفهوم وحدت این است که وحدت در سایه هدف داری معنی پیدا می‌کند. بدین معنا که اجزا کثیر و گوناگون، در سایه یک هدف ویژه واحد، نظم و سامان یابد و از کثرت اجزا به سوی وحدت حرکت کند و این حاصل نمی‌گردد مگر با ارتباط هر یک از اجزا و در نظر گرفتن آن به عنوان جزئی از یک کلیت.

در گذشته مجموعه عناصر یک شهر مانند مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب‌انبارها و غیره به وسیله فضاهای ارتباطی چون بازار و دیگر معابر، مجموعه منسجم «شهر» را شکل می‌دادند به طوری که هر جزء پیوندی ناگسستگی با کل داشت. اما امروزه از این اصل در معماری و شهرسازی خبری نیست و نه تنها اجزا و عناصر شهر در پی ارتباط (وحدت در عین کثرت) نیستند بلکه به یک دیگر پشت کرده‌اند.

▪ اصل سیر از ظاهر به باطن

دو مفهوم ظاهر و باطن از مفاهیم بنیادی در حکمت اسلامی می‌باشند. در ترجمان معماری، ساماندهی اجزا، همواره با رویکرد سیر کردن از ظاهر پدیده‌ها و یادآور شدن باطن آن‌ها همراه می‌باشند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹)

▪ اصل رده‌بندی اهداف کمی و کیفی

اصل کمال‌گرایی و تلاش مستمر در جهت رشد فرد و جامعه از ارزش‌های بنیادین در حکمت عملی اسلام است. در ترجمه معماری و شهرسازی، این اصل به گونه کارکردگرایی و داشتن منطق کاربردی همه عناصر و فضاها و کالبدها و پرهیز از بیهودگی تأکید می‌کند. رده‌بندی اهداف در معماری گذشته ما این چنین بوده است:

✓ اهداف ساختاری: رعایت دستاوردهای فنی و مهندسی

✓ اهداف کارکردی: چندگانگی در کارکرد و برآورده سازی وقوع آن کارکردها

✓ اهداف زیباشناسانه: بهره‌گیری از تزیینات مثبت

✓ اهداف هویت ساز (چیتگرها، ۱۳۸۸)

در این میان جایگاه اهداف کارکردی (عملکردی) در معماری و شهرسازی اسلامی قابل توجه است. تلاش فراوان در جهت پاسخ به کارکردها و خلق فضاهای چندکارکردی و پرهیز از ساماندهی فضایی بر پایه هر فضا برای یک کارکرد ویژه (که به عنوان یک اصل در معماری نوگرا (مدرن) مطرح بوده است)، صورت می گرفته و همواره کارکردهای گوناگون در یک بخش از ساختمان پاسخ داده می شده و به تناسب، فضاها انعطاف پذیری بالایی برای پاسخ به نیازهای همگون داشته اند.

به طور مثال در گذشته مسجد به عنوان یکی از عناصر مهم شهر اسلامی دارای عملکردی چندگانه بوده است به طوری که مهم ترین ویژگی آن نقش فرهنگی آن است؛ به طوری که عرصه ای برای تعاملات اجتماعی امت مسلمان به شمار می رفته است. اما امروزه علی رغم این که مساجدمان در شهر رشد چشم گیری از لحاظ کمی داشته اند و به ظن خودمان از لحاظ کالبدی نیز کیفیت آن ها ارتقا پیاده کرده اند، اما از لحاظ کارکردی به شدت افول داشته اند به طوری که تنها در چند ساعت از شبانه روز فعال اند و در روزهای خاصی از سال از آن ها جهت برگزاری مراسم استفاده می شود.

• در رابطه با شکل گیری شهر اسلامی برخی مؤلفه ها می تواند مورد لحاظ قرار گیرد:

الف) معنویت گرایی: برای معنویت گرایی انسان و توجه به معنویت گرایی در آثار انسانی، به عنوان یک اصل ساده ترین مرتبه آن است که چون هر اثر انسانی دنبال بیان موضوعی یا در جهت پاسخگویی به نیازی خلق شده است، آن موضوع نیاز به معنای آن اثر خاص، تفسیر و تعبیر شود و پیچیده ترین مرتبه آن است که یک اثر انسانی به اصل و حقیقتی متافیزیکی اشاره نماید.

ب) نوآوری: نوآوری و بداعت از ویژگی های بارز آثار انسانی است که تعبیر اثر هنری بر آن ها اطلاق می شود، در واقع نوآوری و هنر در واژه، دو تعبیر و دو مفهوم همراه هستند که ذکر هر کدام دیگری را به ذهن متبادر می کند. این مفهوم در شهر اسلامی به این معنا است که نوآوری مدنظر، به تفسیر شناخت تازه حقایق و اصول ثابت متوجه است.

پ) نشانه گرایی: اصولاً هنر جلوه ای از روحیه نمادگرایی انسان است. به دلایل متعدد از جمله انسانیت، چند بعدی بودن عالم وجود، الگو گرایی، تعدد ساحت های حیات انسانی، راز داری و خداپرستی، انسان ناگزیر از بهره گیری از نشانه هاست که قلمرو هنر و معماری و شهر یکی از اصلی ترین قلمروهای استفاده از نشانه هاست.

ت) زیبایی: وابستگی تعریف زیبایی به هنر سبب می شود تا با توجه به تعریف هنر، زیبایی نیز متغیر شود. به این ترتیب زیبایی هنر معنوی دارای وجهه ای معنوی و روحانی است و زیبایی هنر مادی صبغه ای از زیبایی ظاهری و صوری است.

ث) مدنیت: شهرنشینی، انتساب به شهر و مدینه، تربیت، ادب و تمدن، معانی مدنیت هستند. در واقع انواع مدنیت رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. برای نمونه مدنیت سیاسی با بهره گیری از نهادهای مدنی میسر می شود و این در حالی است که این نهاد جز با رشد افراد و ارتقاء تربیت مدنیت اجتماعی و فرهنگی آن ها ممکن نیست.

ج) عدالت اجتماعی: بحث عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان انکارناپذیر مداین فاضله و آرمانشهر معرفی شده است. در تفکر اسلامی نیز عدل به عنوان یکی از صفات بارز فعل الهی مطرح است و مصداق اجتماعی آن را می توان در دوران زمامداری امیر المؤمنین (ع) و دوران با عزت پیامبر مکرم اسلام (ص) مشاهده کرد. (شهبازی، ۱۳۹۰)

۲-۳ توسعه انسانی پایدار

در توسعه پایدار، انسان به عنوان محور اساسی توسعه قلمداد می شود که توسعه انسانی پایدار و بالندگی سرمایه اجتماعی را نیز به همراه می آورد. رویکرد «توسعه انسانی پایدار» نقشی اساسی و اهمیتی فزاینده در فرایند توسعه پایدار و خاصه، توسعه پایدار شهری می یابد.

بر این اساس می‌توان همبستگی توسعه پایدار شهری مبتنی بر توسعه پایدار انسانی را با مفهوم «رفاه اجتماعی شهروندی»، از این باب مورد توجه قرار داد که همگام با توسعه پایدار شهری امکان ایجاد شرایط مطلوب زندگی شهری چنان فراهم می‌شود که «انسان در محور این توسعه پایدار قرار می‌گیرد» و هدف، ابزار و سرمایه آن به حساب می‌آید. «شهر پایدار را می‌توان شهری دانست که در آن تنوع برقرار شود و تفکیک و جدایی کالبدی وجود نداشته باشد و تمام طبقه‌های اجتماعی، امکان بهره‌گیری از خدمات و تسهیلات رفاهی را داشته باشند. شهر پایدار در روند توسعه پایدار شهری می‌بایستی ملاحظاتی را در ساختار شهری برای گسترش رضایت اجتماعی و افزایش رفاه شهروندی فراهم کند که بی‌شک تحقق رفاه عمومی، بهبود سطح توسعه انسانی پایدار را نیز به همراه خواهد داشت».

در راستای تحقق توسعه پایدار شهری می‌بایست شرایطی فراهم شود تا امکان بستر سازی توسعه پایدار انسانی و بهبود رفاه اجتماعی شهروندی، فراهم گردد که در این بستر می‌توان به «برقراری عدالت اجتماعی»، «طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست انسانی»، «تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی همچون تعهد و مسئولیت‌پذیری، تقویت بنیان‌های اجتماعی و خانوادگی و احیای محیط زیست همگانی»، ایجاد انتظام ساختاری در فضای شهری برای ادراک زیباشناختی و خوانایی شهری و بهبود بهره‌گیری از فضاهای شهری و افزایش رضایت شهروندی و یکپارچگی بخشی به ساختار بصری محیط و منظر شهری اشاره کرد.

بر این اساس توسعه پایدار شهری در تکوین مفاهیم زیر جنبه کارآمدی به خود می‌گیرد:

- الف) بستر سازی عدالت اجتماعی و شهروندی
- ب) بستر سازی مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی
- پ) بستر سازی تقویت بنیان نهادهای اجتماعی و بنیان خانوادگی
- ث) رویکرد استراتژیک بر پایداری توسعه پایدار شهری
- ج) گسترش آداب و فرهنگ شهرنشینی
- چ) مساعدت و سازماندهی ارگان‌های دولتی و خصوصی
- ح) کارآمدسازی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه کلان شهری
- خ) گسترش حقوق شهروندی و بهینه سازی مناسبات مدنی

۲-۴ شهروند

«شهروند» مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. افراد زمانی لقب شهروندی را به خود می‌گیرند که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند و آنگاست که مدینه تشکیل می‌شود و شهروند معنا و مفهوم پیدا می‌کند. (صالحیان، ۱۳۸۹)

۲-۵ شهروندی

شهروندی «موقعیتی است که فرد با برخورداری از آن می‌تواند در یک جامعه سیاسی، اخلاقی وارد شده و زندگی خود را بر اساس وابستگی‌های متقابل و بر اساس موازین و تعادل حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی ساماندهی کند». (سایت مرکز اطلاعات علمی تخصصی مدیریت شهری، ۱۳۹۰)

۲-۶ شهروند در شهر اسلامی و غیر آن

تفاوت شهر اسلامی، با شهر لائیک در این امر نهفته است که زیربنای توجه به «دیگران» در این دو مقوله متباین است. انسانی که در شهر اسلامی روزگار می‌گذراند، خودش را در نظارت ذات اقدس حق احساس می‌کند و برای اعمال خود غایتی را متصور است، توجه به این جهان‌بینی و طرز تلقی از انسان و جهان که همه چیز را در سیطره قدرت خدا می‌داند باعث می‌شود که رفتاری بسیار متفاوت را به او القا کند تا کسی که چنین جهان‌بینی را ندارد. بنابراین کسی که در جامعه دینی پرورش می‌یابد، به هر نحوی که بتواند به فکر جامعه خود هست و دلسوزی در نهاد او رشد می‌کند. این امر در واقع جزء وجدان اوست. بنابراین شهروند دینی پیوندی بین خود و دیگر شهروندان احساس می‌کند و سود و زیان دیگران را برای خود نیز صادق می‌داند. در حالی که شهروند شهر لائیک چنین نگرشی را ندارد. پس نظم معنایی حاکم بر شهر اسلامی، شهروند را با سایر افراد شهر پیوند می‌زند و بین آن‌ها یگانگی ایجاد می‌کند. (محقق، ۱۳۸۷)

۲-۷ اسلام و حقوق شهروندی

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی در درون خود تمام قواعد، سنت‌ها و ایده‌آل‌های بشری را دارد؛ بدین معنا که می‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای اساسی انسان و جامعه بشری باشد. نظام شهروندی به معنای واقعی آن، به معنای برخورداری عموم اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است، به گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. در باب مسؤولیت شهروندان اسلامی، پیامبر اکرم (ص) در بیان گهرباری می‌فرمایند: «الا کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة». (صحیح بخاری) در همین زمینه گفته شد که در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، مراد همان حقوق شهروندی امروزین است.

- دو اصل مهم در خصوص مبانی حقوق شهروندی در دین مبین اسلام بدین شرح است:

۱) کرامت انسانی

بی‌شک یکی از پایه‌های اعتقادی در نظام اسلامی، اصل کرامت و ارزش والای آدمی به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین می‌باشد که این اصل انسان را موجودی با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالایی از تعالی و تکامل متصور می‌سازد که با توانایی نامحدود خود و استعدادی که خدای متعال در وجود او نهاده است، می‌تواند تا بالاترین درجات کمال الهی رشد کرده و ارتقا یابد. در قرآن (اسراء ۷۰) و مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این مسأله اشاره شده است. در اصل سوم قانون اساسی آمده است: «... دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌داند که همه امکانات خود را در جهت ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی مصروف دارد.»

۲) نظارت همگانی

بی‌تردید کامل‌ترین نظام سیاسی، نظامی است که در درون خود عوامل تضمین بقا را داشته باشد و بتواند با عواملی که جزء عناصر آن نظام است، زمینه رشد عوامل منفی را در درون خویش منتفی سازد و از مصونیت ذاتی در برابر چنین خطرات عظیمی برخوردار گردد و دین مبین اسلام به وضوح دارای این خصیصه پرفایده است. در قرآن (آل عمران ۱۱۰) و اصل هشتم قانون اساسی به این اصل اسلامی با موضوع نظارت عمومی و همه مسؤول هم بودن و وظیفه همگانی اشاره شده است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۲۴۱-۲۳۶)

۳. نتیجه و بحث

۳-۱ آسیب‌های معنوی توسعه برون‌زا و صرفاً کالبدی شهر

نابسامانی‌ها و ناروایی‌هایی که توسعه تعریف نشده و منطقی شهرها برای ما به ارمغان آورده، محصول غفلت تاریخی ما از گذشته‌های پربار تمدنی ماست. و نهادن ساده اندیشانه میراث‌های فرهنگی و تمدنی و پذیرش خام و شتاب‌آلوده آورده‌های غرب فکری، پشتوانه‌های انگیزه ساز و ارزشی را از ما واستاند و ما را در غربتی ناباورانه و دردناک فرو برد. به نظر می‌رسد هر چه مدرن تر می‌شویم معضلات و مشکلات شهرهایمان بیش و بیشتر می‌شود. پذیرش شتابزده مدرنیته و بی‌اطلاعی از ریشه‌ها و شیوه‌های آن و طرد فرهنگ سنتی به تصور عنصری متناقض با مظاهر توسعه، منشأ بروز انواع مسائل عدیده شد تا جایی که ناهنجاری‌های اجتماعی و آلودگی‌های زیست محیطی، مجالی برای آرامش به شهروندان نمی‌دهد. شهرهای امروزی دیگر چندان برای زیست انسان مناسب به نظر نمی‌رسند زیرا آسیب‌هایی که شهر امروزی بر انسان وارد می‌کند تنها مختص عرصه‌های مادی زندگی او نیست بلکه وجود معنوی او را بیش از همیشه در معرض انواع و اقسام بلاها و بلیه‌های متعدد قرار داده است. در شهرهای پیشرفته صنعتی جهان، موفقیت‌هایی در جهت کاهش آسیب‌ها در عرصه مادی زیست (مانند آلودگی آب و هوایی، صوتی، بصری، حمل و نقل، شلوغی، حومه نشینی، تفکیک طبقاتی نظام ساخت شهر یا همان حاشیه نشینی، تفکیک عملکردهای شهری، ...) به وقوع پیوسته است اما آسیب‌های معنوی همچنان به قوت خود باقی است و آن به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. محدودیت روزافزون عرصه‌های اختیار فردی در انتخاب نوع زندگی و فرهنگ.
۲. اجبار شهروندان به استفاده از خدمات تحمیلی یکسان و در نتیجه مسدود شدن راه‌های زندگی ارزشی و فرهنگی؛ آنچه‌ان که در گذشته پیشینیان ما بر اساس نظام اعتقادی خود به آن عمل می‌کردند مانند قناعت و زهد.
۳. ورود سرعت لجام گسیخته در روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان برای به دست آوردن امکانات زیست متعارف. بدین سان لحظه‌های آسودن و اوقات فراغت به مرور زمان برای شهروندان به مثابه آرزویی بزرگ درآمده است و پیوندهای انسانی ضعیف گشته است.
۴. کم فروغ شدن استعدادهای انسانی، به ویژه طبقات کم درآمد در چرخه تولید و مصرف بی‌رویه.
۵. به هدر رفتن توان‌های مادی و معنوی مردم در جریان تردد در شبکه‌های بیرونی، پیرامونی و درونی.
۶. بروز نابسامانی‌های شدید فرهنگی، اخلاقی، عصبی و روانی. این مهم به خصوص در قطب‌های بزرگ اقماری و اقامتی جدید بر اثر فقدان پیوند معنی دار میان توسعه و رشد ساخت و سازها و شبکه‌ها با رشد روانی و اخلاق فردی و اجتماعی حادث شده است. (باوندیان، ۱۳۸۷)

بی‌آنکه بخواهیم منکر پیشرفت‌های کارساز و ارزشمند شویم اما به نظر می‌رسد در نظام شهرسازی جدید چند اتفاق ناروا به وقوع پیوسته که قافله شهرسازی را دچار بحران ساخته است:

مهم‌ترین آن به یقین غفلتی است که متولیان ایجاد شهرها را در بر گرفت؛ غفلت از مجموعه‌های خُرد یا «سلول‌های حیاتی تمدن» در عرصه‌های فرهنگ، محیط زیست و اقلیم و توجه مفرط و بی‌برنامه به مجموعه‌های کلان؛ گسترش بی‌رویه کلان شهرها و نابودی روستاها، نفی فرد و اصالت جامعه به طور همزمان، توجه به کمیت به جای کیفیت، و مهم‌تر از همه نابودی فرهنگ‌های بومی به نفع فرهنگ مسلط جهانی.

در این میان شهرهایی هستند که به طور غول‌آسا رشد کرده و جمعیت زیادی را در خود متمرکز کرده‌اند در حالی که به طور طبیعی و تدریجی آمادگی لازم را کسب نکرده بودند. در حقیقت بر این شهرها، هجوم ظالمانه‌ای انجام شد:

هجوم از روستا و شهرهای کوچک‌تر، هجوم کالاهای وارداتی، هجوم سرمایه، هجوم ماشینیسیم و صنعت مدرن، هجوم منش‌های رفتاری بیگانه، بمباران‌های رسانه‌ای و تبلیغات لجام‌گسیخته و هویت ستیز تجاری. ما امروزه با توسعه غیر درون‌زا به خصوص در کلان‌شهرها مواجهیم که این مسأله هم به نارسایی‌های شهر غیر مدرن و همه ناهنجاری‌های شهر مدرن منجر شده است.

نابسامانی‌ها و ناروایی‌هایی که توسعه تعریف نشده و منطقی شهرها برای ما به ارمغان آورده، محصول غفلت تاریخی ما از گذشته‌های پربار تمدنی ماست. وانهادن ساده اندیشانه میراث‌های فرهنگی و تمدنی و پذیرش خام و شتاب‌آلوده آورده‌های غرب فکری، پشتوانه‌های انگیزه‌ساز و ارزشی را از ما واستاند و ما را در غربتی ناباورانه و دردناک فرو برد. از سویی توانستیم چنان که باید تحلیلی شایسته و ژرف از مبانی فکری مدرنیته داشته باشیم و از دیگر سوی - و با همین شدت وحدت - از تحلیل راستین درونمایه‌های فرهنگی و دینی خود بازماندیم.

۳-۲ شناسایی منابع اخلاق شهروندی

شناسایی منابع اخلاق شهروندی برای واکاوی و تقویت آن ضروری به نظر می‌رسد.

- دین: انسجام و یکدستی دینی در کشور ما نقطه مثبتی به حساب می‌آید. در عین حال اقلیت‌های دینی ایران ادیان ابراهیمی و در چشم‌انداز مشترکی با دین اکثریت قرار دارند
- سنت: ما گنجینه‌ای بزرگ از رفتارها، باورها و عرف‌ها و آداب و رسوم داریم که هنوز در بخش بزرگ خود مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. مطالعه بر پیشینه چند هزار ساله شهرنشینی در ایران و اخلاق انسانی در این کشور می‌تواند کمکی اساسی به ما برای باز آفرینی مدرنیته خود بدهد: مدرنیته در تناقض با سنت نیست بلکه باید از دل آن بیرون بیاید. دلیل آنکه ما مدرنیته را بیشتر در تضاد و تنش با سنت می‌بینیم برون‌زا بودن مدرنیته در تعریف کنونی آن و نبود هم‌خوانی و همسازی آن با فرهنگ بومی است. هر فرهنگ و هر کشوری نیاز دارد و باید مدرنیته خود را بر اساس سنت‌های خود بسازد.
- تنوع محلی، قومی، زبانی: وجود سنت‌ها و آداب و رسوم و زبان‌های محلی و قومی برای کشور ما یک نعمت بزرگ است که باید آن را قدر بدانیم و بتوانیم از آن استفاده مناسب برای ساختن جامعه جدید خود بکنیم این کار دو دلیل اصلی دارد: نخست آنکه استفاده و مدیریت صحیح منبعی اضافه برای ساختن شهروندی برای ما به حساب می‌آید و دوم آنکه مدیریت نامناسب و مبتنی بر پیش‌داوری‌های نادرست سبب ایجاد و افزایش خطر تنش و تفرقه‌هایی می‌شود که ما همواره توانسته‌ایم در طول تاریخ خود از آن‌ها پرهیز کنیم.
- اخلاق مدنی: تقویت مفاهیم و باورهای اخلاقی که باید در یک روند اجتماعی شدن عقلانی شده انجام بگیرد و برای این کار باید فرایندهای موازی اجتماعی شدن (خانواده، سیستم رسمی آموزش، حوزه عمومی زندگی شهروندان) با یکدیگر هماهنگی داشته ناقص یکدیگر نباشند چه در غیر این صورت هیچ یک نمی‌توانند تأثیر چندانی گذاشته و شهروندی شکل نمی‌گیرد: چرخه‌های نامناسب که آسیب‌زا هستند باید بدل به چرخه‌ای مثبت و سالم ساز شوند.
- اخلاق سیاسی: نقطه ضعف ما شکل نگرفتن و درونی نشدن مفهوم «دولت» در ذهن مردم در معنای اصیل آن است: دولت چیزی بیرونی و به مثابه نوعی حاکمیت جدا از کالبد عمومی درک می‌شود در حالی که باید آن را انعکاسی از روابط و اراده عمومی به شمار آورد: تقویت مشارکت سیاسی و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب این مشارکت وظیفه‌ای اصلی است زیرا در چشم‌اندازی کوتاه و میان‌مدت ما هنوز باید در راه تقویت مردم‌سالاری

نماینده‌گی پیش برویم. با این وصف در همین حال باید فرایندهای موازی را برای گذار غایی به مردم سالاری مشارکتی نیز فراهم کرد: تقویت حکومت‌های محلی، تمرکز زدایی، تقویت سازمان‌های غیر دولتی، بالا بردن ظرفیت‌های نقد و نقد پذیری در جامعه و کاهش تنش‌ها و روابط مبتنی بر زور درین حفظ امنیت و صلح اجتماعی به مثابه مهم‌ترین محور زندگی اجتماعی انسان‌ها. (فکوری، ۱۳۸۹)

۳-۳ فرآیند شهرسازی برون‌گرا و غیر انسانی در زمان معاصر

ما به شهر در فرآیند شهرسازی نگاه عددی و آماری داشته‌ایم و به مقیاس‌های انسانی توجه نشده است و فضاهایی که باید توقع و نیازهای روحی و روانی شهروندان را تأمین کنند متناسب با این نیازها نیست و ممکن است شهروندان نابه سامانی‌های شهری در عرصه ترافیک را بیان کنند و یا بگویند، شهر شلوغ و بی‌نظم است و یا این مکان نمای زشتی دارد، به همین دلیل است که شهروندان احساس می‌کنند شهر آدرس دهی خوبی ندارد و در شهر گم شده‌اند و در نتیجه احساس تشخص و هویت از فضای شهری، ادراک، خوانایی و حس تعلق نسبت به محله خود ندارد در واقع طبقه‌بندی درآمدی احساس تعلق را از مردم گرفته است و هر فردی که در آمد اقتصادی بیشتری کسب می‌کند از یک محله به محله دیگری می‌رود که این موضوع بحران هویت ایجاد می‌کند. هم چنین «نبود سرزندگی و حس جهت» در فضاهای شهری از جمله اغتشاش‌هایی است که در منظر شهر می‌بینیم.

بین شهروندان و منظر شهری رابطه‌ای دوسویه است و هر کدام نسبت به یکدیگر حقوقی دارند و برای این که بین خواسته‌های این دو تعادل برقرار شود نگاه کمی به موضوعات بر نگاه کیفی غلبه دارد و تنها تلاش شده نیازهای کالبدی را برطرف کنیم در حالی که به نیازهای روحی و روانی و معنوی توجهی نشده است.

تاریخ شهرسازی دنیا برگرفته از شهرسازی ایرانی اسلامی است اما در بحث منظر و نماهای شهری، معماری ما درون‌گرا و بر داخل بناها متمرکز بود و همچنین نمای بیرونی وحدت و هم شکلی داشت و مصالح بومی بود اما به یکباره بعد از انقلاب صنعتی و آغاز دوران مدرنیسم از درون‌گرایی به فضای به شدت برون‌گرایی پرتاب شدیم که شاید این آمادگی را برای برون‌گرایی نداشتیم. به عنوان مثال نماها و فضاهایی که متناسب با فرهنگ و اقلیم ما نبود و یا مصالحی که آزادانه انتخاب می‌شد آن وحدت بومی را دیگر نداشت، همچنین بحث‌های رنگ و تناسب و تعادل را فراموش کردیم و سبک معماری و شهرسازی بین‌المللی آن قدر اثرگذار بود که یک باره تنوع، مصالح، و طرح‌ها سرعت رشد شهرنشینی را بیشتر کرد. با افزایش جمعیت به فکر تولید انبوه مسکن افتادیم و به انسان و خانه مانند ماشین نگاه شد و از همگونی و هم شکلی فاصله گرفتیم و نه این شدیم و نه آن، و کم کم از معماری متناسب با اقلیم و ارزش‌های خودمان دور شدیم و به معماری و شهرسازی غرب که فرآیندی را طی کرده بود نرسیدیم چون این تحولات در ایران به یک باره ایجاد شد. سیستم شهرسازی که متناسب با فرهنگ، اقتصاد و اجتماع غرب بوده و سیر تحول خاصی در غرب را طی کرده است ما همان کالبد را برداشتیم و در یک زمینه دیگر که هیچ تناسبی با شرایط فرهنگی و اقلیمی ما ندارد اجرا کردیم و این باعث تعارض شد.

معماری و شهرسازی غربی در قالب الگوهای وارداتی به شهرهای ما تحمیل شد و بدون این که زمینه‌های انطباق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این الگوها بررسی و کنترل شود مسائل امروزی را هم دامن زد.

به نظر می‌رسد در طرح‌های توسعه شهری توجه زیادی به توقعات روحی و روانی شهرمان و موضوعات کیفی و منظر شهری نداشته‌اند و حتی در شرح خدمات این طرح‌ها گنجانده نشده اگر چه در شرح خدمات طرح جامع و تفصیلی جدید سعی شده است به موضوعات طراحی شهری، مباحث کیفی، تصویر ذهنی شهروندان و منظر شهری توجه زیادی شود.

طرح‌های جامع و تفصیلی با شکل و شمایل کنونی در سال ۱۳۴۷ وارد کشور ما شده است آن هم زمانی که کارایی نداشتن این طرح‌ها در غرب به اثبات رسید. اما هنوز هم بعد از گذشت ۵۲ سال از همان الگویی که در دنیا کنار گذاشته شد اصرار داریم که اجرا شود ولی در اصل این الگو محصول تفکرات مدرنیسم بود که کل شهر را یکپارچه می‌دید اما طرحی که باید به تمام نیازها و موضوعات پاسخگو باشد با توان و منابع شهری هماهنگی نداشته است و مسئولیت‌ها و محدودیت‌ها را نمی‌شناخت. این طرح‌ها راه حل‌هایی را برای همه مسائل ارائه می‌کرد و انتظار داشت که در ۲۵ سال آینده، شهر تا محدوده مدنظر توسعه یابد این طرح‌ها نگاه صرفاً کالبدی بود و کمتر به مسائل اقتصادی و اجتماعی شهرها توجه داشت و می‌خواستند با راه حل‌های کالبدی مسیر توسعه شهری را فراهم کنند.

این طرح‌ها با بستر قانونی کشور ما هماهنگی ندارد چرا که مالکیت خصوصی دارای حرمت و احترام خاص است و از طرفی ساختار کشور ما بخشی است و هر کدام از بخش‌ها جداگانه عمل می‌کردند و هیچ‌گاه خود را ملزم به اجرای طرح‌های توسعه شهری نمی‌دانند که برنامه‌های خود را منطبق بر این طرح‌ها اجرا کنند و تنها از این طرح‌ها به عنوان ابزاری برای تملک زمین‌ها استفاده شده است و در نتیجه افق طرح و برنامه‌های توسعه شهر تحقق پیدا نمی‌کند و شکست می‌خورد.

امروز دیدگاه حاکم بر دنیا این است که باید برنامه ریزی راهبردی مبتنی بر کشف فرصت‌ها و شناسایی منابع، امکانات و محدودیت‌ها باشد و باید مسائل اصلی شهر را بشناسیم و مهم‌ترین مشکلات را ارزیابی و توان مالی محدود را بر اساس اولویت‌ها صرف کنیم و قبل از این نیز باید چشم اندازی که مورد قبول ساکنان ذی نفع شهر باشد ترسیم کنیم. در برنامه‌ریزی‌ها نیز یک طرفه برای مردم نمی‌توانیم تصمیم بگیریم و اگر قرار است برنامه ریزی و طرح ریزی شهری موفق باشد باید مورد قبول مردم باشد و بتواند بین منافع خصوصی و عمومی تعادل ایجاد کند و با نظام حقوقی و قوانین، هماهنگی لازم داشته باشد. اگر در طرح‌های توسعه شهری منافع همه افراد ذی نفع در نظر گرفته نشود سرنوشت خوبی نخواهد داشت.

شرایط فعلی محصول تفکر مدرنیسم است، تفکری که سلطه ماشین را به خیابان آورد و مردم را به سوار شدن خودرو تشویق کرد و به جای این که خیابان را برای تردد انسان‌ها ایجاد کند حتی امنیت را برای تردد با سرعت بیشتر خودروها فراهم کرد و این معاصر با سرعت شهرنشینی مدرنیسم بود و مسکن که در فرهنگ ما محل آرامش، تسکین بود به آرامش اقلیمی که همان محافظت از سرما و گرماست تغییر کرد و مفهوم مسکن به واحد مسکونی تقلیل داده شد و این کار که هیچ تناسبی با فرهنگ نداشت ترویج شد و تنها توان مالی تعیین کننده محل سکونت شد.

و همه این موارد در دراز مدت باعث کمرنگ شدن حس مسئولیت شهروندان نسبت به یکدیگر در جامعه اسلامی ایران شد.

۳. جمع‌بندی

با ورود مدرنیسم به جهان اسلام به ویژه در ایران طی یکصد سال اخیر، شهرها با عمیق‌ترین دگرگونی‌ها در کارکرد، ساختار و کالبد مواجه شده‌اند. خصلت عمده این مدرنیزاسیون، عامل خارجی و تحمیل مدرنیته غرب بوده است. بحران هویت و برقرار نبودن رابطه انسان و فضاها، شهری نامطلوب محصول الگو برداری‌های غربی طی ۵۲ سال گذشته از سیستم‌های شهرسازی غربی است.

مهم‌ترین این پیامدها رشد سریع جمعیت شهری، رشد شهرهای انگلی و عدم تعادل در ارائه خدمات شهری و بهم خوردن روابط اجتماعی اسلامی و شهروندی بوده است. با تغییر کارکرد و مناسبات اجتماعی، نهادهای سنتی این شهرها به

تدریج رو به فرسایش گذاشته و تغییرات شکل و ساختاری عمیق در چهره شهرها و پیکره اجتماعی شهروندان ملهم از الگوهای غربی به جای گذاشته است.

این گسیختگی و ناپیوستگی با توجه به این که تغییرات انجام شده از محیط بومی و تحول درونی نشأت نگرفته و همچون شکلی خالی از محتوای موجب ناخرسندی متفکران و برنامه‌ریزان را موجب گردیده است. و آن‌ها را بدان داشته تا به تناسب عصر و زمان، الگوهای نظری و عملی هماهنگی میان ملزومات جدید و نحوه ارتباط با شرایط زندگی را خلق نمایند تا تعادل منطقی را به این شهرها باز گردانند. (قالیاف، پورموسی، ۱۳۸۶)

شهر اسلامی منطق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در استخوان بندی فضایی، طرح و کاربری دارد و می‌تواند برای برنامه ریزی و طراحی نوین درس‌هایی داشته باشد. شهر اسلامی به راحتی می‌تواند با عملکردهای جدید و استانداردهای زندگی تطبیق پیدا کند و همخوانی خود را با محیط طبیعی، مذهبی و اجتماعی- فرهنگی ما حفظ کند و در این مورد همچنان شهر اسلامی برای نیازهای شهری حال حاضر جامعه ما مناسب و زیست‌پذیر است.

نمود هرگونه رابطه‌ای بین اصول طراحی مسلمانان و ویژگی‌های ریخت‌شناسی شهرهای کنونی مسلمانان می‌تواند دلیل اصلی بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و هویتی جوامع شهری باشد. نیاز مبرمی به به کارگیری این اصول در متن جامعه نوین است تا بتوانیم شهرهایمان را به زندگی اسلامی باز گردانیم.

این بدان معناست که انسانی‌سازی شهرها برای آینده همه ما اهمیت حیاتی دارد.

۴. پیشنهادها

۱. توجه به رویکردهای توسعه درونزا و «بومی» در ساخت زندگی زندگی شهرنشینی و توجه به آموزه‌های ارتباطی اسلامی، اخلاقی و انسانی با این رویکرد.
۲. تقویت فرایند فرهنگی شدن ارتباطات صحیح شهروندی و شهرنشینی با توجه به پیامدهای گذار از سنت به مدرنیته. (شربتیان، ۱۳۸۹)
۳. نیاز سنجی هویتی و کمک به شکل گرفتن جماعت‌ها برای ایجاد مکانی برای شکوفایی و بیان آن‌ها.
۴. ایجاد امکان به تداخل یافتن و ترکیبی شدن جماعت‌ها برای همگرایی میان آن‌ها و جلوگیری از تنش و تضاد یافتن آن‌ها با یکدیگر.
۵. جلوگیری از شکل گرفتن جماعت‌گرایی‌های منفی و در تضاد با منافع و هویت‌های عمومی و انسجام‌های ضروری اجتماعی از راه مثبت و به حداقل رساندن روش‌های قدرتمدارنه مقابله با این جماعت‌گرایی‌ها که اغلب از طریق فرایند مقاومت به تقویت آن‌ها منجر می‌شود.
۶. ضرورت نگاه و رویکرد انسان‌شناسانه و اسلامی و فرهنگی به شهر و شهروند و نهادینه کردن این رویکرد از طریق برنامه‌هایی همچون این همایش.
۷. هدایت محورهای پژوهشی به سوی پژوهش‌های خرد نگرانه و محوریت بخشیدن به سطح محلی برای شناخت و درک سازوکارهای اجتماعی- فرهنگی، یافتن پدیده‌های بیماری‌زا و تلاش برای یافتن راه حل‌های «نزدیک» و «درونی» برای از میان بردن این مشکلات.
۸. تقویت رابطه میان حوزه سیاسی و حوزه فرهنگی از خلال گذار از نهادهای حکومت محلی (شهرداری‌ها). تبدیل شهرداری‌ها و انجمن‌های غیر دولتی به دو نهاد بزرگ جامعه مدنی برای گذار آرام و موازی به مردم‌سالاری‌های مشارکتی و در عین حال به پایه‌های تقویت‌کننده و پشتیبان‌های اصلی فرایندهای عمومی مورد تأکید در کشور

یعنی فرایندهای «ملت سازی» و «دولت سازی» و درونی کردن این مفاهیم در رفتارهای فردی و اجتماعی و در اندیشه و افکار مردم.

۹. شناسایی، تبادل اطلاعات و جلب مشارکت از گروه‌ها و پایگاه‌های مردم نهاد سنتی (مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، هیئات مذهبی و جلسات قرآنی) از طریق برگزاری همایش عمومی و جلسات تخصصی و حوزه بندی توانایی‌های آنان جهت مشارکت فعال در اداره امور شهر و برانگیختن حس مسئولیت متقابل شهروندی در جامعه اسلامی.

۱۰. گسترش فضاهای عمومی. اماکن عمومی همچون بوستان‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و سرای محل یا فرهنگسراها، مکان‌هایی هستند که شهروندان این فرصت را پیدا می‌کنند که با یکدیگر تعامل و تبادل اجتماعی داشته باشند. در واقع در چنین مکان‌هایی امکان شکل‌گیری روابط اجتماعی و در نتیجه ارتقاء سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود.

۱۱. تقویت اجتماعات محلی. انجمن‌های محلی، گروه‌های همسالان و هیأت‌های مذهبی انواع گروه‌های محله محور محسوب می‌شوند. این گروه‌ها هستند که به اهالی محل هویت می‌دهند و اعتماد عمومی را میان آن‌ها به وجود می‌آورند و حس مسئولیت شهروندی را زنده می‌کنند. اجتماعات محلی آن بخشی از جامعه محلی هستند که می‌توانند بار اصلی توسعه محلی را بر دوش بکشند.

۱۲. افزایش اختیارات شورایی‌ها. مشارکت اجتماعی تنها از طریق اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های از پیش تعیین شده میسر نمی‌شود. مشارکت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که شهروندان بتوانند از حق تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی توسط نمایندگان بهره‌مند شوند. به‌طور مثال شورایی‌ها توانسته‌اند بستر مناسبی را برای اینکه اجتماعات محلی بتوانند تصمیم‌گیری مشارکتی را تجربه کنند، فراهم کنند.

منابع

۱. آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء
۲. آیه یکصد و دهم، سوره مبارکه آل عمران
۳. ابراهیمی، نفیسه، (۱۳۸۹)، از جهانی شدن تا شهراسلامی - فصلنامه پنجره سال سوم، شماره ۲۶
۴. باوندیان، علیرضا، (۱۳۸۷)، شهر اسلامی
۵. چیتگرها، فائزه. (۱۳۸۸)، گزارش علمی از نشست چهارم از سلسله نشست‌های هویت، معماری و قم (متن سخنرانی مهندس مجید فارغیان، میهمان نشست). نشریه اینترنتی بام. ش ۱۰.
۶. سایت مرکز اطلاعات علمی تخصصی مدیریت شهری (www.umic.ir)
۷. شریتیان، محمدحسن، (۱۳۸۹)، تأملی بر پیامد شهرنشینی بر ارتباطات اجتماعی و انسانی، نشریه الکترونیکی انسان‌شناسی و فرهنگ
۸. شهبازی، حمید، (۱۳۹۰)، نشریه فرصت آنلاین
۹. صالحیان، تاج‌الدین، (۱۳۸۹)، سایت مرکز اطلاعات علمی تخصصی مدیریت شهری
۱۰. صحیح بخاری، کتابالجمعه، بالجمعه و القرآن فی المدین، مجموعه ورام
۱۱. عباسعلی عمید زنجانی، (۱۳۶۸)، فقه سیاسی، ج ۱: حقوق سیاسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیرکبیر
۱۲. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۹)، اخلاق شهروندی در کشور ما، خبر آنلاین

۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸
۱۴. قالیباف، محمد باقر و سید موسی پور موسوی، (۱۳۸۶)، شهرهای جهان اسلام و رویارویی با نوگرایی (مدرنیسم)، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره نهم و دهم
۱۵. کمیته فرهنگ شهری، (۱۳۸۳)، ستاد شهر سالم تهران
۱۶. محقق، امیر، (۱۳۸۷)، شهر اسلامی و شهروند مسلمان، همشهری آنلاین
17. Naghizadeh Mohmad.1995.Principies of the Contemporay Islamic Urban Design The University Elimination of Conflicts in Muslim Bulit Environments. Unpublished phd Thesis The of New South wales. Sydney

نقش امر به معروف و نهی از منکر در توسعه و پیشرفت جامعه از منظر آیات و روایات

دکتر محمد علی متفکر آزاد^۱

دکتر احمد اسدزاده^۲

محسن امینی خوزانی^۳

چکیده

اقتصاد اسلامی جهت نیل به توسعه و پیشرفت با تمامی عمق، اصالت و عظمت، صلاحیت پیاده شدن در هر عصر و زمان و مکانی را دارد اما ممکن نیست که درست و کامل پیاده شود مگر در سایه حکومت و دولتی اسلامی که به تمامی مبانی اعتقادی، اخلاقی و معنوی الهی اسلام معتقد باشد. این دولت نقش ارشاد کننده در اقتصاد را دارد و از اهم وظایف آن مسأله توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی با معیار الهی می باشد. از طرفی با استناد به آیات و روایات، جهت رسیدن به پیشرفت و توسعه برنامه ریزی دارای اهمیت بسیاری است که دولت اسلامی برای بقا و دوام حکومت اسلامی و در جهت نیل به اهداف والای رشد و کمال انسانی می باید در جهت آن گام بردارد. از طرف دیگر توسعه و پیشرفت همه جانبه اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی همان رسیدن به حیات طیبه مورد نظر قرآن کریم است. برای معیارهای حیات طیبه، قرآن کریم در آیات مختلف، ویژگی های بهترین امت ها، رستگاران و نجات یافتگان را به شکلی بیان کرده است که در این عناوین کلی خلاصه می گردد، ایمان، تقوا، امر به معروف و نهی از منکر و عدل (رشد متوازن و هماهنگ) که در مجموع می توان آن ها را برجسته ترین شاخص های حیات طیبه معرفی کرد. در این تحقیق مسئولیت کلیه افراد و دولت برای توصیه به خیر و خوبی و نهی از شر و بدی از مهم ترین معیارهای جامعه توسعه یافته الهی تحلیل گردیده و می توان گفت مقدمه ای بر جزای احسن (سعادت اخروی) می باشد. لذا امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی از مسائل مهمی است که باید دولت مردان در کنار دانشمندان کنونی علوم اجتماعی و اقتصادی و با همکاری اندیشمندان اسلامی، فقها و پژوهشگران نسبت به تدوین و اجرای برنامه های اثر بخش آن اهتمام نمایند.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، پیشرفت و توسعه، حیات طیبه، امر به معروف و نهی از منکر

۱ - مقدمه

در حکومت اسلامی پیشرفت و توسعه در راستای رشد و کمال می باشد. این نوع حکومت ضمن جلوگیری از عواملی که موجب مزاحمت، سلب آزادی ها، سرکوب استعدادها و راکد نمودن فعالیت ها می گردد شرایط خدمت را در راستای رسیدن افراد به حقوق طبیعی شان به صورت عادلانه ای فراهم می نماید. تاریخ ثابت کرد که تشکیل حکومت اسلامی و اجرای اقتصاد اسلامی موفقیت های بزرگی در راه پیاده کردن عدالت اجتماعی، اقتصادی و جلب رفاه و برقراری زیباترین نمونه از مسئولیت پذیری اجتماعی و همچنین بزرگ ترین پیروزی ها را در حل مشکلات اقتصادی بدست آورد که شاید آنچه که تاریخ نویسان غیر مسلمان درباره شکوفایی و پیشرفت همه جانبه اوضاع مسلمین به رشته تحریر آورده اند مانند جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلامی و گوستا لوبون در تاریخ عرب، بهترین دلیل بر این مدعا باشد. این تحقیق نیز ابتدا به

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز - motafaker@tabrizu.ac.ir

۲. استادیار گروه اقتصاد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز - assadzadeh@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تبریز و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دولت آباد اصفهان - Amini_K_m@yahoo.com

لزوم تشکیل دولت و حکومت اسلامی می‌پردازد و سپس نقش دولت اسلامی و افراد را با تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر در پیشرفت جامعه از نظر آیات و روایات مورد کنکاش قرار می‌دهد.

۲ - لزوم تشکیل حکومت و دولت اسلامی

برقراری حکومت الهی از اهداف مهم پیامبران الهی بوده است. آنان در این مسیر تلاش بسیار نمودند. حضرت موسی (ع) در مقابل حکومت فرعون قیام می‌کند و پس از آن قوم خود را نجات می‌دهد و حکومت برپا می‌نماید. آن حضرت برای خویش جانشین برمی‌گزیند، قضاوت می‌کند، زراندوزان پست -مانند قارون- را تنبیه و تزویرپردازان روباه صفت -مانند سامری- را محاکمه می‌کند. پیامبر اسلام (ص) نیز حکومت تشکیل می‌دهد، قضاوت می‌کند، لشکرکشی می‌نماید، جنگ می‌کند، صلح می‌نماید، داد مظلومان را می‌ستاند، منافقان را سرکوب می‌کند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را گسترش می‌دهد، از فقرا و محرومان دستگیری می‌کند و به پیشبرد بسیاری از امور اجتماعی و اقتصادی جامعه در پرتو احکام نورانی اسلام می‌پردازد. حضرت علی (ع) هم در برهه‌ای که راه بر او می‌گشایند، حکومت تشکیل می‌دهد و همان حرکت پیامبر (ص) را در امور اجتماعی و اقتصادی دنبال می‌کند. (نبوی، ۱۳۸۶)

از طرف دیگر در زمان کنونی طبق نظرات اندیشمندان دینی که بر پایه آیات و روایات نورانی اسلام استوار است یکی از الزامات پیاده شدن احکام اسلامی در جامعه و ظهور تعالیم اسلامی در پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی که بر اساس رفتار افراد شکل می‌گیرد، تشکیل حکومت و دولت اسلامی است. و اگر مباحث فوق بر روی پیشرفت و توسعه متمرکز گردد می‌توان چنین استنباط نمود که اقتصاد اسلامی صلاحیت پیاده شدن در هر عصر و زمان و مکانی را دارد اما ممکن نیست که درست و کامل پیاده شود مگر در سایه حکومت و دولتی اسلامی که به تمامی مبانی اعتقادی و اخلاقی و معنوی الهی اسلام که اقتصاد اسلامی بر آن استوار است معتقد باشد.

همچنین نظارت و تحقق مطلوب بسیاری از امور اقتصادی و اجتماعی جامعه از جمله تولید و توزیع و... که اسلام تأکید فراوان بر آن‌ها دارد مستلزم وجود دستگاهی است اجرایی که تمام مسائل اجرایی را در دست بگیرد و قوانین را عملاً پیاده کند زیرا تنها سفارشات اخلاقی تا وقتی که قدم‌های عملی و پیگیری مسئولانه و ارشاد و نظارت صحیحی برای ضمانت رشد تولید و عدالت در توزیع نباشد ممکن نیست. البته این نقش برای حکومت اسلامی به این معنی نیست که دولت بتواند به هر کار سلطه‌جویانه‌ای دست بزند یا در هر چه دخالت کند بلکه به این معنی است که دولت نقش ارشاد کننده (اقتصاد ارشادی) را داشته باشد.

۳ - دولت اسلامی و برنامه‌ریزی

تاریخ اقتصادی جهان گواه آن است که اکثر کشورهای توسعه یافته جهان با برنامه‌ریزی به این مهم دست یافته‌اند. واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی و نظام بازار نیز مستلزم برنامه‌ریزی است. برای برنامه‌ریزی تعاریف مختلفی وجود دارد از جمله تعریف مایکل تودارو که برنامه‌ریزی اقتصادی را تلاش آگاهانه دولت در جهت هماهنگی تصمیمات اقتصادی در بلندمدت و تأثیر گذاشتن، جهت‌دادن و در برخی موارد حتی کنترل سطح و رشد متغیرهای اصلی اقتصادی یک کشور برای رسیدن به یک سلسله هدف‌های تعیین شده توسعه می‌داند. (تودارو، ۱۳۷۷)

از نظر آیات قرآن و روایات نیز، برنامه‌ریزی دارای اهمیت بسیاری است که دولت اسلامی برای بقا و دوام حکومت اسلامی و در جهت نیل به اهداف والای رشد و کمال انسانی می‌باید در جهت آن گام بردارد که اکنون به بعضی از این روایات اشاره می‌شود:

عن علی(ع): أماراتُ الدُّلُولِ إنشاءُ الحیل؛^۱ بقای مناصب دولت‌ها مربوط به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور می‌باشد. از این روایت به خوبی فهمیده می‌شود که دولت‌مردان و حاکمانی موفق خواهند بود که دارای قدرت برنامه‌ریزی باشند و بتوانند مشکلات را با سرانگشت اندیشه حل کنند، والا از بین خواهند رفت.

عن رسول‌الله(ص): یابن مسعود، إذا عملتَ عملاً فاعملْ بعلمٍ و عقلٍ و إیاکَ أنْ تعملَ عملاً بغير تدبیر و علمٍ فانه جلّ جلاله یقول: «و لا تَکُونُوا کَالَّذِی نَقَصَتْ غَزْلُهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ انکاثا»^۲

پیامبر(ص) به ابن مسعود می‌فرماید: هرگاه کاری را انجام دادی از روی علم و عقل انجام ده و برحذر باش از این که کاری را بدون آینده‌نگری و آگاهی انجام دهی. به درستی که خداوند -جل جلاله- می‌فرماید: «همانند زنی که بافته‌اش را بعد از این که محکم گردانیده بود، جاهلانه باز کرد، نباشید».

توضیح:

نقل شده است که زنی نادان و احمق در قریش بوده است که چیزی را می‌بافته و پس از بافته شدن، آن‌ها را می‌شکافته است. این داستان به‌عنوان کنایه برای افرادی به کار می‌رود که عملی را بدون آگاهی آغاز می‌کنند و پس از مدت کوتاهی با حالتی پشیمان سر جای اول باز می‌گردند. قرآن مجید انسان‌ها را از انجام دادن یک چنین افعال احمقانه‌ای نهی کرده است.

پیامبر اسلام نیز با استناد به این آیه مبارکه می‌فرماید: هیچ کاری را بدون عقل و عمل انجام ندهید. با توجه به تعبیر صریح قرآن مجید و تأکید پیامبر اسلام و روایاتی از این قبیل، کسی نمی‌تواند در ضرورت و اهمیت برنامه‌ریزی توسط دولت اسلامی به‌عنوان مقدمه پیشرفت همه‌جانبه جامعه اسلامی تردیدی داشته باشد.

۴ - فواید برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی دارای فواید بسیار زیادی است که در ذیل با توجه به روایات به مواردی از آن اشاره می‌گردد:

۴-۱- مانع ندامت

برنامه‌ریزی موجب می‌شود انسان با دید مشخصی وارد کار شده، هدفی را دنبال کند؛ این امر به او آرامش می‌بخشد، با خاطری آسوده کار را شروع و پیگیری می‌نماید و هرگز دغدغه آن ندارد که با شکست مواجه شود و از انجام دادن کارهایش پشیمان شود. این اطمینان خاطر در حین کار و آگاهی به آینده طرح‌ها تأثیر زیادی در روحیه دولت‌مردان داشته و بازتابش در عملکرد آنان به خوبی بروز می‌کند.

ناگفته نماند که این آرامش خاطر از روی تخیل و دلخوش بودن به امور غیر واقعی نیست، بلکه کاری که با طرح و برنامه دقیق شروع شود، امکان موفقیت آن بسیار زیاد است و احتمال شکست و پشیمانی در آن به قدری ناچیز است که انسان‌های عاقل، خاطر خویش را با آن می‌آزارند؛ در این باره امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید:

التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ؛^۳ آینده‌نگری قبل از شروع کار، تو را از پشیمانی ایمن می‌سازد.

آینده‌نگری قبل از شروع هر عملی موجب می‌شود کارها به گونه‌ای پیش رود که انسان از عملکرد خود پشیمان نشود.

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۵۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

۳. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۸.

۴-۲- حلال مشکلات

عن علی(ع): مَنْ قَعَدَ عَنْ حِيلَتِهِ قَامَتْهُ الشَّدَائِدُ؛^۱ کسی که در چاره اندیشی کوتاهی کرد شداید او را به پا خواهند داشت. کسانی که توان چاره اندیشی جهت حل مشکلات را ندارند سختی‌ها در مقابل آنان سربر نمی‌آورند، اما افرادی که بدون برنامه، کاری را شروع می‌کنند، چون اشکالات کار را پیش‌بینی نکرده‌اند و برای آن راه‌حلی نیافته‌اند، هر روز حادثه‌ای فرا رویشان رخ می‌دهد و اینان همیشه در دنیایی از مشکلات غوطه‌ورند و از گرفتاری‌ها و کار زیاد شکایت دارند، اما اگر خوب توجه کنند، خواهند فهمید که باید از بی‌برنامه بودن و بی‌تدبیری خود شکوه کنند.

۴-۳- استفاده بهتر از امکانات

دولت مردان بسیاری هستند که اگر به سبب ناتوانی در مدیریت مورد اعتراض قرار گیرند همه مشکلات را از کمبود امکانات می‌دانند و خویشتن را از ضعف میرا نشان می‌دهند، امکانات مادی هم که زبان ندارند تا از خود دفاع کنند و مقصر اصلی را نشان دهند، اما مدیرانی که دارای توان برنامه‌ریزی هستند، در موارد بسیاری با امکانات ناچیزی کارهای بزرگی را به انجام می‌رسانند؛ در حالی که مدیران بی‌برنامه با امکانات بسیار وسیع‌تر به یک چنین موفقیتی نائل نمی‌شوند. دولت‌مردانی که از نظر امکانات در تنگنا هستند، اگر به خوبی فکر کنند و با برنامه‌ای منظم امکانات را در موارد ضروری و لازم به کار گیرند و از معطل ماندن بی‌جای آن جلوگیری کنند، می‌توانند با درایت، بیشترین بهره‌برداری را داشته باشند.

اما اگر این افراد برنامه نداشته باشند، دریایی از امکانات را در موارد غلط به کار خواهند گرفت و نهایتاً در جهت تحقق اهداف مربوط به پیشرفت اقتصادی جامعه هیچ حرکت مثبتی به وقوع نخواهد پیوست. در این باره امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: *اَلتَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ اَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ*؛^۲ ظرافت و دقت در برنامه‌ریزی بهتر از امکانات است.

۵- لوازم برنامه‌ریزی در دولت اسلامی

در مبحث برنامه‌ریزی، افراد برنامه‌ریز در دولت اسلامی باید به چند مساله کاملاً توجه داشته باشند که ذیلاً به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

الف) اعتقاد به امکان حل مشکل

در برنامه‌ریزی، قبل از هر چیز باید ناامیدی و یاس را از فکر دور داشت و معتقد بود که هر مشکلی راه‌حلی دارد و می‌توان با یافتن راه و پیمودن آن به نتیجه رسید؛ در این مورد روایتی از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل شده است که:
لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ؛^۳ برای هر چیزی چاره‌ای وجود دارد.

ب) استفاده از روند گذشته و توصیه‌های افراد مجرب

پس از این که انسان به این باور رسید که برنامه‌ریزی امکان‌پذیر است باید اطلاعاتی را که براساس تجارب گذشته به دست آمده، گردآورد و کاملاً مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۰۶

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۰۷

۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۴

استفاده از تجارب گذشته در امر برنامه‌ریزی، دارای اهمیت خاصی است که باید به آن توجه داشت، زیرا در طول تاریخ، بخش عظیمی از پیشرفت جوامع مرهون این مسأله بوده است.

در این مورد علی (ع) می‌فرماید: **مَنْ قَلَّتْ تَجْرِبَتُهُ خَدَعٌ، مَنْ كَثُرَتْ تَجْرِبَتُهُ قَلَّتْ غَوَّتُهُ**^۱ کسی که تجربه‌اش کم باشد، فریب خواهد خورد؛ کسی که تجربه‌اش زیاد باشد، لغزش‌هایش کم می‌گردد.

این روایت، اهمیت تجربه را برای انسان‌ها بیان می‌نماید، حال اگر بنا شود در برنامه‌ریزی از تجربیات استفاده شود، ناچار باید این تجربیات به صورت اطلاعات دسته‌بندی شده، تهیه و آماده شود.

گفتنی است که این اطلاعات گاهی در قالب آمار و گاهی تحلیل‌های آماری و یا گزارش از سوابق اقدامات مشابه و زمانی هم به اشکال دیگر و در قالب توصیه‌های ارشادی در دسترس افراد قرار می‌گیرد.

چه بسیار اتفاق می‌افتد کاری که امروز عده‌ای می‌خواهند برایش برنامه‌ریزی کنند، گذشتگان عیناً انجام داده و با ثمرات تلخ و شیرین او دست و پنجه نرم نموده‌اند و نقاط ضعف و ابهام آن مشخص شده است که اطلاع از این موارد و امر به موارد خوب و نهی از موارد بد توسط افراد با تجربه و مصلح به انسان بینش می‌بخشد و می‌تواند بهترین یاور او باشد.

پ) تفکر

پس از آن که فرد یا گروهی که تصمیم به برنامه‌ریزی دارند، اطلاعات لازم را به دست آورده‌اند و نسبت به گذشته آگاهی یافتند، باید بشینند و فکر کنند، زیرا این «فکر» است که می‌تواند راه رسیدن به اهداف کلی پیشرفت را بر مبنای اطلاعات صحیح به آنان نشان دهد.

علی (ع) می‌فرماید: **الْحِيلَةُ فَائِدَةُ الْفِكْرِ**^۲ راه یابی و چاره اندیشی ثمره فکر کردن است.

چه بسیارند دولت‌مردانی که تنها کار می‌کنند و جز در مواردی نمی‌اندیشند، در حالی که بر این افراد لازم است درباره حل مشکلات و ارائه طرح‌های جدید در جهت پیشبرد جامعه اسلامی به سوی اهداف متعالی آن بیندیشند و مطمئن باشند که پس از قدری تأمل و تفکر راه را خواهند یافت. اگر هدف، الهی باشد و کسی بخواهد برای جلب رضای خداوند برنامه‌ریزی کند امدادهای الهی هم یاور او گردیده او را کمک خواهند کرد. قرآن مجید می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ^۴ آنانکه در راه ما تلاش کنند بی‌شک آن‌ها را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و خداوند با نیکوکاران است.

اگر دولت‌مردان لحظه‌ای بیندیشند و هواهای نفسانی و حب ریاست و بزرگ‌نمایی و ... را از خود دور ساخته فقط برای خدا فعالیت کنند خداوند آنان را یاری نموده علاوه بر موفقیت دنیا، آخرت آن‌ها را نیز آباد خواهد ساخت.

۶- اهداف دولت اسلامی

اساسی‌ترین اهدافی که دولت‌مردان مؤمن و لایق باید در نظام اسلامی تعقیب کنند به دو بخش عمده تقسیم می‌گردند:

۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۶۱ و ۱۹.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۶.

۳. محمد (۴۷) آیه ۷.

۴. عنکبوت (۲۹) آیه ۶۹.

الف) اهداف الهی؛ در جهت رشد و کمال انسان‌ها و جامعه
ب) اهداف عملیاتی؛ در جهت توسعه و پیشرفت همه‌جانبه جامعه اسلامی

الف) اهداف الهی

مقصود از اهداف الهی، اهداف ارزشمندی است که زحمات طاقت‌فرسای پیامبران، تحمل دردها و سختی‌های امامان معصوم(ع)، جانبازی‌های شهیدان تاریخ بشریت و رنج‌ها و مشقت‌های انسان‌های پارسا برای احیای آن‌ها بوده است. در حکومت اسلامی، رعایت اهداف الهی از اهم وظایف مدیران می‌باشد. اگر ما بخواهیم حکومت را با قید اسلامی آن برکسی کرامت اجرا بنشانیم، باید دولت مردان ما با حساسیت، این قید را در تمام برنامه‌ها و کارهای خود جریان دهند. مهم‌ترین اهداف مورد بحث، با توجه به آنچه از قرآن استفاده می‌شود، به قرار ذیل می‌باشد:

۱) هدایت انسان‌ها به پرستش خداوند یکتا

قرآن مجید راهنمایی انسان‌ها را به پرستش خداوند از اهم وظایف پیامبران الهی شمرده، می‌فرماید:
وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛^۱ ما در هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.

در نظام اسلامی بر کلیه دولت مردان لازم است که مساله سیر جامعه به سوی پرستش خداوند را از اهم اهداف در مجموعه تحت مدیریت خویش بدانند و با ایمانی راسخ همه افراد را به این جهت سوق دهند و با هر ضابطه و یا حرکتی که به امر پرستش انسان‌ها لطمه وارد می‌کند و یا آنان را نسبت به پرستش خداوند بی‌اعتنا می‌سازد، مبارزه و از تصویب چنین ضوابطی جلوگیری کنند.

۲) دوری از طاغوت‌ها

یکی دیگر از اهداف پیامبر خدا برحذر داشتن مردم از طاغوت بوده است. این هدف امروزه در نظام جمهوری اسلامی در قالب شعار مقدس «نه شرقی، نه غربی» مطرح می‌باشد و مدیران جامعه اسلامی در جهت عملی شدن آن باید تلاش کنند. این امر میسر نخواهد شد، مگر آن که همه مسؤولان و همه مدیران در کلیه مجموعه‌ها و سازمان‌ها، اعم از اداری، صنعتی، فرهنگی و ... خط مشی سازمانی خود را چنان ترسیم کنند که هیچ گونه گرایشی به طاغوت‌ها و ستمگران ایجاد نشود و اموری که انسان‌ها را از پرستش خدا باز می‌دارد و به غیر خدا جذب می‌کند، با دقت نظر شناسایی و با قاطعیت طرد گردد.

۳) تعلیم کتاب و حکمت

یکی دیگر از اهداف اساسی پیامبران، تعلیم کتاب و حکمت می‌باشد، زیرا بسیاری از انحرافات فکری و اخلاقی انسان‌ها به جهت نادانی و جهل آنان است. آگاهی و رشد علمی مردم، زمینه پرستش خردمندانه خداوند را به وجود آورده، ثبات قدم آنان را در «صراط مستقیم» تضمین می‌کند.

قرآن مجید می‌فرماید: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛^۲
اوست [خداوند] که در میان جمعیت درس ناخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد.

۱. نحل (۱۶) آیه ۳۶

۲. جمعه (۶۲) آیه ۲.

حاکمان و دولت مردان نظام اسلامی باید بکوشند تا روز به روز بر آگاهی‌های مردم بیفزایند و بدین وسیله زمینه رشد و تزکیه آنان را فراهم سازند، زیرا حاکم اگر بخواهد براساس معارف دینی حرکت کند باید به جای ایجاد خفقان و اطاعت محض و کورکورانه با رشد اندیشه‌ها، مردم را به صلاح و دوری از تباهی فرا خواند.

در این زمینه اگر نگاهی گذرا به حکومت‌های جهان بیفکنیم، به روشنی می‌بینیم که این حکومت‌ها با در دست داشتن امکانات بی‌حد و حصر تبلیغاتی و با نغمه‌های گوناگون و صداهاى فریبنده، انسان‌ها را گیج و منگ می‌کنند و با تمام توان بر جهل و نادانی آنان در شناخت حق از باطل پای می‌فشارند، زیرا آنان از حقیقت گریزان بوده و بقای خود را در گمراهی انسان‌ها می‌جویند. اما پیامبران در طول تاریخ، همیشه کوشیده‌اند که امت‌های خودشان را دانا و خردمند پرورش داده، بدین وسیله آنان را در پیمودن راه حق ثابت و استوار نمایند.

۴) تزکیه

یکی دیگر از اهداف پیامبران، تزکیه مردم از خطاها و آلودگیهای اخلاقی و رفتاری و گفتاری بوده است، تا آن‌جا که زشتی‌ها و پلیدی‌هایی که انسان را به لجن‌زار فساد و تباهی می‌کشاند، از اطرافش دور ساخته، او را آماده سیر به سوی خدای بزرگ می‌کرده‌اند.

در این زمینه همان دومین آیه از سوره جمعه که در مورد قبل به آن اشاره شد مورد استناد می‌باشد.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

آیه فوق متذکر می‌شود که پیامبران مبعوث شده و آیات خداوند را بر مردم تلاوت می‌نمایند. سپس می‌فرماید: «ويزكئهم» و آنان را تزکیه می‌نموده‌اند.

۵) قیام به قسط

اجرای قسط و عدالت در بین انسان‌ها، یکی از اهداف والای پیامبران خدا بوده است.

قرآن مجید می‌فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۱ ما رسولان خود را با

دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

عدل در جامعه اسلامی باید به وسیله دولت مردان و مسؤولان دنبال و اجرا شود و با تلاش بی‌وقفه و پیگیری آنان در جامعه تحقق یابد. هر فرد مسوول مدیری، در مورد اجرای عدالت باید خود را متعهد بداند، نه آن که با توجیه‌های خود پسندانه و خلق‌الساعه این معیار بنیادی را دستخوش هوس‌های خود قرار دهد. قسط و عدل هدفی است الهی که مدیریت و ریاست جامعه اسلامی در جهت آن دارای ارزش می‌شود و منهای آن از سخیف‌ترین چیزها بی‌بهارتر است.

ب) اهداف عملیاتی

منظور از اهداف عملیاتی، مجموعه اهداف دولت اسلامی که با توجه به اقدامات و فعالیت‌های قابل انجام در امور

اقتصادی و اجتماعی، جامعه اسلامی را به پیشرفت همه جانبه سوق داده و به سر منزل مقصود می‌رساند.

۱) توسعه و پیشرفت اقتصادی به صورت هدف

در خصوص «توسعه» و تبیین مفهوم آن، تعاریف گوناگونی ارائه شده و بحث‌های فراوانی انجام گرفته است. برای ورود

به بحث و طرح سؤال اساسی به سه تعریف بسنده می‌شود. «توسعه جریانی است چند بعدی که مستلزم تغییرات اساسی در

۱. حدید (۵۷) آیه ۲۶

ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی «بهرتر» است سوق یابد.» (تودارو، ۱۳۷۷)

«توسعه اقتصادی به زبان ساده، عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییرات و تحولات کیفی. توسعه اقتصادی هدف و آرمانی بزرگ برای تمامی کشورهایی است که هنوز به دلایلی نتوانسته‌اند در این مسیر گام بردارند.» (متوسلی، ۱۳۷۲)

آن چه اساس تعاریف گوناگون توسعه را تشکیل می‌دهد، تغییر و تحول (در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) و به قول میردال، «حرکت به جلو» است. در این خصوص، سؤالات پایه‌ای بسیاری مطرح است. این تحول، تغییر و حرکت به سمت جلو به منظور رسیدن به کدامین هدف است؟ در این مسیر، مقصد نهایی کجاست؟ ویژگی‌ها و معیارهای مقصد مطلوب چیست؟ روابط علی که ما را به آن مقصود می‌رسانند، چه روابطی هستند؟

تعیین هدف، کشف علل و عوامل رسیدن به مقصد، کار ساده‌ای نیست. «ضعف و ناتوانی در داشتن یک هدف دقیق و پذیرفته شده و طراحی سیاست‌ها برای آن، دلیل مهم بسیاری از مشکلات است که ملت‌ها با آن مواجه‌اند.»^۱

آیا کشورهای توسعه یافته در همه ابعاد توسعه به مقصود و هدف مطلوب رسیده‌اند؟ آیا مقصدهای جایگزین برای این مقصد وجود دارد؟ آیا این تحول و حرکت به جلو به اصطلاح نوگرایی^۲ از نظر اجتماعی، لزوماً مشتمل بر تضعیف روابط سنتی است؟ آیا تحول و نوسازی در بعد سیاسی، مستلزم دموکراسی و رشد بوروکراسی است؟ آیا از نظر فرهنگی، صنعتی کردن موجب گسترش سکولاریسم در جامعه است، خواه از طریق نظامی یا از طریق دانش علمی؟ آیا کاپیتالیسم و سرمایه‌داری و کسب حداکثر سود تنها هدف است؟ و در یک کلام، آیا حرکت به سمت جلو به معنای غربی شدن است و دیگر هیچ؟ و اصولاً آیا تحول و «تبدیل کامل اقتصاد، فرهنگ، زندگی سیاسی و اجتماعی» برای توسعه ضرورت دارد؟ این هدف و جهت حرکت را چه کسی تعیین کرده است؟ مشروعیت این تعیین از کجاست؟ آیا واقعاً جایگزینی بهتر برای غربی شدن وجود ندارد؟

پیشرفت فنی و رشد علمی و فن‌آوری دنیای غرب، جای تحسین دارد؛ ولی آیا توسعه فقط دارای یک بعد است؟ آیا در سایر ابعاد، غرب به سر منزل مقصود رسیده است؟ جایگاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد و دولت‌ها در مواردی مانند امر به معروف و نهی از منکر در این مدل از توسعه کجاست؟ آیا با محصور نمودن افکار دینی (کلیسا) و جلوگیری از حضور مؤثر آن در عرصه‌های اجتماعی، بشر غربی به آخرین حد پیشرفت نائل شده است؟ واقعاً طبق تعریف «تودارو» در کشورهای توسعه یافته، زندگی به سوی وضعیتی که از نظر مادی و معنوی بهتر باشد، سوق یافته است؟ آیا نظریه اجتماعی قرن نوزدهم که نظام طبقاتی براساس «روابط بازاری نقد» [cash nexces] را حاکم کرد، فرهنگ‌های سنتی و ارزش‌های قدیم را نابود کرد و فرایند بی‌دینی را پدید آورد، الگوی مناسبی است؟ سوال‌ها در این زمینه فراوان و به بحث جدی نیازمند است؛ ولی قرآن کریم چه زندگی و جامعه‌ای را مطلوب، معرفی و افراد را به سمت و سوی چه نوع زندگی سوق می‌دهد؟

1. B. Ingham, The Meaning of Development, World Development, Vol.21, n.11, 1993, p, 1
2. Modernization

قرآن به دنبال هدایت جامعه به سوی «فلاح»^۱، «فوز»^۲، «نجات»^۳ و «حیات طیبه»^۴ است.

۲) حیات طیبه

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ هر که از مرد و زن عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد او را به زندگی پاک و پاکیزه [حیات طیبه] زنده بداریم و آنان را به نیکوترین وجهی که عمل کرده‌اند پاداش می‌دهیم.»

قرآن کریم راه رسیدن به زندگی پاکیزه را عمل صالح و شرط آن را ایمان ذکر می‌کند. از ابتدا تفاوت در جنس را با کلمه‌های «مَنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ» کنار می‌گذرد. علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه شریفه می‌نویسد: «وعده زیبایی است برای مومنان، اگر عمل صالح انجام دهند و بشارتی است برای بانوان که خداوند در قبول ایمان آنان و اثر عمل صالح آن‌ها که احیاء به حیات طیبه و پاداش به نیکوترین اعمال است، فرقی بین آنان و مردان نگذاشته است.»^۶

مفسران در معنای «حیات طیبه» تفسیرهای متعددی دارند؛ بعضی، آن را به روزی حلال و برخی به قناعت، راضی شدن به نصیب، رزق روزانه، عبادت همراه با روزی حلال، توفیق بر اطاعت فرمان خدا و مانند آن تفسیر کرده‌اند؛ ولی شاید به تذکر نیاز نباشد که مفهوم این واژه اعم از همه این‌ها است. زندگی پاکیزه به دور از آلودگی‌ها، ستم‌ها، خیانت‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها، انواع نگرانی‌ها و خلاصه هر چیزی است که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد. با توجه به این که به دنبال این واژه در آیه، سخن از جزای الهی به نحو احسن به میان آمده است، چنین به نظر می‌رسد که «حیات طیبه» مربوط به دنیا و جزای احسن، مربوط به آخرت باشد.

عمل صالح، مولود ایمان است که به حیات طیبه می‌انجامد. عمل صالح نیز مفهوم گسترده‌ای دارد به گونه‌ای که تمام فعالیت‌های مثبت و سازنده را در همه زمینه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و مانند آن شامل می‌شود. از اختراع دانشمندی که برای کمک به انسان‌ها، سال‌ها زحمت می‌کشد تا مجاهدت‌های شهید جان برکفی که در صحنه مبارزه حق و باطل، قطره‌های آخر خون خود را نثار می‌کند؛ از بزرگ‌ترین کارها هم چون رسالت انبیاء (ع) تا کوچک‌ترین برنامه‌ها مانند کنار زدن یک سنگ کوچک از وسط جاده، همه در این مفهوم گسترده، جمع‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۶)

لذا چنین می‌توان استنباط نمود که مجموع اقدامات و فعالیت‌های دولت اسلامی در جهت پیشرفت و توسعه جامعه اسلامی با اهداف الهی در هم تنیده و منظور از توسعه و پیشرفت در این جامعه همان رسیدن به حیات طیبه مورد نظر قرآن کریم است که در اصل مقدمه‌ای بر جزای احسن (سعادت اخروی) می‌باشد.

۱. بقره، ۵

۲. احزاب، ۷۱

۳. فصلت، ۱۸

۴. نحل، ۹۷

۵. همان

۶. علامه محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۴۱.

۷- منشأ حرکت به سوی حیات طیبه

قرآن کریم رمز اصلی عزت و ذلت، سعادت و شقاوت جامعه را بیان و یادآوری می‌کند که برای یافتن منشأ سعادت و شقاوت به اعتقاد، اندیشه، اخلاق، نظام‌های اجتماعی خویش و در یک کلام، به خویشتن بیندیشید. ملت‌هایی که اندیشه خود را به کار انداختند، اعمال صالح انجام دادند، دست اتحاد و دوستی به هم دادند و در راه اصلاح خود و جامعه کوشیدند، به اوج تعالی رسیدند و هنگامی که رکود و سستی جای تلاش را گرفت و غفلت بر جامعه حاکم شد، آلودگی‌ها و زشتی‌ها به جای تقوا و درست‌کاری نشست؛ ایمان و عمل صالح کنار رفت و شکست، ذلت و خسران پدیدار گشت. قرآن کریم در یک قانون کلی، اصل «بازگشت به خویشتن» را در اجتماع بشری تعیین می‌کند که می‌توان از آن به «امّ السنن» نام برد.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آن‌چه را در خودشان است تغییر دهند و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی [به سبب اعمالشان] کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، سرپرستی نخواهد داشت.»

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ این [کیفر آل فرعون به دلیل گناهانشان] به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد، جز آن که آن‌ها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند شنوا و دانا نیست.»

چکیده جمله «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ...» این است که خداوند چنین حکم رانده و آن را حتمی کرده که وقتی نعمت‌هایی به انسان می‌دهد مربوط به حالات نفسانی و اعمال خود انسان باشد؛ اگر حالات، موافق با فطرتشان و همراه با استفاده صحیح و به جا از نعمت‌ها ادامه یافت آن موهبت‌ها باقی باشد. اگر گروهی به دلیل سلامت فطرتشان به خدا ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، به دنبال آن، نعمت‌های دنیا و آخرت به سویشان سرازیر شود.

بالاترین چیزی که از «لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» استفاده می‌شود، این است که در صورت شیوع فساد و اتراف مترفین، نزول بلاها و مصائب و سلب نعمت‌ها ممکن الوقوع است. به همین دلیل، سیاق آیه شریفه تغییر کرده و فرموده است: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا...؛ هنگامی که خدا بدی قومی را اراده کند» و فرموده است: خداوند اراده می‌کند یا اراده کرده است. آیات دیگر، شبیه (شوری، ۳۰) این مطلب را تأیید می‌کند.

آیات متعددی بیانگر این مطلب است که سعادت و شقاوت هر جامعه‌ای نتیجه عملکرد شایسته و ناشایسته آن است. از جمله به آیات زیر می‌توان اشاره کرد: (اسراء، ۵)، (روم، ۴)، (زمر، ۱۰)، (بقره، ۱۳۴) و (روم، ۴۱ و ۴۲).

۸- معیارهای «حیات طیبه»

قرآن کریم در آیات مختلف، ویژگی‌های بهترین امت‌ها، رستگاران و نجات‌یافتگان را بیان کرده است که می‌توان در این عناوین کلی خلاصه کرد: ایمان، تقوا، امر به معروف و نهی از منکر و عدل (رشد متوازن و هماهنگ) و آن‌ها را معیارهای بهترین امت‌ها یا برجسته‌ترین شاخص‌های حیات طیبه معرفی کرد.

۱. رعد، ۱۱.

۲. انفال، ۵۳.

الف) ایمان، امر به معروف و نهی از منکر

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ [چه این که] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب [به چنین برنامه و آیین درخشانی] ایمان آورند، برای آن‌ها بهتر است؛ [ولی تنها] عده کمی از آن‌ها با ایمان‌اند و بیش‌تر آن‌ها فاسق‌اند [و خارج از اطاعت پروردگار]».

آیه مبارکه، شایسته‌ترین امت‌ها را امتی معرفی می‌کند که همواره برای اصلاح خویش می‌کوشد و افزون بر آن به اصلاح جامعه نیز می‌پردازد؛ دیگران را به خیر و صلاح، نیکی‌ها و ارزش‌ها دعوت می‌کند و از زشتی‌ها، پلیدی‌ها و موانع رسیدن به حیات طیبه باز می‌دارد. دعوت به نیکی‌ها و مبارزه با زشتی‌ها در واقع، حرکت و تلاش جهت تحرک بخشیدن به جامعه برای رسیدن به حیات طیبه است. در جامعه مورد نظر قرآن، افراد نه تنها مسوولند بکوشند و نیکوکار باشند، بلکه موظف‌اند برای اعتلای دین و در راه پیدایش حیات طیبه، دیگران را نیز امر به معروف و نهی از منکر کنند. این یکی از فرق‌های حیات طیبه با توسعه به مفهوم غربی است.

در آیه دیگر، جامعه رستگار را معرفی می‌کند و معیار رستگاری را رواج دعوت به نیکی، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می‌داند.

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند.»

آیه پیش از این، آیه معروف «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به رشته دین خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید» است. آیه پس از آن نیز به اتحاد و پرهیز از اختلاف درون جامعه دعوت می‌کند. این که آیه «امر به معروف و نهی از منکر» بین دو آیه‌ای قرار گرفته است که دستور یکپارچگی می‌دهد شاید به منزله نوعی پوشش اجتماعی برای محافظت جامعه باشد، زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد، عوامل گوناگونی وجود دارد که دشمن وحدت جامعه است و ریشه‌های اجتماع را کنده، آن را متلاشی می‌کند؛ بنابراین حفظ وحدت اجتماعی، بدون نظارت عمومی ممکن نیست.

آیات ۲-۷ سوره بقره، شاخص‌های جزئی تری برای متقین بیان می‌کند هدایت یافته و رستگاران دو عالم‌اند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ایمان به غیب، برپا داشتن نماز، انفاق از آن‌چه خداوند روزی آنان کرده است، ایمان به قرآن و کتب آسمانی و ایمان و اعتقاد کامل به معاد. مشابه این آیات، در سوره لقمان آیه ۲-۵ به جای «مُتَّقِينَ» از واژه «مُحْسِنِينَ» (نیکوکاران) استفاده شده است که دقیقاً همان ویژگی‌ها ذکر می‌شود، بنابراین می‌توان استفاده کرد که معیار پرهیزکاری و نیکوکاری بر یکدیگر منطبق‌اند. یعنی نیکوکاران همان پرهیزکارانند و هر دو بیانگر یک معیار برای جامعه مطلوب و حیات طیبه هستند. در جای دیگر، شاخص‌های ایمان را به این صورت ذکر می‌کند: اهل توبه عبادت‌کننده، شاکر نعمت‌های الهی، در آیه‌ای، نماز خواندن با خضوع، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی^۲، در آیه‌ای، مردان و زنان مؤمن را مشمول رحمت خداوند می‌داند و شاخص‌های ایمان را چنین بیان می‌کند: یار و یاور و اولیای یکدیگرانند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، اقامه نماز می‌نمایند، زکات می‌پردازند و از خدا و رسولش پیروی می‌کنند.^۳

۱. آل عمران، ۱۰۴.

۲. توبه، ۱۱۱ و ۱۱۲.

۳. همان، ۷۱.

در آیه‌ای دیگر، از ویژگی عدم انعقاد پیمان دوستی با دشمنان خدا و رسول نام می‌برد که خداوند از آنان و آن‌ها نیز از خداوند راضی‌اند. آنان را «حِزْبُ اللَّهِ» می‌خواند و می‌فرماید: رستگاران عالم این گروه‌اند.^۱ وقتی این ویژگی‌ها را کنار هم بگذاریم، مشاهده می‌شود که جامعه متقی و مؤمن که جامعه مطلوب و زندگی شیرین «حیات طیبه» است دارای ابعاد گوناگونی است؛ هم عابد، راکع و ساجد است، هم در راه خدا مبارزه می‌کند، هم مسئولیت اجتماعی داشته و امر به معروف و نهی منکر می‌کند و هم یار و یاور یکدیگرند. از این ویژگی‌ها، رشد هماهنگ و متوازن در همه ابعاد انسانی به دست می‌آید که در حیات طیبه ظهور می‌یابد.

ب) رشد هماهنگ و متوازن همه ابعاد انسانی

قرآن کریم هنگام بیان معیارهای جامعه مطلوب یعنی: مومنان، پرهیزکاران، صالحان، نیکوکاران و ... گرایش‌های انسانی را هم ذکر می‌کند. چنان که در بحث پیشین گذشت، وقتی توبه، پرستش خدا، رکوع، سجود و جنبه‌های عبادی را ذکر می‌کند، بلافاصله می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ». آنان که مصلح خود هستند، همیشه در رکوع و سجودند و تهذیب نفس کرده‌اند، مصلح جامعه خود نیز هستند، در مقابل ضد ارزش‌ها می‌ایستند و مانع نهادینه شدن آن‌ها می‌شوند. در جای دیگر، وقتی شاخص‌های صبر، استقامت که معمولاً در جنگ‌ها به کامی‌رود، انفاق در راه خدا و رسیدگی به دیگران را مطرح می‌سازد، بلافاصله می‌فرماید: «وَ الْمُسْتَفْزِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» و بدین صورت، شاخص تهجد و شب زنده‌داران را مطرح می‌کند.

شهید مطهری (ره) در این باره می‌نویسد: «کمال انسان در تعادل و توازن او است، یعنی انسان با داشتن این همه استعداد‌های گوناگون، آن وقت انسان کامل است که فقط به سوی یک استعدادی گرایش پیدا نکند و همه را در یک وضع متعادل و متوازن همراه هم رشد دهد.» یعنی در همان حال که همه استعداد‌های انسانی رشد می‌کند، این رشد، هماهنگ نیز باشد. هنگامی که جامعه در حال رشد است، هم بُعد معنوی و مادی در حال رشد باشد و هم از نظر اخلاقی و فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، هماهنگ باشد.

توازن در ابعاد گوناگون همان «عدل» است که تشریح و تکوین براساس آن استوارند. خداوند امت اسلامی را امت وسط (امت معتدل و هماهنگ) قرار داده است.^۲

امیر مومنان (ع) درباره عدل می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»^۳ که همان تناسب و توازن است و جالب این که وقتی از حضرت درباره عقل سؤال شد، فرمود: «هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ فِي مَوْضِعِهِ»؛ عاقل کسی است که هر چیزی را در جای خود به کار ببرد.^۴

۹- عوامل و موانع رسیدن به حیات طیبه

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد قرآن کریم در آیات مختلفی به عوامل موفقیت فرد و جامعه، در رسیدن به سعادت و حیات طیبه تصریح یا اشاره کرده است. دسته‌ای از آیات؛ توجه، اتکا به خداوند و عمل صالح (بقره، آیه ۸۲) دسته‌ای دیگر؛ پاکی و بر پا داشتن نماز (نحل، آیه ۴۱ نساء، آیه ۱۰۰) آیاتی به استعانت از نماز و روزه دستور می‌دهند (بقره، آیه

۱. مجادله، ۲۲.

۲. توبه، ۱۴۳.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۳۷.

۴. همان. ش ۲۳۵.

۴۵) و برخی، هجرت را سبب وسعت در زندگی و سعادت می‌دانند. (جن، آیه ۱۶) و آیه‌های دیگری، مبارزه با هواهای نفسانی (آل عمران، آیه ۱۰۴)، برخی صبر، تلاش و استقامت در اطاعت از دستورهای خداوند (صف، آیه ۵۹؛ یوسف، آیه ۲۳ و ابراهیم، آیه ۲۷) را مؤثر و سرانجام، دسته‌ای، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر (طه، آیه ۱۲۴) را عامل می‌دانند.

در قرآن کریم درباره موانع رسیدن به حیات طیبه نیز آیات مختلفی وجود دارد. ظلم^۱ (حج، آیه ۱۱ و ۱۳ و طه، آیه ۱۲۷) اعراض از خدا، فسق (یونس، آیه ۷ و ۸)، عدم ایمان (سبا، آیه ۷ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ و ابراهیم، آیه ۲۸)، تکذیب یا عدم اعتقاد به معاد، کفران نعمت و مانند آن به عنوان مانع ذکر شده است.

لذا از آنچه تاکنون بحث شد می‌توان استنباط نمود که ترک امر به معروف و نهی از منکر نیز مانع مهمی در عدم دسترسی جامعه به حیات طیبه یا همان توسعه و پیشرفت همه‌جانبه از منظر اسلامی می‌باشد.

۱۰- نتیجه‌گیری

پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه و تشکیل دولت اسلامی، خداوند از راه وحی، انجام امور اقتصادی و اجتماعی جامعه را به ایشان دستور می‌دهد. همراه با این فرمان وقتی سخن از یاری کنندگان دین خدا به میان می‌آید، آنان را با این مضمون وصف می‌کند که وقتی در جامعه، اقتدار یابند و زمینه اطاعت مردم از آنان فراهم گردد، (تشکیل حکومت دهند) نماز برپا دارند و فرهنگ زکات دهی و امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه، نهادینه کنند.

برای تبیین لزوم تشکیل دولت اسلامی در زمان کنونی نیز می‌توان گفت، اقتصاد اسلامی با تمامی عمق، اصالت و عظمت، صلاحیت پیاده شدن در هر عصر و زمان و مکانی را دارد اما ممکن نیست که درست و کامل پیاده شود مگر در سایه حکومت و دولتی اسلامی که به تمامی مبانی اعتقادی و اخلاقی و معنوی الهی اسلام معتقد باشد. این دولت نقش ارشاد کننده در اقتصاد (اقتصاد ارشادی) را دارد و یکی از مهم‌ترین وظایف آن توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی می‌باشد. که برای محقق شدن این امر برنامه‌ریزی دارای اهمیت بسیاری بوده و دولت اسلامی برای بقا و دوام حکومت اسلامی و در جهت نیل به اهداف والای رشد و کمال انسانی می‌باید در جهت آن گام بردارد. برنامه‌ریزی دارای فواید بسیار زیادی است از جمله جلوگیری از پشیمانی، حلال مشکلات و استفاده بهتر از امکانات. لوازم برنامه‌ریزی نیز عبارت‌اند از اعتقاد به امکان حل مشکل، استفاده از روند گذشته، تجربیات و تفکر.

همچنین اساسی‌ترین اهدافی که دولت مردان مؤمن و لایق باید در نظام اسلامی تعقیب کنند به دو بخش عمده تقسیم می‌گردند:

الف) اهداف الهی؛ در جهت رشد و کمال انسان‌ها و جامعه

ب) اهداف عملیاتی؛ در جهت توسعه و پیشرفت همه‌جانبه جامعه اسلامی

مهم‌ترین اهداف الهی عبارت‌اند از: هدایت انسان‌ها به پرستش خداوند یکتا، دوری از طاغوت‌ها، تعلیم کتاب و حکمت، تزکیه، قیام به قسط. و مهم‌ترین هدف عملیاتی عبارت است از توسعه و پیشرفت همه‌جانبه اجتماعی و اقتصادی که با توجه به آیات و روایات منظور از توسعه و پیشرفت در این جامعه همان رسیدن به حیات طیبه مورد نظر قرآن کریم است و می‌توان گفت مقدمه‌ای بر جزای احسن (سعادت اخروی) می‌باشد.

۱. ظلم به معنای عام آن، یعنی به قول راغب اصفهانی «وضع الشيء فی غیر موضعه المختص به» که در مقابل عدل است و در مقابل قوام و اعتدال؛ از این رو، هرگونه خروج از اعتدال و تجاوز از حد، ظلم شمرده می‌شود.

قرآن کریم در آیات مختلف برای تبیین معیارهای حیات طیبه، ویژگی‌های بهترین امت‌ها، رستگاران و نجات یافتگان را بیان کرده است که می‌توان در این عناوین کلی خلاصه کرد: ایمان، تقوا، امر به معروف و نهی از منکر و عدل (رشد متوازن و هماهنگ) و آن‌ها را برجسته‌ترین شاخص‌های حیات طیبه معرفی کرد. از طرفی ترک امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌تواند مانع مهمی در عدم دستیابی جامعه به حیات طیبه یا همان توسعه و پیشرفت همه‌جانبه از منظر اسلامی باشد.

لذا امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی از مسائل مهمی است که باید دولت مردان در کنار دانشمندان کنونی علوم اجتماعی و اقتصادی و با همکاری اندیشمندان اسلامی، فقها و پژوهشگران نسبت به تدوین و اجرای برنامه‌های اثر بخش آن اهتمام نمایند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام.
۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، مرکز البحوث الاسلامیه.
۴. تفضلی، فریدون؛ ۱۳۶۶ ش؛ اقتصاد کلان؛ [بی‌جا]: نشر نی.
۵. تودارو، مایکل؛ ۱۳۷۷ ش؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی؛ [بی‌جا]: موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی،
۶. رجایی، سید محمد کاظم؛ ۱۳۸۶ ش؛ معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن؛ مرکز پژوهش‌های موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ قم
۷. طباطبائی، سید محمد حسین؛ ۱۳۹۷ ق؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، دار الکتب الاسلامیه.
۸. علامه مجلسی؛ ۱۴۰۳ ق؛ بحار الانوار؛ بیروت: موسسه الوفاء،
۹. فلونیزا، دنیز؛ ۱۳۷۰ ش؛ اقتصاد معاصر؛ ترجمه منوچهر فرهنگ؛ [بی‌جا]: انتشارات سروش.
۱۰. قرطبی، ابو عبدالله محمد؛ ۱۴۰۱ ق؛ الجامع لا حکام القرآن؛ قاره: دار النشر.
۱۱. غرر الحکم، آمدی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت
۱۲. محمدی گیلانی، محمد؛ ۱۳۷۵ ش؛ قرآن و سنت د اجتماع بشر؛ [بی‌جا]: نشر سایه،
۱۳. مطهری، مرتضی؛ ۱۳۷۰ ش؛ انسان کامل، تهران: انتشارات صدرا.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ ۱۳۶۶ - ۱۳۵۳ ش؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، چاپ دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۱۶. محمود متوسلی، ۱۳۷۲ ش؛ نگرشی بر دیدگاه‌ها، نظوری‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی.
۱۷. نبوی، محمد حسن؛ ۱۳۸۰ ش؛ مدیریت اسلامی؛ بوستان کتاب قم؛ قم

نقش دین در زندگی انسان معاصر با تأکید بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر

دکتر محمد مهدی اسماعیلی^۱

دکتر محسن حبیبی^۲

چکیده

تمدن جدید مغرب زمین و سیطره شش قرنیه که نقطه توجه انسان را از آسمان به زمین منتقل کرد و با وضع قوانین دست ساز بشر، سعادت انسان را بریده از نقطه آفرینش دنبال کرد، عملاً به بن بست رسیده است. علیرغم همه انکارهای صورت گرفته توسط بخش‌های از جامعه غربی، از قرن نوزدهم در تئوری‌های اندیشمندان بزرگ به این مسئله و بحران‌های ناشی از آن اشاره و اذعان شده است. از طرف دیگر پیروزی انقلاب اسلامی دین را دوباره به عرصه اجتماع بازگرداند و امروز می‌توان از دین به عنوان عامل رهایی انسان معاصر از بحران‌های بزرگ اخلاقی، معرفتی، روانی و فناوری که مدرنیته و نظام لیبرال سرمایه داری برای او به همراه داشته است یاد کرد.

طبیعتاً چنین تلقی بسیط و حداکثری از دین، مستلزم اجرای احکام و قواعد اجتماعی آن است. به تعبیر گویاتر اگر قرار است دین به عنوان منجی جامعه بحران زده فعلی وارد شود ناگزیر بایستی با همه ابعاد اجتماعی آن به صحنه بیاید. حاکمیت دین و تحقق فریضه‌های بزرگی نظیر امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند گذار از بحران و ناامنی جوامع امروز به صحت آرامش و امنیت باشد.

یکی از آسیب‌های جدی که در غیبت دین و شاخص‌هایی پویایی اجتماع نظیر امر به معروف و نهی از منکر، جامعه را تهدید می‌کند بحران‌های مختلف اجتماعی است، زیرا این شاخص مهم بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نقش اصلاحی و نیز کنترل اجتماعی را ایفاء می‌کند، لذا جامعه‌ای با نگرش دینی با وجود امر به معروف به نقطه بحرانی نمی‌رسد.

واژگان کلیدی: دین، امر به معروف، نهی از منکر، مدرنیته؛ اومانیسم؛ بحران

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز بازگشت رسمی دین و قواعد شرعی به عرصه اجتماع است. علیرغم گذشت پیش از ۵۰ سال از دمیدن بر شیپور ناکارآمدی دین، تحول جامعه دینی ایران، ضمن آنکه مسیر محتوم القایی مذکور را به بن بست کشاند، مشکلات عمیق جامعه غربی را نیز عیان نمود. واقعیت فوق، بار دیگر دین را به عنوان قاعده حاکم به عرصه زندگی برگرداند و دستورات آن به عنوان نسخه شفابخش و نجات دهنده به دامن انسان معاصر برگشت. از مهم‌ترین عرصه‌های تحقق نقش اجتماعی دین توجه به ابعاد اجتماعی و ایمن بخش آن به جامعه بشری است.

به واقع، وقتی **دین** در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد که به راهکارهای عینی اداره جامعه آن توجه شود. از آنجا که منظور از دین در این نوشتار **دین اسلام** است، به فریضه **امر به معروف و نهی از منکر** به عنوان مهم‌ترین عامل صیانت اجتماعات از بحران و افزایش نظارت عمومی و همگانی در حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و شرعی توجه می‌شود. در این نوشتار، تلاش شده است تا ایضاح کاملی از مفاهیم مورد نظر به عمل آید و جایگاه دین و مفهوم بلند امر به معروف و نهی از منکر در نجات بشر امروزی بیان شود.

۱. عضو گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. مدرس معارف اسلامی دانشگاه تهران

۱- دین

مفاهیم نظری به ویژه مفاهیمی که با انسان ارتباط دارند، در معرکه آراء قرار می‌گیرند و مفهوم دین نیز از این وضعیت مستثنا نیست. به همین دلیل همواره در میدان نظرات مختلف قرار داشته است. البته این پیچیدگی بدان معنا نیست که ما به کلی از درک آن‌ها عاجزیم. به تعبیر رابرت هیوم «دین به اندازه‌ای ساده است که هر بچه عاقل و بالغی و یا آدم بزرگ می‌تواند یک تجربه دینی حقیقی داشته باشد و به اندازه‌ای جامع و پیچیده است که برای فهم کامل و بهره‌گیری تام از آن، نیازمند تجربه و تحلیل است.»^۱ از این رو تعاریف بسیار گوناگونی با نگرش‌های مختلف برای دین ارائه شده است. در قرآن کریم واژه دین بیش از نود بار به کار رفته است که در ذیل برخی از معانی مورد استفاده در قرآن ذکر می‌شود:

الف) جزاء و پاداش: «مالک یوم الدین»^۲

ب) ملک و سلطنت: «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و يكون الدین لله»^۳

ج) شریعت و قانون: «لکم دینکم ولی دین»^۴

د) تسلیم: «ان الدین عندالله الاسلام»^۵ مرحوم علامه طباطبایی دین در این آیه شریفه را به تسلیم در برابر معارف و احکام الهی تفسیر کرده و اختلاف در شرایع را به کمال و نقص ارجاع می‌دهد.^۶ امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در حدیثی می‌فرماید: «الاسلام هو التسليم»^۷. البته ابن عربی در فص یعقوبی فصوص الحکم نکته‌ای ظریف در خصوص دین در نزد خدا و دین در نزد مردم می‌گوید که در جای خود قابل بررسی است^۸

ه) اعتقادات: «الا اکراه فی الدین»^۹ حضرت علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید: «این یک سلسله معارف علمی است که اعمالی را به دنبال دارد. پس می‌توان گفت: دین اعتقادات است و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که اکراه و اجبار بر آن‌ها حکومت نمی‌کند. اکراه در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدنی و مادی اثر دارد.»^{۱۰} با وجود این گونه برداشت‌ها بوده است که عالمان دین شناس در تعریف دین گفته‌اند: «دین برابر است با اعتقادات به آفریننده‌ای برای جهان وانسان و دستورات عملی متناسب با این اعتقاد»^{۱۱}

از سوی دیگر مایکل پترسون و برخی دیگر از اساتید بزرگ فلسفه دین آمریکایی در کتاب عقل و اعتقاد دینی پس از طرح تعاریف گوناگون در باب دین، بالاخره چنین می‌گویند: «دین متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و اجتماعی) است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است.»^{۱۲}

۱. رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۸)

۲. سوره فاتحه، آیه ۴.

۳. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

۴. سوره کافرون، آیه ۶.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۶. محمد حسین طباطبایی، میزان، جلد ۳، ص ۱۲۰.

۷. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، جلد ۴، ص ۵۲۷ حدیث ۸۸۱۱

۸. ابن عربی، فصوص الحکم، ص ۷۹ دارالکتب العلمیه. بیروت

۹. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۱۰. محمد حسین طباطبایی، میزان، جلد ۱، ص ۳۴۳.

۱۱. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۱، صفحه ۲۸.

۱۲. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، نشر طرح نو، ۱۳۷۶، ص ۲۰.

۲- امر به معروف و نهی از منکر

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود؛ چنان که از مهم‌ترین فرایضی است که وجوب کفایی آن ضروری دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است. قرآن کریم در بیان صفات ممتاز مؤمنان می‌فرماید: **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ**؛ به موجب این آیه، افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکر می‌باشند. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در کل جامعه تأثیر بگذارد؛ چنان که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در این زمینه می‌فرماید: یک انسان گنهکار در میان مردم، همانند فرد ناآگاهی است که با گروهی سوار کشتی شده و آن گاه که کشتی در وسط دریا قرار می‌گیرد، تبری برداشته و به سوراخ نمودن جایگاه خود می‌پردازد، هر کسی به او اعتراض می‌کند او در پاسخ می‌گوید: من در سهم خودم تصرف می‌کنم؛ به یقین این یک حرف احمقانه است. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی‌کشد که همگی غرق می‌شوند.

معروف و منکر که دو مفهوم متقابل‌اند، در لغت به معنای شناخته شده و ناشناخته می‌باشند؛ و در اصطلاح کارهایی که نیکی یا زشتی آن‌ها توسط عقل یا شرع، شناخته شده باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می‌شوند.

به کارگیری لفظ معروف و منکر در امور مربوط به بایدها و نبایدهای دین، بدین لحاظ است که فطرت پاک انسانی با کارهای معروف آشنا و مأنوس و با زشتی‌ها و امور ناپسند، بیگانه و نامأنوس است. بنابراین معروف و منکر قلمرو وسیعی دارد و در محدوده عبادات یا یک سری از گناهان کبیره نمی‌گنجند. معروف شامل امور اعتقادی، اخلاقی، عبادی، حقوقی، اقتصادی، نظامی (همانند مرزداری و پیکار در راه خدا) سیاسی (مثل حضور در صحنه‌های انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن) و امور فرهنگی می‌شود و منکر نیز شامل منکرات اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اقتصادی (مانند کم فروشی و احتکار)، سیاسی (همانند جاسوسی و کمک به ضدانقلاب)، نظامی (نظیر فرار از جبهه و جنگ)، عدم رعایت سلسله مراتب فرماندهی) و... می‌شود در مجموع می‌توان از معروف و منکر، به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها تعبیر نمود. در فقه اسلامی سه مرحله برای این وظیفه مهم در نظر گرفته شده است. هر مرحله نیز خود دارای مراتب و درجاتی است و در صورت مؤثر بودن یک مرحله یا یک مرتبه، اقدام به مرحله یا مرتبه بعدی جایز نیست. آن سه مرحله عبارت‌اند از:

الف - اظهار تنفر قلبی

ب - امر و نهی گفتاری

ج - استفاده از زور و قدرت

امر به معروف و نهی از منکر همچون خون در پیکره دین جریان دارد و ضامن حیات اسلام است. خیزش و قیام مصلحان در جامعه اسلامی نیز، بازتابی از عمل به این فریضه می‌باشد.^۱

۱. علی رضا علی نوری - کلیات فقه اسلامی، ص ۱۲۳

۳- انسان معاصر

«به طور قطع منظور از انسان معاصر تنها انسان در عصر حاضر است نه اینکه انسان به قدیم و معاصر تقسیم شود.»^۱ زیرا که ویژگی‌های ذاتی و فطریات انسان در همه اعصار یکسان باقی می‌ماند. با وجود این در عصر حاضر با مشکلات و معضلاتی دست و پنجه نرم می‌کند که یا در گذشته خبری از این بحران‌ها نبوده و یا کمتر با آن‌ها مواجه شده است. در عصر حاضر به دلیل دستاوردهای حیرت‌انگیز صنعت و فناوری و پیشرفت محیر العقول علم و تغییر در نحوه زندگی بشر مسائلی برای انسان چه در بعد اعتقادات و چه اختلاقیات و اعمال به وجود آمده است که می‌توان از عبارت «انسان معاصر» و یا «انسان متجدد» استفاده کرد. مقصود از انسان متجدد انسانی است که ویژگی‌های تمدن جدیدی را که در چند سده اخیر، در مغرب زمین به وجود آمده است، اموری مطلوب دانسته و نظام معیشتی و فرهنگی خود را با آن تطبیق می‌دهد. ویژگی‌هایی همچون انسان‌مداری (اومانیزم)، تجربه‌گرایی، اصالت عقلانیت ابزاری، سنت و تعبد‌گریزی، دنیوی‌گری و سکولاریسم و لیبرالیسم.

انسان متجدد هر چند به زبان قال خویش، نیازمندی به دین را انکار می‌کند، اما با زبان حال حکایتی دیگر دارد. زیرا که با بحران‌های سترگی روبروست. معضلاتی اساسی و نسبتاً عمومی که تشدید و تداوم آن‌ها می‌تواند آسیب‌های شدیدی به حیات و فرهنگ انسانی وارد کنند. بحران‌هایی که یا هویتی کاملاً جدید و بی‌سابقه دارند و یا در مقایسه با نمونه‌های مشابه در تاریخ گذشته، هیأتی مهیب‌تر و خطرناک‌تر یافته‌اند.

۴- ویژگی‌های انسان معاصر

۴-۱) عقل‌گرایی: (Rationalism)

عقل‌گرایی در شکل نوین خود (عقل به معنای قوه‌ای که به شناسایی جهان طبیعت می‌پردازد و نقش کاربردی و عملی دارد نه عقل کلی و شهودی که غیر ابزاری بوده و می‌تواند درباره تمام حقایق پژوهش کند)^۲ در اروپای قرن هفدهم و با تأملات رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) آغاز شد و با آثار فیلسوفانی چون اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷) و لایب‌نیتس (۱۶۴۶-۱۷۱۶) تداوم یافت و سپس ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) به نقادی عقل نظری پرداخت و به این نتیجه رسید که عقل نظری از اثبات خداوند ناتوان است.^۳

خصیصه‌ی عمومی عقل‌گرایی در عصر تجدد آن است که عقل جزیی و استدلال‌گر را اساسی‌ترین ابزار شناخت می‌داند. رهیافت عقل‌گرایانه به دین، به ویژه در مغرب زمین به تدریج بدانجا رسید که الهیات و حیاتی (مبتنی بر متون مقدس) اعتبار خود را از دست داد و رقیب آن یعنی الهیات عقلانی تقویت شد. از سوی دیگر کشف پاره‌ای محدودیت‌های عقل به مثابه ابزار شناخت متألّهان عقل‌گرا را با معضلات نوینی روبه‌رو ساخت و مجبور شده‌اند تا تنها نشان دهند پذیرش آموزه‌های دینی کاری نامعقول نیست.^۴ در حالی که در عالم اسلام به ویژه قرائت حکمی از قرآن هیچ چرای بین الهیات و حیاتی و عقلانی جدایی دیده نمی‌شود و این از جمله مزایای بینش عقلانی در عالم اسلام محسوب می‌شود.

۱. دکتر شهین اعوانی، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۳، شماره ۳۶۴۰.

۲. سروش اندیشه، تابستان ۸۲، گفتگو در باب نسبت دین و فلسفه (غلامرضا اعوانی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، نجفقلی حبیبی و محمد رضا اسدی).

۳. فردریک کاپلستون، جلد ششم، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، صفحه ۳۰۳ تا صفحه ۳۱۰.

۴. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، فصل سوم و هفتم.

۲-۴) تجربه‌گرایی (Empiricism)

جریان فکری دیگری که پس از رنسانس در جهان غرب به موازات عقل‌گرایی نضج گرفت و سرانجام حتی از رقیب خود (عقل‌گرایی) پیش افتاد، تجربه‌گرایی بود. این مسئله با تأکیدات فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶) بر لزوم به کارگیری استقراء به جای قیاس آغاز شد و سپس در فلسفه‌های جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)، بارکلی (۱۶۸۵-۱۷۵۳) و دیوید هیوم (۱۷۱۲-۱۷۷۶) به نحو گسترده‌تری عرضه شد و بالاخره پوزیتیویسم به عنوان نمودی از تجربه‌گرایی افراطی در قرن بیستم (۱۹۲۰) است. آموزه مشترک تجربه‌گرایان آن است که تجربه حسی یگانه راه اصیل کسب معرفت است. اینان عموماً در پذیرش آموزه‌های ماورای طبیعی ادیان با مشکل مواجه‌اند. زیرا در نظر آنان صحت این آموزه‌ها از طریق حسی قابل بررسی نیست و از آنجا که گزاره‌ای معنا دارد که قابل تحقیق‌پذیری حسی باشد، پس گزاره‌های دینی بی‌معنا تلقی می‌شوند و دیگر حتی مجالی برای بررسی درستی یا نادرستی آن‌ها باقی نمی‌ماند.^۱

دو جریان عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی به رغم مخالفت‌های اساسی با همدیگر در یک مسأله هم داستان هستند: هرگونه شناخت فراعقلی و فرا حسی را به دیده تردید می‌نگرند و ارزش و اعتباری برای معارف وحیانی و شناخت‌های شهودی انسان در نظر نمی‌گیرند.

استاد شهید مطهری گوشه‌ای از این قصه‌ی پرغصه را چنین می‌نگارد: «پیروزی نهضت رنسانس در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی در مغرب زمین که با وجهی ضد دینی همراه بود، حاکمیت تفکرات الحادی را در صحنه‌ی فرهنگ جهان موجب شد تا آن جا که در جوامع اروپایی دین باوری و خداپرستی ضد ارزش و کهنه‌پرستی تلقی گردید و در قالب تحلیل‌های علمی در اندیشه‌ها ارائه شد که عصر دین پایان یافته است و دانش و دستاوردهای بشری جانشین بی‌رقیب خداوند است.»^۲

۳-۴) انسان محوری (اومانیزم) (Humanism)

یکی از ویژگی‌های دوران جدید، حاکمیت دیدگاه‌های اومانستی و انسان‌محورانه است. اومانیزم بر دیدگاهی اطلاق می‌شود که بر انسان و قوای او، جایگاهش در جهان، علائق و دستاوردهایش تأکید می‌ورزد. آنچه در اینجا مد نظر است، رهیافتی است که عمدتاً پس از رنسانس در مغرب زمین پا گرفت. در این رویکرد انسان به جای خداوند، در کانون هستی قرار گرفت و توانایی‌های انسانی او برای یافتن راه خویش در هستی و تسلط بر طبیعت کافی شمرده شد.

در اندیشه‌ی دینی، آن هم دین اسلام هر چند آدمی در جهان منزلت والایی دارد، اما مخلوق خداوند و از این رو مکلف به انجام تکالیف الهی است و واقعیت، هویت و کمال او در پرتو خداوند معنا پیدا می‌کند. اما بر پایه‌ی اومانیزم، انسان محور و اساس همه‌ی واقعیت‌ها و ارزش‌هاست و همه چیز، حتی خدا و دین نیز باید در ارتباط با او توجیه و تفسیر شوند. انسان موجودی خودمدار است که در مقابل هیچ مقامی غیر از خود، مسئولیتی ندارد و مجازاست به منظور کسب منافع از همه چیز و به هر صورت ممکن بهره‌برداری کند. لذا از همه چیز تقدس‌زدایی می‌شود. به گفته‌ی رنه گنون: «در دوران رنسانس، یک واژه مورد احترام و اعتبار قرار می‌گرفت و از پیش، سراسر برنامه‌ی تمدن متجدد را در خود خلاصه می‌کرد. این واژه، واژه‌ی اومانیزم (فلسفه‌ای که بشر را معیار ارزش هر امری می‌داند) است. در واقع، منظور از این واژه این بود که همه چیز را محدود به موازین و مقادیر بشری محض سازند و هر اصل و طریقتی را که خصلت معنوی و برین

۱. همان، ص ۲۶۰ تا ۲۶۹.

۲. استاد مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، ص ۲۰۴.

داشت، به صورت انتزاعی و مجرد درآوردند و حتی بر سیل تمثیل می‌توان گفت مقصود این بود که به بهانه تسلط بر زمین، از آسمان روی برتابند.^۱

۵- بحران‌های انسان معاصر

عوامل یاد شده و شماری از عوامل دیگر (مانند حاکمیت لیبرالیسم و سیطره فردگرایی) که مجال پرداختن به آن‌ها نیست - دست به دست یکدیگر داده و برای انسان متجدد، جهانی را به ارمغان آورده‌اند که به رغم پاره‌ای تحولات مثبت، آکنده از بحران‌ها، تنش‌ها و نابسامانی‌هاست. بحران‌ها و معضلات جهان معاصر به اندازه‌ای جدی، عمیق و گسترده است که با نظر به آن‌ها نمی‌توان انسان متجدد را سعادت‌مندتر و خوشبخت‌تر از انسان سنتی دانست، بلکه چه بسا قضیه برعکس است.

در اینجا، تأکید شود که نباید منکر پاره‌ای از دستاوردهای مثبت تمدن جدید، مانند پیشرفت در گستره دانش تجربی و فناوری یا برقراری نظام‌های پیچیده‌تر (و احیاناً کارآمدتر) اجتماعی بود، لیکن موضوع مهم اینست که این تحولات کمک‌چندانی به انسان معاصر برای پیشروی در مسیر کمال و سعادت انسانی نکرده است. انسان معاصر، در مقایسه با قبل، دانای‌تر (به معنی دارنده اطلاعات بیشتر) و قدرت‌مندتر (به معنای توانایی بهره‌گیری بی‌حد و حصر از طبیعت و ماشین) شده است، اما این حقیقت لزوماً به معنای انسان‌تر شدن او نیست. برای تصدیق این مدعا، بهتر است نگاهی هر چند کوتاه به پاره‌ای از بحران‌های دست به گریبان انسان متجدد شود.

۵-۱) بحران معرفتی

یکی از بخش‌های عمده نظام ارزشی حاکم بر غرب مکتب‌ها و مسلک‌های فکری و عقیدتی است. پس از پیدایش رنسانس، موضع‌گیری خصمانه‌ای نسبت به دین و مذهب آغاز شد و فلسفه‌های مادی‌گرا و ماتریالیستی رواج یافت و به تبیان الحاد و آئیسم در اروپا وجهه غالب تفکر در دنیای غرب شد. شهید مطهری یکی از علل این رویکرد را ضعف دستگاه‌های فکری و فلسفی در مغرب زمین می‌داند و چنین می‌گوید:

«چنانکه می‌دانیم در قرن‌های هجدهم و نوزدهم، ماتریالیسم به صورت یک مکتب درآمد و حال آنکه در گذشته این چنین نبوده است.... همین است که برای بسیاری این احتمال را به وجود آورده است که شاید پیدایش به صورت یک مکتب، رابطه مستقیم با علم و پیشرفت‌های علمی دارد.»^۲

ایشان در همین موضع، ضعف‌های مختلف دستگاه‌های مختلف را در باب خداشناسی و جهان‌شناسی مطرح کرده و پاسخ گفته‌اند.^۳ اینگونه نواقص معرفتی آرام آرام پوچی را جایگزین هدف‌دار بودن جهان نمود و اندیشمندان را دچار مشکلات فراوان کرد. مرحوم استاد محمد تقی جعفری در این زمینه می‌نویسد: «نکته دوم که موجب شروع سؤال مزبور (پرسش از فلسفه و هدف حیات) شده است دگرگون شدن چهره حیات به وسیله غوطه ور شدن در عریبه‌های ناخودآگاه ماشین است که از اواخر قرن هجدهم به این طرف رو به گسترش گذاشته است و در نتیجه متفکرانی که بیماری روانی شکنجه‌اشان می‌داد! یا برای ارضای حس شهرت پرستی زمینه مناسبی برای خود می‌دیدند به جای این که در جهت

۱. همان.

۲. استاد مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، ص ۲۰۴.

۳. همان، صص ۸۸، ۹۳ و ۱۳۴.

برداشتن سنگی که روی منبع حیات آدمیان افتاده است بکوشند، ندا برآوردند که منبع آب ندارد! یا آب منبع تمام شده است! و پوچی حیات را نتیجه گرفتند.^۱

علی‌رغم اینکه در حال حاضر داده‌های اطلاعاتی هر ساله چند برابر می‌شوند و برای ذخیره چنین حجمی از اطلاعات متخصصان در اندیشه ساخت ابزارهای نوینی هستند، اما بشر در حیرتی معرفتی فرو رفته است. که می‌توان ریشه این حیرت را به اندیشه‌های کانت دکارت در تأکید بر جد این میان فاعل شناسایی و متعلق آن و سپس در محدود ساختن قدرت شناخت بازگرداند. کانت نیز در معرفت شناسی خود میان عالم واقع و عالم شناخت فاصله عمیقی انداخت. به نظر او انسان مستقیم به جهان واقع دسترسی ندارد و ادراک در قالب مفاهیم و مقولات پیشین ذهن، حاصل می‌شود.^۲ این به نوبه خود در تشدید تحیر و سرگشتگی معرفتی انسان معاصر نقش بسزایی داشتند. برای نمونه پس از کانت نگاه هرمنوتیکی (دانش تفسیر متن) به این نتیجه رهنمون شد که هیچ‌گاه نمی‌توان فهم کاملی از سخن یا نوشته دیگران داشت. و یا مطالعات جدید در حوزه منطق و معرفت شناسی در نظریه‌های همچون معنا و یا معیار صدق این سرگشتگی را فزونی بخشیده است. در دیدگاه سنتی منطق، گزاره‌ای صادق است که مطابق با واقع باشد اما صدق در دیدگاه‌های جدید مفهومی جدید یافته است. به طور نمونه نظریه‌های هماهنگی و یا پراگماتیسینی (عمل‌گرایانه) یا هماهنگی یا گزاره با سایر باورهای شخص را ملاک صدق می‌گیرند و یا سودمندی را ملاک می‌دانند.^۳

در معرفت شناسی سنتی که نوعی میناگرایی (Foundationalism) بود، قضایا به دو دسته بدیهی و نظری تقسیم می‌شوند و اعتبار گزاره‌های نظری هنگامی است که به بدیهیات بازگردند. اما با نظریه‌های انسجام یا هماهنگی (coherence) اعتبار باور ما به هر گزاره، در گرو هماهنگی آن با سایر باورهای انسانی است.^۴

انسان متجدد برای رهایی از چنین بن بست معرفتی مدتی به علوم تجربی پناه برد. ولی مدت زمان زیادی نگذشت که سراب بودن این آب یقین بخش بر ملا شد. فیلسوفان علم جدید اثبات کرده‌اند که علم تجربی آن آرام‌گامی نیست که ذهن انسان معاصر در طلب آن، بی‌محابا با هر گونه شناخت فراتجربی خط بطلان کشیده بود. امروزه ظهور انحای نظریه‌های ناسازگار، به ویژه در حوزه علوم انسانی حالتی از سرگشتگی را به وجود آورده که می‌توان آنرا «بحران اطمینان» نامید.

۲-۵) بحران اخلاقی

با توجه به پیوند بنیادین آدمی با اخلاق می‌توان انسان را به «حیوان اخلاقی» نیز تعریف کرد. اندیشمندان همواره به اخلاق و اخلاقیات اندیشیده‌اند و دیرباز افراد نیک سرشتی بوده‌اند که به اصلاح عالم درونی خود و سپس دیگر انسان‌ها و عرضه‌ی آموزه‌های اخلاقی پرداخته‌اند.

شهید مطهری به نقد مبانی تکوینی مفساد اخلاقی در غرب پرداخته و مادیت اعتقادی را عامل پیدایش مادیت اخلاقی می‌داند.^۵ بی‌شک جاذبه‌ی شهوات در بسیاری از موارد موجب بی‌اعتقادی به موازین دینی و اخلاقی می‌شود. لذا می‌توان گفت میل به شهوات مادی بی‌حد و حصر یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش انسان معاصر به مادی‌گری است.

۱. محمد تقی جعفری، فلسفه و هدف زندگی، ص ۱۸.

۲. استفان کورنر.

۳. عبدالحسین خسرو پناه، تئوری‌های صدق، مجله ذهن، شماره اول، ص ۶۵.

۴. مرتضی فتاحی زاده، وضعیت کنونی نظریه هماهنگی، مجله ذهن، شماره ۹.

۵. مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، ص ۲۰۰.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: بل یرید الانسان لیفجر امامه یسئل ایان یوم القیامة^۱ (انسان می‌خواهد که عمر خود را به گناه سپری کند و از این رو قیامت را (از روی انکار) مورد سؤال قرار می‌دهد).

اما به نظر علامه‌ی شهید مطهری علت دیگری نیز برای میل انسان دین‌گریز به شهوات وجود دارد و آن اینکه اندیشه‌های ماتریالیستی درباره‌ی جهان و حیات و خلقت، آدمی را سخت در رنج و فشار می‌گذارد و در آدمی حالت میل به فرار از این اندیشه‌ها و پناه آوردن به امور فراموشی‌آور، اعم از عیش و عشرت‌ها و یا مخدرات و مسکرات به وجود می‌آورد.^۲ هر چند در دوران جدید در باب اخلاق و بنیادهای آن تأمل‌ورزی بسیاری انجام شد و مجموعه مباحث نوینی بسیار ارزشمند در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق به وجود آمده است. با این حال، این دست‌آوردهای بزرگ علمی تأثیری در رشد و توسعه‌ی اخلاق - به ویژه در بعد فردی - نداشته است. بلکه اندیشه‌های نسبی‌گرایی، سودگرایی و یا لذت‌گرایی اخلاقی، سهم وافر در توسعه ناهنجاری‌های اخلاقی داشته‌اند.

از سوی دیگر در دیدگاه‌های فردگرایانه و انسان‌محور (اومانستی) سخن گفتن از ارزش‌ها و فضایل انسانی کاملاً بی‌معنا شده است و بسیاری جسارت یافته‌اند تا برای افعال شنیعی مبنای اخلاقی بیابند که تا دیروز حتی سخن گفتن از آن‌ها مشتمل‌کننده بود. از این اسفبارتر آنکه انحطاط اخلاقی تنها به اقشار زیرین جامعه اختصاص ندارد و گریبان افراد تحصیل‌کرده را نیز گرفته است به گونه‌ای که امروزه شاهد رشد تشکلهای دانشجویی هم‌جنس‌باز هستیم و به رغم آنکه آن‌ها همراهی چندانی از سوی دانشجویان نداشته‌اند اما به مراتب بیش از سایر تشکلهای از امکانات تبلیغی برخوردارند. پرواضح است استفاده‌ی بی‌حد و حصر از مواد مخدر، داروهای توهم‌زا و مشروبات الکلی از معضلات اخلاقی انسان جدید است که آثار ویرانگر آن بر کسی پوشیده نیست.

در نتیجه به نظر می‌رسد رابطه‌ی میان فساد اخلاقی و سستی اعتقادات، رابطه‌ای تعاملی است نه یکسویه. از سویی عدم اعتقاد به خدا و دین راه را برای ناهنجاری‌های اخلاقی باز می‌کند و از سوی دیگر هر چه بشر در گناه و آلودگی می‌غلتد، به دلیل کدورت نفس، پایه‌های اعتقادیش سست می‌شود. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

«ثم کان عقبه الذین اسأوا السوی ان کذبوا بآیات الله و کانوا بها یتستهزؤن»^۳

لذا علامه‌ی شهید مرتضی مطهری نظام اخلاقی غرب را به شدت مورد اعتراض قرار می‌دهد و معتقد است افکاری که در این زمینه از غرب برخاسته و جوانان ما تازه با الفبای آن آشنا شده‌اند ... به کجا منتهی می‌شود؟ آخر این خط مسیر کجاست؟ ... این راهی است که ادامه آن جز فنای بشریت چیزی در بر ندارد.^۴ تجربه نشان داده است آن‌جا که دین از اخلاق جدا شده است، اخلاق خیلی عقب مانده است.^۵

روبرت کرین بنیان‌گذار مرکز تمدن و نوگرایی در آمریکا و مشاور وقت نیکسون رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز با اشاره به همین موضوع می‌گوید: «نتیجه مبارزه‌ی مستمر با این که دین باید دور از تفکر و عمل قرار بگیرد ... فقدان هر گونه سیستم منسجم اخلاقی در زندگی اجتماعی ایالات متحده‌ی آمریکا بوده است».^۶

۱. سوره قیامت، آیه ۵۰.

۲. مرتضی مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، ص ۲۰۳.

۳. سوره روم، آیه ۱۰.

۴. مرتضی مطهری، اخلاق جنسی، ص ۳۹.

۵. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۴۱.

۶. مجله کلمه دانشجو، شماره ۱۶.

لیبرالیسم با مبنا قرار دادن نگاه اومانستی به انسان پیشرفت مادی و اقماع نیازهای طبیعی را به عنوان غایت تکامل بشر معرفی نموده و بر همین اساس سودانگاری، مصرف‌گرایی و شهوت‌رانی از ویژگی‌های اساسی انسان‌های تمدن جدید محسوب می‌شوند و «در جامعه لیبرالی» هر کس جز به خود نمی‌اندیشد.^۱

با این توصیفات به خوبی می‌توان منشأ بحران اخلاقی غرب را خوب فهمید و تحلیل کرد. بحرانی که در ذیل به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود. بر اساس گزارش کمیسیون ملی نظارت بر مواد مخدر در آمریکا نیمی از افراد توقیف شده، کسانی بوده‌اند که در مصرف الکل زیاده روی کرده بوده‌اند. یک سوم قتل نفس‌ها و یک چهارم خودکشی‌ها، ۶۷٪ تجاوز به اطفال و ۳۹٪ تجاوز به زنان با مصرف الکل همراه بوده است. مصرف الکل هر ساله حداقل ۱۲ هزار اسپانیایی را به کام مرگ می‌کشانند... کارشناسان الکل را عامل بیش از نیمی از مرگ و میرهای ناشی از تصادفات دانسته‌اند.^۲

پس می‌توان این دوران را «دوران اضطراب» نامید. اریک فروم فیلسوف بزرگ آلمانی می‌گوید: «انسان امروزی احساس آرامش نمی‌کند و بیشتر دچار سرگشتگی شده است... و از فعالیت‌های خود احساس بیهوده‌گی می‌کند.»^۳ عصر اضطراب نامی است که روان‌شناسان بر این دوران نهاده‌اند. طبق آمار در عصر مدرن و حتی پست مدرنیسم (فراتر از تجدد) بسیاری از تخت‌های بیمارستانی در ایالات متحده آمریکا متعلق به بیماران روانی است.^۴

رهبر معظم انقلاب ریشه این معضل را اینگونه بیان می‌کند: «امروز دنیای ما دچار قحطی تفسیر معنوی از جهان و هستی است.»^۵ خلاء روحی و روانی و معنوی همواره سرمنشأ ناهنجاری‌ها و آسیب‌های فراوانی در جوامع انسانی بوده است اما آثار ویرانگر آن امروزه در جوامع مدرن غربی محسوس‌تر و گسترده‌تر است. بنا بر شواهد گوناگون هر روز بر شمار جوانانی که بیماری عصبی دارند و عدم تعادل روحی پیدا می‌کنند و در نتیجه به انواع مواد مخدر روی می‌آورند در غرب و در جهان امروز و به طور کلی در کشورهایی که به شیوه غربی زیست می‌کنند، پیاپی افزوده می‌شود.^۶ علامه جعفری ریشه مسائل را در «اعراض مردم از مذهب و معنویات» می‌داند.^۷

در ضمن نقش فناوری در گسترش معضلات اخلاقی قابل چشم‌پوشی نیست. امروزه حجم وسیعی از تولیدات رسانه‌ای در اختیار خاص و عام قرار می‌گیرد. این در حالی است که بسیاری از آن‌ها ماهیتی ضد اخلاقی دارند و مقدس‌ترین هنجارهای اخلاقی را خدشه‌دار می‌کنند. این وضع نه تنها معنویت انسان را مختل کرده بلکه به زیست اجتماعی نیز ضربه زده است و بنیان خانواده شدیداً دستخوش تزلزل شده است.

از سوی دیگر ابزار مدرن به جنایتکاران این فرصت را داده تا فجایع را در سطحی بسیار گسترده‌تر بازآفرینی کنند و زورمداران به انگیزه‌های نفسانی و شیطانی جان صدها هزار انسان را در کمترین مدت بستانند. امروزه برده‌فروشی و برده‌داری در اشکال نوین ظهور کرده و مافیای قاچاق انسان در سطح گسترده رواج یافته است.

۱. الک، درویتسکی، علم اخلاق، ترجمه فریدون شایان، ص ۷۱.

۲. جعفر سخاوت، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، ص ۱۱۳ و ۱۳۰.

۳. اریک فروم، انسان برای خویشتن، ترجمه اکبر تبریزی، ص ۱۴.

۴. دکتر محمد رضا شرفی، مجله رشد، سال چهارم، پاییز و زمستان ۷۴.

۵. سید علی خامنه‌ای، سخنرانی ۷۵/۵/۱۸.

۶. روزه دوپاسکیه، سرگذشت اسلام سرنوشت انسان، ترجمه علی اکبر کسایی، ص ۲۱.

۷. محمد تقی جعفری، بن بست امروز بشر، ص ۴۳.

۵-۳) بحران روانی

امروزه پیشرفت‌های شگرفی در حوزه روانپزشکی و روانشناختی صورت گرفته است و متخصصان این علوم برخی از ابعاد ناشناخته‌ی روان را کاویده و بسیاری از مسائل پیچیده را برملا ساخته‌اند. اما واقعیت انکارناپذیر آن است که با این وجود بیماری‌ها و ناهنجاری‌های روانی در جوامع مختلف و به ویژه جوامع صنعتی و توسعه یافته به قدری است که می‌توان گفت انسان معاصر به شدت از احساس پوچی و بی‌هویتی رنج می‌برد. بالا رفتن آمار خودکشی نشانه‌ی آشکاری است بر این واقعیت که قشر عظیمی از جامعه نسبت به آینده خود ناامیدند و احساس ناکامی و شکست در زندگی، خودکشی را تنها راه چاره آنان قرار داده است.

شهید مطهری در این باب می‌نویسد: «انسان هنگامی که انسانیت خودش را از دست می‌دهد، مانند یک چرخ از چرخ‌های ماشین می‌گردد و تو گویی مسخ می‌شود... کار بشر به اینجا کشیده شده است که اگر در برابر چشمانش انسان‌هایی خاکستر بشوند در او تأثیر نخواهد گذاشت.»^۱

لذا مردم خود را در چنین دنیایی غریب و تنها می‌یابند و چاره‌ای نیز جز تحمل بار گران تنهایی ندارند. پرسش اصلی در اینجا است که چرا دستاوردهای دانش بشری در زمینه شناخت روان (روان‌شناسی) توفیق چندانی در پیشگیری یا درمان این بیماری‌ها نداشته‌اند؟ به نظر می‌آید مشکل اساسی در اینست که این علوم عمدتاً تصویر واقع‌نمایی از عمق وجود آدمی و نیازهای اساسی او ارائه نمی‌دهند و بیشتر در پوسته‌های رویین هویت او به کاوش می‌پردازند. ملای رومی در این خصوص چنین سروده است:

گر به ظاهر آن پری پنهان بود	آدمی پنهان‌تر از پریان بود
نزد پری که مضمراست	آدمی صد بار خود پنهان‌تر است
خویشتن نشناخت مسکین آدمی	از فزونی آمد و شد در کمی
خویشتن را آدمی ارزان فروخت	بود اطللس، خویش را بر دلق دوخت ^۲

در انتهای این بخش شاهدی دیگر برای تأثیر دنیای مدرن امروز به شیوع انواع ناهنجاری‌های روانی ذکر می‌شود و آن اینست که در میان افرادی که در دامان طبیعت و در ساختارهای اجتماعی نسبتاً ساده زندگی می‌کنند اینگونه معضلات شیوع ندارد و با کمال تأسف در جوامع پیچیده و پیشرفته نه تنها این مشکل بزرگسالان را دچار ساخته بلکه بسیاری از کودکان نیز به انواع ناهنجاری‌های روانی مبتلا هستند.^۳

۵-۴) بحران فناوری

فناوری به معنای به کارگیری علوم کاربردی - که ارزش علمی و کاربردی صنعتی دارند - در حوزه‌های صنعتی و هنری است. این پدیده با انقلاب صنعتی در مغرب زمین پیدا شد و موجب افزایش توان مادی و امکانات مختلف رفاهی شده است. اما این تنها یک روی سکه است و همانگونه که در فصل گذشته بیان شد، معضلاتی را نیز از نظر روانی به دنبال داشته است. در ضمن فناوری نتایج ویرانگری در ابعاد مختلف زندگی بشر همچون فرهنگ، اخلاق، بهداشت، محیط زیست و ... به بار آورده است.

۱. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱۳۲.

۲. ملاجلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، نشر طلوع، دفتر سوم، ص ۵۱۱.

۳. دونالد مک نیو، روان‌شناسی استرس، ترجمه عباس چینی، ص ۱۴۵.

برتراند راسل فیلسوف شهیر قرن بیستم انگلستان می گوید: «فن برخلاف اینکه خنثی و بی طرف است، به انسان اطمینان می دهد که افراد می توانند دست به اعجاز بزنند ولی نمی گوید که دست به چه اعجازی باید بزنند. از این لحاظ فن ناقص است... بنابراین گزینه قدرت طلبی امروز جولانگاهی یافته که در گذشته هرگز نداشته است... دیگر مقاصد در نظر گرفته نمی شود. فقط ماهرانه بودن عمل دارای ارزش است این هم نوعی جنون است و در عصر ما این خطرناک ترین نوع جنون است...»^۱

فناوری نوین فرهنگ و اخلاق ویژه خود را بر جوامع پیشرفته تحمیل می کند. آزادی بی حد و حصر در بهره برداری از ماشین، روحیه قناعت ورزی و پرهیز از اسراف را که از جمله فضایل اخلاقی به شمار می آمده، خشکانده است و آتش هوس خداوندگاری طبیعت را در دل انسان کنونی شعله ور ساخته و بذر پندار استغنا را که از مصیبت بارترین آفات اخلاقی است در ذهن رویانیده است. این در حالی است که قرآن کریم ریشه تمامی طغیان های آدمی را همین حالت استغناء می داند. ان الانسان لیطغی ان راه استغنی.^۲

در دنیای صنعتی کنونی رمز پیشرفت و توسعه در فعال بودن کارخانه ها و صنایع تولیدی است و این جز با مصرف بیشتر و بیشتر به دست نمی آید. لذا ایجاد و تبلیغ روحیه تنوع طلبی و حمایت روزافزون سردمداران سرمایه داری از مد و مدگرایی ریشه در همین مطلب دارد.

بی شک مصرف بالا به تولید بیشتر می انجامد و لازمه مصرف زیاد اینست که مشتری نیاز به خرید کالا داشته باشد و این امر جز با دمیدن روح کاذب نیازمندی انسان ها به مدهای جدید به وجود نمی آید. اما غافل از آنکه تولید هر چه بیشتر یعنی مصرف بیشتر انرژی و دست یازیدن به محدوده محیط زیست. لذا از پیامدهای فناوری نوین بحران انرژی و بحران محیط زیست است که به ظهور بیماری های جدید و نوظهوری انجامیده که برخی از آن ها آینده ای تاریک برای انسان ترسیم کرده است.

۵-۵) تنزل مقام انسانی

نظریه پردازان پس از رنسانس با اعلان پوچی حیات، آدمی را که در منظر جهان بینی الهی، استعداد وصول به مقام خلیفه الهی را در درون خود نهفته داشت تا سرحد یک موجود بی هویت با نیازهای صد در صد مادی و در اندازه ابزاری کاملاً اقتصادی تنزل دادند. برای این مطلب می توان به فلسفه های رنه دکارت و توماس هابز و یا دیگر فیلسوفان دنیای غرب اشاره کرد که به عنوان پدران فلسفه جدید غرب شناخته می شوند. در فلسفه این فیلسوفان مفهوم غایت یا به کلی مورد انکار قرار گرفته است و یا آنکه از میان علل، علتی ناشناختنی است: تمامی این فیلسوفان انحراف اندیشمندان قرون وسطی را در این می دانند که فلسفه اشان غایت شناسانه بوده است. اینان حذف مفهوم غایت از میان مطالب پژوهشی را رمز پیشرفت و توسعه فکر بشری می دانستند و به جد در سر تا سر فلسفه خود با این گونه اندیشه به مبارزه پرداختند و انسان را به صورت کاملاً مکانیکی تصور کردند.^۳

در ادامه این تغییر نگرش آدمی از نگرش الهی و غایی به سوی نگرش مادی، کار به جایی رسیده است که ارنستو سابوتو، متفکر معاصر آرژانتینی اظهار می دارد: نظریه پردازان کاپیتالیست و مارکسیست به طور یکسان در گسترش اندوهبار

۱. برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، جلد ۲، ص ۶۸۴.

۲. سوره علق، آیات ۷ و ۸.

۳. منوچهر صانعی در به بیدی، فلسفه دکارت، صفحه ۵۷ تا ص ۶۰، انتشارات الهدی.

این بینش ناهنجار دخالت داشته‌اند که در آن فرد در توده ذوب می‌شود و راز روح تا حد انتشار تشعشعاتی قابل اندازه‌گیری پایین آورده می‌شود.^۱

در این خصوص علامه شهید مرتضی مطهری یادآور می‌شود که در فلسفه غرب سالهاست که انسان از ارزش و اعتبار افتاده است. امروزه در اغلب سیستم‌های فلسفه غربی، مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرد. انسان از نظر غربی تا حد ماشین تنزل کرده است. روح و اصالت آن مورد انکار واقع شده است. اعتقاد به علت غایی و هدف داشتن طبیعت یک عقیده ارتجاعی تلقی می‌گردد.^۲ در فلسفه غربی تا آنجا که ممکن بوده به حیثیت ذاتی انسان لطمه وارد شده و مقام انسان پایین آمده است، دنیای غرب از طرفی انسان را از لحاظ پیدایش و عللی که او را به وجود آورده است... و از لحاظ وجدان و ضمیرش تا این اندازه پایین آورده... آنگاه اعلامیه بلند بالا درباره ارزش و مقام انسان و حیثیت و کرامت و شرافت ذاتی و حقوق مقدس و غیر قابل انتقالش صادر می‌کند.^۳

۶) نقش دین و فریضه امر به معروف و نهی از منکر در حل بحران‌های انسان معاصر

آنچه به اجمال گذشت تنها گوشه‌ای از معضلات و بن‌بست‌هایی است که انسان متجدد با آن رو به روست. انسان کنونی، در طی سده‌های اخیر گام‌هایی سریع و عجولانه در مسیر دین‌زدایی و انسانی کردن تمام ابعاد خدایی وجود خویش و تقدس‌زدایی از امور مقدس برداشته و نعره‌ی مستانه‌ی استغنا از دین‌ورزی و خدا‌باوری را در جهان طنین انداز کرده و گستاخانه پایان عصر دین و معنویت دینی را اعلام کرده است، اما اینک (در قرن بیست و یکم) نوبت آن فرا رسیده که از خواب سنگین غفلت که برای چند سده او را در بر گرفته بیدار شود و روزنه‌ای به سوی نور گشاید. هر چند این مسئله تا حدی در حال تحقق است و برخی قائل‌اند اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در نظر بگیریم آن تاریخ ۱۹۷۹ میلادی است. یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آورده است. آخرین آمارها در مورد احیای تفکر دینی که در سال ۱۹۹۰ صورت پذیرفته نشان می‌دهد که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دین‌داری می‌کنند. در تمام ادیان از هندوئیسم گرفته تا بودیسم و ... انواع فرقه‌های مسیحیت همه از یک نوع بازگشت به تفکر دینی خبر می‌دهند و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت.^۴

در مورد تجدید حیات دینی آنتونی گیدنز جامعه‌شناس مشهور انگلیسی چنین می‌گوید: «در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم و بیش اختلافاتی فرایند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند ولی از آغاز دهه‌ی هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم. یعنی فرآیند عمومی جهان روند معکوس را آغاز کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود.»^۵

به نظر می‌رسد اگر نگوئیم همه، لاقلاً بخش عظیمی از بحران‌های موجود در پرتو بازگشت انسان به دامن دین و به ویژه دین کامل و حقیقی چون اسلام و فریضه‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر و پیوند دوباره‌ی انسان با معنویت دینی مرتفع خواهد شد.

۱. نشریه پیام یونسکو، ش ۲۴۳.

۲. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۳۳.

۳. همان، ص ۱۳۵.

۴. پروفیسور محمد حسین هدی، اندیشمند مقیم اتریش، مصاحبه با روزنامه کیهان ۲۵ و ۲۹/۱۱/۷۶.

۵. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری ص ۷۵.

۱-۶) حل بحران معرفتی

برخلاف اندیشه‌های پوزیتیویستی، بر اساس آموزه‌های ادیان الهی، راه‌های شناخت به حس و تجربه محدود نمی‌شود، بلکه وحی و عقل (به ویژه عقل کلی که قادر به درک امور فراتجربی است) نیز منابع شناخت محسوب می‌شوند. با تمسک به چنین منابعی می‌توان به مجموعه‌ای کامل‌تر و منسجم‌تر از حقایق شناخت پیدا کرد. ادیان و حیانی با ارائه حقایق خطاناپذیری درباره‌ی خدا، جهان و انسان نقطه‌ی اتکای معرفتی استواری در اختیار انسان می‌نهند. و درباره‌ی اموری -همچون امور ماورای طبیعی یا حقایقی درباره‌ی گذشته و آینده جهان- نگرش می‌بخشند که با حس و تجربه نمی‌توان به آن‌ها معرفتی داشت.

عقل به تحکیم مبانی نظری باورهای دینی همت می‌گمارد و در مقابل دین با گشودن افق‌های تازه و فراعقلی، محدودیت‌های عقل نظری را یادآور می‌شود. در ضمن در محدوده‌ی دین انسان می‌تواند به مشاهدات قلبی و تجربیات غیر حسی و متعالی برسد که مبنایی شهودی برای ایمان باشد و آدمی را از ورطه‌ی شکاکیت مطلق و سرگشتگی معرفتی رهایی بخشد.

البته نمی‌توان ادعا کرد انسان متدین یکسره از حیرت بیرون آمده است، چرا که قلمرو حقایق ماورای طبیعی همچون خدا و روح فرشته، قلمرو حیرت‌زایی است، بلکه سخن در این است که با هدایت دینی انسان هیچ‌گاه احساس سرگشتگی و حیرت مطلق نمی‌کند. حیرت دینی با ایمان و یقین سازگار است، برخلاف تحیر معرفتی نوین که نافی هر گونه یقین و اطمینانی است. حیرتی دینی از جنس همان حیرتی است که ارسطو آنرا امروزه ورود به فلسفه قلمداد می‌کند و لذا مقدمه‌ای برای نائل شدن به معرفت یقینی است.

۲-۶) حل بحران اخلاقی

هر چند ما معتقدیم حسن و قبح افعال اخلاقی، عقلی است و در فهم آن‌ها نیازی به وحی، ارسال رسل و دین وجود ندارد اما پرسش اساسی این است که آیا انسان می‌تواند به استناد ادراکات کلی خود درباره‌ی حسن و قبح افعال، به همه‌ی آنچه در حوزه‌ی اخلاق مطلوب است دست یابد؟ بی‌شک بدون پرتوافکنی وحی، عقل نمی‌تواند به حسن و قبح همه امور لازم دست یابد. داده‌های وحیانی عقل را در شناسایی نتایج اعمال، به ویژه پیامدهای اخروی آن‌ها یاری داده، داوری اخلاقی را برای آن‌ها ممکن می‌سازد.

دین همواره پشتوانه‌ی محکمی برای اخلاق بوده است و بخش قابل توجهی از آموزه‌های دینی تعالیم اخلاقی‌اند. دین برخی تعالیم و فلسفه‌های اخلاق غربی بنیان اخلاق را در قراردادهای اجتماعی و یا سودگرایی و لذت‌گرایی قرار نمی‌دهد بلکه با ترسیم صحیح رابطه‌ی انسان با آفریدگار و معرفتی کمال و سعادت حقیقی، زیرزمین‌های متعالی برای بایدها و نبایدهای اخلاقی پی می‌ریزد.

زندگی دنیوی انسان با چالش‌هایی رنج‌آور همراه است و تنها باورهای دینی‌اند که در تقلیل نزاع‌ها و تخفیف رنج‌ها به طور حقیقی و همه‌جانبه به توفیق می‌رسند. بر این اساس دین به سبقت در خیرات توصیه می‌کند. فاستبقوا الخیرات^۱ بی‌شک زندگانی همراه با فضایل انسانی، روح آدمی را جلا داده و لطافت می‌بخشد و از سویی دیگر دین با نهی از گناه و تبعیت از امور نفسانی از جهت دیگر به تقلیل مشکلات و رنج‌ها اقدام می‌کند. بی‌تردید امور نفسانی و گناه آلود موجب کشمکش و بحران می‌شوند و دوری از آن‌ها زندگی بهتری برای انسان ترسیم می‌نماید.

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

در ضمن دین با برپا کردن نظارتی درونی و آن در مؤمنین تک تک افراد جامعه و همچنین حکومت‌ها را مورد کنترل قرار می‌دهد. اینگونه نظارت با هزینه‌ای کم تأثیری شگرف به بار می‌آورد. آیات عذاب و رحمت الهی و حتمی بودن آن‌ها در نزد مؤمنین واقعی تقویت کننده وجدان و ناظر درونی هستند. و ان الدین لواقع^۱ بی‌شک جزای اعمال واقع شدنی است. انما توعدون لواقع^۲ از سویی دیگر باورهای دینی منشأ پیدایش انگیزه‌های عالی برای گذشت از منافع شخصی این جهانی و توجه به منافع اجتماعی هستند^۳ که این خود موجب رشد و نمو فضایل اخلاقی در جامعه می‌شوند. اندیشمند معروف اسپنسر درباره نقش دین در تمدن و فرهنگ انسانی می‌گوید: «بیان آداب و فضایل جوامع که پایه تمدن آن‌هاست، ناشی از دین است.»^۴

در ضمن نقش دین در زدودن خرافات و تعصبات جاهلی چیزی است که جای سخن ندارد و با رجوعی کوتاه به قرآن و احادیث معصومین(ع) نیز این امر آشکار خواهد شد. امروزه نیز با عصبیت‌های مدرن و خرافه‌های پست مدرنیستی رو به روییم که زوال آن‌ها تنها به وسیله دینی حقیقی همچون اسلام میسر است. از این گذشته معرفت اخلاقی در صورتی ارزشمند است که تربیت اخلاقی را هم در پی داشته باشد. حضرت امام خمینی(ره) در این خصوص می‌فرماید: «ریشه‌های اخلاق را فهماندن و راه علاج نشان دادن، یک نفر را به مقصد نزدیک نکند و یک قلب ظلمانی را نور ندهد و یک خلق فاسد را اصلاح ننماید.»^۵

تمامی اساتید علم اخلاق به این موضوع مهم اشاره دارند که در کنار ارائه تعالیم اخلاقی به دو مسئله مهم دیگر نیز نیاز است. اول موعظه و دوم ارائه الگو که این دو به بهترین وجه در دین مبین اسلام ارائه شده‌اند. در تمام ادیان و به ویژه دین اسلام موعظه جایگاه ویژه خود را دارد تا جایی که در قرآن کریم آمده است: ادعوا الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن.^۶

از سوی دیگر برترین الگوها نیز در همین دین ارائه شده است. و لکم فی رسول الله اسوة حسنة.^۷ مطلب را در این باره با دو کلام از شهید مطهری(ره) به پایان می‌بریم.

«ایمان نقشی مهم در بهبود روابط اجتماعی دارد. آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد و شجاعت مقابله با ستم را ایجاد می‌کند، ایمان مذهبی است.^۸ امری که قادر است انسان را بر طبیعت خود مسلط کند و آن را رام کند دین و ایمان است. تسلط بر نفس یک مفهوم اخلاقی است نه یک مفهوم مذهبی، ولی مذهب اجرای این مفهوم اخلاقی را بهتر تأمین کرده است.»^۹

۱. سوره ذاریات، آیه ۶.

۲. سوره مرسلات، آیه ۷.

۳. سوره نور، آیه ۳۷- سوره توبه، آیه ۵۲.

۴. شیخ محمد عبده، المنار، تقریر رشید الرضا، جلد ۴، ص ۴۲۹.

۵. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، صفحه ۱۳.

۶. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۷. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۸. مرتضی مطهری، انسان و ایمان، ص ۴۵.

۹. مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۲۲۸.

۳-۶) حل بحران معنویت

- ملکم همیلتون، جامعه‌شناس معروف، سرچشمهٔ احساس سرخوردگی و پوچ‌گرایی را در سه موضوع می‌داند:
۱. ناتوانی نظری در تبیین پدیده‌های مهم زندگی مانند مرگ، زلزله‌های وحشتناک و ... هر چند این مسئله با پدیده‌های معمولی نیز گاهی به وجود می‌آید.
 ۲. رنج کشیدن نامفهوم، گرفتار شدن در رنج و اندوه به تنهایی موجب احساس بی‌معنایی نیست ولی درد و رنجی که حکمت آن بر انسان مشخص نیست احساس پوچی به وجود می‌آورد.
 ۳. مشاهده کامیابی رذیلت پیشگان و ناکامی عالمان و فضیلت پیشه‌گان^۱
- باورهای دینی با پاسخ قانع‌کننده برای هر سه این مشکلات قادرند تا بسیاری از معضلات روانی بشر امروز را حل نمایند. از این رو خداوند می‌فرماید: **الا بذكر الله تطمئن القلوب.**^۲
- کارل یونگ روانکاو شهیر سوئسی و همکار فروید می‌گوید: «در میان تمام بیماران میانسال من ... یک نفر هم نبود که مسأله‌اش، مسأله یافتن یک نگرش دینی به حیات نباشد. یقیناً دلیل بیماری همهٔ آن‌ها این بود که فاقد آن چیزی بودند که ادیان زنده در هر عصری برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند و هیچ‌یک از آن‌ها نتوانست بدون بازیافت نگرش دینی خود واقعاً بهبود یابد.^۳ بی‌شک از عوامل به وجود آمدن مشکلات روانی و عاطفی احساس در بند بودن، بردگی و اسارت است که دین حقیقی و توحید اسلامی، به معنای رهایی و آزادی و شکستن از قیود و زنجیرهاست و بشر امروزی را که گرفتار انواع اسارت‌های ظاهری و باطنی شده با همین آزادگی واقعی می‌توان نجات داد. لذا خداوند سبحان رستگاری واقعی را در تبعیت از دستورات پیامبر مکرم اسلام می‌شمارد.^۴
- عامل دیگر مشکلات روانی احساس تنهایی است که دین به این احساس به خوبی پاسخ می‌گوید: **ان الله يحول بين المرء و قلبه**^۵، نحن اقرب اليه من حبل الوريد^۶. با اعتقاد به خدا و دین داری واقعی می‌توان به احساس تنهایی که یکی از نیازهای مشترک انسان‌هاست، پاسخی مناسب بخشید.
- از دیگر عوامل ایجاد بحران روانی، ترس از مرگ است. دین از طرق مختلف این ترس را کاهش می‌دهد.
- اول:** تفسیر مرگ به انتقال از عالمی به عالم دیگر و ابطال اعتقاد به نابودی و نیستی.
- دوم:** اجرای عدالت در آخرت و جبران شدن ظلم‌های دنیوی با انتقال به آخرت.
- سوم:** اتصال به بی‌نهایت و رشد و کمال واقعی انسان در پرتو مرگ.
- چهارم:** با رعایت قوانین دینی و دستورات شرعی احساس گناه که عامل مهم ترس از مرگ است تقلیل می‌یابد.
- پنجم:** دنیای بی‌هدف و کور فرد را به پوچی می‌کشاند. در نگاه دینی، دنیا مقدمهٔ آخرت و مدرسه انسان‌سازی است. **الدنيا مزرعة الآخرة.**^۷

۱. ملکم همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۲۷۳ تا ص ۲۸۷.

۲. سوره رعد، آیه ۲۸.

۳. کارل یونگ، انسان جدید در جستجوی روح، ص ۲۸۴.

۴. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۵. سوره انفال، آیه ۲۴.

۶. سوره ق، آیه ۱۶.

۷. مناوی، کنوز الحقایق، باب دال.

لذا احساس بیهودگی در عالم با این دید از بین خواهد رفت. همانگونه که بیان شد از عوامل ایجاد اضطراب و نگرانی در انسان وجود رنج‌های بی‌فایده و هدف در زندگی است. دین با توجیه صحیح این رنج‌ها، بسیاری از این نگرانی‌ها را از بین می‌برد.

و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم^۱ و یا آنکه برای صبر در برابر مشکلات به انسان بشارت می‌دهد. و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابین^۲.

و در آخر اینکه به انسان می‌آموزد همراه با هر سختی، آسایشی وجود دارد. فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسراً^۳. از این رو زندگی فرد مؤمن معنا می‌یابد. استاد شهید مطهری (ره) درباره خودکشی صادق هدایت می‌نویسد: «صادق هدایت چرا خودکشی کرد؟ یکی از علل خودکشی او این بود که اشراف زاده بود. او پول تو جیبی بیش از حد کفایت داشت اما فکر صحیح و منظم نداشت. او از موهبت ایمان بی‌بهره بود. جهان را مانند خود بالهوس و گزافه کار و ابله می‌دانست. لذت‌هایی که او می‌شناخت و با آن‌ها آشنا بود، کثیف‌ترین لذت‌ها بود و از آن نوع لذت دیگر چیز جالبی باقی نمانده بود که هستی و زندگی ارزش انتشار آن‌ها را داشته باشد او دیگر نمی‌توانست از جهان لذت ببرد.^۴

این شهید بزرگوار برای ایمان کارکردهای مختلفی را برمی‌شمارد. از جمله آنکه دید انسان را به جهان خوشبینانه می‌سازد و زندگی را در درون جان ما بر ما وسعت می‌بخشد و مانع فشار عوامل روحی می‌شود. با ایمان انسان جهان را به نور حقیقت روشن می‌بیند و از پوچی رها شده می‌شود. فرد با ایمان جهان را حامی حق و حقیقت و عدالت می‌داند و دلیل اینکه مؤمن خود را طرف معامله می‌داند، اعتماد و اطمینان می‌یابد و آرامش خاطر پیدا می‌کند. ایمان مذهبی در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند و تلخی‌ها را شیرین می‌کند و چهره مرگ با ایمان در نزد انسان به کلی عوض می‌شود.^۵ در آخر اینکه فرد مؤمن لذت‌های معنوی را در قالب عبادت می‌چشد و با ارزش‌های اصیل انسانی «من» را تبدیل به ما می‌کند.^۶

جمع بندی

با این نگاه به دین، امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای این رویکرد متعالی در جامعه است؛ به واقع امر به معروف و نهی از منکر جامعه را از لغزش‌های عمومی و فردی به نفع اخلاق و حاکمیت شرع و حفظ و ارتقای جایگاه دین در بهبود وضعیت بحرانی حاکم در دنیاست.

امر به معروف و نهی از منکر روش پیامبران و شیوه صالحان و فریضه بزرگ الهی است که سایر فرایض به وسیله آن به پا داشته می‌شود و در پرتو آن راه‌ها امن، کسب‌ها حلال، حقوق افراد تأمین و زمین‌ها آباد می‌گردد، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها در مسیر صحیح قرار می‌گیرد.

هدف خلقت، رسیدن به کمال در سایه سار عبودیت و عروج از نردبان معرفت در راستای لقای خالق هستی است، اما این طی طریق بدان معنا نیست که خداوند سبحان رفع موانع و هموار ساختن راه بندگان به سوی او را وظیفه سالکان طریق

۱. سوره بقره آیه ۲۱۶.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۳. سوره انشراح، آیات ۵ و ۶.

۴. مرتضی مطهری، عدل الهی، انتشارات صدرا، ص ۱۸۸.

۵. مرتضی مطهری، انسان و ایمان، ص ۳۸ تا صفحه ۴۴.

۶. مرتضی مطهری، انسان در قرآن، ص ۷۰.

حق برنشمارد. حقیقت نیز همین است و این دو فریضه به دلیل نوع کارکرد و تاثیرات شگرفی که از خود بر جای می‌گذارند، از مقام ممتازی نسبت به دیگر فرایض بر خوردارند و از این رو از آن به عنوان «افضل الاسال» یاد می‌کنند. فریضه امر به معروف و نهی از منکر در واقع راهکاری برای تضمین اجرای قوانین و فرایض است لذا پیامبر اکرم که قوانین واحکام جدیدی برای بشر آورد، در کنار آن موظف به امر به معروف و نهی از منکر شد و در برابر کسانی که در پی تخلف از این قوانین یا تحریف آن بر می‌آمدند، با ابزار امر و نهی ظاهر شد. همین‌طور معصومان تمام همت خود را صرف اجرای این دو کرده‌اند.

هم چنین امنیت اجتماعی به میزان زیادی به پیروی از هنجارها و ارزش‌های موجود در جامعه و عدم انحراف از آن‌ها بستگی دارد. بررسی جوامع مختلف در طول تاریخ حاکی از آن است که زندگی اجتماعی انسان‌ها همواره دستخوش ناملایمات و حوادث است و در همه جوامع بدون استثنا انحراف در همه اشکال آن موجود است و ناامنی به طرق گوناگون اجتماع بشر را تهدید نموده است.

اما نکته ای که در اینجا مهم می‌باشد نوع جلوگیری و به کنترل در آوردن این انحرافات و رسیدن به امنیت نسبی است. هر چه کنترل تهدیدها و انحرافات در جوامع با نیروهای قوی‌تر و کارسازتر صورت بگیرد، میزان برقراری امنیت نیز گسترده‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر راه تحقق امنیت در جامعه و جلوگیری از بزهکاری و انحرافات اجتماعی، وجود یک سیستم کنترل اجتماعی مؤثر و کارآمد است. از سویی دیگر امر به معروف و نهی از منکر فرایند ایجاد شناخت و شکل‌دهی بایدها و نبایدهاست. ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به معروف‌ها (ارزش‌ها) و فواید عمل به آن‌ها و بدست آوردن بینش صحیح نسبت به منکرات یا همان عوامل تهدید ارزش‌ها و مضرات و آسیب‌های آن در ساختار اجتماع می‌باشد. این شناخت که صفت برانگیزاننده و محرک بودن را در خود دارد، باعث بیدار شدن میل یا ذوق فطری انسان‌ها در جذب نیکی‌ها و طرد بدی‌ها و احیا و حفاظت از هنجارهای مقبول و همنوایی اعضای جامعه در این امر می‌شود. به این ترتیب امر به معروف و نهی از منکر با شناختی که در افراد جامعه نسبت به نیکی‌ها و بدی‌ها ایجاد می‌کند به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه و تحقق امنیت اجتماعی که گمشده تمدن جدید است، یاری می‌رساند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. محمد حسین طباطبایی، المیزان،
۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه،
۴. محی الدین بن عربی؛ فصوص الحکم؛ مقدمه، ابو العلاء العقیلی؛ انتشارات الزهراء؛ تهران؛ پاییز ۱۳۷۵
۵. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۳
۶. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، نشر طرح نو، ۱۳۷۶
۷. دکتر شهین اعوانی، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۳، شماره ۳۶۴۰.
۸. سروش اندیشه، تابستان ۸۲، گفتگو در باب نسبت دین و فلسفه (غلامرضا اعوانی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، نجفقلی حبیبی و محمد رضا اسدی).
۹. فردریک کاپلستون، جلد ششم، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، انتشارات سروش، ۱۳۷۸
۱۰. استاد مطهری، علل گرایش به مادی‌گری، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸
۱۱. محمد تقی جعفری، فلسفه و هدف زندگی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰
۱۲. عبدالحسین خسرو پناه، تئوری‌های صدق، مجله ذهن، شماره اول، بهار ۱۳۷۹

۱۳. رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲
۱۴. مرتضی فتحی زاده، وضعیت کنونی نظریه هماهنگی، مجله ذهن، شماره ۹.
۱۵. برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، نشر چشمه، ۱۳۷۳
۱۶. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، مرتضی مطهری، بیست گفتار، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶
۱۷. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹
۱۸. مرتضی مطهری، اخلاق جنسی انتشارات صدرا، ۱۳۷۰
۱۹. مرتضی مطهری، انسان و ایمان، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
۲۰. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰
۲۱. الک، درویشکی، علم اخلاق، ترجمه فریدون شایان، نشر چشمه، ۱۳۸۶.
۲۲. مجله کلمه دانشجو، شماره ۱۶.
۲۳. جعفر سخاوت، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، نشر امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۲۴. اریک فروم، انسان برای خویشتن، ترجمه اکبر تبریزی، انتشارات سروش، ۱۳۶۸.
۲۵. دکتر محمد رضا شرفی، مجله رشد، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۴.
۲۶. روزه دوپاسکیه، سرگذشت اسلام سرنوشت انسان، ترجمه علی اکبر کسایی، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
۲۷. محمد تقی جعفری، بن بست امروز بشر، گردآوری، تنظیم و تلخیص محمد رضا جوادی. تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۸
۲۸. ملاجلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، نشر طلوع، ۱۳۷۰.
۲۹. برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، نشر چشمه، ۱۳۶۸
۳۰. منوچهر صانعی دربهیدی، فلسفه دکارت، انتشارات الهدی. نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۰
۳۱. نشریه پیام یونسکو، ش ۲۴۳.
۳۲. پروفیسور محمد حسین هدی، اندیشمند مقیم اتریش، مصاحبه با روزنامه کیهان ۲۵ و ۲۶/۱۱/۲۹.
۳۳. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۳۴. شیخ محمد عبده، المنار، تقریر رشید الرضا، بیروت، ۱۴۲۱
۳۵. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه نشر آثار امام، ۱۳۷۲
۳۶. کارل یونگ، انسان جدید در جستجوی روح، ترجمه فریدون فرامرزی و لیلیا فرامرزی. انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۸۱.
۳۷. ملکم همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، ج ۲، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۸۱
۳۸. مناوی، کنوز الحقایق، انتشارات بیروت، ۱۴۰۸
۳۹. مرتضی مطهری، عدل الهی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴
۴۰. مرتضی مطهری، انسان در قرآن، انتشارات صدرا، ۱۳۶۵
۴۱. علی رضا علی نوری - کلیات فقه اسلامی، www.andisheqom.com

امر به معروف و نهی از منکر و حریم خصوصی

رسول مظاهری^۱

حسین جوادی^۲

سعید شریفی^۳

چکیده

در یک تقسیم‌بندی کلی حقوق را به دو بخش عمده حقوق کلی و اساسی و حقوق اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کنند. شهروندی مقوله‌ای است که شامل کلیه حقوق از جمله حقوق فردی اجتماعی خصوصی و عمومی است. از جمله حقوق فردی هر یک از اعضاء جامعه مدنی حریم خصوصی است. حریم خصوصی شامل اموری است که فرد بتواند دسترسی به آن را در کنترل داشته باشد. مصادیق حریم خصوصی افراد شامل چهار حوزه حریم اطلاعاتی، حریم ارتباطی، حریم مکانی و حریم جسمانی است. حریم اطلاعاتی در برگیرنده اطلاعات حوزه‌هایی چون پزشکی، مالی و ... است. حریم ارتباطی به حفظ حریم تمامی وجوه ارتباطی انسان از قبیل پست الکترونیک، تلفن و ارسالات اشاره دارد. حریم مکانی در برگیرنده محل اسکان و حریم جسمانی نیز در برگیرنده مسائل سلامتی و بهداشتی فرد است. در عصر کنونی و با توجه به فرایند جامعه الکترونیکی و اطلاعاتی و فضای سایبری توجه به حریم خصوصی اهمیت دو چندان یافته است. عدم آشنایی با فرهنگ حاکم بر شبکه، فقدان روحیه خود نظارتی، توجه به ارزش‌های محوری چون رعایت حقوق دیگران، رقابت‌های ناسالم در سطح جوامع و ... از جمله دلایلی است که برای افراد خاطی مجوز ورود به حریم خصوصی دیگران را صادر می‌کند. از دیگر سو عدم آشنایی افراد با چگونگی محافظت از اطلاعات خود، اعتماد بیش از حد به شبکه و ناتوانی در طبقه‌بندی اطلاعات و ... عاملی است که راه را برای راهیابی به حریم خصوصی افراد هموار می‌سازد. روش‌هایی چون فرهنگ سازی در سطح کلان جامعه، مهندسی فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های نوین بر تأکید بر روش‌ها، مبانی و اصول انسان ساز اسلامی چون امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وسیله‌ای که قبح تجاوز به حریم خصوصی دیگران را روشن ساخته و تلاش می‌نماید با مدد گرفتن از شیوه‌های تربیتی اسلام به مبارزه با چنین مفاسدی بپردازد در این زمینه راه گشا خواهد بود. مقاله حاضر ضمن پرداختن به مبانی حریم خصوصی به ارائه راهکارهایی در این زمینه با محوریت امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حقوق، حریم خصوصی، امر به معروف، نهی از منکر

۱. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان

۳. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات اصفهان

وجوب نظارت همگانی در زندگی شهری

زهرا گروای‌ها^۱

سمیرا سادات کرمانی^۲

چکیده

اتخاذ ضوابط و مقررات مخصوصاً در حیطه مدیریت شهری باید در جهت رسیدن افراد به حقوق شهری و اجتماعی و فردی خود باشد. این نکته حائز اهمیت می‌باشد که افراد پذیرای تصمیمات اتخاذ شده در مورد سرنوشت خود و جامعه‌شان باشند چرا که تنها در این صورت است که شهروندان سعی در فرار از قوانین نخواهند کرد و دیدیگر را نیز در جهت اجرای ضوابط یاری خواهند داد که آن را می‌توان نظارت همگانی دانست البته باید به این مسئله نیز توجه داشت که چنانچه ضوابط نابخردانه تعیین گردند بدون شک اجرایشان در جامعه همواره با ناکامی مواجه خواهد بود و این نشان می‌دهد در تصمیم‌گیری‌ها نیز نیازمند حضور نظارتی که از به خطا رفتن مدیریت جلوگیری نماید می‌باشیم.

بنابراین نظارت همگانی هم در سطوح شهروندی و هم در مدیریت شهری الزامی است. وجود نظارت همگانی بر گفتار و رفتار افراد و به عبارتی همان امر به معروف و نهی از منکر منجر به سلامت اجتماع و بازدارنده فساد دستگاه‌های شهری و مدیریتی می‌گردد و می‌تواند به عنوان عنصری فرهنگی در قالب ایجاد حس تعلق شهروندان نسبت به فضای زندگی خود و احساس نوع دوستی نسبت به هم‌شهری‌های خود و بسان عاملی در جهت ارتقای شهر و ساکنینش عمل نماید. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت تعریف امر به معروف و نهی از منکر، وجوب و ثمرات به کارگیری آن در جامعه و پیامدهای ناشی از بی‌توجهی به این فریضه بر زندگی شهری و شهروندان و عملکرد مدیریت شهری می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری-نظارت همگانی-زندگی شهری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، شعبه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد زنجان، z_gerveyi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، samyra.kermani@yahoo.com

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر گروه‌های مرجع بر میزان پذیرش امر به معروف و نهی از منکر (بررسی موردی حفظ حجاب)

رضا اسماعیلی^۱

نسرین قلانی^۲

مریم آذر^۳

چکیده

از دیدگاه رابرت مرتن، گروه مرجع به گروه‌ها و مقولاتی اجتماعی اطلاق می‌شود که افراد را در توسعه و رشد ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارها و تصورات شخصی‌شان راهنمایی می‌کند. موضوع مقاله حاضر گروه‌های مرجع است. این مقاله در صدد بررسی وضعیت گروه‌های مرجع و تأثیر آن بر زنان در میزان حفظ حجاب و پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است. از آنجا که حجاب نوعی حیاء در نهاد انسان محسوب می‌شود و به صورت بازدارنده و هدایت‌کننده ایفای نقش می‌کند؛ گروه‌های مرجع با دسته‌بندی مثبت و منفی، هنجارهای پذیرفته شده و یا هنجارهای طرد شده را به آن تزریق می‌کند. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد شناسایی و بررسی تأثیر گروه‌های همچون؛ خانواده، همسالان، رسانه‌ها و هویت اجتماعی بر روی مسئله‌ی حجاب است. که از دیرباز هر مورد توجه همه ملت‌ها مخصوصاً کشورهای مسلمان بوده است. در این مقاله پس از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی، چهارچوب مفهومی مناسبی تنظیم و در قالب آن فرضیات اصلی مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند. نمونه آماری تحقیق حاضر زنان ۱۸ تا ۶۴ سال شهرستان نجف آباد انتخاب شده است. تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد و برای بررسی فرضیات از آزمون‌های همبستگی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند که از میان متغیرهای تأثیرگذار بر حفظ حجاب، رسانه‌ها، که به نوعی ذهنیات افراد را تأیید می‌کنند و در ساخت واقعیت‌های ذهنی دخالت دارند، بیشترین سهم و به ترتیب هویت اجتماعی، همسالان و خانواده در پذیرش امر به معروف و حفظ حجاب از تأثیر گذاری‌های موثری برخوردار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: حجاب، گروه‌های مرجع، ارزش‌ها، رسانه‌های جمعی، هویت اجتماعی

۱- مقدمه و طرح مساله

در جریان امر به معروف و نهی از منکر، بویژه حفظ حجاب، عواملی چند نقش آفرینند که از جمله آن‌ها افراد و گروه‌هایی هستند که مبنا و معیار قضاوت و ارزیابی کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرند. به این دسته گروه‌های مرجع گفته می‌شود. این گروه‌ها می‌توانند هنجارها، باورهای را که در جامعه اصلی ملاک هستند، جامعه پذیر کنند، حتی اگر برای برخی از افراد که از ارزش‌های اصلی سرپیچی می‌کنند. به طوری که استانداردها و معیارهایی را در اختیار کنشگران قرار می‌هند و بالعکس. بنابراین گروه‌های مرجع نقشی انکارناپذیر و به سزایی در تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌های اجتماعی افراد در رد یا پذیرش امر به معروف و نهی از منکر دارد. به عبارتی، حجاب که نوعی نیاز به پوشش و پرهیز از برهنگی جزو گرایش‌های فطری انسان است در تأثیر گروه‌های مرجع می‌تواند از طرف کنشگران به عنوان نماد اسلامی حفظ شود و یا رعایت نکردن آن برای برخی جوامع بستری باشد برای بوجود آمدن برخی آسیب‌های اجتماعی. دختران و زنان که

۱. دکتری جامعه‌شناسی، معاونت فرهنگی و امور برنامه ریزی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد خوراسگان.

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور کوپایه. ghalani_n@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی.

بخشی از جامعه هستند و از حیث مؤثر بودن در سلامت اخلاقی جامعه، موقعیت و جایگاهی ویژه در جامعه پیدا می‌کنند، به خصوص نسل جوان که در هر جامعه‌ای به عنوان آینده‌ساز تلقی می‌شوند. بنابراین، در جامعه‌ای که دغدغه ساختن آینده‌ای بهتر در آن جاری است پرورش جوانان و بسترسازی برای رشد و هدایت آنان از اولویت‌های اجتماعی است که بررسی این امر، میزان حفظ حجاب، در بین زنان و دختران امری ضروری به نظر می‌رسد.

در فرایندی تحت عنوان جامعه‌پذیری است که ارزش‌ها برای مادران فردا و امروز به اصطلاح اجتماعی می‌شود و طی همین فرایند است که هویت اجتماعی آن‌ها تثبت می‌شود. ایران اسلامی با داشتن ارزش‌های غنی و هویت اسلامی نیاز به ارشاد کنشگران اجتماعی خود، تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر دارد، تا از جنگ نرم دشمن جلوگیری کند. بنابراین، تنها ابزار دشمن حجاب زنان و دختران است. آنچه مسلم است این است که مراجع مثبت و منفی در همه گروه‌ها پراکنده هستند. از جمله مهم‌ترین این مراجع همسالان و دوستان، والدین و رسانه‌های تصویری و شنیداری هستند. این مراجع یا گروه‌های مرجع از یک سو مبنای مقایسه و ارزیابی رفتار جوانان و الگوی ذهنی آن‌ها قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، با القای ارزش‌ها و هنجارهایی بر فرایند جامعه‌پذیری آنان تأثیر مستقیم دارد. (شریفی، ۱۳۸۴: ۹۸) و از آنجا که انسان‌ها در شکل‌دهی به نگرش‌های خود بیش از آنکه به خود متکی باشند، به گروه‌هایی که با آنان در ارتباطند، تکیه دارند. (هیمن و سینگر، ۱۹۹۶: ۴) در بحث رعایت حجاب این مراجع از تأثیر بسزایی برخوردار هستند از سوی دیگر در فرایند شکل‌گیری نگرش، تصمیم‌گیری و کنش افراد در جامعه و عواملی چند نقش دارند. بنابراین، اهمیت بررسی گروه‌های مرجع در میزان حفظ حجاب ضروری به نظر می‌رسد.

در تحلیل و بررسی، تأثیر گروه‌های مرجع بر امر به معروف و نهی از منکر (بررسی موردی حفظ حجاب)، سوالی که این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به آن است، این است که، کدام گروه مرجع می‌تواند در پذیرش امر به معروف و نهی از منکر از طرف کنشگران مؤثر باشد؟ و چه میزان بر حفظ حجاب در بین زنان تأثیر می‌گذارد؟

۲- تعریف و مفاهیم مربوط به حجاب و امر به معروف و نهی از منکر

حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنای پوشش است به جای واژه حجاب به کار رفته است. (جاوید و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱) آن چیزی که الان در گرایش اجتماعی ما و در فرهنگ ایرانیان از آن به حجاب تعبیر می‌شود، در واقع در فقه اسلام از آن تعبیر به حجاب نمی‌شود بلکه در فرهنگ قرآنی و فقه اسلام از آن به لباس و پوشش تعبیر می‌شود. پوشش و حجاب اخلاقی، به معنای عدم برهنگی در عرصه عمومی است. یعنی مبارزه با جنسیت‌زدگی جامعه و جهت حفظ امنیت اخلاقی اجتماع و در جهت تکامل معنوی فرد به خصوص کرامت زن. (پورازغدی، ۱۳۸۹: ۱۰)

فلسفه پوشش اسلامی چند چیز است. بعضی از آن‌ها جنبه روانی دارد، بعضی جنبه خانوادگی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی و بعضی از یک نوع تدبیر غریزی زن برای بالا بردن مقام خود ناشی می‌شود. حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تر ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی چه بصری و چه لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. (مطهری، ۱۳۴۷: ۵۶) از نظر اسلام محدودیت بی‌حجابی به محیط خانوادگی و همسران مشروع از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد و از جنبه اجتماعی موجب حفظ نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد و ضمناً سبب می‌گردد که ارزش زن در

برابر مرد بالا رود. (مطهری، ۱۳۴۷: ۵۸) به طور کلی فلسفه حجاب را می‌توان در سه حوزه فردی، خانواده و اجتماع مورد بحث قرار داد.

فردی حیا و عفت خانوادگی، تربیت فرزند، پیوند خانواده اجتماع استحکام و بنیان جامعه در بیان امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر آن بر حجاب می‌توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر تکلیفی واجب و نوعی عبادت است و عدم انجام آن جزوه گناهان بزرگ به شمار می‌رود. در فرمایش امام رضا (ع) «هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده یکدیگر بگذارند پس باید برای عذاب الهی آماده باشند.» انجام امر به معروف و نهی از منکر موجب بزرگ و عزیز شدن فرد مسلمان و بی‌اهتمامی نسبت به آن موجب خواری می‌شود و حتی موجب تسلط بیگانه و دشمن در جامعه می‌شود و از آنجا که مسئولیت جسمانی و مواظبت از جسم و پیکره مادی مهم است، بنابراین حفظ حجاب و پوشش برای بانوان امری ضروری می‌باشد که با امر به حفظ حجاب و کنترل نقش گروه‌های مرجع می‌توان نقش شهروند مسئول را در دعوت دیگران به تحقق مسولیت و وظیفه شناسی جهت سلامت اجتماعی افزایش داد.

۳- گروه مرجع

گروه‌های مرجع به جهت ارزش‌ها و هنجارهایی که به جامعه ارائه می‌کنند در واقع الگوی رفتار برای افراد مختلف جامعه تلقی می‌شوند، بنابراین گروه مرجع گروهی اجتماعی است که «فرد احساس می‌کند با آن شناخته شده و آرزو می‌کند که هویتش با آن مرتبط باشد. هر کس از گروه مرجع خود هنجارها، نگرش‌ها و ارزش‌های خود و نیز هدف‌های اجتماعی را که از این ارزش‌ها پدید می‌آیند، به دست می‌آورد. همچنین شخص مقوله‌های اجتماعی مهم را و چه آن‌هایی را که می‌خواهد انجام دهد و چه آن‌هایی را که به طریقی در مقابلشان قرار می‌گیرد، نیز از گروه مرجع فرا می‌گیرد.» (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۲۲)

گروه مرجع یکی از انواع گروه‌های اجتماعی است که فرد در سنجش ارزش خود با دیگران آن را مورد مقایسه و یا به عبارت دیگر در قضاوت و در اعمال خود از ان الهام می‌گیرد و آن را مبنای داوری خود قرار می‌دهد. موقعیت یا منزلت اجتماعی فرد از طریق موقعیت نسبی با افراد دیگر تعریف و توصیف می‌شود. به عبارتی تصور فرد از مقام و منزلت خود بستگی به گروه خاصی از افراد دارد که وی خود را با آن مقایسه می‌کند و افراد معمولاً ارزش‌هایی را می‌پذیرند که از گروه‌های مرجع آموخته باشند. (مرتین، ۱۹۵۷: ۲۴۰). از دیدگاه بروس کوئن^۱ «افرادی که سعی دارند به ارزیابی شیوه‌های ایفای نقش بپردازند گروه‌های مرجع را الگوی کار خود می‌گیرند. (کوپر، ۱۹۸۵: ۶۹۱)

۴- ارزش و نگرش به امر به معروف و نهی از منکر

در حقیقت گروه مرجع «گروهی است که فرد با زیرگر، عضو آن است و یا آرزومند عضویت در آن است.» (کریمی، ۱۳۷۶: ۶۳) بدین ترتیب فرد با رفتار کردن مطابق نظرات چنین گروهی به تعدیل تصویر خود پرداخته و ترجیحات ارزشی خود را نیز تعدیل می‌کند. بنابراین، آنچه در مسأله امر به معروف و نهی از منکر شاخص در نظر گرفته می‌شود حفظ ارزش‌های جامعه است. ارزش‌ها در هر جامعه‌ای همواره به صورت نظامی، سازماندهی می‌شوند که در آن بر اساس میزان اهمیتی که مردم هر یک از جوامع برای ارزش‌های متفاوت قائل‌اند نوعی حالت سلسله مراتب میان ارزش‌های گوناگون ایجاد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت، ارزش‌ها اصول گسترده‌ای هستند که مردم درستی آن‌ها را به عنوان واقعیت قبول دارند. (فراونت، ۱۹۹۲: ۱۰۶) یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین تغییرات در سلسله مراتب آن‌ها است. این تغییرات به گونه‌ای

1. brass kohn

عمل می‌نماید که ارزش‌های متحول‌گرایش به آن دارند که به ارزش‌های مسلط تبدیل شوند. همچنان که اینگلهارت درباره دگرگونی ارزش‌ها در جوامع پیشرفته صنعتی می‌نویسد: «فراگرد دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل‌ها به تدریج به سیاست و هنجارهای فرهنگی جوامع پیشرفته صنعتی انتقال می‌یابد. بنابراین، ارزش‌ها در واقع مفاهیمی‌اند که زندگی آدمی از آن‌ها معنی می‌گیرد و آن‌ها راهنمای مؤثری برای هدایت انسان‌ها هستند. (هاگنبرگ، ۲۰۰۲: ۱۲۴) در حقیقت پشت همه انواع رفتارها و گرایش‌های جمعی، همه سازمان‌ها الگوها، نشانه‌های اجتماعی، نقش‌ها و رمزها، دنیایی از تصورات و ارزش‌های جمعی قرار دارد. به عبارتی، این امر نگرش افراد را در جامع تغییر می‌دهد، نگرش یک حالت روانی یا عصبی آمادگی است که از طریق تجربه سازمان داده شده و تأثیری هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد به همه اشیاء و موقعیت‌هایی که با آن‌ها مربوط است دارد (گوردن آلپورت، ۱۹۳۵: ۱۷) کراچفیلد^۱ (۱۹۶۲) اظهار می‌دارد که نگرش نظام بادوامی از ارزشیابی‌های مثبت یا منفی، احساسات عاطفی و تمایل به عمل مخالف یا موافق نسبت به یک موضوع اجتماعی است. (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۷) در بیان کلی تر می‌توان گفت ارزش‌ها هدف‌هایی گسترده و انتزاعی‌ترند و غالباً فاقد شیء یا موضوع مشخص یا نقطه ارجاع‌اند. شجاعت، زیبایی و آزادی ارزش‌اند. آن‌ها به عنوان معیاری برای قضاوت و استانداردهای انتزاعی عمل می‌کنند که شخص از آن‌ها برای تصمیم‌گیری بهره می‌برد و از آن طریق، نگرش‌ها و باورهای خاصی را در خود ایجاد می‌کند. (چاپمن، ۲۰۰۰: ۳۵) از سوی دیگر ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌توانند هویت اجتماعی فرد را شکل دهند. به عبارتی، هویت اجتماعی همان خویش‌خویش است که از طریق سازماندهی نگرش‌های سازمان یافته‌ی اجتماعی یا گروهی شکل می‌گیرد. (گراهام، ۱۹۹۸: ۲)

۵- نقش گروه‌های مرجع مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر (حفظ حجاب)

به طور کلی می‌توان جامعه را در تمامیت خویش عامل اجتماعی کردن دانست. میان جامعه در مفهوم گسترده و فرد، بسیاری از گروه‌های کوچک نقش واسطه را بازی می‌کنند و در حقیقت این گروه‌ها عوامل اصلی اجتماعی کردن محسوب می‌شوند. در این پژوهش خانواده، دوستان، رسانه، هویت و اعتقادات مذهبی به عنوان گروه‌های مرجع مؤثر در نظر گرفته شده‌اند.

هویت^۲ به معنای سازگاری است که بر اساس آن یک فرد یا یک گروه خود را شناخته و انتظار دارد دیگران نیز او را باز شناسند. به عبارت دیگر هویت تصویری ذهنی است که به صورت‌های مختلف تبلور مادی یافته و یک فرد خود را به یک گروه متعلق می‌داند. این تصویر و احساس از درون، لزوماً با تصویر و احساس از بیرون یکی نیست. به عبارت دیگر هویت از جانب صاحب آن، لزوماً به همان گونه از بیرون احساس نمی‌شود. از دید تاجفل (۱۹۵۴) هویت آن چیزی است که اعضای گروه در اعتقادات و احساسات شریک‌اند و برای گروه ارزش عاطفی قائل باشند. (میلز، ۱۹۵۹: ۳۲) بنابراین ارزش گروهی تمایل گروه را به هدایت و امر به معروف بیشتر می‌کند. خانواده عبارتست از یک گروه نسبتاً بادوام که به وسیله اجداد، ازدواج یا توافق به هم پیوستگی پیدا کرده و با هم زندگی می‌کنند، واحدهای اقتصادی تشکیل می‌دهند و از فرزندان خردسال خود مراقبت و نگهداری می‌کنند. (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۳۱۳) بنابراین، این گروه عبارت است از دو نفر یا بیشتر که با هم تعامل دارند، به نحوی که هر یک می‌توانند در دیگری یا دیگران تأثیر گذاشته و از آنان متأثر شوند. (شاو^۳، ۱۹۸۱) یک تعریف جامع‌تر از این اصطلاح شامل ویژگی‌های زیر است: تعامل بین افراد، داشتن درک و تصویر از

1. krachfeld
2. identity
3. shaw

دیگر اعضا، ایجاد پیوندهای عاطفی و وابستگی متقابل یا نقش‌های متقابل (دولاماتر^۱، ۱۹۷۴) به عقیده "فلوید آلپورت"^۲ (۱۹۵۴) پای شما نمی‌تواند به یک گروه گیر کند. وی عقیده داشت که گروه‌ها چیزی بیش از مجموعه مشترکی از ارزش‌ها، عقاید، اندیشه‌ها و عادت‌ها که همزمان در ذهن چند نفر حضور دارند، نیستند. صاحب‌نظران دیگر به نوبه خود و به شکلی موجه اظهار داشته‌اند که گروه‌ها جوهرهایی مستقل‌اند که باید به آن‌ها به صورت اشیاء یا پدیده‌های مستقل و یگانه در محیط نگریست. (دورکیم^۳، ۱۹۹۸-وارینر^۴، ۱۹۵۶) «(کریمی، ۱۳۶۸: ۶۰-۵۹) از آنجا که زیر بنای شخصیت فرد در خانواده گذارده می‌شود، رفتار والدین در این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است، پیروی والدین از ظواهر الگوهای غربی زمینه را برای گرایش نوجوانان به الگوهای غربی فراهم می‌سازد و خود بهترین مشوق و مرجع برای الگوگیری از الگوهای غربی هستند در مقابل پابندی آن‌ها فرد را به عنوان عنصری جهت هدایت کنشگران در جامعه تبدیل می‌کند.

رسانه‌های جمعی می‌تواند یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع محسوب شود. این رسانه‌ها می‌توانند در دراز مدت یا کوتاه مدت تأثیر زیادی بر نگرش و رفتار مخاطبان خود داشته باشند و به راحتی می‌توانند فرهنگ و شکل یک جامعه را تغییر دهند. هرچه تکنولوژی رسانه بیشتر پیشرفت کرده، کابوس وحشت ناک تری، چون ضد ارزش‌ها، از پیامدهای منفی وسایل ارتباطی برای ما ترسیم کرده‌اند. (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۷۰) از سوی دیگر این امر سرعت اشاعه فرهنگی را افزایش داده و یکپارچگی فرهنگی جوامع را با مشکل مواجه می‌سازد. "لال"^۵ (۱۹۹۸) معتقد است رسانه‌های همگانی ابزاری هستند که نخبگان حاکم برای تداوم بخشی به قدرت ثروت و موقعیت خود از طریق مردم پند کردن فلسفه و فرهنگ و اخلاق خود) به کار می‌گیرند. رسانه‌های همگانی به شیوه ای بی‌همتا عنصری را در خود آگاهی افراد وارد می‌کنند که بدون رسانه‌ها هرگز در ذهن آنان پدید نمی‌آمد. (لال، ۱۳۷۶: ۹۰) از سوی دیگر جوراف تی. کلاپر اظهار می‌دارد که وسایل جمعی تنها یکی از عوامل بی‌شمار موجود در مطالعات مربوط به اثر محیط بر روی رفتار بشر در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین، نمی‌توان نقش آن را در پذیرش یا رد امر به معروف توسط کنشگران جامعه انکار کرد. (دادگران، ۱۳۷۴: ۳۲) از نظر جنکینز (۱۹۹۹) نیز شکل‌گیری هویت از طریق رابطه متقابل فرد و جامعه میسر خواهد بود و این تعامل به واسطه استفاده از نمادها، از جمله رسانه‌ها، ایجاد می‌شود.

۶- مبانی نظری

توجه به امر به معروف و نهی از منکر و احساس نیاز به آن یکی از مواردی است که بارها از جوانب مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. تحقیق حاضر به دنبال تأثیر این امر بر میزان حفظ حجاب و نقش گروه‌های مرجع در برقراری این امر است. از این او چهارچوب تئوریک این پژوهش مبتنی بر تلفیقی از آرای چند تن از صاحب‌نظران معاصر چون هابرماس، گیدنز، کوزر و هومنز می‌باشد. در دیدگاه هابرماس (۱۹۷۱) تأکید بر تأثیر رسانه‌ها بر تفکر عمومی است. وی معتقد است در دنیای مدرنیته پارادایم‌های جدید فرهنگی برای کنشگران فضای ارتباطی جدیدی را به وجود می‌آورند و بنسبه به عنوان گروه‌های مؤثر، دیدگاه هشان را تغییر می‌دهند. (یانگ، هی ولی، ۲۰۰۷: ۳۷) براین اساس در دیدگاه پارادایم‌های فرهنگی رسانه‌ها می‌تواند عقلانیت شدید را تخفیف دهد و شرایط حفظ ارزش‌ها را با پذیرش امر به معروف و نهی از منکر ایجاد کند. نظریه ساخت یابی با کارهای آنتونی گیدنز (۱۹۸۴) در جهان مطرح شده است. سؤال اساسی گیدنز بیان چگونگی جامعه سازی در قالب ساخت جامعه است. منظور از ساخت یابی، شرایط سازمان دادن مستمر یا تغییر شکل

1. delamater
2. floyd allport
3. durkheim
4. warriner

ساخت‌هاست که به باز تولید سیستم‌های اجتماعی می‌انجامد. (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۲۸۴) مهم‌ترین امر در ساخت یابی گیدنز توانایی باز اندیشی کنشگر است به طوریکه عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات تازه اصلاح و بررسی می‌شوند، در نتیجه خصلتشان را به گونه‌ای سازنده تغییر می‌دهند. (ریترز، ۱۳۸۴: ۶۰۲) که این باز اندیشی در ساخت بندی جامعه می‌تواند توسط گروه‌های مرجع انجام شود. به عبارتی، به کنشگر اصلاح رفتار یا تغییر آن را از طریق پذیرش امر به معروف و نهی از منکر می‌دهد. در مقابل هومنز نیز با دیدگاه مبادله، معتقد است که مسئله اساسی مطرح در جامعه شناسی بیان رابطه فرد و گروه و جامعه است. تأکید هومنز بیشتر بر چگونگی تبدیل رفتار فردی به کنش جمعی است و آن را مسئله اساسی جامعه شناس می‌داند. وی تبدیل رفتار فردی به رفتار جمعی را فرآیند اجتماعی و فهم آن را اندیشه جامعه شناختی قلمداد کرده است. (کوزر، ۱۳۷۸: ۲۰۵) بر این اساس چگونگی تبدیل رفتار فردی به کنش جمعی که در یک زمان و مکان خاص بروز می‌کند، به عنوان یک مسئله اساسی مطرح می‌شود. با توجه به مطالب مطرحه در این نظریه مسئله فرد و جامعه مورد توجه است. ولی به این صورت که عملکردهای باز تولید شده کنشگران در بستر زمان و مکان در دو سطح خرد به صورت (خاطره‌ها) و در سطح کلان در نظام‌های اجتماعی‌اند. بنابراین، نوع برخورد در ارائه امر به معروف و نهی از منکر در حفظ حجاب می‌تواند کنش جمعی را به سوی پذیرش مثبت یا منفی جهت دهی کند.

پارسونز (۱۹۵۱) در طرح نظریه تعادلی که اساسش بیش از کارکردی ساختی است، چندین پیش فرض را مورد توجه قرار داده است

اهمیت نقش و کارکرد پدیده‌ها، ارتباط نقش‌ها با نهادها، اهمیت فرهنگ عمومی و نهادی شدن سطوح متفاوت واقعیت از این رو پارسونز از طریق طرح نظریه تعادل بیشتر نوعی اجتماعی شدن را با تأکید بر همکاری نقش‌ها، نهادها، ارزش‌ها، نرم‌ها و کارکردها مورد نظر داشته است. (ماینیس و ملترز، ۱۹۶۲: ۱۶۹) این نظریه پارسونز همانند دیدگاه لوئیس روزنبرگ و شیبوتانی (۱۹۵۵) نه تنها بدنبال بررسی عملکرد مناسب سیستم‌ها در جامعه و بدست آوردن کارکردهای مثبت است؛ موضوع گروه‌های مرجع را نیز تحلیل می‌کند به این معنا که آن چه یک فرد انجام می‌دهد به تعریف او از موقعیتش بستگی دارد. (سروستانی و هاشمی، ۱۳۷۲: ۶۷) که این عملکرد ناشی از عملکرد سازمان‌ها و ارتباط اجتماعی فرد و سازمان است. بنابراین، اگر جامعه به نوعی بتواند گروه‌های مرجعی چون رسانه‌ها را زیر نظر داشته باشد و جریان ارتباطی خوبی با کنشگران برقرار کند گروه‌های مرجع دیگر، چون خانواده، دوستان، هويت و اعتقادات مذهبی از طریق تأثیرش، برای فرد دارای ارزش می‌شوند و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بویژه حفظ حجاب جامعه پذیر می‌شود و اگر این جامعه پذیری به خوبی انجام نشود افراد برای نهادی شدن ارزش‌ها و ... به عوامل دیگری که در جامعه این نقش را ایفا می‌کنند روی می‌آورد و ممکن است فرد به گروه‌های غریبه رجوع کند و این گروه‌ها را گروه مرجع خود بپذیرد. طبق اصل تعمیم ارزش‌ها که یکی از اصول عمده نظریه تعادل است، این گروه غریبه ارزش‌های خود یا ضد ارزش‌های جامعه را به فرد تعمیم می‌دهد. در جریان اجتماعی شدن، ارزش‌های اساسی، در افراد نهادی می‌شود. در یک جامعه، اجتماعی شدن از طریق نهادهایی چون: خانواده، گروه همسالان، رسانه‌های جمعی و .. صورت می‌گیرد. هر فرد در جامعه فردیت خود را در این جریان کسب می‌کند. در جامعه برای طی شدن این جریان یک نوع سازگاری بین عناصر جامعه وجود دارد. حال اگر این عناصر در مسیر این جریان متحول شوند، مسلماً ارزش‌های کسب شده توسط افراد متحول می‌شوند و دچار تغییر در ارزش‌هایشان می‌شوند. تقابل در اندیشه‌های بسیاری از اندیشمندان بررسی شده است که آلبرت (۱۹۷۶) و کوزر (۱۹۸۷) در نظریه تقابل خود بیشتر دیدگاهی کارکردگرایانه دارد. نظریه کوزر بر این امر استوار است که «آنچه ساخت اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد، تقابل نیست، بلکه سختی و عدم انعطاف سیستم اجتماعی است که دشمنی را

ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر دشمنی به لحاظ عدم انعطاف در سیستم اجتماعی حاصل می‌شود و تقابل که مفهومی متفاوت از دشمنی است عامل ناسازگاری در سیستم اجتماعی است.» بنابراین امر اگر گروه‌های مرجع در جریان امر به معروف و نهی از منکر به درستی شناسایی و جهت دهی نشوند می‌تواند در سیستم اجتماعی نسبت به این امر برای کنش‌گران عکس‌العمل‌های خصمانه ایجاد کند.

بر اساس تلفیقی از دیدگاه‌های نظری می‌توان گفت، در صورت وجود درجه‌بندی شدن ارزش‌های جامعه (ساخت یابی گیدنز) و رشد تفکر عمومی از طریق رسانه‌ها (کنش ارتباطی هابرماس) می‌توان بین کنش‌گران برای ارائه دیدگاه‌هایشان در مورد امر به مسائل اساسی و نهی از ضد ارزش‌ها (مبادله هومنز) نه تنها تعادل در سیستم‌های اجتماعی ایجاد کرد، بلکه ارزش‌ها جنبه‌ی کاردی خود را حفظ کنند (ساختی-کارکردی پارسنز) و امر به حفظ حجاب برای کنش‌گران درونی شود.

۷- روش‌شناسی

در این پژوهش با توجه به اهداف آن از روش پیمایشی استفاده شده است و جمع‌آوری اطلاعات با کمک پرسشنامه و مصاحبه حضوری انجام گردیده است. سنجش متغیرها نیز از طریق گویه‌های استاندارد شده مورد استفاده محققان و صاحب نظران علوم اجتماعی صورت گرفته شده است. جامعه مورد مطالعه زنان ۱۸ تا ۶۴ سال شهرستان نجف آباد است که نمونه ۳۸۴ نفر به صورت نمونه گیری تصادفی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

فرضیات تحقیق

فرضیات این مطالعه با توجه به مبانی نظری و دیدگاه‌های صاحب نظران مختلف درباره موضوع گروه‌های مرجع طراحی و تنظیم گردیده است که عبارت‌اند از:

- به نظر می‌رسد بین خانواده و حفظ حجاب رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین دوستان و حفظ حجاب رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین هويت و حفظ حجاب رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین رسانه‌ها و حفظ حجاب رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین اعتقادات مذهبی و حفظ حجاب رابطه وجود دارد.

بار عاملی و متغییر مورد سنجش

برای استانداردسازی مقیاس ساخته شده برای اندازه‌گیری تأثیر گروه‌های مرجع بر حفظ حجاب، گویه‌ها در قالب پرسشنامه تنظیم و در جامعه آماری به شکل تصادفی بین ۳۰ نفر از زنان منطقه مورد نمونه توزیع شد. با جمع‌آوری داده‌ها بعضی از سؤالات پرسش‌نامه مقدماتی حذف و اصلاح گردید که پس از اصلاحات لازم روایی نهایی و شاخص‌های تحقیق در جدول زیر ارائه گردیده است.

متغیر	ابعاد	مفاهیم	هماهنگ با دیدگاه‌های	بار عاملی
میزان حفظ حجاب	عینی ذهنی		پورازغدی	٪۸۶
گروه‌های مرجع	ذهنی	اعتقادات مذهبی	پانتام، بوردیو	٪۸۴
		هویت	گراهام، تاجفل	٪۸۷
	اجتماعی	رسانه	مک لوهان، لاسول	٪۸۹
	فردی	خانواده و دوستان	مرتون، فستینگر	٪۷۸

تحلیل یافته‌ها و داده‌ها

به نظر می‌رسد بین میزان حفظ حجاب و خانواده زنان ۱۸-۶۴ ساله رابطه وجود دارد.

جدول ۱- همبستگی بین میزان حفظ حجاب و خانواده زنان ۱۸-۶۴ ساله

خانواده		
-۰/۳۴۳**	r	میزان حفظ حجاب
۰/۰۰۰	p	

جدول شماره ۱ نتایج بدست آمده از این پژوهش را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌کنید بین میزان حفظ حجاب و خانواده زنان ۱۸-۶۴ ساله رابطه همبستگی منفی ($r = -0/343$ و $p = 0/128$) معنادار می‌باشد و این فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین میزان حفظ حجاب و گروه همسالان زنان ۱۸-۶۴ ساله رابطه وجود دارد.

جدول ۲- همبستگی بین میزان حفظ حجاب و گروه همسالان زنان ۱۸-۶۴ ساله

گروه همسالان		
۰/۰۹۴	r	میزان حفظ حجاب
۰/۰۶۷	p	

جدول شماره ۲ نتایج بدست آمده از این پژوهش را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌کنید بین میزان حفظ حجاب و گروه همسالان زنان ۱۸-۶۴ ساله رابطه همبستگی مثبت ($r = 0/094$ و $p = 0/067$) معنادار نمی‌باشد و این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین میزان حفظ حجاب و رسانه‌های جمعی زنان ۱۸-۶۴ ساله رابطه وجود دارد.

جدول ۳- همبستگی بین میزان حفظ حجاب و رسانه‌های جمعی زنان ۱۸-۶۴ ساله

رسانه‌های جمعی		
-۰/۲۰۵**	r	میزان حفظ حجاب
۰/۰۰۰	p	

جدول شماره ۳ نتایج بدست آمده از این پژوهش را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌کنید بین میزان حفظ حجاب و رسانه‌های جمعی زنان ۱۸-۶۴ ساله رابطه همبستگی منفی ($r = -0/205$ و $p = 0/000$) معنادار می‌باشد و این فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین میزان حفظ حجاب و هویت زنان ۶۴-۱۸ ساله رابطه وجود دارد.

جدول ۴- همبستگی بین میزان حفظ حجاب و هویت زنان ۶۴-۱۸ ساله

هویت		
$-.0/285^{**}$	r	میزان حفظ حجاب
$.0/000$	p	

جدول شماره ۴ نتایج به دست آمده از این پژوهش را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌کنید بین میزان حفظ حجاب و هویت زنان ۶۴-۱۸ ساله همبستگی منفی ($r = -.0/285$ و $p = .0/000$) معنادار می‌باشد و این فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین میزان حفظ حجاب و اعتقادات مذهبی زنان ۶۴-۱۸ ساله رابطه وجود دارد.

جدول ۵- همبستگی بین میزان حفظ حجاب و اعتقادات مذهبی زنان ۶۴-۱۸ ساله

اعتقادات مذهبی		
$.0/406^{**}$	r	میزان حفظ حجاب
$.0/000$	p	

جدول شماره ۵ نتایج بدست آمده از این پژوهش را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌کنید بین میزان حفظ حجاب و اعتقادات مذهبی زنان ۶۴-۱۸ ساله رابطه همبستگی ($r = .0/406$ و $p = .0/000$) معنادار می‌باشد و این فرضیه تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

بر این اساس می‌توان در جامعه اسلامی جهت حفظ حجاب در مرحله اول با انعطاف که سبب دشمنی و لجاجت افراد نشود و مصداق آیه شریفه مؤلفه القلوبهم می‌باشد با برخوردهای مناسب اخلاقی و فرهنگی، رعایت حجاب را در جوانان و نوجوانان به طور اخص و جامعه به طور اعم فرهنگ سازی نمود. از آنجا که جوانی مهم‌ترین مرحله شکل‌گیری شخصیت افراد است که با حس استقلال جویی و دوست‌یابی همراه است. در این میان اگر اطرافیان با نگرش مثبت با او برخورد نموده و او را در حصول و بازشناسی هویت اش یاری کنند، دوره نفی و انکار او خیلی زود خاتمه خواهد یافت. اما اگر نسبت به وی پذیرش نشان ندهند در این صورت جوان لازم می‌بیند که برای اثبات هویت مستقل خویش به لجاجت و نفی دیگران ادامه دهد. به این ترتیب در تعارض با ارزش‌های بزرگسالان قرار گرفته، در نتیجه ارزش‌های غربی به راحتی در وی نفوذ می‌کنند. از اینجاست که مرجع ارزشی نوجوانان و جوانان تغییر می‌کند. و این فرهنگ‌سازی با استفاده از پتانسیل‌های تمامی گروه‌های مرجع از خانواده تا حکومت قابل تبیین می‌باشد. همان‌گونه که هیمن (۱۹۴۲) فستینگر (۱۹۵۴) مرتن (۱۹۵۷) بر فرایند تأثیر گذاری افکار در گروه‌های اجتماعی تأکید داشتند این امر را نه تنها بر افکار مؤثر می‌دانستند بلکه در شکل‌گیری گروه و تغییر اعضای آن هم قابل تأثیر می‌دانستند. بنابراین، حفظ ارزش‌های اساسی هر جامعه و ارائه الگوهای پیروی از آن در قالب امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به طور عمده از گروه‌های مرجع که افکار کنشگران را تنظیم می‌کنند بر گرفته باشد. بنابراین اعتقاد پیترسون ارزش‌ها مفاهیمی تئوریک و مطلوب‌اند که بر انتخاب افراد تأثیر می‌گذارند. (پیترسون، ۱۹۷۶: ۵۰۲) از سوی دیگر، آنچه به نظریه مرتن در بحث گروه‌های مرجع برتری می‌دهد، بررسی نقش گروه‌های غیرعضویت یا گروه‌های بیگانه است همان‌گونه که ضرورت امر به معروف و نهی از منکر را برای حفظ

حجاب در برابر جنگ نرم دشمن دو چندان می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

در بین شهروند حس مسئولیت پذیری در قبال امر به معروف و نهی از منکر از طریق تبلیغات سطح شهر افزایش یابد. رسانه به عنوان مهم‌ترین منبع اثر گذار در پذیرش امر به معروف و نهی از منکر بیشتر بر ارزش‌های جامعه تأکید کند. تأکید بر حفظ ارزش‌های دفاع مقدس به عنوان یکی از پایه‌های هویتی جامعه در دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و بردهای تبلیغاتی سطح شهر الزامی است.

دسته‌های از افراد، با تأکید بر این آیه قرآنی که می‌فرمایند: «باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها رستگارانند»، با در نظر گرفتن نوع روابط اجتماعی و برخورد با کنشگر در سطح شهر الزامی می‌باشد.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۳، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سروش، تهران.
۲. پور ازغدی، رحیم، ۱۳۸۹، عفاف نماد هویت انسانی، تهران، انتشارات سنابل.
۳. دادگران، محمد، ۱۳۷۴، مبانی ارتباطات جمعی، انتشارات فیروزه، تهران.
۴. ریترز، جورج، ۱۳۸۴، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ثلاثی، محسن، انتشارات علمی، تهران.
۵. سروستانی رحمت‌ا... صدیق، هاشمی ف سید ضیا، ۱۳۷۲، گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، فصل نامه علمی- پژوهشی نامه علوم اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۲۰، صص ۱۴۹-۱۶۷.
۶. شریفی، محمد امین و حمزه‌ای، محمدرضا و پاپ زن، عبدالحمید (۱۳۸۹) تعیین تفاوت‌های جنسیتی در گرایش جوانان به گروه‌های مرجع، مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره ۸، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۹.
۷. کوزر، لویس، ۱۳۸۳، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ثلاثی، محسن، انتشارات علمی، تهران.
۸. کریمی، یوسف، ۱۳۸۱، روان‌شناسی اجتماعی، ویراستار: علی سیف، چاپ چهاردهم، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. کریمی، یوسف، ۱۳۷۸، نگرش و تغییر نگرش، تهران، انتشارات بعثت.
۱۰. گولد، جولیس و ویلیام آل کولب، ۱۳۷۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار.
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۴۷، مسئله حجاب، نشریه انجمن اسلامی پزشکان.
۱۲. مک کوایل، دنیس، ۱۳۸۲، درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

13. Merton , Robert, 1957 ,” Social Theory and social staucture”. New Yourk: Glencoe,IL: Free press.
14. Hyman, Herbert, and, Cleanor singer ,H. (eds) .,1968,” Readings in Referncee Group Theory and Research” .New York : Free press.
15. Chapman ,E.A .and, Dawson,E.M.,2000,”Refrencee Group Theory With Implications “Information Research, vol.6.No.3.
16. Hugenberg, Kurt, and, Galenu. Bodenhaausen,2002,” Effects Of Reference Group Norms and Distinctivanss Motives On Attitudinal Judgments”, North Western University.
17. Yang , jiqin, and ,Xihao, Heand Hwei , Lee,2007, “ Social Refrenc Group Influenc Communi Cations “, vol,5,No.3.
18. Graham , Brian, 11998, “Modern Europe” place, Culture, Identity, New York, Oxford University.
19. Mills, C.w.,1959, “ The sociological Imagination “,New York , Oxford University.

20. Frvant, jon, 1996, "Sociology :A Global prospective" , Belmont Wadsr worth pp(100-106).
21. Peterson, j, 1976," Counseling values, A philosophical Examination", Sland, The carrol press, pp(503-505)
22. Kuper , A. , K. , Jessica ,1985, . The Social Science Encylopedia . London , Boston and Henley : Routledge & Kegan Paul .

امر به معروف و نهی از منکر چیست و آیا می‌توان در دنیای امروز آن را به اجرا درآورد؟

دکتر غلامحسین مسعود^۱

چکیده

در این مقاله ابتدا به توضیح در باره اینکه امر به معروف و نهی از منکر چیست، پرداخته می‌شود و سپس بیان می‌گردد که چرا جامعه نیازمند اجرای آن است و آنگاه راه اجرای آن توضیح داده می‌شود و بعداً چگونگی انعکاس یافتن (تجسم یافتن) آن در قوانین ایران مورد توجه قرار می‌گیرد و نیز برخی از آیات قرآنی که مربوط به این موضوع است مطرح می‌گردد. در آخر توضیحی درباره‌ی وظیفه سیاسی و جهانی هر فرد مسلمان در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: امر، نهی، معروف، منکر، انسان.

مقدمه

اسلام دینی است که برای رهایی انسان از چنگال فقر و ظلم و بی‌عدالتی در توزیع ثروت و همچنین تعالی روحی و معنوی او تلاش می‌کند. به بیان دیگر، اسلام به هر دو چهره مادی و معنوی زندگی نظر دارد. به همین جهت است که می‌گویند که اسلام آموزه‌ای از این هر دو است و با رهبانیت مسیح و مادی‌گرایی یهود (به معنی توجه بیشتر به امور مادی و دنیایی) تفاوت دارد.

در مذهب شیعه تقلید در اصول عقاید جایز شمرده نمی‌شود و هر انسان مسلمان مکلف است به تفکر و اجتهاد. اما در مورد فروع و احکام، مسلمان حق دارد که از مجتهد تقلید کند پس طبیعی است که راهنمایی مردم در تلاش فکری و عقیدتی که زیر بنای ایمان و بنیان احکام است، برهمه‌ی مسلمانان واجب است و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند و نیاز مردم به اینکه ما از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم و نیز فلسفه نبوت یعنی بعثت پیامبران، بیشتر از احکامی است که مردم می‌توانند از مجتهدان تقلید کنند. جامعه در عمل روبروست و مواجه است با مردمی که بیشترشان از معارف و ریزه کاری‌های مربوط به دستورات دین آگاهی ندارند بسیاری از مردم به دلیل سابقه‌ی ایمان به اسلام کلیت موضوع‌های دینی را قبول دارند و نیز گروهی هم هستند که از راه جذبه‌ی دل‌هدایت نمی‌پذیرند و نیاز به آگاه شدن و استدلال دارند هر چند که ممکن است تعداد این افراد خیلی زیاد هم نباشد ولی جامعه و دولت به همکاری و همراهی آنان احتیاج دارد و نباید برای ساختن جامعه اسلامی ایده‌آل و نمونه از جذب چنین افرادی غافل شد و ضمناً نباید و نمی‌توان از اینان انتظار داشت که همه مفاهیم اسلامی را دریابند و یا از فرمان‌ها ناآگاهانه اطاعت کنند لذا یکی از وظایف عالمان دینی آگاه کردن و قانع کردن مردم است و بنیان یک حکومت دینی و عادل باید بر دل‌های مطمئن مردم و مغزهای آگاه استوار باشد و باید فرهنگی پاک و معنوی فضای جامعه را پر کند و علاوه بر آن علم را نیز در خدمت خود داشته باشد.

پس برای رسیدن به اهداف یاد شده باید ببینیم که از چه موضوعی می‌توانیم کمک بگیریم که اجتماع را به طرف انتخاب راه درست سوق دهیم؟ به نظر من یکی از راه‌های مناسب، امر به معروف و نهی از منکر است یعنی هر مسلمانی از دیگران بخواهد که قوانین و عادات و کارهای پسندیده را اجرا کنند و از اجرای پلیدی‌ها و زشتی‌ها و گناهان بپرهیزند.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - نجف آباد

باز هم پرسشی دیگر مطرح می‌شود که آیا چنین تکلیفی لازمی لطف و هدایت است یا وسیله ترساندن و کاوش کردن و تفتیش عقاید؟ و آیا در جهان کنونی می‌توان از این وسیله که واجد جنبه روان شناختی و جامعه‌شناختی نیز هست استفاده کرد؟

در جواب به این سؤال‌ها ابتدا لازم است اشاره ای کنیم به قرآن مجید که در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران امر به معروف و نهی از منکر را «سبب رستگاری امت» اعلام می‌کند و نیز در قرآن مجید آیه ۱۱۰ سوره آل عمران کسانی را که به چنین کاری اقدام می‌کنند، «بهترین امت» بیان می‌کند و در آیه ۴۱ از سوره حج در قرآن مجید می‌گوید آن‌ها خدا را یاری می‌کنند و خدا نیز آنان را یاری می‌کند و نیز از پیامبر اسلام نقل است که فرموده‌اند: «پروردگار بزرگ مؤمن ناتوانی را که دینی ندارد دوست نمی‌دارد» و هنگامی که از او می‌پرسند این چگونه مؤمنی است؟ پاسخ می‌دهد: «کسی که نهی از منکر نمی‌کند». و در خبر دیگری به نقل از پیامبر اسلام چنین آمده است: «کسانی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند، برکت از میانشان می‌رود و بعضی بر بعضی دیگر مسلط می‌شوند»^۲

علاوه بر همه این‌ها بسیاری از فقها و علمای اسلامی گفته‌اند: «بر پایه حکم عقل و حتی جدا از هر گونه حکم شرعی دیگر باید امر به معروف و نهی از منکر را واجب شمرد»^۳.

چه بسا بتوان گفت که پیدایش و پیروی و تثبیت انقلاب اسلامی ایران، نتیجه اجرای همین حکم اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است.

پیشنهاد می‌شود که زمینه‌سازی برای اجرای عملی امر به معروف و نهی از منکر در طی دو مرحله انجام گردد:

۱- خویشن‌سازی (خودسازی) {ساختن خود}

با وجودی که در اولین نگاه، امر به معروف و نهی از منکر را در شمار مبارزه‌های اجتماعی محسوب می‌کنند و پاره‌ای از نویسندگان آنرا از اقسام و فروع جهاد شمرده‌اند؛^۴ باید دانست که این اقدام اجتماعی به جز از راه مبارزه با نفس، امکان ندارد زیرا کسی می‌تواند امر به معروف کند که آن را بشناسد و به عمل خوب و تفکر خوب معتقد باشد و بتواند معنی خودسازی را برای سعادت دیگران، بفهمد و درک کند. همچنین کسی می‌تواند نهی از منکر کند که معنی زشتی و پلیدی را بداند و خویشن‌سازی را از آرایش‌های ناپاک دور نگهدارد و تقوا پیشه کند پس باید مرحله خودسازی را نیز به عنوان لازمه و مقدمه حکم امر به معروف و نهی از منکر واجب دانست. اسلام نیز به این حقیقت توجه کرده است زیرا حکم به عبادت یعنی اتصال روحی به مبدأ هستی یعنی خداوند. از طرف دیگر نیت پاک و خالص داشتن، همزمان با امر به معروف، واجب شمرده شده است. یعنی در آن نظام اخلاقی و اجتماعی پسندیده و نیک که مورد نظر اسلام است، این دو حکم، همراه یکدیگر و لازم و ملزوم هم است.

در اسلام، انسان اصالت دارد و برای مبارزه با نفس و تسخیر طبیعت می‌تواند تصمیم بگیرد. انسان حامل امانت الهی است، امانتی که بنابر گفته قرآن مجید «آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها لیاقت نگهداری آن را نداشتند»^۵. این امانت، بشر را از مرحله خاکی به مقام انسانی می‌رساند تا جایی که به عنوان خلیفه خدا حکمران زمین می‌شود. چنین انسانی، تاریخ را

۱. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، جلد ۲۱، ص ۲۵۳

۲. محمد حسن نجفی، همان منبع، ص ۲۵۳

۳. ناصر کاتوزیان، گامی به سوی عدالت، جلد ۱- ص ۵۰۷

۴. علامه حلی، تذکره الفقها، جلد ۱، کتاب جهاد، ص ۴۰

۵. قرآن مجید، سوره صف، آیه ۲

می‌سازد و زمین و دریا را مسخر خویش می‌کند ولی چون اختیار دارد و حق دارد که تصمیم بگیرد و به عبارت دیگر حق انتخاب «خوب» یا «بد» را دارد ممکن است ستمگر و جاهل نیز بشود، پس برنامه خودسازی انسان یعنی انتخاب ارادی «راه حق»

تکیه بر شخصیت و اصالت و کرامت انسان به معنی انکار اثر محیط و بی‌اعتنائی به اجتماع نیست بلکه خودسازی مقدمه زندگی سالم و پسندیده است و به همین جهت است که پیامبر اسلام بهترین مردم را نافع‌ترین آنان می‌داند. اسلام اثر متقابل انسان را بر اجتماع و اجتماع را بر انسان، می‌پذیرد و بر همین مبناست که از لزوم پاکسازی محیط و مبارزه با فساد در جامعه نیز غافل نمی‌ماند ولی هرگز به انسان توصیه نمی‌کند که ذهن را از همه آرمان‌ها و اعتقادات خالی سازد و همچون موجودی تو خالی و مطیع به انتظار الهام‌های اجتماعی بنشیند و خود را در اختیار داورهای جمعی بگذارد.

برخی از جامعه‌شناسانی هم که چنین تبلیغ می‌کنند، سرانجام ناچارند که ضمیر و شعور فردی را در برابر شعور جمعی بپذیرند و انسان اجتماعی را نیز مؤثر در جامعه بدانند و جبر و اختیار را با هم در آمیزند و سپس در برابر این پرسش قرار می‌گیرند که برای هدایت وجدان فردی و تزکیه شعور او که حداقل یکی از عوامل تحولات اجتماعی است، چه برنامه‌ای دارند؟

اسلام به مرحله تزکیه نفس و آگاهی داده به خویشتن نیز اهمیتی خاص می‌دهد. انسان مسلمان در این مرحله تنها نیست و خدا را با خود دارد. معروف و منکر را خود به تنهایی تشخیص نمی‌دهد تا هر کس بتواند نیک و بدی برای خود بسازد و اجتماع را به هرج و مرج بکشد.

یکی از بدترین مصیبت‌های اجتماعی این است که ارزش‌های اخلاقی بر اساس معیار و مبنای درستی استوار نباشد و بستگی پیدا کند به سلیقه و برداشت شخصی افراد. اسلام برای دور شدن از همین خطر برای مرحله خودسازی انسان برنامه دارد. معروف و منکر را تعیین می‌کند و به عنوان «اصول راهنما» در اختیار شخص می‌گذارد: واجبات و مستحبات «معروف» است و محرمات و مکروهات «منکر».

در منطق قرآن، انسان برای چیره شدن بر خود خواهی‌ها، نیاز به راهنمایی دارد، چنانکه در حکایت آفرینش آدم، امتناع شیطان از سجده به آدم کنایه از آن است که انسان بر تمام قوای طبیعت پیروز می‌شود به جز شرها و پستی‌ها و هوای نفس و البته اگر پرهیزکاری و راه چشم‌پوشی از گناه را طی نماید همین شرها و پستی‌ها و هوای نفس را نیز زیر پا خواهد گذاشت و در همین جاست که اشرف مخلوقات محسوب می‌شود. همه فرشتگان الهی به آدم سجده کردند ولی شیطان که مظهر پلیدی‌هاست از تسلیم شدن به دستور خداوند خودداری کرد و سرانجام سبب شد که انسان از بهشت رانده شود.

این واقعیت را امروز نیز آشکارا می‌بینیم. در دوران ما انسان به آسمان‌ها دست یافته است و بر بسیاری از نیروهای طبیعی چیره شده است ولی خودخواهی‌ها و غرور و پستی‌ها، همچنان او را تهدید می‌کند و در نتیجه آمار جرم‌ها بیشتر شده است و جنگ‌های مصیبت بار و تلخ، جان انسان‌های بی‌گناه را می‌گیرد و جنایتکاران جدید با چهره‌ای که نقاب صلح دوستی و حقوق انسان‌ها آن را تزئین کرده است، به حقوق انسان‌ها تجاوز می‌کنند و از هیچ جنایتی روی گردان نیستند.

و چه زیبا گفته است خداوند در سوره والعصر: «تنها کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند به حق و صبر سفارش کردند راه رستگاری را رفتند»

هدایت اسلام در چارچوب قواعد اخلاقی و حقوقی، بدین معنی نیست که در این نظام همه چیز در حال توقف است بلکه منابع پویای حقوق اسلام یعنی اجماع و عقل، بی‌اعتباری این توهم را آشکار می‌کند. نزول تدریجی قرآن شاید

۱. قرآن مجید، سوره والعصر، آیه ۳

گویای این نکته باشد که دنیا پیوسته با مسائل تازه ای مواجه است و اجتهاد نوین و پویا مورد نیاز جامعه است کلمه‌ها و قاعده‌ها در ظرف زمان مفهوم‌های گوناگون می‌یابند و شاید بتوان گفت که تجرد و کلیت برخی از آیات قرآن به گونه‌ای است که تحرک و پویایی زمان از تازگی و قابلیت اجرایی آن حکایت می‌کند.

۲- تربیت دیگران {ساختن دیگران}

پروراندن آدم‌های شایسته برای جامعه از جمله هدف‌هایی است که در اسلام دنبال می‌شود و برای همین نیز ابتدا لازم است که هر کسی ابتدا خودش را تربیت کند تا بتواند برای تربیت دیگران لایق باشد. می‌دانیم که زندگی هر یک از ما، دو وجه دارد یکی وجه فردی و دیگری وجه اجتماعی. اسلام به هر دو وجه توجه می‌کند: هم به تربیت جسمی و روحی فرد توجه دارد و به او شخصیتی مستقل و با اراده و با اختیار می‌دهد و هم او را در قبال سرنوشت دیگر اعضای جامعه مسئول شناخته است. همبستگی اجتماعی در اسلام تا جایی است که «اگر کسی انسانی را بکشد، در حکم این است که همه را به قتل رسانده است و زنده کردن و زنده نگاه داشت یک انسان به منزله زندگی بخشیدن به همه مردم است.»^۱

در چنین جمع همبسته‌ای، خودخواهی و بی‌اعتنائی (بی‌تفاوتی) نادرست است و شایسته نیست. گویا همه در هدایت یکدیگر و راهنمایی هم شریک‌اند و مسئول. اگر کسی گرسنه بخوابد همه‌ی امت مسئول‌اند و اگر ستمی شود، همه باید در برابر آن بایستند. همه‌ی مردم نگهبان آرمان مشترک جامعه که همان اسلام است، هستند. لذا نظام اخلاقی و تربیت عمومی را یکسره به دولت وا نمی‌گذارند. بلکه باید سعی کنند که کمبودهای مالی یکدیگر را از راه انفاق کردن و نقص‌ها و زشتی‌های اخلاقی خود را از راه امر به معروف و نهی از منکر برطرف کنند. همه به مساوات و برادری امیدوار باشند و برای رسیدن به آن کوشش کنند و همه، یک امت شوند.

برخی از جامعه‌شناسان به ادیان الهی انتقاد می‌کنند که چرا این ادیان می‌خواهند دردهای اجتماعی را با نیروی اخلاق، درمان کنند. گروهی از جوانان نیز می‌پرسند که طلب خیر و نهی از فساد چه ضمانت اجرایی دارد و چگونه می‌توان از راه حل‌های حقوقی و اقتصادی که نیروی دولت را نیز به همراه دارد، چشم‌پوشی کرد و به تشویق‌ها و توبیخ‌های اخلاقی اکتفا کرد؟

در جواب می‌توان گفت: تکیه بر راه حل‌های اخلاقی با راه حل‌ها و تمهیدات حقوقی و اقتصادی دولت منافات ندارد و آن‌ها را تکمیل می‌کند و اجرای قواعد آن را آسان‌تر می‌سازد.

شاید بتوان گفت که قاعده‌ای به خوبی و به درستی به اجرا در می‌آید که عموم مردم آن را یک زحمت طاقت فرسا به حساب نیاورند و انجام آن برایشان سخت نباشد. اخلاق چنین انگیزه‌ای دارد و ضمیر (یا درون) مردم ایجاد می‌کند. اگر قاعده‌ای قدرت آن را داشته باشد که در وجدان مردم رسوخ کند چه بسا نیازی به پلیس هم نباشد. جایگزین کردن اخلاق برای جامعه به جای حقوق (یا قانون) کمال مطلوب است و حیث از این که هنوز ضمانت اجرایی اخلاق نتوانسته است. جانشین ضمانت اجرای حقوق (یا قانون) شود ولی هدف نهایی و آرمان ما از بیان امر به معروف و نهی از منکر همین است. در برخی از روابط اجتماعی، ناتوانی حقوقی آشکارتری وجود دارد عملاً در خانواده هیچ نیرویی به جز اخلاق نمی‌تواند همگامی و همدلی زن و شوهر و احترام پدر و مادر را در نظر فرزند تأمین کند و در روابط آموزشی و فرهنگی، قاعده حقوقی و نیروی پلیسی معمولاً توانایی حکومت ندارد. در این گونه از امور از تفاهم و اعتماد و جاذبه

۱. قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۳۲

معنوی و محبت و ایمان و عدالت خواهی نمی توان گذشت و به دادگاه واگذار کرد و بهتر است که از دادگاه و زندان و قانون استفاده نکرد. برای اجرای درست و عاقلانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر از نیروی تضمین کننده قواعد اخلاقی و عادات اجتماعی نیز نباید غافل شد. استقبال مردم به خصوص انسان‌های طرفدار حق، از روش‌های درست امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند حتی بیشتر از هر پاداش و سپردن مقامی به هر یک از آن‌ها برای تشویق نیکوکاران مفید باشد و حتی گاهی یک نگاه شماتت بار و سرزنش کننده بیش تر از هر جریمه و زندانی مؤثر است.

از هر کسی که خواننده این مقاله است می‌پرسم: آیا آنچه که اخلاق و عادات و رسوم اجتماعی بر شما تحمیل کرده است، درباره رعایت خوبی‌ها و انجام ندادن بدی‌ها، مؤثر بوده است یا قانون و دولت؟ آیا شیوه‌ی خوردن و خوابیدن و نشستن و لباس پوشیدن و رابطه شما با افراد دیگر و سلام و علیک و مهمانی‌ها و تعارف‌ها و بحث‌ها و اعتقادهای مسلکی و مذهبی و هدف‌های شخصی و اجتماعی و به طور خلاصه «فرهنگ» و «شخصیت» شما ساخته همین قواعد و آداب و رسوم اجتماعی نیست؟ آیا هیچ اندیشیده‌اید که چرا مردم به هنگام عقد نکاح، مردی روحانی را به مجلس خود دعوت می‌کنند که خطبه‌های مذهبی بخواند و با تشریفات خاصی به وکالت از طرف زن و شوهر اجرا کننده صیغه این پیمان باشد؟ و آیا می‌دانید که هیچ قانونی در ایران، چنین کاری را اجباری نکرده و فقط نیروی اخلاق و رسوم اجتماعی است که آن را بدون اینکه احساس شود، ضروری جلوه داده است؟

آیا می‌دانید که قاضی، جاهای خالی قوانین را به یاری احساسی که از عدالت زمانه خود (یعنی آمیزه‌ای از اخلاق و عادت‌ها) دارد، پر می‌کند و آنچه که ما به نام حکم از دادگاه می‌گیریم، انعکاسی است از قوانین در وجدان قاضی و وضع اقتصادی و سیاسی و اعتقادات در آن سهمی مؤثر دارد و این تنها قانون و دستورات دولتی نیست که درباره ما اجرا می‌شود؟ و آیا توجه داریم که شباهت و یکسانی اخلاق و عادات و رسوم اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل همبستگی اجتماعی است و بیش از هر ارتش و پلیس و دولتی در ایجاد ملت و امت اثر دارد؟

اسلام می‌خواهد از همین نیرو برای پاسداری از رهنمودهای خویش و تشویق مردم به کار نیک و نهی آنان از فساد و تباهی استفاده کند. کاری که تمدن کنونی جهان نیز ارزشان را بخوبی می‌شناسد و بر آن ارجح می‌نهد. آیا انتقادهایی که نویسندگان صالح در روزنامه‌ها و کتاب‌ها و سخنرانان صالح و شایسته در دانشگاه‌ها و مسجدها و کلیساها می‌کنند جز امر به معروف و نهی از منکر نیست؟

علاوه بر همه آنچه که گفته شد حتی می‌توان بازرسی و نظارت مجلس (پارلمان) نسبت به اعمال دولت و سؤال و استیضاح نمایندگان از وزیران کابینه، نوعی از امر به معروف و نهی از منکر است و یا مثلاً همین انجمن‌های مربوط به مبارزه با فساد و بنیادها و سازمان‌های غیر دولتی (N.G.O) «خیرخواه و صالح» گوناگون برای تشویق دانشمندان و ورزشکاران هدفی جز امر به معروف و نهی از منکر ندارند یا اگر هم دارند یکی از اهداف آن‌ها در نهایت امر به معروف و نهی از منکر است.

از همه‌ی این‌ها گذشته، قانون یا حقوق نیز نسبت به نتایج امر به معروف و نهی از منکر بی‌اعتنا نیست برای مثال ممکن است شما در راه خود مردی را ببینید که در صدد کشتن یا آزار کودکی است به ندای وجدان پاسخ می‌گویید و برای جلوگیری از این منکر به دفاع از کودک می‌پردازید و ناچار می‌شوید که متجاوز را مضروب و مجروح کنید و حتی بکشید. حقوق (قانون) شما را از تعقیب و مجازات معاف می‌کند و بدینوسیله «نهی از منکر» را اگر متناسب با خطر باشد و نیز ضروری باشد، به عنوان دفاع از نفس یا مال یا آبرو، مورد تأیید قرار می‌دهد. همان اجباری را که اسلام در قرون گذشته برای «نهی از منکر» مقرر کرده است نظریه‌های قرون جدید به طرف آن گرایش پیدا کرده‌اند. دانشمندان غربی به

تازگی متوجه شده‌اند که زندگی اجتماعی و همبستگی اعضای آن ایجاب می‌کند که مردم در برابر منکر بی‌اعتنا نباشند و اگر به موقع به یاری دیگران نشتابند، از نظر حقوقی مسئولیت پیدا می‌کنند.

آیا امر به معروف و نهی از منکر در قوانین ایران مورد توجه قرار گرفته است؟

اصل هشتم قانون اساسی ایران چنین می‌گوید:

«در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل به عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم، مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند: و المومنون و المومنات بعضهم اولیا بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»

در هنگامی که انقلاب ایران در سال ۵۷ (۷۹ میلادی) پیروز شد رهبر انقلاب در همان ابتدا به دولت متذکر شدند که لازم است که پیش نویس قانون اساسی نوشته شود و سپس به تصویب مجلسی که افراد آن منتخب خود مردم باشند، برسد تا کشور بر مبنای قانون اداره شود و هر یک از مسئولین در حوزه مسئولیتی که قانون به آن‌ها سپرده است، جوابگوی مردم باشند لذا دولت نیز متنی را به عنوان پیش نویس قانون اساسی تهیه کرد تا پس از تشکیل مجلس منتخب مردم آنرا به مشورت بگذارد و در صورت صلاحدید به تصویب برساند. دولت وقت نیز پس از مدتی متنی را آماده ارائه به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (که معروف است به مجلس خبرگان اول) نمود در آن متن پیشنهادی، اصلی که موضوع آن مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد وجود نداشت ولی نمایندگان مجلس یاد شده که خود را ملزم می‌دانستند به گنجاندن این موضوع در متن قانون اساسی ایران، آنرا به مجلس مزبور پیشنهاد کردند.

لازم است در اینجا توضیح دهم که امر به معروف و نهی از منکر یکی از (فروع دین) اسلام است و اجرای هر یک از فروع دین بر یک یک مسلمانان واجب می‌باشد.

فروع دین اسلام عبارت است از: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.

درست است که هر یک از امور ذکر شده واجب است یعنی بر هر کس لازم و ضروری است که آن را انجام دهد، اما چون هر یک از آن‌ها غیر از امر به معروف و نهی از منکر یک واجب شخصی است، از ذکر آن در قانون اساسی خودداری شده ولی امر به معروف و نهی از منکر هر چند از جمله واجبات هر فرد مسلمان است اما اجرای آنرا نباید بر مردم تحمیل کرد و ضمناً باید با مردم با مدارا رفتار کرد چون ممکن است همه مردم آنچه را که شما فهمیده‌اید و باور کرده‌اید و تحمل نموده‌اید نفهمیده و تحمل نداشته باشند.

به نظر می‌رسد که اجرای آیه ۱۲۶ نحل که می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه» (با حکمت و پند نیکو و پسندیده به راه خدا دعوت کن) راه مناسبی برای رسیدن به هدف باشد.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر به صورت اجرایی و عملی

قانون اساسی به صورتی کلی به بیان امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است و قانون‌های عادی هم به توضیح کافی در این مورد نپرداخته‌اند ولی از مجموعه کتاب‌های دینی و فقهی مهم می‌توان شرایط امر به معروف و نهی از منکر را چنین استخراج کرد:

۱. اطلاع و علم کسی که قصد امر به معروف کردن و نهی از منکر نمودن را دارد از اینکه دقیقاً چه اعمالی مصادق معروف یا منکر است.

۲. اینکه با اجرای امر به معروف یا نهی از منکر خطر جانی یا حیثیتی برای شخص آمر یا ناهی یا دیگران ایجاد نمی‌شود و در مجموع از این کار، فسادى به بار نمی‌نشیند و ضررى ایجاد نمی‌شود.
- گاهی ممکن است خود آن شخص امر به معروف یا ناهی از منکر عصبانی شود و با عصبانیت خود کارى کند که وقتى بقیه‌ی مردم آن صحنه را می‌بینند بگویند که خود این شخص نیز گناهکار است.
- در حدیث آمده است که «سه گروه‌اند که در روز قیامت، مقرب‌تر از دیگران به خدای متعال‌اند: از جمله‌ی آن‌ها کسانی هستند که وقتى قدرتی پیدا کنند، در حال غضب، مرتکب ظلم و زیاده روی نسبت به زیر دستان خود نشوند و هنگامی که به کسی مسئولیت امر و نهی دادند، او که چنین قدرتی یافته است، در حال غضب، زیاده روی نکند و ظلم ننماید.»^۱
- همچنین در حدیث دیگری آمده است: «مؤمن کسی است که وقتى خشمگین شد، این خشم او را از مدار حق خارج نکند.»^۲
۳. مطمئن بودن به تأثیر امر به معروف و نهی از منکر: اگر بدانیم که هر چه بگوئیم و عمل کنیم مؤثر واقع نمی‌شود، عمل ما بیهوده است و بهتر است که از این کار صرف نظر نماییم.

آیا در قوانین ایران امر به معروف و نهی از منکر جایگاهی دارد؟

امر به معروف و نهی از منکر که در اصل هشتم قانون اساسی ایران بیان شده است از حیث ورودش به متن قانون اساسی تازگی دارد و در کمتر قانون اساسی در بین کشورهای دنیا بیان نکته‌های اخلاقی در متن قانون اساسی آمده است.

با اینکه در متن اصل هشتم قانون اساسی اشاره شده است که شرایط و حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر را قانون معین می‌کند، قانونگذار ایران پس از گذشت سالیان طولانی از تصویب قانون اساسی هنوز به تدوین قانونی در این ارتباط همت نگمارده است و آنچه را هم که قبلاً در قانون مجازات ایران به عنوان رفتار توجیه کننده جرم وجود داشت در سال ۱۳۷۰ با قانون گذاری جدید، محو گردید.

و امروزه در ایران تنها در دو مورد، راجع به امر به معروف و نهی از منکر، قانون وجود دارد:

۱. قانون مربوط به شرح وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۶۶ که از جمله وظایف این وزارتخانه را، امر به معروف و نهی از منکر می‌شمارد.
 ۲. قانون مربوط به تشکیل انجمن‌های اسلامی و جمعیت‌های و گروه‌ها و احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ که از جمله انجمن‌های مذکور امر به معروف و نهی از منکر است.
- توصیه‌ای که می‌توان در اینجا مطرح کرد این است که می‌توان برای کسانی که انگیزه‌شان برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر، حق است ولی با این کار دست به عمل مجرمانه می‌زنند با توجه به انگیزه شرافتمندانه آن‌ها، این کار آنان را به عنوان یک جرم سیاسی تلقی نماییم.
- تکالیف عبادی در اسلام اهدافی دارد که این هدف‌ها گاهی باعث می‌شود در چگونگی انجام این تکالیف‌ها تجدید نظر صورت گیرد. برای مثال نماز به عنوان یک تکلیف واجب هدفی دارد اگر ما مردم را صرفاً به نماز خواندن دعوت کنیم ولی برگزاری آن طوری باشد که آن هدف را تأمین نکند، هم مردم انجام وظیفه نکرده‌اند و هم دین به هدف نهایی خود

۱. رضا استادی، شیوه صحیح امر به معروف و نهی از منکر

۲. همان

نرسیده است. نماز باید نهی کننده از بدی‌ها و پلشتی‌ها باشد. اگر ما نماز بخوانیم و مردم را به آن دعوت کنیم ولی در عمل ببینیم که فحشاء و منکر وجود دارد معلوم می‌شود نمازی را که می‌خوانیم آن نیست که خداوند خواسته است هرچند که صورت و ظاهر نماز را هم داشته و انجام وظیفه شده باشد.

امر به معروف و نهی از منکر هم به عنوان یک تکلیف واجب باید هدفی را تأمین کند: باید فساد را از جامعه ریشه کن کند یا کاهش دهد. اگر ما امر به معروف را رواج دادیم یا به طور نسبی در بعضی از موارد به آن عمل کردیم ولی دیدیم که آن نتیجه مناسب را ندارد باید در کیفیت آن تجدید نظر کنیم و ببینیم با چه طرزى اگر انجام شود آن هدفی که دین اسلام و اصل هشتم قانون اساسی بیان کرده‌اند، به نتیجه مطلوب می‌رسد.

حضرت پیامبر اکرم (ص) تا هنگامی که تشکیل حکومت نداده بودند مردم را ارشاد می‌کردند. این ارشاد و راهنمایی همان هدف امر به معروف و نهی از منکر را داشته ولی چگونگی اجرای آن با امر به معروف کمی فرق دارد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از تشکیل حکومت هم ارشاد می‌کردند و هم امر به معروف و نهی از منکر می‌نمودند. ما نیز شایسته است که ببینیم اگر ارشاد (راهنمایی) در بسیاری از موارد، هدفی را که از امر به معروف و نهی از منکر داریم بهتر تأمین می‌کند، از ارشاد استفاده کنیم و نه خود امر به معروف. تفاوت این دو آن است که ارشاد (راهنمایی) صرفاً راهنمایی و آگاه کردن است ولی امر به معروف لزوماً اینگونه نیست.

ریشه وجودی امر به معروف و نهی از منکر

بخشی از آیات قرآن مجید که ریشه وجودی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به آن‌هاست:

۱- آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ آل عمران:

«و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذا لک بین الله لکم اياته لعلکم تهتدون، و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون»

«به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید و به یاد آورید، نعمت‌های او را نسبت به خود، هنگامی که دشمن یکدیگر بودید و او قلب‌های شما را به یکدیگر نزدیک کرد. و صبح کردید در حالی که با نعمت‌های او برادر شده بودید و در سراسیمه آتشی از جهنم بودید و او شما را نجات داد پروردگاران چنین آیات و نشانه‌های خود را آشکار ساخت، تا اینکه هدایت شوید و حتماً باید از بین شما عده‌ای به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند که اینان رستگارانند» این آیه قرآنی بعد از آنکه سفارش به اتحاد و همبستگی مردم می‌کند، توجه به این نعمت الهی را که امری قلبی و معنوی است، از عنایت‌های خداوند می‌داند، زیرا اختلافی که در زمان قبل از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشت، جامعه را به سقوط و انحطاط کشانده بود و خداوند آنان را نجات داد، لذا بر حفظ آن تأکید کرده و در ادامه‌ی آن می‌فرماید: «حتماً باید جمعی از شما، عهده‌دار دعوت به نیکی و نهی از پلییدی باشند و اینان رستگار خواهند بود.»

۲- آیات ۶۷ و ۶۸ سوره توبه:

«المنافقون المنافقات بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون ایدیهم و نسوا الله فنسیهم ان المنافقین هم الفاسقون، وعد الله المنافقین و المنافقات و الکفار نار جهنم خالدین فیهاهی حسیهم و لعنهم الله و لهم عذاب مقیم»
معنی آیه مزبور از این قرار است:

«مردان و زنان منافق به یکدیگر امر به معروف و نهی از منکر می کنند و همواره دست آنها بسته است و هرگز انفاق نمی کنند آنها خدا را فراموش کرده اند و خداوندان نیز ایشان را به فراموشی سپرده است. بی تردید منافقان فاسدند. خداوند آنان و کافران را به آتش جهنم وعده داده است که برای همیشه در آن باقی خواهند ماند و همان آتش آنان را کفایت می کند و خداوند آنان را لعنت کرده است و برای آنها عذاب قرار داده شده است.»

۳- آیات ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ سوره حج:

«اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزكوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و لله عاقبه الامور»

«به کسانی که مظلوم واقع شده اند و به جرم اینکه گفته اند الله پروردگار ماست از دیار خود رانده شدند اجازه داده شده است که قیام کنند و خداوند آنها را یاری می کند و قطعاً پیروزند و اگر نبود که خداوند بوسیله بعضی از بندگان، شر دیگران را از بین ببرد حتماً کلیساها و کنیسه ها و مسجدها که یاد خدا در آنها بسیار می شود و نماز منهدم می شد. خداوند حتماً به کسی که او را یاری می کند کمک می نماید و همانا خداوند نیرومند و عزیز است آنها کسانی هستند که اگر حکومت را در دست بگیرند نماز را برپا می دارند زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و سرانجام تمامی کارها با خداست»

۴- در آیه ۱۷ سوره لقمان:

«يا بنی اقم الصلوة و امر به المعروف و انه عن المنكر و اصبر على ما اصابك ان ذالك من عزم الامور»

«لقمان در وصیت خود به پسرش می گوید: پسر نماز را بر پای دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبت هایی که به تو می رسد استقامت کن که این یکی از کارهای مهم و اساسی است.»

۵- در آیه ۱۵۷ سوره اعراف:

«يامرهم بالمعروف و ينهاهم عن المنكر»

از صفات پیامبر اسلام این است که «مردم را به نیکی ها دستور می دهد و از بدی ها باز می دارد.»

۶- در آیه ۱۹۹ سوره اعراف:

«خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین»

«ای پیامبر گذشت کن و به نیکی ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان.»

در آیه ۱۱۲ سوره توبه هنگامی که از خصوصیات توبه کنندگان خداپرست شده یاد می کند در زمره صفاتی که برای آنان بر می شمارد به اجرای امر به معروف و نهی از منکر از طرف آنان نیز اشاره می شود:

«التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنكر»

«بازگشت کنندگان به حق پس از توبه است که پرستندگان خدا می شوند و فقط از او اطاعت می کنند این ها پرستش کنند. جز خدا موجود دیگری را پرستش نمی کنند مطالعه کنندگان در تاریخ اند، سیر کنندگان در جهانند. آنها که در حال رکوع و سجود خدای خود را تسبیح می کنند اینان با چنان توشه های معنوی صلاحیت آن را دارند که مصلح اجتماع باشند آنها که ابتدا صالح شده اند و سپس می خواهند دیگران را نیز به رستگاری دعوت کنند، امر به معروف و نهی از منکرند. در اینجا به مومنان نوید داده می شود که اگر توبه کار، بنده خداوند، سائح، رکوع کننده و سجود کننده نسبت به

خداوند شدند و پس از امر به معروف و نهی از منکر گردیدند، آنگاه موفق خواهند شد. اما اگر همه آن‌ها را داشتند ولی امر به معروف و نهی از منکر نکردند، به جایی نخواهند رسید.»

نتیجه‌گیری

هرچند راه عملی امر به معروف و نهی از منکر این است که اولاً خود را پرورش دهیم و سپس به پرورش دیگران اقدام کنیم اما وظیفه‌ی مسلمان با ساختن خود (خودسازی) و ساختن دیگران (دیگرسازی) تمام نمی‌شود بلکه لازم است هر مسلمانی هر یک از مردم را به مقاومت کردن در برابر ظلم و ستم تشویق کند. و برای اجرای درست این کار به او یاری رساند و ضمناً باید دانست که در نظام اسلامی حکومت اصلی، حکومت خداوند است ولی حق خالق هستی در اراده مردم تجلی می‌یابد و هر کسی که به هر مسند و منصبی (مثل رئیس جمهور یا نماینده‌ی مجلس یا پارلمان و غیره)، می‌نشیند در هر مقامی که باشد، امانت دار خداوند است پس در اجرای این وظیفه‌ی امانت داری باید چون امانت‌داری دلسوز و مسئول عمل کند و مردم حق دارند که به عنوان صاحبان اصلی قدرت بر کار او نظارت کنند، از وی بخواهند که مطابق دستورات شرع مقدس عمل کند یعنی به معروف عمل کند و از اجرای منکر بپرهیزد و ضمناً آن منصبی را که به او سپرده‌اند در زمانی که مدت امانت داری او به پایان می‌رسد از او بستانند.

همچنین هر مسلمانی همانگونه که در میان امت خویش چه بسا از خود بگذرد تا به خدا برسد، در سطح جهانی نیز تنها به ملت خاصی نظر ندارد چنین انسانی از ظلم و فساد در هر نقطه‌ای از جهان که باشد رنج می‌برد و به بشریت و سعادت او فکر می‌کند. این جهان بینی را تقریباً بسیاری از مردم جهان از آن استقبال می‌کنند. و هر مسلمانی که به عبادت و نیایش در مقابل خالق می‌پردازد به جهان او و انسان‌ها که امانت‌دار او در زمین هستند، عشق می‌ورزد و نمی‌تواند نسبت به سرنوشت سایر انسان‌ها بی‌اعتنا بماند. برای او برپا داشتن عدل مهم است پس دامنه امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌توان در حصار مرزهای معین و محدودی در نظر گرفت و لازم است که از این دستور شایسته شرع در سطح جهانی استفاده کرد و مردم را از آن بهره‌مند نموده چرا که اگر همه ما انسان‌ها دغدغه سرنوشت یکدیگر را داشته باشیم هم از حال هم بی‌خبر نمی‌مانیم و هم به یکدیگر کمک می‌کنیم تا اگر کسی در گمراهی است او را نجات دهیم و اگر کسی نیازمند به هدایت و رهبری است و هر یک از ما توان هدایت او را داریم از این کار دریغ نوزیم.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. سید جلال‌الدین مدنی - حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران - انتشارات سروش - تهران - ۱۳۶۷
۳. رضا استادی - شیوه صحیح امر به معروف و نهی از منکر - انتشارات اطلاعات - تهران - ۱۳۸۲
۴. ناصر کاتوزیان - گامی به سوی عدالت - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۸۷
۵. روح‌الله خمینی - امر به معروف و نهی از منکر - انتشارات تبیان - تهران - ۱۳۷۹
۶. علی مشکینی - امر به معروف و نهی از منکر - انتشارات پاییز - تهران - ۱۳۵۹
۷. حسینعلی نوربها - امر به معروف و نهی از منکر - انتشارات میثم تمار - ۱۳۸۲
۸. حسین نوری - امر به معروف و نهی از منکر - ترجمه محمد محمدی اشتهاردی - انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی - قم - ۱۳۷۵
۹. سید محمد باقر حجتی - اسلام و تعلیم و تربیت - انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران - ۱۳۵۸
۱۰. محسن قرائتی - امر به معروف و نهی از منکر - انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - تهران - ۱۳۸۷

۱۱. لطف الله صافی-راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر-انتشارات دفتر انتشارات اسلامی-قم-۱۳۸۵
۱۲. یوسف حلی-تذکره الفقها-انتشارات علمی-تهران-۱۳۲۳
۱۳. محمد حسن نجفی-جواهر الکلام-انتشارات خوانساری-تهران-۱۳۱۲
۱۴. محمد تقی مصباح یزدی-نظریه حقوقی اسلام-انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی-قم-۱۳۸۲

تبیین نقش امر به معروف و نهی از منکر در شیوه‌های مدیریت چند فرهنگی با تأکید بر مدیریت فراملیتی نرگس عطریان^۱

چکیده

زمانی است که شیاطین به آلوده کردن انسان‌ها به انواع گناهان و رذالت و پستی‌ها همت بسته‌اند و فرهنگ را بهترین راه برای آلوده کردن افکار و نظرات یافته‌اند. غرب سال‌ها تلاش کرد و سرمایه‌گذاری‌های عظیم نمود تا با یک سویه کردن جریان فرهنگی، کشورهای اسلامی و شرقی را پای بند عادات مادی و بی هویت سازد و راه چپاول ثروت و تسلط بر منابع انرژی این کشورها را برای همیشه بر خود هموار سازد. اما صدور فکر و اندیشه انسانی در انقلاب اسلامی ایران عزیز بیداری وسیعی در جهان اسلام و به نسبت در سایر ملل به وجود آورد. حال یکی از بزرگ‌ترین حقوق شایسته جامعه انسانی حقوق انسانیت است و از جمله این حقوق فرهنگ عظیم «امر به معروف و نهی از منکر» است. به عبارتی انسان‌ها حق دارند در جامعه‌ای زندگی کنند که معروف یعنی آنچه خدا می‌پسندد در جامعه رواج داشته باشد و منکرات یعنی آنچه شیطان می‌پسندد در آن متروک، منفور و مطرود باشد. به عبارتی شهید مطهری می‌فرماید: کلمه معروف شامل هدف‌های مثبت اسلامی و کلمه منکر شامل هدف‌های منفی و غیر اسلامی می‌گردد.

یکی از اقشاری که تأثیر گذاری فراوانی بر جامعه اسلامی و همگرا سازی نیروهای انسانی در بین گروه‌های اجتماعی و حتی بین المللی ایفا می‌کند جامعه مدیرانی است که با سبک‌های مدیریتی خویش می‌توانند راه حل‌های موفقی برای حل مشکلات موجود بر سر راه تطابق بیرونی و انسجام درونی اعلام دارند. به عبارتی امروزه شاهد این ماجرا هستیم که گروه‌های چند فرهنگی به منظور افزایش و بهبود عملکرد با تنوعات قومی و فرهنگی فراوان و با ساختار غیر متمرکز و سبک جذب نیروهای ناهمگون تشکیل می‌آیند و باید استراتژی‌های مدیریتی که از نظر فرهنگی مناسب باشد برای رهبری وظایف و فرایند محوله طراحی و اتخاذ گردند. گروه‌های چند فرهنگی و تا حد چند ملیتی نیز به اعضای گروه امکان می‌دهد تا مسائل بین‌المللی و وابستگی متقابل بین آن‌ها را درک کنند و بپذیرند این غنای تنوع، پویایی گروه را پیچیده‌تر و خلاق‌تر می‌سازد و البته موجب بروز تعارضات ارتباطی نیز خواهد شد. آنچه در مقاله حاضر مورد بررسی است این که به چه میزان مدیرانی که بر گروه‌های چند فرهنگی مدیریت می‌نمایند می‌توانند در اعمال سبک خود از مقوله‌ی جامع و عظیم «امر به معروف و نهی از منکر» بهره‌جویند؟

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، مدیریت چند فرهنگی، ارتباطات فرهنگی.

مقدمه

امروزه تعداد شرکت‌هایی که برای مدیریت محیط‌های پویا و پیچیده عصر حاضر به تشکیل گروه روی می‌آورند روز به روز بیشتر می‌شود. اکنون گروه سازی راه حلی برای مقابله با مشکلات ناشی از تطابق بیرونی به شمار می‌رود. این مهم از طریق گردآوری افکار و نظرات مختلف و البته ایجاد گاه‌ها وحدت فکری میسر است. از این نگاه سهم عناصر دینی بسیار زیاد است. چون عناصر دینی یکی از مهم‌ترین وجوه عناصر فرهنگی گروه‌ها می‌باشند. که البته یکی از کاراترین بخش دینی توجه به امر مهم «امر به معروف» و «نهی از منکر» خواهد بود.

دین و ارتباط میان فرهنگی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی Na.Atrian@gmail.com ، ۰۹۱۳۱۰۲۱۰۸۴

ارتباطات میان فرهنگی عبارتست از فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف این نوع ارتباطات گرچه ممکن است در مواردی با ارتباطات اجتماعی و بین‌المللی یکی شوند و دایره‌ی معانی آن‌ها روی هم افتد ولی اصولاً با هم تفاوت دارند. چرا که ارتباطات اجتماعی و بین‌المللی فرایند ارتباطی میان جوامع و دولت-ملت‌هاست که لزوماً فرهنگی نیستند یا لزوماً در دل آن جوامع و دولت‌ها و ملت‌ها یک فرهنگ واحد قرار نمی‌گیرد. در یک کشور ممکن است به دلیل تنوع فرهنگ‌ها ارتباطات میان فرهنگی صورت گیرد و در چند کشور نیز ممکن است به دلیل قرار گرفتن یک حوزه فرهنگی و انزوا ارتباط میان فرهنگی رخ ندهد. ارتباطات میان فرهنگی چه در ابعاد نظری و چه در ابعاد علمی در بسترهای خاصی مثل جهانگردی، روزنامه‌نگاری، آموزش و تحقیقات در حوزه‌های علمی، دین و هنر خود را نشان می‌دهند. در این جا پیوندهایی که میان افراد از فرهنگ‌های مختلف برقرار می‌شود عمده‌تاً وجه فرهنگی دارد. برخلاف ارتباطات فرهنگی در درون یک فرهنگ واحد که افراد از جهات دیگری نیز با یکدیگر پیوند دارند. ادیان بزرگ جهان نقش بنیادین در انواع ارتباطات میان فرهنگی، میان گروهی، میان دینی و درون دینی داشته‌اند چون معتقدان آن‌ها در نقاط مختلف جهان پخش بوده‌اند. منش پیام دهندگان و پیام گیران عمده‌تاً دینی بوده یا وجه دینی بر آن‌ها غلبه داشته است. لازمه ارتباطات گسترده فرهنگ‌ها با یکدیگر قوت گرفتن نظریه‌های وحدت گرایانه در باب امور دینی است. البته از الزامات دیگر وقوف به نقش دین در بین فرهنگ‌ها است. حتی افرادی که به دین به عنوان یک امر ایدئولوژیک یا معنوی نگاه نمی‌کنند در برابر دیگر فرهنگ‌ها و در جهت حفظ هویت فرهنگی، فرهنگ مبتنی بر دین را لحاظ می‌کنند. امور دینی می‌تواند نهادها، افسانه‌ها و مراسمی را که مردم را یکپارچه می‌کند به دست دهد و مبدأ فرهنگ مشترک و آموزش مشترک در نهایت همگنی و وحدت ملی در برابر ملل و فرهنگ‌های دیگر قرار گیرد.

خرده فرهنگ‌ها باید در یک فرهنگ جامع گرد آیند و عوامل غیر مشترک نقش فرعی یابند البته در دنیای امروز فرهنگ‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی در هم آمیخته‌اند. دین زمانی ظهور و بروز بیشتری دارد که وجه تمایز آن با دیگر فرهنگ‌ها باشد.

مدیریت چند فرهنگی

ارتباطات میان فرهنگی در سطوح مختلف قابل بررسی می‌باشند که سطح میان کارگزاری یکی از مهم‌ترین و لازم‌ترین سطوح است. به عبارتی در سطح میان کارگزاری عمده‌تاً مدیریت روابط فرهنگی مطرح می‌گردد.

مدیریت فرهنگی معمولاً در جهت حفظ و تقویت هویت فرهنگی عمل می‌کند و دین در این میان ابزار ایجاد مشروعیت برای آن مدیران و عامل هویت بخشی به فرهنگ است. (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۷۰)

امروزه تعداد شرکت‌هایی که برای مدیریت محیط‌های پویا و پیچیده عصر حاضر به تشکیل گروه روی می‌آورند روز به روز بیشتر می‌شود. گروه سازی راه حلی برای مقابله با مشکلات ناشی از تطابق بیرونی به شمار می‌رود. این مهم از طریق گردآوری افکار و نظرات مختلف میسر است. تیم می‌تواند پاسخی مناسب برای پیچیدگی محیط باشد. می‌توان با تشویق گروه‌ها به مشارکت فعال در تصمیم‌گیری، نسبت به تغییرات پویا اقدامات لازم را انجام داد. پیدا کردن راه‌حلی برای مشکلات ناشی از انجام درونی نیز نیازمند هماهنگی بین تلاش‌های فردی و گروهی است. تجربه نشان داده است که گروه می‌تواند هم موجب افزایش بهره‌وری شود هم موجب کاهش آن گردد و البته این مطلب درباره گروه‌های چند فرهنگی بیشتر صدق می‌کند. تحقیقاتشان می‌دهد گروه‌های چند فرهنگی معمولاً عملکرد بسیار بهتر یا بسیار بدتری نسبت به گروه‌های تک فرهنگی دارند. (شنايدر، ۱۳۸۸: ۳۱۰)

اما گذشته از نوع خود سازمان‌ها که چند فرهنگی ملی و بین‌المللی گشته‌اند مرز بین کشورها نامرئی شده و شرکت‌ها از تنوع مشهود و نامشهود در نیروی کار سرشار شده است این نیروهای کاری از نظر ویژگی‌های فردی و سازمانی با هم تفاوت دارند. (ساماتینو و همکاران، ۲۰۰۲) شواهد نشان می‌دهد طی تاریخ زندگی سازمانی، گروه‌هایی نظیر افراد با مدل‌های ذهنی متفاوت، اقلیت‌ها، زنان و غیره به طور گسترده‌ای از موقعیت قدرت، یعنی از عضویت در جایی دور هستند که توانایی بیشتری تأثیرگذاری بر رفتار سازمانی و استراتژی‌ها را دارند. (فاست و ریوز، ۲۰۰۸) هر چه محیط تنوع بیشتری ایجاد کند مسئولیت ظرفیت سازی سازمانی افزایش می‌یابد.

توماس (۱۹۹۱) تنوع سازمانی را ترکیب مختلفی از ویژگی‌های مشهود نظیر نژاد، جنس، سن و کمتر مشهود مانند سطح تحصیلات، سبک‌های تفکر، سیستم باورها و ارزش‌های شخصی تعریف می‌کند تعامل این موارد بر عملکرد سازمانی اثر می‌گذارد و منجر می‌شود تا فرد با سبکی ویژه فکر و عمل کند و وظایف کاری را با سبک‌های خود انجام دهد به عبارتی افرادی را شامل می‌شود که ارزش‌های متفاوتی را با خود به سازمان می‌آورد. (فلنستر، جنسن، ۲۰۰۳)

اما برای توسعه سازمانی سیاستگذاران، رهبران و مدیران چند گروهی نقش اساسی و محوری را بر عهده دارند که لازم است به مهارت‌ها و شایستگی‌هایی مجهز شوند که عمدتاً عبارت‌اند از: مهارت تفکر استراتژیکی فرهنگی، مهارت تنوع فرهنگی، مهارت هوش فرهنگی، مهارت رهبری فرهنگی، مهارت تحلیل فرهنگی، مهارت فضا سازی فرهنگی، مهارت کسب و کار فرهنگی، مهارت مدیریت جهانی شدن فرهنگی در بعد ملی و بین‌المللی، مهارت انجام سازی فرهنگی، مهارت فنی و تکنولوژیکی (سلوانی، ۱۳۸۷)

در ادامه باید گفت در جامعه سازمانی که در آن عناصر و نهادهای اجتماعی فاقد هر گونه پیوند تصور شود جامعه از هم گسیخته و نابسامانی خواهد شد به عبارتی جامعه چند فرهنگی از ویژگی‌های غامضی برخوردار است تک شکلی در این تیم مطورد است و تنوع محبوب. اما در تیم‌های بین‌المللی و چند فرهنگی لازمه همگرایی وحدت بخشیدن و به خصوص در بین مسلمانان ریشه در اشتراکات دارد و حفظ و صیانت ارزش‌ها و چارچوب‌های دینی از ابزارهای اصلی و مهم ایجاد انجمن‌های چند گروهی می‌باشد.

اما چگونه باید بر اختلاف نظرها غلبه کرد یا چگونه می‌توان به راه حل مشترکی رسید؟ گروه‌های متنوع باید با مشکلات ناشی از وجود تفاوت در دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، رفتارها، تجربه‌ها، پیشینه‌ی ذهنی و فکری، انتظارات و حتی زبان مقابله پیدا کنند. (شنايدر، ۱۳۸۲: ۳۰۱)

البته باید گفت در تدوین ارزش‌ها باید فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر کشورهای محل فعالیت شناسایی گردند هنگامی که توسعه فعالیت‌های مجموعه ای در سیاست‌های اول ملتی قرار می‌گیرد با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اولویت‌ها روبه رو می‌شود که باید آن‌ها را اولویت‌بندی نماید و جذب نماید. (پیرزو رابینسون، ۱۳۷۸، ۱۲۲)

البته در بکارگیری سبک مدیریت تنوع هم بحث نگرش و هم عمل پیش می‌آید. مدیران و کارکنان باید تنوع را به عنوان یک چالش و یک فرصت تلقی کنند نه به عنوان مشکلی که باید حل شود و باید از نیازها و مشارکت‌های اعضای متنوع سازمانی آگاه شوند. البته ایجاد نگرش و آگاهی هم به تنهایی کافی نیست بلکه باید اقدامات خاصی انجام شود تا از وجود نیروی کار آموزش دیده، شیوه‌های رفع تبعیض، سیستم منابع انسانی بدون سوگیری و حق انتخاب اطمینان حاصل شود. (اقدام، ۱۳۸۰: ۴۱۴)

اسلام ملاک وحدت را ایمان به خدا می‌داند و از این رو بر افرادی که با این ملاک وحدت در جامعه حضور دارند به گونه خاصی حساس است این حساسیت به قدری است که هر فردی را در برابر فرد دیگر مسئول قرار داده است تا همگان

به نقشی که در تشکیل سیستم دارند توجه کنند و به این وحدت خدشه وارد نشود. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چنین ماهیتی دارد و از این رو برای فرد مسلمان با معناست. اما در جامعه و فرهنگ غربی اصلاً چنین مفهومی وجود ندارد و حداکثر بر حد ضرورت که نیازهای جامعه را تأمین کند مسئولیت دارد و دیگر هیچ مسئولیتی برای افراد در برابر یکدیگر معتقد نیستند. در فرهنگ غرب امر به معروف و نهی از منکر نه تنها هیچ معنایی ندارد بلکه دارای ارزش منفی نیز هست و منافات با آزادی می‌پندارد. اسلام درست نقطه مقابل دیدگاه مرسوم غرب را پی می‌گردد و بر آن است که هر فردی را در برابر فرد دیگر و نیز هر گروه بر گروه دیگر، و هر جامعه‌ای در برابر جامعه دیگر، هر رهبر و پیشوایی در برابر نیروها و حتی افراد در برابر رهبر و پیشوای خود مسئول‌اند. (جایگاه امر به معروف، روزنامه کیهان: ۸)

از جمله روش‌هایی که در اسلام برای تشویق و ترغیب افراد به انجام امور به کار رفته امر به معروف است. امر به معروف که عبارت از طلب و درخواست انجام امور خیر و نیک است بیش از موعظه و نصیحت و حتی وصیت در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و جزء واجبات است گرچه همواره امر به معروف و نهی از منکر با همدیگر می‌آیند اما اصولاً مکمل یکدیگرند. امر به معروف به عنوان روشی که فرد را وادار به انجام کاری می‌کند و نهی از منکر روشی بازدارنده است که هر دو لازمه عملکرد صحیح مدیران چند فرهنگی است.

امر به معروف تنها با گفتار، عملی نمی‌شود و لازم است با عمل توأم گردد به وسیله عمل یعنی این که خود فرد عامل به کار خیر باشد تا مردم به او اقتدا کنند و او را سرمشق قرار دهند وقتی عمل و زبان هر دو در امر به معروف شرکت داشته باشند و آنچه که فرد می‌گوید خودش به آن عمل کند آنگاه در شنونده تأثیر فراوان خواهد داشت. این امر در خصوص عملکرد مدیران چند گروهی بسیار صادق است.

طبق اصل وهلینگ (۱۵-۸۵) که معتقد است بیشترین درصد ریشه تعارضات و مشکلات و البته محاسن به عملکرد مدیران برمی‌گردد هر آنچه مدیر انجام دهد درون گروه‌های زیر دست؟ می‌یابد. و از آنجا که ارزش‌های اخلاقی در بین انسان‌ها مشترک است همگان به کار نیک می‌گروند. البته جنبه ارشادی هم دارد و برای هدایت فرد به صراط مستقیم و راه درست در زندگی است. امر به معروف به قول معروف نیز تعبیر شده است و بیانگر این موضوع است که امر به معروف تحکم نیست بلکه گفتار نیکی است که بر دل می‌نشیند. در سوره نساء آمده است: **و قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا**. و به آنان که تحت سرپرستی شما هستند با گفتار نیکو سخن بگوئید و آنان را به راه درست بخوانید.

اما آنچه بر همه مبرهن است مسئولیت مدیر چند فرهنگی در این جا چندین برابر می‌گردد چرا که تنوعات گروه‌ها تنوعات دینی، مذهبی، قومی و... می‌باشد و این فهم و ایجاد حس مشترک و آگاهی جمعی ریشه در این احساس دارد که آنچه مدیر می‌گوید و انجام می‌دهد به نفع سازمان و تک تک گروه‌ها و افراد خواهد بود. و احساس نمایند و در جامعه چند فرهنگی باید به تمام فرهنگ‌ها ارزش و اعتبار داده شود تا حس سرخوردگی ایجاد نشود اما آنچه خدا فرمان می‌دهد را با سیاست‌های اخلاقی به حس برتر و وجود افراد مبدل نمود.

اسلام برای گوشزد نمودن وظائف مدیریتی نیز به موعظه، تذکر و حتی امر به معروف اکتفا نمی‌کند بلکه افراد را واقف به نتیجه کار نادرست خویش می‌کند و به آن‌ها هشدار می‌دهد و آن‌ها را از اعمال نادرست نهی کرده و باز می‌دارد. امر به خوبی و نهی از بدی در اسلام جزء واجبات و برای نظارت بر جریان امور است. امر به معروف و نهی از منکر دو وسیله نیرومند برای انجام وظائف اداری و جلوگیری از مفاسد اداری است. مدیر نمی‌تواند یک نظاره گر بی طرف باشد. امور سازمانی اگر بدون نظارت و کنترل انجام گیرد ضمانتی بر درستی یا نادرستی آن‌ها وجود نخواهد داشت. امام باقر(ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر فرمودند:

بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَشَاهِبُ وَ تَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأُمُورُ (به نقل از ده گفتار شهید مطهری، ص ۵۸)

و به وسیله امر به معروف و نهی از منکر سایر واجبات و دستورات انجام می گیرد، راهها امن می شود، کسبها حلال می شود، مظالم و اموال مردم به صاحبان اصلی برمی گردد زمین آباد می شود، از دشمنان انتقام می گیرند و کارها رو به راه می شود.

همچنان که قرآن به نظارت اهمیت فراوان می دهد و می گوید:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴)

و باید از بین شما دسته ای به نظارت جریان امور پردازند و دعوت به خوبی نمایند و مردم را از کار زشت بازدارند. چنین مردمی رستگارند.

و آیه دیگر می فرماید: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)

اگر شما امر به خوبی کنید و مردم را به امور درست تشویق و ترغیب نمایید و از امور ناپسند بازدارید و مؤمن به خدا باشید آنگاه بهترین جامعه در بین جوامع خواهید بود.

هدف عمده و اساسی در امر به معروف و نهی از منکر محقق شدن معروف و زدوده شدن منکر است. برای نیل به این هدف به نظر می رسد که باید به دنبال بهترین و مؤثرترین راهکارها و شیوه های عملی باشیم که در این راستا موارد زیر پیشنهاد می گردد:

۱. شیوه عملی: اولین و مؤثرترین شیوه در امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ عملی است. یکی از مهم ترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در ترویج و گسترش مکتب، توجه به این شیوه بوده است. پیامبر اکرم (ص) در اغلب کارها از قبیل کندن خندق، ساختن مسجد و برنامه های فرهنگی و اجتماعی و... قبل از این که دیگران تشویق به این کار کند خود پیشقدم می شد، همچنانکه امامان معصوم (ع) به این طریق عمل می کردند.
۲. احترام به شخصیت افراد: دومین اصلی که در تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در خور توجه است، احترام به شخصیت افراد می باشد. مرتکبان منکر تا وقتی که متجاهر به گناه نشده اند، و به وطر آشکار خود را نیالوده اند محترم اند و نباید به هتک حرمت آنها پرداخت.
۳. ارشاد تدریجی: معمولاً ما انتظار داریم کسانی که در گرداب منکرات غوطه ور شده اند یک دفعه آنها را از گرداب در آوریم و یک مسلمان ایده آل بسازیم؛ در حالی که تربیت امری تدریجی است و فضائل و رذایل هیچ کدام یک مرتبه در جان انسانها به وجود نمی آیند. در حقیقت می توان گفت که از علل نزول تدریجی قرآن توجه به این نکته مهم است، چرا که قرآن کتاب تربیتی است و برای هدایت انسانها به سوی کمال مطلوب نازل شده است.
۴. نرمخویی و محبت: از شیوه های مهم و مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، نرم خویی و محبت است؛ خصلتی که موفقیت پیامبر (ص) بنا به تصریح قرآن کریم مرهون آن بوده است.
۵. تشویق به ارزشها: یکی از امتیازات مکاتب الهی تشویق به خوبیها و ارزشهاست. پیامبر مکرک اسلام (ص) از عامل تشویق در جهت پیشبرد اهداف استفاده های زیادی می کرد. برای کسانی که دو رکعت نماز برای خدا

می خوانند جایزه تعیین می کرد. (۲۰) پست‌های حساس سیاسی، فرهنگی و نظامی را به افراد لایقی می سپرد و به این ترتیب، امت را به نیکی و پاکی دعوت می فرمود. برای نمونه اسامه بن زید هجده ساله را به عنوان فرمانده لشکر منصوب فرمود و...

۶. ایجاد فضای امر و نهی: شکی در این مسئله نیست که محیط هر چند نقش زیر بنایی ندارد ولی در پرورش فضایل و ردایل نقش اساسی دارد. رسالت انبیا نیز مبتنی بر این اصل بود که محیط را به گونه‌ای آماده سازند تا خود مردم عدالت را برپا دارند: « ليقوم الناس بالقسط » (۲۱) بنابراین پیامبر اکرم (ص) می فرماید: « کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة ».

۷. برخورد عملی با مرتکبان منکر: به طور کلی اگر در کنار شیوه‌های گذشته این شیوه را مدنظر نداشته باشیم بدون شک امر به معروف و نهی از منکر بی نتیجه خواهد ماند.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

۱. مرحله انزجار قلبی: علمای اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. اولین درجه و مرتبه نهی از منکر، هجر و اعراض یا انکار قلبی است و این در مواردی است که ما با شخصی که با او صمیمیت داریم قطع رابطه کنیم و نسبت به او سردی نشان دهیم و این برخورد، برای او توبه تلاقی شود، یعنی تحت یک زجر و شکنجه روحی قرار گیرد و این عمل ما در جلوگیری از کار بد او تأثیر داشته باشد؛ در غیر این صورت چه بسا فردی که از قطع رابطه ما استقبال کرده و او هم قطع رابطه کند و آزادتر دنبال منکرات و کارهای زشت برود و در چنین مواردی این کار درست نیست.

۲. مرحله زبانی: درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند، مرحله زبان است. چه بسا آن بیماری که دچار منکری است، به دلیل جهالت و نادانی و تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی، هادی، راهنما و معلم دارد تا با او تماس بگیرد و با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد تا معایب و مفاصل را برایش تشریح کند تا آگاه شود و باز گردد.

۳. مرحله عمل: مرحله سوم عمل است. گاهی طرف در درجه و حالی است که نه اعراض و هجران و نه زبان و بیان بر او تأثیر نمی گذارد. در اینجا باید از راه عمل وارد شد. وارد عمل شدن نه تنها به زور گفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست، البته مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است که آن هم از شئون حکومت اسلامی است و شهروندان جامعه اسلامی از پیش خود حق اعمال این تنبیهات را ندارند. امر به معروف عملی است که نباید تنها به گفتن قناعت کند و فکر کنیم همه چیز را گفتن درست می شود. گفتن، شرط لازم است ولی کافی نیست. باید عمل کرد و آنچه مربوط به شهروندان است برخورد عملی غیر مستقیم است. (شهید مطهری: ۱۹۷)

نتیجه گیری

روندهای جمعیتی نشان می دهد بیشتر سازمان‌ها راهی به جز متنوع شدن در آینده ندارند و بسیاری از سازمان‌ها هم اکنون بر روی سبک‌هایی کار می کنند تا امتیازاتی را که از یک نیروی متنوع به دست می آید افزایش داده و از آنها بهره‌برداری کنند. یکی از الزامات مهم مدیران چند فرهنگی ایجاد یکپارچگی، انسجام در سازمان است تا میزان وعمق اعتقاد و پبای بندی به ارزش‌های فرهنگی و انسانی رادربین افراد زیاد نماید. یکی از بهترین شیوه‌های اثربخش جهت تقویت حس احترام و

یگانگی و تقویت روابط انسانی بر خورداری و ترویج فرهنگ «امربه معروف» و «نهی ازمنکر» است که عاملی اساسی و مهم در ایجاد همگرایی در بین نیروهای چند فرهنگی می باشد.

منابع

۱. شنایدر، سوزان سی و بارسوژان لویی (۱۳۸۲) مدیریت در پهنه فرهنگ، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی
 ۲. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۹) انسجام ملی و تنوع فرهنگی، انتشارات کمیل
 ۳. نایه، مهدی (۱۳۸۲) نگاهی به مدیریت اسلامی، انستیتو ایزایران
 ۴. پیرز، جان (۰۱۳۸۷) مدیریت راهبردی انتشارات سمت
 ۵. محمدی، مجید (۱۳۸۲) دین و ارتباطات انتشارات کویر
 ۶. اقوم، رسول (۱۳۸۰) ارتباطات سازمانی انتشارات آوای نور
 ۷. سلطانی، ایرج (۱۳۸۸) مدیران فرهنگی شایستگی ها و مهارت ها، ماهنامه تدبیر؛ سال نوزدهم شماره ۲۰۴
 ۸. سوره حدید، آیه ۲۵
 ۹. مطهری، مرتضی تلخیصی از جلد دوم حماسه حسینی، ص ۱۹۳-۱۹۷
10. Sammartino, Anderio. Flynn, Janine, Nicholas stephwn (2002).Magnaging Diversity work teams. Available on the Diversity world wide web. www.eoom . unlmelbe.edu.

An introduction to responsible citizen in a religious system

(by relying on admonishing to the right and dissuasion from the wrong activities)

Morteza keshavarzi valdani¹

Abstract:

If we accept that citizens rights are among the privileges that are enacted by god, for him, due to the human beings nature, the concept of the responsibility of citizens in a community elaborating with others will undoubtedly have a religious direction. Thus, due to their nature, individuals have the right to benefit from their own rights and in contrast do the duties given to that by the social system. In the social life this process requires the aspects that observing that is a principle condition logic need and natural\mental demand for the society to achieve its goals. Admonition and dissuasion as the instewces of citizenship responsibilities are natural actions for the societies rectifications and overcoming problems and are the best ways for the communities and also individuals prosperity and securing the citizens right. In this article the concept of responsible citizen through admonition . in the divine and quran systems and recommendation are herewith considered.

Key words:

Responsible citizen , citizen rights , admonition to the right and dissuasion from the wrong activities , social supervision

Discussion

Due to being human being each individual is eligible for the rights power and talents to be benefitted without hindrance of others. He has the power and choice of using the abundance of materials as well as having the privilege of educating praying and worshipping for himself but it often occurs that dealing with all the materialistic and intellectual tendencies is hard or even impossible at times since there is disturbances among such fields of thoughts. Thus it is true that individuals have plenty of intentions and inclinations but obtaining them may be along internal or external obstacles and hindrances. Due to their social lives and being human every individual has the divine rights and should be benefitted from his own rights or he could neglect his rights but without observing limits and bounds, the application of rights may lead to intervening with the rights of others(Ibid: jaafari,1373,p320-326). In this case admitting and executing the laws are the ways for not involving the rights of other people.

It is where the concept of citizen's responsibility is considered for familiarizing the communities to realize their own rights such that informing the people about their rights and admonitive or dissuading them in using their rights and observing the limitations are the intellectual religious and effective solutions to eliminate lots of difficulties and problems and prevents the outbreak of social diseases and calamities. In other words although every person has his or her own rights due to citizen responsibilities but it should be born in mind that the rights should be within a definite framework with regular conditions. Nevertheless the other people in the community would gain the right of admonition or dissuasion due to being a citizen and could call the indulgent and lavish. People moderation by strong mental and verbal supports (verbal in here refers to the commands of quran and the deeds of prophet of islam)

1.admonishing to do the right and dissuading of not doing the wrong activities

Due the book mofradat of ragheb-e- esfahani the distinguished work is one that its goodness is clear by mental and religious consideration(ragheb esfahani,1423Q,p336) the word maarof : distinguished work is derivative from the word "orf" convention property which

1 . MAC in Islamic law and jurisprudence In Tehran university & researcher
email: morkeshavarz @ gmail.com tel: 09198529223- 03114421316

indicates the work that its goodness is clear for the people and they have approved it. Monkar : sin indecent

Work is derived from the word “enkar , denial , negation” which indicates actions that are considered indecent and bad according to proper thoughts and religion (ibne-manzoor,1418Q,12,p123). Hence indecent works are referred to the actions that community is not satisfied about and does not admit them. therefore admonition to do the right is regards as encouraging and forcing people to do the actions guaranteeing their prosperity and welfare during their lives and their eternal lives. Dissuasion from the wrong activities is referred to preventing others from the activities that are considered indecent by the religion and intellectuality. These activities are so important that are emphasized in quran and narration (*hadith*) of the prophet and are considered as religious obligation according to decrees of the religious authorities (javadi amoli,1377,p174)

2.citizens responsibilities in religious systems

One of the principles of jurisdiction in Islamic ideology is the specific connection of human beings with the world and his duties with regards to god blessings. In every type of climate and in each geographical domain people could form the world by their behavior to take in to account the blessings of the life (mesbaah-e-yazdi,1377,p230).the facts coming along the evidences by the divine verses of quran¹ indicates that the individual's or society's destinies are dealt with the appropriate behaviors and intentions of every one of them and no impositions exist on human beings. If there is anything a part from the authorities and performance of human beings, it will not be apart from the blessings and mercies of god which is positive and beneficial for people.

3. citizenship responsibilities admonition to do the right and dissuasion from the wrong activities

Undoubtedly human being have the two individual and social charoters and the all together prosperities of them depends on the correctness and appropriation of individual's or collective behaviors. In other words, in addition to mutual effects, social and individual behaviors are getting unidirectional in the way of human and community's perfection. May be this the why that two types of records; either personal or social are mentioned for human beings in quran. For the personal statements and in *Al-asra* chapter of quran, god expresses that” we have clung the book of man's deeds to his neck; and on the day of resurrection we shall bring forth for him a book which he will find wide open; it will be stated to him : read the book of your deeds ! today you are sufficient as a reckoner for your own deeds !”(verses13,14)

In the social statement ,too, god in the *jasiah* chapter,verse no 28 expresses that: “ and on that day you shall see all people bowing the knee .each nation will be called to its book of deeds”.

The divine law of admonishing and dissuasion that are in the some direction as perfectionism and human beings growth and development are having the two personal and social dimensions in fulfillments and this is the reason that they are considered as for the social lives of human beings. The aim of social life is reaching to the complete perfection that is achieved due to arbitrary actions and these social arbitrary actions have real and supplementary relations, with regards to the mentioned goal (montazeri,1370,2,p170). Hence, to reach the prosperity ,we need to consider personal and social aspects. Life needs disciplines and regulations. A person living in a faulty community , will achieve misfortune and affliction, which indicates that the prosperities of individuals and society are not separate from each other Islamic religion has commandments for the prosperity of human beings ,that include admonition and dissuasion and the destinies of people are related to each other and no-one could ignore others activities

1 . corruption has been spread throughout the world in the sea and the land on the account of men's wrong deeds allah has let it be so in order that the whole society taste the consequences of giving in corruption and wrongdoing and that they may repent and amend themselves by turning to the truth (*room*,41)

--- . and whatever misfortune befalls on you people ,it is result of your own needs (*shora*,30)

(Tabatabaei,1374,4,p185). In fact , the public supervision in a religious community guarantees the durability and survival of the community and is considered as a strong power for fighting corruptions and degradations and in case all the muslims could modify the society by it, they could solve greatest of problems and put away the obstacles for perfections . indeed, the secret for the survival of civilizations and governments is fulfilling this important duty and the nations not considering this action, would be destroyed. Perhaps the destinies of the past tribes of aad, samoud and lout dependent on this subject. In this case ,quran expresses “there should be from among you a group who call mankind to virtue and enjoin what is good and forbid what it wrong ; and they are those who shall receive salvation “ (*aal-imran chapter, verse 104*). According to holy quran, some people are silent and have nothing to do with others and don't accept responsibilities. These people are among the public people , as well as specific ones and they harm societies. Due to their own benefits, they only view the destruction of the community because of prevailing degradations. About them ,quran says: “ so when they forget the the warning ,we we saved those who forbade evil and seized the evil-doers with a dreadful. torment because they were disobedient “ (*Al-a,raaf , verse 165*) .

Conclusions:

In the divine social system, the responsibilities of citizens are related to admonitions and dissuasions. Undoubtedly these actions are based on the clear nature of human beings , and they are the duties of responsible citizens. They are considered for modifying the community and solving problems and are the best ways for the prosperity of the society and individuals and are the most superior facilities for preserving to citizens' rights

bibliography:

- [1]. Holy quran, translation by tahereh saffar zadeh, osveh publisher,qom,1383
- [2]. Ibne manzoor, jamal-al-din mokarram,lesan-al-arab, dar-e-ehya publication , Beirut,1418Q
- [3]. Javadi aamoli, abdolla, philosophy of human rights , israa publication, qom,1377
- [4]. Jaafari, mohammad taghi ,philosophy of political principles in islam, nahj-al-balaghe foundation, Tehran, 1373
- [5]. Ragheb-e-esfahani, hosein, mofradat fi gharib-al-quran ,dar-e-ehya publication,Beirut, 1423Q
- [6]. Tabatabaei,sayyed mohammad hossein, tafsir-e-al-mizan, translated by m.mousavi hamedani, Islamic institution publication,Qom,1374
- [7]. Mesbah yazdi,mohammad taghi, law and politic in quran, institution of imam Khomeini publication, Qom,1377
- [8]. Montazeri, hossein, legal bases of Islamic government, translated by ab.shakoori, keyhan publication,Tehran,1370

The Responsible Man: Some Limits

Md. Iqbal Shahin Khan

Introduction

Allah has created all living and nonliving beings in the universe. Among them human being is His greatest creation. All other beings except human being are created for the welfare of human being. Human being is created for the worship of Him. Allah has taught human being how to worship, how to live in this world, how to prepare oneself for here after life. Concerned with good as it is, Islam gives this tremendous social force a purpose. It must be used for promoting good, truth and justice and checking evil and injustice. That is the essence of *amr-bil-maroofo-wa-nahi-anil-munkar*. And Quran declares it as the defining mission for this ummah: “You are the best community that has been raised for mankind. You enjoin good and forbid evil and you believe in Allah.” [Aal-e-Imran,3:110].

At another place Qur’an declares promoting good as an attribute of believers and promoting evil as an attribute of hypocrites:

“The believers, men and women, are protectors of each other: they enjoin what is right and forbid what is evil.” [Tauba, 9: 71] On the other hand, “The hypocrites, both men and women, proceed one from another. They enjoin the wrong and forbid the right...” [Tauba, 9: 67].

This training is made by His revelation carried by more than hundred thousand messengers known as prophets. Among them four prophets are very significant such as Hazrat Dawood (AS), Hazrat Musa (AS), Hazrat Isa (AS) and Hazrat Muhammad ((PBH). Hazrat Muammad (PBH) is the greatest and the last prophet. Prophet (PBH) is the greatest responsible man in the earth who carried out his duties successfully. Muslims have not come in this world only for eating, drinking and sleeping. He has a mission, mission of a responsible man what our prophet (PBH) taught us to do through sahabis, tabeyeens, tabe tabeyeens and at present ulemas. Ordering right and forbidding wrong is an individual obligation upon one who personally witnesses or is in the presence of wrongdoing. This is based on the statement of the Prophet (PBH): “Whoever among you sees wrongdoing (*munkar*), let him correct it with his hand. If he is unable to do that, then let him correct it with his tongue. If he is unable to do that, then let him correct it with his heart and there is not a single grain of faith beyond that.”

We as muslims must abide by these duties. Apparently it seems to us that to be a responsible man is very easy but we can find there are some limitations. The purpose of the paper is to identify some limits of responsible man. The limits of responsible man are as follows:

Limits in Acquiring Traits

In order to carry out ordering what is right and forbidding what is wrong, an individual must develop various traits within themselves:

Knowledge: It has been said: “Whoever worships Allah without knowledge corrupts more than he sets right.” Especially in this area it is critical to have sufficient knowledge in order to be sure that one is calling to what is right and also prioritizing correctly for example not criticizing another on some small details or ritual (possibly even issues where there is significant difference of opinion) while neglecting other much more serious issues such as associating others with Allah in worship or in legislation.

True Intention: This act of worship of being responsible man must be done solely out of desire for Allah's pleasure. Any other intentions or motivations will corrupt the act and cause it to bear no fruit or to have negative consequences.

Justice: In doing mission of responsible man there is possibility of mistreatment. There is no place of exploitation in Islam. Allah says, “There is no compulsion in religion.” [Al Baqarah, 256]. However, one must maintain justice in every sphere of life. Allah declares, “Verily! Allah

commands that you should render back the trusts to those to whom they are due; and that when you judge between men, you judge with justice. Verily, how excellent is the teaching which He (Allah) gives you! Truly, Allah is Ever All-Hearer, All-Seer.” [An-Nisa, 58].

Patience: It is a great quality of a muslim. If one wants to be a responsible person, he must have patience. We know that our prophet (SM) along with other prophets have given their serious tests of patience to Allah in carrying out their duties for amr-bil-marooif-wa-nahi-anil-munkar.

The caller must begin with himself and beware of falling into being two-faced - calling to things which he himself does not fulfill. Allah described those who do this as being “senseless” or without intelligence.

Confined to Muslims

The responsible man here is not the man other than muslims. The question arises why Allah says to muslims, why He did not deliver the duties to non-muslims. It has several implications: i) Allah knows that only muslims can carry out this responsibility. ii) Allah does not want non muslims get this kind of prestigious responsibility. iii) Without being a muslim other cannot be eligible for this responsible work as Islam is the only valid religion at present.

Moreover, after arrival of Islam other religious principles and values are suspended. The messengers and prophets of other religions have arrived in this world only for particular dynasty, period, or region. However, our prophet’s mission of making responsible man will continue through his followers until the resurrection comes.

Defining Good and Bad Deeds

What actually we mean by good deeds and wrong deeds. It is a burning question as there are also different views about this. This also varies from society to society and culture to culture. In Islamic perspective, good deeds are those kinds of human actions which are compatible with Islamic shariah. In other words, one’s action is considered good if one acquires knowledge of Allah and prophet (PBH) and acts thereby.

It is easy to do the first part of a responsible man’s work. But it is very difficult to be a second part i.e., protector of wrong actions. It is not an easy duty and anyone who fulfills it will be met with rejection, mistreatment and abuse. Luqman said to his son:

“Dear son: establish the prayer, order what is good and forbid what is wrong and be patient with what befalls you - this is among the firmly commanded issues.” [Luqman: 17].

Contradiction with the Human rights

It contradicts with the human rights, a slogan presently practised and assumed in the context of Western system. There may have a contradiction with the present day so called civilization process and as there is a system of underlining freedom of speech even if it goes against fundamental beliefs of Islam. Yet we see a growing attitude in the Muslims in the West under the influence of this slogan of freedom. It effectively says: “This is my life, leave me alone.” But we must remember that the Islamic society is the only society with a declared mission of promoting good and forbidding evil. Its definition of good and evil is not subject to the whims and desires of every generation or the perceived interests of a nation-state either. They are permanent concepts as defined in its unalterable sources: Qur’an and Sunnah. We know that the Qur’an approves the policies as for example, the murder for murder policy and even cutting one’s hand for stealing. However, these Qur’anic policies are criticized by the West as the violations of human rights. This is why they label muslims the titles of fundamentalist and terrorist etc. But we as muslims must have conviction that Allah knows better than us. Apart from this in a world of moral relativism these permanent values revealed by Allah are the hope for the whole mankind.

Conclusion

Although there are limits of being responsible man, there should have a continuous attempt to overcome these limits. And it is possible for human being as Allah does not give any responsibility to us beyond our capacity. To achieve this goal we all muslims ought to have true motive and sacrificing tendency.

Literacy for Empowerment: Socio-economic and Health promotion programs among Islam rural women in India.

Dr.Mohammed Najeebullah, HOD of Health and Physical Education, NBKR College, Vidyanagar, Nellore Dist., AP, INDIA.

Dr.P.Venkatesu, lecturer in physics, NBKR College, Vidyanagar, Nellore Dist., AP, INDIA.

BACK GROUND: All religions honour women and value their paramount role in the family as well in the society. Today, to empower women and enable them to effectively utilize their abilities and contribute to socio-cultural development and Nation building, side by side with men, we must focus our attention to protect and safe guard their rights and oppose all acts of violence against them. The quality of life of the people is the most important indicator of the socio-economic development of all societies. In India to adopt messages relating to small family and better quality of life- education, health and socio-economic interventions and their values in achieving the goals are set forth in National health and population policy. Significance of education and its integration at all levels of education has been accorded high priority. In the common perception literacy is equated with the signing of one's name. The National literacy mission defines literacy as acquiring the skills of reading, writing and arithmetic and the ability to apply them to one's day-to-day life. The noble prize winner AmartyaSen in his book, "The argumentative India", while speaking of the stupendous success of east and south countries has attributed it to mass participation in economic expansion through policies like extensive schooling, high literacy, good health care, wide spread land reforms and some considerable fostering of gender equity through female education and employment.

Millennium declaration explicitly recognizes that the equal rights and opportunities of men and women must be assured and millennium development goal 3, specifically addressed the promotion of gender equality and women's empowerment. In addition, gender equality is recognized as key in achieving all eight goals. Violence against women (VAW) was said to be widely accepted socially and culturally. This was recognized with millennium declaration of September, 2000, in which general assembly of United Nations resolved "To combat all forms of VAW and to implement the convention on the elimination of all forms of discrimination against women". Such violence is intimately associated with complex social conditions such as poverty, lack of education, gender equality and health concerns.VAW occurs in all social and economic classes, all religions, but women living in poverty are more likely to experience violence. There is no exception for Islam Women in India violence is concerned; mostly they took physical, sexual, emotional and domestic forms of violence. According to available census National female literacy rate is 54.6%, which is 3.73% lower to National literacy rate in Andhra Pradesh (50.43%). In case of Islam female literacy rate is only 14.38% in Andhra Pradesh, which is lower to 39.78% and 36.05% to National and state female literacy rate. The down turn in Islam female groups' socio-economic and health perspectives has formulated for application of this research.

Objectives: The objectives of this project are aimed at promotion of rural Islam women's social and economic perspectives has formulated through application of this research.

Methods and Materials: A community based pro-active research is under taken by the social organization with 300 Islam women from rural site of Anantapur dist.,AndhraPradesh,India,who experienced the problems of socio-economic, health and gender based violence(GBV) as focus group. This is an on going research project from June, 2010. This presentation describes social, economic, educational, GBV and health profiles of the target group and the interventions selected for empowerment.

Table 1

Social, economic, literacy and GBV profile of the participants

S no.	Variable	Group	Number	percentage
1.	Age	18-30	197	65.7%
		31-45	103	34.3%
2.	Marital status	married	238	79.3%
		Unmarried	24	8%
		Widows	27	9%
		Diverse	11	3.7%
3.	Education	illiterate	42	14%
		Presecondary edn.	174	58%
		Secondary edn.	46	15.3%
		Religious edn.	38	12.7%
4.	Occupation	agriculture labour	132	44%
		Vegetable sellers	39	13%
		Petty business	48	16%
		Cattle work	43	14.3%
		House servants	38	12.7%
		below Rs.25000	168	56%
5.	Income level	Rs.25000-Rs.35000	89	29.7%
		Above Rs.35000	43	14.3%
		physical abuse experience	68	22.7%
6.	Victims of GBV	sexual abuse experience	96	32%
		psychological abuse experience	84	28%
		Free from GBV exp.	48	16%

Table 2

Health related profile of the participants

s no.	Parameter	access	No access
1.	Reproductive health		
	Services and knowledge	68	232
2.	Spiritual health	104	196
3.	Primary health care	41	259
4.	Social health	47	253
5.	Clean drinking water	112	188
6.	Sanitation facilities	97	203

Selection of Intervention Models:

Supportive model interventions: Integration of income generating activities for economic empowerment, literacy programs for intellectual empowerment, training for communication and pro-active programs for health status promotion.

Treatment model interventions: Spirituality, health promotion programs and income generating self help groups (SHG's) programs.

Results: The project demonstrated significant progress in health related issues, social and economic perceptions.

Table 3

Results of health related interventions

Measurement area	pre intervention	post intervention	Mean dif.	t	sig
Mental health	2.9	5.2	2.3	1.284	0.10
Spiritual health	4.1	6.8	2.7	1.650	0.05
Socio health	3.2	5.4	2.2	1.284	0.10
Emotional health	3.1	5.6	2.5	1.652	0.05
Intellectual hea	3.4	5.8	2.4	2.289	0.10
Reproductive Health knowledge and practice	3.8	6.9	3.1	1.648	0.05

Table 4

Results of economic status interventions

Increase in income	number	mean	SD	paired 't' value
Before joining SHG's	300	1965-00	2436-97	
After joining SHG's	300	2472-52	1954-65	1.682

Significant at 0.05 levels

Discussion: Results in table 3 and 4 clearly indicates that the interventions implemented have very significant on Rural Islam women's socio economic and health perceptions. The findings of Sindhuja and Sridevi (2010) has high correlation in increase in income levels after joining SHG as well as health perspectives reproductive and mental health.

References:

1. Sindhuja.p and Sridevi.v, (2010) "self health groups and economic empowerment", Indian journal of population education, 53, april-june, 2011.
2. TeSoriero.f, 2006."Strengthening communities through women's self health groups in south India", community development journal, vol 41, no 3,
3. Ahmad and Anis,"women and social justice", royal publishers New Delhi, 1996.
4. claudiagarcia-Moreno addressing violence against women and achieving the millennium development goals, World Health Organization, France 2005.

The Mutual Rights Between People and Statesmen From Imam Ali's Viewpoint

Dr. Mohammad Reza Aram ¹

Dr. Seyyed Taghi Kabiri ²

Abstract

One of the main discussions in "government and civil" subject, is the way statesman treat people and vice versa. since Imam Ali (peace be upon him) in his life and specially after the death of the prophet has dealt with this issue both theoretically and practically, clarifying his viewpoints on the mutual duties and rights between people and statesmen in order to provide an "Alawite administration" pattern will be a help.

Keywords: Imam Ali, rights, people, statesman

Introduction

One of the problems which is controlled by government of beginning society is governing and duties of people and statesmen.

Specially, this discussion today, by noticing the developing propaganda that is a tool for material governments to explain their deeds and treatments, is very important. On the other hand Islamic government which is the best way to govern in the world should provide its points of view clearly and widely. The best source to evaluate it is Imam Ali's deeds and his ideas. His life, especially the last 5 years, is full of blessing knowledge about government and governing and the best way to control a country. On the other hand his speeches and words in Nahj-ol-Balagheh are main guide-ways to governing.

In this article, only one aspect of governing, which is the mutual rights between people and statesmen in Imam Ali viewpoint and one of the most important issues, is dealt with. Imam Ali says in sermon 214; Nahj-Ol-Balagheh that the rights of people and government are very important. He also says:

«وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْخُفُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَةِ وَ الرَّعِيَةِ عَلَى الْوَالِي...»

Which means: one of the main and most required rights is the mutual right between people and statesmen.

We hope that our survey is a bit of whole, by God and Imam Ali's blesses.

The necessity of government in Imam Ali's view point

One of the human natural needs is society. It means that man is naturally a social creature. On the other hand society without good government is meaningless. Indeed government is an important need in society.

It is found that no society without a government could have strength; therefore, the government and state are necessities in a society.

In Islamic, government and its necessity are clear. And one of the clearest reasons to state is our prophet deeds in his 10-years-period in Medina. When our prophet Mohammad (peace be upon him), arrived there, first of all, he organized government and executed Islamic style. On that time, organizing an army, war and peace orders, agreements and contracts, economy and social applications and judicial organizations and execution orders; are examples for establishing a government.

1. Assistant Professor of Islamic Azad University (Central Tehran Branch)

Email Address: aram_mdrz@yahoo.com Cell Phone Nu.: 09123238418

2. Assistant Professor of Islamic Azad University (Khoy Branch)

Email Address: kabiri_stk@yahoo.com Cell Phone Nu.: 09141411304

Therefore government and religion aren't separate and these are the base of Islamic style and are similar. One of the main reasons for importance of government in Islamic is Imam Ali. He always mentioned the importance of government in our life and said that it is the main problem in human life. Therefore, he fought Khavarej idea that said: "we don't need a government since we have Quran.

He replied to them:

"It is a true speech but comes out of an untrue will. Yes it is true that is no command except God's. but they say government belong to God only; and they don't know people need a statesman whether good or evil, so that people do their works and unbeliever gets benefit and all of them live by him, and he gathers taxes. by his help, people can fight the enemies, the roads are secure, he gets poor people's rights, the good and honest people are in peace and people is safe".(Nahj-Ol-Balagheh, 40 sermon)

Imam Ali, indicated in alone mentioned words, statesmen and government should be determined; people are obliged to have them, weather honest or bad. And he indicated the different between a good and a cruel statesman, in another statement:

But, when the statesman is a good person, abstemious will have done well, when statesman is a bad person wicked will have profit until he dies or reach-s the end".(Nahj-Ol-Balagheh, 40th sermon)

Another statement of Imam Ali:

«فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلَاءِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاءُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ»

It means:

"If the statesman and government are not well, the people will be in hard condition and people should be firm, until the government will be pious"(Nahj-Ol-Balagheh, 216th sermon)

Therefore, in Imam Ali's viewpoint firstly, the government must be in society and the best government is the honest one. And he indicated that the government is not a place for ambition but justice and rights of people in God's way.

His deeds proved these words and he knew the government as a need, he was a statesman for 5 years and always tried to execute the Islamic commandments. The Mareghin, Gasetin, Nakesin wars are clear example for his deeds.

Imam Ali was left at home for 25 years and didn't say anything but he believed in government and he tried to protect Islam and he tried to avoid division between people.

He says after killing Talheh and Zobeir:

"Now, I break my silence and I will state telling words. Nobody is to disobey my orders. I never doubted the truth (and if I was away for a while that was not because I was afraid or doubtful about any truthfulness. My fear was as Moses')

«لَمْ يَوْجِسْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْفَهُ عَلَى نَفْسِهِ بَلْ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجُهَالِ وَ دَوْلِ الضَّلَالِ...»

Moses didn't fear himself; his fear was of victory of the ignorant and people being misled. (Nahj-Ol-Balagheh, 4th sermon)

Part one: People's rights to statesmen

One of the main problems, nowadays, is relation between people and statesmen and government responsibilities. "Do the statesmen have duties for people?" Is a question that is related to this if the answer is yes, another question arises that what are these duties and what are the people rights to statesmen?

A lot of answers by a lot styles are to answer but none of them can be compared to Islamic viewpoint. For this reason we try to survey about people rights to statesmen in Imam Ali's viewpoint:

1. Justice establishment

One of the problems which interests human and one of the special needs in human life is justice. Specially, it is a basic need to social life and society. And, if a society doesn't have justice base, it will be destroyed.

Justice in government belongs to Islam and it is an important issue and indeed Islam is restoring justice. Quran says that one of the main goals to our prophet was justice establishment:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

It means:

"We sent our prophet by clear reasons and we gave them the book and the balance so that people would set up justice." (Hadid Sura, 20th tradition)

One of the special characteristics in Ali majesty is his act and his ideas which are composed by justice; especially his 5-years-old government and his shiny statements on justice.

Imam Ali in Shaghshaghieh speech, after declaring bad late political event, says that he accepted the government because he wanted to demolish the oppression and take the oppressed right back.

«لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ التَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا أَنْ يَقَارُوا عَلَى كَظِّهِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْقِيَتِ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقِيَتْ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوَّلِهَا...»

It means: "if it wasn't for the great demand and for God's order to the thoughtful, I would draw aside like the first days." (Nahj-Ol-Balagheh, 3rd sermon)

He didn't ignore justice and he didn't sacrifice justice for politics. Therefore, when some friends came to him and asked him not to be just, as Moavieh was, he replied:

"You want me to acquire victory by oppression; you want me to sacrifice justice for politics. No, I swear; I don't act like this, me and discrimination (unjust), me and demolishing justice?! Even If it was my own property and I wanted to distribute it between people I wouldn't be unjust, let alone the fact that it's all God's property." (Nahj-Ol-Balagheh, 126th sermon)

He also wrote a letter to Yamane's statesman and recommended him to be just to people and said:

«فَأَنِّي أُوصِيكَ بِالْعَدْلِ فِي رَعِيَّتِكَ وَ الْإِحْسَانِ فِي مَمْلَكَتِكَ...»

"Therefore, I recommend you to be just to your flock and god in your land."

(Saiedi hosseini, p621)

He ordered all people to just in both words and in deeds. For example:

"Valid-Ebn-Agbeh in koofeh was a statesmen and he drank wine a lot and he went to mosque and said prayers sang a song and said that he is happy, if they want-ed he would pray more and then people were worried and Osman was aware of this event but he ignored it. When Imam Ali became aware he told Osman that valid should be away from government and he should be punished when the problem was prove, Osman send a person to punish Valid. But Valid reminded him that, he is family and Osman couldn't punish him.

Ali (peace be upon him) became angry and punished Valid himself" (Masoudi, p335)

Yes, Imam Ali was just and he had no fear of anyone and he taught others justice.

2. Paying attention to guidance people

The main goal of man creation is going to reality and God's way and to reach the perfection and all of our prophets had this goal. Also, government in Islamic viewpoint is a mean to reach the ideal perfection for society by means of religions government.

The main goal of statesmen should be guidance of people in their words and deeds. On the other hand statesmen should be as a captain in society deluge and guide it to reality and the right way.

Ali Majesty was the main statesman and he guided people to truth and reality and he recommended: O different people who have different hearts, I wanted to guide them to truth and God and you escaped from it such as a goat from a lion". (Nahj-Ol-Balagheh, 131st sermon)

Also, our majesty in 34th sermon says clearly that one of the human rights to statesmen is learning and teaching:

«فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا»

"It means: and now, your right to me is learning and teaching so that you aren't ignorant". (Nahj-Ol-Balagheh, 34th sermon)

Specially, Imam Ali knows government as a mean to God's religion and he fought anyone who considered the government as a position for himself, only. He said always taking human rights is a main goal for governments and also he said:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا تِلْمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ وَلَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرِ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ...»

"My God, you know, whatever we lost was not for government and power, but we wanted to correct the cities and perform religion." (Nahj-Ol-Balagheh, 131sermon)

3. Advising and benevolent

In Islamic and religions governments, statesmen are examples for people, they should have special morality such as advising and benevolent because they are as a father who wants the good for people. Ali majesty is a special example to the world and his sermons are full of advisability and benevolence, for this reason he said that benevolence is the first special morality for statesmen and he said that:

«فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ...»

"And now your right to me is benevolence"(Nahj-Ol-Balagheh, 34sermon). This special moral term makes him on advisor in Nahjil-Balagheh. And statesmen should follow Imam Ali and be advising and benevolent for people. Seyyed Razi gathered 239 parts of sermon, 86 parts of them are advising and including advising speeches, and 79 parts are letters and 25 of the letters are Advices and have some recommendations and explanation (Motahari Mortaza, p198). Ali (peace be upon him) in Saffien war had a sermon about statesmen and human rights where he considers advising as a right of God.

«وَلَيْكُنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيَّ الْعِبَادِ التَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ»

"One of the God's rights to people is advice and recommendations"(Nahj-Ol-Balagheh, 216th sermon)

Therefore, people's rights to statesmen is the statesmen being advisor and benevolent.

4. To be kind to people

There is no doubt, kindness is a good morality and the statesmen should have this attribute, because they should introduce our prophet Mohammad and God said in Quran about this:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»

"In deed, your prophet cares about you, because he should worry about you and be kind to you"(Tobeh Sura, 128th tradition)

Ali majesty was a sensitive and kind sample to others and he encouraged this characteristic and he endeavored to be kind by poor people and orphans and said that statesmen are as fathers to orphans.

Habbib _Ebne_Ali Sabet said that some honey was brought, and Ali majesty ordered to gather orphans and divided it among them and poor people and some asked why? He said that: Imam should be after the orphans and I am a father to them". (Hosseini saidi, p272)

Statesmen should be kind to all people. He should be determined to face society violators.

It was narrated that one day Ali was passing by, a poor old man was there and he was a beggar and Imam Ali asked:

Who is he? People said he is a Christian; Imam Ali became sad and said:

«اسْتَعْمَلُوهُ حَتَّى إِذْ كَبُرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ، أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ»

When he was powerful, you wanted him for action and doing work but now he is an old man and unable, you don't help him, I order to provide him a living out of the treasury. (Horr-Ameli, p49)

5. Collecting treasury and protecting it

Islam is a religion which emphasis on people's right and statesmen must guarantee protecting it and they are responsible, Treasury is a problem in governments, therefore one of the statesmen duties is collecting treasury and protecting it.

Ali majesty, when reached the treasury, emphasis on it, a lot. He sent a letter to a commander who was treacherous and said:

"After thanking and praying God, I made you responsible of treasury. I know you as a friend and you give me deposit, and now your cousin is a defeater and you are an enemy to him...."

"You don't pay attention to religion and you don't know God and you think you are right and you cheated people and their treasury and you are as a wolf that attacks the treasury....."

Imam Ali ordered him to return the treasury and he said if Imam Hassan and Hossein had done a she did, he would order them to do the same. he said:

"You should fear God and return the treasury, if you don't do this and God helps me, I would kill you and send you to hell. I swear if Hassan and Hossien were as you, I would do the same...."(Hosseini Saiedi, p167, 168)

Basically, in Imam Ali's logic, the statesmen should be a watch man and honest to people's rights and he should not be weak in it. Then, Ali cleared his style about treasury, first of all. In one of his sermons, he said: "I swear if I find some of treasury which is used by Osman harmfully, I will return them to people, owen woman, because justice should be executed...."(Nahj-Ol-Balagheh, 15th sermon). Our majesty was honest about treasury, in all period of his life. This word is clear in his sermons and letters. Some examples of his serious acts about treasury are: turneding off the light, when he was speaking to Talheh and Zobeir, taking a necklace out of the treasury by his daughter, Ome-Kolsoom and his anger, and logic and putting iron on the fire and laying it on his brother hands: there are some examples in Nahjol-Balaghe (25-2-27-4) and 40 sermons about his serious acts.

6. Security and peace

One of the aspects which ensures the society durability and strength is security and the statesmen should provide security and pace to society in their schedule.

In Ali's logic, security and peace are important aspects for statesmen, it means that statesmen have a lot of duties and security is one of them. Basically, if statesmen are just no one is exceeding their rights. He said about it:

"people need statesmen ... who keep treasury and fight the enemies, the roads are secure, weak and poor people's right taken by them and people live in a secure society"(Nahj-Ol-Balagheh, 40th sermon)

Another place he gives his reasons in accepting the government and statesmen characteristics are clear by him one of these characteristics is security and peace in live for people and he said:

«وَلَكِنْ لَتَرُدَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهَرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ....»

"Because, we wanted to return religion and provide justice in cities..."(Nahj-Ol-Balagheh, 131sermon)

7. Fighting the obstinate of the society

Any society needs guide and leader in a right way, because some people try to collect negative thoughts and debts and create opposition until the society demolishes therefore, statesmen have important role in society and have to fight the obstinate. Then statesmen should have clear look at obstinate, especially bad thoughts and they should try to fight t them, but it doesn't mean that freedom is limited and people can't talk easily. Ali majesty fought in his 30

years old, after Mohammad prophet, especially 5 year in government are good examples for Islamic statesmen and Muslim people, in new centuries.

On of the known wars is the Marejin. Marejin of khavarej believed that there isn't any power without the power of God.

They tried to fight Imam Ali. He tried to guide them but with no use they and he fought them.

It is said that, his friends tried to fight Nahravan Khavarej but he refused and said:

"If they are silent we don't have to fight, if they want to talk to us, we would talk but if they create sedition, I will fight them". (Dr. Nuri jaffar, p113)

8. *being strict against delinquencies*

All of the statesmen in order to execute law and justice should be decisive and to attire it, they should be kind but decisive.

Basically, one of the special conditions in Quran to our prophet and his pioneers is being decisive :(Fath Sura, end of it)

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (Fath sura , 29 tradition)

Also, Imam Ali tried to emphasize on this point and his government was a decisive one. He said don't follow Talheh and Zobeir, and he said:

"I swear, I'm not as an unbeliever, no, I control them and I fight them and I continue this till my death." (Nahj-Ol-Balagheh, 6th sermon)

He was kind man and he tried to endeavor his murderer kindly and always tried to be decisive, at the same time.

Imam Ali said:

«لَعَمْرِي مَا عَلَى مَنْ قِتَالِ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ، وَخَابَطَ الْعَى مِنْ إِذْهَانٍ وَلَا إِيْمَانٍ»

I swear I won't be frail against oppressors and misleaders."

(Nahj-Ol-Balagheh, 24th sermon)

Part2: The right of statesmen to people

We can say Islam is a style that has mentioned mutual rights of any thing, Foe example it has mentioned fathers and children's rights, also. In government, the right of statesmen to people and vice versa, was mentioned in Islam. So, Islam is real religion; it is complete, comprehensive and multi-dimension. We indicate some of statesmen rights to people and survey about it, in Imam Ali viewpoint:

1. *Fulfilling promises*

Human creation, in Islamic viewpoint is linked with fulfilling promises. Our God takes an oath with human. But, fulfilling promises is more important than the promise it self specially, if our promise is related to life, it would be more important.

Quran said that one of lewd characteristics is breaking promises and said:

«وَمَا يَضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ * الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ...»

"Some one who breaks God's promises will be misled..."

(Bagareh Sura, 26, 27th traditions)

And, in contrary, Quran said that fulfilling promises is a good specification and for honest people:

«وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»

"When you give a promise, you should fulfill" (Bagareh Sura, 177th tradition)

Our Imam Ali said a lot about breaking promises. The Shaghshaghieh Sermon of Ali is related to this word. It this sermon, Ali complaint about government and his patience it and people promises:

"... and when I accepted the government (when people wanted me) some people broke their promise and didn't obey me and some wanted the government to be unbeliever"(Nahj-Ol-Balagheh, 3th sermon)

He says that fulfilling promises, by people, is statesmen right:

« وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بِالْبَيْعَةِ.....»

"And, my right to you is, fulfilling your promise"(Nahj-Ol-Balagheh, 34th sermon)

There is no doubt; if statesmen break their promises they would be defeated. But, if people are close to him and fulfill their promises, they could gain a victory.

Ali majesty said about his pioneers:

"You should know, I swear, they would gain a victory (Mavieh and his friends) but the right belongs to you. They are quick and diligent, but you are slow and weak. Then, he is reminded Mavieh's pioneers, fulfilling their promises:

"O everyone who is present and their intellect is absent, while you have different goals, your leader obey God and you are enemies with him, but their statesmen sins and they still obey him but you don't obey me.

I swear; I like to change you, by his hate, Mavieh, as changing Dinar to Derham, 10 of you to one of them ..."(Nahj-Ol-Balagheh, 97th sermon)

2. Obedience

In Islamic government, statesmen should have special case. The society could gain victory, if they obey him.

Islamic history is full of bad events which are related to disobedience of statesmen and Islamic orders. The clear example is Ohod war.

In Ali's life, we see some problems which cause-d weak Muslims. It is said that when he knows about Noman-Ebn-Bashir aggression to "Ein-Al-Tamar", said:

«مُنِيْتُ بِمَنْ لَا يَطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَلَا يَجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ»

"I invited you, you refused, I'm getting in to difficulty with you..."(Nahj-Ol-Balagheh, 39th sermon)

Another place, he said warning Khavarej:

« وَ قَدْ كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ هَذِهِ الْحُكُومَةِ فَأَبَيْتُمْ عَلَيَّ أَبَاءَ الْمُتَابِدِينَ حَتَّى صَرَفْتُ رَأْيِي إِلَى هَوَاكُمُ ..»

"I prohibit-ed you but you were opposite and refused my order so that I would accept your word"(Nahj-Ol-Balagheh, 36sermon)

Some of his painful words are in Nahj-Ol-Balagheh. Therefore, when the people went to Sham, he mentioned his salary and cleared that they should obey him:

« وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ»

"And my right to you when I ask you, and when I give you orders, you should obey"(Nahj-Ol-Balagheh, 34th sermon)

3. Advising and being benevolent to statesmen

We said in part one, the statesmen should advice people and be benevolent to them. People should help him and advice him, as well and help him, to execute Islam orders.

Ali majesty is a good pattern, in 25 years before his governing, he always advice-d people and statesmen and he was benevolent.

He said, about the rights between people and statesmen:

« وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ»

"And your right to me is to advice me and to be benevolent to me, in clear and secretly"(Nahj-Ol-Balagheh, 34th sermon). He said, in Saffein war, after mentioning statesmen rights to people:

«فَعَلَيْكُمْ بِالتَّصَاحِبِ فِي ذَلِكَ وَ حَسَنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ»

"Then, it is necessary to advice each other and be competitor in it." (Nahj-Ol-Balagheh, 216th sermon)

4. Being justice to statesmen

Everyone likes other people to judge him fairly. Indeed, justice is a good moral case in man nature. Imam Ali said about it:

«أَلَا إِنَّهُ مَنْ يَنْصِفُ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا»

"Be aware! Everyone who was a just man, God honors them." (Kolini mohammad ebn Jacob, p 214)

The right of statesman to people is being just to him.

In Nahj-Ol-Balagheh, when Imam Ali hear-ed about breaking promises by some people, he said:

«أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حُرْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ لِيُغْوِيَ الْجُورَ إِلَى أَوْطَانِهِ وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلَ إِلَى نِصَابِهِ وَ اللَّهُ مَا أَنْكَرُوا عَلَى مُنْكَرٍ وَ لَا جَعَلُوا بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ نَصِيفًا»

"Be aware! Satan and his friends are ready to oppress and change the null to right. I swear, they have not seen anything bad about me and they don't judge fairly". (Nahj-Ol-Balagheh, 22nd sermon)

He said these words, because a lot of people weren't just to him. People said Ali doesn't say prayer; when he was suffering martyrdom in altar.

As statesmen should be just to people, people should be just to them as well.

5. being honest to statesmen

One of the good characteristics for a man is being honest and Islam emphasizes on it and says that if they take consignment, they have to return it properly.

Our God emphasized on it in Quran and invited people to be honest:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا»

"God orders you to return the consignment to them properly ". (Nesa sura, 58)

One of the largest right to man is honesty. In Islamic government, people should be honest to statesmen.

Imam Ali said and complaint in one of his sermons:

«... وَ بَادَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَ حِيَاثَتِكُمْ، وَ بِصَلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَ فَسَادِكُمْ فَلَوَائِمْتُمْ أَحَدَكُمْ عَلَى قَعْبٍ لَخَشِيتُ أَنْ يَذْهَبَ بِعَلَاقَتِهِ...»

"They are honest to their leader (Mavieh) and you are treacherous; they do good works and you do corruption. I don't dare to lend you anything because I'm afraid you won't give it back properly..." (Nahj-Ol-Balagheh, 25th sermon)

6. To be united for the truth

One of the main events in human history is the war between good and evil. Although the good is given a victory over evil, execution of the right in human societies belong to those who tried hard to do so. And if people want the government to be good, they should be close to statesmen and unite with them.

We have a lot of examples in history, that how people were avoided from good and disunion resulted. Just as, if bad people unite to each other, they could gain victory when the news reached Ali majesty that Mavieh gain a victory and Obeydolahebn-abbas and Saied-Enb-Namran, who were commands came back to Imam Ali, he said to reprimand them:

«أُنْبِئْتُ بُسْرًا قَدْ أَطَّلَعَ الْيَمَنَ وَ إِنَّ وَ اللَّهُ لَاظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ سَيَدُؤُنْ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِاطْلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنِّي حَقِّكُمْ...»

"I hear that Basar had gained a victory over Yamane, I swear, I know they will be victorious, because they were united and you are disunited in right way..."(Nahj-Ol-Balagheh, 25th sermon)
Also, when he heard that Mavieh took over "Tabar" city, said:

«فِيَا عَجَبًا! عَجَبًا. وَاللَّهِ. بَمِثِّ الْقَلْبِ وَ يَجْلِبُ إِلَيْهِمْ مِنْ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ...»

"It is a surprise, I'm very sad about it, because they gain-ed victory in an evil way while you are right but disunited"(Nahj-Ol-Balagheh, 27th sermon)

Therefore, statesmen should always execute the good and they need people to help them and to stay united with them and they will be just and their government will be just.

7. Protecting statesmen

In Islamic society, people should protect statesmen, always, so that they can do Islamic commands and take a victory over the problems.

Therefore, one of the statesmen rights to people is protecting them and they should obey and protect them till the end.

Unfortunately, in 5 years of Ali's government people didn't protect him and sometimes planned against him.

When he went to Khavaej camp, he said:

«أَكَلْتُمْ شَهْدَ مَعَنَا صَيِّينَ؟..... أَلَمْ تَقُولُوا عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ حِيلَةً وَ غِيْلَةً»

Weren't that you when you took Quran over your head and people of Sham ceased fire with you? (Nahj-Ol-Balagheh, 122nd sermon)"

It is a basic need to protect statesmen, always, because they can encounter the enemies. Them selves and if people don't protect their statesmen, all of them are going to be defeated.

In a sermon, Imam Ali said: "I swear; that bad people will be victorious, because they obey and protect their statesmen, always, but you are slow and feeble." (Nahj-Ol-Balagheh, 97th sermon)

Yes, protecting statesmen is an important right of them to people.

In the end, we remind that rights of people and statesmen which were mentioned in this research are only some parts of rights and the way and deeds of Imam Ali can be useful for further researches.

Conclusion

In Our survey about Ali's viewpoint and deeds in government, statesmen, and people rights, we conclude:

1. In Imam Ali's viewpoint, government is a need to our life and all people and societies should accept the government. The best government is the honest one.
2. The biggest right is the right of people to statesmen and vice versa.
3. people's right to statesmen are justice, guidance, advice and being benevolent, being kind, being honest, peace and security, fighting the oppression, being hard against offending.
4. The statesmen right to people is fulfilling promises, obeying them, advising and being benevolent, being just to them, being honest, uniting with them, and protecting them.

Bibliography

1. **Quran**
2. **Nahjol-Balageh**; Shahidi, Seyyed Jafar.
3. **Nahjol-Balageh**; Imami, Mohammad Jafar and Ashtiyani, Mohammad Reza; publication Imam Ali school-print:11, 1980.
4. **The introduction customs of Nahjol-Balageh**; Dashti; Mohammad; publication by Amir al momenin survey organization; first print, 1979.
5. **The subjects of Nahj-Ol-Balagheh**; Dashti, Mohammad; publication by Amir-Al-Momenin survey organization; first print.

6. **Al-Moajam-Al Mofhrs-Le-AlLafaz Nahj-Ol-Balagheh**; Dasht, Mohammad and Mohammadi, Seyyed Kazem; publication by Amir-Al-Momenin survey organization; 6 copy, 1986
7. **Vasayel-Al shieh**, Horre Amoli, Sheikh Mohammad-Ebn-Hassan
8. **Usool Kafi**; Kolini Mohammad Ebn-Jacob; translation by Mostafavi- seyed javad; publication by cultural office.
9. **Seyi dar Nahj-Ol-Balagheh**; by Motahari, Mortaza; publication by sadra, fourth copy, 1989
10. **Morooj-Al-Zahab**; Masudi, Ali-Ebn-Hosseini; translation by Payandeh; Abolgasem; publication science and cultural; fifth copy, 1985.
11. **Ali who is right mirror**, by Hosseini Saidi Seyyed Ebrahim, publication by Azar Abadegan; first copy; 1979
12. **Ali in front of enemies**; Nori, Jafar; translation by Eradati, Mohammad Saleh; publication by Egbal; first copy, 1973.